کتاب شریف

صحیفهٔ حُسَینیّه

مجموعهٔ مهمّی از نمازها، دعاها و زیارت هائی که از امام حُسین علیه‌السلام
روایت شده و یا دربارهٔ آن حضرت از بقیّهٔ امامان علیهم‌السلام نقل گردیده است

تألیف

سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی

مترجم

محمّد ظریف

سرشناسه : حسین بن علی علیهماالسلام، امام سوّم، ۴ - ۶۱ ق .
عنوان قراردادی : صحیفهٔ حسینیّه . فارسی ـ عربی
عنوان و نام پدیدآور : صحیفهٔ حسینیّه : ترجمهٔ الصحیفة الحسینیّة / تألیف سیّد مرتضی مجتهدی ؛
مترجم : محمّد ظریف؛
وضعیت ویراست : [ویراست].
مشخصات نشر : قم: الماس، ۱۳۹۹ .
مشخصات ظاهری : ۸۸۰ ص .
شابک: 1 - 4 - 96174 - 622 - 978 ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: حسین بن علی علیهماالسلام ، امام سوّم، ۴ - ۶۱ ق . --- دعاها
موضوع: حسین بن علی علیهماالسلام ، امام سوّم، ۴ - ۶۱ ق . --- زیارتنامه‌ها
موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Prayers
موضوع: زیارتنامه‌ها
موضوع: دعاها
شناسه افزوده: مجتهدی، سیّد مرتضی، ۱۳۳۳-، گردآورنده
شناسه افزوده: ظریف، محمّد، ۱۳۳۵-، مترجم
رده‌بندی کنگره: BP۲۶۷/۱
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۲۷۲۸۴
وضعیت رکورد: فیپا



صحیفهٔ حسینیّه

ترجمهٔ «الصحیفة الحسینیّة»

مؤلّف: سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی
مترجم: محمّد ظریف
ناشر: نشر الماس
چاپ : طه
نوبت چاپ: اوّل
تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۹
قطع و صفحه : وزیری / ۸۸۰
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
///

شابک : ۱ ـ ۴ ـ ۹۶۱۷۴ ـ ۶۲۲ ـ ۹۷۸ : ISBN

مرکز پخش: (۰۲۵۳ ۲۶۱ ۳۸۲۳) (۰۹۳۸ ۶۵۴ ۲۴۵۹)
سایت مؤلّف: پایگاه علمی المنجی www.almonji.com
پست الکترونیکی : info@almonji.com


بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

چند سوره از قرآن کریم

سورهٔ یس ۲۳
سورهٔ الرحمن ۳۱
سورهٔ واقعه ۳۵
سورهٔ جمعه ۳۹
سورهٔ ملک ۴۱
سورهٔ نباء ۴۴
سورهٔ اعلی ۴۶
سورهٔ فجر ۴۷
سورهٔ شمس ۴۹
سورهٔ شرح ۵۰
سورهٔ قدر ۵۰
سورهٔ زلزال ۵۱
سورهٔ عادیات ۵۱
سورهٔعصر ۵۲
سورهٔکافرون ۵۲
سورهٔ نصر ۵۳
سورهٔتوحید ۵۳

سورهٔ فلق ۵۴
سورهٔ ناس ۵۴

مقدمه

پیشگفتار ۵۶
وجوب زیارت مولای ما حضرت ابا عبد الله؟ع؟ ۶۰
وجوب زیارت آن حضرت بر بانوان با ایمان ۶۰
ثواب زیارت امام حسین؟ع؟ ۶۱
کسی که آن حضرت را زیارت کند در حالی که معرفت به حقّ ۶۶
کسی که آن حضرت را زیارت کند گویا خدا را در عرش زیات نموده است ۶۶
کسی که آن حضرت را زیارت کند در بهشت همسایه پیامبر؟ص؟ و... خواهد بود ۶۷
مقام و مرتبه زائرین آن حضرت در روز قیامت ۶۷
زائر امام حسین؟ع؟ اگر چه شقی باشد سعید نوشته شود ۶۷
امام حسین؟ع؟ به زیارت زائر خود بعد از وفات او رود ۶۸
مؤکّد بودن استحباب زیارت آن حضرت در مناسبتها و ایام شریفه ۶۹
مؤکّد بودن استحباب زیارت آن حضرت در هر روز عید ۶۹
فضیلت زیارت آن حضرت در هر ماه ۷۰
زیارت آن حضرت افضل اعمال است ۷۱
زیارت آن حضرت احسان به رسول خدا و اهل بیت؟عهم؟ است ۷۱
زیارت آن حضرت باعث زیاد شدن روزی و عمر است ۷۱
زائر امام حسین؟ع؟ فردای قیامت شفاعت خواهد کرد ۷۲
با زیارت آن حضرت گناهان پاک شود ۷۲
ثواب زیارت آن حضرت در حال ترس و وحشت ۷۳
ثواب کسی که پیاده به زیارت آن حضرت رود ۷۳
بیان مدّتی که جایز است تأخیر نمودن در زیارت آن حضرت ۷۵
بیشترین مقداری که تأخیر در زیارت برای فقیر و ثروتمند جایز است ۷۸

کسی که اهل کوفه باشد و به زیارت آن حضرت نرود ۷۸
ترک زیارت امام حسین؟ع؟ جفا است ۷۹
تعجب است از کسی که میپندارد شیعه است و به زیارت آن حضرت نرفته است ۷۹
کسی که زیارت امام حسین؟ع؟ را ترک کند ۸۰
بیان علّت اختلاف در ثواب زیارتها ۸۲
اجابت دعا در زیر گنبد منوّر آن حضرت؟ع؟ ۸۸
رأفت حسینی ۹۰
ارکان چهارگانه مهم در زیارت امام حسین؟ع؟ ۹۵
۱ ـ توجّه داشتن در حرم امام حسین؟ع؟ ۹۵
زمین کربلا در میان باغهای بهشت همانند کوکب درّی میدرخشد ۹۵
حرم و چه میدانی حرم چیست؟ ۹۶
۲ ـ توجّه به آثار زیارت ۹۸
شوق اهل آسمانها برای زیارت امام حسین؟ع؟ ۹۸
۳ ـ توجّه به علوم و معارفی که در متن زیارات موجود است ۹۹
۴ ـ عمل کردن به آن چه در زیارات خوانده میشود ۱۰۳
اول مظلوم عالم در این عصر و زمان ۱۰۶
اجر و پاداش گریستن بر سرور شهیدان حضرت امام حسین؟ع؟ ۱۰۸
علّت عطا کردن اجر و پاداش زیاد برای گریه بر امام حسین؟ع؟ ۱۱۹
جزع و بی تابی و ناله و فریاد در دعای امام صادق؟ع؟ ۱۲۲
کوبیدن امام سجاد؟ع؟ صورت مبارک خود را بر دیوار ... ۱۲۳
کور شدن چشم حضرت امّ البنین؟سها؟ بر اثر زیادی گریه او بر سید الشهدا؟ع؟ ۱۳۱
گریه آسمان و زمین و... بر مولای ما حضرت اباعبدالله؟ع؟ ۱۳۲
کسانی که به دنیا بی اعتنا هستند و در آن زهد میورزند ۱۳۵
کسانی که به دنیا و آخرت اعتنایی ندارند ۱۳۵
گریه و عزاداری و مرثیه سرایی در عصر ظهور ۱۳۶
روایت مهمّی که بر ادامه عزای سید الشهداء در ایام ظهور، دلالت میکند ۱۳۷

(۱) نماز امام حسن و امام حسین 8 ..... ۱۴۳
(۲) نماز امام حسن و امام حسین 8 ..... ۱۴۳
(۳) نماز امام حسن و امام حسین 8 ..... ۱۴۴
(۴) نمازی در امور مهم از حضرت سیّد الشهداء 7 ..... ۱۴۹
(۵) نماز حاجت در حرم امام حسین 7 ..... ۱۵۰
(۶) نمازی مهم برای حاجاتی بزرگ در حرم امام حسین 7 ..... ۱۵۱
(۷) نماز زیارت امام حسین 7 ..... ۱۵۲
(۸) نماز زیارت امام حسین 7 ..... ۱۵۶
(۹) نماز هنگام گرفتن تربت ۱۵۹
(۱۰) نماز در کنار سر مبارک امام حسین 7 ..... ۱۶۱
(۱۱) نماز در محلّ سر مبارک امام حسین 7 در حرم امیرالمؤمنین 7 ..... ۱۶۱
(۱۲) نماز و دعا در محلّ سر مبارک امام حسین 7 در حنّانه ۱۶۴
(۱۳) نماز هدیه به حضرت ابا عبد الله الحسین 7 ..... ۱۶۵
(۱۴) نماز روز دوشنبه ۱۶۶
(۱۵) نماز در نخستین روز از ماه محرّم ۱۶۶
(۱۶) نماز در شب عاشورا ۱۶۹
(۱۷) کسی که در شب عاشورا صد رکعت نماز بخواند ۱۷۰
(۱۸) کسی که چهار رکعت نماز در شب عاشورا بخواند ۱۷۰
(۱۹) نماز روز عاشورا در حرم مطهر آن حضرت و از راه دور ۱۷۱
(۲۰) نماز روز عاشورا از راه دور ۱۷۱
(۲۱) نماز دیگری در روز عاشورا از راه دور ۱۷۲
(۲۲) نماز در شب سوم شعبان ۱۷۳
(۲۳) نماز در شب نیمه شعبان در کربلا ۱۷۴

(۲۴) نماز دیگری در شب نیمه شعبان در حرم امام حسین 7 ..... ۱۷۴
(۲۵) نماز در شب نیمه ماه رمضان در حرم مطهر امام حسین 7 ..... ۱۷۵

بخش دوّم: دعاهایی در ضمن نماز و بعد از آن

قنوت‌های ائمه طاهرین : از امام حسن عسکری 7 ..... ۱۷۹
(۱) قنوت امام حسین 7 ..... ۱۸۰
(۲) دعای امام حسین 7 در قنوت ۱۸۲
(۳) دعای امام حسین 7 که بعد از نمازها خوانده می‌شود ۱۸۴
خواندن سورهٔ فجر در نمازهای واجب و مستحب ۱۸۵

بخش سوم: دعاهایی که در همه اوقات می‌توان خواند (ادعیه مطلقه)

فصل اول

در دعاهایی که در کنار قبر حضرت ابا عبد اللّه 7 خوانده می‌شود

فضیلت دعا کردن در کنار قبر امام حسین 7 ..... ۱۸۹
نماز در کنار قبر آن حضرت مورد قبول، و دعا مستجاب است ۱۹۰
(۱) دعا و توسل برای قضاء حوائج در قسمت بالای سر مبارک امام حسین 7 ..... ۱۹۱
(۲) دعای مظلوم در کنار قبر حضرت ابا عبد الله 7 ..... ۱۹۱
(۳) تسبیح امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه 8 در کنار قبر امام حسین 7 ..... ۱۹۲
(۴) استخاره در قسمت بالای سر امام حسین 7 ..... ۱۹۴
(۵) رقعه استخاره در حرم امام حسین 7 ..... ۱۹۵

فصل دوم

در حمد و ستایش‌های امام حسین 7 و دعاهای دیگر

(۶) حمد و ستایش آن حضرت نزدیک شب عاشورا ۲۰۱
(۷) دعای آن حضرت 7 در توکّل بر خداوند ۲۰۲

(۸) دعای آن حضرت برای طلب میل و رغبت در امر آخرت ۲۰۲
(۹) دعای آن حضرت در حلّ امور دشوار ۲۰۳
(۱۰) دعای آن حضرت برای حاجات و مهمّات و امور سخت و دشوار ۲۰۳
(۱۱) کسی که خدا را قسم دهد به «دم مظلوم» خدا حاجت او را برآورده فرماید ۲۰۴
(۱۲) دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا ۲۰۵
(۱۳) ذکری که امام حسین علیه‌السلام آن را زیاد می‌گفت ۲۰۶
(۱۴) دعای امام حسین علیه‌السلام در طلب توفیق ۲۰۶
(۱۵) دعای آن حضرت در طلب باران ۲۰۷
(۱۶) دعای دیگری از آن حضرت در طلب باران ۲۱۰
(۱۷) در پناه بردن آن حضرت به خدا از گرفتاری و اندوه و بلا ۲۱۱
(۱۸) در پناه بردن آن حضرت به خدا از «عقر» ۲۱۱
(۱۹) دعای آن حضرت برای دفع بلا ۲۱۳
(۲۰) دعای مولا حسین بن علی علیهماالسلام در هر صبح و شام ۲۱۴
(۲۱) دعای امام حسین علیه‌السلام در کنار قبر مبارک جدّش رسول خدا 9 ..... ۲۱۵
(۲۲) دعا در مقابر که از امام حسین علیه‌السلام روایت شده ۲۱۵
(۲۳) نقش خاتم آن حضرت علیه‌السلام ۲۱۶
(۲۴) نقش انگشتر دیگر آن حضرت علیه‌السلام ۲۱۶
(۲۵) درود فرستان بر امام حسن و امام حسین علیهماالسلام ۲۱۸
(۲۶) دعایی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به آن حضرت تعلیم نمود ۲۲۱

بخش چهارم: دعاهایی که مخصوص زمان معیّنی است (ادعیه موقّته)

(۱) دعای« ساعت سوم» از هر روزکه اختصاص به مولای ما امام حسین علیه‌السلام دارد ۲۲۵
(۲) دعای دوم در «ساعت سوم» ۲۲۷
(۳) تسبیح امام حسین علیه‌السلام در روز پنجم هر ماه ۲۲۸

در دعاهای ماه محرم الحرام و روز تولد حضرت

(۴) دعا در هنگام دیدن هلال ماه محرّم ۲۳۰
در اعمال شب اوّل محرّم ۲۳۱
در اعمال شب عاشورا ۲۳۵
در فضیلت بیتوته کردن در حرم امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا ۲۳۵
حدیث امام رضا علیه‌السلام پیرامون روز عاشورا ۲۳۶
فرمایش حضرت رضا علیه‌السلام پیرامون روزهٔ روز عاشورا ۲۳۷
(۵) دعا در روز عاشورا از راه دور ۲۳۸
(۶) دعایی که در روز عاشورا خوانده می‌شود ۲۴۶
(۷) دعای روز سوّم شعبان ۲۴۷
(۸) آخرین دعایی که در روز عاشورا خواندند ۲۴۹
(۹) دعای امام حسین 7 در روز عرفه ۲۵۱

بخش پنجم: در حرزها، تعویذها و دعاهایی برای شفای از بیماری‌ها

فصل اوّل: در احراز و تعویذات

(۱) حرز امام حسین 7 ..... ۲۸۵
(۲) حجاب امام حسین 7 ..... ۲۸۶
(۳) تعویذی در طلب کفایت از شرّ جن وانس ۲۸۷
(۴) دعای امام حسین 7 در تعویذ ۲۸۸

فصل دوّم: در دعاهای مربوط به امراض و بیماری ها

(۵) دعای امام حسین 7 برای برطرف کردن درد پاشنه پا ۲۹۱
(۶) تعویذی برای درد دندان ۲۹۲
(۷) دعا برای سرفه و سل، آن را امام حسین 7 نقل کرده اند ۲۹۳

فصل اول

در فضیلت تربت و بیان بعضی از احکام آن وذکر بعضی ازحکایات

سرّ سجود بر تربت ۲۹۹
فضیلت سجده کردن بر تربت مقدّس امام حسین علیه‌السلام ۳۰۲
تسبیح از تربت مقدس امام حسین علیه‌السلام ۳۰۲
شیعه بی نیاز نیست از تسبیحی که از خاک قبر امام حسین علیه‌السلام باشد ۳۰۳
فضیلت تسبیحی که از تربت مقدّس امام حسین علیه‌السلام باشد ۳۰۳
توقیع در مورد تسبیح گفتن با خاک قبر مقدّس ۳۰۵
تربت سرخ رنگ در قسمت بالای سر امام حسین علیه‌السلام شفای هر دردی است ۳۰۶
خاک قبر امام حسین علیه‌السلام شفا است ۳۰۶
حکایات مهم در اینکه تربت مقدّس باعث ایمنی از غرق شدن و... می‌باشد ۳۱۲
قصه جالب و عجیبی در اینکه تربت شریف کربلا از تراب بهشت است ۳۱۴
تربت امام حسین علیه‌السلام دوا است ۳۱۶
برطرف کردن برص با تربت امام حسین علیه‌السلام ۳۱۷
خوردن تربت برای برطرف شدن داء الخبیث ۳۱۷
فروش تربت جایز نیست ۳۱۸

فصل دوم: در دعا هنگام اخذ تربت

محلّ گرفتن تربت مقدس امام حسین علیه‌السلام ۳۱۹
(۱) دعا در هنگام اخذ تربت ۳۲۱
(۲) دعا در هنگام گرفتن تربت ۳۲۲
(۳) دعا در وقت گرفتن تربت ۳۲۲
(۴) دعا در هنگام گرفتن تربت ۳۲۴

(۵) دعا در هنگام گرفتن تربت ۳۲۵
(۶) دعا در هنگام گرفتن تربت ۳۲۶
(۷) دعا در هنگام اخذ تربت مقدس و خوردن آن ۳۲۷
(۸) دعا هنگام برداشتن تربت ۳۲۹
(۹) دعا در هنگام خوردن تربت ۳۳۱
(۱۰) دعا در هنگام خوردن تربت ۳۳۱
(۱۱) دعا هنگام خوردن تربت ۳۳۲
(۱۲) دعا هنگام خوردن تربت قبر مبارک امام حسین علیه‌السلام ۳۳۳
(۱۳) دعا در هنگام خوردن تربت قبر مبارک امام حسین علیه‌السلام ۳۳۳
(۱۴) دعا در هنگام خوردن از تربت مبارک حسینی ۳۳۴
(۱۵) دعا هنگام خوردن تربت ۳۳۵
(۱۶) دعا هنگام خوردن تربت ۳۳۸
(۱۷) دعا در هنگام خوردن تربت ۳۳۹
(۱۸) دعا هنگام خوردن تربت ۳۳۹
(۱۹) دعایی که حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام امر فرمودند به نوشتن آن ۳۴۱
(۲۰) دعا برای باطل کردن سحر که با تربت کربلا نوشته می‌شود ۳۴۲
(۲۱) دعا با تسبیحی که از تربت است برای ایمنی از ترس‌ها ۳۴۳

بخش هفتم: زیارت‌هایی که در همه اوقات می‌توان خواند (مطلقه)

تاریخ مزار امام حسین 7 ..... ۳۴۷
مدح بنی اسد در کلام سیده حضرت زینب کبری 3 ..... ۳۴۹
دویست پیامبر و.. با اصحاب‌شان در کربلا به شهادت رسیدند ۳۵۰
کربلا برترین محل سکونت در بهشت است ۳۵۱
فضیلت زمین کربلا و آب فرات ۳۵۱
فضیلت زیارت امام حسین 7 ..... ۳۵۲

زیارت‌های امام حسین 7 در حرم مطهر

(۱) زیارت اوّل امام حسین علیه‌السلام ۳۵۷
زیارت اوّل ۳۵۷
(۲) زیارت دوم ۴۰۰
زیارت حضرت علی بن الحسین 8 ..... ۴۲۶
زیارت شهدا رضوان الله علیهم ۴۲۶
(۳) زیارت سوم ۴۲۸
(۴) زیارت چهارم ۴۳۶
(۵) زیارت پنجم ۴۴۲
(۶) زیارت ششم ۴۴۷
(۷) زیارت هفتم (زیارت وارث) ۴۵۸
(۸) زیارت هشتم ۴۷۰
زیارت مولا حضرت اباالفضل العبّاس فرزند امیرالمؤمنین 8 ..... ۴۷۹
(۹) زیارت نهم ۴۸۲
(۱۰) زیارت دهم ۴۸۸
(۱۱) زیارت یازدهم ۴۹۱
(۱۲) زیارت دوازدهم ۴۹۲
(۱۳) زیارت سیزدهم ۴۹۳
(۱۴) زیارت چهاردهم ۴۹۴
(۱۵) زیارت پانزدهم ۴۹۴
(۱۶) زیارت شانزدهم ۴۹۶
(۱۷) زیارت هفدهم، زیارت کوتاه و مختصر ۴۹۶
(۱۸) زیارت هجدهم ۴۹۷
(۱۹) زیارت نوزدهم ۴۹۷
(۲۰) زیارت مولا حضرت ابا الفضل العبّاس علیه‌السلام ۴۹۸

وداع مولا حضرت عباس بن علی 8 ..... ۵۰۳
(۲۱) زیارت حضرت امیرالمؤمنین 7 و حضرت ابا عبد الله الحسین 7 در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین 7 ..... ۵۰۵
(۲۲) زیارت امام حسین در حرم امیرالمؤمنین علیهما السلام ۵۲۱
(۲۳) زیارت آن حضرت علیه السلام در هر روز و در هر ماه در نجف و کربلا ۵۲۲
زیارت مولا حضرت عباس بن علی 8 ..... ۵۲۵
محلّ دفن سر مبارک آن حضرت 7 ..... ۵۲۷
(۲۴) زیارت امام حسین در حرم حضرت رضا علیهما السلام ۵۲۸
(۲۵) زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در حرم مطهر امام رضا علیهما السلام ۵۳۰
(۲۶) زیارت امام حسین علیه السلام در مسجد حنّانه ۵۳۱
(۲۷) وداع با حضرت امام حسین علیه السلام ۵۳۳
(۲۸) وداع با قبور شهداء علیهم السلام ۵۳۵
(۲۹) وداع دیگری برای شهداء علیهم السلام ۵۳۶
(۳۰) وداع امام حسین علیه السلام ۵۳۹
دعای بعد ازیارت در نیابت از دیگران ۵۴۳

زیارات آن حضرت از راه دور

(۳۱) زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور ۵۴۷
(۳۲) زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور ۵۵۳
(۳۳) زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور ۵۵۴
(۳۴) زیارت آن حضرت علیه السلام از راه دور ۵۵۷
(۳۵) زیارت دیگری برای آن حضرت علیه السلام از راه دور ۵۵۷
(۳۶) زیارت آن حضرت علیه السلام از راه دور یا نزدیک ۵۵۸
(۳۷) زیارت امام حسین علیه السلام در هر روز از راه دور ۵۵۸
(۳۸) زیارت امام حسین علیه السلام از بالای بام از راه دور ۵۵۹

(۳۹) زیارت امام حسین علیه‌السلام از راه دور ۵۶۰
(۴۰) زیارت سید ابراهیم مجاب علیه‌السلام ۵۶۱
(۴۱) زیارت حبیب بن مظاهر علیه‌السلام ۵۶۴
(۴۲) وداع حبیب بن مظاهر علیه‌السلام ۵۶۵
«تل زینبیه» ۵۶۶
لوح زیارت و حادثه‌ای عجیب ۵۶۶
(۴۳) لوح زیارت در تلّ زینبیه ۵۶۸
(۴۴) زیارت مولا حضرت مسلم بن عقیل علیه‌السلام ۵۷۰
(۴۵) زیارت هانی بن عروه مرادی علیه‌السلام ۵۷۲
زیارت حرّ بن یزید ریاحی علیه‌السلام ۵۷۳

بخش هشتم: زیارت‌هایی که مخصوص زمان معینی است

فصل اول: در زیارت‌های روزهای هفته

فضیلت زیارت حضرت ابا عبد الله 7 در شب جمعه ۵۷۷
خوابی بشارت دهنده برای زیارت در شب جمعه حضرت ابا عبدالله 7 ..... ۵۷۹
چهل شب جمعه زیارت امام، باعث تشرّف به دیدار امام عصر 7 است. ۵۸۲
زیارت آن حضرت 7 از راه دور در روز جمعه ۵۸۵
(۱) زیارت امام حسین 7 در روز دوشنبه ۵۸۶
(۲) درود و سلام فرستادن بر آن حضرت 7 ، در روز دوشنبه ۵۸۸

فصل دوم: در زیارت‌هایی که متعلّق به ماه‌ها است

زیارت امام حسین 7 در ماه محرم الحرام

(۳) کیفیت زیارت امام حسین 7 در روز عاشورا ۵۹۳
متن زیارت عاشورا ۵۹۵
دعای بعد از زیارت عاشورا ۶۰۵

(۴) زیارت دوم برای امام حسین 7 در روز عاشورا ۶۱۵
(۵) زیارت سوم برای امام حسین 7 در روز عاشورا ۶۲۳
(۶) زیارت چهارم برای امام حسین 7 در روز عاشورا ۶۲۹
دو نکته مهم که توجه به آن دو لازم است ۶۳۹
(۷) زیارت ناحیه مقدسه به روایت شیخ مفید اعلی الله مقامه ۶۴۱
(۸) زیارت شهدا ۶۶۷
(۹) زیارت شهدا در روز عاشورا ۶۷۱

زیارت امام حسین 7 در ماه صفر المظفر

فضیلت زیارت اربعین ۶۸۳
(۱۰) زیارت امام حسین 7 در روز اربعین ۶۸۵
(۱۱) وداع امام حسین 7 در روز اربعین ۶۸۶
(۱۲) زیارت دیگری برای امام حسین 7 در روز اربعین ۶۹۱
زیارت مولا حضرت عباس فرزند امیرمؤمنان 8 در روز اربعین ۶۹۳

زیارت امام حسین 7 در ماه ربیع الاول

روز چهاردهم آن، روز هلاکت قاتل امام حسین 7 ..... ۶۹۵
(۱۳) زیارت امام حسین 7 در روز هفدهم آن ۶۹۵
روز آخر این ماه ، روزولادت امام حسین 7 به روایتی ۶۹۹

زیارت امام حسین 7 در ماه ربیع الثانی

(۱۴) زیارت امام حسین 7 در ماه ربیع الثانی ۶۹۹

زیارت امام حسین 7 در ماه جمادی الاولی

(۱۵) زیارت امام حسین 7 در ماه جمادی الاولی ۷۰۱

زیارت امام حسین 7 در ماه جمادی الأُخری

(۱۶) زیارت امام حسین 7 در ماه جمادی الأُخری ۷۰۳

زیارت امام حسین 7 در ماه رجب

(۱۷) زیارت رجبیه ۷۰۶
(۱۸) زیارت امام حسین 7 در شب و روز اول ماه رجب ۷۰۸
زیارت حضرت علی بن الحسین 8 ..... ۷۱۳
زیارت شهدا ۷۱۴
زیارت مولا حضرت ابا الفضل العباس فرزند امیرمؤمنان 8 ..... ۷۱۵
در شب و روز اول ماه رجب ۷۱۵
در فضیلت زیارت امام حسین 7 در روز نیمه ماه رجب ۷۱۶
(۱۹) زیارت غفیله در نیمه ماه رجب ۷۱۷
زیارت مولای ما حضرت عباس فرزند امیرمؤمنان 8 در نیمه رجب ۷۲۰

زیارت امام حسین 7 در ماه شعبان

زیارت امام حسین 7 در روز سوم و پنجم ماه شعبان ۷۲۱
فضیلت زیارت شب نیمه شعبان ۷۲۱
فضیلت زیارت امام حسین 7 در نیمه ماه شعبان ۷۲۲
فضیلت زیارت امام حسین 7 در شب نیمه شعبان ۷۲۳
فضیلت جمع کردن بین زیارت نیمه شعبان و شب عیدفطر و عرفه در یک سال ۷۲۴
(۲۰) زیارت امام حسین 7 در نیمه شعبان از راه دور ۷۲۴
(۲۱) زیارت دوم برای امام حسین 7 در شب نیمه شعبان ۷۲۵
(۲۲) زیارت امام حسین 7 در شب نیمه شعبان و اول ماه رجب ۷۲۷

زیارت امام حسین 7 در ماه مبارک رمضان

فضیلت زیارت امام حسین 7 در شب اول ماه رمضان ۷۴۰
فضیلت زیارت امام حسین 7 در دهه آخر ماه رمضان ۷۴۱
ثواب زیارت امام حسین 7 در شب قدر ۷۴۲
استحباب زیارت امام حسین 7 در آخرین شب ماه رمضان ۷۴۴

زیارت حضرت امام حسین 7 در ماه شوال

استحباب زیارت امام حسین 7 در شب و روز عید فطر ۷۴۴

(۲۳) زیارت امام حسین 7 در شب قدر و عیدین ۷۴۵

زیارت حضرت علی بن الحسین 8 ..... ۷۴۷

زیارت شهداء ۷۴۷

زیارت مولا قمر بنی هاشم حضرت اباالفضل العباس 7 در شب قدر و عیدین ۷۴۸

(۲۴) زیارت امام حسین 7 در عیدین ۷۴۹

نماز در محلّ ورودی به نهر ۷۵۳

اذن دخول ۷۵۴

زیارت شهیدان رضوان الله علیهم ۷۶۱

زیارت مولا حضرت ابا الفضل العباس فرزند امیرمؤمنان 8 در دو عید ۷۶۱

باب الوداع ۷۶۲

(۲۵) زیارت امام حسین 7 در شب و روز عید فطر ۷۶۴

زیارت امام حسین 7 در ماه ذیقعده

(۲۶) زیارت امام حسین 7 در ماه ذیقعده ۷۶۸

زیارت امام حسین 7 در ماه ذیحجّه

فضیلت زیارت امام حسین 7 در شب و روز عرفه ۷۷۱

(۲۷) زیارت مولا حضرت ابا عبد الله الحسین 7 در روز عرفه ۷۷۷

زیارت حضرت علی بن الحسین 8 ..... ۷۸۲

زیارت شهدا ۷۸۳

زیارت مولا حضرت ابا الفضل العباس فرزند امیرالمؤمنین 8 در روز عرفه ۷۸۵

وداع با امام حسین 7 ..... ۷۸۷

وداع با شهدا : ۷۸۹

وداع با مولا اباالفضل العباس فرزند امیرمؤمنان 8 در روز عرفه ۷۹۰

(۲۸) زیارت دیگری برای امام حسین 7 در روز عرفه ۷۹۰

زیارت دیگری برای مولا حضرت ابا الفضل العباس 7 در روز عرفه ۷۹۶
زیارت وداع امام حسین 7 در روز عرفه ۷۹۸
وداع شهدا : در روز عرفه ۷۹۹
(۲۹) زیارت امام حسین 7 در شب و روز عرفه از راه دور ۸۰۰

ملحقات

(۱) دعای عالیة المضامین ۸۰۷
(۲) دعای حضرت خضر 7 معروف به دعای کمیل ۸۱۵
(۳) دعای ندبه ۸۲۸
(۴) زیارت جامعه کبیره ۸۴۴
(۵) زیارت امین الله و فضیلت آن ۸۵۸
(۶) وداع بعد از زیارت امین الله ۸۶۲
(۷) زیارت آل یس ۸۶۳
منابع و مصادر کتاب ۸۷۰

صحیفه حسینیّه



مجموعهٔ مهمّی از نمازها، دعاها و زیارت هائی که از امام حُسین علیه‌السلام
روایت شده و یا دربارهٔ آن حضرت ازبقیّهٔ معصومین علیهم‌السلام نقل گردیده است.

سوره هایی از قرآن کریم



سورهٔ یس، سورهٔ الرحمن، سورهٔ واقعه، سورهٔ جمعه، سورهٔ ملک،
سورهٔ نباء، سورهٔ اعلی، سورهٔ فجر، سورهٔ شمس، سورهٔ شرح،
سورهٔ قدر، سورهٔ زلزال، سورهٔ عادیات، سورهٔ عصر، سورهٔ کافرون،
سورهٔ نصر، سورهٔ توحید، سورهٔ فلق، سورهٔ ناس

۱

سورهٔ یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يس ﴿۱﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾ عَلَىٰ صِرَاطٍ

یس[۱] * سوگند به قرآنی که آیاتش محکم و حکمت‌آمیز است * که تو بدون تردید از رسولان الهی

مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۵﴾ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ

هستی * بر راهی راست و استوار * این قرآن از سوی خداوند قدرتمند مهربان فرو فرستاده‌شده * تا

غَافِلُونَ ﴿۶﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾ إِنَّا جَعَلْنَا

بیم دهی گروهی را که پدرانشان بیم داده نشدند و غافل‌اند* بی‌گمان آن گفته درباره بیشتر آنان ثابت

فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ

گشته و آنان ایمان نمی‌آورند * همانا ما بر گردن‌های ایشان تا چانه‌هایشان غل قرار داده و سربالا کشیده

بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۹﴾

شده است * پیش روی آنان سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده‌ایم‌و آنان را پوشانیده‌ایم پس نمی‌بینند *

۱. «یس» یکی از نام‌های قرآنی رسول خدا 9 است.

وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ

و بر ایشان یکسان است بیم‌دهی آنان یا ندهی، ایمان نمی‌آورند * تو کسی را اندرز می‌دهی که پندپذیر باشد و

ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا

یادآوری را پیروی‌و در نهان از خداوند رحمان بترسد، پس او را به آمرزش الهی و پاداش ارزشمند بشارت بده

نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ

* ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه پیش فرستاده و از خود بجا نهاده‌اند می‌نویسیم و هر چیزی را در امام

إِمَامٖ مُّبِينٖ ﴿١٢﴾ وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ

مبین (یعنی پیشوای بیان کننده) گردآورده‌ایم * برای آنان اهل آن قریه را مثال بزن که فرستادگانی‌بسوی ایشان

﴿١٣﴾ إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَيۡكُم

آمدند * آنگاه که دو نفر بسوی آنها فرستادیم و آنان آن دو را تکذیب کردند و ما آنها را با نفر سوّمی تقویت

مُّرۡسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ

کردیم و گفتند: ما بسوی شما فرستاده شده‌ایم * گفتند: شما جز انسان‌هایی همانند ما نیستید، خداوند رحمان

إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُواْ رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ ﴿١٦﴾

چیزی فرو نفرستاده، و شما دروغ می‌گوئید * گفتند: پروردگارمان می‌داندکه ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم

وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ

* و بر ما چیزی جز ابلاغ آشکار و رساندن پیام نیست * گفتند: ما شما رابه فال بد گرفته‌ایم، و اگر از گفته خود

لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٨﴾ قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡۚ

دست برندارید شما را سنگسار می‌کنیم و از ما عذاب‌دردناکی به شما خواهد رسید * گفتند: فال بد و شومی شما با

أَئِن ذُكِّرۡتُمۡۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ

خودتان است اگر توجّه داشته باشید بلکه شما مردمی اسراف‌کار و تجاوزگرید * و مردی از دورترین نقطه شهر

رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٢٠﴾ ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ

شتابان آمد و گفت: ای مردم از رسولان الهی پیروی کنید * پیروی کنید از کسانی که پاداشی از شما درخواست

أَجْراً وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾

نمی‌کنند و خود هدایت یافته‌اند * و چه شده مرا که پرستش نکنم کسی‌که مرا آفریده و بسوی او بازگشت

أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ

داده می‌شوید * آیا غیر از او معبودهایی را اختیارکنم که اگر خدای رحمان اراده ضرر و زیانی نماید مرا

شَيْئاً وَلَا يُنقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذاً لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ

شفاعت آنان هیچگونه سودی نمی‌بخشد و نجاتم نمی‌دهد * و همانا من در آن صورت در گمراهی آشکاری

فَاسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

گرفتار گشته‌ام * من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام‌پس سخن مرا گوش کنید * به او گفته شد: وارد بهشت

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن

شو، گفت: ای کاش طایفه من می‌دانستند *که به چه چیزی پروردگارم مرا آمرزید و مرا از اهل کرامت

بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا

قرار داد و گرامی داشت * و پس از او برقومش لشکری از آسمان فرو نفرستادیم و ما فرو فرستنده نبودیم

صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم

* و تنها یک صیحه و صدای آسمانی بود که ناگهان همگی به خاموشی گرائیدند * دریغ و افسوس بر این

مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم

بندگان هیچ پیامبری برای ایشان نیامد مگر آنکه او را مسخره کردند * آیا ندیدند و نیندیشیدند که پیش از

مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا

آنان چه مقدار از مردمان را هلاک کردیم و دیگر بسوی ایشان بازنمی‌گردند * و همگی آنان‌نزد ما حاضر

مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾ وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبّاً فَمِنْهُ

می‌شوند * و زمین مرده برای آنان آیت و نشانه‌ای است که آن را زنده کردیم و دانه‌ها را از آن بیرون آوردیم

يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ

که از آن می‌خورند * و در آن باغ‌هایی از نخل‌ها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هائی

الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

در آن جاری ساختیم * تا از میوه آن دسترنج خویش بخورند آیا سپاسگزاری نمی‌کنید *

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ

پاک و منزه است خدایی که جفت‌ها را آفرید از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند

مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

* و نشانه‌ای‌برای ایشان شب است که ما روز را از آن برگرفته و ناگهان همه جا در تاریکی فرو می‌رود *

﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ

و خورشید نیز در قرارگاه خود در حرکت است، این تقدیر دقیق و منظّم خداوند مقتدر دانا است * و برای ماه

قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا

منزلگاه‌هایی نهاده‌ایم (که بعد از طی کردن آنها) سرانجام مانند شاخه خشکیده خمیده خرما باز می گردد * نه خورشید

أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

را می‌سزد که به ماه برسد، و نه شب پیشی گیرنده است بر روز و هر یک در مداری معین در حرکت و شناورند *

﴿٤٠﴾ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ

نشانه‌ای دیگر برای ایشان آن‌که ذریه‌شان را در کشتی‌هایی پر از بار حمل کردیم * و مرکبهای دیگری همانند آن

مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ

برایشان آفریده‌ایم که بر آن سوار می‌شوند * و اگر بخواهیم ایشان را غرق می‌سازیم که فریادرسی بر ایشان نباشد

يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا

و رهائی نیابند * مگر رحمت ما از آنان دستگیری کند وتا مدتی بهره‌مند گردند * وهنگامی‌که به ایشان گفته

مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ

شود از آنچه پیش رو دارید وپشت سر شماست تقوا پیشه‌کنید شاید مورد رحمت قرارگیرید (نشنوند)* و

مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ

هیچ آیت ونشانه از نشانه‌های پروردگار برایشان ظاهرنگردد جز اینکه از آن روی گردانند * و چون به

أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن

آنان گفته‌شود: از آنچه خدا به شما روزی کرده ببخشید، کافران به مؤمنان گویند: آیا کسی را خوراک دهیم

لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ

که اگر خدا می‌خواست خودش به او خوراک می‌داد؟ شما جز در گمراهی آشکار نمی‌باشید * و می‌گویند:

هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

آن وعده کی محقّق می‌شود اگر راست می‌گویند؟ * آنها جز یک‌صیحه آسمانی را مهلت ندارند که در

تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ

حال جدال و کشمکش غافلگیرشان سازد * فرصت پیدا نکنند حتی وصیتی کنند و نتوانند بسوی اهل خود

يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ

و کسانشان بازگردند * در صور دمیده شود و همه ناگهان‌از گورها بسوی پروردگارشان رهسپار گردند

﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ

* گویند: وای بر ما چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این همان وعده خداوند رحمان است و

الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا

فرستادگان الهی درست گفتند * چیزی جز یک صیحه و فریاد نمی‌باشد که ناگاه همگی در پیشگاه ما

مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ

گردآیند * امروز به هیچ کس ستم نشود و جز به آنچه انجام دادید پاداش داده

تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَ

نشوید * بدون تردید اهل بهشت امروز سرگرم و شادمانند * آنها با

أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ

همسرانشان در سایه رحمت الهی بر تختها تکیه زده‌اند * در آنجا برای ایشان میوه‌ها است و آنچه

لَهُم مَّا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا

بخواهند * سلام و سلامت باد گفتاری است از پروردگار مهربان * ای تبه‌کاران امروز (از پاکان)

الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

جدا شوید * ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید که او دشمنی

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ

آشکار است برای شما * و اینکه مرا بپرستید که این راهی است راست و استوار * به تحقیق او گروه

أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ

بسیاری از شما را به گمراهی کشانیده است آیا اندیشه نمی‌کنید * این همان دوزخی است که بدان

الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾

وعده داده شده‌اید * امروز به آن وارد شوید بخاطر کفری که داشتید و انکاری که می‌کردید *

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

امروز بر دهان‌های‌ایشان مهر می زنیم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان گواهی می‌دهند به

يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى

آنچه کرده‌اند * و اگر بخواهیم دیدگانشان را کور می‌سازیم پس بخواهند پیشی بگیرند در راه، ولی چگونه

يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَ

می‌بینند؟ * و اگر بخواهیم آنها را در جایگاه و موقعیتی که دارند مسخ می‌کنیم‌تا نتوانند گذر کنند و نه

لَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا

بازگردند * و به کسی که عمر دراز می‌دهیم در خلق و خوی او را سست و ناتوان می‌گردانیم آیا اندیشه

عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِيُنْذِرَ

نمی‌کنید * ما به او هرگز شعر نیاموخته‌ایم و شایسته او نیست این کتاب جز یادآوری کننده و قرآنی آشکار

مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا

نمی‌باشد * تا آنان را که زنده‌اند بیم دهد و حجّت بر کافران تمام گردد * آیا نمی‌نگرند و نمی‌اندیشند که

لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ

با دستان توانای خود برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم که مالک آن گشته‌اند؟ * و آنها را رام ایشان کرده‌ایم

فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَ مِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبُ

پس بعضی از آنها را سوار می‌شوند و برخی دیگر را می‌خورند * و برای ایشان در آن‌ها بهره‌ها و رغبت‌های

أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٧٤﴾

دیگر است آیا سپاسگزاری نمی‌کنند؟ * و به جای خداوند برای خود معبودهای دیگر گرفته‌اند شاید یاری شوند

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنْكَ

* ولی آنها نمی‌توانند یاری دهند ایشان را و برای آنان لشکری حاضر هستند و در خدمت آنان * پس گفتار

قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ

ایشان تو را اندوهگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌کنند و آشکار می‌سازند می‌دانیم * آیا انسان نمی‌اندیشد که

مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلاً وَ نَسِيَ خَلْقَهُ

ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم و او اکنون ستیزه‌گری آشکار گشته است * و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ

فراموش کرد و گفت: این استخوان‌های فرسوده را چه کسی زنده می‌سازد * بگو: کسی که ابتدا آن را پدید

مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ

آورده دیگر بار آن را زنده می‌کند، و او به هر گونه‌آفرینشی دانا است * همان کسی که برای شما از درخت

نَاراً فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَ وَ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ

سبز آتش بوجود آوردو شما از آن آتش بر می‌افروزید * آیا آن کسی که آسمانها و زمین را آفریده است

الْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ

نمی‌تواند همانند آن را بیافریند؟ چرا او می‌تواند و او آفریننده‌ای دانا است * شأن او چنین است که چون

إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ

چیزی بخواهد بگوید: «باش» پس فوراً می‌باشد و موجود می‌گردد * پس پاک و منزّه است کسی ملکوت هر

مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

چیزی به دست او است و شما به سوی او بازگردانده می‌شوید *

۲

سورهٔ الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمٰنُ ﴿۱﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿۲﴾ خَلَقَ الْإِنْسانَ ﴿۳﴾ عَلَّمَهُ الْبَيانَ ﴿۴﴾

خداوند مهرگستر * قرآن را یاد داد * انسان را آفرید * به او بیان تعلیم نمود *

الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبانٍ ﴿۵﴾ وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ يَسْجُدانِ ﴿۶﴾ وَ

خورشید و ماه به حسابند * ستاره و درخت سجده می‌کنند * و

السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزانَ ﴿۷﴾ أَلّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ ﴿۸﴾ وَ أَقِيمُوا

آسمان را برافراشت و میزان را نهاد * تا در میزان از اندازه تجاوز نکنید * وزن

الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ ﴿۹﴾ وَ الْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ

را به انصاف و داد بپادارید و از میزان نکاهید * و زمین رابرای مردم گسترانید *

﴿۱۰﴾ فِيها فاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذاتُ الْأَكْمامِ ﴿۱۱﴾ وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ

در زمین میوه‌ها و نخل‌های خوشه‌دار است * و دانه‌هایی که از خوشه‌هایش کاه بجا می‌ماند

الرَّيْحانُ ﴿۱۲﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ ﴿۱۳﴾ خَلَقَ الْإِنْسانَ

و گیاهانی که خوش‌بویند * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

مِنْ صَلْصالٍ كَالْفَخّارِ ﴿۱۴﴾ وَ خَلَقَ الْجانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نارٍ ﴿۱۵﴾

انسان را از گِل خشکیده‌ای چون سفال آفرید * و جن را از زبانه‌های آتش پدید آورد *

فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ ﴿۱۶﴾ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید * پروردگار دو خاور و دو باختر *

﴿۱۷﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۱۸﴾ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید * دو دریا را جاری ساخت تا به هم بپیوندند *

﴿۱۹﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿۲۰﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۲۱﴾

میان آن دو برزخی و حائلی است که تجاوز نکنند * پس کدامیک از نعمتهای خدایتان را دروغ می‌پندارید

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿۲۲﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۲۳﴾

* از آن دو دریا مروارید و مرجان بیرون آید * پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿۲۴﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

* و برای آن است کشتی‌های بزرگی که در دریا لنگر انداخته و همچون کوهی در حرکتند * پس کدامیک از

تُكَذِّبَانِ ﴿۲۵﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿۲۶﴾ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ

نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * تمامی آنانکه روی زمین هستند از بین می‌روند * و تنها ذات باشکوه

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿۲۷﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

و ارجمند پروردگارت باقی می‌ماند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

﴿۲۸﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿۲۹﴾ فَبِأَيِّ

هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می‌کند او هر روزی در شأنی و کاری است * پس کدام یک

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۰﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ ﴿۳۱﴾ فَبِأَيِّ

از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * ای گروه جنّ و انس به زودی به حسابتان رسیدگی خواهیم کرد

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۲﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ

* پس به کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * ای گروه جنّ و انس اگر می‌توانید از

أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا

کرانه‌های آسمان و زمین گذر کنید، پس بگذرید، امّا جز با قدرت و نیروئی هرگز نمی‌توانید درگذرید *

بِسُلْطَانٍ ﴿۳۳﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۴﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا

پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * بر شما شراره‌هائی از آتش و مس‌های گداخته

شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

فرستاده می‌شود و یاوری نجوئید * پس کدامیک از نعمتهای‌پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آن

تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

هنگام آسمان شکافته گردد و چون روغن گداخته گلگون شود * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ

را دروغ می‌پندارید * پس در آن روز از گناه هیچ یک از انسان‌و جنّ پرسیده نشود * پس کدام یک از

وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ

نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * تبه‌کاران از چهره‌هایشان شناخته‌شوند و آن‌ها را از موهای

بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

بالای پیشانی و پاهایشان بگیرند * پس کدام نعمت‌های پروردگارتان را دروغ‌می‌پندارید * این دوزخی

تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ

است که تبه‌کاران آن را دروغ می‌پنداشتند * اکنون میان آن و میان آبی جوشان در گردشان‌باشند *

بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلِمَنْ

پس کدام نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * و برای کسی‌که از مقام پروردگارش بترسد دو

خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾

باغ بهشتی است * پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * دارای درختان با شاخه‌های

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ

درهم پیچیده است * پس کدام نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنها دو چشمه است که

تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ

جاری و روانند * پس کدام‌یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنها از هر میوه‌ای

فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِئِينَ

یک جفت وجود دارد * پس کدام نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * اهل آن بر فرشهایی

عَلىٰ فُرُشٍ بَطٰائِنُهٰا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دانٍ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ

تکیه داده‌اند که آستر آن از حریر و ابریشم است، و میوهای دو بوستان در دسترس ایشان * پس کدام از

رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قٰاصِرٰاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ

نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنجا زنانی‌اند با چشمان درشت که نگاه خود را فروهشته

قَبْلَهُمْ وَلا جٰانٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ

و پیش از آنان هیچ انس و جنّی با آنان تماس نداشته‌اند * پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید

الْيٰاقُوتُ وَالْمَرْجٰانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ

* گویا که آنان یاقوت و مرجانند * پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * آیا پاداش‌نیکی

جَزٰاءُ الْإِحْسٰانِ إِلَّا الْإِحْسٰانُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ

جز نیکی است * پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * و پایین‌تر از

﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمٰا جَنَّتٰانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٦٣﴾

آنها دو بوستان دیگر است * پس کدام‌یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

مُدْهٰامَّتٰانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمٰا عَيْنٰانِ

آن دو بوستان سبز و خرّمند *پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنها دو چشمه

نَضّٰاخَتٰانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٦٧﴾ فِيهِمٰا فٰاكِهَةٌ وَ

است که آب از آنها فوران دارد * پس کدام از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آن دو،

نَخْلٌ وَرُمّٰانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ خَيْرٰاتٌ

میوه‌ها و درختان خرما و انار است * پس کدام نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنجا زنانی

حِسٰانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَقْصُورٰاتٌ فِي

نیکوخو و زیباروی هستند * پس کدام نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * آنها حوریانی پرده‌نشین

الْخِيٰامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ

در خیمه‌هایند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * که پیش از آنها در

قَبْلَهُمْ وَلا جانٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِئِينَ

دسترس هیچ انسان و جنّی نبوده‌اند * پس کدام نعمتهای پروردگارتان رادروغ می‌پندارید * بر بالشهای

عَلىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما

سبزرنگ و بسترهای تزیین‌شده و زیبا تکیه داده‌اند * پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را

تُكَذِّبانِ ﴿٧٧﴾ تَبارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ ﴿٧٨﴾

دروغ می‌پندارید * پاک و پربرکت است نام پروردگارت که دارای شکوه و عظمت و بزرگواری است.

۳

سورهٔ واقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذا وَقَعَتِ الْواقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لِوَقْعَتِها كاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خافِضَةٌ رافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذا

زمانی که واقعه (قیامت) رخ دهد * که در وقوع آن هیچ دروغی نیست * پایین آورنده و بالا برنده است *

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجّاً ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبالُ بَسّاً ﴿٥﴾ فَكانَتْ هَباءً مُنْبَثّاً ﴿٦﴾ وَ

هنگامی که زمین به شدّت تکان داده شود) کوه ها در هم کوبیده شود * به صورت غباری پراکنده گردد *

كُنْتُمْ أَزْواجاً ثَلاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحابُ الْمَيْمَنَةِ ما أَصْحابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَ

و شما سه صنف خواهید بود * اول اهل سعادت و چه می دانی که چه شأنی دارند * و دوم اهل شقاوت و

أَصْحابُ الْمَشْأَمَةِ ما أَصْحابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسّابِقُونَ السّابِقُونَ

چه می دانی چه شقاوتی دارند * سوم سبقت گیرندگان (به خیرات) که سبقت گیرنده‌اند به رحمت و مغفرت

﴿١٠﴾ أُولئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي جَنّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

* اینانی مقربان درگاه خدا هستند * در بوستان های پر نعمت بهشت جای دارند * گروه زیادی از امت های

﴿١٣﴾ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَّكِئِينَ

پیشین و اندکی از امت آخرین * آن ها بر حجّت هایی به هم پیوسته اند * بر آن ها تکیه داده و رو به روی

عَلَيْهٰا مُتَقٰابِلِينَ ﴿١٦﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدٰانٌ مُخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوٰابٍ

یکدیگرند * نوجوانانی همیشه نوجوان گرد آنها می گردند و در حال خدمت اند * با قدح‌ها و کوزه ها و

وَ أَبٰارِيقَ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾ لٰا يُصَدَّعُونَ عَنْهٰا وَ لٰا يُنْزِفُونَ

پیاله هایی از شراب طهور * شرابی که نه سر درد می آورد و نه عقلشان را زایل می سازد * و میوه ها از

﴿١٩﴾ وَ فٰاكِهَةٍ مِمّٰا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَ لَحْمِ طَيْرٍ مِمّٰا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَ حُورٌ

چه اختیار کنند * وگوشت پرندگان از آنچه بخواهندو میل داشته باشند * و حور العین هایی *که همچون

عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثٰالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزٰاءً بِمٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾

مرواریدی در صدف نهفته‌اند * اینها پاداشی است در قبال اعمالی که همواره انجام می دادند * در آنجا نه سخن

لٰا يَسْمَعُونَ فِيهٰا لَغْواً وَ لٰا تَأْثِيماً ﴿٢٥﴾ إِلّٰا قِيلاً سَلاٰماً سَلاٰماً ﴿٢٦﴾ وَ أَصْحٰابُ

بیهوده و نه کلام گناه مثل تهمت می شنوند * مگر سخنی که سلام است و سلام (بدون عیب) * واصحاب

الْيَمِينِ مٰا أَصْحٰابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَ طَلْحٍ مَنْضُودٍ ﴿٢٩﴾

یمین و چه شأنی و عظمتی دارند * در سایه درختان سدر بی خارند * و درختان موزی که میوه‌هایش روی هم

وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَ مٰاءٍ مَسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَ فٰاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لٰا مَقْطُوعَةٍ

چیده شده * سایه‌ای کشیده شده و گسترده * وآبی ریزان (آبشار) * و میوه‌های بسیار که در هیچ زمانی قطع

وَ لٰا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَ فُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنّٰا أَنْشَأْنٰاهُنَّ إِنْشٰاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنٰاهُنَّ

نگردد و در هیچ حالی ممنوع نشود * و زمانی بالا برده شده * ما آن‌ها را ایجاد کردیم وصف‌کردنی * و. آنها را

أَبْكٰاراً ﴿٣٦﴾ عُرُباً أَتْرٰاباً ﴿٣٧﴾ لِأَصْحٰابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾

پیوسته باکره قرار داده‌ایم * شوهر دوست وهم سن شوهران * برای اصحاب یمین (دست راستی‌ها)* گروهی

وَ ثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَ أَصْحٰابُ الشِّمٰالِ مٰا أَصْحٰابُ الشِّمٰالِ ﴿٤١﴾ فِي

هستند از پیشینیان * و گروهی از پسینیان * و اصحاب شمال (دست چپی ها) و چه اصحاب شمالی * در میان

سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا

بارهای سوزان و آب جوشان قرار دارند * در سایه ای از دودهای غلیظ و سیاه * سایه ای که نه خنکی دارد و نه

قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَ

فایده‌ای * آن ها پیش از این مغرور و غافل از یاد خدا بودند * و بر انجام گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند *

كَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوَآبَاؤُنَا

و می‌گفتند وقتی مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا برانگیخته می شویم * و آیا نیاکان ما

الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ

برانگیخته می‌شوند * بگو بدون تردید همه اولین و آخرین برانگیخته می‌شوند و برای اجتماع در

يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٥٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَآكِلُونَ

وعده‌گاه در روز معینی جمع خواهند شد * سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده * از درختی

مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ

از زقّوم خواهید خورد * وشکم‌ها از آن پر خواهید نمود * و آنگاه از آب جوشان روی آن خواهید نوشید *

مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾

همچون شتران تشنه مبتلا به استقساء می‌آشامید * این کیفیت پذیرایی ایشان در روز جزا است * ما شما را آفریدیم

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ

پس چرا تصدیق نمی‌کنید * آیا اندیشه کرده‌اید نسبت به نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید * این شما هستید که آن

تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ

را می‌آفرینید یا ما هستیم که می آفرینیم * ماییم که مرگ را در میان شما مقدر کردیم و کسی سبقت گیرنده

بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ

بر ما نیست * ما مقدر کرده‌ایم که گروهی مثل شما جایگزین شما شوند و شما را به گونه‌ای که نمی دانید آفرینش

﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

جدیدی بخشیم * به راستی شما پیدایش نخستین را دانستید، پس چرا به خود نمی آیید * آیا در آنچه کشت می کنید

﴿٦٣﴾ أَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا فَظَلْتُمْ

اندیشه کرده‌اید؟ * آیا ما رویاننده‌ایم یا شما رویاننده‌اید؟ * اگر بخواهیم آن را بوته خشکی قرار می‌دهیم که

تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَءَيْتُمُ ٱلْمَآءَ

شما شگفت‌زده گردید * و بگویید که خسارت زده شدیم * بلکه به کلّی محروم گردیدیم * به آبی که

ٱلَّذِى تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ ٱلْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾

می‌آشامید آیا اندیشه کرده‌اید؟ * شما آن را از ابرها نازل می‌کنید یا نازل کننده‌اش ما هستیم * اگر می‌خواستیم

لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى تُورُونَ ﴿٧١﴾

آن را تلخ و شور قرار می‌دادیم پس چرا شکر نمی‌کنید؟ * آیا دربارهٔ آتشی که شعله‌ور می‌سازید فکر

أَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنشِـُٔونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً

کرده‌اید؟ * آیا درختش را شما ایجاد کرده‌اید یا ایجاد کننده‌اش ما بودیم * ما آن را مایه تذکر و بهره گرفتن

وَمَتَٰعًا لِّلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَٰقِعِ

مسافران دشت و صحرا قرار دادیم * پس به نام پروردگار بزرگ مرتبه‌ات تسبیح بگو * به جایگاه ستارگان

ٱلنُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾ إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾

سوگند یاد می‌کنم * و اگر بدانید سوگندی است عظیم * بدون تردید، این قرآن، قرآنی است ارزشمند

فِى كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ

* در کتابی محفوظ جای دارد * جز پاکان آن را درنیابند (به حقایق آن پی نبرند) * نازل شده است

ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ

از جانب پروردگار عالم * آیا به این سخن سهل انگاری می کنید * و روزی خود را تکذیب آن قرار

أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ

می‌دهید * پس چرا وقتی جان یکی از شما به گلوگاه می‌رسد * و شما در آن هنگام همه تماشاگر هستید

تَنظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَآ

(قدرت بازگرداندن آن را ندارید) * و ما به او از شما نزدیک‌تریم و شما نمی‌بینید * پس اگر

إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا

شما پاداش داده نمی‌شوید * آن جان به لب رسیده را بازگردانید اگر راستگو هستید *

إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا

پس اگر آن جان به لب رسیده از مقربان باشد * در راحتی و آسایش و بهشت پر

إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ

نعمت خواهد بود * اگر از اصحاب یمین باشد * از طرف اصحاب یمین بر تو

الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزُلٌ

سلام باد * اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد * با آب جوشان جهنم پذیرایی

مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ

شود * و در آتش و جهنم وارد شود * همانا این حق است و یقینی می‌باشد * پس به

بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

نام پروردگار بزرگت تسبیح گو.



سورهٔ جمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مٰا فِي السَّمٰاوٰاتِ وَ مٰا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح گوی خداوندی هستند که پادشاهی پاک و منزه و شکست ناپذیر و

الْحَكِيمِ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

حکیم است. * اوست که در میان مردم درس نخوانده، پیامری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان

آيٰاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كٰانُوا مِنْ

تلاوت نماید و آن ها را تزکیه نماید و از آلودگی ها برهاند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، اگر چه

قَبْلُ لَفِي ضَلاٰلٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَمّٰا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ

پیش از این در گمراهی آشکاری بوده اند. * و بر گروه دیگری از آنان که هنوز به ایشان نپیوسته اند ، و او

الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

شکست ناپذیر و حکیم است * این فضل و بخشایش خداوند است و آن را به هر کس بخواهد

الْعَظِيمِ ﴿٤﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرٰاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهٰا كَمَثَلِ الْحِمٰارِ

عطا می کند و خداوند صاحب فضل و بخشش بیکران است. * مَثَل کسانی که تورات را در سینه

يَحْمِلُ أَسْفٰاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيٰاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ

داشتند و به آن عمل نکردند، مَثَل درازگوشی است که کتاب هایی را حمل کند، بد است مَثَل گروهی

لاٰ يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ هٰادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ

که آیات خدا را تکذیب کردند ، و خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی کند. * بگو ای یهودیان، اگر



أَنَّكُمْ أَوْلِيٰاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النّٰاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ

می‌پندارید که تنها شما آولیای خدا هستید نه غیر شما، پس آرزوی مگر کنید اگر راستگو هستید *

صٰادِقِينَ ﴿٦﴾ وَ لٰا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَداً بِمٰا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَ اللّٰهُ عَلِيمٌ

ولی آنان تمنای مرگ نمی‌کنند به خاطر آنچه از پیش انجام داده اند و خداوند نسبت به ستمگران

بِالظّٰالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلاٰقِيكُمْ

دانا است * بگو این مرگی که از آن می‌گریزید بدون تردید با شما دیدار خواهد کرد، سپس به سوی

ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلىٰ عٰالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهٰادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمٰا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید پس به شما خبر می دهد از اعمالی که انجام می دادید *

﴿٨﴾ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذٰا نُودِيَ لِلصَّلاٰةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه ندا داده می‌شود به سوی ذکر و

إِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

یاد خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید * پس وقتی نماز تمام

﴿٩﴾ فَإِذٰا قُضِيَتِ الصَّلاٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَ

شد در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجویید و خدا را زیاد یاد نمایید شاید رستگار شوید

اذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَ إِذٰا رَأَوْا تِجٰارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا

* هنگامی که آنها تجارت یا لهوی (آنچه مایه سرگرمی است) ببینند به سوی آن پراکنده شوند و

إِلَيْهٰا وَ تَرَكُوكَ قٰائِماً قُلْ مٰا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجٰارَةِ

تو را در حال قیام رها کنند، بگو آنچه نزد خدا است (از خیر و خوبی) بهتر است از لهو و تجارت،

وَ اللّٰهُ خَيْرُ الرّٰازِقِينَ ﴿١١﴾

و خدا بهترین روزی دهندگان است.

۵

سورهٔ ملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَبٰارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِي

بسیار بابرکت است آنکه فرمانروایی عالم در اختیار او است و او بر هر چیز توانا است * آنکه مرگ و زندگی

خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيٰاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَ هُوَ الْعَزِيزُ

را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می کنید و او شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است *

الْغَفُورُ ﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمٰاوٰاتٍ طِبٰاقاً مٰا تَرىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ

آنکه هفت آسمان را طبقاتی بر فراز یکدیگر آفرید، در خلقت خداوند رحمان هیچ گونه بی نظمی و ناهمگونی

مِنْ تَفٰاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرىٰ مِنْ فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ

نمی بینی ، خوب نگاه کن آیا هیچ خللی و عیب و نقصی در آن توانی یافت. * سپس بار دیگر نگاه کن با

كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خٰاسِئاً وَ هُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ وَ لَقَدْ زَيَّنّٰا

دقت، دیدگانت در حالی که خسته و ناتوان شده به سوی تو بازگردد. * ما آسمان دنیا را با چراغ هایی

السَّمٰاءَ الدُّنْيٰا بِمَصٰابِيحَ وَ جَعَلْنٰاهٰا رُجُوماً لِلشَّيٰاطِينِ وَ أَعْتَدْنٰا

زینت بخشیدیم و آن ها را وسیله ای برای طرد شیاطین و دور ساختن آن ها قرار دادیم و برای آنان آتشی افروخته

لَهُمْ عَذٰابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذٰابُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ

آماده کردیم * و برای کسانی که نسبت به پرودرگار خود کفر ورزیدند عذاب جهنم است و بد فرجامی است. *

الْمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذٰا أُلْقُوا فِيهٰا سَمِعُوا لَهٰا شَهِيقاً وَ هِيَ تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكٰادُ تَمَيَّزُ

وقتی در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن بشنوند در حالی که می‌جوشد * نزدیک است که

مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمٰا أُلْقِيَ فِيهٰا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهٰا أَ لَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾

از شدت خشم متلاشی شیود، هرگاه گروهی در آن افکنده شوند نگهبانان از آن ها سؤال کنند آیا شما را

قالُوا بَلىٰ قَدْ جاءَنا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنا وَ قُلْنا ما نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ

بیم دهنده ای نیامد؟ * آن ها بگویند: بیم دهنده آمد ما تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی نازل نکرده

أَنْتُمْ إِلّا فِي ضَلالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَ قالُوا لَوْ كُنّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما كُنّا

، شما جز در گمراهی بزرگی نیستید * و گویند اگر ما می‌شنیدیم یا اندیشه می‌کردیم هرگز در زمره

فِي أَصْحابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقاً لِأَصْحابِ السَّعِيرِ

افراد جهنمی نبودیم * پس اعتراف کنند به گناهشان و دوری از رحمت خدا باد برا اهل آتش شعله ور *

﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾ وَ

همانا کسانی که از پرودرگارشان در نهان می‌ترسند برای آنان آمرزش و پاداش فراوان است * پنهان بدارید

أَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَ لا يَعْلَمُ مَنْ

گفتارتان را یا آشکار سازید آن را ، خداوند به آنچه در سینه ها است دانا می باشد * آیا نمی داند آنکه آفرید،

خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً

او بسیار دقیق و آگاه است * او کسی است که زمین را برای شما رام و آرام قرار داد، بر دوش آن راه روید و

فَامْشُوا فِي مَناكِبِها وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾ أَ أَمِنْتُمْ مَنْ

از روزی خدا بخورید و (بدانید که) اجتماع همه به سوی او است * آیا از آنکه در اسمان است ایمن هستید

فِي السَّماءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ

از اینکه شما را در زمین فرو برد، پس ناگهان زمین دچار لرزه و ناثباتی شود * آیا از آنکه در اسمان است در

فِي السَّماءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حاصِباً فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾

امانید از اینکه تندبادی بر شما فرستد به همراه سنگریزه، به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه

وَ لَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَ وَ لَمْ

است. * کسانی که پیش از آنان بودند تکذیب کردند پس (بنگر) کیفر من چگونه بود. * آیا به پرندگانی که

يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صافّاتٍ وَ يَقْبِضْنَ ما يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمٰنُ

در بالای سر آن ها پرواز می کنند گاه بال ها را می گشایند و گاه می بندند نمی نگرند، آن ها را جز خداوند

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ

رحمان نگه نمی دارد و همانا او بر هر چیزی بینا است * کدامین سپاه است که شما را یاری می دهد اگر

مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي

خداوند یاری ندهد، کافران جز در غرور نیستند. * یا کیست که اگر خدا روزی خدا را بازدارد به شما روزی

يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي

می دهد (حق را نپذیرند) بکه در سرکشی و انکار حق پافشاری و اصرار نمایند * آیا آنکه نگونسار بر صورت

مُكِبًّا عَلٰى وَجْهِهِ أَهْدٰى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾

خود راه می رود، راه یافته تر است یا آنکه با قامت راست بر راه مستقیم می رود؟ * بگو او است که شما

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلاً

را به وجود آورد و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد، خیلی اندک شکر می گزارید * بگو او است که

مَا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

شما را در این زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید * (کافران) می گویند: این وعده کی خواهد بود اگر

وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ

شما راست می گویید. * بگو علم آن تنها نزد خدا است و همانا من مبیم دهنده ای آشکار هستم. * هنگامی

اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٦﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

که آن را (عذاب را) از نزدیک ببینند چهره آنانکه کفر ورزیدند درهم کشیده شود و گفته شود این همان

وَقِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ

چیزی است که می خواستید. * بگو مرا خبر دهید که اگر خدا ، من و کسانی را که با من هستند هلاک

وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ

کند یا بر ما رحم کند چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد * بگو او خداوند مهربان است

الرَّحْمٰنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

به او ایمان آورده و بر او توکل نموده ایم، به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. *

﴿۲۹﴾ قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مٰاؤُكُمْ غَوْراً فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمٰاءٍ مَعِينٍ ﴿۳۰﴾

بگو مرا خبر دهید اگر آب (سرزمین) شما در زمین فرو رود چه کسی برای شما آب روان و گوارا می آورد؟

۶

سورهٔ نباء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسٰاءَلُونَ ﴿۱﴾ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ﴿۲﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ

از چه چیزی پرسش می کنند؟ از خبری بزرگ * همان خبری که در آن اختلاف دارند *

﴿۳﴾ كَلّٰا سَيَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ ثُمَّ كَلّٰا سَيَعْلَمُونَ ﴿۵﴾ أَ لَمْ نَجْعَلِ

نه چنان است (که خیال می کنند) به زودی خواهند دانست * باز هم نه چنان است به زودی خواهند دانست * آیا زمین

الْأَرْضَ مِهٰاداً ﴿۶﴾ وَ الْجِبٰالَ أَوْتٰاداً ﴿۷﴾ وَ خَلَقْنٰاكُمْ أَزْوٰاجاً ﴿۸﴾ وَ جَعَلْنٰا

را محلّ آرامش قرار ندادیم، * و کوها را میخ‌های زمین * و شما را به صورت زوج (نر و ماده) آفریدیم *

نَوْمَكُمْ سُبٰاتاً ﴿۹﴾ وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبٰاساً ﴿۱۰﴾ وَ جَعَلْنَا النَّهٰارَ مَعٰاشاً

خوابتان را وسیله آرامش شما قرار دادیم * و شب را پوششی قرار دادیم * و روز را وقت تلاش برای معاش

﴿۱۱﴾ وَ بَنَيْنٰا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شِدٰاداً ﴿۱۲﴾ وَ جَعَلْنٰا سِرٰاجاً وَهّٰاجاً ﴿۱۳﴾ وَ

قرار دادیم * و بالای سر شما هفت آسمان محکم بنا نمودیم * و چراغی بسیار فروزان و پر حرارت قرار دادیم

أَنْزَلْنٰا مِنَ الْمُعْصِرٰاتِ مٰاءً ثَجّٰاجاً ﴿۱۴﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبّاً وَ نَبٰاتاً ﴿۱۵﴾ وَ

* و از ابرهای متراکم و فشرده آبی ریزان (باران و برف) نازل کردیم * تا به وسیله آن دانه ها و گیاهان را (از

جَنّٰاتٍ أَلْفٰافاً ﴿۱۶﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كٰانَ مِيقٰاتاً ﴿۱۷﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي

دل خاک) خارج نماییم * وباغ هایی با درختانی درهم پیچیده * بدون تردید روز جدایی وعده گاه است *

الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوٰاجاً ﴿۱۸﴾ وَ فُتِحَتِ السَّمٰاءُ فَكٰانَتْ أَبْوٰاباً ﴿۱۹﴾ وَ

روزی که در صور میده می شود و شما گروه گروه می‌آیید * و آسمان گشوده شود و به صورت درهایی درآید

سُيِّرَتِ الْجِبالُ فَكانَتْ سَراباً ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كانَتْ مِرْصاداً ﴿٢١﴾

* و کوه‌ها سیر داده شوند و به صورت سرابی شوند * بدون تردید دوزخ کمینگاه است* برای سرکشان محل

لِلطّاغِينَ مَآباً ﴿٢٢﴾ لابِثِينَ فِيها أَحْقاباً ﴿٢٣﴾ لا يَذُوقُونَ فِيها

بازگشت است * روزگاران زیادی در آن درنگ کنند * نمی‌چشند در آن چیز خنکی و نه آشامیدنی گوارایی

بَرْداً وَ لا شَراباً ﴿٢٤﴾ إِلّا حَمِيماً وَ غَسّاقاً ﴿٢٥﴾ جَزاءً وِفاقاً ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كانُوا

* مگر آب سوزان و مایعات روان از چرک و خون * کیفری است موافق و مناسب (با اعمال آنها) * آن‌ها

لا يَرْجُونَ حِساباً ﴿٢٧﴾ وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا كِذّاباً ﴿٢٨﴾ وَ كُلَّ شَيْءٍ

هیچ امیدی به روز حساب نداشتند * و آیات ما را سخت تکذیب کردند * و ما همه چیز را گردآوری و در

أَحْصَيْناهُ كِتاباً ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلّا عَذاباً ﴿٣٠﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ

نامه اعمالشان ثبت کرده‌ایم * پس بچشید که جز عذاب برای شما نمی‌افزاییم * بدون تردید برای پرهیزکاران

مَفازاً ﴿٣١﴾ حَدائِقَ وَ أَعْناباً ﴿٣٢﴾ وَ كَواعِبَ أَتْراباً ﴿٣٣﴾ وَ كَأْساً دِهاقاً ﴿٣٤﴾

رستگاری است * باغ ها و انواع انگورها است * حوریانی چوان و نورس وهم سن و سال * و جام‌هایی

لا يَسْمَعُونَ فِيها لَغْواً وَ لا كِذّاباً ﴿٣٥﴾ جَزاءً مِنْ رَبِّكَ عَطاءً

سرشار * در آنجا نه لغوی می‌شنوند و نه دروغی و نه تکذیبی * این پاداشی است از طرف پروردگارت

حِساباً ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُمَا الرَّحْمنِ لا

بخششی روی حساب * پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، خدای رحمان، (اهل

يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطاباً ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفّاً لا

محشر) هیچ اجازه و حق سخن گفتن ندارند * روزی که روح (رئیس فرشتگان) و فرشتگان به صف می

يَتَكَلَّمُونَ إِلّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ صَواباً ﴿٣٨﴾ ذٰلِكَ الْيَوْمُ

ایستند هیچ کدام از آنان سخن نگوید مگر انکه خدای رحمان به او اجازه دهد و سخن صواب گوید *

الْحَقُّ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلىٰ رَبِّهِ مَآباً ﴿٣٩﴾ إِنّا أَنْذَرْناكُمْ عَذاباً قَرِيباً يَوْمَ

آن روز، روز حق است، پس هر کس خواهد راه بازگشتی به سوی پروردگارش برگیزند * ما شما را از

يَنْظُرُ الْمَرْءُ مٰا قَدَّمَتْ يَدٰاهُ وَ يَقُولُ الْكٰافِرُ يٰا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرٰاباً ﴿٤٠﴾

عذابی نزدیک بیم دادیم روزی که انسان آنچه پیش فرستاده می‌نگرد وکافر گوید: ای کاش خاک بودم.

۷

سورهٔ اعلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوّٰى ﴿٢﴾ وَ

نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را به پاکی بستای * آنکه خلق را آفرید (واجزاء هر کدام را) راست و درست نمود

الَّذِي قَدَّرَ فَهَدٰى ﴿٣﴾ وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعٰى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثٰاءً

* آنکه (برای هر موجودی) اندازه قرار داد و او را هدایت نمود * و آنکه چراگاه را از دل خاک بیرون آورد *

أَحْوٰى ﴿٥﴾ سَنُقْرِئُكَ فَلاٰ تَنْسىٰ ﴿٦﴾ إِلّٰا مٰا شٰاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ

سپس آن را (پس از طراوت) به صورت خاشاکی تیره گردانید * به زودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم پس فراموش

الْجَهْرَ وَ مٰا يَخْفىٰ ﴿٧﴾ وَ نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرىٰ ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ

نمی‌کنی * چز آنچه را که خدا بخواهد، همانا او آشکار و نهان را می داند * تو را برای راه آسان (در هدایت)

الذِّكْرىٰ ﴿٩﴾ سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشىٰ ﴿١٠﴾ وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾

آماده می سازیم * پس تذکر بده اگر تذکر سود بخشد * به زودی متذکر می‌شود آنکه ترس از پروردگار

الَّذِي يَصْلَى النّٰارَ الْكُبْرىٰ ﴿١٢﴾ ثُمَّ لاٰ يَمُوتُ فِيهٰا وَ لاٰ يَحْيىٰ ﴿١٣﴾

دارد * و آنکه شقی است (و پروا ندارد) از آن دوری می جوید * همان کسی که در آتش بزرگ وارد می شود

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّىٰ ﴿١٤﴾ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّىٰ ﴿١٥﴾

* سپس در آنجا نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند * به راستی رستگار شد کسی که خود را تزکیه نمود * و نام

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰاةَ الدُّنْيٰا ﴿١٦﴾ وَ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقىٰ ﴿١٧﴾ إِنَّ

پروردگار خود را یاد نمود و نماز خواند * ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می دهید * در حالی که آخرت بهتر

هٰذٰا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولىٰ ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرٰاهِيمَ وَ مُوسىٰ ﴿١٩﴾

و ماندگار تر است * همانا این امور در کتاب‌های آسمانی گذشته ثبت است * در کتاب‌های ابراهیم و موسی

۸

سورهٔ فجر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَ الْفَجْرِ ﴿١﴾ وَ لَيٰالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَ اللَّيْلِ إِذٰا

سوگند به سپیده دم * و شب‌های دهگانه * و زوج و فرد * و به شب هنگامی که به (به سوی صبح) سیر

يَسْرِ ﴿٤﴾ هَلْ فِي ذٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ ﴿٥﴾ أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ

می‌کند * آیا در اینها سوگندی برای صاحب خرد هست * آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چگونه رفتار

فَعَلَ رَبُّكَ بِعٰادٍ ﴿٦﴾ إِرَمَ ذٰاتِ الْعِمٰادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهٰا

کرد * یا (اهالی) شهر ارم که دارای ستون‌های برافراشته بود * شهری که مانند آن در میان شهرها ساخته نشده

فِي الْبِلاٰدِ ﴿٨﴾ وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جٰابُوا الصَّخْرَ بِالْوٰادِ ﴿٩﴾ وَ فِرْعَوْنَ

بود * و یا قوم ثمود که صخره‌ها را در آن وادی می‌بریدند (و ساختمان می‌ساختند) * و یا فرعون صاحب

ذِي الْأَوْتٰادِ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلاٰدِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسٰادَ ﴿١٢﴾

میخ‌هایی (برای شکنجه) * آنانکه در شهرها طغیان کردند * و در آن‌ها فساد بسیاری ایجاد کردند * پس

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذٰابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصٰادِ ﴿١٤﴾

پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب فروریخت * همانا پروردگارت در کمینگاه است * اما انسان هنگامی

فَأَمَّا الْإِنْسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي

که پروردگارش او را بیازماید پس گرامی دارد و نعمت به او بخشد می‌گوید پروردگارم مرا گرامی داشت *

أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَ أَمّا إِذا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي

و امّا هنگامی که او را بیازماید و روزی او را بر او تنگ گیرد می‌گوید پروردگارم مرا خوار و سبک شمرد *

أَهانَنِ ﴿١٦﴾ كَلّا بَلْ لا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَ لا تَحاضُّونَ عَلى

این چنین نیست بلکه (این خواری به خاطر این است که) یتیم را گرامی نمی‌دارید * و یکدیگر را بر طعام دادن

طَعامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَ تَأْكُلُونَ التُّراثَ أَكْلاً لَمّاً ﴿١٩﴾ وَ تُحِبُّونَ

به فقیران ترغیب نمی‌کنید * و میراث را (چه حلال وچه حرام) به طور کامل می‌خورید * و مال و ثروت را

الْمالَ حُبّاً جَمّاً ﴿٢٠﴾ كَلّا إِذا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكّاً دَكّاً ﴿٢١﴾ وَ جاءَ رَبُّكَ

بسیار دوست می‌دارید * نه چنان است (که می‌پندارید) * آنگاه که زمین پیاپی درهم کوبیده شود * و فرمان

وَ الْمَلَكُ صَفّاً صَفّاً ﴿٢٢﴾ وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ

پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف به صف آیند * در آن روز جهنم را آورند، آن روز است که انسان

الْإِنْسانُ وَ أَنّى لَهُ الذِّكْرى ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَياتِي

متذکر می‌شود و به خود می‌آید اما کجا این تذکر سودی به حال او دارد * می‌گوید ای کاش برای حیات ابدی

﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لا يُعَذِّبُ عَذابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَ لا يُوثِقُ وَثاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

خود چیزی فرستاده بودم * در آن روز عذاب نمی‌کند به مانند عذاب او، هیچ کسی را * و در بند نمی‌کشد به

يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلى رَبِّكِ راضِيَةً

مانند دربند کشدن او هیچ کسی را * ای جان آرام گرفته و به اطمینان رسیده * بازگرد به سوی پروردگارت

مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبادِي ﴿٢٩﴾ وَ ادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

در حالی که تواز او خشنود و او از تو خشنود است * در میان بندگانم وارد شو * و در بهشت من داخل شو.



سورهٔ شمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاٰهاٰ ﴿١﴾ وَ الْقَمَرِ إِذاٰ تَلاٰهاٰ ﴿٢﴾ وَ النَّهاٰرِ إِذاٰ

سوگند به خورشید و تابش نور آن * سوگند به ماه و هنگامی که در پی آن آید * و سوگند به روز هنگامی که آن (خورشید،

جَلّاٰهاٰ ﴿٣﴾ وَ اللَّيْلِ إِذاٰ يَغْشاٰهاٰ ﴿٤﴾ وَ السَّماٰءِ وَ ماٰ بَناٰهاٰ ﴿٥﴾

زمین) را هویدا سازد * و به شب هنگامی که آنرا بپوشاند و هوا را تاریک نماید. * و سوگند به آسمان و آنکه آن را بنا

وَ الْأَرْضِ وَ ماٰ طَحاٰهاٰ ﴿٦﴾ وَ نَفْسٍ وَ ماٰ سَوّاٰهاٰ ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهاٰ

نهاد * و به زمین و کسی که آن را گسترانید * و سوگند به نفس و آنکه آن را راست و درست نمود * پس تبهکاری و

فُجُورَهاٰ وَ تَقْواٰهاٰ ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّاٰهاٰ ﴿٩﴾ وَ قَدْ خاٰبَ

پرهیزکاری (شرّ و خیر) آن را به وی الهام نمود * همانا رستگار شد کسی که آن را تزکیه نمود * و ناکام و زیانکار شد

مَنْ دَسّاٰهاٰ ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْواٰهاٰ ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقاٰهاٰ

کسی که آن را به پلیدی‌ها آلوده ساخت * قوم ثمود با طغیانگری (پیامبر خود را) تکذیب کردند * آنگاه که شقی‌ترین

﴿١٢﴾ فَقاٰلَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ناٰقَةَ اللَّهِ وَ سُقْياٰهاٰ ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ

آنها به پا ساخت * فرستادهٔ خداوند به آن‌ها گفت: این ناقه که آیت خدا است او را با آبشخورش واگذارید ولی آنها او

فَعَقَرُوهاٰ فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوّاٰهاٰ ﴿١٤﴾ وَ

را تکذیب و ناقه را پی کردند * پس پروردگارشان آنها را به کیفر گناهشان هلاک کرد و همه را با خاک یکسان نمود

لاٰ يَخاٰفُ عُقْباٰهاٰ ﴿١٥﴾

* و هرگز از عاقبت این کار بیم ندارد.



۱۰

سورهٔ شرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَ لَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿۱﴾ وَ وَضَعْنا عَنْكَ وِزْرَكَ ﴿۲﴾ الَّذِي

آیا سینه‌ات را برایت گشاده ننمودیم * و سنگینی بارت را از دوش تو فرونهادیم * باری که سنگینی آن گویا پشت تو را

أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿۳﴾ وَرَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿۴﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً ﴿۵﴾

شکسته بود * و ذکر و یاد و آوازه‌ات را برایت بالا نبردیم * پس بدون تردید با سختی آسانی است * بی تردید با سختی

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً ﴿۶﴾ فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴿۷﴾ وَ إِلىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿۸﴾

آسانی است * پس وقتی که از (کار تبلیغ) فراغت یافتی (در عبادت خدا) بکوش * و مشتاقانه به سوی پروردگارت روی آور

۱۱

سورهٔ قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾ وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم * و تو چه می‌دانی که شب قدر چه شبی است؟ * شب قدر از هزار ماه

خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿۳﴾ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

بهتر است * در آن شب، فرشتگان و روح با اجازه و فرمان پروردگارشان برای رساندن همه امور نزد امام عصر

مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾ سَلامٌ هِيَ حَتّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۵﴾

علیه السلام فرود می‌آیند * این شب همه‌اش سلامت و رحمت است تا دمیدن فجر



سورهٔ زلزال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿۱﴾ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۲﴾ وَ قَالَ

هنگامی که زمین با زلزله سختی به لرزه درآید * و زمین دفینه های خود را بیرون ریزد * و انسان گوید: آن

الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿۳﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿۴﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحىٰ لَهَا

را چه شده است * در آن روز زمین خبرهای خود را باز گوید * که پروردگارت به آن الهام نموده است *

﴿۵﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتاً لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿۶﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ

در آن روز مردم به صورت پراکنده بیرون آیند تا کارهای‌شان به آن‌ها نشان داده شود * پس هر که به اندازه

ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ ﴿۷﴾ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ ﴿۸﴾

ذرّه‌ای کار خوب کرده آن را ببیند * و هر که به مقدار ذرّه‌ای کار بد انجام داده آن را ببیند





سورهٔ عادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحاً ﴿۱﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحاً ﴿۲﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً ﴿۳﴾

سوگند به اسبان تیزتک که در دویدن به نفس نفس افتند * و سم‌های آنها در برخورد با سنگها اخگر افروزد *

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعاً ﴿۴﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً ﴿۵﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

و صبحگاهان به دشمن یورش برند * پس گرد و غبار بر هوا رود * و خود را در جمع سپاه افکنند * بدون تردید

۶ وَ إِنَّهُ عَلىٰ ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ ۷ وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۸

انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است * و بی‌گمان او خودش بر این گواهی دهد * و سخت شیفته و دلباخته

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ۹ وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۱۰

مال دنیا است * آیا نمی‌داند هنگامی که آنچه در میان گورها است بیرون ریخته شود * و آنچه در سینه‌ها است

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ ۱۱

برآید * همانا پروردگارشان به حال آنان در آن روز آگاه است

۱۴

سورهٔ عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَ الْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ

سوگند به عصر (عصر طلوع اسلام یا عصر ظهور حضرت مهدی) * بی‌تردید انسان در خسران و زیان است * مگر کسانی

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۳

که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به حق توصیه نمایند و به صبر سفارش کنند.

۱۵

سورهٔ کافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۱ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۲ وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

به کافران بگو: ای کافران * نمی‌پرستم آنچه شما می‌پرستید * و شما نمی‌پرستید آنچه را من می‌پرستم * و

مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَ لَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

نه من پرستش کننده ام آنچه را شما می‌پرستید * و نه شما بندگی و پرستش می‌کنید آنچه را که من بندگی و

﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ ﴿٦﴾

پرستش می‌کنم * دینتان برای خودتان و دین من برای خودم

۱۷

سورهٔ نصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ ﴿١﴾ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

چون هنگام یاری خدا و پیروزی فرا رسد * و مردم را ببینی که گروه گروه در دین خدا وارد شوند *

أَفْوَاجاً ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً ﴿٣﴾

پس به ستایش پروردگارت تسبیح بگو و از او آمرزش طلب که او بسیار توبه پذیر است.

۱۶

سورهٔ توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَ لَمْ يَكُنْ

بگو او خداوندی است یکتا * خداوندی است بی‌نیاز * نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده * و هیچ

لَهُ كُفُواً أَحَدٌ ﴿٤﴾

کس و مشابه او هرگز نمی‌باشد

۱۸

سورهٔ فلق

بِسۡمِ اللَّهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ الۡفَلَقِ ﴿۱﴾ مِنۡ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾ وَمِنۡ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم * از شرّ آنچه آفریده است * و از شرّ شب تاریک هنگامی

﴿۳﴾ وَمِنۡ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الۡعُقَدِ ﴿۴﴾ وَمِنۡ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿۵﴾

که درآید * و از شرّ زنان (جادوگر) دمنده در گره‌ها * و از شرّ هر حسود هنگامی که حسد ورزد

۱۹

سورهٔ ناس

بِسۡمِ اللَّهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان *

قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَٰهِ النَّاسِ ﴿۳﴾ مِنۡ

بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم * به مالک و فرمانروای مردم * به معبود

شَرِّ الۡوَسۡوَاسِ الۡخَنَّاسِ ﴿۴﴾ الَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾

شایسته مردم * از شرّ وسوسه‌گر پنهان آنکه در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند *

مِنَ الۡجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۶﴾

چه از جن باشد و چه از انس

مقدمه

k

مقدمه

به نام خداوند بخشنده مهربان، ثنا و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است،

و درود خدا بر سیّد و سرور ما حضرت محمّد که خاتم پیامبران و رسولان است و بر خاندان پاک و پاکیزه آن حضرت، مخصوصاً بر آخرین آنان و قیام کنندهٔ ایشان، او که صاحب دعوتی همچون دعوت نبی اکرم 9 و حملاتی چون حملات حیدر کرار 7 و عصمتی چون عصمت فاطمه 3 ، بردباری و حلمی همانند بردباری و حلم امام مجتبی 7 ، شجاعتی همانند شجاعت حسین ابن علی 8 ، غیرتی همانند غیرت قمر بنی هاشم 7 ، عبادتی چون عبادت امام سجّاد 7 ، سنت‌هایی همچون سنّت‌های امام باقر 7 ، و بزرگواری‌ها و افتخاراتی همچون بزرگواری‌ها و افتخارات امام صادق 7 ، علومی همانند علوم امام کاظم 7 ، براهینی چون براهین حضرت رضا 7 ، جود و بخششی همانند جود و بخشش جواد الائمّه 7 ، پاکی و خلوصی همانند پاکی و خلوص امام هادی 7 ، هیبتی همانند هیبت امام عسکری و غیبتی الهی است. قیام کننده به

حق، دعوت کننده به صدق و راستی مطلق، نشانه خدا، امان الهی و حجّت حق می‌باشد، او که به امر خدا بر همه غالب و پیروز و دفاع کننده از حریم الهی است. امام پنهان و آشکار، برطرف کنندهٔ اندوه و محنت، صاحب جود و نعمت و پیشوای به حق است، کنیه مبارکش ابوالقاسم و القابش حجّة بن الحسن، مهدی، صاحب عصر و زمان، خلیفه خدا بر انس و جان می‌باشد.

***

امّا بعد، کتابی که پیش رو دارید مجموعه‌ای است برگزیده از کتاب ارزشمند «الصحیفة الحسینیة الکاملة» دربارهٔ نمازها و دعاها و زیارت‌هایی که از حضرت امام حسین 7 روایت شده، و یا نماز ها و دعاها و زیارت‌هایی که پیرامون آن حضرت از سایر ائمه اطهار : نقل شده است، و در ضمن زیارت‌های مولا و سرورمان حضرت ابا الفضل العباس 7 نیز آمده است.

در مقدمّه بعضی از روایات مهمّی که در بیان وجوب زیارت مولای عزیز ما حضرت اباعبد الله 7 می‌باشد و ثواب زیارت و جایز نبودن تأخیر آن و بعضی از روایاتی که دربارهٔ گریه و بی‌تابی بر آن حضرت است، ذکر شده، و نیز بعضی از مطالبی که ذکر آن لازم است در توضیح روایات نقل گردیده است.

امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی این سرمایه اندک ما را به لطف خویش بپذیرد و به برکت آن روزی که (يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ * إِلاّ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ)[1] «نه مال و ثروت و نه فرزند آدمی، جز قلب سلیم به او نفعی نمی‌بخشد» ما را از آن بهره مند گرداند.

---

۱. سورهٔ شعرا، آیات ۸۸ و۸۹.

وجوب زیارت مولای ما حضرت اباعبد الله 7

۱ ـ شیخ مفید ; در کتاب مزار از محمّد بن مسلم و او از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند:

به شیعیان ما امر کنید تا به زیارت قبر حسین بن علی 8 بروند، زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که به امامت آن حضرت ـ با اعتقاد به اینکه از طرف خداوند منصوب گردیده ـ اقرار دارد واجب است.

۲ ـ و نیز در همان کتاب از عبد الرحمان بن کثیر و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

اگر یکی از شما تمام دوران عمرش را به حج رود ولی زیارت امام حسین 7 را ترک کند و مشرّف نشود، حقّی از حقوق خداوند و رسول او را ترک کرده، زیرا حق امام حسین 7 از طرف پروردگار فریضه است و بر هر مسلمانی واجب می‌باشد.[۱]

وجوب زیارت آن حضرت بر بانوان با ایمان

وجوب زیارت امام حسین 7 تنها به مردان اختصاص ندارد بلکه بر بانوان با ایمان نیز واجب می‌باشد، و روایتی را که زراره از یکی از دو امام یعنی امام باقر و امام صادق 8 روایت کرده بر آن دلالت می‌کند، که فرمودند:

ای زراره، بر روی زمین بانوی مؤمنه‌ای نیست مگر آنکه بر او واجب است حضرت فاطمه 3 را در امر زیارت امام حسین 7 یاری نماید.[۲]

---

۱. مزار مفید: ص۲۶ ح۱ و۲، کامل الزیارات: ص۲۳۶ ح۱ و۲۳۷ ح۵، وسائل الشیعة: ج۱۰ ص۳۴۶ ح۳ بحارالانوار: ج۱۰۱ ص۳ ح۸ و۱۰.

۲. الاصول الستة عشر: ص۱۲۳، بحارالانوار: ج۱۰۱ ص۷۵ ح۲۵.

و این روایت صراحت دارد که زیارت زنان با ایمان باید به گونه‌ای باشد که یاری حضرت فاطمه 3 باشد، و لذا واجب است بر آنان که زیارتشان به گونه‌ای نباشد که موجب خشم و ناراحتی آن حضرت شود، و این وجوب زیارت اختصاص ندارد به بانوانی که مسکن آن‌ها و محلّ زندگی آن‌ها نزدیک کربلاست، بلکه اعمّ است و حتّی کسانی را که در دورترین نقاط ساکن هستند شامل می‌شود، مگر آنکه عذری داشته باشند که نتوانند به زیارت روند.

ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام

۱ـ ابن قولویه ; در کتاب کامل الزیارات از بشیر دهّان و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

> شخصی که برای زیارت قبر سید الشهداء از خانه خارج می‌شود همین که از خانواده‌اش جدا شد با اولین قدم تمام گناهان او آمرزیده می‌شود و با گام‌های بعدی پاک و پاکیزه تر می‌گردد تا کنار قبر مطهّر امام 7 می‌رسد، در این هنگام خداوند تبارک و تعالی به او می‌فرماید: بنده من، از من درخواست کن تا به تو عطا کنم، دعا کن تا به اجابت رسانم، بخواه تا به تو عنایت نمایم، و حاجتت را بگو تا برآورده سازم.

بشیر می‌گوید: امام صادق 7 فرمودند:

> و بر خدا می‌سزد که آن چه بذل نموده به او عطا کند.[1]

۲ ـ در همان کتاب از مالک بن عطیه و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۵۳ ح۲، مزار مفید: ص۳۱ ح۲، ثواب الاعمال: ص۹۱، بحارالانوار: ۲۴/۱۰۱.

کسی که امام حسین 7 را زیارت کند خداوند برای او ثواب هشتاد حج قبول شده بنویسد.[1]

۳ـ شیخ صدوق ; در کتاب ثواب الاعمال از ابوبصیر و او از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و غبار آلوده بر امام حسین 7 تا قیامت گریه می‌کنند، کسی به زیارت آن حضرت نمی‌رود مگر آنکه به استقبال او می‌آیند، باز نمی‌گردد مگر آنکه او را مشایعت می‌کنند، بیمار نمی‌شود مگر آنکه به عیادت او می‌روند، و نمی‌میرد مگر آنکه در مراسم او حاضر می‌شوند.[2]

۴ ـ ابن قولویه ; در کتاب کامل الزیارات از هشام بن سالم و او از امام صادق 7 روایت کرده است که : مردی خدمت امام 7 شرفیاب شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، آیا پدر بزرگوار شما زیارت شود؟ امام 7 فرمودند:

آری، و نزد آن حضرت نماز نیز خوانده شود و البته نماز را باید پشت قبر آن حضرت خواند و نباید بر امام مقدم شد.

عرض کرد: چه پاداشی است برای کسی که به زیارت آن حضرت رود؟ امام فرمود:

پاداش زیارت آن حضرت بهشت است در صورتی که از ایشان پیروی نموده باشد.

عرض کرد: کسی که از روی بی اعتنایی و بی میلی زیارت آن حضرت را

---

۱. کامل الزیارات: ۳۰۴ ح۸، بحارالانوار: ج۱۰۱ ص۴۲ ح۷۸، ثواب الاعمال: ص۹۳، وسائل الشیعة: ج۱۰ ص۳۵۰ ح۱۲، مزار مفید: ص۳۸ ح۱.

۲. ثواب الاعمال: ص۸۸.

ترک کند چه کیفری دارد؟ امام 7 فرمود:

در قیامت که یکی از نام‌های آن یوم الحسرة است دچار حسرت و ندامت خواهد شد.

عرض کرد: کسی که نزد آن حضرت اقامت نماید چه پاداشی دارد؟ امام 7 فرمود:

هر روزی که آنجا اقامت می‌گزیند پاداش هزار ماه به او داده شود.

عرض کرد: کسی که در راه زیارت و در کنار قبر مطهر پولی خرج کند چه پاداشی دارد؟ امام 7 فرمود:

هر درهمی از آن را هزار درهم پاداش دهند.

عرض کرد: کسی که در راه زیارت از دنیا رود چه پاداشی دارد؟ امام 7 فرمود:

فرشتگان او را تشییع کنند و برای او حنوط و لباس از بهشت آورند و چون کفن شد بر او نماز گزارند و روی کفنی که بر او پوشیده‌اند کفنی دیگر به او بپوشند و زیر پای او را با ریحان فرش کنند و زمین را برانند و دور گردانند تا به نظر آید که پیشاپیش او مسیر سه میل و پشت سر او مسیر سه میل و از بالای سرش و پایین پایش همان مقدار فاصله است و دری از بهشت به روی او گشوده شود و نسیم دل انگیز و بوی خوش آن به قبر او داخل شود و تا قیامت به همین شکل ادامه یابد.

عرض کرد: کسی که نزد آن حضرت نماز بجای آورد چه پاداشی دارد؟ امام 7 فرمود:

کسی که نزد آن حضرت دو رکعت نماز بخواند چیزی از خدا درخواست نمی‌کند مگر آنکه به او عطا فرماید.

عرض کرد: کسی که از آب فرات غسل کند و آنگاه به زیارت رود چه

پاداشی دارد؟ فرمود:

هنگامی که از فرات غسل کند و اراده زیارت نماید تمام خطاها و گناهان او از دوش او فروریزد مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.

عرض کرد: کسی که دیگری را با ساز و برگ سفر روانه سازد و خودش به خاطر علّتی نتواند برود چه پاداشی دارد؟ امام 7 فرمود:

خداوند به هر درهمی که انفاق کرده مثل کوه احد به او حسنه دهد و چندین برابر آنچه خرج کرده برای او جایگزین فرماید، و بلاهایی که نازل شده تا به او اصابت کند از او دور گرداند و ثروت و دارایی او را حفظ کند.

راوی گوید: عرض کردم: کسی که نزد آن حضرت کشته شود، سلطانی بر او ستم کند و او را بکشد چه پاداشی خواهد داشت؟ امام 7 فرمود:

با اولین قطره خونی که از او ریخته شود تمام گناهان او آمرزیده شود و طینتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل دهند تا از آلودگی‌ها پاک گردد و همچون انبیاء خالص شود و آنچه از طینت اهل کفر با طینت او مخلوط شده زدوده گردد، و نیز قلب او را شستشو داده و سینه‌اش را گشاده گردانند و سرشار از ایمان سازند، پس خدا را ملاقات کند در حالی که از آنچه بدن‌ها و قلب‌ها با آن مخلوط هستند پاک و منزه باشد، و برای او نوشته شود که در مورد اهل بیتش و هزار نفر از برادران ایمانی خود بتواند شفاعت کند، و نماز بر او را ملائکه به همراه جبرئیل و ملک الموت عهده دار شوند و کفن و حنوط او از بهشت آورده شود، و قبرش توسعه داده شود و چراغ‌هایی در آن قرار داده شود و دری از بهشت برای او گشوده شود و فرشتگان برایش تحفه‌هایی از بهشت آورند، و بعد از هجده روز به حظیرة القدس بالا برده شود،

پس پیوسته در آن جا با اولیاء الهی باشد تا آن نفخه‌ای که با دمیدن آن چیزی باقی نماند دمیده شود، در نفخه دوم که از قبر بیرون آید اول کسی که با او مصافحه کند رسول خدا 9 و امیرالمؤمنین 7 و اوصیاء هستند که به او بشارت دهند و به او بگویند: همراه با ما باش، و سپس او را در کنار حوض آورند و از آن به او بیاشامند و هر کس را که دوست بدارد از آن سیراب سازد.

عرض کردم: کسی که به خاطر زیارت گرفتار زندان شود چه پاداشی دارد؟

امام 7 فرمود:

به تعداد هر روزی که زندان کشیده و غمناک بوده، یک شادی و سرور تا قیامت به او داده شود و اگر اضافه بر زندان رفتن کتک نیز خورده، و در مقابل هر ضربه‌ای که به او زده شده یک حوریه و در مقابل هر دردی که بر پیکرش وارده شده هزار هزار حسنه به او داده شود، هزار هزار گناه از او محو شود و هزار هزار مرتبه درجه‌اش بالا رود، و از کسانی باشد که با رسول خدا گفتگو کند تا از حساب فارغ گردد و حاملان عرش با او مصافحه کنند و به او بگویند: آنچه دوست داری درخواست کن.

آنگاه کتک زننده او برای حساب آورده شود، پس بدون اینکه سؤالی از او پرسیده شود و به حسابش رسیدگی شود دو بازوی او را گرفته و او را به فرشته‌ای تحویل دهند، و آن فرشته به او شربتی از حمیم یعنی آب سوزنده و داغ جهنم و شربتی از غسلین (آب چرک و کثافتی که از دوزخیان جاری است) می‌چشاند، آنگاه بر قطعه‌ای از آتش قرار داده شود و به او گفته شود: بچش آنچه را که پیشاپیش فرستادی با کتکی که به آن شخص زدی.

و آن کتک خورده را کنار جهنم آورند و به او گفته شود: به کتک زننده خود نگاه کن و ببین چه بر سر او آمده و آیا سینه‌ات شفا یافت با این قصاصی که به خاطر تو از او شد؟ می‌گوید: حمد و ثنا خداوند را که برای من و فرزند رسول خدا از او انتقام گرفت.[1]

کسی که آن حضرت را زیارت کند
در حالی که معرفت به حقّ آن بزرگوار داشته باشد

ابن قولویه ; در کامل الزیارات از محمّد بن ابی جریر قمی نقل می‌کند که گفت: از حضرت علی بن موسی الرضا 8 شنیدم که به پدرم فرمودند:

کسی که حسین بن علی 8 را با معرفت به حقّ آن بزرگوار زیارت کند از کسانی باشد که با خدا در بالای عرش گفتگو کند؛ سپس این آیه شریفه را قرائت نمود:

«همانا اهل تقوا در باغ‌ها و نهرهای بهشتی جای دارند * در جایگاه صدق نزد فرمانروایی توانا و مقتدر»[2][3].

کسی که آن حضرت را زیارت کند
گویا خدا را در عرش زیات نموده است

زید شحّام گوید: به امام صادق 7 عرض کردم: ثواب کسی که قبر شریف امام حسین 7 را زیارت کند چیست؟ امام 7 فرمود:

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۳۹ ح۲، بحارالانوار: ۷۸/۱۰۱ ح۳۹، المستدرك: ۲۷۹/۱۰ ح۱۲۰۱۳.

۲. سوره قمر، آیه ۵۴ و۵۵.

۳. کامل الزیارات: ص۲۶۷ ح۱۹، بحارالانوار: ۷۳/۱۰۱ ح۲۰، المستدرك: ۲۵۱/۱۰ ح۱۱۹۵۱.

او همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده باشد.

عرض کردم: کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند برایش چه اجر و ثوابی است؟ امام 7 فرمود:

او همانند کسی است که رسول خدا 9 را زیارت نموده است.[1]

کسی که آن حضرت را زیارت کند در بهشت همسایه پیامبر 9 و... خواهد بود.

ابواسامه گوید: از امام صادق 7 شنیدم که فرمود:

کسی که می‌خواهد در همسایگی پیامبر 9 و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه 3 به سر برد باید زیارت حسین بن علی 8 را ترک نکند.[2]

مقام و مرتبه زائرین آن حضرت در روز قیامت

عبد الله طحان گوید: از امام صادق 7 شنیدم که فرمود:

هیچ کسی نیست در روز قیامت مگر آنکه آرزو می‌کند از زوار امام حسین 7 باشد به خاطر آنکه مشاهده می‌کند چه رفتار کریمانه‌ای با آن‌ها می‌شود و چه مقدار مورد اکرام واحترام نزد خداوند قرار می‌گیرند.[3]

زائر امام حسین 7 اگرچه شقی باشد سعید نوشته شود

۱ ـ عبد الله بن میمون قدّاح گوید: به امام صادق 7 عرض کردم: کسی که به زیارت قبر حسین بن علی 8 با معرفت به حق آن حضرت رود بدون آنکه سرباز زند و تکبّر ورزد چه پاداشی دارد؟ امام 7 فرمودند:

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۷۸ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/۷۶ ح۲۹، المستدرك: ۱۰/۱۸۵.

۲. کامل الزیارات: ص۲۶۰ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/۶۶ ح۵۴.

۳. کامل الزیارات: ص۲۵۸ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/۷۲ ح۱۸.

برای او هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده نوشته شود، و اگر شقی باشد سعید نوشته شود ـ یعنی از شقاوت نجات پیدا کند و در زمره سعداء قرار گیرد ـ و پیوسته در رحمت خدا غوطه ور باشد.[۱]

۲ ـ عبد الملک خثعمی روایت کرده‌است که امام صادق 7 به من فرمودند:

ای عبد الملک زیارت امام حسین 7 را ترک مکن و یاران و یاوران خود را بدان امر نما، خداوند عمرت را طولانی و روزیت را زیاد می‌گرداند و زندگی سعادتمندانه نصیب می‌فرماید، و جز سعادتمند نمی‌میری و در ردیف سعداء نوشته می‌شوی.[۲]

امام حسین 7 بعد از وفات زائر خود، به زیارت او می‌رود

امام صادق 7 می‌فرماید: امام حسین 7 فرموده‌اند:

کسی که بعد از وفاتم به زیارت من آید او را در روز قیامت زیارت خواهم کرد، و اگر نبوده باشد جز در آتش، او را خارج خواهم نمود.[۳]

بیان: بعضی از اساتید فرموده‌اند: امام حسین 7 در این کلام نورانی خود که فرموده: «واگر زائر من در آتش باشد» کلمه «لو» به کار برده‌اند تا بفهماند چنین چیزی محال است، سپس فرض محال که محال نیست، فرض فرموده که اگر در آتش باشد، او را خارج خواهم نمود، درود و رحمت خدا بر شما باد ای امام حسین، جان من و همه عالمیان به فدایت، چه قدر لطف و رحمت و مهر و محبت شما به شیعیان و زائران قبرت عظیم است و فراوان.[۴]

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۷۴ و۳۰۷، بحارالانوار: ۲۰/۱۰۱ ح۶، نورالعین: ۱۸۱.

۲. کامل الزیارات: ص۲۸۶، بحارالانوار: ۴۷/۱۰۱ ح۱۲، نورالعین: ۱۸۱.

۳ و۴. نور العین: ص۱۶۹، معالی السبطین: ۷۸/۲. موسوعة کلمات الامام الحسین 7 : ص۷۷۶ ح۸۳۳، فضل زیارة الحسین 7 : ص۴۰.

مؤکّد بودن استحباب زیارت آن حضرت در مناسبت‌ها و ایام شریفه

زیارت آن حضرت ـ که درود خدا بر او باد ـ در اوقات خاص و ایام مبارکه برتر و شرافت بیشتری دارد مخصوصاً ایامی که اختصاص به وجود مقدّس آن حضرت دارد و ایامی که فضل و کرامتی از آن حضرت بروز نموده مانند روز مباهله و روز نزول «هل أتی» و روز ولادت آن سرور که بنابر مشهور سوّم شعبان است، و نیز مناسب است زیارت آن حضرت در روزی که قاتل ملعون ایشان به درک واصل گشته و آن روز چهاردهم ربیع الاول بوده است.[1]

در کتاب ابواب الجنان می‌نویسد: سزاوار نیست برای کسی که اخبار را بررسی نموده و آگاهی از روایات دارد که زیارت امام حسین 7 را در هر روز و شب ترک کند مخصوصاً شب و روز جمعه، و اوقاتی که به آن حضرت منسوب است مانند: روز مباهله، روز نزول «هل اتی»، روز ولادت آن حضرت (که بنابر مشهور سوم شعبان است، اگرچه در مصباح از امام صادق 7 روایت شده که پنجم ماه شعبان سال چهارم هجری است)، و روزی که ارواح دشمنانش لعنت شده‌اند (مثل چهاردهم ربیع الاول که در آن یزید بن معاویه جنایتکار به جهنم و عذاب ابدی واصل گردید)، ولی چون زیارت مخصوص در آن اوقات از ائمّه طاهرین به ما نرسیده بهتر آن است که با همان زیارت‌های مطلقه و یا زیارت عاشورا آن حضرت را زیارت کنیم.[2]

مؤکّد بودن استحباب زیارت آن حضرت در هر روز عید

۱ ـ بشیر دهّان از امام صادق 7 روایت کرده که در ضمن حدیثی فرمودند:

---

۱. بحارالانوار: ۱۰۱/۱۰۱ ذیل ح۳۶، نورالعین: ص۴۰۳.

۲. ابواب الجنان و بشائر الرضوان: ۱۶۹، نور العین: ص۴۰۴.

کسی که به زیارت قبر امام حسین 7 با معرفت به حق آن حضرت در روز عید شرفیاب شود ثواب هزار حج و هزار عمره پذیرفته شده و هزار جهاد به همراه پیامبر مرسل یا امام عادل برای او نوشته شود....[1]

۲ـ بشیر دهّان از امام صادق 7 روایت کرده که در ضمن حدیثی فرمودند:

هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین 7 در روز عید شرفیاب شود خداوند برای او ثواب صد حج و صد عمره و صد جهاد به همراه پیامبر مرسل یا امام عادل نویسند.[2]

۳ـ حسن بن سعید گوید: از امام صادق 7 در باره کسی که قبر شریف امام حسین 7 را زیارت کند سؤال شد، امام 7 فرمودند:

کسی که قبر حسین بن علی 8 را در غیر روز عید زیارت کند برای او ثواب سی و سه عمره و صد غزوه نوشته شود و کسی که در روز عید زیارت کند برای او ثواب صد حج و صد عمره و صد غزوه به همراه پیامبر مرسل یا امام عادل نوشته شود.[3]

فضیلت زیارت آن حضرت در هر ماه

داود بن فرقد گوید: به امام صادق 7 عرض کردم: کسی که امام حسین 7 را در هر ماه زیارت کند چه پاداشی برای او است؟

امام 7 فرمود:

پاداشی مانند پاداش صدهزار شهید از شهدای بدر برای او خواهدبود.[4]

---

۱. الفقیه: ۲/۵۸۰ ح۲۱۹، نورالعین: ص۳۸۲.

۲. کامل الزیارات: ص۳۱۶ ح۱، امالی صدوق: ص۱۴۳ ح۱۱۱، امالی الطوسی: ص۲۰۱ ح۴۴.

۳. نور العین: ص۳۸۲، فضل زیارة الحسین 7 : ص۷۹ ح۶۷.

٤. کامل الزیارات: ص۳۴۱ ح۵، مزارمفید: ص۵۵ ح۱، التهذیب: ۶/۵۲ ح۳۸، بحارالانوار:۱۰۱/۳۷.

زیارت آن حضرت افضل اعمال است

ابوخدیجه گوید: از امام صادق 7 در مورد زیارت امام حسین 7 سؤال کردم، امام 7 فرمود:

زیارت امام حسین 7 برترین اعمال می‌باشد.[1]

زیارت آن حضرت احسان به رسول خدا و اهل بیت : است

معاذ نقل کرده است: شنیدم که ابان می گفت: امام صادق 7 فرمودند:

کسی که به زیارت قبر اباعبد الله 7 رود احسان به رسول خدا 9 و ما نموده و غیبت او حرام و گوشتش بر آتش نیز حرام است. و خداوند به هر درهمی که انفاق کرده ده هزار شهر که در کتابش ضبط شده به او عطا فرماید، و خداوند در پی حوائج او باشد و آنها را روا فرماید و آنچه از خود باقی گذاشته حفظ نماید، و چیزی از خدا درخواست نکند مگر آنکه به او مرحمت کند که یا به سرعت و بدون معطلی است و یا با تأخیر می‌باشد.[2]

زیارت آن حضرت باعث زیاد شدن روزی و عمر است

عبدالملک خثعمی از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

ای عبد الملک، زیارت حسین بن علی 8 را ترک نکن و اصحاب و یاران خود را بدان امر کن، خداوند عمرت را طولانی و روزیت را زیاد می‌گرداند و خداوند تو را در زندگی سعادتمند می‌نماید و جز سعید نخواهی مرد و تو را در ردیف افراد سعادتمند نویسد.[3]

---

۱. کامل الزیارات:ص۱۴۶ ح۱، بحارالانوار: ۴۹/۱۰۱ ح۱.

۲. کامل الزیارات: ص۲۴۵ ح۱.

۳. کامل الزیارات: ص۲۸۶ ح۶، بحارالانوار: ۴۷/۱۰۱ ح۱۲.

زائر امام حسین 7 فردای قیامت شفاعت خواهد کرد

سیف تمّار می‌گوید: از امام صادق 7 شنیدم که فرمود:

زائر امام حسین 7 فردای قیامت در مورد صد نفر جهنّمی که همه آن‌ها در دنیا از مسرفین بوده‌اند شفاعت خواهد کرد و شفاعت او پذیرفته خواهد شد.[1]

با زیارت آن حضرت گناهان پاک شود

۱ ـ قدامة بن مالک از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که به زیارت امام حسین 7 به حساب خداوند رود، نه برای خوشی و خوشگذرانی، و نه از روی ریا که به دیگران نشان دهد، و نه سُمعه که به گوش دیگران برسد؛ گناهان او پاک شود همان طور که لباس در آب پاک و پاکیزه می‌گردد و بر آن هیچ گونه آلودگی نمی‌ماند، و به هر قدمی که بر زمین نهاده یک حج و بر هر گام که از زمین برداشته یک عمره برایش نوشته شود.[2]

۲ ـ امام صادق 7 می‌فرماید:

همانا زائر امام حسین 7 گناهان خود را بر درب خانه‌اش پلی قرار می‌دهد سپس از آن عبور می‌کند ـ یعنی وقتی راه افتاد بدون گناه راه می‌افتد ـ همان طور که وقتی یکی از شما از پل عبور کرد آن را در پشت سر خود به جای می‌گذارد.[3]

---

۱. کامل الزیارات: ص۳۰۹ ح۲، بحارالانوار: ۷۷/۱۰۱ ح۳۶، المستدرك: ۲۵۳/۱۰ ح۴۵.

۲. کامل الزیارات: ص۲۷۳ ح۱، وسائل الشیعة: ۳۸۹/۱۰ ح۷، بحارالانوار: ۱۹/۱۰۱ ح۳.

۳. مزار مفید: ص۳۶ ح۲، ثواب الاعمال: ص۹۱.

ثواب زیارت آن حضرت در حال ترس و وحشت

محمّد بن مسلم از امام باقر 7 روایت کرده که در ضمن حدیثی به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر امام حسین 7 می‌روی؟ عرض کردم: آری با بیم و هراس.

فرمودند: هر مقدار بیم و هراس بیشتر باشد به همان مقدار ثواب بیشتر خواهد بود، کسی که در رفتنش به زیارت دچار بیم و هراس باشد خداوند در روز قیامت، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار به پا خیزند او را از هر گونه بیم و هراسی ایمن گرداند، و او با آمرزش گناهان بازگردد و فرشتگان بر او سلام گویند و پیامبر اکرم 9 به زیارت او آید و برای او دعا نماید، پس با نعمت الهی و فضل او که هیچ بدی و مکروهی و رنجی برایش پیش نیاید و رضای خداوند را در پی داشته باشد باز گردد.[1]

این حدیث دلالت می‌کند بر اینکه بر دوستان حضرت لازم است به زیارت او روند اگر چه بیم و هراس در میان باشد تا آنکه زیارت آن حضرت ترک نشود، و همان طور که حرم باصفای آن حضرت هیچ گاه از زائران آسمانی خالی نیست از زائران زمینی نیز حتی در حال خوف خالی نباشد.

ثواب کسی که پیاده به زیارت آن حضرت رود

ابوصامت می‌گوید: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

کسی که به زیارت قبر ابا عبد الله پیاده رود، خدا به هر قدمی هزار حسنه برای او نویسد و هزار گناه از دیوان او محو نماید و هزار درجه مقام او را

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۴۴ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۱ ح۴۰.

بالا ببرد.

هنگامی که به فرات رسیدی غسل کن و آنگاه کفش‌ها را بر دوش خود آویزان نما و پای برهنه برو و همانند بنده‌ای ذلیل راه برو، وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو، سپس اندکی راه برو و آنگاه چهارمرتبه تکبیر بگو، سپس به طرف بالای سر مبارک امام 7 برو و در آنجا توقف کن و آنگاه چهار مرتبه تکبیر بگو و در آنجا نماز بخوان و از خداوند حاجت خود را درخواست کن[1] [2].

۱. کامل الزیارات: ص۲۵۴ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱ ص۱۴۲ ح۳.

۲. **توضیحی در مورد «اخبار من بلغ»**

کلینی ; در کتاب کافی به سند خود از هشام بن سالم و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند: «کسی که ثوابی را برای انجام کاری بشنود و آن کار را انجام دهد، آن ثواب را به او می‌دهند اگر چه در واقع آن گونه که شنیده و به او رسیده، نباشد». (کافی: ج۲ ص۸۷ ح۱).

و نیز به سند خود از محمّد بن مروان روایت کرده است که گفت: از امام باقر 7 شنیدم که فرمودند: «کسی که اجر و ثوابی بر عملی از خداوند به او برسد و او آن عمل را به امید آن ثواب انجام دهد، ثواب را به او می دهند اگر چه حدیث آن گونه که به او رسیده است، نباشد».

این دو روایت و نظایر آن ها که به «اخبار من بلغ» مشهور گشته‌اند، در صورتی است که آن عمل، در کتاب و سنت، مستحب شناخته شده باشد، ولی این ثواب دنیوی و یا اخروی که به او رسیده، ذکر نشده باشد، و الّا که اگر مستحب بودنش در کتاب و سنّت ذکر نشده باشد، انجام آن هرگز اجر و پاداشی برایش نخواهد داشت ـ اگر وزری برایش نباشد ـ به خاطر این فرمایش رسول خدا 9 که فرموده‌اند: «سخن آدمی اجر و ثوابی برایش نیست مگر به عمل؛ و اجری برای سخن و عمل او نخواهد بود مگر به نیّت؛ سخن و عمل و نیت او اجری نخواهد داشت، مگر اینکه موافق با سنّت باشد و پیروی از مقررات دینی باشد». (تحف العقول: ص۴۲).

بیان مدتی که تأخیر نمودن در زیارت آن حضرت 7 جایز است

صفوان جمّال گوید: در راه مدینه به قصد مکّه در حال حرکت بودیم از امام صادق 7 سؤال کردم چه شده که من شما را غمگین و اندوهناک و شکسته حال می‌بینم؟ امام 7 فرمودند: اگر می‌شنیدی آنچه را که من می‌شنوم چنین سؤالی نمی‌پرسیدی.

عرض کردم: چه می‌شنوید؟ امام 7 فرمودند:

تضرّع و زاری ملائکه و نفرین آن‌ها را بر قاتلان امیرالمؤمنین 7 و امام حسین 7 و نیز شیون و زاری جن و گریه فرشتگانی را که در اطراف قبر مبارک آن حضرت هستند می‌شنوم، و کیست که با شنیدن چنین صداهایی خوردن و آشامیدن و یا خوابیدن بر او گوارا باشد؟

عرض کردم: کسی که به زیارت آن حضرت رود و بازگردد، چه زمانی برای زیارت بعدی رجوع کند و چند روز دیگر به زیارت رود، و تا چه مدت مردم می‌توانند و برای آن‌ها جایز است که زیارت را ترک کنند؟ امام 7 فرمود:

کسانی که نزدیک هستند بیش از یک ماه نباید ترک کنند و امّا کسانی که دور هستند در هر سه سال باید یک مرتبه به زیارت بروند، پس اگر از سه سال بگذرد و به زیارت نروند نافرمانی رسول خدا نموده و عاقّ آن حضرت گردیده و قطع رحم نموده‌اند، مگر علّت و عذری داشته باشند.

اگر زائر امام حسین 7 بداند که با زیارتش چه سروری بر قلب شریف رسول خدا 9 و امیرالمؤمنین 7 و حضرت فاطمه 3 و ائمّه : و شهدای از ما اهل بیت وارد می‌نماید و چه بهره‌ای از دعای ایشان به او می‌رسد و چه پاداشی دنیوی و اخروی نصیب او می‌گردد و چه ثوابی برای او نزد خدا ذخیره می‌شود، دوست خواهد داشت که خانه‌اش در آنجا

باشد و تا مادامی که باقی است از آن جا مفارقت نکند.

زائر امام حسین 7 از خانه‌اش که خارج شد سایه او بر چیزی نمی‌افتد مگر اینکه برای او دعامی کند، هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهان او را می‌خورد همان طور که آتش هیزم را می‌خورد، و آفتاب چیزی از گناهان او را باقی نمی‌گذارد، پس باز می‌گردد در حالی که گناهی بر او نیست، و از نظر مرتبه و مقام به قدری بالا رفته که آن کسی که در راه خدا در خون خود غوطه ور گشته به آن مرتبه نمی‌رسد.

و خداوند فرشته‌ای را موکل نماید که قائم مقام او باشد و برای او طلب آمرزش نماید تا بار دیگر به زیارت آید یا سه سال از زیارت او بگذرد و یا از دنیا رود...[1]

در این روایت نکات مهمی است که لازم است به آن توجه نمود: یکی از آن نکات این است که رسول خدا 9 و امیرالمؤمنین 7 و سرور زنان عالم فاطمه 3 و ائمّه : و شهدا برای او دعا می‌کنند به گونه‌ای که با دعای ایشان دگرگون می‌گردد.

۲ ـ علی بن میمون صائغ از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

ای علی، به من خبر رسیده که گروهی از شیعیان ما یک سال یا دو سال بر آن‌ها می‌گذرد و به زیارت امام حسین 7 نمی‌روند.

عرض کردم: فدای شما شوم، من افراد زیادی را می‌شناسم که این گونه‌اند.

امام 7 فرمودند: از حظ و بهره‌ای که باید ببرند بی نصیب و از ثواب و پاداش الهی محروم و از جوار حضرت محمّد 9 دور مانده‌اند.

---

۱. کامل الزیارات: ص۴۹۵ ح۱۷، بحارالانوار: ۱۳۴/۹۷ ح۶ وج۱۴/۱۰۱ ح۱۴، مستدرک: ۳۴۳/۱۰.

عرض کردم: فدای شما شوم، در چه مدّت باید به زیارت برویم؟ امام 7 فرمودند:

اگر توانایی داری که هر ماه به زیارت آن‌حضرت بروی این کار را انجام بده.

عرض کردم: نمی‌رسم و نمی‌توانم چنین کاری کنم، زیرا من با دست‌هایم کار می‌کنم و کارهای مردم به دست من است و نمی‌توانم حتّی یک روز غیبت داشته باشم. امام 7 فرمودند:

تو و کسانی که مانند تو با دست‌های خود کار می‌کنند معذور هستید و مقصود من کسانی هستند که این گونه کار ندارند و اگر در هر هفته به زیارت روند برای آن‌ها سهل و آسان است، چنین افرادی در روز قیامت نزد پروردگار و رسول گرامی او عذری نخواهند داشت.

عرض کردم: اگر کسی را از طرف خودش به زیارت بفرستد جایز است؟ امام 7 فرمود:

آری، جایز است ولی خودش اگر برود حتماً اجر بیشتر و خیر بیشتری نزد پروردگارش خواهد داشت و چون پروردگارش او را ببیند که شب‌ها بیدار و روزها را با رنج و زحمت سپری می‌کند به او نظر می‌کند و فردوس اعلی و بهشت برین به همراه محمّد و آل محمّد : را برای او واجب می‌گرداند، پس در این امر با یکدیگر رقابت کنید و مسابقه بگذارید و از اهل آن گردید.[1]

نکته‌ای که از این روایت استفاده می‌شود این است که صاحبان مال و ثروت که برای آن‌ها زیارت امام حسین 7 به خاطر داشتن عذری ممکن نیست می‌توانند دیگران را به نیابت از طرف خودشان به زیارت بفرستند، همان طور که

۱. کامل الزیارات: ص۴۹۲ ح۱۱، بحارالانوار: ۱۲/۱۰۱ ح۱، المستدرك: ۲۶۳/۱۰.

راوی این سوال را از امام 7 پرسید که آیا جایز است کسی را از طرف خودش بفرستد و امام 7 فرمودند: آری جایز است...

۳ ـ ابوجارود از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند:

میان شما و قبر حضرت اباعبد الله چه قدر فاصله است؟ عرض کردم: برای سواره به مقدار یک روز و برای پیاده یک روز و مقداری از روز دیگر. امام 7 فرمودند:

آیا هر جمعه به زیارت آن حضرت می‌روی؟

عرض کردم : نه، ولی هر دو جمعه یک بار (و در کامل الزیارات: گاهی) به زیارت آن حضرت می‌روم. امام 7 فرمودند:

چه قدر جفا می‌کنید، اگر قبر مبارک امام حسین 7 نزدیک ما بود حتماً به سوی آن هجرت می‌کردیم.[1]

این حدیث دلالت دارد بر اینکه جایز است کربلا را وطن برای خود اختیار کنی بلکه بر فضیلت آن نیز دلالت دارد.

بیشترین مقداری که تأخیر در زیارت برای فقیر و ثروتمند جایز است

ابو ایّوب از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

سزاوار است که ثروتمند در سال دو مرتبه و فقیر یک مرتبه به زیارت قبر مطهّر امام حسین 7 برود.[2]

کسی که اهل کوفه باشد و به زیارت آن حضرت نرود خود را از خیر محروم ساخته است

حنّان بن سدیر گوید: محضر مقدس امام باقر 7 بودم، شخصی وارد شد و

---

۱. ثواب الاعمال: ص۸۸، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۶ ح۲۰.

۲. کامل الزیارات: ص۴۹۰ ح۱، مزار مفید: ص۲۹، التهذیب: ۶/۴۳ ح۳، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۲.

بر آن حضرت سلام کرد و نشست، امام 7 به او فرمودند:

از کدام شهر و دیار هستی؟ عرض کرد: اهل کوفه ام و از دوستان و ارادتمندان شما می‌باشم. امام 7 فرمودند: آیا هر جمعه به زیارت قبر امام حسین 7 می‌روی؟ عرض کرد: نه. فرمودند: در هر ماه چطور؟ عرض کرد: نه، فرمودند: در هر سال؟ عرض کرد: نه،

امام 7 فرمودند: تو واقعاً از خیر محروم می‌باشی...[1]

ترک زیارت امام حسین 7 جفا است

(علی بن حکم از بعضی از اصحابش و او از) امام باقر 7 (روایت کرده که) فرمودند:

میان شما و قبر حضرت سید الشهداء 7 چه مقدار فاصله است؟

عرض کردم: شانزده فرسخ.

امام 7 فرمودند: آیا به زیارت آن حضرت می‌روی؟ عرض کردم: نه،

امام 7 فرمودند: چه قدر جفا می‌کنید.[2]

تعجب است از کسی که می‌پندارد شیعه است و به زیارت آن حضرت نرفته است

۱ـ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق 7 شنیدم که فرمود:

تعجب است از گروهی که می‌پندارند از شیعیان ما هستند و گفته می‌شود: یکی از آن‌ها روزگاری را سپری می‌کند و به زیارت قبر امام حسین 7 نمی‌رود، از روی جفا بوده یا سستی نموده و یا از روی ناتوانی و کسالت بوده، در هر حال اگر می‌دانست چه فضیلتی در زیارت آن

۱. کامل الزیارات: ص۴۸۷ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۱/۶ ح۲۶.

۲. کامل الزیارات: ص۴۸۷ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/۵ ح۲۰.

حضرت است هرگز سستی نمی‌کرد و بی حالی از خود نشان نمی‌داد.

عرض کردم: فدای شما شوم، چه فضیلتی در زیارت آن حضرت می‌باشد؟

امام 7 فرمود:

ارزش زیاد و خیر فراوانی در آن است، اولین خیری که به او می‌رسد این است که گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود و به او گفته می‌شود: کار خود را از نو آغاز کن.[1]

۲ـ عنبسة بن مصعب از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین 7 نرود تا از دنیا رود، دین و ایمان او ناقص بوده و اگر به بهشت راه پیدا کند مرتبه او پایین تر از مؤمنین خواهد بود.[2]

۳ ـ محمّد بن مسلم از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند:

از شیعیان ما کسی که به زیارت قبر امام حسین 7 نرود دین و ایمانش ناقص بوده و اگر در بهشت وارد شود مقام و مرتبه‌اش پایین تر از مؤمنین خواهد بود.[3]

کسی که زیارت امام حسین 7 را ترک کند

علی بن میمون می‌گوید: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

اگر یکی از شما هزار حج بجا آورد ولی به زیارت قبر حسین بن علی 8 نرفته باشد، حقّی از حقوق خداوند را ترک کرده و مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

---

۱. کامل الزیارات: ص۴۸۸ ح۸، بحارالانوار: ۷/۱۰۱ ح۲۸.

۲. کامل الزیارات: ص۳۵۵ ح۲، مزار مفید: ص۵۶، بحارالانوار: ۴/۱۰۱ ح۱۴.

۳. کامل الزیارات: ص۳۵۵ ح۱، بحارالانوار: ۴/۱۰۱ ح۱۳.

آنگاه فرمودند: حقّ امام حسین 7 بر هر مسلمانی فریضه و واجب است.[1]

بدان زیارت مولا حضرت اباعبدالله 7 بر هر زن و مرد مسلمان واجب است مگر کسی واقعاً عذری داشته باشد، و این مطلب در روایات آمده است و اگر کسی زیارت آن حضرت از نزدیک برایش ممکن نباشد لازم است که از راه دور زیارت کند و ترک زیارت جایز نیست،

حال در آخر این فصل روایت مهمی را ذکرمی‌کنیم که توجه نمودن به آن لازم است:

مفضّل از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

زیارت کنید بهتر است از آنکه زیارت نکنید، و زیارت نکنید بهتر است از آنکه زیارت کنید.

عرض کردم: کمر مرا شکستید با این فرمایش خود، امام 7 فرمودند:

به خدا قسم، یکی از شما به زیارت قبر پدرش می‌رود با حالی افسرده و غمناک، ولی به زیارت قبر امام حسین 7 می‌رود در حالی که سفره‌هایی به همراه دارد، نه هرگز زیارت شما زیارت نیست تا آنکه مو پریشان و غبار آلود بروید.[2]

و لذا بر ما لازم است که به آداب زیارت توجه داشته باشیم و بدانیم که ساکنان آسمان مشتاق زیارت آن حضرت‌اند و از پروردگار خود اجازه می‌خواهند تا به زیارت او روند و لذا بر هر زائری لازم است که خدا را بر این توفیق شکر نماید.

---

۱. کامل الزیارات: ص۳۵۷ ح۶، بحارالانوار: ۵/۱۰۱ ح۱۸.

۲. کامل الزیارات: ص۲۵۰ ح۴، بحارالانوار: ۱۴۱/۱۰۱ ح۱۰.

بیان علّت اختلاف در ثواب زیارت‌ها

مرحوم شوشتری در خصائص حسینیّه گفته است:

«در بعضی از روایات فرموده‌اند: زیارت امام حسین 7 معادل یک عمره است و در روایاتی فرموده‌اند: یک حج است، دو حج است، ده حج، بیست، بیست دو، هشتاد، صد و صد هزار حج است؛

در بعضی فرموده‌اند: «هر قدمی که می‌نهد یک حج و چون بر می‌دارد یک عمره است»، در روایتی که بشیر دهان نقل کرده فرموده‌اند: «یکی از شما در شط فرات غسل می‌کند، سپس به زیارت قبر امام حسین 7 با معرفت به حقّ آن حضرت می‌رود، خداوند به هر قدمی که می‌گذارد و بر می‌دارد، ثواب صد حج مقبول و صد عمره پذیرفته شده به او عطا فرماید»؛

در بعضی از روایات فرموده‌اند: معادل یک حج به همراه رسول خدا 9 و در بعضی معادل دو حج و در بعضی ده حج و در بعضی سی حج و در بعضی پنجاه حج و در بعضی صد حج به همراه رسول خدا 9 است،

و این اختلاف ناشی از اختلاف مراتب زائرین از جهت قوت ایمان آنان و مقدار معرفت ایشان به خدا و رسول خدا و اهل بیت : و مخصوصاً امام حسین 7 می‌باشد و به مقدار یقینی است که نسبت به فضائل و خصائص آن حضرت دارند که از جمله آن‌ها این خصوصیت و ویژگی است که رسول خدا 9 فرموده‌اند:

«أنا من حسین» «من از حسین 7 هستم».[1]

---

۱. الخصائص الحسینیّة: ص۱۴۹.

آنچه آیة الله شیخ جعفر شوشتری برای اختلاف ثواب زیارت‌ها ذکر نموده، دو امر است:

۱ ـ اختلاف زائران در درجات معرفت.

۲ـ اختلاف آنان در مقدار یقین و باور ایشان به آنچه فرموده‌اند در مورد ثواب و پاداشی که به زائران داده می‌شود.

ما جهات دیگری را برای علت برتری ثواب زیارت زائران، ذکر می‌کنیم:

بعضی از روایاتی که وارد شده در ثواب زیارت آن حضرت، دلالت می‌کند بر برتری ثواب آن زیارت بر غیر آن، و جهت برتری در آن بیان گردیده است، و در بعضی از روایات تصریح شده در آن به برتری آن زیارت، ولی چیزی که سبب زیادتی و برتری ثواب آن زیارت شده بیان نگردیده است، و زائر ممکن است در زیارتش بین دو جهت یا بیشتر از جهاتی که مایه برتری ثواب است جمع کند، مثل این که عارف به حق آن حضرت باشد و پیاده به زیارت رود و در حال بیم و هراس مسیر زیارت را طی کند که ثواب این زیارت قطعاً مضاعف است و اجر و پاداش آن با خداوند تبارک و تعالی است و برای ما تعیین مقدار ثواب آن ممکن نیست.

۱ ـ ممکن است جهت تفاضل و برتری ثواب زیارت این باشد که ثواب زیارت از باب هدیه و عطای الهی به زائر است نه فقط از باب جزا و پاداش است و هدیه و عطای الهی به زائر طبق خواست و مشیت پروردگار است، همان طور که ثواب گریه بر امام حسین 7 این چنین است و حدّ و حسابی برای آن نیست و ما این جهت را در باب اجر و پاداش گریستن بر امام حسین 7 توضیح خواهیم داد.

۲ ـ گاهی تفاضل و افزونی ثواب زیارت از جهت زمان است زیرا زمان هم

در این جهت مؤثر است، زیارتی که در شب قدر یا شب جمعه و روز آن باشد، ثواب آن بیشتر از زمان‌هایی است که خصوصیتی ندارد.

۳ ـ گاهی جهت دیگری برای تفاضل و برتری ثواب زیارت می‌باشد و آن ربطی به معرفت زائر و یقین او ندارد و به شخص زائر مربوط نیست، بلکه امر دیگری است که آن در تفاضل و برتری ثواب جدّاً مؤثر است، خداوند گاهی نظر لطفی به عموم زائرین می‌کند به خاطر وجود یکی از اهل بیت : در میان آنان یا به خاطر دعای آن‌ها برای زائرین، همان طور که در روایت وارده شده:

حضرت صدّیقه کبری فاطمه 3 نزد زوّار اباعبد الله حضور پیدا می‌کند و برای آن‌ها طلب آمرزش می‌نماید.

و هیچ تردیدی نیست در اینکه کسی که برای او سرور زنان عالم حضرت فاطمه زهرا 3 استغفار کند به خاطر اینکه زائر امام حسین 7 است ثواب آن زیارت به مراتب بیشتر خواهد بود از ثواب زیارت کسی که چنین امتیازی ندارد و فاطمه 3 برای او استغفار ننموده است.

۴ ـ وجه دیگر در تفاضل و برتری ثواب زائرین تحمل مشکلات و رنج‌ها در رسیدن به کربلا است و این چیزی است که در ثواب زیارت کسی که پیاده به زیارت آن حضرت رود تصریح شده است، زائری که از سرزمین‌های دور برای زیارت آن حضرت پیاده حرکت می‌کند، و سختی‌ها و رنج‌های فراوان را متحمّل می‌شود، اجر و پاداش بیشتری دارد که زائر غیر پیاده ندارد.

و این از واضحات است که تحمّل مشکلات و رنج‌ها در افزونی ثواب زائرین مؤثر است و روایت ابوصامت از مولای ما امام صادق 7 بر این مطلب دلالت دارد، می‌گوید: از آن حضرت شنیدم که فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین 7 رود خداوند به هر قدمی که

بر می‌دارد هزار حسنه برای او می‌نویسد و هزار گناه او را محو می‌فرماید و هزار مرتبه مقام او را بالا می‌برد.[۱]

و مولای ما امیرالمؤمنین 7 فرموده‌اند:

پاداش عمل به مقدار مشقت و رنجی است که در آن می‌باشد.[۲]

و این فرمایش مولا دلالت دارد بر این که مشقّت و رنج مؤثر است در مقدار ثواب، و هر چه زیارت با زحمت و مشقّت و رنج بیشتر ثواب زیارت بیشتر...

و امیرالمؤمنین 7 فرموده‌اند:

ثواب عمل ثمره آن عمل است.[۳]

یک عمل را فرض کنید زمانی که آن عمل با مشقّت زیاد انجام بگیرد ثواب آن زیادتر است از زمانی که آن رنج و مشقّت زیاد را نداشته باشد. این در مشکلات و زحمات جسمی است و اگر رنج‌ها و مشکلات روحی باشد، مثل بیم و هراس که ثواب آن زیادتر و فراوان تر خواهد بود. نگاه کنید به باب «ثواب کسی که در حال خوف به زیارت آن حضرت رود» که دلالت می‌کند بر آنچه ما گفتیم، وهرگاه بیم و هراس بیشتر باشد اجر و پاداش بیشتر خواهد بود، همان طور که مولای ما امام باقر 7 در ضمن حدیثی به محمد بن مسلم فرمودند:

هر چه بیم و هراس بیشتر باشد ثواب زیارت به قدر هراس می‌باشد.[٤]

ما این حدیث را در باب «ثواب کسی که با ترس و وحشت به زیارت آن حضرت رود» آوردیم.

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۵۴ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۴۲ ح۱۳.

۲. غررالحکم: ص۳۳۳، شرح غرر الحکم: ۳/۳۲۹ ، عیون الحکم: ص۲۱۸ ح۴۲۸۲.

۳. تصنیف غررالحکم: ص۱۵۶ ح۲۹۴۹، شرح آقا جمال: ۳/۳۵۳، عیون الحکم: ص۲۱۷.

٤. کامل الزیارات: ص۲۴۴ ح۵.

۵ ـ گاهی تفاضل و برتری ثواب از جهت نیّت زائر است، تردیدی نیست که نیسّت در ثواب زیارت دخالت دارد، پس شایسته است که زائر بداند نیّت او تأثیر عجیبی در ثواب زیارت او دارد و چون قصّه چنین است با مراعات نیّت و گزینش بهترین نیت‌ها می‌تواند ثواب زیارت خود را به شکل عجیبی بالا ببرد، و این مطلبی است که در روایات اهل بیت: به آن تصریح شده، ما به یک مورد از موارد آن اشاره می کنیم:

هنگامی که زائر نیّت کند که ثواب زیارت خود را به امام زمان ـ که خدا در فرج او تعجیل فرماید ـ و به همهٔ امامان معصوم : اهدا نماید، این نیّت باعث می‌شود که ثواب زیادی مازاد بر ثواب زیارتش به او برسد، پس زیارت او با این کیفیت موجت تفاضل ثواب زیارت او خواهد بود.

و پیش از این گفتیم که ثواب زیارت مولای ما امام حسین 7 عطا و بخشش الهی است و کسی که نیت او در زیات اهدای ثواب آن به امام 7 باشد سزاوارتر به این عطا است، پس زیارت او نور علی نور می‌شود و ثواب آن عطایی بر عطا می گردد، مولای ما امیرالمؤمنین 7 صاحب جود و کرم فرموده‌اند:

علی قدر النیّة تکون من اللّه العطیّة.

عطای الهی به میزان قدر و ارزش نیت است.[1]

پس بنابراین زیارت مولای ما حضرت ابا عبد الله 7 با این نیت، نور علی نور و ثواب آن عطایی بر عطا می‌باشد ـ خداوند تبارک و تعالی زیارت آن حضرت را در دنیا و آخرت به حق موالیان عزیز ائمّه اطهار : نصیب و روزی ما گرداند ـ .

---

۱. غررالحکم: ص۴۵۲، تصنیف غرر الحکم: ص۹۲ ح۱۵۹۴.

زیرا صحیح است بلکه ترجیح دارد اهدای ثواب زیارت به پیامبراکرم 9 یا به یکی از ائمّه طاهرین : . شیخ ; به سند خود از داود صرمی روایت کرده است که گفت: به امام هادی 7 عرض کردم: من پدر بزرگوار شما را زیارت کردم و ثواب آن را برای شما قرار دادم، امام 7 فرمود:

لك من الله اجر وثواب عظیم و منّا المحمدة.

برای تو از طرف خدا ثواب و پاداش عظیم و از طرف ما ثناگویی است.[1]

بنابراین در این عصری که مولای ما حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه از دیدگان پنهان است و عصر ظهور آن حضرت نمی‌باشد، و برای دوستان مقدور نیست که هر وقت بخواهند در مکان‌های مقدسی که به آن وجود مقدس تعلق دارد، مانند سرداب مقدس و مسجد کوفه و مسجد سهله و مسجد جمکران، مشرف شوند، می‌توانند با اهدای ثواب زیارت در اماکن مقدسه جبران این خسارت نمایند.

ونیز ممکن است زیارات آن حضرت را در اماکن مقدسه برای تقرّب به پروردگار و جلب عنایات او بخوانند.

تاکنون عنایت آن حضرت به بسیاری از دوستان اهل بیت : در سرداب مقدس و سائر اماکن مقدسه رسیده است و مشمول الطاف او گردیده‌اند، و ما برخی از آن‌ها را در این کتاب ذکر خواهیم کرد».[2]

---

۱. التهذیب: ۱۱۱/۶ ح۱۵، مزار مفید: ص۲۰۷، بحارالانوار: ۲۵۶/۱۰۲، مفتاح الجنات: ۵۳۱/۱.

۲. صحفیفه مهدیه: ص۵۵۲.

اجابت دعا در زیر گنبد منوّر آن حضرت 7

از خصائص و ویژگی‌های امام حسین 7 اجابت دعا در زیر گنبد نورانی آن حضرت است، روایت شده است که:

خداوند تبارک و تعالی در قبال شهادت امام حسین 7 چهار چیز به آن حضرت عنایت فرمود:

در خاک قبر مطهرش شفا را قرار داد، در زیر گنبد منوّرش اجابت دعا را قرار داد، و ائمّه طاهرین : را از نسل آن حضرت قرار داد، و روزهایی که زائرین صرف زیارت آن حضرت می‌کنند از عمر آن‌ها قرار نداد.[1]

لازم است بدانیم که دعا از بزرگ‌ترین مسائل دینی است، به گونه‌ای که اگر دعای ما نبود خداوند تبارک و تعالی به ما نظری نمی‌نمود.

از مهم‌ترین آداب دعا که باید دعا کننده رعایت کند این است که خدا را به گونه‌ای بخواند که مورد اجابت او قرار گیرد، و لذا بر دعا کننده است که آنچه مقتضی اجابت دعا است و آنچه مانع آن است بداند تا موانع را ترک کند و در تحصیل مقتضی تلاش لازم را بنماید تا خداوند به او نظر رحمتی کند و دعایش را به اجابت رساند، دعایی که هم مقتضی اجابت برایش فراهم است و هم موانع اجابت را ندارد دعا در زیر قبّه امام حسین 7 است مقتضی اجابتش این است که در چنین مکان شریفی است وفرموده‌اند: دعا در این مکان شریف ردّ نمی‌شود، ومانع اجابت، گناه دعا کننده باشد یا چیز دیگر، نمی‌تواند مانع اجابت شود، زیرا به طور مطلق فرموده‌اند دعا در این مکان شریف ردّ نمی‌شود، و این معنای فرمایش رسول خدا است که فرمود:

---

۱. عدّة الداعي: ص۶۹، وسائل الشيعة: ۵۳۷/۱۴ ح۱.

ألا و إنّ الاجابة تحت قبّته.

آگاه باشید و بدانید که دعا در زیر گنبد آن حضرت به اجابت می‌رسد،

و این مطلق است یعنی اگرچه مقتضی برای اجابت در دعایش نباشد و مانع برای اجابت داشته باشد.

گاهی بعضی از زائرین محترم سؤال می‌کنند: پس علّتش چیست که ما در زیر گنبد مطهر دعا کردیم ولی اجابت دعا را نداریم؟

در پاسخ این سؤال می‌گوییم: برای توضیح مطلب ابتدا مثالی می‌زنیم: گاهی سائلی از ما چیزی درخواست می‌کند و ما مطابق درخواستش و یا بیشتر از آنچه درخواست نموده به او می‌دهیم، و گاهی کمتر از درخواستش به او می‌دهیم و گاهی هیچ چیز به او نمی‌دهیم.

دعا کننده نیز چنین است، گاهی حاجتی را از خدا تقاضا می‌کند و خداوند همان حاجت درخواست شده و یا بهتر از آن را به او عطا می‌فرماید و گاهی کمتر از آن چه خواسته به او مرحمت می‌نماید و گاهی دعایش را اصلاً به اجابت نمی‌رساند و منشأ آن امور مختلفی می‌تواند باشد:

۱ ـ خوردن مال حرام ۲ـ گناهان دیگر ۳ـ به مصلحت دعاکننده نباشد ۴ ـ ضرری برای دیگران داشته باشد. ۵ ـ مخالف نظام جامعه باشد، و امثال اینها از آنچه مانع اجابت دعا است.

امّا کسی که در حرم مطهر امام حسین 7 باشد و در زیر گنبد شریف آن حضرت دعا کند ممکن نیست آن دعا رد شود، طبق آنچه فرموده‌اند: «اجابة الدعاء تحت قبّته».

در توضیح آن می‌گوییم: هر کسی که در زیر گنبد مطهر آن حضرت دعا کند، دعای او به اجابت می‌رسد به بیشتر از آنچه دعا کرده یا به مانند آن و یا کمتر از آن، با سرعت و یا با تأخیر زمانی در اجابت، و ممکن نیست عدم

اجابت دعای دعا کننده، اگرچه دعای او شایستگی اجابت را نداشته باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی به حرمت مولای ما حضرت اباعبدالله 7 و قبّه رفیع آن حضرت، اگر دعا کننده را اجابت ننماید، او را به طور مطلق رد نمی‌نماید، و چیز دیگری که به صلاح دعا کننده باشد به او مرحمت می‌فرماید، و خداوند است که به حقایق امور آگاه است.

خواننده گرامی این را بدان که رأفت مولای ما امام حسین 7 هر کسی را که زائر او باشد شامل می‌شود، زیرا رأفت آن حضرت عام است، و گاهی حتّی به دشمنانش نیز می‌رسد.

رأفت حسینی

در اینجا برای رأفت حسینی قصّهٔ عجیبی را نقل می‌کنیم که برای یکی از بدترین دشمنان امیرالمؤمنین 7 و مولا ابا عبدالله 7 اتّفاق افتاد و او از بهترین دوستان آن حضرت گردید به گونه‌ای که بر روی زمین محبوب‌تر از آن دو بزرگوار کسی برایش نبود.

محدّث بزرگوار مرحوم شیخ عبّاس قمّی گفته است: در بعضی از کتب اخلاقی دیدم از عصام بن مصطلق که این گونه نقل کرده است:

می‌گوید: وارد مدینه شدم حسین بن علی 8 را دیدم، وقار و عظمت و سیمای ملکوتی او مرا به عَجَب آورد، از دیدن او آتش کینه و حسد در وجود من شعله ور گشت و آن بغض و عداوتی که در سینه از پدر او پنهان داشتم، ظاهر ساختم، به او گفتم: تو پسر ابوترابی؟ فرمود: آری.

آنچه توانستم دشنام به آن حضرت و پدرش دادم و اسائهٔ ادب نمودم، او نگاهی از روی عطوفت و مهربانی به من کرد و فرمود:

به خدا پناه می‌برم از شیطان رانده شده، به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، «عفو و گذشت را پیشه کن و به نیکوکاری امر کن و از نادانان روی گردان، و چون از ناحیه شیطان دچار وسوسه گردیدی به خدا پناه ببر، که او شنوا و دانا است، اهل تقوا هنگامی که وسوسه‌ای از شیطان در خاطر آن‌ها وارد شود خدا را به یاد آورند و بینا شوند».[1]

سپس به من فرمود: آهسته باش، خود را گرفتار نساز، از خدا برای من و خودت طلب آمرزش نما، اگر طلب یاری کنی از ما تو را یاری می‌کنیم، عطا و بخششی اگر بخواهی به تو عطا می‌کنیم، راهنمایی اگر لازم داشته باشی تو را راهنمایی می‌نماییم.

سخنان آن حضرت مرا دگرگون نمود و چنان تأثیری در من گذاشت که در چهره‌ام آثار ندامت ظاهر گردید و امام با فراست آن را مشاهده نمود و فرمود:

(لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم وهو ارحم الراحمین)[2]

«عتاب و ملامتی بر شما نیست، خداوند شما را بیامرزد و او مهربان‌تر از هر مهربانی است».

سؤال نمود: تو از اهل شام هستی؟ عرض کرد: آری، فرمود: «شنشئة أعرفها من أخرم» این مثلی است که امام 7 به آن تمثّل جست، حاصلش این است که این ناسزاگویی به ما عادت و خوی اهل شام است و اشاره دارد به اصل و ریشه فتنه که در اینجا معاویه لعنه الله است که مردم شام را گمراه نموده و کینه و بغض اهل بیت : را عادت آنان ساخته است. آنگاه فرمود:

خداوند ما و شما را زنده بدارد، اکنون هر مشکلی داری بگو تو را کمک نمایم، خیلی راحت حاجت خود را با ما در میان بگذار، خواهی دید که

۱. سورهٔ اعراف، آیات۱۹۹ ـ ۲۰۲.
۲. سورهٔ یوسف، آیه۹۲.

بهتر از آنچه گمان داری به خواسته‌ات می‌رسی اگر خدا بخواهد.

عصام گوید: اخلاق نیکوی آن حضرت و این اظهار لطف و محبت در مقابل آن جسارت‌ها و دشنام‌ها که از من سرزده بود زمین را با همه وسعتش بر من تنگ کرد دوست داشتم زمین شکافته شود و من در اعماق آن فرو روم از بس خجالت کشیدم و شرمنده شدم، دیگر نمی‌توانستم به آن حضرت نگاه کنم و لذا آهسته کناره گرفتم و خود را لابلای مردم پنهان کردم که مرا نبیند ولی بعد از آن مجلس نزد من کسی محبوب‌تر از او و پدر بزرگوارش نبود.[1]

عصام بن مصطلق از دشمنان سرسخت امیرالمؤمنین و مولای ما امام حسین 8 بود ولی عداوتش از ناپاکی طینت او نبود بلکه از روی جهالت و نداشتن معرفت بود، با نظر رأفت و لطف امام حسین 7 دگرگون شد و از بهترین دوستان اهل بیت : گردید.

این رفتاری است که امام حسین 7 با یکی از دشمنانش نموده، پس نسبت به دوستان و زائرین و فرزندان و خاندانش چه خواهد کرد هنگامی که به او تمسّک نمایند و از اعماق دل به او متوسل شوند؟

پس زمانی که به آن‌ها از روی مهر و محبت نظری نماید، کرامت را نزد او کامل می‌نمایند و در خیرات سبقت می‌گیرند که مولای ما امام باقر 7 در تفسیر آیه شریفه (فاستبقوا الخیرات) فرموده‌اند:

مقصود از «خیرات» ولایت است، پس در ولایت اهل بیت : بر سائر مردم سبقت می‌گیرند.[2]

---

۱. سفینة البحار: ۱۱۶/۲، منازل الآخرة: ص۲۰۷، منتهی الآمال: ۵۳۲/۱، تاریخ دمشق: ۲۲۴/۴۲، تفسیر قرطبی: ۳۵۰/۷، القطرة: ۲۹۹/۱ ح۱۱.

۲. الکافي: ۳۱۳/۸ ح۴۸۷، تفسیر برهان: ۳۴۹/۱، اثبات الهداة: ۶۴/۵ ح۶۲.

و با همان نظر لطفش خداوند مراتب عالی محبت آن حضرت را، در قلب او قرار می‌دهد، آنگاه میل و خواسته او میل و خواسته امام حسین 7 می‌گردد.

مولای ما حضرت جواد الائمّه 7 برای بعضی از دوستان خود نوشتند:

> امّا این دنیا همانا ما در آن.... ولی کسی که میل و خواسته‌اش، گرایش، میل و خواستهٔ صاحب و رفیقش باشد و به عقیده او معتقد باشد پس با او خواهد بود هر کجا که باشد، و آخرت سرای ماندگار و استقرار است.[1]

پس حضرت ابا عبد الله اسوه و الگوی او در سختی‌ها و بلاها و گرفتاری‌ها می‌گردد، همان طور که اسماعیل صادق الوعد که خود یکی از پیامبران بود، آن حضرت را اسوه و الگوی خویش قرار داد.

امام صادق 7 فرمودند:

> آن اسماعیلی که خداوند تبارک و تعالی در کتابش می‌فرماید: «و یاد کن در این کتاب ـ یعنی قرآن ـ قصه اسماعیل را، که او به وعده خود وفا می‌کرد و فرستاده خدا به سوی خلق و پیامبر بود»[2]، او اسماعیل فرزند ابراهیم 7 نبود، بلکه او پیامبری از پیامبران الهی بود که خداوند او را به سوی قومش فرستاد، قومش او را گرفته و پوست سر و صورت او را کندند، فرشته‌ای از طرف خداوند تبارک و تعالی نزد او آمد و گفت: خداوند مرا به سوی تو فرستاده است، آنچه می‌خواهی به من دستور بده تا فرمانت را اجرا کنم، فرمود:
> «لي اسوة بما يصنع بالحسين 7 ».
> امام حسین 7 که آن همه بلاها و سختی‌ها و مصائب بر سر او خواهد

---

۱. بحارالانوار: ۳۵۸/۷۸.
۳. سورهٔ مریم، آیه۵۴.

ریخت برای من الگو است، او همهٔ آن‌ها را پذیرفت و تحمّل کرد، من نیز می‌پذیرم و تحمّل می‌کنم.[1]

پس بنابراین بر دوستان و ارادتمندان ابا عبد الله 7 لازم است که در سختی‌ها و بلاها صابر و شکیبا باشند و اقتدا به مولای خود نمایند و بر خدا توکّل کنند «که هر کس بر خدا توکّل کند خدا او را کفایت می‌کند، خدا امر خود را به انجام می‌رساند، و او برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است»[2].

---

۱. علل الشرایع: ۷۸/۱ ح۲، کامل الزیارات: ۱۳۷ ح۱، بحارالانوار: ۳۸۸/۱۳ ح۲ وج۲۲۷/۴۴ ح۷، وسائل الشیعة: ۲۶۵/۳ ح۲.

۲ سورهٔ طلاق، آیه۳.

ارکان چهارگانه مهم در زیارت امام حسین 7

در رابطه با زیارت حضرت ابا عبد الله 7 امور مهمّی است که لازم است به آن‌ها توجه کند کسی که می‌خواهد زیارت او در عالی‌ترین مراتب آن باشد.

ما چهار امر از آن امور مهمّی که به منزلهٔ ارکان چهارگانه است برای زیارت حضرت ابا عبد الله ذکر می کنیم، این امور اگر چه تحمّل آن دشوار است ولی برای کسی که آن‌ها را بداند و بدان‌ها عمل کند، شیرین‌تر از عسل می‌باشد.

۱ـ توجّه داشتن در حرم امام حسین 7

پیش از بیان لزوم توجه در حرم حضرت ابا عبد الله 7 نکته مهمی را ذکر می کنیم که در حال زائر اگر بدان عمل کند، تأثیر گذار است.

زائر اگر شرافت کربلا را بداند و به عظمت عتبهٔ حسینیه عارف و آگاه باشد این علم و آگاهی در کیفیت زیارت او، و زیارتش در حالات روحی او تاثیر خواهد گذاشت و تحوّلی در قلب و روح او ایجاد خواهد کرد، و این تأثیر و دگرگونی به درجات معرفت او بستگی دارد، کسی که به زیارت سومین امام 7 رود و این امور چهارگانه را عمل کند زیارت کاملی برای خامس آل کساء یعنی امام حسین 7 انجام داده است.

در اینجا روایت مهمی را در فضیلت سرزمین کربلا ذکر می کنیم:

زمین کربلا در میان باغ‌های بهشت همانند کوکب دُرّی می‌درخشد

شیخ مفید ; از ابوجارود و او از حضرت علی بن الحسین 8 روایت کرده است که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از آنکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد

و هنگامی که آن زلزله عظیم واقع شود و خداوند زمین را بلرزاند و حرکت دهد کربلا را همان گونه که هست همراه تربتش در حالی که نورانی و باصفا است از جای خود بردارد و در بهترین باغ از باغ‌های بهشت قرار دهد و آن را برترین مسکن در بهشت گرداند که تنها پیامبران و رسولان ـ و یا فرمود: اولی العزم از رسولان ـ در آنجا ساکن شوند، و آن در میان باغ‌های بهشت می‌درخشد همان طور که کوکب درّی (ستاره‌ای که درخشندگی خاصّی دارد) در میان ستارگان می‌درخشد، و نور آن دیدگان اهل بهشت را می‌پوشاند و فریاد بر می‌آورد:

من زمین مقدس و پاک و پاکیزه و مبارک الهی هستم که سیّد و سالار شهیدان و سرور جوانان اهل بهشت را در بردارم.[1]

از این روایت شریف می‌فهمیم که کربلا بهترین سرزمین در روی زمین بلکه ارزنده‌ترین مکان حتی در بهشت است، چون خداوند آن را از زمین برمی‌دارد و در بهشت می‌نهد و بهترین اولیای الهی و پیامبران در آن ساکن می‌گردند.

حرم و چه می‌دانی حرم چیست؟

آنچه گفته شد نسبت به سرزمین کربلا بود، و امّا حرم و چه می‌دانی حرم چیست؟ در آن اسرار پوشیده‌ای از لوح وقلم است و در بسیاری از مواضع آن مقام صاحب عَلَم یعنی مولای ما و پیشوای ما حضرت بقیّة الله، مهدی منتظر ارواحنا فداه می‌باشد، زیرا آن حضرت نزدیک هزار ودویست سال است که برای زیارت جدّ بزرگوار خود به آن مکان مقدس مشرف می‌شود و در زیارتش با تمام وجود متوجّه آن سرور می‌باشد.

---

۱. مزار مفید: ص۲۳ ح۱، کامل الزیارات: ص۲۶۸ ح۵، المزار الکبیر: ص۳۳۷ ح۱.

و بر ما است که امام زمان خود را اسوه برای خویش قرار دهیم و در زیارت‌ها به آن حضرت اقتدا کنیم با خالی بودن ذهن از غیر، و توجه کامل به امام حسین 7 با رعایت حال حضور.

علامه امینی ; فرموده است: عقل خود را برای زیارت فارغ بدار و با تمام وجودت به آن حضرت توجه کن، از امام صادق 7 روایت شده که فرموده‌اند:

> در زیارت از راه دور، مقتل آن حضرت را در پیش روی خود متمثّل کن ـ در قلبت به صورت تصویر و یا اینکه در پیش روی خود آن را ترسیم کن ـ و ذهن خود را و تمام حواس خود را فارغ بدار ـ یعنی از هر چه غیر او است خالی کن ـ و عقل خود را تنها به آن متمرکز نما،[1]

تمثّل در پیش رو اولی است و وقتی امام را دیدی و در پیشگاه او توقف نمودی تکبیر بگو، امام باقر 7 فرموده‌اند:

> کسی که تکبیر بگوید هنگام رؤیت او، فردای قیامت برای او صخره می‌باشد که در میزان عمل او سنگین تر است از آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها و بین آن‌ها و پایین آن‌ها است، و کسی که در پیش روی امام 7 تکبیر گوید و بگوید: «لا اله الّا الله وحده لا شریك له» خداوند برای او رضا و خشنودی خود را که بزرگ‌تر از هر چیز است نویسد، و کسی که برای او رضا و خشنودی خود را که بزرگ تر از هر چیز است بنویسد واجب می‌شود که بین او و حضرت ابراهیم و حضرت محمّد 9 و تمام پیامبران مرسل صلوات الله علیهم اجمعین در دار الجلال جمع کند.[2]

---

۱. سید بن طاووس ; این عبارت را در کتاب اقبال الاعمال: ۵۶۹/۲ در اعمال روز عاشورا از عبد الله بن سنان و او از امام صادق 7 روایت کرده است.

۲. ادب الزائر (مخطوط): ص۲۳، بحارالانوار: ۳۹۶/۲۴ ح۱۱۶، مستدرك الوسائل: ۳۳۷/۱۰ ح۲. صفّار ; در بصائر الدرجات: ۳۱۱/۱ ح۱۲ مشابه آن را از امام باقر 7 نقل کرده است.

۲ـ توجّه به آثار زیارت

پیش از آنکه امر دوم را ذکر کنیم روایتی را دربارهٔ زیارت اهل آسمان‌ها و اشتیاق آن‌ها به زیارت امام حسین 7 ذکر می‌کنیم.

شوق اهل آسمان‌ها برای زیارت امام حسین 7

شوق زیارت امام حسین 7 به اهل زمین اختصاص ندارد بلکه هیچ موجودی در آسمان‌ها نیست مگر اینکه مشتاق زیارت آن حضرت است و از خدا می‌خواهد که به او اجازه زیارت دهد،

و در حرم آن حضرت در هر لحظه تعداد فراوانی از اهل آسمان‌ها هستند، گروهی فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند،

پس بر ما لازم است که در هنگام زیارت آن حضرت به عظمت مکان توجه داشته باشیم و بدانیم که در آنجا زائر فراوانی از اهل آسمان‌ها هستند که برای هر کدام شأن مهمی است، اگر چه ما با چشم خود آن‌ها را نبینیم،

و بر این مطلب دلالت می‌کند روایتی که صدوق ; از اسحاق بن عمار روایت کرده است. او گفته است، از امام صادق 7 شنیدم که فرمود:

> هیچ موجودی در آسمان‌ها نیست مگر آنکه از خدا می‌خواهد به او اجازه دهد به زیارت امام حسین 7 رود، همواره گروهی فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند.[1]

---

۱. تهذیب الاحکام: ۴۶/۶ ح۱۵، صدوق ; این روایت را در کتاب ثواب الاعمال ص۹۶ نقل نموده با این تفاوت که در ابتدای آن «لیس شيء في السماوات» نیست، بلکه «لیس ملك في السماوات والارض» می‌باشد، یعنی «هیچ فرشته‌ای در آسمان و زمین نیست مگر ..». ابن قولویه ; در کامل الزیارات: ص۲۷۲ ح۴ آن را در ضمن حدیثی نقل کرده، با این تفاوت که فرموده‌اند: «لیس ملك ولا نبيّ في السماوات إلّا...» «هیچ فرشته و پیامبری در آسمان ها نیست مگر...».

از بزرگ‌ترین آثار زیارت مولای ما حضرت ابا عبد الله 7 حضور حضرت فاطمه 3 نزد زوّار امام حسین 7 و استغفار آن حضرت برای آن‌ها است، و این از بزرگ‌ترین برکات زیارت آن حضرت 7 است، و دلالت می‌کند بر این حضور، روایت داود بن کثیر از امام صادق 7 که فرمودند:

إنّ فاطمة 3 بنت محمّد 9 تحضر زوّار قبر ابنها الحسين 7 فتستغفر لهم [ذنوبهم].

همانا فاطمه دختر رسول خدا 9 نزد زوار قبر فرزندش امام حسین 7 حضور پیدا می‌کند و برای آن‌ها طلب آمرزش می‌نماید.[1]

و جز افراد نادر و کسانی که وجودشان همچون کبریت احمر بسیار کمیاب است این حضور را احساس نمی‌کنند. وغیر آن حضرت از سایر معصومین : نیز نزد زوّار امام حسین 7 حضور پیدا می‌کنند همان طور که روایتی در زمینه حضور رسول خدا 9 نزد زوّار امام حسین 7 وارد شده است.

و توجّه به این مسأله مهم از مهم‌ترین آداب زیارت مولای ما حضرت ابا عبدالله 7 است زیرا با توجه به این نکته حال زائر دگرگون می‌گردد به گونه‌ای که در زیارت به او حال حضور دست می‌دهد.

۳ـ توجّه به علوم و معارفی که در متن زیارات موجود است

امر سوّم از امور مهم توجه نمودن زائر است به آنچه در زیارت می‌خواند تا آنکه برای او معارف ارزنده‌ای از معارف اهل بیت : که در ضمن زیارت‌ها به صورت صریح یا اشاره ذکر شده حاصل شود. همانا در دعاها و زیارت‌ها علوم و معارف فراوانی نهفته است که لازم است برای درک حقایق و اسرار آن

۱. کامل الزیارات: ص۱۱۸ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱/۵۵ ح۱۴، المستدرك: ۱۰/۲۴۳ ح۲۱.

در آن‌ها دقت نمود، و با دقت در آن‌ها انسان کشف می‌کند آنچه را که لازمه‌اش این است که نظر کند به آن بیشتر از آنچه پیش از دقت و معرفت به آن نظر می‌کرده است،

در اینجا موردی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم تا بدانید که در زیارت پیش از آن‌که انسان معنای آنچه را که می‌خواند بفهمد و بعد از درک آن معنا تفاوت فراوانی است.

شما در زیارت‌های متعدّد خوانده‌اید: «السلام علیك یا رسول الله» و امثال این جمله را صد مرتبه بلکه صدها مرتبه، در عتبات عالیات و زیارتگاه‌هایی که مربوط به اهل بیت : است، خوانده‌اید، ولی آیا تا کنون فکر کرده‌اید که معنای «سلام» چیست؟ و از این جمله که می‌گوییم «السلام علیك یا رسول الله» و از امثال این جمله شریفه چه چیزی اراده می‌شود؟

ما برای شما معنای این جمله را همان طور که در روایت وارد شده بیان می‌کنیم تا در زیارت‌های بعدی، ان شاء الله بدان توجه کنید و آن را قصد نمایید.

می گوییم: بر ما لازم است بدانیم که خداوند جنّ و انس را برای معرفت آفریده است، خداوند حکیم فرموده است: «من جن و انس را جز برای عبادت نیافریدم»[1] و مولای ما حضرت ابا عبد الله 7 فرموده اند: «مقصود از عبادت در این آیه شریفه معرفت است»، و خداوند انسان را نیافریده تا جبّاران و ستمگران بر او مسلّط شوند ولی به خاطر نرفتن زیر بار عبادت و نرفتن به دنبال معرفت معارف دینی مغلوب جبّاران و ستمگران شدند، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «ما فرستادگان خود را با دلائل و براهین روشن به سوی خلق فرستادیم،

۱. سورهٔ ذاریات، آیه۵۶.

وبا آنان کتاب و میزان نازل‌کردیم تا مردم به عدل و داد به پاخیزند»[1] پس فرستادن رسولان برای این است که مردم به عدل و داد عمل کنند، و این عمل ممکن نیست مگر زمانی که انسان به معارف دینی آگاهی داشته و بدان عامل باشد.

پس بنابراین تسلّط جباران و ستمگران بر مردم به خاطر عمل نکردن آن‌ها به دستورات پیامبران و ائمّه اطهار بوده و تداوم این عمل سبب وقوع غیبت مولای ما امام زمان 7 گردیده است و استمرار غیبت و ادامه آن به خاطر استمرار مخالفت آنان با دستورات پیامبران و ائمّه اطهار : می‌باشد.

ولی خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش وعده فرموده است که به ظلم و ستم و خصومت پایان دهد و آن را ریشه کن سازد، بلکه خداوند بر پیامبر و وصی او و اهل بیت او و تمامی امامان و شیعیان آنان عهد و پیمان گرفته و به آن‌ها وعده فرموده است که زمین را تسلیم آنان نماید.

و معنای سلام ما بر رسول خدا 9 در نمازها و زیارت‌ها یادآوری آن میثاق است به امید آنکه خداوند به آن سلام و تسلیمی که به ما و آنان وعده فرموده تعجیل فرماید. و به همین مطلب مولای ما امام صادق 7 تصریح فرموده‌اند در روایتی که آن را داود بن کثیر رقّی از آن حضرت نقل کرده است.

داود بن کثیر می‌گوید: به امام صادق 7 عرض کردم: معنای «سلام» بر رسول خدا 9 چیست؟ فرمود:

> هنگامی که خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را و وصی او، و دختر و دو پسرش و امامان دیگر و شیعیان ایشان را آفرید، از آن‌ها پیمان گرفت که (در بلاها) صابر باشند و (در برابر دشمنان) پایداری نمایند و مرزداری

---

۱. سورهٔ حدید، آیهٔ۲۵.

کنند و تقوای الهی داشته باشند. و به آن‌ها وعده کرد که سرزمین مبارک و حرم امن را تسلیم آن‌ها نماید و بیت المعمور را برای آن‌ها فرود آورد و سقف مرفوع (آسمان برافراشته) را برای آن‌ها آشکار سازد، و آن‌ها را از شرّ دشمنانشان راحت فرماید.

و زمینی را که آن را دگرگون ساخته و سالم گردانیده و آنچه در آن است تسلیم آنان نماید به گونه‌ای که دیگر در آن هیچ ناسازگاری نباشد و در آنجا آنچه را دوست دارند وجود داشته باشد،

و رسول خدا 9 از تمام امامان و شیعیان ایشان این پیمان را گرفت،

و همانا سلام بر آن حضرت یادآور آن پیمان و تجدید عهد است به این امید که خداوند در آن تعجیل فرماید و آن سلام و سلامت را با تمام آنچه در آن است برای شما شتاب نماید.[1]

پس لازم است بر هر نمازگزار که در نمازش به رسول خدا 9 سلام می‌گوید و بر هر زائری که زیارت می‌کند و در زیارتش، السلام علیك یا رسول الله می‌گوید، که بداند معنای سلام بر رسول خدا این است که:

خدا زمین را دگرگون نماید و سلام و سلامت را با تمام آنچه در آن است تعجیل فرماید و برای محمّد و آل محمد : و شیعیان ایشان بیت المعمور را نازل نماید و سقف مرفوع را آشکار سازد، و اینها تحقّق پیدا نمی‌کند مگر در دولت کریمانه مولای ما حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف.

و از آنچه ذکر کردیم واضح شد که نمازگزار در نمازش و زائر در زیارتش هنگام سلام گفتن بر رسول خدا 9 با سلامش تعجیل ظهور امام زمان 7 را به یاد می‌آورد، پس لازم است برای هر نمازگزار و هر زائر که بر رسول خدا 9

۱. کافی: ۴۵۱/۱ ح۳۹، مختصر بصائر الدرجات: ص۱۷۲، بحارالانوار: ۳۸۰/۵۲ ح۱۹۰.

سلام می‌گوید خود را برای آن دولت باشکوه الهی آماده سازد و قلب خود را از هر گونه آلودگی پاک نماید.

پس ای کاش زائرین محترم بدانند که از مهم‌ترین معارف موجود در ادعیه و زیارات **دعا کردن برای تعجیل فرج** و انتقام گرفتن از دشمنان محمّد وآل محمّد : است تا آن دولت الهی برقرارگردد.

و این امری است که دربسیاری از دعاها و زیارت‌ها به روشنی و صراحت مشاهده می‌شود و در برخی با اشاره است همان‌طور که در معنای «السلام علیك یا رسول الله» آن روایت را نقل کردیم.

۴ـ عمل کردن به آن چه در زیارات خوانده می‌شود

امر چهارم که مؤثر است در حیات انسان و آن را به حیات طیّبه تبدیل می‌کند و از امر جاهلیت دور می‌گرداند و او را به درگاه ربوبی و ولایت اهل بیت : نزدیک می‌نماید، عمل کردن به محتوای زیارات است، و به راستی در این زیارت‌ها اموری است مهم که عمل کردن به آن امور، انسان را به عالی‌ترین مراتب انسانی بالا می‌برد.

و از امور مهم این است که در دعاها و زیارت‌ها مطالب بسیار ارزشمندی از علوم و معارف است و بر زائر است که تا حدّ ممکن به آن‌ها توجه کند تا آنکه به آن امور معتقد شود و بدان‌ها عمل کند تا برسد به مرتبه محبت شدیدی که موجب قرب او به پروردگار و ائمّه اطهار شود، و آن همان مودّتی است که اجر و پاداش رسالت است و خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

(قل لا اسئلکم علیه أجراً الّا المودّة في القربی)[1]

۱. سورهٔ شوری، آیهٔ ۲۳.

بگو برای این رسالت خویش پاداشی جز مودّت خویشاوندانم نمی‌خواهم.

و مودّت همان طور که امیرالمؤمنین 7 فرموده‌اند:

«مودّت خویشاوندی اکتسابی است».[1]

پس فهمیدیم که به هر محبّتی مودت گفته نمی‌شود، بلکه مودّت آن محبّت شدیدی است که باعث تقرّب انسان به محبوب گردد، پس وقتی محبّت اهل بیت : به این درجه بود موجب تقرّب به آنان می‌گردد و لازمه‌اش دوری از دشمنان آنان نیز می‌باشد.

و از لوازم این مودّتی که بدان امر شده‌ایم این است که برای یاری خویشاوندان رسول خدا 9 آماده باشیم تا آنکه خدا برای دینش حکم نماید. و این امری است که در زیارت‌های فراوانی خوانده می‌شود از آن جمله در زیارت مولا ابا عبد الله الحسین 7 که از اهل بیت : صادر گردیده:

ونصرتي لكم معدّة حتّى يحكم الله بدينه.[2]

وکمک و یاری من برای شما آماده است تا خدا حکم برای دینش نماید.

در بعضی از زیارت‌های آن حضرت آمده است:

فنصرتي لكم معدّة حتّى يحكم الله بأمره وهو خير الحاكمين.[3]

نصرت و یاری من برای شما مهیّا است تا خدا به امرش حکم کند و او بهترین حاکم است.

و در بعضی از زیارت‌ها این گونه وارد شده:

فنصرتي لكم معدّة حتّى يحكم الله وهو خير الحاكمين لديني.[4]

---

۱. تحف العقول: ص۹۷، نهج البلاغه، صبحی صالح: ص۵۰۶، بحارالانوار: ۱۶۵/۷۴.

۲. کامل الزیارات: ۲۳۰.

۳. مزار مفید: ص۱۰۷.

٤. کامل الزیارات: ص۲۱۸.

کمک من برای شما آماده است تا آنکه خدا حکم کند و او بهترین حکم کننده برای دین من است.

و در زیارت مولای ما حضرت ابا الفضل العباس 7 نیز آمده است:

ونصرتي لكم معدّة حتّى يحكم الله وهو خير الحاكمين.[1]

یاری من برای شما آماده و مهیا است تا خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است.

پس بنابراین بر زائر لازم است که به این امر توجه کند و همواره برای یاری حضرت صاحب الزمان 7 آماده باشد تا خدا به دینش حکم کند و وقتی چنین بود اجر رسالت را که مودت ذوی القربی است ادا نموده، و این از آثار دقت در متن زیارت‌ها و عمل به محتوای آن هاست.

و از اموری که نصرت و یاری امام زمان 7 شمرده می‌شود، دعا کردن برای تعجیل ظهور آن حضرت در زمان‌های شریف و در اماکن مقدسه مخصوصاً در حرم امام حسین 7 و در زیر گنبد مطهر است که خدا اجابت دعا را در آن جا قرار داده است، و بر هر زائری است که بداند بهترین دعا و لازم ترین دعا، دعا برای تعجیل فرج است و بر آنان است که آن را بر همه دعاهای خود و حوائج خویش در هنگام دعا در زیر گنبد مطهر و در همه عتبات مقدسه مقدم بدارند تا خداوند تبارک و تعالی به خاطر این دعا که برای ولیّ او امام منتظر عجّل الله تعالی فرجه الشریف نموده‌اند به ایشان نظر رحمتی نماید.

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۵۷.

متأسّفانه اکثر زائرین از دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان 7 در حرم مولا ابا عبد الله 7 و در زیر گنبد شریف غافل اند و اگر این کثرت غفلت خود را نسبت به ساحت مقدس آن حضرت بدانیم به خوبی درک می‌کنیم که آن امام غریب اول مظلوم است در عالم در این عصر و زمان، بعضی از قضایایی که بر مظلومیت آن حضرت دلالت می‌کند ذکر می‌کنیم:

۱ ـ حجة الاسلام و المسلمین حاج سید اسماعیل شرفی ; گفته است: به عتبات مقدسه مشرّف شدم و در حرم مطهر سید الشهداء 7 مشغول زیارت بودم و چون می‌دانستم که دعای زائر در بالای سر مقدس آن حضرت مستجاب است در آنجا از خدا خواستم که به دیدار مولایم امام زمان 7 مرا موفّق نماید و چشمانم را با تماشای چهره مبارک آن حضرت روشن گرداند.

در همان حال که مشغول زیارت بودم خورشید جمال حضرتش درخشید و من با آنکه در حین تشرف به خدمتش او را نشناختم ولی قلبم میل شدیدی به سوی او نمود، سلام کردم بر آن حضرت و سؤال کردم شما کیستید؟ فرمود:

«أنا اوّل مظلوم في العالم» من اوّل مظلوم در عالم هستم،

من مقصود آن حضرت را از این کلام شریفش ندانستم و با خود خیال‌کردم که ایشان از علمای اعلام در نجف اشرف هستند و چون مردم توجّهی به ایشان ندارند معتقد است که اول مظلوم در عالم است و از دیدگانم پنهان شد، وقتی غایب شد به خود آمدم و فهمیدم که خداوند تبارک و تعالی دعایم را اجابت نموده و او مولایم امام زمان 7 بوده است، ونعمت ملاقاتش خیلی کوتاه مدت بود و به سرعت از من زایل گردید.

۲ ـ امام حسین 7 در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، دربارهٔ آن حضرت آنچه می‌توانید سخن بگویید و بنویسید، گفتگو دربارهٔ شخصیت این امام معصوم در حقیقت گفتگو دربارهٔ همه معصومین : است، چون همه در مرتبه عصمت و ولایت و امامت یکسان هستند و چون زمان، زمان آن حضرت است سزاوار است که پیرامون شخصیت آن حضرت بیشتر گفته شود، و در ادامه سخنانشان فرمودند:

دوباره تأکید می‌کنم که دربارهٔ مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید، همانا مهدی ما مظلوم است و لازم است بیش از آنچه تا کنون دربارهٔ آن حضرت گفته شده و نوشته شده، گفته شود و نوشته شود.[1]

پس امر و فرمایش مولایمان حضرت ابا عبد الله الحسین صلوات اللّه علیه را، بشنوید واطاعت کنید.

---

۱. صحیفهٔ مهدیّة: ص۵۱.

اجر و پاداش گریستن بر سرور شهیدان حضرت امام حسین 7

در اینجا به مناسبت روایاتی را ذکر می‌کنیم که بر فضیلت و گریستن و بی‌تابی نمودن بر مولای ما امام حسین 7 دلالت دارند.

۱ ـ ابن قولویه ; در کامل الزیارات از مسمع بن عبد الملک و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

ای مسمع، تو از اهل عراقی، آیا به زیارت قبر حسین بن علی 8 می‌روی؟

عرض کردم: نه، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که پیرو خواسته‌های خلیفه اند و دشمنان ما از ناصبی‌ها و غیر ایشان زیاد هستند و من ایمن نیستم از اینکه آن‌ها حال مرا نزد پسر سلیمان گزارش دهند و در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد.

امام 7 فرمود: آیا به یاد می‌آوری ظلمی را که به آن حضرت روا داشتند؟ عرض کردم: آری،

فرمود: آیا جزع می‌کنی و بی‌تابی از خود نشان می‌دهی؟

عرض کردم: آری، به خدا قسم، با یاد مصائب آن حضرت چنان دچار غم و غصه می‌شوم و گریه می‌کنم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می‌کنند و در آن حال از خوردن امتناع می‌ورزم و اثر آن در چهره‌ام آشکار می‌شود، امام 7 فرمود:

رحم الله دمعتك،

رحمت خدا بر گریه‌های تو، بدان تو از کسانی محسوب می‌شوی که برای ما جزع و بی‌تابی می‌کنند و از کسانی هستی که در شادمانی ما شادمان

و در حزن و اندوه ما اندوهناک و در خوف ما خائف و هنگام امن ما در امان هستند.

بدان که تو در هنگام مرگ حضور پدرانم را خواهی دید که به ملک الموت سفارش تو را می‌نمایند و بشارتی که به تو می‌دهند برتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت نسبت به تو دلسوزتر و مهربان تر از مادر نسبت به فرزندانش می‌باشد.[1]

۲ ـ در همان کتاب از محمّد بن مسلم و او از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند: حضرت علی بن الحسین 8 می‌فرمودند:

هر مؤمنی که به خاطر شهادت امام حسین 7 گریه کند تا اشک بر گونه‌اش جاری‌شود خداوند به او غرفه‌هایی در بهشت مرحمت‌کند که مدت‌ها در آن ساکن‌گردد وهر مؤمنی که اشک او بر گونه‌اش جاری‌شود به خاطر اذیت و آزاری که ما از دشمن دیده‌ایم، خداوند به او در بهشت در جایگاه صدق جای دهد.

و هر مؤمنی که در راه ما به او اذیت و آزاری رسد و بگرید تا اشک بر گونه‌اش جاری گردد خداوند تبارک و تعالی اذیت و ناراحتی را از او بگرداند و در قیامت او را از خشم و غضب خویش و از آتش دوزخ ایمن دارد.[2]

۳ ـ ابن قولویه ; در کتاب کامل الزیارات به سند خودش از علی بن ابی حمزه روایت کرده است که گفت: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

گریستن و جزع کردن برای بنده در هر امری مکروه و ناپسند است جز بر حسین بن علی 8 که گریه کردن و جزع نمودن بر آن حضرت مکروه

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۰۳ ح۷، بحارالانوار: ۲۸۹/۴۴ ح۳۱.

۲. کامل الزیارات: ص۲۰۱ ح۱، ثواب الاعمال: ص۸۳.

نیست بلکه مأجور است یعنی به او اجر و پاداش داده می‌شود.[1]

۴ ـ در همان کتاب از ابوهارون مکفوف و او از امام صادق 7 روایت کرده است که در ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

کسی که نزد او یادی از امام حسین 7 شود و از دیدگان او به مقدار بال مگسی اشک بیرون آید ثواب او بر خداوند است و خداوند به کمتر از بهشت برای او راضی نمی‌شود.[2]

۵ ـ و در همان کتاب از منذر روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن الحسین 8 شنیدم که فرمود:

کسی که از دیدگان او در مصیبت ما قطره‌ای اشک بیرون آید، و چشمان او در مصیبت ما اشک آلود شود، خداوند او را در غرفه‌هایی از بهشت ساکن گرداند و در آن روزگارهایی بماند.[3]

۶ ـ و در همان کتاب از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: در محضر مقدس امام صادق 7 بودم و با آن حضرت گفتگو می‌کردم، در این هنگام فرزند ایشان وارد شد، امام 7 به او خوش آمد گفت و او را به سینه چسبانید و بوسید و فرمود:

خداوند خوار گرداند کسی را که شما را خوار گرداند و انتقام گیرد از کسانی که به شما ستم روا دارند، ویاری نکند کسانی را که ترک یاری شما نمایند و لعنت کند کسانی را که شما را به قتل رسانند، و خدا برای شما سرپرست و حافظ و یاور است. گریه بانوان و پیامبران و صدّیقین و شهدا

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۰۱ ح۲، بحارالانوار: ۲۹۱/۴۴ ح۳۲.

۲. کامل الزیارات: ص۲۰۲ ح۳، بحارالانوار: ۲۹۱/۴۴ ح۳۳.

۳. کامل الزیارات: ص۲۰۲ ح۴.

و فرشتگان آسمان بر شما طولانی گردید،

سپس امام 7 گریستند و فرمودند:

ای ابا بصیر هنگامی که فرزندان امام حسین 7 را می‌بینم حالتی به من دست می‌دهد که نمی‌توانم خود را نگهدارم به خاطر ظلمی که به پدر بزرگوارشان و خود آنان شد.

ای ابوبصیر، فاطمه 3 بر آن حضرت می‌گرید و ضجّه می‌زند، همزمان جهنّم نفسی می‌کشد و فریادی می‌زند، فرشتگان موکّل بر جهنم صدای فریاد آن را می‌شنوند و از ترس آنکه مبادا از درون آن آتش زبانه کشد و بیرون ریزد یا دود آن بیرون ریزد و همهٔ اهل زمین را بسوزاند آن را فوراً مهار می‌کنند و تا مادامی که گریان و نالان است آن را کنترل می‌کنند و درب‌های آن را محکم می‌بندند به خاطر ترسی که بر اهل زمین دارند و جهنّم تا مادامی که حضرت فاطمه 3 آرام نگیرد آرام نمی‌گیرد.

و همانا دریاها نزدیک است که شکافته شودند، بعضی از آن‌ها وارد بعضی دیگر شوند، و هیچ قطره‌ای از آن نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکّل است و لذا هنگامی که صدای خروش آن را می‌شنود با بال خودش از هیجان و طغیان آن جلوگیری می‌کند و آن را محبوس می‌گرداند، و این به خاطر بیم و هراسی است که بر ساکنان زمین دارند

و پیوسته فرشتگان بیمناک هستند و به خاطر گریستن آن‌ها می‌گریند و خدا را می‌خوانند وبه درگاه او تضرّع می‌نمایند و اهل عرش و آنانکه پیرامون عرش‌اند همه تضرع می‌کنند و صدای فرشتگان به تقدیس پروردگار بالا رود به خاطر ترسی که بر اهل زمین دارند و اگر صدایی از صداهای آن‌ها به زمین برسد اهل زمین بی هوش بر زمین افتند و کوه‌ها از هم بپاشند و زمین اهل خود را دچار تزلزل نماید.

ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم: فدای شما شوم به راستی این امر عظیم است. فرمود: غیر آن ـ یعنی آنچه را که نشنیده‌ای ـ عظیم تر است، سپس به من فرمودند:

یا ابابصیر، أما تحبّ أن تکون فیمن یسعد فاطمة 3 ؟

ای ابوبصیر، آیا دوست نداری از کسانی باشی که فاطمه 3 را یاری می‌نمایند، و در مصیبت امام حسین 7 با آن حضرت همدردی می‌نمایند؟

ابوبصیر گوید: وقتی امام 7 این سخن را فرمودند گریستم به گونه‌ای که نتوانستم سخن بگویم، سپس امام برخاسته و به طرف مصلّی رفتند و به دعا مشغول شدند، آنگاه از نزد آن حضرت با آن حال خارج شدم و آن شب را نه از طعام بهره‌ای بردم و نه خواب به چشمانم آمد، روزه دار و ترسان صبح کردم تا نزد امام 7 شرفیاب شدم و هنگامی که دیدم آن حضرت آرام گرفته‌اند، من آرام گرفتم و خدا را حمد و سپاس نمودم که عقوبتی بر من نازل نفرمود.[1]

۷ ـ صدوق ; در کتاب امالی به سند خود از ابراهیم بن ابی محمود و او از حضرت علی بن موسی الرضا 8 روایت کرده که در ضمن حدیثی فرمودند:

إنّ یوم الحسین 7 أقرح جفوننا وأسبل دموعنا...

همانا روز مصیبت و شهادت امام حسین 7 پلک چشمان ما را مجروح ساخته و اشک از دیدگان ما جاری نموده، عزیز ما را در سرزمین اندوه و بلا، خوار گردانده و ما را دچار اندوه و بلا کرده است، پس بر مثل حسین 7 باید گریه کنندگان گریه کنند، بدون تردید این گریه گناهان بزرگ را فروریزد.[2]

---

۱. کامل الزیارات: ۱۶۹ ح۹، بحارالانوار: ج۴۵ ص۲۰۸.

۲. امالی صدوق: ص۱۲۸ ح۲، بحارالانوار: ج۴۴ ص۲۸۴ ح۱۸.

البته که گریه بر امام حسین 7 نه برای رسیدن به اجر و پاداش است بلکه بزرگی مصیبت و عظمت شأن آن، چشم را به گریه وا می‌دارد.

چشم من بر تو گریان است نه به خاطر اجر و پاداش/بلکه به خاطر خودت چشم من می گرید.

زمین کربلا از خون مطهر شما خیس گردیده/چرا از اشک‌های من خیس نگردد.[1]

هر چشمی بر امام حسین 7 گریسته، هر پیامبر و وصی و آنچه خدا آفریده از پرندگان آسمان و وحشی‌های بیابان و ماهیان دریا و هر سنگ و کلوخی بر شما گریسته است.

و قبل از هر چیز رسول خدا 9 و حضرت فاطمه زهرا 3 و سائر اهل بیت : گریسته‌اند و سپس سائر کائنات و موجودات.

۸ ـ ابن قولویه ; به سند خود از جابر و او از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمود: امیرالمؤمنین 7 فرمودند:

> رسول خدا 9 به دیدار ما آمدند، در خانه مقداری شیر، کره و خرما بود که ام‌ایمن هدیه آورده بود، آن‌ها را برای پذیرایی نزد رسول خدا 9 آوردیم حضرت میل فرمودند، سپس از جا برخاستند و به گوشه خانه رفتند و چند رکعت نماز خواندند و در آخرین سجده خود به شدّت گریستند، هیچ کدام از ما به منظور احترام و تعظیم آن حضرت، علّت گریه ایشان را نپرسید، حسین 7 از جا برخاست و رفت در دامن آن حضرت قرار گرفت، و عرض کرد: ای پدر، به خانه ما وارد شدید هیچ چیز ما را آن گونه مسرور نکرد، سپس گریستید و گریه شما ما را غمگین

۱. المجالس الفاخرة: ص۱۳۶، شجره طوبی: ج۲ ص۳۵۷.

نمود، چه چیز شما را به گریه واداشت؟

رسول خدا 9 فرمود: پسرم، هم اکنون جبرئیل 7 نزد من آمد و به من از کشته شدن شما و پراکندگی قبور شما خبر داد.

امام حسین 7 عرض کرد: پدر جان، کسی که قبور ما را با آن پراکندگی اش زیارت کند، چه پاداشی خواهد داشت؟

رسول خدا 9 فرمود: پسرم، آن‌ها گروهی از امت من هستند که به زیارت شما می‌روند و بدان تبرّک می‌جویند و بر من سزاوار است که روز قیامت به دیدار آنان روم و از هول و هراس قیامت آن‌ها را برهانم و از گناهانی که مرتکب شده اند نجاتشان دهم تا مبتلا به عقوبت نشوند و خدا آن‌ها را دربهشت ساکن گرداند.[1]

۹ ـ و نیز از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

حضرت فاطمه 3 بر رسول خدا 9 وارد شدند در حالی که چشمان رسول خدا 9 گریان بود، فاطمه 3 علّت گریه آن حضرت را جویا شد، رسول خدا 9 فرمودند: جبرئیل 7 به من خبر داد که امّتم حسین 7 را می‌کشند. فاطمه 3 با شنیدن این خبر جزع نمود و بر او بسی دشوار آمد، رسول خدا 9 به آن حضرت خبر داد که از فرزندان او کسی است که فرمانروای عالم خواهد شد ـ و انتقام خون‌های به ناحق ریخته را خواهد گرفت و حق غصب شده آنان را به آن‌ها برخواهد گرداند ـ فاطمه 3 از شنیدن این خبر خشنود و آرام گردید.[2]

---

۱. کامل الزیارات: ص۱۲۵ ح۹.

۲. کامل الزیارات: ص۱۲۵ ح۸، بحارالانوار: ۴۴/۲۳۴ ح۱۹.

۱۰ ـ ابن قولویه ; به سند خود از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

امیرالمؤمنین 7 نگاهی به امام حسین 7 کردند و فرمودند: ای سبب گریهٔ هر مؤمن. امام حسین 7 عرض کردند: ای پدر، من سبب گریهٔ هر مؤمنم؟ فرمودند: آری پسرم.[۱]

۱۱ ـ و نیز به سند خود از هارون بن خارجه روایت کرده است که گفت: در محضر امام صادق 7 از امام حسین ـ درود خدا بر او و لعنت خدا بر قاتل او باد ـ یاد نمودیم، امام صادق 7 گریستند و ما نیز گریه کردیم، آنگاه سر مبارک خود را بلند کرده و فرمودند: امام حسین 7 فرموده‌اند:

أنا قتیل العبرة، لا یذکرنی مؤمن إلّا بکی.

من کشتهٔ اشک هستم، هیچ مؤمنی از من یاد نمی‌کند مگر آنکه گریه می‌کند.[۲]

مرحوم علّامه مجلسی بعد از ذکر این حدیث در بیان آن گفته‌اند: «أنا قتیل العبرة» یعنی من کشته شده‌ای هستم که به اشک و گریه نسبت داده شده و سبب آن هستم و یا اینکه من با اشک و گریه و حزن و سختی حال کشته شده‌ام، و احتمال اوّل ظاهرتر است.[۳]

۱۲ ـ و نیز به سند خود از ابو هارون مکفوف روایت کرده است که گفت: خدمت امام صادق 7 شرفیاب شدم، به من فرمود:

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۱۴ ح۱، بحارالانوار: ۴۴/۲۸۰ ح۱۰.

۲. کامل الزیارات: ص۲۱۵ ح۶، بحارالانوار: ۴۴/۲۷۹ ح۵.

۳. بحارالانوار: ۴۴/۲۷۹ ذیل ح۶.

از اشعاری که گفته‌ای برایم بخوان، من اشعاری را خواندم،

امام 7 فرمود: نه، همان طور که در جمع خودتان و در کنار قبر آن حضرت می‌خوانی بخوان، من این شعر را خواندم:

امرر علی جدث الحسین فقل لأعظمه الزکیّة

بر قبر مطهر حسین بن علی 8 گذر کن/ و به آن استخوان‌های پاک و مطهّر بگو...

امام 7 با شنیدن آن گریستند و من از خواندن خودداری نمودم، امام 7 فرمودند: بگذر و من گذشتم، سپس فرمودند: زیادتر بخوان، من این شعر را خواندم:

یا مریم، قومي فاندبي مولاك وعلی الحسین فاسعدي ببکاك

ای مریم، برخیز و بر مولای خود ناله و زاری نما / و با گریه خود حسین 7 را یاری نما.[1]

هر مقدار که معرفت انسان به آن حضرت بیشتر باشد گریه او عمیق‌تر و با ارزش‌تر است. و طولانی‌ترین گریه‌ها را در میان ائمّه طاهرین : حضرت مهدی 7 داشته و دارد که او بیش از هزار سال است بر آن حضرت ناله می‌کند و می‌گرید.[2]

۱۳ ـ حضرت موسی 7 در مناجاتش با پروردگار عالم عرض کرد:

پروردگارا چرا امّت محمد 9 را بر سایر امت‌ها برتری داده‌ای؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود: به خاطر ده خصلت،

حضرت موسی 7 عرض کرد: آن خصلت‌هایی که آن‌ها بدان عمل

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۱۰ ح۵، بحارالانوار: ۲۸۷/۴۴ ذیل ح۲۵.

۲. المختار من کلمات الامام المهدی 7 : ۳۷۰/۲.

می‌کنند چیست تا من به بنی اسرائیل دستور دهم به آن‌ها عمل کنند؟
خداوند تبارک و تعالی فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرآن، علم، و عاشورا.
حضرت موسی 7 عرض کرد: پروردگارا عاشورا چیست؟ فرمود:
عاشورا گریه کردن و تباکی نمودن بر سبط رسول خدا 9 و مرثیه‌سرایی و عزاداری کردن در مصیبت فرزند پیامبر مصطفی 9 است.
ای موسی، بنده‌ای نیست از بندگان من در آن زمان که گریه کند یا خود را شبیه گریه کنندگان گرداند و بر فرزند پیامبر تعزیه داری نماید مگر آنکه بهشت پاداش او است، و هیچ بنده‌ای نیست که از مال خود طعام یا غیر طعام در راه محبت فرزند دختر پیامبر 9 انفاق کند مگر آنکه هر درهم او را به هفتاد درهم در دنیا برکت دهم، و در آخرت موررد عفو خویش قرار دهم، و گناهانش را بیامرزم، به عزّت و جلالم هیچ مرد یا زنی نیست که اشک چشمانش در روز عاشورا جاری شود و لو به اندازه یک قطره، مگر آنکه برای او اجر و پاداش صد شهید نوشته شود.[1]

۱۴ ـ رسول خدا 9 هنگامی که آیه شریفه (و إذ أخذنا میثاقکم لا تسفکون دماءکم)[2]، «ای بنی اسرائیل، به یاد آورید هنگامی را که از شما عهد و پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید» ـ در مورد یهودیان، یهودیانی که عهد و پیمان خداوند را نقض کردند و شکستند و رسولان الهی را تکذیب نمودند و اولیای خداوند را به قتل رساندند ـ نازل شد فرمودند:
به شما خبر دهم از کسانی که مشابه آن‌ها هستند از یهود این امت؟
عرض کردند: آری، ای رسول خدا،

۱. مجمع البحرین: ۱۸۶/۳.
۲. سورهٔ بقره، آیهٔ۸۴.

فرمود: گروهی از امت من به خود می‌بندند که از اهل آیین من هستند (خود را مسلمان می‌دانند) بهترین ذریه من و پاک ترین فرزندان مرا به قتل می‌رسانند شریعت و سنت مرا تغییر می‌دهند و دو فرزندم حسن و حسین 8 را به شهادت می‌رسانند همان طور که گذشتگان این یهودیان حضرت زکریا و یحیی را کشتند. آگاه باشید که خدا این‌ها را لعنت می‌کند همان طور که آن‌ها را لعنت فرمود، و بر باقی مانده ذراری این‌ها پیش از قیامت، هدایت شده و هدایت کننده‌ای از فرزندان امام حسین مظلوم 7 را مبعوث خواهد نمود و با شمشیر دوستانش آن‌ها را به جهنم خواهد فرستاد.

آگاه باشید، خداوند قاتلان امام حسین و دوستان و یاران آنان و کسانی را که بدون علّت و تقیّه از لعن آنان ساکت اند لعنت خواهد نمود.

ألا وصلّی الله علی الباکین علی الحسین رحمة وشفقة، واللاعنین لأعدائهم والممتلئین علیهم غیظاً وحنقاً...

آگاه باشید، خداوند بر گریه کنندگانِ از روی محبت و دلسوزی بر امام حسین 7 ، و لعن کنندگان بر دشمنان ایشان، و کسانی که دلهایشان پر از غضب و دشمنی نسبت به دشمنان ایشان است، درود می‌فرستد.

آگاه باشید و بدانید کسانی که به کشتن امام حسین 7 رضایت دارند با قاتلان آن حضرت شریک هستند، بدانید قاتلان امام حسین 7 و یاری کنندگان آنان و حامیان و پیروان آنان از دین خداوند خارج هستند.

خداوند تبارک و تعالی به ملائکه مقرّب خود دستور داده است که اشک‌های گریه کنندگان بر امام حسین 7 را گرفته و به خازنان در بهشت تحویل دهند و آن‌ها را با آب حیات مخلوط کنند تا شیرینی و

گوارایی آن هزار برابر گردد.

و نیز ملائکه گریه‌های کسانی را که به قتل امام حسین 7 خوشحال و خندان هستند گرفته در هاویه ببرند و با حمیم بیامیزند تا هزار برابر به حرارت آن و شدت عذاب آن بیفزاید و به وسیله آن عذاب کسانی که به آنجا منتقل می‌شوند از دشمنان آل محمد : شدید گردد.[1]

علّت عطا کردن اجر و پاداش زیاد برای گریه بر امام حسین 7

اجرت و جزای در روایات گاهی به معنای پاداش عمل و جبران آن به چیز دیگر به کار می‌رود، زمانی که اجرت و جزا، به این معنا باشد جبران عمل به مثل آن یا چند برابر آن می‌باشد، لذا خداوند تبارک وتعالی در کتاب کریمش می‌فرماید:

«کسی که حسنه‌ای انجام دهد ده برابر مثل آن به او پاداش داده می‌شود و کسی که گناهی مرتکب شود جز به مثل آن مجازات نمی‌شود و آن‌ها ظلم نمی‌شوند».[2]

پس در این آیه شریفه جزای گناه مثل آن و پاداش حسنه ده برابر مثل آن گفته شده است، این معنای اوّل برای جزا و پاداش.

و گاهی لفظ جزا یا اجر نه به معنای پاداش عمل بلکه به معنای عطایی برای عمل به کار می‌برد و وقتی اجر به این معنی باشد دیگر به مثل آن یا ده برابر مثل آن نیست بلکه به غیر حساب می‌باشد و خداوند تبارک و تعالی گاهی اجرت بعضی از عاملین را به این معنا عطا می‌کند یعنی در عطای او نه حدی و نه حسابی است.

---

۱. تفسیر امام عسکری 7 : ص۳۶۸ ح۲۵۸، بحارالانوار: ۳۰۴/۴۴ ح۱۷.

۲. سورهٔ انعام، آیهٔ۱۶۰.

از اعمالی که اجر و پاداش آن به حساب نمی‌باشد صبر است، همان طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

(انّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب) [1]

«همانا صبرکنندگان اجر وپاداش خود را بدون حساب دریافت می‌کنند».

خداوند در این آیه شریفه تصریح فرموده که اجر صبر کنندگان بدون حساب است، زیرا این اجر، عطای الهی به آن هاست. و واضح است که صبر مولای مظلوم حضرت ابا عبد الله 7 در ماجرای کربلا خارج از حدّ و اندازه بوده است، مرحوم شیخ جعفر شوشتری در خصائص الحسینیّه می‌نویسد:

و امّا صبر امام حسین 7 ، دربارهٔ آن وارده شده: «از صبر او فرشتگان آسمان به حیرت افتاده و شگفت زده شدند»، قدری در احوال آن حضرت اندیشه کن و تصوّر کن آن وقتی را که بر روی زمین افتاده، بر روی ریگ‌های داغ بیابان تمام بدن مجروح از تیرهای بی شمار، سر مبارک شکافته، پیشانی نازنین او شکسته، سینه مطهرش خُرد شده از تیرها، و سوراخ شده از تیر سه شعبه، تیری در گلوگاه، تیری در زیر زنخ و تیری در حلق شریف آن حضرت، زبان مجروح گشته، جگر آتش گرفته، لب‌ها خشکیده از عطش، قلب سوخته از ملاحظه شهدای کربلا که در اطراف او بر زمین افتاده‌اند، دل شکسته از ملاحظه عیال که در طرف دیگرند، کف دست بریده شده از ضربه زرعة بن شریک ملعون نیزه‌ای در پهلو اصابت کرده، محاسن و سر به خون خضاب شده، صدای استغاثه از اهل و عیال و شماتت از دشمنانش می‌شنود، چشمان مبارک را که باز می‌کند کشته‌ها را می‌بیند و با تمام این داغ‌ها و مصیبت‌ها آه نمی‌کشد و قطره‌ای اشک از چشم جاری نمی‌کند و تنها می‌گوید بر حکم و

۱. سورهٔ زمر، آیه۱۰.

فرمان تو صابرم، هیچ معبود شایسته‌ای جز تو نیست، ای فریادرس کمک خواهان، و در زیارت این عبارت آمده است:

ولقد عجبت من صبرك ملائكة السماوات.

از صبر تو فرشتگان آسمان‌ها به تعجّب درآمدند و شگفت زده شدند.[1]

و از آنچه خداوند تبارک و تعالی به مولای ما حضرت ابا عبد الله 7 از اجر و پاداش عطا کرده، اجر و پاداشی است که به زوّار آن حضرت و گریه کنندگان بر او مرحمت می‌فرماید و آن بدون حساب است.

پس آنچه در روایات وارد شده از اجر و پاداش فراوان نسبت به زائرین و گریه‌کنندگان بر آن حضرت، از باب عطای الهی به آنان است، و از عطای الهی عطایی است قطع نشدنی و پیوسته، همان طور که در قرآن کریم می‌فرماید:

(وأمّا الذين سعدوا ففي الجنّة خالدين فيها مادامت السماوات والأرض الّا ما شاء ربّك عطاء غير مجذوذ)[2]

امّا آنان که سعادتمند شدند در بهشت هستند و در آنجا همیشه خواهند بود مادامی که آسمان‌ها و زمین برپا است مگر آنچه پروردگارت بخواهد و این عطایی قطع نشدنی است.

خداوند زیارت مولا ابا عبد الله 7 را روزی ما و شما گرداند و عطای قطع نشدنی به ما و شما مرحمت فرماید.

۱. الخصائص الحسينية: ص۳۹.

۲. سورهٔ هود، آیه۱۰۸.

جزع و بی تابی و ناله و فریاد در دعای امام صادق 7 برای زائرین حضرت اباعبد الله الحسین 7

امام صادق 7 در مصلای خود نماز خواندند و چون از نماز فارغ شدند این گونه دعا کردند:

...خدایا دشمنان ما خروج ایشان را مورد ملامت و سرزنش خویش قرار دادند ولی مانع آن‌ها از این حرکت نشد و با آن‌ها مخالفت کرده و به سوی ما سفر نمودند،

فارحم تلك الوجوه الّتي قد غيّرتها الشمس، و ارحم تلك الخدود الّتي تقلّبت على حفرة أبي عبدالله، و ارحم تلك الأعين الّتي جرت دموعها رحمة لنا، و ارحم تلك القلوب الّتي جزعت و احترقت لنا، و ارحم الصرخة الّتي كانت لنا...

پس تو این چهره‌ها را که تابش آفتاب آن‌ها را تغییر داده مورد ترحم قرار بده، این گونه‌ها را که بر روی قبر ابی عبد الله 7 گذاشته می‌شود و برداشته می‌شود مورد ترحم قرار بده، این دیدگانی را که از روی محبت بر ما اشک آن‌ها جاری گشته مورد ترحم خویش قرار بده، این دل‌هایی را که به جزع افتاده و به خاطر ما سوخته اند مورد ترحم خویش قرار بده، این ناله‌ها و فریادها را که به خاطر ما بلند شده مورد ترحم خویش قرار بده، خدایا من این بدن‌ها و این ارواح را نزد تو به ودیعه قرار می‌دهم تا در روز عطش از حوض کوثر سیراب فرمایی.

پیوسته امام 7 این گونه دعا می کرد در حالی که در سجده بود.[1]

۱. کافی: ۵۸۲/۴ ح۱۱، کامل الزیارات: ص۲۲۸ ح۲، المزار الکبیر: ص۳۳۴ ح۱۴، الوافی: ۱۴۶۴/۱۴ ح۱۲، بحار الانوار: ۸/۱۰۱ ح۳۰، وسائل الشیعه: ۴۱۲/۱۴ ح۶، المستدرك: ۲۳۱/۱۰ ح۴.

از زائرین کسی که دارای این اوصاف باشد که در دعا ذکر شده ودیعه امام صادق 7 نزد خداوند خواهد بود تا خداوند او را از حوض کوثر سیراب گرداند. و از دعا استفاده می کنیم که اشک ریختن و بی تابی کردن و سوزش دل و ناله و فریاد از اسباب نزول رحمت الهی به سوی زائران است.

کوبیدن امام سجاد علیه‌السلام صورت مبارک خود را بر دیوار و شکسته شدن بینی و مجروح شدن سر بر اثر آن

محدّث نوری در کتاب خود «دار السلام» از بعضی از مجامع حکایت کرده است که: روزی از روزها آب وغذایی پیش روی حضرت امام سجّاد 7 گذاشته شد، امام 7 گرسنگی و تشنگی پدر بزرگوارش امام حسین 7 را در سرزمین کربلا به یاد آورد، عقده گلویش را گرفت و گریه بسیاری کردند به طوری که از شدت گریه لباس حضرت خیس گردید و آنگاه دستور دادند که غذا را از پیش روی مبارکش بردارند. در همین هنگام یک نفر نصرانی وارد شد و سلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا، دست خود را پیش آر، من شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوند شایسته پرستش نیست و شهادت می‌دهم که حضرت محمّد 9 رسول خدا است و اینکه حضرت علی امیرالمؤمنین ولی خدا و حجت او بر خلق است، و شما ای مولای من حجت خدا بر خلق او هستید، و حق در شما و با شما و به سوی شما است.

امام 7 به او فرمودند: چه چیز تو را ناراحت نموده و از دین و مذهبت و نظرات پدرانت و آیین یارانت خارج کرده است؟ عرض کرد: ای سرور و مولای من، این به خاطر خوابی است که دیده‌ام، امام 7 فرمودند: ای برادر نصرانی در خواب چه دیده‌ای؟ گفت : ای سرور من، دیدم گویا از خانه ام به قصد دیدن بعضی از برادران خارج شده ام، در بین راه فکرم سرگردان و ذهنم را از دست داده و راه را گم کرده و راه‌ها را در مقابلم بسته دیدم و نمی‌دانستم

به کجا روی آورم، در همین اثنا که در حیرت و سرگردانی به سر می‌بردم از پشت سر صدای صیحه و ناله و فریاد و تکبیر و تهلیل شنیدم که به آسمان می‌رفت، به پشت سرم التفاتی نمودم لشکری را دیدم، اسب سوارانی و پرچم‌های برافراشته‌ای را دیدم و سرهایی را بر سر نیزه‌ها دیدم، از پشت سر آن‌ها شترهای لاغری را مشاهده کردم که بر آن‌ها زنان و اطفال و اثاث حمل شده بود، در میان آن زنان و اطفال جوانی را دیدم که در نهایت رنج و پریشانی بر شتری سخت اندام سوار، و سر و دست‌های او به وسیله غل آهنین به گردن او بسته شده، از پاهای او خون روان گشته و اشک‌های او بر گونه‌هایش جاری بود، و گویا او خود شما بودید ای سرور من، زنها و بچه‌ها هر کدام سیلی به صورت‌ها می‌زدند و با صدای بلند فریاد می‌زدند و می‌گفتند: وامحمّداه، واعلیّاه، وافاطمتاه، واحسناه، واحسیناه، وامقتولاه، وامذبوحاه، واغریباه، واضیعتاه، واکرباه..

عقده گلویم را گرفت و قلبم به درد آمد و اشکم جاری گردید به حال آن بانوان، با گریه آن‌ها گریه می‌کردم و مسیر آنان را می‌رفتم، در همان حال که آن‌ها طی طریق می‌کردند یک قبّه نورانی در وسط صحرا برای آن‌ها ظاهر گردید که مانند خورشید می‌درخشید، پیشاپیش قافله سه زن بودند، هنگامی که این قبه نورانی را دیدند خود را از پشت شترها بر زمین انداختند، خاک بر سر می‌ریختند و بر صورت‌ها لطمه می‌زدند و می‌گفتند: واحسناه، واحسیناه، واغربتاه، واضیعتاه، واقلّة ناصراه.

در این هنگام یک نفر با ریش کوسه و چشم آبی آن‌ها را زد و مجبور به سوار شدن نمود، ای سیّد و مولای من، یکی از بانوان را دیدم و گمان می‌کنم مسن تر آنان بود، از زیر مقنعه او خون قطره قطره می‌ریخت، ای سرور من، در پیشاپیش سرها سری بود بسیار نورانی که نور آن بر شعاع خورشید و ماه غلبه

می‌نمود، هنگامی که به آن قبه نورانی نزدیک شدند، شخصی که حامل آن سر مبارک بود، توقف کرد، او را عتاب نمودند و زدند و سر مبارک را از او گرفتند و به او گفتند: ای مردک، تو از حمل آن عاجزی. گفت: کسی را ندیدم که مرا در پیمودن راه کمک کند، پس او را زدند و سر مبارک را از او گرفتند و به دیگری دادند، او نیز توقف کرد، تا سی نفر عوض کردند و همه می‌گفتند: کسی را نمی‌بینیم که ما را در پیمودن راه کمک کند، به امیر قوم خبر دادند، او از اسب خود پیاده شد و بقیه نیز پیاده شدند، خیمه‌ای برای او به وسعت سی ذراع زدند، امیر قوم در وسط خیمه نشست و بقیه در اطراف او، آن بانوان و اطفال را آوردند و بر روی زمینی که فرشی نداشت، رها کردند، خورشید بر آن‌ها می‌تابید و باد چهره‌ها را می‌سوزانید، نیزه‌هایی که بر آن‌ها سرها بود عمداً و به خاطر سوزاندن دل‌های بانوان و اطفال در پیش روی آن‌ها قرار دادند.

نصرانی گفت: ای سرور من، با دیدن این صحنه به شدت بی تابی نمودم و لطمه بر صورتم زدم و گریبان دریدم و گوشه‌ای با دلی پر اندوه نشستم. در این هنگام نیزه‌ای که بر آن رأس شریف بود به طرف آن قبّه نورانی مایل گردید و با زبانی فصیح و گویا سخن گفت و فرمود: ای پدر، ای امیرمؤمنان، مصیبت ما و آنچه بر ما روا داشتند از قتل و جرح، بر تو بسی دشوار است، به خدا سوگند مرا با لب تشنه، غریب و تنها کشتند ومانند گوسفندی سر بریدند، بابا یا امیرالمؤمنین جسم ما را با سم اسب‌ها خرد کردند، بابا اطفال مرا سربریدند، و اهل و عیال مرا اسیر نمودند، و به حال من ترحم ننمودند، و نیز از آن سر مبارک شنیدم که خدا را به یکتایی می‌خواند و تلاوت قرآن می‌نمود، و تماشای این صحنه بر جزع من افزود.

با خود گفتم: صاحب این سر شریف، صاحب قدر و مرتبه و شأن عظیم نزد خداوند است، قلب من به محبت او و ارادت به او مایل گردید و در این حال

که با خود فکر می‌کردم، و نفس خود را بین کفر و اسلام مخیّر می‌دیدم ناگهان صدای ناله بانوان بلند شد و بر روی پا ایستادند و دیدگان خود را به سوی آن قبه نورانی گشودند، من نیز از جا برخاستم و چشم خود را گشودم، بانوانی را دیدم که از قبه بیرون آمدند پیشاپیش آنان بانوی بزرگواری بود که در دست پیراهن خون آلودی داشت، او به صورت خود لطمه می‌زد و انبیاء و پدرش خاتم انبیاء و امیرالمؤمنین 7 را با قلب دردناکی به فریاد می‌طلبید، فریاد می‌زد و با صدای بلند ناله می‌کرد و می‌فرمود: وا ولداه، واثمرة فواداه، واحبیب قلباه، واذبیحاه، واقتیلاه، واغریباه، واعباساه، واعطشاه

و هنگامی که آن بانوی بزرگوار به آن سرهای مبارک و اطفال داغدیده نزدیک شد ساعتی بیهوش بر زمین افتاد، وقتی که از آن حالت بهبود یافت با چشم به آن سر مبارک اشاره کرد، به قدرت خداوند نیزه‌ای که بر آن سر مبارک بود خم گردید و سر در دامان آن بانوی بزگوار قرار گرفت، پس سر مبارک را برداشت و آن را در برگرفت و بوسید و فرمود: پسرم، تو را کشتند، گویا تو را نمی‌شناختند و گویا پدر و جدّ تو را نمی‌شناختند، وای بر آنان، از آب هم دریغ ورزیدند، تو را بر صورت بر زمین افکنده و از قفا سر نازنین تو را بریدند، پسرم حسین جان، چه کسی سر مبارک تو را از قفا برید، چه کسی سینه پاک تو را شکست، و آن را خرد کرد و قوای تو را منهدم و ویران نمود، ای ابا عبد الله، چه کسی اهل و عیال تو را اسیر نمود و اموالت را به غارت برد، چه کسی تو و اطفال تو را سر برید؟ چه چیز آن‌ها را بر خدا و بر از بین بردن حرمت رسول خدا 9 این گونه جری ساخته و جرأت داده است؟

راوی گوید: هنگامی که حضرت علی بن الحسین 8 افتادن آن سر مبارک را در دامان آن بانوی بزرگوار شنید از جا برخاست و صورت مبارک را محکم به دیوار خانه کوبید که بینی آن حضرت شکست و سر مبارکش مجروح

گشت و خون آن بر سینه شریفش روان گردید و از شدت اندوه و گریه بی‌هوش بر زمین افتاد،

و وقتی از آن حالت بهبود یافت ناله جانسوزی از جگر کشید و فریادی زد که اهل مدینه آن را شنیدند و مدینه اهل خود را به لرزه درآورد به گونه ای که کشتی دچار امواج می‌گردد، زنان و دختران و اهل بیت آن حضرت با شنیدن آن صیحه از خانه بیرون آمدند و دامن کشان خود را به امام رساندند . امام 7 را در حال عزا و گریه متصل دیدند، آن‌ها هم صدا به ناله بلند کردند و با گریه آن حضرت گریستند و با شیون او شیون زدند.

نصرانی گوید: بانوان گمان کردند که سبب این گریه و تجدید عزا من بوده‌ام، لذا یکی از آن‌ها آمد و فرمود: ای بنده خدا، غصه‌های پنهانی در قلب این بندۀ صالح را برانگیختی و عقده‌های درون سینه او را گشودی و خواست که مرا بیرون کند، امام 7 مانع او گردید.

و در همان حال که امام 7 مشغول گریه و ناله بود کودکی وارد شد و در کنار امام 7 نشست و عرض کرد: پدرجان، این گریه و ناله بر چه کسی و این عزا برای کیست؟ فرمود: پسرم، این مرد نصرانی ذکر می‌کند که در خوابش سر مبارک جدّت امام حسین 7 و سرهای اولاد آن حضرت و اهل بیت را دیده است و دیده است که چگونه اطفال و بانوان به همراه این سرها از شهری به شهری و از مکانی به مکانی برده شده اند، کودک با شنیدن این خبر گریست و لطمه برصورت زد و با صدای بلند فریاد زد: یا جدّاه، واحسیناه، واغریباه، وامظلوماه، ای کاش پیش روی تو کشته می‌شدم، ای کاش جام هلاکت را من می‌نوشیدم و تو نمی‌نوشیدی، ای کاش من فدای تو می‌شدم، و روح من حافظ روح تو می‌شد.

در این هنگام بانویی نزد او آمد و او را بر سینه نهاد و از روی محبت و دلسوزی در آنجا در ناحیه ای از پدرش نشست، اشک‌ها را از چهره او پاک می‌کرد و او را دلداری می‌داد و تسلیت می‌گفت، اما او آرام نمی‌گرفت.

و نیز شخص بزرگ و جلیل القدری را دیدم در بیرون این در، نشسته و او لطمه بر صورت می‌زد و فریاد می‌زد و با صدای بلند ناله می‌کرد و می‌گفت: واقوماه، وا أهلاه، واحسناه، واحسیناه، واجعفراه، واعقیلاه، وا حمزتاه، می‌نشست و بر می‌خاست و ناله و گریه می‌کرد. نصرانی گفت: علی بن الحسین 8 را دیدم که حالش دگرگون گردید و من از ادامه سخن خودداری نمودم. امام 7 توجهی به من کرد و فرمود: ادامه بده و بقیه خواب را بگو.

عرض کردم: سرور من، آن بانوی بزرگوار سر مبارک را در دامان خود نهاد، گاهی می‌بویید و گاهی می‌بوسید، بانوان دیگر او را بر این مصیبت تسلیت می‌گفتند، در این هنگام از وسط بیابان شخصی روی به آن‌ها آورد در حالی که جثه ای بدون سر بود و خون از گلوی مبارک او بر بدن شریفش جاری بود، هنگامی که آن شخص نزدیک آن بانوان گردید همه بر روی قدم‌ها ایستادند، لطمه بر صوت‌ها زدند و گریبان‌ها چاک نمودند، آن بانوی بزرگوار سر مبارک را گرفت و بر دو دست خود بالا برد، هاتفی که صدای او را می‌شنیدیم و شخص او را نمی‌دیدیم گفت:

ای فاطمه زهرا، ما این سر مبارک را برای تو آوردیم/سری که مانند ماه تمام برای مردم در پاره ای از شب می‌درخشید

محاسن شریفش به خون گلوی او خون آلود گشته/واین از عملکرد زشت گروهی ملعون و ناپاک است

شمر آن را برید با شمشیر بران و تیز، از روی کینه با قلبی شوم و جسور و قسی

میگوید: مادر، گریبان چاک‌بزن، میبینی دست یزید ویران کرده دندان‌های مرا.

سپس آن سر مبارک را به سوی آن جسد مطهری که بدون سر بود آورده و بر روی آن نهاد به قدرت خداوند تبارک و تعالی به یکدیگر پیوند خورد و بر روی قدم‌های مبارکش ایستاد، آنگاه معانقه ای کردند و هر دو بر زمین افتاده و بی هوش گردیدند.

وقتی از آن حال بهبود یافتند آن بانوی بزرگوار خون‌ها را از گلوی مبارک و از بدن آن شخص پاک می‌کرد و می‌فرمود:

ای سر، ای سر، غصه‌های مرا تازه نمودی/به خاطر مصیبت‌هایی که بر تو جاری گشته، ای روح و روان من

ای کشته بدون هیچ گناه و بدون هیچ سببی/ و ای غریبی که از کاشانه و دیار خود دور افتاده ای

جن وانس در مصیت تو نوحه‌سرایی میکنند/مصائب‌شما جگرآدمی را میسوزاند.

سپس آن بانوی بزرگوار فرمود: سلام بر تو ای فرزندم، سلام بر تو ای نور چشمانم و ای محبوب دلم، و خون را از گلوی شریف آن شخص می‌گرفت و به پیشانی و موهای خود می‌مالید و می‌فرمود: فردای قیامت این‌گونه پروردگارم را ملاقات خواهم کرد، خون آلوده به خون تو هستم ای فرزندم، ای حسین.

نصرانی گوید: من نزدیک آن بانوان رفتم، به کنیز سیاهی اشاره کردم، به سوی من آمد، به او گفتم: تو را به خدا مرا از این حوادث و مصیبت‌ها آگاه کن این‌ها قلب مرا آب کرد و جگر مرا سوزاند، به من گفت: وای بر تو، خوابی یا بیدار، خبر این مصیبت همه عالم را پر کرده، از سما تا به سمک رسیده کوه‌ها را به لرزه درآورده، جگرها را تفتیده نموده، جن و انس و حور و ولدان و فرشتگان آسمان و بهشت و دوزخ و پرندگان بر روی شاخه‌ها و ماهیان دریا و

سنگ‌ها و میوه‌ها برای این مصیبت گریسته‌اند.

به او گفتم: من یک نفر ذمّی و پیرو مسلک نصرانیت هستم و این‌ها را نمی‌دانم، تو به من خبر بده این اسب‌ها و این لشکر از آن کیست، به من خبر بده از این سرهای بر نیزه‌ها و از این بانوان و اطفالی که بر شترها که با خواری بر شترها سوارند، و از سری که بدون جثه سخن می‌گفت، و از بدنی که بدون سر حرکت می‌کرد و از آن بانوی بزرگواری که سر را بر روی بدن قرار داد.

کنیز گفت: امّا این اسب‌ها ولشکر از آن عبید الله بن زیاد لعنت شده اهل آسمان‌ها و زمین است، این سرهای بر روی نیزه‌ها سرهای اولاد امام حسین 7 برادران و پسرعموهای آن حضرت است و این بانوان و اطفال به او وابسته اند، سری که بدون جثه سخن می‌گفت سر مبارک حسین بن علی بن ابی طالب 8 است و این بدنی که بدون سر راه می‌رفت جسد شریف آن حضرت است، آن بانوی بزرگوار گرفتار غم و اندوه مادر بزرگوارش، دختر اشرف پیامبران حضرت فاطمه زهرا 3 است.

به او گفتم: تو را به خدا قسم می‌دهم که از طرف من از آن‌ها پوزش طلبی و بخواهی که به من اجازه دهند نزد آن شخص ربّانی روم و بر دست مبارکش اسلام آورده و به نور انورش هدایت شوم، او اجازه گرفت و من رفتم، خودم را بر قدم‌های او افکندم و بر دست مبارکش اسلام آورده و به نور طلعتش هدایت شدم، نزد شما آمده‌ام تا اسلام خود را به دست مبارک شما تازه کنم و به ولایت شما و پدران شما تمسک نمایم، دوستان شما را دوست بدارم، با دشمنان شما دشمن باشم در شادی شما شاد و در غم و اندوه شما اندوهناک باشم، و سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد.[1]

---

۱. دار السلام في ما يتعلق بالرؤيا والمنام: ۱۷۵/۲.

کور شدن چشم حضرت امّ البنین 3 بر اثر زیادی گریه او بر سید الشهدا 7

انبیاء و اولیاء از حضرت آدم تا امروز بر مولای ما حضرت ابا عبد الله 7 گریسته‌اند و از امروز تا صبح قیامت همه مردان و زنان با ایمان خواهند گریست و در اینجا دو مورد را تذکر می‌دهیم.

۱ ـ مولای غریب ما صاحب عصر و زمان 7 ، صبح و شام بر جدّ بزرگوارش امام حسین 7 می‌گرید و می‌فرماید:

فلأندبنّك صباحاً و مساءً، ولابكينّ لك بدل الدموع دماً.(۱)

هر صبح و شام بر تو ناله و زاری می‌نمایم و به جای اشک، خون گریه می‌کنم.

۲ ـ از بانوان مؤمنه‌ای که بر سید الشهداء حضرت اباعبد اللّه 7 زیاد گریست، حضرت امّ البنین 3 است با آنکه فرزندان رشید او هم از شهدای کربلا هستند که یکی از آن‌ها قمر بنی هاشم مولا حضرت ابا الفضل 7 است، ولی به خاطر شدّت معرفت و محبت او به امام زمانش به قدری بر آن حضرت گریست که دیدگانش نابینا گردید.

در امالی خمیسیّه از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

مادر جناب جعفر که از قبیله کلابیّه است بر امام حسین 7 ناله و زاری و گریه کرد تا چشمانش نابینا گردید. مروان والی مدینه به صورت ناشناس می‌آمد و در آنجا توقف می‌کرد و به گریه و ناله او گوش فرا می‌داد.(۲)

و این بر شدّت معرفت آن حضرت به مقام سید الشهداء 7 دلالت می‌کند، زیرا می‌دانست که عظمت شهادت امام حسین 7 به خاطر دو امر است، اوّل از جهت شدّت مصیبت آن حضرت، دوم از جهت آثار شهادت آن حضرت در

---

۱. بحارالانوار: ۱۰۱/۲۳۸ و۳۲۰.

۲. الأمالي الخميسة، شجری جرجاني: ۱/۲۳۰.

آینده عالم بلکه همه عوالم وجود، و بر این اساس آن‌قدر بر آن حضرت گریست تا دیدگانش نابینا گردید.

و بر هر زن و مرد زائر و بر هر گریه کننده‌ای لازم است بداند که گریه بر مصائب سید الشهداء 7 نه فقط به خاطر شدت مصیبت آن حضرت است، بلکه مضافاً بر آن به خاطر آثار فراوانی است که در آینده عالم بلکه عوالم داشته است، موجب ادامه ظلم و جنایت و ظلم و خیانت در عالم گشته است،

و کسی که بر مصائب سید الشهداء 7 گریه می‌کند زمانی که به این جهت توجه کند این مطلب را درک می‌کند که این ظلم و ظلمت جز با ظهور حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه الشریف برطرف نخواهد شد و لذا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت دعا می‌کند، و این نکته بسیار مهمّی است، و لذا در صدها دعا و زیارت دعا برای فرج و ظهور آن حضرت آمده است و هر کس می‌خواهد آن دعاهای فراوان را ببیند به کتاب «الصحیفة المبارکة المهدیه» مراجعه کند و آن کتابی است که تمام دعاهای تعجیل ظهور مولایمان حضرت مهدی 7 را در بردارد.



گریه آسمان و زمین و... بر مولای ما حضرت اباعبدالله 7

امام صادق 7 به زراره فرمود:

آسمان چهل روز با خون باریدن بر حسین 7 گریست، زمین چهل روز با تیره و تار بودن گریست، خورشید چهل روز با گرفتگی و سرخ بودن گریست، کوه‌ها از هم پاشیدند و پراکنده شدند، دریاها روان گردیدند، فرشتگان چهل روز بر حسین 7 گریستند، هیچ زنی از ما خضاب نکرد، روغن به خود نمالید، سرمه نکشید، غذایی نپخت، تا آنکه سر عبید الله

ابن زیاد را برای ما آوردند، و بعد از آن پیوسته در گریه و ناله بودیم و هرگاه جدّم از آن حضرت یاد می‌نمود گریه می‌کرد به گونه‌ای که محاسن شریفش از اشک چشمانش پر می‌شد و هر کس او را می‌دید از گریه‌اش به گریه می‌افتاد، وهمانا فرشتگانی که در کنار قبر شریف آن حضرت هستند گریه می‌کنند و از گریه آنان تمام کسانی که در هوا و آسمان هستند از ملائکه با گریه آنان می‌گریند،

هنگامی که جان شریف آن حضرت از کالبد بدن خارج گردید دوزخ نفسی کشید و نزدیک بود که زمین از نفس کشیدن او و فریاد او منشق و دو نیمه گردد، و هنگامی که روح ناپاک عبید الله و یزید از بدن خبیث آنان بیرون آمد، جهنّم نعره‌ای کشید، که اگر خداوند به وسیله خازنانش آن را حبس نکرده بود، هر آنچه بر روی زمین بود از جوش و خروش آن می‌سوخت، و اگر به آن اذن داده می‌شد هیچ موجودی را روی زمین باقی نمی‌گذاشت مگر آنکه می‌بلعید، ولی مأمور است و دربند کشیده شده است، با این وصف چند مرتبه بر نگهبانان طغیان کرده تا آنکه جبرئیل آمده و بال خود به آن زده و آرامش کرده است، و آن پیوسته می‌گرید و می‌نالد و بر قاتل آن زبانه می‌کشد و اگر حجت خدا بر روی زمین نبود از هم می‌گسیخت و واژگون می‌شد و آنچه بر روی آن است در خود فرو می‌برد، و زلزله‌ها زیاد نمی‌شود مگر نزدیک قیامت،

و هیچ چشمی و اشکی نزد خدا محبوب‌تر نیست از چشمی که بر آن حضرت بگرید و اشکی که جاری گردد، و هیچ گریه کننده‌ای نیست که بر آن حضرت گریه کند مگر آنکه فاطمه 3 را کمک نموده و او را یاری کرده، و یا رسول خدا همدردی نموده و حقّ ما اهل بیت را ادا کرده

است، و هیچ بنده‌ای نیست که محشور شود مگر آنکه چشمان او گریان است مگر گریه کنندگان بر جدّم امام حسین 7 که او با چشمانی روشن در حالی که سرور و شادمانی از چهره اش پیدا است محشور می‌شود، خلق همگی در بیم و هراسند و آن‌ها در امان هستند، خلق برای حساب عرضه می‌شوند در حالی که آن‌ها در زیر عرش و در سایه آن با امام حسین 7 گفتگو می‌کنند و هیچ ترسی از سختی‌های حساب ندارند، **به آن‌ها گفته می‌شود: بیایید وارد بهشت شوید، امتناع می‌ورزند و مجلس امام حسین و گفتگو با آن حضرت را اختیار می‌کنند، حوریان بهشتی به سوی آن‌ها می‌فرستند و پیغام می‌دهند که ما و ولدان مشتاق شما هستیم ولی آن‌ها حتی سر خود را به سوی آن‌ها بلند نمی‌کنند و اعتنا نمی‌کنند، به خاطر سرور و کرامتی که در آن مجلس مشاهده می‌کنند،** در همان حال عدّه‌ای از دشمنانِ آن‌ها را از موهای جلو سرشان گرفته و آن‌ها را به سوی آتش می‌کشانند، عدّه‌ای دیگر از روی تأسف می‌گویند: (فما لنا من شافعین ولا صدیق حمیم) «ما نه شفاعت کننده‌ای و نه دوستی صمیمی داریم»، این دشمنان منزل و جایگاه آنان را می‌بینند ولی نمی‌توانند نزدیک شوند و به آن‌ها نمی‌رسند.

فرشتگان از سوی همسران ایشان و خادمان ایشان پیغام می‌آورند که بیایید و تماشا کنید چه کرامتی به شما عطا شده است، و آن‌ها می‌گویند: ان شاء الله نزد شما خواهیم آمد، پس گفتار ایشان را به همسرانشان می‌رسانند، و چون آن‌ها خبردار می‌شوند که این‌ها غرق در سرور و کرامت هستند در جوار امام حسین 7 می‌گویند: «الحمد لله الذي کفانا الفزع الأکبر واهوال القیامة و نجّانا ممّا کنّا نخاف». حمد و سپاس خدای را که ما را از بیم و هراس بزرگ قیامت و وحشت‌های آن کفایت

نمود و از آنچه می‌ترسیدیم نجات داد.

آنگاه برای ایشان مرکب‌ها و اسب‌های زین شده آورده شود و ایشان بر آن‌ها سوار شوند و با حمد و ثنای الهی و درود و صلوات بر محمّد و آل محمّد : حرکت کنند تا به منازل خود برسند.[1]

کسانی که به دنیا بی اعتنا هستند و در آن زهد می‌ورزند

برخی از مردان نیکوکار در دنیا زهد پیشه می‌کنند و مجذوب امور دنیوی نمی‌شوند اگر چه صاحب اموال و اولاد فراوان می‌باشند زیرا می‌دانند که این دو یعنی مال و اولاد وسیله امتحان آن‌ها است، همان طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: (إنّما أموالکم واولادکم فتنة) «همانا شما با اموالتان و اولادتان امتحان می‌شوید» ولذا دل‌های آن‌ها متوجه خدا و سرای آخرت است و شیفته و فریفته دنیا نیست تا مبادا سبب طغیان آن‌ها شود.

کسانی که به دنیا و آخرت اعتنایی ندارند و آن‌ها گروهی هستند که توفیق نشستن در مجلس امام حسین 7 و نزد آن حضرت را پیدا می‌کنند

برخی از مردم از مقرّبین هستند که هم به دنیا و هم به آخرت بی اعتنا هستند، نه توجهی به دنیا دارند و نه توجهی به آخرت و مجذوب هیچ کدام نمی‌شوند با اعمال و عبادات خود بهشت را قصد نمی‌کنند، بلکه به خدا و اولیای او توجه دارند و آن‌ها کسانی هستند که غرق در محبّت پروردگار و دوستی حضرت ابا عبد الله می‌باشند و لذا در قیامت نه توجّهی به بهشت دارند و نه به حور و قصور و نهرهای جاری آن، بلکه در نزد سید الشهداء 7

---

۱. کامل الزیارات: ۱۶۷ ح۸، بحارالانوار: ۴۵/ ۲۰۷ ـ ۲۰۸ ذح۱۳، المستدرك: ۱۰/ ۳۱۳.

می‌نشینند و مشتاق دیدار او هستند و به چهره ماه او می‌نگرند و به سوی بهشت و حور و قصور آن نمی‌روند، فرستاده‌ای از بهشت از نزد حور العین می‌آید و به آن‌ها می‌گوید: حور العین منتظر ورود شما در بهشت است چرا وارد نمی‌شوید؟ به فرستاده می‌گویند: به آن‌ها بگویید که مشتاق امام حسین 7 هستیم و هیچ چیز نزد ما محبوب‌تر از نشستن در محضر امام حسین 7 نیست.

پس بنابراین آن‌ها زاهد حقیقی نسبت به دنیا و آخرت هستند، خداوند ما و شما را از آنان و از همنشینان حضرت سید الشهدا 7 قرار دهد.

گریه و عزاداری و مرثیه سرایی در عصر ظهور

بدون تردید گریه و تباکی و عزاداری و مرثیه سرایی بر سید الشهداء 7 پایان پیدا نمی‌کند حتّی در عصر ظهور، بلکه در حکومت الهی حضرت مهدی 7 ادامه پیدا می‌کند.

مولای ما امام زمان 7 بر جدّ مظلومش حضرت ابا عبد الله 7 گریه می‌کند و اهل عالم را در ابتدای ظهورش مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

ألا یا أهل العالم إنّ جدّي الحسین 7 قتلوه عطشاناً.

آگاه باشید ای اهل عالم، جدّ من حسین 7 است که او را با لب تشنه کشتند...[1]

و این عزا باقی است حتّی بعد از کشتن قاتلان امام حسین و قاتلان سایر اهل بیت : زیرا خشم و غضب بر دشمنان آن حضرت و غم و اندوه بر مظلومیت اهل بیت : تمام شدنی نیست، بلکه تا روز قیامت ادامه پیدا می‌کند.

آیا با کشتن دشمنان در رجعت، جبران شهادت اولیای الهی می‌شود؟

---

۱. الزام الناصب: ۲۸۲/۲.

به راستی شهادت آنان امری است که اصلاً جبران آن امکان ندارد و هیچ چیز مطلقا نمی‌تواند عوض آن واقع شود، همانا برای اهل بیت : مقاماتی در عالم امر و خلق است و هیچ بشری با آنان مقایسه نمی‌شود، پس چگونه ممکن است شهادت آنان با کشتن دشمنان جبران شود؟ به خدا غصّه شهادت جانگداز آنان و داغ این غم هرگز از دل‌های اهل بیت و دوستان ایشان تا قیامت بیرون نمی‌رود و این امری است که در روایت به آن تصریح نموده‌اند و هیچ گونه شک و تردیدی در آن نیست و دل‌های سالم آن را تصدیق می‌نمایند.

و از کسانی که شکّی در این حقیقت دارند می‌پرسیم: اگر شما جوانی می‌داشتید و او را بدون هیچ جرم و گناهی می‌کشتند آیا با گرفتن قصاص از قاتل او قلب مجروح شما شفا پیدا می‌کرد و آرام می‌گرفت؟ البته این مثال برای روشن شدن امر است و گرنه بین این جوان و آن جوان فاصله‌ای مثل فاصله آسمان و زمین بلکه عرش و فرش و بلکه بیش از این‌ها است.

روایت مهمّی که بر ادامه عزای سید الشهداء در ایام ظهور، دلالت می‌کند

در روایتی که از امام صادق 7 و آن حضرت از رسول خدا 9 نقل کرده‌اند تصریح شده است به اینکه خشم و ناراحتی و غم و اندوه بر شهادت حضرت ابا عبد الله 7 به قیامت هم کشیده می‌شود، شیعه آرام نخواهد گرفت مگر بعد از آنکه تمام ذراری اهل بیت : از قاتلان امام حسین انتقام بگیرند، آن روایت را ذکر می‌کنیم و شما در آن دقت کنید، امام صادق 7 فرموده‌اند:

> هنگامی که قیامت فرا رسد برای حضرت فاطمه 3 خیمه‌ای از نور برپا سازند، امام حسین 7 در حالی که سر مبارک خود را در دست دارد روی به جانب آن خیمه آورد و چون فاطمه 3 او را با آن حال مشاهده کند شیونی کند و ناله‌ای از دل برکشد که در آن جمع هیچ فرشته مقرب و

پیامبر مرسل و بنده مؤمنی نماند مگر آنکه به حال آن حضرت بگرید، خداوند مردی را به صورت مثال بدون سر و به بهترین شکل ممثّل نماید تا با قاتلان امام حسین 7 به مخاصمه برخیزد، خداوند قاتلان آن حضرت و همه کسانی را که به نوعی در قتل او شرکت داشته اند گرد می‌آورد و همه را تا آخرین نفر به قتل می‌رساند، سپس آن‌ها را زنده می‌گرداند و امیرالمؤمنین 7 برای بار دیگر به قتل می‌رساند، سپس زنده می‌شوند و امام حسن 7 آن‌ها را به قتل می‌رساند، مجدّداً زنده می‌شوند و امام حسین 7 آن‌ها را به قتل می‌رساند، سپس زنده می‌شوند، پس از ذریه ما کسی نمی‌ماند مگر آنکه آنان را به قتل می‌رساند، در این هنگام خداوند آتش خشم‌ها را فرو می‌نشاند و اندوه را فراموش آن‌ها می‌گرداند.

سپس امام صادق 7 فرمود: خداوند شیعیان ما را رحمت کند، به خدا آن‌ها هستند که مؤمن‌اند، به خدا آن‌ها با حزن و حسرت طولانی خود با ما در مصیبت ما شرکت کردند.[1]

از مطالب مهمّی که در این روایت شریف شایان دقت است این است که خداوند خشم شیعیان را فرو می‌نشاند و غصه و اندوه را از خاطر آنان می‌برد، و این بعد از آن است که امیرالمؤمنین 7 امام مجتبی 7 ، امام حسین 7 و همهٔ ذراری اهل بیت : قاتلان امام حسین 7 و شرکت کنندگان در قتل آن حضرت را می‌کشند، و این قبل از وارد شدن در بهشت است.

و این فراموشی نه به خاطر قصاص و انتقامی است که از آنان گرفته شده، بلکه خداوند خشم آنان را فرو می‌نشاند و غم و اندوه را از خاطر آنان می‌برد و

---

۱. ثواب الاعمال: ص۲۱۶، بحارالانوار: ۴۳/۲۲۱ ح۷.

این نکته قابل دقت و توجه است که فراموشی نه به خاطر انتقام گرفتن از دشمان است بلکه به امر خداوند است و گر نه حتی در بهشت غصه و غم ادامه پیدا می‌کرد، ولی چون نباید در بهشت حزن و غم برای اهل بهشت باشد خداوند خشم آنان را فرو می‌نشاند و حزن آنان را از یادشان می‌برد و انتقامی که در عصر ظهور از دشمنان گرفته می‌شود باعث نمی‌شود که شیعیان اندوه شهادت امام حسین 7 را فراموش کنند و ادامه خشم و داشتن اندوه باعث اقامه عزا و گریستن در عزا در دوران ظهور می‌باشد.

و از حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا 8 نقل کردیم که فرمودند:

انّ یوم الحسین أقرح جفوننا... وأورثنا الکرب والبلاء إلی یوم الإنقضاء.

همانا روز شهادت امام حسین 7 و مصیبت آن حضرت پلک چشمان ما را مجروح ساخته... ـ تا آنکه فرمودند: ـ و ما را وارث غم و اندوه و بلا تا روز انقضاء ـ یعنی پایان این عالم ـ ساخت.[1]

خوب است بدانید که برای خداوند غیر از این بهشت معهود بهشت‌های زیادی است که از خصوصیات آن ها چیزی نمی‌دانیم. این عبارت به خطّ مولای ما امام عسکری 7 یافت شده است:

...و روح القدس في جنان الصاقورة ذاق من حدائقنا الباکورة.

روح القدس در بهشت صاقوره از نوبر باغ‌های ما چشیده است.[2]

امام 7 در این فرمایش خود تصریح فرموده‌اند که برای خداوند بهشت‌های زیادی است، و روح القدس از نوبر باغ‌های اهل بیت : در بهشت صاقوره چشیده است، پس آیا در این بهشت و غیر این عزاداری و مرثیه سرایی برای

۱. بحارالانوار: ج۴۴ ص۲۸۴.

۲. الزام الناصب: ج۲، ص۱۳۷، بحارالانوار: ۲۶۵/۲۶ وج۳۷۸/۷۸.

حضرت سید الشهداء 7 هست یا نه؟

این از اسراری است که برای مردم در دولت جهانی حضرت مهدی 7 ان شاء الله کشف خواهد شد.

و اگر سؤال کنی که دوران ظهور، دوران سرور و شادمانی است و در آن غم و اندوه نیست، جواب می‌دهیم که آری دوران ظهور دوران سرور و شادمانی است، ولی برای امور دنیا مانند قرض و مرض و امثال آن‌ها، امّا در آن دوران گریه از خوف الهی هست، و همان طور که حزن واندوه و گریه برای خوف از پروردگار هست گریه در عزای سید الشهداء و بر مصائب آن حضرت نیز می‌باشد.

سپس بدان همان طور که دوران ظهور دوران سرور و شادمانی است، برای تعداد زیادی از مردم دوران حسرت و ندامت خواهد بود در ابتدای ظهور، زیرا آن‌ها بعد از خواب عمیقی که در دوران غیبت داشته‌اند و بعد از غفلت فراوانی که از امام عصر 7 داشته‌اند در دوران ظهور بیدار می‌شوند ومی‌فهمند که سال‌های زیادی از عمر آنان به غفلت از امامشان سپری شده، یادی از آن حضرت ننموده‌اند، در نمازها و زیارت‌های خود دعایی برای آن حضرت نکرده‌اند، از غم فراق و دوری او نگریسته‌اند و با مال و جان خود آن حضرت را یاری ننموده‌اند، و این حسرت بزرگی است برای کسانی که دچار این غفلت بزرگ هستند، خداوند ما را از این حسرت‌ها مصون بدارد و از این غفلت‌ها نجات دهد، و توفیق دعا کردن برای آن حضرت و یاری او با جان و مال به ما عطا فرماید، آمین یا ربّ العالمین.

سید مرتضی مجتهدی سیستانی

۱

بخش اول

در نمازها

بخش اوّل

در نمازها

۱

نماز امام حسن و امام حسین علیهما السلام

۱ ـ نماز این دو امام 8 دو رکعت است، در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و بیست و پنج مرتبه سورهٔ «قل هو الله احد» را می‌خوانی.[۱]

۲

نماز امام حسن و امام حسین علیهما السلام

۲ ـ کفعمی در بلد الأمین می‌گوید:

نماز امام حسن و امام حسین 8 چهار رکعت است، در هر رکعت سورهٔ حمد و سورهٔ توحید را بیست و پنج مرتبه می‌خوانی و بعد از سلام دویست مرتبه صلوات بر پیامبر 9 می‌فرستی.[۲]

۱. الدعوات: ص۸۸، بحارالانوار: ج۹۱ ص۱۹۱ ح۱۲.

۲. بلد الامین: ۲۳۵، المجموع الرائق: ۱/۴۲۴ با کمی اختلاف.

۳

نماز امام حسین علیه‌السلام

سید بن طاووس 1 می‌گوید:

نماز امام حسین 7 چهار رکعت است، در هر رکعت سورهٔ فاتحه و سورهٔ توحید را پنجاه مرتبه می‌خوانی، در رکوع هر رکعت سورهٔ فاتحه و سورهٔ توحید را ده مرتبه می‌خوانی، بعد از سر برداشتن از رکوع و در هر سجده و بین هر دو سجده مانند رکوع انجام می‌دهی. و چون سلام دادی این دعا را بخوان:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِاٰدَمَ وَحَوّاءَ إِذْ (قالاٰ رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا

خداوندا تو آن هستی که دعای آدم و حوّا را به اجابت رساندی، وقتی گفتند: «پروردگارا ما به خود ظلم

وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاٰسِرِينَ)[1]، وَنادٰاكَ نُوحٌ

کردیم و اگر تو ما را نیامرزی و به ما ترحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود». و نوح تو را خواند و دعای

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الكَرْبِ العَظِيمِ، وَأَطْفَأْتَ نارَ نَمْرُودَ

او را اجابت نمودی و او و اهلش را از گرفتاری و اندوه بزرگ نجات دادی.و آتش نمرود را برای خلیل

عَنْ خَلِيلِكَ إِبْراٰهِيمَ، فَجَعَلْتَها بَرْداً وَسَلاٰماً.

خود ابراهیم خاموش نمودی و آن را سرد و سلامت قرار دادی.

وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِاَيُّوبَ (إِذْ نادیٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ

و تو آن هستی که دعای ایوب را اجابت نمودی «چون پروردگارش را ندا داد که من دچار بیچارگی

أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ)[2]، فَكَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَأَتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ

شده‌ام و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی»، پس گرفتاری‌اش را برطرف کردی. و به رحمت خود خانواده او و

---

۱. سورهٔ اعراف، آیه۲۳

۲. سورهٔ انبیاء، آیه۸۳.

مَعَهُمْ، رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَذِكْرىٰ لِأُولِي الْأَلْبابِ.

همانند آن‌ها را همراه آنان به او عطا فرمودی تا برای اهل خرد مایه تذکر باشد.

وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي النُّونِ حِينَ نادىٰكَ (فِي الظُّلُماتِ أَنْ

و تو آن هستی که دعای ذو النون یعنی یونس بن متّی را اجابت نمودی هنگامی‌که تو را «در تاریکی‌ها

لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ)[1]، فَنَجَّيْتَهُ مِنَ

خواند (و گفت:) هیچ معبودی جز تو نیست تو پاک و منزّهی همانا من از ستمگران هستم». پس او را از

الْغَمِّ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسىٰ وَهارُونَ دَعْوَتَهُما حِينَ قُلْتَ

غم و اندوه نجات دادی، و تو آن هستی که دعای موسی و هارون را اجابت نمودی هنگامی که فرمودی: «دعای

(قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما)[2]، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ

شما اجابت شد پس استقامت ورزید» و فرعون و هامان و قوم او را غرق نمودی و گناه داود را آمرزیدی

لِداوُدَ ذَنْبَهُ، وَتُبْتَ عَلَيْهِ رَحْمَةً مِنْكَ وَذِكْرىٰ، وَفَدَيْتَ إِسْماعِيلَ بِذِبْحٍ

و توبه‌اش را پذیرفتی از باب رحمتت و برای متذکر شدن، و قربانی بزرگ را از طرف اسماعیل فدیه قرار دادی

عَظِيمٍ بَعْدَ ما أَسْلَمَ، (وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ)[3]، فَنادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَالرَّوْحِ.

بعد از آنکه تسلیم گردید «و او را به روی به خاک افکند» پس او را به گشایش و راحتی ندا دادی.

وَأَنْتَ الَّذي ناداكَ زَكَرِيّا نِداءً خَفِيّاً فَ(قالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ

و تو آن هستی که زکریا تو را خواند، خواندنی آهسته و پنهان، «پس گفت: پروردگارا به راستی

مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْباً وَلَمْ أَكُنْ بِدُعائِكَ رَبِّ شَقِيّاً)[4]، وَقُلْتَ:

استخوانم سست شده و موی سرم از پیری سفید گشته، و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده‌ام»، و

(يَدْعُونَنا رَغَباً وَرَهَباً وَكانُوا لَنا خاشِعِينَ)[5].

فرمودی: «در حال بیم و امید ما را می‌خوانند و برای ما خاشع و فروتن بودند».

۱. سورهٔ انبیاء، آیه۸۷.
۲. سورهٔ یونس آیه۸۹.
۳. سورهٔ صافات: آیه۱۰۳.
۴. سورهٔ مریم، آیه۴.
۵. سورهٔ انبیاء، آیه۹۰.

وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ، لِتَزِيدَهُمْ

و تو آن هستی که دعای کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند اجابت نمودی تا فضل و

مِنْ فَضْلِكَ، فَلاتَجْعَلْنِي مِنْ أَهْوَنِ الدّاعِينَ لَكَ، وَالرّاغِبِينَ إِلَيْكَ،

احسانت را برای ایشان بیفزایی، پس مرا از کمترین دعاکنندگان و مشتاقانت قرار مده و به حق آنان بر تو،

وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، فَطَهِّرْنِي بِتَطْهِيرِكَ،

دعای مرا به اجابت رسان، همان طور که دعای آنان را اجابت نمودی و با پاک کردنت مرا طاهر گردان،

وَتَقَبَّلْ صَلاتِي وَدُعائِي بِقَبُولٍ حَسَنٍ، وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَياتِي، وَطَيِّبْ وَفاتِي،

و نمازم و دعایم را با قبولی نیکو قبول کن و باقیماندهٔ حیاتم را و وفاتم را گوارا و نیکوگردان و جانشینم باش

وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ أَخْلُفُ، وَاحْفَظْنِي يا رَبِّ بِدُعائِي، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً

در کسانی که از خود به جای می‌گذارم، و مرا پروردگارا به دعایم حفظ فرما، و ذریه‌ام را ذریه پاکی قرار

طَيِّبَةً، تَحُوطُها بِحِياطَتِكَ بِكُلِّ ما حُطْتَ بِهِ ذُرِّيَّةَ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ

بده، آن‌ها را با احاطه‌ای که داری احاطه کن و نگهداری نما به هر آنچه ذریّه یکی از اولیائت و اهل اطاعتت

وَأَهْلِ طاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

را بدان احاطه می‌نمایی و نگهداری می‌کنی، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

يا مَنْ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَلِكُلِّ داعٍ مِنْ خَلْقِكَ مُجِيبٌ،

ای آن‌که بر هر چیزی مراقب و نگهبانی و برای هر دعا کننده از خلق خود پاسخ دهنده و اجابت کننده‌ای

وَمِنْ كُلِّ سائِلٍ قَرِيبٌ، أَسْئَلُكَ يا لاَ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ، اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ،

و نسبت به هر درخواست کننده‌ای نزدیک هستی از تو می‌خواهم ای که معبودی جز تو نیست، تو زنده‌ای و

اَلْاَحَدُ الصَّمَدُ، اَلَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ،

قائم به تدبیر خلق، یکتایی، بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و برای او هیچ مشابهی و همانندی

وَبِكُلِّ اسْمٍ رَفَعْتَ بِهِ سَمائَكَ، وَفَرَشْتَ بِهِ أَرْضَكَ، وَأَرْسَيْتَ بِهِ

نیست، و به هر اسمی‌که به وسیله آن آسمان را برافراشتی، و زمین را گسترانیدی و کوه‌ها را ثابت و استوار

الْجِبـالَ، وَأَجْرَيْـتَ بِـهِ الْماءَ، وَسَـخَّرْتَ بِهِ السَّـحابَ وَالشَّـمْسَ وَالْقَمَرَ

گردانیدی، و آب را جاری ساختی و ابرها را و خورشید و ماه را وُ ستارگان را و

وَالنُّجُـومَ وَاللَّيْـلَ وَالنَّهـارَ، وَخَلَقْـتَ الخَلائِـقَ كُلَّها،

شب و روز را مسخّر نمودی و همهٔ خلایق را آفریدی.

أَسْـئَلُكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ العَظِيمِ، اَلَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ،

از تو می‌خواهم به عظمت وجه عظیمت که آسمان‌ها و زمین بدان روشن گشته‌اند

فَأَضاءَتْ بِـهِ الظُّلُمـاتُ، إِلاَّ صَلَّيْتَ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَكَفَيْتَنِي

و تاریکی‌ها بدان روشن گشتند بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و امر معاش و معاد مرا

أَمْـرَ مَعاشِـي وَمَعادِي، وَأَصْلَحْتَ لِي شَـأْنِي كُلَّـهُ، وَلَمْ تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِـي

کفایت کنی و همهٔ شئون مرا اصلاح نمایی و مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذاری،

طَرْفَـةَ عَيْـنٍ، وَأَصْلَحْـتَ أَمْـرِي وَأَمْرَ عِيالِـي، وَكَفَيْتَنِـي هَمَّهُـمْ، وَأَغْنَيْتَنِي

و کار من و کار عیالم را اصلاح فرمایی و مهمّ آنان را کفایت کنی و مرا و ایشان را از ذخائرت

وَإِيّاهُـمْ مِنْ كَنْـزِكَ وَخَزائِنِكَ، وَسَـعَةِ فَضْلِكَ، اَلَّـذِي لاَيَنْفَدُ أَبَداً،

و خزائنت و فضل گسترده‌ات که هرگز پایان نمی‌یابد، بی‌نیاز گردانی،

وَأَثْبِـتْ فِـي قَلْبِـي يَنابِيـعَ الحِكْمَـةِ، اَلَّتِـي تَنْفَعُنِـي بِهـا وَتَنْفَعُ بِهـا مَنِ

و چشمه‌های حکمت را در قلب من پایدار نما که بدان مرا منفعت بخشی و کسانی را که

ارْتَضَيْـتَ مِـنْ عِبـادِكَ، وَاجْعَـلْ لِي مِـنَ المُتَّقِينَ فِـي آخِرِ الزَّمـانِ إِماماً،

از بندگانت می‌پسندی منفعت بخشی و درآخر الزمان برای من امام و پیشوا از متّقین قرار بده،

كَمـا جَعَلْـتَ إِبْراهِيـمَ الخَلِيـلَ إِمامـاً، فَـإِنَّ بِتَوْفِيقِـكَ يَفُـوزُ الفائِـزُونَ،

همان طور که ابراهیم خلیل را امام و پیشوا قرار دادی، همانا به توفیق تو رستگاران، رستگار می‌شوند و

وَيَتُـوبُ التّائِبُـونَ، وَيَعْبُـدُكَ الْعابِـدُونَ، وَبِتَسْـدِيدِكَ يَصْلُـحُ الصّالِحُونَ

توبه‌کنندگان توبه می‌کنند و عبادت کنندگان عبادت می‌کنند، و به استوارسازی تو شایسته می‌شوند شایستگان،

الْمُحْسِنُونَ الْمُخْبِتُونَ الْعابِدُونَ لَكَ، اَلْخائِفُونَ مِنْكَ، وَبِإِرْشادِكَ

نیکوکاران، اهل خضوع و اهل عبادت و کسانی که از تو خائف و ترسانند، و به راهنمایی تو رهایی یافتگان از

نَجَا النّاجُونَ مِنْ نارِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِخِذْلانِكَ

آتش رهایی یافتند، و از آن حذر کردند حذرکنندگان از خلق، و به رهاکردن تو و یاری نکردن تو اهل باطل دچار

خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَكَ الظّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغافِلُونَ.

خسران و زیان شدند و ستمگران هلاک گردیدند و غفلت کنندگان گرفتار غفلت شدند.

أَللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْواها، فَأَنْتَ وَلِيُّها وَمَوْلاها، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّاها،

خداوندا نفس مرا تقوا عنایت کن، تو ولی و سرپرست آن هستی، و تو بهترین کسی هستی که آن را پاکیزه می گردانی،

أَللَّهُمَّ بَيِّنْ لَها هُداها، وَأَلْهِمْها تَقْواها، وَبَشِّرْها بِرَحْمَتِكَ حِينَ

خداوندا بیان کن برای آن طریق هدایتش را و الهام نما به آن تقوایش را ، و هنگامی که آن را دریافت می کنی

تَتَوَفّاها، وَنَزِّلْها مِنَ الْجِنانِ عُلْياها، وَطَيِّبْ وَفاتَها وَمَحْياها، وَأَكْرِمْ

به رحمتت آن‌را بشارت‌بده ، و در قسمت بالای بهشت فرودآور، و حیات و ممات آن‌را گوارا قرار بده،

مُنْقَلَبَها وَمَثْواها، وَمُسْتَقَرَّها وَمَأْواها، فَأَنْتَ وَلِيُّها وَمَوْلاها.(۱)

بازگشت آن‌را و درنگ نمودنش را و محلّ استقرار و منزلگاهش را گرامی بدار، تو ولی و سرپرست آن هستی.

علّامه مجلسی 1 فرموده است: در نماز امام حسین 7 ظاهراً بعد از دو سجده، قرائت نیست، در کتاب مختصر مصباح به آن تصریح نموده و گفته است: چهار رکعت نماز با هشتصد مرتبه «حمد» و «قل هو الله احد» می‌خوانی و سپس تفصیل آن را ذکر نموده است، ولی سید بن طاووس این نماز را در کتاب اقبال در اعمال شب نیمه شعبان روایت نموده و گفته است: نقل کرده‌ام از خط شیخ ابوالحسن محمّد بن هارون آنچه را که سند آن حذف شده، گفته است:

از نمازهای شب نیمه شعبان در کنار قبر حضرت ابا عبد الله الحسین 7

۱.جمال الاسبوع: ۱۷۶، ربیع الأسابیع: ۱۷۳، بحارالانوار: ۱۸۶/۹۱.

چهار رکعت است در هر رکعت سورهٔ «فاتحه» پنجاه مرتبه و «قل هو الله احد» نیز پنجاه مرتبه، در رکوع دو سوره را ده مرتبه می‌خواند و چون سر از رکوع برداشت مثل آن، و در دو سجده و بین دو سجده همان گونه عمل می‌کند همان‌طور که در نماز تسبیح (جعفر طیّار 7) انجام می‌دهد، سپس تسبیح و بعد از آن دعا را ذکر نموده، و ظاهر تشبیه که این نماز را به نماز تسبیح تشبیه نموده وجود قرائت بعد از دو سجده نیز هست.[1]

ولذا اگر این نماز مانند نماز تسبیح باشد سورهٔ حمد و اخلاص را باید هشتصد و هشتاد مرتبه بخواند، زیرا بعد از دو سجده در هر رکعت سورهٔ حمد را ده مرتبه و سورهٔ اخلاص را ده مرتبه باید بخواند و مجموع آن در چهار رکعت، هشتاد مرتبه می‌شود و با آن هشتصد مرتبه مجموعاً هشتصد و هشتاد مرتبه می‌گردد.

سید بزرگوار در اقبال گفته است: این نماز در شب نیمه شعبان خوانده می‌شود، ولی در کتاب دیگر خود «جمال الاسبوع» آن را به این شب اختصاص نداده و آن را به نماز تسبیح تشبیه ننموده، پس چهار رکعت با هشتصد مرتبه سورهٔ حمد و سورهٔ اخلاص خوانده می‌شود.

۴

نمازی در امور مهم از حضرت سیّد الشهداء علیه‌السلام

علامه مجلسی 1 گفته است: نمازی در امور مهم از حضرت سیّد الشهداء 7 نقل شده است، به این صورت که:

چهار رکعت نماز می‌خوانی، و قنوت و ارکان آن را نیکو بجا می‌آوری، در رکعت اوّل حمد یک مرتبه و (حَسْبُنَا ٱللَّهُ وَنِعْمَ

۱. بحارالانوار: ۱۹۱/۹۱.

اَلْوَكِيلُ)[۱] را هفت مرتبه می‌خوانی،
در رکعت دوّم حمد یک مرتبه و (مٰا شاءَ اَللّٰهُ لاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاَللّٰهِ إِن تَرَنِ أَنَاْ أَقَلَّ مِنكَ مٰالاً وَوَلَداً)[۲] را هفت مرتبه می‌خوانی.
در رکعت سوم حمد یک مرتبه و (لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمين)[۳] را هفت مرتبه،
و در رکعت چهارم حمد یک مرتبه و (وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصيرٌ بِالْعِبادِ)[۴] را هفت مرتبه می‌خوانی،
و سپس حاجت خود را درخواست می‌نمایی.[۵]

۵

نماز حاجت در حرم امام حسین علیه‌السلام

امام باقر 7 به شخصی فرمودند:

فلانی، چه چیز تو را باز می‌دارد از اینکه هرگاه حاجتی داشتی کنار قبر امام حسین 7 روی و در آنجا چهار رکعت نماز بخوانی و سپس حاجت خود را درخواست نمایی؟

نماز واجب در آنجا معادل یک حج و نماز مستحب معادل عمره است.[۶]

---

۱. سورهٔ آل عمران، آیه۱۷۳، «خدا ما را بس است و او خوب پشتیبانی است».

۲. سورهٔ کهف، آیه۳۹، «آنچه خدا بخواهد، هیچ نیرویی جز به وسیله خداوند نیست، اگر بنگری که از تو مال و فرزند کمتر دارم».

۳. سورهٔ انبیاء، آیه۸۷، «هیچ معبود شایسته‌ای جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از ستمکاران هستم».

۴. سورهٔ غافر، آیه۴۴، «واگذار می‌کنم امر خود را به خدا، همانا خداوند به بندگانش بینا است».

۵. بحارالانوار: ۳۵۸/۹۱، مکارم الاخلاق: ۱۲۲/۲ ح۱.

۶. مزار مفید: ص۱۳۳، مزار کبیر: ص۳۵۴ ح۱، کامل الزیارات: ۴۳۳ ح۱.



۶

نمازی مهم برای حاجاتی بزرگ در حرم امام حسین علیه‌السلام

این نماز را مرحوم آیة الله العظمی شیخ عبد الکریم حائری از کتاب مخطوطی از مرحوم شیخ بهایی نقل کرده و آن را با دست مبارکش نوشته است، می‌گوید:

وقتی کارها بر شخصی دشوار شد و بلاها و مصیبت‌ها به قدری به او روی آورد که زمین با همه وسعتش بر او تنگ گردید و همه درها و راه‌ها به روی او بسته شد و دچار یأس و نا امیدی و اندوه گردید، بر او باد که به زیارت امام حسین سید الشهداء 7 رود و بعد از فراغ از زیارت در قسمت بالای سر شریف آن حضرت بایستد و دو رکعت نماز حاجت بخواند، و بعد از نماز سر به سجده نهد و صد مرتبه بگوید: «**أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً فِي عافِيَةٍ**»[1] به زودی حاجتش در همان روز برآورده خواهد شد، إن شاء الله.

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری اضافه نموده است که این نماز مجرّب است، من آن را در حرم امام حسین 7 خوانده‌ام و بیش از لحظاتی نگذشته که حاجتم برآورده گردیده است.[2]

و از آنجا که وظیفهٔ دینی که بر دوش ما است، ـ بر ما که شیعه هستیم ـ دعا وتضرع پیوسته در طلب تعجیل ظهور مولای عزیزمان حضرت صاحب الزمان 7 را حتمی می‌سازد، نباید از این امر مهم غافل شویم تا با این دعا

۱. «طلب خیر می‌نمایم از خداوند به رحمتش خیری در عافیت».

۲. شرح زندگانی حضرت آیة الله مؤسّس و فرزند برومندشان آیة الله شیخ مرتضی حائری: ص۵۲.



گـره همـه دشـواری‌ها و مشـکلات که مؤمنـان را دچار رنج و زحمـت نموده در ایـن دوران سـخت گشـوده گـردد، از بـرادران و خواهرانـی کـه به شـرف زیارت امـام حسـین 7 نائـل می‌گردنـد ایـن خواهـش را داریـم کـه ایـن نمـاز حاجت و دعـای بعـد از آن را بـه نیـت طلـب ظهـور حضـرت مهـدی 7 انجـام دهنـد مخصوصـاً در روز عرفـه و عاشـورا و نیـز در بقیـه مناسـبت‌های مهم، امید اسـت بـه برکـت آن بـه زودی حوائـج آنان روا گردد و کارهایشـان آسـان شـود.

۷

نماز زیارت امام حسین علیه‌السلام

سـید بـن طـاووس 1 گویـد: نمـاز زیـارت امـام حسـین 7 چهـار رکعـت اسـت، در هـر رکعـت بعـد از سـوره حمـد، «قـل هـو اللـه احـد» و «قـل یـا أیّها الکافـرون» را بخوانـد و بعـد از آن دعـا کنـد و بگویـد:

أَللَّهُـمَّ إِنِّي أُشْـهِدُكَ، وَأُشْـهِدُ أَهْـلَ طاعَتِكَ مِـنْ جَمِيعِ خَلْقِـكَ بِأَنِّي

خداوندا تو را و اهل اطاعت تو را از تمامی خلق شاهد می‌گیرم به اینکه

أَشْـهَدُ مَـعَ كُلِّ شـاهِدٍ يَشْـهَدُ بِمـا شَـهِدْتُ بِـهِ أَجْمَعُ فِـي حَياتِـي وَبَعْدَ

شهادت می‌دهم با هر شاهدی که شهادت می‌دهد به آنچه من بدان شهادت داده‌ام در دوران حیاتم و بعد از

وَفاتِـي حَتّىٰ أَلْـقاكَ عَلـىٰ ذَلِكَ يَـوْمَ فاقَتِي.

وفاتم تا تو را در روز فقر و تهی دستی‌ام بر آن گواهی ملاقات کنم.

وَأَشْـهَدُ أَنَّ اللَّـهَ (وَلِـيُّ الَّذِيـنَ آمَنُـوا يُخْرِجُهُـمْ مِـنَ الظُّلُمـاتِ إِلَـى

و شهادت می‌دهم که خداوند «ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها خارج

النُّـورِ وَالَّذِيـنَ كَفَـرُوا أَوْلِياؤُهُـمُ الطّاغُـوتُ يُخْرِجُونَهُـمْ مِـنَ النُّـورِ إِلَى

می‌کنند به سوی نور و روشنایی، و کسانی که کافرند سرپرست آنان طاغوت است، آنان را از نور و روشنایی

الظُّلُمـاتِ أُولئِـكَ أَصْحـابُ النّـارِ هُـمْ فِيهـا خالِـدُونَ).[1]

خارج می‌کنند به سوی تاریکی‌ها، آن‌ها اهل دوزخ‌اند و در آن جاودان خواهند بود».

وَأَشْـهَدُ أَنَّ النَّبِـيَّ (أَوْلـىٰ بِالْمُؤْمِنِيـنَ مِنْ أَنْفُسِـهِمْ وَأَزْواجُـهُ أُمَّهاتُهُمْ

و شهادت می‌دهم که «پیامبر 9 نسبت به مؤمنان از خود آنان سزاوارتر است و همسران او مادران ایشان هستند،

وَأُولُـوا الْأَرْحـامِ بَعْضُهُـمْ أَوْلـىٰ بِبَعْـضٍ فِي كِتـابِ اللَّـهِ)[2]. وَأَشْـهَدُ أَنَّ

و خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوارترند از دیگران درکتاب خدا»، و گواهی می‌دهم که «ولی و سرپرست ما

وَلِيَّنَـا (اللَّـهُ وَرَسُـولُهُ وَالَّذِيـنَ آمَنُـوا الَّذِيـنَ يُقِيمُـونَ الصَّـلاةَ وَيُؤْتُـونَ

خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده، نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند در حالی که در رکوع

الـزَّكاةَ وَهُـمْ راكِعُـونَ)[3] وَأَنَّ ذُرِّيَّتَهُمـا (أُولُـوا الْأَرْحـامِ بَعْضُهُـمْ

هستند» و ذریّه آن دو، اولوالارحام هستند،آنها نسبت به یکدیگر درآنچه خدا مقررداشته از دیگران سزاوارترند،

أَوْلـىٰ بِبَعْـضٍ)[4]، (ذُرِّيَّـةً بَعْضُهـا مِـنْ بَعْـضٍ وَاللَّهُ سَـمِيعٌ عَلِيـمٌ)[5].

آن‌ها ذریه و دودمانی هستند که پاکی و تقوا و فضیلت را بعضی از بعضی دیگر گرفته‌اند و خداوند شنوا و دانا است.

وَأَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ أَعْلامُ الدِّينِ، وَأُولُـوا الْأَرْحامِ عَلَى الْـوَرىٰ، وَالْحُجَّةُ

و شهادت می‌دهم که شما علامت‌ها و نشانه‌های دین هستید و اولوالارحام هستید نسبت به سایر خلق، و

عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا، اِنْـتَجَبْـتَهُمْ وَاصْطَفَيْـتَهُمْ وَاخْتَصَصْتَهُمْ وَأَطْلَعْـتَهُمْ

حجّت هستید بر اهل دنیا، آنان را انتخاب کردی و برگزیدی و مختص گردانیدی و بر سرّ خود آگاه نمودی،

عَلـىٰ سِـرِّكَ، فَقامُـوا بِأَمْـرِكَ، وَأَمَـرُوا بِالْمَعْـرُوفِ، وَنَهَـوْا عَـنِ الْمُنْكَـرِ،

پس به امر تو قیام کردند، به معروف امر نمودند و از منکر نهی فرمودند و بندگان را به تأویل و تنزیل

وَدَعَـوُا الْعِبـادَ إِلَـى التَّأْوِيـلِ وَالتَّنْزِيـلِ، كُلَّمـا مَضـىٰ مِنْهُـمْ داعٍ خَلَّـفَ

(معانی باطن و ظاهر قرآن) فراخواندند. هرگاه از میان آنان دعوت کننده‌ای رفت دعوت کننده دیگری در

۱. سورهٔ بقره، آیه۲۵۷.
۲ و۴. سورهٔ احزاب، آیه۶.
۳. سورهٔ مائده، آیه۵۵.
۵. سورهٔ آل عمران، آیه۳۴.

فِيهِمْ دٰاعِياً، فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ، وَأَمَرْتَ بِمُوالٰاتِهِمْ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِاَحَدٍ

میان ایشان جانشین گردانید، اطاعت آنان را واجب نمودی و به دوستی همراه با پیروی از آنان دستور دادی،

مِنْ خَلْقِكَ عُذْراً في تَرْكِهِمْ وَالْاِنْحِيٰازِ عَنْهُمْ وَالْمَيْلِ إِلىٰ غَيْرِهِمْ. وَجَعَلْتَهُمْ

و برای هیچ کس عذری در رها کردن آنان و دوری گزیدن از آنان و تمایل به غیر آنان قرار ندادی، و آنان را

أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، أَفْضَلَ الْبَرِّيَّةِ وَمَعْدِنَ الرِّسٰالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلاٰئِكَةِ

اهل بیت نبوت، برترین مخلوقات، معدن رسالت، محلّ رفت و آمد فرشتگان

وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَالْكَرٰامَةِ، وَأَوْلاٰدَ الصَّفْوَةِ وَأَسْبٰاطَ الرُّسُلِ، وَأَقْرٰانَ

و فرودآمدن وحی و کرامت، اولاد برگزیدگان، نوادگان رسولان، همتایان قرآن،

الْكِتٰابِ، وَأَبْوٰابَ الْهُدىٰ، وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقىٰ. لاٰيَخٰافُونَ فِيكَ لَوْمَةَ لاٰئِمٍ،

درهای هدایت، دست آویزان مورد اطمینان قرار دادی، در راه تو از سرزنش سرزنش‌کنندگان بیم و هراسی ندارند

وَلاٰيَقُومُ بِحَقِّهِمْ إِلّا مُؤْمِنٌ، وَلاٰيَهْدِي بِهُدٰاهُمْ إِلّا مُنْتَجَبٌ.

به حق آنان قیام نمی‌کند مگر مؤمن، و به هدایت آنان هدایت نمی‌شود مگر انسان برگزیده.

أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ، وَبٰارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَجْزَلِ بَرَكٰاتِكَ،

خداوندا بر آنان درود فرست به برترین درودهایت، و به آنان برکت ده به فراوان‌ترین برکاتت، و آن‌ها را

وَبَوِّئْهُمْ مِنْ كَرَمِكَ بِأَكْرَمِ كَرٰامٰاتِكَ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ.

سرشار نما از کرمت به گرامی‌ترین و ارزشمندترین کراماتت در دنیا و آخرت.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَحَبَّ الْاَشْيٰاءِ إِلَيَّ وَأَبَرَّهٰا لَدَيَّ وَأَهَمَّهٰا إِلَيَّ، حُبَّكَ وَحُبَّ

خداوندا محبوب‌ترین چیزها و نیکوترین آن‌ها و مهم‌ترین آنها را نزد من محبّت خودت

رَسُولِكَ وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَحُبَّ مَنْ أَحَبَّهُمْ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

و پیامبرت و اهل بیت پاک او و محبت هر کس که آنان را از میان خلق دوست دارد،

وَحُبَّ مَنْ عَمِلَ الْمُحِبَّ لَكَ وَلَهُمْ، وَبُغْضَ مَنْ أَبْغَضَكَ وَأَبْغَضَهُمْ مِنْ

و محبّت کسی که محبّ تو و آنان را دوست دارد، و بغض و کینه هر کسی که بغض و کینه تو و آنان را دارد

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبُغْضَ مَنْ عَمِلَ الْمُبْغِضَ لَكَ وَلَهُمْ حَيّاً وَمَيِّتاً،

و بغض هر کسی که مبغض تو و آنان را دوست دارد ـ چه زنده باشد و چه مرده ـ قرار بده.

وَارْزُقْنِي صَبْراً جَمِيلاً، وَدِيناً سَلِيماً، وَفَرَجاً قَرِيباً، وَأَجْراً عَظِيماً،

و روزی کن مرا صبری جمیل ـ یعنی صبری که در آن شکوه‌ای نزد مردم نباشد ـ و دینی سالم و گشایشی

وَرِزْقاً هَنِيئاً، وَعَيْشاً رَغِيداً، وَجِسْماً صَحِيحاً، وَعَيْناً دامِعَةً، وَقَلْباً خاشِعاً،

نزدیک، و پاداشی بزرگ و روزی گوارا و زندگی فراخ و جسمی صحیح و چشمی اشکبار و قلبی خاشع

وَيَقِيناً ثابِتاً، وَعُمْراً طَوِيلاً، وَعَقْلاً كامِلاً، وَعِبادَةً دائِمَةً، وَأَسْئَلُكَ الثَّباتَ

و یقینی ثابت و عمری طولانی و عقلی کامل و عبادتی پیوسته، و از تو می‌خواهیم ثبات و پایداری

عَلَى الْهُدىٰ، وَالْقُوَّةَ عَلىٰ ما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ.

بر هدایت و نیرو و توانایی بر آنچه دوست داری و می‌پسندی.

أَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْياءِ إِلَيَّ، وَخَوْفَكَ أَخْوَفَ الْأَشْياءِ

خداوندا محبتت را محبوب‌ترین چیزها، و ترس از خودت را ترسناک‌ترین چیزها نزد من قرار بده، و روزی

عِنْدِي، وَ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِي حُبُّهُ عِنْدَكَ. وَما رَزَقْتَنِي

کن مرا دوستی خود را و دوستی هرکسی که دوستی او، نزد تو، به من نفعی‌می‌رساند، وآنچه به من روزی کردی

وَتَرْزُقُنِي مِمّا أُحِبُّ، فَاجْعَلْهُ لِي فَراغاً فِيما تُحِبُّ. وَاقْطَعْ

و روزی‌می‌کنی، از آنچه دوست‌می‌دارم، پس به‌گونه‌ای قراربده که مرا بازندارد ومشغولنسازد ازآنچه‌تو دوست

حَوائِجَ الدُّنْيا بِالشَّوْقِ إِلىٰ لِقائِكَ. وَإِذا أَقْرَرْتَ عُيُونَ أَهْلِ الدُّنْيا

می‌داری، و حوائج دنیا و خواسته‌های دنیوی را با شوق به لقایت از من قطع کن، و زمانی که چشم اهل دنیا را

بِدُنْياهُمْ، فَاجْعَلْ قُرَّةَ عَيْنِي فِي طاعَتِكَ وَرِضاكَ وَمَرْضاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ

به دنیایشان روشن می‌گردانی، روشنی چشم مرا در اطاعت و رضایت و خشنودی خودت قراربده، به

إِنَّ رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.[1]

رحمتت که رحمتت نزدیک است به نیکوکاران.

۱. مصباح الزائر: ۵۲۸، بحارالانوار: ۱۰۱/۲۸۵ ح۲.

شیخ مفید 1 در کتابش «الاشراف» گفته است:

نماز زیارت دو رکعت است، در رکعت اوّل بعد از سورهٔ «حمد» سورهٔ «الرحمن» و در رکعت دوم بعد از سورهٔ «حمد» سورهٔ «یس» می‌خوانی، و غیر این دو سوره از آنچه برایت میسّر و ممکن باشد از قرآن کفایت می‌کند.[1]

و این نماز که در رکعت اول سورهٔ «الرحمن» و در رکعت دوم سورهٔ «یس» خوانده می‌شود اختصاص به زیارت امام حسین 7 ندارد، در حرم سایر ائمّه طاهرین : نیز می‌توان آن را انجام داد.

سید بزرگوار مرحوم میرداماد گفته است: هنگامی که زیارت در حرم مطهّر پیامبر 9 یا یکی از ائمّه طاهرین : باشد نماز زیارت را بعد از زیارت انجام می‌دهد، و اگر زائر از دور بخواهد زیارت کند ابتدا نماز زیارت را انجام می‌دهد و بعد از آن زیارت می‌کند.

و گفته است: نماز زیارت برای پیامبر 9 یا یکی از ائمه : دو رکعت است که بعد از زیارت در بالای سر مبارک بجا می‌آورد و اگر انسان در حالی که در شهر خودش مقیم است بخواهد یکی از آن عزیزان را زیارت کند ابتدا نماز را بجا می‌آورد و سپس زیارت می‌نماید.

شیخ الطائفه طوسی ـ که خداوند مرقدش را منوّر گرداند ـ در کتابش «مصباح المتهجّد» در باب فضیلت روز رجمعه و اعمال آن گفته است:

---

۱. الاشراف: ص۳۰.

و زیارت پیامبر و ائمّه : در روز جمعه مستحب است، و از امام صادق 7 روایت شده است که فرمودند:

کسی که می‌خواهد قبر رسول خدا 9 و قبر امیرالمؤمنین و فاطمه و امام حسن **وامام حسین** و قبور حجج الهی : را زیارت کند در حالی که در شهر خودش می‌باشد باید در روز جمعه غسل کند و لباس پاک بپوشد و به بیابان رود، آنگاه چهار رکعت نماز با هر سوره که برایش میسّر است از قرآن بخواند، هنگامی که تشهد را انجام داد و سلام نماز را گفت در مقابل قبله بایستد و بگوید:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر شما ای پیامبر و رحمت خدا و برکات او بر شما باد، سلام بر تو ای پیامبر

النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضىٰ، وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرىٰ، وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرٰاءُ،

مرسل و بر وصیّ پسندیده‌ات و بر خدیجه کبری و سیّده حضرت زهرا

وَالسِّبْطاٰنِ الْمُنْتَجَباٰنِ، وَالْاَوْلاٰدُ وَالْاَعْلاٰمُ وَالْاُمَناٰءُ الْمُنْتَجَبُونَ الْمُسْتَخْزَنُونَ،

و دو سبط برگزیده و اولاد و شخصیت‌ها و امینان برگزیده شده و ذخیره گشته،

جِئْتُ انْقِطاٰعاً إِلَيْكُمْ وَإِلىٰ آبٰائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلىٰ بَرَكَةٍ حَقٍّ،

آمده‌ام به سوی شما و پدران بزرگوار شما و فرزندان جانشین شما در حالی که از دیگران بریده‌ام به برکت

فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّٰهُ بِدِينِهِ،

حق، قلب من تسلیم شما است و یاری‌ام برای شما آماده است تا خداوند به دینش حکم کند

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لاٰ مَعَ عَدُوِّكُمْ. إِنِّي لَمِنَ الْقاٰئِلِينَ بِفَضْلِكُمْ،

کسی که با شما است، با شما است و گرد دشمن شما نمی‌گردد، همانا من از قائلین به فضیلت و برتری شما و اقرار

مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ، لاٰ أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً، وَلاٰ أَزْعُمُ إِلّا مٰا شٰاءَ اللّٰهُ.

کننده به رجعت شما هستم، قدرتی را برای خداوند انکار نمی‌کنم، ونظری و عقیده‌ای ندارم جز آنچه خدا بخواهد.

سُبْحانَ اللَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ،

پاک و منزّه است خداوند صاحب مُلک و ملکوت. همهٔ خلق، خدا را به اسماء او تسبیح می‌گویند،

وَالسَّلامُ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و سلام برجسم و جان شما، و سلام بر شما باد و رحمت خدا و برکات او.

و در روایت دیگری فرموده‌اند:

این زیارت و دعا را بر بام خانه‌ات انجام بده.[1]

و مستحب است زیارت حضرت ابا عبداللّه 7 همانند آن، بعد از آنکه غسل کرد بر بام خانه‌اش بالا می‌رود یا در بیابان بی‌آب و علف می‌رود و اشاره می کند به سوی آن حضرت با سلام، و می گوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَسَيِّدي وَابْنَ سَيِّدي. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر شما ای مولای من و سرور من، سلام بر شما ای

مَوْلايَ يا قَتِيلَ بْنَ الْقَتِيلِ، اَلشَّهِيدَ بْنَ الشَّهِيدِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ

مولای من، ای کشته شده، فرزند کشته شده، ای شهید فرزند شهید، سلام بر شما باد و رحمت

اللهِ وَبَرَكاتُهُ... تا آخر زیارت.

خدا و برکات او...

در کتاب مصباح در زیارت عاشورا از راه دور که آن را علقمه از امام باقر 7 روایت کرده است نماز زیارت را بر زیارت مقدم کرده است،

شیخ صدوق 1 در کتاب «من لا یحضره الفقیه» در باب آنچه جایگزین زیارت امام حسین و زیارت غیر آن حضرت از ائمه : می‌شود و به جای آن قرار می گیرد برای کسی که به خاطر دوری مسافت قدرت رفتن ندارد، به سند خود از هشام و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

۱. مصباح المتهجّد: ص۲۸۹.

هرگاه یکی از شما به خاطر دوری مسافت نتواند خود را به قبور ما رساند بر بام خانه خود رود، دو رکعت نماز بجای آورد و اشاره به قبور ما کند و سلام‌گوید، به راستی که آن سلام به ما خواهد رسید.

شیخ شهید محمّد بن مکّی 1 در کتاب «الذکری» می‌گوید: نماز زیارت نزد قبر مطهّر رسول خدا 9 و امیرالمؤمنین 7 یا یکی از ائمّه طاهرین : دو رکعت است بعد از تمام شدن زیارت، و آن را در بالای سر بجای می‌آوری.

سپس گفته است: ابن زهره 1 گفته است: کسی که زیارت کند و او در آن شهر مقیم است نماز را مقدّم می‌کند و بعد از آن زیارت می‌نماید[1]، ولی سبزواری ـ که خداوند مقامش را عالی گرداند ـ گفته است: بعضی از علماء پنداشته‌اند که اگر زائر از راه دور زیارت کند نماز زیارت را باید قبل از زیارت بجای آورد، ولی صحیح و مشهور این است که نماز زیارت دائماً بعد از زیارت خوانده می‌شود، فرقی نمی‌کند زائر از نزدیک زیارت کند یا از دور.[2]

۹

نماز هنگام گرفتن تربت

در «بحار» از «مصباح الزائر» نقل کرده است که گفته است:

در مورد گرفتن تربت و برداشتن آن روایت شده است که هرگاه خواستی آن را اخذ کنی، آخر شب از جا برخیز و غسل کن، پاک‌ترین لباس‌هایت را بپوش، با سُعد خود را خوش بو گردان و

---

۱ رسالة اربعة امام: ص۶۲.

۲. مفاتیح النجاة (مخطوط): ص۵۹.

داخل شو، در بالای سر مطهر بایست و چهار رکعت نماز بخوان، در رکعت اوّل بعد از سورهٔ «حمد» یازده مرتبه سورهٔ «اخلاص» در رکعت دوم بعد از سورهٔ «حمد» یازده مرتبه سورهٔ «قدر» در رکعت سوم بعد از سورهٔ «حمد» یازده مرتبه سورهٔ «اخلاص» و در رکعت چهارم بعد از سورهٔ «حمد» دوازده مرتبه سورهٔ «اذا جاء نصر الله والفتح» را بخواند و بعد از فارغ شدن از آن سجده کن، و در سجده‌ات هزار مرتبه بگو: «**شکراً شکراً**».

آنگاه برخیز و ضریح را بگیر و بگو:

یـا مَـوْلایَ یَابْـنَ رَسُـولِ اللّـهِ، إِنِّـي آخِـذٌ مِـنْ تُرْبَتِـكَ بِإِذْنِـكَ. أَللَّهُمَّ

ای مولای من، ای فرزند رسول خدا، همانا من با اجازه شما از تربت شما می‌گیرم و بر می‌دارم، خداوندا

فَاجْعَلْهـا شِـفاءً مِـنْ كُلِّ داءٍ، وَعِـزّاً مِـنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَمْنـاً مِـنْ كُلِّ خَوْفٍ،

آن را باعث شفای هر دردی و عزّت از هر ذلّتی و ایمنی از هر ترس و بیمی،

وَغِنـىً مِـنْ كُلِّ فَقْـرٍ لِـي وَلِجَمِيـعِ الْمُؤْمِنِيـنَ.

و بی نیازی از هر فقر و تهی دستی برای من و برای همهٔ مؤمنان قرار بده.

و با سه انگشت، سه مرتبه بر می‌داری و آن را در پارچه پاک و تمیزی قرار می‌دهی، و آن را مُهر می‌کنی با مُهری که نقره باشد و نگین آن عقیق و بر آن نقش شده باشد: «**ما شاءَ اللّهُ، لا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللّهَ**»

چون خداوند درستی نیّت تو را بداند بالا می‌برد با تو در سه قبضه‌ای که برداشته‌ای هفت مثقال بدون هیچ کم و کاستی و افزایشی، آنگاه تو برای هر دردی از آن بردار و وقت نیاز به مقدار یک نخود از آن بگیر، ان شاء الله شفا پیدا می‌کنی.[1]

۱. الإستشفاء بالتربة الشريفة الحسينيّة: ص۷۵، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۳۷ ح۸۰، مصباح الزائر: ص۱۳۶.

۱۰

نماز در کنار سر مبارک امام حسین علیه‌السلام

سید بن طاووس رحمه‌الله گفته است:

نماز دیگری که نزدیک سر مطهّر امام 7 خوانده می‌شود، و آن دو رکعت است، به سورهٔ «الرحمن» و سورهٔ «تبارک» کسی که این دو رکعت را بخواند خداوند برای او بیست و پنج حج قبول شده به همراه رسول خدا 9 بنویسند.[۱]

۱۱

نماز در محلّ سر مبارک امام حسین علیه‌السلام در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام

۱ـ زید بن طلحه[۲] گفته است:

امام صادق 7 زمانی که در حیره (حائر حسینی) بودند به من فرمودند: نمی‌خواهی آنچه را که به تو وعده داده‌ام (منظور حضرت رفتن به زیارت قبر امیرالمؤمنین 7 بود)؟ عرض کردم: چرا آماده‌ام.

آنگاه امام 7 سوار مرکب شدند، اسماعیل فرزند امام همراه آن حضرت سوار شد و من نیز به همراه آنان سوار شدم و به راه افتادیم تا از وادی ثویه (محلّی است نزدیک کوفه) گذشته و بین حیره و نجف جنب ریگ‌های سفید امام 7 از مرکب پیاده شدند اسماعیل نیز از مرکب فرود آمد و من هم پایین آمدم، امام 7 نماز خواند، من و اسماعیل نیز نماز خواندیم، آنگاه امام 7 به اسماعیل فرمودند:

---

۱ مصباح الزائر: ۵۳۱، هدیة الزائرین: ۱۲۳، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۲۸۷ ذح۲.

۲ در کافی و کامل الزیارات: «یزید بن عمر بن طلحه» و در بحار «یزید بن عمرو بن طلحه» است.

قم و سلّم علی جدّك الحسین 7 .

برخیز و بر جدّت امام حسین 7 سلام کن.

من عرض کردم: فدای شما شوم، مگر امام حسین 7 در کربلا نیستند؟ امام 7 فرمودند:

آری در کربلا است ولی هنگامی که سر مبارک آن حضرت را به طرف شام می‌بردند یکی از موالیان ما آن را ربود و در کنار قبر امیرالمؤمنین 7 دفن نمود.[1]

۲ ـ ابو فرج سندی گفته است:

من در خدمت امام صادق 7 بودم، وقتی که به حیره تشریف آوردند، شبی فرمودند: قاطر مرا زین کنید. سپس امام 7 سوار شدند و من به همراه ایشان بودم تا رسیدیم به پشت کوفه، امام 7 پیاده شدند و دو رکعت نماز خواندند سپس مقداری دورتر دو رکعت نماز خواندند و بعد از آن نیز مقداری دورتر شدند و دو رکعت نماز خواندند، من عرض کردم: فدای شما شوم، دیدم در سه موضع نماز گزاردید، امام 7 فرمود:

موضع اوّل محل قبر مبارک امیرالمؤمنین 7 بود، موضع دوم محلّ دفن سر مبارک امام حسین 7 بود، و موضع سوم محلّ منبر امام قائم 7 بود.

مصنّف گوید: این حدیث در اخبار ما با عبارت دیگری روایت شده است.[2]

۳ ـ ابان بن تغلب گفته است:

همراه امام صادق 7 بودم، حضرت از پشت کوفه عبور کردند و در آنجا

۱ فرحة الغری: ص۶۴، کامل الزیارات: ص۳۴ ح۴، کافی: ج۴ ص۵۷۲ ح۱، وافی: ج۱۴ ص۱۴۱۳ ح۴، وسائل الشیعة: ج۱۴ ص۴۰۰ ح۳، بحارالانوار: ج۴۵ ص۱۷۸ ح۲۸.

۲ فرحة الغری: ص۵۶، حلیة الابرار: ج۶ ص۳۴۲ ح۶، بحارالانوار: ج۱۰۰ ص۲۴۶ ح۳۴.

از مرکب پایین آمدند و دو رکعت نماز خواندند، سپس مقداری جلو رفته و در آن جا دو رکعت نماز بجای آوردند، بعد از آن کمی حرکت کردند و دو رکعت دیگر بجای آوردند، آنگاه فرمودند:

اینجا محلّ قبر مبارک امیرالمؤمنین 7 است.

من عرض کردم: آن دو موضع دیگر که در آنجا نماز گزاردید چه مکانی است؟ فرمودند:

یکی محلّ دفن سر مبارک امام حسین 7 و دیگری محلّ منبر امام قائم عجّل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.[1]

۴ ـ مبارک خبّاز گفته است:

امام صادق 7 به من فرمودند: «قاطر و حمار را زین کن» و آن وقتی بود که به حیره تشریف آورده بودند. امام 7 سوار شدند و من به همراه ایشان سوار شدم تا اینکه وارد زمینی شدند که سیلاب آنجا را از پایه خورده و برده بود. امام 7 از مرکب پیاده شدند و دو رکعت نماز خواندند، سپس مقداری جلو رفته و فرود آمدند، و دو رکعت نماز گزاردند، پس از آن مقداری دیگر جلو رفته و دو رکعت دیگر بجای آوردند، آنگاه سوار بر مرکب شده و بازگشتند.

به امام 7 عرض کردم: فدای شما شوم سه تا دو رکعت در سه محل بجای آوردید این‌ها چه بود؟ فرمود:

دو رکعت اول در محلّ قبر مبارک امیرالمؤمنین 7 بود، دو رکعت دومّ محل سر مبارک امام حسین 7 و دو رکعت سوم محل منبر امام قائم 7 بود.[2]

۱ فرحة الغری: ص۵۷، کامل الزیارات: ص۳۴ ح۵، کافی: ج۴ ص۵۷۲ ح۲، وافی: ج۱۴ ص۱۴۱۳ ح۵، وسائل الشیعة: ج۱۴ ص۴۰۰ ح۴.

۲ فرحة الغری: ص۵۸، الغارات: ج۲ ص۸۵۱، بحارالانوار: ج۱۰۰ ص۲۴۷ ح۳۵.

نماز و دعا در محلّ سر مبارک امام حسین علیه‌السلام در حنّانه

هنگامی که به حنّانه رسیدی در آنجا دو رکعت نماز بخوان،

محمّد بن ابی عمیر از مفضّل نقل کرده است که گفت: امام صادق 7 در طریق نجف عبور کرد به ستون خمیده، پس در آنجا دو رکعت نماز بجای آورد، به آن حضرت عرض کردند: این چه نمازی بود؟ فرمود:

اینجا محلّ سر مبارک جدّم حسین 7 است، آن را در اینجا نهاده‌اند هنگامی که از کربلا به طرف شام می‌بردند.

پس در اینجا بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرىٰ مَكانِي، وَتَسْمَعُ كَلامِي، وَلايَخْفىٰ عَلَيْكَ شَيْءٌ

خداوندا تو مکان مرا می‌بینی، و کلام مرا می‌شنوی، و هیچ چیز از امر من بر تو پوشیده و پنهان نیست،

مِنْ أَمْرِي، وَكَيْفَ يَخْفىٰ عَلَيْكَ ما أَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبارِئُهُ، وَقَدْ جِئْتُكَ

چگونه پوشیده و پنهان باشد بر تو که ایجاد کنندهٔ آن و آفرینندهٔ آن هستی، به درگاه تو آمده‌ام در حالی

مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُتَوَسِّلا بِوَصِيِّ رَسُولِكَ، فَأَسْئَلُكَ

که پیامبرت آن پیامبر رحمت را شفیع خود قرار داده و به وصی رسول تو متوسّلم، از تو می‌خواهم

بِهِما ثَباتَ الْقَدَمِ وَالْهُدىٰ وَالْمَغْفِرَةِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.[1]

به حقّ آن دو بزرگوار که ثبات قدم و هدایت و مغفرت را در دنیا و آخرت نصیب من گردانی.

۱. المزار (شهید الاول): ص۳۳، بحارالانوار: ج۱۰۰ ص۲۸۲.

نماز هدیه به حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام

سید بن طاووس در جمال الاسبوع گفته است: اگر او را ممکن باشد که بر پنجاه رکعت شبانه روزش، و لو دو رکعت بیفزاید و آن را به یکی از اهل بیت هدیه کند، بسی سعادت.

نماز را افتتاح کند با هفت تکبیر یا سه تکبیر و یا یک تکبیر مانند افتتاح نماز واجب، بعد از تسبیح رکوع و سجده در هر رکعت سه مرتبه بگوید: «صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ» [«درود خدا بر محمّد و خاندان پاک او»] و وقتی تشهد گفت و سلام داد بگوید:

أَللّٰهُمَّ اِنَّ هاٰتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنَ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ،

خداوندا، این دو رکعت نماز را هدیه‌ای از من به بنده‌ات و پسر بنده‌ات

وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سِبْطِ نَبِيِّكَ، اَلطَّيِّبِ الطّاهِرِ الزَّكِيِّ الرَّضِيِّ،

و ولیّت و پسرولیّت سبط پیامبرت، پاک و پاکیزه و نیکو و پسندیده،

اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُجْتَبى، أَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهاٰ مِنِّي وَأَبْلِغْهُ إِيّاهُما وَأَثِبْنِي

یعنی حسین بن علی آن امام برگزیده شده، خداوندا آن را از من بپذیر و به آن حضرت برسان، و

عَلَيْهِما أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجائِي فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ،

مرا بر آن ثواب و پاداش بده برتر از آرزو و امیدی که به تو و پیامبرت و ولیّت و پسر ولیّت دارم،

يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.[1]

ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان.

۱. جمال الاسبوع: ص۱۸، بحارالانوار: ج۹۱ ص۲۱۵ ح۱.

۱۴

نماز روز دوشنبه

و آن چهار رکعت است، در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و یک مرتبه «آیة الکرسی» و صد مرتبه سورهٔ «کوثر»، سپس سلام می‌دهی و خود را به سجده می‌افکنی و در سجده‌ات می گویی:

یا حَسَنَ التَّقْدِیرِ، یا لَطِیفَ التَّدْبِیرِ، یا مَنْ لا یَحْتاجُ إِلیٰ

ای نیکو مقدّر کننده، ای چاره اندیش دقیق، ای آنکه نیازی به شرح و تفسیر ندارد، ای بسیار مهربان و پر

تَفْسِیرٍ، یا حَنّانُ یا مَنّانُ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ

عاطفه، ای بسیار بخشنده و احسان کننده، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و نسبت به من انجام بده آن گونه

بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الرَّحْمَةِ، وَوَلِيُّ

که تو شایستهٔ آن هستی، همانا تو سزاواری که از تو بترسند، و تو سزاواری که رحم کنی و رحمت فرستی، و

الرِّضْوانِ وَ الْمَغْفِرَة.[1]

رضوان و مغفرت به دست تو است.

۱۵

نماز در نخستین روز از ماه محرّم

حضرت علی بن موسی الرضا 8 از پدران بزرگوار خود روایت کرده‌اند که فرمودند:

رسول خدا 9 در روز اول محرّم دو رکعت نماز می‌خواندند و چون فارغ می‌شدند دست‌ها را به دعا بالا می‌بردند و سه مرتبه این دعا را می‌خواندند:

۱. بحار الانوار: ج۹۰ ص۲۹۴.

أَللَّهُمَّ أَنْتَ الْإِلٰهُ الْقَدِيمُ، وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ، فَأَسْئَلُكَ فِيهَا

خداوندا تو معبود ازلی هستی و امروز اولین روز از سال جدید است از تو می‌خواهم در این

الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطٰانِ، وَالْقُوَّةَ عَلىٰ هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمّارَةِ بِالسُّوءِ،

سال جدید، محفوظ بودن از شیطان و توانایی بر این نفسی که امر به بدی می‌کند و پرداختن به آنچه

وَالْإِشْتِغٰالَ بِمٰا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، يٰا كَرِيمُ يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ، يٰا عِمٰادَ

باعث تقرّب من به درگاه تو است، ای کریم ای صاحب بزرگی و بزرگواری، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی

مَنْ لاٰ عِمٰادَ لَهُ، يٰا ذَخِيرَةَ مَنْ لاٰ ذَخِيرَةَ لَهُ، يٰا حِرْزَ مَنْ لاٰ حِرْزَ لَهُ، يٰا

ندارد، ای اندوخته کسی که اندوخته‌ای ندارد، ای دژ محکم برای کسی که دژ محکمی ندارد، ای فریادرس

غِيٰاثَ مَنْ لاٰ غِيٰاثَ لَهُ، يٰا سَنَدَ مَنْ لاٰ سَنَدَ لَهُ، يٰا كَنْزَ مَنْ لاٰ كَنْزَ لَهُ،

کسی که فریاد رسی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانه‌ای ندارد، ای گنج کسی که گنج ندارد، ای آنکه

يٰا حَسَنَ الْبَلاٰءِ، يٰا عَظِيمَ الرَّجٰاءِ.

بلای او نیکو است، ای آنکه بزرگ است امید به او.

يٰا عِزَّ الضُّعَفٰاءِ، يٰا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ، يٰا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ، يٰا مُنْعِمُ

ای عزت ضعیفان و ناتوانان، ای نجات دهنده غرق شدگان، ای رهایی بخش هلاک شوندگان، ای نعمت دهنده،

يٰا مُجْمِلُ، يٰا مُفْضِلُ يٰا مُحْسِنُ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوٰادُ اللَّيْلِ،

ای نیکویی کننده، ای زیاد بخشنده، ای احسان کننده، تو آن هستی که سیاهی شب و روشنایی روز و نور ماه

وَنُورُ النَّهٰارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ، وَشُعٰاعُ الشَّمْسِ، وَدَوِيُّ الْمٰاءِ، وَحَفِيفُ

و شعاع خورشید و صدای آب و آواز درخت به هنگام وزش باد برای تو خاضع اند، ای خداوند هیچ شریکی

الشَّجَرِ، يٰا اَللّٰهُ لاٰ شَرِيكَ لَكَ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنٰا خَيْراً مِمّٰا يَظُنُّونَ،

برای تو نیست. خداوندا ما را بهتر از آنچه گمان می‌کنند قرار بده، و آنچه را که نمی‌دانند بر ما ببخش و

وَاغْفِرْ لَنٰا مٰا لاٰ يَعْلَمُونَ، وَلاٰ تُؤٰاخِذْنٰا بِمٰا يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اللّٰهُ

بیامرز، و به آنچه دربارهٔ ما می‌گویند ما را مؤاخذه نکن خدا برای من کافی است، هیچ معبودی قابل پرستش

لاٰ إِلٰـهَ إِلّا هُـوَ، عَلَيْـهِ تَوَكَّلْـتُ وَهُـوَ رَبُّ الْعَـرْشِ الْعَظِيـمِ، آمَنّـا بِـهِ، كُلٌّ

جز او نیست، بر او توکّل می‌کنم و او پروردگار و صاحب عرش عظیم است. به او ایمان آوردیم، همه از ناحیه

مِـنْ عِنْـدِ رَبِّنـا، وَمـا يَذَّكَّـرُ إِلّا أُولُـوا الْأَلْبـابِ، (رَبَّنا لاٰتُـزِغْ قُلُوبَنـا بَعْدَ

پروردگار ما است، و جز صاحبان عقل و خرد متذکّر و متوجّه نمی‌شوند. «خدایا دل‌های ما را بعد از آنکه

إِذْ هَدَيْتَنـا وَهَـبْ لَنـا مِـنْ لَدُنْـكَ رَحْمَةً إِنَّـكَ أَنْـتَ الْوَهّـابُ)[1]. [2]

هدایت کردی منحرف نکن، و از جانب خودت رحمتی بر ما ببخشای که تو بسیار بخشنده‌ای»

بدون تردید شهادت امام حسین 7 و حوادث ناگوار و فجایعی که رخ خواهد داد و مصائبی که بدان مبتلا خواهد شد بر رسول خدا بسیار گران و طاقت فرسا بود. هرگاه جبرئیل به آن حضرت خبر می‌داد از مصائبی که فرزندش در کربلا بدان مبتلا می‌شود دچار حزن و غم و اندوه می‌گردید، و چون ما وظیفه داریم تأسّی کنیم به آنچه از رسول خدا 9 صادر گشته پس بر ما واجب است که به آن حضرت اقتدا کنیم و در دهه محرم اقامه عزا و اظهار حزن و اندوه نماییم، و بعضی از علمای عالی مقام تصریح کرده‌اند که از مستحبّات مؤکّده ترک نمودن بسیاری از لذّات و شهوات در این ماه عظیم است.

از حضرت علی بن موسی الرضا 8 روایت شده است که فرمودند:

همانا محرّم ماهی است که اهل جاهلیت قتل و خونریزی در آن را حرام می‌دانستند ولی ریختن خون ما را حلال شمردند و حرمت ما را رعایت ننمودند، اطفال و زنان ما را در آن اسیر نمودند، آتش به خیمه‌های ما زدند، آنچه در آن از اثاث و وسائل بود غارت کردند و هیچ حرمتی را برای رسول خدا 9 در

۱. سورهٔ آل عمران، آیه۸.

۲. اقبال الاعمال: ص۲۷، بحارالانوار: ج۹۸ ص۳۳۴ ح۲، زاد المعاد: ص۳۶۹، مستدرک الوسائل: ج۶ ص۳۷۹، هدیة الزائرین: ص۵۸۱، الصحیفة الصادقیّة: ص۶۰۰.

امر ما رعایت ننمودند.

همانا روز (شهادت) امام حسین 7 پلک چشمان ما را مجروح ساخته و اشک از دیدگان ما جاری نموده و عزیز ما را ذلیل ساخته در سرزمین اندوه و بلا و ما را وارث اندوه و بلا نموده تا انقضای این عالم،

پس بر مثل حسین 7 باید گریه‌کنندگان بگریند و بدانند که گریستن بر آن حضرت گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.

سپس فرمود: پدرم این گونه بود که هرگاه ماه محرم فرا می‌رسید دیگر کسی آن حضرت را خندان نمی‌دید و چهره مبارکش را غم می‌گرفت تا ده روز بر او می‌گذشت و وقتی روز دهم محرم می‌رسید آن روز دیگر روز مصیبت و حزن و گریه آن حضرت بود و می‌فرمود: امروز است آن روزی که در آن حسین بن علی 8 را به شهادت رساندند.[1]

۱۶
نماز در شب عاشورا

ابن عبّاس گفته است: رسول خدا 9 فرمودند:

کسی که در شب عاشورا اواخر شب چهار رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سورهٔ «حمد» و «آیهٔ الکرسی» و سورهٔ «قل هو الله أحد» و «قل أعوذ برب الفلق» و «قل أعوذ برب الناس» را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام نماز صد مرتبه سورهٔ «قل هو الله أحد» را

---

۱. هدیة الزائرین: ص۵۸۱، زادالمعاد: ص۳۷.

بخواند خداوند تبارک و تعالی برای او در بهشت صد هزار هزار شهر از نور بنا کند.[1]

۱۷

کسی که در شب عاشورا صد رکعت نماز بخواند

پیامبراکرم 9 فرمودند:

کسی که در شب عاشورا صد رکعت نماز بخواند در هر رکعت سورهٔ حمد یک مرتبه و «قل هو الله أحد» سه مرتبه و بین هر دو رکعت سلام دهد و بعد از تمام شدن تمام نماز هفتاد مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لا حَوْلَ

پاک و منزه است خداوند، حمد و سپاس سزاوار خداوند است، هیچ معبود شایسته‌ای جز خداوند نیست، و خدا بزرگتر

وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

از توصیف است و هیچ جنبش و نبرویی جز به وسیلهٔ خداوند بلند مرتبهٔ بزرگ نیست و از خدا طلب آمرزش می‌نمایم.

و آنگاه ثواب این نماز را ذکر کرده که شرح آن طولانی است.[2]

۱۸

کسی که چهار رکعت نماز در شب عاشورا بخواند

رسول خدا 9 فرموده اند:

چهار رکعت نماز در شب عاشورا بخوان در هر رکعت سورهٔ حمد یک مرتبه و سورهٔ «قل هو الله أحد» پنجاه مرتبه و بعد از

۱. الاقبال: ص۲۹.
۲. اقبال الاعمال: ص۳۰.

آنکه سلام رکعت چهارم را گفتی ذکر خدا زیاد بگو و صلوات بر رسول خدا 9 و لعن و نفرین بر دشمنان ایشان به مقداری که می‌توانی بفرست.[1]



نماز روز عاشورا در حرم مطهر آن حضرت 7 و از راه دور

شیخ مفید 1 فرموده است:

نماز روز عاشورا دو رکعت است و کسی که در حرم مطهر آن حضرت حضور ندارد هر کجا هست دو رکعت را می‌خواند و سپس اشاره می‌کند به سوی آن روضه منوره و سلام می‌گوید.[2]



نماز روز عاشورا از راه دور



چهار رکعت مفصول، یعنی دو تا دو رکعت، با رکوع و سجود نیکو بجا می‌آوری در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ «قل یا أیّها الکافرون»، در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ «قل هو الله أحد» در رکعت سوم بعد از حمد سورهٔ «احزاب» و در رکعت چهارم بعد از حمد سورهٔ «منافقون» یا هر سوره‌ای که برایت ممکن و میسر است می‌خوانی، سپس سلام نماز را می‌دهی و صورت خود را به طرف قبلهٔ دل‌ها، قبر مطهر امام حسین 7 ، می‌گردانی و زیارت می‌نمایی.[3]

---

۱. اقبال الاعمال: ص۳۰.

۲. الاشراف: ص۳۰.

۳. بلد الأمین: ص۲۳۶.

نماز دیگری در روز عاشورا از راه دور

شیخ طوسی در مصباح المتهجد به سند خوداز صالح بن عقبه و او از پدرش، و پدرش از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که در روز دهم محرم یعنی روز عاشورا، امام حسین 7 را زیارت کند و گریه کنان نزد آن حضرت تا شب بماند، روزی که خدا را ملاقات می‌کند، با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد ملاقات می‌کند و ثواب هر حج و عمره و جهاد او مانند ثواب کسی باشد که حج و عمره و جهاد را به همراه رسول خدا 9 و به همراه ائمّه طاهرین : بجا آورده باشد.

عقبه گوید: به امام 7 عرض کردم: کسی که در شهرهای دور به سر می‌برد و برایش امکان ندارد در آن روز به حرم امام 7 شرفیاب شود، چه کند؟ امام باقر 7 فرمود:

وقتی چنین بود به صحرا رود یا به مکان مرتفعی در خانه‌اش رود و با سلام به امام حسین 7 و حرم آن حضرت اشاره کند و بر لعن و نفرین بر قاتلانش سعی نماید و سپس دو رکعت نماز بخواند و باید این عمل را در وسط روز و قبل از ظهر انجام دهد، آنگاه برای امام حسین 7 گریه و ناله نماید و به کسانی که در خانه او هستند و از آنها تقیه ندارد دستور دهد که بر آن حضرت گریه کنند و با اظهار جزع و بی تابی بر آن حضرت در خانه‌اش اقامه عزا نماید و بعضی از اهل خانه به بعضی دیگر تسلیت گوید،

و من ضامن هستم برای آنان اگر به آنچه گفته شد عمل کنند خداوند تمام ثواب‌هایی که ذکر شد به آنان مرحمت نماید.

عرض کردم: فدای شما شوم، شما برای ایشان ضامن این ثواب‌ها و عهده دار آن می‌شوید؟ امام 7 فرمودند:

آری، من ضمانت می‌کنم و به عهده می‌گیرم در صورتی که بدان عمل کنند.

عرض کردم: چگونه بعضی از آنان به بعضی دیگر تسلیت گویند؟ امام 7 فرمود: بگویند:

أَعْظَمَ اللَّهُ[1] أُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلَنا وَإِيّاكُمْ مِنَ الطّالِبِينَ

خداوند اجر و پاداش ما را در عزای امام حسین زیاد گرداند و ما و شما را از طلب

بِثارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[2]

کنندگان خون آن حضرت به همراه ولیّش مهدی آل محمّد : قرار دهد

۲۲
نماز در شب سوم شعبان

محدّث قمّی گفته است:

شب سوم شعبان شب ولادت باسعادت حضرت اباعبد الله 7 است، در آن شب دو رکعت نماز وارد شده است، در هر رکعت سورهٔ حمد یک مرتبه و سورهٔ توحید بیست و پنج مرتبه خوانده شود.[3]

۱. «عَظَّمَ اللّهُ»، «أحسَنَ اللّهُ»، خ

۲. مصباح المتهجّد: ص۷۷۲، مصباح کفعمی: ص۶۴۱، مصباح الزائر: ص۲۶۷، کامل الزیارات: ص۳۲۵ ح۹، مستدرک الوسائل: ج۱۰ ص۳۱۵، زادالمعاد: ص۳۷۴، هدیة الزائرین: ص۱۷۱.

۳. وقایع الأیام: ص۳۳۷.

۲۳

نماز در شب نیمه شعبان در کربلا

سیّد جلیل القدر در کتاب اقبال گفته است: از آنچه عمل می‌شود در شب نیمه شعبان در سرزمین کربلا عملی است که آن را از ابن قولویه روایت کرده‌ایم. او در کتاب کامل الزیارات به سند خودش از سالم بن عبد الرحمان و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

> کسی که در شب نیمه شعبان در کربلا بیتوته کند و در آن شب هزار مرتبه سورهٔ «قل هو الله أحد» و هزار مرتبه استغفار، و هزار مرتبه «الحمدلله» بگوید و سپس چهار رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت هزار مرتبه «آیة الکرسی» بخواند، خداوند دو فرشته را بر او موکّل نماید تا او را از هر بدی و از شرّ هر شیطان و هر سلطانی حفظ کنند، حسناتش را برای او بنویسند و گناهانش را ننویسند و تا مادامی که با او باشند برایش استغفار کنند.[1]

۲۴

نماز دیگری در شب نیمه شعبان در حرم امام حسین علیه‌السلام

شب نیمه شعبان شب مبارکی است و در آن عمرها تقسیم می‌شود و بعد از شب قدر بهترین شب است و دعا در آن شب ردّ نمی‌شود مگر دعا در امر حرامی باشد، ویکی از چهار شبی است که در طول سال ممتاز است.

از اعمال آن شب غسل است و زیارت امام حسین 7 و چهار رکعت نماز

---

۱. اقبال الاعمال: ص۲۲۴، کامل الزیارات: ۳۳۶ ح۸، عنه البحار: ج۱۰۱ ص۳۴۲ ح۳.

بجاآورد، در هر رکعت سورهٔ حمد یک مرتبه و سورهٔ توحید صد مرتبه و بعد از نماز دست‌ها را به سوی آسمان بالا ببرد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقيرٌ، وَمِنْ عَذابِكَ خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اَللّٰهُمَّ لاٰتُبَدِّلْ

خدایا من به درگاه تو فقیرم و از عذاب تو بیمناکم و به تو پناه می‌برم، خدایا اسم مرا دگرگون منما و جسم

إِسْمِي، وَلاٰتُغَيِّرْ جِسْمي، وَلاٰتَجْهَدْ بَلاٰئِي، وَلاٰتُشْمِتْ بي أَعْدائي،

مرا تغییر مده و مرا چنان مبتلا نکن که مرگ را بر زندگی ترجیح دهم، و مرا مورد شماتت دشمنانم قرار مده.

أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضاكَ

به عفو تو پناه می‌برم از کیفرت، و به رحمت تو پناه می‌برم از عذابت و به خشنودی تو پناه می‌برم از خشمت،

مِن سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَناؤُكَ، أَنْتَ كَما أَثْنَيْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ،

و به تو پناه می‌برم از تو، مدح و ثنای تو والا و بلند مرتبه است، تو آن گونه‌ای که خود ثنای خود نموده‌ای

وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائِلُونَ. (۱)

و برتر از آنچه گویندگان می‌گویند.

۲۵

نماز در شب نیمه ماه رمضان در حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام

مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار گفته است:

در مورد زیارت امام حسین 7 در شب نیمه ماه رمضان در اوّل این کتاب روایتی را ذکر کردیم و با سند خود روایت دیگری را روایت نمودیم و نماز ده رکعت را از ابو مفضل شیبانی به سند خود از کتاب علی بن عبد الواحد نهدی در ضمن حدیثی نقل کردیم، در آن حدیث راوی می‌گوید:

به امام صادق 7 گفته شد: نظر شریف شما دربارهٔ کسی که در کنار قبر امام

۱. ترجمة باب السعادة في أهمّ ما يعمل في اليوم والأسبوع والسنّة: ۲۱۳.

حسین 7 حضور پیدا کند در شب نیمه ماه رمضان چیست؟ امام 7 فرمودند: بَه بَه چه قدر نیکو است، کسی که در کنار قبر آن حضرت در شب نیمه ماه رمضان ده رکعت نماز بعد از عشا بخواند، در هر رکعت سورهٔ حمد و سورهٔ «قل هو الله أحد» را ده مرتبه تکرار نماید و از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد، خداوند او را آزاد شده از آتش ثبت نماید. و نمیرد تا آنکه در خواب فرشته‌ای را ببیند که او را بشارت بهشت دهد و فرشته‌ای که او را ایمنی از آتش دهد.[1]

مؤلّف گوید: در باب‌های بعدی نمازهای دیگری ان شاء اللّه ذکر خواهیم نمود.

۱. بحار الانوار: ج۹۸ ص۴۰.

۲

بخش دوم

دعاهایی در ضمن نمازها

وبعد از آن



صحیفهٔ حُسینیّه بخش دوم

بخش دوّم



دعاهای در نماز و بعد از آن



۲۶

قنوت‌های ائمه طاهرین علیهم‌السلام، از امور مورد تأکید و لازم شمرده شده نزد پروردگار

به روایت جناب حسین بن روح 1 از امام حسن عسکری علیه‌السلام

سید بن طاووس 1 در مهج الدعوات گفته است:... این قنوت‌ها اسنادشان در کتاب «عمل ماه رجب و شعبان و رمضان» تألیف احمد بن عبد الله بن عیّاش 1 می‌باشد، پس گفت:...

هنگامی که سرور ما شیخ ابوجعفر محمّد بن عثمان بن سعید 1 از دنیا رفت و از مأموریتی که داشت فارغ گردید، شیخ ابوالقاسم حسین بن روح در بقیه روز همان روز در خانه آن مرحوم نشست، ذکاء خادم یک طومار پیچیده شده و یک عصا و یک ظرف کوچک چوبی که به آن روغن زده بودند نزد شیخ گذاشت،

پس او عصا را گرفت و آن را در دامن خود و بر روی ران خود قرار داد، و طومار پیچیده را به دست راست و آن ظرف کوچک چوبی را به دست چپ گرفت،

سپس به ورثهٔ آن مرحوم گفت: در این طومار ذکر ودیعه‌ها است. پس آن را گشود و دیدند که در آن دعاها و قنوت موالیان ما ائمّه طاهرین : است.

ورثه سپس به آن ظرف کوچک چوبی اشاره کردند و گفتند: پس در این ظرف حتماً جواهر است. شیخ به آن‌ها گفت: آن را می‌فروشید؟ گفتند: چه قدر می‌خری؟ شیخ به ابوالحسن (یعنی ابن شیث) گفت: ده دینار به آن‌ها بده، آنها قبول نکردند شیخ به مبلغ افزود و آن‌ها باز هم قبول نکردند تا به صد دینار رسید، آنگاه به آن‌ها گفت: اگر فروختید، فروختید و گرنه پشیمان می‌شوید، ورثه قبول کردند و صد دینار را گرفتند، شیخ شرط کرد که عصا و آن طومار را هم بدهند.

وقتی خرید و فروش انجام گرفت، شیخ گفت: این **عصای** مولای ما حسن بن علی بن محمّد : است، در روزی که عثمان بن سعید را وکیل خود قرار داد در دست آن حضرت بوده است... و این **ظرف کوچک**، انگشترهای ائمّه : در آن است، پس آن را خالی کرد و همان طور که گفته بود در آن بود، و آنچه در **طومار** پیچیده شده قنوت موالیان ما ائمه طاهرین : است، و در آن، قنوت مولای ما حضرت ابا محمّد حسن بن امیرالمؤمنین 8 است، او برای ما از حفظ خواند و ما آن را نوشتیم مطابق آنچه در آن طومار بود و گفت:

آن را حفظ کنید همان طور که مهمات دین و اموری که از طرف پروردگار لازم شمرده شده و تاکیده شده را حفظ می‌کنید و در آن پیامی است رسا برای همهٔ عصرها.

(۱) قنوت امام حسین علیه‌السلام

[و طبق این روایت، قنوت امام حسین 7 این گونه است:]

أَللَّهُمَّ مِنْكَ الْبَدْءُ وَلَكَ الْمَشِيَّةُ، وَلَكَ الْحَوْلُ وَلَكَ الْقُوَّةُ،

خداوندا ابتدا و شروع از تو و مشیّت یعنی خواست و تقدیر از آن تو است، تو سرچشمه هر جنبش و دگرگونی

وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، جَعَلْتَ قُلُوبَ أَوْلِيٰاءِكَ مَسْكَناً لِمَشِيَّتِكَ،

و نیرو و توان هستی، و تو خداوندی هستی که معبود شایسته‌ای جز تو نیست، دل‌های اولیائت را محلّ مشیت

وَمَكْمَناً لِإِرادَتِكَ، وَجَعَلْتَ عُقُولَهُمْ مَناصِبَ أَوامِرِكَ وَنَواهِيكَ.

خود و کمینگاه اراده‌ات قرار دادی، و عقول آنان را محلّ نصب اوامر و نواهی خویش گردانیدی،

فَأَنْتَ إِذا شِئْتَ ما تَشاءُ حَرَّكْتَ مِنْ أَسْرارِهِمْ كَوامِنَ ما أَبْطَنْتَ فِيهِمْ،

تو هنگامی که بخواهی آنچه را که می‌خواهی به حرکت در می‌آوری از ضمیر نهان آنان آنچه را در آنان پنهان نموده‌ای

وَأَبْدَأْتَ مِنْ إِرادَتِكَ عَلىٰ أَلْسِنَتِهِمْ ما أَفْهَمْتَهُمْ بِهِ عَنْكَ فِي عُقُودِهِمْ

و ظاهر می‌گردانی از اراده ات بر زبان‌های ایشان آنچه را که فهمانیده‌ای به ایشان از جانب خود در معتقدات ایشان، با

بِعُقُولٍ تَدْعُوكَ وَتَدْعُو إِلَيْكَ بِحَقائِقِ ما مَنَحْتَهُمْ بِهِ، وَانّي لَاَعْلَمُ مِمّا

عقل‌هایی که می‌خوانند تو را و می‌خوانند مردم را به سوی تو با حقایقی که به آن‌ها مرحمت فرموده‌ای، و من می‌دانم از

عَلَّمْتَني مِمّا أَنْتَ الْمَشْكُورُ عَلىٰ ما مِنْهُ أَرَيْتَني، وَإِلَيْهِ آوَيْتَني.

آنچه به من آموخته‌ای از آنچه تو سزاوار شکری، بر آنچه به من نشان داده‌ای و به سوی آن پناه داده‌ای.

أَللّٰهُمَّ وَإِنّي مَعَ ذٰلِكَ كُلِّهِ عائِذاً بِكَ، لائِذٌ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، راضٍ

خداوندا من با تمام این مطالب به تو پناه آورده‌ام و به حول و قوّهٔ تو ملتجی گشته‌ام، خشنودم به حکم تو که

بِحُكْمِكَ الَّذي سُقْتَهُ إِلَيَّ في عِلْمِكَ، جارٍ بِحَيْثُ أَجْرَيْتَني، قاصِدٌ

آن را در علم خود به سوی من سوق داده‌ای، روانه‌ام به گونه‌ای که مرا روانه ساخته‌ای، قاصدم آنچه را که مرا

ما أَمَّمْتَني، غَيْرَ ضَنِينٍ بِنَفْسِي في ما يُرضِيكَ عَنِّي، إِذْ بِهِ قَدْ رَضَّيْتَنِي،

بدان مصمم ساخته‌ای، تنگ نظر به خودم نیستم در آنچه راضی می‌کند تو را از من، زیرا به آن مرا راضی گردانیده‌ای،

وَ لا قاصِرٍ بِجُهْدي عَمّا إِلَيْهِ نَدَبْتَني، مُسارِعٌ لِما عَرَّفْتَني،

و کوتاهی نمی‌کنم در تلاش خود از آنچه مرا بدان خوانده‌ای، شتاب کننده‌ام برای آنچه به من شناسانده‌ای، راه

شارِعٌ فِيما أَشْرَعْتَني، مُسْتَبْصِرٌ فِي ما بَصَّرْتَني، مُراعٍ ما أَرْعَيْتَني،

رونده‌ام به راهی که مرا راه نمایی، بینایم در آنچه مرا بینا ساختی، رعایت کننده‌ام آنچه را که به رعایت آن امر

فَلاتُخْلِني مِنْ رِعايَتِكَ، وَلاتُخْرِجني مِنْ عِنايَتِكَ، وَلاتُقْعِدْني عَنْ

نموده‌ای، پس مرا خالی نساز از رعایت خودت و زیر نظر داشته باش و از عنایت خویش خارج مگردان، و مرا

حَوْلِكَ، ولاٰتُخْرِجْنِي عَنْ مَقْصَدٍ أَنَالُ بِهِ إِرٰادَتَكَ.

زمین گیر از حول و قوه خود منما و از مقصدی که بدان به خواسته تو برسم خارج نفرما،

وَاجْعَلْ عَلَى الْبَصِيرَةِ مَدْرَجَتِي، وَعَلَى الْهِدٰايَةِ مَحَجَّتِي، وَعَلَى

و قرار ده بر اساس بصیرت و آگاهی روش مرا، و بر طریق هدایت راه مرا، و بر رشد و کمال

الرَّشٰادِ مَسْلَكِي، حَتّٰى تُنِيلَنِي وَتُنِيلَ بِي أُمْنِيَّتِي، وَتُحِلَّ بِي عَلىٰ مٰا

مسلک مرا، تا برسانی مرا و به من برسانی آرزوی مرا، و مرا وارد کنی بر آنچه از من

بِهِ أَرَدْتَنِي، وَلَهُ خَلَقْتَنِي، وَإِلَيْهِ آوَيْتَ بِي.

خواسته‌ای و از برای آن مرا آفریده‌ای و به سوی آن مرا مأوا داده‌ای.

وَأَعِذْ أَوْلِيٰائَكَ مِنَ الْاِفْتِنٰانِ بِي، وَفَتِّنْهُمْ بِرَحْمَتِكَ لِرَحْمَتِكَ فِي

و اولیائت را پناه ده از آنکه مفتون من گردند، و با رحمتت برای رحمتت در نعمتت

نِعْمَتِكَ تَفْتِينَ الْاِجْتِبٰاءِ وَالْاِسْتِخْلاٰصِ بِسُلُوكِ طَرِيقَتِي، وَاتِّبٰاعِ

آنان را بیازما، آزمودن گزینشی و خلاصی برای پیمودن راه من و پیروی کردن از روش من،

مَنْهَجِي، وَأَلْحِقْنِي بِالصّٰالِحِينَ مِنْ آبٰائِي وَذَوِي رَحِمِي[1]. [2]

و مرا به صالحان از پدرانم و خویشاوندانم ملحق گردان.

۲۷

(۲) دعای امام حسین علیه‌السلام در قنوت

[و طبق همین روایت قبل، دعای امام حسین 7 در قنوت به روایت جناب حسین بن روح 1 از امام حسن عسکری 7 این است:]

۱. «لُحْمَتِي» خ.

۲. مهج الدعوات: ۶۸، البلد الامین: ۶۴۹، بحار الانوار: ج۸۵ ص۲۱۴، مفاتیح النجاة (مخطوط): ۳۰۸.

أَللَّهُمَّ مَنْ آوىٰ إِلىٰ مَأْوىً فَأَنْتَ مَأْوايَ، وَمَنْ لَجَأَ إِلىٰ مَلْجَأٍ

خداوندا هر کس جای گیرد به سوی جایگاهی پس تویی جایگاه من، و هر کس که پناه برد به سوی پناهی

فَأَنْتَ مَلْجايَ.

پس تویی پناه من،

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ نِدائِي، وَأَجِبْ

بارخدایا رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و بشنو آواز مرا و برآور حاجت مرا، و بگردان در نزد خود

دُعائِي، وَاجْعَلْ مَآبِي عِنْدَكَ وَمَثْواايَ، وَاحْرُسْنِي فِي بَلْوايَ مِنِ

بازگشت مرا و مکان مرا، و محافظت نمای مرا در امتحان نمودن مرا از بلیه آزمایش و از وسوسه قلیل شیطان به سبب

افْتِنانِ الْاِمْتِحانِ، وَلُمَّةِ الشَّيْطانِ، بِعَظَمَتِكَ الَّتي لا يَشُوبُها وَلَعُ

بزرگی تو که مخلوط و وارد نمی‌شود آن را خفت نفس به سبب در بلا انداختن آن، و نه جنان و خیال وارد شونده به

نَفْسٍ بِتَفْتِينٍ، وَلا وارِدُ طَيْفٍ بِتَظْنِينٍ، وَلا يَلُمُّ بِها فَرَحٌ حَتّىٰ

سبب توهم انداختن و نمی‌رسد به او جنونی [دهشتی] تا آنکه برگردانی تو مرا به‌سوی خود به سبب ارادهٔ تو درحالی

تَقْلِبَني إِلَيْكَ بِإِرادَتِكَ غَيْرَ ظَنِينٍ وَلا مَظْنُونٍ، وَلا مُرابٍ وَلا مُرْتابٍ،

که غیر متهم باشم در دین، و نه گمان بد برده‌باشم در عمل ، ونباشم شک‌زده شده و نه تهمت زده شده ، به درستی که

إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.(۱)

تو رحم کننده‌ترین رحم‌کنندگانی.

۲۸

(۳) دعای امام حسین علیه‌السلام که بعد از نمازها خوانده می‌شود

علی بن عاصم از امام جواد 7 و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امام حسین 7 روایت کرده‌اند که فرمود:

محضر مبارک رسول خدا 9 شرفیاب شدم و ابی بن کعب نزد

۱. همان مصدر قبل. و ترجمه این دعا، از ترجمه کتاب مهج الدعوات گرفته شده است.

آن حضرت بود، رسول خدا 9 به من فرمود: خوش آمدی ای ابا عبد الله، ای زینت بخش آسمان‌ها و زمین.

اُبَی عرض کرد: چگونه کسی غیر از شما زینت بخش آسمان‌ها و زمین می‌باشد؟

رسول خدا 9 فرمودند: به کسی که مرا به حق مبعوث به نبوت فرمود همانا حسین بن علی 8 در آسمان [مقام او و عظمتش] برتر از زمین است. و در طرف راست عرش الهی نوشته شده: چراغ هدایت و کشتی نجات و امامی شکست ناپذیر، و مایه عزت و افتخار و صاحب علم و ذخیره الهی،

و همانا خداوند در صلب او نطفه‌ای پاک و پاکیزه و مبارک قرار داده و دعاهایی را به او تلقین نموده که هر مخلوقی آن‌ها را بخواند خداوند او را با آن حضرت محشور فرماید و شفیع او در آخرت باشد و خدا گرفتاری و اندوه او را برطرف گرداند، و به واسطه آن دعاها دَین او را اداء فرماید و کارش را آسان و راهش را روشن نماید و او را در مقابل دشمن قوی سازد و پرده از عیوب او کنار نزند.

ابی عرض کرد: آن دعاها چیست ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند:

بعد از فارغ شدن از نماز در حالی که نشسته‌ای می‌گویی:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِكَلِماٰتِكَ، وَمَعاٰقِدِ عَرْشِكَ، وَسُكّانِ سَماٰواٰتِكَ

خداوندا از تو می‌خواهم به کلماتت و آنچه عرشت را زینت بخشیده و ساکنان آسمان‌هایت و

وَأَنْبِياٰئِكَ وَرُسُلِكَ، أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي فَقَدْ رَهِقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرٌ، فَأَسْئَلُكَ

پیامبران و رسولانت که دعای مرا به اجابت رسانی که سختی کارهایم مرا بی طاقت نموده، پس از تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُسْرِي يُسْراً.

می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و هر چه سریعتر سختی‌هایم را بدل به آسانی گردانی.

خداوند آسانی در کارت ایجاد می‌کند و سینه‌ات را فراخ می‌گرداند و هنگام جان دادن گواهی دادن به یکتایی او را به تو تلقین فرماید.[1]

۲۹

خواندن سورهٔ فجر در نمازهای واجب و مستحب

داود بن فرقد از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

سورهٔ فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید، که آن سورهٔ امام حسین 7 است، و هر کس آن را بخواند در روز قیامت با آن حضرت در بهشت خواهد بود، همانا خداوند عزیز یعنی شکست ناپذیر و حکیم است.[2]

---

۱. بحار الانوار: ج۹۴ ص۱۸۴ ح۱، مفاتیح النجاة (مخطوط): ۳۴۶، جنات الخلود: ۲۳.

۲. بحارالانوار: ج۹۲ ص۳۲۳ ح۱.

۳

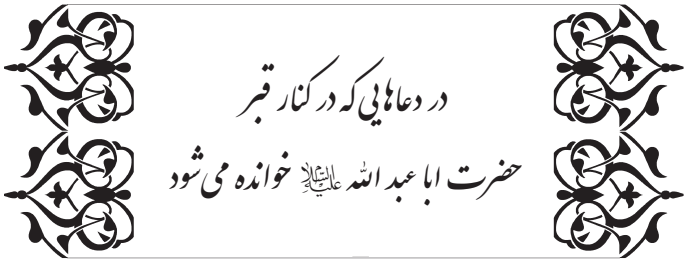
بخش سوم

دعاهایی که در همهٔ اوقات می‌توان خواند

(ادعیه مطلقه)

بخش سوّم

فصل اول



فضیلت دعا کردن در کنار قبر امام حسین 7

از محل‌های دعا بلکه شریف‌ترین آن‌ها کنار قبر امام حسین 7 است. روایت شده است که:

> خداوند در قبال شهادت امام حسین 7 چهار خصلت به آن حضرت مرحمت فرمود: شفا را در تربت پاک او، اجابت دعا را در زیر گنبد او، و امامان را از ذریه او قرار داد، و ایّامی را که زائر آن حضرت صرف زیارت می‌کند از عمرشان به حساب نمی‌آورد.

و روایت شده که امام صادق 7 بیمار شدند به کسانی که نزد آن حضرت بودند دستور دادند که شخصی را اجیر کنند تا برود در کنار قبر امام حسین 7 برای ایشان دعا کند.

یکی از ارادتمندان حضرت برای انجام این دستور از خانه خارج شد، در کنار درب خانه کسی را یافت و قصه را با او در میان گذاشت، آن بندهٔ خدا

گفت: من می‌روم ولی سرّ این کار را نمی‌فهمم، امام حسین 7 امامی است مفترض الطاعة، امام صادق 7 نیز امامی است مفترض الطاعة، پس این کار چه معنایی دارد؟ آن فرستادهٔ امام نزد امام 7 آمد و جریان را خدمت امام عرضه داشت، حضرت فرمود:

هو كما قال، لكن ما عرف أنّ لله تعالى بقاعاً يستجاب فيها الدعاء فتلك البقعة من تلك البقاع.

مطلب همان طور است که او گفته است، ولی او نمی‌داند که خدا را بقعه‌هایی است که در آن مکان‌ها دعا مستجاب می‌شود، و حرم حضرت سید الشهداء 7 از آن بقعه‌هاست.[1]

نماز در کنار قبر آن حضرت مورد قبول، و دعا مستجاب است

شعیب عقرقوفی از امام صادق 7 سؤال کرد: کسی که به زیارت قبر امام حسین 7 رود، چه ثواب و پاداشی خواهد داشت، فدای شما شوم؟ امام 7 فرمودند:

ای شعیب، هیچ کس در کنار قبر آن حضرت نماز نمی‌خواند مگر آنکه خدا آن را قبول می‌کند و کسی دعا نمی‌کند مگر آنکه برای او مستجاب می‌شود فوری باشد یا با تأخیر.

عرض کردم: فدای شما شوم، زیادتر در این باره بفرمایید. امام 7 فرمودند:

ای شعیب، کمترین چیزی که به زائر امام حسین 7 گفته می‌شود این است:

قد غفر لك يا عبد الله فاستأنف عملاً جديداً.

ای بندهٔ خدا گناهان تو آمرزیده شد، اکنون عمل را از نو آغاز کن.[2]

---

۱ عدة الداعي: ۵۷.

۲. کامل الزیارات: ص۴۳۵ ح۵، بحارالانوار: ج۱۰۱ ص۸۳ ح۹.

۳۰

(۱) دعا و توسل برای قضاء حوائج
در قسمت بالای سر مبارک امام حسین علیه‌السلام

از امام صادق 7 روایت شده است که فرمودند:

کسی که حاجتی به درگاه ربوبی دارد باید در قسمت بالای سر امام حسین 7 بایستد و بگوید:

يـا أَبـا عَبْدِاللّـهِ، أَشْـهَدُ أَنَّـكَ تَشْـهَدُ مَقامِـي وَتَسْـمَعُ كَلامِـي وَأَنَّكَ

ای ابا عبد الله، شهادت می‌دهم که تو مکان و موقعیت مرا مشاهده می‌کنی، و سخن مرا می‌شنوی، و تو زنده می‌باشی

حَـيٌّ عِنْـدَ رَبِّـكَ تُـرْزَقُ، فَاسْـأَلْ رَبَّـكَ وَرَبِّـي فِـي قَضـاءِ حَوائِجِـي.

و در پیشگاه پروردگارت روزی داده می‌شوی، از پروردگارت و پروردگار من بخواه که حاجت مرا برآورده فرماید.

پس اگر خدا بخواهد برآورده می‌شود.[۱]

۳۱

(۲) دعای مظلوم در کنار قبر حضرت اباعبدالله علیه‌السلام

مستحب است در کنار قبر امام حسین 7 دعای مظلوم خوانده شود، و آن دعا این است:

أَللّهُـمَّ إِنّـي أَعْتَـزُّ بِدِينِـكَ وَ أُكْـرَمُ بِهِدايَتِـكَ وَ فُـلانٌ يُذِلُّنِـي بِشَـرِّهِ

خداوندا من در سایه دین تو عزیز گشته و به هدایت تو اکرام شده‌ام و فلانی مرا با شرّ خودش خوار

وَ يُهِينُنِـي بِأَذِيَّتِـهِ وَ يَعِيبُنِـي بِـوَلاءِ أَوْلِيائِـكَ وَيَبْهَتُنِـي بِدَعْـواهُ وَ قَـدْ

می‌گرداند و با اذیتش اهانت می‌نماید و ولایت اولیائت را بر من عیب می‌گیرد و با ادعایش به من بهتان می‌زند

۱. عدّة الداعی: ص۷۷ و مشابه آن در هدیة الزائرین : ص۱۲۳ نقل گردیده است.

جِئْتُ إِلىٰ مَوْضِعِ الدُّعاءِ وَضَمانِكَ الْإِجابَةَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

و من به جایگاه دعا روی آورده‌ام و تو اجابت را ضمانت کرده‌ای خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْنِي عَلَيْهِ السّاعَةَ السّاعَةَ.

و در همین ساعت در همین ساعت مرا بر علیه او کمک کن و یاری رسان.

سپس خود را بر روی قبر اندازد و بگوید:

مَوْلايَ إِمامِي مَظْلُومٌ أَسْتَعْدِي عَلىٰ ظالِمِهِ النَّصْرَ النَّصْرَ.

ای مولای من، ای امام من، مظلومی از شما علیه ظالمش استعانت می‌جوید، او را یاری نما، یاری نما.

بگوید تا نفس قطع شود.[1]

۳۲

(۳) تسبیح امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه علیهما السلام در کنار قبر امام حسین علیه السلام

ابن قولویه در کامل الزیارات به سند خود از ابوسعید مدائنی روایت کرده است که گفت: خدمت امام صادق 7 رسیدم و عرض کردم: فدای شما شوم، به زیارت قبر امام حسین 7 بروم؟ امام 7 فرمود:

آری، ای ابوسعید، برو به زیارت قبر حسین 7 پاک‌ترین پاکان و پاکیزه‌ترین پاکیزگان و نیکوکاترین نیکوکاران.

و وقتی آن حضرت را زیارت کردی، تسبیح امیرالمؤمنین 7 را در قسمت بالای سر مبارک آن حضرت، هزار مرتبه، و تسبیح حضرت فاطمه 3 را در قسمت پایینِ پای مبارک حضرت، هزارمرتبه بگو. سپس در کنار قبرمطهرش دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت سورهٔ «یس» و سورهٔ «الرحمن» را بخوان.

و چون این کار را انجام دادی، خداوند ثواب آن را برای تو

۱. مصباح المتهجد: ص۲۷۹، هدیة الزائرین: ص۱۲۲.

خواهد نوشت ان شاء الله.

ابوسعید می‌گوید: عرض کردم: فدای شما شوم، تسبیح حضرت علی 7 و تسبیح حضرت فاطمه 3 را به من یاد دهید. امام 7 فرمود:

تسبیح امیرالمؤمنین 7 چنین است:

سُبْحانَ الَّذِي لا تَنْفَدُ خَزائِنُهُ ، سُبْحانَ الَّذِي لا تَبِيدُ مَعالِمُهُ،

منزّه است کسی که خزائن او پایان ندارد، منزّه است کسی که نشانه‌هایش از بین نمی‌رود،

سُبْحانَ الَّذِي لا يَفْنىٰ ما عِنْدَهُ ، سُبْحانَ الَّذِي لا يُشْرِكُ أَحَداً فِي

منزّه است کسی که آنچه نزد او است فانی نمی‌گردد، منزّه است کسی که احدی را در حکمش شریک

حُكْمِهِ ، سُبْحانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ ، سُبْحانَ الَّذِي لَا انْقِطاعَ

نمی‌گرداند، منزّه است کسی که برازندگی او نابود نمی‌شود، منزّه است کسی که برای مدت او انقطاعی نیست،

لِمُدَّتِهِ ، سُبْحانَ الَّذِي لا إِلٰهَ غَيْرُهُ.

منزّه است کسی که غیر از او معبود شایسته‌ای نیست.

و تسبیح حضرت فاطمه 3 چنین است:

سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ

منزّه است کسی که صاحب جلال والا و بزرگی و عظمت است، منزّه است کسی که صاحب عزّتی ارجمند

الْمُنِيفِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحانَ ذِي الْبَهْجَةِ

و رفیع است. منزّه است کسی که دارای سلطنتی برازنده و ازلی است، منزّه است کسی که صاحب حسن و

وَالْجَمالِ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ

جمال است، منزّه است کسی که ردای نور و وقار پوشید، منزّه است کسی که اثر مورچه را بر روی سنگ

النَّمْلِ فِي الصَّفا وَوَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ.[1]

صاف می‌بیند، منزّه است کسی که فرود آمدن پرنده را در هوا می‌بیند

۱. کامل الزیارات: ص۳۸۴ ح۱۵.

(۴) استخاره در قسمت بالای سر امام حسین علیه‌السلام

صفوان جمّال از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

هیچ بنده‌ای نیست، هرگز، که در امری صد مرتبه از خداوند طلب خیر کند ـ بایستد در قسمت بالای سر امام حسین 7 حمد خدا و تهلیل و تسبیح و تمجید و ثنای او نماید آنگونه که شایسته او است ـ مگر اینکه خداوند از دو امر آن، یکی که بهتر است به او برساند.

و گفت: شنیدم از آن حضرت که در استخاره می‌فرمود:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَخِيرُكَ بِعِزَّتِكَ، وَأَسْئَلُكَ مِنْ

خداوندا از تو می‌خواهم به علمت و طلب خیر می‌نمایم به عزّتت و درخواست می‌کنم از

فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِعَوٰاقِبِ الْأُمُورِ، إِنْ كٰانَ هٰذَا الْأَمْرُ خَيْراً

فضل عظیمت و تو داناتر هستی به سرانجام کارها، اگر این کار خیر است برای من نسبت به

لِي فِي دِينِي وَدُنْيٰايَ وَآخِرَتِي، فَيَسِّرْهُ لِي وَبٰارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كٰانَ شَرّاً

دین و دنیا و آخرتم، پس آن را برای من آسان گردان و برکت ده برای من در آن، و اگر شرّ است آن را از من بگردان

فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاقْضِ لِيَ الْخَيْرَ حَيْثُ كٰانَ، وَرَضِّنِي بِهِ حَتّىٰ لاٰ أُحِبَّ

و برای من خیر را مقدر کن هر جا که باشد و مرا به آن راضی گردان تا آنکه دوست نداشته باشم جلو افتادن

تَعْجِيلَ مٰا أَخَّرْتَ، وَلاٰ تَأْخِيرَ مٰا عَجَّلْتَ.[1]

آنچه را تو عقب انداخته‌ای و نه عقب افتادن آنچه را تو جلو انداخته‌ای.

۱. بحارالانوار: ج۹۱ ص۲۶۰ ح۹.

(۵) رقعه استخاره در حرم امام حسین علیه‌السلام

در این فصل رقعه استخاره را که از مولای ما امام حسن عسکری 7 روایت شده ذکر می‌کنیم، آن را می‌نویسی و در ضریح مطهر مولای ما حضرت اباعبد الله 7 می‌اندازی.

از عبد الله بن جعفر حمیری روایت شده است که گفت: در خدمت مولایم امام حسن عسکری 7 بودم، نامه‌ای از زندان از بعضی از اراتمندان حضرت رسید که در آن از سنگینی آهن و بدی حال و زورگویی سلطان خبر داده بود، امام 7 برای او نوشتند:

ای بندهٔ خدا، خداوند تبارک و تعالی بندگانش را در بوتهٔ امتحان قرار می‌دهد تا صبر و شکیبایی آنان را بیازماید و به آنان بر آن صبر ثواب و پاداش خالصانه عطا فرماید. پس بر تو باد به صبر و شکیبایی،

بنویس به درگاه ربوبی رقعه‌ای را و به حرم امام حسین 7 بفرست و در آنجا به خدا شکایت کن و دادخواهی نما و به گونه‌ای که کسی تو را نبیند آن را در ضریح بینداز، و در رقعه بنویس:

إِلَى اللَّهِ الْمَلِكِ الدَّيّانِ، الْمُتَحَنِّنِ الْمَنّانِ، ذِي الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ،

به خداوند پادشاه پاداش دهنده، بسیار رحم کننده و بسیار نعمت دهنده، صاحب بزرگی و بزرگواری

وَذِي الْمِنَنِ الْعِظامِ، وَالْآيادِي الْجِسامِ، وَعالِمِ الْخَفِيّاتِ وَمُجِيبِ

و نعمت‌های بزرگ و الطاف فراوان و دانای پنهانی‌ها و اجابت کننده

الدَّعَـواٰتِ، وَراٰحِـمِ الْعَبَـراٰتِ، الَّـذِي لاٰ تَشْـغَلُهُ اللُّغـاٰتُ، وَلاٰ تُحَيِّـرُهُ

دعاها و رحم کننده اشک‌ها، کسی که او را لغات مختلف مشغول نسازد

الْاَصْـواٰتُ، وَلاٰ تَأْخُـذُهُ السِّـناٰتُ، مِـنْ عَبْـدِهِ الذَّلِيـلِ الْبائِـسِ الْفَقِيـرِ

و صداها متحیّر نگرداند، و چرت‌ها نگیرد، از بنده‌اش که ذلیل و نیازمند و فقیر

الْمِسْـكِينِ الضَّعِيـفِ الْمُسْـتَجِيرِ.

و مسکین و ناتوان و پناه آورنده است.

أَللّٰهُـمَّ أَنْـتَ السَّـلاٰمُ وَمِنْـكَ السَّـلاٰمُ، وَإِلَيْـكَ يَرْجِـعُ السَّـلاٰمُ،

خداوندا تویی سلام (سلامت از همه عیب‌ها و نواقص) و سلام (سلامتی از بدی‌ها و بلاها) موهبتی و کرامتی از جانب

تَبارَكْـتَ وَتَعالَيْـتَ، يـا ذَا الْجَـلاٰلِ وَالْاِكْـراٰمِ، وَالْمَنِّـنِ الْعِظـاٰمِ

تو است. و سلام به سوی تو باز می‌گردد، تو از صفات مخلوق منزهی و برتری، ای صاحب بزرگی و بزرگواری و

وَالْآيـاٰدِي الْجِسـاٰمِ، إِلٰهِـي مَسَّـنِي وَأَهْلِـيَ الضُّـرُّ وَأَنْـتَ أَرْحَـمُ

نعمت‌های بزرگ و الطاف فراوان. خدایا من و اهل و عیالم را درد و رنج سختی رسید و تو از همه مهربان‌ها مهربانتری

الرّاحِمِيـنَ، وَأَرْأَفُ الْاَرْأَفِيـنَ وَأَجْـوَدُ الْاَجْوَدِيـنَ، وَأَحْكَـمُ الْحاٰكِمِيـنَ

و از همه رئوف‌ها رئوف‌تری و از همه بخشنده‌ها بخشنده‌تری و از همه حکم کنندگان حکم کننده‌تری و از

وَأَعْـدَلُ الْفاٰصِلِيـنَ.

همه فیصله دهندگان عادل‌تری.

أَللّٰهُـمَّ إِنِّـي قَصَـدْتُ بابَـكَ وَنَزَلْـتُ بِفِناٰئِـكَ، وَاعْتَصَمْـتُ بِحَبْلِـكَ

خداوندا من آهنگ باب تو را نمودم و به درگاه تو فرود آمدم و به ریسمان تو چنگ زدم،

وَاسْـتَغَثْتُ بِـكَ، وَاسْـتَجَرْتُ بِـكَ يـا غِيـاٰثَ الْمُسْـتَغِيثِينَ أَغِثْنِـي،

به تو استغاثه نمودم و به تو پناه آوردم، ای فریادرس فغان کنندگان و مددخواهان به فریاد

يـا جـاٰرَ الْمُسْـتَجِيرِينَ أَجِرْنِـي، يـا إِلٰـهَ الْعاٰلَمِيـنَ خُـذْ بِيَـدِي، إِنَّـهُ قَـدْ

من برس، ای پناه پناهنده شدگان مرا پناه بده، ای معبود شایسته جهانیان دست مرا بگیر. همانا

عَـلَا الْجَبابِـرَةُ فِـي أَرْضِـكَ، وَظَهَـرُوا فِـي بِـلادِكَ، وَاتَّخَـذُوا أَهْـلَ

ستمگران در زمین گردنکشی نموده و در شهرهایت ظاهر گشتند و اهل دین تو را به

دِينِـكَ خَـوَلاً، وَاسْـتَأْثَرُوا بِفَـيْءِ الْمُسْـلِمِينَ، وَمَنَعُـوا ذَوِي الْحُقُـوقِ

بردگی خویش گرفتند، اموال مسلمانان را به خود اختصاص دادند. صاحبان حق را از آن

حُقُوقَهُـمُ الَّتِـي جَعَلْتَهـا لَهُـمْ، وَصَرَفُوهـا فِـي الْمَلاهِـي وَالْمَعـازِفِ،

حقّی که برای آن‌ها قرار دادی منع نمودند و آن را صرف لهو و لعب و تار و طنبور کردند.

وَاسْـتَصْغَرُوا آلاءَكَ، وَكَذَّبُـوا أَوْلِيـاءَكَ، وَتَسَـلَّطُوا بِجَبْرِيَّتِهِـمْ، لِيُعِـزُّوا

نعمت‌های تو را کوچک شمردند و اولیای تو را تکذیب کردند و با قهر و غلبه مسلّط شدند تا کسانی را که تو

مَـنْ أَذْلَلْـتَ، وَيُذِلُّـوا مَـنْ أَعْـزَزْتَ، وَاحْتَجَبُـوا عَمَّـنْ يَسْـأَلُهُمْ حاجَـةً،

خوار نموده‌ای عزیز گردانند و کسانی را که تو عزّت داده‌ای خوار نمایند، و خود را از کسانی که از آن‌ها حاجتی

أَوْ مَـنْ يَنْتَجِـعُ مِنْهُـمْ فائِـدَةً.

خواستند یا خواهان فایده‌ای شدند پنهان نمودند.

وَأَنْـتَ مَـوْلايَ سـامِعُ كُلِّ دَعْـوَةٍ، وَراحِـمُ كُلِّ عَبْـرَةٍ وَمُقِيـلُ كُلِّ عَثْرَةٍ،

و تو ای مولای من شنوندهٔ هر دعا و رحم کنندهٔ هر اشک و درگذرنده هر گناه و لغزش، شنوندهٔ

سـامِعُ كُلِّ نَجْـوىٰ، وَمَوْضِـعُ كُلِّ شَـكْوىٰ، لا يَخْفـىٰ عَلَيْـكَ مـا فِـي

هر راز، محلّ نهادن هر شکوه و گله هستی، آنچه در آسمان‌های بالا

السَّـماواتِ الْعُلـىٰ، وَالْاَرَضِينَ السُّـفْلىٰ، وَمـا بَيْنَهُما وَما تَحْـتَ الثَّرىٰ.

و زمین‌های پایین و بین آن دو و آنچه در زیر زمین است بر تو پوشیده و پنهان نیست.

أَللّٰهُـمَّ إِنِّـي عَبْـدُكَ ابْـنُ أَمَتِـكَ، ذَلِيـلٌ بَيْـنَ بَرِيَّتِـكَ، مُسْـرِعٌ إِلـىٰ

خداوندا من بندهٔ تو و پسر کنیز تو هستم، در میان مردم خوار و بی مقدار، شتابنده به سوی

رَحْمَتِـكَ، راجٍ لِثَوابِـكَ، أَللّٰهُـمَّ إِنَّ كُلَّ مَـنْ أَتَيْتُـهُ فَعَلَيْـكَ يَدُلُّنِـي،

رحمتت و امیدوار به ثواب و پاداشت هستم. خداوندا نزد هر کسی رفتم مرا بر تو دلالت نمود

وَإِلَيْكَ يُرْشِدُنِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ يُرَغِّبُنِي.

و به سوی تو راهنمایی کرد، و در آنچه نزد تو است ترغیب نمود.

مَوْلَايَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ رَاجِياً، سَيِّدِي وَ قَدْ قَصَدْتُكَ مُؤَمِّلاً، يَا خَيْرَ

مولای من به پیشگاه تو امیدوار آمدم، و با یک دنیا آرزو آهنگ تو را نمودم، ای بهترین

مَأْمُولٍ، وَيَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ، صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ،

آرزوشده، و ای گرامی‌ترین قصد شده، بر حضرت محمّد و خاندان او درود فرست و آرزوی مرا

وَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي،

ناکام مگردان و امید مرا قطع مکن و دعای مرا به اجابت رسان و به تضرّع من رحم کن،

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ أَغِثْنِي، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ أَجِرْنِي، يَا

ای فریادرس مددخواهان به فریاد من برس، ای پناه پناهنده شدگان پناهم بده،

إِلَهَ الْعَالَمِينَ خُذْ بِيَدِي، أَنْقِذْنِي، وَاسْتَنْقِذْنِي، وَوَفِّقْنِي وَاكْفِنِي.

ای معبود شایسته عالمیان دست مرا بگیر، مرا نجات بده و مرا برهان و به من توفیق بده و مرا کفایت کن.

أَللَّهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُكَ بِأَمَلٍ فَسِيحٍ، وَأَمَّلْتُكَ بِرَجَاءٍ مُنْبَسِطٍ،

خداوندا آهنگ تو نمودم با آرزوی وسیع، به امید تو آمدم امیدی گسترده،

فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِيَّ، أَللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَخِيبُ مِنْكَ سَائِلٌ،

پس آرزوی مرا ناکام مگردان و امید مرا قطع مکن، خداوندا گدا از در خانهٔ تو نا امید نمی‌شود و کسی

وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، يَا رَبَّاهْ يَا سَيِّدَاهْ يَا مَوْلَاهْ يَا عِمَادَاهْ يَا كَهْفَاهْ

که به مراد خود برسد از تو نمی‌کاهد، ای پروردگار، ای سرور، ای مولا، ای تکیه گاه، ای پناهگاه،

يَا حِصْنَاهْ يَا حِرْزَاهْ يَا لَجَئَاهْ،

ای دژ محکم، ای جایگاه امن، ای پناه من،

أَللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَمَّلْتُ يَا سَيِّدِي، وَلَكَ أَسْلَمْتُ مَوْلَايَ، وَلِبَابِكَ قَرَعْتُ،

خداوندا به تو دل بسته و امیدوارم ای سرور من، و تسلیم توأم ای مولای من، در خانه تو را کوبیدم،

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلاٰ تَرُدَّنِي بِالْخَيْبَةِ مَحْزُوناً، وَاجْعَلْنِي

پس بر محمّد و آل محمّد: درود فرست، با ناکامی و اندوه مرا برمگردان، مرا از کسانی قرار بده که با

مِمَّنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيْهِ بِإِحْسانِكَ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ بِتَفَضُّلِكَ، وَجُدْتَ

تفضّل خود بر او احسان نموده‌ای و با لطف خود بر او نعمت مرحمت کردی، و با نعمتت بر او جود

عَلَيْهِ بِنِعْمَتِكَ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيْهِ آلاٰءَكَ.

و بخشش نمودی، و الطاف خود را بر او سرازیر نمودی.

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ غِياثِي وَعِمادِي، وَأَنْتَ عِصْمَتِي وَرَجائِي، مالِي أَمَلٌ

خداوندا تو فریادرس من و تکیه گاه من هستی، تو پناه من و مایه امید من هستی، جز تو به کسی دل

سِواكَ، وَلاٰ رَجاءٌ غَيْرُكَ، أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَجُدْ

نبسته و غیر تو به کسی امید ندارم. خداوندا بر حضرت محمّد و خاندان او درود فرست، و به فضل و

عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِإِحْسانِكَ، وَافْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ،

کرمت بر من جود و بخشش نما، و با احسانت بر من منّت بگذار، و با من آنگونه که تو شایسته آن هستی

وَلاٰ تَفْعَلْ بِي ما أَنَا أَهْلُهُ، يا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنْتَ خَيْرٌ

رفتار کن و آن گونه که من شایسته آن هستم رفتار مکن، ای آنکه سزاواری از تو بترسند و سزاواری که

لِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

بیامرزی، و تو برای من بهتر از پدر و مادرم و از همه خلق هستی،

أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ قِصَّتِي إِلَيْكَ لاٰ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ، وَمَسْأَلَتِي لَكَ إِذْ

خداوندا این قصّه من است که برای تو عرض کردم نه برای مخلوق تو، و تنها از تو درخواست می‌کنم

كُنْتَ خَيْرَ مَسْئُولٍ وَأَعَزَّ مَأْمُولٍ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

که تو بهترین درخواست شده و عزیزترین آرزو شده‌ای. خداوندا بر حضرت محمّد و خاندان او درود فرست

وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ بِإِحْسانِكَ وَمُنَّ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَعافِيَتِكَ، وَحَصِّنْ دِينِي

و با احسانت بر من مهربانی نما و با عفوت و عافیتت بر من منّت گذار و دین مرا با بی نیازی حفظ کن،

بِالْغِنىٰ، وَاحْرُزْ أَمانَتِي بِالْكِفايَةِ، وَاشْغَلْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ، وَلِسانِي

و با کفایت امانت مرا در جای امن قرار بده، و مشغول فرما قلب مرا به اطاعت خود و زبانم را به ذکرت

بِذِكْرِكَ، وَجَوارِحِي بِما يُقَرِّبُنِي مِنْكَ.

و جوارحم را به آنچه باعث تقرب من به حضرتت می‌شود.

أَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْباً خاشِعاً، وَلِساناً ذاكِراً، وَطَرْفاً غاضّاً، وَيَقِيناً

خداوندا قلب خاشع و زبان ذکر گوینده و چشم فروبسته و یقین صحیح به من روزی کن

صَحِيحاً حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ، وَلا تَقْدِيمَ ما أَجَّلْتَ،

تا دوست نداشته باشم عقب افتادن آنچه را تو جلو انداخته‌ای و نه جلو افتان آن چه را تو عقب انداخته‌ای،

يا رَبَّ الْعالَمِينَ، وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای پرودرگار عالمیان و ای مهربان‌تر از همه مهربانان، بر حضرت محمّد و خاندان او درود فرست

وَاسْتَجِبْ دُعائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي، وَكُفَّ عَنِّي الْبَلاءَ، وَلا تُشْمِتْ

و دعای مرا به اجابت رسان و به زاری و ناتوانی من ترحم کن و بلا را از من بازبدار، و مرا مورد

بِيَ الْأَعْداءَ وَلا حاسِداً، وَلا تَسْلُبْنِي نِعْمَةً أَلْبَسْتَنِيها، وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ

شماتت دشمنان و حسودان قرار مده، و نعمتی را که به من کرم کرده‌ای از من سلب مکن و چشم به

نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، يا رَبَّ الْعالَمِينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

هم زدنی مرا به خودم وامگذار، ای پروردگار عالمیان، و بر حضرت محمّد پیامبرت و بر خاندان

وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.[1]

آن حضرت درود و سلام برسان.

۱. بحارالانوار: ۲۳۸/۱۰۲ ح۵، تعقیبات الصلوات وأدعیة الرزق والعافیة والحاجات: ص۵۵۶.

بخش سوّم

فصل دوم

در حمد و ستایش های امام حسین علیه‌السلام و دعاهای دیگر

۳۵

(۶) حمد و ستایش آن حضرت نزدیک شب عاشورا

... پس امام حسین 7 نزدیک شب عاشورا اصحاب را فراخواند، امام علی بن الحسین، زین العابدین 7 می‌فرماید:

نزدیک رفتم در حالی که بیمار بودم تا گوش کنم به آنچه پدرم برای آن‌ها می‌فرماید، و شنیدم که فرمود:

أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنٰاءَ، وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ؛

ثنا می‌گویم بر خداوند، او را ستایش می‌کنم به بهترین ثنا و ستایش، و او را حمد می‌کنم در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها،

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلىٰ أَنْ كَرَّمْتَنٰا بِالنُّبُوَّةِ، وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنٰا فِي الدِّينِ، وَجَعَلْتَ لَنٰا أَسْمٰاعاً وَأَبْصٰاراً وَأَفْئِدَةً، فَاجْعَلْنٰا مِنَ الشّٰاكِرِينَ.

خداوندا تو را حمد و سپاس می‌گویم بر اینکه ما را به نبوت گرامی داشتی و قرآن به ما آموختی و در دین فقیه گردانیدی، و برای ما گوش‌ها و دیده‌ها و قلب قرار دادی، پس ما را از شاکرین و سپاسگزاران قرار بده.

[و ادامه دادند:]

أمّا بعد فإنّي لا أعلم أصحاباً أوفىٰ ولا خيراً من أصحابي ولا أهل بيت أبرّ ولاٰ أوصل من أهل بيتي فَجَزاكُمُ اللّٰهُ عَنِّي خَيْراً.

امّا بعد، همانا من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و اهل بیتی نیکوکارتر و احسان کننده‌تر از اهل بیتم نمی‌دانم و نمی‌شناسم، خداوند از طرف من به شما خیر دهد.[1]

۳۶

(۷) دعای آن حضرت علیه‌السلام در توکّل بر خداوند

امام حسین 7 در سرزمین کربلا فرمود:

رَبَّنـا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنـا وَإِلَيْـكَ الْمَصِير.[2]

پروردگارا بر تو توکّل کردیم و بازگشت به سوی تو است.

۳۷

(۸) دعای آن حضرت برای طلب میل و رغبت در امر آخرت

أَللَّهُـمَّ ارْزُقْنـي الرَّغْبَـةَ فِـي الآخِـرَةِ ، حَتّـىٰ أعْـرِفَ صِـدْقَ ذَلِـكَ فِـي

خداوندا میل و رغبت در آخرت را روزیم فرما، تا صدق و راستی آن را در قلبم با

قَلْبِـي بِالزَّهـادَةِ مِنِّـي فِـي دُنْيـايَ. أَللَّهُـمَّ ارْزُقْني بَصَـراً فِي أمْـرِ الآخِرَةِ،

زهد ورزیدن به دنیایم بفهمم و بشناسم. خداوندا بصیرت در امر آخرت را روزیم فرما

حَتّـىٰ أطْلُـبَ الْحَسَـناتِ شَـوْقاً، وَأفِرَّ مِـنَ السَّـيِّئاتِ خَوْفاً، يـا رَبِّ.[3]

تا از روی شوق حسنات را بجویم و از ترس، از بدی‌ها و گناهان فرار کنم، ای پروردگار من.

۱. ارشاد شیخ مفید: ص۲۳۱، وقعة الطف: ص۱۹۷. ۲. دور الائمّة والأنبياء : في واقعة كربلا: ص۴۳.
۳. کشف الغمّة: ج۲ ص۶۳، الصحيفة الحسينية ومستدركاتها: ص۱۴۰.

۳۸

(۹) دعای آن حضرت در حلّ امور دشوار

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِكَلِماٰتِكَ، وَمَعاٰقِدِ عَرشِكَ، وَسُكّانِ سَماٰواٰتِكَ

خداوندا از تو می‌خواهم به کلماتت و آنچه عرشت را زینت بخشیده و ساکنان آسمان‌هایت

وأَرْضِكَ وَأَنْبِياٰئِكَ وَرُسُلِكَ، أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي فَقَدْ رَهَقَنِي مِنْ أَمْري

و پیامبران و رسولانت که دعای مرا به اجابت رسانی که سختی کارهایم مرا بی طاقت نموده،

عُسْرٌ، فَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لي

پس از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و هر چه سریعتر سختی‌هایم را بدل

مِنْ أَمْرِي يُسْراً. (۱)

به آسانی گردانی.

۳۹

(۱۰) دعای آن حضرت برای حاجات و مهمّات و امور سخت و دشوار

از حضرت زین العابدین 7 روایت شده که فرمودند:

پدرم در روزی که به شهادت رسید در حالی که خون از پیکر مبارکش فوران می‌زد مرا به سینه‌اش در برگرفت و فرمود:

ای پسرم از من دعایی را حفظ کن که آن را فاطمه 3 به من آموخته و او را پدرش آموخته و پدرش را جبرئیل نیز آموخته است برای طلب حاجت و پیش آمد مهم، غم و اندوه و حوادث ناگوار و امر سخت و دشوار، فرمود: بخوان:

۱. کتاب جنات الخلود: ص۲۳.

بِحَقِّ يٰس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِحَقِّ طٰهٰ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يٰا مَنْ

به حق یس (حضرت محمّد 9) و قرآن سرشار از حکمت، و به حق طه (یکی از نام‌های مبارک پیامبر) و قرآن سرشاز

يَقْدِرُ عَلىٰ حَوائِجِ السّائِلِينَ، يٰا مَنْ يَعْلَمُ مٰا فِي الضَّمِيرِ، يٰا مُنَفِّسَ

از عظمت، ای آنکه بر حوائج درخواست‌کنندگان توانایی دارد، ای آنکه آنچه را در ضمیر و نهان است می‌داند

عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يٰا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يٰا رٰاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ،

ای برطرف کننده اندوه گرفتاران، ای زایل کننده غم غمزدگان، ای رحم کننده به پیرمرد کهنسال، ای

يٰا رٰازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يٰا مَنْ لاٰ يَحْتاٰجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

روزی دهنده طفل کوچک، ای آنکه احتیاج به تفسیر و شرح و بیان ندارد، بر حضرت محمّد و

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذٰا وَكَذٰا.

خاندان او درود فرست و نسبت به من چنین و چنان کن.

مؤلّف گوید: این دعا برای مشکلات مهم و گرفتاری‌های بزرگ خوانده می‌شود و خواندن آن اختصاص به روز عاشورا ندارد.[1]

۴۰

(۱۱) کسی که خدا را قسم دهد به «دم مظلوم» خداوند حاجت او را برآورده فرماید

بعضی از اصحاب ما در کشکول خود ذکر کرده که هر کسی خدا را قسم دهد به خون امام حسین 7 دعای او حتماً به اجابت رسد و این مجرّب است، سه مرتبه بگوید: أُنْشِدُكَ بِدَمِ الْمَظْلُومِ.[2]

تو را به خون مظلوم قسم می‌دهم.

۱. الدعوات: ص۵۴، بحارالانوار: ج۹۵ ص۱۹۶ ذیل ح۲۹، هدیة الزائرین: ص۴۹۱.

۲. التحفة الرضویة: ص۱۵۶.

(۱۲) دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا

شیخ مفید 1 از حضرت علی بن الحسین 8 روایت کرده که فرمود:

هنگامی که لشکر دشمن رو به امام حسین 7 آورد، امام 7 دست‌های مبارک را بالا برد و گفت:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَرَجائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي

خداوندا تو در هر گرفتاری مایه اطمینان و در هر سختی امید من هستی و تو در هر حادثه‌ای که رخ دهد

فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ،

برای من محل وثوق و دار و ندارم هستی، چه بسیار گرفتاری که دل در مورد آن احساس ضعف و ناتوانی

وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ، وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ، وَيَشْمَتُ فِيْهِ الْعَدُوِّ. أَنْزَلْتُهُ

می‌کند و چاره‌اش اندک و دوست آدمی را رها می‌کند و دشمن در آن شماتت می‌کند، آن را بر تو نازل نمودم

بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رَغْبَةً مِنِّي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِواكَ، فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ،

و شکایتش را به تو کردم و به سوی تو رغبت نشان دادم و از غیر تو روی گرداندم، پس تو آن را گشایش دادی

فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ.

و آن را برطرف نمودی، تو اختیار دار هر نعمتی و دارنده هر حُسن و نیکی هستی و آخرین امیدی.

راوی گفت: لشکر به طرف خیمه‌های امام حسین 7 جولان داد، دیدند خندقی را که در آن هیزم و نی ریخته شده و آتش در آن‌ها شعله ور است، شمر ملعون با صدای نحس خود فریاد زد: ای حسین پیش از قیامت عجله کرده‌ای به آتش؟ امام حسین 7 فرمود: کیست که فریاد می‌زند، گویا شمر است. عرض کردند: آری، امام 7 به او فرمود: ای پسر بزچران، تو به آتش سزاوارتری.

مسلم بن عوسجه خواست که او را هدف تیرهای خود قرار دهد، امام 7

مانع شد، عرض کرد: اجازه دهید او را بزنم، این فاسق از دشمنان خدا و از سران ستم پیشه است و در دسترس ما است، امام حسین 7 فرمود:

نه، تیری به طرف او رها نکن، من دوست ندارم که شروع کننده جنگ باشم.[1]

مؤلّف گوید: این دعا در گرفتاری‌ها و سختی‌ها خوانده می‌شود و اختصاص به روز عاشورا ندارد.

۴۲

(۱۳) ذکری که امام حسین علیه‌السلام آن را زیاد می‌گفت

امام حسین 7 زیاد این ذکر را می‌گفت:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولُ اللَّه.

به نام خدا و با استعانت از خدا، و بر آیین رسول خدا 9 .

و زیاد می‌فرمود: **لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللَّه.**[1]

هیچ نیرو و توانایی نیست جز به وسیله خداوند.

۴۳

(۱۴) دعای امام حسین علیه‌السلام در طلب توفیق

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدىٰ، وَأَعْمالَ أَهْلِ التَّقْوىٰ،

خداوندا از تو می‌خواهم توفیق اهل هدایت را و اعمال اهل تقوا را

وَمُناصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَعَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ، وَحَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ،

و پاکی و خلوص اهل توبه را، و ثبات و پایداری اهل صبر را، و پرهیز اهل خشیت و ترس را

۱. دور الائمّة والأنبياء : في واقعة كربلا: ص۴۳.

وَطَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَزِينَةَ أَهْلِ الْوَرَعِ، وَخَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ، حَتّىٰ

و کاوش و جستجوی اهل علم را، و زینت اهل ورع و پارسایی را، و ترس اهل جزع و بی تابی را، تا آنکه بترسم

أَخافَكَ أَللّٰهُمَّ مَخافَةً تَحْجُزُنِي عَنْ مَعاصِيكَ، وَحَتّىٰ أَعْمَلَ بِطاعَتِكَ

از تو خداوندا ترسی که مرا از گناهان و نافرمانی تو بازبدارد، و تا عمل کنم به طاعت تو عملی که به وسیله آن

عَمَلاً أَسْتَحِقُّ بِهِ كَرامَتَكَ، وَحَتّىٰ أُناصِحَكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفاً لَكَ،

سزاوار کرامت تو گردم، و تا اخلاص نشان دهم برای تو در توبه از جهت ترسی که از تو دارم و تا خالص کنم

وَحَتّىٰ أُخْلِصَ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ حُبّاً لَكَ، وَحَتّىٰ أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ

برای تو در خیرخواهی و دعوت به خوبی‌ها به خاطر محبتی که به تو دارم، و تا توکل نمایم بر تو در همه امور

فِي الْأُمُورِ حُسْنَ ظَنٍّ بِكَ، سُبْحانَ خالِقِ النُّورِ، سُبْحانَ اللّٰهِ

به خاطر حسن ظنّی که به تو دارم. پاک و منزّه است آفرینندهٔ نور، پاک و منزّه است، خداوند با عظمت و من به

الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ.[1]

حمد و ستایش او مشغولم.

۴۴

(۱۵) دعای آن حضرت در طلب باران

گروهی نزد امیرالمؤمنین 7 جمع شدند و از کمی باران نزد آن حضرت شکایت کردند و گفتند: یا ابا الحسن برای ما دعا کنید تا باران بیاید.

امیرالمؤمنین 7 امام حسن و امام حسین 8 را فراخواندند، ابتدا به امام حسن 7 فرمودند: دعا کن برای آمدن باران.

امام حسن 7 این گونه دعا کردند:

أَللّٰهُمَّ هَيِّجْ لَنَا السَّحابَ، بِفَتْحِ الْأَبْوابِ، بِماءٍ عُبابٍ، وَرَبابٍ

خداوندا ابرها را برای ما به گشودن درها با بارانی سیل آسا، پیوسته

۱. مهج الدعوات: ص۱۹۸.

بِانْصِبابٍ وَانْسِكابٍ يا وَهّابُ اسْقِنا مُغْدَقَةً مُطْبَقَةً بَرُوقَةً[1]، فَتِّحْ

و پیاپی برانگیز، ای خداوند بخشنده، ما را به وسیله بارانی فراوان و فراگیر و بهجت انگیز سیراب فرما،

أَغْلاقَها، وَيَسِّرْ أَطْباقَها، وَسَهِّلْ إِطْلاقَها، وَعَجِّلْ سِياقَها بِالْأَنْدِيَةِ فِي

بسته‌های آن را بگشا و روان ساختن آن را آسان گردان و جاری شدن آن را در رودخانه‌ها و جویبارها

بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ بِصَوْبِ الْماءِ، يا فَعّالُ اسْقِنا مَطَراً قَطْراً طَلاًّ مُطِلاًّ،

شتابان گردان، ای خداوند فعّال ما را بارانی بفرست پر مایه، نرم و فراگیر که سراسر کوه و دشت

مُطْبَقاً طَبَقاً، عامّاً مِعَمّاً، دَهْماً بُهْماً رَحِيماً، رَشّاً مُرِشّاً، واسِعاً

را پر سازد و همه را زیر پوشش خود قرار دهد، بارانی پرطراوت، بادوام، ریزدانه، تند، افشان، دامنه دار،

كافِياً، عاجِلاً طَيِّباً مَرِيئاً مُبارَكاً، سُلاطِحاً بُلاطِحاً يُناطِحُ الْآباطِحَ،

کفایت کننده، سریع، پاک، گوارا، با برکت، با ریزش شدید که قطراتش بی شمار باشد و دشت و دمن را

مُغْدَوْدِقاً مُطْبَوْبِقاً مُغْرَوْرِقاً، اسْقِ سَهْلَنا وَجَبَلَنا، وَبَدْوَنا وَحَضَرَنا،

بپوشاند و زمین را غرق فیض خود سازد، خدایا دشت‌های ما و کوه‌ها و بیابان‌ها و شهرهای ما را سیراب ساز

حَتّىٰ تُرَخِّصَ بِهِ أَسْعارَنا، وَتُبارِكَ لَنا فِي صاعِنا وَمُدِّنا، أَرِنَا الرِّزْقَ

تا به وسیله آن نرخ اجناس را ارزان کنی و برکت دهی در کیل و پیمانه ما، نشان بده به ما که ارزاق ما

مَوْجُوداً وَالْغَلاءَ مَفْقُوداً، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

وجود دارد و گرانی در کار نیست، اجابت فرما، ای پروردگار جهانیان.

سپس به امام حسین 7 فرمود: حسین جان تو دعا کن، و امام حسین 7 این گونه دعا کرد:

أَللّٰهُمَّ يا مُعْطِيَ الْخَيْراتِ مِنْ مَناهِلِها، وَمُنْزِلَ الرَّحَماتِ مِنْ مَعادِنِها،

خداوندا ای عطا کننده خیرات از آبشخور آن، و ای نازل کننده رحمت از معدن آن،

وَمُجْرِيَ الْبَرَكاتِ عَلىٰ أَهْلِها، مِنْكَ الْغَيْثُ الْمُغِيثُ، وَأَنْتَ الْغِياثُ

و ای جاری سازنده برکات بر اهل آن و مستحق آن، از تو و عنایت تو است، بارانی که به فریاد

۱. «مونقة»، من لا يحضره الفقيه والبحار.

الْمُسْتَغاثُ، وَنَحْنُ الْخاطِئُونَ وَأَهْلُ الذُّنُوبِ، وَأَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ الْغَفّارُ،

رسد. تو فریادرس و یاری دهنده‌ای و ما خطاکار و اهل گناهیم، از تو آمرزش طلب می‌شود و تو

لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ. أَللّٰهُمَّ أَرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْنا لِحِينِها مِدْراراً، وَاسْقِنَا

آمرزنده‌ای، معبود شایسته‌ای جز تو نیست، خدایا آسمان را بر ما بارانی ساز که بارانی پیاپی فروفرستد،

الْغَيْثَ وَاكِفاً مِغْزاراً، غَيْثاً مُغِيثاً، واسِعاً مُتَّسِعاً، مُهَطِّلاً مَرِيئاً مُمْرِعاً،

ما را سیراب ساز با بارانی شدید و فراوان، بارانی یاری دهنده، فراگیر و گسترده، با دانه‌هایی درشت،

غَدِقاً مُغْدِقاً عُباباً، مُجَلْجِلاً سَحّاً سَحْساحاً، ثَجّاً ثَجّاجاً، سائِلاً

گوارا، پربار و سرسبز کننده، بارانی پربرکت، انبوه، پرطنین، با شدت، روان و سیل آسا و عام و

مَسِيلاً، عامّاً وَدْقاً مِطْفالاحاً، يَدْفَعُ الْوَدْقَ بِالْوَدْقِ دِفاعاً، وَيَتْلُو الْقَطْرُ

همگانی، قطره قطره، لبریز کننده، بارانی که دانه‌های درشت آن به هم بخورد و ریزش آن پیاپی باشد،

مِنْهُ قَطْراً، غَيْرَ خُلَّبٍ بَرْقُهُ، وَلا مُكَذِّبٍ وَعْدُهُ، تُنْعِشُ بِهِ الضَّعِيفَ

برقش فریب دهنده و رعدش دروغ نباشد، بندگان ضعیف و ناتوانت را به وسیله آن سرزنده سازی

مِنْ عِبادِكَ، وَتُحْيِي بِهِ الْمَيِّتَ مِنْ بِلادِكَ، وَتُونِقَ بِهِ ذُرَى الْأَكامِ مِنْ

و سرزمین‌های مرده را به وسیله آن احیا نمایی و تپّه‌ها را به وسیه آن سبز و خرّم کنی

بِلادِكَ، وَتَسْخُو بِهِ عَلَيْنا مِنْ مِنَنِكَ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

و سخاوت کنی به سبب آن بر ما از نعمت‌هایت، اجابت فرما ای پروردگار عالمیان.

هنوز آن دو بزرگوار از دعایشان فارغ نشده بودند که به خواست خدا آسمان بر آن‌ها بارید.

راوی گفت: به سلمان گفته شد : ای ابا عبد الله، آیا این دعاها به آن دو تعلیم داده شده بود؟ فرمود: وای بر شما، کجا هستید شما از فرمایش رسول خدا 9 که فرمود:

خداوند بر زبان اهل بیت من حکمت را جاری فرموده است.[1]

۱. قرب الاسناد: ص۱۵۷، من لایحضره الفقیه: ۵۳۷/۱، بحارالانوار: ۳۲۱/۹۱ ح۹.

(۱۶) دعای دیگری از آن حضرت در طلب باران

امام صادق 7 از پدر بزرگوارش، از جدّش روایت کرده که فرمودند:

اهل کوفه خدمت مولا امیرالمؤمنین 7 رسیدند و از نیامدن باران به آن حضرت شکایت کردند و خواستند که برای باران دعا کند، امیرالمؤمنین 7 به امام حسین 7 فرمودند: برخیز و از خدا برای ایشان باران بخواه،

امام حسین 7 برخاست و پس از حمد و ثنای الهی و درود فرستادن بر پیامبر 9 فرمود:

أَللَّهُمَّ مُعْطِيَ الْخَيْراٰتِ، وَمُنْزِلَ الْبَرَكاٰتِ، أَرْسِلِ السَّماٰءَ عَلَيْنا

خداوندا ای عطا کننده خیرات و نازل کننده برکات، آسمان را بر ما بارانی ساز که بارانی پیاپی فروفرستد، و

مِدْراٰرَةً، وَاسْقِنا غَيْثاً مِغْزاراً واٰسِعاً غَدَقاً، مُجَلِّلاً سَحّاً سَفُوحاً فُجاٰجاً،

ما را سیراب ساز با بارانی زیاد گسترده پربرکت، فراگیر که همه زمین را پوشش دهد و روان گردد و درّه‌ها و راه‌های

تُنَفِّسَ بِهِ الضَّعْفَ مِنْ عِباٰدِكَ، وَتُحْيي بِهِ الْمَيِّتَ مِنْ بِلاٰدِكَ،

بین کوه‌ها را فراگیرد، که به وسیله آن بندگان ضعیف تو سرزنده شوند و زمین‌های مرده به وسیلهٔ آن احیا گردد،

آمِينَ رَبَّ الْعاٰلَمِينَ.

به اجابت رسان ای پروردگار عالمیان.

هنوز امام 7 از دعایش فارغ نشده بود که یک مرتبه خداوند باران را فروفرستاد، عربی از بعضی از نواحی کوفه آمد و گفت: درّه‌ها و تپه‌ها را دیدم که آب در آن‌ها موج می‌زد.[1]

۱. بحارالانوار: ج۴۴ ص۱۸۷ ح۱۶، الابواب النورانيّة في كشف الاسرار الحسينيّة: ص۴۶.

۴۶

(۱۷) در پناه بردن آن حضرت به خدا از گرفتاری و اندوه و بلا

زهیر بن قین به امام حسین 7 عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، اجازه بده با این گروه جنگ کنیم، جنگ کردن با آنها هم اکنون آسانتر است بر ما تا آن وقت که دیگران به آن‌ها ملحق شوند، امام حسین 7 فرمود:

راست گفتی زهیر، ولی من ابتدا کننده به جنگ نمی‌باشم تا آن‌که آن‌ها شروع کنند.

زهیر عرض کرد: پس ما را ببر تا به کربلا فرود آییم زیرا آن جا کنار شط فرات است، ما در آنجا باشیم اگر با ما جنگیدند ما نیز با آن‌ها جنگ خواهیم کرد و از خدا علیه آن‌ها یاری می‌جوییم.

هنگامی که زهیر نام کربلا را برد اشک از دیدگان امام حسین 7 جاری گردید و فرمود: «**أَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلاء**».[1]

خداوندا، همانا من به تو پناه می‌برم از گرفتاری و اندوه و بلا.

۴۷

(۱۸) در پناه بردن آن حضرت به خدا از «عقر»

در وقعة الطف آمده است که: حرّ امام حسین 7 و اصحابش را به فرود آمدن در مکانی که در آنجا نه آبی بود و نه دهکده و روستایی[2] وادار کرد،

۱. مقتل الحسین 7 ، خوارزمی: ۳۳۴/۱.

۲. از این جمله ظاهر می شود که کربلا اسم یک قریه نبوده بلکه اسم یک منطقه و یک مجتمع بوده که همان قریه‌های بابل بوده‌اند، همان طور که در کتاب دلائل و مسائل سید هبة الدین شهرستانی 1

به او گفتند: بگذار در این آبادی (یعنی غاضریّه[1]) یا آن دیگری (یعنی شفیّه[2]) فرود آییم. حرّ گفت: نه به خدا نمی‌توانم چنین کاری کنم، این

است. سبط ابن جوزی گفته است: سپس امام حسین 7 فرمودند: این سرزمین را چه می نامند؟ گفتند: کربلا و گفته می شود: نینوا، که قریه‌ای است در آن. پس امام 7 گریست و فرمود: کرب و بلا (یعنی اندوه و بلا). سپس فرمود:

امّ سلمه به من خبر داد و گفت: جبرئیل نزد رسول خدا 9 بود و شما نزد من بودی، که گریه کردی، پس رسول خدا 9 فرمود: پسرم را رها کن، شما را رها کردم، رسول خدا 9 شما را گرفت و در دامان نهاد، جبرئیل عرض کرد: آیا او را دوست داری؟ فرمود: آری. عرض کرد: به زودی امتت او را خواهند کشت. اگر می‌خواهی خاک آن زمینی که در آن کشته می‌شود را به تو نشان دهم؟ فرمود: آری، پس جبرئیل بال خود را بر زمین کربلا گسترانید و آن را به رسول خدا 9 نشان داد.

سپس امام حسین 7 آن را بویید و فرمود: به خدا قسم، این همان زمینی است که جبرئیل به رسول خدا 9 خبر داده و همان است که من در آن کشته می شوم.

ابن سعد در طبقات از واقدی همین معنا را ذکر کرده، و نیز ابن سعد از شعبی نقل کرده است که گفت: هنگامی که حضرت علی 7 در مسیر خود عبورش به سرزمین کربلا افتاد، در موازات نینوی ـ قریه‌ای است بر فرات ـ ایستاد، فرمود: .... این سرزمین چه نام دارد؟ گفتند: کربلا، امام 7 گریست و زمین را با اشک چشمانش مرطوب ساخت، سپس فرمود:

وارد شدم بر رسول خدا 9 در حالی که او می‌گریست، عرض کردم: چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: همین اخیراً جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که فرندم حسین در کنار شط فرات کشته می‌شود، در محلّی که به آن کربلا گفته می‌شود، سپس مشتی از آن خاک گرفت و به مشام من رسانید، و لذا نمی‌توانم خود را از گریه نگهدارم.

حسن بن کثیر و عبد خیر روایت کرده و گفته‌اند: هنگامی که علی 7 به کربلا رسید ایستاد و گریه کرد و فرمود: پدرم فدای جوانانی که در اینجا کشته می‌شوند، اینجا محل خواباندن مرکب‌هایشان و محل نهادن بار و بنه آنان و قتلگاه مردان ایشان است. و آنگاه گریه او فزونی گرفت (ص۲۵۰ ط نجف) و ابن مزاحم آن را به چهار طریق روایت کرده است (صفین: ص۱۴۰ ـ ۱۴۲ ط هارون).

۱. غاضریه نسبت داده شده به غاضره از بنی اسد که هم اکنون زمین های اطراف قبر عون است، در یک فرسخی کربلا، و در آن آثار قلعه ای است که امروز به قلعه بنی اسد شناخته می شود.

۲. شفیه نیز چاه های آبی است برای بنی اسد، در نزدیک کربلا.

شخصی است که بر من به عنوان جاسوس گماشته‌اند.

زهیر بن قین به امام حسین 7 عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، جنگ با اینان هم اکنون آسان‌تر است از جنگ کردن با سپاهی که بعد از این به اینها ملحق می‌شوند، و به جان خودم سوگند پس از ایشان لشکری خواهد آمد که ما را قدرت نبرد با آنان نخواهد بود. امام حسین 7 به او فرمودند:

من کسی نیستم که ابتدا به جنگ کنم.

زهیر بن قین عرض کرد: ما را ببر به سوی این قریه تا در آنجا فرودآییم که جایگاه محکم و استوار است و بر لب شط فرات است، پس اگر ممانعت نمودند با آن‌ها می‌جنگیم، که جنگ کردن با آن‌ها آسان‌تر است بر ما از جنگ کردن با لشکری که بعد به آن‌ها ملحق می‌شود.

امام حسین 7 به او فرمودند: این چه قریه‌ای است؟ عرض کرد: این «عقر» است، امام حسین 7 فرمود:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَقْرِ.

خداوندا به تو پناه می‌برم از عَقْر.

(عَقْر در لغت به معنای جَرح است). سپس فرود آمد و آن روز پنج شنبه دوم محرم سال ۶۱ هجری قمری بوده است.[1]

۴۸

(۱۹) دعای آن حضرت برای دفع بلا

أَللّٰهُمَّ لاٰتَسْتَدرِجْنِي بِالْاِحْسانِ، وَلاٰتُؤَدِّبْنِي بِالْبَلاٰءِ.[2]

خداوندا با احسان خود مرا سزاوار کیفرم مساز و با بلا مرا تأدیب مفرما.

۱. وقعة الطف، ابی مخنف: ۱۷۸.

۲. دیوان امام حسین 7 : ص۴۲.

(۲۰) دعای مولا حسین بن علی علیهما السلام در هر صبح و شام

بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّـهِ وَبِاللَّـهِ، وَمِنَ اللَّـهِ وَإِلَى اللَّهِ،

به نام خداوند بخشنده مهربان. یاری می‌جویم به نام خدا و به ذات خدا و از خدا و به سوی خدا

وَفِي سَبِيلِ اللَّـهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّـهِ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّـهِ، وَلاٰ حَوْلَ

و در راه خدا و بر آیین رسول خدا، و توکّل کردم بر خدا هیچ جنبش و حرکت

وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللَّـهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و توانی نیست جز به وسیله خداوند بلند مرتبه.بزرگ.

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ

خداوندا من جان خود را به تو تسلیم نمودم و چهره‌ام را متوجه تو ساختم و کار

أَمْرِي إِلَيْكَ، إِيّاكَ أَسْأَلُ الْعافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ.

خود را به تو واگذار کردم، تنها از تو عافیت می‌طلبم از هر بدی در دنیا و آخرت.

أَللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِينِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ، وَلاٰ يَكْفِينِي أَحَدٌ مِنْكَ، فَاكْفِنِي

خداوندا تو مرا از هر کسی کفایت می‌کنی و هیچ کس کفایت نمی‌کند مرا از تو، پس کفایت کن مرا از

مِنْ كُلِّ أَحَدٍ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً،

هر کسی در مورد آنچه می‌ترسم و از آن حذر می‌نمایم، و قرار بده برای من از کار من گشایشی و راه خروجی

إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلاٰ أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ، وَلاٰ أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

را که تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو قدرت داری و من توانایی ندارم، و تو بر هر چیز توانایی، به رحمت

بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ. (۱)

و مهربانیت ای مهربان‌تر از همه مهربانان.

۱. مهج الدعوات: ۱۹۸، بحارالانوار: ۳۱۳/۸۶ ج۶۵.

۵۰

(۲۱) دعای امام حسین علیه‌السلام در کنار قبر مبارک جدّش رسول خدا 9

امام حسین 7 آمدند در کنار قبر جدّ خود و چند رکعت نماز خواندند، آن‌گاه عرض کردند: ....

أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا قَبْرُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَا ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَقَدْ حَضَرَنِي مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ عَلِمْتَ.

خداوندا این قبر پیامبرت حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله و من پسر دختر پیامبرت هستم، برای من پیش آمده آنچه می‌دانی،

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُحِبُّ الْمَعْرُوفَ، وَأُنْكِرُ الْمُنْكَرَ، وَأَنَا أَسْئَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بِحَقِّ هٰذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ، إِلَّا اخْتَرْتَ لِي مِنْ أَمْرِي مَا هُوَ لَكَ رِضىً، وَ لِرَسُولِكَ رِضىً، وَلِلْمُومِنِينَ رِضىً.

خداوندا من معروف را دوست دارم و مُنکر را نمی‌پسندم و از تو می‌خواهم ای دارنده شکوه و عظمت و بزرگواری به حقّ این قبر و به حقّ کسی که در آن آرمیده که برای من اختیار کنی آنچه رضای تو و رضای پیامبرت و خشنودی مؤمنین در آن است،

سپس گریستند.[1]

۵۱

(۲۲) دعا در مقابر که از امام حسین علیه‌السلام روایت شده

از امام حسین 7 روایت شده است که فرمودند:

کسی که داخل مقبره‌ای شود و بگوید:

۱ مقتل الحسین 7 ، مقرّم: ص۱۳۲.

أَللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ، وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، وَالْعِظَامِ النَّخِرَةِ

خداوندا، ای پروردگار این ارواح سالخورده و جسدهای پوسیده شده و استخوان‌های از هم گسیخته

الَّتِي خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ مُؤْمِنَةٌ، أَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ

که از دنیا خارج گشته در حالی که مؤمن بوده‌اند، شادمانی و آرامش و آسایشی از طرف خودت و سلامی از طرف

وَسَلاماً مِنِّي.

من بر آن‌ها وارد نما.

خداوند برای او به عدد خلق، از زمان حضرت آدم تا قیام قیامت حسنه نویسد.[1]

۵۲

(۲۳) نقش خاتم آن حضرت علیه‌السلام

حسن بن علی بن سالم از پدرش و او از امام صادق 7 و آن حضرت از پدر بزرگوار خود 7 روایت کرده‌اند که فرمود:

برای حسین بن علی 8 دو انگشتر بود، بر یکی از آن دو نقش شده بود: «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ عُدَّةً لِلِقَاءِ اللَّهِ**»؛ «معبود شایسته‌ای جز خدا نیست (و این کلمه) سرمایه برای لقاء الله است.»[2]

۵۳

(۲۴) نقش انگشتر دیگر آن حضرت علیه‌السلام

بر انگشتر دیگر آن حضرت نقش شده بود:

«**إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ**»؛ «همانا خداوند کار خود را به تمام و کمال می‌رساند».

۱. بحارالانوار: ۱۰۲/۳۰۰ ح۳۱.
۲. بحارالانوار: ۴۳/۲۴۷ ح۲۲.

و نقش انگشتر حضرت علی بن الحسین 8 چنین بود:

خَـزِيٌّ وَشَـقِيٌّ قاتِـلُ الْحُسَـيْنِ بْـنِ عَلِيٍّ. «خوار و رسـوا و بدبخت اسـت قاتل حسـین بـن علی 8 »

محمّـد بـن مسـلم می‌گویـد: از امـام صـادق 7 در مـورد انگشـتر امـام حسـین 7 سـؤال کـردم کـه به دسـت چه کسـی افتاد و چـه شـد؟ و گفتم: من شـنیده‌ام کـه از انگشـت آن حضـرت ربودنـد. امـام 7 فرمـود:

> آن گونه که گفته‌اند نیست، همانا امام حسین 7 به فرزندش حضرت علی بن الحسین وصیت کرد و انگشتر خود را در انگشت ایشان قرار داد و امر خود را به آن حضرت واگذار فرمود، همان طور که رسول خدا 9 نسبت به امیرالمؤمنین 7 و امیرالمؤمنین 7 نسبت به امام حسن 7 ، و امام حسن 7 نسبت به امام حسین 7 چنین کرد، و سپس آن انگشتر به دست پدرم قرار گرفت، بعد از پدرش، و از آن حضرت به من رسید و اکنون نزد من است، و من در هر روز جمعه آن را به انگشت می‌کنم و با آن نماز می‌خوانم.

محمّـد بـن مسـلم می‌گویـد: روز جمعـه خدمـت آن حضـرت رسـیدم و آن حضـرت نمـاز می‌خواندنـد، هنگامـی کـه از نمـاز خـود فـارغ گردیدنـد دسـت خـود را بـه سـوی مـن کشـیدند، من در انگشـت مبارکـش انگشـتری را دیدم که نقـش آن چنیـن بـود: «**لاٰ إِلٰـهَ إِلَّا اللَّـهُ عُـدَّةً لِلِقاٰءِ اللَّـهِ**». «معبود شایسـته‌ای جـز خـدا نیسـت (و ایـن کلمه) سـرمایه بـرای لقاء الله اسـت».

و فرمود:

> این انگشتر جدّم حضرت اباعبد الله الحسین 7 است.[1]

۱ موسوعة الامام الحسین 7 : ج۱۸ ص۱۱۱.

طبری گوید: و برای آن حضرت دو انگشتر بود، یکی از آن دو عقیق و نقش آن چنین بود:

«إِنَّ اللَّهَ بٰالِغُ أَمْرِهِ»؛«همانا خداوند کار خود را به تمام و کمال می‌رساند».

و انگشتر دوم که آن را در روز شهادت از دست آن حضرت 7 ربودند بر آن نقش شده بود:

«لاٰ إِلٰـهَ إِلَّا اللَّـهُ عُـدَّةً لِلِقـاٰءِ اللَّـهِ»؛ «معبود شایسته‌ای جز خدا نیست (و این کلمه) سرمایه برای لقاء الله است.»

و کسی که مثل این دو را در انگشت نماید برای او حرز است از شیطان.[1]

۵۴

(۲۵) درود فرستادن بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام

شیخ طوسی در مصباح گفته است: صلوات بر امام حسن و امام حسین 8 (اینگونه است):

أَللّٰهُـمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُـولِكَ

خداوندا درود فرست بر امام حسن وامام حسین، دو بنده‌ات و دو ولیّت، و دو فرزند رسولت،

وَسِـبْطَيِ الرَّحْمَـةِ وَسَـيِّدَيْ شَـبٰابِ أَهْـلِ الْجَنَّـةِ أَفْضَـلَ مٰا صَلَّيْـتَ عَلىٰ

و دو سبط رحمت و دو سرور جوانان اهل بشهت، بهتر از درودی که بر

أَحَدٍ مِـنْ أَوْلاٰدِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَـلِينَ.

اولاد پیامبران و مرسلین فرستادی.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

خداوندا درود فرست بر امام حسن 7 فرزند سرور پیامبران ووصی امیرمؤمنان.

۱. دلائل الامامة : ص۱۸۱.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیا،

أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ مَظْلُوماً

گواهی می‌دهم که تو ای فرزند امیرمؤمنان امین پروردگار و پسر امین او هستید، و مظلومانه زیستی

وَمَضَيْتَ شَهِيداً، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ. أَللَّهُمَّ صَلِّ

و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می‌دهم که تو امام پاک هدایت کنندهٔ هدایت شده‌ای، خداوندا درود فرست

عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

بر او و به روح پاک آن حضرت و جسد مطهرش در همین ساعت برسان، بهترین تحیّت و سلام را.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْكَفَرَةِ وَطَرِيحِ

خداوندا درود فرست بر حسین بن علی آن که مظلوم بود و به شهادت رسید، کشتهٔ شدهٔ

الْفَجَرَةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

کافران و رانده شدهٔ فاجران. سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ مُوقِناً أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، گواهی می‌دهم از روی یقین که تو امین پروردگار و فرزند امین او هستی، کشته

قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ شَهِيداً، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعالَى الطّالِبُ بِثَأْرِكَ

شدی مظلومانه و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می‌دهم که خداوند تبارک و تعالی طلب کنندهٔ خون تو و وفا

وَمُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ التَّأْيِيدِ فِي هَلاكِ عَدُوِّكَ وَ إِظْهارِ دَعْوَتِكَ،

کننده است به آنچه به تو وعده فرموده از یاری نمودن و تأیید در هلاکت دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ

و گواهی می‌دهم که تو به عهد و پیمان الهی وفا کردی و در راه خدا جهاد نمودی و خالصانه خدا را پرستش و

اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ

بندگی کردی تا فرارسیدن مرگ، خداوند لعنت کند امتی را که تو را کشت، و خدا لعنت کند امّتی که تو را رها کرد

أُمَّـةً خَذَلَتْـكَ وَلَعَـنَ اللَّـهُ أَمَـةً أَلَبَّـتْ عَلَيْـكَ، وَأَبْـرَأُ إِلَـى اللَّـهِ تَعالـىٰ

و یاری ننمود و خدا لعنت کند امتی را که کمر به جنگ با تو بست، و بیزاری می‌جویم به درگاه خداوند تبارک

مِمَّـنْ أَكْذَبَـكَ، وَاسْـتَخَفَّ بِحَقِّـكَ، وَاسْـتَحَلَّ دَمَـكَ، بِأَبِي أَنْـتَ وَأُمِّي

و تعالی از کسانی که تو را تکذیب نمودند و حقّ تو را سبک شمردند و خون تو را حلال شمردند، پدر و مادرم به

يـا أَبـا عَبْدِاللَّـهِ، لَعَـنَ اللَّـهُ قاتِلَكَ وَلَعَـنَ اللَّـهُ خاذِلَـكَ وَلَعَنَ اللَّـهُ مَنْ

فدای تو ای ابا عبد الله، لعنت خدا بر قاتل تو و لعنت خدا بر کسی که تو را یاری نکرد، و لعنت خدا بر کسی که

سَـمِعَ واعِيَتَـكَ فَلَـمْ يُجِبْـكَ وَلَـمْ يَنْصُـرْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَـبَى نِسـاءَكَ،

فریاد استغاثه تو را شنید و به آن لبّیک نگفت و تو را یاری ننمود، و لعنت خدا بر کسی که زنان شما را به اسارت

أَنَـا إِلَـى اللَّـهِ مِنْهُـمْ بَـرِيءٌ وَمِمَّـنْ والاهُـمْ وَمالَاهُـمْ وَأَعانَهُـمْ عَلَيْـهِ،

گرفتند، من به درگاه خداوند از آن‌ها بری و بیزارم و از کسانی که در پی آن‌ها رفتند و علیه او به آن‌ها کمک کردند،

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ وَالْأَئِمَّـةَ مِـنْ وُلْـدِكَ كَلِمَـةُ التَّقْـوىٰ وَبـابُ الْهُـدىٰ

گواهی می‌دهم که تو و امامان از فرزندان تو نشانهٔ تقوا و باب هدایت و دست آویز

وَالْعُـرْوَةُ الْوُثْقـىٰ وَالْحُجَّـةُ عَلَـى أَهْـلِ الدُّنْيـا، وَأَشْـهَدُ أَنِّي بِكُـمْ مُؤْمِنٌ

مطمئن و حجت بر اهل دنیا هستید، و گواهی می‌دهم که من به تو ایمان دارم و به مقام و مرتبه

وَبِمَنْزِلَتِكُـمْ مُوقِـنٌ وَلَكُـمْ تابِـعٌ بِـذاتِ نَفْسِـي وَشَـرائِعِ دِينِـي وَخَواتِيـمِ

و جایگاه تو یقین دارم و برای شما پیرو هستم در امور مربوط به خودم و شرایع دینم و سرانجام

عَمَلِـي وَمُنْقَلَبِـي فِـي دُنْيـايَ وَآخِرَتِي.(۱)

کارم و بازگشتم در دنیایم و آخرتم.

۱. مصباح المتهجّد: ص۴۰۱، جمال الاسبوع: ص۲۹۷، بحار الانوار: ج۹۴ ص۷۴، مفاتیح النجاة (مخطوط): ص۴۳۲.



(۲۶) دعایی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به آن... حضرت تعلیم نمود

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَأَشْكُرُكَ عَلىٰ كُلِّ حَسَنَةٍ،

خداوندا تو را حمد و ستایش می‌نمایم بر هر نعمتی، و سپاس‌گزاری می‌کنم بر هر نیکی،

وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، وَأَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ

و طلب آمرزش می‌نمایم از هر گناهی، و از تو می‌خواهم از هر خیری، به تو پناه می‌برم از

كُلِّ بَلاءٍ، وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.[1]

هر بلایی، و هیچ جنبش و حرکت و توانی نیست جز به وسیله خداوند بلند مرتبهٔ بزرگ.



۱. الصحیفة العلویة الجامعة: ص۵۶۱.

۴

بخش چهارم

دعاهایی مخصوص زمان های معین شده

«ادعیه موقّته»

باب چهارم

دعاهایی که برای آن ها زمان خاصی ذکر شده

[فصل اول]

۵۶

(۱) دعای «ساعت سوم» از هر روز که اختصاص به مولای ما امام حسین علیه‌السلام دارد

«ساعت سوم» از زایل شدن سرخی خورشید است تا بلند شدن روز، و آن ساعت اختصاص به امام حسین 7 دارد و باید در آن ساعت این دعا را خواند:

أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْبابِ، وَمُسَبِّبَ الْاَسْبابِ، وَمالِكَ الرِّقابِ، وَمُسَخِّرَ

خداوندا، ای پرورش دهنده همهٔ پرورش دهندگان، ای سبب ساز اسباب، ای مالک و صاحب اختیار

السَّحابِ، وَمُسَهِّلَ الصِّعابِ، يا حَلِيمُ يا تَوّابُ، يا كَرِيمُ يا وَهّابُ،

انسان‌ها، ای تسخیر کننده ابرها، و ای آسان کننده دشواری‌ها، ای توبه پذیر، ای بزرگوار، ای بخشنده،

يا مُفَتِّحَ الْاَبْوابِ، يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ أَجابَ، يا مَنْ لَيْسَ لَهُ

ای گشاینده درها، ای آنکه هر کجا خوانده شود جواب دهد، ای آنکه برایش

حَجِـابٌ[1] وَلا بَـوّابٌ، يـا مَـنْ لَيْـسَ لِخَزائِنِـهِ قُفْـلٌ وَلا بـابٌ، يـا مَـنْ

حاجبی نیست، و نه دربانی، ای آنکه نیست برای خانه‌های او قفلی و نه دری، ای آنکه افکنده نشده

لا يُرْخـىٰ عَلَيْهِ سِـتْرٌ وَلا يُضْرَبُ مِـنْ دُونِهِ حِجابٌ، يا مَنْ يَرْزُقُ مَنْ يَشـاءُ

بر او پرده‌ای، و زده نشده بین او و بندگانش حجابی، ای آنکه هر که را بخواهد بدون

بِغَيْـرِ حِسـابٍ، يا غافِـرَ الذَّنْـبِ وَقابِلَ التَّـوْبِ شَـدِيدَ الْعِقابِ.

حساب روزی می‌دهد، ای آمرزنده گناه و پذیرنده توبه و سخت کیفر.

أَللَّهُـمَّ انْقَطَـعَ الرَّجـاءُ إِلّا مِنْ فَضْلِكَ، وَخـابَ الْاَمَلُ إِلّا مِـنْ كَرَمِكَ،

خداوندا، هر امیدی جز از فضل و احسان تو قطع گردیده، و هر آرزویی جز از کرم و بزرگواری تو ناکام

فَأَسْـئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُـولِكَ، وَبِعَلِيِّ بْـنِ أَبِي طالِبٍ صَفِيِّكَ، وَبِالْحُسَـيْنِ

گشته، از تو می‌خواهم به حقّ حضرت محمّد 9 فرستاده‌ات، و به حقّ علی بن ابی طالب 8 برگزیده‌ات، و

الْإِمـامِ التَّقِـيِّ الَّذِي اشـتَرىٰ نَفْسَـهُ ابْتِغـاءَ مَرْضاتِـكَ، وَجاهَـدَ النّاكِثِينَ

به حقّ امام حسین 7 آن پیشوای پرهیزکاری که جان خود را در طلب رضای تو فروخت و با پیمان شکنان

عَـنْ صِـراطِ طاعَتِـكَ، فَقَتَلُـوهُ سـاغِباً ظَمْآنـاً، وَهَتَكُـوا حُرمَتَـهُ بَغْيـاً

و منحرفان از راه طاعت تو جهاد نمود، پس او را گرسنه و تشنه کشتند و از روی ستم و دشمنی حرمتش

وَعُدْوانـاً، وَحَمَلُـوا رَأْسَـهُ فِـي الْآفـاقِ، وَأَحَلَّـوْهُ مَحَـلَّ أَهْـلِ الْعِنـادِ

را رعایت نکردند و سر مبارک او را در تمام آفاق و شهر و دیار بردند و گرداندند و او را به منزلهٔ اهل

وَالشِّـقاقِ. أَللَّهُـمَّ فَصَلِّ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِـهِ[1]، وَجَدِّدْ عَلَـى الْباغِي عَلَيْهِ

عناد و انحراف قرار دادند. خداوند پس بر حضرت محمّد و خاندان او درود فرست، و نو و تازه گردان بر

مُخْزِيـاتِ لَعْنَتِـكَ[2] وَانْتِقامِـكَ، وَمُرْدِيـاتِ سَـخَطِكَ وَنَكالِـكَ.

ستم‌کننده بر او لعنت‌های خوار کننده و انتقامت را و خشم‌ها و عقوبت‌های هلاکت بار خود را.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَسْـئَلُكَ بِمُحَمَّـدٍ وَآلِهِ، وَأَسْتَشْـفِعُ بِهِـمْ إِلَيْـكَ، وَأُقَدِّمُهُمْ

خداوندا از تو درخواست می‌کنم به محمّد و آل محمّد، و آنان را شفیع خود به درگاه تو می‌آورم، و

۱. «حاجب»، خ ل. ۲. «و آلِ مُحمَّدٍ»، خ ل. ۳. «لَعنكَ»، خ، ل.

أَمامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوائِجِي، أَنْ لاتَقْطَعَ رَجائِي مِنِ امْتِنانِكَ وَإِفْضالِكَ،

آن‌ها را پیشاپیش خودم و حوائجم قرار می‌دهم که امیدم را از لطف و بخشش خویش قطع نکنی،

وَلا تُخَيِّبَ تَأْمِيلِي فِي إِحْسانِكَ وَنَوالِكَ، وَلاتَهْتِكَ السِّتْرَ الْمَسْدُولَ

آرزویم را در احسان و عطایت ناکام نگردانی، و پرده‌ای را که بر من و بر گناهم کشیده‌ای

عَلَيَّ مِنْ جِهَتِكَ، وَلاتُغَيِّرَ عَنِّي عَوائِدَ طَوْلِكَ وَنِعَمِكَ، وَوَفِّقْنِي

کنار نزنی، و بهره‌ها و فوائد الطاف و نعمت‌هایت را از من دگرگون نسازی، و به آنچه مرا مقرب درگاهت

لِما يُنْفِعُنِي[1] إِلَيْكَ، وَاصْرِفْنِي عَمّا يُباعِدُنِي عَنْكَ، وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ

می‌سازد توفیق دهی و از آنچه مرا از درگاهت دور می‌سازد بازبداری، و از خیر و خوبی به من عطا کنی

أَفْضَلَ ما[2] أَرْجُو، وَاكْفِنِي مِنَ الشَّرِّ مِمّا أَخافُ وَأَحْذَرُ بِرَحْمَتِكَ

بهتر از آنچه امید دارم، و از شرّ آنچه از آن بیم و هراس دارم مرا کفایت نمایی به رحمتت

يا أَرْحَمَ الرّاحِمِين.[3]

ای مهربان‌ترین مهربانان.

۵۷

(۲) دعای دوم در «ساعت سوم»

يا مَنْ تَجَبَّرَ فَلاعَيْنٌ تَراهُ، يا مَنْ تَعَظَّمَ فَلاتَخْطُرُ الْقُلُوبُ بِكُنْهِهِ،

ای صاحب جبروت و کبریایی که چشمی او را نبیند، ای صاحب عظمت که دل‌ها به کنه عظمت

يا حَسَنَ الْمَنِّ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا حَسَنَ الْعَفْوِ، يا جَوادُ يا كَرِيمُ،

او راه پیدا نکند، ای صاحب احسان نیکو، ای صاحب گذشت نیکو، ای صاحب عفو و بخشش نیکو، ای

---

۱. «يَقرُبُني»، خ ل.
۲. «مِمّا أَرْجُو» ، خ ل.
۳. مفتاح الفلاح: ص۳۴۳، مقباس المصابیح: ص۲۸۵، بحارالانوار: ج۸۶ ص۳۴۲.

يـا مَـنْ لا يُشْـبِهُهُ شَـيْءٌ مِـنْ خَلْقِهِ، يـا مَنْ مَـنَّ عَلـىٰ خَلْقِـهِ بِأَوْلِيائِـهِ إِذْ

بخشنده، ای بزرگوار، ای آنکه هیچ چیز از خلق او به او شباهت ندارد، ای آنکه منّت نهاد بر خلقش به

اِرْتَضاهُـمْ لِدِينِـهِ، وَأَدَّبَ بِهِـمْ عِبـادَهُ، وَجَعَلَهُـمْ حُجَجـاً مَنّـاً مِنْـهُ عَلـىٰ

وجود اولیائش که آن‌ها را برای دینش پسندید و بندگانش را به وسیلهٔ آنان ادب نمود، و آنان را حجت

خَلْقِـهِ، أَسْـئَلُكَ بِحَـقِّ وَلِيِّـكَ الْحُسَـيْنِ بْـنِ عَلِـيٍّ عَلَيْهِمَـا السَّـلامُ

خویش قرار داد. و این منّتی است از او بر خلقش، از تو می‌خواهم به حق ولیّت حسین بن علی نوهٔ پیامبرت که

اَلسِّـبْطِ التّابِـعِ لِمَرْضاتِـكَ، وَالنّاصِـحِ فِي دِينِـكَ، وَالدَّلِيلِ عَلـىٰ ذاتِكَ،

تابع رضا و خشنودی تو است، و نصیحت کننده و خیر خواه است در دین تو، و دلالت کننده بر ذات مقدس تو

أَسْـئَلُكَ بِحَقِّـهِ وَأُقَدِّمُـهُ بَيْـنَ يَـدَيْ حَوائِجِـي وَرَغْبَتِـي إِلَيْـكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

است، از تو درخواست می‌کنم به حقّ او و واو را پیشاپیش حوائج و زاری و دعایم به درگاه تو قرار می‌دهم

عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ وَأَنْ تُعِينَنِـي عَلـىٰ طاعَتِـكَ وَأَفْعـالِ الْخَيْـرِ

که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا یاری نمایی و مددرسانی بر طاعت خود و برکارهای خیر و هر

وَكُلِّ مـا يُرْضِيـكَ عَنِّـي وَيُقَرِّبُنِـي مِنْـكَ، يـا ذَا الْجَـلالِ وَالْإِكْـرامِ

چیزی که تو را از من خشنود می‌گرداند و مایه قرب من به حضرتت می‌گردد، ای صاحب بزرگی و بزرگواری

وَالْفَضْـلِ وَالْإِنْعـامِ، يـا وَهّـابُ يـا كَرِيـمُ، وَأَنْ تَفْعَـلَ بِـي كَذا وَكَـذا.(۱)

و بخشش و لطف و احسان. ای بسیار بخشنده، ای بزرگوار، و اینکه انجام دهی نسبت به من چنین و چنان.

۵۸

(۳) تسبیح امام حسین علیه‌السلام در روز پنجم هر ماه

سُـبْحانَ الرَّفِيـعِ الْأَعْلـىٰ، سُـبْحانَ الْعَظِيـمِ الْأَعْظَـمِ، سُـبْحانَ مَـنْ

پاک و منزّه است خداوند بلند مرتبه عالی رتبه، پاک و منزّه است خداوند بزرگ با عظمت، پاک و منزّه

۱. البلد الامین: ص۲۰۸، مصباح المتهجد: ص۵۱۳،

هُـوَ هٰكَـذٰا وَلٰا يَكُـونُ هٰكَـذٰا غَيْـرُهُ، وَلٰا يَقْـدِرُ أَحَـدٌ قُدْرَتَـهُ، سُـبْحٰانَ

است کسی که او این گونه است و غیر او هرگز این گونه نمی‌باشد و هیچ کس توانایی در برابر قدرت او را ندارد،

مَـنْ أَوَّلَـهُ عِلْـمٌ لٰا يُوصَـفُ، وَآخِـرَهُ عِلْـمٌ لٰايَبِيـدُ، «سُـبْحٰانَ مَـنْ

پاک و منزه است آنکه ابتدایش علمی است که قابل توصیف نیست و انتهایش علمی است که نابود نشود و فنا

عَـلٰا فَـوقَ»[1] الْبَرِيّـاتِ بِالْاِلٰهِيَّـةِ، فَلٰاعَيْـنٌ تُدْرِكُـهُ، وَلٰاعَقْـلٌ يُمَثِّلُـهُ،

نپذیرد، پاک و منزه است کسی که برتری و چیرگی دارد بر همه موجودات با خداوندی‌اش، پس هیچ چشمی او را

وَلٰا وَهْـمٌ يُصَـوِّرُهُ، وَلٰا لِسـٰانٌ يَصِفُـهُ بِغٰايَـةِ مٰالَـهُ «مِـنَ»[2] الْوَصْـفِ،

درنیابد، هیچ عقلی او را ممثّل نسازد و هیچ وهم و خیال او را به تصویر درنیاورد، و هیچ زبانی اورا توصیف نکند به

سُـبْحٰانَ مَـنْ عَلٰافِـي الْهَـوٰاءِ، سُـبْحٰانَ مَـنْ قَضَـى الْمَـوْتَ عَلَـى

نهایت آنچه برای او ار توصیف است، پاک و منزّه است آنکه برتری دارد در هوا و پاک و منزه است آنکه حتمی

الْعِبـٰادِ، سُـبْحٰانَ الْمَلِـكِ الْمُقْتَـدِرِ[3]، سُـبْحٰانَ الْمَلِـكِ الْقُـدُّوسِ،

ساخته مرگ را بربندگان، پاک و منزّه است آن پادشاه مقتدر، پاک و منزّه است آن فرمانروای پاک، پاک و منزّه

سُـبْحٰانَ الْبٰاقِـي الدّائِـمِ.[4]

است آنکه باقی و همیشگی و جاودان است.

۱. «سُبحانَ مَن عَلی سبحان من إلی فوق»، نسخه ب.

۲. عبارت در پرانتز در بحارالانوار نیست.

۳. «القادر»، بحارالانوار.

۴. دعوات: ص۹۲، بحارالانوار: ج۹۴، ص۲۰۶.

[فصل دوم]

در دعاهای ماه محرم، و روز تولد حضرت

۵۹

(۴) دعا در هنگام دیدن هلال ماه محرّم

سید بن طاووس 1 در کتاب اقبال گفته است :

امّا عمل این شب یعنی شب اوّل محرم دعایی است که صاحب کتاب «المختصر من المنتخب» ذکر کرده، او گفته است، وقتی هلال را دیدی خدا را به بزرگی یاد کن و بگو:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ، اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، پروردگار من و پروردگار تو خدا است،

إِلّا هُوَ رَبُّ الْعاٰلَمِينَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ،

خدایی که هیچ معبود شایسته‌ای جز او نیست و او پروردگار جهانیان است، حمد و ستایش سزاوار

وَقَدَّرَكَ فِي مَنٰازِلِكَ، وَجَعَلَكَ آيَةً لِلْعاٰلَمِينَ، يُباٰهِيَ اللّٰهُ بِكَ الْمَلاٰئِكَةَ.

او است که مرا و تو را آفرید. و تو را آیت و نشانه برای اهل عالم قرار داد، و خدا به وجود تو بر

أَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْاَمْنِ وَالْإِيماٰنِ، وَالسَّلاٰمَةِ وَالْإِسْلاٰمِ، والْغِبْطَةِ

ملائکه‌اش مباهات نمود. خداوندا آن را آشکار ساز بر ما به ایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام و غبطه

وَالسُّرُورِ وَالْبَهْجَةِ، وَثَبِّتْنا عَلىٰ طاعَتِكَ، وَالْمُسارَعَةِ فِيما يُرْضِيكَ.

و شادمانی و خرّمی، و ما را ثابت بدار بر اطاعتت و شتاب نمودن در آنچه تو را خشنود می‌سازد.

أَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا فِي شَهْرِنا هَذا، وَارْزُقْنا خَيْرَهُ وبَرَكَتَهُ، ويُمْنَهُ وعَوْنَهُ

خداوندا این ماه را برای ما مایه برکت قرار بده و خیر و برکت و سعادت و یاری

وَفَوْزَهُ، وَاصْرِفْ عَنّا شَرَّهُ وَبَلاءَهُ وَفِتْنَتَهُ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[1]

و پیروزی آن را روزی ما گردان، و از ما بگردان بدی و بلا و فتنه آن را، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

در اعمال شب اوّل محرّم

سید ابن طاووس 1 در کتاب اقبال الاعمال گفته است: بدان که همراهی و همدلی نمودن با پیشوایان زمان و صاحبان احسان در شادمانی و غم از کارهای مهم و ارزنده اهل صفا و دارندگان وفا و مخلصان در ولاء و محبّت است.

در این دهه دشمنان بر کشتن ذریه سرور پیامبران 9 اجتماع کرده و گرد هم آمدند و بر شکستن حرمت پروردگار عالم مالک دنیا و آخرت و شکستن حرمت رسول او 9 ، صاحب نعمت‌های ظاهری و باطنی، و شکستن حرمت اسلام و مسلمین هجوم آوردند و لباس‌های حزن پوشیده شد بر فساد امور دنیا و دین.

پس سزاوار است که از شب اول این ماه در چهره‌ها، حرکات و سکنات، نشانه‌های اهل مصیبت‌های بزرگ، ظاهر شود و همهٔ شئون آدمی را فراگیرد، و با این عمل اظهار محبّت با اولیای الهی و اظهار دشمنی با دشمنان او را قصد کند، و بیان آن در عقول و شرح آن در منقول موجود است.

می گویم: از احادیث از پشوایان معقول که آن را منقول تصدیق می کند حدیثی است که با چندین طریق، به شیخ صدوق از امالی او به سندش از

۱. اقبال الاعمال: ج۳ ص۳۰.

ابراهیم بن ابی محمود آن را روایت کرده‌ایم و ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا 7 روایت کرده است که فرمودند:

محرّم ماهی است که اهل جاهلیّت جنگ و خون ریزی در آن را حرام می‌دانستند ولی ریختن خون‌های ما در آن ماه حلال شمرده شد حرمت ما در آن نادیده گرفته شد و کودکان و زنان ما در آن اسیر شدند، در خیمه‌های ما آتش افروخته شد و آنچه در آن از اثاث بود به غارت برده شد، و برای رسول خدا 9 حرمتی رعایت نشد در امر ما.

همانا روز (شهادت) امام حسین 7 پلک چشمان ما را مجروح و اشک ما را روان ساخته و عزیز ما را خوار نمود. ای سرزمین کربلا تو ما را وارث غم و اندوه خود کردی تا روز رستاخیز، پس بر همچون حسین 7 باید گریه کنندگان گریه کنند که گریه بر آن حضرت گناهان بزرگ را فروریزد.

سپس فرمود: پدرم ـ که درود خدا بر او باد ـ این گونه بود که چون ماه محرّم فرامی رسید دیگر خندان دیده نمی‌شد و اندوه و دل شکستگی بر وجودش غلبه می‌نمود تا ده روز می‌گذشت، روز دهم که می‌شد آن روز روز مصیبت و حزن و گریه آن حضرت بود، و می‌فرمود: امروز همان روزی است که امام حسین 7 در آن به شهادت رسید.

و از آنچه نقل شده از امالی شیخ صدوق 2 حدیثی است که آن را به سند او از ریّان بن شبیب روایت کرده‌ایم، ریّان گفت:

در روز اوّل محرم خدمت حضرت رضا 7 رسیدم، به من فرمود: ای پسر شبیب آیا روزه‌ای؟ عرض کردم : نه.

حضرت رضا 7 فرمود: امروز همان روزی است که زکریّا دعا کرد، به درگاه ربوبی و عرض کرد: «پروردگارا به من از نزد خود ذریه پاکی ببخش، که تو شنونده دعا هستی»[1] و خداوند دعای او را به اجابت رسانید و ملائکه‌اش را فرمود که زکریا را خبر دهند ـ «در حالی که او در محراب ایستاده و نماز می‌خواند ـ خداوند تو را بشارت می‌دهد به فرزندی که نامش یحیی باشد»[2]. پس هر کس امروز را روزه بگیرد و آنگاه دعا کند خداوند دعای او را مستجاب فرماید همان طور که دعای زکریا را مستجاب گردانید.

سپس فرمود: ای پسر شبیب، محرم ماهی است که اهل جاهلیت در گذشته ظلم و ستم و جنگ و خون ریزی را به خاطر حرمت آن حرام می‌دانستند، امّا این امّت حرمتی برای این ماه نشناخت و حرمت پیامبرش را رعایت ننمود، در این ماه ذریّه آن حضرت را به شهادت رسانید، زنان او را اسیر و اموالش را به غارت بردند، خدا هرگز آن‌ها را مورد آمرزش خود قرار ندهد. ای پسرشبیب اگر خواستی بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی 8 گریه کن، که او را همانند گوسفندی ذبح نمودند و با او از اهل بیتش هجده نفر را کشتند که برای آنان در روی زمین نظیر و مانند نبود.

و آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها بر آن حضرت گریستند، چهار هزار از ملائکه برای یاری آن حضرت به سوی زمین فرودآمدند ولی وقتی رسیدند که آن حضرت به شهادت رسیده بود، پس آن‌ها

---

۱ و۲. سورهٔ آل عمران، آیات ۳۸ و۳۹.

در کنار قبر آن حضرت پیوسته موپریشان و غبارآلود خواهند بود تا روزی که آن قیام کننده قیام کند، پس از یاوران آن حضرت خواهند بود و شعارشان «**یالثارات الحسین**» است یعنی «ما خون‌خواه حسین هستیم».

ای پسر شبیب، پدرم از پدرش، از جدّش روایت کرده‌اند که چون جدّم امام حسین 7 به شهادت رسید، آسمان خون و خاک سرخ بارید.

ای پسر شبیب، اگر گریه کردی بر امام حسین 7 تا اشک‌هایت بر صورتت جاری شد خداوند همه گناهانت را کوچک باشد یا بزرگ کم باشد یا زیاد خواهد آمرزید.

ای پسر شبیب، اگر مسرور کند تو را اینکه خدا را ملاقات کنی در حالی که هیچ گناهی بر تو نباشد، پس امام حسین 7 را زیارت کن.

ای پسر شبیب، اگر خشنود کند تو را اینکه در غرفه‌های بناشده در بهشت همراه محمّد و آل محمّد : باشی، قاتلان امام حسین 7 را لعنت کن.

ای پسر شبیب، اگر شاد کند تو را اینکه برایت ثوابی همانند ثواب شهیدشدگان با امام حسین 7 باشد هرگاه از آن حضرت یاد می‌کنی، بگو:

يا لَيْتَني كُنْتُ مَعَهُمْ، فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

ای کاش با ایشان بودم و به آن پیروزی بزرگ و رستگاری عظیم نائل می‌شدم.

ای پسر شبیب، اگر دوست داری با ما در در جات عالی بهشت باشی، در حزن ما محزون و در شادمانی ما شاد باش و بر تو باد

به ولایت ما که اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را در روز قیامت با آن محشور فرماید.[1]

در اعمال شب عاشورا

سزاوار است برای کسی که آن شب را درک کند اینکه یاری نماید و همدردی کند با باقی ماندگان اهل آیه مباهله و آیه تطهیر در آنچه بودند بر آن در آن مقام، و تقرّب جوید به درگاه ربوبی با اخلاص نسبت به دوستی دوستان او و دشمنی با دشمنانش. و امّا فضیلت احیاء آن شب، در کتاب «دستور المذکّرین» دیدیم که مسنداً از رسول خدا 9 روایت کرده که فرمودند:

من أحیا لیلة عاشوراء، فکأنّما عبد الله عبادة جمیع الملائکة، وأجر العامل فیها کأجر سبعین سنة.

کسی که شب عاشورا را احیاء بدارد گویا عبادت کرده خدا را به عبادت تمام فرشتگان و اجر و پاداش عمل کننده در آن معادل هفتاد سال است.[2]

در فضیلت بیتوته کردن در حرم امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا

سید بزرگوار علی بن طاووس 1 در کتاب اقبال گفته است:

ما روایت کردیم، به اسناد خود به شیخ طوسی، آنچه را او از جابر جعفی و جابر از امام صادق 7 روایت کرده که فرمودند:

۱. اقبال الاعمال: ج۳، ص۲۸. امالي صدوق: ص۱۲۹، هدیة الزائرین وبهجة الناظرین: ص۱۶۵، بحارالانوار: ۲۸۵/۴۴ وج۱۰۲/۱۰۱ ح۳، وسائل الشیعة: ۳۲۴/۱۰، زادالمعاد: ص۳۷۱.

۲. اقبال الاعمال: ج۳ ص۴۴، بحارالانوار: ج۹۸ ص۳۳۶.

کسی که شب عاشورا را در کنار قبر امام حسین 7 به سر برد روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که به خون خود خون آلود باشد و گویا با آن حضرت در عرصه کربلا کشته شده و به شهادت رسیده است.

و استاد ما شیخ مفید در کتاب «التواریخ الشرعیة» گفته است:

روایت شده کسی که آن حضرت را در شب عاشورا زیارت کند و شب را تا صبح نزد آن حضرت به سر برد، خداوند او را در حالی که به خون امام حسین 7 آغشته است در زمرهٔ شهداء همراه با آن حضرت محشور فرماید.[1]

حدیث امام رضا علیه‌السلام پیرامون روز عاشورا

شیخ صدوق از حضرت علی بن موسی الرضا 8 روایت کرده که فرمودند:

کسی که سعی و تلاش در کارهای روزمرهٔ خود را در روز عاشورا ترک کند ، خداوند حوائج دنیا و آخرت او را برآورده نماید.

و کسی که روز عاشورا روز مصیبت و حزن و اندوه و گریه او باشد، خداوند روز قیامت را روز شادمانی و سرور او قرار دهد و چشم او در بهشت به ما روشن گردد.

و کسی که روز عاشورا را روز مبارک بنامد و برای منزلش چیزی را در آن ذخیره کند ، خداوند در آنچه ذخیره کرده برکت ندهد و روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد ـ که لعنت خدا بر آنان باد ـ در پایین‌ترین درکات جهنّم محشور شود.[2]

۱. اقبال الاعمال: ج۳ ص۵۰.

۲. اقبال الاعمال: ۸۱/۳، عیون اخبار الرضا 7 : ۱/ ۹۹۲، بحارالانوار: ۲۸۴/۴۴ ح۱۸.

فرمایش حضرت رضا علیه‌السلام پیرامون روزهٔ روز عاشورا

جعفر بن عیسی گفت: از حضرت رضا 7 دربارهٔ روزهٔ روز عاشورا و آنچه مردم دربارهٔ آن می‌گویند سؤال کردم، امام 7 فرمود:

از روزه پسر مرجانه از من سؤال می‌کنی؟ این روزی است که ناپاکان از آل زیاد به خاطر کشتن امام حسین 7 روزه گرفتند و آن روزی است که آل محمّد : آن را شوم و نحس می‌دانند، و اهل اسلام آن را شوم و نحس می‌دانند و روزی که اهل اسلام آن را شوم بدانند روزه گرفته نمی‌شود و به آن تبرک جسته نمی‌شود. و روز دوشنبه روز نحس است، و آن روزی است که مسلمان‌ها پیامبر رحمت را از دست دادند و آل محمّد : مصیبت‌هایی که مبتلا شدند در آن روز بوده است و لذا ما آن را شوم و نحس می‌دانیم و دشمن ما به آن تبرک می‌جوید.

و روز عاشورا امام حسین 7 به شهادت رسید و پسر مرجانه به آن تبرک جست و آل محمّد : آن را نحس می‌دانند.

پس کسی که آن روز را روزه بگیرد و به آن تبرک بجوید خدا را با قلب مسخ شده ملاقات خواهد کرد و حشر او با کسانی است که روزهٔ آن را و تبرک جستن به آن را سنّت نهادند.[1]

---

۱. بحارالانوار ج۴۵ ص۹۴ ح۳۹.

عبد الله بن سنان می گوید: بر مولایم امام صادق حضرت جعفر بن محمّد 8 وارد شدم در روز عاشورا، در حالی که آن حضرت رنگ رخسارش تغییر کرده و اشک همچون مروارید بر چهره مبارکش سرازیر گشته بود، عرض کردم: سرور من، گریه شما برای چیست خدا دیدگان شما را گریان نگرداند؟ فرمود:

آیا نمی‌دانی در مثل چنین روزی امام حسین 7 به شهادت رسیده است؟ عرض کردم: می‌دانم سرور من، و من آمده‌ام تا در این مورد از علم شما اقتباس کنم و از محضر مبارک شما بهره‌ای ببرم.

امام 7 فرمود: از آنچه می‌خواهی و از آنچه در ذهنت خطور کرده بپرس.

عرض کردم: دربارهٔ روزه امروز نظر مبارکتان چیست ای سرور من؟ فرمود: روزه بگیر بدون اینکه سحری بخوری، و افطار کن بدون اینکه مورد شماتت واقع شوی، روزه را روزه کامل نگیر، ساعتی بعد از عصر اگر چه با لیوان آبی باشد افطار کن، همانا در آن وقت از آن روز آتش جنگ خاموش و هجوم بر خاندان رسول خدا : بر طرف گردید در حالی که سی تن از آن عزیزان بر خاک افتاده بودند که بر رسول خدا 9 شهادت آنان بسی سخت و دشوار بوده است.

راوی گوید: آنگاه امام 7 گریه شدیدی نمود به گونه‌ای که محاسن شریفش از اشک چشمانش خیس گردید و فرمود: آیا می‌دانی آن روز چه روزی بود؟ عرض کردم : شما به آن آگاه‌تر هستید ای مولای من. فرمود:

خداوند تبارک و تعالی نور را در روز جمعه روز اول ماه رمضان آفرید، و ظلمت و تاریکی را در روز چهارشنبه روز عاشورا خلق کرد و برای هر کدام از آن دو راه روشنی قرار داد.

ای عبد الله بن سنان، بهترین کاری که امروز انجام می‌دهی این است که لباس پاکی می‌پوشی، دکمه‌های آن را باز می‌گذاری، آستین‌هایت را بالا می‌زنی و دو ساق را برهنه می‌کنی (یعنی حالت مصیبت دیده به خود می‌دهی) سپس به یک زمین بی آب و علفی می‌روی که کسی تو را نبیند یا در خانه ات هنگامی که روز بالا می‌آید؛ و چهار رکعت نماز می‌خوانی و بین هر دو رکعت سلام می‌دهی، در رکعت اول سورهٔ «حمد» و «قل یا أیّها الکافرون» در رکعت دوم سورهٔ «حمد» و «قل هو الله احد» در رکعت سوم سورهٔ «حمد» و سورهٔ «احزاب»، و در رکعت چهارم سورهٔ «حمد» و «منافقین» را می‌خوانی.

سپس سلام می‌دهی و روی خود به سوی قبر ابا عبد الله 7 می‌نمایی، و در مقابل خود قتلگاه آن حضرت را ممثّل می‌سازی و ذهن خود را از همه چیز خالی و عقلت را متمرکز می‌سازی.

سپس قاتل آن حضرت را هزار مرتبه لعنت می‌کنی، برای تو به هر لعنتی هزار حسنه نوشته می‌شود و هزار گناه محو می‌گردد و هزار درجه برایت در بهشت بالا می‌رود،

سپس هفت مرتبه سعی می‌کنی (راه می‌روی) از محلّی که در آنجا نماز خوانده‌ای، و در هر مرتبه از سعی نمودنت هفت مرتبه می‌گویی:

(إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) رِضًا بِقَضاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيما لِاَمْرِهِ.

ما از آنِ خدا هستیم و بازگشت ما به سوی اوست، راضی به قضای الهی و تسلیم امر و فرمان او هستیم.

و در همه این مراحل آثار حزن و غم در چهره‌ات نمایان باشد مثل کسی که فرزند از دست داده، غصّه و تأسّف شدید می‌خورد؛ و وقتی از آن فارغ شدی در محلّی که نماز گزارده‌ای بایست و هفتاد مرتبه بگو:

أَللَّهُمَّ عَذِّبِ الَّذِينَ حارَبُوا رُسُلَكَ وَشاقُّوكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ

خداوندا عذاب کن کسانی را که با فرستادگان تو جنگ کردند و با تو مخالفت و دشمنی نمودند و غیر تو

وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقادَةَ وَالْأَتْباعَ، وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ

را پرستیدند و حرام تو را حلال شمردند پیشوایان آن‌ها و پیروانشان و هر کسی که از آن‌ها است و هر کسی

وَمَنْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً.

که به کار آن‌ها رضایت دارد همه آن‌ها را لعنت بسیار نما.

سپس بگو: **أَللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ**

خداوندا فرج و گشایشی برای اهل بیت پیامبر ـ صلوات خدا بر ایشان و همه آن‌ها باد ـ برسان

أَجْمَعِينَ، وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنافِقِينَ وَالْكُفّارَ وَالْجاحِدِينَ،

و آن‌ها را از چنگ منافقان و کافران و منکران نجات بده و بر آن‌ها منّت بگذار و برای آنان فتح نما

وَامْنُنْ عَلَيْهِمْ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ

(درهای بسته را بگشا) فتح و گشودن آسانی، و برای آن‌ها از جانب خودت سلطنت و قدرتی بر دشمنانت

عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصِيراً.

و دشمنان آنان قرار بده سلطنتی که یاری کننده آن‌ها باشد.

سپس بعد از دعا قنوت انجام بده و در قنوت خود بگو:

أَللَّهُمَّ إِنَّ الأُمَّةَ خالَفَتِ الْاَئِمَّةَ وَكَفَرُوا بِالْكَلِمَةِ، وَأَقامُوا عَلَى

خداوندا امت با امامان مخالفت کردند و به کلمه «توحید» کفر ورزیدند و بر گمراهی

الضَّلالَةِ وَالْكُفْرِ وَالرَّدى وَالْجَهالَةِ وَالْعِمىٰ، وَهَجَرُوا الْكِتابَ الَّذِي

و کفر و پستی و جهالت و کوری ایستادگی نمودند و کتابی را که به شناخت آن امر فرمودی

أَمَرْتَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَالْوَصِيَّ الَّذِي أَمَرْتَ بِطاعَتِهِ، فَأَماتُوا الْحَقَّ وَعَدَلُوا

و وصیّ که به اطاعت او دستور دادی رها کردند، پس حق را میراندند و از عدل روی گرداندند،

عَنِ الْقِسْطِ، وَأَضَلُّوا الأُمَّةَ عَنِ الْحَقِّ وَخالَفُوا السُّنَّةَ، وَبَدَّلُوا الْكِتابَ

و امت را از راه حق منحرف ساختند و با سنت مخالفت کردند و کتاب را تبدیل و احزاب را

وَمَلَكُوا الْأَحْزابَ، وَكَفَرُوا بِالْحَقِّ لَمّا جاءَهُمْ وَتَمَسَّكُوا بِالْباطِلِ،

مالک شدند و به حق هنگامی که ایشان را آمد کفر ورزیدند و به باطل چنگ زدند و حق را

وَضَيَّعُوا الْحَقَّ وَأَضَلُّوا خَلْقَكَ، وَقَتَلُوا أَوْلادَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ضایع نموده و خلق تو را گمراه ساختند، و به قتل رساندند فرزندان پیامبرت ـ که صلوات خدا

وَآلِهِ وَخِيَرَةَ عِبادِكَ وَأَصْفِياءِكَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَخَزَنَةَ سِرِّكَ، وَمَنْ

بر او و خاندانش باد ـ و بهترین بندگانت و برگزیدگانت و حاملان عرشت و خازنان سرّت را

جَعَلْتَهُمُ الْحُكّامَ فِي سَماواتِكَ وَأَرْضِكَ.

و کسانی را که حاکمان در آسمان‌ها و زمینت قرار دادی.

أَللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدامَهُمْ، وَأَخْرِبْ دِيارَهُمْ، وَاكْفُفْ سِلاحَهُمْ وَأَيْدِيَهُمْ،

خداوندا قدم‌های آنان را متزلزل ساز و خانه‌هایشان را ویران گردان و سلاح آنان و دست‌هایشان را

وَأَلْقِ الْاِخْتِلافَ فِيما بَيْنَهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ

بازبدار و اختلاف در میان آنان بینداز، فریب و نیرنگ آنان را سست و ناتوان ساز، و آن‌ها را با شمشیر

الصّارِمِ وَحَجَرِكَ الدّامِغِ، وَطَمِّهِمْ بِالْبَلاءِ طَمّاً، وَارْمِهِمْ بِالْبَلاءِ رَمْياً،

قاطع و سنگ هلاک کننده‌ات بزن، بلای فراوان بر سر آن‌ها بریز و آن‌ها را هدف بلا قرار بده و آنان

وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً شَدِيداً نُكْراً، وَارْمِهِمْ بِالْغَلاءِ، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ الَّذِي

را عذاب کن عذاب سخت دردناکی، و گرفتار گرانی و قحطی گردان که دشمنانت را گرفتار آن نمودی،

أَخَذْتَ بِها أَعْداءَكَ، وَأَهْلِكْهُمْ بِما أَهْلَكْتَهُمْ بِهِ، أَللَّهُمَّ وَخُذْهُمْ أَخْذَ

و اینان را هلاک فرما به آن چه آنان را هلاک نمودی، و مجازات کن مانند مجازاتی که شهرها و

الْقُرىٰ وَهِيَ ظالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهَا أَلِيمٌ شَدِيدٌ. أَللَّهُمَّ إِنَّ سُبُلَكَ ضائِعَةٌ،

آبادی‌های ظالم را نمودی که مجازات آن‌ها دردناک و شدید بوده است.خداوندا راه‌های تو

وَأَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ، وَأَهْلَ نَبِيِّكَ فِي الأَرْضِ هائِمَةٌ كَالْوَحْشِ السّائِمَةِ،

بی‌رهروان و احکام تو تعطیل و خاندان پیامبران متحیر و سرگردان در روی زمین گردیده‌اند.

أَللَّهُمَّ أَعْلِ الْحَقَّ وَاسْتَنْقِذِ الْخَلْقَ، وَامْنُنْ عَلَيْنا بِالنَّجاةِ وَاهْدِنا

خداوندا حق را بالا ببر و خلق را نجات بده و بر ما منّت بگذار با رهایی ساختن ما و به‌ایمان ما را هدایت

لِلْإِيمانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنا بِالْقائِمِ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَاجْعَلْهُ لَنا رِدْءاً،

فرما، و در فرج و گشایش کار ما به وسیله آن امام قیام کننده تعجیل فرما، و او را برای ما یار و مددکار

وَاجْعَلْنا لَهُ رِفْداً.

و ما را برای او یاور قرار بده.

أَللَّهُمَّ وَأَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ قَتْلَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عِيداً، وَاسْتَهَلَّ

خداوندا هر کسی که کشتن اهل بیت پیامبرت را عید قرار داد و در آن اظهار سرور و شادمانی نمود

فَرَحاً وَسُرُوراً، وَخُذْ آخِرَهُمْ بِما أَخَذْتَ بِهِ أَوَّلَهُمْ، أَللَّهُمَّ أَضْعِفِ

هلاک فرما، و آخر آنان را به آنچه اوّل آنان را مؤاخذه کردی مؤاخذه کن. خداوندا بلا

الْبَلاءَ وَالْعَذابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى الظّالِمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

و عذاب و شکنجه را بر ستمگران از اولین و آخرین آنان و بر

وَعَلىٰ ظالِمِي آلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَزِدْهُمْ نَكالاً

ستمگران نسبت به اهل بیت پیامبرت ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ مضاعف گردان و بر ننگ و نفرین

وَلَعْنَةً، وَأَهْلِكْ شِيعَتَهُمْ وَقادَتَهُمْ وَجَماٰعَتَهُمْ.

آن‌ها بیفزا و پیروان آنان و پیشوایان آنان و همه جمع آنان را نابود نما.

أَللّٰهُمَّ ارْحَمِ الْعِتْرَةِ الضّائِعَةِ الْمَقْتُولَةِ الْذَّلِيلَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ

خداوندا بر عترت طاهره از شجرهٔ طیّبه مبارکه که آن‌ها را ضایع نمودند و خوار گردانیده و به قتل

الْمُبارَكَةِ. أَللّٰهُمَّ أَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ، وَثَبِّتْ قُلُوبَهُمْ وَقُلُوبَ

رساندند ترحّم فرما و رحمت فرست. خداوندا کلمهٔ آنان و سخن آنان را بالا ببر و حجّت شان را پیروز گردان،

شِيعَتِهِمْ عَلىٰ مُوالاٰتِهِمْ، وَانْصُرْهُمْ وَأَعِنْهُمْ وَصَبِّرْهُمْ عَلَى الْأَذىٰ فِي

قلوب آنان را ثابت و قلوب شیعیان آنان را بر دوستی و ولایت آنان استوار گردان. آنان را یاری نما و مدد رسان

جَنْبِكَ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيّاماً مَشْهُوداً وَأَيّاماً مَعْلُومَةً، كَما ضَمِنْتَ

و بر اذیت و آزار در راه تو صابر و شکیبا قرار بده، و برای آنان ایّام مشهود و ایّام معلوم قرار بده همان طور

لِأَوْلِياءِكَ فِي كِتابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ : (وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا

که برای اولیائت در کتاب نازل شده ات ضمانت نمودی، همانا تو فرمودی: «خداوند نسبت به کسانی که‌ایمان

وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ

آورده و کارهای شایسته انجام دادند وعده فرموده است که آنان را در روی زمین خلافت بخشد همان طور

مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ

که پیشینیان را خلافت بخشید و دین و آیین را که برای ایشان پسندیده توانایی دهد و بعد از ترس آن‌ها را از

خَوْفِهِمْ أَمْنا)[1].

امنیّت برخوردار سازد».

أَللّٰهُمَّ أَعْلِ كَلِمَتَهُمْ يا لاٰإِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا لا إِلٰهَ إِلّا

خداوندا کلمهٔ آنان را بالا ببر ای آنکه معبود شایسته‌ای جز تو نیست، ای آنکه معبود شایسته‌ای جز تو نیست،

أَنْتَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْخائِفُ مِنْكَ

ای آنکه معبود شایسته‌ای جز تو نیست.ای مهربان‌ترین مهربانان، ای زنده، ای قائم به ذات، همانا من بنده‌ات هستم

۱. سورهٔ نور، آیه۵۵.

وَالرّاجِعُ إِلَيْكَ، وَالسّائِلُ لَدَيْكَ وَالْمُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ، وَاللّاجِئُ بِفِنائِكَ،

که از تو ترسانم و به سوی تو بازگشت کننده‌ام و در پیشگاهت سائلم و بر تو توکّل کننده‌ام و به ساحت قدس تو

فَتَقَبَّلْ دُعائِي وَأَسْمَعْ نَجْوَايَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَهَدَيْتَهُ،

پناهنده گشته‌ام، پس دعای مرا بپذیر، و راز و نیازم را بشنو، و مرا از کسانی قرار بده که عمل او را پسندیده‌ای و

وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ وَانْتَجَبْتَهُ، بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهّابُ.

او را هدایت نموده‌ای، و عبادت او را قبول کرده‌ای و او را برگزیده‌ای، به رحمتت که تو عزیز و بخشنده‌ای

أَسْئَلُكَ يا اَللّٰهُ بِلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ أَلّا تُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَالْأَئِمَّةِ

از تو درخواست می‌کنم ای خدا به اینکه معبود شایسته‌ای جز تو نیست که میان من وحضرت محمّد و ائمّه

صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

طاهرین ـ درود خدا بر همهٔ آنان باد ـ جدایی نیندازی و مرا از شیعیان محمّد و آل محمّد علیهم السلام قرار دهی

ـ و آن‌ها را یکی یکی به نام مبارکشان تا امام قائم 7 ذکر کن، و بگو: **وَأَدْخِلْنِي**

و وارد کن مرا

فِيما أَدْخَلْتَهُمْ فِيهِ وَأَخْرِجْنِي مِمّا أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ.

در آنچه آنان را در آن وارد نمودی، و خارج کن مرا از آنچه آنان را از آن خارج فرمودی.

سپس دو گونه‌ات را بر زمین خاک‌آلود کن و بگو: **يا مَنْ يَحْكُمُ**

ای کسی که به آنچه

بِما يَشاءُ وَيَعْمَلُ ما يُرِيدُ، أَنْتَ حَكَمْتَ فِي أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ما

بخواهد حکم می‌کند و آنچه را اراده کند انجام می‌دهد، تو حکم کردی در مورد اهل بیت حضرت محمّد 9

حَكَمْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنا

به آنچه حکم کردی، پس حمد و سپاس سزاوار تو است در حالی که ستایش شده و سپاس گزاری شده‌ای، در فرج

بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ، وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ،

آنان و در فرج ما به وسیله آنان تعجیل فرما که تو عزّت آنان را بعد از ذلّت و زیادی جمعیّت آنان را بعد از کمی

وَإِظْهارَهُـمْ بَعْـدَ الْخُمُـولِ، يـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِيـنَ.

و آشکار شدن آنان را بعد از گمنامی ضمانت کرده‌ای ای مهربان‌ترین مهربانان.

أَسْـئَلُكَ يـا إِلَهِي وَسَـيِّدِي بِجُـودِكَ وَكَرَمِـكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَتَشْـكُرَ

از تو می‌خواهم ای معبود من و سرور من به جود و کرمت که مرا به آرزو برسانی و عمل اندک مرا

قَلِيـلَ عَمَلِـي، وَأَنْ تَزِيـدَ فِي أَيّامِـي، وَتُبَلِّغَنِي ذَلِـكَ الْمَشْـهَدَ، وَتَجْعَلَنِي

پاداش دهی و در ایام من بیفزایی و به آن حرم مطهر و شهادتگاه برسانی و از کسانی قرار دهی که فراخوانده

مِـنَ الَّذِيـنَ دُعِيَ فَأَجـابَ إِلـىٰ طاعَتِهِـمْ وَمُوالاتِهِـمْ، وَأَرِنِي ذَلِـكَ قَرِيباً

شد و به اطاعت آنان و دوستی و پیروی آنان دعوت را لبیک گفت، و آن را به من هر چه نزدیک‌تر

سَـرِيعاً إِنَّكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

و سریع‌تر بنمایان که تو بر هر چیز قادر و توانایی.

و آنگاه سرت را به سوی آسمان بالا ببر، که آن از حج و عمره برتر است. و بدان که خداوند به هر کس که این نماز را در آن روز بخواند ده خصلت عطا می‌فرماید از آن ده خصلت این است که او را از مرگ بد و ناگوار حفظ می‌کند و دشمن را بر او یاری نمی‌دهد تا از دنیا رود و او را از ناپسندها و ناخوش آیندها و فقر حفظ می‌کند و او را از جنون و جذام ایمنی می‌بخشد و به فرزندان او را تا چهل نسل این ایمنی را عنایت می‌کند و برای شیطان و اولیاء شیطان بر او راهی را قرار نمی‌دهد. یعنی راه شیطان را بر او می‌بندد.

راوی می‌گوید: عرض کردم: حمد و سپاس خدای را که بر من به معرفت شما و معرفت حق شما و ادای آنچه برای شما واجب نموده منّت نهاد به رحمت و لطفش، و او بس است مرا و خوب پشتیبانی است.[1]

۱. اقبال الاعمال: ص ۴۲.

(۶) دعایی که در روز عاشورا خوانده می‌شود

در کتاب جنّات الخلود است : کسی که این دعا را در روز دهم محرم هفت مرتبه بخواند در آن سال نمی‌میرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحانَ اللَّهَ مِلْأَ الْمِيزانِ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَةَ الْعَرْشِ، لامَلْجَأَ وَلامَنْجا مِنَ اللَّهِ إِلّا إِلَيْهِ، سُبْحانَ اللَّهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَعَدَدَ كَلِماتِهِ التّامّاتِ بِرَحْمَتِكَ، لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكيلِ، (نِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرِ)[1]، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

خدا را تسبیح می‌گویم به مقداری که میزان را پر کند و نهایت علم او و در حدّ خشنودی او و هم وزن عرش او، هیچ پناهگاه و محلّ نجاتی از (عقوبت و کیفر) خداوند نیست مگر به سوی او، خدارا تسبیح می‌گویم به عدد جفت و طاق و به عدد کلمات او که تمام و کاملند به رحمتت، هیچ جنبشی و حرکت و نیرویی جز به وسیله خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست، و او بس است مرا و خوب پشتیبانی است «خوب مولا و خوب یاری کننده‌ای است» و درود خدا بر بهترین خلق او حضرت محمّد و همهٔ آل ایشان.

سپس درود می‌فرستد بر پیامبر و خاندان او و می‌گوید: **يا فارِجَ كَرْبِ ذِي النُّونِ، يا كاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، يا جامِعَ شَمْلِ يَعْقُوبَ، يا غافِرَ**

ای زدایندهٔ غم و اندوه یونس، ای برطرف کننده و سختی و بدحالی ایوب، ای گردآورنده پراکندگی یعقوب،

۱. سورهٔ انفال، آیه ۴۰

ذَنْبِ داوُدَ، يا سامِعَ دَعْوَةِ مُوسىٰ وَهارُونَ، يا رَحْمَنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ

ای آمرزنده گناه داود، ای شنونده و اجابت کننده دعای موسی و هارون، ای بسیار بخشاینده

وَرَحِيمَهُما، صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلِينَ،

در دنیا و آخرت و بسیار مهربان در آن دو سرا، درود و سلام بفرست بر آن‌ها و بر تمام پیامبران

وَاقْضِ حاجاتِي فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَلَطَوِّلْ عُمْرِي فِي طاعَتِكَ

و رسولان، و حاجات دنیا و آخرت مرا برآورده کن، و عمر ما را در اطاعتت و خشنودیت

وَرِضاكَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[1]

طولانی گردان به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

۶۲

(۷) دعای روز سوّم شعبان

علامه مجلسی 1 در کتاب شریف بحارالانوار گفته است: توقیع شریف برای قاسم بن علاء همدانی وکیل امام عسکری 7 از ناحیه مقدسه بیرون آمد که مولای ما امام حسین 7 در روز پنجشنبه سوم شعبان تولد یافته است، پس آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان.[2]

و در کتاب زاد المعاد گفته است: فرمان مبارک از حضرت صاحب الامر 7 صادر گردیده که روز سوم ماه شعبان روز ولادت امام حسین 7 است آن را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، اَلْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ

خداوندا از تو درخواست می‌کنم به حقّ مولود امروز که قبل از ظاهر شدنش و ولادتش خبر از

قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ، بَكَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فِيها، وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها،

شهادت او داده شده، آسمان و تمام ساکنان آن، زمین و همه اهل آن بر او گریستند در حالی که هنوز بر

۱. جنّات الخلود: ص۲۳.

۲. بحارالانوار: ج۱۰۱ ص۳۴۷ ح۱.

وَلَمّا يَطَأْ لاٰ بَتَيْهاٰ، قَتِيلِ الْعَبرَةِ وسَيِّدِ الْأُسْرَةِ، اَلْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ

دوسنگستان آن قدم ننهاده بود، کشته اشک و سرور خائدان، آنکه در رجعت پیروزی و نصرت پایدار

الْكَرَّةِ، اَلْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، والشِّفاٰءَ فِي تُرْبَتِهِ،

خواهد یافت و عوض داده شده از قتلش اینکه ائمه طاهرین : از نسل او وشفای امراض در خاک پاک

والْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ والْأَوْصِياٰءِ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قاٰئِمِهِمْ وغَيْبَتِهِ، حَتّىٰ

او و رستگاری با او در بازگشت وی و اوصیای از عترت او باشد بعد از قیام کنندهٔ آن و غیبتش، تا آنکه

يُدْرِكُوا الْأَوْتاٰرَ، ويَثْأَرُوا الثّاٰرَ، ويُرْضُوا الْجَبّاٰرَ، ويَكُونُوا خَيْرَ أَنْصاٰرٍ،

از قاتلانش انتقام بگیرند و از دشمنانش خونخواهی کنند و خداوند جبّار را خشنود نمایند و

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ، مَعَ اخْتِلاٰفِ اللَّيْلِ والنَّهاٰرِ.

بهترین یاوران باشند، درود خدا بر آنان با گردش روز و شب.

أَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وأَسْئَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ [وَ] مُعْتَرِفٍ،

خداوندا به حق آنان به درگاه تو توسل می‌جویم و درخواست می‌کنم درخواست گنهکاری که به گناه

مُسيءٍ إِلىٰ نَفْسِهِ، مِمّا فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وأَمْسِهِ، يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلىٰ

خود معترف است از آنچه در روز و شب کوتاهی نموده، از تو درخواست می‌کند که او را تا هنگام مرگ از

مَحَلِّ رَمْسِهِ.

گناه حفظ کنی.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعِتْرَتِهِ، وَاحْشُرْنٰا فِي زُمْرَتِهِ، وبَوِّئْنٰا مَعَهُ

خداوندا بر حضرت محمّد و عترت پاک او درود فرست و ما را در زمرهٔ او محشور فرما و در سرای کرامت

دٰارَ الْكَرٰامَةِ، ومَحَلَّ الْإِقٰامَةِ.

و محلّ اقامت در جوار او ساکن گردان.

أَللّٰهُمَّ وكَمٰا أَكْرَمْتَنٰا بِمَعْرِفَتِهِ، فَأَكْرِمْنٰا بِزُلْفَتِهِ، وارْزُقْنٰا مُرٰافَقَتَهُ

خداوندا همان طور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی داشتی به قرب او نیز گرامی بدار

وسابِقَتَهُ[1]، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لَاِمْرِهِ، ويُكْثِرُ الصَّلاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ

و رفاقت و همراهی با او را روزی ما گردان، و ما را قرار بده از کسانی که تسلیم امر و فرمان او

ذِكْرِهِ، وعَلىٰ جَمِيعِ أَوْصِيائِهِ وأَهْلِ اصْطِفائِهِ، اَلْمَمْدُودِينَ مِنْكَ

هستند و در هنگام یاد او زیاد بر وی صلوات می‌فرستند و بر تمام اوصیاء و جانشینان و برگزیدگانش

بِالْعَدَدِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ، اَلنُّجُومِ الزُّهَرِ، والْحُجَجِ عَلىٰ جَمِيعِ الْبَشَرِ.

که آن‌ها را به عدد دوازده نفر بر شمردی، که آن‌ها ستارگان درخشان و حجّت بر تمام بشر هستند.

أَللَّهُمَّ وهَبْ لَنا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ، وأَنْجِحْ لَنا فِيهِ كُلَّ

خداوندا در چنین روزی به ما بهترین عطا و موهبت را مرحمت نما و تمام خواسته‌های ما را روا فرما،

طَلِبَةٍ، كَما وهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وآلِهِ، وعاذَ

همان طور که حسین 7 را به جدّ بزرگوارش مرحمت فرمودی و همان طور که فطرس به گهواره او پناه برد

فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، ونَنْتَظِرُ

ما نیز به قبر شریف او بعد از او پناهنده‌ایم و نزد تربت پاکش حضور یافته‌ایم و منتظر بازگشت او هستیم دعای

أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.[2]

ما را به اجابت رسان ای پروردگار جهانیان.

۶۳

(۸) آخرین دعایی که در روز عاشورا خواندند

در کتاب مزار کبیر از ابن عیاش نقل کرده که گفت: شنیدم از اباعبدالله حسین بن سفیان بزوفری که این دعا را می‌خواند و می‌گفت: این از دعاهای روز سوم شعبان، روز میلاد امام حسین علیه السلام است:

۱. «مُسابَقَتَهُ» ، خ.

۲. زاد المعاد: ص۵۷، مصباح المتهجد: ص۸۲۶، المصباح: ص۷۲۰، بلد الامین: ص۲۶۲، مزار کبیر: ص۳۹۷، ذخیرة الاخرة: ص۱۲۴، منهاج العارفین: ص۱۸۸، مفاتیح النجاة (مخطوط): ص۵۱۹.

أَللَّهُمَّ مُتَعالِي الْمَكانِ، عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ، شَدِيدُ الْمِحالِ، غَنِيٌّ

خداوندا تو بسیار بلند مرتبه‌ای ، صاحب قدرت عظیم و سلطه‌ای، کیفر دهنده‌ای سخت هستی، از همهٔ خلایق

عَنِ الْخَلائِقِ، عَرِيضُ الْكِبْرِياءِ، قادِرٌ عَلىٰ ما يَشاءُ، قَرِيبُ الرَّحْمَةِ،

بی‌نیازی، کبریائیت دامنه دار است، بر آنچه بخواهی توانایی داری، رحمتت نزدیک، وعده ات صادق و راست،

صادِقُ الْوَعْدِ، سابِقُ النِّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلاءِ، قَرِيبٌ إِذا دُعِيتَ، مُحِيطٌ

نعمتت سرازیر وسرشار، بلایت نیکو و زیبا است، هنگامی که خوانده شوی نزدیک هستی، به آنچه آفریده‌ای

بِما خَلَقْتَ، قابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تابَ إِلَيْكَ، قادِرٌ عَلىٰ ما أَرَدْتَ،

احاطه داری، کسی که توبه کند توبه او را می‌پذیری، بر آنچه اراده کنی قدرت آن را داری، آن چه را طلب

وَمُدْرِكٌ ما طَلَبْتَ، وَشَكُورٌ إِذا شُكِرْتَ، وَذَكُورٌ إِذا ذُكِرْتَ.

کنی دریابی، و پاداش دهنده‌ای زمانی که شکر تو را بجا آورند، یاری کننده‌ای وقتی از تو یاد نمایند.

أَدْعُوكَ مُحْتاجاً، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيراً، وَأَفْزَعُ إِلَيْكَ خائِفاً،

تو را می‌خوانم در حالی که محتاج و نیازمندم و به سوی تو مایلم در حالی که فقیر و بی‌نوایم و به سوی تو

وَأَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوباً، وَأَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفاً، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ

پناهنده‌ام در حالی که خائف و ترسناکم ، در پیشگاه تو گریانم در حالی‌که دچار غم و اندوهم، و از تو یاری می‌جویم

كافِياً، أَحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ، فَإِنَّهُمْ غَرُّونا وَخَذَلُونا

درحالی که ضعیف و ناتوانم، و بر تو توکّل می‌کنم که تو کفایت کننده‌ای، بین ما و این قوم ما به حق حکم کن و

وَغَدَرُوا بِنا وَقَتَلُونا، وَنَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ، وَوُلْدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ

داوری نما که آنان ما را فریب دادند، تنها و بی یاور رها کردند و مکر و حیله نمودند و ما را کشتند در حالی که

بْنِ عَبْدِاللَّهِ، اَلَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسالَةِ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ وَحْيِكَ،

ما عترت پیامبرت و فرزندان حبیب تو حضرت محمّد بن عبد الله هستیم که او را برای رسالت برگزیدی و امین بر

فَاجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

وحی قرار دادی، پس برای ما در مورد کار ما راه خروجی و گشایشی قرار بده ، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

و روایت شده است که این آخرین دعایی است که امام حسین 7 در روز عاشورا خوانده است.[1]

۶۴

(۹) دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ، وَلاٰ لِعَطائِهِ مانِعٌ، وَلاٰ كَصُنْعِهِ

حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که نیست برای حکم او برطرف کننده‌ای و نه برای بخشش او بازدارنده‌ای

صُنْعُ صانِعٍ، وَهُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ، فَطَرَ أَجْناسَ الْبَدائِعِ، وَأَتْقَنَ

و نه همانند ساختن او سازنده‌ای و او صاحب جود و بخشش و عطا و رحمت گسترده است، انواع پدیده‌های نو را

بِحِكْمَتِهِ الصَّنائِعَ، وَلاٰ تَخْفىٰ عَلَيْهِ الطَّلائِعُ وَلاٰ تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدائِعُ

آفرید و به حکمت خود ساخته‌ها را متقن ساخت، پنهان نیست بر او حال پیشقراولان و ضایع نمی‌گردد نزد او امانت‌ها،

جازِي كُلِّ صانِعٍ، وَرائِشُ كُلِّ قانِعٍ، وَراحِمُ كُلِّ ضارِعٍ، مُنْزِلُ الْمَنافِعِ

جزا و پاداش‌دهنده است هر کسی را که کاری انجام دهد، و فراخی و فراوانی نعمت‌دهنده است اهل قناعت را، و رحم

وَالْكِتابِ الْجامِعِ بِالنُّورِ السّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ، وَلِلْكُرُباتِ

کننده است هر ناتوانی را، نازل کننده است منفعت‌ها را و کتاب جامع را به همراه نور درخشان، و او دعاها را

دافِعٌ، وَلِلدَّرَجاتِ رافِعٌ، وَلِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ، فَلاٰ إِلٰهَ غَيْرُهُ، وَلاٰ شَيْءٌ يَعْدِلُهُ،

شنونده و اندوه‌ها را دور کننده و درجات را بالا برنده، و زورگویان را نابودکننده است، معبودی غیر او نیست

وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلىٰ

و هیچ چیز با او برابری نمی‌کند و مثل و مانند او چیزی نیست، و او شنوا و بینا و مهربان و آگاه است و بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

هر چیز قادر و توانا است.

۱. مزار کبیر: ۳۹۹، اقبال الاعمال: ۲۰۳، بلد الامین: ۲۶۳، هدیة الزائرین: ۴۹۱، منهاج العارفین: ۱۸۸.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَرْغَـبُ إِلَيْـكَ، وَأَشْـهَدُ بِالرُّبُوبِيَّـةِ لَـكَ، مُقِـرٌّ بِأَنَّـكَ رَبِّي

خداوندا همانا من به سوی تو روی آورده و به ربوبیت تو گواهی می‌دهم و اقرار می‌کنم که تو

وَإِلَيْـكَ مَـرَدِّي، اِبْتَدَأْتَنِـي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَـيْئاً مَذْكُـوراً، خَلَقْتَنِي

پروردگار من هستی و بازگشتم به سوی تو است، پیش از آنکه چیزی یاد شده باشم دربارهٔ من به نعمت

مِـنَ التُّـرابِ، ثُـمَّ أَسْـكَنْتَنِي اَلْاَصْـلابَ، آمِنـاً لِرَيْـبِ الْمَنُـونِ وَاِخْتِلافِ

ابتدا نمودی، مرا از خاک آفریدی، سپس در صلب‌ها ساکن گردانیدی، ایمن از حوادث روزگار و گردش

الدُّهُـورِ وَالسِّـنِينَ، فَلَـمْ أَزَلْ ظاعِنـاً مِـنْ صُلْبٍ إِلـىٰ رَحِمٍ فِي تَقـادُمٍ مِنَ

ایّام، پس همواره از صلبی به رحمی در حال کوچ کردن بودم در

الْاَيّـامِ الْماضِيَـةِ، وَالْقُـرُونِ الْخالِيَةِ، لَـمْ تُخْرِجْنِـي لِرَأْفَتِكَ بِـي، وَلُطْفِكَ

ایام پیشین و دوران‌های گذشته، مرا به لطف و رحمت خویش و رأفت بر من در دولت پیشوایان کفر و

لِـي، وَإِحْسـانِكَ إِلَـيَّ، فِـي دَوْلَـةِ أَئِمَّـةِ الْكُفْـرِ اَلَّذِيـنَ نَقَضُـوا عَهْـدَكَ،

الحاد خارج ننمودی، آنانکه عهد تو را شکستند و فرستادگان تو را تکذیب نمودند، ولی خارج نمودی زمان

وَكَذَّبُـوا رُسُـلَكَ، لَكِنَّـكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَـبَقَ لِـي مِنَ الْهُـدَى الَّذِي لَهُ

آنکه پیشی گرفته مرا نسبت به هدایت و مرا برای آن آماده ساختی، و در آن عصر مرا پرورش دادی و پیش

يَسَّـرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَـأْتَنِي وَمِـنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَأْفَـةً بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَـوابِغِ

از آن مرا با نیکوکاری و نعمت‌های فراوانت مورد لطف خود قرار دادی تا آنکه مرا از نطفه‌ای از منی که

نِعَمِـكَ، فَابْتَدَعْـتَ خَلْقِـي مِـنْ مَنِـيٍّ يُمْنَـى، وَأَسْـكَنْتَنِي فِـي ظُلُمـاتٍ

ریخته می‌شود به وجود آوردی و در تاریکی‌های سه گانه میان گوشت و خون و پوست جای دادی، مرا در

ثَـلاثٍ مِـنْ بَيْـنِ لَحْـمٍ وَدَمٍ، وَجِلْدٍ لَمْ تُشْـهِدْنِي خَلْقِـي، وَلَـمْ تَجْعَلْ لِي

کار خلقتم گواهی نگرفتی و چیزی از امر مرا برای من قرار ندادی و واگذار نکردی، سپس خارج نمودی

شَـيْئاً مِـنْ أَمْـرِي، ثُـمَّ أَخْرَجْتَنِـي لِلَّذِي سَـبَقَ لِي مِـنَ الْهُدىٰ إِلَـى الدُّنْيا

مرا بنابر آنچه سبقت گرفته در علمت به همراه هدایت و به دنیا آوردی با خلقتی کامل ودرست اندام

تامّـاً سَـوِيّاً، وَحَفِظْتَنِـي فِـي الْمَهْـدِ طِفْـلاً صَبِيّـاً، وَ رَزَقْتَنِي مِـنَ الْغَذاءِ

بدون عیب و نقص، و در گهواره هنگامی که کودکی بودم مرا حفظ کردی و از شیر مادر غذایی گوارا مرا

لَبَنـاً مَرِيّاً، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَواضِـنِ وَ كَفَّلْتَنِي الْأُمَّهاتِ الرَّواحِمَ،

روزی نمودی، و دلهای پرستاران را به من مهربان ساختی، و مادران مهربان را عهده دار امور من فرمودی،

وَ كَلَأْتَنِـي مِـنْ طَـوارِقِ الْجـانِّ، وَسَـلَّمْتَنِي مِـنَ الزِّيـادَةِ وَالنُّقْصـانِ،

و از حوادثی که جن ایجاد کند نگهداشتی، و سالم بدون زیاده و نقصان گردانیدی،

فَتَعالَيْـتَ يـا رَحِيـمُ يـا رَحْمـانُ، حَتّىٰ إِذَا اسْـتَهْلَلْتُ ناطِقـاً بِالْـكَلامِ، وَ

پس تو بلند مرتبه‌ای، ای بسیار مهربان و بخشاینده، تا آنکه من به سخن آمدم نعمت‌های

أَتْمَمْـتَ عَلَـيَّ سَـوابِغَ الْإِنْعـامِ، وَرَبَّيْتَنِـي زائِـداً فِـي كُلِّ عـامٍ، حَتّىٰ إِذا

فراوانت را بر من کامل نمودی، و در هر سال مرا فزون‌تر تربیت فرمودی تا آنکه فطرتم

اكْتَمَلَـتْ فِطْرَتِـي، وَاعْتَدَلَـتْ سَـرِيرَتِي، أَوْجَبْـتَ عَلَـيَّ حُجَّتَـكَ، بِـأَنْ

کامل گردید و سریره من به حدّ اعتدال رسید، حجت خود را بر من واجب نمودی، به اینکه معرفتت را به من

أَلْهَمْتَنِـي مَعْرِفَتَـكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجائِـبِ حِكْمَتِكَ، وَأَيْقَظْتَنِـي لِما ذَرَأْتَ

الهام نمودی و با عجائب آفرینش شگفت زده‌ام ساختی و برای آنچه پدید آوردی در آسمان و زمینت از پدیده‌های

فِـي سَـمائِكَ وَ أَرْضِـكَ مِنْ بَدائِـعِ خَلْقِـكَ، وَ نَبَّهْتَنِي لِشُـكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ

نو مرا بیدار نمودی و برای شکرگزاری و یاد خودت آگاه فرمودی، و بر من اطاعت و عبادتت را واجب ساختی

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طاعَتَكَ وَ عِبادَتَكَ، وَ فَهَّمْتَنِي ما جاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ

و فهم آنچه را که فرستادگانت آن را آورده‌اند به من بخشیدی، و جلب رضا و خشنودیت

لِـي تَقَبُّـلَ مَرْضاتِـكَ وَمَنَنْـتَ عَلَيَّ فِـي جَمِيعِ ذَلِـكَ بِعَوْنِـكَ وَ لُطْفِكَ.

را برایم آسان گردانیدی، و در تمام این موارد با مدد خودت و لطفت بر من منت نهادی،

ثُـمَّ إِذْ خَلَقْتَنِـي مِـنْ حَـرِّ الثَّـرىٰ لَـمْ تَـرْضَ لِـي يـا إِلٰهِـي نِعْمَـةً دُونَ

از وقتی مرا از بهترین و برگزیده‌ترین خاک آفریدی راضی نشدی نعمتی را داشته باشم و نعمتی را نداشته

أُخْـرَى، وَرَزَقْتَنِـي مِنْ أَنْـوٰاعِ الْمَعٰاشِ، وَصُنُـوفِ الرِّيٰاشِ بِمَنِّـكَ الْعَظِيمِ

باشم، بلکه مرا از انواع نعمت‌ها و خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها و وسائل زندگی به لطف عظیمی که بر من داری

الْاَعْظَـمِ عَلَـيَّ، وَإِحْسـٰانِكَ الْقَدِيمِ إِلَـيَّ، حَتّـىٰ إِذٰا أَتْمَمْتَ عَلَـيَّ جَمِيعَ

و احسان دیرینه ات بهره مند ساختی تا آنکه بر من جمیع نعمت‌هایت را کامل و تمام بلاها و ناگواری‌ها

النِّعَـمِ وَصَرَفْـتَ عَنِّـي كُلَّ النِّقَمِ، لَـمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِـي وَجُرْأَتِـي عَلَيْكَ أَنْ

را دور نمودی، نادانی و گستاخی‌ام بر تو مانع نگردید که مرا به آنچه باعث قرب من می‌گردد راهنمایی

دَلَلْتَنِـي إِلىٰ مـٰا يُقَرِّبُنِي إِلَيْـكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمـٰا يُزْلِفُنِي لَدَيْكَ، فَـإِنْ دَعَوْتُكَ

کنی و به آنچه نزد تو مقام و منزلت به من می‌بخشد توفیق دهی، پس اگر تو را خواندم اجابت کردی و

أَجَبْتَنِـي، وَإِنْ سَـأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِـي، وَإِنْ أَطَعْتُـكَ شَـكَرْتَنِي، وَإِنْ شَـكَرْتُكَ

اگر درخواست نمودم عطا فرمودی، و اگر اطاعت نمودم پاداش دادی، و اگر تو را شکر کردم بر نعمتم

زِدْتَنِـي، كُلُّ ذَلِـكَ إِكْمـٰالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَـيَّ وَإِحْسـٰانِكَ إِلَيَّ،

افزودی، تمام این‌ها بدین جهت بود که نعمتت را بر من و احسانت را به من کامل نمایی.

فَسُـبْحٰانَكَ سُـبْحٰانَكَ مِـنْ مُبْـدِئٍ مُعِيـدٍ حَمِيـدٍ مَجِيـدٍ، تَقَدَّسَـتْ

پاک و منزّهی، پاک و منزّهی ای آغاز کننده و پدید آورنده و ای بازگرداننده، ای ستوده و صاحب مجد

أَسْـمٰاؤُكَ وَعَظُمَـتْ آلاٰؤُكَ، فَـأَيَّ نِعَمِـكَ يٰا إِلٰهِـي أُحْصِي عَـدَداً وَذِكْراً،

و شکوه، و نام‌های تو مقدّس و نعمت‌ها و الطافت عظیم است، کدام نعمتت را پروردگارا می‌توان شماره کرد

أَمْ أَيَّ عَطٰايـٰاكَ أَقُـومُ بِهـٰا شُـكْراً، وَهِـيَ يـٰا رَبِّ أَكْثَـرُ مِـنْ أَنْ يُحْصِيَهَـا

و ذکر نمود، یا کدام عطا و بخشش تو را می‌توانم شکرش را به جای آورم، و آن بیش از آن مقدار است که

الْعـٰادُّونَ، أَوْ يَبْلُـغَ عِلْمـاً بِهَـا الْحـٰافِظُـونَ،

شمارشگران بتوانند به شمار آورند یا حافظان بتوانند بدان علم پیدا کنند.

ثُـمَّ مـٰا صَرَفْـتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّـي، أَللّٰهُمَّ مِـنَ الضُّـرِّ وَالضَّرّاءِ، أَكْثَـرُ مِمّا

آنچه از من گرداندی و دور کردی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها بیش از آن است که

ظَهَرَ لِي مِنَ الْعافِيَةِ وَالسَّرّاءِ، فَأَنَا أَشْهَدُ يا إِلٰهِي بِحَقِيقَةِ إِيمانِي، وَعَقْدِ

برایم از نعمت و عافیت ظاهر ساختی، و من گواهی می‌دهم ای معبود من به حقیقت ایمانم

عَزَماتِ يَقِينِي، وَخالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَباطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي،

و ثبات و پایداری یقینم و به اخلاصم در اقرار به توحید، و به باطن پنهان و پوشیده ضمیرم

وَعَلائِقِ مَجارِي نُورِ بَصَرِي، وَأَسارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرُقِ مَسارِبِ

و رشته‌های مجاری نور دیدگانم، و خطوط زیبای صفحهٔ پیشانیم و شکاف

نَفْسِي، وَخَذارِيفِ مارِنِ عِرْنِينِي وَمَسارِبِ سِماخِ سَمْعِي، وَما

راه‌های تنفّسم، و تورهای نرم بینی‌ام وراه‌های سوراخ گوشم،

ضَمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتايَ، وَحَرَكاتِ لَفْظِ لِسانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ

و آنچه در برگفته وبر آن نهاده دو لبم را، و حرکات تلفّظ زبانم، و محلّ فرورفتگی

فَمِي وَفَكِّي وَمَنابِتِ أَضْراسِي، وَمَساغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمالَةِ

کام دهانم و فکّم و محل رویش دندان‌هایم، و جای فروبردن خوراکی و آشامیدنی‌ام

أُمِّ رَأْسِي، وَبُلُوغِ فارِغِ حَبائِلِ عُنُقِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تامُورُ صَدْرِي،

و بردارندهٔ مغز سرم و رسایی رگ‌های طولانی گردنم و آنچه مشتمل است بر آن ظرف سینه‌ام،

وَحَمائِلُ حَبْلِ وَتِينِي وَنِياطُ حِجابِ قَلْبِي، وَأَفْلاذُ حَواشِي كَبِدِي،

و آنچه بر آن، رگ قلبم آویزان شده و شاهرگ پرده دلم و پاره‌های گوشه و کنار جگرم،

وَما حَوَتْهُ شَراسِيفُ أَضْلاعِي، وَحِقاقِ مَفاصِلِي، وَقَبْضِ عَوامِلِي

و آنچه را در بر دارد استخوان‌های دنده‌هایم و سربندهای استخوان‌هایم و انقباض عضلاتم

وَأَطْرافِ أَنامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي

و سر انگشتانم و گوشتم و خونم و مویم و پوستم و عصبم و ساقم

وَعِظامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلىٰ ذٰلِكَ أَيّامَ

و استخوانم مغزم و رگهایم و تمام اعضا و جوارحم، و آنچه بر اینها باقته شده از دوران

رِضاٰعِي، وَمـاٰ أَقَلَّـتِ الْاَرْضُ مِنِّـي، وَنَوْمِـي وَيَقْظَتِـي وَسُـكُونِي وَحَرَكاٰتِ

شیرخوارگی‌ام، و آنچه زمین از من دربرگرفته و خواب و بیداریم و سکون و حرکات رکوع و سجودم،

رُكُوعِـي وَسُـجُودِي، أَنْ لَوْ حاٰوَلْـتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْاَعْصـاٰرِ وَالْأَحْقاٰبِ

گواهی می‌دهم بر اینکه اگر کوشش کنم و تلاش کنم که در طورل عصرها و روزگارها، به فرض که عمر

لَـوْ عُمِّرْتُهـاٰ أَنْ أُوَدِّيَ شُـكْرَ واٰحِـدَةٍ مِـنْ أَنْعُمِـكَ مَـا اسْـتَطَعْتُ ذَلِـكَ إِلّا

آن چنانی داده شوم، شکر یکی از نعمت‌هایت را به جا آورم نخواهم توانست مگر به لطف تو و توفیق تو

بِمَنِّـكَ الْمُوجِـبِ عَلَـيَّ بِـهِ شُـكْرَكَ أَبَداً جَدِيـداً، وَثَنـاٰءً طاٰرِفـاً عَتِيداً،

که آن ایجاب می‌کند بر من شکر جدید را به طور پیوسته و حمد و ثنای نو و خوش آیند فراوان را.

أَجَـلْ وَلَـوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعـاٰدُّونَ مِنْ أَنامِـكَ أَنْ نُحْصِيَ مَـدىٰ إِنْعاٰمِكَ

آری اگر من و شمارشگران از ؟ حریصانه تلاش کنیم که نعمت‌های گذشته و آینده تو را احصاء کنیم

سـاٰلِفِهِ وَآنِفِهِ، ماٰ حَصَرْنـاٰهُ عَـدَداً، وَلاٰ أَحْصَيْناٰهُ أَمَداً، هَيْهـاٰتَ أَنّىٰ ذَلِكَ

هرگز نخواهیم توانست از نظر عدد آن‌ها به حصر درآوریم و از نظر زمانی شماره کنیم، هیهات، چگونه چنین

وَأَنْـتَ الْمُخْبِـرُ فِـي كِتاٰبِـكَ النّاٰطِـقِ وَالنَّبَـإِ الصّـادِقِ: (وَإِنْ تَعُـدُّوا نِعْمَةَ

چیزی ممکن است در حالی که تو در کتاب ناطق خود و خبر صادق خبر داده‌ای که: «اگر نعمت‌های خداوند

اللّـهِ لا تُحْصُوهـاٰ)[1] صَـدَقَ كِتاٰبُكَ، أَللّٰهُمَّ وَأَنْبِياٰؤُكَ وَرُسُـلُكَ مـاٰ أَنْزَلْتَ

را بخواهید شمارش نمایید، نمی‌توانید»، خداوندا کتاب تو راست است و پیامبران و رسولانت آنچه از وحی

عَلَيْهـاٰ مِـنْ وَحْيِـكَ، وَشَـرَعْتَ لَهـاٰ وَبِهـاٰ مِـنْ دِينِـكَ، غَيْـرَ أَنِّي يـاٰ إِلٰهِي

خود بر آن‌ها نازل کرده‌ای و برای آن‌ها و به سبب آن‌ها از دینت تشریع نموده‌ای رساندند. و من ای معبود من

أَشْـهَدُ بِجَهْـدِي، وَجِـدِّي وَمَبْلَـغِ طاٰقَتِي وَوُسْـعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنـاً مُوقِناً:

شهادت می‌دهم با تمام تلاش و کوشش و مقدار طاقت و توانم و و در حالی که ایمان و یقین دارم می‌گویم:

اَلْحَمْـدُ لِلّٰـهِ اَلَّـذِي لَـمْ يَتَّخِـذْ وَلَـداً فَيَكُـونَ مَوْرُوثـاً، وَلَـمْ يَكُـنْ

حمد سزاوار خداوندی است که فرزندی نگرفته تا ارث برنده باشد و برای او شریکی در پادشاهی و حاکمیت‌اش

۱. سورهٔ ابراهیم، آیه۳۴.

لَـهُ شَـرِيكٌ فِـي الْمُلْكِ فَيُضـادَّهُ فِيمَا اِبْتَـدَعَ، وَ لا وَلِـيٌّ مِنَ الـذُّلِ فَيُرْفِدَهُ

نمی‌باشد تا در آنچه ایجاد کرده با او ضدّیت نماید و از ضعف و خواری برایش سرپرستی نمی‌باشد تا تکیه گاه او باشد و

فِيمـا صَنَـعَ، فَسُـبْحانَهُ، سُـبْحانَهُ لَـوْ كانَ فِيهِمـا آلِهَـةٌ إِلَّا اللَّـهُ لَفَسَـدَتا

او را یاری نماید، پس او پاک و منزّه است و او پاک و منزه است اگر در آسمان و زمین معبودی جز خدا بود

وَتَفَطَّرَتـا، سُـبْحانَ اللّـهِ الْواحِـدِ الْاَحَـدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَـمْ يَلِدْ وَلَـمْ يُولَدْ

هر آینه به فساد و تباهی کشیده می‌شد و نابود می‌گشت. پاک و منزّه است خداوند یکتای بی همتای بی نیاز که

وَلَـمْ يَكُـنْ لَـهُ كُفُـواً أَحَـدٌ. اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ حَمْـداً يُعـادِلُ حَمْـدَ مَلائِكَتِـهِ

فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و برای او هیچ شبهی و مشابهی نمی‌باشد. سپاس و ستایش خداوند را سپاس و

الْمُقَرَّبِيـنَ وَأَنْبِيائِـهِ الْمُرْسَـلِينَ، وَصَلَّـى اللَّـهُ عَلـىٰ خِيَرَتِـهِ مُحَمَّـدٍ خاتَمِ

ستایشی که با سپاس و ستایش فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل او برابری کند..و درود خداوند بر برگزیده‌اش

النَّبِيِّيـنَ وَآلِـهِ الطَّيِّبِيـنَ الطّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ وَسَـلَّمَ.

حضرت محمّد پایان بخش انبیاء و برخاندان پاک و پاکیزه و مخلص آن حضرت..

سـپس بـه مسـألت پرداخت و در دعا کوشـش نمـود و در حالی که اشـک از دیـدگان مبارکش روان بـود، عرض کرد:

أَللَّهُـمَّ اجْعَلْنِـي أَخْشـاكَ كَأَنِّـي أَراكَ، وَأَسْـعِدْنِي بِتَقْواكَ، وَلاتُشْـقِنِي

خداوندا ترس مرا از خودت به گونه‌ای قرار بده که گویا تو را می‌بینم و با تقوای نسبت به خود سعادتمند گردان

بِمَعْصِيَتِـكَ، وَخِرْ لِـي فِي قَضائِكَ، وَبـارِكْ لِي فِي قَـدَرِكَ، حَتّىٰ لاأُحِبَّ

و با معصیت و نافرمانیت بدبخت مساز و در حکم و فرمانت برای من خیر بخواه و تقدیر مبارکی برایم اختیار فرما تا

تَعْجِيـلَ مـا أَخَّـرْتَ، وَلاتَأْخِيـرَ مـا عَجَّلْـتَ. أَللَّهُـمَّ اجْعَـلْ غِنائِـي فِـي

آنکه دوست نداشته باشم تعجیل شود در آنچه تو تأخیر انداخته‌ای و تأخیر شود در آنچه تو تعجیل نموده‌ای، خداوندا

نَفْسِـي، وَالْيَقِيـنَ فِي قَلْبِـي، وَالْإِخْلاصَ فِـي عَمَلِي، وَالنُّـورَ فِي بَصَرِي،

بی‌نیازی مرا در نفسم و یقین در قلبم و اخلاص در عملم و نور در دیدگانم

وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتِّعْنِي بِجَوارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي

و بصیرت و آگاهی در دینم قرار بده. و مرا از اعضاء و جوارحم بهره مند ساز و گوش و چشمم را

الْوارِثَيْنِ مِنِّي، وَانْصُرْنِي عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَأْرِي وَمَآرِبِي،

وارث من گردان و مرا بر کسی که به من ستم کند یاری کن و انتقام و آرزوی مرا در مورد او به من

وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي. أَللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ

بنمایان و چشم مرا بدان روشن فرما. خداوندا اندوه مرا برطرف کن و عیب مرا بپوشان و خطا و گناهم

لِي خَطِيئَتِي، وَاخْسَأْ شَيْطانِي، وَفُكَّ رِهانِي، وَاجْعَلْ لِي يا إِلٰهِي

را بیامرز، و شیطان مرا از من دور ساز، و آنچه در گرو دارم آزاد فرما و قرار ده برای من ای معبود من

الدَّرَجَةَ الْعُلْيا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولىٰ.

مرتبه عالی در آخرت و دنیا.

أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ

خداوندا حمد سزاوار تو است که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرار دادی و حمد و ستایش سزاوار تو است که

الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً، رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ

مرا آفریدی و به خاطر رحمتت بر من خلقم را متعادل و بدون عیب و نقص قرار دادی و تو از آفرینش من بی‌نیاز

خَلْقِي غَنِيّاً، رَبِّ بِما بَرَأْتَنِي فَعَدَّلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِما أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ

بودی، پروردگارا به لطفی که مرا آفریدی و معتدل نمودی آفرینشم را، پروردگارا به لطفی که مرا ایجاد کردی و ظاهرم

صُورَتِي، رَبِّ بِما أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عافَيْتَنِي، رَبِّ بِما كَلَأْتَنِي

را آراسته نمودی، پروردگارا به لطفی که به من احسان نمودی و عافیت بخشیدی، پروردگارا به لطفی که مرا حفظ کردی

وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِما أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِما أَوْلَيْتَنِي، وَمِنْ كُلِّ

و توفیقم مرحمت نمودی، پروردگارا به لطفی که به من نعمت دادی و هدایتم کردی. پروردگارا به لطفی که به من لطف

خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِما أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِما أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي،

کردی و از هر چیز عطا فرمودی، پروردگارا به لطفی که به من خوردنی و نوشیدنی مرحمت کردی، پروردگارا به لطفی

رَبِّ بِمٰا أَعَنْتَنِي وَأَعْزَزْتَنِي، رَبِّ بِمٰا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصّافِي وَيَسَّرْتَ

که مرا بی نیاز ساختی و خشنود نمودی، پروردگارا به لطفی که مرا کمک کردی وعزیز گردانیدی، پروردگارا به لطفی که

لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكٰافِي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي

مرا از پوششی پاک و با صفا پوشاندی و از روزی کفایت کننده‌ات برایم آسان نمودی و هموار ساختی، بر محمّد و آل محمّد

عَلىٰ بَوٰائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيٰالِي وَالْأَيّٰامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوٰالِ

علیهم السلام درود فرست و مرا در سختی‌ها و بلاهای روزگار و غم و اندوه و حوادث روزها و شب‌ها مدد رسان، و مرا از

الدُّنْيٰا وَكُرُبٰاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مٰا يَعْمَلُ الظّٰالِمُونَ فِي الْأَرْضِ.

ترس و وحشت دنیا و گرفتاری‌های آخرت نجات بده، و مرا از شرّ آنچه ستمگران در روی زمین انجام می‌دهند کفایت کن،

أَللّٰهُمَّ مٰا أَخٰافُ فَاكْفِنِي، وَمٰا أَحْذَرُ فَقِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي

خداوندا از آنچه می‌ترسم مرا کفایت کن و از آن چه حذر می‌کنم مرا حفظ فرما و نسبت به جانم

فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمٰالِي فَاخْلُفْنِي،

ودینم از من حراست نما، و در سفرم مرا حافظ باش و نسبت به خانواده و مالم و ثروتم مرا جانشین باش

وَفِيمٰا رَزَقْتَنِي فَبٰارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النّٰاسِ

و در آنچه مرا روزی کرده‌ای برکت ده، و در نفس خودم مرا خوار و در چشم مردم با عظمت گردان،

فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلاٰتَفْضَحْنِي،

و از شرّ جن و انس سلامت بدار، و به گناهانم مرا مفتضح مساز، و به باطنم مرا رسوا مگردان،

وَبِسَرِيرَتِي فَلاٰتُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلاٰ تَبْتَلِنِي، وَنِعَمَكَ فَلاٰتَسْلُبْنِي

و به عملم مرا مبتلا مفرما، و و نعمت‌هایت را از من سلب مکن و به غیر خودت مرا وامگذار، معبود من،

[تبسلني]، وَإِلىٰ غَيْرِكَ فَلاٰتَكِلْنِي، إِلٰهِي إِلىٰ مَنْ تَكِلُنِي إِلىٰ قَرِيبٍ

به چه کسی مرا واگذار می‌کنی، به نزدیکانم تا با من روابط خود را قطع کنند یا به افراد بیگانه که با چهرهای گرفته

فَيَقْطَعَنِي، أَمْ إِلىٰ بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمَنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ

برخورد کنند یا به افرادی که مرا ضعیف شمرند در حالی که تو پروردگار من و مالک امور من و اختیاردار من هستی

رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دارِي وَهَوانِي عَلىٰ مَنْ

به سوی تو شکوه می کنم از غربتم و دوری سرایم و خواری و بی ارزش بودنم نزد کسی که او را مالک امورم و اختیار دارم ساخته‌ای.

مَلَّكْتَهُ أَمْرِي. إِلٰهِي فَلاٰتُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ

معبود من خشم و غضب خود را بر من روامدار و واردمساز، اگر تو بر من غضب نکنی هیچ باکی

عَلَيَّ فَلاٰ أُبالِي، سُبْحانَكَ غَيْرَ أَنَّ عافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي،

ندارم، تو پاک و منزهی، جز آنکه عافیت برای من وسیع‌تر و دوست‌داشتنی‌تر است.

فَأَسْأَلُكَ يا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّماواتُ،

پروردگارا از تو می‌خواهم به نور وجه تو که آسمان‌ها و زمین را روشن ساخته و تاریکی‌ها را

وَكَشَفْتَ بِهِ الظُّلُماتِ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لاٰتُمِيتَنِي

برطرف نموده و امر اولین و آخرین به وسیله آن اصلاح گردیده که مرا در حالی که غضب کرده‌ای بر

عَلىٰ غَضَبِكَ، وَلاٰتُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبىٰ حَتّىٰ تَرْضىٰ قَبْلَ ذٰلِكَ.

من نمیرانی و خشمت را بر من فرود نیاوری، تو را سزد که مرا کیفر دهی تا خشنود گردی پیش از آن.

لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، رَبُ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

معبود شایسته‌ای جز تو نیست، ای پروردگار شهر مکّه و مشعر الحرام و خانه کعبه

الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنّاسِ أَمْناً،

و آن را برای مردم محلّ امن قرار دادی،

يا مَنْ عَفا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْماءَ بِفَضْلِهِ، يا

ای کسی که با حلم و بردباریش از گناهان بزرگ چشم پوشی نموده، ای کسی که به فضلش

مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يا صاحِبِي فِي وَحْدَتِي،

نعمت را سرازیر کرده، ای کسی که به کرم و بزرگواریش عطای فراوان فرموده است، ای سرمایه

يا غِياثِي فِي كُرْبَتِي، يا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يا إِلٰهِي وَإِلٰهَ آبائِي إِبْراهِيمَ

و پشتوانه من در سختی، ای همراه من در تنهایی، ای فریادرس من در گرفتاری، ای صاحب و سرپرست

وَإِسْماعِيلَ وَإِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ وَإِسْرافِيلَ،

من در نعمتم، ای معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسماعیل و یعقوب، و پروردگار جبرئیل و میکائیل

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ، مُنْزِلَ التَّوْراةِ وَالْإِنْجِيلِ

و اسرافیل، و پروردگار حضرت محمّد خاتم پیامبران و خاندان برگزیده‌اش، نازل کننده تورات

وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ، وَمُنْزِلَ كهيعص وَطه وَيس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ،

و انجیل و زبور و فرقان، و نازل کننده کهیعص و طه و یس و قرآن پر از حکمت،

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذاهِبُ فِي سَعَتِها وَتَضِيقُ بِيَ الْأَرْضُ

ای پناه من هنگامی که راه‌های گوناگون با وسعتش مرا به رنج افکند و درمانده سازد، و زمین

بِرُحْبِها، وَلَوْ لا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي،

با همه گستردگی‌اش بر من تنگ آید، و اگر نبود رحمتت از هلاک شدگان بودم، ای درگذرنده از

وَلَوْلا سِتْرُكَ إِيّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ

لغزش و گناه من، و اگر پرده پوشی تو بر من نبود از رسواشدگان بودم، تو با یاری من بر دشمنانم

عَلىٰ أَعْدائِي، وَلَوْ لا نَصْرُكَ إِيّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ،

مرا تأیید کننده‌ای و اگر یاری تو نبود هر آینه از شکست خوردگان بودم،

يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ، فَأَوْلِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يا

ای کسی که بلند مرتبه بودن و رفعت را به خود اختصاص داده و اولیاء او در پرتو عزّت او عزیز

مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْناقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ

هستند، ای کسی که پادشاهان یوغ ذلّت در برابر او به گردن افکنده‌اند و از اقتدار و او و حمله‌های او

خائِفُونَ، يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ ما تَأْتِي بِهِ

ترسانند. خیانت چشم‌ها و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کند و غیبی که زمان‌ها و روزگارها می‌آورد

الْأَزْمِنَةُ وَالدُّهُورُ، يا مَنْ لايَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لايَعْلَمُ ما هُوَ

می‌داند، ای کسی که نمی‌داند چگونه است او جز او، ای کسی که نمی‌داند چیست او جز او، ای کسی

إِلّا هُـوَ، يـا مَـنْ كَبَـسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمـاءِ وَسَـدَّ الْهَـواءَ بِالسَّـمـاءِ، يا مَنْ

که زمین را روی آب گسترانیده و آن را پوشاندی و هوا را با آسمان مسدود نمودی، ای کسی که

لَـهُ أَكْـرَمُ الْاَسْـمـاءِ، يـا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّـذِي لايَنْقَطِـعُ أَبَداً،

گرامی‌ترین نام‌ها برای او است، ای صاحب خیر و احسانی که هرگز قطع نمی‌گردد،

يـا مُقَيِّـضَ الرَّكْبِ لِيُوسُـفَ فِـي الْبَلَـدِ الْقَفْـرِ، وَمُخْرِجَهُ مِـنَ الْجُبِّ،

ای آنکه مقدّر کردی سوارانی در آن بیابان بی آب و علف برای نجات یوسف و ای خارج کننده او

وَجاعِلَـهُ بَعْـدَ الْعُبُودِيَّـةِ مَلِـكاً، يـا رادَّهُ عَلـىٰ يَعْقُـوبَ بَعْـدَ أَنْ اِبْيَضَّـتْ

از چاه و قراردهنده او در منصب پادشاهی بعد از آنکه عبد بود، و بازگرداننده او به یعقوب بعد از آنکه

عَيْنـاهُ مِـنَ الْحُـزْنِ فَهُـوَ كَظِيـمٌ، يا كاشِـفَ الضُّـرِّ وَالْبَلْـوىٰ عَـنْ أَيُّوبَ،

چشمانش از شدّت حزن و غم سفید گردیده و کور شده و او اندوهگین بود، ای برطرف کننده بیچارگی

وَمُمْسِـكَ يَـدَيْ إِبْراهِيـمَ عَـنْ ذِبْحِ ابْنِهِ بَعْـدَ كِبَرِ سِـنِّهِ وَفَناءِ عُمْـرِهِ، يا مَنِ

و بلا از ایّوب، و نگهدارنده دو دست ابراهیم از ذبح فرزندش بعد از کهولت سن و تمام شدن عمرش،

اسْـتَجابَ لِزَكَرِيّـا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيـىٰ وَلَمْ يَدَعْهُ فَـرْداً وَحِيداً، يـا مَنْ أَخْرَجَ

ای کسی که دعای زکریا را به اجابت رساندی و به او یحیی را مرحمت فرمودی و او را فرد و تنها

يُونُـسَ مِـنْ بَطْـنِ الْحُـوتِ، يا مَـنْ فَلَـقَ الْبَحْـرَ لِبَنِـي إِسْـرائِيلَ فَأَنْجاهُمْ

رها نکردی، ای کسی که یونس را از شکم ماهی خارج نمودی، ای کسی که دریا را برای بنی اسرائیل

وَجَعَـلَ فِرْعَـوْنَ وَجُنُودَهُ مِـنَ الْمُغْرَقِيـنَ، يا مَنْ أَرْسَـلَ الرِّياحَ مُبَشِّـراتٍ

شکافت و آنان را نجات داد و فرعون و لشکریانش را از غرق شدگان قرار داد. ای کسی که بادها را برای

بَيْـنَ يَـدَيْ رَحْمَتِـهِ، يـا مَـنْ لَـمْ يُعَجِّـلْ عَلـىٰ مَنْ عَصـاهُ مِـنْ خَلْقِـهِ، يا

بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد، ای کسی که بر کیفر بندگان نافرمانش شتاب نکرد. ای کسی که

مَـنِ اسْـتَنْقَذَ السَّـحَرَةَ مِـنْ بَعْـدِ طُـولِ الْجُحُـودِ، وَقَدْ غَـدَوْا فِـي نِعْمَتِهِ

ساحران را نجات داد بعد از انکار طولانی در حالی که صبح کردند در نعمت او، روزی او را می‌خوردند

يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حادُّوهُ، وَنادُوهُ، وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ،

و غیر او را پرستش می‌کردند با او مخالفت و ضدّیت می‌نمودند و رسولان او را تکذیب می‌کردند.

يا اَللّهُ، يا اَللّهُ، يا بَدِيءُ، يا بَدِيعُ، لا نِدَّ لَكَ، يا دائِمُ لا نَفادَ

ای خدا، ای خدا، ای آغاز کننده، ای پدید آورنده، همتایی برای تو نیست، ای همیشه‌ای و جاودانه

لَكَ، يا حَيُّ حِينَ لا حَيَّ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتى، يا مَنْ هُوَ قائِمٌ

که پایانی برایت نیست، ای زنده در آن زمان که زنده‌ای نبوده، ای زنده کنندهٔ مردگان، ای قیام کننده به

عَلىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ،

جزادادن بر هر کسی به آنچه کسب کرده است،

يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ

ای آنکه شکر من برای او اندک بوده و او محرومم نساخته و خطایم بزرگ بود و او رسوایم نساخت و مرا

يَفْضَحْنِي وَرَآنِي عَلَى الْمَعاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يا مَنْ حَفِظَنِي فِي

بر معصیت و نافرمانی دید و مرا خوار نفرمود. ای آنکه مرا در کودکی حفظ کرد، ای آنکه مرا در بزرگسالی

صِغَرِي، يا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يا مَنْ أَيادِيهِ عِنْدِي لا تُحْصَى، وَنِعَمُهُ

روزی داد، ای آنکه الطافش نزد من غیر قابل شمارش است، ای آنکه نعمت‌های او نزد من پاداشی داده نمی‌شود،

لا تُجازَى، يا مَنْ عارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسانِ، وَعارَضْتُهُ بِالْإِساءَةِ

و ای آنکه با خیر و احسان با من رفتار کرد و من با بدی و نافرمانی با او رفتار کردم، ای آنکه مرا به ایمان

وَالْعِصْيانِ، يا مَنْ هَدانِي لِلْإِيمانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْامْتِنانِ،

هدایت کرد پیش از آنکه شکر در برابر احسان را بشناسم، ای آنکه در حال بیماری او را خواندم و او شفایم

يا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفانِي، وَعُرْيانا فَكَسانِي، وَجائِعاً فَأَشْبَعَنِي،

داد، و عریان بودم مرا پوشاند، و گرسنه بودم مرا غذا داد و تشنه بودم مرا سیراب نمود، و ذلیل بودم مرا عزیز

وَعَطْشاناً فَأَرْوانِي، وَذَلِيلاً فَأَعَزَّنِي، وَجاهِلاً فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيداً

گردانید و نادان بودم مرا معرفت آموخت، و تنها بودم زیاد گردانید نفراتم را، غایب و دور از وطن بودم مرا

فَكَثَّرَنِي، وَغائِباً فَرَدَّنِي، وَمُقِلاً فَأَغْنانِي، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي، وَغَنِيّاً

بازگردانید، و تهیدست بودم مرا بی نیاز ساخت، یاری طلب کردم مرا یاری کرد، و بی نیازی داشتم آن را از من

فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي،

سلب نکرد، در تمام اینها من سکوت کردم و او ابتدا کرد و بدون سؤال عطا کرد.

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يا مَنْ أَقالَ عَثْرَتِي، وَنَفَّسَ كُرْبَتِي، وَأَجابَ

حمد و ستایش از آنِ تو است ای آنکه از لغزش من چشم پوشی کرد و اندوهم را برطرف نمود و دعایم را

دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلىٰ

به اجابت رسانید و عیبم را پوشانید و گناهم را آمرزید و خواسته‌ام را به من رسانید و مرا بر دشمنم یاری نمود

عَدُوِّي، وَإِنْ أَعُدَّ نِعَمَكَ وَمِنَنَكَ وَكَرائِمَ مِنَحِكَ لا أُحْصِيها،

و اگر نعمت‌هایت و الطافت و بخشش‌های بزرگوارانه‌ات را بخواهم شماره کنم نخواهم توانست.

يا مَوْلايَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ،

ای مولای من، تویی که نعمت دادی، تویی که احسان کردی، تویی که زیبا نمودی،

أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي

تویی که تفضّل فرمودی، تویی که کامل گردانیدی، تویی که روزی دادی، تویی که

وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ

توفیق بخشیدی، تویی که عطا کردی، تویی که بی نیاز ساختی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی

الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ،

که مأوی دادی، تویی که کفایت کردی، تویی که هدایت نمودی، تویی که مصونیت بخشیدی،

أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي

تویی که پوشیدی، تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی، تویی که

أَعْزَزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ،

عزیز گردانیدی، تویی که مددرساندی، تویی که کمک کردی، تویی که تأیید نمودی، تویی

أَنْـتَ الَّـذِي نَصَـرْتَ، أَنْتَ الَّـذِي شَـفَيْتَ، أَنْتَ الَّـذِي عافَيْتَ، أَنْـتَ الَّذِي

که یاری کردی، تویی که شفا بخشیدی، تویی که عافیت دادی، تویی که گرامی داشتی، برتر و

أَكْرَمْـتَ، تَبارَكْـتَ وَتَعالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْـدُ دائِماً، وَلَكَ الشُّـكْرُ واصِباً أَبَداً.

بلند مرتبه‌ای ای پروردگار من، حمد و ستایش پیوسته تو را سزد و شکر همواره از آن تو است،

ثُـمَّ أَنَـا يـا إِلٰهِـي، اَلْمُعْتَـرِفُ بِذُنُوبِـي فَاغْفِرْها لِـي، أَنَا الَّذِي أَسَـأْتُ،

و من ای معبود من اعتراف به گناهانم دارم پس مرا بیامرز، منم که خطا کردم، منم که

أَنَـا الَّـذِي أَخْطَـأْتُ، أَنَـا الَّـذِي هَمَمْـتُ، أَنَا الَّـذِي جَهِلْـتُ، أَنَـا الَّذِي

غفلت ورزیدم، منم که نادانی نمودم، منم که تصمیم به بدی گرفم، منم

غَفَلْـتُ، أَنَا الَّذِي سَـهَوْتُ، أَنَـا الَّذِي اِعْتَمَـدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّـدْتُ، أَنَا

که سهو و اشتباه نمودم، منم که بی‌جهت اعتماد کردم، منم که از روی عمد بدی نمودم، منم که وعده

الَّـذِي وَعَـدْتُ، أَنَا الَّـذِي أَخْلَفْـتُ، أَنَا الَّذِي نَكَثْـتُ، أَنَا الَّـذِي أَقْرَرْتُ،

کردم، منم که خلف وعده نمودم، منم که پیمان شکستم، منم که اقرار کردم، منم که اعتراف می‌کنم

أَنَـا الَّذِي اِعْتَرَفْـتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَـيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُـوءُ بِذُنُوبِـي فَاغْفِرْها لِي،

به نعمتت بر من و نزد من، و اقرار می‌کنم به گناهم، پس آن‌ها را بیامرز، ای آنکه گناه بندگان

يـا مَـنْ لاتَضُرُّهُ ذُنُـوبُ عِبـادِهِ، وَهُوَ الْغَنِـيُّ عَـنْ طاعَتِهِـمْ، وَالْمُوَفِّقُ مَنْ

به او هیچ ضرری نمی‌زند و از اطاعت آنان کاملاً بی‌نیاز است، و کسی که توفیق اعمال صالح یافته

عَمِـلَ صالِحـاً مِنْهُـمْ بِمَعُونَتِـهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَـكَ الْحَمْدُ، إِلٰهِي وَسَـيِّدِي.

از آنان به یاری پروردگار و رحمت او بوده است، پس تو سزاوار حمد و ثنایی معبود من و سرور من.

إِلٰهِـي أَمَرْتَنِـي فَعَصَيْتُـكَ، وَنَهَيْتَنِـي فَارْتَكَبْـتُ نَهْيَـكَ، فَأَصْبَحْـتُ لا

پروردگارا مرا امر کردی، نافرمانی تو نمودی، نهی کردی، مرتکب آن شدم، به گونه‌ای گردیده‌ام که

ذا بَـرَاءَةٍ لِـي فَأَعْتَذِرَ، وَلا ذا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ، فَبِأَيِّ شَـيْءٍ أَسْـتَقْبِلُكَ، يا مَوْلايَ

نه عذری دارم تا عذر آورم و نه قدرت وتوانی دارم تا پیروز گردم، ای مولای من با چه چیز با تو روبرو

أَبِسَمْعِي، أَمْ بِبَصَرِي، أَمْ بِلِسانِي، أَمْ بِيَدِي، أَمْ بِرِجْلِي، أَ لَيْسَ كُلُّها

شوم، با گوشم یا با چشمم یا با زبانم یا با دستم و یا با پایم، آیا اینها نعمت‌های تو نزد من نبوده؟ من با تمام

نِعَمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّها عَصَيْتُكَ يا مَوْلايَ؟ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ،

اینها معصیت تو نموده‌ام ای مولای من، تو بر من حجت داری و راه از آن تو است و من هیچ راهی ندارم،

يا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآباءِ وَالْأُمَّاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشائِرِ

ای آنکه مرا (عیوب مرا) از نظر پدران و مادارن پوشیدی تا مرا به تندی از خود نرانند، واز خویشان

وَالْإِخْوانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلاطِينِ أَنْ يُعاقِبُونِي، وَلَوِ اطَّلَعُوا

و برادران، تا سرزنشم نکنند، واز سلاطین، تا مرا عقوبت و کیفر نکنند و اگر مطّلع می‌شدند ای مولای من

يا مَوْلايَ عَلىٰ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي، إِذًا مَا أَنْظَرُونِي وَلَرَفَضُونِي

بر آنچه تو بر آن مطّلع و آگاهی نسبت به من، حتماً مهلت نداده و مرا ترک می‌کردند و از من می‌بریدند،

وَقَطَعُونِي، فَها أَنَا ذا يا إِلٰهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يا سَيِّدِي خاضِعٌ ذَلِيلٌ

معبودا اینک این من هستم در پیشگاه تو، ای سرور من، با حال خضوع و ذلّت و درماندگی و حقارت، نه

حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لا ذُو بَراءَةٍ فَأَعْتَذِرَ، وَلا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ، وَلا ذُوحُجَّةٍ

عذری دارم تا عذرخواهی کنم و نه نیرو و توانی دارم تا یاری شوم و پیروز گردم و نه حجّتی دارم تا با آن

فَأَحْتَجَّ بِها، وَلاقائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً، وَما عَسَى الْجُحُودُ

احتجاج نمایم و نه می‌گویم که گنه کار نیستم و کار بدی انجام نداده‌ام و گمان نمی‌کم که انکار ـ اگر انکار

لَوْ جَحَدْتُ يا مَوْلايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَنّىٰ ذَلِكَ وَجَوارِحِي كُلُّها

کنم ـ ای مولای من نفعی به من ببخشد، چگونه و کجا چنین چیزی ممکن است در حالی که اعضا و جوارحم

شاهِدَةٌ عَلَيَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ وَ عَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ إِنَّكَ سائِلِي

همگی بر آن چه عمل کرده‌ام شاهدند و علیه من گواهی خواهند داد، و می‌دانم به طور یقین بدون هیچ شکّی

عَنْ عَظائِمِ الْأُمُورِ، وَإِنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لاتَجُورُ، وَعَدْلُكَ

که تو از امور بزرگ از من سؤال خواهی کرد و به راستی که تو داوری و حاکمی عادل هستی که هرگز ستم

مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يا إِلٰهِي فَبِذُنُوبِي

نمی‌کنی و عدل تو است که مرا هلاک می‌کند و از عدالت تو است که می‌گریزم، پس اگر مرا عذاب کنی به سبب

بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ.

گناهانم است و بعد از آن است که تو بر من حجّت داری، و اگر مرا عفو کنی به بردباری و جود و کرم تو است،

لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ

هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از ستمکاران می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست،

سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ

پاک و منزّهی و من از استغفار کنندگان می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از

مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخائِفِينَ، لاٰ إِلٰهَ

یکتاپرستان می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از بیمناکان می‌باشم، هیچ معبودی

إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي

جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از ترس دارندگان می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی

كُنْتُ مِنَ الرّاجِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرّاغِبِينَ،

و من از امیدواران می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از رغبت دارندگان می‌باشم،

لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ

هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من ازتهلیل گویان می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و

سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السّائِلِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ

منزّهی و من ازگدایان و درخواست کنندگان می‌باشم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از

مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ،

تسبیح کنندگان هستم، هیچ معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و من از تکبیر گویان هستم، هیچ معبودی

لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبائِيَ الْأَوَّلِينَ.

جز تو نیست، پاک و منزّهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من هستی.

أَللَّهُمَّ هٰذا ثَنائِي عَلَيْكَ مُمَجِّداً، وَإِخْلاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّداً،

خداوندا این مدح و ثنای من بر تو است درحالی که تمجید کننده‌ام و اخلاص من برای یاد تو است درحالی

وَإِقْرارِي بِآلائِكَ مُعَدِّداً، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرّاً إِنِّي لَمْ أَحْصِها لِكَثْرَتِها

که تو را یگانه می‌دانم و اقرار من به نعمت‌های تو است در حالی که شمارشگر آن‌ها هستم، اگرچه اقرار دارم

وَسُبُوغِها وَتَظاهُرِها وَتَقادُمِها إِلىٰ حادِثٍ ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي[1] بِهِ

که به خاطر کثرت و فراوانی و گستردگی و جلوه‌های آن و دیرینه بودن آن تا کنون نمی‌توانم آن‌ها را شمارش

مَعَها مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ، مِنَ الْإِغْناءِ مِنَ الْفَقْرِ

کنم، و از آن زمان که مرا آفریدی و از عدم به وجود آوردی و از اوّل عمرم همواره غرق در نعمت‌هایت بوده‌ام،

وَكَشْفِ الضُّرِّ، وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعافِيَةِ

بعد از فقر و تهی دستی مرا بی نیاز نمودی، بیچارگی‌ام را برطرف کردی، آسانی و رفاه برایم فراهم نمودی، سختی

فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلىٰ قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ

و دشواری را دور کردی، اندوه را از من زایل ساختی و عافیت در بدن و سلامت در دین مرحمت کردی، و اگر

جَمِيعُ الْعالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، ما قَدَرْتُ وَلاٰهُمْ عَلىٰ ذٰلِكَ.

تمام مردم عالم از اوّلین و آخرین مرا در ذکر نعمت‌هایت یاری رسانند، نه من و نه آن‌ها قادر به ذکر آن‌ها نیستیم.

تَقَدَّسْتَ وَتَعالَيْتَ مِنْ رَبٍّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لاٰتُحْصىٰ آلاؤُكَ

پاک و منزهی و والا و بلند مرتبه‌ای پروردگار بزرگوار با عظمت و مهربان، نعمت‌ها و الطاف تو قابل

وَلاٰ يُبْلَغُ ثَناؤُكَ، وَلاٰ تُكافىٰ نَعْماؤُكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

شمارش نیست، و مدح و ثنایت رسا نمی‌باشد و نعمت‌هایت پاداش داده نمی‌شود، بر محمّد و آل محمّد درود

وَأَتْمِمْ عَلَيْنا نِعَمَكَ، وَأَسْعِدْنا بِطاعَتِكَ، سُبْحانَكَ لاٰإِلٰهَ إِلّا أَنْتَ.

فرست و بر ما نعمتت را تمام گردان و ما را به اطاعت خود یاری نما، پاک و منزّهی هیچ معبودی جز تو نیست.

أَللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ،

خداوندا تو اجابت می‌کنی دعای بیچاره را هنگامی که تو را بخواند و بدی را برطرف می‌نمایی، و

۱. در اکثر نسخه‌های دیگر «تَتَغَمّدني» است.

وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ

به فریاد گرفتار می‌رسی و بیمار را شفا می‌دهی و فقیر را بی نیاز می‌گردانی و شکسته را التیام می‌بخشی،

الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلاٰفَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ،

به کم سن و سال رحم می‌کنی و بزرگسال را کمک می‌نمایی، غیر تو پشتیبانی نیست و تواناتر از تو کسی

يٰا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْاَسِيرِ، يٰا رٰازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يٰا عِصْمَةَ الْخٰائِفِ

نمی‌باشد.تو والا و بزرگ مرتبه‌ای، ای آزاد کنندهٔ در بند اسیر، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای پناه

الْمُسْتَجِيرِ، يٰا مَنْ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَلاٰ وَزِيرَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

ترس دارندهٔ پناه جو، ای آنکه شریکی ندارد و وزیری برای او نیست، بر محمّد و آل محمّد درود فرست

مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مٰا أَعْطَيْتَ وَأَنَلْتَ أَحَداً

و عطا کن مرا در امشب بهتر از آنچه عطا می‌کنی و مرحمت می‌نمایی به یکی از بندگانت از نعمتی که

مِنْ عِبٰادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيهٰا، وَآلاٰءٍ تُجَدِّدُهٰا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهٰا، وَكُرْبَةٍ

واگذار کرده‌ای و الطافی که آن‌ها را تجدید می‌نمایی و بلایی که آن را می‌گردانی و اندوهی که برطرف

تَكْشِفُهٰا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهٰا، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهٰا، وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهٰا، إِنَّكَ

می‌سازی و دعایی که آن را می‌شنوی و کار نیکی که آن را می‌پذیری و گناهی که آن را می‌آمرزی، که تو

لَطِيفٌ بِمٰا تَشٰاءُ خَبِيرٌ، وَعَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

دارای لطف فراوانی و آگاهی و بر هر چیز توانایی.

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجٰابَ وَأَكْرَمُ مَنْ

خداوندا تو نزدیک‌ترین کسی هستی که خوانده‌می‌شود وسریع‌ترین پاسخ دهنده‌ای و بزرگوارترین عفوکننده‌ای

عَفٰا، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطىٰ، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يٰا رَحْمٰانَ الدُّنْيٰا

و گسترده‌ترین عطا کننده‌ای و شنواترین کسی هستی که از او سؤال و درخواست شده، ای رحم کننده در دنیا و

وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِيمَهُمٰا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلاٰسِوٰاكَ مَأْمُولٌ،

آخرت ومهربان در هر دو سرا، مانند تو سؤال شده و درخواست شده‌ای نیست و غیر تو مایه امید و آرزو نباشد،

دَعَوْتُـكَ فَأَجَبْتَنِـي، وَسَـأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِـي، وَرَغِبْـتُ إِلَيْـكَ فَرَحِمْتَنِـي،

تو را خواندم پس اجابت نمودی و درخواست نمودم عطا فرمودی، به سوی تو میل و رغبت نشان‌دادم به من

وَوَثِقْـتُ بِـكَ فَنَجَّيْتَنِـي، وَفَزِعْـتُ إِلَيْـكَ فَكَفَيْتَنِـي.

رحم کردی، به تو اطمینان نمودم نجاتم بخشیدی، و به تو پناه آوردم کفایتم نمودی.

أَللَّهُـمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُـولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلـىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

خداوندا بر حضرت محمّد بنده، فرستاده و پیامبرت و بر خاندان پاک و پاکیزه‌اش درود فرست،

الطّاهِرِيـنَ أَجْمَعِيـنَ، وَتَمِّـمْ لَنَا نَعْمـاءَكَ، وَهَنِّئْنـا عَطـاءَكَ، وَاكْتُبْنا لَكَ

و نعمت‌هایت را برای ما تمام گردان و عطایت را گوارا ساز و ما را شکرگزار خودت و یادکننده

شـاكِرِينَ، وَ لِلْآئِـكَ ذاكِرِينَ، آمِينَ آمِيـنَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

نعمت‌ها و الطافت بنویس، اجابت کن، اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

أَللَّهُـمَّ يـا مَـنْ مَلَـكَ فَقَـدَرَ، وَقَـدَرَ فَقَهَـرَ، وَعُصِـيَ فَسَـتَرَ، وَاسْـتَغْفَرَ

خداوندا ای آنکه مالک است و توانا، و توانا است و چیره، نافرمانی شد و پوشاند، از او طلب آمرزش شد و

فَغَفَـرَ، يـا غايَـةَ الطّالِبِيـنَ، وَمُنْتَهـىٰ أَمَـلِ الرّاجِيـنَ، يـا مَـنْ أَحـاطَ

آمرزید، ای نهایت جستجوی جویندگان و منتهای آرزوی امیدواران، ای آنکه به هر چیز از نظر علم و آگاهی احاطه

بِـكُلِّ شَـيْءٍ عِلْمـاً، وَوَسَـعَ الْمُسْـتَقِيلِينَ رَأْفَـةً وَرَحْمَـةً وَحِلْمـاً.

دارد، و رأفت و رحمت و بردباری‌اش همه کسانی را که خواهانِ گذشت و چشم‌پوشی هستند فرا گرفته است.

أَللَّهُـمَّ إِنّـا نَتَوَجَّـهُ إِلَيْـكَ فِـي هٰـذِهِ الْعَشِـيَّةِ الَّتِـي شَـرَّفْتَهـا وَعَظَّمْتَهـا

خداوندا ما ارا در این شب عزیز که آن را شرافت بخشیده و عظمت داده‌ای به واسطه حضرت محمّد

بِمُحَمَّـدٍ نَبِيِّـكَ وَرَسُـولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِـكَ، وَأَمِينِكَ عَلـىٰ وَحْيِكَ،

پیامبر و رسولت و برگزیده از میان خلقت و امین تو بر وحیت بشارت دهنده و بیم دهنده، چراغ پرفروغ

الْبَشِـيرِ النَّذِيـرِ، السِّـراجِ الْمُنِيـرِ، الَّـذِي أَنْعَمْـتَ بِـهِ عَلَـى الْمُسْـلِمِينَ،

روشنی بخشی که به وجود او بر مسلمان‌ها نعمت بخشیدی و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی

وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ، أَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

به سوی تو روی آورده و توجه می‌کنم، خداوندا پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست همان

مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ، يا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ

طور که محمّد 9 شایسته آن است از طرف تو، ای خدای بزرگ پس بر آن حضرت و بر

الطّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَغَمَّدْنا بِعَفْوِكَ عَنّا فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْواتُ

خاندان پاک و برگزیده او درود فرست. صداها با لغت‌های گوناگون به سوی تو بالا رفته است،

بِصُنُوفِ اللُّغاتِ، فَاجْعَلْ لَنا أَللَّهُمَّ فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيباً مِنْ كُلِّ

قرار بده برای ما در این شب عزیز بهره‌ای در هر خیری که بین بندگانت تقسیم می‌کنی و نوری که به

خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُها، وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُها،

وسیله آن هدایت می‌نمایی و رحمتی که آن را پخش می‌کنی و برکتی که آن را نازل می‌گردانی و عافیتی که

وَعافِيَةٍ تُجَلِّلُها، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

آن را پوشش دهی و رزقی که آن را می‌گسترانی ای مهربان‌ترین مهربانان.

أَللَّهُمَّ اقْلِبْنا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غانِمِينَ

خداوندا ما را باز گردان در این وقت با حاجات برآورده شده، رستگار، قبول شده، بهره مند،

وَلا تَجْعَلْنا مِنَ الْقانِطِينَ، وَلاتُخْلِنا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلاتَحْرِمْنا ما نُؤَمِّلُهُ

و قرار مده ما را از ناامیدان و خالی مگذار ما را از رحمتت، و محروم مفرما ما را از آنچه امیدداریم

مِنْ فَضْلِكَ، وَلاتَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلا لِفَضْلِ ما نُؤَمِّلُهُ

آن را از فضل و احسانت، و ما را از رحمتت محروم قرار مده، و از آنچه از عطایت آرزو داریم نا

مِنْ عَطائِكَ قانِطِينَ، وَلاتَرُدَّنا خائِبِينَ، وَلامِنْ بابِكَ مَطْرُودِينَ، يا أَجْوَدَ

امید مگردان، و ما را ناکام و بی بهره بازمگردان، و از درگاهت مران، ای بخشنده‌ترین بخشندگان

الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرامِ آمِّينَ

و بزرگوارترین بزرگواران، با یقین روی به سوی تو آوردیم و آهنگ خانهٔ محترم تو نمودیم،

قاصِدِينَ فَأَعِنّا عَلىٰ مَناسِكِنا، وَأَكْمِلْ لَنا حَجَّنا، وَاُعْفُ أَللّٰهُمَّ عَنّا

ما را بر انجام مناسک یاری نما و حج ما را کامل گردان، خداوندا ما را عفو کن و به ما عافیت

وَعافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا إِلَيْكَ أَيْدِيَنا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْاِعْتِرافِ مَوْسُومَةٌ.

ببخش دستان خود را به سوی تو دراز کرده‌ایم و این به ذلّت اعتراف نشانه است.

أَللّٰهُمَّ فَأَعْطِنا فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ ما سَأَلْناكَ، وَاكْفِنا مَا اسْتَكْفَيْناكَ،

خداوندا در این شب عزیز آنچه از تو درخواست نمودیم به ما عطا کن و آنچه کفایتش را از تو خواستیم کفایت

فَلا كافِيَ لَنا سِواكَ، وَلا رَبَّ لَنا غَيْرُكَ، نافِذٌ فِينا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنا

نما که ما جز تو کفایت کننده‌ای نداریم و برای ما پروردگاری غیر تو نیست، حکم تو در مورد ما نافذ است و علم تو

عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينا قَضاؤُكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ.

به ما احاطه دارد، آنچه در مورد ما مقدر کنی عین عدالت است، خیر برای ما مقدّر کن و ما را از اهل خیر قرار بده.

أَللّٰهُمَّ أَوْجِبْ لَنا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْاَجْرِ، وَكَرِيمَ الذُّخْرِ، وَدَوامَ

خداوندا به جود و بخششت برای ما اجر و پاداش عظیم و اندوخته ارزشمند، و آسانی و رفاه دائمی

الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا أَجْمَعِينَ، وَلا تُهْلِكْنا مَعَ الْهالِكِينَ، وَلا تَصْرِفْ

واجب گردان و همهٔ گناهان ما را بیامبرز و همراه هلاک شوندگان ما را هلاک مکن، و رحمت

عَنّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و رأفت خود را از ما مگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا فِي هٰذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ

خداوندا ما را قرار بده در این وقت عزیز از کسانی که از تو درخواست نمود و عطا کردی و شکر کرد تو

فَزِدْتَهُ وَتابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّها فَغَفَرْتَها لَهُ،

را و نعمتش را افزودی و بازگشت به سوی تو و او را پذیرفتی، بیزاری جست به سوی تو از گناهانش و آن‌ها را

يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ.

آمرزیدی، ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

أَللَّهُـمَّ وَفِّقْنـا وَسَـدِّدْنا وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنا، يا خَيْرَ مَنْ سُـئِلَ، وَيـا أَرْحَمَ مَنِ

خداوندا ما را توفیق بده و تأیید نما و ناله و زاری ما را بپذیر، ای بهترین کسی که از او درخواست

اسْـتُرْحِمَ، يـا مَـنْ لايَخْفىٰ عَلَيْـهِ إِغْماضُ الْجُفُـونِ، وَلا لَحْـظُ الْعُيُونِ، وَ

شده، و ای رحم کننده‌ترین کسی که از او طلب رحمت شده، ای آنکه پنهان نیست بر او بسته شدن پلک‌ها

لا مَـا اسْـتَقَرَّ فِـي الْمَكْنُونِ، وَلا مَـا انْطَوَتْ عَلَيْـهِ مُضْمَـراتُ الْقُلُوبِ، أَلاَ

و زیرچشمی دیدن دیدگان، و نه آنچه در نهان مستقر گردیده، و نه آنچه پیچیده شده بر آن پنهان شده‌های

كُلُّ ذَلِـكَ قَـدْ أَحْصاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِـعَهُ حِلْمُكَ، سُـبْحانَكَ وَتَعالَيْتَ عَمّا

دل‌ها، تمامی اینها را علم تو احصاء نموده و بردباریت فراگرفته است، پاک و منزه و برتر هستی از آنچه

يَقُـولُ الظّالِمُـونَ عُلُـوّاً كَبِيراً، تُسَـبِّحُ لَـكَ السَّـماواتُ السَّـبْعُ وَالْاَرَضُونَ

ستمگران می‌گویند، آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها و هر که در آن‌ها است تو را تسبیح

وَمَـنْ فِيهِـنَّ، وَإِنْ مِـنْ شَـيْءٍ إِلّا يُسَـبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَـكَ الْحَمْـدُ وَالْمَجْدُ

گویند، و چیزی نیست مگر آنکه به حمد و ثنای تو تسبیح گوید، حمد و ستایش و فخر و

وَعُلُـوُّ الْجَـدِّ يـا ذَا الْجَـلالِ وَالْإِكْـرامِ، وَالْفَضْـلِ وَالْإِنْعـامِ، وَالْآيـادِي

بزرگی و جلال از آن تو است ای صاحب بزرگی و بزرگواری و احسان و نعمت و الطاف

الْجِسـامِ، وَأَنْـتَ الْجَـوادُ الْكَرِيمُ، الـرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.

بزرگ، و تو بخشنده و بزرگوار و رئوف و مهربان هستی.

أَللَّهُـمَّ أَوْسِـعْ عَلَـيَّ مِـنْ رِزْقِـكَ الْحَـلالِ، وَعافِنِي فِـي بَدَنِـي وَدِينِي،

خداوندا روزی حلالت را بر من توسعه بده و فراخ گردان، و مرا عافیت ببخش در بدنم و دینم، و ترسم را به

وَآمِـنْ خَوْفِـي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النّـارِ، أَللَّهُمَّ لاتَمْكُرْ بِي، وَلا تَسْـتَدْرِجْنِي

ایمنی مبدّل فرما و مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، خداوندا مرا دچار مکر و حیله مفرما، و غافلگیر مساز (با گناه

وَلا تَخْدَعْنِـي، وَادْرَأْ عَنِّـي شَـرَّ فَسَـقَةِ الْجِـنِّ وَالْإِنْـسِ.

من و نعمت‌دادن تو) و مرا فریب‌خورده قرارمده، و شرّ فاسقان جن و انس را از من دورگردان.

بشر و بشیر گفته‌اند: سپس امام 7 صدا را بلند نمود در حالی که دیدگانش به سوی آسمان بود و اشک از دو چشم مبارکش همچون دو ناودان جاری بود و گفت:

يـا أَسْـمَعَ السّـامِعِينَ، وَيـا أَبْصَـرَ النّاظِرِيـنَ، وَيا أَسْـرَعَ الْحاسِـبِينَ،

ای شنواترین شنوندگان، و ای بیناترین بینندگان و ای سریع‌ترین حسابگران، و ای مهربان‌ترین مهربانان،

وَيـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ، صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السّـادَةِ الْمَيامِينَ،

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، آن سروران پر میمنت و برکت، و از تو می‌خواهم خداوندا حاجتی

وَأَسْـئَلُكَ اللَّهُـمَّ حاجَتِيَ الَّتِـي إِنْ أَعْطَيْتَنِيها لَـمْ يَضُرَّنِي مـا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ

را که اگر آن را عطا کردی، آنچه از من بازبداری به من ضرری نزند و اگر آن را از من بازداشتی

مَنَعْتَنِيهـا لَـمْ يَنْفَعْنِي ما أَعْطَيْتَنِي، أَسْـئَلُكَ فَـكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّـارِ، لا إِلٰهَ

آنچه عطا کنی سودی نبخشد به من، از تو می‌خواهم رهایی از آتش را، هیچ معبودی جز تو نیست تنها

إِلّا أَنْـتَ وَحْـدَكَ لاشَـرِيكَ لَكَ، لَـكَ الْمُلْكُ وَلَـكَ الْحَمْـدُ، وَأَنْتَ عَلىٰ

تویی و شریکی برای تو نیست. پادشاهی از آن تو است و حمد و ستایش سزاوار تو می‌باشد، و تو بر هر

كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ، يـا رَبِّ، يارَبِّ.

چیز توانایی، ای پروردگار، ای پروردگار.

بشر و بشیر گفته‌اند:

امـام 7 بعـد از ایـن دعـا پیوسـته ذکـر «**يـا رَبِّ يـا رَبِّ**» را می‌گفتنـد و کسـانی کـه در اطـراف ایشـان و شـاهد محضـرش بودنـد دعـا کـردن بـرای خـود را رهـا کـرده و تنها بـه دعـای امـام 7 گـوش می‌دادنـد و بـر آن آمیـن می‌گفتنـد و بـه همیـن اکتفـا کـرده بودنـد، آنـگاه صداهای ایشـان به گریـه کردن همراه امام 7 بلند شـد، تا اینکه خورشـید غـروب کـرد وامـام 7 شـتابان بـه راه افتـاد و مـردم همـراه آن حضـرت بـه راه افتادند.[1]

بعد از این دعا، زیاده‌ای در بعضی نسخه‌ها نقل شده:

۱. البلد الامین: ص۳۵۲، زاد المعاد: ص۲۶۰، مفتاح الجنات: ۳۲۳/۳، ابواب الجنان: ص۷۱۸.

إِلٰهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لاٰ أَكُونُ فَقِيراً فِي فَقْرِي، إِلٰهِي أَنَا

معبودا، من در بی‌نیازیم فقیر و نیازمندم پس چگونه در فقرم فقیر نباشم، معبودا

الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لاٰ أَكُونُ جَهُولاً فِي جَهْلِي، إِلٰهِي إِنَّ اخْتِلاٰفَ

من در دانایی‌ام جاهلم پس چگونه در نادانی‌ام جاهل نباشم، معبودا همانا تنوّع

تَدْبِيرِكَ، وَسُرْعَةَ طَوٰاءِ مَقٰادِيرِكَ مَنَعٰا عِبٰادَكَ الْعٰارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلىٰ

تدبیر تو و سرعت انجام تقدیرت بندگان عارفت را از اطمینان و آرامش به عطا و یأس از تو در بلا

عَطٰاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلاٰءٍ، إِلٰهِي مِنِّي مٰا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مٰا يَلِيقُ

بازداشت. خدای من، از من آنچه مناسب با لئیمی من، و از تو آنچه شایسته کرم و بزرگواری تو است.

بِكَرَمِكَ، إِلٰهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي

خدای من، خود را به لطف و رأفت برای من قبل از پیدایش ضعف و ناتوانی من توصیف کردی،

أَفَتَمْنَعُنِي مِنْهُمٰا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلٰهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحٰاسِنُ مِنِّي

آیا آن دو را بعد از پیدایش ناتوانی از من بازمیداری؟ خدای من، اگر خوبی‌ها از من ظاهر گشته به فضل تو

فَبِفَضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسٰاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ، وَلَكَ

بوده و تو بر من منّت داری و اگر بدی‌ها از من ظاهر گشته عدل تو بوده و تو بر من حجّت داری. خدای من،

الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلٰهِي كَيْفَ تَكِلُنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَكَيْفَ أُضٰامُ وَأَنْتَ

چگونه مرا وا می‌گذاری در حالی که عهده دار امور من گردیده‌ای، و چگونه مورد ستم واقع شوم در حالی که

النّٰاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هٰا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي

تو یاور من هستی، یا چگونه نا امید باشم در حالی که تو نسبت به من بسیار مهربانی، من به فقر و نیازی که

إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمٰا هُوَ مَحٰالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو

نسبت به تو دارم به تو توسل می‌جویم و چگونه به تو توسل جویم به آنچه محال است که به تو برسد، یا چگونه

إِلَيْكَ حٰالِي وَ هُوَ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقٰالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزَ

به تو شکایت کنم از حالم در حالی که بر تو پنهان نیست، یا چگونه بیان کنم گفتارم را در حالی که نزد تو

إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لا تُحْسِنُ

آشکار است، یا چگونه آرزوهایم را ناکام می‌گذاری در حالی که به درگاه تو وارد شده، یا چگونه احوالم را نیکو

أَحْوالِي وَبِكَ قَامَتْ، يا إِلٰهِي ما أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَما أَرْحَمَكَ

نمی‌گردانی در حالی که قوامش به تو است، خدای من چه قدر لطف داری به من با جهالت بسیارم، و چه قدر به من

بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلٰهِي ما أَقْرَبَكَ مِنِّي، وَقَدْ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَما أَرْأَفَكَ

مهربانی با زشتی رفتارم. خدای من چه قدر به من نزدیک هستی و من از تو دورم، و چه قدر به من مهربان هستی،

بِي، فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلٰهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثارِ، وَتَنَقُّلاتِ

پس چه چیز محجوب کرده مرا از تو، خدای من با تنوّع آثار و دگرگونی‌های احوال دانستم که مقصود تو

الْأَطْوارِ أَنَّ مُرادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتّىٰ لا أَجْهَلَكَ فِي

این است که در هر چیز خود را به من بشناسانی تا اینکه در چیزی نادان به تو نباشم و تو را فراموش نکنم.

شَيْءٍ، إِلٰهِي كُلَّما أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّما آيَسَتْنِي أَوْصافِي

خدای من هرگاه لئیمی و پستی من مرا لال کند کرم تو مرا به سخن آورد، و هرگاه اوصافم

أَطْمَعَتْنِي مِنَنُكَ، إِلٰهِي مَنْ كانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِيَ فَكَيْفَ لا يَكُونُ مَساوِيهِ

مرا مأیوس گرداند نعمت‌های تو مرا به طمع وادارد. خدایا کسی که خوبی‌های او بدی است

مَساوِيَ، وَمَنْ كانَتْ حَقائِقُهُ دَعاوِيَ فَكَيْفَ لا تَكُونُ دَعاوِيهِ دَعاوِيَ،

چگونه بدی‌های او بدی نباشد، و کسی که حقائق او ادّعا است چگونه ادّعاهایش ادعا نباشد.

إِلٰهِي حُكْمُكَ النّافِذُ، وَمَشِيَّتُكَ الْقاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكا لِذِي مَقالٍ مَقالاً وَلا لِذِي

خداوندا حکم نافذ تو و خواست چیره شوندهٔ تو نه برای صاحب گفتار جای گفتاری و نه برای صاحب حال حالی

حالٍ حالاً، إِلٰهِي كَمْ مِنْ طاعَةٍ بَنَيْتُها، وَحالَةٍ شَيَّدْتُها هَدَمَ اعْتِمادِي

را باقی نگذاشته است. خدای من چه بسیار طاعتی که بنا کردم و حالتی که بنیان نهادم عدل تو اعتماد مرا بر آن‌ها

عَلَيْها عَدْلُكَ، بَلْ أَقالَنِي مِنْها فَضْلُكَ، إِلٰهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمِ

ویران نمود، بلکه فضل تو عذر مرا در مورد آن‌ها پذیرفت. خدای من تو می‌دانی که من اگر چه طاعتم مداومت

الطّاعَـةُ مِنِّـي فِعْـلاً جَزْمـاً فَقَدْ دامَـتْ مَحَبَّةً وَعَزْمـاً، إِلٰهِـي كَيْفَ أَعْـزِمُ وَأَنْتَ

ندارد به صورت یک کار قطعی امّا محبّت تو دائمی است و بر آن مصمّم هستم. خدای من چگونه تصمیم بگیرم

الْقاهِـرُ، وَكَيْـفَ لا أَعْـزِمُ وَأَنْـتَ الْآمِـرُ، إِلٰهِـي تَـرَدُّدِي فِـي الْآثارِ يُوجِـبُ بُعْدَ

در حالی که ارادهٔ تو غالب است و چگونه تصمیم نگیرم و تو دستور دهنده‌ای. خدای من مشغول شدن

الْمَـزارِ، فَاجْمَعْنِـي عَلَيْـكَ بِخِدْمَـةٍ تُوصِلُنِـي، إِلَيْكَ كَيْـفَ يُسْـتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا

به آثار موجب بازماندن از تو می‌شود و پس مرا به خدمتی وادار که مرا به تو برساند.چگونه دلیل

هُـوَ فِـي وُجُـودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْـكَ، أَيَكُـونُ لِغَيْرِكَ مِـنَ الظُّهُـورِ ما لَيْسَ لَـكَ حَتّىٰ

آورده می‌شود بر تو چیزی که خودش در هستی‌اش نیازمند تو است، آیا برای غیر تو ظهوری است که برای

يَكُـونَ هُـوَ الْمُظْهِـرَ لَـكَ، مَتىٰ غِبْـتَ حَتّىٰ تَحْتـاجَ إِلىٰ دَلِيـلٍ يَـدُلُّ عَلَيْكَ،

تو نیست تا آنکه او تو را ظاهر سازد. چه زمانی ناپیدا بوده‌ای تا احتیاج به دلیلی باشد که بر تو دلالت

وَمَتىٰ بَعُـدْتَ حَتّىٰ تَكُونَ الْآثارُ هِـيَ الَّتِي تُوصِـلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْـنٌ لا تَرَاكَ

کند، و چه زمانی دور بوده‌ای تا آثار بخواهد ما را به تو برساند، کور باد چشمی که تو را مراقب نمی‌بیند،

عَلَيْهـا رَقِيبـاً وَحَسِـرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَـلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبـاً، إِلٰهِي أَمَرْتَ

و زیانکار باد معامله بنده‌ای که برای او از دوستی ات بهره‌ای قرار نداده‌ای. خدای من به مراجعه کردن

بِالرُّجُـوعِ إِلَـى الْآثـارِ فَارْجِعْنِـي إِلَيْـكَ بِكِسْـوَةِ الْأَنْـوارِ وَهِدايَـةِ الْاِسْـتِبْصارِ،

به آثار دستور داده‌ای، مراجعه ما را به سوی خودت قرار بده با پوشش انوار و راهنمایی اندیشه، تا آنکه از

حَتّىٰ أَرْجِـعَ إِلَيْـكَ مِنْهـا كَمـا دَخَلْـتُ إِلَيْـكَ مِنْهـا مَصُـونَ السِّـرِّ عَـنِ النَّظَرِ

آن‌ها به سوی تو بازگردم همان طور که از آن‌ها به درگاه تو راه یافتم در حالی که سرّ و نهان مصون ماند

إِلَيْهـا، وَمَرْفُـوعَ الْهِمَّـةِ عَـنِ الْاِعْتِمـادِ عَلَيْهـا، إِنَّكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

از نظر کردن به آن‌ها و همتم بر داشته شود از اعتماد بر آن‌ها که تو بر هر چیز توانا هستی.

إِلٰهِـي هَـذا ذُلِّـي ظاهِـرٌ بَيْـنَ يَدَيْـكَ، وَهَذا حالِـي لا يَخْفـىٰ عَلَيْـكَ، مِنْكَ

خدای من، این ذلّت من است که آشکار در پیشگاه تو است و این حال من است که بر تو پوشیده

أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ وَأَقِمْنِي

و پنهان نیست، رسیدن به دربار تو را از تو می‌طلبم و به تو بر خودت استدلال می‌کنم به سبب نورت مرا

بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلٰهِي عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي

به سوی خودت هدایت کن و با صدق عبودیت مرا در پیشگاهت به پا بدار. خدای من از علم مخزون خود

بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إِلٰهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْلُكْ بِي مَسْلَكَ

به من تعلیم نما و مرا به سرّ مصون خود محفوظ بدار. خدای من مرا با حقایق اهل قرب ثابت و پایدار قرار

أَهْلِ الْجَذْبِ، إِلٰهِي أَقِمْنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَاخْتِيَارِكَ لِي عَنِ

بده، و به راه اهل جذب مرا ببر. خدای من مرا به تدبیر خود از تدبیرم و به اختیار خود از اختیارم بی نیاز

اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلَىٰ مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي، إِلٰهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي،

گردان و بر مراکز اضطرار و بیچارگی‌ام آگاه فرما. خدای من، مرا از ذلّت نفسم خارج گردان و پیش از

وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَانْصُرْنِي،

فرارسیدن مرگم و رفتن در گورم مرا از شک و شرک تطهیر نما. به یاری تو پیروز می‌شوم پس مرا یاری کن

وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ

و بر تو توکّل می‌کنم پس مرا وامگذار، و تنها از تو درخواست می‌کنم نا امیدم مگردان. و فضل و احسان

فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تَبْعُدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلٰهِي

تو را راغبم محرومم مساز، و خود را به جناب تو نسبت می‌دهم دورم مگردان، و در درگاه تو درنگ

تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلٰهِي أَنْتَ

نموده‌ام مرا مران، خدای من خشنودی تو منزّه است از اینکه علّتی و سببی از ناحیه خودت داشته باشد،

الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيّاً عَنِّي، إِلٰهِي

پس چگونه از ناحیه من علّتی برای آن باشد، خدای من تو بالذات بی نیازی از اینکه به تو نفعی از خودت

إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَنِّينِي، وَإِنَّ الْهَوَاءَ بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسَرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ

برسد پس چگونه بی نیاز نباشی از من. خدای من قضا و قدر مرا به داشتن آروز وا می‌دارند و میل به

النَّصِيرَ لِي حَتّىٰ تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتّىٰ أَسْتَغْنِيَ بِكَ

بندهای شهوت اسیرم می‌کند، پس تو یاور من باش تا یاریم کنی و بیناگردانی مرا، و به فضل خود مرا بی‌نیاز

عَنْ طَلَبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيائِكَ حَتّىٰ عَرَفُوكَ

نما تا به تو از طلب خودم بی نیاز شوم، تو هستی که انوار را در قلوب اولیائت تابیدی تا تو را شناختند

وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبّائِكَ حَتّىٰ لَمْ يُحِبُّوا

و یگانه دانستند. و تو هستی که اغیار را از قلوب دوستانت زایل نمودی تا غیر تو را دوست نداشته

سِواكَ وَلَمْ يَلْجَئُوا إِلىٰ غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمُ الْعَوالِمُ،

باشند و به غیر تو پناه نبرند، تو همدم آنان هستی هنگامی که عالمیان آن‌ها را به وحشت اندازند،

وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبانَتْ لَهُمُ الْمَعالِمُ، ماذا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ،

تو هدایتگر آنان هستی آنجا که نشانه‌ها برای آنان آشکار شود. چه چیز یافته است آنکه تو را از دست داد، و چه چیز

وَما الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلاً، وَلَقَدْ خَسِرَ

از دست داد آنکه تو را یافت، نا امید گشت آنکه به جای تو به دیگری رضایت داد. و به تحقیق زیان کرد آنکه از تو

مَنْ بَغىٰ عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجىٰ سِواكَ وَأَنْتَ ما قَطَعْتَ الْإِحْسانَ،

روی گردانید و به سوی دیگران رو کرد. چگونه به غیر تو امیدوار شود در حالی که تو احسان خود را قطع نکرده‌ای،

وَكَيْفَ يَطْلُبُ مِنْ غَيْرِكَ، وَأَنْتَ ما بَدَّلْتَ عادَةَ الْإِمْتِنانِ، يا مَنْ أَذاقَ

و چگونه از غیر تو طلب کند در حالی که تو عادت نعمت بخشی خود را دگرگون نکرده‌ای، ای آنکه به

أَحِبّاءَهُ حَلاوَةَ الْمُؤانَسَةِ فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِياءَهُ

دوستانش شیرینی انس و همدمی را چشانیده، پس در پیشگاه او تملّق کنان ایستادند، و ای آنکه لباس هیبت را

مَلابِسَ هَيْبَتِهِ فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذّاكِرُ قَبْلَ الذّاكِرِينَ،

بر اولیاء خود پوشانیده و آن‌ها در پیشگاه او استغفار کنان ایستادند، تو یاد کننده هستی پیش از یاد کنندگان،

وَأَنْتَ الْبادِي بِالْإِحْسانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوادُ بِالْعَطاءِ قَبْلَ

و تو ابتدا کننده به احسان هستی پیش از آنکه عبادت کنندگان روی آورند، و تو بخشنده عطا هستی قبل از آنکه

طَلَبِ الطّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهّابُ ثُمَّ لِما وَهَبْتَ لَنا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلٰهِي

طلب کنندگان طلب کنند، و تو بسیار بخشنده‌ای و آنگاه نسبت به آنچه بخشیده‌ای به ما خواهان قرض هستی.

اطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتّىٰ أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتّىٰ أُقْبِلَ عَلَيْكَ،

معبودا به رحمتت مرا بطلب تا به دربارت راه یابم و به لطف خویش مرا جذب نما تا روی به سوی تو آورم، خدای

إِلٰهِي إِنَّ رَجائِي لايَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَما أَنَّ خَوْفِي لايُزايِلُنِي وَإِنْ

من امید من از تو قطع نمی‌گردد اگر چه نافرمانی تو کنم همان طور که بیم و هراسم مرا رها نمی‌کند اگر چه

أَطَعْتُكَ، فَقَدْ رَفَعَتْنِي الْعَوالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ،

اطاعتت نمایم. عوالم هستی مرا به سوی تو بالا برد وعلم من به کرمت مرا به دربارت کشانید. خدای من چگونه

إِلٰهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أُهانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكَلِي، إِلٰهِي

نا امید باشم و تو امید و آرزوی من هستی، یا چگونه سبک شمرده شوم و خوار شوم در حالی که تکیه گاهم به

كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الذِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلٰهِي

تو است. خدای من چگونه اظهار عزت کنم در حالی که در ذلت مرا مستقر ساخته‌ای، و چگون اظهار عزت نکنم

كَيْفَ لاأَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَراءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي

در حالی که به خود نسبتم داده‌ای. خدای من چگونه فقیر نباشم و تویی که را در فقراء جای دادی، و چگونه فقیر

بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لا إِلٰهَ غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَما جَهِلَكَ

باشم در حالی که تو به جود و کرمت بی نیاز ساخته‌ای و تو هستی که غیر تو معبودی نیست، خود را برای هر

شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظاهِراً فِي كُلِّ شَيْءٍ،

چیز شناساندی ونیست. و چیزی نسبت به تو جاهل و نا آشنا نیست. و تو کسی هستی که خو را در هر چیز به من

وَأَنْتَ الظّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يا مَنِ اسْتَوىٰ بِرَحْمانِيَّتِهِ فَصارَ الْعَرْشُ غَيْباً فِي

شناساندی و لذا تو را در هر چیز ظاهر دیدم و تو ظاهر هستی برای هر چیز. ای آنکه به رحمانیتش استوار است و

ذاتِهِ، مَحَقْتَ الْآثارَ بِالْآثارِ، وَمَحَوْتَ الْاَغْيارَ بِمُحِيطاتِ أَفْلاكِ الْاَنْوارِ، يا

عرش در ذات او پنهان، آثار را به وسیله آثار نابود ساختی و اغیار را با احاطه کننده‌های افلاک انوار محور نمودی،

مَنِ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلّٰى بِكَمَالِ

ای آنکه در سراپرده‌های عرش خود محجوب هستی از اینکه چشم‌ها تو را ببیند. ای آنکه جلوه کرد به کمال شکوه

بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْاِسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ

خود پس عظمتش استواری را ثابت گردانید. چگونه پنهان هستی در حالی که تو آشکاری، یا چگونه غایب هستی

وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ. (۱)

درحالی که تو مراقبی و حاضر، همانا تو بر هر چیز قادر و توانایی، و حمد و ستایش تنها سزاوار تو است.

علامه مجلسی 1 بعد از نقل این دعا گفته است: این دعا را کفعمی 1 در بلد الامین و سید بن طاووس 1 در مصباح الزائر، به همین صورت و بدون این اضافهٔ انتهایی نقل کرده‌اند یعنی در این دو کتاب از آخر دعا تقریبا به اندازه یک ورق نیست، یعنی از جمله «الهی أنا الفقیر في غناي» تا آخر دعا، و نیز این ورق حتی در بعضی از نسخه‌های قدیم اقبال یافت نمی‌شود **و عبارات این قسمت انتهایی با سیاق ادعیه ائمّه معصومین : هماهنگی ندارد و بیشتر با مذاق صوفیه سازش دارد** و لذا بعضی از فضلا نظرشان این است که بعضی از مشایخ صوفیه این ورق را به این دعا اضافه کرده و ملحق نموده‌اند.

و اجمالاً این زیاده یا ابتداءً از بعضی از آن صوفیه در بعضی از کتب وارد شده و سید بن طاووس 1 با غفلت نمودن از حقیقت حال، آن را در اقبال آورده است، و یا اینکه در مراحل بعدی چاپ کتاب اقبال به خود کتاب افزوده‌اند و شاید این نظریه دوم صحیح‌تر باشد بنابر آنچه اشاره کردیم که این زیاده در بعضی از نسخه‌های قدیم اقبال نیست و نیز در کتاب دیگر سید، یعنی مصباح الزائر نیامده است. و خداوند به حقایق احوال آگاه و دانا است. (۲)

۱. اقبال الاعمال: ص۶۵۱.
۲. بحارالانوار: ج۹۸ ص۲۱۶.

۵

بخش پنجم

در احراز و تعویذات و ادعیه امراض

فصل اول: در احراز و تعویذات

فصل دوّم: در دعاهای مربوط به بیماری‌ها

[بخش پنجم]

فصل اوّل

در احراز و تعویذات

۶۵

(۱) حرز امام حسین علیه‌السلام

این حرز را سید ابن طاووس 1 در مهج الدعوات روایت کرده است:

بِسْمِ اللّهِ يا دائِمُ يا دَيْمُومُ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، اَلرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، يا

به نام خدا، ای همیشگی، ای ازلی، ای زنده، ای پابنده، بخشندهٔ مهربان، ای

كاشِفَ الْغَمِّ، يا فارِجَ الْهَمِّ، يا باعِثَ الرُّسُلِ، يا صادِقَ الْوَعْدِ.

زداینده غم، ای برطرف کننده اندوه، ای برانگیزنده رسولان، ای صادق در وعده.

أَللّهُمَّ إِنْ كانَ لي عِنْدَكَ رِضْوانٌ وَوُدٌّ، فَاغْفِرْ لِي وَمَنِ اتَّبَعَني مِنْ

خداوندا اگر برای من نزد تو خشنودی بر محبت است مرا بیامرز و کسانی را که متابعت می‌کنند از

إِخْوانِي وَشِيعَتي، وَطَيِّبْ ما فِي صُلْبِي، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ،

من، از برادران و شیعیانم، و پاک و نیکو گردان آنچه را که در صلب من است، به رحمتت ای مهربان‌ترین

وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِين.[1]

مهربانان.، و درود خدا بر سرور ما حضرت محمّد و تمامی خاندان او باد

۱. مهج الدعوات: ص۲۳، مفاتیح النجاة (مخطوط): ص۱۵۷، بحارالانوار: ۲۰۶/۹۴ (با اختلاف کم)

(۲) حجاب امام حسین علیه‌السلام

در مهج الدعوات آمده است:

يـا مَـنْ شَـأْنُهُ الْكِفايَـةُ وَسُـرادِقُهُ الرِّعايَةُ، يـا مَنْ هُـوَ الْغايَـةُ وَالنِّهايَةُ، يا

ای آنکه شأن او کفایت نمودن و سراپرده‌اش رعایت و حمایت و مراقبت است، ای

صارِفَ السُّـوءِ وَالسَّـوايَةِ وَ الضُّـرِّ، إِصْرِفْ عَنِّـي أَذِيَّةَ الْعالَمِيـنَ مِنَ الْجِنِّ

آنکه او هدف و مقصد است، ای برگرداننده بدی‌ها و ناخوشی‌ها و آزارها، آزار و اذیت

وَالْإِنْـسِ أَجْمَعِينَ، بِالْأَشْـباحِ النُّورانِيَّةِ، وَبِالْأَسْـماءِ السِّـرْيانِيَّةِ، وَبِالْأَقْلامِ

جهانیان از جن و انس را از من بگردان به حق اشباح نورانی و نام‌های سریانی و قلم‌های

الْيُونانِيَّـةِ، وَبِالْكَلِماتِ الْعِبْرانِيَّةِ، وَبِما نَزَلَ فِي الْأَلْـواحِ مِنْ يَقِينِ الْإِيضاحِ.

یونانی و کلمات عبری و به آنچه نازل گردیده در الواح از امور یقینی واضح.

إِجْعَلْنِـيَ اللَّهُـمَّ فِـي حِـرْزِكَ وَفِـي حِزْبِـكَ، وَفِي عِيـاذِكَ وَفِي سِـتْرِكَ،

خداوندا مرا قرار بده در حراست خود و در حزب خود، و در پناه خود و در پوشش خود

[وَفِـي حِفْظِـكَ] وَفِي كَنَفِكَ، مِنْ شَـرِّ كُلِّ شَـيْطانٍ مـارِدٍ، وَعَـدُوٍّ راصِدٍ،

و در حفظ و حمایت خود از شرّ هر شیطان سرکش و دشمن کمین کننده و انسان پستِ فرومایه

وَلَئِيـمٍ مُعانِـدٍ، وَضِـدٍّ كَنُودٍ، وَمِنْ [شَـرِّ] كُلِّ حاسِـدٍ.

عناد دارنده و هرمخالف ناسپاسی و از شرّ هر حسود.

بِبِسْـمِ اللّهِ اسْتَشْـفَيْتُ [وَبِسْـمِ اللّهِ اسْـتَغَثْتُ]، وَبِسْـمِ اللّـهِ اكْتَفَيْتُ،

با استعانت از نام خدا طلب شفا نمودم، و به نام او طلب کفایت کردم و بر خدا توکّل

وَعَلَـى اللّـهِ تَوَكَّلْتُ، وَبِـهِ اسْـتَعَنْتُ وَإِلَيْـهِ اسْـتَعْدَيْتُ [فَإِلَيْهِ اسْـتَعَذْتُ]

کرده و از او کمک خواستم، و از او طلب یاری و غلبه نمودم بر هر ظالمی که ظلم کند و هر

عَلىٰ كُلِّ ظالِمٍ ظَلَمَ، وَغاشِمٍ غَشَمَ، وَطارِقٍ طَرَقَ، وَزاجِرٍ زَجَرَ، فَاللَّهُ

ستمگری که ستم کند و هر هجوم آورنده‌ای که هجوم آورد، و هر بازدارنده‌ای که بازدارد، و خدا

خَيْرٌ حافِظاً، وَهُوَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.(۱)

بهترین حافظ و نگهبان و او مهربان‌ترین مهربانان است.

۶۷

(۳) تعویذی در طلب کفایت از شرّ جن و انس

نوفلی از پدرش و او از حضرت حسین بن علی 8 روایت کرده است که فرمودند:

کلماتی است که هرگاه آن‌ها را بگویم باکی ندارم از آنکه علیه من گرد هم آیند جن و انس.

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَإِلَى اللّهِ، وَفي سَبيلِ اللّهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ

به نام خدا و به خدا و به سوی خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَللَّهُمَّ اكْفِنِي بِقُوَّتِكَ وَحَوْلِكَ وَقُدْرَتِكَ

ـ درود خدا بر او و خاندانش ـ خداوندا مرا به نیرو و توانایی و قدرتت از شرّ هر حیله‌گر

شَرَّ كُلِّ مُغْتالٍ، وَكَيْدَ الْفُجّارِ فَإِنِّي أُحِبُّ الْأَبْرارَ، وَأُوالِي الْأَخْيارَ

و مکر هر فاجر کفایت کنی، همانا من نیکان را دوست دارم و به خوبان ارادت دارم،

وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.(۲)

و درود خدا بر پیامبر حضرت محمّد و خاندان او باد.

۱. مهج الدعوات: ص۳۵۶، المجموع الرائق: ۳۷۷/۱، مفاتیح النجاة (مخطوط): ص۱۹۱

۲. طبّ الائمّة، ابن سابور، الزیات: ص۱۱۶، تعقیبات الصلوة وادعیة الرزق: ص۴۸۸.

(۴) دعای امام حسین علیه‌السلام در تعویذ

شیخ مفید 1 در ارشاد نقل کرده است:

منصور عباسی به ربیع دستور داد که امام صادق 7 را حاضر نماید و او آن حضرت را حاضر نمود، وقتی منصور، امام 7 را دید به ایشان گفت: خدا مرا بکشد اگر تو را نکشم، آیا با سلطنت من مخالفت می‌کنی و نقشه برای من می‌کشی؟

امام صادق 7 فرمودند:

> به خدا قسم چنین کاری نکرده و ارادهٔ آن را هم نداشته‌ام، و اگر این مطلب به تو رسیده کذب محض است و از دروغ گویی رسیده است، و به فرض که چنین کاری کرده باشم، به یوسف ظلم شد و او گذشت کرد، ایوب مبتلا شد و او شکیبایی نمود به سلیمان عطا شد و او شکر کرد، این‌ها پیامبران الهی هستند و نسب تو به ایشان می‌رسد.

منصور گفت: آری چنین است، اکنون بیا اینجا بالای تخت، و من آنچه گفتم، فلانی پسر فلانی دربارهٔ تو به من خبر داده است. امام فرمود : او را حاضر کن تا مرا آگاهی دهد بر آن.

مرد مذکور را حاضر کردند. منصور به او گفت: آنچه جعفر 7 نقل کرده‌ای شنیده‌ای؟ گفت: آری شنیده‌ام. امام 7 فرمود: از او بخواه که قسم یاد کند بر این گفته اش، منصور به او گفت: آیا قسم می‌خوری؟ گفت: آری، و شروع کرد به قسم خوردن. امام صادق 7 فرمود: واگذار کن به من تا او را قسم دهم، منصور عرض کرد: شما او را قسم بدهید.

امـام صـادق 7 به آن سـخن چیـن فرمودند: بگـو: «برئت من حول اللـه وقوّته والتجـات إلـی حولـي و قوّتـي لقـد فعـل کـذا و کـذا جعفـر»؛ یعنـی «از توانایـی و نیـروی پـروردگار بیـزارم و بـه توانایـی و نیروی خـود پنـاه می‌برم که جعفـر چنین و چنـان کرده اسـت».

مـرد سـخن چیـن قـدری خـودداری کـرد، سـپس همـان گونـه قسـم یـاد کرد، لحظـه‌ای بیشـتر نگذشـت کـه بر زمین خـورد و همان جـا مرد. منصـور گفت: پای او را بکشـید و او را بیـرون اندازیـد، خـدا او را لعنـت کنـد.

ربیـع می‌گویـد: هنگامـی کـه جعفر بـن محمّد 8 بـر منصور وارد شـد، دیدم لب‌هـای مبارکـش حرکـت می‌کنـد و همزمـان بـا حرکـت لب‌هـای آن حضـرت خشـم منصـور فـرو می‌نشسـت تا اینکـه او را نزد خـود خواند و از او راضی گشـت، هنگامـی کـه امـام صـادق 7 خـارج شـد، از نزد منصـور من بـه دنبال ایشـان رفتم و عـرض کـردم: ایـن مـرد بسـیار خشـمگین بـود بـر شـما، هنگامی کـه بـر او وارد شـدید لب‌هـای خـود را حرکـت می‌دادیـد و بـا حرکـت لب‌هـای شـما غضـب او فرونشسـت، بـه چـه چیـزی لب‌های خـود را حرکـت می‌دادیـد؟ چـه می‌خواندید؟

امـام 7 فرمـود: دعـای جـدّم حسـین بـن علـی 8 را می‌خوانـدم. عـرض کـردم: فـدای شـما شـوم، آن دعـا چیسـت؟ فرمـود:

یـا عُدَّتِـي عِنْـدَ شِـدَّتي، وَیـا غَوْثـي عِنْـدَ کُرْبَتـي، اُحْرُسْـني بِعَیْنِـكَ الَّتـي لا تَنـامُ، وَاکْنُفْنِـي بِرُکْنِـكَ الَّـذِي لا یُـرامُ.

ای سرمایهٔ من در سختی من و ای فریادرس من در گرفتاری من، مرا با چشم خودت که هرگز به خواب نمی‌رود حراست نما و با رکن خودت که هرگز شکسته نمی‌شود مرا حمایت کن.

ربیـع گفـت: ایـن دعـا را حفظ کـردم، و هرگز دچار سـختی نشـدم مگـر اینکه آن را خوانـدم و آن سـختی و گرفتـاری برطرف شـد.

و گفت: به امام صادق 7 عرض کردم: چرا مانع گردیدید که سخن چین قسم یاد کند؟ امام 7 فرمود:

خوش نداشتم خدا او را ببیند درحالی که به یگانگی او را می‌خواند و تمجید می‌نماید، پس بردباری نشان دهد و عقوبتش را به تأخیر اندازد، و لذا از او خواستم آن‌گونه سوگند یادکند که شنیدی و خداوند او را به شدّت مؤاخذه نمود.[1]

---

۱. ارشاد، شیخ مفید: ۲۵۷/۲، صحیفه صادقیه: ص۳۹۵.

[باب پنجم]

فصل دوّم

در دعاهای مربوط به امراض و بیماری ها

۶۹

(۵) دعای امام حسین علیه‌السلام برای برطرف کردن درد پاشنه پا

صفوان جمال از امام صادق 7 و آن حضرت از پدر بزرگوارش و ایشان از امام علی بن الحسین 8 روایت کرده‌اند که فرمود:

شخصی به امام حسین 7 شکایت کرد از دردی که در پاشنهٔ پای او بود، امام 7 فرمود: وقتی آن درد را احساس کردی دست خود را بر آن بگذار و بگو:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، وَالسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّهِ. سپس این آیه را بخوان:

به نام خدا و با استعانت از او و سلام بر رسول خدا.

(وَمـا قَـدَرُوا اللَّـهَ حَـقَّ قَـدْرِهِ وَالْاَرْضُ جَمِيعـاً قَبْضَتُـهُ يَـوْمَ الْقِيامَـةِ

«نشناختند خدا را و توصیف نکردند او را آن‌گونه که سزاوار عظمت اوست، تمام زمین در روز رستاخیز در قبضهٔ

وَالسَّـماواتُ مَطْوِيّـاتٌ بِيَمِينِـهِ سُـبْحانَهُ وَتَعالـىٰ عَمّـا يُشْـرِكُونَ)[1]. [2]

قدرت او و آسمان‌ها پیچیده شده به دست توانای اوست، پاک و منزّه است خداوند از آنچه به او شریک می‌ورزند.»

۱. سورهٔ زمر، آیه۷.

۲. صحیفه صادقیه: ص۵۴۲، الادعیة والأذکار المجربة: ص۱۶۰، مفتاح الجنّات: ۱۶۷/۱.

(۶) تعویذی برای درد دندان

در بحارالانوار آمده است: برای درد دندان، جبرئیل 7 حسین بن علی 8 را اینگونه تعویذ نمود:

قطعه‌ای چوب یا آهن بر دندان بگذار و هفت بار این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ، دُودَةٌ تَكُونُ فِي الْفَمِ، تَأْكُلُ الْعَظْمَ،

تعجّب و تمام تعجب، کرمی در دهان می‌باشد، استخوان را می‌خورد و خون را فرود می‌آورد، من

وَتُنْزِلُ الدَّمَ، أَنَا الرّاقِي، وَاللَّهُ الشّافِي وَالْكافِي، لاٰ إِلٰهَ إِلَّا

وردخواننده و خدا شفا دهنده و کفایت کننده است، معبودی شایسته جز خداوند نیست، و حمد و ستایش

اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، (وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّارَأْتُمْ

سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است. «و (یاد کنید) هنگامی که کسی را کشتید و درباره (قاتل) او به

فِيها وَاللَّهُ مُخْرِجٌ ما كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ * فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها

نزاع برخاستید و خدا آشکار کننده چیزی است که پنهان می‌داشتید پاره‌ای از آن (گاو ذبح شده) را به مقتول بزنید (تا زنده

كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتىٰ وَيُرِيكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)[1]. [2]

شود و قاتل را معرفی کند) خدا مردگان را این گونه زنده می‌کند و نشانه‌های قدرت خود را به شما نشان می‌دهد تا بیندیشید

هفت مرتبه آنچه را که ذکر کردیم، انجام دهد.

۱. سوره مبارکه بقره: آیات ۷۲ و۷۳.

۲. مکارم الاخلاق: ۲۷۲/۲، بحارالانوار: ۹۵/۹۵ ذح۶، وج۹۳/۹۵ ذح۴، طبّ الائمّة : ۲۵: با اختلاف.

(۷) دعا برای سرفه و سل، آن را امام حسین علیه‌السلام نقل کرده اند

جابر از امام باقر 7 و آن حضرت از امام حسین 7 روایت کرده است که فرمودند: امیرالمؤمنین 7 فرمود:

کسی که حلق او دچار دردی باشد و زیاد سرفه کند و مبتلا به یبوست شدید باشد، با این کلمات تعویذ نماید و آن را جامع برای هر چیزی نامید.

أَللَّهُمَّ أَنْتَ رَجائِي، وَأَنْتَ ثِقَتِي وَعِمادِي وَغِياثِي وَرَفْعَتِي

خداوندا تو امید من و مایه اطمینان من و تکیه گاه من و فریادرس و باعث سرافرازی و جمال من

وَجَمالِي، وَأَنْتَ مَفْزَعُ الْمُفْزِعِينَ، وَلَيْسَ لِلْهارِبِينَ مَهْرَبٌ إِلّا إِلَيْكَ،

هستی، و تو پناه پناهندگانی و برای فرارکنندگان محلّ فراری جز به سوی تو نیست و برای جهانیان تکیه

وَلا لِلْعالَمِينَ مُعَوَّلٌ إِلّا عَلَيْكَ، وَلا لِلرّاغِبِينَ مَرْغَبٌ إِلّا لَدَيْكَ، وَلا

گاهی جز بر تو نیست و برای راغبین محل رغبت جز نزد تو نیست و برای ستمدیدگان یاوری جز تو

لِلْمَظْلُومِينَ ناصِرٌ إِلّا أَنْتَ، وَلا لِذِي الْحَوائِجِ مَقْصَدٌ إِلّا إِلَيْكَ، وَلا

نیست، و برای صاحبان حاجت مقصدی جز به سوی تو نیست، و برای جویندگان عطایی جز از ناحیه تو

لِلطّالِبِينَ عَطاءٌ إِلّا مِنْ لَدُنْكَ، وَلا لِلتّائِبِينَ مَتابٌ إِلّا إِلَيْكَ، وَلَيْسَ

نیست و برای توبه کنندگان محل بازگشتی جز به سوی تو نیست، و رزق و روزی و خیر و فتح و پیروزی

الرِّزْقُ وَالْخَيْرُ وَالْفُتُوحُ إِلّا بِيَدِكَ. حَزَنَتْنِي الْأُمُورُ الْفادِحَةُ، وَأَعْيَتْنِي

جز به دست تو نیست.امور دشوار مرا دچار حزن و غم نموده و راه‌های تنگ و صعب العبور مرا درمانده

الْمَسالِكُ الضَّيِّقَةُ، وَأَحْوَشَتْنِي الْأَوْجاعُ الْمُوجِعَةُ، وَلَمْ أَجِدْ فَتْحُ بابِ

کرد، و بیماری‌های دردناک مرا به وحشت انداخته است و باب فرج را مفتوح نمی‌یابم جز به دست پرتوان تو،

الْفَـرَجِ إِلّا بِيَـدِكَ، فَأَقَمْـتُ تِلْقـاءَ وَجْهِكَ، وَاسْـتَفْتَحْتُ عَلَيْـكَ بِالدُّعاءِ

لذا در پیشگاه تو ایستاده و دست به دعا برداشته واز تو می‌خواهم که این در را به روی من بگشایی،

إِغْلاقُـهُ، فَافْتَحْ يـا رَبِّ لِلْمُسْـتَفْتِحِ، وَاسْـتَجِبْ لِلدّاعِي، وَفَـرِّجِ الْكَرْبَ،

پس بگشا برای آنکه خواهان گشایش است و دعاکننده را جواب بده و گرفتاری را برطرف

وَاكْشِـفِ الضُّرَّ، وَسُـدَّ الْفَقْـرَ، وَأَجِّـلِ الْحُزْنَ، وَأَنْـفِ الْهَمَّ، وَاسْـتَنْقِذْنِي

کن و بیچارگی را برطرف فرما و در فقر را مسدود نما و غصّه را دور گردان و اندوه را بزدا، و مرا

مِـنَ الْهَلَكَـةِ، فَإِنِّي قَـدْ أَشْـفَيْتُ عَلَيْها، وَلا أَجِـدُ لِخَلاصِي مِنْهـا غَيْرَكَ.

از هلاکت نجات بده، من در لب پرتگاه آن هستم و غیر تو را برای خلاصی از آن نمی‌یابم.

يـا اَللّٰهُ، يا مَـنْ يُجِيبُ الْمُضْطَـرَّ إِذا دَعاهُ وَيَكْشِـفُ السُّـوءَ، اِرْحَمْنِي

ای خدا، ای آنکه بیچاره را جواب می‌دهی وقتی دعا کند و بدی را برطرف می‌کنی، به من رحم

وَاكْشِـفْ مـا بِي مِنْ غَمٍّ وَكَـرْبٍ وَوَجَـعٍ وَداءٍ، رَبِّ ؛ إِنْ لَمْ تَفْعَـلْ لَمْ أَرْجَ

کن، و آنچه بدان مبتلایم از غم و اندوه و درد و مرض برطرف نما، پروردگارا اگر تو این لطف را نکنی

فَرَجِـي مِنْ عِنْـدِ غَيْـرِكَ، فَارْحَمْنِي يا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.

امید فرج از غیر تو ندارم، پس به من ترحم نما ای مهربان‌ترین مهربانان.

هَـذا مَـكانُ الْبائِـسِ الْفَقِيـرِ، هَـذا مَـكانُ الْمُسْـتَغِيثِ، هَـذا مَـكانُ

این جایگاه نیازمند از پا افتاده فقیر است، این جایگاه استغاثه کننده است، این جایگاه پناه

الْمُسْـتَجِيرِ، هَـذا مَـكانُ الْمَكْـرُوبِ الضَّرِيـرِ، هَـذا مَـكانُ الْمَلْهُـوفِ

برنده است، این جایگاه اندوهگین خسارت دیده است، این جایگاه دل سوخته پناهنده است، این

الْمُسْـتَعِيذِ، هَـذا مَـكانُ الْعَبْـدِ الْمُشْـفِقِ الْهالِـكِ الْغَـرَقِ الْخائِـفِ

جایگاه بندهٔ پستی است که در معرض هلاکت و غرق شدن است و می‌ترسد و بیمناک است،

الْوَجِـلِ، هَـذا مَكانُ مَـنِ انْتَبَهَ مِـنْ رَقْدَتِهِ، وَاسْـتَيْقَظَ مِـنْ غَفْلَتِـهِ، وَأَفْرَقَ

این جایگاه کسی است که از خوابش بیدار گشته و از حال غفلت به خود آمده و بهبودی یافته از بیماری و

مِـنْ عِلَّتِهِ وَشِـدَّةِ وَجَعِـهِ، وَخافَ مِـنْ خَطِيئَتِهِ، وَاعْتَـرَفَ بِذَنْبِـهِ، وَأَخْبَتَ

شدت دردش، وترسیده از اشتباه خود و اقرار نموده به گناه خود، و فروتنی و خشوع نموده در برابر پروردگارش

إِلـىٰ رَبِّـهِ، وَبَكـىٰ مِـنْ حَـذْرِهِ، وَاسْـتَغْفَرَ وَاسْـتَعْبَرَ وَاسْـتَقالَ وَاسْـتَعْفىٰ

و گریسته از ترسش و طلب آمرزش نموده و اشک ریخته و طلب چشم پوشی و عفو نموده از پروردگارش

وَاللّـهِ إِلـىٰ رَبِّـهِ، وَرَهَبَ مِـنْ سَـطْوَتِهِ، وَأَرْسَـلَ مِنْ عَبْرَتِـهِ، وَرَجـا وَبَكىٰ

و هراسیده از قهر و غلبه تو، و اشک جاری نموده و امید داشته وگریه کرده و دعا نموده و صدا زده:

وَدَعـا وَنـادىٰ، رَبِّ (أَنِّـي مَسَّـنِيَ الضُّـرُّ)[1] فَتَلافَنِـي. قَـدْ تَـرىٰ مَكانِي،

پروردگارا من گرفتار رنج و بیچارگی شده‌ام، پس مرا رهایی بخش،.جایگاه مرا می‌بینی و کلام

وَتَسْـمَعُ كَلامِـي، وَتَعْلَـمُ سَـرائِرِي وَعَلانِيَتِـي، وَتَعْلَـمُ حاجَتِـي، وَتُحِيطُ

مرا می‌شنوی، از ظاهر و باطن من آگاهی و حاجت مرا می‌دانی و به آنچه نزد من است

بِمـا عِنْـدِي، وَلايَخْفـىٰ عَلَيْـكَ شَـيْءٌ مِنْ أَمْـرِي مِـنْ عَلانِيَتِي وَسِـرِّي،

احاطه داری چیزی از من، آشکار و پنهان من و آنچه ظاهر می‌سازم و آنچه سینه‌ام آن را

وَمـا أُبـدِي وَمـا يُكِنُّهُ صَـدْرِي.

می‌پوشاند بر تو پوشیده و پنهان نیست.

فَأَسْـئَلُكَ بِأَنَّـكَ تَلِـي التَّدْبِيـرَ، وَتَقْبَـلُ الْمَعاذِيـرَ، وَتَمْضِـي الْمَقادِيرَ،

پس از تو می‌خواهم که تدبیر را به عهده داری و عذرها را می‌پذیری و مقدّرات را امضا می‌کنی، خواستن

سُـؤالَ مَـنْ أَسـاءَ وَاعْتَرَفَ، وَظَلَمَ نَفْسَـهُ وَاقْتَـرَفَ، وَنَدِمَ عَلىٰ ما سَـلَفَ،

کسی که بدی نموده و اعتراف کرده، و به خود ظلم نموده و گناه کرده، و بر گذشته‌اش نادم و پشیمان است

وَأَنـابَ إِلـىٰ رَبِّـهِ وَأَسَـفَ، وَلاذَ بِفِنائِـهِ وَعَكَـفَ، وَأَنـاخَ رَجـاهُ وَعَطَفَ،

و به سوی پروردگارش بازگشته و تأسف خورده، و به آستان ربوبی پناه آورده و خود را بازداشت نموده و امیدش را آنجا

وَتَبَتَّـلَ إِلـىٰ مُقِيـلِ عَثْرَتِـهِ، وَقابِـلِ تَوْبَتِـهُ، وَغافِـرِ حَوْبَتِـهِ، وَراحِـمِ عَبْرَتِهِ،

خوابانیده و زانو زده و متمایل گردیده، و از همه جا بریده و روی آورده به گذشت کننده لغزشش و پذیرنده

۱. سورهٔ انبیاء، آیه۸۳.

وَكاشِفِ كُرْبَتِهِ، وَشافِي عِلَّتِهِ، أَنْ تَرْحَمَ تَجاوُزِي بِكَ، وَتَضَرُّعِي

توبه‌اش و آمرزنده گناهش و رحم کننده به اشک چشمانش و برطرف کننده اندوهش و شفا دهنده بیماریش،

إِلَيْكَ، وَتَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ما أَخْطَأْتُهُ كُتّابُكَ، وَأَحْصاهُ كِتابُكَ، وَما

که رحم کنی بر گذشتش از حدّ و حدودم، و ناله و زاری‌ام به درگهت و بیامرزی همه خطاهای مرا که نویسندگانت

مَضىٰ مِنْ عِلْمِكَ، مِنْ ذُنُوبِي وَخَطايايَ، وَجَرائِرِي فِي خَلَواتِي

نوشته‌اند و کتاب تو گردآوری نموده و آنچه از علم تو گذشته از گناهانم و اشتباهاتم و خطاهایم

وَفَجَراتِي، وَسَيِّئاتِي وَهَفَواتِي وَهَناتِي، وَجَمِيعِ ما تَشْهَدُ بِهِ حَفَظَتُكَ،

در خلوت‌هایم و پلیدی‌ها و زشتی‌ها و بدی‌ها و لغزش‌هایم و جمیع آنچه نگهبانان تو به

وَكَتَبَتُهُ مَلائِكَتُكَ فِي الصِّغَرِ وَبَعْدَ الْبُلُوغِ، وَالشَّيْبِ وَالشَّبابِ،

آن گواهی می‌دهند و فرشتگان تو در کودکی و بعد از بلوغ و پیری و جوانی نوشته‌اند

بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ، وَالْغُدُوِّ وَالْآصالِ، وَبِالْعَشِيِّ وَالْأَبْكارِ، وَالضُّحىٰ

در شب و روز، در صبحگاهان و شامگاهان و شبانگاه و بامدد، و ظهرگاه

وَالْأَسْحارِ، فِي الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ، فِي الْخَلَاِ وَالْمَلَاِ، وَأَنْ تَجاوَزَ عَنْ

و سحرگاه، در وطن و در سفر، در خلوت و در آشکار، و اینکه از گناهانم

سَيِّئاتِي (فِي أَصْحابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كانُوا يُوعَدُونَ)[1].

درگذری و مرا در میان بهشتیان جای دهی، این وعده راستینی است که وعده داده می‌شدند.

أَللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَنْ تَكْشِفَ عَنِّي الْعِلَلَ الْغاشِيَةِ فِي جِسْمِي

خداوندا به حق محمّد و آل محمّد علیهم السلام تو را قسم می‌دهم که بر طرف کنی از من بیماری‌های

وَفِي شَعْرِي وَبَشَرِي وَعُرُوقِي وَعَصَبِي وَجَوارِحِي، فَإِنَّ ذَلِكَ لَايَكْشِفُها

فراگیرنده در جسمم و در مویم و پوستم و رگهایم و اعصابم و اعضا و جوارحم را که آن را غیر تو

غَيْرُكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، وَيا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.[2]

برطرف نمی‌کند، ای مهربان‌ترین مهربانان، و ای اجابت کننده دعای بیچارگان.

۱. سورهٔ احقاف، آیه۱۶.
۲. طبّ الائمّة : : ص۲۷، بحارالانوار: ۱۰۲/۹۵.

۶

بخش ششم

در فضیلت تربت مقدس امام حسین علیه‌السلام و دعاهای مربوط به آن

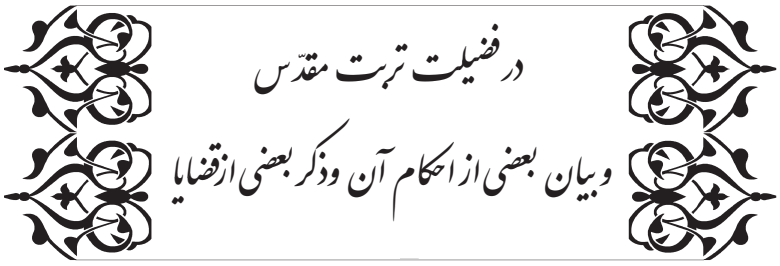


فصل اوّل: در فضیلت تربت مقدّس و بیان بعضی از احکام آن و ذکر بعضی از حکایات

فصل دوّم: در دعا هنگام گرفتن تربت

[بخش ششم]

فصل اول



سرّ سجود بر تربت

صاحب کتاب «موسوعة کربلا» گفته است:

سرّ اینکه فرموده‌اند تربت از قبر مطهر و یا از حائر اختیار کنید برای سجده بر آن در نماز، گذشته از فضیلتی که دارد و مقدس است و گذشته از اینکه نیکوتر و پاکتر و خالص‌تر و پاکیزه‌تر و مقدس‌تر از هر خاک دیگری است، و گذشته از آنچه گفته شده و گفته نشده، شاید سرّش از بعضی از جهات روحی این باشد که: نمازگزار در نمازش که معراج او است در اوقات پنجگانه به یادآورد که چه بر سر اسلام و دین آمده بر اثر قتل آن شهید، فرزند شهید به دست دشمنان اسلام،

آن گروه ستمگری که پیوسته برای اسلام و مسلمین در دوران جاهلیتشان و نیز در دورانی که به ظاهر اسلام آوردند نقشه‌های خائنانه کشیدند و از در مکر و حیله وارد شدند،

و آن را ابتدا نمودند به قتل سید الشهداء حمزه 7 به گونه‌ای که آرامش و راحتی را از پیامبر 9 گرفت تا آنکه چهل مرتبه بر پیکر پاک او نماز خواند با هر شهیدی یک مرتبه، و به این مقدار اکتفا نکردند، هند مادر معاویه تصمیم گرفت جگر حضرت حمزه را بعد از آنکه از سینه مبارکش خارج کرد بجود، اما نتوانست بجود و ببلعد، آن را بیرون آورد از دهان و با آن دست بند و خلخال درست کرد که زینت کند، زیرا حضرت حمزه پدر او، یعنی عتبه، را که از سران شرک و کفر بود در جنگ بدر به درک واصل نموده بود.

سپس آن را ختم کردند به کشتن حضرت ابا عبد الله 7 که یزید با قتل آن حضرت انتقام جنگ بدر را گرفت و کفر او و جرم او از جدّه‌اش هند و جدّش عتبه شدیدتر بوده است، قتل حضرت حمزه و امام حسین 8 نقشه ای بود از طرف دشمنان اسلام برای ریشه کن نمودن دعوت پیامبر 9 مسلمان ها تربت او را به عنوان شعار و آرم و علامت گرفتند و به آن تبرک جسته و طلب شفا می‌نمودند تا اعترافی باشد به فضیلت شهدا و جاودانه ماند یاد یاوران اسلام و کسانی که در راه خدا جان سپردند.

هنگامی که امام حسین 7 برای زنده ماندن دین جدّش حضرت محمّد 9 به شهادت رسید مسلمانان تربت او را شعار قرار دادند و بر آن برای خدا سجده می‌کردند تا این در خاطرشان باشد که اگر امام حسین 7 نبود نمازی نبود که تا این ایام اقامه شود، همان طور که مرحوم شیخ عباس شرف در دیوانش گفته است:

لولا وقوفك بالطفوف لما وقفنا بالصلاة

اگر ایستادگی تو در کربلا نبود /ما به نماز نمی‌ایستادیم

پس هرگاه که نماز گزار برای خدا بر این تربت پاک سجده می‌کند در مشرق و مغرب زمین حجاب های مادی کثیف را که بین او و حقیقت نماز حجاب می‌شود، نمازی که معراج مؤمن است و اوج گرفتن او از پستی ماده تا آسمان حقایق، و با روح خود عروج می‌کند به محضر ربوبی تا تقرب به درگاهش حاصل نماید و عفو و بخشش و ثواب از او بخواهد.

یکی از اسطوانه‌های علم در این زمان همین رأی را اختیار فرموده و در سرّ سجود بر تربت امام حسین 7 گفته است:

از جمله مقاصد عالی و ارزشمند این است که نمازگزار هنگامی که پیشانی خود را بر این تربت پاک می‌نهد به یاد آورد که چگونه امام 7 خود را و اهل بیتش را و برگزیدگان از اصحابش را در راه عقیده و مبدأ قربانی نموده تا بت ها را بشکند و ظلم و بیداد و فساد و استبداد را نابود سازد و چون سجود اعظم ارکان نماز است و همان طور که در حدیث فرموده اند: «بهترین حالت بنده نسبت به پروردگارش حالت سجود او است» مناسب است که مؤمن هنگامی که پیشانی را بر آن تربت پاک می‌گذارد به یاد آورد عزیزانی که جسم خود را قربانی در راه حق نموده و بر این خاک قرار دادند و روح مطهرشان به ملأ اعلی پیوست تا خشوع و خضوع نماید و ملازم سر نهادن و سر برداشتن باشد و این دنیای دون و زرق و برق از بین رفتنی آن را کوچک بشمارد همان طور که آن شهدای عالی مقام دنیا را تحقیر نمودند و کوچک شمردند.

و شاید این معنا و مقصود آن چیزی است که در خبر آمده: «سجده بر تربت امام حسین 7 حجاب‌های هفتگانه را می‌درد».[1]

۱. موسوعة کربلا: ۵۸۸/۲.

فضیلت سجده کردن بر تربت مقدّس امام حسین علیه‌السلام

معاویـة بـن عمـار روایت کرده اسـت کـه برای امـام صادق 7 کیسـه‌ای بود از دیبـاج زرد و در آن تربـت امـام حسـین 7 نگهداری می‌شـد، هنـگام نماز آن را بـر روی سـجّاده خـود می‌ریخـت و بـر آن سـجده می‌کرد، سـپس فرمود:

> سجده بر تربت حضرت ابا عبد الله 7 حجاب های هفتگانه را برطرف می‌کند.[1]

محدّث نوری 1 در مستدرک می‌نویسد:

> به خط شهید ثانی این عبارت را یافتم که: سجده بر تربت امام حسین 7 باعث قبولی نماز می‌گردد اگر چه آن نماز شرایط قبولی را دارا نباشد و اگر سجده‌اش بر تربت امام حسین 7 نبود قابل قبول نبود.[2]

تسبیح از تربت مقدس امام حسین علیه‌السلام

اوّل کسـی کـه تسـبیح از تربت مقدس سـاخت امام زیـن العابدین 7 بودند، بعـد از آنکـه از دفـن پـدر بزرگـوارش امام حسـین 7 و اهل بیـت و یارانش فارغ گردید، مشـتی از خاکی که جسـد شـریف آن حضرت را بر آن نهادند برداشـت و در کیسـه‌ای قـرار دادنـد و از آن تسـبیحی سـاختند و آن همـان تسـبیحی بـود کـه در دسـت مبـارک آن حضـرت بـود وقتـی که در شـام ایشـان را بر یزیـد وارد کردنـد، امـام 7 آن را می‌چرخانیـد، یزیـد لعنه الله سـؤال کرد: این چیسـت که در دسـت می‌گردانیـد؟ امـام 7 حدیثـی را از جـدّ بزرگـوارش رسـول خـدا 9 روایـت کـرد که فرمـوده اند:

---

۱. مفتاح الجنات: ۲۳۷/۱، صحیفه باقریه وصادقیه جامعه: ۲۳۹، صحیفه صادقیه: ۲۹۴.

۲. مستدرک الوسائل: ۱۲/۴ ح۱.

کسی که تسبیحی را صبحگاهان در دست بگیرد و دعایی است مخصوص، آن را بخواند، بعد از آن برای او ثواب تسبیح نوشته می‌شود اگرچه تسبیح نگوید.

و اوّل کسی که سجده بر این تربت نمود در نماز امام زین العابدین 7 بود و پس از آن حضرت فرزند بزرگوارش امام باقر 7 ، سپس فرزند ایشان امام صادق 7 که شیعیان خود را بر اقتدا نمودن به آن، یعنی سجده بر تربت امام حسین 7 وادار می‌نمود تا آنکه شعاری از شعارهای شیعه گردید و به وسیله آن به خدا تقرّب پیدا می کردند.[1]

شیعه بی نیاز نیست از تسبیحی که از خاک قبر امام حسین علیه‌السلام باشد

از حضرت موسی بن جعفر 8 روایت شده که فرموده‌اند :

شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند: حصیر کوچکی که برآن نماز بگذارند، و انگشتری که در دست کنند، و مسواکی که با آن مسواک کنند، و تسبیحی از خاک قبر امام حسین 7 که سی و سه دانه داشته باشد، هرگاه آن را درحال ذکر بگرداند به هر دانه‌ای خداوند چهل حسنه و هرگاه بدون ذکر و در حال غفلت آن را بگرداند خداوند بیست حسنه برای او بنویسد.[2]

فضیلت تسبیحی که از تربت مقدّس امام حسین علیه‌السلام باشد

شیخ مفید 1 در کتاب مزارش از عبد الله بن ابراهیم بن محمّد ثقفی، از پدرش، و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمود:

تسبیح حضرت فاطمه 3 از رشته های تابیده شده پشم بود که بر

۱. موسوعة کربلا: ۵۰۳/۲.
۲. بحارالانوار: ۱۳۲/۱۰۱ ح۶۱.

آن به عدد تکبیرها گره زده شده بود، آن را در دست می‌گردانید و تکبیر و تسبیح می‌گفت تا آنکه حضرت حمزه 7 به شهادت رسید، آنگاه از خاک قبر او تسبیح ساختند، مردم نیز از خاک قبر آن حضرت گرفته و تسبیح درست کردند.

هنگامی که امام حسین 7 ـ که خدا بر عذاب قاتلش لحظه لحظه بیفزاید ـ به شهادت رسیدند این امر به سوی آن حضرت عدول کرد و تربت آن حضرت را جایگزین خاک قبر حضرت حمزه 7 نمودند به خاطر فضیلت و برتری و مزیّتی که در آن است.

و از امام صادق 7 روایت شده است که فرمودند:

کسی که دانه های تربت را بگرداند و با هر دانه یک مرتبه استغفار گوید، هفتاد مرتبه برای او نوشته شود، و اگر تسبیح را در دست خود نگهدارد و با آن ذکر نگوید در هر دانه‌ای از آن ها که می‌گرداند هفت مرتبه برایش نوشته شود.

ابوالقاسم محمّد بن علی از حضرت علی بن موسی الرضا 8 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که دانه‌های تربت را بگرداند و بگوید:

سُبْحانَ اللَّه وَالْحَمْدُ للّهِ وَلا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

پاک و منزّه است خدا، ستایش سزاوار اوست، و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر است

با هر دانه‌ای از آن شش هزار حسنه برایش نوشته شود و شش هزار گناه از او محو شود و شش هزار درجه او را بالا برند، و مثل آن برایش از شفاعت ثابت گردانند.

در کتاب حسن بن محبوب است که از امام صادق 7 پیرامون تربت قبر

حضـرت حمـزه و قبـر امام حسـین 7 و برتری هر یک نسـبت به دیگری سـؤال شـد، امام 7 فرمودند:

تسبیحی که از خاک قبر امام حسین 7 باشد در دست شخص تسبیح می‌گوید بدون اینکه شخص تسبیح گوید.

و گفـت: امـام صـادق 7 را دیـدم در دسـت مبارکش تسـبیحی از تربت امام حسـین 7 بـود، در مورد آن سـؤال کردند، امـام 7 فرمودند:

این پرفایده‌تر است بر من، یا فرمود: سبک‌تر است بر من.

و روایت شده است که:

حورالعین وقتی می‌بینند یکی از ملائکه برای امری به زمین فرود می‌آید از او می‌خواهند که تسبیح و تربت قبر امام حسین 7 هدیه آورند.[1]

توقیع در مورد تسبیح گفتن با خاک قبر مقدّس

بحارالانـوار از کتـاب احتجـاج نقـل کـرده اسـت: حمیـری بـرای حضـرت حجّت 7 نوشـت و سـؤال کرد که آیا جایز اسـت با خاک قبر امام حسـین 7 کسـی تسـبیح بگویـد و آیـا در آن فضیلت و امتیازی اسـت؟

امام 7 در جواب فرمودند:

آری، با آن تسبیح می‌گوید، هیچ تسبیحی افضل از آن نیست، و از امتیازات آن این است که شخص فراموش می‌کند تسبیح گفتن را، و آن را بدون ذکر می‌گرداند، برای او ثواب تسبیح گفتن نوشته می‌شود.

و سـؤال کـرد: آیـا جایـز اسـت تسـبیح را با دسـت چـپ بچرخانـد زمانی که تسـبیح مـی گویـد، یـا جایز نیسـت؟ پاسـخ دادند:

۱. مزار شیخ مفید: ص۱۵۰، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۳۳ ح۶۶

جایز است؛ و حمد و ستایش از آن خداوند است.[1]

تربت سرخ رنگ در قسمت بالای سر امام حسین علیه‌السلام شفای هر دردی است

ابن قولویه در کامل الزیارات از یونس بن رفیع و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

همانا در قسمت بالای سر مبارک امام حسین 7 تربتی سرخ رنگ است در آن شفای هر درد است جز مرگ.

می گوید: بعد از آنکه این حدیث را شنیدم نزد قبر آمدم و در قسمت بالای سرمبارک را کندیم، به قدر یک ذراع که کندیم بر ما فرو ریخت از نزد رأس قبر خاکی مثل ریگ های نرمی که آب با خود می‌آورد به رنگ قرمز و به اندازه یک درهم، آن ها را با خود به طرف کوفه بردیم و آن را ممزوج نمودیم، و کم کم به مردم برای مداوای دردهایشان می‌دادیم.[2]

خاک قبر امام حسین علیه‌السلام شفا است

ابن قولویه در کامل الزیارات به سند خود از عبد الله بن ابی یعفور روایت کرده است که گفت: به امام صادق 7 عرض کردم:

شخصی از تربت قبر امام حسین 7 می گیرد و از آن بهره مند می‌شود، غیر او می گیرد و از آن نفعی نمی‌برد، امام 7 فرمودند:

نه به خداوندی که جز او معبودی نیست احدی از آن تربت نمی گیرد که معتقد باشد خدا به وسیله آن او را بهره مند می‌سازد مگر اینکه خدا او را از آن بهره مند می‌سازد.[3]

۱. تهذیب الاحکام: ۷۵/۶، احتجاج: ۴۸۹/۲، بحاراالانوار: ۳۴۷/۸۵ ح۱.
۲. کامل الزیارات: ص۴۶۸ ح۱، کافی: ۵۸۸/۴ ح۴.
۳. کامل الزیارات: ص۴۶۰ ح۱، بحارالانوار: ۱۲۳/۹۵ ح۳.

و نیز از محمّد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

به سوی مدینه رفتم در حالی که بیمار بودم، به امام 7 عرض کردند که محمّد بن مسلم بیمار است، امام باقر 7 به سوی من یک آشامیدنی به همراه غلامی فرستادند و روی آن با دستمالی پوشیده بود، غلام آن را به من داد و گفت: آن را بیاشام، زیرا امام 7 به من امر فرموده است که از نزد تو نروم تا آن را بیاشامی. آن را گرفتم بوی مشک از آن به مشام می‌رسید، شربتی بود خوش طعم و خنک. وقتی آن را آشامیدم به من گفت: مولایم فرموده اند: وقتی آن را نوشیدی بیا. با خودم فکر کردم در آنچه امام به من فرموده، و من پیش از آن قادر نبودم که روی پایم بایستم، آن شربت که در درون من قرار گرفت گویا از بند رها شدم، به درب خانه امام 7 رفتم و اجازه خواستم امام 7 مرا صدا زدند که با جسم بهبود یافته وارد شو، وارد شدم در حالی که گریه می‌کردم، سلام کردم و دست و سر مبارکش را بوسیدم، به من فرمود: چرا گریه می‌کنی، ای محمّد؟ عرض کردم: فدای شما شوم، گریه می‌کنم بر غربتم، و دوری راه، و قدرت نداشتن بر ایستادن نزد شما و نگریستن شما.

امام 7 فرمودند:

اما کمیِ قدرت، آری چنین قرار داده خدا اولیاء ما واهل محبّت ما را، بلا را به سوی اینان خیلی شتابان قرار داده است اما آنچه یاد کردی از غربت، مؤمن در این دنیا غریب است و در میان این خلق وارونه تا آنکه از این سرا به رحمت خدا رود.

اما آنچه یاد کردی از دوری راه، پس تو را به ابی عبد الله ـ خود امام 7 ـ اُسوه است، نسبت به سرزمینی که دور گشته از ما به سبب فرات (یعنی کربلا).

امّا آنچه یادکردی از اینکه دوست داری نزد ما باشی و به ما بنگری و تو قادر نیستی بر آن، خداوند آنچه در قلب تو است می‌داند و پاداشت بر او است.

سپس به من فرمود: آیا کنار قبر امام حسین 7 می‌روی؟

عرض کردم: آری، با ترس و وحشت.

امام 7 فرمود: هر چه پیمودن این راه سخت‌تر باشد، ثواب آن هم به مقدار سختی و خوف افزوده می‌شود. هر کس در رفتنش ترس داشته باشد خدا ترس او را روزی که همه باید در پیشگاه پروردگار عالم بایستند برطرف می‌نماید و او را ایمن می‌گرداند و باز می‌گردد با آمرزش گناهان و ملائکه بر او سلام می‌کنند و پیامبر 9 او و آنچه را انجام می‌دهد می‌بیند و برای او دعا می‌کند، «باز می‌گردد به نعمتی از طرف پروردگار و فضل و احسانی که هیچ بدی و ناراحتی به آن نرسد و از رضای خدا پیروی کنند»[1]

سپس به من فرمود: آن شربت را چگونه یافتی؟ عرض کردم: شهادت می‌دهم که شما اهل بیت رحمت هستید و تو وصی اوصیاء می‌باشی، غلام آنچه را فرستادید آورد، قدرت نداشتم که روی پایم بایستم و از خودم مأیوس بودم، آن شربت را به من داد و آن را آشامیدم، نه مانند بوی آن تا کنون استشمام کرده و نه مانند مزه و طعم آن تا کنون چشیده‌ام و گواراتر از آن ندیده‌ام، هنگامی که آن را آشامیدم غلام به من گفت: مولایم امر فرموده که به تو بگویم: وقتی آن را آشامیدی نزد من بیا، من به شدّت درد خود واقف بودم ولی با خود گفتم اگر چه به قیمت جانم باشد،

۱. از سورهٔ آل عمران آیه۱۷۴ اقتباس شده است.

خدمت امام 7 مشرف خواهم شد، به سوی شما روانه شدم و گویا از بند رها شدم، حمد و سپاس خدا را که شما را رحمت برای شیعیانتان قرار داد.

آنگاه فرمود:

ای محمّد شربتی که نوشیدی در آن مقداری از تربت قبر امام حسین 7 بود و آن بهترین چیزی است که از آن شفا بجویند و هیچ چیز را معادل آن ندان، همانا ما از آن به کودکان و زنان خود می‌نوشانیم و همه خیر و خوبی را در آن می‌یابیم.

عرض کردم: فدای شما شوم ما نیز از آن می‌گیریم و به آن شفا می‌طلبیم.

امام 7 فرمود: شخصی آن را می‌گیرد و با خود از حائر بیرون می‌برد در حالی که آن را آشکار ساخته است، پس عبور نمی‌کند به جنّی که مبتلا به بیماری است یا حیوان و یا موجودی که دارای آفت است مگر آنکه آن را می‌بویند و در نتیجه برکت آن می‌رود و برکتش برای غیر می‌گردد، امّا تربتی که ما با آن دردها را مداوا می‌کنیم این گونه نیست، و اگر نبود آنچه ذکر کردم برای تو ـ یعنی ظاهر کردن تربت ـ بر خورد نمی‌کرد با چیزی و هیچ کس از آن تناول نمی‌کرد مگر آنکه فوراً بهبود پیدا می‌کرد از بیماری، و این تربت همانند حجرالاسود است که صاحبان آفات و امراض و کفر و جاهلیت در کنار آن می‌آمدند و بر اثر تماس با آن عیب و مرض آن برطرف می‌شد، و ابتدا مانند یاقوت سفید بود به تدریج سیاه گردید و به این صورت که می‌بینی در آمد.

عرض کردم : فدای شما شوم، من چگونه با آن رفتار می‌کنم؟

امام 7 فرمود: تو با ظاهر ساختن آن همان برخوردی که دیگران با آن دارند تو نیز داری، آن را کوچک می‌شماری، چه بسا آن را

در خورجین خود یا در کنار چیزهای آلوده و کثیف می‌گذاری، و آن اثری که از آن اراده داری از بین می‌رود.

عرض کردم: فدای شما شوم راست گفتید و صحیح فرمودید.

امام 7 فرمود: کسی آن را نمی‌گیرد مگر آنکه جاهل است به کیفیت گرفتن آن و نگهداشتن آن.

عرض کردم: فدای شما شوم من چگونه آن را بگیرم که مانند شما گرفته باشم؟ امام 7 فرمود: به تو مقداری از آن را بدهم؟ عرض کردم: آری.

امام 7 فرمود: وقتی آن را گرفتی چه می‌کنی با آن؟ عرض کردم: آن را با خودم می‌برم. امام 7 فرمود: در چه چیزی آن را قرار می‌دهی؟ عرض کردم: در لباسم قرار می‌دهم.

امام 7 فرمود: دوباره برگشتی به همان روش سابق که انجام می‌دادی، نزد ما به اندازه نیازت از آن بیاشام و با خود بیرون نبر، زیرا برای تو سالم نمی‌ماند.

آنگاه امام 7 از آن دو مرتبه به من آشامانید، پس از آن درد و مرضی که در خود احساس می‌کردم به کلّی از بین رفت تا آنکه بازگشتم.[1]

و از امام صادق 7 حدیثی طولانی در فضیلت تربت امام حسین 7 و طلب شفا به وسیله آن روایت شده که:

همانا شیاطین و جنّ بر بنی آدم به خاطر آن حسد می‌ورزند پس آن را مسح نموده تا تمام بوی خوش آن از بین رود.

وتربت از حائر خارج نمی‌شود مگر آنکه تعدادی غیر قابل شمارش از آنان آماده‌اند تا تربت را مسح نمایند اگر چه در دست صاحب

---

۱. کامل الزیارات: ص۴۶۲ ح۷، بحارالانوار: ۱۲۰/۹۸ ح۹، وسائل الشیعة: ۵۲۶/۱۴.

آن باشد، و آن ها با وجود ملائکه نمی‌توانند داخل حائر شوند. و اگر از تربت چیزی سالم باشد، یعنی از تماس شیاطین و جن در امان مانده باشد، هیچ کس با آن خود را معالجه نمی‌کند مگر آنکه فوراً بهبودی برایش حاصل می‌شود، پس هنگامی که آن را گرفتی بپوشان و زیاد ذکر خدا و اسم خدا بر آن بخوان.

و در ادامه فرمود: به من خبر رسیده برخی از کسانی که تربت را گرفته‌اند آن را مورد استخفاف قرار داده، و در توبره قاطر و الاغ و در ظرف غذا و یا در خورجین و امثال آن قرار می‌دهند، یا با دست‌های آلوده به غذا آن را مسح می‌نمایند، پس چگونه توقع شفا گرفتن دارد کسی که حالش چنین است، و نیز قلبی که در آن یقین به تأثیر تربت نیست و صاحبش به آنچه صلاح او در آن است استخفاف می‌ورزد عمل آن را فاسد و تباه می‌گرداند.[1]

شیخ طوسی 1 در مصباح از محمّد بن سلیمان بصری و او از پدرش و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

در خاک قبر امام حسین 7 شفا است نسبت به هر دردی و آن بزرگترین دوا است.[2]

و از حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که گفت: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

فرزندان خود را با تربت امام حسین 7 کامشان را بردارید (یعنی تربت را به سقف دهان آن ها بمالید) زیرا تربت مایه امان است.[3]

---

۱. مصباح الزائر: ص۲۵۸، کامل الزیارات: ص۴۷۰ ح۵.

۲. مصباح المتهجد: ۷۳۲/۲، کامل الزیارات: ص۲۷۵ ح۴.

۳. مصباح المتهجد: ۷۳۲/۲،کامل الزیارات: ص۲۷۸ ح۲، صحیفه باقریه وصادقیه جامعه: ص۸۳۲.

ما می‌بینیم که علمای اعلام و بزرگان از مراجع شیعه تنها از آن اسمای نورانیه و مقدسه استفاده نمی‌کنند بلکه به تربت آن‌ها تبرک می‌جویند و با آن دردها و بیماری ها را مداوا می‌نمایند.

مرحوم محدّث قمی می‌نویسد:

> مرحوم سید نعمة الله جزائری بر اثر فقر و تهیدستی قادر به خریدن چراغ برای مطالعه نبود و لذا از نور ماه استفاده می‌کرد و چشمان او دچار ضعف شدیدی گردید، از تربت مقدّس امام حسین 7 و سایر امامانی که در عراق هستند استفاده کرد و آن را به چشمانش مسح نمود و به این وسیله نور دیدگانش افزایش یافت.
>
> و اضافه می‌کند: و من نیز چنین بودم هرگاه چشمانم دچار ضعف می‌شدند بعد از نوشتن ومطالعه، از تربت ائمّه اطهار استفاده می‌نمودم و گاهی احادیث روایت شده از ائمّه : را به دیدگانم می‌مالیدم و بر آن قرار می‌دادم، و حمد و سپاس خدای را که چشمان قوی دارم و مبتلا به ضعف نیستند و امیدوارم ان شاء الله در پرتو نور اهل بیت و برکات ایشان چشمان ما در دنیا و آخرت منوّر باشد.[1]

حکایات مهم در اینکه تربت مقدّس باعث ایمنی از غرق شدن و... می‌باشد.

در «تحفة الرضویه» است: از آنچه تجربه شده برای آرام گرفتن دریا در هنگام تلاطم امواجش افکندن چیزی از تربت امام حسین 7 در آن است.

علّامه کفعمی 1 در هامش مصباح ذکر کرده است: از آنچه تجربه شده برای آرام گرفتن دریا، افکندن مقداری از تربت امام حسین 7 در آن است.

---

۱. اسرار النجاح: ۱۰۳/۲، فوائد الرضویه، محدث قمی: ص۶۹۵.

و از کتاب «طریق النجاة» نقل کرده است: جماعتی مورد وثوق به من خبر دادند که تعدادی در دریا بودند که باد سختی وزیدن گرفت به طوری که ترسیدند غرق شوند، یکی از آن ها مقداری از تربت امام حسین 7 در آن ریخت، به اذن پروردگار فوراً آرام گرفت.

و اضافه کرده است: با جمعی حدود بیست روز در دریای حریر به سر می‌بردیم، روزی آب دریا طوفانی شد به گونه‌ای که گمان کردیم غرق می‌شویم با من مقداری از تربت مقدّس امام حسین 7 بود، آن را در دریا افکندم، به اذن خداوند تبارک و تعالی آرام گرفت، در دریا مرکبی غیر از مرکب ما در مقابل دیدگان ما بود، تمام کسانی که در آن بودند جز دو نفر غرق شدند و آن دو نفر به وسیله دو تخته پاره نجات پیدا کردند.

مؤلّف کتاب «التحفة الرضویة» می‌نویسد: موثق‌ترین مردم نزد من و باورع‌ترین آن ها علامه بزرگوار مرحوم والد برایم گفت: این از مجربات است.

و نیز علامه کبیر و شیخ جلیل محمّد علی غروی اردوبادی از شخص مورد اطمینان نقل کرده است که گفت: در دریای خزر بودم، دریا طوفانی شد و مشرف شدیم بر هلاکت، ناخدا نزد من آمد و تربت امام حسین 7 طلب کرد، کلام او را نمی‌فهمیدم زیرا به لغت روسی سخن می‌گفت، با اشاره به من فهماند که آن را می‌بوسند و بر چشم می‌نهند، من تربت امام حسین 7 را بیرون آوردم و آن را در دریا رها کردم، آب دریا آرام گرفت و از غرق شدن نجات یافتیم و از نابودی ایمن گردیدیم.

و برای تربت مقدّس امام حسین 7 فوائد بسیاری است غیر از آنچه ذکر شد، شیخ حرّ عاملی در کتابش «الفصول المهمّة» بابی را تحت عنوان اینکه «تربت حسینی شفا برای هر درد و مایه ایمنی از هر خوف و وحشت است» و تعدادی از احادیث اهل بیت اطهار : را که دلالت می‌کند بر

این موضوع جمع آوری نموده و در آخر باب گفته است: و احادیث در این‌باره جدّاً زیاد است.

در عهد عثمانی به بیت الله الحرام به قصد حج رفتم، شبی در محلّی بین مکّه و مدینه خوابیدم، از خواب بیدار شدم در حالی که حرارت زیادی را در بازویم احساس می کردم، ناگهان متوجه شدم در کنارم افعی بزرگی سر خود را بالا آورده است، و او بوده که در بازویم نیش زده است. متحیّر ماندم و نمی‌دانستم چه کنم، شب از نیمه گذشته بود و طبیبی در آن هنگام در دسترس نبود، با خود گفتم: درد بزرگ دوای بزرگ لازم دارد. فوراً رفتم به سراغ کیسه‌ای که در آن مقداری از تربت سید اشهداء 7 بود، کیسه را برداشتم و تربت را از آن خارج نمودم، با مقداری آب حل کردم و به بازویم از آن پاشیدم و محکم آن را بستم، از شدّت درد و حرارت سمّ، گویا روح از پیکر من مفارقت می کرد، آنگاه چند ساعتی خوابیدم و سپس طبق عادتم در هنگام سحر برای تهجّد بیدار شدم، متوجه شدم هیچ دردی را در آن احساس نکردم، و دریافتم که سالم است.

علّامه شیخ محمّد حسین اعسم نجفی 1 در منظومه اش گفته است:

و برای امام حسین 7 تربتی است که در آن شفا است / شفا می دهد کسی را که مشرف به مرگ است.[1]

قصه جالب و عجیبی در اینکه تربت شریف کربلا از تراب بهشت است

از عجیب‌ترین مطالبی که در این باره شنیده‌ام قصّه‌ای است که در زمان بعضی از سلاطین صفوی در شهر اصفهان واقع شده است. پادشاه فرانسه سفیری از ارکان دولت و بزرگان ملّتش نزد این سلطان فرستاد تا علمای اسلام

۱. تحفه رضویه: ص۲۲۳.

در آن زمـان دلیلـی را بـرای ثبـوت پیامبرشـان بیـان کننـد، دلیلی باشـد که خصم را سـاکت کنـد و شـبهات او را زایـل گردانـد و نتواند عذری بیـاورد، پس اگر از آوردن چنیـن دلیلـی عاجـز و ناتـوان باشـند و تنها بـه آن‌چه بین آن‌ها متواتر اسـت احتجـاج کننـد بایـد اقرار کننـد که به حق نیسـتند.

سـفیر از کسـانی بـود کـه مهارت زیـادی در علـم هیئت و حسـاب و نجوم و اسـطرلاب و ماننـد آن داشـت و بسـیاری از اوقـات ادعـا مـی کـرد کـه از احوال افـرادی کـه بـا او نشسـته انـد از آنچـه در خانه هایشـان انجـام داده انـد وحوادثی کـه بـرای آن هـا پیـش آمـده و بلاهایـی که مبتلا شـده انـد خبر مـی داد.

سـلطان روزی دسـتور داد به احضار علمای اعلام در شـهر اصفهان، هنگامی کـه آن هـا در مجلـس سـلطان حاضـر شـدند یکـی از آنـان ـ کـه گفته می شـود محـدّث کاشـانی صاحب تفسـیر صافـی و کتـاب وافی بوده اسـت ـ گفت :

ای سـفیر مسـیحی چه قدر عقل سـلطان شـما و بزرگان ملّت شـما کم اسـت کـه بـرای ایـن امـر مهـم مثـل تـو را فرسـتاده‌اند، کسـی کـه بـرای چنیـن کاری فرسـتاده مـی شـود بایـد از کامـل تریـن افـراد ملّـت و داناتریـن آن هـا بـه علوم و فنون باشـد.

وقتـی سـفیر مسـیحی ایـن کلام تنـد و خشـن را از او شـنید بندهـای بدنش به لـرزه درآمـد و نزدیـک بـود کـه از شـدّت غیظ و غضب هلاک شـود، در پاسـخ او گفـت: حـدّ و حـدود را رعایـت کنیـد و از انـدازه پـا را فراتـر نگذاریـد، بـه حـق حضـرت عیسـی و مـادرش اگـر مـی دانسـتی مقـدار احاطـه مـرا بـه علوم و کلمـات، اعتـراف می‌کـردی کـه زنـان از آوردن مثـل مـن عاجزنـد و مـن از هـر کسـی بـه ایـن امـر شایسـته تـر و سـزاوارترم، مقـدار کمـال اشـخاص در امتحـان شـناخته مـی شـود، شـما امتحـان کنید تـا گفتـارم را تصدیـق کنید.

در ایـن هنـگام فاضل کاشـانی دسـت خـود را داخـل جیبش کـرد و درحالی

که آن را بسته بود بیرون آورد و گفت: به من بگو در دست من چیست؟ مسیحی حدود نیم ساعت فکر کرد و آنگاه صورتش زرد شد و رنگش تغییر کرد. کاشانی گفت: نادانی خود را ظاهر کردی و ادّعایت را باطل نمودی.

سفیر گفت: به حقّ حضرت مسیح و مادر بزرگوارش من می دانم در دست تو چیست ولی فکر من و سکوت من از جهت دیگری است. کاشانی گفت: یعنی چه؟ توضیح بده.

مسیحی گفت: آنچه در دست داری خاکی از خاک های بهشت است و فکر من در این است که چگونه به دست شما رسیده است؟

کاشانی گفت: ممکن است در حساب خود اشتباه کرده باشی یا قواعدت کامل نبوده است. سفیر گفت: به حق حضرت مسیح و مادرش چنین نیست. کاشانی گفت: چگونه چنین چیزی تصور می شود؟ سفیر گفت: عجز و ناتوانی من نیز از همین جهت است.

کاشانی گفت: ای سفیر، آنچه در دست من است خاک کربلا می باشد و پیامبر ما فرموده اند: کربلا پاره‌ای از بهشت است، و شما که قطع دارید به اینکه قواعد علمی و حسابت از اموری است که هرگز بر خلاف صدق و واقع نیست، پس به ناچار باید به آن ایمان آوری.

سفیر گفت: راست گفتی، ای عالم اسلامی و آنگاه نزد او اسلام آورد، و این یکی از برکات تربت مقدّس سید الشهداء 7 است.[1]

تربت امام حسین علیه‌السلام دوا است

بعضی از اصحاب ما نقل کرده اند که زنی به من مقداری ابریشم داد و گفت: آن را به مکّه ببر و بده تا با آن پرده کعبه دوخته شود. می گوید: من خوش نداشتم آنرا به دربان ها بدهم زیرا آن ها را می شناختم، وقتی به

۱. موسوعة الامام الحسین 7 : ۳۳۶/۲۴.

مدینـه رفتـم خدمـت امام باقر 7 رسـیدم و عرض کردم: فدای شـما شـوم، زنی بـه مـن ایـن ابریشـم را داده و گفتـهٔ آن زن را نقل کـردم و گفتم: خوش نداشـتم آن‌هـا را بـه دربان‌هـا دهم. امـام 7 فرمود:

با آن عسل و زعفران بخر و مقداری از تربت امام حسین 7 بگیر، آن را با آب آسمان عجین کن و در آن مقداری عسل و زعفران بریز و آن را در میان شیعیان تقیسم کن تا بیماری‌های خود را با آن درمان کنند.[1]

برطرف کردن برص با تربت امام حسین علیه‌السلام

مرحـوم علامـه مجلسـی 1 در بحارالانوار نقل کرده اسـت: شـخصی به امام صـادق 7 از بـرص شـکایت کرد، امام 7 بـه او فرمود:

مقداری از خاک قبر امام حسین 7 را با آب آسمان حلّ کن و بیاشام.

آن شـخص به دسـتور امام 7 عمل کرد و برص او به کلّی برطرف گردید.[2]

خوردن تربت برای برطرف شدن داء الخبیث

دوایـی مأثـور (یعنـی روایـت شـده) و مجـرّب بـرای درد خبیـث، از امـام صـادق 7 روایـت شـده اسـت کـه فرمودنـد:

هیچ چیز برای درد خبیث نافع تر از خاک قبر امام حسین 7 نیست.

---

۱. علـل الشـرائع: ۴۱۰/۲ ح۶، کافی: ۲۴۳/۴ ح۵، المحاسـن: ۵۰۰/۲ ح۶۲۱، کامـل الزیارات: ص۲۷۴ ح۲، بحارالانوار: ۶۸/۹۹ ح۷.

۲. بحارالانوار: ۸۰/۹۵ ح۵، به نقل از مکارم الاخلاق: ص۳۸۴.

عـرض کـردم: ای فرزند رسـول خـدا، چگونه آن را بگیریم و اسـتفاده کنیم؟
امام 7 فرمودند:

آن را با آب باران مخلوط کرده بیاشام و مقداری از آن را به محلّ درد قرار بده، و این ناقع و مجرب است ان شاء الله.

علامـه مجلسـی 1 در ذیـل ایـن حدیـث مـی فرمایـد: مـراد از داء الخبیـث جـذام یـا بـرص اسـت و احتمال اخیـر را تأیید می کنـد آنچه در کتاب شـکایات شـیعه ذکـر کـرده ام کـه شـخصی خدمـت امـام 7 از بـرص شـکایت کـرد، امـام 7 امـر فرمـود کـه از خـاک قبـر امـام حسـین 7 بگیـر و بـا آب آسـمان میـل کـن و بیاشـام، او ایـن کار را انجـام داد و از آن مـرض رهایـی یافـت.[1]

فروش تربت جایز نیست

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات بـه سـندخود از یعقـوب بـن یزیـد و او بـه صـورت مرفوعـه از امـام صـادق 7 روایـت کـرده اسـت کـه فرمودنـد:

کسی که خاک قبر امام حسین 7 را بفروشد در واقع گوشت امام حسین 7 را خرید و فروش کرده است.[2]

۱. بحار الانوار: ۲۱۲/۵۹ به نق از طبّ الائمّة، التحفة الرضویة: ص۶۵.
۲. کامل الزیارات: ۴۷۹ ح۵، بحارالانوار: ۱۳۰/۱۰۱ ح۴۹.

[باب ششم]

فصل دوم

در دعا هنگام اخذ تربت

پیش از ذکر دعاها موضع اخذ تربت مقدس را ذکر می کنیم:

محلّ گرفتن تربت مقدس امام حسین علیه‌السلام

همانا اخذ شده در بیشتر اخبار «تربت قبر» است، همان طور که گذشت، و به همین معناست «تربت امام حسین 7 » که مقصود تربت قبر امام حسین 7 است و مقتضیاتش این است که محلّ اخذ تربت، قبر است ولی روایات دیگری داریم که در آن ها در محلّ اخذ تربت، اختلاف شده:

ابن قولویه 1 به سند خود از ابوصباح کنانی و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

> تربت قبر امام حسین 7 شفا است اگر چه از فاصله یک میلی آن گرفته شود.[1]

و به سند خود از ابوبکر حضرمی و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

---

۱. کامل الزیارات: ص۴۶۲ ح۵، بحارالانوار: ۱۲۴/۱۰۱ ح۲۰، مزار شیخ مفید: ص۱۴۳ ح۳، مزار کبیر: ۳۶۱/۱ ح۳،

اگر مریضی از مؤمنین، حقّ حضرت ابا عبدالله و حرمت و ولایت ایشان را بداند و بشناسد، تربت مقدس آن حضرت که با فاصله یک میلی گرفته شود، برای او دوا و شفا خواهد بود.[۱]

و به سند خود از بعضی از اصحاب و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

خاک قبر امام حسین از کنار قبر تا فاصله هفتاد ذراع گرفته می‌شود.[۲]

ـ در تهذیب و کافی (آخر کتاب حج) نیز این روایت آمده است. ـ

همچنین به همین صورت از امام صادق روایت کرده است که فرمودند:

تربت قبر امام حسین 7 را از اطراف قبر به مساحت هفتاد باع در هفتاد باع می‌توان اخذ نمود.[۳]

و به سند خود از محمّد بن زیاد واو از عمه اش روایت کرده است که گفت: از امام صادق 7 شنیدم که فرمود:

در تربت حائر که جسم شریف امام حسین 7 را در برگرفته شفای هر دردی است و باعث ایمنی از هر ترس و بیم است.[۴]

مقصود از «حیر» در فرمایش امام 7 «حائر» است همان طور که از احادیث گذشته ظاهر می شود و در بعضی از نسخ «حائر» ذکر شده، و در روایت محمّد بن مسلم که پیش از این ذکر شد به «حیر» تعبیر شده و در بعضی از نسخ «حائر» گفته شده، و به آنچه گذشت مطلب روشن می گردد.[۵]

۱. کامل الزیارات: ص۴۶۷ ح۶، بحارالانوار: ۱۲۵/۱۰۱ ح۲۹.

۲. کامل الزیارات: ص۴۶۸ ح۲، بحارالانوار: ۱۳۱/۱۰۱ ح۵۵.

۳. کامل الزیارات: ص۴۷۱ ح۶. باع: فاصله بین کف دو دست، وقتی در امتداد هم افقی باز هستند، میباشد.

۴. کامل الزیارات: ص۴۲۶ ح۴، بحارالانوار: ۱۲۵/۱۰۱ ح۲۷.

۵. الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیّة: ص۸۳.

(۱) دعا در هنگام اخذ تربت

در بحار از کتاب عتیق غروی نقل کرده است:

هنگامی که خواستی از تربت اخذ کنی برای مداوا و طلب شفا تباکی کن و بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبٰارَكَةِ، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ

به نام خدا و به یاری خدا، به حق این تربت مبارک و به حقّ وصیّی که در آن

الَّذي تُوٰارِيهِ، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَبِحَقِّ أَوْلاٰدِهِ الصّادِقِينَ،

آرمیده و به حقّ جدّ و پدر و مادر و برادر عزیزش و به حق فرزندان صادق، و به حق

وَبِحَقِّ الْمَلاٰئِكَةِ الْمُقِيمِينَ عِنْدَ قَبْرِهِ يَنْتَظِرُونَ نُصْرَتَهُ، صَلِّ عَلَيْهِمْ

فرشتگانی که در کنار قبر آن حضرت مقیم اند و در انتظار نصرت او به سر می‌برند، بر همگی آنان درود فرست،

أَجْمَعِينَ، واجْعَلْ لي وَلِأَهْلي وَوُلْدي وَإِخْوَتي وَأَخَواتي فِيهِ الشِّفاءَ

و برای من و اهل من و فرزندان و خواهران و برادرانم شفا را در آن قرار بده، و آن را باعث

مِنْ كُلِّ داءٍ والْأَمانَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَأَوْسِعْ عَلَيْنا بِهِ فِي أَرْزاقِنا،

ایمنی از هر ترس و وحشتی بگردان، و وسعت بده بر ما در روزی ما و صحّت و سلامتی جسمی

وَصَحِّحْ بِهِ أَبْدانَنا، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ،

به برکت آن به ما مرحمت فرما، که تو بر هر چیز قادر و توانایی و تو مهربان ترین مهربانان هستی،

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.[1]

و سلام و درود خدا بر حضرت محمّد و بر خاندان پاک او باد.

۱. بحارالانوار: ج۱۰۱ ص۱۳۸ ح۸۲، الاستشفاء بالتربة الشريفة الحسينية: ۷۷.

۷۳

(۲) دعا در هنگام گرفتن تربت

ابـن قولویـه 1 از ابوجعفـر موصلـی و او از امـام باقـر 7 روایت کرده اسـت کـه فرمودنـد: هنگامـی کـه تربت قبـر امام حسـین 7 را گرفتـی بگو:

أَللَّهُـمَّ بِحَـقِّ هٰـذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَـقِّ الْمَلَـكِ الْمُوَكَّلِ بِهـا، وَبِحَـقِّ الْمَلَكِ الَّـذِي كَرَبَهـا، وَبِحَـقِّ الْوَصِـيِّ الَّـذِي هُـوَ فِيهـا، صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَاجْعَلْ هٰذَا الطِّينَ شِـفاءً لِي مِـنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.[1]

خداوندا به حقّ این تربت و به حقّ فرشته‌ای که موکّل است بر آن، و به حق فرشته‌ای که آن را حفر نموده و به حق وصیّی که درون آن است، بر محمّد و آل محمّد درود فرست واین تربت را برای من شفای هر درد و باعث ایمنی از هر ترسی قرار بده.

۷۴

(۳) دعا در وقت گرفتن تربت

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیارات به سـند خـود از بعضی از اصحـاب روایت کـرده اسـت که گفـت: به‌امـام صادق 7 عـرض کردم:

من بیماری‌ها و امراض فراوانی دارم و دوایی نیست مگر آنکه آن را برای مداوا به کار برده‌ام. امام 7 فرمود:

چرا از تربت قبر امام حسین 7 غافلی؟ در آن شفای هر درد و مایه امان از هر ترس و بیم است. و وقتی آن را گرفتی بگو:

۱. کامل الزیارات: ص۴۶۹ ح۴، بحارالانوار: ۱۲۷/۱۰۱ ح۳۵.

أَللّٰهُـمَّ إِنِّـي أَسْـئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الطِّينَـةِ، وَبِحَقِّ الْمَلَكِ الَّـذِي أَخَذَهٰا،

خداوندا از تو می‌خواهم به حق این خاک پاک و به حق فرشته‌ای که آن را گرفت

وَبِحَـقِّ النَّبِـيِّ الَّذِي قَبَضَهـٰا، وَبِحَقِّ الْوَصِـيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهـٰا، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَأَهْلِ بَيْتِـهِ، وَافْعَلْ لِي[1] كَـذٰا وَكَذٰا.

و به حق پیامبری که آن را قبض نمود، و به حق وصیّی که در آن جای گرفت، بر حضرت محمّد و اهل بیت اطهارش درود فرست و نسبت به من چنین و چنان کن.

سپس امام صادق 7 فرمود:

فرشته‌ای که آن را اخذ کرد جبرئیل 7 بوده است که آن را به پیامبر 9 نشان داد و عرض کرد: این تربت این فرزند تو است بعداز تو امتت او را به شهادت می‌رسانند، پیامبری که آن را قبض کرد حضرت محمّد 9 رسول خدا است، و امّا آن وصیّی که در آن جای دارد حسین بن علی سید الشهداء است.

عـرض کـردم: اینکـه فرمودید شـفای هر درد اسـت فهمیدم، و امـا اینکه مایه امـان از هر ترس اسـت چگونه اسـت؟ امـام 7 فرمود:

هنگامی که از سلطان یا غیر او ترسیدی از منزلت بیرون نیا مگر اینکه به همراهت مقداری از تربت امام حسین 7 باشد و هنگام اخذ آن بگو :

أَللّٰهُـمَّ إِنَّ هَـذٰا طِينَـةُ قَبْـرِ الْحُسَـيْنِ وَلِيِّـكِ وَابْـنِ وَلِيِّـكَ، اِتَّخَذْتُهـٰا حِـرْزاً لِمـٰا أَخـٰافُ، وَلِمـٰا لاٰ أَخـٰافُ.

خداوندا این تربت قبر مبارک امام حسین 7 ولیّ تو و فرزند ولیّ تو است. آن را اخذ کردم تا حرز من باشد برای آنچه می‌ترسم و نمی‌ترسم و مرا حراست نماید.

۱. «بی»، خ.

اگر چنین گفتی بر تو وارد می‌شود آنچه باعث ترس تو نباشد.

راوی می‌گوید: تربت را همان گونه که امام 7 فرمودند گرفتم، به خدا قسم صحت و سلامتی خود را یافتم و برای من مایه امن و امان گردید نسبت به آنچه می‌ترسم و نمی‌ترسم همان طور که امام 7 فرمود، و بعد از آن به حمد خدا هیچ مکروه و ناپسندی را ندیدم.[1]



(۴) دعا در هنگام گرفتن تربت

سید بزرگوار گفته است: در کتاب مصباح الزائر ذکر کردیم: هنگامی که امام صادق 7 وارد عراق شدند، مردم گرد آن حضرت جمع شدند و عرض کردند: مولای ما می‌دانیم که تربت قبر امام حسین 7 شفای هر دردی است آیا باعث ایمنی از هر ترسی نیز می‌باشد؟ امام 7 فرمود:

آری، هرگاه یکی از شما می‌خواهد از هر ترسی ایمن باشد باید تسبیحی از تربت امام حسین 7 بگیرد و سه مرتبه دعای لیلة المبیت را ـ که امیرالمؤمنین 7 در جایگاه رسول خدا 9 آرام گرفتند ـ بخواند، سپس آن را ببوسد و بر چشم خود نهد و بگوید:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ صٰاحِبِهٰا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ،

خداوندا از تو می‌خواهم به حق این تربت و به حق صاحب آن و به حق جد،

وَبِحَقِّ أَبِيهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ، وَبِحَقِّ أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطّٰاهِرِينَ، إِجْعَلْهٰا

پدر، مادر، برادر، و فرزندان پاک آن حضرت آن را شفای هر درد و

۱. کامل الزیارات: ص۴۷۳ ح۱۰، بحارالانوار: ۱۱۸/۱۰۱ ح۲، مفاتیح النجاة (مخطوط) : ص۲۱۹.

شِـفاءً مِـنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُـوءٍ.

باعث ایمنی از هر ترس و محفوظ ماندن از هر بدی قرار دهی.

سپس آن را در جیبش قرار دهد، اگر این کار را در صبح انجام دهد تا شب در امان خدا خواهد بود و اگر آن را در شب انجام دهد تا صبح در امان خدا خواهد بود.[1]

۷۶

(۵) دعا در هنگام گرفتن تربت

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَخَذْتُـهُ مِـنْ قَبْـرِ وَلِيِّـكَ وَابْـنِ وَلِيِّـكَ، فَاجْعَلْـهُ لِـي أَمْنـاً

خدوندا من این تربت را گرفتم از قبر مبارک ولی و فرزند ولیّت، آن را برای من باعث ایمنی و

وَحِـرْزاً مِمّـا أَخـافُ وَمِمّـا لاٰ أَخـافُ.

حرز قرار بده از آن‌چه می‌ترسم و از آنچه نمی‌ترسم.

و روایت شده است :

کسی که از سلطان یا غیر او بیم دارد وقت خارج شدن از منزل این کار را انجام دهد برای او حرز و باعث امان خواهد بود.[2]

۱. فلاح السائل: ص۳۹۲.

۲. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان: ۴۷، صحیفه صادقیه: ص۲۹۴ (با اختلاف).

(۶) دعا در هنگام گرفتن تربت

از امام صادق 7 روایت شده است که فرمودند:
هنگامی که تربت را گرفتی بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ، أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الطّاهِرَةِ، وَبِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِحَقِّ هٰذَا الْوَصِيِّ الَّذِي تُوارِيهِ، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَالْمَلائِكَةِ الَّذِينَ يَحُفُّونَ بِهِ، وَالْمَلائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلىٰ قَبْرِ وَلِيِّكَ، يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ، صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، إِجْعَلْ لِي فِيهِ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَعِزّاً مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَوْسِعْ بِهِ رِزْقِي، وَأَصِحَّ جِسْمِي.[1]

به نام خدا، خداوندا به حقّ این تربت پاک، و به حق این تربت مقدس، و به حق وصیّی که آن را در برگرفته، و به حقّ جدّ و برادر و مادر و پدرش و فرشتگانی که آن را احاطه کرده‌اند و فرشتگانی که در کنار قبر ولیّت معتکف‌اند و در انتظار یاری او به سر می‌برند، درود خدا بر همگی آنان باد ـ قرار بده برای من در آن شفای هر دردی و ایمنی از هر ترسی و عزت و سرافرازی از هر ذلّتی، و به برکت آن روزیم را وسیع گردان، و سلامتی جسم و تن به من مرحمت فرما.

۱. کامل الزیارات: ص۴۷۲ ح۸، کافی: ۵۸۹/۷ ح۴، کتابٌ في الادعیة والزیارات (مخطوط): ص۲۵۷، بحارالانوار: ۱۲۸/۱۰۱ ح۳۷، الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیّة: ۶۸ (با اختلاف).

(۷) دعا در هنگام اخذ تربت مقدس و خوردن آن

در کتاب شریف بلد الامین نقل شده است:

همراه داشتن تسبیحی از تربت مقدس امام حسین 7 که سی و سه دانه داشته باشد مستحب است و باید طلب شفا نمود به تربتی از حریم قبر مبارکش و حدود آن پنج فرسخ از چهار طرف است یا یک فرسخ و یا بیست و پنج ذراع یا بیست ذراع. وهمه در فضیلت به ترتیب می‌باشند.

وقتی آن را گرفتی ببوس و بر دیدگان خود بگذار و بیش از یک نخود نباشد، سپس بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الطِّينَةِ، وَبِحَقِّ جَبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ،

خداوندا از تو می‌خواهم به حقّ این خاک پاک و به حق جبرئیل ـ درود خدا بر او باد ـ فرشته‌ای

اَلْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهاٰ، وَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهاٰ،

که آن را قبض نمود و از تو می‌خواهم به حقّ حضرت محمّد 9 پیامبری که آن را نگهداری نمود،

وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، اَلْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهاٰ، أَنْ تُصَلِّيَ

و به حقّ امام حسین ـ سلام و درود بر او باد ـ وصیّی که در آن جای گرفت که بر

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَهُ شِفاٰءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ، وَأَمٰاناً مِنْ كُلِّ

محمّد و آل محمّد علیهم السلام درود فرستی و آن را شفای هر درد و باعث ایمنی از هر

خَوْفٍ، وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

ترسی و محفوظ ماندن از هر بدی قرار دهی.

وقتی این دعا را خواندی آن را در چیز تمیزی محکم ببند و بر آن سوره

قدر را بخوان، همانا دعایی که برای اخذ آن ذکر شد اجازه گرفتن بر آن و قرائت سوره قدر، ختم آن است[1].

و وقتی خواستی آن را برای شفا میل کنی بگو: **أَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ**

خداوندا، ای پروردگار

التُّرْبَةِ الْمُبٰارَكَةِ الطّاهِرَةِ، وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ، وَرَبَّ الْجَسَدِ

تربت پاک مبارک، و پروردگار نوری که در آن نازل شده، و پروردگار جسمی که

الَّذِي سَكَنَ فِيهِ، وَرَبَّ الْمَلائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

در آن ساکن گشته، و پروردگار فرشتگانی که بر آن موکّل اند، بر حضرت محمّد و خاندان پاک او

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ لِي أَمٰاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَشِفٰاءً مِنْ

درود فرست، و این تربت را برای من باعث ایمنی از هر ترس و شفای هر

كُلِّ دٰاءٍ كَذٰا وَكَذٰا.

درد قرار بده.

سپس بعد از آن یک جرعه آب بنوش و بگو: **بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، أَللّٰهُمَّ**

به نام خدا، و به یاری

اجْعَلْهُ رِزْقاً وٰاسِعاً، وَعِلْماً نٰافِعاً، وَشِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ وَسُقْمٍ، إِنَّكَ

خدا، خداوندا آن را روزی گسترده و علم مفید و سود بخش و شفای هر درد و بیماری قرار بده، که

عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبٰارَكَةِ، وَرَبَّ الْوَصِيِّ

تو بر هر چیز قادر و توانایی. خداوندا ای پروردگار این تربت با برکت، و پروردگار وصیی

الَّذِي وارِثُهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ هٰذَا الطِّينَ شِفٰاءً

که وارث آن است، بر حضرت محمّد و خاندان پاکش درود فرست، و این تربت را شفای

۱. به صورت مرفوع روایت شده است که ختم بر خاک قبر امام حسین 7 این است که بر آن سورهٔ قدر خوانده شود. بحارالانوار: ۱۰۱/۱۲۷ح۳۶، وسائل الشیعة: ۱۴/۵۲۲، کامل الزیارات: ص۴۷۱ح۷.

مِـنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِـنْ كُلِّ خَـوْفٍ، وَعِزّاً مِـنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَعافِيَـةً مِنْ كُلِّ

هر درد و باعث ایمنی از هر ترس و عزت و سرافرازی از هر ذلت و عافیت از هر بیماری و بی نیازی

سُـقْمٍ، وَغِنىً مِـنْ كُلِّ فَقْرٍ.

از هر فقر و تهیدستی قرار بده.

ایـن فرمایـش از امـام صادق 7 روایت شـده اسـت و کسـی کـه آن را بدون ایـن دعایـی کـه ذکر کردیـم تنـاول نماید نزدیک اسـت که نفعـی از آن نبـرد.[1]



(۸) دعا هنگام برداشتن تربت



ابوحمزه ثمالی از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

هرگاه خواستی تربت قبر امام حسین 7 را برداری سوره حمد و معوذتین وتوحید وکافرون وقدر و یس وآیة الکرسی را بخوان و بگو:

أَللّٰهُـمَّ بِحَـقِّ مُحَمَّـدٍ عَبْـدِكَ وَحَبِيبِـكَ، وَنَبِيِّـكَ وَرَسُـولِكَ وَأَمِينِـكَ،

خداوندا به حق حضرت محمّد بنده و حبیبت، و پیامبر و رسول و امینت،

وَبِحَـقِّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ عَلِـيِّ بْـنِ أَبِـي طالِـبٍ، عَبْـدِكَ وَأَخِـي رَسُـولِكَ،

و به حقّ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب بنده و برادر رسولت، و به حق فاطمه

وَبِحَـقِّ فاطِمَـةَ بِنْـتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَـةِ وَلِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ،

دختر پیامبرت و همسر ولیّت، و به حقّ امام حسن و امام حسین علیهما السلام،

وَبِحَـقِّ الْأَئِمَّـةِ الرّاشِـدِينَ، وَبِحَقِّ هٰـذِهِ التُّرْبَـةِ، وَبِحَقِّ الْمَلَـكِ الْمُوَكَّلِ

و به حق پیشوایان هدایت و به حق این تربت و به حق فرشته موکل بر آن، و

۱. بلد الامین: ص۴۳۳، الإستشفاء بالتربة الشريفة الحسينيّة: ص۶۰.

بِهـا، وَبِحَـقِّ الْوَصِيِّ الَّـذِي حَلَّ فِيهـا، وَبِحَقِّ الْجَسَـدِ الَّـذِي تَضَمَّنَتْ،

به حق وصیّی که در آن جای گرفته و به حقّ جسم پاکی که آن را در برگرفته

وَبِحَـقِّ السِّـبْطِ الَّـذِي ضَمَّنَـتْ، وَبِحَـقِّ جَمِيـعِ مَلاٰئِكَتِـكَ وَأَنْبِيٰائِـكَ

و به حقّ سبطی که در بر دارد و به حقّ تمام فرشتگان و پیامبران و رسولانت،

وَرُسُـلِكَ، صَلِّ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَاجْعَلْ هٰذَا الطِّينَ شِـفٰاءً لِي

بر محمّد و آل محمّد درود فرست و قرار بده این تربت را شفا برای من و برای هر کسی

وَلِمَـنْ يَسْتَشْـفِي بِهِ، مِنْ كُلِّ دٰاءٍ وَسُـقْمٍ وَمَـرَضٍ، وَأَمٰاناً مِـنْ كُلِّ خَوْفٍ.

که به آن طلب شفا کند از هر درد و بیماری و مرضی، و باعث ایمنی از هر ترس و بیمی.

أَللّٰهُـمَّ بِحَـقِّ مُحَمَّـدٍ وَأَهْـلِ بَيْتِـهِ، إِجْعَلْـهُ عِلْمـاً نٰافِعـاً، وَرِزْقـاً وٰاسِـعاً،

خداوندا به حق حضرت محمّد و اهل بیت او، قرار بده آن را علمی نافع و سود بخش

وَشِـفٰاءً مِـنْ كُلِّ دٰاءٍ وَسُـقْمٍ، وَآفَـةٍ وَعٰاهَـةٍ، وَجَمِيـعِ الْأَوْجـاعِ كُلِّهـا،

و روزی فراخ و گسترده و شفای هر درد و بیماری و هر عیب و آفتی و تمام دردها،

إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

که تو بر هر چیز قادر و توانایی.

و می‌گویـی: أَللّٰهُـمَّ رَبَّ هٰـذِهِ التُّرْبَـةِ الْمُبٰارَكَـةِ الْمَيْمُونَـةِ، وَالْمَلَـكِ

خداوندا ای پروردگار این تربت با برکت و میمنت، و فرشته‌ای

الَّـذي هَبَـطَ بِهـا، والْوَصِـيِّ الَّـذِي هُـوَ فِيهـا، صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ

که آن را فرود آورده و وصیّی که در آن جا گرفته، بر محمّد و آل محمّد درود و سلام

مُحَمَّـدٍ وَسَـلِّمْ، وَانْفَعْنِـي بِهـا، إِنَّـكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيـرٌ.

فرست، و مرا به وسیله آن بهره‌مند گردان، که تو بر هر چیز توانا می‌باشی.

ظاهـراً بلکـه بـدون اشـکال مقصـود از حمـل تربـت، اخذ آن اسـت نـه همراه داشـتن آن و مقتضایـش خالـی بـودن خـوردن از دعـا اسـت مگـر اینکـه گفتـه

شـود: روایـت در بیـان مجـرد اخذ اسـت نـه در تفصیل حـال تربت تـا اقتضا کند سـاکت بـودن را نسـبت بـه دعـا در هنگام خـوردن.[1]

۸۰

(۹) دعا در هنگام خوردن تربت

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات بـه سـند خـود از امـام صـادق 7 روایـت کـرده اسـت کـه فرمودند:

تربت مقدس قبر امام حسین 7 شفای هر دردی است و زمانی که آن را میل می‌کنی بگو:

بِسْـمِ اللّـهِ وَبِاللّـهِ، أَللَّهُـمَّ اجْعَلْـهُ رِزْقاً واسـعاً، وَعِلْمـاً نافِعاً وَشِـفاءً مِـنْ كُلِّ داءٍ، إِنَّـكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيـرٌ.[2]

به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا آن را روزی واسع و علم سودمند و شفای هر درد قرار بده، که تو بر هر چیز قادر و توانایی.

۸۱

(۱۰) دعا در هنگام خوردن تربت

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات از امام صـادق 7 روایت کرده اسـت که فرمودند:

هنگامی که از تربت مقدس امام مظلوم 7 گرفتی و آن را در دهانت نهادی بگو:

۱. کامل الزیاارات: ص۴۷۵ ح۱۲، الاستشفاء ...: ص۶۹، الصحیفة الباقریة والصادقیة الجامعة: ص۲۳۶.

۲. کامل الزیارات: ص۴۷۶ ح۱، المزار المفید: ص۱۴۹، بحارالانوار: ۱۲۹/۱۰۱ ح۴۰.

أَللَّهُـمَّ إِنِّي أَسْـئَلُكَ بِحَقِّ هٰـذِهِ التُّربَةِ، وَبِحـقِّ المَلَكِ الَّـذِي قَبَضَهٰا،

خداوندا از تو می‌خواهم به حق این تربت، و به حق فرشته ای که آن را قبض

وَالنَّبِـيِّ الَّـذِي حَصَّنَهٰا، وَالْإِمـامِ الَّذِي حَلَّ فِيهـا أَنْ تُصَلِّيَ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ

نمود و پیامبری که آن را حفظ کرد و امامی که در آن جای گرفت که بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ تَجْعَـلَ لِي فِيهٰا شِـفٰاءً نٰافِعـاً، وَرِزقاً وٰاسِـعاً، وَأَمٰاناً مِنْ

و آل محمّد درود فرستی، و در آن برای من شفای سودمند و روزی فراخ و امان از هر وحشت و ترس

كُلِّ خَوْفٍ وَدٰاءٍ.

و دردی قرار دهی.

پس به راستی که هرگاه این دعا را بخواند به او عافیت و شفا مرحمت فرماید.[1]

۸۲

(۱۱) دعا هنگام خوردن تربت

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات گفتـه اسـت : بعضـی از اصحاب مـا ـ که مـراد محمّـد بـن عیسـی اسـت ـ برای مـن روایت کرده و گفته اسـت: اسـناد این حدیـث را فرامـوش کـرده‌ام، امـام 7 فرمودنـد: هنگام خـوردن تربت بگو:

أَللَّهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبٰارَكَةِ، وَرَبَّ هٰذَا الْوَصِيِّ الَّذِي وٰارَتْهُ، صَلِّ عَلىٰ

خداوندا ای پروردگار این تربت پربرکت، و پروردگار آن وصی که او را پنهان نموده، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ عِلْماً نٰافِعاً وَرِزْقاً وٰاسِـعاً وَشِـفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ.[2]

محمّد و آل محمّد درود فرست، و آن راعلم سودمند و روزی فراخ و شفای هر درد قرار بده.

۱. کامل الزیارات: ص۴۷۷ ح۳، الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیة: ص۷۰.

۲. کامل الزیارات: ص۴۷۷ ح۲.

۸۳

(۱۲) دعا هنگام خوردن تربت قبر مبارک امام حسین علیه‌السلام

شیخ طوسی 1 در مصباح از امام صادق 7 روایت کرده که فرمودند:

تربت قبر امام حسین 7 شفا برای هر درد است، زمانی که آن را خوردی بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفاءً

به نام خدا و به یاری او، خداوندا آن را روزی گسترده و علم سودمند و شفای

مِنْ كُلِّ داءٍ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللّٰهُمَّ رَبَّ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ،

هر درد قرار بده، که تو بر هر چیز توانایی. خداوندا ای پروردگار تربت پربرکت،

وَرَبَّ الْوَصِيِّ الَّذِي وارَتْهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ هٰذَا

و پروردگار وصیّی که او را پنهان نموده، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و این تربت

الطِّينَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.[1]

را شفا برای هر درد و باعث ایمنی از هر ترس قرار بده.

۸۴

(۱۳) دعا در هنگام خوردن تربت قبر مبارک امام حسین علیه‌السلام

و نیز در همان کتاب مسنداً از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

هرگاه یکی از شما نیاز به خوردن تربت قبر امام حسین 7 برای شفا گرفتن داشت باید بگوید:

۱. مصباح المتهجد: ص۷۳۳، الصحیفة الباقریة والصادقیة الجامعة: ص۲۳۸.

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، أَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبٰارَكَةِ الطّٰاهِرَةِ، وَرَبَّ

به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا ای پروردگار این تربت پاک مبارک و پروردگار نوری

النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ، وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ، وَرَبَّ الْمَلاٰئِكَةِ

که نازل شد در آن، و پروردگار جسم مطهّری که در آن ساکن گردید، و پروردگار ملائکه ای

الْمُوَكَّلِينَ بِهِ، إِجْعَلْهُ لِي شِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ وَسُقْمٍ.

که بر آن موکّلند، آن را برای من شفای هر درد و بیماری قرار بده.

خداوند تبارک و تعالی هر آنچه در خود می‌یابی از درد و غم و غصه واندوه از تو برطرف می‌نماید ان شاء الله تعالی.[1]



(۱۴) دعا در هنگام خوردن از تربت مبارک حسینی

در روایت مکارم الأخلاق است که در هنگام خوردن آن بگوید:



إِجْعَلْهُ لِي شِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ (كَذٰا وَكَذٰا). (بعد دردها را نام ببر)

قرار بده آن را برای من شفای هر درد

بعد از آن یک جرعه آب بنوش و بگو: **أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وٰاسِعاً،**

خداوندا آن را روزی گسترده

وَعِلْماً نٰافِعاً، وَشِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[2]

و علم نافع و شفا برای هر درد قرار بده، که تو بر هر چیز توانایی.

---

۱. مفتاح الجنّات: ۳۵۷/۱.

۲. همان.



(۱۵) دعا هنگام خوردن تربت

در مصباح الزائر است: روایت شده شخصی از امام صادق 7 سؤال کرد و گفت: من شنیده‌ام که شما فرموده‌اید:

تربت امام حسین 7 از دواهای مفرده است، به هیچ دردی عبور نمی‌کند مگر اینکه آن را می‌شکند و از بین می‌برد.

امام 7 فرمود: بله چنین است، ـ یا فرمود: بله آن را گفته‌ام ـ مقصود تو چیست؟ عرض کرد: من آن را تناول نموده‌ام ونفعی از آن نبرده‌ام. امام 7 فرمود:

بدان و توجه داشته باش که برای آن دعایی است کسی که بدون آن دعا تناول کند بعید نیست که نفعی نبرد.

عرض کردم: چه بگویم هنگام تناول تربت؟ امام 7 فرمود:

پیش از هر چیز آن را ببوس و بر دیدگانت بگذار و از آن بیش از یک نخود تناول نکن، زیرا کسی که بیش از آن تناول نماید گویا از گوشت ما خورده است، پس زمانی که تناول نمودی بگو:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَهٰا، وَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ

خداوندا از تو می‌خواهم به حق فرشته‌ای که آن را قبض نمود، و از تو می‌خواهم به

الْمَلَكِ الَّذِي خَزَنَهٰا، وَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهٰا، أَنْ

حق فرشته‌ای که آن را نگهداری کرد، و از تو می‌خواهم به حق وصیّی که در آن جای

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَهٰا شِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ، وَأَمٰاناً

گرفت، که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و آن را شفای هر درد و باعث ایمنی از هر



مِـنْ كُلِّ خَـوْفٍ، وحِفْظـاً مِنْ كُلِّ سُـوءٍ.

ترس و بیم و محفوظ ماندن از هر بدی قرار ده.

و چون این دعا را خواندی در چیزی آن را محکم ببند و بر آن سوره قدر را بخوان، همانا دعایی که ذکر شد، اجازه خواستن؛ و قرائت سوره، ختم آن است یعنی مانند مهری است که بر آن زده می‌شود.

و هنگام خوردن آن می گویی:

بِسْـمِ اللّـهِ وَبِاللّـهِ، أَللَّهُـمَّ اجْعَلْهُ رِزْقـاً واسِـعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِـفاءً مِـنْ كُلِّ داءٍ، إِنَّـكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

به نام خدا و به یاری او، خداوندا آن را روزی گسترده و علم سودمند و شفای هر درد قرار بده که تو بر هر چیز توانایی.

در ایـن سـوال و جـواب هـا شـش مرتبـه کلمـه «تنـاول» ذکـر شـده اسـت، شـکی نیسـت کـه مقصـود از کلمه «تناول» درکلام سـوال کننده : «مـن آن را تناول کرده‌ام» «خـوردن» اسـت، و «تنـاول» در جـواب امـام 7 : «کسـی کـه بـدون آن دعـا تناول کنـد» نیـز به معنی خوردن اسـت، زیـرا مطابقت جواب با سـؤال اقتضایش این اسـت.

وممکـن اسـت «تنـاول» به معنـای «اخذ و گرفتن» باشـد، ولی سـؤال سـائل برای بـار دوّم از دعـای مذکـور کـه در تنـاول شـرط شـده آن را بعیـد مـی سـازد، بـه خاطـر اطـلاع نداشـتن او بـر اینکـه غـرض از تنـاول در جـواب أخـذ اسـت، چـون تنـاولِ در جـواب، ظهـور دارد در اکل، بـه مقتضـای مطابـق بودن جواب با سـؤال، و پس سـؤال از تنـاولِ بـه معنـای اکل بوده اسـت.

برشـما پنهـان نمانـد کـه سـئوال دوّم دربـارۀ دعایـی کـه ذکـر شـد، در ارتبـاط بـا سـئوال اوّل اسـت؛ امّـا پاسـخ فقـط در عمـل اسـت، مگـر اینکـه ذکـر عمـل بـه عنوان مقدمـه‌ای بـرای دعـا هنـگام اکل باشـد در فرمایش آن حضـرت که می‌فرمایـد: «واذا

۱. المزار الکبیر: ص۳۶۳، کامل الزیارات: ۴۷۶ ح۱، الصحیفة الصادقیة: ص۲۹۷.

تناولتهـا فقـل» ولـی ایـن معنـی را بعیـد می سـازد اگـر تنـاول در سـئوال اوّل بـه معنای اخـذ و گرفتن باشـد.

امّـا ظاهـر فرمایـش آن حضـرت از کلمـهٔ «تنـاول» در «ولا تنـاول منهـا اکثـر مـن حمصـة» بـه معنای اکل و خوردن اسـت به اقتضای متعارف. علاوه بر این، تشـبیهی که در کلام امـام اسـت، همیـن مطلـب را گواهـی را می دهـد، چراکه حضـرت می‌فرماید: «فکانّمـا اکل مـن لحومنـا أو دمائنـا». بنابرایـن کلمـهٔ تنـاول در کلام امـام 7 کـه می‌فرمایـد: «فـانَّ مـن تناول منهـا» نیز معنای اکل اسـت بـه گواهی متعارف و تشـبیه.

امّـا مقتضـای آنچـه کـه مرحـوم کفعمی نقـل کـرده و آن را نقل می کنیـم که نهی شـده از زیـاده برداشـتن از انـدازهٔ نخـود، بـه معنـای اخـذ اسـت. و امّـا لفظ تنـاول در فرمایـش حضـرت کـه مـی فرمایـد: «واذا تناولتهـا فقـل» حتمـاً بـه معنـای اخذ اسـت بـا در نظـر گرفتـن فرمایـش آن حضـرت کـه مـی فرمایـد «واذا قلـت ذلک، فاشـددها فـي شـيء» «وقتـی آن را گرفتـی تربـت را محکم در چیـزی ببند» . زیـرا معنای تناول اگـر اکل باشـد، محکـم بسـتن پس از خـوردن معنی نـدارد، زیرا واضح اسـت محکم بسـتن چیـزی کـه خورده شـده، معنـی ندارد.

عـلاوه بـر ایـن که فرمایـش آن حضرت که می‌فرمایـد : «دعایی که بر اخـذ آن مقدّم مـی شـود»، زیـرا دعایـی کـه مقـدّم آورده شـده بـرای تناول بـوده پـس آوردن لفـظ اخذ در اینجـا گواهـی مـی دهـد کـه مقصـود از تناولی که به آن اشـاره شـده، اخذ اسـت.»[1]

روایـت نمـوده حسـن بـن علی بـن فضّـال از بعضـی از اصحاب خـود از امام باقـر 7 یـا امام صـادق 7 کـه فرمودند:

خداوند آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک بر فرزندانش حرام است.

راوی می‌گوید: گفتم: دربارهٔ تربت قبر امام حسین 7 چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمودند: بر مردم حرام است خوردن لحوم ما،

۱. الاستشفاء بالتربة الشريفة الحسينية: ص۵۶.

ولی به قدر اندک به اندازه نخود جایز است.[1]

۸۷

(۱۶) دعا هنگام خوردن تربت

از امام صادق 7 روایت شده است که فرمودند:

زمانی که یکی از شما تربت را به دست گرفت آن را ببوسد و بر دیدگان خود بگذارد و بر سائر جسد مرور دهد و بگوید:

أَللَّهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ، وَمَنْ حَلَّ بِهٰا، وَثَوىٰ فِيهٰا، وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبِحَقِّ الْمَلائِكَةِ الْحافِّينَ بِهِ، إِلّا جَعَلْتَهٰا شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَبَراءاً مِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَنَجاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزاً مِمّا أَخافُ وَأَحْذَرُ.

خداوندا به حقّ این تربت و کسی که در آن آرمید و در آن ساکن گردید، و به حقّ پدر و مادر و برادر و امامان از فرزندانش و به حق فرشتگانی که آن را احاطه کرده‌اند، آن را شفای هر درد و باعث رهایی یافتن از هر مرض و نجات از هر عیب و آفت و محفوظ ماندن از آنچه می‌ترسم و حذر می‌نمایم قرار دهی.

وسپس از آن استفاده نماید.

راوی این حدیث (ابو اسامه) گفته است: من روزگاری است طولانی که از آن همان گونه که‌امام صادق 7 فرموده و توصیف نموده‌اند استفاده می‌کنم و به حمد پروردگار هیچ مکروه و نا پسندی ندیده‌ام.[2]

۱. مصباح المتهجد: ۷۳۴، و بحارالانور: ۱۰۱ / ۱۳۰، کامل الزیارات: ۴۷۹ ح ۳.

۲. أمالی شیخ طوسی: ۳۲۶/۱، مکارم الاخلاق: ۳۶۱/۱ ح۱۱۷۹، بحارالانوار: ۱۱۹/۱۰۱ ح۴، مفتاح الجنّات: ۳۵۷/۱، مفاتیح النجاة (مخطوط): ۲۲۰، الصحیفة الباقریة والصادقیة الجامعة: ص۲۳۸.



(۱۷) دعا در هنگام خوردن تربت

عبد الله بن سنان از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

هرگاه یکی از شما تربت مقدس قبر حسین بن علی 8 را گرفت تا برای شفا بخورد، باید بگوید:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي تَنٰاوَله، وَالرَّسُولِ الَّذِي بَوَّأَهُ،

خداوندا از تو می‌خواهم به حق فرشته‌ای که آن را گرفت و رسولی که آن را نگهداشت

وَالْوَصِيِّ الَّذِي ضُمِّنَ فِيهِ، أَنْ تَجْعَلَهُ شِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ كَذٰا وَكَذٰا.

و وصیّی که در آن جای گرفت که آن را شفای هر درد ـ فلان و فلان ـ قرار دهی ـ

و به جای «فلان و فلان» آن درد را نام ببر.[1]



(۱۸) دعا هنگام خوردن تربت

در بحارالانوار از مکارم الاخلاق از امام صادق 7 روایت کرده که فرمودند:

خاک قبر امام حسین 7 مُشکی پربرکت است، از شیعیان ما اگر کسی از آن بخورد شفای هر دردی برای او خواهد بود و از دشمنان ما اگر کسی بخورد آب می‌شود همان طور که پی یا دُنبه آب می‌شود، پس هرگاه خواستی از خاک قبر امام حسین 7 بخوری بگو:

۱. کامل الزیارات: ص۴۶۹ ح۳، مفتاح الجنّات: ۳۵۷/۱، الصحیفة الصادقیة: ۲۹۴.

أَللَّهُـمَّ إِنِّي أَسْـئَلُكَ بِحَـقِّ الْمَلَـكِ الَّذِي قَبَضَهـا، وَبِحَقِّ النَّبِـيِّ الَّذِي

خداوندا از تو می‌خواهم به حق ملکی که آن را قبض نمود، و به حق پیامبری که آن را

خَزَنَهـا، وَبِحَـقِّ الْوَصِـيِّ الَّـذِي هُـوَ فِيهـا، أَنْ تُصَلِّـيَ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ

نگه داشت، و به حق وصیی که در آن جای گرفته است که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی

مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ تَجْعَـلَ لـي فِيـهِ شِـفاءً مِـنْ كُلِّ داءٍ، وَعافِيَـةً مِـنْ كُلِّ بَلاءٍ،

و برای من در آن شفا از هر دردی و عافیت از هر بلایی

وَأَماناً مِـنْ كُلِّ خَوْفٍ، بِرَحْمَتِـكَ يا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ، وَصَلَّـى اللَّهُ عَلىٰ

و ایمنی از هر ترسی قرار دهی به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، و درود خدا بر حضرت

مُحَمَّـدٍ وَآلِهِ وَسَـلَّمَ.

محمّد و خاندان پاک او باد.

و نیـز می‌گویـی: أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَشْـهَدُ أَنَّ هٰـذِهِ التُّرْبَـةَ تُرْبَـةُ وَلِيِّـكَ

خداوندا گواهی می‌دهم که این تربت تربت مقدس ولیّ تو است ـ که درود

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَ أَشْـهَدُ أَنَّهـا شِـفاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ، وَ أَماٰنٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ،

خدا بر او باد ـ و گواهی می‌دهم که آن شفای هر درد و باعث ایمنی از هر ترس و بیم است برای آنکه

لِمَـنْ شِـئْتَ [مِنْ خَلْقِـكَ] وَ لِي بِرَحْمَتِكَ، وَ أَشْـهَدُ أَنَّ كُلَّ مـا قِيلَ فِيهِمْ

بخواهی [از خلق تو] و برای من به رحمتت، و گواهی می‌دهم که آنچه در مورد آنان و درباره تربت گفته

وَفِيهـا[1] هُـوَ الْحَقُّ مِـنْ عِنْدِكَ، وَصَـدَقَ الْمُرْسَـلُونَ.[2]

شده از فضائل، حق است و از جانب تو است و فرستاده شدگانت راست گفته‌اند.

حـال در اینجـا بعضـی دعاهایـی کـه بـا تربت مقدس امام حسـین 7 نوشـته می‌شـود را می‌آوریـم:

۱. «وفیها» در بحارالانوار نیست.

۲. الإستشـفاء بالتربـة الشـريفة الحسـينية: ۷۴، بحارالانـوار: ۱۳۲/۱۰۱، کتـاب المزار، باب تربتـه صلوات الله علیـه: ح۶۰، الصحیفـة الباقرية والصادقیـه الجامعة: ص۳۲۹.

۹۰

(۱۹) دعایی که مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام

امر فرمودند به نوشتن آن و شستن و آشامیدنش برای شفا

محدث نوری 1 گفته‌است: شیخ بزرگوار مرحوم کفعمی در بلد الامین از امام زمان حضرت مهدی 7 روایت کرده است که فرمودند:

هر کس این دعا را در ظرف جدیدی بنویسد با تربت امام حسین 7 و آن را بشوید و بیاشامد از بیماریش شفا یابد.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللّهِ دَواءٌ، والْحَمْدُ للّهِ شِفاءٌ، وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ كِفاءٌ، هُوَ

«بسم الله» دوا است، «الحمد لله» شفا است، «لا اله الا الله» کفایت است او از جهت شفا شافی یعنی شفا دهنده

الشّافِي شِفاءٌ، وَهُوَ الْكافِي كِفاءٌ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النّاسِ، شِفاءٌ

است، از جهت کفایت کافی یعنی کفایت کننده است، ناراحتی و بدحالی را ببر به پروردگار مردم، شفایی ده

لا يُغادِرُ سُقْماً، وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النُّجَباءِ.

که باقی نگذارد هیچ دردی را، و درود خدا بر محمّد و خاندان پاک‌سرشت ایشان باد.

محدث نوری 1 اضافه کرده و فرموده است:

به خط سید زین الدین علی بن حسین حسینی 1 دیدم که این دعا را شخصی که مجاور حائر بود از حضرت مهدی 7 در خواب فراگرفت، او مبتلا به دردی بود به امام قائم 7 شکایت کرد، امام 7 دستور دادند که آن را بنویسد و آنگاه بشوید و بیاشامد. آن شخص به دستور امام 7 عمل

کـرد و در همـان سـاعت درد او برطـرف گردیـد.[1]

۹۱

(۲۰) دعا برای باطل کردن سحر که با تربت کربلا نوشته می‌شود

در کلم الطیب آمده است: صورت رقعه‌ای که شیخ بهاء الدین عاملی برای سلطان عجم شاه عباس صفوی نوشته است و این معنای آن به عربی است:

دعایی که برای ابطال سحر در کف راست سحر شده به وسیله تراب کربلا و آب باران نیسان نوشته می‌شود، و آن دعا این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

يـٰا مَـنْ أَذَلَّ السِّـحْرَ بِإِعْجـٰازِ مُوسٰـى 7 ، لَمّـا اَلْقـىٰ عَصـاهُ، فَـإِذٰا

ای آنکه سحر را خوار گردانیدی به اعجاز حضرت موسی 7 هنگامی که عصای خود را بر زمین افکند و

هِـيَ ثُعْبـٰانٌ مُبِيـنٌ، اَزِلْ عَمَّـنْ قَصَدْتُـهُ سِـحْرَ السَّـحَرَةِ، وَكَيْـدَ الْفَجَـرَةِ،

آن اژدهای آشکاری گردید، زایل گردان از کسی که او را قصد کرده‌ام سحر ساحران و مکر و حیله فاجران را

اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

که تو بر هر چیز توانایی.

و سـزاوار اسـت که فرد سـحر شـده، هنگام نوشـتن ایـن دعا، چیـزی نخورده باشـد، وقتـی بر کف دسـت راسـتش نوشـت آن را به صـورت کامل بلیسـد و آن قـدر بلیسـد کـه اثـری از آن باقـی نمانـد، ایـن عمـل را سـه روز پی در پـی انجام دهـد سـحر از او باطـل خواهد شـد، ان شـاء الله.[2]

۱. جنة المأوى: ص۲۲۶، دارالسلام: ۲۸۸/۱، الصحيفة المباركة المهديّة: ص۳۷۹.

۲. الكلم الطيّب في الأدعية والأحراز: ص۸۰.

(۲۱) دعا با تسبیحی که از تربت است برای ایمنی از ترس‌ها

در کتاب تحفة الزائر نقل شده که به سند معتبر از امام صادق 7 روایت شده است:

کسی که می‌خواهد از هر ترس و بیمی ایمن باشد باید تسبیحی از تربت را به دست بگیرد و این دعا را سه مرتبه بخواند:

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ وَجَوارِكَ الْمَنِيعِ، اَلَّذِي

خداوندا صبح کردم در حالی که به کفالت تو و جوار تو پناه برده‌ام که خلل ناپذیر است و دسترسی

لا يُطاوَلُ وَلا يُحاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طارِقٍ وَغاشِمٍ، مِنْ سائِرِ مَنْ

به آن نیست و هرگز مغلوب و مقهور نگردد از شرّ هر حادثه و پیش آمدی و هر ستمگری از سائر کسانی

خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ، فِي جُنَّةٍ مِنْ

که آفریدی و آنچه آفریدی از خلقت، چه آن‌ها که خموش اند و چه آن‌ها که گویا هستند، و خود را در زیر

كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ حَصِينَةٍ، وَهِيَ وَلاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ

سپری قرار دادم از هر چیز ترسناکی، با لباسی محکم و ایمنی بخش که آن ولایت اهل بیت پیامبرت حضرت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قاصِدٍ لِي إِلى أَذِيَّةٍ

ـ محمّد درود خدا بر او و خاندانش باد ـ است، و در پوشش قرار داده‌ام از هر کسی که قصد آزار مرا دارد

بِجِدارٍ حَصِينِ الْإِخْلاصِ فِي الْاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ، وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ

به دیوار محکم و استوار اخلاص با اعتراف به حق آن بزرگواران و تمسک به رشته ولای آنان، با یقین به

جَمِيعاً مُوقِناً، أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أُوالِي

اینکه حق از برای آنان و با آنان و از آنان و در میان آنان و به سبب آنان است، دوست دارم هر که را آنان

مَنْ والَوْا، وَأُعادِي مَنْ عادَوْا، وَأُجانِبُ مَنْ جانَبُوا، فَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ

دوست دارند و دشمن دارم هر که را آن‌ها دشمن دارند. و دوری گزینم از هر که آن‌ها دوری گزیده‌اند،

بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ما أَتَّقِيهِ، إِنّا (جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ

پناهم بده خداوندا به سبب آنان از شرّ هر چه از آن پرهیز می‌کنم. «قرار دادیم از پیش روی آنان و از

خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لايُبْصِرُونَ).[1]

پشت سرشان سدّی و پرده بر دیدگان آن‌ها افکندیم و آن‌ها نمی‌بینند».

سپس تسبیح را ببوسد و آن را بر دیدگانش مرور دهد و بگوید: أَللَّهُمَّ

خداوندا

إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ، وَبِحَقِّ صاحِبِها، وَبِحَقِّ جَدِّهِ

از تو می‌خواهم به حق این تربت مبارک و به حق صاحب آن و به حقّ جدّ

وَبِحَقِّ أَبِيهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطّاهِرِينَ، إِجْعَلْها

و به حق پدر و مادر و برادرش و به حق فرزندان پاکش، این (تربت) را (باعث)

شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

شفای از هر درد و ایمنی از هر ترس و محافظ از هر بدی قرار بده.

اگر صبح به این دستور عمل کند تا شب در امان است و اگر شب آن را انجام دهد تا صبح مصون و محفوظ خواهد بود.[2]

۱. سورهٔ یس، آیه۹.

۲. الاستشفاء بالتربة المقدسة الحسينية: ص۱۰۵، مفاتيح النجاة (مخطوط): ص۲۵۶، فلاح السائل: ص۳۹۲، مقباس المصابيح: ص۲۳۸ با کمی اختلاف.

در فلاح السائل گفته شده که مولای ما امیرالمؤمنین 7 این دعا را در لیلة المبیت، [شبی که به جای پیامبر و در بستر ایشان 6 خوابیدند] خواندند.

۷

بخش هفتم

زیارت هایی که هر زمانی می توان خواند

زیارت های امام حسین سلام الله علیه در حرم مطهر

زیارت های امام حسین سلام الله علیه از راه دور

[بخش هفتم]

زیارت های مطلقه

تاریخ مزار امام حسین علیه‌السلام

پیش از آنکه فضیلت زیارت مولا ابا عبد الله 7 را بیان کنیم و زیارات آن حضرت را ذکر نماییم، تاریخچه‌ای از مزار آن امام مظلوم 7 را نقل می‌نماییم.

تاریخ مزار امام حسین 7 و برادر بزرگوارش قمر بنی‌هاشم 7 بر می گردد به سال ۶۱ هجری، اوّل کسی که این دو قبر مبارک را به همراه قبور شهداء و اهل بیت : بنا کرد، امام و سید و سرور ما حضرت علی بن الحسین 8 بود، اسم مبارک را بر قبر پدر بزرگوارش نهاد و نوشت:

هذا قبر الحسين الذي ذبحوه عطشانا.

«این قبر حسین 7 است که او را با لب تشنه به شهادت رساندند».

در این مراسم بنی اسد امام 7 را در دفن اجساد طاهره، غیر از پیکر مطهر امام حسین 7 یاری نمودند و در دفن امام حسین 7 دستی غیبی امام 7 را در حمل و دفن آن کمک می‌نمود، زیرا بدن مطهر امام 7 را جز امام معصوم دفن نمی کند. این واقعه بعد از آنکه عمر بن سعد لعنه الله کودکان و بانوان را به صورت اسیر به کوفه منتقل کرد صورت گرفت، در سیزدهم ماه محرم امام زین العابدین 7 پیکر مطهر پدر بزرگوارش و سایر پیکرهای غرق به خون را دفن نمود.

سپس امام 7 از خاک قبر پدرش برای سجده نمودن بر آن برداشت و به شیعیان و دوستانش تعلیم نمود و آن‌ها را تشویق کرد بر سجده نمودن بر تربت امام حسین 7 و درخواست شفا به سبب آن. پس آن حضرت اولین سجده کننده بر آن تربت پاک بوده‌اند و برای آن آدابی را برای اخذ آن و تبرک جستن به آن بیان کردند.

سپس بعد از آن حضرت، مختار ثقفی در سال ۶۵ هـ در دوران امارتش اقدام به محکم ساختن بنا نمود و آن را با گچ و آجر محکم نمود و زیارتگاه برای مردم گردید و پیوسته محلّ رفت و آمد زوار بود و آباد بود تا زمان هارون الرشید لعنه الله، آن خبیث دستور داد قبر مطهر را ویران نمودند و آثارش را از بین بردند و درخت سدری که علامت و نشانه برای قبر مطهر بود قطع کرد تا مردم در کنار قبر توقف نکنند.

سپس در زمان مأمون و غیر او دوباره قبر مطهر به حال اول برگشت تا زمان متوکّل عباسی، که آن ملعون دستور داد قبر امام حسین 7 و قبور اصحابش را خراب کردند و ناپدید ساختند و آب بر آن جاری نمودند.

بعد از آن‌که متوکّل به درک واصل شد، پسرش المنتصر به امارت رسید، او به فرزندان علی بن ابی طالب 8 اظهار محبت می‌نمود و مال و ثروت در میان آنان تقسیم می‌کرد، در دوران او بار دیگر قبرها به حالت اوّل درآمد. او دستور داد هیچ کس را از زیارت قبر ابی عبد الله 7 مانع نشوند و در مقام عمران و آبادانی کربلا و ساختن قبر و مزار و حایر و حرم برآمد.

بنا و عمران و آبادی که به وسیله منتصر عباسی در کربلا فراهم آمده بود تا سال ۲۷۳ ادامه داشت، تا آنکه در سال ۲۷۳ ساختمان منتصری فرو ریخت، و حدود ده سال قبر شریف بدون سقف بود، تا آنکه در سال ۲۸۳ محمّد بن زید والی طبرستان در مقام تجدید بنا برآمد. او در ایام معتضد عباسی حرم

مطهـر حضـرت امیرالمؤمنیـن 7 و حضرت سـید الشـهداء 7 را پـس از ویرانی ده سـاله تعمیـر نمـود و اهتمـام زیـادی در اسـتحکام حرم سـید الشـهداء نمود و قبّـه‌ای بـر قبـر مطهـر امام حسـین 7 قـرار داد و در خـارج قبه دو ایوان سـاخت. ابتـدای حکومـت معتضـد در سـال ۲۷۹ و انتهـای آن در سـال ۲۸۹ بـوده، پـس تعمیـر بنـا بـه دسـتور محمّد بـن زیـد در اثنای ایـن مدت بوده اسـت.

پیوسـته این جریان تخریب و تعمیر در طول تاریخ ادامه داشـته اسـت، گاهی بـه دسـت جنایتـکاران و طاغیـان ایـن بیـوت الهـی تخریـب می‌شـده همـان طور کـه ابرهـه اراده کـرد بیـت شـریف را بـا فیل‌هـای خـود ویـران نمایـد و خداونـد بـا پرتـاب سـنگریزه‌ها نقشـه آنـان را نقـش بـر آب سـاخت و همـهٔ آنـان را چـون کاه جویـده شـده قـرار داد، آری لعنـت خـدا بر گروه سـتمگران باد، ایـن ایادی فروعـی از آن اصـل هسـتند ولـی «خداونـد اراده فرمـوده اسـت کـه نـور خود را کامـل گردانـد اگـر چـه خوش آیند مشـرکان نباشـد»، باطل همچـون کف روی آب اسـت کـه بـه زودی نابـود می‌شـود امّـا حـق همچون آب اسـت که مـردم از آن سـود می‌برنـد و در زمیـن می‌مانـد.

مدح بنی اسد در کلام سیده حضرت زینب کبری 3

و از آنچـه مؤیّـد اسـت بـر بقـای این بقعـه مبارکه و مزار شـریف سـخن عقیله بنی‌هاشـم، دختـر امـام امیرالمؤمنیـن حضـرت زینـب 3 اسـت کـه در مقـام تسـلّای خاطـر امـام زیـن العابدیـن 7 بـه آن حضـرت عـرض کرد:

> خداوند تبارک و تعالی از گروهی از این امت که فراعنه این زمین آن‌ها را نمی‌شناسند و در میان اهل آسمان معروف و شناخته شده‌اند عهد و پیمان گرفته است که این اعضای پراکنده را جمع آوری نموده در خاک پنهان نمایند و این پیکرهای خون آلود را دفن نماید

وينصبون لهذا الطفّ علماً لقبر سيّد الشهداء لايدرس أثره، ولايعفو رسمه على كرور الليالي والأيّام...

و در این سرزمین بر روی قبر سید الشهداء علامت و نشانه‌ای نصب نمایند که اثر آن هرگز کهنه و مندرس نگردد و گذشت زمان آن را محو و نابود نسازد...[1]

دویست پیامبر و... در کربلا جان سپردند که همه آنان به شهادت رسیدند با پیروانشان

ابن قولویه 1 در کامل الزیارات به سند خود از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

امیرالمؤمنین 7 خارج شدند و با مردم به راه افتادند تا به یک یا دو میلی کربلا رسیدند، پیشاپیش آن‌ها رفتند تا به محلّ افتادن شهدا رسیدند، آنگاه فرمودند:

در این جا دویست پیامبر و دویست وصی پیامبر و دویست سبط جان سپرده‌اند که همهٔ آن‌ها به شهادت رسیده‌اند با پیروانشان.

پس آنجا را طواف نمودند در حالی که بر مرکب خود سوار و پای مبارک را از رکاب بیرون آورده بودند و فرمودند:

اینجا محلّ خواباندن مرکب‌ها و به خاک افتادن شهیدان است، شهیدانی که کسی از پیشینیان بر آن‌ها سبقت نگرفته و کسی از آیندگان به مرتبه آنان نخواهد رسید.[2]

---

۱. کامل الزیارات: ص۲۶۲ باب ۸۸، ح۱. بحارالانوار: ۱۸۰/۴۵ ح۳۰، مزارات الأولیاء في أرض کربلا: ص۳۳، البطل العلقمي: ص۲۴۸.

۲. کامل الزیارات: ص۴۵۳ ح۱۳، تهذیب الأحکام: ۱۷۳/۶ ح۱۳۸، الخرائج والجرائح: ۱۸۳/۱، بحارالانوار: ۲۹۵/۴۱.

کربلا برترین محل سکونت در بهشت است که اولیاء الهی در آن ساکن می‌شوند

ابن قولویه 1 به سند خویش از امام باقر 7 روایت کرده که فرمودند:

«خداوند کربلا را بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه آفریده و آن را مقدس و پربرکت قرار داده، و همیشه پیش از آنکه خدا مخلوقات را بیافریند مقدس و مبارک بوده و همواره چنین خواهد بود و آن را برترین زمین در بهشت قرار می‌دهد.

سپس نوشته است: این حدیث را عده‌ای از اساتید ما، پدرم، برادرم و غیر آن‌ها از احمد بن ادریس و او به سند خودش از عمرو بن ثابت و او از پدرش و او از امام باقر 7 روایت کرده‌اند، و در آن این زیاده ذکر شده است:

و برترین منزل و محلّ سکونت است در بهشت، خداوند در آن اولیای خود را ساکن می‌گرداند.[1]

فضیلت زمین کربلا و آب فرات

صفوان جمال گفته است: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

خداوند بعضی از زمین‌ها و آب‌ها را بر بعضی دیگر برتری داد، بعضی فخر فروشی نمودند و بعضی تعدی کردند، هیچ آب و زمینی باقی نماند مگر آنکه گرفتار عقوبت و کیفر شد به خاطر اینکه تواضع را برای خداوند ترک کرد، حتی خداوند مشرکین را برکعبه مسلّط نمود، و به سوی زمزم آب شوری فرستاد تا طعم آن فاسد گردید. زمین کربلا و آب فرات اولین زمین و نخستین آبی است که خداوند آن‌ها را مقدس گردانید و پربرکت قرار داد و به آن زمین فرمود: سخن بگو به آنچه خداوند تو را به

۱. کامل الزیارات: ص۴۵۴ ح۱۵.

آن برتری بخشیده، زمین‌ها و آب‌ها برخی بر برخی دیگر فخر فروشی نموده و تکبر ورزیدند، زمین کربلا گفت:

أنا أرض الله المقدّسة المباركة، الشفاء في تربتي ومائي، ولا فخر؛ بل خاضعة ذليلة لمن فعل بي ذلك، ولا فخر على من دوني؛ بل شكراً لله،

فأكرمها، وزادها بتواضعها وشكرها لله بالحسين عليه السلام وأصحابه.

من زمین مقدس و پربرکت خداوندم، شفا را در تربت و آب من قرار داده و فخری ندارم، بلکه خاضع و ذلیل هستم در پیشگاه کسی که با من چنین نموده است، و بر زمین‌های غیر خودم نیز فخر نمی‌کنم بلکه شکرگزار خداوندم.

خداوند آن را گرامی داشت و به خاطر تواضعی که نشان داد و شکری که برای خدا کرد خداوند به برتری او به واسطه امام حسین و اصحاب آن حضرت افزود.

سپس امام صادق 7 فرمودند:

کسی که برای خدا تواضع کند خداوند او را بالا برد و کسی که تکبر نماید خدا او را پست گرداند.[1]

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

بدان که فضیلت زیارت امام حسین 7 فوق گفتار و بیان است و در روایات فراوانی آمده است که با حج و عمره و جهاد برابری می‌کند بلکه آن به مراتب برتر است. از آثار آن آمرزش گناهان، تخفیف حساب، بالارفتن درجات، اجابت دعاها، طولانی شدن عمر، حفظ جان و مال، زیاد شدن روزی، برآورده شدن

۱. کامل الزیارات: ص۴۵۵ ح۱۷.

حاجت‌هـا، برطـرف شـدن انـدوه و گرفتاری‌هـا اسـت و تـرک آن نقصی اسـت در دیـن و تـرک حق بزرگـی از حقوق پیامبر اکرم 9 اسـت.

کمتریـن پاداشـی کـه بـه زائر آن داده می‌شـود آمـرزش گناهان او اسـت و اینکه خداونـد جـان و مـال او را حفـظ می‌کند تا به سـوی اهـل و عیالش بازگـردد و روز قیامـت کـه فرا رسـد خداوند بـرای او حفـظ کننده‌تر از دنیا اسـت.

و در روایات زیادی است که زیارت آن حضرت غم را زایل می‌گرداند و جان کندن را آسان می‌نماید و هول و وحشت قبر را برطرف می‌سازد، و آنچه در راه زیارت هزینه می‌کند خداوند به هر درهمی هزار درهم بلکه ده هزار درهم برای او بنویسد، و اینکه زائر زمانی که روی به قبر امام 7 آورد چهار هزار فرشته به استقبال او آیند و هنگام بازگشت از او مشایعت کنند، و اینکه پیامبران و اوصیای آنان و ائمه معصومین : و فرشتگان به زیارت آن حضرت روند و برای زائران آن حضرت دعا کنند و به آن‌ها با بشارت‌های خود بشارت دهند، و اینکه خداوند تبارک و تعالی به زوار امام حسین 7 نظر لطف و رحمت نماید پیش از آنکه به حاضرین در عرفات نظر نماید، و اینکه در قیامت همه خلق تمنّا می‌کنند که کاش از زائرین آن حضرت بودند به خاطر کراماتی که در آن روز از آن حضرت مشاهده می‌کنند، و احادیث در این زمینه‌ها فوق حدّ شمارش است و به تعدادی از آنها هنگام ذکر زیارت‌های خاصه آن حضرت اشاره خواهیم کرد، و ذکر یک روایت در اینجا ما را بس است:

ابـن قولویـه، کلینی، سـید بن طاووس 4 و غیر ایشـان با سـند معتبـر از راوی مـورد اطمینـان و جلیـل القـدر معاویة بـن وهب 1 روایـت کرده‌انـد که گفت:

خدمـت امـام صـادق 7 شـرفیاب شـدم، حضـرت در مصلّی و در حـال نماز بودنـد، نشسـتم تـا از نمـاز فـارغ شـدند، شـنیدم بعـد از نمـاز بـا خـدا مناجـات می‌کنـد و می‌گویـد:

يا مَنْ خَصَّنا بِالْكَرامَةِ، وَوَعَدَنَا الشَّفاعَةَ، وَحَمَّلَنَا الرِّسالَةَ، وَجَعَلَنا وَرَثَةَ الْأَنْبِياءِ، وَخَتَمَ بِنَا الْأُمَمَ السّالِفَةَ، وَخَصَّنا بِالْوَصِيَّةِ، وَأَعْطانا عِلْمَ ما مَضىٰ، وَعِلْمَ ما بَقِيَ، وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوِي إِلَيْنا، إِغْفِرْ لِي وَلِإِخْوانِي، وَلِزُوّارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، اَلَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوالَهُمْ، وَأَشْخَصُوا أَبْدانَهُمْ، رَغْبَةً فِي بِرِّنا، وَرَجاءً لِما عِنْدَكَ فِي صِلَتِنا، وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلىٰ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِجابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنا، وَغَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلىٰ عَدُوِّنا، أَرادُوا بِذٰلِكَ رِضْوانَكَ.

ای آنکه اختصاص داد ما را به کرامت، و وعده شفاعت به ما داد، و رسالت بر دوش ما نهاد و ما را وارث پیامبران قرار داد، و امت‌های گذشته را به ما ختم نمود و ما را به وصیت (و جانشینی پیامبر) اختصاص داد، و علم گذشته و آینده را به ما عطا فرمود، و دل‌های مردم را به سوی ما متمایل گردانید، مرا و برادرانم را و زائران قبر اباعبد الله 7 را بیامرز، آنانکه اموال خود را انفاق کرده و ابدان خود را به زحمت سفر انداخته‌اند به خاطر میل و رغبت در نیکی نمودن به ما و امید به آنچه نزد تو است در ارتباط و پیوند ما، و به خاطر مسرور نمودن پیامبرت حضرت محمّد ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ و از جهت اجابت نمودن و پذیرفتن فرمان ما و خشمگین ساختن دشمنان ما، و به آن رضا و خشنودی تو را قصد نموده و خواسته‌اند،

پس به آن‌ها از طرف ما با رضوان خود پاداش مرحمت کن و در شب و روز حافظ آنان باش، و بر اهل و عیال و اولاد آن‌ها که از خود به جای نهاده‌اند بهترین جانشین باش، با آنها همراهی کن

و از شرّ هر ستمگر عناد پیشه و هر ضعیف و قوی از خلق، و از شرّ شیاطین جن و انس آن‌ها را کفایت فرما، و به آن‌ها عطا کن بهتر از آنچه از تو در غربت و دوری از وطن و ترجیح دادن ما بر فرزندان و اهل و عیال و خویشاوندان خود آرزو دارند.

خداوندا دشمنان ما عیب گرفته‌اند بر آن‌ها خارج شدنشان را، ولی آن‌ها را بازنداشت از قیام و حرکت و سفر به سوی ما، تا مشتی بر دهان آن‌ها بزنند و با مخالفان ما مخالفت کرده باشند،

إِرْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَتَقَلَّبُ عَلىٰ قَبْرِ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عَلَيْهِ اَلسَّلاٰمُ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهٰا رَحْمَةً لَنٰا، وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنٰا، وَارْحَمْ تِلْكَ الصَّرْخَةَ الَّتِي كٰانَتْ لَنٰا.

خداوندا بر این چهره‌هایی که خورشید آن‌ها را تغییر داده رحم کن، گونه‌هایی که بر قبر ابا عبد الله 7 گذاشته و برداشته می‌شود مورد ترحم قرار بده، بر چشم‌هایی که‌اشک از آن‌ها جاری گشته از روی محبت رحم نما، بر دل‌هایی که به خاطر ما بی‌تاب گشته و سوخته ترحم فرما، بر این فریادهایی که به خاطر ما از جگر کشیده می‌شود ترحم نما. خداوندا من این جان‌ها و این بدن‌ها را نزد تو ودیعه می‌نهم و می‌سپارم، تا آن‌ها را در روز عطش اکبر از حوض سیراب سازی.

پیوسته حضرت به این دعا در سجده دعا می‌کرد، وقتی دعای حضرت تمام شد عرض کردم: فدای شما شوم، اگر آنچه شنیدم از شما در مورد کسی بود که خدا را نمی‌شناخت گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به او آسیبی نرساند، به خدا قسم تمنایم این است که کاش به زیارت آن حضرت رفته بودم و حج نمی‌رفتم، امام 7 به من فرمود:

تو که به آن حرم مطهر نزدیک هستی چه چیزی تو را از زیارت او باز می‌دارد؟ ای معاویه آن را هرگز ترک مکن.

عرض کردم: نمی‌دانستم که زیارت آن حضرت این مقدار مهم است و اجر و پاداشش به این مقدار می‌رسد. امام 7 فرمود:

ای معاویه، کسانی که در آسمان برای زائرین آن حضرت دعا می‌کنند بیش از کسانی هستند که در زمین دعا می‌کنند، هرگز زیارت را برای ترس از کسی ترک مکن، زیرا کسی که آن را از ترس ترک کند چنان دچار حسرت شود که تمنا کند که گورش در دستش می‌بود ـ یعنی تمنا کند که کاش نزد آن قبر مطهر می‌ماندم تا در آنجا دفن می‌شدم ـ

أما تحبّ أن یری الله شخصك وسوادك فیمن یدعو له رسول الله وعلیّ وفاطمة والأئمّة المعصومون علیهم‌السلام؟ أما تحبّ أن تکون غداً ممّن تصافحه الملائکة؟ أما تحبّ أن تکون غداً فیمن یأتي ولیس علیه ذنب فیتّبع به؟ أما تحبّ أن تکون ممّن یصافح رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؟

آیا دوست نداری که خداوند شخص تو را ببیند در زمرهٔ کسانی که رسول خدا 9 و امیرالمؤمنین و فاطمه و ائمه معصومین : برای آن‌ها دعا می‌کنند؟ آیا دوست نداری که فردا از کسانی باشی که فرشتگان با آن‌ها مصافحه می‌کنند؟ آیا دوست نداری فردا در زمره کسانی باشی که می‌آیند و هیچ گناهی در پرونده آن‌ها نیست تا به آن مؤاخذه شوند؟ آیا دوست نداری از کسانی باشی که رسول خدا 9 با آن‌ها مصافحه می‌کنند؟[1]

۱. کامل الزیارات: ص۱۱۷ ح۲، کافی: ۵۸۲/۴ ح۱۱، ثواب الاعمال: ص۹۴، بحارالانوار: ۸/۱۰۱ ح۳۰.

(۱) زیارت امام حسین علیه‌السلام

زیارت اوّل

ابن قولویه 1 در کامل الزیارات به سند خود از ابوحمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: امام صادق 7 فرمودند:

هرگاه اراده کردی سفری به سوی قبر امام حسین 7 بروی، روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را روزه بگیر. هنگامی که خواستی حرکت کنی اهل و عیال و فرزندان خود را جمع کن و دعای سفر را بخوان، و پیش از خارج شدنت غسل کن و در حال غسل کردن بگو:

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسٰانِي

خداوندا مرا پاک گردان و قلب مرا پاک گردان، و شرح صدر به من مرحمت کن، بر زبان من

ذِكْرَكَ وَمِدْحَتَكَ، وَالثَّنٰاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لاٰ قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ

ذکر و یاد خودت و مدح و ثنایت را جاری کن که هیچ نیرویی جز به وسیله تو نیست، و من دانستم

قِوٰامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ، وَالْاِتِّبٰاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهٰادَةُ عَلىٰ جَمِيعِ

که پایداری دینم به تسلیم بودن برای امر و فرمان تو و پیروی کردن از سنت پیامبرت و شهادت دادن بر

أَنْبِيٰائِكَ وَرُسُلِكَ إِلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

پیامبران و فرستادگانت به سوی خلقت می‌باشد.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَحِرْزاً وَشِفٰاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ

خداوندا آن را نور و پاک کننده و حرز و شفای هر درد و بیماری و آفت و نقصی و سپری در

وَعافَـةٍ، وَمِـنْ شَـرِّ مـا أَخـافُ وَأَحْذَرُ.

برابر شرّ آنچه از آن می‌ترسم و حذر می‌کنم قرار بده.

و وقتـی خارج شـدی بگـو: أَللَّهُـمَّ إِنِّـي إِلَيْكَ وَجَّهْـتُ وَجْهِـي، وَإِلَيْكَ

خداوندا روی خود را به سوی تو نمودم و امر خود

فَوَّضْـتُ أَمْـرِي، وَإِلَيْـكَ أَسْـلَمْتُ نَفْسِـي، وَإِلَيْـكَ أَلْجَـأْتُ ظَهْـرِي،

را به تو واگذار کردم و نفس خود را تسلیم تو ساختم و پشت خود را به تو پناه دادم و بر تو توکّل

وَعَلَيْـكَ تَوَكَّلْـتُ، لا مَلْجَـأَ وَلا مَنْجـىٰ إِلّا إِلَيْـكَ، تَبارَكْـتَ وَتَعالَيْـتَ،

نمودم، هیچ پناهگاهی و محل نجاتی جز به سوی تو نیست و منزه و بلند مرتبه‌ای، کسی که در جوار

عَزَّ جـارُكَ، وَجَلَّ ثَناؤُكَ.

تو است عزیز است و ثنای تو جلیل.

سـپس بگو: بِسْـمِ اللّـهِ وَبِاللّهِ، وَمِـنَ اللّهِ وَإِلَـى اللّهِ، وَفِي سَـبِيلِ اللّهِ،

به نام خدا و به یاری خدا و از خدا و به سوی خدا و در راه خدا و بر

وَعَلـىٰ مِلَّةِ رَسُـولِ اللّهِ، عَلَـى اللّهِ تَوَكَّلْـتُ وَإِلَيْهِ أَنَبْتُ، فاطِرَ السَّـماواتِ

آیین رسول خدا 9 ، بر خدا توکّل می‌کنم و به سوی او روی می‌آورم، پدید آورنده آسمان‌های

السَّـبْعِ، وَالْاَرَضِينَ السَّـبْعِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و پروردگار عرش عظیم.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي فِي سَـفَرِي، وَاخْلُفْنِي

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا در سفرم محافظت فرما و در میان اهل و

فِـي أَهْلِـي بِأَحْسَـنِ الْخَلَـفِ. أَللَّهُـمَّ إِلَيْـكَ تَوَجَّهْـتُ، وَإِلَيْـكَ خَرَجْـتُ،

فرزندانم بهترین جانشین برای من باش. خداوندا به سوی تو توجه نموده و به سوی تو خارج گشته

وَإِلَيْـكَ وَفَـدْتُ، وَ لِخَيْـرِكَ تَعَرَّضْـتُ، وَبِزِيـارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِـكَ تَقَرَّبْتُ.

و به سوی تو کوچ کرده‌ام، و خیر را خواستارم، و به زیارت حبیب حبیبت به تو تقرّب می‌جویم.

أَللَّهُـمَّ لاٰ تَمْنَعْنِي خَيْرَ ماٰ عِنْدَكَ بِشَـرِّ ماٰ عِنْدِي. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لي ذُنُوبِي،

خداوندا بازمدار از من خیری را که نزد تو است به بدی‌هایی که نزد من است، خداوندا

وَكَفِّرْ عَنِّي سَـيِّئاٰتِي، وَحُـطَّ عَنِّي خَطاٰيايَ، وَاقْبَلْ مِنِّي حَسَـناٰتِي.

گناهانم را بیامرز و زشتی‌هایم را بپوش، خطاهایم را از من فروریز، و حسناتم را بپذیر.

وبگـو: أَللَّهُـمَّ اجْعَلْنِي فِـي دِرْعِكَ الْحَصِينَـةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهـاٰ مَنْ تُرِيدُ.

خداوندا مرا در زره محکم خودت که هر که را بخواهی در آن قرار می‌دهی قرار بده،

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ. این جمله را سه مرتبه بگو.

خداوندا به سوی تو بیزاری می‌جویم از هر حول و قوّه‌ای.

سپس سورهٔ حمد و معوّذتین (یعنی سورهٔ ناس و سورهٔ فلق) و سورهٔ توحید، و سورهٔ قدر و آیة الکرسی و سورهٔ یس را بخوان، و سپس این آیات آخر سورهٔ حشر را بخوان:

(لَـوْ أَنْزَلْنـاٰ هٰذَا الْقُرْآنَ عَلـىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاٰشِـعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْـيَةِ

«اگر این قرآن را بر کوه نازل کنیم می‌بینی که خاشع می‌شود و از خوف شکافته می‌شود، اینها

اللّـهِ وَتِلْـكَ الْاَمْثـاٰلُ نَضْرِبُهـاٰ لِلنّـاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّـرُونَ * هُوَ اللَّـهُ الَّذِي

مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم شاید بیندیشند * او خدایی است که معبودی جز او نیست، او

لاٰ إِلَـهَ إِلّا هُـوَ عاٰلِـمُ الْغَيْـبِ وَالشَّـهاٰدَةِ هُـوَ الرَّحْمَـنُ الرَّحِيمُ * هُـوَ اللَّهُ

به غیب و شهود دانا و او بخشاینده مهربان است * او خدایی است که معبودی جز او نیست، پادشاه او

الَّـذِي لاٰ إِلَـهَ إِلّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُـدُّوسُ السَّـلاٰمُ الْمُوْمِنُ الْمُهَيْمِـنُ الْعَزِيزُ

است، پاک و منزه است سلامت بخش و ایمنی بخش، چیره و مسلط، شکست ناپذیر، جبران کننده، شایسته

الْجَبّـاٰرُ الْمُتَكَبِّـرُ سُـبْحاٰنَ اللّـهِ عَمّا يُشْـرِكُونَ * هُوَ اللَّـهُ الْخاٰلِـقُ الْبـاٰرِئُ

عظمت است و خدا از آنچه شرک می‌ورزند منزّه است، او خداوندی است که آفریننده، پدیدآورنده و

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَالْاَرْضِ

صورتگر است، برای او نام‌های نیکو است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح گوی او است

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ).

و او شکست ناپذیر و حکیم است.

و به خودت روغن نزن، سرمه مکش تا به فرات برسی، سخن کم بگو و کم مزاح کن، و زیاد ذکر خدا بگو و پرهیز کن از شوخی کردن و نزاع نمودن. پس اگر سواره باشی یا پیاده بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَواتِ النَّكالِ، وَعَواقِبِ الْوَبالِ، وَ فِتْنَةِ

خداوندا به تو پناه می‌برم از قهر عقوبت ها و شکنجه‌ها و عاقبت بد و سخت و ناگوار، و فتنه گمراهی،

الضَّلالِ، وَمِنْ أَنْ تَلْقانِي بِمَكْرُوهٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَبْسِ وَاللَّبْسِ،

و از اینکه مرا ملاقات کنی به آنچه خوش آیند نیست و به تو پناه می‌برم از حبس و پوشیده بودن حقیقت

وَمِنْ وَسْوَسَةِ الشَّيْطانِ، وَطَوارِقِ السُّوْءِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ

و از وسوسه شیطان و پیش آمدهای بد و از شرّ هر صاحب شرّی

شَرِّ شَياطِينِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِاَوْلِياءِ اللّٰهِ

و از شرّ شیاطین جن و انس، و از شرّ کسی که برای اولیای الهی اظهار عداوت می‌کند، و

الْعَداوَةَ، وَمِنْ أَنْ يُفْرِطُوا عَلَيَّ وَأَنْ يَطْغَوْا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُيُونِ

از آنکه در بدی بر من افراط نموده و طغیان نماید و به تو پناه می‌برم از شرّ جاسوس‌های

الظَّلَمَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَشَرِكِ إِبْلِيسَ، وَمِنْ أَنْ يُرَدَّ عَنِ الْخَيْرِ

ستمگران، و از شرّ هر صاحب شرّی و دام‌های ابلیس و از شرّ کسی که با زبان و دست

بِاللِّسانِ وَالْيَدِ.

از خیر باز می‌دارد.

و هنگامی که از چیزی ترسیدی بگو: **لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ،**

هیچ حرکتی و توان و نیرویی جز به سبب خدا

بِهِ احْتَجَبْتُ، وَبِهِ اعْتَصَمْتُ. أَللّٰهُمَّ اعْصِمْنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ،

نیست، به این ذکر خود را در پوشش قرار می‌دهم و با آن مصون می‌مانم، خداوندا مرا از شرّ خلق خود مصون بدار،

فَإِنَّمٰا أَنَا بِكَ وَأَنَا عَبْدُكَ.

همانا من به تو وابسته‌ام و من بنده تو هستم.

هنگامی که به فرات رسیدی، پیش از آنکه از آن عبور کنی بگو: **أَللّٰهُمَّ**

خداوندا

أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرِّجٰالُ، وَأَنْتَ يٰا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ،

تو بهترین کسی هستی که‌اشخاص به سوی او کوچ کنند، و تو ای سرور من بزرگوارترین کسی هستی که

وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زٰائِرٍ كَرٰامَةً، وَلِكُلِّ وٰافِدٍ تُحْفَةً،

به سویش آیند و زیارتش نمایند، تو برای هر زائری کرامتی و برای هر واردشونده‌ای تحفه‌ای قرار داده‌ای،

وَقَدْ أَتَيْتُكَ زٰائِراً قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ، فَاجْعَلْ تُحْفَتَكَ إِيّٰايَ

من آمده‌ام در حالی که زائر قبر پسر پیامبرت ـ که صلوات تو بر او باد ـ هستم، خدایا تحفه ات را به

فَكٰاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّٰارِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، وَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ

من رهایی بخشیدنم از آتش قرار بده و از من عملم را بپذیر و سعی و تلاشم را پاداش ده و برای سفرم

مَسِيرِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي، بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ لِيَ

و پیمودن راهم به سوی تو ترحم نما، بدون اینکه منّتی از طرف من باشد بلکه تو بر من منّت گذاشته

السَّبِيلَ إِلىٰ زِيٰارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي حَتّىٰ بَلَّغْتَنِي قَبْرَ ابْنِ

ای، چون برایم راه را به سوی زیارتش گشودی و فضیلت آن را به من شناساندی و مرا محافظت نمودی

وَلِيِّكَ وَقَدْ رَجَوْتُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، لاٰتَقْطَعْ رَجٰائِي،

تا به قبر پسر ولیّت رساندی و من به تو امیدوارم، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و امید مرا

وَقَدْ أَتَيْتُكَ فَلاٰتُخَيِّبْ أَمَلِي، وَاجْعَلْ هَذٰا كَفّارَةً لِمٰا كٰانَ قَبْلَهُ مِنْ

قطع مگردان، من به نزد تو آمده‌ام آرزویم را ناکام مفرما، و این زیارت را کفاره گناهان گذشته‌ام

ذُنُوبِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصٰارِهِ، يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

قرار بده و مرا از یاران آن حضرت قرارا بده، ای مهربان ترین مهربانان.

سپس از فرات عبور کن و بگو: أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

وَاجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُوراً، وَذَنْبِي مَغْفُوراً، وَعَمَلِي مَقْبُولاً، وَاغْسِلْنِي

سعی و تلاشم را پاداش داده شده و گناهم را آمرزیده و عملم را مورد قبول قرار بده و مرا از

مِنَ الْخَطٰايٰا وَالذُّنُوبِ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ دِينِي، أَوْ تُبْطِلُ

خطاها و گناهان شستشو بده و قلبم را از هر آفتی که دینم را نابود سازد یا عملم را باطل گرداند

عَمَلِي، يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پاک گردان، ای مهربان ترین مهربانان.

سپس برو نینوا و بار و بنه سفر را در آنجا قرار بده، روغن به خود نمال و سرمه نکش و تا مادامی که در آنجا مقیم هستی گوشت نخور، سپس به شط که به موازات نخل قبر است برو، و در آنجا غسل کن، و در حال غسل کردن بگو:

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي، وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ

خداوندا مرا پاک گردان و قلبم را پاک گردان، سینه‌ام را گشاده فرما، و بر زبانم محبت

لِسٰانِي مَحَبَّتَكَ وَمِدْحَتَكَ، وَالثَّنٰاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا

و مدح و ثنای خود را جاری کن زیرا که هیچ حرکت و نیرو و توانی جز به سبب تو نمی‌باشد، و به

بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوٰامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ، وَالشَّهٰادَةُ عَلىٰ جَمِيعِ

راستی دانسته‌ام که استواری و پابرجایی دینم تسلیم بودن در برابر فرمان تو و شهادت دادن بر تمام

أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ بِالْأُلْفَةِ بَيْنَهُمْ.

پیامبران و فرستادگانت به اُلفت در بین آنان است.

أَشْهَدُ أَنَّهُمْ أَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ إِلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي

گواهی می‌دهم که آن‌ها پیامبران تو و فرستادگان تو به سوی تمام خلق تو هستند، خداوندا آن را (غسل

نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَداءٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعاهَةٍ،

را) برای من نور و پاک کننده و حرز و شفا از هر درد و بیماری و از هر آفت و نقص قرار بده و سپر

وَمِنْ شَرِّ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ. أَللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوارِحِي، وَعِظامِي

در برابر شرّ آنچه از آن می‌ترسم و حذر می‌کنم، بگردان. خداوندا به وسیله آن پاک گردان قلبم را و

وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَمُخِّي وَعَصَبِي، وَما أَقَلَّتِ الْأَرْضُ

جوارحم و استخوان و گوشت و خون و مو و پوست و مغز و عصبم را و هر آنچه را که زمین از من در بر

مِنِّي، وَاجْعَلْهُ لِي شاهِداً يَوْمَ فَقْرِي وَفاقَتِي.

می‌گیرد، و سپس روز فقر و تهی دستی‌ام آن را شاهد برای من قرار بده

سپس پاک‌ترین لباس‌های خود را بپوش و وقتی پوشیدی سی مرتبه بگو: «أَللهُ أَكْبَرُ» و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ قَصَدْتُ فَبَلَغَنِي، وَإِيّاهُ أَرَدْتُ فَقَبِلَنِي،

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که به سوی او قصد نمودم و مرا رساند، و او را اراده کردم و مرا

وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَرَحْمَتَهُ ابْتَغَيْتُ فَسَلَّمَنِي، أَللَّهُمَّ أَنْتَ حِصْنِي وَكَهْفِي

پذیرفت و از من قطع نکرد و رحمت او را جستجو نمودم به من مرحمت فرمود، خداوندا تو پناه من و پناهگاه من

وَحِرْزِي وَرَجائِي وَأَمَلِي، لا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ، يا رَبَّ الْعالَمِينَ.

و مایه حفظ من و امید من و آرزوی من هستی، هیچ معبود شایسته‌ای جز تو نیست ای پروردگار جهانیان.

و چون خواستی راه بروی بگو: أَللَّهُمَّ إِنِّي أَرَدْتُكَ فَأَرِدْنِي، وَإِنِّي

خداوندا من تو را اراده نموده‌ام، تو نیز مرا

أَقْبَلْتُ بِوَجْهِي إِلَيْكَ، فَلاٰتُعْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّي، فَإِنْ كُنْتَ عَلَيَّ

اراده فرما، و من به تو روی آوره ادم تو نیز از من روی مگردان و اگر بر من خشمگین هستی توبه‌ام را

ساٰخِطاً فَتُبْ عَلَيَّ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ

بپذیر، این راهی را که به سوی فرزند حبیبت طی می‌کنم مورد ترحم قرار بده، من به این وسیله رضا و

رِضاٰكَ عَنِّي فَارْضَ عَنِّي وَلاٰتُخَيِّبْنِي يـاٰ أَرْحَمَ الرّاٰحِمِينَ.

خشنودی تو را می‌جویم، پس از من راضی شو، و مرا نا امید مکن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس با پای پیاده حرکت کن در حالی که وقار و آرامش خود را حفظ می‌کنی تکبیر و تهلیل و تمجید و تحمید بر زبان داری و خدا و رسول او 9 را تعظیم می‌نمایی.

و نیز بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْواٰحِدِ، اَلْمُتَوَحِّدِ بِالْاُمُورِ كُلِّهاٰ، خاٰلِقِ الْخَلْقِ، لَمْ

حمد و ستایش سزاوار خداوند یگانه است که نسبت به همهٔ امور یکتا است، او آفریننده خلق است،

يَعْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، وَعاٰلِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ،

چیزی از امور آن‌ها از او پنهان نیست، به هر چیز دانا است بدون اینکه تعلیم دیده باشد،

صَلَواٰتُ اللّهِ وَصَلَواٰتُ مَلاٰئِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِياٰئِهِ الْمُرْسَلِينَ،

درود خدا و درود فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و همهٔ فرستادگانش بر حضرت محمّد و

وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْاَوْصِياٰءِ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

اهل بیت او که جانشینان او هستند، حمد و ستایش خدا را سزاست که به من نعمت داد و فضیلت

أَنْعَمَ عَلَيَّ، وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

و برتری حضرت محمّد و اهل بیت او را به من شناساند.

سپس کمی راه برو و قدم‌هایت را کوتاه بردار،



وقتی که بر تل قرار گرفتی و قبر را مقابل داشتی بایست و سی مرتبه «**اَللّٰهُ أَكْبَرُ**» بگو و آنگاه بگو:

لاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللّٰـهُ فِـي عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، وَلاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللّٰـهُ بَعْـدَ عِلْمِـهِ

هیچ معبودی جز خداوند نیست در علم او تا آخرین حدّ علم او، معبودی جز خداوند نیست، پس از علم او

مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، وَلاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللّٰـهُ مَـعَ عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، وَالْحَمْـدُ لِلّٰـهِ

تا آخرین حدّ علم او، معبودی جز خداوند نیست، باعلم او تا آخرین حدّ علم او (که برایش حدّی نیست). حمد و

فِـي عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، وَالْحَمْـدُ لِلّٰـهِ بَعْـدَ عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ،

ستایش از آن خداست در علم او تا آخرین حدّ علم او، حمد از آن خداوند است پس از علم او تا آخرین حدّ علم او،

وَالْحَمْـدُ لِلّٰـهِ مَـعَ عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، سُـبْحاٰنَ اللّٰـهِ فِـي عِلْمِـهِ

حمد از آن خداوند است با علم او تا آخرین حدّ علم او (که برایش حدّی نیست). خداوند منزه است در علم او تا

مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، وَسُـبْحاٰنَ اللّٰـهِ بَعْـدَ عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ، وَسُـبْحاٰنَ

آخرین حدّ علم او، خداوند منزه است پس از علم او تا آخرین حدّ علم او، خداوند منزه است با علم او تا آخرین

اللّٰـهِ مَـعَ عِلْمِـهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِـهِ. وَالْحَمْـدُ لِلّٰـهِ بِجَمِيـعِ مَحاٰمِـدِهِ عَلـىٰ

حدّ علم او (که برایش حدّی نیست). حمد از آن خداوند است به همهٔ انواع ستایش او بر همهٔ نعمت‌های او، و

جَمِيـعِ نِعَمِـهِ، وَلاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللّٰـهُ وَاللّٰـهُ أَكْبَـرُ، وَحَـقٌّ لَـهُ ذَلِـكَ، لاٰ إِلَـهَ

معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است، و آن حق است و سزاوار است برای او. معبودی جز خداوند نیست

إِلَّا اللّٰـهُ الْحَلِيـمُ الْكَرِيـمُ، لاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللّٰـهُ الْعَلِـيُّ الْعَظِيـمُ، لاٰ إِلَـهَ إِلَّا

که بردبار و بزرگوار است، معبودی جز خداوند نیست که بلند مرتبه و بزرگ است، معبودی جز خدا نیست،

اللّٰـهُ، نُـورُ السَّـماٰوَاتِ السَّـبْعِ، وَنُـورُ الْاَرَضِيـنَ السَّـبْعِ، وَنُـورُ الْعَـرْشِ

او روشنی بخش آسمان‌های هفتگانه و روشنی بخش زمین‌های هفتگانه و روشنی بخش عرش عظیم است. و حمد

الْعَظِيـمِ، وَالْحَمْـدُ لِلّٰـهِ رَبِّ الْعاٰلَمِيـنَ.

و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا حُـجَّةَ اللّـهِ وَابْنَ حُـجَّتِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ يـا مَلاٰئِكَةَ

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجت او، سلام بر شما ای فرشتگان

اللّـهِ، وَزُوّارَ قَبْرِ ابْـنِ نَبِيِّ اللّهِ.

خدا و ای زائرین قبر فرزند پیامبر خدا.

سپس ده قدم راه برو و سی مرتبه تکبیر بگو، و بگو در حالی که راه می‌روی:

لاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللَّـهُ تَهْلِيلاً، لاٰ يُحْصِيـهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَـدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ،

تهلیل می‌گویم خدا را (یعنی لا اله الا الله می‌گویم) تهلیلی که غیر خدا نتواند شماره نماید، پیش از هر

وَمَـعَ كُلِّ أَحَـدٍ، وَعَـدَدَ كُلِّ أَحَـدٍ، وَسُـبْحاٰنَ اللّـهِ تَسْـبِيحاً لاٰ يُحْصِيـهِ

کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و عدد هر کسی. تسبیح می‌گویم خدا را (یعنی سبحان الله می‌گویم)

غَيْـرُهُ، قَبْـلَ كُلِّ أَحَـدٍ، وَبَعْـدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَمَـعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَعَـدَدَ كُلِّ أَحَدٍ،

تسبیحی که غیر خدا نتواند شماره نماید، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و عدد هر کسی.

وَسُـبْحاٰنَ اللّـهِ وَالْحَمْـدُ لِلَّـهِ وَلاٰ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَاللَّـهُ أَكْبَرُ، قَبْـلَ كُلِّ أَحَدٍ،

و تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر می‌گویم خدا را پیش از هر کسی و بعد

وَبَعْـدَ كُلِّ أَحَـدٍ، وَمَـعَ كُلِّ أَحَـدٍ، وَعَـدَدَ كُلِّ أَحَـدٍ، أَبَداً أَبَـداً [أَبَداً].

از هر کسی و با هر کسی و عدد هر کسی پیوسته و پیوسته و پیوسته.

أَللّٰهُـمَّ إِنِّـي أُشْـهِدُكَ وَكَفىٰ بِكَ شَـهِيداً، فَاشْـهَدْ لِـي أَنِّي أَشْـهَدُ أَنَّكَ

خداوندا من تو را گواه می‌گیرم و تو برای گواهی کافی هستی، پس برای من گواهی ده که

حَـقٌّ، وَأَنَّ رَسُـولَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ حَبِيبَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَوْلَـكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَضاٰءَكَ

من شهادت می‌دهم که تو حقّ هستی و رسول تو حق است و حبیب تو حق است و گفتار تو حقّ

حَـقٌّ، وَأَنَّ قَـدَرَكَ حَـقٌّ، وَأَنَّ فِعْلَكَ حَـقٌّ، [وَأَنَّ حَشْـرَكَ حَـقٌّ]، وَأَنَّ نٰارَكَ

است، قضا و قدر تو حق است، کردار تو حق است، [حشر حق است] دوزخ تو حق و بهشت تو حق

حَـقٌّ، وَأَنَّ جَنَّتَـكَ حَقٌّ، وَأَنَّـكَ مُمِيتُ الْاَحْيـاءِ، وَمُحْيِي الْمَوْتـىٰ، وَأَنَّكَ

است، تو می‌میرانی زندگان را و زنده می‌گردانی مردگان را، و تو بر می‌انگیزی کسانی را که در قبرها

بٰاعِـثُ مَـنْ فِـي الْقُبُـورِ، وَأَنَّكَ جٰامِـعُ النّـاسِ لِيَـوْمٍ لاٰ رَيْبَ فِيـهِ، وَأَنَّكَ

هستند، و تو گردآوری می‌نمایی مردم را برای روزی که هیچگونه تردیدی در آن نیست، و تو

لاٰ تُخْلِـفُ الْمِيعٰادَ،

هرگز خلف وعده نمی‌کنی.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يٰا حُجَّةَ اللّـهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ يـٰا مَلاٰئِكَةَ

سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجّت او، سلام بر شما، ای فرشتگان خدا

اللّهِ وَيـٰا زُوّارَ قَبْرِ أَبِـي عَبْدِاللّهِ.

و ای زائران قبر اباعبدالله 7

سپس اندکی راه برو، و بر تو باد به داشتن آرامش و وقار با گفتن تکبیر و تهلیل و تمجید و تحمید و تعظیم برای خدا و رسول 9 ، و گام‌هایت را کوتاه بردار، و وقتی به درب شرقی حرم رسیدی، کنار درب بایست و بگو:

أَشْـهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، وَحْدَهُ لاٰ شَـرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً 6

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، او یکتا است و شریکی برایش نیست، و شهادت

عَبْـدُهُ وَرَسُـولُهُ، أَمِيـنُ اللّهِ عَلـىٰ خَلْقِـهِ، وَأَنَّهُ سَـيِّدُ الْاَوَّلِيـنَ وَالْاٰخِرِينَ،

می‌دهم که حضرت محمّد 9 بنده و فرستاده او و امین خدا بر خلق او است، و او سرور و سالار

وَأَنَّـهُ سَـيِّدُ الْاَنْبِيـاءِ وَالْمُرْسَـلِينَ، سَـلاٰمٌ عَلـىٰ رَسُـولِ اللّـهِ، (اَلْحَمْـدُ

اولین و آخرین است، و او سرور پیامبران و رسولان است، سلام بر رسول خدا «حمد و ستایش خدایی

لِلّـهِ الَّـذِي هَدٰانـٰا لِهَـذٰا وَمـٰا كُنّـا لِنَهْتَـدِيَ لَـوْلاٰ أَنْ هَدٰانَـا اللّـهُ لَقَـدْ

را سزا است که ما را به این امر هدایت نمود و اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد هرگز راه را نمی‌یافتیم،

جاٰءَتْ رُسُلُ رَبَّنٰا بِالْحَقّ)[1].

فرستادگان پروردگار ما حق را آورده‌اند».

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هٰذٰا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

خداوندا همانا من گواهی می‌دهم که این قبر فرزند حبیب تو و برگزیده از خلق تو است، و او

وَأَنَّهُ الْفٰائِزُ بِكَرٰامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِكِتٰابِكَ، وَخَصَصْتَهُ وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ

رستگار به کرامت تو است او را به کتاب خود گرامی داشتی، و او را بر وحی خود اختصاص داده

وَحْيِكَ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوٰارِيثَ الْأَنْبِيٰاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ مِنَ

و امین گردانیدی، و مواریث پیامبران را به او عطا نمودی، و او را حجت قرار دادی بر خلق خود از

الْاَصْفِيٰاءِ، فَأَعْذَرَ فِي الدُّعٰاءِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ، لِيَسْتَنْقِذَ عِبٰادَكَ

برگزیدگان، پس در دعوت کوتاهی نکرد، و خون قلب خود را در راه تو بذل نمود تا بندگانت را

مِنَ الضَّلاٰلَةِ وَالْجَهٰالَةِ، وَالْعَمىٰ وَالشَّكِ، وَالْاِرْتِيٰابِ إِلىٰ بٰابِ الْهُدىٰ

از گمراهی و نادانی و کوری و شک و تردید نجات دهد و آن‌ها را از هلاکت برهاند و

مِنَ الرَّدىٰ، وَأَنْتَ تَرىٰ وَلاٰتُرىٰ، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ، حَتّىٰ ثٰارَ عَلَيْهِ

به هدایت بکشاند. تو می‌بینی و دیده نمی‌شوی و در چشم اندازی رفیع و برتر هستی، فریب

مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيٰا، وَبٰاعَ الْاٰخِرَةَ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ الْاَدْنىٰ،

خوردگان دنیا و کسانی که آخرت را به بهای اندکی فروختند بر آن حضرت هجوم آوردند

وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ رَسُولَكَ، وَأَطٰاعَ مِنْ عِبٰادِكَ مِنْ أَهْلِ الشِّقٰاقِ

و تو و رسولت را به خشم آوردند و از اهل شقاوت و نفاق و آن‌ها که بار گناه

وَالنِّفٰاقِ، وَحَمَلَةِ الْاَوْزٰارِ مَنِ اسْتَوْجَبَ النّٰارَ، لَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلِي وَلَدِ

بر دوش دارند و سزاوار دوزخ اند پیروی کردند، خدا لعنت کند قاتلان فرزند

رَسُولِكَ، وَضٰاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذٰابَ الْاَلِيمَ.

رسولت را، و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان گرداند.

۱. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۳.

سپس اندکی نزدیک برو و بگو: **اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ،**

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِبْراهيمَ

خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم

خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث

يٰا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ،

حضرت عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد 9 حبیب خدا،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طٰالِبٍ، وَصِيِّ رَسُولِ

سلام بر تو ای وارث امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب 8 وصی و جانشین

اللّٰهِ وَوَلِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ. اَلسَّلٰامُ

رسول خدا و ولیّ خداوند، سلام بر تو ای وارث حسن بن علی پاک، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

بر تو ای وارث حضرت فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان. سلام بر تو ای صدّیق

أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ الْبٰارُّ التَّقِيُّ،

و ای شهید، سلام بر تو ای جانشین پیامبر، ای پسندیده نیکوکار پرهیزکار،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَفِيُّ النَّقِيُّ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ، وَآتَيْتَ

سلام بر تو ای وفاکننده و ای پاکیزه، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی

الزَّكٰاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً،

و به کارهای نیکو امر فرمودی، و از کارهای زشت نهی نمودی و خالصانه خدا را عبادت کردی

حَتّىٰ أَتٰاكَ الْيَقِينُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا اَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

تا دنیا را وداع گفتی. سلام بر تو ای ابا عبد الله و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْوٰاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنٰائِكَ، وَأَنٰاخَتْ بِرَحْلِكَ،

سلام بر تو و بر ارواحی که بر درسرای تو فرود آمدند و رحل اقامت افکندند،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ وَزُوّٰارِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللّٰهِ.

سلام بر فرشتگان خدا که اطراف تو را احاطه کرده‌اند. سلام بر فرشتگان الهی و زائرین قبر پسر پیامبر خدا.

سپس وارد شو در حائر و هنگام وارد شدن بگو: اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الْمُنْزَلِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الْمُسَوَّمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الَّذِينَ هُمْ مُقِيمُونَ فِي هٰذَا الْحائِرِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هٰذَا الْحائِرِ يَعْمَلُونَ، وَ لِاَمْرِ اللّٰهِ مُسَلِّمُونَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، وَابْنَ أَمِينِ اللّٰهِ وَابْنَ خٰالِصَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، (إِنّٰا لِلّٰهِ وَإِنّٰا إِلَيْهِ رٰاجِعُونَ)، مٰا أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ جَدِّكَ [أَبِيكَ] رَسُولِ اللّٰهِ، وَمٰا أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ مَنْ عَرَفَ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ، وَأَجَلَّ

سلام بر فرشتگان خدا که نازل شده‌اند، سلام بر فرشتگان مقرّب خداوند، سلام بر فرشتگان خدا که نشان دارند، سلام بر فرشتگان خدا که به اذن پروردگارشان در این حائر اقامت گزیده‌اند، سلام بر فرشتگان خدا که در این حائر به کار مشغولند و تسلیم امر الهی هستند، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امین پروردگار و فرزند مخلص خداوند، سلام بر تو ای ابا عبد الله «ما همه از آنِ خداوندیم و به سوی او باز می‌گردیم». چه قدر مصیبت شما نزد جدّتان رسول خدا بزرگ است، و چه قدر مصیبت شما نزد کسی که خدا را شناخت عظیم است، و

۱. سورهٔ بقره، آیه۱۵۶.

مُصِيبَتَكَ عِنْدَ الْمَلَاءِ الْاَعْلىٰ، وَعِنْدَ أَنْبِيٰاءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ[1]. اَلسَّلٰامُ مِنِّي

چه قدر مصیبت شما نزد ساکنان عالم بالا و نزد پیامبران الهی و رسولان او بزرگ است. سلام

إِلَيْكَ وَالتَّحِيَّةُ، مَعَ عَظِيمِ الرَّزِيَّةِ عَلَيْكَ،

و تحیّت من به شما با سوگ عظیمی که بر تو دارم،

كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلٰابِ الشّٰامِخَةِ، وَنُوراً فِي ظُلُمٰاتِ الْاَرْضِ،

شما نوری بودید در صلب‌های شریف و نوری بودید در تاریکی‌های زمین

وَنُوراً فِي الْهَوٰاءِ، وَنُوراً فِي السَّمٰاوٰاتِ الْعُلىٰ، كُنْتَ فِيهٰا نُوراً سٰاطِعاً

و در هوا، و نوری بودید در آسمان‌های بالا، نوری درخشان بوده‌اید که

لَايُطْفَأُ، وَأَنْتَ النّٰاطِقُ بِالْهُدىٰ.

خاموشی هرگز ندارد، و شما به هدایت گویا هستید.

سپس مقدار کمی راه برو، هفت مرتبه «**اَللّٰهُ أَكْبَرُ**»، هفت مرتبه «**لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ**» هفت مرتبه «**الحَمدُ لِلّٰهِ**» و هفت مرتبه «**سُبحانَ اللّٰهِ**» را تکرار کن، و هفت مرتبه بگو: «**لَبَّيْكَ دٰاعِيَ اللّٰهِ، لَبَّيْكَ**»

[یعنی «دعوت تو را پاسخ‌گو هستم ای دعوت‌کننده به‌سوی خدا»] و بگو:

إِنْ كٰانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغٰاثَتِكَ، وَلِسٰانِي عِنْدَ اسْتِنْصٰارِكَ،

اگر بدنم هنگام استغاثه‌ات و زبانم هنگام یاری طلبی‌ات به تو پاسخ نداد،

فَقَدْ أَجٰابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَرَأْيِي وَهَوٰايَ عَلَى التَّسْلِيمِ

ولی قلبم و گوشم و دیده و رأی و هوای من تو را پاسخ می‌گویند با تسلیم بودن

لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالدَّلِيلِ الْعٰالِمِ، وَالْاَمِينِ

برای فرزند پیامبر مرسل و سبط رسول برگزیده و راهنمای دانا و امانتدار

الْمُسْتَخْزَنِ، وَالْمُؤَدِّي الْمُبَلِّغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُضْطَهَدِ.

نگاهدار و ادا کننده رساننده و ستمدیده مقهور.

۱. «عِندَ رُسُلِ اللّٰهِ»، خ.

جِئْتُكَ يا مَوْلايَ، اِنْقِطاعاً إِلَيْكَ، وَإِلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَوُلْدِكَ

آمدم ای مولای من در حالی که از همه بریده‌ام و تنها دل به تو داده و به جدّت و پدرت و

الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ، فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي

فرزندانت که جانشینان بعد از شما هستند، قلب من تسلیم شما و رأی من تابع شما و یاری من برای شما

لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ وَيَبْعَثَكُمْ. وَأُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّكُمْ

آماده است تا آنکه خدا حکم کند به دینش و برانگیزد شما را، و خدا را شاهد می‌گیرم که شما حجّت

الْحُجَّةُ، وَبِكُمْ تُرْجَى الرَّحْمَةُ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ

هستید و به شما امید رحمت می‌باشد، کسی که با شما است با شما است نه با دشمن شما، من نسبت به شما

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، لا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً، وَلا أُكَذِّبُ مِنْهُ بِمَشِيَّةٍ.

از مؤمنین هستم، قدرت خدا را انکار نمی‌کنم و مشیّت او را تکذیب نمی‌نمایم.

سپس راه برو و گام‌هایت را کوتاه بردار تا مقابل قبر برسی و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و صورتت را مقابل قبر نما و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنَ اللّهِ، وَالسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللّهِ عَلىٰ رُسُلِهِ،

سلام بر تو از خداوند و سلام بر حضرت محمّد امین خدا بر فرستادگانش و بر تصمیمات او

وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ

و مقاصد او، آنکه خاتمه دهنده برای گذشتگان و آغاز کننده برای آیندگان و مراقب بر تمامی

ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَتَحِيّاتُهُ.

آن‌ها است و رحمت خدا و برکات او، و سلام بر تو و تحیّات او بر تو باد.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صاحِبِ مِيثاقِكَ، وَخاتَمِ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، او که صاحب پیمان تو و خاتمه دهنده رسولان

رُسُلِكَ، وَسَيِّدِ عِبادِكَ، وَأَمِينِكَ فِي بِلادِكَ [عِبادِكَ]، وَخَيْرِ بَرِيَّتِكَ،

تو و سرور و سالار بندگان تو و امین تو است در شهرها و بهترین آفریده تو است، کتاب تو

كَمـا تَـلاٰ كِتابَـكَ، وَجاٰهَـدَ عَـدُوَّكَ حَتّـىٰ أَتـاٰهُ الْيَقِينُ.

را تلاوت کرد و با دشمن تو جهاد نمود تا دار فانی را وداع گفت.

أَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ عَبْـدِكَ، وَاَخِـي رَسُـولِكَ، اَلَّـذِي

خداوندا درود فرست بر امیرالمؤمنین، بنده ات و برادر رسولت که او را به علم خود برگزیدی و

انْتَجَبْتَـهُ بِعِلْمِـكَ، وَجَعَلْتَـهُ هاٰدِيـاً لِمَـنْ شِـئْتَ مِـنْ خَلْقِـكَ، وَالدَّلِيـلَ

او را هدایتگر و راهنما قرار دادی برای هر کس از خلقت که خواستی، و دلیل قرار دادی بر

عَلـىٰ مَنْ بَعَثْتَـهُ بِرِسـاٰلاٰتِكَ، وَدَيّانَ الدِّيـنِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْـلَ قَضاٰئِكَ بَيْنَ

کسی که او را به رسالت مبعوث نمودی، جزا دهنده جزا به عدل تو، و فیصله دهنده قضا و حکم در

خَلْقِـكَ، وَالْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْهِ وَرَحْمَـةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

میان خلق، و شاهد و مراقب بر همه‌این امور است، و سلام بر او و رحمت و برکاتش بر او باد.

أَللّٰهُـمَّ أَتْمِمْ بِـهِ كَلِماٰتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِ وَعْـدَكَ، وَأَهْلِكْ بِهِ عَـدُوَّكَ، وَاكْتُبْنا فِي

خداوندا به وسیله او کلماتت را کامل و وعده ات را عملی نما و دشمنت را هلاک فرما، و ما را در زمرهٔ

أَوْلِياٰئِـهِ وَاحِبّائِـهِ. أَللّٰهُـمَّ اجْعَلْنا لَهُ شِـيعَةً وَانْصـاٰراً وَاعْواٰناً عَلـىٰ طاٰعَتِكَ،

اولیاء او و دوستانش بنویس. خداوندا ما را شیعه و یار و مددکار آن حضرت بر طاعت تو و طاعت رسولت و

وَطاٰعَةِ رَسُـولِكَ، وَمـا وَكَّلْتَهُ بِهِ، وَاسْـتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ، يـا رَبَّ الْعاٰلَمِينَ.

آنچه وکیل گردانیده‌ای او را به آن و خلیفه گردانیده‌ای او را بر آن قرار بده، ای پروردگار جهانیان.

أَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ فاٰطِمَةَ بِنْـتِ نَبِيِّـكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّـكَ، وَاُمِّ السِّـبْطَيْنِ

خداوندا بر حضرت فاطمه دخت پیامبرت و همسر ولیّت و مادر دو سبط پیامبر یعنی

الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ، اَلطّاهِـرَةِ الْمُطَهَّـرَةِ، اَلصِّدِّيقَةِ الزَّكِيَّةِ، سَـيِّدَةِ نِسـاٰءِ

امام حسن و امام حسین : درود فرست. او که طاهر و مطهر و صدّیقه و پاک است، سرور

الْعاٰلَمِيـنَ [أَهْـلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِيـنَ]، صَلاٰةً لايَقْوىٰ عَلـىٰ إِحْصاٰئِها غَيْرُكَ.

زنان عالمیان (تمامی اهل بهشت) می‌باشد، درودی که غیر تو قدرت بر شمارش آن ندارد.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ أَخي رَسُولِكَ،

خداوندا درود فرست بر حسن بن علی، بنده ات و پسر برادر رسولت که به علم خود او

اَلَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ

را برگزیدی و او را راهنما برای هر که خواستی از خلق و دلیل و نشانه بر کسی که او را

عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاٰتِكَ، وَدَيّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَ قَضائِكَ بَيْنَ

مبعوث به رسالت نمودی قرار دادی، او جزادهنده جزا به عدل تو و فیصله دهنده حکم در میان

خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

خلق تو، و مراقب بر تمامی این امور است و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ أَخي رَسُولِكَ،

خداوندا درود فرست بر حسین بن علی، بنده ات و پسر برادر رسولت که به علم خود

اَلَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ

او را برگزیدی و او را راهنما برای هر که خواستی از خلق و دلیل و نشانه بر کسی که او را

عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاٰتِكَ، وَدَيّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَ قَضائِكَ بَيْنَ

مبعوث به رسالت نمودی قرار دادی، او جزادهنده جزا به عدل تو و فیصله دهنده حکم در میان

خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

خلق تو و مراقب بر تمامی این امور است و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

و درود می‌فرستی بر همهٔ امامان : به همین صورتی که درود فرستادی بر امام حسن و امام حسین 8 ، و آنگاه می‌گویی:

أَللَّهُمَّ أَتْمِمْ بِهِمْ كَلِماٰتِكَ، وَ أَنْجِزْ بِهِمْ وَعْدَكَ، وَ أَهْلِكْ بِهِمْ

خداوندا به وسیله ایشان کلمات خود را کامل گردان، و به وسیله ایشان وعده ات را عملی نما، و به وسیلهٔ

عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُمْ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ. أَللَّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنّا

ایشان دشمنت و دشمن آنان را از جن و انس هلاک فرما، خداوندا به آنان از طرف ما پاداش ده بهتر از آنچه

خَيْـرَ مـا جازَيْـتَ نَذِيراً عَـنْ قَوْمِـهِ. أَللَّهُـمَّ اجْعَلْنا لَهُـمْ شِـيعَةً وَ أَنْصاراً

بیم دهنده‌ای را از طرف قومش پاداش داده‌ای. خداوندا ما را برای آنان شیعه و یاور و مددکار بر طاعت خودت

وَأَعْواناً عَلىٰ طاعَتِـكَ وَطاعَـةِ رَسُـولِكَ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنـا لَهُمْ مِمَّـنْ يَتَّبِعُ

و طاعت رسولت قرار بده. خداوندا قرار بده ما را برای آنان از کسانی که پیروی کردند نوری را که با آنان

النُّـورَ الَّـذِي أُنْـزِلَ مَعَهُـمْ، وَ أَحْيِنا مَحْياهُـمْ، وَأَمِتْنـا مَماتَهُمْ، وَأَشْـهِدْنا

نازل شد و ما را زنده بدار آن گونه که آن‌ها را زنده داشتی و بمیران آن گونه که آن‌ها را میراندی، و در

مَشـاهِدَهُمْ فِـي الدُّنْيـا وَالْاخِـرَةِ. أَللَّهُـمَّ إِنَّ هَـذا مَقـامُ أَكْرَمْتَنِـي بِـهِ،

دنیا و آخرت ما را در مشاهد آنان حاضر گردان. خداوندا این مقامی است که مرا به سبب آن گرامی داشتی

وَشَـرَّفْتَنِي بِهِ، وَأَعْطَيْتَنِي فِيـهِ رَغْبَتِي عَلىٰ حَقِيقَةِ إِيمانِي بِكَ وَبِرَسُـولِكَ.

و به آن شرافت بخشیدی، و عطا کردی مرا در آن میل و رغبتم را بر حقیقت ایمانم به تو و به رسولت.

سـپس کمی به قبر نزدیک شـو و بگو: اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّهِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول

وَسَـلامُ اللّهِ وَسَـلامُ مَلائِكَتِـهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيائِـهِ الْمُرْسَـلِينَ، كُلَّما تَرُوحُ

خدا، سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب او و پیامبران مرسل او بر تو باد هرگاه می‌وزد

الرّائِحـاتُ الطّاهِـراتُ لَـكَ، وَعَلَيْـكَ سَـلامُ الْمُؤْمِنِيـنَ لَـكَ بِقُلُوبِهِـمُ،

نسیم‌های پاک و بر تو باد سلام مؤمنین سلام قلبی آنان که با زبانشان به ذکر فضائل تو

اَلنّاطِقِيـنَ لَـكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِـنَتِهِمْ. أَشْـهَدُ أَنَّكَ صـادِقٌ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ

گویا هستند. گواهی می‌دهم که تو راستگو و صدّیق هستی در آنچه دعوت کردی به سوی

فِيمـا دَعَـوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْـتَ فِيما أَتَيْتَ بِـهِ، وَ أَنَّكَ ثارُ اللّـهِ فِي الْاَرْضِ.

آن راست گفتی و در آنچه آوردی راست گفتی، و همانا تو خون خدا در زمین هستی.

أَللَّهُـمَّ أَدْخِلْنِـي فِي أَوْلِيائِـكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشـاهِدَهُمْ وَشَـهادَتَهُمْ فِي

خدایا مرا در زمرهٔ اولیائت قرار ده و مشاهد مشرّفه آنان و حضورشان را در دنیا و آخرت

الدُّنْيـا وَالْاٰخِـرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

محبوب من گردان، که تو بر هر چیز توانایی.

و بگـو: اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا أَبـا عَبْدِاللّـهِ، رَحِمَـكَ اللّـهُ يـا أَبـا عَبْدِاللّـهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، رحمت خدا بر تو ای ابا عبد

صَلَّـى اللّـهُ عَلَيْكَ يا أَبـا عَبْدِاللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا إِمـامَ الْهُدى، اَلسَّـلاٰمُ

الله، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پیشوای هدایت، سلام

عَلَيْـكَ يـا عَلَـمَ التُّقـى، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا حُجَّـةَ اللّـهِ عَلـىٰ أَهْـلِ الدُّنْيا،

بر تو ای نشانهٔ تقوا، سلام بر تو ای حجّت خدا بر اهل دنیا، سلام بر تو ای حجت خدا

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا حُجَّـةَ اللّهِ وَابْـنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْنَ نَبِـيِّ اللّهِ،

و پسر حجت او، سلام بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا ثارَ اللّـهِ وَابْنَ ثارِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وِتْرَ اللّهِ وَابْـنَ وِتْرِهِ.

خدا، سلام بر تو ای خون انتقام گرفته نشدهٔ خدا و پسر خون انتقام گرفته نشدهٔ او.

أَشْـهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَ أَنَّ قاتِلَكَ فِي النّارِ، وَ أَشْـهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ

گواهی می‌دهم که تو مظلومانه کشته شدی و قاتل تو در دوزخ است، و شهادت می‌دهم که تو جهاد کردی

فِـي اللّـهِ حَقَّ جِهـادِهِ، لَـمْ تَأْخُذْكَ فِـي اللّهِ لَوْمَـةُ لائِـمٍ، وَأَنَّكَ عَبَدْتَـهُ حَتّىٰ

در راه خدا آن گونه که سزاوار بوده است و سرزنش سرزنش کنندگان تو را از جهاد در راه خدا بازنداشت

أَتـاكَ الْيَقِيـنُ، أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ كَلِمَةُ التَّقْـوىٰ، وَبـابُ الْهُـدىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلىٰ

و تو خدا را تا هنگام فرارسیدن مرگ عبادت کردی، گواهی می‌دهم که تو نشانهٔ تقوا و باب هدایت و حجت

خَلْقِـهِ، أَشْـهَدُ أَنَّ ذٰلِـكَ لَكُـمْ سـابِقٌ فِيمـا مَضـىٰ، وَفاتِـحٌ فِيمـا بَقِيَ.

بر خلق او و هستی. گواهی می‌دهم که این برای شما در پیشینیان سبقت گرفته و در آیندگان سرفصل است.

وَأَشْـهَدُ أَنَّ أَرْواحَكُـمْ وَطِينَتَكُـمْ طِينَةٌ طَيِّبَـةٌ، طابَتْ وَطَهُـرَتْ بَعْضُها

و گواهی می‌دهم که ارواح شما و طینت شما طینت مقدّس، پاک و پاکیزه است که هر یک از شما

مِـنْ بَعْضٍ، مِـنَ اللّٰهِ وَمِـنْ رَحْمَتِـهِ. وَأُشْـهِدُ اللّٰهَ تَبـٰارَكَ وَتَعـٰالـىٰ، وَكَفىٰ

آن را از دیگری گرفته، و از خدا و رحمت او نشأت گرفته، و خداوند تبارک و تعالی را شاهد می‌گیرم

بِـهِ شَـهِيداً، وَأُشْـهِدُكُمْ أَنِّـي بِكُـمْ مُؤْمِـنٌ، وَلَكُـمْ تـٰابِـعٌ فِي ذٰاتِ نَفْسِـي

و او از جهت گواهی کفایت می‌کند، و شما را گواه می‌گیرم که من به شما ایمان دارم و پیرو شما هستم

وَشَـرٰائِعِ دِينِـي، وَخَوٰاتِيـمِ عَمَلِـي وَمُنْقَلَبِـي وَمَثْـوٰايَ، فَأَسْـأَلُ اللّٰـهَ الْبِـرَّ

در مورد خودم و احکام دینم و سرانجام کارم و در بازگشتم و درنگ نمودنم، از خداوند نیکوکار مهربان

الرَّحِيـمَ، أَنْ يُتَمِّـمَ ذَلِـكَ لِي.

می‌خواهم که آن را برای من کامل گرداند.

أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ قَـدْ بَلَّغْتُـمْ وَنَصَحْتُـمْ، وَصَبَرْتُـمْ وَقُتِلْتُـمْ وَغُصِبْتُـمْ،

گواهی می‌دهم که شما ابلاغ نمودید و خیرخواهی کردید و شکیبایی نشان دادید و کشته شدید و حقّ شما را غصب

وَأُسِـيءَ إِلَيْكُـمْ فَصَبَرْتُـمْ، لَعَـنَ اللّٰـهُ أُمَّـةً خٰالَفَتْكُـمْ، وَأُمَّـةً جَحَـدَتْ

نمودند و با شما بدرفتاری کردند و صبر کردید. خدا لعنت کند گروهی را که با شما مخالفت نمودند و گروهی را که

وِلٰايَتَكُـمْ، وَأُمَّـةً تَظٰاهَـرَتْ عَلَيْكُـمْ، وَأُمَّـةً شَـهِدَتْ وَلَـمْ تَسْتَشْـهِدْ.

ولایت شما را انکار کردند، و گروهی را که علیه شما از یکدیگر پشتیبانی کردند و گروهی را که حضور داشتند و شهادت

اَلْحَمْـدُ لِلّٰـهِ الَّـذِي جَعَـلَ النّـٰارَ مَثْوٰاهُـمْ، وَبِئْـسَ الْـوِرْدُ الْمَـوْرُودُ،

طلب نشدند، حمد و سپاس خداوندی را که دوزخ را جایگاه آنان قرار داد، و بد جایگاهی است که وارد می‌شوند و بد

وَبِئْـسَ الرِّفْـدُ الْمَرْفُـودُ.

عطایی است که به آن‌ها بخشیده می‌شود.

و بگـو: «صَلَّـى اللّٰهُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِ اللّٰهِ» (سـه مرتبـه) وَعَلىٰ رُوحِكَ

درود خدا بر شما ای ابا عبد الله — و بر روح و پیکر

وَبَدَنِـكَ، لَعَـنَ اللّٰـهُ قٰاتِلِيكَ، وَلَعَـنَ اللّٰهُ سـٰالِبِيكَ، وَلَعَنَ اللّٰـهُ خٰاذِلِيكَ،

پاکتان، خدا کشندگان تو را و آنانکه جامه از بدنت بیرون آوردند، و آنانکه تو را بی یار رها کردند و آنان

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شايَعَ عَلىٰ قَتْلِكَ، وَمَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَشارَكَ فِي دَمِكَ،

که بر قتل تو همراهی کردند و آن که دستور قتل تو را صادر کرد و در خون تو مشارکت داشت لعنت کند، و

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَوْ سَلَّمَ إِلَيْهِ، أَنا أَبْرَأُ إِلَى اللّهِ مِنْ

خداوند لعنت کند کسانی را که خبر به آن‌ها رسید و به آن خشنود گشتند یا در مقابل آن تسلیم شدند، من از ولایت

وَلايَتِهِمْ، وَ أَتَوَلَّى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ آلَ رَسُولِهِ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا

آنان به سوی پروردگار بیزاری می‌جویم و ولایت خدا و رسول و خاندان رسول را پذیرا هستم. و گواهی می‌دهم

حُرْمَتَكَ، وَسَفَكُوا دَمَكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ.

که آنان که به شما بی‌حرمتی نمودند و خون پاکتان را بر زمین ریختند به زبان پیامبر اُمّی ملعون هستند.

أَللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَسَفَكُوا دِماءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ،

خداوندا لعنت کن کسانی را که رسول تو را تکذیب نمودند و خون اهل بیت پیامبرت را ـ که درود

صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ. أَللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَميرِالْمُؤْمِنِينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ

تو بر آنان باد ـ ریختند. خداوندا قاتلان امیرالمؤمنین را لعنت کن و عذاب دردناک آنان را دو چندان

الْعَذابَ الْأَلِيمَ. أَللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَقَتَلَةَ أَنْصارِ

گردان. خداوندا قاتلان حسین بن علی 8 و قاتلان یاران آن حضرت را لعنت کن و آن‌ها را به حرارت

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، وَأَذِقْهُمْ بَأْسَكَ، وَضاعِفْ

آتش خود واصل گردان و عذاب خود را به آن‌ها بچشان و عذاب دردناک آنان را مضاعف گردان، و لعنت

عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَلِيمَ، وَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً. أَللَّهُمَّ احْلُلْ بِهِمْ نِقْمَتَكَ،

کن آنان را لعنتی شدید. خداوندا آن‌ها را گرفتار کیفر خود ساز و از جایی که به حساب نمی‌آورند آن‌ها

وَائْتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لايَحْتَسِبُونَ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لايَشْعُرُونَ، وَعَذِّبْهُمْ

را گرفتار کن و از جایی که به شعور آن‌ها نمی‌رسد آن‌ها را مؤاخذه کن و آن‌ها را عذاب کن عذاب

عَذاباً نُكْراً، وَالْعَنْ أَعْداءَ نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ لَعْناً وَبِيلاً. أَللَّهُمَّ الْعَنِ

سختی و دشمان پیامبرت و خاندان پیامبرت را لعنت کن لعنت سختی، خداوندا جبت و طاغوت و فراعنه

الْجِبْتَ وَالطّاغُوتَ وَالْفَراٰعِنَةَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(کسانی که فرعون صفت و متکبرند) را لعنت کن، که تو بر هر چیز توانا هستی.

و بگو: بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا أَبَا عَبْدِاللّهِ، إِلَيْكَ كانَتْ رِحْلَتي، مَعَ بُعْدِ

پدر و مادرم به فدای شما ای ابا عبد الله، به سوی شما بوده کوچ کردنم با دوری منزلگاهم

شُقَّتي، وَلَكَ فاضَتْ عَبْرَتي، وَعَلَيْكَ كانَ أَسَفي وَنَحيبي وَصُراٰخي

و برای شما اشک ریزانم و بر شما است تأسف من و آه و افسوس و فریاد من و سوز دل من، به سوی شما

وَزَفْرَتي وَشَهيقي، وَإِلَيْكَ كانَ مَجيئي، وَبِكَ أَسْتَتِرُ مِنْ عَظيمِ جُرْمي،

بوده آمدنم، و به سبب شما و واسطه شما نسبت به جرم بزرگ خود طلب پوشش می‌کنم. آمده‌ام نزد شما و

أَتَيْتُكَ واٰفِداً قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْري،

وارد شده‌ام در حالی که پشتم را سنگین ساخته‌ام،

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا سَيِّدي، بَكَيْتُكَ يا خِيَرَةَ اللّهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ، وَحَقٌّ

پدر و مادرم فدای شما ای سرور من، بر شما گریسته‌ام ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او، و

لي أَنْ أَبْكِيَكَ، وَقَدْ بَكَتْكَ السَّماٰواٰتُ وَالْاَرَضُونَ، وَالْجِباٰلُ وَالْبِحاٰرُ،

سزاوار است بر من که گریه کنم، بر تو آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها و دریاها گریسته‌اند، اگر من

فَماٰ عُذْري إِنْ لَمْ أَبْكِكَ، وَقَدْ بَكاٰكَ حَبيبُ رَبّي، وَبَكَتْكَ الْاَئِمَّةُ،

گریه نکنم چه عذری خواهم داشت، حبیب پروردگارم بر تو گریسته و ائمه طاهرین : بر تو

وَبَكاٰكَ مَنْ دُونَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ إِلَى الثَّرىٰ، جَزَعاً عَلَيْكَ.

گریسته‌اند و هر کس بین سدرة المنتهی و زمین است بر تو جزع نموده و گریسته‌اند.

سپس قبر را استلام کن یعنی دست بر آن بکش و بگو: اَلسَّلاٰمُ

سلام بر

عَلَيْكَ يا أَبَا عَبْدِاللّهِ، يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلاٰمُ

تو ای ابا عبد الله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجت او،

عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللّهِ وَأَمِينُهُ، بَلَّغْتَ

گواهی می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، از روی خیرخواهی تبلیغ نمودی و با امانت داری ادا

ناصِحاً، وَأَدَّيْتَ أَميناً، وَقُلْتَ صادِقاً، وَقُتِلْتَ صِدِّيقاً، فَمَضَيْتَ

نمودی، صادقانه گفتی و کشته شدی در حالی که صدیق بودی و از دنیا رفتی در حالی که شهید گشتی

شَهِيداً، وَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ

و در حالی که دارای یقین بودی نابینایی را بر هدایت ترجیح ندادی، و هرگز از حق به باطل میل

مِنْ حَقٍّ إِلىٰ باطِلٍ، وَلَمْ تُجِبْ إِلَّا اللَّهَ وَحْدَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ

نکردی و اجابت نکردی مگر خداوند را. و گواهی می‌دهم که تو از پرورگارت دلیل و برهان داری،

عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، بَلَّغْتَ ما أُمِرْتَ بِهِ، وَقُمْتَ بِحَقِّهِ، وَصَدَّقْتَ مَنْ

آنچه به آن امر شدی ابلاغ نمودی و به حق آن قیام کردی و کسانی را که پیش از تو بودند تصدیق فرمودی بدون اینکه

كانَ قَبْلَكَ غَيْرَ واهِنٍ وَلا مُوهِنٍ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً،

سستی کنی و یا ضعف و ناتوانی از خود نشان دهی، پس درود خدا و سلام و تحیت او بر تو باد. خداوند بهترین پاداشی

جَزاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً.

که به صدّیقی عنایت می‌کند به شما عنایت فرماید.

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهادَ مَعَكَ جِهادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ، وَأَنْتَ

شهادت می‌دهم که جهاد همراه شما جهاد است و حق با شما و به سوی شما است و شما

أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ، وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

اهل آن و معدن آن هستید و میراث نبوت نزد شما و اهل بیت شما است. و گواهی می‌دهم که

قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ بِالْحِكْمَةِ

شما ابلاغ نمودی و خیرخواهی کردی و وفا نمودی و در راه خدا با حکمت

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً

و پند و اندرز نیکو جهاد فرمودی و رفتی به همان راهی که بر آن بودی شهید و شهادت

وَمَشْهُوداً، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

طلب و شهادت داده شده، درود خدا و سلام او بر تو باد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ

گواهی می‌دهم که تو طهارت محض و پاک و مطهری، از طهارت محض و پاک و مطهر، پاکی و پاک

أَرْضٌ أَنْتَ بِها، وَطَهُرَ حَرَمُكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهِ

است زمینی که در آن آرمیده‌ای و پاک است حرم با صفایت، گواهی می‌دهم که تو به عدل و داد امر کردی

وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهِما، وَأَشْهَدُ أَنَّ أُمَّةً قَتَلَتْكَ أَشَرُّ خَلْقِ اللّهِ وَكَفَرَتُهُ،

و به آن فراخواندی، و گواهی می‌دهم که آن گروه که تو را کشتند بدترین خلق خدا و بدترین کافران

وَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى اللّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي، وَأَتَوَجَّهُ بِكَ

می‌باشند، و تو را شفیع خود گردانیده نزد خداوند، پروردگارت و پروردگارم جهت آمرزش گناهانم، و به

إِلَى اللّهِ فِي جَمِيعِ حَوائِجِي وَرَغْبَتِي فِي أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيايَ.

واسطه تو به سوی خدا روی آورده‌ام در جمیع حوائج و خواسته‌هایم در امر آخرت و دنیایم.

سپس گونه راست خود را بر قبر بگذار و بگو: أَللّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

خداوندا از تو می‌خواهم

بِحَقِّ هٰذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ، وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْقُبُورِ وَمَنْ أَسْكَنْتَها، أَنْ

به این قبر مبارک وکسی که در آن است وبه حق این قبور وکسانی که در آنها ساکن گردانیدی که

تَكْتُبَ إِسْمِي عِنْدَكَ فِي أَسْمائِهِمْ حَتّىٰ تُورِدَنِي مَوارِدَهُمْ، وَتَصْدُرَنِي

نام مرا در نزد خودت در نامهای آنان بنویسی تا مرا وارد کنی در محل ورود آنان، و خارج گردانی

مَصادِرَهُمْ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

از محلّ خروج آنان، که تو بر هر چیز توانایی.

و بگو: رَبِّ أَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي، وَقَطَعَتْ مَقالَتِي، فَلا حُجَّةَ لِي، وَ

پروردگارا گناهم مرا لال و خاموش گردانیده و گفتار مرا قطع کرده، پس حجّتی برای من

لاٰ عُذْرَ لي، فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِي، اَلْاَسِيرُ بِبَلِيَّتِي، اَلْمُرْتَهِنُ بِعَمَلِي، اَلْمُتَجَلِّدُ

نیست و عذری ندارم، و من به گناهم اقرار دارم به بلای خود اسیر و در گرو عمل خویش هستم، در خطایم

فِي خَطِيئَتِي، اَلْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي، اَلْمُنْقَطَعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي يٰا

صلابت و سختی به خرج دادم، از مقصد اصلی سرگردان شده و راه بر من بریده شده و در راه مانده‌ام خود را

رَبِّ مَوْقِفَ الْاَشْقِياٰءِ الْاَذِلّاٰءِ الْمُذْنِبِينَ، الْمُجْتَرِئِينَ عَلَيْكَ، اَلْمُسْتَخِفِّينَ

در جایگاه بدبختان خواران گنه‌کار واداشته‌ام که بر تو گستاخی نموده‌اند، آنانکه وعده عذاب و کیفر تو را

بِوَعِيدِكَ، يٰا سُبْحاٰنَكَ، أَيَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيَّ تَغْرِيرٍ غَرَرْتُ

سبک شمرده‌اند، پاک و منزهی، با کدام جرأت بر تو گستاخی نمودم، به کدام فریب خود را فریب دادم، کدام

بِنَفْسِي، وَأَيُّ سَكْرَةٍ أَوْبَقَتْنِي، وَأَيُّ غَفْلَةٍ أَعْطَبَتْنِي، مٰا كاٰنَ أَقْبَحَ

سرمستی مرا به هلاکت انداخت، و کدام غفلت و بی خبری مرا نابود ساخت چه قدر قبیح و زشت است بدی

سُوءَ نَظَرِي، وَأَوْحَشَ فِعْلِي.

نظر من و چه قدر وحشتناک است کردار من.

يٰا سَيِّدِي، فَارْحَمْ كَبْوَتِي لِحَرِّ وَجْهِي، وَزِلَّةَ قَدَمِي وَتَعْفِيرِي فِي

ای سرور من، بر افتادنم با تمام صورتم و بر لغزش پایم و بر گونه‌ام را بر خاک

التُّرٰابِ خَدِّي وَنَدٰامَتِي عَلىٰ مٰا فَرَّطَ مِنِّي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَارْحَمْ

مالیدن و بر ندامت و پشیمانی‌ام بر کوتاهی نمودنم رحم کن، از لغزشهایم درگذر و بر ناله

صَرْخَتِي وَعَبْرَتِي، وَاقْبَلْ مَعْذِرَتِي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلِي،

و اشک دیدگانم ترحم فرما، و عذرخواهی مرا بپذیر، به حلم و بردباریت بر نادانی‌ام،

وَبِإِحْسٰانِكَ عَلىٰ خَطِيئٰاتِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَيَّ.

و به احسانت بر خطاهای من و به عفوت بر من مرا ببخش.

رَبِّ أَشْكُو إِلَيْكَ قَسٰاوَةَ قَلْبِي، وَضَعْفَ عَمَلِي، فَامْنَحْ بِمَسْأَلَتِي،

پروردگارا به تو شکایت می‌کنم از قساوت قلبم و ناتوانی عملم، پس عطا کن بر من به درخواستم،

فَأَنَـا الْمُقِـرُّ بِذَنْبِـي، اَلْمُعْتَـرِفُ بِخَطِيئَتِـي، وَ هٰـذِهِ يَـدِي وَنٰاصِيَتِـي،

که من به گناهم اقرار دارم و به خطای خود معترفم، و این دست و موی جلو سر من است و من خود

أَسْـتَكِينُ لَـكَ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِـي، فَاقْبَـلْ تَوْبَتِـي، وَنَفِّسْ كُرْبَتِـي، وَارْحَمْ

را برای قصاص تسلیم نموده‌ام، پس توبه مرا بپذیر و اندوهم را برطرف کن و به خشوع و خضوعم و دل

خُشُـوعِي وَخُضُوعِـي وَانْقِطٰاعِـي إِلَيْـكَ. سَـيِّدِي وٰا أَسَـفٰا عَلىٰ مـٰا كٰانَ

بریدنم از غیر و روی آوردنم به تو به من رحم کن. آقای من بسی تأسف می‌خورم بر آنچه سرزده از من،

مِنِّـي، وَتَضَرُّعِـي وَتَعْفِيـري فـي تُرٰابِ قَبْـرِ ابْـنِ نَبِيِّكَ بَيْـنَ يَدَيْـكَ، فَأَنْتَ

ناله و زاری می‌کنم و در پیشگاهت در خاک قبر پسر پیامبرت خود را خاک آلوده نموده‌ام، تو امید من

رَجٰائِـي وَظَهْـرِي، وَعُدَّتِـي وَمُعْتَمَـدِي، لٰا إِلٰـهَ إِلّٰا أَنْـتَ.

و پشتیبان من و همهٔ دار و ندار من و تکیه گاه من هستی، معبودی جز تو نیست.

سپس سی و پنج مرتبه تکبیر بگو.

و آنگاه دست‌های خود را بلند کن و بگو:

إِلَيْـكَ يـٰا رَبِّ صَمَـدْتُ مِنْ أَرْضِـي، وَإِلَى ابْـنِ نَبِيِّكَ قَطَعْـتُ الْبِلاٰدَ،

پروردگارا از سرزمین خود به سوی تو قصد نمودم و به سوی پسر پیامبرت شهرها را پیمودم، به‌امید

رَجـٰاءً لِلْمَغْفِـرَةِ، فَكُـنْ لي يـٰا وَلِيَّ اللّٰهِ سَـكَناً وَشَـفِيعاً، وَكُنْ بـي رَحِيماً،

آمرزش گناهانم آمدم، پس بوده باش برای من ای ولی خدا آرامش دهنده و شفیع و نسبت به من مهربان باش

وَكُـنْ لـي مَنْجـاً[1] يَـوْمَ لٰا تَنْفَـعُ الشَّـفٰاعَةُ إِلاّٰ لِمَـنِ ارْتَضـىٰ، يَـوْمَ لٰاتَنْفَعُ

و مرا نجات بده روزی که نفعی نمی‌بخشد شفاعت مگر برای کسی که مورد رضایت پروردگار باشد روزی

شَـفٰاعَةُ الشّـٰافِعِينَ، وَيَـوْمَ يَقُـولُ أَهْـلُ الضَّلاٰلَةِ، (فَمـٰا لَنٰا مِنْ شـٰافِعِينَ

که شفاعتِ شفاعت کنندگان سودی نخواهد داشت، و روزی که اهل ضلالت و گمراهی می‌گویند: «برای ما

* وَلاٰ صَدِيـقٍ حَمِيـمٍ)[2]، فَكُـنْ يَوْمَئِـذٍ فـي مَقٰامِـي بَيْـنَ يَـدَيْ رَبِّـي لِي

نه شفاعت کننده‌ای است و نه دوست صمیمی» در آن روز که در پیشگاه ربوبی ایستاده‌ام برای من نجات

۱. «مُمنِحاً»، خ.

۲. سورهٔ شعرا، آیه ۱۰۰ و۱۰۱.

مُنْقِـذاً، فَقَـدْ عَظُـمَ جُرْمِـي إِذَا ارْتَعَـدَتْ فَرَائِصِي، وَأُخِـذَ بِسَـمْعِي، وَأَنَا

دهنده باش، جُرم من بسیار بزرگ است، بندهای بدنم بلرزد، گوش من گرفته شود و من سرافکنده باشم

مُنَكِّسٌ رَأْسِـي بِمـا قَدَّمْـتُ مِـنْ سُـوءِ عَمَلِـي، وَأَنَـا عـارٍ كَمـا وَلَدَتْنِـي

به خاطر بدی رفتارم که پیش فرستاده‌ام، و من برهنه و عریان مانند روزی که مادر مرا به دنیا آورده باشم

أُمِّـي، وَرَبِّـي يَسْـأَلُنِي، فَكُـنْ لِـي شَـفِيعاً وَمُنْقِـذاً، فَقَـدْ أَعْدَدْتُـكَ لِيَوْمِ

و پروردگارم از من سؤال می‌کند، تو در آن هنگام شفیع من و نجات دهنده من باش، من تو را برای

حاجَتِـي، وَيَـوْمِ فَقْـرِي وَفاقَتِي.

روز نیازم و فقر و تهی دستی‌ام مهیّا نموده‌ام.

سـپس گونـه چـپ خود را بـر روی قبر بگذار و بگـو: أَللَّهُمَّ ارْحَـمْ تَضَرُّعِي

خداوندا بر ناله و زاری من بر

فِـي تُـرابِ قَبْـرِ ابْـنِ نَبِيِّـكَ، فَإِنِّـي فِـي مَوْضِـعِ رَحْمَـةٍ يـا رَبِّ.

روی خاک قبر پسر پیامبرت رحم کن، که من در جایگاه رحمت قرار گرفته‌ام ای پروردگار من.

وبگـو: بِأَبـي أَنْـتَ وَأُمِّـي يَابْـنَ رَسُـولِ اللّهِ، صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْـكَ، إِنِّي

پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا، درود خداوند بر شما باد، همانا من به سوی خدا بیزاری

أَبْـرَأُ إِلَـى اللّهِ مِـنْ قاتِلِكَ وَمِنْ سـالِبِكَ، يا لَيْتَنِـي كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُـوزَ فَوْزاً

می‌جویم از قاتل تو و آنکه جامه از تنت ربود، ای کاش با تو بودم و به رستگاری عظیمی می‌رسیدم، خون قلبم را

عَظِيمـاً، وَأَبْـذُلُ مُهْجَتِـي فِيـكَ، وَأَقِيكَ بِنَفْسِـي، وَكُنْـتُ فِيمَنْ أَقـامَ بَيْنَ

در راه تو بذل می‌نمودم و تو را به جان خود حفظ می‌نمودم واز کسانی بودم که در پیشگاه تو به پا خاستند و از تو

يَدَيْـكَ حَتّىٰ يُسْـفَكَ دَمي مَعَكَ، فَأَظْفُرَ مَعَكَ بِالسَّـعادَةِ وَالْفَـوْزِ بِالْجَنَّةِ.

حمایت کردند تا خونم به همراه تو بر زمین ریخته می‌شد و به همراه تو به سعادت ابدی و بهشت جاوید راه می‌یافتم.

وبگـو: لَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ رَمـاكَ، لَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ طَعَنَكَ، لَعَـنَ اللَّـهُ مَنِ

خدا لعنت کند کسی را که تیر به طرف تو رها کرد، خدا لعنت کند کسی را که بر تو نیزه زد،

اجْتَزَّ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَمَلَ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ نَكَتَ

خدا لعنت کند کسی را که سر مقدس تو را برید، خدا لعنت کند کسی که سر مقدس تو را با خود حمل نمود، خدا

بِقَضِيبِهِ بَيْنَ ثَنايَاكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَبْكىٰ نِساءَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَيْتَمَ

لعنت کند کسی را که با چوب بر لب و دندان تو زد، خدا لعنت کند کسی را که زنان تو را گریاند، خدا لعنت

أَوْلادَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعانَ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سارَ إِلَيْكَ، لَعَنَ

کند کسی را که فرزندان تو را یتیم نمود، خدا لعنت کند کسی را که علیه تو یاری نمود، خدا لعنت کند کسی را

اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ ماءِ الْفُراتِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَشَّكَ وَخَلّاكَ، لَعَنَ

که برای جنگ با تو به سوی تو آمد، خدا لعنت کند کسی را که تو را از آب فرات مانع گردید، خدا لعنت کند

اللَّهُ مَنْ سَمِعَ صَوْتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ، لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ آكِلَةِ الْأَكْبادِ،

کسی را که نیرنگ زد و تو را رها کرد، خدا لعنت کند کسی را که صدایت را شنید و پاسخ نداد، خدا لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَهُ وَأَعْوانَهُ وَأَتْباعَهُ وَأَنْصارَهُ وَابْنَ سُمَيَّةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

پسر خورنده جگرها را، خدا لعنت کند پسر او و همه مددکاران و پیروان و یاران او را و فرزند سمیّه را. و خدا

جَمِيعَ قاتِلِيكَ، وَقاتِلِي أَبِيكَ، وَمَنْ أَعانَ عَلىٰ قَتْلِكُمْ، وَحَشَا اللَّهُ

لعنت کند همهٔ قاتلان تو را و قاتلان پدرت را و همه کسانی را که کمک کردند در قتل شما، و خدا پر کند درون

أَجْوافَهُمْ وَبُطُونَهُمْ وَقُبُورَهُمْ ناراً، وَعَذَّبَهُمْ عَذاباً أَلِيماً.

آن‌ها و شکم‌های آنان و قبرهای آنان را از آتش، و عذاب کند آن‌ها را عذاب شدید دردناکی.

سپس در قسمت سر مبارک هزار مرتبه تسبیح امیرالمؤمنین 7 را بگو و اگر دوست داشتی به محل پای مبارک برو و دعا کن به آنچه برایت شرح دادم، سپس دور بزن از طرف پایین پا به قسمت سر مبارک، و پس از فراغت از نماز تسبیح بگو به این تسبیح:

سُبْحانَ مَنْ لا تَبِيدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ مَنْ لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ،

پاک و منزه است خدایی که نشانه‌های او کهنه و فرسوده نمی‌شود، پاک و منزه است او که خزائنش کاستی پیدا

سُبْحانَ مَنْ لَا انْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبْحانَ

نمی‌کند، منزه است او که پایانی برای مدت (سلطنت) او نیست، پاک و منزه است او که آنچه نزدش می‌باشد تمام

مَنْ لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يُشاوِرُ أَحَداً فِي أَمْرِهِ،

نمی‌شود، منزه است او که فخرش نابود نمی‌گردد، منزه است او که در فرمانروایی اش با هیچ کس مشورت نمی‌کند،

سُبْحانَ مَنْ لا إِلَهَ غَيْرُهُ.

پاک و منزه است او که معبودی غیر او نیست.

سپس به طرف پاهای مبارک برو و دستت را بر قبر مطهر بگذار و بگو:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ» (سه مرتبه)، صَبَرْتَ وَأَنْتَ

درود خدا بر تو باد ای ابا عبد الله — صبر کردی و تو

الصّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ بِالْأَيْدي وَالْأَلْسُنِ.

راستگو و تصدیق شده‌ای، خدا لعنت کند کسانی را که شما را با دست و زبان خود کشتند.

و بگو: أَللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْباب، صَرِيخَ الْأَخْيَارِ، إِنِّي عُذْتُ مَعاذاً فَفُكَ

خداوندا ای مالک مالک‌ها، فریادرس نیکان، من پناه آورده‌ام، مرا از آتش دوزخ

رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، جِئْتُكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهُ وافِداً إِلَيْكَ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللّهِ

رهایی بخش، آمدم کوچ کننده به سوی تو ای پسر رسول خدا، به خدا در تمام نیازمندی‌هایم

فِي جَمِيعِ حَوائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتي وَدُنْيايَ، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ

چه در امر آخرت و چه دنیایم متوسلم، و به وسیله تو اهل توسل در جمیع نیازمندی‌هایشان

إِلَى اللّهِ فِي جَمِيعِ حَوائِجِهِمْ، وَبِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ الثَّوابِ مِنْ عِبادِ اللّهِ

به خدا متوسل می‌شوند، و به وسیله تو اهل ثواب از بندگان خدا خواسته خود را دریافت می‌نمایند، از

طَلِبَتَهُمْ، أَسْأَلُ وَلِيَّكَ وَوَلِيَّنا، أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكَ، اَلصَّلاةَ

ولی تو و ولی خود درخواست می‌کنم که قرار دهد بهره مرا از زیارتت درود و رحمت بر محمّد و آل

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنٰا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ،

محمّد و مغفرت و آمرزش برای گناهانم، خداوندا قرار بده مرا از کسانی که آن‌ها را یاری می‌نمایی و

وَتَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ.

دینت را به وسیله آن‌ها یاری می‌نمایی در دنیا و آخرت.

سپس صورتت را بر قبر بگذار و بگو: أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، إِشْفِ صَدْرَ

خداوندا ای پروردگار حسین، شفا بده سینه

الْحُسَيْنِ. أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، أُطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ. أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ،

حسین 7 را، خداوندا ای پروردگار حسین، طلب کن خون حسین 7 را، خداوندا ای پروردگار حسین، از کسی

اِنْتَقِمْ مِمَّنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ. أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، اِنْتَقِمْ مِمَّنْ خٰالَفَ

که به قتل حسین 7 راضی است انتقام بگیر، خداوندا ای پروردگار حسین، از کسی که مخالفت نمود با حسین 7

الْحُسَيْنَ. أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، اِنْتَقِمْ مِمَّنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ.

انتقام بگیر. خداوندا ای پروردگار حسین، از کسی که به قتل حسین 7 شاد گردید انتقام بگیر.

و تضرّع و زاری کن به درگاه ربوبی در لعن بر قاتل امام حسین 7 و امیرالمؤمنین 7 ، و در پایین پای مبارک هزار مرتبه تسبیح حضرت زهرا 3 بگو و اگر نمی‌توانی صد مرتبه بگو، سپس بگو:

سُبْحٰانَ ذِي الْعِزِّ الشّٰامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحٰانَ ذِي الْجَلاٰلِ وَالْإِكْرٰامِ

منزّه است خداوندی که دارای عزّتی ارجمند و مقامی رفیع است، منزّه است خداوندی که صاحب

الْفٰاخِرِ الْعَظِيمِ [الْعَمِيمِ]، سُبْحٰانَ ذِي الْمُلْكِ الْفٰاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحٰانَ

بزرگی و بزرگواری ارزشمند عظیم است. منزّه است خداوندی که صاحب سلطنت برازنده ازلی است، منزّه

ذِي الْمُلْكِ الْفٰاخِرِ الْعَظِيمِ. سُبْحٰانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْجَمٰالَ، سُبْحٰانَ

است خداوندی که دارای پادشاهی پرافتخار عظیم است. منزّه است خداوندی که لباس عزّت و جمال پوشید،

مَنْ تَرَدّیٰ بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ یَریٰ أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا،

منزه است خدایی که ردای روشنایی و وقار پوشید. منزه است خداوندی که اثر مورچه را بر سنگ

وَخَفَقانَ الطَّیْرِ فِي الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰکَذا وَلا هٰکَذا غَیْرُهُ.

صاف و پریدن پرنده را در آسمان می‌بیند. منزه است خداوندی که چنین است و غیر او چنین نیست.

سپس به طرف قبر حضرت علی بن الحسین 8 برو و آن پایین پای حضرت سید الشهداء 7 است وقتی در آنجا ایستادی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّهِ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، وَابْنَ خَلِیفَةِ

سلام بر تو ای پسر رسول خدا و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، ای پسر جانشنین

رَسُولِ اللّهِ، وَابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللّهِ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، مُضاعَفَةً

رسول خدا، وای پسر دختر رسول خدا، رحمت خدا و برکات او بر تو باد. رحمتی مضاعف

کُلَّما طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلیٰ رُوحِکَ وَبَدَنِکَ.

هرگاه خورشید طلوع کند و یا غروب نماید، سلام بر تو و بر روح و روان و پیکر پاک تو.

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ مِنْ غَیْرِ جُرْمٍ، بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي

پدر و مادرم به فدای تو ای ذبح شده و کشته شده بدون هیچ جرم وگناه، پدر و مادرم به فدای تو، خون تو بالا

دَمَکَ الْمُرْتَقیٰ بِهِ إِلیٰ حَبیبِ اللّهِ، بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي مِنْ مُقَدَّمٍ بَیْنَ

برده شد به سوی حبیب خدا، پدر و مادرم به فدای تو که پیشاپیش پدر و در مقابل دیدگان او به میدان رفتی و او

یَدَيْ أَبیکَ، یَحْتَسِبُکَ وَیَبْکي عَلَیْکَ، مُحْتَرِقاً عَلَیْکَ قَلْبُهُ، یَرْفَعُ دَمَکَ

تو را به حساب خدا گذاشت. و بر تو می‌گریست درحالی که قلب نازنین او بر تو می‌سوخت. خون مقدس تو را

بِکَفِّهِ إِلیٰ أَعْنانِ السَّماءِ، لا یَرْجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ، وَلا تَسْکُنُ عَلَیْکَ مِنْ

در کف گرفته و به طرف آسمان می‌پاشید و قطره‌ای از آن بر نمی‌گشت و شعله‌های سوزان قلب پدر بر تو آرام

أَبیکَ زَفْرَةٌ، وَدَّعَکَ لِلْفِراقِ، فَمَکانُکُما عِنْدَ اللّهِ مَعَ آبائِکَ الْماضِینَ،

نمی‌گرفت و برای فراق با تو وداع نمود، جایگاه شما نزد خداوند با پدران گذشته‌ات و مادران بزرگوارت در بهشت

وَمَـعَ أُمَّهٰاتِـكَ فِـي الْجِنٰانِ مُنَّعَمِيـنَ، أَبْرَأُ إِلَـى اللّٰهِ مِمَّنْ قَتَلَـكَ وَذَبَحَكَ.

است در حالی که متنعّم هستید، به سوی خدا بیزاری می‌جویم از کسانی که تو را کشتند و بی رحمانه ذبح نمودند.

سپس خود را بر قبر بیفکن و [دو] دست خود را بر آن بگذار و بگو:

سَـلاٰمُ اللّٰـهِ وَسَـلاٰمُ مَلاٰئِكَتِـهِ الْمُقَرَّبِيـنَ وَأَنْبِيٰائِـهِ الْمُرْسَـلِينَ، وَعِبٰادِهِ

سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب او و پیامبران مرسل او و بندگان صالح و شایسته‌اش

الصّالِحِيـنَ، عَلَيْـكَ يٰا مَـوْلاٰيَ وَابْنَ مَـوْلاٰيَ، وَرَحْمَةُ اللّٰـهِ وَبَرَكٰاتُهُ، صَلَّى

بر تو ای مولای من و پسر مولای من و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، درود خدا

اللّٰـهُ عَلَيْـكَ، وَعَلـىٰ عِتْرَتِكَ وَأَهْـلِ بَيْتِـكَ، وَآبٰائِـكَ وَأَبْنٰائِـكَ وَأُمَّهٰاتِكَ،

بر تو و بر عترت و اهل بیت تو و پدران و مادران و فرزندان اخیار و نیکوکارت

اَلْاَخْيـٰارِ الْاَبْـرٰارِ، الَّذِيـنَ أَذْهَبَ اللّٰـهُ عَنْهُمُ الرِّجْـسَ، وَطَهَّرَهُـمْ تَطْهِيراً.

آنانکه خداوند هر گونه رجس و پلیدی را از آن‌ها دور ساخته و آنان را از هر جهت پاک و پاکیزه قرار داده است.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّٰـهِ وَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ الْحُسَـيْنِ

سلام بر تو ای پسر رسول خدا و ای پسر امیرالمؤمنین و ای پسر حسین بن علی،

بْـنِ عَلِـيٍّ، وَرَحْمَـةُ اللّٰـهِ وَبَرَكٰاتُـهُ، لَعَـنَ اللّٰـهُ قٰاتِلَـكَ، وَلَعَـنَ اللّٰـهُ مَـنِ

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. خدا لعنت کند قاتل شما را، و خدا لعنت کند کسی را که حق شما را

اسْـتَخَفَّ بِحَقِّكُـمْ وَقَتَلَكُـمْ، لَعَـنَ اللّٰـهُ مَـنْ بَقِـيَ مِنْهُـمْ وَمَـنْ مَضـىٰ.

کوچک شمرد و شما را به قتل رسانید، خدا لعنت کند کسانی را که از آن‌ها باقی مانده و کسانی که در گذشته‌اند،

نَفْسِـي فِداٰؤُكُـمْ وَلِمَضْجَعِكُمْ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمْ، وَسَـلَّمَ تَسْـلِيماً كَثِيراً.

جانم فدای شما و قبر مطهر شما، درود و سلام خدا بر شما.

سـپس گونـه خـود را بـر قبـر بگـذار و بگـو: «صَلَّـى اللّٰـهُ عَلَيْـكَ يـٰا

درود خدا بر تو ای

أَبَا الْحَسَـنِ» (سـه مرتبـه)، بِأَبـي أَنْـتَ وَأُمّـي، أَتَيْتُكَ زائِـراً وافِـداً عائِذاً

ابا الحسن» پدر و مادرم به فدای شما، نزد تو آمدم در حالی که زائر

مِمّـا جَنَيْـتُ عَلـىٰ نَفْسِـي، وَاحْتَطَبْـتُ عَلىٰ ظَهْـرِي، أَسْـأَلُ اللّـهَ وَلِيَّكَ

و مسافر بوده. پناه برنده از آنچه بر نفس خود ظلم و جنایت نموده و پشتم از بار آن خمیده، از خدا

وَوَلِيّـي، أَنْ يَجْعَـلَ حَظّـي مِـنْ زِيارَتِـكَ عِتْـقَ رَقَبَتِي مِـنَ النّارِ.

ولی تو و ولی خودم می‌خواهم که بهره مرا از زیارتت رهایی من از آتش قرار دهد.

و دعا می‌کنی به آنچه دوست داری،

سپس دور می‌زنی از پشت سر امام حسین 7 و به قسمت بالای سر می‌آیی، در آنجا دو رکعت نماز می‌خوانی، در رکعت اول سورهٔ حمد و یس و در رکعت دوم سورهٔ حمد و الرحمن، و اگر خواستی پشت قبر نماز را می‌خوانی ولی در قسمت بالای سر بهتر است، و وقتی از آن فارغ شدی آنچه می‌خواهی نماز بخوان، ولی دو رکعت نماز زیارت در نزد هر قبری لازم است.

وقتی از نماز فارغ شدی دو دست خود را بلند کن و بگو:

أَللّهُـمَّ إِنّا أَتَيْناهُ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسَـلِّمِينَ لَـهُ، مُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِـهِ، عارِفِينَ

خداوندا ما نزد او آمده‌ایم در حالی که به او ایمان داریم و تسلیم او هستیم و به حبل ولایتش چنگ

بِحَقِّـهِ، مُقِرِّيـنَ بِفَضْلِـهِ، مُسْـتَبْصِرِينَ بِضَلالَـةِ مَـنْ خالَفَـهُ، عارِفِيـنَ

زده‌ایم و به حق او معرفت داریم و به فضل او اقرار داریم و به گمراهی مخالفین او آگاهیم و به هدایتی

بِالْهُـدَى الَّـذي هُـوَ عَلَيْهِ.

که حضرتش بر آن است عارفیم.

أَللّهُـمَّ إِنِّـي أُشْـهِدُكَ، وَأُشْـهِدُ مَـنْ حَضَـرَ مِـنْ مَلائِكَتِـكَ، إِنِّـي بِهِمْ

خداوندا تو را گواه می‌گیرم و کسانی که از فرشتگانت حاضرند گواه می‌گیرم که من

مُؤْمِنٌ، وَإِنِّي بِمَنْ قَتَلَهُمْ كافِرٌ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْ لِمٰا أَقُولُ بِلِسٰانِي حَقِيقَةً

به آن‌ها مؤمنم و نسبت به قاتلان آنان کافرم. خداوندا آن‌چه را به زبان می‌گویم حقیقتی

فِي قَلْبِي، وَشَرِيعَةً فِي عَمَلِي. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ

در قلب من و شریعتی در عملم قرار بده و مرا از کسانی که به همراه امام حسین 7 ثابت

ابْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثابِتٌ، وَأَثْبِتْنِي فِيمَنِ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ.

قدم ماندند و با گامی استوار شهادت را طلبیدند قرار بده.

أَللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ كُفْراً، سُبْحٰانَكَ يٰا حَلِيمُ عَمّا

خداوندا لعنت کن کسانی را که نعمت تورا بدل به کفر نمودند، پاک و منزهی تو ای

يَعْمَلُ الظّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، تَبٰارَكْتَ وَتَعٰالَيْتَ يٰا عَظِيمُ، تَرىٰ عَظِيمَ

بردبار از آنچه ستمگران در زمین انجام می‌دهند. بلندمرتبه و والایی ای عظیم، جرم بزرگ را از

الْجُرْمِ مِنْ عِبٰادِكَ، فَلاٰتَعْجَلْ عَلَيْهِمْ، تَعٰالَيْتَ يٰا كَرِيمُ.

بندگانت می‌بینی و به کیفر آنان شتاب نمی‌نمایی، والا مرتبه‌ای ای بزرگوار.

أَنْتَ شاهِدٌ غَيْرُ غائِبٍ، وَعالِمٌ بِمٰا أُوتِيَ إِلىٰ أَهْلِ صَفْوَتِكَ،

تو حضور داری و غایب نیستی و آگاهی به آنچه نسبت به برگزیدگانت و دوستانت انجام دادند

وَأَحِبّائِكَ مِنَ الْأَمْرِ، الَّذِي لاٰتَحْمِلُهُ سَمٰاءٌ وَلاٰ أَرْضٌ، وَلَوْ شِئْتَ

از امری که آن را آسمان و زمین تحمل نمی‌کنند و اگر می‌خواستی انتقام می‌گرفتی از آنان، ولی تو صبور و

لَانْتَقَمْتَ مِنْهُمْ، وَلَكِنَّكَ ذُو أَنٰاةٍ، وَقَدْ أَمْهَلْتَ الَّذِينَ اجْتَرَءُوا عَلَيْكَ

پر حوصله‌ای، کسانی را که بر تو گستاخی نمودند و بر رسول تو و حبیبت، بر روی زمین خود ساکن

وَعَلىٰ رَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ، فَأَسْكَنْتَهُمْ أَرْضَكَ، وَغَذَوْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ،

گردانیدی، و به نعمت خود به آن‌ها غذا دادی تا اجلی که به آن برسند و وقتی که آن‌ها به سوی آن

إِلىٰ أَجَلٍ هُمْ بٰالِغُوهُ، وَوَقْتٍ هُمْ صائِرُونَ إِلَيْهِ، لِيَسْتَكْمِلُوا الْعَمَلَ

می‌روند تا عملی را که مقدر فرموده‌ای تکمیل کنند و مقداری که مهلت داده شده‌اند به پایان رسد

الَّذِي قَدَّرْتَ، وَالْاَجَلَ الَّذِي أَجَّلْتَ، لِتُخَلِّدَهُمْ فِي مَحَطٍّ وَوِثاقٍ،

تا آنها را مخلّد گردانی در طبقات پایین و در زیر زنجیرهای آتشین در آتش دوزخ و آب داغ و مایعی متعفّن (که از چرک

وَنارِ جَهَنَّمَ وَحَمِيمٍ وَغَسّاقٍ، وَالضَّرِيعِ وَالْاِحْراقِ، وَالْاَغْلالِ

و عرق اهل دوزخ روان است)، و ضریع (گیاهی که دارای تیغهای بسیار است) و سوختن و غلها و زنجیرها و غسلین (که

وَالْاَوْثاقِ، وَغِسْلِينٍ وَزَقُّومٍ وَصَدِيدٍ، مَعَ طُولِ الْمُقامِ فِي أَيّامِ

چرکی است که از ابدان اهل آتش شسته و ریخته و جاری می‌گردد) و زقّوم و صدید (که آب جوشان و یا آب زخمها

لَظىٰ وَفِي سَقَرَ، اَلَّتِي لاتُبْقِي وَلاتَذَرُ، وَفِي الْحَمِيمِ وَالْجَحِيمِ.

است) درحالی که اقامت آنها در دوزخ طولانی وشعله‌های آن از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و در آبی داغ و جهنّمی سوزان.

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: **يا سَيِّدِي، أَتَيْتُكَ زائِراً، مُوقِراً**

ای سرور من، با بار

بِالذُّنُوبِ، أَتَقَرَّبُ إِلىٰ رَبِّي بِوُفُودِي إِلَيْكَ، وَبُكائي عَلَيْكَ، وَعَوِيلي

سنگینی از گناه به زیارت تو آمده‌ام، به خدا تقرّب می‌جویم با کوچ کردنم به سوی تو و

وَحَسْرَتي، وَأَسَفِي وَبُكائِي، وَما أَخافُ عَلىٰ نَفْسِي، رَجاءَ أَنْ تَكُونَ

گریه‌ام بر تو و ناله و حسرت و تأسفم و گریه‌ام، و نمی‌ترسم بر خودم به امید اینکه تو

لِي حِجاباً، وَسَنَداً وَكَهْفاً، وَحِرْزاً وَشافِعاً، وَوِقايَةً مِنَ النّارِ غَداً،

برای من حجاب و تکیه‌گاه و پناهگاه و جایگاه امن و شفیع و سپری در برابر آتش باشی فردای قیامت.

وَأَنا مِنْ مَوالِيكُمُ الَّذِينَ أُعادِي عَدُوَّكُمْ، وَأُوالِي وَلِيَّكُمْ، عَلىٰ ذَلِكَ

و من از موالیان و ارادتمندان شما هستم که با دشمنان شما دشمن و با دوستان شما دوست هستم بر این

أَحْيىٰ، وَعَلىٰ ذَلِكَ أَمُوتُ، وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شاءَ اللَّهُ تَعالىٰ،

عقیده زنده‌ام و می‌میرم و بر همین عقیده بر انگیخته می‌شوم اگر خداوند بلند مرتبه بخواهد.

وَقَدْ أَشْخَصْتُ بَدَنِي، وَوَدَّعْتُ أَهْلِي، وَبَعُدْتُ شُقَّتِي، وَأُؤَمِّلُ فِي

بدنم را به تعب افکنده، با اهل و عیالم وداع نموده، از منزلگاهم دور شده و در جوار



قُرْبِكُمُ النَّجاةَ، وَأَرْجُو فِي أَيّامِكُمُ الْكَرَّةَ، وَأَطْمَعُ فِي النَّظَرِ إِلَيْكُمْ،

شما آرزوی نجات دارم و امید دارم در ایام حکومت شما بازگشت را، و طمع دارم که به شما

وَإِلىٰ مَكانِكُمْ غَداً، فِي جَنّاتِ رَبّي، مَعَ آبائِكُمُ الْماضِينَ.

و جایگاه والای شما در بهشت پروردگارم به همراه پدران گذشته شما بنگرم.

و می‌گویی: يا أَبا عَبْدِاللّهِ، يا حُسَيْنَ بْنَ رَسُولِ اللّهِ، جِئْتُكَ

ای ابا عبد الله، ای حسین، ای پسر رسول خدا، آمده‌ام

مُسْتَشْفِعاً بِكَ إِلَى اللّهِ.

تو را شفیع نزد خدا قرار دهم،

أَللّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِوَلَدِ حَبِيبِكَ، وَبِالْمَلائِكَةِ الَّذِينَ يَضِجُّونَ

خداوندا همانا من شفیع خود به سوی تو قرار دادم فرزند حبیب تو را، فرشتگانی را که بر او

عَلَيْهِ، وَيَبْكُونَ وَيَصْرُخُونَ، لا يَفْتُرُونَ وَلا يَسْأَمُونَ، وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِكَ

ضجّه می‌زنند و گریه می‌کنند و فریاد می‌زنند، سستی نمی‌کنند و خسته نمی‌شوند و آن‌ها از خشیت تو

مُشْفِقُونَ، وَمِنْ عَذابِكَ حَذِرُونَ، لا تُغَيِّرُهُمُ الْأَيّامُ، وَلا يَنْهَزِمُونَ مِنْ

بیمناکند و از عذاب تو حذر می‌نمایند، روزها آنان را تغییر نمی‌دهد و از طرف حیر (حرم امام حسین 7)

نَواحِي الْحَيْرِ يَشْهَقُونَ، وَسَيِّدُهُمْ يَرىٰ ما يَصْنَعُونَ، وَما فِيهِ يَتَقَلَّبُونَ،

نمی‌گریزند و پیوسته فریاد می‌زنند و سرور و آقای آنان آنچه آنها انجام می‌دهند و حرکاتشان را می‌بیند، دیدگان

قَدِ انْهَمَلَتْ مِنْهُمُ الْعُيُونُ فَلا تَرْقَأُ، وَاشْتَدَّ مِنْهُمُ الْحَزَنُ بِحُرْقَةٍ لا تُطْفىٰ.

آنان به طور متصل اشکبار است و خشک نمی‌گردد و حزن ایشان شدید است به آتشی که خاموش نمی‌شود.

سپس دو دست خود را بلند کن و بگو: أَللّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مَسْأَلَةَ

خداوندا از تو درخواست

الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ، الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ، الَّذي لَمْ يُرِدْ بِمَسْأَلَتِهِ غَيْرَكَ،

می‌کنم درخواست فقیر بی نوای ناتوان ذلیلی که از غیر تو هرگز درخواست نمی‌کند،

فَإِنْ لَمْ تُدْرِكْهُ رَحْمَتُكَ عَطِبَ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُدارِكَنِي بِلُطْفٍ مِنْكَ،

اگر رحمت تو او را درنیابد هلاک می‌گردد، از تو می‌خواهم که به لطف خود مرا دریابی، و تو کسی

وَأَنْتَ الَّذي لا يَخِيبُ سائِلُكَ، وَتُعْطِي الْمَغْفِرَةَ، وَتَغْفِرُ الذُّنُوبَ،

هستی که سائل را نا امید نمی‌گردانی، مغفرت را عطا می‌کنی و گناهان را می‌آمرزی، پس نباشم ای

فَلا أَكُونَنَّ يا سَيِّدِي أَنَا أَهْوَنَ خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَلا أَكُونُ أَهْوَنَ مَنْ وَفَدَ

آقای من از خوارترین خلق تو نزد تو و نباشم از پست ترین کسانی که به سوی تو کوچ کرده و روی

إِلَيْكَ بِابْنِ حَبِيبِكَ، فَإِنِّي أَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ وَطَمِعْتُ وَزُرْتُ وَاغْتَرَبْتُ،

آورده به وسیله پسر حبیبت، من آرزو و امید و طمع دارم و به زیارت آمده و غریب گشته‌ام، امیدم

رَجاءً لَكَ أَنْ تُكافِيَنِي، إِذْ أَخْرَجْتَنِي مِنْ رَحْلِي، فَأَذِنْتَ لِي بِالْمَسِيرِ

به تو این است که پاداش می‌دهی و کفایت می‌کنی مرا، چون مرا از خانه‌ام خارج نموده و اذن داده‌ای

إِلىٰ هٰذَا الْمَكانِ، رَحْمَةً مِنْكَ، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ، يا رَحْمانُ يا رَحِيمُ.

که به این مکان محترم بیایم و این از باب رحمت تو و تفضّل تو بر من است ای بخشنده مهربان.

آنگاه آنچه می‌توانی در دعا کوشش کن و زیاد دعا کن،
سپس از محل سر پوشیده بیرون بیا و در مقابل قبور شهدا بایست
و به آن‌ها همه اشاره کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ الْقُبُورِ

سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما، سلام بر شما ای اهل قبور از

مِنْ أَهْلِ دِيارٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ (بِما صَبَرْتُمْ، فَنِعْمَ عُقْبَى

اهل دیار مؤمنین، سلام بر شما به صبری که نمودید و چه خوب است سرانجام

الدّارِ)[1]، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ اللّهِ،

این سرای شما، سلام بر شما ای اولیای الهی، سلام بر شما ای یاوران خدا و یاوران

۱. سورهٔ رعد، آیه۲۴.

وَأَنْصارَ رَسُولِهِ، وَأَنْصارَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصارَ ابْنِ رَسُولِهِ، وَأَنْصارَ دِينِهِ،

رسول خدا و یاوران امیرالمؤمنین و یاوران فرزند رسول خدا و یاوران دین او،

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصارُ اللّهِ، كَما قالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ

گواهی می‌دهیم که شما یاران خدا هستید همان طور که خداوند عزیز و بزرگ مرتبه فرمود: «چه

قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَما

بسیار پیامبرانی که دانشمندان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند و در برابر آسیب‌هایی که در راه

ضَعُفُوا وَما اسْتَكانُوا)[1]، فَما ضَعُفْتُمْ، وَما اسْتَكَنْتُمْ، حَتّىٰ لَقِيتُمُ

خدا به آنان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و سر تسلیم فرود نیاوردند». پس ضعف از خود نشان

اللَّهَ عَلىٰ سَبِيلِ الْحَقِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَبْدانِكُمْ

ندادید و سر فرود نیاوردید تا خدا را در راه حق ملاقات نمودید. درود خدا بر شما و بر ارواح و ابدان

وَأَجْسادِكُمْ، أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللّهِ الَّذِي لا خُلْفَ لَهُ وَلا تَبْدِيلَ، إِنَّ

و اجساد شما، بشارت باد شما را به وعده الهی که خلاف و دگرگونی در آن نیست، خداوند خلاف

اللَّهَ لا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَاللَّهُ مُدْرِكٌ بِكُمْ ثارَ ما وَعَدَكُمْ.

وعده نکند، و خدا دریافت کننده است به وسیله شما انتقام خونی را که وعده داده است.

أَنْتُمْ خاصَّةُ اللّهِ، اِخْتَصَّكُمُ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ، أَنْتُمُ الشُّهَداءُ،

شما برگزیده‌های الهی هستید که خداوند شما را برای حضرت ابا عبد الله اختصاص داد، شما شهدا و

وَأَنْتُمُ السُّعَداءُ، سَعَدْتُمْ عِنْدَ اللّهِ، وَفُزْتُمْ بِالدَّرَجاتِ مِنْ جَنّاتٍ

سعادتمندانی هستید که نزد خدا سعادتمند شدید، و به درجات عالی بهشت فائز گردیدید که اهل آن پیر و

لا يَظْعَنُ أَهْلُها وَلا يَهْرَمُونَ، وَرَضُوا بِالْمُقامِ فِي دارِ السَّلامِ مَعَ مَنْ

فرسوده نمی‌شوند، و خشنودند به اقامت در دار السلام با کسی که نصرت و یاری اش نمودند. خداوند به شما

نَصَرْتُمْ، جَزاكُمُ اللَّهُ خَيْراً مِنْ أَعْوانٍ، جَزاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللّهِ 9 ،

پاداش دهد بهتر از پاداشی که به یاران می‌دهد، پاداش کسانی که به همراه رسول خدا 9 پایداری نمودند.

۱. سورهٔ آل عمران، آیه۱۴۶.

أَنْجَزَ اللَّهُ مٰا وَعَدَكُمْ مِنَ الْكَرٰامَةِ فِي جِوٰارِهِ وَدٰارِهِ، مَعَ النَّبِيّينَ

خداوند وفا کرد به وعده‌ای که به شما داد، کرامت در جوارش و سرایش به همراه

وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَقٰائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ.

پیامبران و رسولان و امیرمؤمنان و پیشوای روسفیدان.

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ، حَتّىٰ أَرٰانِي مَصٰارِعَكُمْ، أَنْ

از خدایی که مرا به سوی شما رهسپار نمود تا محل زمین خوردن شما و مقتل و قبر شما را به من نشان داد

يُرِيَنِيكُمْ عَلَى الْحَوْضِ رِوٰاءً مُرْوِيّينَ، وَيُرِيَنِي أَعْدٰاءَكُمْ فِي أَسْفَلِ

می‌خواهم که شما را بر حوض کوثر به من نشان دهد در حالی که سیراب باشم، و دشمنان شما را به من نشان دهد

دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، فَإِنَّهُمْ قَتَلُوكُمْ ظُلْماً، وَأَرٰادُوا إِمٰاتَةَ الْحَقِّ، وَسَلَبُوكُمْ

در درک جهنم پایین‌ترین قسمت آن، زیرا که آنان از روی ظلم و ستم شما را کشتند و میراندن حق را اراده کردند

لِابْنِ سُمَيَّةَ، وَابْنِ آكِلَةِ الْاَكْبٰادِ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيهِمْ ظِمٰاءً

و اموال شما را به غارت برای فرزند سمیّه و پسر هند جگر خوار بردند، از خدا می‌خواهم که آن‌ها را به من نشان

مُظْمَئِينَ مُسَلْسَلِينَ مُغَلْغَلِينَ، يُسٰاقُونَ إِلَى الْجَحِيمِ.

دهد در حالی که تشنه‌اند و به غل و زنجیر کشیده شده‌اند و به سوی جهنّم کشیده می‌شوند.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ اللّٰهِ، وَأَنْصٰارَ ابْنِ رَسُولِهِ، مِنِّي مٰا بَقِيتُ وَبَقِيَ

سلام بر شما ای یاران خداوند و ای یاران پسر رسول او، از طرف من مادامی که باقی هستم و شب و روز

اللَّيْلُ وَالنَّهٰارُ، وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ دٰائِماً إِذٰا فَنِيتُ وَبَلِيتُ لَهْفِي عَلَيْكُمْ، أَيُّ

باقی است. سلام بر شما پیوسته و دائم زمانی که فانی شوم و پوسیده گردم، حسرت و افسوس و سوز دل من

مُصِيبَةٍ أَصٰابَتْ كُلَّ مَوْلِيَ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، لَقَدْ عَظُمَتْ وَخَصَّتْ

بر شما است، هر کدام از موالیان و اراتمندان محمّد و آل محمّد: به چه مصیبتی دچار شدند به راستی مصیبت

وَجَلَّتْ وَعَمَّتْ مُصِيبَتُكُمْ، أَنَا بِكُمْ لَجَزِعٌ، وَأَنَا بِكُمْ لَمُوجَعٌ مَحْزُونٌ،

شما بزرگ و مختص شما و گسترده است، من نسبت به شما جزع و بی تابی می‌کنم و به خاطر شما دردناک

وَأَنَـا بِكُـمْ لَمُصـابٌ مَلْهُـوفٌ، هَنِيئـاً لَكُمْ مـا أُعْطِيتُـمْ، وَهَنِيئـاً لَكُمْ مـا بِهِ

و محزون هستم، و در مصائب شما مصیبت دیده و دلسوخته‌ام، گوارا باد بر شما آنچه به شما عطا شده، و

حُيِّيتُـمْ، فَلَقَـدْ بَكَتْكُـمُ الْمَلائِكَـةُ وَحَفَّتْكُمْ، وَسَـكَنَتْ مُعَسْـكَرَكُمْ، وَحَلَّتْ

گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیت داده شده‌اید، فرشتگان بر شما گریستند و اطراف شما را احاطه کردند

مَصارِعَكُـمْ، وَقَدَّسَـتْ وَصَفَّـتْ بِأَجْنِحَتِها عَلَيْكُـمْ، لَيْسَ لَهـا عَنْكُمْ فِراقٌ

و در لشکرگاه شما ساکن گردیدند و در قتلگاه شما فرود آمدند و تقدیس نمودند و بال‌های خود را بر شما

إِلـىٰ يَـوْمِ التَّـلاقِ، وَيَـوْمِ الْمَحْشَـرِ وَيَـوْمِ الْمَنْشَـرِ، طافَـتْ عَلَيْكُـمْ رَحْمَـةٌ

گسترانیدند، از شما تا روز قیامت جدایی ندارند و روز حشر و هنگام نشر، گرد شما طواف می‌کنند و این

مِـنَ اللّـهِ، وَبَلَغْتُـمْ بِهـا شَـرَفَ الدُّنْيـا وَالْآخِـرَةِ، أَتَيْتُكُـمْ شَـوْقاً، وَزُرْتُكُـمْ

رحمتی است از طرف پروردگار و شما به سبب آن به شرف دنیا و آخرت رسیدید، به سوی شما آمده‌ام از روی

خَوْفـاً، أَسْـأَلُ اللّـهَ أَنْ يُرِيَنِيكُـمْ عَلَى الْحَـوْضِ، وَ فِـي الْجِنانِ مَـعَ الْأَنْبِياءِ

شوق و شما را زیارت نموده‌ام با ترس و بیم و هراس، از خدا می‌خواهم که شما را به من نشان دهد بر حوض

وَالْمُرْسَـلِينَ، (وَالشُّـهَداءِ وَالصّالِحِينَ وَحَسُـنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً)[1].

و در بهشت به همراه پیامبران و رسولان، «و شهیدان و صالحان و آن‌ها خوب رفیقانی هستند.»

سـپس در حائـر دور بـزن در حالـی که می‌گویـی: يا مَـنْ إِلَيْهِ وَفَـدْتُ، وَإِلَيْهِ

ای کسی که به سویش سفر کرده‌ام و

خَرَجْـتُ، وَبِهِ اسْـتَجَرْتُ، وَإِلَيْـهِ قَصَدْتُ، وَإِلَيْـهِ بِابْنِ نَبِيِّـهِ تَقَرَّبْتُ، صَلِّ

به سوی او خارج گشته‌ام و به او پناه آورده‌ام و به جانب او قصد کرده و به سویش به واسطه پسر پیامبرش

عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَمُـنَّ عَلَـيَّ بِالْجَنَّـةِ، وَفُـكَّ رَقَبَتِي مِـنَ النّارِ.

تقرب جسته‌ام، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و بر من به بهشت منّت گذار و از آتش رهایی بخش.

أَللّهُـمَّ ارْحَـمْ غُرْبَتِي، وَبُعْـدَ دارِي، وَارْحَمْ مَسِـيرِي إِلَيْـكَ، وَإِلَى ابْنِ

خداوندا به غربت من و دور شدن از سرایم ترحم نما، به واسطه سیر و سفرم به سوی تو و پسر

۱. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

حَبِيبِكَ، وَأَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً، قَدْ قَبِلْتَ مَعْذِرَتِي وَخُضُوعِي

حبیبت بر من رحم کن و بازگردان مرا رستگار و موفق در حالی که عذرخواهی مرا پذیرفته و خضوع

وَخُشُوعِي عِنْدَ إِمامِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ، وَارْحَمْ صَرْخَتِي وَبُكائِي،

و خشوعم را نزد امام و سرور و مولایم مورد قبول قرار داده باشی، به فریاد و گریه و اندوه

وَهَمِّي وَجَزَعِي، وَخُشُوعِي وَحُزْنِي، وَما قَدْ باشَرَ قَلْبِي مِنَ الْجَزَعِ عَلَيْهِ،

و بی تابی و خشوع و خضوع من ترحم فرما، و به بی تابی و جزعی که به قلبم روی آورده رحم کن

فَبِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَبِلُطْفِكَ لِي خَرَجْتُ إِلَيْهِ، وَبِتَقْوِيَتِكَ إِيّايَ،

به نعمتت بر من و به لطفتت به من به سوی او از منزل خارج شده، تو مرا تقویت نموده و

وَصَرْفِكَ الْمَحْذُورَ عَنِّي، وَكَلاءَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ لِي، وَبِحِفْظِكَ

مشکلات و موانع را از من دور ساخته‌ای و در شب و روز مرا نگهداری نموده و مورد کرامت قرار

وَكَرامَتِكَ إِيّايَ، وَكُلَّ بَحْرٍ قَطَعْتُهُ، وَكُلَّ وادٍ وَفَلاةٍ سَلَكْتُها، وَكُلَّ مَنْزِلٍ

داده‌ای، هر دریایی را که شکافته و هر دیاری که رفته و هر صحرایی را که طی کرده، و هر منزلی که

نَزَلْتُهُ، فَأَنْتَ حَمَلْتَنِي فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَأَنْتَ الَّذِي بَلَّغْتَنِي، وَوَفَّقْتَنِي

فرود آمده‌ام به عنایت تو بوده است، تو مرا در خشکی و دریا بر مرکب نشاندی و تو من را به مقصد

وَكَفَيْتَنِي، وَبِفَضْلٍ مِنْكَ وَوِقايَةٍ بَلَغْتُ، وَكانَتِ الْمِنَّةُ لَكَ عَلَيَّ في

رساندی و توفیق دادی و کفایت نمودی، و به فضل تو و حفظ تو رسیدم، و منت برای تو بر من است

ذَلِكَ كُلِّهِ، وَأَثَرِي مَكْتُوبٌ عِنْدَكَ، وَاسْمِي وَشَخْصِي، فَلَكَ الْحَمْدُ

در همه این امور، و اثر من نزد تو مکتوب است و نام من و شخص من، تو سزاوار حمد و ستایشی

عَلىٰ ما أَبْلَيْتَنِي، وَاصْطَنَعْتَ عِنْدِي.

بر الطافی که به من نموده و احسانی که به من کرده‌ای.

أَللَّهُمَّ فَارْحَمْ قُرْبِي مِنْكَ، وَمَقامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَمَلُّقِي، وَاقْبَلْ مِنِّي

خداوندا به قرب من نسبت به تو و ایستادنم در پیشگاهت و التماسم رحم کن، و بپذیر از من توسلم

تَوَسَّـلِي إِلَيْكَ بِابْـنِ حَبِيبِكَ وَصَفْوَتِـكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِـكَ، وَتَوَجَّهِي

را به سوی تو به واسطه فرزند حبیبت و برگزیده و اختیار شده ات از میان خلق، وروی آوردنم به سوی

إِلَيْـكَ، وَأَقِلْنِـي عَثْرَتِي، وَاقْبَلْ عَظِيمَ مٰا سَـلَفَ مِنِّـي، وَلاٰ يَمْنَعْكَ مٰا تَعْلَمُ

تو، و از لغزش‌هایم درگذر، و گناهان بزرگی که در گذشته از من سرزده عفو کن، و تو را بازندارد

مِنِّـي مِنَ الْعُيُوبِ وَالذُّنُوبِ، وَالْإِسْـرٰافِ عَلىٰ نَفْسِـي، وَإِنْ كُنْتَ لِي مٰاقِتاً

آنچه می‌دانی از عیوب من و گناهان من و ظلم‌هایی که بر خود روا داشته‌ام، و اگر از من در غضب

فَارْضَ عَنِّي، وَإِنْ كُنْتَ عَلَيَّ سٰاخِطاً فَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

هستی از من راضی شو، و اگر بر من خشمگین هستی توبه‌ام را بپذیر، که تو بر هر چیز قادر و توانایی.

أَللّٰهُمَّ اغْفِـرْ لِي وَلِوالِدَيَّ، وَ (ارْحَمْهُمٰا كَمٰا رَبَّيٰانِي صَغِيراً)[1]، وَاجْزِهِمٰا

خداوندا مرا و پدر و مادرم را بیامرز «و به آن دو رحم کن همان‌طور که مرا در کودکی تربیت نمودند» و

عَنِّـي خَيْـراً. أَللّٰهُـمَّ اجْزِهِمـٰا بِالْإِحْسـٰانِ إِحْسـٰاناً، وَبِالسَّـيِّئٰاتِ غُفْرٰانـاً.

به آن‌ها ازطرف من پاداش نیکو مرحمت فرما، در مقابل احسان آن‌ها به ایشان احسان فرما و در برابر بدی‌های

أَللّٰهُـمَّ أَدْخِلْهُمَـا الْجَنَّـةَ بِرَحْمَتِكَ، وَحَـرِّمْ وُجُوهَهُمٰا عَنْ عَذٰابِـكَ، وَبَرِّدْ

آن‌ها غفران خود را شامل حالشان فرما، خداوندا به رحمتت آن‌ها را وارد بهشت فرما و چهره آنان را بر عذابت

عَلَيْهِمـٰا مَضٰاجِعَهُمٰا، وَافْسَـحْ لَهُمٰا فِـي قَبْرَيْهِمٰا، وَعَرِّفْنِيهِمٰا فِي مُسْـتَقَرٍّ

حرام گردان و آرامگاه آنان را برایشان لذت بخش گردان، در قبرشان برای آن‌ها توسعه بده و بین من و آنان آشنایی

مِـنْ رَحْمَتِـكَ، وَجِـوٰارِ حَبِيبِـكَ مُحَمَّدٍ صَلَّي اللّٰـهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ.[2]

بر قرار کن در قرارگاه رحمتت و جوار حبیبت حضرت محمّد ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد.

۱. سورهٔ اسراء، آیه ۲۴.

۲. کامل الزیارات: ص۳۹۳ ح۲۳.

(۲) زیارت دوم

در مـزار کبیـر آمده اسـت: زمانـی که به سـرزمین کربلا وارد شـدی در کنار نهر علقمه فرود آی، سـپس لباس سـفرت را بیرون آور و غسـل زیارت مسـتحب بجـای آور، و ایـن نیـت را بـرای ایـن غسـل بـه قلبت مـرور بده: «غسـل می کنم غسـل زیـارت امـام حسـین 7 مسـتحبی قربـة الی اللـه» و نیـت مقارن بـا انجام غسـل باشـد، و بگـو در حالـی که غسـل می کنی:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَفي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

به نام خدا و به کمک خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا ـ که درود خدا بر او

وَآلِـهِ. أَللّٰهُـمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَطَهِّرْ قَلْبِـي، وَزَكِّ عَمَلِي،

و خاندانش باد ـ خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست قلبم را پاک و عملم را پاکیزه گردان و

وَنَـوِّرْ بَصَـرِي، وَاجْعَـلْ غُسْـلِي هَذٰا طَهُـوراً وَحِرْزاً، وَشِـفٰاءً مِـنْ كُلِّ دٰاءٍ

دیدگانم را روشنایی بخش، و این غسل مرا پاک کننده و امان و شفای هر درد و بیماری و آفت

وَسُـقْمٍ وَآفَـةٍ وَعٰاهَـةٍ، وَمِنْ شَـرِّ مٰا أَحْـذَرُ، إِنَّكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

و عیب و نگهدارنده از شرّ آنچه از آن حذر می‌کنم قرار بده، که تو بر هر چیز توانایی.

أَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْسِـلْنِي مِنَ الذُّنُـوبِ كُلِّهٰا،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، مرا از تمام گناهانم و لغزش‌ها و خطاهایم

وَالْاٰثـٰامِ وَالْخَطٰايـٰا، وَطَهِّرْ جِسْـمِي وَقَلْبِي مِـنْ كُلِّ آفَةٍ يُمْحَـقُ بِهٰا دِينِي،

شستشو بده و جسم و قلب مرا از هر آفتی که دینم با آن نابود می‌گردد پاک بگردان

وَاجْعَـلْ عَمَلِي خٰالِصـاً لِوَجْهِكَ، يٰا أَرْحَـمَ الرّٰاحِمِينَ.

و عملم را خالص برای خودت قرار بده، ای مهربان ترین مهربانان.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ لِي شاٰهِداً يَوْمَ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و آن را برای من در روز

حاٰجَتِي وَفَقْرِي وَفاٰقَتِي، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نیاز و فقر و تهی دستی‌ام شاهد قرار بده که تو بر هر چیز توانایی.

پس سورهٔ قدر را بخوان و وقتی از غسل فارغ شدی لباس پاکی بپوش، سپس رو به طرف حرم مطهر نما ـ که بر ساکن او سلام باد ـ با آرامش و وقار و فروتنی و ذلّت، و در حالی که الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله، و استغفر الله می‌گویی و زیاد صلوات بر پیامبر و خاندان پاک او می‌فرستی.

درب ورودی حرم مطهّر

وقتی به درب ورودی حرم مطهّر رسیدی قدری درنگ کن و چهار مرتبه تکبیر بگو، سپس بگو:

أَللَّهُمَّ إِنَّ هَـٰذاٰ مَقاٰمُ أَكْرَمْتَنِي بِهِ وَشَرَّفْتَني. أَللَّهُمَّ فَأَعْطِنِي فِيهِ

خداوندا این جایگاهی است که به واسطهٔ آن مرا گرامی داشتی و شرافت بخشیدی، خداوندا

رَغْبَتِي، عَلىٰ حَقِيقَةِ إِيماٰنِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ عَلَيْهِ اَلسَّلاٰمُ.

پس عطا کن مرا در آن رغبتم را بر حقیقت ایمانم به تو و به رسولت ـ که درود بر او باد ـ

سپس پای راست خود را پیش از پای چپ داخل بگذار و بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللَّهُ

به نام خدا و به کمک خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا ـ که درود خدا بر او و

عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَللَّهُمَّ (أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبارَكاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ)[1].

خاندانش باد ـ خداوندا مرا در منزل مبارکی فرود آور که تو بهترین فرود آورندگانی.

۱. سورهٔ مؤمنون، آیه۲۲.

سپس راه برو تا داخل صحن شوی، وقتی داخل صحن شدی چهار مرتبه تکبیر بگو و روی به قبله کن و دست‌هایت را بالا ببر و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ خَرَجْتُ، وَإِلَيْكَ وَفَدْتُ، وَلِخَيْرِكَ

خداوندا همانا من به سوی تو روی آورده و به سوی تو خارج گشته و به سوی تو کوچ کرده و خود را در

تَعَرَّضْتُ، وَبِزِيارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ إِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ. أَللّٰهُمَّ فَلاٰتَمْنَعْنِي خَيْرَ

معرض خیر تو قرار دادم، و با زیارت حبیب حبیب تو به سوی تو تقرّب جستم، خداوندا مرا باز مدار از خیری

ما عِنْدَكَ لِشَرِّ ما عِنْدِي. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَكَفِّرْ عَنِّي سَيِّئاٰتِي،

که نزد تو است به خاطر بدی و شرّی که نزد من است، خداوندا گناهانم را بیامرز و از بدی‌های من چشم

وَحُطَّ عَنِّي خَطِيئاٰتي، وَاقْبَلْ حَسَناٰتِي.

پوشی فرما، و خطاهایم را فروریز و خوبی‌های مرا بپذیر.

سپس بخوان سورهٔ حمد و معوذتین و «قل هو الله احد» و «إنّا انزلناه» و «آیهٔ الکرسی» و آیات آخر سور حشر را:

(لَوْ أَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاٰشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم می‌دیدی که از ترس پروردگار خاشع گشته و از هم می‌پاشد

اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثاٰلُ نَضْرِبُهاٰ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ * هُوَ اللّٰهُ الَّذِي

و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم شاید در آن بیندیشند * او خدایی است که معبودی جز او نیست، او

لاٰ إِلٰهَ إِلّا هُوَ عاٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللّٰهُ

دانای آشکار و نهان و بخشندهٔ مهربان است * او خدایی است که معبودی جز او نیست، فرمانروا و منزه

الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلاٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ

از هر عیب، سلامت و ایمنی بخش، مراقب و شکست ناپذیر، جبران کننده و شایسته عظمت و بزرگ

الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحاٰنَ اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللّٰهُ الْخاٰلِقُ الْبارِئُ

است، خداوند منزّه است از آنچه شریک او قرار می‌دهند. او است خداوند، آفریننده، پدید آورنده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَالْاَرْضِ

و صورتگر، برای او نام‌های نیکو است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح گوی او هستند

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ).

و او عزیز و حکیم است.

و دو رکعت نماز به عنوان تحیّت حرم مطهر بخوان و برای نیت آن به قلبت می‌گذرانی که «نماز تحیّت حرم مطهّر می‌خوانم مستحب قربةً الی الله» و هنگامی که از آن فارغ گشتی و تسبیحات گفتی، بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْواحِدِ فِي الْاُمُورِ كُلِّها، خالِقِ الْخَلْقِ، لَمْ يَعْزُبْ

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که در تمام امور یکتا است، آفریننده خلق

عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، عالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، وَصَلَواتُ اللّهِ

است، از او چیزی از امور آن‌ها پنهان نیست به هر چیز عالم است بدون تعلیم، درود خدا

وَصَلَواتُ مَلائِكَتِهِ وَأَنْبِيائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ، وَسَلامُهُ وَسَلامُ

و درود ملائکه و پیامبران و رسولان و تمام مخلوقات و سلام او و سلام تمام مخلوقات

جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

بر حضرت محمّد مصطفی و اهل بیت آن حضرت.

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که به نعمتش شایسته‌ها را به کمال رسانید، حمد و ستایش سزاوار

عَلَيَّ، وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

خداوندی است که نعمت بخشید بر من، و فضیلت حضرت محمّد و اهل بیتش را به من شناساند، درود خدا بر او

وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و بر آنان و رحمت خدا و برکات او.

أَللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرِّجالُ، وَشُدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحالُ، وَأَنْتَ

خداوندا تو بهترین کسی هستی که اشخاص به سوی او کوچ کنند و بار سفر به سوی او ببندند، و تو

يا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ آتٍ تُحْفَةً،

ای سرور من، گرامی ترین کسی هستی که نزد او می‌آیند و تو گرامی ترین زیارت شده‌ای، و تو برای هر

فَاجْعَلْ تُحْفَتِي بِزِيارَةِ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ

کسی که آید تحفه‌ای قرار داده‌ای، تحفهٔ مرا به واسطه زیارت قبر ولیت و پسر دختر پیامبرت و حجّتت بر

خَلْقِكَ، فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ.

خلق، رهایی من از آتش قرار بده.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ عَمَلِي، وَاشْكُرْ سَعْيِي،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و عملم را بپذیر و سعی و تلاشم را پاداش ده، و این سیر و سفرم به

وَارْحَمْ مَسِيرِي مِنْ أَهْلِي بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ

سوی تو را مورد ترحم قرار بده، بدون اینکه من منّتی بر تو داشته باشم، بلکه برای تو است منّت بر من، زیرا برای من

لِيَ السَّبِيلَ إِلىٰ زِيارَةِ وَلِيِّكَ وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي حَتّىٰ بَلَّغْتَنِي.

راه را به سوی زیارت ولیّت قرار دادی و فضل او را به من شناساندی، و مرا حفظ کردی تا آنکه به مقصد رساندی.

أَللَّهُمَّ وَقَدْ أَتَيْتُكَ وَأَمَّلْتُكَ، فَلاٰتُخَيِّبْ أَمَلي، وَلاٰ تَقْطَعْ رَجائي، وَاجْعَلْ

خداوندا من به نزد تو آمده‌ام و به تو امیدوارم، پس آرزوی مرا ناکام و امید مرا قطع مکن

مَسِيري هَذا كَفّارَةً لِماٰ قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَرِضْواناً تُضاعِفُ بِهِ حَسَناتِي،

و قرار بده این آمدنم را کفاره گناهان گذشته‌ام و رضایتی که حسناتم را دو چندان کند و

وَسَبَباً لِنَجاحِ طَلِباتِي، وَطَرِيقاً لِقَضاءِ حَوائِجي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

سببی برای رسیدن به خواسته‌هایم و راهی برای برآمدن حاجت‌هایم، ای مهربان ترین مهربانان.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُوراً، وَذَنْبي

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و سعی و تلاشم را پاداش داده شده و گناهم را

مَغْفُـوراً، وَعَمَلـي مَقْبُولاً، وَدُعَائي مُسْـتَجَاباً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

آمرزیده شده و عملم را پذیرفته شده و دعایم را به اجابت رسیده قرار بده، که تو بر هر چیز توانایی.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَرَدْتُكَ فَأَرِدْنـي، وَأَقْبَلْـتُ بِوَجْهي إِلَيْكَ فَـلاٰ تُعْرِضْ عَنِّي،

خداوندا من تو را اراده نموده‌ام پس تو نیز مرا اراده نما، و من به تو روی آورده‌ام پس روی از من مگردان،

وَقَصَدْتُـكَ فَتَقَبَّـلْ مِنِّـي، وَإِنْ كُنْـتَ لِـي مَاقِتـاً فَـارْضَ عَنِّـي، وَارْحَـمْ

و تو را قصد نموده‌ام پس از من بپذیر، و اگر از من غضبناکی پس راضی شو از من، به ناله و زاری من به

تَضَرُّعِـي إِلَيْـكَ وَلاٰتُخَيِّبْنـي.

درگاهت رحم کن و مرا محروم مگردان.

آنچه هنگام دیدن قبر مبارک خوانده می‌شود

سپس راه برو تا قبر مبارک را ببینی، و وقتی آن را دیدی چهار مرتبه تکبیر بگو و روی خود را مقابل آن و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

أَللَّهُـمَّ أَنْـتَ السَّـلاٰمُ، وَمِنْـكَ السَّـلاٰمُ، وَإِلَيْـكَ يَرْجِـعُ السَّـلاٰمُ، يـاٰ

خداوندا تویی سلام (سلامت از همه عیب‌ها و نقص‌ها) و سلامتی از بلاها موهبتی از جانب

ذَا الْجَـلاٰلِ وَالْإِكْـرٰامِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ رَسُـولِ اللّـهِ، أَمِينِ اللّهِ عَلـىٰ وَحْيِهِ،

تو است، و سلام به سوی تو بر می‌گردد، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، سلام بر رسول خدا،

وَعَزائِـمِ أَمْـرِهِ، الْخاتِمِ لِمـاٰ سَـبَقَ، وَالْفـاٰتِحِ لِمَـا اسْـتَقْبَلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ

امین الهی بر وحی او و امور لازمه او، پایان دهنده گذشتگان و گشاینده آیندگان و مراقب بر

ذٰلِكَ كُلِّـهِ، وَعَلَيْهِ السَّـلاٰمُ وَرَحْمَةُ اللّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

تمامی آن‌ها، و بر او باد سلام و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِ اللّهِ وَأَخِي رَسُـولِهِ، الصَّدِّيقِ الْأَكْبَرِ،

سلام بر امیرالمؤمنین بندهٔ خدا و برادر رسول خدا، صدّیق اکبر و

وَالْفارُوقِ الْاَعْظَمِ، سَـيِّدِ الْمُسْلِمِينَ، وَإِمامِ الْمُتَّقِينَ، وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

فاروق اعظم، سرور مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و رهبر روسفیدان.

اَلسَّـلامُ عَلَى الْحَسَـنِ وَالْحُسَيْنِ، سَـيِّدَيْ شَـبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ

سلام بر امام حسن و امام حسین دو سرور جوانان اهل بهشت از میان

أَجْمَعِيـنَ. اَلسَّـلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدَى الرّاشِـدِينَ، اَلسَّـلامُ عَلَـى الطّاهِرَةِ

تمامی خلق، سلام بر پیشوایان هدایت و راهنمایان امت، سلام بر حضرت فاطمه طاهره

الصِّدِّيقَةِ، فاطِمَةَ سَـيِّدَةِ نِسـاءِ الْعالَمِينَ.

صدیقه، سرور زنان عالمیان.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّهِ الْمُنْزَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّهِ الْمُرْدِفِينَ،

سلام بر فرشتگان الهی که از آسمان نازل شده‌اند، سلام بر فرشتگان الهی که ردیف

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّهِ الْمُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّهِ الزَّوّارِينَ،

شده‌اند، درود بر فرشتگان الهی که نشانه و علامت دارند. سلام بر فرشتگان الهی که

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ بِإِذْنِ اللّهِ مُقِيمُونَ.

زائرند، سلام بر فرشتگان الهی که در این حرم مطهر به اذن پروردگار مقیم هستند.

آنچه هنگام توقف کردن در کنار قبر مطهر خوانده می‌شود

سپس راه برو تا در کنار قبر قرار گیری و چون قرار گرفتی صورت خود را مقابل آن قرار بده به همان شکلی که هنگام دیدن آن قرار دادی و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يا وارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث آدم که برگزیده خداوند است، سلام بر تو ای وارث نوح

نَبِـيِّ اللّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يـا وارِثَ إِبْراهِيـمَ خَلِيـلِ اللّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ

که پیامبر خداست، سلام بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خداوند است، سلام بر تو

يـا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيـمِ اللّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يـا وارِثَ عِيسـىٰ رُوحِ اللّهِ،

ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است،

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يـا وارِثَ مُحَمَّـدٍ حَبِيبِ اللّـهِ. اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يـا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد 9 که حبیب خدا است. سلام بر تو ای وارث

وَصِـيِّ رَسُـولِ اللّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يـا وارِثَ الْحَسَـنِ الرَّضِيِّ، اَلسَّـلامُ

وصی رسول خدا، سلام بر تو ای وارث امام حسن پسندیده، سلام

عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الشَّـهِيدُ الصِّدِّيقُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَـا الْوَصِيُّ الْبَـرُّ التَّقِيُّ،

بر تو ای شهید صدّیق، سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزکار،

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ وَعَلَـى الْاَرْواحِ الَّتِي حَلَّـتْ بِفِنائِكَ، وَأَناخَـتْ بِرَحْلِكَ،

سلام بر تو و بر ارواحی که بر در سرای تو وارد شدند و در سرای تو اقامت گزیدند،

اَلسَّـلامُ عَلـىٰ مَلائِكَـةِ اللّـهِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ.

سلام بر فرشتگانی که اطراف تو گرد آمده‌اند.

أَشْـهَدُ أَنَّكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاةَ، وَآتَيْتَ الـزَّكاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر نمودی و از زشتی‌ها نهی

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِـهِ، وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ

فرمودی، کتاب را آن گونه که شایسته است تلاوت کردی، و در راه خدا به معنی واقعی کلمه جهاد نمودی،

جِهـادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ فِي جَنْبِهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ.

و بر اذیت و آزارها در اطاعت او صبر کردی و خدا را خالصانه پرستش نمودی تا دار فانی را وداع گفتی.

لَعَـنَ اللّـهُ أُمَّـةً ظَلَمَتْـكَ، وَأُمَّـةً قاتَلَتْـكَ، [وَأُمَّـةً قَتَلَتْـكَ]، وَأُمَّـةً

خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند، خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند، و گروهی را که علیه تو

أَعانَـتْ عَلَيْـكَ، وَأُمَّـةً خَذَلَتْـكَ، وَأُمَّـةً دَعَتْـكَ فَلَـمْ تُجِبْـكَ، وَأُمَّـةً

کمک کردند، و گروهی را که تو را بی یاور رها کردند و گروهی را که تو را فراخواندند و اجابت ننمودند و گروهی

بَلَغَهـا ذَلِـكَ فَرَضِيَـتْ بِـهِ، وَأَلْحَقَهُـمُ اللَّـهُ بِـدَرْكِ الْجَحِيـمِ.

را که به آن‌ها خبر شهادتت رسید و آن‌ها بدان خشنود گشتند و خداوند آن‌ها را به درک جهنّم ملحق نمود.

أَللَّهُـمَّ الْعَـنِ الَّذِيـنَ كَذَّبُـوا رُسُـلَكَ، وَهَدَمُـوا كَعْبَتَـكَ، وَاسْـتَحَلُّوا

خداوندا لعنت کن کسانی را که فرستادگان تو را تکذیب نمودند و کعبه‌ات را منهدم ساختند

حَرَمَـكَ، وَأَلْحَدُوا فِي الْبَيْتِ الْحَرامِ، وَحَرَّفُوا كِتابَكَ، وَسَـفَكُوا دِماءَ أَهْلِ

و حرام تو را حلال شمردند، هتک حرمت بیت الحرام نمودند و کتاب تو را سوزاندند، خون اهل

بَيْـتِ نَبِيِّـكَ، وَأَظْهَرُوا الْفَسـادَ فِي أَرْضِكَ، وَاسْـتَذَلُّوا عِبـادَكَ الْمُؤْمِنِينَ.

بیت پیامبرت را ریختند، در زمین تو فساد را آشکار ساختند، بندگان مؤمن تو را به ذلّت کشاندند،

أَللَّهُـمَّ فَضاعِـفْ عَلَيْهِـمُ الْعَـذابَ الْأَلِيـمَ، وَاجْعَـلْ لي لِسـانَ صِدْقٍ

خداوندا عذاب دردناک را بر آنان دو چندان کن، و برای من یاد نیکویی در میان اولیاء

فِـي أَوْلِيائِـكَ الْمُصْطَفَيْـنَ، وَحَبِّـبْ إِلَـيَّ مَشـاهِدَهُمْ، وَأَلْحِقْنِـي بِهِـمْ،

برگزیده‌ات قرار بده، و زیارتگاه آنان را محبوب من گردان، و مرا به آن‌ها ملحق نما،

وَاجْعَلْنِـي مَعَهُـمْ فِـي الدُّنْيـا وَالْآخِـرَةِ، يـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.

و در دنیا و آخرت مرا با آنان قرار بده، ای مهربان ترین مهربانان.

سپس دست چپ خود را بر قبر بگذار و با دست راست خود اشاره کن و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّهِ، إِنْ لَـمْ تَكُنْ أَدْرَكْـتُ نُصْرَتَكَ بِيَدِي،

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، اگر درک نکردم که یاری تو نمایم با دستم، اکنون با

فَهـا أَنَا ذا وافِدٌ إِلَيْكَ بِنَصْري، قَدْ أَجابَكَ سَـمْعي وَبَصَري، وَبَدَني وَرَأْيي

یاری خود کوچ کرده‌ام به سوی تو، اجابت کرد تو را گوش و دیده و بدن و رأی و هوای من

وَهَوايَ عَلَى التَّسْـلِيمِ لَكَ، وَلِلْخَلَفِ الْباقي مِنْ بَعْدِكَ، وَالْأَدِلّاءِ عَلَى اللّهِ

با تسلیم بودن برای تو و برای جانشینی که باقی است بعد از تو و دلالت کنندگان بر خدا

مِـنْ وُلْـدِكَ، فَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَـدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُـمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْـرُ الْحاكِمِينَ.

از فرزندانت، پس نصرت من برای شما آماده است تا آنکه خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است.

سـپس دو دست خود را به سـوی آسمان بالا ببر و بگو: أَللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ

خداوندا همانا من شهادت

هٰـذَا الْقَبْرَ قَبْـرُ حَبِيبِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِـنْ خَلْقِكَ، الْفائِزِ بِكَرامَتِـكَ، أَكْرَمْتَهُ

می‌دهم که این قبر، قبر حبیب تو و برگزیده ات از میان خلق است، او به کرامت تو فائز گردیده، تو

بِالشَّـهادَةِ، وَأَعْطَيْتَـهُ مَوارِيثَ الْاَنْبِيـاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً لَـكَ عَلىٰ خَلْقِكَ،

او را با شهادت اکرام فرمودی و به او مواریث پیامبران را عطا نمودی، و او را حجت خودت بر خلق

فَأَعْـذَرَ فِـي الدَّعْـوَةِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَـهُ فِيكَ، لِيَسْـتَنْقِذَ عِبادَكَ مِـنَ الضَّلٰالَةِ

قرار دادی، پس در دعوت آنها کوتاهی نکرد و خون قلبش را در راه تو بذل نمود تا بندگانت را

وَالْجَهالَـةِ، وَالْعَمىٰ وَالشَّـكِ وَالْاِرْتِـيابِ، إِلـىٰ بـابِ الْهُـدىٰ وَالرَّشـادِ.

از گمراهی و نادانی و کوری و شک و تردید نجات دهد و آنها را به سوی هدایت و رشد فراخواند.

وَأَنْـتَ يـا سَـيِّدي، بِالْمَنْظَـرِ الْاَعْلىٰ، تَـرىٰ وَلاٰ تُـرىٰ، وَقَدْ تَـوازَرَ عَلَيْهِ

و تو ای سرور من در دیدگاهی برتر و بالاتری، می‌بینی و دیده نمی‌شوی، و علیه او اقدام نمود

فِـي طاعَتِـكَ مِنْ خَلْقِكَ مَـنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا، وَبـاعَ آخِرَتَهُ بِالثَّمَـنِ الْاَوْكَسِ،

کسی که دنیا او را فریب داد و آخرت خود را به بهای اندکی فروخت

وَأَسْـخَطَكَ وَأَسْـخَطَ رَسُـولَكَ عَلَيْـهِ السَّـلاٰمُ، وَأَطـاعَ مِنْ عِبـادِكَ أَهْلَ

و تو را و رسول تو را به خشم و غضب آورد و بندگانی را که اهل

الشِّـقاقِ وَالنِّفـاقِ، وَحَمَلَـةَ الْاَوْزارِ، اَلْمُسْـتَوْجِبِينَ النّـارَ. أَللَّهُـمَّ الْعَنْهُمْ

شقاوت و نفاق و حامل وزر و وبال و مستحق آتش بودند اطاعت و پیروی کرد، خدایا آنها را لعنت کن

لَعْنـاً وَبِيـلاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذابـاً أَلِيماً.

لعنت فراوان و آنها را عذاب نما عذاب دردناکی.

سپس دست چپ خود را پایین آور و با دست راست به قبر اشاره کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ الْأَوْصِياءِ،

سلام بر تو ای وارث پیامبران، سلام بر تو ای وصیّ اوصیاء، سلام

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِكَ وَذُرِّيَّتِكَ، اَلَّذِينَ حَباهُمُ اللّٰهُ بِالْحُجَجِ

بر تو و بر خاندان تو و ذریّه‌ات که خدا آنان را حجّت‌ها و براهین

الْبالِغَةِ، وَالنُّورِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ.

رسا و نور و صراط مستقیم مرحمت فرمود.

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي، ما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ اللّٰهِ، وَما أَجَلَّ

پدر و مادرم به فدایت، چه قدر مصیبت شما بزرگ و نزد خدا عظیم است

مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها

و چه قدر بزرگ است و عظیم نزد رسول خدا، و چه قدر بزرگ است و عظیم

عِنْدَ أَنْبِياءِ اللّٰهِ[1]، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ شِيعَتِكَ خاصَّةً.

نزد پیامبران الهی، و چه قدر بزرگ است و عظیم نزد شیعیانت مخصوصاً.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمّي يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي

پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا، شهادت می‌دهم که تو نوری بودی در تاریکی‌ها،

الظُّلُماتِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ وَأَمِينُهُ[2]، وَخازِنُ عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ

و شهادت می‌دهم که تو حجت خدا و امین او و خزانه دار علم او و وصی پیامبر او هستی، و شهادت می‌دهم

نَبِيِّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذىٰ فِي جَنْبِهِ.

که تو تبلیغ نمودی و پیام حق را رساندی و خیر خواهی کردی و بر اذیت و آزار در اطاعت خدا صبر نمودی

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ قُتِلْتَ وَحُرِمْتَ، وَ غُصِبْتَ وَ ظُلِمْتَ، وَ أَشْهَدُ

و شهادت می‌دهم که تو کشته شدی و از حق خود محروم شدی و حق تو را غصب کردند و به تو ظلم شد

۱. «عِنْدَ المَلَإِ الْأَعْلىٰ»، خ.
۲. «أمينُ اللّٰهِ وَ حُجَّتُهُ»، خ.

أَنَّكَ قَدْ جُحِدْتَ وَاهْتُضِمْتَ، وَ صَبَرْتَ فِي ذاتِ اللّهِ، وَ أَنَّكَ قَدْ

و شهادت می‌دهم که تو انکار شدی و مورد ستم قرار گرفتی و حق تو داده نشد و در راه خدا شکیبایی نمودی، و

كُذِّبْتَ، وَ دُفِعْتَ عَنْ حَقِّكَ، وَ أُسِيءَ إِلَيْكَ فَاحْتَمَلْتَ.

همانا تو تکذیب شدی و از حق خود کنار زده شدی و با تو بدرفتاری شد و تو تحمّل نمودی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الرّاشِدُ الْهادِي هَدَيْتَ، وَقُمْتَ بِالْحَقِّ وَعَمِلْتَ

و شهادت می‌دهم که تو امام و پیشوای هدایت کننده و راهنما هستی، هدایت کردی و قیام به حق

بِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ طاعَتَكَ مُفْتَرَضَةٌ، وَقَوْلَكَ الصِّدْقُ، وَدَعْوَتَكَ الْحَقُّ،

نمودی و بدان عمل کردی. و شهادت می‌دهم که اطاعت تو واجب و گفتار تو صدق و راستی و دعوت

وَأَنَّكَ دَعَوْتَ إِلَى الْحَقِّ، وَإِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

تو حق است و تو به حق دعوت نمودی و مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پند و اندرز نیکو

الْحَسَنَةِ فَلَمْ تُجَبْ، وَأَمَرْتَ بِطاعَةِ اللّهِ فَلَمْ تُطَعْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ

فراخواندی، ولی اجابت ننمودند، به اطاعت خدا امر فرمودی ولی اطاعت نشدی، و گواهی می‌دهم که تو از

دَعائِمِ الدِّينِ وَعَمُودُهُ، وَرُكْنُ الْأَرْضِ وَعِمادُها.

ارکان دین و ستون آن و رکن زمین و پایه و اساس آن هستی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَبابُ الْهُدىٰ،

و شهادت می‌دهم که تو و امامان از اهل بیت تو نشانه تقوی و باب هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا، وَأُشْهِدُ اللّهَ وَمَلائِكَتَهُ

و دست آویز مورد اطمنیان و حجت بر اهل دنیا هستید و خدا را گواه می‌گیرم و ملائکه و

وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ، وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ فِي ذاتِ

پیامبران و رسولانش را و شما را گواه می‌گیرم که من به شما مؤمنم و پیرو شما هستم در مورد

نَفْسِي، وَشَرائِعِ دِينِي، وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلىٰ رَبِّي.

خودم و احکام دینم و پایان کارم و بازگشتم به سوی پروردگارم.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَدَّيْتَ عَنِ اللّٰهِ وَعَنْ رَسُولِهِ صادِقاً، وَقُلْتَ أَميناً،

و گواهی می‌دهم که ادا نمودی از طرف خدا و رسول خدا در حالی که بسیار راستگو بودی، و گفتی در حالی که

وَنَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِداً، وَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ ضَلالاً

امین بودی، و برای خدا و رسول او خیر خواهی نمودی در حالی که بسیار تلاش کردی، و از این دنیا گذشتی در

عَلىٰ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلىٰ باطِلٍ، فَجَزاكَ اللّٰهُ عَنْ رَعِيَّتِكَ[1]

حالی که بر یقین کامل بودی، ترجیح ندادی گمراهی را بر هدایت، و میل ننمودی از حق به باطل، پس پاداش دهد

خَيْراً، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ صَلاٰةً لاٰيُحْصِيها غَيْرُهُ، وَعَلَيْكَ السَّلاٰمُ

تو را خداوند از طرف رعیّت تو بهترین پاداش را، و درود خدا بر تو درودی که غیر او نتواند شمارش کند و بر تو

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

باد سلام و رحمت خدا و برکات او.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُصَلِّي عَلَيْهِ كَما صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَصَلّىٰ عَلَيْهِ مَلائِكَتُكَ

خداوندا من بر او درود می‌فرستم همان طور که تو بر او درود فرستادی و درود فرستاد بر

وَأَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ وَأَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ وَالْاَئِمَّةُ أَجْمَعُونَ، صَلاٰةً كَثِيرَةً

او فرشتگان و پیامبران و رسولانت و امیرالمؤمنین و تمامی امامان، درودی فراوان و پیوسته

مُتَتابِعَةً مُتَرادِفَةً، يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً، في مَحْضَرِنا هٰذا، وَإِذا غِبْنا،

و پی در پی که بعضی از آن در پی بعضی آید در این محضر ما و زمانی که غایب گشتیم

وَعَلىٰ كُلِّ حالٍ، صَلاٰةً لَا انْقِطاعَ لَها وَلاٰ نَفادَ.

و در همه حال، درودی که انقطاعی برای آن و پایانی برایش نباشد.

أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ فِي ساعَتِي هٰذِهِ، وَفِي كُلِّ ساعَةٍ، تَحِيَّةً مِنِّي

خداوندا به روح مقدس و جسد مطهر او در این ساعت و در هر ساعت سلام و تحیت فراوان از

كَثِيرَةً وَسَلاٰماً، آمَنّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ، (وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ)[2]

طرف من برسان، ایمان آوردیم به خداوند یکتا «و متابعت کردیم از رسول، پس ما را از گواهان بنویس».

۱. «رَعیّته»، خ.

۲. سورهٔ آل عمران، آیه۵۳.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّـهِ، أَتَيْتُكَ بِأَبِـي أَنْتَ وَأُمِّي زائِـراً وافِداً

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، من آمده‌ام ـ پدر و مادرم به فدایت ـ زائر و کوچ کننده به سوی تو، به سبب

إِلَيْـكَ، مُتَوَجِّهاً بِكَ إِلىٰ رَبِّكَ وَرَبِّي، لِيُنْجِحَ لِـي بِكَ حَوائِجِي، وَيُعْطِيَنِي

تو به سوی پروردگارت و پروردگارم روی آورده و توجّه نموده‌ام تا روا نماید به واسطه تو حوائجم را و عطا

بِكَ سُـوْلِي، فَاشْـفَعْ لِـي عِنْدَهُ، وَكُنْ لِـي شَـفِيعاً، فَقَدْ جِئْتُـكَ هارِباً مِنْ

کند به واسطه تو درخواستم را، پس برای من نزد او شفاعت کن و شفیع من باش، من به راستی نزد تو آمده‌ام

ذُنُوبِـي مُتَنَصِّـلاً إِلـىٰ رَبِّـي مِـنْ سَـيِّئِ عَمَلِـي، راجِيـاً فِـي مَوْقِفـي هٰـذَا

در حالی که از گناهانم گریزانم و از بدی عملم به سوی پروردگارم زاری کننده‌ام، و در این جایگاهم امید

الْخَـلاٰصَ مِـنْ عُقُوبَـةِ رَبِّي، طامِعـاً أَنْ يَسْـتَنْقِذَنِي رَبِّي بِكَ مِـنَ الرَّدىٰ.

رهایی از کیفر پروردگارم دارم و در طمع این هستم که پروردگارم مرا به واسطه تو از هلاکت نجات دهد.

أَتَيْـتُكَ يـا مَـوْلاٰيَ وافِـداً إِلَيْـكَ، إِذْ رَغِـبَ عَنْ زِيارَتِـكَ أَهْـلُ الدُّنْيا،

آمدم نزد تو ای مولای من در حالی که به سویت کوچ کرده‌ام، اهل دنیا از زیارت تو

وَإِلَيْـكَ كانَـتْ رِحْلَتِـي، وَلَـكَ عَبْرَتِـي وَصَرْخَتِـي، وَعَلَيْكَ أَسَـفي، وَلَكَ

روی گردانند ولی کوچ کردن من به سوی تو بوده، گریه و فریادم برای تو و تأسفم بر تو،

نَحِيبـي وَزَفْرَتـي، وَعَلَيْـكَ تَحِيَّتـي وَسَـلاٰمي، أَلْقَيْـتُ رَحْلَتـي[1] بِفِنائِكَ،

و ناله و سوز دلم برای تو و درود و سلام من بر تو است، بر در سرایت رحل اقامت افکندم، به تو و

مُسْـتَجِيراً بِـكَ وَبِقَبْـرِكَ، مِمّـا أَخـافُ مِنْ عَظِيـمِ جُرْمـي، وَأَتَيْـتُكَ زائِراً

مرقد پاک تو پناه آورده‌ام از آنچه می‌ترسم از گناه عظیم خود، و آمده‌ام در حالی که زائرم و ثبات

أَلْتَمِـسُ ثَبـاتَ الْقَدَمِ فِـي الْهِجْـرَةِ إِلَيْكَ.

قدم در هجرت به سوی تو را درخواست می‌نمایم.

وَقَـدْ تَيَقَّنْـتُ أَنَّ اللّـهَ جَـلَّ ثَنـاوُهُ، بِكُـمْ يُنَفِّـسُ الْهَـمَّ، وَبِكُمْ يَكْشِـفُ

و من بر این یقین و باورم که خداوند تبارک و تعالی به سبب شما اندوه را می‌زداید و به سبب شما

۱. «رَحلي»، خ

الْكَـرْبَ، وَبِكُـمْ يُباعِدُنـا عَـنْ نائِباتِ الزَّمـانِ الْكَلِـبِ، وَبِكُمْ فَتَـحَ اللَّهُ،

گرفتاری را برطرف می‌کند و به واسطه شما ما را از ناملائمات این زمان سخت و دشوار دور می‌گرداند

وَبِكُـمْ يَخْتِـمُ، وَبِكُمْ يُنَـزِّلُ الْغَيْثَ، وَبِكُـمْ يُنَـزِّلُ الرَّحْمَةَ، وَبِكُمْ يُمْسِـكُ

و به شما خداوند آغاز کرد و به شما پایان می‌دهد و به واسطه شما باران رحمت خود را نازل می‌نماید،

الْأَرْضَ أَنْ تَسِـيخَ بِأَهْلِهـا، وَبِكُـمْ يُثْبِتُ اللَّـهُ جِبالَها عَلـىٰ مَراتِبِها[1]، وَقَدْ

و به واسطه شما زمین را نگه می‌دارد از اینکه اهلش را در خود فرو برد، و به واسطه شما کوه‌ها را

تَوَجَّهْـتُ إِلـىٰ رَبِّـي بِكَ يا سَـيِّدي فِي قَضـاءِ حَوائِجـي وَمَغْفِـرَةِ ذُنُوبي،

بر قرارگاهش ثابت بدارد، ای سرور من به واسطه تو به سوی پروردگارم در برآمدن حوائجم و آمرزش

فَـلا أَخِيبَـنَّ مِـنْ بَيْـنِ زُوّارِكَ، فَقَـدْ خَشِـيتُ ذَلِـكَ إِنْ لَـمْ تَشْـفَعْ لـي،

گناهانم روی آورده‌ام، مرا در میان زائرانت نا امید مگردان، اگر برای من شفاعت نکنی از آن می‌ترسم،

وَلا يَنْصَرِفَـنَّ زُوّارُكَ يـا مَـوْلايَ بِالْعَطـاءِ وَالْحِبـاءِ، وَالْخَيْـرِ وَالْجَـزاءِ،

ای مولای من زائرانت بازنگردند مگر به عطا و بخشش و خیر و پاداش و آمرزش و خشنود در حالی که

وَالْمَغْفِـرَةِ وَالرِّضـا، وَأَنْصَـرِفُ مَجْبُوهـاً بِذُنُوبـي، مَـرْدُوداً عَلَـيَّ عَمَلي،

من بازگردم رد شده و محروم به سبب گناهانم و درحالی که عملم رد شده و نا امید شده‌ام به خاطر

قَـدْ خُيِّبْـتُ لِمـا سَـلَفَ مِنِّـي.

آنچه در گذشته از من سرزده است.

فَـإِنْ كانَـتْ هٰـذِهِ حالـي، فالْوَيْـلُ لي مـا أَشْـقاني، وَأَخْيَبَ سَـعْيي،

پس اگر حال من چنین باشد وای بر من، چه چیز مرا شقی ساخته و سعی و تلاش مرا ناکام نموده، و

وَفِـي حُسْـنِ ظَنِّـي بِرَبِّي وَبِنَبِيِّـي، وَبِكَ يـا مَـوْلايَ، وَبِالْأَئِمَّةِ مِـنْ ذُرِّيَّتِكَ

درگمان نیکوی من به پروردگارم و به پیامبرم و به تو ای مولای من و به امامان از ذریه تو که سروران من

سـاداتِي، أَنْ لا أَخيـبَ، فَاشْـفَعْ لـي إِلىٰ رَبِّـي لِيُعْطِيَنِي أَفْضَـلَ ما أَعْطىٰ

هستند این است که محروم نگردم، پس برای من نزد پروردگارم شفاعت کن که به من عطا کند بهتر از آنچه

۱. «مَراسیها»، خ.

أَحَـداً مِـنْ زُوّارِكَ، وَالْوافِدِيـنَ إِلَيْـكَ، وَيَحْبُوَنِـي وَيُكْرِمَنِـي وَيُتْحِفَنِـي

به یکی از زائرانت کسانی که به سویت کوچ کرده اند عطا می‌کند و به من مرحمت فرماید و اکرام نماید و

بِأَفْضَـلِ مـا مَـنَّ بِـهِ عَلـىٰ أَحَـدٍ مِـنْ زُوّارِكَ، وَالْوافِدِيـنَ إِلَيْـكَ.

تحفه و ارمغان بخشد بهتر از آنچه بر یکی از زائرانت و کسانی که به سویت کوچ کرده اند می‌بخشد.

سپس دست‌هایت را به سوی آسمان بالا ببر و بگو: **أَللّٰهُمَّ قَدْ تَرىٰ مَكانِي،**

خداوندا جایگاه مرا می‌بینی

وَتَسْـمَعُ كَلامِـي، وَتَـرىٰ مَقامِـي وَتَضَرُّعِـي، وَمَـلاذِي بِقَبْـرِ وَلِيِّـكَ،

و سخنم را می‌شنوی، ایستادنم و زاری مرا و پناه بردنم را به قبر ولیت

وَحُجَّتِـكَ وَابْـنِ نَبِيِّـكَ، وَقَـدْ عَلِمْـتَ يـا سَـيِّدِي حَوائِجِـي، وَلا يَخْفـىٰ

و حجتت و پسر پیامبرت می‌بینی و حوائجم را ای سرور من می‌دانی و حال من بر تو

عَلَيْـكَ حالِـي، وَقَدْ تَوَجَّهْـتُ إِلَيْكَ بِابْـنِ رَسُـولِكَ، وَحُجَّتِـكَ وَأَمِينِكَ،

پوشیده و پنهان نیست، به واسطه فرزند پیامبرت و حجتت و امین تو به تو روی آورده‌ام

وَقَـدْ أَتَيْتُـكَ مُتَقَرِّبـاً بِـهِ إِلَيْكَ وَإِلَـى رَسُـولِكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِ عِنْـدَكَ وَجِيهاً

و آمده‌ام نزد تو در حالی که به واسطه او به تو و رسول تو تقرب می‌جویم، پس مرا به واسطه

فِـي الدُّنْيـا وَالْآخِرَةِ وَمِـنَ الْمُقَرَّبِيـنَ، وَأَعْطِنِـي بِزِيارَتِي أَمَلِـي، وَهَبْ لِي

او نزد خودت در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان گردان، و با این زیاتم آرزوی مرا برآورده

مُنـايَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِشَـهْوَتِي وَرَغْبَتِـي، وَاقْضِ لي حَوائِجِـي، وَلا تَرُدَّنِي

ساز و خواسته‌ام را به من ببخش و به آنچه میل و رغبت دارم تفضّل فرما و حوائجم را روا فرما

خائِبـاً، وَلا تَقْطَعْ رَجائِـي، وَلا تُخَيِّبْ دُعائِـي، وَعَرِّفْنِي الْإِجابَـةَ فِي جَمِيعِ

و مرا محروم بازمگردان و امیدم را قطع مکن و دعایم را ناکام مگذار و در جمیع آنچه

مـا دَعَوْتُـكَ، مِنْ أَمْـرِ الدِّيـنِ وَالدُّنْيـا [وَالْآخِـرَةِ]. وَاجْعَلْنِي مِـنْ عِبادِكَ

دعا کردم از امر دین و دنیا و آخرت اجابت را به من بشناسان و مرا قرار بده از بندگانت

الَّذِيـنَ صَرَفْـتَ عَنْهُـمُ الْبَلاٰيـا وَالْاَمْـراضَ، وَالْفِتَـنَ وَالْاَعْـراضَ، مِـنَ

که از آن‌ها بلاها و مرض‌ها و فتنه‌ها وحوادث را گرداندی، از کسانی که در عافیت

الَّذِيـنَ تُحْيِيهِـمْ فـي عافِيَـةٍ، وَتُمِيتُهُـمْ فـي عافِيَـةٍ، وَتُدْخِلُهُـمُ الْجَنَّةَ في

آن‌ها را زنده می‌داری و در عافیت آن‌ها را می‌میرانی و در عافیت وارد بهشت می‌نمایی

عافِيَـةٍ، وَتُجِيرُهُـمْ مِـنَ النّارِ فـي عافِيَـةٍ، وَوَفِّقْ لـي بِمَنٍّ مِنْـكَ صَلاٰحَ ما

و در عافیت از آتش پناهشان می‌دهی، و مرا موفق بدار به لطف خویش بر اصلاح آنچه

أُوَمِّـلُ في نَفْسـي وَأَهْلـي وَوَلَـدِي وَإِخْواني وَمالـي، وَجَمِيعِ مـا أَنْعَمْتَ

آرزو دارم درمورد خودم و اهل و عیال و فرزندان و برادران و مال و ثروتم و تمام آنچه بر من انعام

بِـهِ عَلَيَّ، يـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.

نموده‌ای، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سـپس خـود را بـر قبـر بیفکـن و بگـو: اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا حُجَّـةَ اللّـهِ

سلام بر تو ای حجت خدا و امین او، و جانشین او

وَأَمِينَـهُ[1]، وَخَلِيفَتَـهُ فـي عِبـادِهِ، وَخـازِنَ عِلْمِهِ، وَمُسْـتَوْدَعَ سِـرِّهِ، بَلَّغْتَ

در میان بندگانش و خزانه دار علمش و محل نگهداری و حفاظت از سرّش، از طرف خداوند آنچه بدان امر شده

عَـنِ اللّـهِ مـا أُمِرْتَ بِـهِ، وَوَفَيْـتَ وَأَوْفَيْـتَ، وَمَضَيْـتَ عَلىٰ يَقِينٍ شَـهِيداً

بودی ابلاغ نمودی و وفا کردی و ادا فرمودی و بر یقین از این دنیا گذشتی در حالی که به شهادت رسیدی و گواه

وَشـاهِداً وَمَشْـهُوداً، صَلَـواتُ اللّـهِ وَرَحْمَتُـهُ عَلَيْـكَ.

بر امّت بودی و خدا و رسولش برای تو شهادت دهنده اند، درود خدا و رحمت او بر تو باد.

أَنَـا يـا مَـوْلاٰيَ وَلِيُّكَ، اَللّائِـذُ بِكَ فـي طاعَتِـكَ، أَلْتَمِسُ ثَبـاتَ الْقَدَمِ

من ای مولای من ارادتمند تو ام، به تو پناهنده‌ام در اطاعت تو، و ثبات قدم در هجرت به نزد تو

فِـي الْهِجْـرَةِ عِنْـدَكَ، وَكَمـالَ الْمَنْزِلَةِ فِـي الْاٰخِرَةِ بِـكَ، أَتَيْتُـكَ بِأَبي أَنْتَ

را درخواست می‌نمایم و کمال منزلت در آخرت را به واسطه تو خواهانم، آمدم نزد تو پدر و مادر و

۱. «اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّهِ وَ اَمينُهُ»، خ.

وَأُمِّـي وَنَفْسِـي وَمالـي وَوَلَـدِي زائِـراً، وَبِحَقِّـكَ عارِفـاً، مُتَّبِعـاً لِلْهُـدَى

جان و مال و فرزندم به فدایت به عنوان زائر در حالی که به حق تو عارف و معترفم و هدایتی را که

الَّـذِي أَنْـتَ عَلَيْهِ، مُوجِبـاً لِطاعَتِكَ، مُسْـتَيْقِناً فَضْلَكَ، مُسْـتَبْصِراً بِضَلالَةِ

تو بر آن هستی متابعت کننده‌ام، اطاعت تو را واجب می‌دانم و به فضل تو یقین دارم و از گمراهی

مَـنْ خالَفَـكَ، عالِمـاً بِـهِ، مُتَمَسِّـكاً بِوِلايَتِـكَ، وَوِلايَـةِ آبائِـكَ وَذُرِّيَّتِـكَ

مخالفان تو آگاهم و به آن علم دارم، به ولایت تو و ولایت پدران بزرگوار و ذریه پاک تو

الطّاهِرِيـنَ، أَلا لَعَـنَ اللَّـهُ أُمَّـةً قَتَلَتْكُـمْ وَخالَفَتْكُـمْ، وَشَـهِدَتْكُمْ فَلَـمْ

چنگ زده‌ام، خدا لعنت کند گروهی را که کشتند شما راو مخالفت کردند با شما، حضور داشتند

تُجاهِـدْ مَعَكُـمْ، وَغَصَبَتْكُـمْ حَقَّكُمْ.

ولی به همراه شما جهاد ننمودند و حق شما را غصب کردند.

أَتَيْتُـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّهِ مَكْرُوبـاً، وَأَتَيْتُـكَ مَغْمُومـاً، وَأَتَيْتُـكَ مُفْتَقِراً

ای پسر رسول خدا نزد شما اندوهگین آمدم غمناک آمدم، محتاج به شفاعتت آمدم، برای هر زائری

إِلَـى شَـفاعَتِكَ، وَلِـكُلِّ زائِـرٍ حَـقٌّ عَلـىٰ مَـنْ أَتـاهُ، وَأَنَـا زائِـرُكَ وَمَـوْلاكَ

حقی است نسبت به آنکه خدمت او رسیده است من زائر شما و غلام شما و مهمان شما هستم که

وَضَيْفُـكَ، اَلنّـازِلُ بِـكَ، وَالْحالُّ بِفِنائِكَ، وَلِـي حَوائِجُ مِـنْ حَوائِجِ الدُّنْيا

خدمت شما رسیده و در صحن و سرای شما وارد شده‌ام و من حاجت‌ها و نیازهای دنیوی و اخروی دارم

وَالْآخِـرَةِ. بِـكَ أَتَوَجَّـهُ إِلَـى اللّـهِ فِي نُجْحِهـا وَقَضائِها، فَاشْـفَعْ لِـي عِنْدَ

به واسطه شما به خدا روی می‌آورم در برآورده شدن آن‌ها، پس نزد پروردگارت و پروردگارم برای من

رَبِّـكَ وَرَبِّي فِـي قَضاءِ حَوائِجِـي كُلِّها، وَقَضـاءِ حاجَتِي الْعُظْمـىٰ، اَلَّتي

شفاعت کن در برآورده شدن همهٔ آن‌ها و برآورده شدن حاجت بزرگ‌ترم که اگر آن را عطا کنی ضرر

إِنْ أَعْطانِيهـا لَـمْ يَضُرُّنِي مـا مَنَعَنـي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيها لَمْ يَنْفَعْنِـي ما أَعْطاني

نمی‌زند به من آنچه را از من بازداری، و اگر آن را بازداری سودی نمی‌بخشد به من آنچه عطا کنی، و

فِكاكِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، وَالدَّرَجاتِ الْعُلىٰ، وَالْمِنَّةِ عَلَيَّ بِجَمِيعِ

آن رهایی یافتنم از آتش دوزخ و راه یافتن به درجات بالاتر و منت گذاشتن بر من برای رسیدن به همه

سُؤْلِي وَرَغْبَتِي، وَشَهَواتِي وَإِرادَتِي وَمُنايَ، وَصَرْفِ جَمِيعِ الْمَكْرُوهِ

خواسته‌ها و آرزوها و تمنیّات و خواهش‌ها و گرداندن تمام ناپسندها

وَالْمَحْذُورِ عَنِّي، وَعَنْ أَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْواني وَمالي وَجَمِيعِ ما

از من و از اهل و عیال و فرزندان و برادران ومال وهمه آنچه بر من عطا کرده‌ای و

أَنْعَمَ عَلَيَّ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

بخشیده‌ای می‌باشد و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

سپس سر خود را بلند کن و بگو: **اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي جَعَلَنِي مِنْ**

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که مرا زائر

زُوّارِ ابْنِ نَبِيِّهِ، وَرَزَقَنِي مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ، وَالْإِقْرارَ بِحَقِّهِ، وَالشَّهادَةَ بِطاعَتِهِ،

پسر پیامبرش قرار داد و شناخت فضیلت او و اقرار به حق او و گواهی دادن به اطاعت او را روزی من گردانید

(رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ)[1]

«پروردگارا ایمان آوردیم به آنچه نازل فرمودی و از فرستاده ات متابعت نمودیم، ما را در زمره گواهان بنویس»

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. لَعَنَ اللّهُ قاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللّهُ

سلام بر تو ای پسر رسول خدا. خدا لعنت کند آنکه تو را کشت و خدا لعنت کند آنکه تو را بی‌یار رها کرد،

خاذِلِيكَ، وَلَعَنَ اللّهِ سالِبِيكَ، وَلَعَنَ مَنْ رَماكَ، وَلَعَنَ مَنْ طَعَنَكَ،

و خدا لعنت کند آنکه جامه از تنت ربود، خدا لعنت کند آن را که تیر به طرف تو رها کرد و کسی را که بر

وَلَعَنَ الْمُعِينِينَ عَلَيْكَ، وَلَعَنَ السّائِرِينَ إِلَيْكَ، وَلَعَنَ مَنْ مَنَعَكَ

تو نیزه زد، و کسانی را که یکدیگر را علیه تو کمک کردند، و لعنت خدا بر لشکرکشندگان به سوی تو، و لعنت

شُرْبَ ماءِ الْفُراتِ، وَلَعَنَ مَنْ دَعاكَ وَغَشَّكَ وَخَذَلَكَ، وَلَعَنَ اللّهُ

خدا بر آنکه تو را از آشامیدن آب فرات مانع گردید، و لعنت خدا بر آنکه تورا فراخواند و نیرنگ زد و تو را تنها

۱. سورهٔ آل عمران، آیه۵۳.

ابْـنَ آكِلَـةِ الْاَكْبـادِ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ ابْنَهُ الَّـذِي وَتَـرَكَ. وَلَعَـنَ اللَّـهُ أَعْوانَهُمْ

رها کرد، لعنت خدا بر پسر هند جگوخوار و لعنت خدا بر پسر او که بر تو ظلم کرد و انتقامش گرفته نشد، و

وَأَتْباعَهُـمْ وَأَنْصارَهُـمْ وَمُحِبِّيهِـمْ، وَمَـنْ أَسَّـسَ لَهُـمْ، وَحَشَـا اللَّـهُ

لعنت خدا بر مددکاران و پیروان و یاران ودوستان ایشان و کسی که برای آن‌ها تأسیس نمود و زمینه را فراهم کرد،

قُبُورَهُـمْ نـاراً، وَالسَّـلامُ عَلَيْكَ، بِأَبِـي أَنْتَ وَأُمِّـي، وَرَحْمَةُ اللّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

خداوند قبرهای آنان را پر از آتش کند، و سلام بر تو ـ پدر و مادرم به فدایت، رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

سپس از نزد قبر به کناری برو و روی خود به سوی قبله کن و دستهایت را به سوی آسمان بالا ببر و بگو:

أَللَّهُـمَّ مَـنْ تَهَيَّـأَ وَتَعَبَّـأَ، وَأَعَـدَّ وَاسْـتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إِلـىٰ مَخْلُـوقٍ، رَجاءَ

خداوندا هر کس آماده و مهیا گشته و بار و بنه سفر برداشته تا به سوی مخلوقی

رِفْـدِهِ وَجائِزَتِـهِ، وَنَوافِلِـهِ وَفَواضِلِهِ وَعَطايـاهُ، فَإِلَيْكَ يا رَبِّ كانَـتْ تَهْيِئَتِي

کوچ کند به امید جود و بخشش و عطا و پاداش و کمک او، پروردگارا من آماده و مهیا

[وَتَعْبِئَتِـي]، وَإِعْـدادِي وَاسْـتِعْدادِي وَسَـفَري، وَإِلـىٰ قَبْرِ وَلِيِّـكَ وَفَدْتُ،

و مجهز گشته و بار و بنه سفر برداشته به سوی تو، و کوچ کرده‌ام به سوی قبر ولیّ

وَبِزِيارَتِـهِ إِلَيْـكَ تَقَرَّبْـتُ، رَجـاءَ رِفْـدِكَ وَجَوائِـزِكَ، وَنَوافِلِـكَ وَعَطايـاكَ

تو و به زیارت او به سوی تو تقرب می‌جویم به امید کمک و بخشش و جود و عطا

وَفَواضِلِـكَ. أَللَّهُـمَّ وَقَـدْ رَجَـوْتُ كَرِيـمَ عَفْـوِكَ، وَواسِـعَ مَغْفِرَتِـكَ،

و پاداش تو. خداوندا من که به عفو کریمانه و آمرزش واسعه تو امیدوارم، مرا

فَـلا تَرُدَّنـي خائِبـاً، فَإِلَيْـكَ قَصَـدْتُ، وَمـا عِنْـدَكَ أَرَدْتُ، وَقَبْـرَ إِمامِـيَ

ناامید بازمگردان، به سوی تو قصد نموده و آنچه نزد تو است خواهانم و قبر امامی

الَّـذي أَوْجَبْـتَ عَلَيَّ طاعَتَـهُ زُرْتُ، فَاجْعَلْنِي بِـهِ عِنْدَكَ وَجِيهـاً فِي الدُّنْيا

که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای زیارت نموده‌ام، مرا نزد خودت به خاطر او در دنیا و آخرت

وَالْاٰخِرَةِ، وَأَعْطِنِي بِهِ جَمِيعَ سُؤْلِي، وَاقْضِ لِي بِهِ جَمِيعَ حَوَآئِجِي،

آبرومندگردان، و به خاطر او تمام خواسته‌هایم را عطا کن و به خاطر او تمام حاجت‌هایم را

وَلاٰتَقْطَعْ رَجائِي، وَلاٰتُخَيِّبْ دُعائِي، وَارْحَمْ ضَعْفِي، وَقِلَّةَ حِيلَتِي،

برآورده فرما و امیدم را قطع مکن و دعایم را ناکام مگردان و به ضعف و بیچارگی من رحم کن

وَلاٰ تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي وَلاٰ إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.

و مرا به خودم و به یکی از مخلوقاتت وامگذار.

مَوْلاٰيَ فَقَدْ أَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي، وَقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَابْتُلِيتُ بِخَطِيئَتِي،

مولای من، گناهانم مرا لال نموده و حجّتم را قطع کرده و به خطاهایم مبتلا گشته

وَارْتُهِنْتُ بِعَمَلِي، وَأَوْبَقْتُ نَفْسِي، وَوَقَفْتُهَا مَوْقِفَ الْاَذِلّاءِ الْمُذْنِبِينَ،

و در گرو عملم می‌باشم و خود را به هلاکت افکنده و آن را در جایگاه ذلیلان گنه کار،

اَلْمُجْتَرِئِينَ عَلَيْكَ، اَلتّارِكِينَ أَمْرَكَ، اَلْمُغْتَرِّينَ بِكَ، اَلْمُسْتَخِفِّينَ

که جرأت نموده بر تو و امر و فرمان تو را ترک کرده و مغرور به (رحمت) تو گشته و وعده تو را سبک

بِوَعْدِكَ، وَقَدْ أَوْبَقَنِي مَا كانَ مِنْ قَبِيحِ جُرْمِي وَسُوءِ نَظَرِي لِنَفْسِي،

شمرده متوقّف ساخته‌ام و مرا به هلاکت افکنده جرم زشتی که از من سرزده و بدی نظرم نسبت به خودم،

فَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَنَدامَتِي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَارْحَمْ عَبْرَتِي، وَاقْبَلْ

پس به تضرع من و پشیمانی من رحم کن، و لغزشم را نادیده بگیر و به اشک دیدگانم ترحم نما

مَعْذِرَتِي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلِي، وَبِإِحْسانِكَ عَلىٰ إِساءَتِي،

و عذرخواهی مرا بپذیر، و با حلم و بردباریت بر جهل من و با احسانت بر بدی من و با عفوت

وَبِعَفْوِكَ عَلَى جُرْمِي، وَإِلَيْكَ أَشْكُو ضَعْفَ عَمَلِي، فَارْحَمْنِي

بر جرم من پاسخ بده، و به سوی تو شکوه می‌کنم از عمل ضعیف و ناچیزم، پس بر من رحم کن

يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

ای مهربان ترین مهربانان.

أَللَّهُـمَّ اغْفِـرْ لـي، فَإِنِّي مُقِـرٌّ بِذَنْبِـي، مُعْتَـرِفٌ بِخَطِيئَتِي، وَ هٰـذِهِ يَدِي

خداوندا مرا بیامرز که من به گناه خود اقرار و به خطای خود معترفم، و این

وَناصِيَتِـي أَسْـتَكِينُ بِالْفَقْـرِ مِنِّي يا سَـيِّدِي، فَاقْبَـلْ تَوْبَتِي، وَنَفِّـسْ كَرْبِي،

دست و موهای جلوی پیشانی من است. پس توبه مرا بپذیر و اندوهم را برطرف کن

وَارْحَـمْ خُشُـوعِي وَخُضُوعِـي، وَأَسَـفِي عَلـىٰ مـا كانَ مِنِّـي، وَوُقُوفِـي

و به خشوع و خضوع من و تأسفم بر آنچه از من سرزده و ایستادنم در کنار قبر

عِنْـدَ قَبْـرِ وَلِيِّكَ، وَذُلِّـي بَيْنَ يَدَيْـكَ. فَأَنْتَ رَجائِـي وَمُعْتَمَـدِي، وَظَهْرِي

ولیّت و ذلت و خواری‌ام در پیشگاهت رحم کن. تو امید من و تکیه گاه و پشتیبان

وَعُدَّتِـي، فَلاٰتَرُدَّنِـي خائِباً، وَتَقَبَّلْ عَمَلِي، وَاسْـتُرْ عَوْرَتِـي، وَآمِنْ رَوْعَتِي،

و همه دار و ندار من هستی، پس مرا محروم بازمگران و عملم را بپذیر و عیوبم را بپوشان و ترس و وحشتم

وَلاٰتُخَيِّبْنِـي، وَلاٰ تَقْطَـعْ رَجائِـي مِـنْ بَيْـنِ خَلْقِكَ يا سَـيِّدِي.

را ایمنی بخش و مرا ناکام مگردان و از میان خلایق امید مرا قطع مکن ای سرور من.

أَللَّهُـمَّ وَقَـدْ قُلْـتَ فِـي كِتابِـكَ الْمُنْـزَلِ عَلـىٰ نَبِيِّـكَ الْمُرْسَـلِ، صَلَّى

خداوندا در کتاب نازل شده بر پیامبر فرستاده شده ات ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ فرموده‌ای :

اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ: (اُدْعُونِـي أَسْـتَجِبْ لَكُـمْ إِنَّ الَّذِيـنَ يَسْـتَكْبِرُونَ عَـنْ

«مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را، آنانکه از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی به خواری در جهنم داخل

عِبادَتِـي سَـيَدْخُلُونَ جَهَنَّـمَ داخِرِيـنَ)[1]، يـا رَبِّ وَقَوْلُـكَ الْحَـقُّ، وَأَنْتَ

می‌شوند» پرودرگارا گفته تو حق است و تو کسی هستی که خلف وعده نمی‌کنی، پس دعایم را به اجابت

الَّـذِي لاٰتُخْلِـفُ الْمِيعادَ، فَاسْـتَجِبْ لِي يا رَبِّ، فَقَدْ سَـأَلَكَ السّـائِلُونَ،

رسان، درخواست‌کنندگان از تو مسألت نمودند و من نیز از تو درخواست نموده‌ام، تقاضاکنندگان از تو

وَسَـأَلْتُكَ، وَطَلَـبَ الطّالِبُـونَ وَطَلَبْـتُ مِنْكَ، وَرَغِـبَ الرّاغِبُـونَ وَرَغِبْتُ

تقاضا نمودند و من نیز از تو تقاضا نموده‌ام، خواهشمندان از تو خواهش نمودند و من نیز از تو خواهش

۱. سورهٔ غافر، آیه۶۰.

إِلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ لا تُخَيِّبَنِي، وَلا تَقْطَعَ رَجائِي، فَعَرِّفْنِي الْإِجابَةَ يا

کرده‌ام، و تو شایسته آن هستی که مرا محروم نگردانی و امیدم را قطع نکنی و اثر اجابت را به من

سَيِّدِي، وَاقْضِ لِي حَوائِجَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

بشناسانی و نشان دهی ای سرور من، حوائج دنیا و آخرت مرا برآورده ساز، ای مهربان‌ترین مهربان

سپس به قسمت سر مبارک برو و در آنجا دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اوّل سوره حمد و سوره یس، و در رکعت دوم سورهٔ حمد و سوره الرحمن، و وقتی سلام نماز را دادی و تسبیح حضرت زهرا 3 را گفتی، زیاد خدا را تمجید نما و برای گناهانت استغفار کن و بر رسول خدا 9 درود فرست. سپس دست‌هایت را بالا ببر و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّا أَتَيْناهُ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسَلِّمِينَ لَهُ، مُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ، عارِفِينَ

خدایا ما نزد او آمده‌ایم، در حالی که به او ایمان داشته و تسلیم او هستیم، به رشته محکم ولایت

بِحَقِّهِ، مُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ، مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَهُ، عارِفِينَ

او چنگ زده ایم، به حق او آشنا هستیم و به فضل او اقرار داریم و به گمراهی مخالفین او آگاهیم و

بِالْهُدَى الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ، وَأُشْهِدُ مَنْ حَضَرَ مِنْ

به هدایتی که او بر آن است عارفیم، خداوندا تو را گواه می‌گیرم و فرشتگانی را که حضور دارند

مَلائِكَتِكَ، أَنِّي بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْ قَتَلَهُمْ كافِرٌ.

گواه می‌گیرم که من به ایشان مؤمنم و به قاتلانشان کافرم.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ما أَقُولُ بِلِسانِي حَقِيقَةً فِي قَلْبِي، وَشَرِيعَةً فِي عَمَلِي.

خداوندا آنچه را به زبان می‌گویم حقیقتی در قلبم و آیینی در عملم قرار بده.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثابِتٌ، وَأَثْبِتْنِي

خداوندا مرا قرار بده از کسانی که به همراه حسین بن علی 8 ثابت قدم اند و ثابت بدار مرا در کسانی

فِيمَـنِ اسْتُشْـهِدَ مَعَهُ.

که به همراه او شهادت طلب اند.

أَللَّهُـمَّ الْعَـنِ الَّذِيـنَ بَدَّلُـوا نِعْمَتَـكَ كُفْـراً، سُـبْحانَكَ يـا حَلِيـمُ عَمّا

خداوندا لعنت کن کسانی را که نعمت تو را از روی کفر دگرگون نمودند، منزّهی تو ای

يَعْمَـلُ الظّالِمُـونَ فِـي الْاَرْضِ، يـا عَظِيـمُ تَرىٰ عَظِيـمَ الْجُرْمِ مِـنْ عِبادِكَ

بردبار از آنچه ستمگران در روی زمین انجام می‌دهند، ای با عظمت تو جرم بزرگ را می‌بینی

فَلاتَعْجَـلُ عَلَيْهِـمْ، فَتَعالَيْـتَ عَمّا يَقُـولُ الظّالِمُـونَ عُلُوّاً كَبِيراً يـا كَرِيمُ.

و در عقوبت آنان شتاب نمی‌کنی، تو برتر و والاتری از آنچه ستمگران می‌گویند، ای بزرگوار.

أَنْـتَ شـاهِدٌ غَيْـرُ غائِـبٍ، وَعالِـمٌ بِمـا أُوتِـيَ إِلـىٰ أَهْـلِ صَلَواتِـكَ

تو حاضری و غایب نیستی و دانایی به رفتاری که شد با اهل صلوات و رحمتت

وَأَحِبّائِـكَ، مِـنَ الْاَمْـرِ الَّـذِي لاتَحْمِلُـهُ سَـماءٌ وَلاٰ أَرْضٌ، وَلَـوْ شِـئْتَ

و دوستانت از امری که آسمان و زمین تاب تحمّل آن را ندارد، اگر می‌خواستی

لَانْتَقَمْـتَ مِنْهُـمْ، وَلَكِنَّكَ ذُو أَنـاةٍ، وَقَدْ أَمْهَلْـتَ الَّذِينَ اجْتَـرَءُوا عَلَيْكَ،

از آنان انتقام می‌گرفتی، ولی تو صبر بسیار داری، مهلت داده‌ای به کسانی که بر تو و بر رسولت

وَعَلـىٰ رَسُـولِكَ وَحَبِيبِكَ، فَأَسْـكَنْتَهُمْ أَرْضَـكَ، وَغَذَوْتَهُـمْ بِنِعْمَتِكَ إِلىٰ

و حبیبت جرأت نمودند. پس آنان را در زمینت ساکن گرداندی و به نعمتت پرورش دادی تا

أَجَـلٍ هُـمْ بالِغُـوهُ، وَوَقْتٍ هُـمْ صائِـرُونَ إِلَيْـهِ، لِيَسْـتَكْمِلُوا الْعَمَـلَ فِيهِ،

اجلی که به آن برسند و وقتی که به سوی آن در حرکتند برسد، تا تکمیل کنند عملی را که

لِلَّـذي قَـدَّرْتَ، وَالْاَجَـلَ الَّـذِي أَجَّلْـتَ، فِـي عَـذابٍ وَوَثـاقٍ، وَحَمِيـمٍ

مقدر کرده‌ای و مهلتی را که قرار داده‌ای سررسد، (گرفتار شوند) به عذاب و بندها و شکنجه‌ها در

وَغَسّـاقٍ، وَالضَّرِيـعِ وَالْاِحْـراقِ، وَالْاَغْـلالِ وَالْاَوْثـاقِ، وَغِسْـلِينٍ وَزَقُّـومٍ

میان آب جوشان، و چرک تن‌های روان شده (به عنوان نوشیدنی) و سوخته شدن و غل‌ها و زنجیرها و

وَصَدِيدٍ، مَعَ طُولِ الْمَقامِ فِي أَيّامٍ لَظىٰ، وَفِي سَقَرٍ الَّتِي لاٰتُبْقِي

میان چرک زخم‌های تفتیده و زقّوم همراه با ماندن طولانی در روزهای سوزان و در جهنمی که چیزی

وَلاٰتَذَرُ فِي الْحَمِيمِ وَالْجَحِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

را باقی نمی‌گذارد. و حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

سپس برای گناهانت طلب مغفرت کن و آنچه می‌خواهی دعا کن

و بعد از آن به سجده برو و در سجده‌ات بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلاٰئِكَتَكَ، وَأَنْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ، وَجَمِيعَ

خداوندا تو را گواه می‌گیرم و ملائکه ات را گواه می‌گیرم و پیامبران و رسولان و جمیع

خَلْقِكَ، أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ رَبِّي، وَالْإِسْلاٰمُ دِينِي، وَمُحَمَّدٌ

آفریدگانت را که تو خداوندی، معبودی جز تو نیست، پروردگار من هستی، اسلام دین من، حضرت

نَبِيِّي، وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ

محمّد 9 پیامبر من و علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین و علی بن الحسین و محمّد بن

عَلِيٍّ، وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسى،

علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی

وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَالْخَلَفُ

و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و جانشین باقی مانده آنان ـ که بهترین درود و

الْباقِي، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَواتِ أَئِمَّتِي، بِهِمْ أَتَوَلّىٰ، وَمِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ.

رحمت خدا بر آنان باد ـ پیشوایان من هستند، به آنان اظهار محبت می‌کنم و از دشمنان آنان بیزارم.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ، (سه مرتبه بگو)

خداوندا تو را به خون مظلوم سوگند می‌دهم.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ بِإِيوائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِأَوْلِيائِكَ، لَتُظْفِرَنَّهُمْ

خداوتدا تو را سوگند می‌دهم به آن قسمی که یاد کرده‌ای و وعده‌ای که داده‌ای برای اولیائت که

بِعَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ

آن‌ها را بر دشمنت و دشمن ایشان پیروز گردانی بر محمّد و بر حفظ شدگان از آل محمّد درود

آلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ. (سه مرتبه بگو).

فرستی، خداوندا آسانی را پس از سختی از تو درخواست می‌نمایم.

سپس گونه راست خود را بر زمین بگذار و بگو: **يا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي**

ای پناه من هنگامی

الْمَذاهِبُ، وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ بِما رَحُبَتْ، وَيا بارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً

که راه‌ها مرا درمانده می‌سازند و زمین با همه وسعتش بر من تنگ می‌گردد، ای آنکه از باب

بِي، وَقَدْ كانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ

رحمت به من، مرا آفریدی در حالی که بی‌نیاز از آفرینش من بودی، بر محمّد و بر حفظ شدگان از

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (سه مرتبه بگو).

آل محمّد: درود فرست.

سپس گونه چپ را بر زمین بگذار و بگو: **يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ، وَيا**

ای ذلیل کننده هر گردنکش، و ای

مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَرِّجْ عَنِّي.

عزت دهنده به هر خوار و ذلیل، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و در کار من گشایشی ایجاد کن.

سپس بگو: **يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا كاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظامِ.** (سه مرتبه)

ای بسیار مهربان، ای بسیار منّت گذارنده، ای برطرف‌کننده اندوه‌ها و گرفتاری‌های بزرگ

سپس به سجده بازگرد و صد مرتبه بگو: **شُكْراً شُكْراً.**

خدایا شکر، خدایا شکر

و حاجت خود را بخواه.

زیارت حضرت علی بن الحسین 8

سپس به طرف پایین پای مبارک برو و در کنار مرقد منوّر حضرت علی بن الحسین 8 بایست و بگو:

سَلامُ اللّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِهِ

سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل و بندگان

الصّالِحِينَ، عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ،

صالح بر تو ای مولای من و پسر مولای من و رحمت خدا و برکات او.

وَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ، وَعَلىٰ عِتْرَةِ آبائِكَ الْأَخْيارِ

درود خدا بر تو و بر اهل بیتت و بر عترت پدران خوب و نیکوکارت که خدا از آنان

الْأَبْرارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَعَذَّبَ

هر گونه پلیدی و آلودگی را دور ساخته و آنان را از هر جهت پاک گردانیده است، و

اللّهُ قاتِلَكَ بِأَنْواعِ الْعَذابِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

خداوند قاتل تو را به انواع عذاب معذب سازد و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

زیارت شهدا رضوان الله علیهم

سپس با اشاره به سمت پاهای مبارک امام 7 به شهیدان سلام بده که ایشان در آن سو هستند و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ

سلام بر شما ای مردان الهی، شما پیشتاز هستید و مقدّم شدید و ما در پی شما روانه و یاران شما هستیم،

وَأَنْصارٌ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصارُ اللّهِ جَلَّ اسْمُهُ، وَسادَةُ الشُّهَداءِ فِي الدُّنْيا

شهادت می‌دهم که شما یاران خدا ـ که نام او بزرگ باد ـ و سروران شهیدان در دنیا و آخرت هستید،

وَالْاخِـرَةِ، صَبَرْتُـمْ وَاحْتَسَـبْتُمْ، وَلَـمْ تَهِنُـوا وَلَـمْ تَضْعُفُـوا وَلَمْ تَسْـتَكِينُوا،

شکیبایی نمودید و در راه خدا پایداری نمودید، سستی و ضعف از خود نشان ندادید و اظهار ناتوانی و درماندگی

حَتّـىٰ لَقِيتُـمُ اللَّـهَ جَـلَّ وَعَـزَّ، عَلـىٰ سَـبِيلِ الْحَـقِّ وَنَصْـرِهِ، وَكَلِمَـةِ اللّـهِ

ننمودید تا خداوند ـ بلند مرتبه و عزیز ـ را در راه حق و یاری آن و اعلای کلمه کامل خداوند او را

التّامَّـةِ، صَلَّـى اللَّـهُ عَلىٰ أَرْواحِكُـمْ وَأَبْدانِكُمْ، وَسَـلَّمَ تَسْـلِيماً، أَبْشِـرُوا

ملاقات نمودید. درود خدا بر جسم و جان شما و سلام فراوان او بر شما، بشارت باد شما را ـ رضوان خدا

رِضْـوانُ اللّـهِ عَلَيْكُـمْ بِمَوْعِدِ اللّهِ الَّـذِي لاٰ خُلْفَ لَـهُ، اَللَّهُ تَعالـىٰ مُدْرِكٌ

بر شما ـ به وعده الهی که در آن تخلّفی نیست، خداوند تبارک و تعالی دریافت کننده است به وسیله شما

بِكُـمْ، ثَأْرَ مـا وَعَدَكُـمْ، إِنَّـهُ لاٰيُخْلِـفُ الْمِيعادَ.

انتقام آنچه را که به شما وعده داده و او هرگز خلف وعده نمی‌کند.

أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ جاهَدْتُـمْ فِي سَـبِيلِ اللّـهِ، وَقُتِلْتُـمْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُـولِ

گواهی می‌دهم که شما در راه خدا جهاد کردید و بر طریقه رسول خدا ـ صلوات خدا بر او و آل

اللّـهِ صَلَّـى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ وَابْنِ رَسُـولِهِ عَلَيْهِ السَّـلاٰمُ، فَجَزاكُـمُ اللَّهُ عَنِ

ایشان باد ـ و پسر رسول خدا ـ سلام بر ایشان باد ـ کشته شدید، خداوند به شما از طرف پیامبر و

الرَّسُـولِ وَابْنِـهِ وَذُرِّيَّتِهِ أَفْضَـلَ الْجَزاءِ،

پسرش و ذریه‌اش بهترین پاداش را مرحمت فرماید.

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ، وَأَراكُمْ ما تُحِبُّونَ.[1]

حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که وعده اش را به شما وفا نمود و نشان داد به شما آنچه را آرزو و دوست داشتید

۱. مزار شیخ مفید 1 : ص۱۰۶، مزار کبیر: ص۳۷۰.

(۳) زیارت سوم

ابن قولویه 1 به سند خود از یوسف کناسی و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

زمانی که به زیارت قبر امام حسین 7 رفتی ابتدا به فرات برو، غسل کن، آنگاه رو به سوی قبر حرکت کن با آرامش و وقار تا از جانب شرقی وارد حائر گردی و در هنگام وارد شدن بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللَّهِ

سلام بر فرشتگان مقرّب خدا، سلام بر فرشتگان

الْمُنْزَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللَّهِ الْمُرْدِفِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ

نازل شده خداوند، سلام بر فرشتگان ردیف شدهٔ خداوند، سلام بر فرشتگان

اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هٰذَا الْحائِرِ

نشاندار خداوند. سلام بر فرشتگان خداوند که به اذن پروردگار

بِإِذْنِ اللَّهِ مُقِيمُونَ.

در این حائر مقیم اند.

و هنگامی که در مقابل قبر امام حسین 7 قرار گرفتی بگو: **اَلسَّلامُ عَلىٰ**

سلام بر

رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، أَمِينِ اللَّهِ عَلىٰ رُسُلِهِ، وَعَزائِمِ

رسول خدا، درود خدا بر حضرت محمّد، امین خداوند بر رسولانش و بر امور لازمه،

أَمْرِهِ، اَلْخاتِمِ لِمٰا سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ

پایان بخش پیشینیان (پیامبران گذشته) و گشاینده برای ایندگان (اوصیای بعد از خود) و شاهد و مراقب

كُلِّـهِ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْهِ وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

بر همه اینها، و سلام بر او و رحمت خدا و برکات او.

سـپس بگو: اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُـولِكَ، اَلَّذِي

سلام بر امیرالمؤمنین بندهٔ تو و برادر رسول تو که او را به علم خود

انْتَجَبْتَـهُ بِعِلْمِـكَ، وَجَعَلْتَـهُ هاٰدِيـاً لِمَـنْ شِـئْتَ مِـنْ خَلْقِـكَ، وَالدَّلِيـلَ

برگزیدی و او را قرار دادی هادی و راهنما برای هر کس از خلق که خواستی و دلیل بر کسی

عَلـىٰ مَنْ بَعَثْتَـهُ بِرِسـاٰلاٰتِكَ، وَدَيّاٰنَ الدِّيـنِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْـلَ قَضاٰئِكَ بَيْنَ

که او را به رسالت خویش برانگیختی و حاکمی که به عدالت حکم کند و فیصله دهنده

خَلْقِـكَ، وَالْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْهِ وَرَحْمَـةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

منازعات بین مخلوقات، و مراقب بر همه این امور و سلام بر او و رحمت خدا و برکات او.

أَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلَـى الْحَسَـنِ بْنِ عَلِـيٍّ، عَبْـدِكَ وَابْـنِ رَسُـولِكَ، اَلَّذِي

خداوندا درود فرست بر حسن بن علی بنده ات و پسر پیامبرت که او را به علم خود

انْتَجَبْتَـهُ بِعِلْمِـكَ، وَجَعَلْتَـهُ هاٰدِيـاً لِمَـنْ شِـئْتَ مِـنْ خَلْقِـكَ،... تا آخر

برگزیدی، و او را قرار دادی هادی و راهنما برای هر کس از خلق که خواستی....

سلامی کـه در سـلام بـر امیرالمؤمنیـن گفتـی.... سـپس بـر حضـرت امـام حسـین 7 و سـائر ائمـه طاهریـن : نیـز بـه همین‌گونـه کـه بر حسـن بن علـی 8 درود فرسـتادی، درود فرسـت.

سپس کنار کنار قبر مطهر امام حسین 7 برو و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، درود خدا

صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللَّـهِ، رَحِمَكَ اللَّـهُ يا أَبـاٰ عَبْدِاللَّهِ، أَشْـهَدُ

بر تو ای ابا عبد الله، رحمت خدا بر تو ای ابا عبد الله، گواهی می‌دهم که تو

أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ مـا أَمَرَكَ بِهِ، وَلَمْ تَخْشَ أَحَداً غَيْرَهُ، وَجاهَدْتَ

ابلاغ نمودی از طرف خداوند آنچه تو را بدان امر نمود و از کسی غیر از او ترس و واهمه نداشتی و در راه او

فـي سَبِيلِهِ، وَعَبَدْتَهُ صادِقاً مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ

جهاد کردی و او را صادقانه و خالصانه پرستش نمودی تا هنگامی که دنیا را وداع گفتی، شهادت می‌دهم که

كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَبابُ الْهُدىٰ، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلىٰ مَنْ

شما نشانهٔ تقوی و باب هدایت و دست آویز مورد اطمینان و حجت بر کسانی که باقی مانده‌اند و کسانی که

يَبْقىٰ، وَمَنْ تَحْتَ الثَّرىٰ. أَشْهَدُ أَنَّ ذٰلِكَ لَكُمْ سابِقٌ فِيما مَضىٰ،

زیر زمین هستند می‌باشید، شهادت می‌دهم که این اوصاف در گذشته برای شما ثابت و سابق بوده، و آن برای

وَذٰلِكَ لَكُمْ فاتِحٌ فِيما بَقِيَ. أَشْهَدُ أَنَّ أَرْواحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ طِينَةٌ طَيِّبَةٌ،

شما درآنچه باقی مانده جاری و گشوده است. و شهادت می‌دهم که ارواح شما و طینت شما (یعنی خمیرمایه شما)

طابَتْ وَطَهُرَتْ هِيَ بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، مَنّاً مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ،

طینت پاکی است، هر کدام از شما پاکی و پاکیزگی را از دیگری گرفته، و این منتی و لطفی از خداوند و از

فَأُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ

رحمت او است، پس خدا را گواه می‌گیرم و شما را گواه می‌گیرم که من به شما مؤمنم و به بازگشت شما یقین

فِي ذاتِ نَفْسِي، وَشَرائِعِ دِيني، وَخاتِمَةِ عَمَلي، وَمُنْقَلَبي وَمَثْواىَ،

دارم و پیرو شما هستم در امور مربوط به خودم و احکام و قوانین دینم و پایان کارم و بازگشتم و اقامتم؛ از

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ، أَنْ يُتَمِّمَ لي ذٰلِكَ.

خداوند نیکوکار مهربان می‌خواهم که آن‌ها را برایم کامل گرداند.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ اللَّهِ ما أَمَرَكُمْ بِهِ، حَتّىٰ لَمْ تَخْشَوْا

و شهادت می‌دهم که شما ابلاغ نمودید از طرف خدا آنچه شما را بدان امر نمود، و از هیچ کس غیر از او

أَحَداً غَيْرَهُ، وَجاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَعَبَدْتُمُوهُ، حَتّىٰ أَتاكُمُ الْيَقِينُ،

بیم و هراسی نداشتید، و در راه او جهاد کردید و او را پرستش نمودید تا آنکه دار فانی را وداع نمودید، پس خدا

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ

لعنت کند کسی را که شما را کشت، و خدا لعنت کند کسی را که به آن امر کرد، و خدا لعنت کند کسی را که وقتی

ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ، وَسَفَكُوا دَمَكَ،

این خبر به او رسید به آن رضایت داد، شهادت می‌دهم که کسانی که حرمت شما را رعایت نکردند و خون مقدس

مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ.

شما را بر زمین ریختند به زبان پیامبر امّی لعنت شده‌اند.

سپس بگو: أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَخالَفُوا مِلَّتَكَ،

خداوندا لعنت کن کسانی را که نعمت تو را دگرگون نمودند و با آیین تو مخالفت

وَرَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ، وَاتَّهَمُوا رَسُولَكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ. أَللّٰهُمَّ

کردند و از امر و فرمانت روی گرداندند و رسول تو را متهم ساختند و از پیمودن راه تو مانع شدند، خداوندا

احْشُ قُبُورَهُمْ ناراً، وَأَجْوافَهُمْ ناراً، وَاحْشُرْهُمْ وَأَتْباعَهُمْ إِلىٰ جَهَنَّمَ

قبور آنان را پر از آتش و درون آنان را پر از آتش کن و آن‌ها و پیروانشان را به سوی جنّهم محشور

زُرْقاً. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ،

گردان. خداوندا آنان را لعنت کن لعنتی که هر فرشته مقرّب و هر پیامبر مرسل و هر بندهٔ مؤمنی که دلش

وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ، اِمْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمانِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ في مُسْتَسِرِّ

را برای ایمان آزموده‌ای، آنان را بدان لعنت کند. خداوند آنان را در پنهانی پنهان و ظاهر آشکار لعنت

السِّرِّ، وَظاهِرِ الْعَلانِيَةِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ جَوابِيتَ هٰذِهِ الْأُمَّةِ وَطَواغِيتَهٰا،

کن، خدایا جبت‌های این امت و طاغوت‌های آن را (که همچون بت بودند) و فرعون‌های این امت را

وَالْعَنْ فَراعِنَتَهٰا، وَالْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَالْعَنْ قَتَلَةَ الْحَسَنِ

(که به باطل و دروغ ادعا داشتند) لعنت کن، قاتلان امیرالمؤمنین 7 وقاتلان امام حسن و امام حسین 8

وَالْحُسَيْنِ، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً أَلِيماً لاٰتُعَذِّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ الْعالَمِينَ.

را لعنت کن و آنان را عذاب کن عذاب دردناکی که احدی از اهل عالم را آن گونه عذاب نکرده‌ای.

أَللَّهُمَّ اجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ، وَتَنْتَصِرُ بِهِ، وَتَمُنُّ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ

خداوندا ما را از کسانی قرار بده که آن‌ها را یاری می‌نمایی و به وسیله آن‌ها یاری می‌طلبی و بر آن‌ها منّت

لِدِينِكَ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

می‌گذاری به یاریت برای دینت در دنیا و آخرت.

سپس در محلّ سر مبارک آن حضرت بنشین و بگو: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ،

درود خدا بر تو،

أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ، بَلَّغْتَ ناصِحاً، وَأَدَّيْتَ أَمِيناً، وَقُتِلْتَ

شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، پیام حق را ابلاغ نمودی از روی خیرخواهی، امانت را

صِدِّيقاً، وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ

ادا نمودی، و کشته شدی در حالی که صدّیق بودی، و از دنیا رفتی در حالی که بر یقین بودی، کوری را

مِنْ حَقٍّ إِلىٰ باطِلٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ،

بر هدایت برنگزیدی و هرگز از حق به باطل میل ننمودی، گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ

زکات را پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی واز زشتی‌ها نهی کردی و متابعت رسول نمودی، و کتاب را

الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

تلاوت کردی آن گونه که شایسته است و با حکمت و پند و اندرز نیکو به راه

الْحَسَنَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً.

پرودرگارت فراخواندی، درود خدا بر تو و سلام فراوان او.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ قَدْ بَلَّغْتَ ما أُمِرْتَ بِهِ،

گواهی می‌دهم که تو از جانب پروردگارت حجّتی آشکار داشتی، آنچه مأمور شدی به ابلاغ آن، ابلاغ نمودی،

وَقُمْتَ بِحَقِّهِ، وَصَدَّقْتَ مَنْ قَبْلَكَ غَيْرَ واهِنٍ وَلا مُوهِنٍ، صَلَّى اللَّهُ

و قیام به حق آن نمودی، و کسی را که پیش از خودت بود تصدیق کردی بدون اینکه سستی از خود نشان دهی

عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، فَجَزاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِكَ.

و یا سستی ایجاد کنی، درود خدا بر تو و سلام فراوان، پس خداوند به تو پاداش خیر دهد همان طور که پاداش

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهادَ مَعَكَ جِهادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلُهُ

می‌دهد صدیقی را از طرف رعیتش. گواهی می‌دهم که جهاد به همراه تو جهاد است و حق با تو و به سوی تو

وَمَعْدِنُهُ، وَمِيراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ، وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقٌ

می‌باشد و تو اهل آن و معدن آن هستی و میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو است، شهادت می‌دهم که تو

عِنْدَ اللَّهِ، وَحُجَّتُهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ، وَكُلَّ داعٍ

نزد خدا صدّیق هستی و حجت او بر خلق می‌باشی، و شهادت می‌دهم که دعوت و فراخوانی تو حق است، و

مَنْصُوبٍ غَيْرِكَ فَهُوَ باطِلٌ مَدْحُوضٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ.

هر دعوت کننده نصب شده غیر از تو باطل و بی‌اساس است، و گواهی می‌دهم که خداوند حقّ آشکار است.

زیارت سوم

سپس به پایین پای مبارک برو، هر دعایی خواستی اختیار کن، و برای خودت دعا کن،

سپس به قسمت بالای سر مبارک حضرت علی بن الحسین 8 برو و بگو:

سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلِينَ عَلَيْكَ يا

سلام خدا و سلام ملائکه مقرب او و پیامبران مرسل او بر تو ای مولای من و

مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ

فرزند مولای من و رحمت خدا و برکات او، درود خدا بر تو و بر اهل بیت تو و عترت

أَهْلِ بَيْتِكَ، وَعِتْرَةِ آبائِكَ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ، اَلَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ

پدران خوب و نیکوکارت که خداوند از آنان هرگونه پلیدی و آلودگی را دور ساخته

الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً.

و آنان را پاک و طاهر گردانیده است.

سپس کنار قبور شهدا برو و بر آنان سلام بده و بگو: **اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا**

سلام بر شما ای مردان الهی،

الرَّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَسَلَفٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ أَتْباعٌ وَأَنْصارٌ، أَشْهَدُ

شما پیشتاز هستید و سبقت گرفتید و ما تابع شما و یاور شما هستیم، گواهی می‌دهم که شما یاران پروردگار

أَنَّكُمْ أَنْصارُ اللَّهِ، كَما قالَ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ فِي كِتابِهِ: (وَكَأَيِّنْ مِنْ

هستید همان طور که خداوند تبارک و تعالی در کتابش فرموده است: «چه بسیار پیامبر که به همراه او

نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَما

مردان الهی زیادی قتال نموده‌اند و در راه خدا در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها از خود ضعف نشان ندادند و

ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكانُوا)[1]**، فَما وَهَنْتُمْ، وَما ضَعُفْتُمْ، وَمَا اسْتَكَنْتُمْ**

اظهار درماندگی و بیچارگی نکردند»، پس شما سست نشدید و ناتوان نگردیدید و اظهار درماندگی ننمودید

حَتّىٰ لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلىٰ سَبِيلِ الْحَقِّ، وَنُصْرَةِ كَلِمَةِ اللَّهِ التّامَّةِ، صَلَّى

تا در راه حق و یاری کلمه تامه خداوند (یعنی حجت خدا امام حسین 7) خدا را ملاقات کردید، درود

اللَّهُ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَبْدانِكُمْ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

خدا بر جسم و جان شما و سلام فراوان او بر شما باد.

أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذي لا خُلْفَ لَهُ، إِنَّهُ لايُخْلِفُ الْمِيعادَ،

بشارت باد شما را به وعده الهی که در آن تخلّفی نیست که او هرگز خلاف وعده نمی‌کند، خداوند

اَللَّهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ، ثارَ ما وَعَدَكُمْ، أَنْتُمْ سادَةُ الشُّهَداءِ فِي الدُّنْيا

دریافت کننده است برای شما انتقامی را که وعده اش را داده است، شما سرور شهدا هستید در دنیا و

وَالْاٰخِرَةِ، أَنْتُمُ السّابِقُونَ وَالْمُهاجِرُونَ وَالْاَنْصارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ

آخرت، شما سابقون و مهاجرون وانصار می‌باشید، شهادت می‌دهم که شما در راه خدا جهاد کردید، و بر

جاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقُتِلْتُمْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ رَسُولِ

طریقه و منهاج رسول خدا و فرزند رسول خدا به شهادت رسیدید، حمد و سپاس سزاوار خداوندی است

۱. سورهٔ آل عمران، آیه۱۴۶.

اللَّـهِ، اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ الَّـذي صَدَقَكُـمْ وَعْـدَهُ، وَأَرٰاكُـمْ مـٰا تُحِبُّونَ.

که وعده‌اش را نسبت به شما وفا نمود و نشان داد به شما آنچه را آرزو و دوست می‌داشتید.

سـپس بگـو: **أَتَيْتُـكَ يـٰا حَبِيـبَ رَسُـولِ اللَّـهِ وَابْـنَ رَسُـولِهِ، وَإِنِّـي لَـكَ**

آمدم نزد تو ای حبیب رسول خدا و فرزند رسول خدا، من نسبت

عـٰارِفٌ، وَبِحَقِّـكَ مُقِـرٌّ، وَبِفَضْلِـكَ مُسْـتَبْصِرٌ، وَبِضَلاٰلَـةِ مَـنْ خٰالَفَـكَ

به تو معرفت دارم و به حقّ تو اقرار دارم و به فضل تو آگاهم و به گمراهی مخالفین شما

مُوقِـنٌ، عٰارِفٌ بِالْهُدَى الَّـذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسـي.

یقین دارم، و به هدایتی که تو بر آن هستی عارفم، پدر و مادر و جان من فدایت.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أُصَلِّـي عَلَيْـهِ، كَمـٰا صَلَّيْـتَ أَنْـتَ عَلَيْـهِ وَرُسُـلُكَ

خداوندا من درود می‌فرستم بر او، همان طور که تو و رسولانت و امیرالمؤمنین : بر

وَأَمِيرُالْمُؤْمِنِيـنَ، صَـلاٰةً مُتَتٰابِعَـةً مُتَوٰاصِلَـةً مُتَرٰادِفَـةً، يَتْبَعُ بَعْضُهـٰا بَعْضاً،

او درود فرستادید، درودی پی در پی، متّصل و ردیف هم، بعضی از آن در پی بعضی دیگر،

لَا انْقِطـٰاعَ لَهـٰا، وَلاٰ أَمَـدَ وَلاٰ أَبَـدَ وَلاٰ أَجَـلَ فـي مَحْضَرِنٰا هٰـذٰا، وَإِذٰا غِبْنٰا

انقطاعی برایش نباشد و زمان و انتها و مدتی نداشته باشد، در این محضر ما، و زمان غیبت ما

وَشَـهِدْنٰا، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْـهِ وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكٰاتُـهُ.[1]

و حضور ما، و سلام بر او و رحمت خدا و برکات او.

۱. کامل الزیارات: ص۳۶۷ ح۳.

(۴) زیارت چهارم

ابـن قولویـه 1 به سـند خود از حسـن بن عطیـه و او از امام صـادق 7 روایت کرده اسـت که فرمودند:

هنگامی که وارد حائر شدی بگو:

أَللَّهُـمَّ إِنَّ هٰـذٰا مَقـٰامٌ أَكْرَمْتَنِي[1] بِهِ، وَشَـرَّفْتَنِي بِـهِ. أَللَّهُـمَّ فَأَعْطِنِي فِيهِ

خداوندا این جایگاهی است که مرا بدان کرامت و شرافت بخشیدی، خداوندا عطا کن مرا در آن رغبتم

رَغْبَتِـي عَلـىٰ حَقِيقَـةِ إِيمـٰانِي بِكَ وَبِرُسُـلِكَ.

را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و فرستادگانت باشم.

سَـلاٰمُ اللَّـهِ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، وَسَـلاٰمُ مَلاٰئِكَتِـهِ فِيمـٰا تَرُوحُ

سلام خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام ملائکه‌اش در هر

وَتَغْتَـدِي بِـهِ، اَلرّائِحـٰاتُ الطّاهِـرٰاتُ الطَّيِّبـٰاتُ لَـكَ وَعَلَيْـكَ، وَسَـلاٰمٌ

شامگاهان و صبحگاهان با رائحه‌ای پاک و پاکیزه برای تو و بر تو، و سلام

عَلـىٰ مَلاٰئِكَـةِ اللَّـهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَسَـلاٰمٌ عَلَـى الْمُسَـلِّمِينَ لَـكَ بِقُلُوبِهِمْ،

بر فرشتگان مقرّب خداوند، و سلام بر کسانی که قلوب آن‌ها تسلیم تو و زبانشان

اَلنّاطِقِيـنَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِـنَتِهِمْ. أَشْـهَدُ أَنَّكَ صـٰادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ

به فضل تو گویا است، شهادت می‌دهم که تو صادق و صدّیق هستی، در آنچه

فِيمـٰا دَعَـوْتَ إِلَيْـهِ، وَصَدَقْـتَ فِيمـٰا أَتَيْـتَ بِهِ، وَأَنَّكَ ثـٰارُ اللَّهِ فِـي الْأَرْضِ

به آن دعوت کردی راست گفتی و در آنچه آوردی و انجام دادی راست گفتی، و تو خون خدا در زمین

مِـنَ الـدَّمِ، اَلَّـذِي لاٰيُـدْرَكُ ثـٰارُهُ[2] مِـنَ الْأَرْضِ إِلاّ بِأَوْلِيـٰائِكَ.

هستی که خونخواهی نمی‌شود و انتقام آن گرفته نمی‌شود مگر به وسیله اولیاء تو.

۱. «كَرَّمتَني»، خ.
۲. «تِرثُهُ»، خ.

أَللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ وَشَهادَتَهُمْ، حَتّىٰ تُلْحِقَنِي بِهِمْ،

خداوندا محلّ شهادت ایشان و شهادتشان را محبوب من گردان تا آنکه مرا به آنان ملحق

وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ فَرَطاً وَتابِعاً فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ.

سازی و مرا برای آنان پیشی گیرنده و تابع در دنیا و آخرت قرار بده.

سپس کمی راه برو و هفت تکبیر بگو و پس از آن در مقابل قبر مبارک بایست و بگو:

سُبْحانَ الَّذي سَبَّحَ لَهُ الْمُلْكُ وَالْمَلَكُوتُ، وَقُدِّسَتْ بِأَسْمائِهِ

پاک و منزه است آنکه ملک و ملکوت (عالم ناسوت و لاهوت) برای او تسبیح گویند و تمامی

جَمِيعُ خَلْقِهِ، وَسُبْحانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبِّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ.

خلق او به نام‌های او تقدیس شوند، پاک و منزه است خداوندی که فرمانروا است و از هر عیب و

أَللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي وَفْدِكَ إِلىٰ خَيْرِ بُقاعِكَ، وَخَيْرِ خَلْقِكَ. أَللَّهُمَّ الْعَنِ

نقصی منزه است، پروردگار فرشتگان و روح، خداوندا مرا بنویس در مسافرینت به بهترین بقاع و اماکن

الْجِبْتَ وَالطّاغُوتَ، وَالْعَنْ أَشْياعَهُمْ وَأَتْباعَهُمْ. أَللَّهُمَّ أَشْهِدْنِي

و بهترین خلق و آفریده ات، خدایا جبت و طاغوت و پیروان و متابعان آنان را لعنت کن، خدایا مرا در

مَشاهِدَ الْخَيْرِ كُلِّها، مَعَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ. أَللَّهُمَّ تَوَفَّنِي مُسْلِماً، وَاجْعَلْ

همهٔ مشاهد خیر حاضر گردان با اهل بیت پیامبرت، خداوندا مرا مسلمان بمیران، و قرار بده برای من

لِي قَدَمَ صِدْقٍ[1]، مَعَ الْباقِينَ الْوارِثِينَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ[2]،

قدم صدق (شاید به معنای همراهی صادقانه باشد) با آنانکه باقی هستند و بهشت فردوس را به ارث می‌برند و

هُمْ فِيها خالِدُونَ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ.

در آن جاودان خواهند بود از بندگان صالح و شایسته‌ات.

سپس پنج تکبیر بگو و بعد از آن کمی راه برو و بگو:

۱. «قَدَماً»، خ.

۲. «الَّذينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ»، خ.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي بِـكَ مُؤْمِـنٌ، وَبِوَعْـدِكَ مُوقِـنٌ. أَللَّهُمَّ اكْتُـبْ لِـي إِيمٰاناً،

خداوندا همانا من به تو ایمان دارم و به وعده ات یقین دارم، خداوندا برای من ایمان را بنویس و

وَثَبِّتْـهُ فِـي قَلْبِـي. أَللَّهُـمَّ اجْعَـلْ مـٰا أَقُـولُ بِلِسـٰانِي حَقِيقَتَـهُ فـي قَلْبِـي،

در قلب من ثابت گردان، خداوندا آنچه را به زبان می‌گویم حقیقت آن را در قلبم و آیین آن را

وَشَـرِيعَتَهُ فـي عَمَلِـي. أَللَّهُـمَّ اجْعَلْنِـي مِمَّـنْ لَـهُ مَـعَ الْحُسَـيْنِ 7 قَدَمُ

در عملم قرار بده، خداوندا مرا قرار بده از کسانی که به همراه امام حسین 7 ثابت قدم اند و ثابت گردان

ثَبـٰاتٍ، وَأَثْبِتْنِـي فِيمَـنِ اسْتُشْـهِدَ مَعَهُ.

مرا در کسانی که با آن حضرت به شهادت رسیدند.

سپس سه تکبیر بگو و دو دستت را بالا ببر تا آنکه بر روی قبر بگذاری، آنگاه بگو:

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ طُهْـرٌ طٰاهِـرُ، مِـنْ طُهْـرٍ طٰاهِـرٍ، طَهُـرْتَ وَطَهُـرَتْ بِـكَ

شهادت می‌دهم که تو عین پاکی و پاک بوده و از عین پاکی و پاک متولّد شده‌ای، تو پاکی و شهرها

الْبِـلاٰدُ، وَطَهُـرَتْ أَرْضٌ أَنْـتَ بِهـٰا، وَطَهُـرَ حَرَمُـكَ. أَشْـهَدُ أَنَّـكَ أَمَرْتَ

به واسطه تو پاک گشته اند و زمینی که تو در آن هستی پاک می‌باشد و پاک است حرم تو، شهادت

بِالْقِسْـطِ وَالْعَـدْلِ، وَدَعَـوْتَ إِلَيْهِمـٰا، وَأَنَّـكَ ثـٰارُ اللَّـهِ فـي أَرْضِـهِ، حَتّٰى

می‌دهم که تو به عدل و داد امر فرموده‌ای و مردم را به آن فراخوانده‌ای و تو خون خدا در زمین می‌باشی تا

يَسْـتَثِيرُ لَكَ مِـنْ جَمِيـعِ خَلْقِهِ.

خونخواهی می‌کند برای تو از تمام خلق.

سپس دو گونه‌ات را بر قبر بگذار سپس بنشین و آنچه می‌خواهی خدا را یاد کن و ذکر بگو و در آنچه می‌خواهی به خدا روی آور، سپس بازگرد و دو دست را در پایین پای آن حضرت بگذار و بگو:

صَلَواٰتُ اللَّـهِ عَلیٰ رُوحِـكَ وَعَلـیٰ بَدَنِكَ، صَدَقْـتَ وَأَنْـتَ الصّادِقُ

درود و رحمت خدا بر روان پاک و جسم شریفت، راست گفتی و تو صادق و تصدیق

الْمُصَـدَّقُ، وَقَتَـلَ اللَّـهُ مَنْ قَتَلَـكَ بِالْأَيْدِي وَالْاَلْسُـنِ.

شده‌ای، خدا بکشد آن را که با دست و زبانشان تو را کشت.

سپس رو به سوی حضرت علی اکبر فرزند آن حضرت 8 کن و آنچه دوست داری بگو، سپس بایست در مقابل قبور شهدا و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّـهَداٰءُ، أَنْتُمْ لَنـا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَبْشِـرُوا

سلام بر شما ای شهیدان، شما بر ما پیشی گیرنده و ما تابع شما هستیم، بشارت باد شما را به وعده

بِمَوْعِـدِ اللَّـهِ الَّـذِي لاٰ خُلْفَ لَهُ، اَللَّـهُ مُدْرِكٌ لَكُـمْ وِتْرَكُمْ، وَمُـدْرِكٌ بِكُمْ

الهی که در آن هیچگونه تخلّفی نیست خدا برای شما خون خواهی خواهد کرد و به وسیله شما از

فِـي الْاَرْضِ عَدُوَّهُ، أَنْتُمْ سـاٰدَةُ الشُّـهَداٰءِ فِي الدُّنْيـا وَالْاٰخِرَةِ.

دشمن شما در زمین انتقام خواهد گرفت، شما سرور شهیدان در دنیا و آخرت هستید.

سپس قبر را پیش روی خود قرار بده و آنچه می‌خواهی نماز بخوان، سپس بگو:

جِئْـتُ وٰافِـداً إِلَيْـكَ، وَأَتَوَسَّـلُ إِلَى اللَّهِ بِـكَ فِي جَمِيـعِ حَوٰائِجِي، مِنْ

آمده ام در حالی که به سوی تو کوچ کرده ام و به وسیله تو در تمام حوائجم از امور دنیوی و اخروی

أَمْـرِ دُنْيـاٰيَ وَآخِرَتِـي، بِكَ يَتَوَسَّـلُ الْمُتَوَسِّـلُونَ إِلَـى اللَّهِ فِـي حَوٰائِجِهِمْ،

به خدا توسل می‌جویم و همه متوسلین در حوائج خود به وسیله تو به خدا توسل می‌جویند، و به وسیله

وَبِـكَ يُـدْرِكُ عِنْدَ اللَّهِ أَهْـلُ التِّـرٰاتِ طَلِبَتَهُمْ.

تو صاحبان میراث طلب خود را نزد خداوند دریافت می‌کنند.

سپس یازده مرتبه پشت سر هم تکبیر بگو در گفتن آن‌ها عجله نکن، سپس اندکی راه برو و آنگاه در مقابل قبله بایست و بگو:

اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ الْواحِـدِ الْمُتَوَحِّـدِ فِـي الْأُمُـورِ كُلِّهـا، خَلَقَ الْخَلْـقَ فَلَمْ

حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که یگانه است در تمام امور یکتا است، خلق را آفرید

يَغِـبْ شَـيْءٌ مِـنْ أُمُورِهِمْ عَـنْ عِلْمِـهِ، فَعَلَّمَـهُ بِقُدْرَتِهِ.

و چیزی از امور آنان از علم او پنهان نمی‌باشد، پس با قدرتش آن را می‌داند.

ضَمِنَـتِ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهـا دَمَكَ وَثارَكَ، يَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ

زمین و هر کس بر روی آن است خون تو را و خونخواهی تو را ضامن گشته اند، ای فرزند رسول خدا،

عَلَيْـكَ. أَشْـهَدُ أَنَّ لَكَ مِـنَ اللَّهِ مـا وَعَـدَكَ مِنَ النَّصْـرِ وَالْفَتْـحِ، وَأَنَّ لَكَ

درود خدا بر تو باد، شهادت می‌دهم که برای تو از جانب خدا است آنچه وعده کرده تو را از نصرت و

مِـنَ اللَّـهِ الْوَعْـدَ الصّادِقَ فِي هَـلاكِ أَعْدائِـكَ، وَتَمـامَ مَوْعِدِ اللَّـهِ إِيّاكَ.

پیروزی، و همانا برای تو از جانب خدا است وعده صادقی در هلاکت و نابودی دشمنانت، و تمام نمودن

أَشْـهَدُ أَنَّ مَـنْ تَبِعَـكَ الصّادِقُـونَ، اَلَّذِينَ قـالَ اللَّهُ تَبـارَكَ وَتَعالـىٰ فيهِمْ،

وعده‌اش، شهادت می‌دهم که پیروان تو راستگویان هستند که خداوند تبارک و تعالی دربارهٔ آنان فرموده

(أُولَئِـكَ هُـمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّـهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِـمْ لَهُمْ أَجْرُهُـمْ وَنُورُهُمْ)[1]

است: «آن‌ها همان راستگویان و شهدا نزد پروردگارشان هستند و برای آنان پاداش آنان و نور آنان می‌باشد».

سپس هفت تکبیر بگو، سپس اندکی راه برو و آنگاه رو به قبر کن و بگو:

(اَلْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّذِي لَـمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَـرِيكٌ فِي الْمُلْكِ)[2]،

حمد و سپاس خدای را که فرزندی نگرفت و برای او شریکی در پادشاهی نمی‌باشد» هر چیزی

وَخَلَـقَ كُلَّ شَـيْءٍ فَقَـدَّرَهُ تَقْدِيـراً.

را آفرید و برای او مقدراتی قرار داد.

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ دَعَـوْتَ إِلَـى اللَّـهِ وَإِلـىٰ رَسُـولِهِ، وَوَفَيْـتَ لِلَّـهِ بِعَهْـدِهِ،

شهادت می‌دهم که تو به سوی خدا و به سوی رسول او دعوت نمودی، و برای خدا به عهد او وفا نمودی و قیام کردی

۱. سورهٔ حدید، آیه۱۹

۲. سورهٔ اسراء، آیه۱۱۱.

وَقُمْتَ لِلَّهِ بِكَلِماٰتِهِ، وَجاٰهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتّٰى أَتاٰكَ الْيَقِينُ،

برای خدا به کلمات او و نشانه‌هایش، و در راه خدا جهاد کردی تا دار فانی را وداع گفتی، خدا لعنت کند گروهی را که

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

تو را کشتند، و خدا لعنت کند گروهی را که به تو ظلم کردند، و خدا لعنت کند گروهی را که تو را رها کردند و یاری

خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَدَعَتْكَ[1].

ننمودند، و خدا لعنت کند گروهی را که با تو از در نیرنگ وارد شدند.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ بِالْوِلاٰيَةِ لِمَنْ والَيْتَ وَوالَتْهُ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ

خداوندا تو را شاهد می‌گیرم که من ولایت دارم برای کسی که او را ولی قرار دادی و رسولانت او را

بِالْبَراٰءَةِ مِمَّنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئَتْ مِنْهُ رُسُلُكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ

ولی قرار داده‌اند و شهادت می‌دهم به برائت و بیزاری نسبت به کسی که تو از او بیزاری و رسولانت از او

كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ، وَحَرَّفُوا كِتاٰبَكَ، وَسَفَكُوا دِماٰءَ أَهْلِ

بیزار هستند، خداوندا لعنت کن کسانی را که رسولانت را تکذیب کردند و کعبه ات را ویران نمودند و

بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا فِي بِلاٰدِكَ، وَاسْتَذَلُّوا عِباٰدَكَ. أَللّٰهُمَّ ضاٰعِفْ

کتابت را تحریف کردند و خون اهل بیت پیامبرت را ریختند و در شهرهایت فساد نمودند و بندگانت

عَلَيْهِمُ[2] الْعَذاٰبَ فِيماٰ جَرىٰ مِنْ سُبُلِكَ وَبَرِّكَ وَبَحْرِكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ

را به ذلّت کشیدند، خداوندا عذاب ایشان را دو چندان گردان در آنچه جریان دارد از راه‌هایت و خشکی

فِي مُسْتَسِرِّ السَّراٰئِرِ، وَظاٰهِرِ الْعَلاٰنِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَماٰئِكَ.

و دریایت. خداوندا آنان را لعنت کن در سِرّ پنهان و ظاهر آشکار و در زمین و آسمانت.

و هرگاه وارد شدی در حائر سلام کن و دستت[3] را بر قبر بگذار.[4]

۱. «خَذَّلتَ عَنكَ»، خ.
۲. «لَهُم»، خ
۳. در نسخه ای «صورتت» آمده است.
۴. کامل الزیارات: ص۳۵۸ ح۱.

(۵) زیارت پنجم

ابـن قولویـه 1 بـه سـند خـود از حسـین بـن ثویر بـن ابـی فاخته روایـت کرده اسـت کـه گفت:

مـن و یونـس بـن ظبیان و مفضّل و ابوسـلمه سـرّاج نزد امام صادق 7 نشسـته بودیم، سخنگو یونس بود که سنّ و سال او از ما بیشتر بود، به امام 7 عرض کرد:

فـدای شـما شـوم، مـن مجلـس ایـن گـروه، یعنـی بنـی عبـاس، حضـور پیدا می‌کنـم چـه بگویـم؟ فرمـود:

وقتی در مجلس آنان حاضر شدی و ما را یاد نمودی بگو: «**أَللَّهُمَّ أَرِنَا الرَّخاءَ وَالسُّرُورَ**»، [یعنی: «خداوندا رفاه و آسایش و سرور را به ما نشان بده»]،که تو آنچه را بخواهی انجام می‌دهی.

عـرض کـردم: فـدای شـما شـوم، من زیـاد اتّفـاق می‌افتـد که از حسـین 7 یـاد می‌نمایـم در ارتبـاط بـا آن حضـرت چـه بگویـم؟ امـام 7 فرمود:

بگو: «**اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ**»، و سه مرتبه تکرار کن که سلام به آن حضرت از راه دور و نزدیک می‌رسد.

سپس فرمود: هنگامی که حضرت ابا عبد الله 7 از دنیا رفتند آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آن‌ها و در بین آن‌ها و همهٔ جنبندگان در بهشت و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما و آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود بر آن حضرت گریستند، جز سه چیز همه بر حضرت ابا عبد الله 7 گریه کردند.

عرض کردم: فدای شما شوم، آن سه چیز کدامند؟ امام 7 فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.

عرض کردم: فدای شما شوم، می‌خواهم آن حضرت را زیارت نمایم، چه بگویم و چه کنم؟ امام 7 فرمودند:

وقتی به زیارت آن حضرت رفتی در لب شط فرات غسل کن و سپس لباس پاک خود را بپوش و آنگاه پای برهنه حرکت کن، زیرا که تو در حرمی از حرم‌های خدا و حرم رسول خدا 9 می‌باشی، و بر تو باد که زیاد تکبیر و تهلیل و تعظیم خدا نمایی و بر حضرت محمّد 9 و خاندان او صلوات فرستی تا به باب حائر برسی، در آنجا بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَلٰائِكَةَ اللّٰهِ وَزُوّٰارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللّٰهِ.

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او، سلام بر شما ای فرشتگان پروردگار و زائران قبر پسر پیامبر خدا.

سپس ده قدم بردار و آنگاه تکبیر بگو، پس از آن توقّف کن و سی مرتبه تکبیر بگو، سپس راه برو تا پیش روی آن برسی، آنگاه رو به قبر بایست و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا قَتِيلَ اللّٰهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا ثٰارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثٰارِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وِتْرَ اللّٰهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمٰاوٰاتِ وَالْاَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او، سلام بر تو ای کشته راه خدا و فرزند کشته راه خدا، سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، سلام بر تو ای آنکه منتقم او خدا است و خون او طلب شده در آسمان‌ها و زمین، گواهی می‌دهم که

الْخُلْدِ، وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ، وَبَكىٰ لَهُ جَمِيعُ الْخَلاٰئِقِ، وَبَكَتْ

خون تو در بهشت ساکن گردید و ساکنان عرش را به لرزه درآورد و جمیع مخلوقات بر او گریستند.

لَهُ السَّماٰواٰتُ السَّبْعُ، وَالْاَرَضُونَ السَّبْعُ، وَماٰ فِيهِنَّ وَماٰ بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ

آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آن‌ها و در بین آن‌ها است و تمام موجودات در بهشت

يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنّاٰرِ، مِنْ خَلْقِ رَبِّنٰا وَماٰ يُرىٰ وَماٰ لاٰيُرىٰ.

و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما و آنچه دیده می‌شود و دیده نمی‌شود بر او گریه کردند.

أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللّٰهِ وَابْنُ

گواهی می‌دهم که تو حجت خدا و فرزند حجت او هستی، و گواهی می‌دهم که تو کشته راه خدا و

قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ثاٰرُ اللّٰهِ فِي الْاَرْضِ وَابْنُ ثاٰرِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وِتْرُ اللّٰهِ

فرزند کشته راه خدا هستی، و گواهی می‌دهم که تو خون خدا و پسر خون خدایی، و گواهی می‌دهم منتقم تو

الْمَوْتُورُ فِي السَّماٰواٰتِ وَالْاَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ

خدا است و خون تو طلب شده در آسمان‌ها و زمین، و گواهی می‌دهم که تو ابلاغ نمودی و خیر خواهی کردی

وَوَفَيْتَ وَوٰافَيْتَ، وَجاٰهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَمَضَيْتَ عَلىٰ بَصِيرَةٍ

و به عهد خود وفا نمودی، و در راه پروردگارت جهاد کردی و رفتی با بصیرت بر آنچه بر آن (معتقد) بودی

لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً، وَمُسْتَشْهَداً وَشاٰهِداً وَمَشْهُوداً.

در حالی که شهید شدی و خواهان شهادت بودی و شاهد بودی و شهادت داده شده بودی.

أَنَا عَبْدُ اللّٰهِ وَمَوْلاٰكَ وَفِي طاٰعَتِكَ، وَالْوٰافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمِسُ كَماٰلَ

من بندهٔ خدا و غلام توام و در اطاعت تو، و به سوی تو کوچ کرده‌ام، التماس می‌کنم کمال

الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللّٰهِ، وَثَباٰتَ الْقَدَمِ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي

منزلت را نزد خدا و ثبات قدم را در هجرت به سوی تو و راهی را که نزد تو لغزش نداشته

لاٰيَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفاٰلَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهاٰ.

باشد به اینکه در کفالت تو و تحت سرپرستی تو وارد شوم که بدان امر شده‌ای.

مَنْ أَرٰادَ اللَّـهَ بَـدَأَ بِكُمْ، [مَـنْ أَرٰادَ اللَّـهَ بَدَأَ بِكُمْ، مَـنْ أَرٰادَ اللَّـهَ بَدَأَ

کسی که خدا را اراده نماید به شما ابتدا می‌نماید [کسی که خدا را اراده نماید به شما آغاز می‌نماید، کسی که

بِكُـمْ]، بِكُـمْ يُبَيِّـنُ اللَّـهُ الْكَـذِبَ، وَبِكُمْ يُبٰاعِـدُ اللَّـهُ الزَّمـٰانَ الْكَلِبَ،

خدا را اراده نماید به شما آغاز می‌کند] به وسیله شما خداوند غیر واقع را بیان می‌کند و روشن می‌سازد، و به وسیله

وَبِكُـمْ فَتَـحَ اللَّـهُ، وَبِكُـمْ يَخْتِـمُ اللَّـهُ، وَبِكُـمْ يَمْحُـوا اللَّـهُ مـٰا يَشـٰاءُ،

شما سخت و دشوار را دور می‌نماید و به سبب شما خدا آغاز می‌کند و به سبب شما خدا خاتمه می‌دهد، و به وسیله

وَبِكُـمْ يُثْبِـتُ، وَبِكُـمْ يَفُـكُ الـذُّلَّ مِـنْ رِقٰابِنـٰا، وَبِكُـمْ يُـدْرِكُ اللَّـهُ تِـرَةَ

شما خداوند آنچه را بخواهد محو می‌کند و به وسیله شما اثبات می‌نماید و به وسیله شما طوق ذلت را از گردن ما بر

كُلِّ مُؤْمِـنٍ يَطْلُـبُ[1]، وَبِكُـمْ تُنْبِـتُ الْاَرْضُ أَشْـجٰارَهٰا، وَبِكُـمْ تُخْـرِجُ

می‌دارد و به وسیله شما خداوند خون هر مؤمنی را که قصاص آن گرفته نشده، می‌گیرد وبه سبب شما زمین درختان

الْاَرْضُ[2] أَثْمٰارَهـٰا، وَبِكُـمْ تُنْـزِلُ السَّـمٰاءُ قَطْرَهـٰا وَرِزْقَهـٰا، وَبِكُـمْ

خود را می‌رویاند، وبه سبب شما زمین (درختان) میوه می‌دهند، به واسطه شما آسمان باران خود را و روزی خود را فرو

يَكْشِـفُ اللَّـهُ الْكَـرْبَ، وَبِكُـمْ يُنَـزِّلُ اللَّـهُ الْغَيْـثَ، وَبِكُـمْ تُسَـبِّحُ اللَّـهَ

می‌ریزد، و به واسطه شما خداوند اندوه را می‌زداید، و به واسطه شما خداوند باران رحمتش را نازل می‌گرداند، و به

الْاَرْضُ، اَلَّتِـي تَحْمِـلُ أَبْدٰانَكُـمْ، وَتَسْـتَقِلُّ جِبٰالُهـٰا عَلـٰى مَرٰاسِـيهٰا.

واسطه شما زمینی که ابدان شما را در بردارد خدا را تسبیح می‌گوید، و کوه‌ها بر پایه‌های خود پابرجا و محکم هستند.

إِرٰادَةُ الـرَّبِّ فِـي مَقٰادِيـرِ أُمُـورِهِ تَهْبِـطُ إِلَيْكُـمْ، وَتَصْـدُرُ مِـنْ بُيُوتِكُـمْ،

اراده پروردگار در مقدّرات امورش به سوی شما فرود می‌آید و از خانه‌های شما صادر می‌گردد

وَالصّـادِقُ عَمّـا فُصِّـلَ مِـنْ أَحْـكٰامِ الْعِبـٰادِ.

و صادق از آنچه فیصله داده شده از احکام بندگان.

لُعِنَـتْ أُمَّـةٌ قَتَلَتْكُـمْ، وَأُمَّـةٌ خٰالَفَتْكُـمْ، وَأُمَّـةٌ جَحَـدَتْ وِلٰايَتَكُـمْ،

گروهی که شما را کشتند و آن‌ها که با شما مخالفت کردند، و کسانی که ولایت شما را انکار نمودند و آنان که

۱. «تُطْلَبُ»، خ.

۲. «الأَشْجارُ»، خ.

وَأُمَّـةٌ ظاٰهَـرَتْ عَلَيْكُـمْ، وَأُمَّـةٌ شَـهِدَتْ وَلَـمْ تُسْتَشْـهَدْ، اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ

علیه شما یکدیگر را یاری نمودند و گروهی که حضور داشتند و شهادت طلبی ننمودند، همه لعنت شده و از رحمت خدا

الَّـذي جَعَـلَ النّـارَ مَأْواهُـمْ، وَبِئْـسَ وِرْدُ الْوارِدِيـنَ، وَبِئْـسَ الْـوِرْدُ

به دور هستند، حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که دوزخ را جایگاه آنان قرار داد و آن بدجایگاهی است برای

الْمَـوْرُودُ، اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعالَمِيـنَ.

وارد شدگان، حمد و سپاس شایسته خدایی است که پروردگار جهانیان است.

و سه مرتبه بگو: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ.

درود خدا بر تو ای ابا عبد الله.

و نیز سه مرتبه بگو: أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خالَفَكَ بَرِيءٌ.

من به سوی خدا از کسانی که با تو مخالفت نمودند بیزاری می‌جویم.

سپس بایست و نزد فرزند آن حضرت علی بن الحسین 8 برو و آن پایین پای حضرت است و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین،

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يَابْنَ الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْـنَ خَدِيجَةَ

سلام بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای پسر خدیجه

الْكُبْرىٰ، وَفاطِمَـةَ الزَّهْراءِ،

کبری و فاطمه زهرا،

سه مرتبه بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ».

درود خدا بر تو.

و سه مرتبه بگو: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ»

لعنت خدا بر قاتل تو.

و سه مرتبه بگو: «**أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ**».

من به سوی خدا از ایشان بیزاری می‌جویم.

سپس بایست و با دست اشاره کن به قبور شهدا و بگو:

«**اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ**» سه مرتبه. «**فُزْتُمْ وَاللَّهِ**» سه مرتبه.

سلام علیکم — به خدا قسم رستگار شدید.

فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ ، فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

کاش من نیز با شما بودم و به سعادت عظیم نائل می‌شدم.

سپس دور می‌زنی و قبر حضرت ابا عبد الله 7 را پیش رویت قرار می‌دهی و شش رکعت نماز می‌خوانی و زیارتت تمام است، اگر خواستی می‌مانی و اگر خواستی باز می‌گردی.[1]



(۶) زیارت ششم



سید بن طاووس 1 در مصباح الزائر می‌گوید:

بر درب قبه مبارکه بایست و بگو:

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هٰذَا الْمَقٰامِ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و در این مقام و جایگاه عطا کن به من رغبتم

رَغْبَتِي عَلىٰ حَقِيقَةِ إِيمٰانِي[2] بِكَ وَبِرَسُولِكَ وَبِوُلاٰةِ أَمْرِكَ،

را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و به رسولت و به صاحبان امرت باشم.

اَلْحَرَمُ حَرَمُ اللَّهِ، وَحَرَمُ رَسُولِهِ وَحَرَمُكَ يٰا مَوْلاٰيَ، أَتَأْذَنُ لِي

این حرم، حرم خدا و حرم رسول او و حرم تو است ای مولای من، آیا

۱. کامل الزیارات: ص۳۶۲ ح۲.

۲. «الحال»، خ.

بِالدُّخُولِ إِلىٰ حَرَمِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِذٰلِكَ أَهْلاً، فَأَنْتَ لِذٰلِكَ أَهْلٌ

اجازه می‌دهید وارد حرم شما شوم اگر شایستگی آن را ندارم شما شایسته هستید،

عَنْ إِذْنِكَ يا مَوْلاٰيَ، أَدْخُلُ حَرَمَ اللّٰهِ وَحَرَمَكَ.

با اجازه شما ای مولای من وارد می‌شوم در حرم خدا و حرم شما.

سپس وارد می‌شوی و ضریح را پیش روی خود قرار می‌دهی و می گویی:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت

نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل پروردگار، سلام بر تو

يا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ،

ای وارث حضرت موسی کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ عَلِيٍّ

سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد 9 حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی بن

أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ، سِبْطِ رَسُولِ اللّٰهِ.

ابی طالب امیرمؤمنان، سلام بر تو ای وارث حسن بن علی شهید سبط رسول خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشِيرِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند بشارت دهنده

النَّذِيرِ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ

بیم دهنده و فرزند سرور اوصیاء، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور زنان

الْعٰالَمِينَ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللّٰهِ

عالم، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا،

وَابْـنَ خِيَرَتِـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـاٰ ثارَ اللّٰـهِ وَابْنَ ثارِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَا

سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای آنکه خونخواهی

الْوِتْـرُ الْمَوْتُـورُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمـاٰمُ الْهاٰدِي الزَّكِـيُّ، وَعَلىٰ أَرْواحٍ

خون تو نشده است، سلام بر تو ای پیشوای هدایتگر زکی و بر ارواح پاکی

حَلَّـتْ بِفِنائِـكَ، وَأَقٰامَـتْ فـي جِـواٰرِكَ، وَوَفَـدَتْ مَـعَ زُوّارِكَ. اَلسَّـلاٰمُ

که بر آستان تو فرود آمدند و در جوارت مقیم گردیدند و با زائرانت کوچ کردند. سلام من بر شما تا

عَلَيْـكَ مِنِّي مـاٰ بَقِيـتُ وَبَقِـيَ اللَّيْـلُ وَالنَّهاٰرُ.

مادامی که باقی هستم و تا مادامی که شب و روز باقی است.

فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّ الْمُصاٰبُ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْـلِمِينَ،

به راستی عزای شما عظیم و مصائبت نسبت به مؤمنان و مسلمانان

وَفِـي أَهْلِ السَّـمٰاوٰاتِ أَجْمَعِيـنَ، وَفِي سُـكّانِ الْأَرَضِينَ، فَـ(إِنّـا لِلّٰهِ وَإِنّا

و همهٔ اهل آسمان‌ها و تمام ساکنان زمین بزرگ است. «همانا ما از خداوندیم و به سوی

إِلَيْـهِ رٰاجِعُونَ)[1]،

او بازگشت کننده‌ایم».

وَصَلَـوٰاتُ اللّٰـهِ وَبَرَكٰاتُـهُ وَتَحِيّاتُـهُ عَلَيْـكَ، وَعَلـىٰ آبٰائِـكَ الطّاهِرِيـنَ

صلوات خدا و برکات او و تحیّاتش بر تو و بر پدران پاک و پاکیزه

الطَّيِّبِيـنَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَعَلـىٰ ذَرٰارِيِّهِمُ الْهُـداٰةِ الْمَهْدِيِّينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

و برگزیده‌ات و بر فرزندان هدایتگر و هدایت شده ات، سلام بر تو

يـاٰ مَـوْلاٰيَ وَعَلَيْهِـمْ، وَعَلـىٰ رُوحِـكَ وَعَلـىٰ أَرْواحِهِـمْ، وَعَلـىٰ تُرْبَتِـكَ

ای مولای من و بر آنان و بر روح مطهر تو و بر ارواح پاک آنان، و بر تربت مقدس تو و تربت

وَعَلـىٰ تُرْبَتِهِـمْ. أَللّٰهُـمَّ لَقِّهِـمْ رَحْمَـةً وَرِضْواٰنـاً وَرَوْحـاً وَرَيْحاٰناً.

مقدس آنان، خداوندا آنان را از رحمت و رضوان و راحتی و سرور برخوردار گردان.

۱. سورهٔ بقره، آیه ۱۵۶

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يٰا مَوْلاٰيَ يـٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰـهِ، يَابْـنَ خاٰتَمِ النَّبِيِّـيـنَ، وَيَابْنَ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، ای مولای من، ای پسر خاتم پیامبران و ای پسر

سَـيِّدِ الْوَصِيِّـيـنَ، وَيَابْنَ سَـيِّدَةِ نِسـاٰءِ الْعاٰلَمِينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا شَـهِيدُ

سرور اوصیاء و ای پسر سرور زنان عالم، سلام بر تو ای شهید،

يَابْـنَ الشَّـهِيدِ، يٰا أَخَ الشَّـهِيدِ، يٰا أَبٰا الشُّـهَدٰاءِ.

ای فرزند شهید، ای برادر شهید، ای پدر شهیدان،

أَللّٰهُـمَّ بَلِّغْـهُ عَنّـي فـي هٰـذِهِ السّـاعَةِ، وَفـي هٰـذَا الْيَـوْمِ، وَفـي هٰـذَا

خداوندا به او برسان از طرف من در این ساعت و در این روز و در این

الْوَقْـتِ، وَفـي كُلِّ وَقْـتٍ تَحِيَّـةً كَثيـرَةً وَسَـلاٰماً.

وقت و درهر وقت و زمانی تحیّت فراوان و سلام،

سَـلامُ اللّٰـهِ عَلَيْـكَ وَرَحْمَـةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُـهُ، يَابْنَ سَـيِّدِ الْعاٰلَمِيـنَ، وَعَلَى

سلام خدا بر تو و رحمت خدا و برکات او، ای فرزند سرور عالمیان

الْمُسْتَشْـهَدِينَ مَعَكَ سَـلاٰماً مُتَّصِلاً مَـا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهاٰرُ. اَلسَّـلاٰمُ عَلَى

و بر شهیدان همراهت، سلامی پیوسته به پیوستگی شب و روز. سلام بر

الْحُسَـيْنِ بْـنِ عَلِـيٍّ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ عَلِـيِّ بْنِ الْحُسَـيْنِ الشَّـهِيدِ،

حسین بن علی شهید، سلام بر علی بن الحسین شهید،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَـى الْعَبّاسِ بْـنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَى الشُّـهَدٰاءِ

سلام بر عبّاس بن علی شهید، سلام بر شهدا

مِـنْ وُلْدِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَى الشُّـهَدٰاءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَـنِ، اَلسَّـلاٰمُ

از فرزندان امیرالمؤمنین، سلام بر شهدا از فرزندان امام حسن 7 ، سلام

عَلَـى الشُّـهَدٰاءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَـيْنِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَى الشُّـهَدآءِ مِنْ وُلْـدِ جَعْفَرٍ

بر شهدا از فرزندان امام حسین 7 ، سلام بر شهدا از فرزندان جعفر

وَعَقِيلٍ، اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، أَللّٰهُمَّ صَلِّ

و عقیل، سلام بر همهٔ شهیدان همراه ایشان از مؤمنان، خداوندا درود فرست بر محمّد

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ عَنّي تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاٰماً.

و آل محمّد، و به آن‌ها برسان از طرف من تحیت فراون و سلام.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزٰاءَ في وَلَدِكَ

سلام بر تو ای رسول خدا، خداوند عزا را برایت نیکو گرداند در مورد فرزندت

الْحُسَيْنِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يا فاٰطِمَةُ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكِ الْعَزٰاءَ في وَلَدِكِ

حسین 7. سلام بر تو ای فاطمه، خداوند عزا را بر تو نیکو گرداند در مورد فرزندت

الْحُسَيْنِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَميرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزٰاءَ في

حسین 7. سلام بر تو ای امیرمؤمنان، خداوند عزا را بر تو نیکو گرداند در مورد فرزندت

وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ

حسین 7. سلام بر تو ای ابا محمّد، خداوند عزا را بر تو نیکو گرداند

الْعَزٰاءَ في أَخيكَ الْحُسَيْنِ.

در مورد برادرت حسین 7.

يا مَوْلاٰيَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، أَنَا ضَيْفُ اللّٰهِ وَضَيْفُكَ، وَجاٰرُ اللّٰهِ

ای مولای من ای ابا عبد الله، من میهمان خدا و میهمان توام، پناه آورنده به خدا و پناه آورنده به

وَجاٰرُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجاٰرٍ قِرًى، وَقِرٰايَ في هٰذَا الْوَقْتِ، أَنْ تَسْأَلَ

توام، و برای هر میهمان و پناه آورنده‌ای هدیه و احسانی است و هدیه من در این وقت این باشد که از

اللّٰهَ سُبْحاٰنَهُ وَتَعاٰلىٰ أَنْ يَرْزُقَنِي فَكاٰكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، إِنَّهُ سَمِيعُ

خدا بخواهی آزادی از آتش را روزی‌ام گرداند که او شنونده

الدُّعاٰءِ، قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

دعا و نزدیک و اجابت کننده است.

سپس ضریح را ببوس و به قسمت بالای سر مبارک برو و آنجا بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صَرِيعَ الْعَبْرَةِ السّاكِبَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا قَرِينَ

سلام بر تو ای کشته اشک‌های ریزان، سلام بر تو ای قرین

الْمُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ، بِاللّٰهِ أُقْسِمُ لَقَدْ طَيَّبَ اللّٰهُ بِكَ التُّرٰابَ، وَأَعْظَمَ بِكَ

مصیبت پیوسته و دائم، قسم یاد می‌کنم به خدا که خداوند به واسطه تو خاک را پاک گردانید و به واسطه تو

الْمُصٰابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْكِتٰابَ، وَجَعَلَكَ وَجَدَّكَ وَأَبٰاكَ، [وَأُمَّكَ

مصیبت را عظیم نمود، و کتاب را واضح ساخت، و تو و جدّ و پدر و مادر و برادر و فرزندانت

وَأَخٰاكَ وَأَبْنٰاءَكَ][1] عِبْرَةً لُاِولِي الْاَلْبٰابِ.

را عبرت برای صاحبان عقل و خرد قرار داد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْخِطٰابَ، وَتَرُدُّ الْجَوٰابَ، فَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ

گواهی می‌دهم که تو خطاب را می‌شنوی و جواب را رد می‌کنی، درود خدا بر تو ای فرزند پاکان

يَابْنَ الْمَيٰامِينِ الْاَطْيٰابِ، فَهٰا أَنَا ذٰا نَحْوَكَ قَدْ أَتَيْتُ، وَإِلىٰ فِنٰائِكَ

پربرکت، اکنون منم به سوی تو آمده و به آستان تو پناهنده گشته‌ام، و با این کار امید تقرّب به تو و

الْتَجَأْتُ، أَرْجُو بِذٰلِكَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَإِلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، فَصَلَّى اللّٰهُ

جد، و پدر بزرگوارت را دارم، درود خدا بر تو ای امام و پیشوای من و فرزند امام و پیشوای من، گویا

عَلَيْكَ يٰا إِمٰامِي وَابْنَ إِمٰامِي، كَأَنِّي بِكَ يٰا مَوْلاٰيَ فِي عَرَصٰاتِ كَرْبَلاٰءَ

تو را دارم می‌بینم ای مولای من در صحرای کربلا فریاد می‌زنی کسی جواب تو را نمی‌دهد، یاری

تُنٰادِي فَلاٰ تُجٰابُ، وَتَسْتَغِيثُ فَلاٰ تُغٰاثُ، وَتَسْتَجِيرُ فَلاٰ تُجٰارُ، يٰا لَيْتَنِي

می‌طلبی، کسی به فریاد تو نمی‌رسد و تو پناه می‌خواهی و پناه داده نمی‌شوی، و ای کاش با شما

كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

بودم و به سعادت بزرگ و رستگاری نائل می‌شدم.

۱. این عبارت در دو نسخه «هـ» و «عم» نیست.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ رُوحِهِ وَجَسَدِهِ، وَبَلِّغْهُ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً، وَسَلاٰماً

خداوندا بر روح و پیکر مطهّر او درود فرست و از طرف من تحیّت بسیار و سلام

وَرَحْمَةً، وَبَرَكَةً وَرِضْوٰاناً، وَخَيْراً دٰائِماً وَغُفْرٰاناً، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعٰاءِ،

و رحمت و برکت و رضوان و خیر دائم و آمرزش به او برسان که تو شنونده دعا،

قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

نزدیک و اجابت کننده‌ای.

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و بگو:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي [يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ]، يٰا أَبٰا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ

پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا، ای ابا عبد الله، به راستی مصیبت تو

الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنٰا، وَعَلىٰ أَهْلِ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرَضِ،

عظیم و عزای تو بر ما و بر اهل آسمان‌ها و زمین بزرگ است، خدا لعنت کند گروهی

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتٰالِكَ،

را که اسب‌ها را زین کرده و لجام زده و خود را برای جنگ با تو آماده کردند،

يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ، أَسْأَلُ

ای مولای من، ای ابا عبد الله، حرم تو را قصد نمودم و به زیارتگاه تو آمدم، از خداوند

اللَّهَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ

می‌خواهم به موقعیّت و مرتبه و مقامی که نزد خدا داری و به جایگاهت در پیشگاه

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ.

او که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد و مرا با شما در دنیا و آخرت قرار دهد.

سپس[1] سر خود را بلند کن و با این صلوات بر آن حضرت درود فرست:

۱. در نسخه علامه مجلسی 1 این اضافه آمده است: دو رکعت نماز در قسمت بالای سر بخوان و در آن هر سوره‌ای که دوست داری بخوان و به آنچه خواهی دعا کن. سپس برخیز و برو به حضرت علی بن الحسین و بر شهدا از اصحاب امام حسین 7 سلام کن به آنچه پیش از این ذکر شد.

أَللّٰهُـمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَـيْنِ الْمَظْلُومِ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و درود فرست بر حسین

الشَّـهِيدِ، قَتِيـلِ الْعَبَـرٰاتِ، وَاَسِـيرِ الْكُرُبـٰاتِ، صَلاٰةً نٰامِيَـةً زٰاكِيَـةً مُبٰارَكَةً،

مظلوم شهید، کشته اشک‌ها و اسیر اندوه‌ها، درودی بالنده، پاک، مبارک،

يَصْعَـدُ اَوَّلُهـٰا، وَلاٰ يَنْفَـدُ آخِرُهـا، اَفْضَلَ مٰا صَلَّيْـتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِـنْ اَوْلاٰدِ

بالا رود ابتدای آن و پایان نیابد آخر آن، برتر از درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و

الْاَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَـلِينَ، يـٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ.

رسولان فرستادی، ای پروردگار جهانیان.

اَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلَـى الْاِمـٰامِ الشَّـهِيدِ، اَلْمَقْتُـولِ الْمَظْلُـومِ الْمَخْـذُولِ،

خداوندا درود فرست بر امام شهید، کشته شده، مظلوم و رها شده

وَالسَّـيِّدِ الْقٰائِـدِ، وَالْعٰابِـدِ الزّاهِـدِ، والْوَصِيِّ الْخَلِيفَـةِ، اَلْاِمـٰامِ الصِّدِّيقِ،

و بدون یار، سید، پیشوا، عابد، زاهد، وصیّ، جانشین، امام بسیار راستگو،

اَلطُّهْـرِ الطّاهِـرِ، اَلطَّيِّـبِ الْمُبـٰارَكِ، وَالرَّضِـيِّ الْمَرْضِـيِّ، وَالتَّقِـيِّ الْهٰادِي

عین پاکی و طهارت، نیکو و پربرکت، پسندیده و مورد پسند، پرهیزکار،

الْمَهْـدِيِّ، اَلزّاهِـدِ الذّائِـدِ، اَلْمُجٰاهِـدِ الْعٰالِـمِ، اِمـٰامِ الْهُـدىٰ، سِـبْطِ

هدایت کننده، هدایت شده، زاهد، بازدارنده، مجاهد عالِم، پیشوای هدایت، سبط

الرَّسُـولِ، وَقُـرَّةِ عَيْـنِ الْبَتُـولِ، صَلَّـى اللّٰـهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ وَسَـلَّمَ.

رسول، روشنی چشم بتول، درود و سلام خدا بر او و بر خاندان او باد.

اَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ سَـيِّدي وَمَـوْلاٰيَ، كَمـا عَمِـلَ بِطٰاعَتِـكَ، وَنَهـىٰ

خداوندا بر سرور و مولای من درود فرست همان طور که به طاعت تو عمل کرد و از نافرمانی

عَـنْ مَعْصِيَتِـكَ، وَبٰالَـغَ فـي رِضْوانِـكَ، وَاَقْبَـلَ عَلـىٰ إِيمٰانِـكَ غَيْـرَ قٰابِلٍ

تو نهی کرد، و در رضای تو بسیار کوشید، و بر ایمانت روی آورد، عذری را در مورد تو نپذیرفت،

فِيكَ عُذْراً، سِرّاً وَعَلانِيَةً يَدْعُو الْعِبادَ اِلَيْكَ، وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ، وَقامَ

پنهانی و آشکار، بندگان را به سوی تو فراخواند و ایشان را بر تو دلالت نمود و در پیشگاه تو

بَيْنَ يَدَيْكَ يَهْدِمُ الْجَوْرَ بِالصَّوابِ، وَيُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتابِ، فَعاشَ

قیام نمود بنای جور را به وسیله حق و حقیقت ویران کرد و به وسیله کتاب سنت را احیا نمود، پس

فِي رِضْوانِكَ مَكْدُوداً، وَمَضىٰ عَلىٰ طاعَتِكَ وَفِي اَوْلِيائِكَ مَكْدُوحاً،

زندگی کرد در رضوان تو با رنج و زحمت، و رفت بر اطاعت تو و در اولیاء تو با تلاش و کوشش،

وَقَضىٰ اِلَيْكَ مَفْقُوداً، لَمْ يَعْصِكَ فِي لَيْلٍ وَلا نَهارٍ، بَلْ جاهَدَ فِيكَ

و دنیا را وداع گفت و پنهان گردید، نافرمانی نکرد در هیچ وقت از شب و روز بلکه در راه تو با

الْمُنافِقِينَ وَالْكُفّارَ.

منافقین و کفّار جهاد کرد.

اَللّٰهُمَّ فَاَجْزِهِ خَيْرَ جَزاءِ الصّادِقِينَ الْاَبْرارِ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ

خداوندا او را پاداش ده بهترین پاداش راستگویان نیکوکار و بر آنان عذابت را دو چندان کن و برای

وَلِقاتِلِيهِ الْعِقابَ، فَقَدْ قاتَلَ كَرِيماً، وَقُتِلَ مَظْلُوماً، وَمَضىٰ مَرْحُوماً،

قاتلانش کیفر و عقوبت را، به راستی کریمانه جنگید و مظلومانه کشته شد و رحمت شده از دنیا رفت.

يَقُولُ اَنَا ابْنُ رَسُولِ اللّٰهِ مُحَمَّدٍ، وَابْنُ مَنْ زَكّىٰ وَعَبَدَ، فَقَتَلُوهُ

می گفت: من فرزند رسول خدا حضرت محمّد 6 هستم و پسر کسی که زکات داد و بندگی کرد،

بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ عَلَى الْاِيمانِ، وَأَطاعُوا فِي قَتْلِهِ الشَّيْطانَ،

پس او را از روی عمد کشتند، او را بر ایمان کشتند و در کشتن او شیطان را اطاعت کردند و خداوند

وَلَمْ يُراقِبُوا فِيهِ الرَّحْمَنَ.

رحمان را در نظر نگرفتند و از او نترسیدند.

أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ سَيِّدِي وَمَوْلايَ، صَلاةً تَرْفَعُ بِها ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ

خداوندا بر سرورو مولای من درود فرست، درودی که با آن ذکر و یاد او را بالا برد و

بِهـا اَمْـرَهُ، وَتُعَجِّـلُ بِهـا نَصْـرَهُ، وَاخْصُصْـهُ بِاَفْضَلِ قِسَـمِ الْفَضائِـلِ يَوْمَ

امرش را ظاهر سازد و نصرت اورا شتاب نماید و او را اختصاص بده به برترین قسم از فضائل در

الْقِيامَـةِ، وَزِدْهُ شَـرَفاً فـي أَعْلىٰ عِلِيِّيـنَ، وَبَلِّغْهُ أَعْلـىٰ شَـرَفِ الْمُكَرَّمِينَ،

فردای قیامت و به شرف او در اعلی علیین بیفزا، و برسان او را به عالی‌ترین شرف بزرگواران،

وَارْفَعْـهُ مِـنْ شَـرَفِ رَحْمَتِـكَ فـي شَـرَفِ الْمُقَرَّبِيـنَ فِـي الرَّفِيـعِ الْاَعْلىٰ،

و از شرف رحمتت او را بالا ببر در شرف مقرّبین در بالاترین مرتبه بهشت،

وَبَلِّغْهُ الْوَسِـيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْجَلِيلَـةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَـةَ وَالْكَرامَةَ الْجَزِيلَةَ.

و او را برسان به مقام وسیله و منزلت والا و فضل و فضیلت و کرامت بسیار.

اَللّٰهُـمَّ فَاَجْـزِهِ عَنّـا اَفْضَـلَ مـا جازَيْـتَ اِماماً عَـنْ رَعِيَّتِـهِ، وَصَـلِّ عَلَى

خداوندا او را از طرف ما پاداش ده بهترین پاداشی که از طرف رعیتی به امام می‌دهی و درود فرست

سَـيِّدِي ومَـوْلايَ كُلَّمـا ذُكِـرَ، وَكُلَّما لَـمْ يُذْكَرْ.

بر سرور و مولای من هرگاه یاد شود و هرگاه یاد نشود

يـا سَـيِّدِي ومَـوْلايَ، أَدْخِلْنِـي فـي حِزْبِـكَ وَزُمْرَتِـكَ، وَاسْـتَوْهِبْنِي

ای سرور من و مولای من، مرا در حزب خود و در زمره خویش داخل نما و طلب بخشش کن برای من

مِـنْ رَبِّـكَ وَرَبِّـي، فَـاِنَّ لَـكَ عِنْـدَ اللّٰـهِ جاهـاً وَقَـدْراً وَمَنْزِلَـةً رَفِيعَـةً، اِنْ

از پروردگارت و پروردگارم، که برای تو نزد خدا آبرو و ارزش و مقام و منزلتی رفیع است، اگر بخواهی

سَـأَلْتَ اُعْطِيـتَ، وَ اِنْ شَـفَعْتَ شُـفِّعْتَ، اَللّٰـهَ اَللّٰـهَ في عَبْـدِكَ وَمَوْلاكَ،

عطا می‌شوی و اگر شفاعت کنی شفاعتت پذیرفته می‌شود خدا را، خدا را در مورد بنده و غلامت، مرا در

لاتُخْلِنِـي عِنْدَ الشَّـدائِدِ وَالْاَهْوالِ، لِسُـوءِ عَمَلِي، وَقَبِيـحِ فِعْلِي، وَعَظِيمِ

سختی‌ها و وحشت‌ها رهایم مکن و تنهایم مگذار، به خاطر بدی عملم و زشتی کردارم و بزرگی جرمم،

جُرْمِـي، فَاِنَّـكَ اَمَلـي وَرَجائِـي، وَثِقَتِـي وَمُعْتَمَدِي، وَوَسِـيلَتِي اِلَـى اللّٰهِ

که تو آرزو و امید من و مایه اطمینان و تکیه گاه من و وسیله من به سوی خداوند پروردگار

رَبِّي وَرَبِّكَ، لَمْ يَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ اِلَى اللّٰهِ بِوَسِيلَةٍ هِيَ اَعْظَمُ حَقّاً،

من و پروردگارت هستی، متوسّلان به خداوند توسّل نمی‌جویند به وسیله‌ای که حق او بزرگ تر

وَلاٰ اَوْجَبُ حُرْمَةً وَلاٰ اَجَلُّ قَدْراً عِنْدَهُ مِنْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ، لاٰ خَلَّفَنِيَ

و حرمت او لازم تر و ارزش او والاتر باشد نزد او از شما اهل بیت، مرا خداوند از شما جدا نگرداند

اللّٰهُ عَنْكُمْ بِذُنُوبِي، وَجَمَعَنِي وَاِيّاكُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ الَّتِي اَعَدَّهاٰ لَكُمْ

به خاطر گناهانم و در جمع شما قرار دهد در بهشت عدن که برای شما و دوستان شما آماده

وَ لِاَوْلِيائِكُمْ، اِنَّهُ خَيْرُ الْغافِرِينَ، وَاَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.

کرده است که او بهترین آمرزنده و مهربان ترین مهربانان است.

اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْ سَيِّدِي وَمَوْلاٰيَ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاٰماً، وَارْدُدْ عَلَيْنا مِنْهُ

خداوندا تحیت فراوان و سلام به سیّد و مولای من برسان، و پاسخ سلام ما را از طرف

[التَّحِيَّةَ وَ] السَّلاٰمَ، اِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ، وَصَلِّ عَلَيْهِ كُلَّماٰ ذُكِرَ السَّلاٰمُ،

او به ما بازگردان، که تو بخشنده و بزرگوار هستی و درود فرست بر او هرگاه سلام یاد شود

وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ، يا رَبَّ الْعالَمِينَ.

و هرگاه یاد نشود، ای پروردگار جهانیان.

سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و بعد از آن دعا کن به آنچه بعد از نماز زیارت در زیارت اول گفتیم و آن را شرح دادیم، و بعد از آن حضرت، شاهزاده علی بن الحسین 8 و نیز شهدا را زیارت کن.[1]

۱. مصباح الزائر : ص۲۴۵، بحار الانوار: ۲۲۲/۱۰۱ ح۳۴ .

(۷) زیارت هفتم (زیارت وارث)

صفوان بن مهران گفته است: از امام صادق 7 اجازه خواستم برای زیارت مولایم امام حسین 7 و از آن حضرت خواستم مرا راهنمایی کند که چه عملی در این رابطه باید انجام دهم، فرمود:

ای صفوان، پیش از بیرون رفتن سه روز روزه بگیر، در روز سوم غسل کن و آنگاه اهل و عیال خود را جمع کن و بگو:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوَلَدِي، وَمَنْ كانَ مِنِّي

خداوندا خودم و خانواده و مال و فرزندانم و هر کس را که به من بستگی دارد از

بِسَبِيلٍ، الشّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغائِبَ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حاضران و غایبان به ودیعه به تو می‌سپارم. خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست

وَاحْفَظْنا بِحِفْظِ الْإِيمانِ، وَاحْفَظْ عَلَيْنا. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنا فِي حِرْزِكَ،

و ما را به حفظ ایمان حفظ کن، و آن را برای ما حفظ فرما، خداوندا ما را در امن خودت قرار بده

وَلاتَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ عافِيَتِكَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ،

و نعمتت را از ما سلب نکن، و آن چه را از عافیتت به ما مرحمت کرده‌ای دگرگون مساز، و

إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ. أَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ، وَمِنْ كآبَةِ

فضل و احسانت را نسبت به ما زیاد گردان، ما به سوی تو راغبیم. خداوندا از سختی و مشقت

الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ. أَللَّهُمَّ

راه و اندوه بازگشت و نظر بد نسبت به جان و مال و فرزند و خانواده به تو پناه می‌برم، خداوندا

ارْزُقْنا حَلاوَةَ الْإِيمانِ، وَبَرْدَ الْمَغْفِرَةِ، وَآمِنّا عَذابَكَ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ،

به ما شیرینی ایمان و لذت آمرزش را بچشان و از عذابت ایمن بدار، همانا به سوی تو راغبیم،

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَآتِنَا

به ما در دنیا حسنه و در آخرت حسنه مرحمت فرما و از عذاب دوزخ ما را حفظ کن، و از جانب

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خود رحمتی بر ما فرست که تو بر هر چیز توانا هستی.

وقتی به فرات رسیدی (که مقصود شریعه امام صادق 7 در نهر علقمه است) بگو:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرِّجَالُ، وَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَقْصُودٍ،

خداوندا تو بهترین کسی هستی که اشخاص به سوی او کوچ می‌کنند و تو ای سرور من کریم ترین

وَأَفْضَلُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً، وَلِكُلِّ وَافِدٍ تُحْفَةً،

قصد شده و برترین زیارت شده‌ای، برای هر زائر کرامتی و برای هر کوچ کننده، تحفه‌ای قرار داده‌ای،

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ قَصَدْتُ

از تو می‌خواهم که تحفه ات برای من رهایی من از آتش باشد، من ولی تو

وَلِيَّكَ وَابْنَ نَبِيِّكَ، وَصَفِيَّكَ وَابْنَ صَفِيِّكَ، وَنَجِيَّكَ وَابْنَ نَجِيِّكَ،

و پسر پیامبرت، برگزیده تو و پسر برگزیده‌ات، رازدار تو و پسر رازدارت،

وَحَبِيبَكَ وَابْنَ حَبِيبِكَ.

حبیب تو و پسر حبیبت را قصد کرده‌ام.

أَللَّهُمَّ فَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ، بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ،

خداوندا سعی و تلاش مرا قبول کن و بپذیر و این سیرم را به سوی خودت مورد ترحم قرار بده بدون

بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ لِيَ السَّبِيلَ إِلَىٰ زِيَارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي

اینکه منّتی بر تو داشته باشم بلکه تو بر من منّت نهاده‌ای که راه زیارت او را بر من هموار ساختی و

فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، حَتَّىٰ بَلَّغْتَنِي هٰذَا الْمَكَانَ. أَللَّهُمَّ

فضیلت آن را به من شناساندی و در شب و روز مرا حفظ کردی تا اینکه به این مکان رساندی، خداوندا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ نَعْمائِكَ كُلِّها، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلىٰ مِنَنِكَ كُلِّها.

تو را حمد و سپاس بر همه نعمت‌هایت و تو را شکر بر تمام الطافت.

سپس غسل کن از فرات، پدرم از پدرانش حدیث کرد مرا و فرمود: رسول خدا 9 فرمودند:

پسرم حسین بعد از من بر لب فرات کشته می‌شود، کسی که به زیارت او رود و از فرات غسل کند گناهان او فروریزد و مانند روزی گردد که از مادر به دنیا آمده است، پس زمانی که غسل کردی در حال غسل کردن بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ

به نام خدا و با استعانت از او، خداوندا قرار بده آن را (غسل را) نور و پاک کننده و مایه امن و

داءٍ، وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ. أَللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي،

شفای هر درد و بیماری و آفت و عیبی، خداوندا به وسیلهٔ آن قلب مرا پاک گردان و سینه‌ام را فراخ نما

وَسَهِّلْ لي بِهِ أَمْرِي.

و کارم را آسان فرما.

و چون از غسل فارغ گردیدی پیراهن پاکی بپوش و خارج نهر دو رکعت نماز بخوان و آن مکانی است که خداوند تبارک و تعالی فرمود: (وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَجَنّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوانٌ وَغَيْرُ صِنْوانٍ يُسْقىٰ بِماءٍ واحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَها عَلىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ)[1] «و در زمین قطعه‌هایی همجوار و باغ‌هایی از انگورها و زراعت و نخل‌هایی است که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک تنه از یک ریشه و همه به یک آب سیراب می‌شوند و در ثمره بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم».

۱. سورهٔ رعد، آیه۴.

و چون از نمازت فارغ شدی رو به سوی حائر حرکت کن خیلی با آرامش و با وقار، قدم‌هایت را کوتاه بردار، خداوند تبارک و تعالی به هر قدم تو یک حج ویک عمره برایت می‌نویسد و راه برو درحالی که قلبی خاشع و چشمی گریان داری و زیاد تکبیر و تهلیل و ثنای پروردگار و صلوات بر پیامبر و مخصوصاً بر امام حسین 7 بفرست و قاتلان حضرت را لعنت کن و از کسانی که اساس ظلم را نهادند تبرّی بجو، به باب حائر که رسیدی بایست و بگو:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً، وَسُبْحانَ اللّٰهِ بُكْرَةً

خداوند بزرگ تر است بس بزرگ تر، ستایش او را به جا می‌آورم بسیار، تنزیه او می‌نمایم هر بامداد

وَأَصِيلاً، (اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ

و شامگاه «حمد و سپاس خداوند را که ما را به این امر هدایت نمود اگر خداوند ما را هدایت نمی‌نمود

هَدانَا اللّٰهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ)[1]

هرگز راه را نمی‌یافتیم همانا فرستادگان پروردگار ما حق را آورده‌اند».

و بگو: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّٰهِ،**

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتَمَ النَّبِيّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُرْسَلينَ،

سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو ای سیّد رسولان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام

عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

بر تو ای سرور اوصیاء سلام بر تو ای پیشوای روسفیدان،

۱. سورهٔ اعراف، آیه۴۳.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور زنان عالم، سلام بر تو

وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَصِيَّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ.

و بر امامان از فرزندانت، سلام بر تو ای وصیّ امیرالمؤمنین.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَلٰائِكَةَ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای بسیار راستگو و شهید، سلام بر شما ای فرشتگان الهی که در

اَلْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَقٰامِ الشَّرِيفِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَلٰائِكَةَ رَبِّي،

این جایگاه شریف اقامت گزیده اید، سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم

اَلْمُحْدِقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ مِنِّي أَبَداً

که قبر مبارک امام حسین 7 را احاطه نموده اید، سلام بر شما از طرف من سلام دائمی تا مادامی که

مٰا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهٰارُ.

باقی هستم و شب و روز باقی است.

سپس بگو: اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول

اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ،

خدا، سلام بر تو ای پسر امیرمؤمنان، بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز توام،

اَلْمُقِرُّ بِالرِّقِّ، وَالتّٰارِكُ لِلْخِلٰافِ عَلَيْكُمْ، وَالْمُوٰالِي لِوَلِيِّكُمْ، وَالْمُعٰادِي

به بندگی اقرار دارم و مخالفت با شما را ترک کننده‌ام، با دوست شما دوست و با دشمن شما دشمنم،

لِعَدُوِّكُمْ، قَصَدَ حَرَمَكَ، وَاسْتَجٰارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ،

حرم شما را قصد نموده و به زیارتگاه شما پناهنده گشته و با این قصد به شما تقرّب جسته‌ام،

أَأَدْخُلُ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يٰا نَبِيَّ اللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ،

اجازه می‌دهید وارد شوم ای رسول خدا؟ وارد شوم ای پیامبر خدا؟ اجازه می‌دهید وارد شوم ای

أَأَدْخُلُ يا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، أَأَدْخُلُ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِينَ،

امیر مؤمنان؟ وارد شوم ای سیّد اوصیاء، اجازه می‌دهید وارد شوم ای فاطمه، ای سرور زنان عالم؟

أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟

اجازه می‌دهید؟ وارد شوم ای مولای من ای ابا عبد الله؟ وارد شوم ای مولای من ای فرزند رسول خدا؟

پس اگر قلب تو خشوع پیدا کرد و اشک از چشمت جاری گشت این علامت اجازه واردشدن است پس وارد شو و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْواحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، اَلَّذِي هَدانِي لِوِلايَتِكَ،

حمد و سپاس سزاوار خداوند یگانه و یکتا و بی‌همتا و بی‌نیاز است که مرا به ولایت تو هدایت نمود و

وَخَصَّنِي بِزِيارَتِكَ، وَسَهَّلَ لي قَصْدَكَ.

به زیارت تو مخصوص گردانید و قصد تو را برایم آسان ساخت.

سپس به درب قبّه برو و آنجا که رأس مبارک قرار دارد بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم 7 که برگزیده خدا است، سلام بر تو ای وارث حضرت

نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

نوح که پیامبر خدا است، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم که خلیل خداوند است، سلام بر تو

يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسى رُوحِ اللَّهِ،

ای وارث حضرت موسی که کلیم خدا است، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی که روح خدا است،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد 9 که حبیب خدا است، سلام بر تو ای

أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللَّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مُحَمَّدِنِ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلامُ

وارث امیرالمؤمنین که ولی خدا است. سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی، سلام

عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاٰطِمَةَ الزَّهْراٰءِ،

بر تو ای پسر علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا ثاٰرَ اللَّهِ

سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری، سلام بر تو ای خون خدا و ای پسر خون خدا،

وَابْنَ ثاٰرِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ.

و ای آنکه انتقام او گرفته نشده است.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاٰةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاٰةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر نمودی، و از زشتی‌ها

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتّىٰ أَتاٰكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ

نهی فرمودی، و خدا و رسول او را اطاعت کردی تا اجل فرارسید، لعنت خدا بر گروهی که شما را

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ

کشتند، و لعنت خدا بر کسانی که به شما ستم نمودند، و لعنت خدا بر آنان که خبر قتل شما را شنیدند

فَرَضِيَتْ بِهِ.

و خشنود شدند.

يا مَوْلاٰيَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلاٰبِ

ای مولای من، ای ابا عبد الله، شهادت می‌دهم که تو نوری بودی در صلب‌های

الشّامِخَةِ، وَالْاَرْحاٰمِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاٰهِلِيَّةُ بِأَنْجاٰسِها،

بسیار رفیع و ارحام پاک، جاهلیت به آلودگی‌هایش شما را نیالود.

وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاٰتِ ثِيابِها، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعاٰئِمِ الدِّينِ،

و از لباس‌های تیره و تاریک آن بر شما نپوشاند، و شهادت می‌دهم که شما از اسطوانه‌های دین

وَأَرْكاٰنِ الْمُؤْمِنِينَ.

و ارکان مؤمنین هستید.

وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ الْإِمـامُ الْبَـرُّ التَّقِـيُّ، اَلرَّضِيُّ الزَّكِـيُّ، اَلْهـادِي الْمَهْدِيُّ،

و گواهی می‌دهم که تو امام نیکوکار، پرهیزکار، پسندیده، پاک، هدایتگر و هدایت

وَأَشْـهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّـةَ مِـنْ وُلْـدِكَ كَلِمَـةُ التَّقْوىٰ، وَأَعْـلامُ الْهُـدى، وَالْعُرْوَةُ

شده‌ای، و شهادت می‌دهم که امامان از فرزندانت نشانه تقوا و پرچم هدایت و دست آویز

الْوُثْقـىٰ، وَالْحُجَّـةُ عَلىٰ أَهْـلِ الدُّنْيا.

محکم و مورد اطمینان و حجت بر اهل دنیا هستید.

وَأُشْـهِدُ اللَّـهَ وَمَلائِكَتَـهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُـلَهُ، أَنِّي بِكُـمْ مُؤْمِـنٌ، وَبِإِيابِكُمْ

و گواه می‌گیرم خدا و ملائکه و پیامبران و رسولانش را که من به شما مؤمن و به

مُوقِـنٌ، بِشَـرايِعِ دِينـي، وَخَواتِيـمِ عَمَلـي، وَقَلْبِـي لِقَلْبِكُمْ سِـلْمٌ، وَأَمْرِي

بازگشت شما و احکام دینم و سرانجام کارم یقین دارم، و قلب من در برابر قلب شما تسلیم و

لِأَمْرِكُـمْ مُتَّبِـعٌ، وَنُصْرَتِـي لَكُـمْ مُعَـدَّةٌ، صَلَـواتُ اللَّـهِ عَلَيْكُـمْ وَعَلَـى

در هر امر پیرو شما هستم و نصرت و یاری من برای شما آماده است، درود خدا بر شما و بر

أَرْواحِكُـمْ، وَعَلىٰ أَجْسـادِكُمْ وَعَلىٰ أَجْسـامِكُمْ، وَعَلىٰ شـاهِدِكُمْ وَعَلَى

ارواح پاک شما و بر اجساد شریف شما و اجسام مطهرتان و بر حاضر شما

غائِبِكُـمْ، وَعَلـىٰ ظاهِرِكُـمْ وَعَلـىٰ باطِنِكُمْ.

و غایب شما و بر آشکار شما و بر پنهان شما.

سـپس خـود را بـر روی قبر بینـداز و آن را ببوس و بگو: **بِأَبـي أَنْتَ وَأُمِّي**

پدر و مادرم به فدایت

يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّـي يا أَبَا عَبْدِاللَّـهِ، لَقَدْ عَظُمَـتِ الرَّزِيَّةُ،

ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت ای اباعبد الله، به راستی عزای شما

وَجَلَّـتِ الْمُصِيبَـةُ بِـكَ عَلَيْنا، وَعَلـىٰ جَمِيعِ أَهْـلِ السَّـماواتِ وَالْأَرْضِ،

بزرگ و مصیبت شما بر ما و بر همه اهل آسمان‌ها و زمین بسی سنگین می‌باشد،

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ، وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ، يا مَوْلايَ يا

خدا لعنت کند گروهی را که اسب‌ها را زین کرده و لجام زده و خود را برای جنگ با شما آماده

أَبا عَبْدِاللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّأْنِ

نمودند، ای مولای من ای ابا عبد الله، حرم شما را قصد کرده و به زیارتگاه شما آمدم، از خدا درخواست

الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

می‌کنم به مرتبه و مقامی که نزد او دارید و به جایگاه والایی که در پیشگاه او برای شما است که بر

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

محمّد و آل محمّد درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.

سپس برخیز و در قسمت بالای سر دو رکعت نماز بخوان و در آن، آنچه دوست داری قرائت کن و چون از نمازت فارغ شدی بگو:

أَللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ،

خداوندا من نماز گزاردم و رکوع و سجده برای تو نمودم که تو یکتایی و شریکی برای تو

لِأَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لايَكُونُ إِلّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلَهَ

نیست و نماز و رکوع و سجود جز برای تو نمی‌باشد، زیرا که تو خداوندی و هیچ معبود شایسته‌ای

إِلّا أَنْتَ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ

جز تو نیست. خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و از طرف من به ایشان بهترین سلام و تحیّت

السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ.

را برسان، و بر من از طرف ایشان پاسخ سلام را رد نما.

أَللَّهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ مَوْلايَ، اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

خداوندا این دو رکعت هدیه‌ای از من به مولایم حسین بن علی علیهما السلام است،

عَلَيْهِمَا السَّلامُ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ[1]، وَتَقَبَّلْهُا مِنِّي، وَأْجُرْنِي

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و آن را از من بپذیر و مرا بر آن

۱. «وَ آلِه»، خ.

عَلىٰ ذٰلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

پاداش بده به بهتر از آنچه امید و آرزو در تو و ولی تو دارم ای سرپرست مؤمنان.

سپس برخیز و به طرف پایین پای قبر برو و در قسمت بالای سر حضرت علی بن الحسین 8 بایست و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین ـ که بر او سلام باد ـ سلام بر تو

يَابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

ای فرزند حسین شهید، سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای مظلوم، و ای فرزند مظلوم، خدا

أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً

لعنت کند گروهی را که تو را کشتند، و خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند و خدا

ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

لعنت کند گروهی را که آن را شنیدند و به آن راضی و خشنود گردیدند.

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا

سلام بر تو ای

وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنٰا،

ولیّ خدا و پسر ولیّ او، به راستی مصیبت تو عظیم و عزای تو بر ما و بر تمام مسلمانان بسی

وَعَلىٰ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللّٰهِ وَإِلَيْكَ

بزرگ است، خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند، و به سوی خدا و به سوی تو از آنان

مِنْهُمْ، فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ.

در دنیا و آخرت بیزاری می‌جویم.

سپس خارج شو از دری که در کنار پای حضرت علی بن الحسین 8 است و روی خود به طرف قبور شهدا نما و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَوْلِيٰاءَ اللّٰهِ وَأَحِبّٰاءَهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَصْفِيٰاءَ اللّٰهِ

سلام بر شما ای اولیای خدا و محبّان او، سلام بر شما ای برگزیدگان

وَأَوِدّاءَهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ دِينِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ

خدا و دوستان او، سلام بر شما ای یاوران دین خدا، سلام بر شما ای یاران

رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا

رسول خدا، سلام بر شما ای یاران امیرمؤمنان، سلام بر شما ای یاران

أَنْصٰارَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ

حضرت فاطمهٔ زهرا، سرور زنان عالمیان، سلام بر شما ای یاران

أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، [اَلْوَفِيِّ الزَّكِيِّ]، اَلنّٰاصِحِ الْوَلِيِّ، اَلسَّلٰامُ

ابا محمّد حضرت حسن بن علی 8 وفاکننده پاک خیرخواه و صاحب ولایت، سلام بر شما ای یاران ابا

عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، طِبْتُمْ وَطٰابَتِ الْأَرْضُ

عبد الله. پدر و مادرم به فدای شما، پاک هستید و پاک است زمینی که در آن دفن شده‌اید، وسعادتمند

الَّتِي فِيهٰا دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً، فَيٰا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ، فَأَفُوزَ مَعَكُمْ.

گشتید سعادت عظیمی، پس ای کاش من هم با شما بودم وبا شما به سعادت و رستگاری می‌رسیدم.

در مصباح المتهجد گفته است:

سپس به بالای سر امام حسین 7 بازگرد و زیاد برای خودت و اهل و عیال و فرزندانت و پدر و مادر و برادرانت دعا کن، که در این مکان شریف دعا رد نمی‌شود و درخواست سائل بی‌پاسخ نمی‌ماند، و هنگامی که خواستی خارج شوی خود را بر روی قبر بیفکن و بگو:[1]

۱. ظاهرا این زیاده در زیارت در هنگام وداع خوانده می‌شود.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای مولای من، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو

عَلَيْكَ يٰا صَفْوَةَ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خٰاصَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

ای برگزیده خدا، سلام بر تو که از خاصان خداوندی، سلام بر تو که

خٰالِصَةَ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمينَ اللّٰهِ، سَلٰامَ مُوَدِّعٍ لاٰ قالٍ وَلاٰ سَئِمٍ،

خالص برای خداوندی، سلام بر تو ای امین خداوند، سلام وداع کننده‌ای که نه دل‌گرفته گشته

فَإِنْ أَمْضِ فَلاٰ عَنْ مَلاٰلَةٍ، وَإِنْ أُقِمْ فَلاٰ عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمٰا وَعَدَ اللّٰهُ

و نه خسته شده، اگر برود از ملال و خستگی نیست و اگر در اینجا بمانم از بدگمانی به آنچه

الصّٰابِرِينَ، وَلاٰ جَعَلَهُ اللّٰهُ يٰا مَوْلاٰيَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيٰارَتِكَ، وَرَزَقَنِي

خداوند به صابران وعده داده نیست، و خداوند این زیارتم را آخرین زیارت من قرار ندهد

الْعَوْدَ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، وَالْمَقٰامَ فِي حَرَمِكَ، وَإِيّٰاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَنِي

و بازگشتن به زیارتگاهت و ماندن در حرمت را روزیم گرداند، و از او درخواست می‌کنم که به

بِكَ، وَبِالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ، وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ.

خاطر تو و امامان از فرزندانت مرا سعادتمند نماید و مرا با شما در دنیا و آخرت قرار دهد.

سپس برخیز و بیرون برو و پشت به قبر مطهّر نکن و زیاد بگو: **(إِنّٰا لِلّٰهِ وَإِنّٰا إِلَيْهِ رٰاجِعُونَ)**[1] تا قبر مبارک را نبینی[2]. [3]

۱. «ما از آنِ خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم» سورهٔ بقره، آیه۱۵۶

۲. مصباح المتهجّد : ص۷۱۷، مزار شهید : ص۱۵۲، تا اینجا در کتاب «عمدة الزائر في الأدعية والزيارات: ص۱۳۸» نقل شده با مقداری زیاده در آخر آن.

۳. در قصه ملاقات حاج علی بغدادی و شرفیابی او به محضر امام عصر ـ صلوات الله علیه ـ نقل شده است که حضرت صاحب الامر 7 زیارت وارث را بعد از زیارت امین الله خواندند و این دلالت می‌کند بر صحّت زیارت وارث از راه دور همان طور که خواندن آن در حرم شریف صحیح است.

(۸) زیارت هشتم

و آن زیارتی است که صفوان آن را با اضافات زیادی بر زیارت سابق نقل کرده است. در مزار کبیر گفته است: زیارت سرور ما حضرت ابا عبد الله 7 و آن زیارت صفوان است:

صفوان جمال روایت کرده و گفته است که مولایم حضرت جعفر بن محمّد امام صادق 8 به من فرمودند:

هنگامی که اراده کردی به زیارت حسین بن علی 8 بروی پیش از رفتن سه روز روزه بگیر، در روز چهارم[1] غسل کن و اهل و عیال و فرزندانت را نزد خودت جمع کن، و قبل از حرکت این دعا را بخوان:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوَلَدِي، وَمَنْ

خداوندا امروز خود و خانواده و مال و ثروت و فرزندانم و هر که به من وابسته است

كانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ، اَلشّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغائِبَ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنا مِنَ الْفائِزِينَ،

از حاضران و غایبان را به تو و به ودیعه می‌سپارم، خداوندا مرا از رستگاران قرار بده.

وَاحْفَظْنا بِحِفْظِ الْإِيمانِ، وَاحْفَظْ عَلَيْنا. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنا في جِوارِكَ،

و ما به نگهداری ایمانمان نگهدار و آن را برای ما حفظ کن. خداوندا مرا در جوارت

وَحِفْظِكَ وَحِرْزِكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَتِكَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ

و در حفظ و حراستت قرار بده و نعمتت را بر ما دگرگون مساز و فضل و احسانت را بر

إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ. أَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ

ما بیفزا، ما به سوی تو راغبیم. خداوندا از مشقّت راه و اندوه بازگشت و منظره بد و ناگوار

۱. در مصادر «روز سوم» است.

الْمُنْقَلَبِ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ. أَللَّهُمَّ ارْزُقْنَا

درمورد مال و ثروت و اهل و عیال و فرزند به تو پناه می‌برم، خداوندا روزی ما گردان

حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ، وَبَرْدَ الْمَغْفِرَةِ، وَأَمَاناً مِنْ عَذَابِكَ، وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ

شیرینی ایمان و لذت آمرزش و ایمنی از عذابت را، و از جانب خویش رحمتی به ما مرحمت

رَحْمَةً، إِنَّهُ لَا يَمْلِكُ ذٰلِكَ غَيْرُكَ.

فرما که غیر از تو کسی مالک آن نیست.

هنگامی که به فرات رسیدی صد مرتبه تکبیر بگو و صد مرتبه تهلیل و صد مرتبه صلوات بفرست، سپس بعد از آن بگو:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرِّجَالُ، وَشُدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحَالُ، وَأَنْتَ

خداوندا تو بهترین کسی هستی که اشخاص به سوی او کوچ می‌کنند. و تو ای سرور من بهترین قصد

سَيِّدِي خَيْرُ مَقْصُودٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً، وَلِكُلِّ وَافِدٍ تُحْفَةً،

شده‌ای، برای هر زائر کرامتی و برای هر کوچ کننده تحفه‌ای قرار داده‌ای، از تو می‌خواهم که تحفه

فَأَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَاشْكُرْ

ات را به من، این قرار دهی که مرا از آتش برهانی، سعی و کوشش مرا بپذیر، و این پیمودن راه به سوی

سَعْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ، مِنْ غَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنُّ

خودت را مورد ترحم قرار بده، بدون اینکه منّتی از من بر تو باشد، بلکه تو بر من منت داری زیرا که

عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ لِيَ السَّبِيلَ إِلَىٰ زِيَارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ وَشَرَفَهُ.

این راه را طریق به سوی زیارت آن حضرت قرار دادی و فضیلت و شرافت آن را به من شناساندی.

أَللَّهُمَّ فَاحْفَظْنِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ حَتَّىٰ تُبَلِّغَنِي هٰذَا الْمَكَانَ، فَقَدْ

خداوندا مرا در شب و روز حفاظت نما تا به این مکان برسانی، من به تو

رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَقَدْ أَمَّلْتُكَ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي، وَاجْعَلْ

امیدوارم، پس امید مرا قطع مکن و به تو دل بسته‌ام آرزویم را ناکام مگردان

مَسِيرِي هٰذٰا كَفّارَةً لِذُنُوبِي، يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ.

و این پیمودن راه را کفاره گناهانم قرار بده، ای پروردگار جهانیان.

و چون خواستی غسل کنی استحباباً پس بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ،

به نام خدا و با استعانت از او، و هیچ حرکت و جنبشی و نیرویی نیست مگر به سبب خداوند، و بر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الصّادِقِينَ. أَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي،

آیین رسول خدا ـ درود خدا بر او و خاندان او و بر امامان صادق و راستگو، خداوندا با این غسل قلب مرا

وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَنَوِّرْ بِهِ بَصَرِي. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَطَهُوراً

تطهیر نما و سینه‌ام را گشاده فرما و دیدگانم را روشنایی بخش. خداوندا آن را برای من مایه روشنایی و

وَخَيْراً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ دٰاءٍ وَسُقْمٍ، وَعافِنِي مِنْ كُلِّ مٰا أَخٰافُ وَأَحْذَرُ.

پاکی و خیر و شفای هر درد و بیماری قرار بده، و مرا از هر چه می‌ترسم و از آن گریزانم عافیت ده.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شٰاهِداً يَوْمَ حٰاجَتِي وَفَقْرِي وَفٰاقَتِي إِلَيْكَ، يٰا رَبَّ

خداوندا آن را برای من در روز احتیاج و فقر و نیازم به تو شاهد قرار بده، ای پروردگار

الْعٰالَمِينَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

عالمیان، که تو بر هر چیز توانایی.

و چون از غسلت فارغ گشتی لباس پاک بپوش و خارج شریعه دو رکعت نماز بخوان،

و آن‌جا مکانی است که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

(وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجٰاوِرٰاتٌ وَجَنّٰاتٌ مِنْ أَعْنٰابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوٰانٌ وَغَيْرُ صِنْوٰانٍ يُسْقىٰ بِمٰاءٍ وٰاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهٰا عَلىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ)[1]

«و در زمین قطعاتی است کنار هم و باغ‌هایی است از انگور و

۱ سورهٔ رعد، آیه ۴.

کشتزار و درختان خرما، از یک ریشه و از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می‌شوند (با این وصف) برخی از آن‌ها را بر برخی دیگر در خوردن (از جهت طعم و مزّه و کیفیت میوه آنان) برتری بخشیدیم»

در رکعت اول سورهٔ حمد و «قل هو الله احد» و در رکعت دوم سورهٔ حمد و «قل یا أیها الکافرون» را بخوان.

و چون سلام نماز را گفتی به قدری که می‌توانی تکبیر بگو، و آنگاه بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْواحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِي الْأُمُورِ كُلِّها، اَلرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ (اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ)[1].

حمد وستایش سزاوار خداوندی است که یگانه است و در تمام امور یکتا است، دارای رحمت عام و مهربانی خاص است و حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که ما را به این امر هدایت نمود و اگر خدا هدایت نمی‌نمود راه را نمی‌یافتیم، فرستادگان پروردگارمان حق را آورده‌اند.

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً كَثِيراً دائِماً سَرْمَداً، لايَنْقَطِعُ وَلايَفْنىٰ، حَمْداً تَرْضىٰ بِهِ عَنّا، حَمْداً يَتَّصِلُ أَوَّلُهُ، وَلايَنْفَدُ آخِرُهُ، حَمْداً يَزِيدُ وَلايَبِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

خداوندا حمد و ستایش سزاوار تو است حمد فراوان دائمی و همیشگی که قطع نشود و از بین نرود، حمدی که به واسطه آن از ما راضی گردی، حمدی که ابتدای آن متصل و انتهای آن بی‌پایان باشد، حمدی که زیاد شود و نابود نگردد، و درود خدا و سلام او بر حضرت محمّد و خاندان او باد.

و وقتی روی به حائر نمودی بگو: **أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَلِبابِكَ**

خداوندا به سوی تو قصد نمودم و در

۱. سورهٔ اعراف، آیه۴۳.

قَرَعْتُ، وَبِفِنائِكَ نَزَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ،

خانهٔ تو را زدم، و به ساحت قدس تو فرود آمدم و به تو پناه آوردم و خود را در معرض رحمت تو

وَبِوَلِيِّكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ تَوَسَّلْتُ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

قرار دادم و به ولیّ تو امام حسین 7 توسل جسته‌ام، خداوندا بر محمّد و خاندان پاک او درود

وَآلِهِ، وَاجْعَلْ زِيارَتِي مَبْرُورَةً، وَدُعائِي مَقْبُولاً.

فرست، و زیارتم را پذیرفته شده و دعایم را قبول فرما.

وقتی کنار درب حرم رسیدی در خارج از قبّه بایست، نگاهی به قبر مطهّر کن و بگو:

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ،

ای مولای من، ای ابا عبد الله، ای پسر رسول خدا، بندهٔ تو و پسر بندهٔ تو و پسر کنیز توام، در

وَابْنُ أَمَتِكَ، اَلذَّلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ، اَلْمُقَصِّرُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكَ، اَلْمُعْتَرِفُ

پیشگاهت خوار و ذلیلم، در کنار قدر و مرتبه عالی شما کوتاهی کرده و مقصّرم، به حقّ شما معترفم،

بِحَقِّكَ، جاءَكَ مُسْتَجِيراً بِذِمَّتِكَ، قاصِداً إِلىٰ حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً إِلَى

آمده‌ام به دربار شما در حالی که به امان شما پناه آورده و قصد حرم شما را نموده و به خداوند تبارک

اللَّهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ بِكَ.

و تعالی به واسطه شما روی آورده‌ام.

أَفَأَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللَّهِ، أَأَدْخُلُ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، أَأَدْخُلُ يا وَلِيَّ اللَّهِ،

ای حجّت خدا اجازه می‌دهید وارد شوم؟ ای امیرمؤمنان آیا وارد شوم، ای ولی خدا آیا وارد

أَأَدْخُلُ يا بابَ اللَّهِ، أَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللَّهِ، أَأَدْخُلُ أَيُّهَا الْمَلائِكَةُ

شوم؟ ای باب پروردگار آیا وارد شوم، ای فرشتگان الهی آیا وارد شوم؟ ای فرشتگانی که گرد این حرم

الْمُحْدِقُونَ بِهٰذَا الْحَرَمِ، اَلْمُقِيمُونَ بِهٰذَا الْمَشْهَدِ؟

را احاطه کرده و در این زیارتگاه اقامت نموده اید، آیا وارد شوم؟

آنـگاه پـای راسـت خـود را داخل حـرم بگذار و بگـو: **اَللّـهُ أَكْبَـرُ كَبِيراً،**

خدا بزرگ است، او را

وَسُـبْحانَ اللّـهِ بُكْـرَةً وَأَصِيـلاً، وَالْحَمْـدُ لِلّـهِ الْفَـرْدِ الْاَحَـدِ الصَّمَـدِ

صبح و شام تسبیح می‌گویم، و حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که یگانه و بی‌همتا و بی‌نیاز و یکتا است،

الْوٰاحِـدِ، الْمُتَفَضِّـلِ الْمُتَطَـوِّلِ الْجَبّـارِ، اَلَّذِي مَـنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَـهَّلَ زِيارَةَ

دارای فضل و احسان است و جبران کننده می‌باشد، او به لطف و احسانش منّت گذاشته و زیارت مولایم را برایم

مَـوْلاٰيَ، وَلَـمْ يَجْعَلْنِـي عَـنْ زِيارَتِـهِ مَمْنُوعـاً، وَعَـنْ ذِمَّتِـهِ مَدْفُوعـاً، بَلْ

فراهم ساخته و مرا از زیارتش منع ننموده و از پناهش و امانش دور نساخته بلکه لطف کرده و عطا و بخشش

تَطَـوَّلَ وَمَنَـحَ، فَلَـهُ الْحَمْدُ.

فرموده و حمد و ستایش شایسته او است.

سپس وارد حرم مطهر بشو و با خشوع به موازات آن بایست و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا وٰارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خداوند است، سلام بر تو ای وارث حضرت

نَبِـيِّ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ إِبْراٰهِيمَ خَلِيـلِ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

نوح که پیامبر خدا است، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم که خلیل خداوند است، سلام بر تو ای

يـا وٰارِثَ مُوسـى كَلِيـمِ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وٰارِثَ عِيسـى رُوحِ اللّـهِ،

وارث حضرت موسی که کلیم خدا است، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی که روح خداست، سلام

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ مُحَمَّـدٍ حَبِيـبِ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وٰارِثَ

بر تو ای وارث حضرت محمّد 9 که حبیب خدا است، سلام بر تو ای وارث حضرت علی بن ابی

عَلِـيِّ حُجَّـةِ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وٰارِثَ الْحَسَـنِ، اَلدّاعي إِلَـى اللّـهِ،

طالب 8 که حجّت خداست، سلام بر تو ای وارث امام حسن که دعوت کننده به سوی خدا است،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وٰارِثَ نَبِـيِّ اللّٰهِ.

سلام بر تو ای وارث پیامبر خدا.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الصِّدِّيـقُ الشَّـهِيدُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الْبَـرُّ

سلام بر تو ای بسیار راستگو و ای شهید، سلام بر تو ای نیکوکار پسندیده، سلام بر

الرَّضِـيُّ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا ثارَ اللّٰـهِ وَابْنَ ثـارِهِ، وَالْوَتْـرَ الْمَوْتُورَ. أَشْـهَدُ

تو ای خون خدا و پسر خون خدا، سلام بر تو ای تنهایی که انتقامش گرفته نشده، شهادت

أَنَّـكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْـتَ الـزَّكاٰةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْـرُوفِ، وَنَهَيْتَ

می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی، و به خوبی‌ها امر فرمودی و از

عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَعَبَـدْتَ اللّٰـهَ مُخْلِصـاً حَتّـىٰ أَتـاكَ الْيَقِينُ.

بدی‌ها و زشتی‌ها بازداشتی و خدا را خالصانه عبادت کردی تا دار فانی را وداع نمودی.

آنگاه نزدیک قبر مبارک برو و با خشوع قلب در قسمت بالای سر مبارک بایست و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّٰهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین

سَـيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاٰطِمَةَ الزَّهْراٰءِ، سَيِّدَةِ نِساٰءِ الْعاٰلَمِينَ،

سرور اوصیاء، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان عالمیان.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وِعاٰءَ النُّورِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا خاٰزِنَ

سلام بر تو ای ظرف نور و رحمت خدا و برکات او، سلام بر تو ای خزانه دار

الْكِتـاٰبِ الْمَشْـهُورِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا أُسَّ الْاِسْـلاٰمِ، اَلنّاصِـرَ لِدِينِ اللّٰهِ،

کتاب مستور، سلام بر تو ای اساس اسلام، یاور دین خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا نِظاٰمَ الْمُسْلِمِينَ.

سلام بر تو ای باعث انتظام امور مسلمانان.

يٰا مَوْلاٰيَ، أَشْـهَدُ أَنَّـكَ كُنْتَ نُوراً فِـي الْاَصْلاٰبِ الشّـامِخَةِ، وَالْاَرْحاٰمِ

ای مولای من، شهادت می‌دهم که تو نوری بودی در صلب‌های عالی مرتبه و رفیع و ارحام پاک،

الْمُطَهَّـرَةِ، لَـمْ تُنَجِّسْـكَ الْجاٰهِلِيَّةُ بِأَنْجاٰسِـهاٰ. أَشْـهَدُ أَنَّكَ يٰا مَـوْلاٰيَ مِنْ

گرد جاهلیت بر دامن عظمت شما ننشسته و شما را آلوده نساخته است، شهادت می‌دهم ای مولای

دَعاٰئِمِ الدِّيـنِ، وَأَرْكاٰنِ الْمُسْـلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ.

من که تو از اسطوانه‌های دین و ارکان مسلمین و پناهگاه مؤمنین هستی.

وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ الْاِمـاٰمُ الْبَرُّ التَّقِـيُّ، اَلْمُطَهَّـرُ الزَّكِيُّ، اَلْهـاٰدِي الْمَهْدِيُّ.

و شهادت می‌دهم که تو پیشوای نیکوکار، پرهیزکار، پاک، پاکیزه، هدایتگر، و هدایت

وَأَشْـهَدُ أَنَّ الْاَئِمَّـةَ مِـنْ وُلْـدِكَ كَلِمَـةُ التَّقْوى، وَأَعْـلاٰمُ الْهُـدى، وَالْعُرْوَةُ

شده‌ای، و شهادت می‌دهم که امامان از فرزندان تو نشانه‌های تقوا و هدایت هستند، و دست آویز

الْوُثْقـى، وَالْحُجَّـةُ عَلـىٰ أَهْـلِ الدُّنْيٰا مِـنْ أَوْلِيٰائِكَ.

مورد اطمینان، و حجت بر اهل دنیا از اولیائت می‌باشند.

سـپس خـود را بـر قبـر بیفکن و بگـو: (إِنّـا لِلّـهِ وَإِنّا إِلَيْـهِ رٰاجِعُـونَ)[1]،

«ما از آنِ خداوندیم و ما به سوی او

يـٰا مَـوْلاٰيَ أَنـا مُـوالٍ لِوَلِيِّكُـمْ، مُعـاٰدٍ لِعَدُوِّكُـمْ، وَأَنـا بِكُـمْ مُؤْمِـنٌ،

بازگشت کننده‌ایم» ای مولای من، من با دوست شما دوست و با دشمن شما دشمنم و من به شما ایمان

وَبِـإِيٰابِكُمْ مُوقِـنٌ، بِشَـرٰائِعِ دِينِـي، وَخَواٰتِيـمِ عَمَلـي، وَقَلْبِـي لِقَلْبِكُـمْ

دارم و به بازگشت شما یقین دارم و به احکام دینم و سرانجام کارم، و قلب من در برابر قلب شما

سِـلْمٌ، وَأَمْـري لِاَمْرِكُـمْ مُتَّبِـعٌ. يـٰا مَـوْلاٰيَ، آمَنْـتُ بِسِـرِّكُمْ وَ عَلاٰنِيَتِكُـمْ،

تسلیم و امر من نسبت به امر شما تابع و پیرو است. ای مولای من، به سرّ شما و آشکار شما و ظاهر

وَ ظاٰهِرِكُـمْ وَ بٰاطِنِكُـمْ، وَ أَوَّلِكُـمْ وَ آخِرِكُـمْ، يـٰا مَـوْلاٰيَ، أَتَيْتُـكَ خاٰئِفـاً

شما و باطن شما و اول شما و آخر شما ایمان دارم، مولای من نزد شما در حال خوف آمده ام مرا

۱. سورهٔ بقر، آیه۱۵۶.

فَـآمِنِّي، وَأَتَيْتُـكَ مُسْـتَجِيراً فَأَجِرْني.

ایمنی ببخشید و پناه آورنده آمده‌ام، پناهم دهید.

يـا سَـيِّدِي، أَنْتَ وَلِيِّـي وَمَـوْلاٰيَ، وَحُجَّةُ اللَّـهِ عَلَى الْخَلْـقِ أَجْمَعِينَ،

ای سرور من، تو ولی و سرپرست من و مولای من و حجّت خدا بر همهٔ خلق هستید، به سرّ شما و آشکار شما

آمَنْـتُ بِسِـرِّكُمْ وَعَلاٰنِيَتِكُمْ، وَبِظاٰهِرِكُـمْ وَباٰطِنِكُمْ، يا مَوْلاٰيَ أَنْتَ السَّـفِيرُ

و به ظاهر شما و باطن شما و اوّل شما و آخر شما ایمان دارم، به سرّ شما و آشکار شما و به ظاهر شما و باطن شما

بَيْنَنـاٰ وَبَيْـنَ اللَّـهِ، وَالدّاعِـي إِلَـىَ اللَّـهِ بِالْحِكْمَـةِ وَالْمَوْعِظَـةِ الْحَسَـنَةِ،

ایمان دارم، ای مولای من، تو بین ما و خداوند سفیری و با حکمت و موعظه نیکو به سوی خدا دعوت کننده‌ای، خدا

لَعَـنَ اللَّـهُ أُمَّةً ظَلَمَتْـكَ، وَلَعَنَ اللَّـهُ أُمَّةً سَـمِعَتْ بِذٰلِـكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

گروهی را که به شما ظلم کردند لعنت کند و گروهی را که آن را شنیدند و به آن رضایت دادند لعنت کند.

آن گاه دو رکعت نماز زیارت در بالای سر مستحبی بخوان،

و چون سلام نماز را گفتی، بگو:

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَـجَدْتُ لَـكَ، وَحْدَكَ لاٰ شَـرِيكَ لَكَ.

خداوندا همانا من نماز خواندم و رکوع و سجده نمودم برای تو که یکتایی و شریک برایت

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِـهِ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّـي السَّـلاٰمَ كَثِيـراً، وَأَفْضَلَ

نیست، خداوندا بر محمّد و خاندان او درود فرست، و از طرف من سلام فراوان و بهترین تحیّت‌ها

التَّحِيَّـةِ وَالسَّـلاٰمِ، وَارْدُدْ عَلَـيَّ مِنْهُمُ السَّـلاٰمَ كَثِيراً.

را به آنان برسان، و از آنان سلام فراوان به من برگردان.

سـپس بگـو: أَللَّهُـمَّ هاٰتـاٰنِ الرَّكْعَتـاٰنِ هَدِيَّـةٌ مِنّـي وَكَرٰامَةٌ إِلىٰ سَـيِّدي وَ

خداوندا این دو رکعت هدیه‌ای از من و کرامتی به سرور و

مَوْلاٰيَ أَبي عَبْدِاللَّهِ الْحُسَـيْنِ بْنِ عَلِـيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ صَلَوٰاتُ اللَّهِ عَلَيْهِماٰ.

مولایم حضرت ابا عبد الله امام حسین فرزند علی بن ابی طالب امیرمؤمنان 8 باشد،

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَتَقَبَّـلْ مِنّي، وَبَلِّغْنـي أَفْضَلَ

خداوندا بر حضرت محمّد و خاندان او درود فرست و از من بپذیر و مرا به بهترین

أَمَلِـي وَرَجائِـي فِيكَ، وَفـي وَلِـيِّكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّـلامُ.

امید و آرزویم در مورد خودت و ولیّت امیرالمؤمنین ـ سلام بر او باد ـ برسان.

سپس خود را دوباره بر قبر بیفکن و بگو: يا مَوْلايَ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

ای مولای من، گواهی می‌دهم که خداوند وعده‌ای

مُنْجِـزٌ لَـكَ ما وَعَدَكَ، وَمُعَـذِّبٌ مَنْ قَتَلَـكَ، عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ إِلىٰ يَـوْمِ الدِّينِ.

را که به شما داده بدان وفا خواهد نمود و قاتلت را عذاب خواهد کرد که لعنت بر او باد تا قیامت.

سپس برو کنار قبر حضرت علی بن الحسین 8 ، آن را ببوس و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ولی خدا و پسر ولی او، سلام بر تو ای حبیب خدا و پسر

حَبِيبِهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يا خَلِيلَ اللَّهِ وَابْنَ خَلِيلِهِ، عِشْـتَ سَـعِيداً، وَمِتَّ

حبیب او، سلام بر تو ای خلیل خدا و پسر خلیل او، سعادتمندانه زندگی نمودی

فَقِيـداً، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً، يا شَـهِيدُ ابْنُ الشَّـهِيدِ، عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ السَّـلامُ.

و مظلومانه کشته شدی، ای شهید و پسر شهید، بر تو از طرف خداوند سلام.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن زیاد صلوات بر پیامبر و خاندان او بفرست و حاجت خود را درخواست نما.

زیارت مولا حضرت ابا الفضل العبّاس فرزند امیرالمؤمنین 8

پس از آن برو کنار قبر مطهر حضرت عبّاس بن علی 8 و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الصّالِحُ النّاصِحُ الصِّدِّيقُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ

سلام بر تو ای ولیّ شایسته، خیرخواه و بسیار راستگو، شهادت می‌دهم که تو ایمان

بِاللَّـهِ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُـولِ اللَّـهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ، وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَـبِيلِ

به خدا داشتی و پسر رسول خدا 9 را یاری نمودی و به راه خدا دعوت کردی و با جانت

اللَّهِ، وَواسَيْتَ بِنَفْسِـكَ، وَبَذَلْتَ مُهْجَتَكَ، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ السَّلامُ التّامُّ.

مواسات نمودی و خون قلب خود را بذل فرمودی، پس بر تو باد از طرف خداوند سلام فراوان.

سـپس خـود را بـر قبـر بیفکـن و آن را ببـوس و بگـو: **بِأَبـي أَنْـتَ وَأُمِّـي**

پدر و مادرم فدای تو

يـا ناصِرَ دِينِ اللَّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا

ای یاور دین خدا، سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای

ناصِرَ الْحُسَـيْنِ الصِّدِّيقِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا شَـهِيدُ بْنُ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلامُ

یار حسین صدّیق، سلام بر تو ای شهید پسر شهید، سلام بر تو از طرف من به طور پیوسته تا

عَلَيْـكَ مِنِّـي أَبَداً ما بَقِيـتُ، وَصَلَّى اللَّـهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَـلَّمَ.

مادامی که باقی هستم و درود خدا بر حضرت محمّد و خاندان پاکش و سلام بر آنان.

آنگاه از نزد آن حضرت به طرف قبر سرور ما امام حسین 7 بیرون برو و در آنجا به مقداری که دوست داری بمان و دوست ندارم که آنجا را محلّ بیتوته شبانه‌ات قرار دهی.

پس وقتی خواستی وداع کنی در قسمت بالای سر مبارک بایست و بگو در حالی که گریه می‌کنی:

يا مَوْلايَ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ سَـلامَ مُوَدِّعٍ، لا قالٍ وَلا سَـئِمٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفْ

ای مولای من سلام بر تو، سلام وداع کننده‌ای که نه دل او گرفته و نه خسته شده، اگر برود ای مولای

يـا مَـوْلايَ فَـلا عَـنْ مَلالَـةٍ، وَإِنْ أُقِـمْ فَلا عَنْ سُـوءِ ظَـنٍّ، بِما وَعَـدَ اللَّهُ

من از ملال و خستگی نیست و اگر در اینجا بماند از بدگمانی به آنچه خداوند به صابران وعده داده نیست.

الصّابِرِيـنَ. يـا مَـوْلايَ، لا جَعَلَـهُ اللَّـهُ آخِـرَ الْعَهْـدِ مِنِّـي مِـنْ زِيارَتِـكَ،

ای مولای من، خداوند این زیارتم را آخرین دیدار من و آخرین زیارت من قرار ندهد، از من

وَتَقَبَّلَ مِنِّي، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ إِلَيْكَ، وَالْمُقامَ فِي حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ فِي

قبول فرماید و بازگشت به سوی تو را و ماندن در حرمت را و بودن در زیارتگاهت را روزیام

مَشْهَدِكَ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

گرداند، ای پروردگار عالم به اجابت رسان

سپس آن را ببوس و صورت بر آن قبر مطهر بسای که به اذن پروردگار حرز است و امان است از آنچه می‌ترسی و حذر می‌نمایی، آنگاه عقب گرد برو و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ الْمَقامِ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای درگاه کرامت، سلام بر تو

عَلَيْكَ يا سَفِينَةَ النَّجاةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّي، اَلْمُقِيمِينَ

ای کشتی نجات، سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم که در این حرم مطهر

فِي هٰذَا الْحَرَمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُحْدِقِينَ

اقامت نموده اید، سلام بر تو ای مولای من و بر فرتشگانی که اطراف تو را احاطه نموده اند،

بِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو و بر ارواحی که به ساحت مقدس تو فرود آمدند. سلام بر تو به طور پیوسته از طرف من

أَبَداً مِنِّي ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

تا مادامی که باقی هستم و شب و روز باقی است.

و بگو: (إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ)[1]، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاّ بِاللَّهِ

«ما از آن خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده ایم» و هیچ حرکت و جنبش و نیرویی جز به سبب

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ كَثِيراً.[2]

خداوند بلندمرتبه باعظمت نیست، و درود خدا بر حضرت محمّد و خاندان پاک او و سلام فراوان بر آنان باد.

۱. سورهٔ بقره، آیه۱۵۶

۲. مزار کبیر: ص۴۲۷؛ بحارالانوار: ۱۰۱/۲۵۷ ح۴۱.

(۹) زیارت نهم

ابن قولویه 1 در کامل الزیارات به سند خود از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

وقتی کنار قبر مطهّر حضرت ابا عبد الله 7 رسیدی ابتدا بر خداوند تبارک و تعالی ثنا بگو و بر پیامبر اکرم 9 درود فرست و در آن کوشش نما، سپس بگو:

سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ فِيما تَرُوحُ وَتَغْدُو، اَلزّاكِياتُ الطّاهِراتُ

سلام خدا و سلام فرشتگانش، سلام‌های پاک و پاکیزه در هر شامگاهان و بامدادان برای

لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْمُسَلِّمِينَ لَكَ

تو و بر تو باد. و سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب و آنان که به دل تسلیم و به زبان فضل تو

بِقُلُوبِهِمْ، وَالنّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَالشُّهَداءِ عَلىٰ أَنَّكَ صادِقٌ صِدِّيقٌ،

را گویا هستند و آنانکه شهادت می‌دهند بر اینکه تو صادق و صدّیق هستی بر تو باد، راست

صَدَقْتَ وَنَصَحْتَ فِيما أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ ثارُ اللَّهِ فِي الْاَرْضِ، وَالدَّمُ

گفتی و خیرخواهی نمودی در آنچه آوردی و خبر دادی و تو خون خدا در زمین هستی، خونی

الَّذي لا يُدْرِكُ ثارَهُ[1] أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْاَرْضِ، وَلا يُدْرِكُهُ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ،

هستی که هیچ کس از اهل زمین نمی‌تواند انتقام آن را بگیرد، و جز خدا کسی توانایی آن را ندارد.

جِئْتُكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وافِداً إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ في

آمده‌ام نزد تو ای پسر رسول خدا در حالی که زائر تو هستم و به وسیله تو در تمام

جَمِيعِ حَوائِجِي، مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتي، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى

نیازهای دنیوی و اخروی به خدا متوسّل می‌شوم و اهل توسل به وسیله تو در حاجت‌های

۱. «تِرَتَهُ»، خ.

اللَّـهِ فـي حَوٰائِجِهِـمْ، وَبِـكَ يُدْرِكُ أَهْـلُ التُّـرٰاتِ مِنْ عِبـٰادِ اللَّـهِ طَلِبَتَهُمْ.

خود به خداوند متوسّل می‌شوند، و صاحبان میراث به وسیله تو حقّ خود را دریافت می کنند.

سـپس اندکـی راه بـرو و آنگاه قبـر را مقابل خود قـرار ده و بگـو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ

حمد و ستایش

الْوٰاحِـدِ الْاَحَـدِ، اَلْمُتَوَحِّـدِ بِالْاُمُـورِ كُلِّهـٰا، خٰالِـقِ الْخَلْـقِ، فَلَـمْ يَعْزُبْ

سزاوار خداوند یگانه بی‌همتا است او که در همهٔ امور یکتا است، آفریننده خلق می‌باشد و چیزی از امور آنان

عَنْـهُ شَـيْءٌ مِـنْ أَمْرِهِـمْ، وَعٰالِـمِ كُلِّ شَـيْءٍ بِـلاٰ[1] تَعْلِيمٍ، ضَمَّـنَ الْاَرْضَ

از او پوشیده و پنهان نیست، بدون آموختن هر چیزی را می‌داند، زمین را و همهٔ کسانی که بر روی آن هستند

وَمَـنْ عَلَيْهـٰا دَمَـكَ وَثـٰارَكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، أَشْـهَدُ أَنَّ لَـكَ مِـنَ اللَّـهِ

ضامن خون تو و خونخواهی آن گردانیده است. ای پسر رسول خدا، شهادت می‌دهم که برای تو از طرف خدا

مـٰا وَعَـدَكَ مِـنَ النَّصْـرِ وَالْفَتْـحِ، وَأَنَّ لَـكَ مِـنَ اللَّـهِ الْوَعْـدَ الْحَـقَّ، فِي

است آنچه وعده فرموده از نصرت و پیروزی و برای تو است از طرف خداوند وعده حقی در هلاک دشمنت

هَـلاٰكِ عَـدُوِّكَ، وَتَمـٰامِ مَوْعِـدِهِ إِيّـاكَ، أَشْـهَدُ أَنَّـهُ قٰاتَـلَ مَعَـكَ رِبِّـيُّونَ

و تمام وعده‌هایی که داده است، شهادت می‌دهم که همراه تو مردان الهی فراوانی جنگ کردند همان طور که

كَثِيـرٌ، كَمـٰا قـٰالَ اللَّـهُ تَعٰالـىٰ: (وَكَأَيِّـنْ مِـنْ نَبِـيٍّ قٰاتَـلَ مَعَـهُ رِبِّيُّـونَ

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند

كَثِيـرٌ فَمـٰا وَهَنُـوا لِمـٰا أَصٰابَهُـمْ)[2].

و در برابر آن چه به آنان رسید سست و ناتوان نشدند».

سپس هفت مرتبه تکبیر بگو و آنگاه کمی راه برو و قبر را در مقابل خود قرار ده و بگو:

اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ الَّـذي لَـمْ يَتَّخِـذْ صٰاحِبَـةً وَلاٰ وَلَـداً، (وَلَـمْ يَكُـنْ لَـهُ

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که همسری و فرزندی نگرفته و برای او در پادشاهی اش شریکی

۱. «بِغَیرِ»، خ.

۲. سورهٔ آل عمران، آیه۱۴۶.

شَـرِيكٌ فِـي الْمُلْكِ)[1]، خَلَـقَ كُلَّ شَـيْءٍ فَقَـدَّرَهُ تَقْدِيراً، أَشْـهَدُ أَنَّكَ قَدْ

نمی‌باشد، هر چیز را آفرید و آن را مقدّر نمود و اندازه گیری کرد، شهادت می‌دهم که تو از طرف خداوند

بَلَّغْـتَ عَـنِ اللَّهِ مٰا أُمِـرْتَ بِـهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْـدِ اللَّـهِ، وَتَمَّتْ بِـكَ كَلِمٰاتُهُ،

بدانچه امر شده بودی تبلیغ نمودی و به عهد الهی وفا کردی و به وسیله تو کلمات او و نشانه‌هایش کامل گردید،

وَجٰاهَـدْتَ فـي سَـبِيلِهِ حَتّىٰ أَتـٰاكَ الْيَقِيـنُ، لَعَـنَ اللَّهُ أُمَّـةً قَتَلَتْـكَ، وَأُمَّةً

و در راه او جهاد کردی تا دار فانی را وداع گفتی، خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشت و گروهی را که تو

خَذَلَتْـكَ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ أُمَّةً خَذَّلْـتَ عَنْكَ.

را یاری ننمود و گروهی که دیگران را به ترک یاری تو واداشتند.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَشْـهَدُ بِالْوِلٰايَـةِ لِمَـنْ وٰالَيْـتَ، وَوٰالَـتْ رُسُـلُكَ، وَأَشْـهَدُ

خداوندا شهادت می‌دهم به ولایت کسی که او را ولی قرار دادی و رسولانت او را ولی قرار دادند، و شهادت

بِالْبَـرٰاءَةِ مِمَّـنْ بَرِئْتَ مِنْـهُ، وَبَرِئَتْ مِنْهُ رُسُـلُكَ. أَللَّهُمَّ الْعَـنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

می‌دهم به برائت از کسانی که از آن‌ها تبرّی جستی و رسولانت از آن‌ها تبرّی جستند، خداوندا لعنت کن

رَسُـولَكَ، وَهَدَمُـوا كَعْبَتَـكَ، وَحَرَّفُـوا كِتٰابَـكَ، وَسَـفَكُوا دِمٰاءَ أَهْـلِ بَيْتِ

کسانی را که رسول تو را تکذیب نمودند و کعبه‌ات را ویران ساختند و کتابت را تحریف کردند و خون اهل

نَبِيِّـكَ، وَأَفْسَـدُوا عِبـٰادَكَ وَاسْـتَذَلُّوهُمْ. أَللَّهُمَّ ضٰاعِـفْ لَهُـمُ اللَّعْنَةَ فِيمٰا

بیت پیامبرت را ریختند و بندگانت را به فساد و خواری و ذلّت کشانیدند. خداوندا دو چندان کن برای آنان

جَـرَتْ بِهِ سُـنَّتُكَ فِي بَـرِّكَ وَبَحْرِكَ. أَللَّهُـمَّ الْعَنْهُمْ فِي سَـمٰائِكَ وَأَرْضِكَ.

لعنت را و آنچه جاری گشته بدان سنت تو در خشکی و دریایت، خداوندا آنان را در آسمان و زمینت لعنت کن.

أَللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لي لِسٰانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيٰائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشٰاهِدَهُمْ، حَتّىٰ

خداوندا برای من ذکر نیکویی در اولیائت قرار بده، و زیارتگاه آنان را محبوب من گردان تا مرا

تُلْحِقَنِـي بِهِـمْ، وَتَجْعَلَهُمْ لي فَرَطـاً، وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيـٰا وَالْآخِرَةِ.

به آن‌ها ملحق سازی، و آنان را قرار بده نسبت به من پیشرو و مرا در دنیا و آخرت تابع آنان گردان.

۱. سورهٔ اسراء، آیه۱۱۱.

آنگاه اندکی راه برو، هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه تهلیل و هفت مرتبه تحمید و هفت مرتبه تسبیح و هفت مرتبه اجابت دعوت نما، یعنی بگو «لبّیک» و بعد از آن بگو:

لَبَّيْكَ داٰعِيَ اللَّهِ، لَبَّيْكَ داٰعِيَ اللَّهِ، إِنْ كاٰنَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي،

لبیک ای دعوت کننده به سوی خدا، لبّیک ای دعوت کننده به سوی خدا، اگر بدنم تو

فَقَدْ أَجاٰبَكَ قَلْبِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَرَأْيِي وَهَواٰيَ، عَلَى التَّسْلِيمِ

را در وقت فراخوانی اجابت نکرد ولی اجابت کرد قلب من و پوست و موی من و رأی و نظر

لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالدَّلِيلِ الْعاٰلِمِ، وَالْاَمِينِ

و تمایل من با تسلیم بودن برای فرزند پیامبر مرسل و سبط برگزیده و راهنمای دانا و امین

الْمُسْتَخْزَنِ، وَالْمَرْضِيِّ الْبَلِيغِ[1]، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، جِئْتُ انْقِطاٰعاً

خزانه دار و پسندیده بلیغ و مظلوم ستمدیده، آمده‌ام در حالی که از همه دل بریده و به تو

إِلَيْكَ وَإِلىٰ وَلَدِكَ، وَوَلَدِ وَلَدِكَ، اَلْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ، عَلىٰ بَرَكَةِ

روی آورده و به فرزندت، و فرزند فرزندت که جانشین بعد از تو هستند بر برکت حق،

الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ،

قلب من تسلیم شما و امر من و امور من پیرو شما است و نصرت من آماده برای شما است

حَتّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ لِدِينِي، وَيَبْعَثُكُمْ فَمَعَكُمْ

تا خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان برای دینم می‌باشد، و برانگیزد شما را، کسی که با شما باشد

مَعَكُمْ لاٰ مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لاٰ أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً،

با شما است، نه با دشمن شما، همانا من از ایمان آورندگان به رجعت شما هستم، قدرت او را انکار نمی‌کنم

وَلاٰ أُكَذِّبُ لَهُ مَشِيَّةً، وَلاٰ أَزْعُمُ أَنَّ ماٰ شاٰءَ لاٰ يَكُونُ.

و مشیّت او را تکذیب نمی‌نمایم و چنین پنداری ندارم که آنچه بخواهد نمی‌شود.

سپس راه برو تا منتهی به قبر مطهر شوی، آنگاه بگو در حالی که ایستاده‌ای:

۱. «الوَصيِّ المُبَلِّغِ»، خ.

سُبْحانَ اللَّهِ الَّذي يُسَبِّحُ لَهُ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، وَيُقَدِّسُ

پاک و منزه است خداوندی که تسبیح می‌گویند او را ـ که صاحب ملک و ملکوت است ـ و

بِأَسْمائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبُّنا وَرَبُّ

تقدیس می‌نمایند اسماء او را تمام خلقش. پاک و منزه است پادشاه بسیار منزّه و پاک، او پروردگار ما

الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي وَفْدِكَ إِلىٰ خَيْرِ بُقاعِكَ، وَخَيْرِ

و پرودرگار ملائکه و روح است. خداوندا مرا در میان میهمانانت به سوی بهترین بقعه‌ها و بهترین

خَلْقِكَ. أَللَّهُمَّ الْعَنِ الْجِبْتَ وَالطّاغُوتَ.

خلقت قرار بده، خداوندا جبت و طاغوت را لعنت کن.

سپس دو دستت را بلند کن تا قرار دهی آن دو را در حالی که کشیده‌ای بر قبر و آنگاه بگو:

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ، قَدْ طَهُرَتْ بِكَ الْبِلادُ،

شهادت می‌دهم که تو پاک و عین پاکی از پاک و عین پاکی هستی، شهرها به واسطه تو پاک شده و

وَطَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ فِيها، وَ أَنَّكَ ثارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، حَتّىٰ يَسْتَثِيرَ

زمینی که تو در آن هستی پاک می‌باشد و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین هستی، تا خدا برایت

لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

از تمام خلقش خونخواهی کند.

سپس دو گونه و دو دست خود را بر قبر بگذار و آنگاه بالای سر مبارک بنشین و به آنچه دوست داری ذکر بگو و خدا را یاد کن و به او توجّه داشته باش و حوائج خود را درخواست کن، سپس دو گونه و دو دست را در پایین پا بگذار و بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، فَلَقَدْ صَدَقْتَ وَصَبَرْتَ،

درود خدا بر تو و بر روح و جسم شریفت، به راستی که تو راست گفتی و صبر پیشه

وَأَنْـتَ الصّـادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَـلَ اللَّهُ مَـنْ قَتَلَكَ بِالْيَدي وَالْاَلْسُـنِ.

گردی و تو صادق و تصدیق شده‌ای، خدا بکشد آنکه تو را با دست و زبان خود کشت.

سپس در کنار قبر فرزندان آن حضرت بایست و بر آنان ثنا بگو به آنچه دوست داری و از پروردگارت حوائج خود را بخواه، سپس در مقابل قبور شهدا بایست و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ أَيُّهَـا الرَّبّانِيُّـونَ، أَنْتُـمْ لَنـا فَـرَطٌ، وَنَحْـنُ لَكُـمْ تَبَـعٌ

سلام بر شما ای مردان الهی، شما برای ما پیشرو و ما برای شما تابع و پیرو و انصار هستیم، شما

وَأَنْصـارٌ، أَبْشِـرُوا بِمَوْعِـدِ اللَّـهِ الَّـذي لا خُلْفَ لَـهُ، وَأَنَّ اللَّهَ مُـدْرِكٌ بِكُمْ

را بشارت باد به وعده‌های الهی که تخلفی هرگز در آن‌ها نمی‌باشد، و همانا خداوند به وسیله شما

ثارَكُـمْ، وَأَنْتُـمْ سـادَةُ الشُّـهَداءِ فِـي الدُّنْيـا وَالْاخِرَةِ.

خونخواهی شما را خواهد نمود و شما سروران شهدا در دنیا و آخرت هستید.

آنگاه قبر را پیشاپیش خود قرار بده و آنچه خواهی نماز بخوان و هرگاه داخل حرم مطهر می‌شوی سلام کن، سپس جلو برو تا دو دست خود و دو گونه ات را بر قبر مبارک قرار دهی و وقتی می‌خواهی خارج شوی همین کار را انجام بده و در خواندن نماز در کنار قبر مطهر تا مادامی که آنجا هستی کوتاهی مکن و چون خواستی بازگردی از نزد امام 7 با آن حضرت وداع کن و بگو:

سَـلامُ اللَّهِ وَسَـلامُ مَلائِكَتِـهِ الْمُقَرَّبِيـنَ، وَأَنْبِيائِـهِ الْمُرْسَـلِينَ، وَعِبادِهِ

سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب او و پیامبران مرسل و بندگان صالح و

الصّالِحِيـنَ، عَلَيْـكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، وَعَلـىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِـكَ، وَذُرِّيَّتِكَ

شایسته اش بر تو باد ای فرزند رسول خدا و بر جسم و جانت و ذریه پاکت

وَمَنْ حَضَـرَكَ مِـنْ أَوْلِيائِكَ.(۱)

و کسانی که نزد تو حضور دارند از اولیائت.

[۱. کامل الزیارات: ص۳۸۵ ح۱۷.]

(۱۰) زیارت دهم

سید بن طاووس 1 در کتاب مصباح الزائر گفته است: روایت شده که مردی به زیارت امام حسین 7 آمد، مرکب خود را در کنار سایه‌بان خواباند و پایین آمد و با آرامش و وقار حرکت کرد تا کنار درب ایستاد، با دست به طرف ضریح مبارک اشاره کرد و گفت:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وَلِيَّ اللَّـهِ وَحُجَّتَـهُ، سَلاٰمَ مُسَلِّمٍ لِلَّـهِ فِيكَ، رٰادٍّ

سلام بر تو ای ولی خدا و حجت او، سلام کسی که تسلیم است در پیشگاه خداوند در مورد تو، رد

إِلَى اللَّـهِ وَإِلَيْكَ، مُرٰاعٍ حَقَّ مَا اسْتَرْعاٰكَ اللَّهُ خَلْقَهُ، وَاسْتَرْعاٰكَ حَقَّهُ،

کننده است به سوی خداوند و به سوی تو، رعایت کننده است حقّی را که خدا از تو طلب نموده رعایت

فَأَنْتَ حُجَّتُهُ الْكُبْرى، وَكَلِمَتُهُ الْعُظْمىٰ، وَطَرِيقَتُهُ الْمُثْلى، وَحُجَّتُهُ

کنی نسبت به خلق او، و از تو خواسته رعایت کنی نسبت به حق او، تو حجت بزرگ خداوند و نشانه عظیم

عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيـا، وَخَلِيفَتُهُ فِي الْأَرْضِ وَالسَّماٰواٰتِ الْعُلىٰ.

و بهترین راه او هستی، حجت او بر اهل دنیا و جانشین او در زمین و آسمان‌های بالا می‌باشی.

أَتَيْتُكَ زٰائِراً وَ لِلاٰءِ اللَّـهِ ذاٰكِراً، أَصْبَحَ ذَنْبِي عَظِيماً، وَأَصْبَحْتَ بِهِ

نزد تو آمده‌ام برای زیارت و نعمت‌های الهی را به یاد آورنده‌ام، گناه من بزرگ گردیده و

عَلِيماً، فَكُنْ لي بِحَطِّهِ زَعِيماً، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

تو به آن دانایی، پس برای من نابودی آن را عهده دار باش، درود خدا و سلام فراوان او بر تو باد.

سپس گونه خود را بر ضریح نهاد و گفت: **أَتَيْتُكَ لِلذُّنُوبِ مُقْتَرِفاً،**

آمده‌ام در حالی که مرتکب

فَكُنْ لي إِلَى اللَّـهِ شاٰفِعاً، فَهاٰ أَنَا ذاٰ قَدْ جِئْتُ عَنْهُنَّ نٰازِعاً إِلَى اللَّهِ

گناهان شده‌ام، پس برای من نزد خداوند شفیع باش، اکنون آمده‌ام در حالی که از آن‌ها جدا گشته و

أَتَنَصَّلُ، وَبِكُمْ يا آلَ مُحَمَّدٍ أَتَوَسَّلُ الْاٰخِرَ مِنْكُمْ وَالْاَوَّلَ، صَلَّى اللّٰهُ

به سوی خدا از آن‌ها بیزاری جسته‌ام و به شما ای خاندان محمّد 9 متوسّلم، به آخر شما و اوّل شما،

عَلَيْكُمْ، وَسَلَّمَ وَكَرَّمَ وَأَجْزَلَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

درود خدا و سلام و اکرام فراوان او و رحمت و برکاتش بر شما باد.

آنگاه ایستاد و ضریح را در مقابل خود قرار داد، پس نماز خواند و زیاد خواند، سپس دعا کرد و استغفار نمود و سجده کرد و چهره به خاک مالید نزدیک رفتم، شنیدم که در سجده اش می گوید:

إِلٰهي إِيّاكَ قَصَدْتُ وَإِلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَفَدْتُ، نازِلاً بِعُقُوبَتِكَ،

معبودا تو را قصد نمودم و به سوی ولیّ تو و فرزند ولیّ تو کوچ کردم، به عفو تو از کیفرت پناه

عاٰئِذاً بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَأَقِلْ عَثْرَتِي، وَاقْبَلْ

برده‌ام، پس به غربت من رحم کن و از لغزشم بگذر و توبه‌ام را بپذیر و بازگشتم را (به سوی

تَوْبَتِي، وَأَحْسِنْ أَوْبَتِي، مَشْكُورَ الْبَصِيرَةِ، مَغْفُورَ الْعَلاٰنِيَةِ وَ السَّرِيرَةِ

خودت) نیگو گردان، در حالی که بصیرت او قابل ستایش و گناهان آشکار و نهان او و کوچک

مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ وَصَغِيرَةٍ.

و بزرگ او آمرزیده شده است.

أَللّٰهُمَّ ارْحَمْ ضَراٰعَتي إِلَيْكَ، وَتَقَبَّلْ شَفاٰعَتِي بِهِ إِلَيْكَ، وَاقْضِ

خداوندا به خواری و تضرّع من در پیشگاهت رحم کن، شفاعت مرا به وسیله او به سوی خودت قبول

حاٰجَتِي وَوَسِيلَتِي بِهِ لَدَيْكَ، وَاجْعَلْهاٰ نَجاٰتي مِنَ النّارِ، وَسُوءِ هٰذِهِ

فرما، حاجتم را برآورده نما و توسّلم را به وسیله او نزد خودت بپذیر، و آن را باعث رهایی من از آتش و

الدّارِ، وَحَطِيطَةً لِذُنُوبِي وَالْاٰصاٰرِ، يا عاٰلِمَ الْخَفاٰيا وَالْاَسْراٰرِ.

بدی‌های این سرا ومایه از بین رفتن گناهان من و خطاهایم قرار بده، ای دانای پنهانی‌ها و نهانی‌ها.

إِلٰهي إِنِّي امْتَطَيْتُ إِلَيْكَ الْمَهاٰنَةَ، وَادَّرَعْتُ الْمَثابَةَ، لَأْياً بَعْدَ

معبودا، به سوی تو کشانده‌ام حقارت را، و پوشیده‌ام لباس انابه و بازگشت را، بعد از شدت و

لَأْيٍ، فـي غُدُوِّي وَمَسـائي إِلـىٰ أَئِمَّتِـي وَأَوْلِيائِـي، فَابْعَثْنِي في أُسْـرَتِهِمْ،

سختی در صبح و شام و روی آورده‌ام به امامانم و سرورانم، پس مرا در گروه آنان برانگیخته نما،

وَاحْشُـرْنِي فـي زُمْرَتِهِـمْ، يَـوْمَ أُدْعـىٰ مِـنَ الْحافِـرَةِ لِحُضُـورِ السّـاهِرَةِ،

و در زمرهٔ آنان محشور فرما، روزی که فراخوانده می‌شویم از حفره‌ها و قبرها برای حضور در روی زمین

وَمَوْقِـفِ الْحِسـابِ وَالْآخِـرَةِ.

و محلّ رسیدگی به حساب و آخرت.

سپس دو گونه خود را با تضرّع به خاک مالید، و گریه کرد و گفت:

يـا ذَا الْجَـلالِ وَالْإِكْـرامِ، يـا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّـوْلِ، يا ذَا الْقُـوَّةِ وَالْحَوْلِ،

ای صاحب بزرگی و بزرگواری و قدرت و احسان، ای صاحب نیرو و جنبش، مرا از خطا

نَجِّنِـي مِنْ خَطَـلِ الْعَمَلِ وَالْقَـوْلِ، وَآمِنِّي يَـوْمَ الْفَـزَعِ وَالْهَوْلِ.

و پوچی در عمل و گفتار رهایی بخش و در روز وحشت و دلهره ایمن گردان.

سپس نشست در حالی که زمزمه و همهمه‌ای نمود که نمی‌فهمیدم، آنگاه برخاست و در بالای سر مبارک امام حسین 7 ایستاد و گفت:

اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ مَـنِ اتَّبَعَكَ، وَشَـهِدَ الْمَعْرَكَةَ مَعَـكَ، وَالْوارِدِينَ

سلام بر تو و بر کسانی که از تو پیروی نمودند و در معرکه با تو حضور یافتند و بر کسانی که در قتلگاه

مَصْرَعَـكَ، يـا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُـمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيمـاً، أَتَيْتُكَ زائِـراً يا وَلِيَّ

تو وارد شده‌اند، ای کاش با شما بودم و به رستگاری بزرگ فائز می‌شدم، آمده‌ام زائر شما ای ولی خدا و فرزند

اللَّـهِ وَابْـنَ وَلِيِّـهِ، وَوَصِـيَّ نَبِيِّـهِ، وَانْصَرَفْـتُ مُوَدِّعـاً غَيْـرَ سَـئِمٍ وَلا قـالٍ،

ولی او و وصی پیامبرش و اکنون وداع کننده و در حال بازگشت هستم، نه خسته شده‌ام و نه دل گرفته، پس

فَاجْعَلْنِـي مِنْـكَ بِبالٍ.

مرا مورد اعتنای خودت قرار بده.

سپس به سوی مرکبش بازگشت، سوار شد و رفت، نه با او سخن گفتم ونه او با من سخن گفت. [مصباح الزائر: ص۲۵۰]

(۱۱) زیارت یازدهم

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات بـه سـند خـود از ابراهیـم بـن ابـی البـلاد روایـت کـرده اسـت کـه گفـت:

بـه حضـرت رضا 7 عرض کـردم: در مورد زیـارت قبر امام حسـین 7 چه می‌فرماییـد؟ امـام 7 بـه مـن فرمـود: شـما در مـورد آن چـه می‌گویید؟ عرض کردم: برخی از ما می‌گویند: معادل حج است، و برخی می‌گویند: عمره است.

فرمود: وقتی به زیارت آن حضرت می‌روی چه می‌گویی؟

عرض کردم: می‌گویم:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْكَ یٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْكَ یَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، شهادت می‌دهم

أَنَّـكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَیْـتَ الـزَّكاٰةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْـرُوفِ، وَنَهَیْتَ

که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی، و از زشتی‌ها

عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَدَعَوْتَ إِلیٰ سَـبِیلِ رَبِّـكَ بِالْحِكْمَـةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَـنَةِ،

نهی نمودی و با حکمت و موعظه نیکو مردم را به راه پروردگارت فراخواندی،

وَأَشْـهَدُ أَنَّ الَّذِینَ سَـفَكُوا دَمَكَ، وَاسْـتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ

و شهادت می‌دهم که آنانکه خونت را ریختند و بی‌حرمتی به تو روا داشتند ملعونند و معذّب

(عَلَی لِسـاٰنِ داوُدَ وَعِیسَـی بْنِ مَرْیَمَ ذٰلِكَ بِمٰا عَصَـوْا وَكٰانُوا یَعْتَدُونَ)[1].

«بر زبان داود و عیسی بن مریم، و این به خاطر نافرمانی آنان بود و اینکه ستم می‌نمودند».

[فرمودند: آری سلام بر آن حضرت چنین می‌باشد].[2]

۱. سورهٔ مائده، آیه۷۸

۲. کامل الزیارات: ص۳۷۷ ح۷.

(۱۲) زیارت دوازدهم

ابـن قولویـه 1 به سـند خود از سـلیمان بـن حفص مروزی و او از آن شـخص روایـت کرده اسـت کـه فرمودند: در کنـار قبر امام حسـین 7 بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ حُجَّـةَ اللَّـهِ فـي

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حجّت خدا در

أَرْضِـهِ، وَشـاٰهِدَهُ عَلـىٰ خَلْقِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ

زمین و گواه او بر خلقش، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

عَلَيْـكَ يَابْـنَ عَلِـيِّ نِ الْمُرْتَضـىٰ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ فاٰطِمَـةَ الزَّهْـراٰءِ،

بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَـدْ أَقَمْـتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْـتَ الـزَّكاٰةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی، و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَجاٰهَـدْتَ فـي سَـبِيلِ اللَّـهِ، حَتّـىٰ أَتـاٰكَ الْيَقِينُ،

فرمودی و از زشتی‌ها نهی نمودی، و در راه خدا جهاد کردی تا دار فانی را وداع گفتی،

وَصَلَّـى اللَّهُ عَلَيْـكَ حَيّاً وَمَيِّـتاً.

و درود خدا در حال حیات و ممات بر تو باد.

سـپس گونـه راسـت خـود را بـر قبـر بگـذار و بگـو: **أَشْـهَدُ أَنَّـكَ**

گواهی می‌دهم که تو

عَلـىٰ بَـيِّنَةٍ مِـنْ رَبِّـكَ، جِئْتُـكَ مُقِـرّاً بِالذُّنُـوبِ، إِشْـفَعْ لـي عِنْـدَ رَبِّكَ

دارای حجّتی از طرف پروردگارت بودی، آمده‌ام نزد تو و اقرار کننده‌ام به گناهان، نزد پروردگارت، ای فرزند

يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ.

رسول خدا برای من شفاعت کن.

سپس امامان : را یکی یکی یاد کن و بگو: **أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَجُ اللَّهِ.**

شهادت می‌دهم که آن‌ها حجّت‌های خداوند هستند.

سپس بگو: **اُكْتُبْ لي عِنْدَكَ عَهْداً وَمِيثاقاً، بِأَنّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدَنِ الْمِيثاقَ، فَاشْهَدْ لي عِنْدَ رَبِّكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الشّاهِدُ.**[1]

بنویس برای من نزد خودت عهد و میثاق به اینکه برای تجدید میثاق آمدم و گواهی بده برای من نزد پروردگارت، همانا که تو گواه هستی.

۱۰۶

(۱۳) زیارت سیزدهم

ابن قولویه 1 در کامل الزیارات به سند خود از عامر بن جذاعه روایت کرده است که گفت: امام صادق 7 فرمودند:

وقتی وارد حائر شدی بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَالسَّلاٰمُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ، عَلَيْكَ السَّلاٰمُ يا أَبَا عَبْدِاللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شارَكَ في دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ.[2]

حمد و سپاس سزاوار خداوند است و درود خدا بر محمّد و اهل بیت آن حضرت و سلام بر او و بر همهٔ آنان و رحمت خدا و برکات او. سلام بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت و کسی را که شرکت کرد در ریختن خون تو و کسی را که خبر قتل تو به او رسید و به آن خشنود گردید، من به سوی پروردگار از آن‌ها بری و بیزارم.

---

۱. کامل الزیارات: ص۳۷۹ ح۹.

۲. کامل الزیارات: ص۳۸۲ ح۱۲.

۱۰۷

(۱۴) زیارت چهاردهم

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات بـه سـند خـود از معاویـة بـن عمّـار روایت کـرده اسـت کـه گفت: بـه امام صـادق 7 عرض کـردم : وقتـی کنار قبـر امام حسـین 7 رسـیدم چـه بگویم؟ امـام 7 فرمـود: بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا عَبْدِاللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا عَبْدِاللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّـهُ يـٰا أَبـٰا عَبْدِاللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَـنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَـرِكَ في دَمِكَ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ بَلَغَـهُ ذٰلِـكَ فَرَضِيَ بِـهِ، أَنَا إِلَـى اللَّهِ مِـنْ ذٰلِكَ بَـرِيءٌ.[1]

سلام بر تو ای ابا عبد الله، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، خدا تو را رحمت نماید ای ابا عبد الله و خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که در خون تو شریک شد، و لعنت کند کسی را که خبر قتل تو به او رسید واو شادمان گردید، من به سوی خدا از این امر بیزاری می‌جویم.

۱۰۸

(۱۵) زیارت پانزدهم

ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات به سـند خود از بیّـاع سـابری روایت کرده اسـت کـه گفـت: از امـام صادق 7 شـنیدم کـه می‌فرمود:

کسی که به زیارت قبر امام حسین 7 رود خداوند برای او یک حج و یک عمره یا یک عمره و یک حج بنویسد.

عرض کردم: وقتی به زیارت آن حضرت شرفیاب شدم، چه بگویم؟

فرمودند: بگو:

---

۱. کامل الزیارات: ص۳۷۴.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّـهِ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو روزی که

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَـوْمَ وُلِـدْتَ، وَيَـوْمَ تَمُـوتُ، وَيَـوْمَ تُبْعَـثُ حَيّـاً،

متولّد شدی و روزی که از این دنیا می‌روی و روزی که بر انگیخته می‌شوی.

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ حَيٌّ شَـهِيدٌ، تُرْزَقُ عِنْـدَ رَبِّـكَ، وَأَتَوالىٰ وَلِيَّـكَ، وَأَبْرَأُ مِنْ

گواهی می‌دهم که تو زنده و شهید هستی، نزد پروردگارت روزی داده می‌شوی، به ولی شما ارادت دارم

عَـدُوِّكَ، وَأَشْـهَدُ أَنَّ الَّذِيـنَ قاٰتَلُوكَ، وَانْـتَهَكُوا حُرْمَتَـكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ

و از دشمن شما بیزارم. گواهی می‌دهم که قاتلانت و آنانکه حرمت تو را رعایت نکردند ملعون هستند به

لِسـاٰنِ النَّبِـيِّ الْأُمِّـيِّ. وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَدْ أَقَمْـتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتَ الـزَّكاٰةَ،

زبان پیامبر امّی [منسوب به امّ القری یعنی مکّه] و گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی

وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْـرُوفِ، وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَجاٰهَـدْتَ في سَـبِيلِ رَبِّكَ

و به خوبی‌ها امر فرمودی و از بدی‌ها نهی نمودی و در راه پروردگارت با حکمت

بِالْحِكْمَـةِ وَالْمَوْعِظَـةِ الْحَسَـنَةِ، أَسْـأَلُ اللّـهَ وَلِيَّـكَ وَوَلِـيَّنـاٰ، أَنْ يَجْعَـلَ

و پند و اندرز نیکو جهاد کردی، از خداوند که ولی تو و ولی ما است می‌خواهم

تُحْفَتَنـاٰ مِـنْ زِياٰرَتِـكَ، اَلصَّلاٰةَ عَلـىٰ نَبِيِّنـاٰ، وَالْمَغْفِـرَةَ لِذُنُوبِنـاٰ،

که تحفه و بهره ما را از زیارتت صلوات بر پیامبرمان و آمرزش گناهانمان قرار دهد،

إِشْـفَعْ لي يَابْنَ رَسُـولِ اللّهِ عِنْـدَ رَبِّكَ.[1]

ای فرزند رسول خدا برای من نزد پروردگارت شفاعت کن.

۱. کامل الزیارات: ص۳۹۰ ح۱۹.

۱۰۹

(۱۶) زیارت شانزدهم

در همـان کتـاب از عامـر بـن جذاعـه روایـت کرده اسـت که گفـت: از امام صادق 7 شـنیدم کـه فرمود:

وقتی به زیارت قبر مطهر امام حسین 7 شرفیاب شدی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا عَبْدِاللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت و خدا

مَـنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ. (۱)

لعنت کند کسی را که خبر قتل تو به او رسید و به آن خشنود گردید، من به سوی خدا از آنان بیزاری می‌جویم.

۱۱۰

(۱۷) زیارت هفدهم، زیارت کوتاه و مختصر

در همان کتاب از ابو صباح یا از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: به امام صادق 7 عرض کردم: چگونه بر امام حسـین 7 سـلام دهم؟ فرمودند: بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يا أَبَـا عَبْدِاللَّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، لَعَنَ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و خدا

اللَّـهُ مَـنْ قَتَلَكَ، وَلَعَـنَ اللَّهُ مَنْ أَعـانَ عَلَيْكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِـكَ فَرَضِيَ بِهِ،

لعنت کند کسی را که دشمنانت را علیه تو یاری نمود، و کسی را که وقتی خبر قتل تو به او رسید بدان خشنود

أَنَـا إِلَـى اللَّـهِ مِنْهُـمْ بَـرِيءٌ. (۲)

گردید، من به سوی خدا از آنان بیزاری می‌جویم.

۱. کامل الزیارات: ص۳۸۵ ح۱۶.
۲. کامل الزیارات: ص۳۹۲ ح۲۱.

(۱۸) زیارت هجدهم

در همـان کتـاب از ابـو همّـام روایت کرده اسـت که گفت: امـام صادق 7 فرمودند :

وقتی به زیارت قبر امام حسین 7 رفتی بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا أَبَا عَبْدِاللّـهِ، لَعَنَ اللّـهُ مَنْ قَتَلَـكَ، وَلَعَـنَ اللّهُ مَنْ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و خدا لعنت کند کسی را که در ریختن خون

شَـرِكَ في دَمِـكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِـيَ بِهِ، وَأنَا إِلَى اللّـهِ مِنْهُمْ بَريءٌ. (۱)

تو شرکت کرد، و کسی را که خبر قتل تو به او رسید و بدان خشنود گردید، من به سوی خدا از آنان بیزاری می‌جویم.

(۱۹) زیارت نوزدهم

در همـان کتـاب از یونـس بـن ظبیـان روایـت کرده اسـت که گفت: بـه امام صـادق 7 عـرض کردم: فدای شـما شـوم زیارت قبـر امام حسـین 7 در حال تقیّـه چگونه اسـت؟ امـام 7 فرمودند:

وقتی به فرات رسیدی غسل کن، سپس لباس‌های پاک خود را بپوس، آنگاه حرکت کن و در موازات قبر مطهر که قرار گرفتی بگو:

صَلَّـى اللّـهُ عَلَيْـكَ يا أَبـا عَبْدِاللّهِ، صَلَّـى اللّهُ عَلَيْـكَ يا أَبـا عَبْدِاللّهِ،

درود خدا بر تو ای ابا عبدالله، درود خدا بر تو ای ابا عبدالله،

صَلَّـى اللّـهُ عَلَيْـكَ يـا أَبـا عَبْدِاللّهِ. پـس زیارت تو تمام اسـت.(۲)

درود خدا بر تو ای ابا عبدالله.

۱. کامل الزیارات: ص۳۹۲ ح۲۲

۲. کامل الزیارات: ص۲۴۴ ح۴، بحارالانوار:۱۰۱/۲۸۴ ح۱.

(۲۰) زیارت مولا حضرت ابا الفضل العبّاس علیه‌السلام*

وقتی به زیارتگاه حضرت عباس بن علی 8 رفتی بر کنار درب ورودی بایست و بگو:

سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِهِ

سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل و بندگان

الصّالِحِينَ، وَ جَمِيعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدِّيقِينَ، وَالزّاكِياتِ الطَّيِّباتِ فِيما

صالح و شایسته‌اش و تمام شهدا و صدّیقین و پاکان و پاکیزگان

تَغْتَدِي وَتَرُوحُ، عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

در صبح و شام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین.

أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصْدِيقِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

شهادت می‌دهم برای تو که تسلیم بودی و تصدیق نمودی فرزند پیامبر مرسل ـ صلوات خدا بر او

وَآلِهِ الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالدَّلِيلِ الْعالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ،

و بر آلش باد ـ و سبط برگزیده‌اش را که راهنمای عالم و وصیّ مبلّغ

وَالْمَظْلُومِ الْمُضْطَهَدِ.[1]

و مظلوم ستم دیده بود

*. علّامه مامقانی نقل کرده است که فاضل دربندی (متولد سنه ۱۲۰۸ و متوفای سنه ۱۲۸۵ صاحب کتاب اسرار الشهاده) به شیخ انصاری 1 (متوفای سنه ۱۲۸۱ هـ، که آیتی در زهد و ورع و تقوا وعلم بود و صاحب کتاب رسائل و مکاسب) گفت: فعل شما نزد شیعه حجت است، وقتی به زیارت قبور امامان : می‌روید اعتاب مقدسه آنان را ببوسید تا شیعیان نیز به شما اقتدا کنند. شیخ انصاری در جواب ایشان گفتند: من هنگام تشرف به زیارت حضرت ابا الفضل فضلاً عن الائمّة : عتبه مقدسه را می‌بوسم به عنوان اینکه جای قدم زائرین آن حضرت است فضلاً از اینکه عتبه حضرت اباالفضل 7 است. ازاحة الوسوسة عن تقبیل الاعتاب المقدّسة: ص۳۴.

۱. «المهتضم»، خ ل.

فَجَـزٰاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُـولِهِ وَعَنْ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَعَنِ الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ

پس خداوند از طرف رسولش و از طرف امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین : بهترین

أَفْضَـلَ الْجَزٰاءِ، بِمـٰا صَبَرْتَ وَاحْتَسَـبْتَ وَأَعَنْتَ، فَنِعْـمَ عُقْبَى الدّارِ،

پاداش را به تو دهد به صبری که نمودید، خوب جایگاهی است جایگاه آخرت شما.

لَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ قَتَلَـكَ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ جَهِـلَ حَقَّـكَ، وَاسْـتَخَفَّ

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و خدا لعنت کند کسی را که حقّ تو را نشناخت و حرمت تو را

بِحُرْمَتِـكَ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ حـٰالَ بَيْنَكَ وَبَيْـنَ مٰاءِ الْفُـرٰاتِ، أَشْـهَدُ أَنَّكَ

سبک شمرد، و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و آب فرات حائل گردید، شهادت می‌دهم که تو مظلومانه

قُتِلْـتَ مَظْلُومـاً، وَأَنَّ اللَّـهَ مُنْجِـزٌ لَكُـمْ مـٰا وَعَدَكُـمْ.

کشته شدی و خداوند به آنچه وعده کرده است برای شما وفا خواهد نمود.

جِئْتُـكَ يَا ابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ وٰافِـداً إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَـلِّمٌ لَكُـمْ، وَأَنَا

آمده‌ام ای فرزند امیرالمؤمنین در حالی که کوچ کننده به سوی شما و مهمان شما هستم، قلب من تسلیم شما

لَكُـمْ تٰابِـعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَـدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْـرُ الْحـٰاكِمِينَ،

و من پیرو شما می‌باشم و نصرت و یاری من برای شما آماده است تا خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان

فَمَعَكُـمْ مَعَكُمْ لٰا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ وَبِـإِيٰابِكُمْ مِـنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ

است، کسی که با شما است با شما است و با دشمن شما نیست، من به شما و بازگشت شما مؤمنم و به کسانی

خٰالَفَكُـمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكٰافِرِينَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُـنِ.

که با شما مخالفت کردند و شما را کشتند کافرم، خدا لعنت کند گروهی را که شما را با دست و زبان کشتند.

سـپس داخـل حرم شـو و خـود را بـر قبر بیفکـن و بگـو: اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو

أَيُّهَـا الْعَبْدُ الصّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِـهِ، وَ لِأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَـنِ

ای بندهٔ صالح، ای مطیع و فرمانبردار خدا و رسول او و امیرالمؤمنین و امام حسن

وَالْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

وامام حسین،، صلوات و درود و سلام خدا بر آنها باد، سلام بر تو و رحمت خدا

وَبَرَكاٰتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

و برکات او و غفران او بر تو باد و بر جسم و جان تو باد.

أَشْهَدُ وَأُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ مٰا مَضىٰ عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ

شهادت می‌دهم و خدا را شاهد می‌گیرم که تو به همان راهی رفتی که لشکریان بدر رفتند، آنانکه در راه

وَالْمُجاٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، اَلْمُناٰصِحُونَ لَهُ فِي جِهاٰدِ أَعْداٰئِهِ،

خدا جهاد کردند و در جهاد با دشمنان به خاطر خدا زبان به نصیحت آنان گشودند و در نصرت اولیای خدا

الْمُبالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِياٰئِهِ، الذّاٰبُّونَ عَنْ أَحِبّاٰئِهِ، فَجَزاٰكَ اللَّهُ أَفْضَلَ

نهایت کوشش خود را نمودند، و دشمنان را از دوستان او دور کردند پس خدا تو را بهترین جزا و پاداش دهد

الْجَزاٰءِ، وَأَوْفَرَ جَزاٰءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجاٰبَ لَهُ دَعْوَتَهُ،

و بیشترین پاداش کسی را که به بیعت خود وفا نموده و دعوت او را اجابت کرده و صاحبان امر را اطاعت

وَأَطاٰعَ وُلاٰةَ أَمْرِهِ.

نموده مرحمت فرماید.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ بِهِ غاٰيَةَ الْمَجْهُودِ،

و شهادت می‌دهم که تو در خیرخواهی و نصیحت مبالغه کردی و نهایت تلاش و کوشش را

فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَداٰءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْواٰحِ السُّعَداٰءِ، وَأَعْطاٰكَ

نمودی، خداوند تو را در شهدا برانگیزد و روح پاک تو را با ارواح سعادتمندان قرار دهد و از

مِنْ جِناٰنِهِ أَفْسَحَهاٰ مَنْزِلاً، وَأَفْضَلَهاٰ غُرَفاً، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعِلِّيِّينَ،

بهشت خود وسیع‌ترین منزل و برترین غرفه‌ها را به تو عطا کند، و ذکر و یاد تو را در علیین بالا برد

وَحَشَرَكَ مَعَ (النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ وَحَسُنَ

و با پیامبران و صدیقین و شهدا و صلحا محشور نماید، که آنان

أُولَئِـكَ رَفِيقاً).[1]

نیکو رفیقانی هستند.

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ لَـمْ تَهِـنْ وَلَـمْ تَنْـكُلْ، وَأَنَّـكَ مَضَيْـتَ عَلـىٰ بَصِيـرَةٍ مِنْ

شهادت می‌دهم که تو سستی ننمودی و ناتوانی از خود نشان ندادی و راه را با بصیرت

أَمْـرِكَ، مُقْتَدِيـاً بِالصّالِحِيـنَ، وَمُتَّبِعـاً لِلنَّبِيِّيـنَ، فَجَمَـعَ اللَّهُ بَيْـنَنٰا وَبَيْنَكَ

و آگاهی کامل پیمودی و به صالحین اقتدا نمودی و از پیامبران پیروی کردی، خدا بین ما و

وَبَيْـنَ رَسُـولِهِ وَأَوْلِيائِـهِ فِـي مَنـٰازِلَ الْمُحْسِـنِينَ، فَإِنَّـهُ أَرْحَـمُ الرّاحِمِينَ.

شما و رسولش و اولیائش در منازل نیکوکاران جمع نماید، که او مهربان‌ترین مهربانان است.

سپس به قسمت بالای سر مبارک برو و دو رکعت نماز بخوان، و بعد از آن آنچه می‌خواهی نماز بجای آور و زیاد دعا کن و بعد از نمازهایت بگو:

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ وَلاٰ تَدَعْ لِـي فِي هٰـذَا الْمَكٰانِ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و در این مکان محترم و زیارتگاه عظیم برای من گناهی را نگذار

الْمُكَرَّمِ وَالْمَشْـهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْبـاً إِلّا غَفَرْتَهُ، وَلاٰ هَمّـاً إِلّا فَرَّجْتَهُ، وَلاٰ مَرَضاً

مگر آنکه آمرزیده باشی و نه اندوهی مگر آنکه برطرف نموده باشی و نه بیماری و مرضی مگر آنکه شفا داده باشی

إِلّا شَـفَيْتَهُ، وَلاٰ عَيْبـاً إِلّا سَـتَرْتَهُ، وَلاٰ رِزْقـاً إِلّا بَسَـطْتَهُ، وَلاٰ خَوْفـاً إِلّا آمَنْتَهُ،

و نه عیبی مگر آنکه پوشیده باشی و نه رزقی مگر آنکه گسترش داده باشی، و نه ترسی مگر آنکه ایمنی بخشیده

وَلاٰ شَـمْلاً إِلّا جَمَعْتَـهُ، وَلاٰ غٰائِبـاً إِلّا حَفِظْتَـهُ وَأَدَّيْتَـهُ، وَلاٰ حٰاجَـةً مِـنْ

باشی، و نه پراکندگی مگر آنکه جمع نموده باشی، و نه غایبی مگر آنکه او را حفظ نموده و به وطن رسانده باشی

حَوٰائِـجِ الدُّنْيـٰا وَالْاٰخِـرَةِ لَـكَ فِيهـٰا رَضىً وَلِـيَ فِيهـٰا صَـلاٰحٌ إِلّا قَضَيْتَهٰا،

و نه حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را که خشنودی تو در آن و به صلاح من باشد مگر آنکه روا فرموده باشی،

۱. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس بازگرد نزد ضریح و در پایین پای مبارک بایست و بگو: اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای

يـٰا أَبَـا الْفَضْلِ الْعَبّـاسَ بْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ، السَّـلٰامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَـيِّدِ

ابا الفضل العبّاس، ای پسر امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای پسر سرور

الْوَصِيِّيـنَ، السَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يَـا ابْـنَ أَوَّلِ الْقَـوْمِ إِسْـلٰاماً وَأَقْدَمِهِـمْ إِيمٰاناً

اوصیاء، سلام بر تو ای فرزند نخستین اسلام آورنده و سابق‌ترین آنان از جهت ایمان و پابرجاترین

وَأَقْوَمِهِـمْ بِدِيـنِ اللّـهِ وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْـلٰامِ.

آنان نسبت به دین خدا و احاطه دارترین آنان بر اسلام.

أَشْـهَدُ لَقَـدْ نَصَحْتَ لِلّـهِ وَلِرَسُـولِهِ وَ لِأَخِيـكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوٰاسِـي،

شهادت می‌دهم که تو برای خدا و رسول او و برادرت خیرخواهی نمودی، خوب برادری هستی که مواسات نمودی،

فَلَعَـنَ اللّـهُ أُمَّـةً قَتَلَتْـكَ، وَلَعَـنَ اللّـهُ أُمَّـةً ظَلَمَتْـكَ، وَلَعَـنَ اللّـهُ أُمَّـةً

خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند و خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند، و خدا

اسْـتَحَلَّتْ مِنْـكَ الْمَحـٰارِمَ، وَانْتَهَكَـتْ حُرْمَـةَ الْإِسْـلٰامِ.

لعنت کند گروهی را که بی‌حرمتی به تو روا داشتند و حرمت اسلام را شکستند.

فَنِعْـمَ الصّـابِـرُ الْمُجٰاهِـدُ الْمُحٰامِي النّـاصِـرُ، وَالْأَخُ الدّافِـعُ عَنْ أَخِيهِ،

چه نیکو صابر بودی و مجاهد و حمایت کننده و یاور و برادری که از برادر خود دفع کننده بود

الْمُجِيـبُ إِلـىٰ طٰاعَـةِ رَبِّـهِ، الرّاغِـبُ فِيمـٰا زَهِـدَ فِيـهِ غَيْـرُهُ، مِـنَ الثَّوٰابِ

و اجابت کننده به اطاعت پروردگارش و راغب در آنچه غیر او بی‌رغبت بودند از ثواب بسیار وثنای

الْجَزِيلِ وَالثَّـنٰاءِ الْجَمِيلِ، فَأَلْحَقَكَ اللّٰهُ بِدَرَجَةِ آبٰائِكَ فِي جَنّٰاتِ النَّعِيمِ.

نیکو، پس خداوند تو را به درجه و مرتبه پدران بزرگوارت در بهشت پر نعمت ملحق فرماید.

أَللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِزِيارَةِ أَوْلِيائِكَ، رَغْبَةً فِي ثَوابِكَ وَرَجاءً

خداوندا به زیارت اولیائت روی آوردم به خاطر رغبت در ثواب تو و امید

لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ إِحْسانِكَ، فَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آمرزش تو و احسان فراوانت، پس از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان پاک او درود

الطّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دارّاً، وَعَيْشِي بِهِمْ قارّاً، وَزِيارَتِي بِهِمْ

فرستی و به سبب ایشان روزی مرا فراوان و زندگی مرا زندگی آرام قرار بده، زیارتم را قبول

مَقْبُولَةً، وَحَياتِي بِهِمْ طَيِّبَةً، وَأَدْرِجْنِي إِدْراجَ الْمُكْرَمِينَ، وَاجْعَلْنِي

و حیاتم را حیات طیبه گردان و مرا قرار بده در درجه اشخاص گرامی و ارجمند و از کسانی که از زیارت

مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيارَةِ مَشاهِدِ أَحِبّائِكَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، قَدِ اسْتَوْجَبَ

زیارتگاه دوستانت باز می‌گردند در حالی که به فلاح و رستگاری و موفقیت و پیروزی رسیده‌اند و شایسته

غُفْرانَ الذُّنُوبِ وَسَتْرَ الْعُيُوبِ وَكَشْفَ الْكُرُوبِ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى

آمرزش گناهان و پوشش عیوب و برطرف شدن اندوه گشته‌اند که تو سزاواری که از تو بترسند

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

و سزاواری که بیامرزی

وداع مولا حضرت عباس بن علی 8

وقتی خواستی وداع کنی و بازگردی در کنار قبرمطهر بایست و بگو:

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنّا بِاللَّهِ

تو را به خدا می‌سپارم و از او خواستار رعایت توام، سلام بر تو می‌نمایم، به خدا و

وَبِرَسُولِهِ وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِاللَّهِ، اَللَّهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ،

رسول او و به آنچه از نزد خدا آورده ایمان دارم خداوندا ما را در زمرهٔ گواهان بنویس،

أَللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي قَبْرَ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَّى

خداوندا این زیارتم را آخرین زیارت قبر پسر برادر رسولت ـ که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد

اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ، وَارْزُقْنِـي زِيارَتَـهُ أَبَـداً مـا أَبْقَيْتَنِـي، وَاحْشُـرْني مَعَـهُ

ـ قرار مده، و زیارتش را تا مادامی که مرا باقی داشته‌ای همیشه قرار بده و مرا با آن حضرت و

وَمَـعَ آبائِـهِ فِـي الْجِنـانِ، وَعَـرِّفْ بَيْنِـي وَبَيْـنَ رَسُـولِـكَ وَأَوْلِيائِكَ.

پدران بزرگوارش در بهشت محشور فرما و بین من و رسولت و اولیائت آشنایی برقرار نما.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ وَتَوَفَّنِـي عَلَـى الْإِيمـانِ بِـكَ،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا با ایمان به خودت

وَالتَّصْدِيـقِ بِرَسُـولِـكَ، وَالْوِلايَـةِ لِعَلِـيِّ بْنِ أَبِـي طالِـبٍ وَالْأَئِمَّـةِ عَلَيْهِمُ

و تصدیق به رسولت و ولایت علی بن ابی طالب و ائمّه طاهرین ـ سلام بر همه ایشان باد ـ

السَّـلامُ وَالْبَـراءَةِ مِـنْ عَدُوِّهِـمْ، فَإِنِّـي رَضِيتُ بِذٰلِـكَ، وَصَلَّـى اللَّهُ عَلَى

و برائت و بیزاری از دشمنان ایشان بمیران که من به این عقاید راضی و خشنودم، و درود خدا بر

مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

محمّد و آل محمّد.

سپس برای خودت و والدین خودت و برای زنان و مردان مؤمن دعا کن و آنچه می‌خواهی از دعا اختیار کن و آنگاه به حرم مطهر امام حسین 7 برای وداع بازگرد.[1]

۱. مـزار مفیـد: ص۱۲۱، مصبـاح الزائـر: ص۲۱۳، مصبـاح المتهجّـد: ص۷۲۴، مـزار کبیـر: ص۳۸۸، مفاتیـح الجنـان: ص۴۳۵، عمـدة الزائـر في الادعية والزيـارات: ص۱۴۳، هدية الزائرين وبهجـة الناظرين: ص۱۲۵، كتاب فـي الادعيـة والزيارات (مخطـوط): ص۲۶۱.

(۲۱) زیارت حضرت امیرالمؤمنین و حضرت ابا عبد الله الحسین علیهما السلام

در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

در مزار کبیر آمده است: محمّد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت کرده است که گفت: با صفوان جمّال و عده‌ای از اصحاب به غری (نجف) رفتیم، بعد از وارد شدن امام صادق 7 ، پس امیرالمؤمنین 7 را زیارت کردیم و چون از زیارت آن حضرت فارغ گشتیم صفوان روی خود به طرف قبر مبارک امام حسین 7 نمود و گفت: زیارت می کنیم حضرت حسین بن علی 8 را از این مکان محترم از بالای سر مبارک مولا امیرالمؤمنین 7 ، و صفوان گفت: با آقا و سرورم حضرت جعفر بن محمّد امام صادق 7 بودم مثل این عمل را انجام دادند و این دعا را خواندند بعد از آنکه نماز خوانده و وداع کردند، سپس به من فرمودند:

ای صفوان، این زیارت را تعهد کن و این دعا را بخوان و آن دو بزرگوار را با این زیارت، زیارت کن، من ضامنم بر خداوند برای هر کسی که این دو امام را به این زیارت، زیارت کند و این دعا را بخواند، چه از نزدیک و چه از دور، که زیارت او را خداوند تبارک و تعالی قبول نماید و سعی اورا پاداش دهد و سلام او بدون حجاب و مانع برسد و حاجت او به هر مقدار که باشد از طرف خداوند برآورده شود و او را محروم نگرداند.

ای صفوان، این زیارت را با همین ضمان دریافت نمودم از پدرم، و پدرم از پدرش حضرت علی بن الحسین، و آن حضرت از پدرش

حضرت امام حسین 7 و آن حضرت از برادرش امام مجتبی 7 و آن حضرت از امیرالمؤمنین ضمانت شده با همین ضمان، و امیرالمؤمنین 7 از رسول خدا 9 ، و آن حضرت از جبرئیل ضمانت شده با همین ضمان از خداوند که او قسم یاد نموده بر خودش، هر کس حضرت حسین بن علی 8 را از دور یا نزدیک به این زیارت زیارت کند در روز عاشورا و این دعا را بخواند، زیارتش را قبول می‌کنم و آنچه مسألت نماید روا سازم به هر مقدار که باشد و خواسته‌اش را عطا می‌کنم واو را بازنگردانم محروم، بلکه بازگردانم مسرور و چشمانش را روشن گردانم به برآمدن حاجتش و رستگار شدنش به بهشت و آزادی از آتش، و شفاعت او را نسبت به هر کسی که برای او شفاعت کند جز ناصبی، بپذیرم، خداوند این را بر خود لازم ساخته و ملائکه‌اش را بر آن گواه گرفته است.

و جبرئیل عرض کرد: ای محمّد، همانا خداوند مرا به سوی شما فرستاده تا بشارت دهم شما و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از فرزندان تو را تا روز قیامت، پس پیوسته باد و همیشگی سرور شما و سرور حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه و شیعیان شما تا روز رستاخیز.

صفوان گفت: امام صادق 7 فرمودند: ای صفوان، وقتی حاجتی به خداوند تبارک و تعالی داشتی، این زیارت را بجای آور هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از خدا حاجت خود را درخواست کن که برآورده خواهد شد، و خداوند وعده خود به رسول خدا را به لطفش تخلف نمی‌نماید و حمد و سپاس سزاوار خداوند است.

و این است زیارت:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا رَسُـولَ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خداوند، سلام بر تو ای امین پروردگار، سلام بر

عَلَيْـكَ يا أَمِيـنَ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ مَنِ اصْطَفـاٰهُ اللَّهُ، وَاخْتَصَّـهُ وَاخْتاٰرَهُ

کسی که او را خداوند برگزید و (به رسالت) اختصاص داد و او را اختیار فرمود (برای نبوت) از میان

مِـنْ بَرِيَّتِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا خَلِيلَ اللَّـهِ، ماٰ دَجَى اللَّيْلُ وَغَسَـقَ، وَأَضاٰءَ

خلق خود، سلام بر تو ای خلیل خداوند مادامی که تاریک کند شب و تاریک گردد، و روشن کند

النَّهـاٰرُ وَأَشْـرَقَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ مـاٰ صَمَـتَ صاٰمِـتٌ، وَنَطَـقَ ناٰطِـقٌ،

روز و نورافشانی کند، سلام بر تو مادامی که سکوت کرده سکوت کننده و سخن گوید سخن گوینده و

وَذَرَّ شـاٰرِقٌ، وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُـهُ.

خورشید بدرخشد، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ مَوْلاٰنـاٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ عَلِـيِّ بْـنِ أَبي طاٰلِـبٍ، صاٰحِبِ

سلام بر مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، دارای

السَّـوابِقِ وَالْمَناٰقِـبِ، وَالنَّجْـدَةِ وَمُبِيـدِ الْكَتاٰئِـبِ، اَلشَّـدِيدِ الْبَـأْسِ،

سوابق درخشان و افتخارات فراوان و شجاعت، نابودکننده لشکر (دشمن)، صاحب توانایی و

اَلْعَظِيـمِ الْمِـراٰسِ، اَلْمَكِيـنِ الْاَسـاٰسِ، سـاٰقِي الْمُؤْمِنِيـنَ بِالْـكَأْسِ مِـنْ

خشم و عذاب شدید و پیکار عظیم و اساسی قدرتمند، سقایت کنندهٔ مؤمنان با کاسه‌ای از

حَـوْضِ الرَّسُـولِ الْمَكِيـنِ الْاَمِيـنِ.

حوض رسول عالی مقام امین.

اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ صاٰحِـبِ النُّهـىٰ، وَالْفَضْـلِ وَالطَّوْائِـلِ، وَالْمَكْرَمـاٰتِ

سلام بر صاحب خرد و فضل و احسان و کرامت‌ها

وَالنَّوْائِـلِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ فـاٰرِسِ الْمُؤْمِنِيـنَ، وَلَيْـثِ الْمُوَحِّدِيـنَ، وَقاٰتِلِ

و بخشش‌ها، سلام بر یکه تاز مؤمنان و شیر شجاع موحدان و قاتل

الْمُشْرِكِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

مشرکان و وصی فرستاده پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أَيَّدَهُ اللَّهُ بِجَبْرَئِيلَ، وَأَعانَهُ بِمِيكائِيلَ، وَأَزْلَفَهُ فِي

سلام بر کسی که خدا او را به وسیله جبرئیل تأیید و به وسیله میکائیل یاری نمود و –او

الدّارَيْنِ، وَحَباهُ بِكُلِّ ما تَقِرُّ بِهِ الْعَيْنُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ

را قرب و منزلت داد در دو سرا، و بخشید به او تمام آنچه را که مایه روشنی چشم است،

الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ، وَعَلىٰ أَوْلادِهِ الْمُنْتَجَبِينَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرّاشِدِينَ،

درود خدا بر او و بر خاندان پاک و مطهرش و بر اولاد با نجابتش و بر امامان هدایتگرش

اَلَّذِينَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَفَرَضُوا لَنَا الصَّلَواتِ،

که به خوبی‌ها امر فرمودند و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی نمودند و برای ما نمازها را واجب ساختند، و

وَأَمَرُوا بِإِيتاءِ الزَّكاةِ، وَعَرَّفُونا صِيامَ شَهْرِ رَمَضانَ، وَقِراءَةَ الْقُرْآنِ.

به پرداختن زکات دستور دادند و ما را با روزه ماه رمضان و خواندن قرآن آشنا نمودند.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا يَعْسُوبَ الدِّينِ،

سلام بر تو ای امیر و فرمانروای مؤمنان، سلام بر تو ای زمامدار امور دین

وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

و پیشوای روسفیدان، سلام بر تو ای باب خدا، سلام بر تو

يا عَيْنَ اللَّهِ النّاظِرَةَ، وَيَدَهُ الْباسِطَةَ، وَأُذُنَهُ الْواعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ الْبالِغَةَ،

ای چشم بینا و دست توانا و گسترده و گوش شنوا و حکمت رسا و نعمت کامل

وَنِعْمَتَهُ السّابِغَةَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نِعْمَةِ اللَّهِ

و گسترده پروردگار. سلام بر قسمت کنندهٔ بهشت و دوزخ، سلام بر نعمت خدا

عَلَى الْأَبْرارِ وَ نِقْمَتِهِ عَلَى الْفُجّارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيارِ.

بر نیکوکاران و نقمت او بر فاجران، سلام بر سرور خوبان پرهیزکار.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَخي رَسُولِ اللّٰهِ وَابْنِ عَمِّهِ، وَزَوْجِ ابْنَتِهِ وَالْمَخْلُوقِ

سلام بر برادر رسول خدا و پسر عموی آن حضرت و همسر دخترش و آفریده

مِنْ طِينَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْاَصْلِ الْقَدِيمِ، وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى

شده از طینت پاک او، سلام بر اصل و ریشه قدیم و فرع و شاخه کریم، سلام بر

الثَّمَرِ الْجَنِيِّ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ شَجَرَةِ

میوه رسیده، سلام بر ابا الحسن حضرت علی 7، سلام بر درخت

طُوبىٰ، وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ.

طوبی و سدرة المنتهی،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، وَنُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، وَإِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ،

سلام بر حضرت آدم برگزیدهٔ خدا و سلام بر حضرت نوح پیامبر خدا، و حضرت ابراهیم خلیل خداوند، و

وَمُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، وَعِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ، وَمَنْ بَيْنَهُمْ

حضرت موسی کلیم پروردگار، و حضرت عیسی روح خدا، و حضرت محمّد 9 حبیب خداوند و کسانی که بین

(مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدٰاءِ وَالصّٰالِحِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً)[1].

آن‌ها هستند «از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و نیکو رفیقانی هستند آنان».

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ نُورِ الْاَنْوٰارِ، وَسَلِيلِ الْاَطْهٰارِ، وَعَنٰاصِرِ الْاَخْيٰارِ،

سلام بر روشنی بخش انوار و زادهٔ پاکان، اصل و اساس خوبان،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ وٰالِدِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرٰارِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَبْلِ اللّٰهِ الْمَتِينِ،

سلام بر پدر امامان نیکوکار، سلام بر ریسمان محکم پروردگار

وَجَنْبِهِ الْمَكِينِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و جَنب قدرتمند او، و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَمِينِ اللّٰهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي عِبٰادِهِ، وَالْحٰاكِمِ

سلام بر امین خدا در زمین او و سلام بر جانشین او در میان بندگانش و حاکم به امر او

۱. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

بِأَمْـرِهِ، وَالْقَيِّـمِ بِدِينِـهِ، وَالنّاطِـقِ بِحِكْمَتِـهِ، وَالْعامِـلِ بِكِتابِـهِ، أَخِـي

و به پا دارندهٔ دین او و سخن گویندهٔ به حکمت او و عمل کننده به کتاب او، برادر حضرت

الرَّسُـولِ، وَزَوْجِ الْبَتُـولِ، وَسَـيْفِ اللَّـهِ الْمَسْـلُولِ.

رسول و همسر شایسته حضرت بتول و شمشیر کشیده خداوند.

اَلسَّـلامُ عَلىٰ صاحِبِ الـدِّلالاتِ، وَالْآياتِ الْباهِـراتِ، وَالْمُعْجِزاتِ

سلام بر صاحب دلالت‌ها و نشانه‌های روشن و آشکار، و معجزات چیره شونده،

الْقاهِـراتِ، اَلْمُنْجـي مِـنَ الْهَلَـكاتِ، اَلَّـذي ذَكَـرَهُ اللَّـهُ فـي مُحْكَـمِ

او که نجات دهنده از هلاکت‌ها است و خداوند در آیات محکم از او یاد نموده و

الْآيـاتِ، فَقـالَ تَعالـىٰ: (وَإِنَّـهُ فـي أُمِّ الْكِتـابِ لَدَيْنـا لَعَلِيٌّ حَكِيـمٌ)[1].

فرموده است: «وهمانا او در امّ الکتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلند مرتبه و حکیم است».

اَلسَّـلامُ عَلَـى اسْـمِ اللَّهِ الرَّضِـيِّ، وَوَجْهِـهِ الْمُضِـيءِ، وَجَنْبِـهِ الْعَلِيِّ،

سلام بر اسم پسندیده خدا و وجه روشنی بخش او و جنب بلندمرتبه‌اش

وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

و رحمت خدا برکات او.

اَلسَّـلامُ عَلـىٰ حُجَـجِ اللَّـهِ وَأَوْصِيائِـهِ، وَخاصَّـةِ اللَّـهِ وَأَصْفِيائِـهِ،

سلام بر حجّت‌های الهی و جانشینان او و خاصّان درگاهش و برگزیدگان او و کسانی که

وَخالِصَتِـهِ وَأُمَنائِـهِ، وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُـهُ.

خالص بر او و امین او هستند و رحمت خدا و برکات او.

قَصَدْتُـكَ يا مَوْلايَ، يا أَمِينَ اللَّـهِ وَحُجَّتَهُ، زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِـياً

تو را قصد نمودم ای مولای من، ای امین خدا و حجّت او، زائر تو هستم، آشنا به حق تو

لِأَوْلِيائِـكَ، مُعادِيـاً لِأَعْدائِـكَ، مُتَقَرِّبـاً إِلَـى اللَّـهِ بِزِيارَتِـكَ، فَاشْـفَعْ لـي

می‌باشم، با دوستان تو دست و با دشمنانت دشمنم، با زیات تو به خدا تقرّب می‌جویم، نزد خداوند

۱. سورهٔ زخرف، آیه۴۰.

عِنْـدَ اللَّـهِ رَبّي وَرَبِّكَ، فـي خَـلاٰصِ رَقَبَتِي مِنَ النّـارِ، وَقَضـاٰءِ حَوٰائِجِي

پروردگارت و پروردگار من شفاعت کن در رهایی من از آتش و برآورده شدن حاجت‌هایم

حَوٰائِـجِ الدُّنْيـا وَالْاٰخِرَةِ.

حاجت‌های دنیوی و اخروی.

سـپس خـود را بـر قبـر بیفکـن، آن را ببـوس و بگـو: سَـلاٰمُ اللَّهِ وَسَـلاٰمُ

سلام خدا و سلام

مَلاٰئِكَتِـهِ الْمُقَرَّبِيـنَ، وَالْمُسَـلِّمِينَ لَـكَ بِقُلُوبِهِـمْ يـا أَمِيرَالْمُؤْمِنِيـنَ،

فرشتگان مقربّش و آنان که با قلوبشان تسلیم تو هستند ای امیرالمؤمنین

وَالنّاطِقِيـنَ بِفَضْلِـكَ، وَالشّـاهِدِينَ عَلـىٰ أَنَّـكَ صـاٰدِقٌ أَمِيـنٌ صِدِّيـقٌ،

و به فضل تو گویا می‌باشند و شاهدند بر اینکه تو صادق و امینی بر تو باد، و

عَلَيْـكَ وَرَحْمَةُ اللّـهِ وَبَرَكاتُهُ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلـىٰ رُوحِكَ وَ بَدَنِك.

رحمت خدا و برکات او، درود خدا بر تو و بر روح و روان تو و جسم پاک تو باد

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ طُهْـرٌ طاٰهِـرٌ مُطَهَّـرٌ، مِـنْ طُهْـرٍ طاٰهِـرٍ مُطَهَّـرٍ.

شهادت می‌دهم که تو عین طهارت و پاک و مطهر از عین طهارت و پاک و مطهر هستی.

أَشْـهَدُ لَـكَ يا وَلِـيَّ اللَّهِ وَوَلِـيَّ رَسُـولِهِ بِالْبَـلاٰغِ وَالْاَدٰاءِ، وَأَشْـهَدُ أَنَّكَ

شهادت می‌دهم برای تو ای ولی خدا و ولی رسول او که پیام حق را رسانیدی و عهد خود را ادا نمودی، و شهادت

جَنْـبُ اللَّـهِ وَبٰابُـهُ، وَحَبِيبُ اللَّـهِ وَوَجْهُـهُ الَّذي يُؤْتـىٰ مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَـبِيلُ

می‌دهم که تو جنب الله[1] و باب الله[2] و حبیب خدا و وجه او[3] که از سوی آن، به او گرایند، هستی. و شهادت

اللَّـهِ، وَأَنَّـكَ عَبْدُ اللَّـهِ وَأَخُو رَسُـولِهِ صَلَّـى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ.

می‌دهم به اینکه تو راه خدا و بندهٔ خدا و برادر رسول او هستی، درود خدا بر او و خاندانش باد.

۱. «جنب اللّه» می تواند کنایه از تقرب به خدا باشد، در این صورت یعنی: تو مقرّب‌ترین فرد به درگاه الهی هستی.

۲. یعنی از طریق تو می‌توان به درگاه ربوبی راه پیدا کرد.

۳. یعنی به وسیله تو، خدا شناخته می‌شود.

أَتَيْتُـكَ مُتَقَرِّبـاً إِلَـى اللَّـهِ بِزِيارَتِـكَ، رٰاغِبـاً إِلَيْكَ فِـي الشَّـفٰاعَةِ، أَبْتَغِي

آمده‌ام به زیارت تو به خدا تقرب بجویم و به شفاعت تو راغبم،

بِشَـفٰاعَتِكَ خَـلاٰصَ رَقَبَتِـي مِـنَ النّارِ، مُتَعَـوِّذاً بِكَ مِـنَ النّـارِ، هٰارِباً مِنْ

به شفاعت تو رهایی از آتش را می‌طلبم، به تو پناهنده گشته‌ام از آتش

ذُنُوبِـيَ الَّتِـي احْتَطَبْتُهـا عَلىٰ ظَهْـرِي، فَزِعاً إِلَيْـكَ رَجٰاءَ رَحْمَـةِ رَبِّي.

از گناهی که برپشت خود بار نموده‌ام گریزانم، به تو پناه آورده‌ام به امید رحمت پروردگارم.

أَتَيْتُـكَ أَسْتَشْـفِعُ بِـكَ يـا مَـوْلاٰيَ، وَأَتَقَـرَّبُ إِلَـى اللَّـهِ لِيَقْضِـيَ بِـكَ

آمده‌ام تو را شفیع خود قرار دهم ای مولای من و تقرّب بجویم به خدا تا به سبب تو حوائج

حَوٰائِجِـي، فَاشْـفَعْ لي يـا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّـهِ، فَإِنِّي عَبْدُاللَّـهِ وَمَوْلاٰكَ

مرا برآورده نماید، پس شفاعت کن برای من نزد خدا ای امیرالمؤمنین، که من بنده خدا غلام تو

وَزٰائِـرُكَ، وَلَـكَ عِنْـدَ اللَّـهِ الْمَقـٰامُ الْمَحْمُـودُ، وَالْجـٰاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّـأْنُ

و زائر تو هستم و برای توست نزد خدا مقام محمود و آبروی عظیم و شأن

الْكَبِيـرُ، وَالشَّـفٰاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

والا و شفاعت پذیرفته شده.

أَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَصَـلِّ عَلـىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ

خداوندا درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و درود فرست بر امیرالمؤمنین

عَبْـدِكَ الْمُرْتَضـىٰ، وَأَمِينِـكَ الْاَوْفـىٰ، وَعُرْوَتِـكَ الْوُثْقـى، وَيَـدِكَ الْعُلْيٰا،

بندهٔ پسندیده و امین وفادارت و دست آویز محکم و دست توانایت

وَ جَنْبِـكَ الْاَعْلـى، وَ كَلِمَتِـكَ الْحُسْـنى، وَ حُجَّتِـكَ عَلَـى الْـوَرىٰ، وَ

و جنب بلند مرتبه‌ات و نشانه نیکویت و حجتت بر ما سوایت،

صِدِّيقِـكَ الْاَكْبَـرِ، وَسَـيِّدِ الْاَوْصِيٰاءِ، وَرُكْـنِ الْاَوْلِيٰاءِ، وَعِمـٰادِ الْاَصْفِيٰاءِ،

صدیق اکبر، سرور اوصیاء، رکن اولیاء و تکیه گاه برگزیدگان،

أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقُدْوَةِ الصّالِحِينَ، وَإِمامِ الْمُخْلِصِينَ،

فرمانروای مؤمنان، سیّد و سالار و رئیس دین، اسوهٔ صالحان، پیشوای مخلصان،

وَالْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ، الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ، اَلْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَيْبِ،

معصوم از هر گونه تباهی و فساد، پاک و پیرایسته از هر گونه لغزش، عاری از هر گونه

اَلْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ، أَخي نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، اَلْبائِتِ عَلىٰ فِراشِهِ،

عیب، منزّه از هر گونه ریب، برادر پیامبرت و وصی رسولت، آنکه در بستر او آرمید

وَالْمُواسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، اَلَّذي جَعَلْتَهُ

و با بذل جان با او مواسات نمود و برطرف کننده غم و اندوه از چهرهٔ مبارک او بود، کسی که او را

سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَ آيَةً لِرِسالَتِهِ، وَ شاهِداً عَلىٰ أُمَّتِهِ، وَ دِلالَةً لِحُجَّتِهِ،

شمشیر برای نبوتش قرار دادی و آیتی برای رسالتش و شاهدی بر امّتش و دلالتی برای حجّتش و حامل

وَ حامِلاً لِرايَتِهِ، وَ وِقايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَ هادِياً لِأُمَّتِهِ، وَ يَداً لِبَأْسِهِ، وَ

رایتش و سپری برای حفظ جانش و هدایت کننده‌ای برای امّتش و دست قدرتی برای سختی‌هایش و تاجی

تاجاً لِرَأْسِهِ، وَبابـاً لِسِرِّهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّىٰ هَزَمَ جُيُوشَ الشِّرْكِ

برای سر مبارکش و دری برای اسرارش و کلیدی برای پیروزی‌اش تا لشکر شرک را به اذن تو در هم

بِإِذْنِكَ، وَأَبادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ في مَرْضاةِ رَسُولِكَ،

شکند و جبهه‌های کفر را به امر تو نابود گرداند و در راه رضا و خشنودی رسولت بذل جان نمود و

وَجَعَلَها وَقْفاً عَلىٰ طاعَتِهِ، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلاةً دائِمَةً باقِيَةً.

آن را وقف بر اطاعت او گردانید، پس بر او درود فرست خداوندا درودی پیوسته و همیشگی.

سپس بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ، وَالشِّهابَ الثّاقِبَ، وَالنُّورَ

سلام بر تو ای ولی خدا، و ای شهاب فروزان و ای

الْعاقِبَ، يا سَلِيلَ الْاَطائِبِ، يا سِرَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللَّهِ تَعالىٰ ذُنُوباً

نور جانشین پیامبر، ای سلاله پاکان، ای سرّ خداوند، همانا بین من و خداوند

قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْري، وَلاٰ يَأْتي عَلَيْهِ إِلّا رِضاٰهُ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ

گناهانی است که پشت مرا سنگین کرده که جز رضای او آن را محو نمی‌کند، پس به حقّ کسی که شما را

سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاٰكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، كُنْ إِلَى اللّٰهِ لي شَفِيعاً، وَمِنَ النّارِ مُجِيراً،

به سرّ خود امین گردانیده و رعایت امر خلقش را از شما خواسته، نزد خدا برای من شفیع باش و از آتش

وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهِيراً، فَإِنِّي عَبْدُ اللّٰهِ وَوَلِيُّكَ وَزاٰئِرُكَ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ.

پناه دهنده و بر روزگار پشتیبان، همانا من بندهٔ خدا، ارادتمند شما و زائرت هستم، و درود خدا بر تو باد.

و سپس شش رکعت نماز زیارت بخوان و به آنچه دوست داری دعا کن.

سپس بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلاٰمُ اللّٰهِ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام خدا بر تو باد از طرف من پیوسته تا مادامی

أَبَداً ما بَقِيتُ، وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهاٰرُ.

که باقی هستم و شب و روز باقی است.

آن گاه اشاره کن به طرف امام حسین 7 و بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبَا

سلام بر تو ای ابا

عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ،

عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

أَتَيْتُكُما زاٰئِراً، وَمُتَوَسِّلاً إِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكُما، وَمُتَوَجِّهاً إِلَيْهِ بِكُما،

من آمده‌ام زائر شما و متوسل به خداوند پروردگارم و پروردگار شما هستم، و به سوی او به وسیله

وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما إِلَى اللّٰهِ في حاٰجَتي هٰذِهِ، فَاشْفَعاٰ لي، فَإِنَّ لَكُماٰ

شما روی آورده و شما را شفیع خود قرار داده‌ام در حاجتم، پس برای من شفاعت کنید که برای شما دو

عِنْدَ اللّٰهِ الْمَقاٰمَ الْمَحْمُودَ، وَالْجاٰهَ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ.

عزیز نزد خداوند مقامی است ستوده و آبرویی است عظیم و جایگاهی است رفیع و شما وسیله هستید.



إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمٰا، مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاٰجَةِ وَقَضاٰئِهاٰ، وَنَجاٰحِهاٰ مِنَ

من از حضور شما باز می‌گردم درحالی که انتظار دارم تحقق حاجتم را و برآورده شدن و

اللَّهِ بِشَفاٰعَتِكُمٰا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذٰلِكَ، فَلاٰ أَخِيبُ وَلاٰيَكُونُ مُنْقَلَبِي

قبولی آن را از خداوند به شفاعت شما برای من در درگاه او، پس نا امید نباشم و بازگشتم از

عَنْكُمٰا مُنْقَلَباً خاٰسِراً، بَلْ يَكُونَ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً راٰجِحاً مُفْلِحاً، مُنْجِحاً

محضر شما بازگشت زیانکاران نباشد بلکه بازگشتم بازگشت موفقیت آمیز و رستگار و پیروز و

مُسْتَجاٰباً لِي بِقَضاٰءِ جَمِيعِ الْحَوٰائِجِ، فَاشْفَعاٰ لِي.

اجابت شده به برآمدن همه حوائجم باشد، پس برای من شفاعت کنید.

أَنْقَلِبُ عَلىٰ ماٰ شاٰءَ اللَّهُ، لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ، مُفَوِّضاً أَمْرِي

باز می‌گردم به آن گونه‌ای که خدا می‌خواهد، هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند نیست، امر

إِلَى اللَّهِ، مُلْجِئاً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلاً عَلَى اللَّهِ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ

خود را به خدا واگذار کننده‌ام، تکیه به خدا می‌نمایم و توکّل بر خدا می‌کنم و می‌گویم: خدا مرا بس است

اللَّهُ وَكَفىٰ، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعاٰ، لَيْسَ وَرٰاءَ اللَّهِ وَوَرٰاءَكُمْ يٰا سٰاداٰتِي

و کفایت می‌کند، خدا بشنود دعای هر دعا کننده را، جز درگاه خدا و شما ای سروران من برای من مقصدی

مُنْتَهىً، ماٰ شاٰءَ اللَّهُ رَبِّي كاٰنَ، وَماٰ لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ.

نیست، آنچه خداوند پروردگارم بخواهد خواهد شد و آنچه نخواهد، نمی‌شود.

يٰا سَيِّدِي يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلاٰيَ، وَأَنْتَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ، سَلاٰمِي

ای سرور من و مولای من، ای امیر مؤمنان و تو ای ابا عبد الله، سلام من بر شما به طور پیوسته

عَلَيْكُمٰا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهاٰرُ، وٰاصِلٌ إِلَيْكُمٰا غَيْرُ مَحْجُوبٍ

مادامی که شب و روز پیوسته‌اند به یکدیگر، برسد به شما و پوشیده نماند از شما سلام من ان شاء الله،

عَنْكُمٰا سَلاٰمِي إِنْ شاٰءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمٰا أَنْ يَشاٰءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ،

و از خدا درخواست می‌کنم به حقّ شما که بخواهد این رسیدن سلام مراو انجام دهد، همانا او ستوده

فَإِنَّـهُ حَمِيـدٌ مَجِيدٌ.

و صاحب مجد و شکوه است.

أَنْقَلِـبُ يـا سَـيِّدَيَّ عَنْكُمـا تائِبـاً حامِـداً لِلَّـهِ شـاكِراً راضِياً، مُسْـتَيْقِناً

بازمی گردم ای سروران من از محضر شما توبه کنان در حالی که حمد و سپاس خدا مینمایم شاکرم و

لِلْاِجابَـةِ، غَيْـرَ آيِـسٍ وَلا قانِطٍ، عائِـداً راجِعاً إِلـىٰ زِيارَتِكُمـا، غَيْرَ راغِبٍ

خشنود و یقین به اجابت دارم و هرگز مأیوس و نا امید نیستم و قصد بازگشت و مراجعت مجدّد به زیارت شما

عَنْكُمـا، بَـلْ راجِـعٌ إِنْ شـاءَ اللَّـهُ تَعالـىٰ إِلَيْكُمـا، يـا سـاداتِي رَغِبْـتُ

را دارم و روی گردان از شما نیستم بلکه باز می‌گردم به سوی شما ان شاء الله، ای سروران من چه قدر مشتاق

إِلَيْكُمـا بَعْـدَ أَنْ زَهِـدَ فِيكُمـا وَفـي زِيارَتِكُمـا أَهْـلُ الدُّنْيـا، فَلايُخَيِّبْنِـيَ

دیدار شما هستم بعد از آنکه اهل دنیا نسبت به شما و زیارت شما از خود بی‌میلی نشان می‌دهند، خدا مرا در

اللَّـهُ فِيمـا رَجَـوْتُ وَمـا أَمَّلْـتُ فـي زِيارَتِكُمـا، إِنَّـهُ قَرِيـبٌ مُجِيـبٌ.

آنچه امید و آرزو دارم از زیارت شما نا امید و محروم نگرداند که او نزدیک و اجابت کننده دعا است

سپس رو به قبله کن و بگو: يـا أَللَّـهُ يـا أَللَّـهُ، يـا مُجِيـبَ دَعْـوَةِ

ای خدا، ای خدا، ای اجابت

الْمُضْطَرِّيـنَ، وَيـا كاشِـفَ كُـرَبِ الْمَكْرُوبِينَ، وَيـا غِياثَ الْمُسْـتَغِيثِينَ،

کنندهٔ دعای بیچارگان و ای برطرف کننده اندوه گرفتاران، ای دادرس دادخواهان

وَيـا صَرِيـخَ الْمُسْـتَصْرِخِينَ، وَيـا مَـنْ هُـوَ أَقْـرَبُ إِلَـيَّ مِـنْ حَبْـلِ

و ای فریادرس فغان کنندگان، و ای آنکه از رگ گردن به من نزدیک‌تر است، و

الْوَرِيـدِ، يـا مَـنْ يَحُولُ بَيْـنَ الْمَـرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيـا مَنْ هُـوَ بِالْمَنْظَـرِ الْاَعْلى

ای آن که بین شخص و قلب او حائل میشود، و ای آنکه او در دیدگاه بلند و در افق

وَبِالْاُفُـقِ الْمُبِيـنِ، وَيـا مَنْ هُـوَ الرَّحْمَـنُ الرَّحِيـمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْـتَوى،

و کرانه آشکار است و ای آنکه او بخشنده و مهربان است، بر عرش استیلا دارد،

وَيـا مَنْ يَعْلَـمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمـا تُخْفِى الصُّدُورُ، وَيا مَـنْ لا يَخْفىٰ عَلَيْهِ

ای آنکه می‌داند خیانت چشم‌ها را و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌کند، و ای آنکه هیچ پوشیده‌ای بر او

خافِيَـةٌ. يـا مَـنْ لا تَشْـتَبِهُ عَلَيْـهِ الْاَصْواتُ، يـا مَـنْ لا تُغَلِّطُـهُ الْحاجاتُ،

پوشیده و پنهان نیست. ای آنکه صداها بر او مشتبه نمی‌شود، ای آنکه حاجت‌ها (ی مختلف بندگان) او

يـا مَـنْ لا يُبْرِمُـهُ إِلْحـاحُ الْمُلِحّيـنَ، يـا مُـدْرِكَ كُلِّ فَـوْتٍ، يـا جامِـعَ كُلِّ

را به غلط نمی‌اندازد، و اصرار و التماس اصرار کنندگان او را به تنگ نیاورد، ای دریابنده هر فوت شده،

شَـمْلٍ، يـا بـارِئَ النُّفُـوسِ بَعْـدَ الْمَـوْتِ، يا مَـنْ هُـوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَـأْنٍ،

ای گردآورنده هر پراکنده، ای پدیدآورندهٔ جان‌ها پس از مرگ، ای آنکه او هر روز در کاری است،

يـا قاضِيَ الْحاجـاتِ، يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ، يـا مُعْطِيَ السُّـؤُلاتِ، يا وَلِيَّ

ای برآورنده حاجات، ای برطرف کننده اندوه‌ها، ای عطا کننده درخواست‌ها، ای صاحب

الرَّغَبـاتِ، يـا كافِـيَ الْمُهِمّـاتِ، يا مَـنْ يَكْفي مِـنْ كُلِّ شَـيْءٍ، وَلا يَكْفي

خواهش‌ها و آرزوها، ای کفایت کننده مهمات، ای آنکه از هر چیز کفایت می‌کنی وچیزی در

مِنْـهُ شَـيْءٌ فِـي السَّـماواتِ وَالْاَرْضِ، أَسْـأَلُكَ بِحَـقِّ مُحَمَّـدٍ وَعَلِـيٍّ

آسمان‌ها و زمین از او کفایت نمی‌کند. از تو می‌خواهم به حقّ حضرت محمّد 9 و حضرت

أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ، وَبِحَـقِّ فاطِمَـةَ بِنْـتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ،

علی امیرمؤمنان و به حقّ حضرت فاطمه دختر پیامبر و به حق امام حسن و امام حسین : ،

فَإِنّـي بِهِـمْ أَتَوَجَّـهُ إِلَيْكَ فـي مَقامي هٰـذا، وَبِهِـمْ أَتَوَسَّـلُ، وَبِهِمْ أَتَشَـفَّعُ

من در این جایگاه به وسیله آنان به تو روی می‌آورم و به وسیله آنان توسل می‌جویم و آنان را

إِلَيْـكَ، وَبِحَقِّهِـمْ أَسْـئَلُكَ وَأُقْسِـمُ وَأَعْـزِمُ عَلَيْـكَ، وَبِالشَّـأْنِ الَّـذي لَهُمْ

نزد تو شفیع قرارا می‌دهم، و به حق آنان از تو درخواست می‌کنم، و به شأن و مرتبه‌ای که برای آنان

عِنْـدَكَ، وَبِالَّـذي فَضَّلْتَهُـمْ عَلَـى الْعالَمِيـنَ، وَبِاسْـمِكَ الَّـذي جَعَلْتَـهُ

نزد تو است و به آنچه برتری بخشیده آنان را بر عالمیان و اختصاص دادی آنان را بدان

عِنْدَهُـمْ، وَبِـهِ خَصَصْتَهُـمْ دُونَ الْعالَمِينَ، وَبِهِ أَبَنْـتَهُمْ، وَأَبَنْـتَ فَضْلَهُمْ

نه غیر آنان را از جهانیان، و بدان جدا ساختی ایشان را و جدا ساختی فضل ایشان را

مِـنْ كُلِّ فَضْـلٍ، حَتّـىٰ فـاقَ فَضْلُهُـمْ فَضْـلَ الْعالَمِيـنَ جَمِيعاً.

از فضل جهانیان و برتری یافت فضل ایشان بر فضل همه عالمیان،

وَأَسْـئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِـفَ عَنِّي غَمِّي

از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و غم و اندوه و گرفتاری را از من

وَهَمِّـي وَكَرْبِـي، وَأَنْ تَكْفِيَنِـي الْمُهِـمَّ مِـنْ اُمُـورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّـي دَيْنِي،

برطرف سازی و آنچه مهم است از امور من کفایت کنی و دَین مرا ادا نمایی و پناه دهی مرا

وَتُجِيرَنِـي مِـنَ الْفَقْـرِ وَالْفاقَـةِ، وَتُغْنِيَنِي عَـنِ الْمَسْـأَلَةِ إِلَـى الْمَخْلُوقِينَ،

از فقر، و پناه دهی مرا از تنگدستی و بی‌نیاز سازی مرا از درخواست کردن از مخلوق، و کفایت کنی

وَتَكْفِيَنِـي هَـمَّ مَـنْ أَخـافُ هَمَّـهُ، وَعُسْـرَ مَـنْ أَخـافُ عُسْـرَهُ، وَحُزُونَـةَ

مرا از اندوه کسی که بیم دارم از اندوهش و از سختی کسی که بیم دارم از سختی آن و از غصّه کسی

مَـنْ أَخـافُ حُزُونَتَـهُ، وَشَـرَّ مَنْ أَخـافُ شَـرَّهُ، وَمَكْرَ مَـنْ أَخـافُ مَكْرَهُ،

که بیم دارم از غصه‌اش و شرّ کسی که بیم دارم از شرّش و از نیرنگ کسی که بیم دارم از نیرنگ او،

وَبَغْـيَ مَـنْ أَخافُ بَغْيَـهُ، وَجَوْرَ مَـنْ أَخافُ جَوْرَهُ، وَسُـلْطانَ مَـنْ أَخافُ

و از ستم کسی که بیم دارم از ستم او و بیداد کسی که بیم دارم از بیداد

سُـلْطانَهُ، وَكَيْـدَ مَـنْ أَخافُ كَيْـدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّـي كَيْدَهُ وَمَكْـرَهُ، وَمَقْدُرَةَ

او، و از سلطه کسی که بیم دارم از سلطه او و از فریب او، واز قدرت

مَـنْ أَخـافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَـيَّ، وَتَرُدَّ عَنِّـي كَيْدَ الْكَيَـدَةِ، وَمَكْـرَ الْمَكَرَةِ.

کسی که بیم دارم از قدرتش بر من، و بازگردانی از من فریب فریبکاران و نیرنگ و حیله مکّاران را.

أَللّٰهُـمَّ مَـنْ أَرادَنِـي بِسُـوءٍ فَـأَرِدْهُ، وَمَـنْ كادَنِـي فَكِـدْهُ، وَاصْـرِفْ

خداوندا هر کس اراده بدی نسبت به من دارد به خودش برگردان و هر کس مکر و حیله‌ای نسبت به من دارد به خودش

عَنِّي كَيْدَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمانِيَّهُ، وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنّىٰ شِئْتَ.

بگردان، و دور گردان از من فریب و نیرنگ و بدی و آرزوهای او را، و باز بدار از من هر گونه بخواهی و هر زمان که بخواهی،

أَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ، وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ، وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها،

خداوندا او را از من مشغول بدار به فقری که آن را جبران نکنی و به بلایی که آن را نپوشانی، و به تهیدستی‌ای که

وَبِسُقْمٍ لا تُعافِيهِ، وَبِذُلٍّ لا تُعِزُّهُ، وَمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها. أَللّٰهُمَّ اجْعَلِ

آن را سدّ نکنی، و به بیماری و مرضی که آن را عافیت ندهی و به ذلّتی که آن را عزیز نگردانی، و به درماندگی که

الذُّلَّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ في مَنْزِلِهِ، وَالسُّقْمَ في

آن را جبران ننمایی. خداوندا خواری و ذلت را نصب العین او قرار بده و فقر را در منزل او وارد کن و بیماری را

بَدَنِهِ، حَتّىٰ تَشْغَلَهُ عَنّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ، وَأَنْسِهِ ذِكْرِي

در بدنش تا مشغول سازد او را به شغل مشغول کننده‌ای که فراغتی برایش نباشد و یاد مرا فراموش او

كَما أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَ

ساز همان طور که یاد خودت را فراموش او ساخته‌ای. و بگیر از من گوش او و دیده و زبان

قَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ في جَمِيعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ، وَلاتَشْفِهِ

و دست و پا و قلب او و جمیع جوارح او را، و وارد کن بر او در تمام آن‌ها بیماری را و شفایش نده

حَتّىٰ تَجْعَلَ لَهُ ذٰلِكَ شُغْلاً شاغِلاً عَنّي وَعَنْ ذِكْرِي.

تا قرار دهی آن را برای او مشغله‌ای که او را از من و یاد من مشغول سازد،

وَاكْفِنِي يا كافِيَ ما لا يَكْفِي سِواكَ، يا مُفَرِّجَ مَنْ لا مُفَرِّجَ لَهُ

و مرا کفایت کن ای کفایت کننده آنچه غیر تو کفایت نمی‌کند ای برطرف کننده اندوه کسی که غیر تو

سِواكَ، وَمُغِيثَ مَنْ لا مُغِيثَ لَهُ سِواكَ، وَجارَ مَنْ لا جارَ لَهُ

برطرف کننده اندوه ندارد. و ای فریاد رس کسی که برایش غیر تو فریادرسی نیست، و ای پناه کسی که پناهی

سِواكَ، وَمَلْجَأَ مَنْ لا مَلْجَأَ لَهُ غَيْرُكَ. أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجائِي، وَمَفْزَعِي

برای او غیر تو نیست، و ای پناهگاه کسی که پناهگاهی برایش غیر تو نیست. تو مایه اطمینان و امید من هستی

وَمَهْرَبِي، وَمَلْجَئِي وَمَنْجاٰيَ، فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ، وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ،

و درگاه تو محلّ پناه بردن و گریزگاه من و پناهگاه و محلّ نجات من است، به وسیله تو فتح و پیروزی می‌طلبم

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ.

و به واسطه محمّد و آل محمّد به تو روی می‌آورم و توسّل می‌جویم و شفاعت می‌طلبم.

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الْمِنَّةُ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ

ای خدا، ای خدا، ای خدا، حمد و سپاس سزاوار تو و منّت برای تو است، و شکایت به درگاه تو و تو

وَأَنْتَ الْمُسْتَعاٰنُ، فَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

یاری دهنده‌ای، از تو درخواست می‌کنم به حقّ محمّد و آل محمّد که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي في مَقاٰمِي

برطرف کنی از من غم و اندوه و گرفتاری‌ام را در این مقام و جایگاهی که هستم همان طور که بر طرف

هٰذا، كَماٰ كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ غَمَّهُ وَهَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

کردی از پیامبرت اندوه و غم و غصه‌اش را و او را از ترس دشمنش کفایت فرمودی، پس از من برطرف کن

فَاكْشِفْ عَنِّي كَماٰ كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَماٰ فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي

همان طور که از او برطرف کردی و فرج و گشایش برایم فراهم کن همان طور که برای آن حضرت فراهم

كَماٰ كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ ماٰ أَخاٰفُ هَوْلَهُ، وَمَئُونَةَ مَنْ أَخاٰفُ

نمودی، و مرا کفایت کن همان طور که او را کفایت نمودی، و بگردان از من ترس آنچه می‌ترسم از آن و

مَئُونَتَهُ، وَهَمَّ مَنْ أَخاٰفُ هَمَّهُ، بِلاٰ مَئُونَةٍ عَلىٰ نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ،

زحمت و رنج آنچه می‌ترسم از زحمت و رنج آن و اندوه آنچه از اندوهش می‌ترسم بدون رنج و زحمتی که از

وَاصْرِفْنِي بِقَضاٰءِ حاٰجَتِي، وَكِفاٰيَةِ ماٰ أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْياٰيَ

ناحیه آن‌ها به من برسد، و مرا با برآورده شدن حاجتم و کفایت آنچه اندوهش مرا اندوهگین ساخته از امور

وَآخِرَتِي، يا أَرْحَمَ الرّاٰحِمِينَ.

دنیا و آخرتم بازگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس متوجّه امیرالمؤمنین 7 می‌شوی و عرض می‌کنی: **اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ**

سلام بر تو

یاٰ أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ، وَالسَّلاٰمُ عَلیٰ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ، مٰا بَقِیتُ

ای امیرمؤمنان و سلام بر حضرت اباعبد الله الحسین تا مادامی که من باقی هستم

وَبَقِيَ اللَّیْلُ وَالنَّهٰارُ، لاٰ جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِیٰارَتِكُمٰا،

و شب و روز باقی است، خداوند این زیارت را آخرین زیارت من قرار ندهد

وَلاٰ فَرَّقَ اللّٰهُ بَیْنِي وَبَیْنَكُمٰا.

و میان من و شما جدایی نیفکند.

آنگاه بازگرد.[1]

۱۱۵

(۲۲) زیارت امام حسین در حرم امیرالمؤمنین علیهما السلام

سید بن طاووس 1 در مصباح الزائر ـ بعد از زیارت امیرالمؤمنین 7 ـ می‌گوید:

سپس ضریح را ببوس و رو به قبر مبارک امام حسین 7 کن و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یاٰ أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای اباعبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یَابْنَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یَابْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ،

سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای پسر حضرت فاطمه زهرا،

سَیِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِینَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یٰا اَبَا الْاَئِمَّةِ الْهٰادِینَ الْمَهْدِیِّینَ،

سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای پدر امامان هدایتگر هدایت شده،

۱. المزار الکبیر : ۲۱۴، بحار الأنوار : ۳۰۵/۱۰۰، هدیة الزائرین وبهجة الناظرین : ۲۰۸ ، عمدة الزائر في الأدعیة والزیارات : ۶۶ با مقداری اضافات.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا صَرِيعَ الدَّمْعَةِ السّاكِبَةِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا صاحِبَ

سلام بر تو ای کشته اشک ریزان، سلام بر تو ای صاحب

الْمُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

مصیبت پیوسته و دائم، سلام بر تو و بر جدّ بزرگوار و پدر عزیزت، سلام بر تو

وَعَلىٰ أُمِّكَ وَأَخِيكَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَبَنِيكَ.

و بر مادر و برادرت، سلام بر تو وبر ائمهٔ از ذریهٔ تو.

أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللّٰهُ بِكَ التُّرابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْكِتابَ، وَجَعَلَكَ

شهادت می‌دهم که خدا به وسیله تو خاک را پاک گردانید و کتاب را واضح ساخت، و تو

وَأَباكَ وَجَدَّكَ وَأَخاكَ وَبَنِيكَ عِبْرَةً لِاُولِي الْاَلْبابِ، يَابْنَ الْمَيامِينِ

و پدر و جدّ و برادر و فرزندانت را برای صاحبان عقل و خرد مایه عبرت قرار داد، ای فرزند آنانکه

الْاَطْيابِ، اَلتّالِينَ الْكِتابَ، وَجَّهْتُ سَلامِي إِلَيْكَ، صَلَواتُ اللّٰهِ

پربرکت و پاک و خوانندگان کتاب بوده‌اند، سلامم را متوجه به ساحت مقدست نمودم، درود

وَسَلامُهُ عَلَيْكَ، وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ، ما خابَ مَنْ

و سلام خدا بر تو، و دل‌های مردم را مایل و مشتاق به سوی تو قرار داد، هرگز محروم نگردد.

تَمَسَّكَ بِكَ، وَلَجَأَ إِلَيْكَ.[1]

کسی که به تو تمسک کند و به تو پناه آورد

۱۱۶

(۲۳) زیارت آن حضرت علیه‌السلام در هر روز و در هر ماه در نجف و کربلا

در مزار کبیر چنین آمده است: زیارت دیگری برای امام حسین 7 که مختصر است و با آن در هر روز و در هر ماه آن حضرت زیارت می‌شود، و با آن نزد قائم الغری یعنی مسجد حنانه زیارت می‌شود.

۱. مصباح الزائر: ۱۲۵.

در خبر آمده است که سرِ مبارک امام حسین 7 در آنجا است و امام صادق حضرت جعفر بن محمّد 8 آن حضرت را در آنجا با این زیارت، زیارت کرده و چهار رکعت نماز نزد آن خوانده است.

بعد از آنکه غسل کردی و پاک‌ترین لباس خود را پوشیدی وارد زیارتگاه آن حضرت که درود خدا بر او باد، می‌شوی وقتی در کنار قبر ایستادی آن را مقابل صورت خویش و قبله را بین دو کتف خود قرار می‌دهی و می گویی:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ، سَيِّدَةِ نِساٰءِ الْعاٰلَمِينَ، اَلسَّلاٰمُ

سلام بر تو ای پسر حضرت صدیقه طاهره، سرور بانوان عالم، سلام

عَلَيْكَ يا مَوْلاٰيَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

بر تو ای مولای من، ای ابا عبد الله و رحمت خدا و برکات او.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلاٰةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاٰةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی و از بدی‌ها و

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتاٰبَ حَقَّ تِلاٰوَتِهِ، وَجاٰهَدْتَ فِي اللَّهِ

زشتی‌ها نهی کردی و کتاب را آنگونه که شایسته است تلاوت نمودی و در راه خدا آن گونه که سزاوار

حَقَّ جِهاٰدِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ في جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّىٰ أَتاٰكَ الْيَقِينُ.

است جهاد فرمودی، و بر اذیت‌ها در کنار آن به امید اجر و ثواب صبر نمودی تا دار فانی را وداع گفتی.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خاٰلَفُوكَ وَحاٰرَبُوكَ، وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ

وشهادت می‌دهم آنان که با تو مخالفت نمودند و جنگ کردند و کسانی که تو را رها کردند و یاری ننمودند و کسانی که

قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسٰانِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ، وَقَدْ خاٰبَ مَنِ افْتَرىٰ، لَعَنَ اللَّهُ

تو را کشتند به زبان پیامبر امّی ملعون هستند و هر که افترا (بر خدا و رسول) بندد (به دروغ چیزی را به آن‌ها نسبت دهد)

الظّالِمِيـنَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، وَضٰاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذٰابَ الْاَلِيمَ.

زیانکار است، خدا لعنت کند ظلم کنندگان به شما را از اولین و آخرین و عذاب دردناک را بر آن دو چندان گرداند.

أَتَيْتُـكَ يـٰا مَـوْلٰايَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّٰـهِ، زٰائِـراً عٰارِفـاً بِحَقِّـكَ، مُوٰالِيـاً

ای مولای من، ای فرزند رسول خد، آمده‌ام به زیارتت در حالی که عارف به حق تو و دوست

لِاَوْلِيٰائِـكَ، مُعٰادِيـاً لِاَعْدٰائِـكَ، مُسْـتَبْصِراً بِالْهُـدَى الّـذِي أَنْـتَ عَلَيْـهِ،

دوستانت و دشمن دشمنانت هستم به هدایتی که شما بر آن هستید آگاهم و به گمراهی کسی که

عٰارِفـاً بِضَلاٰلَـةِ مَـنْ خٰالَفَـكَ، فَاشْـفَعْ لـي عِنْـدَ رَبِّـكَ.

با شما مخالفت کند آشنا هستم، پس برای من نزد پروردگارت شفاعت کن.

سپس خود را بر قبر بیفکن و صورت بر آن بگذار و آنگاه به قسمت بالای سر برو و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـٰا حُجَّـةَ اللّٰـهِ فـي أَرْضِـهِ وَسَـمٰائِهِ، صَلَّـى اللّٰـهُ

سلام بر تو ای حجّت خدا در زمین و آسمان او، درود خدا بر

عَلـىٰ رُوحِـكَ الطَّيِّبَـةِ، وَجَسَـدِكَ الطّاهِـرِ، وَعَلَيْـكَ السَّـلاٰمُ يـٰا مَـوْلاٰيَ

روح مطهر و جسم شریف و پاکت، و بر تو باد سلام ای مولای من

وَرَحْمَـةُ اللّٰـهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و رحمت خدا و برکات او.

سپس به پایین پای مبارک برو و حضرت علی بن الحسین 8 را زیارت کن و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـٰا مَـوْلاٰيَ وَابْـنَ مَـوْلاٰيَ، وَرَحْمَةُ اللّٰـهِ وَبَرَكٰاتُـهُ، لَعَنَ

سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، خدا لعنت کند کسی

اللّٰـهُ مَـنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَـنَ مَنْ قَتَلَـكَ، وَضٰاعَـفَ عَلَيْهِمُ الْعَـذٰابَ الْاَلِيمَ.

را که بر تو ستم نمود، و خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت و عذاب دردناک را بر او مضاعف گرداند.

سپس به آنچه خواهی دعا کن و از پایین پا به سوی قبله برو و شهدا را زیارت کن و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدٰاءُ

سلام بر شما ای صدّیقان، سلام بر شما ای شهدایی که پایداری نمودید، شهادت می‌دهم که

الصّابِرُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جٰاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْاَذىٰ

شما در راه خدا جهاد کردید و بر اذیت‌ها در راه رضای خدا صبر و شکیبایی نمودید، و برای خدا

فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِابْنِ رَسُولِهِ حَتّىٰ أَتٰاكُمُ الْيَقِينُ.

و رسول او و فرزند رسولش خیرخواهی کردید و نصیحت نمودید تا دار فانی را وداع نمودید.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيٰاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، جَزٰاكُمُ اللَّهُ عَنِ الْاِسْلٰامِ

گواهی می‌دهم که شما زنده هستید و نزد پروردگارتان روزی داده می‌شوید، خداوند به شما از طرف

وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزٰاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَجَمَعَ بَيْنَنٰا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ.

اسلام واهل اسلام بهترین پاداش نیکوکاران را مرحمت فرماید و میان ما و شما در جایگاه نعیم جمع نماید.

زیارت مولا حضرت عباس بن علی 8

سپس برو به طرف قبر مبارک قمر بنی هاشم حضرت عباس بن علی 8 ، و چون رسیدی در کنار آن بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ

سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای بندهٔ

الصّالِحُ، اَلْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جٰاهَدْتَ وَنَصَحْتَ

صالح، ای مطیع خدا و رسول او، شهادت می‌دهم که تو جهاد نمودی و نصیحت کردی

وَصَبَرْتَ حَتّىٰ أَتٰاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ الظّالِمِينَ لَكُمْ، مِنَ الْاَوَّلِينَ

و پایداری از خود نشان دادی تا دار فانی را وداع گفتی، خدا لعنت کند ظلم کنندگان به شما را از اولین

وَالْاٰخِرِينَ، وَأَلْحَقَهُمْ بِدَرْكِ الْجَحِيمِ.

و آخرین و آنان را به درک دوزخ ملحق نماید.

سپس نماز مستحبی در مسجد آن به مقداری که دوست داری بخوان و بازگرد.

و چون خواستی وداع کنی با سید و سرور ما حضرت اباعبد الله هنگام بازگشت در کنار قبر آن حضرت بایست همان طور که در ابتدا ایستادی و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، هٰذٰا أَوٰانُ انْصِرٰافي، غَيْرَ رٰاغِبٍ

سلام بر تو ای مولای من، اکنون هنگام بازگشت من فرارسیده‌است نه از باب اینکه بی‌میل باشم و

عَنْكَ، وَلاٰ مُسْتَبْدِلٍ بِكَ غَيْرَكَ، وَأَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلاٰمَ

مشتاق نباشم و بخواهم دیگری را با شما عوض کنم، شما را به خدا می‌سپارم و بر شما سلام می‌نمایم.

آمَنّٰا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِمٰا جِئْتَ بِهِ، وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنٰا

به خدا و رسول و به آنچه آورده است و بر آن راهنمایی نموده ایمان دارم، خداوندا ما را از شاهدان و

مَعَ الشّٰاهِدِينَ. أَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْ زِيٰارَتي هٰذِهِ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي بِزِيٰارَتِهِ،

گواهان بنویس. خداوندا این زیارتم را آخرین زیارت من قرار مده، و بازگشت به سوی او را برای همیشه

وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِ أَبَداً مٰا أَحْيَيْتَنِي، فَإِذٰا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي مَعَهُ،

تا مادامی که در قید حیات هستم روزی من گردان و چون جان مرا گرفتی مرا با آن حضرت محشور

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ في جَنّٰاتِ النَّعِيمِ.[1]

گردان و میان من و او در بهشت سرشار از نعمت‌ها جمع نما.

۱. المزار الکبیر : ص۵۱۷ ، بحار الانوار: ۱۰۱/۲۵۶ ح۴۰ ، مستدرک: ۱۰/۲۲۶ .

محلّ دفن سر مبارک آن حضرت 7

اختلاف کرده‌اند در زیارتگاه سر مبارک امام حسین 7 :

۱ ـ مشهورترین اقوال این است که آن را به همراه اسیران به مدینه برگرداندند و سپس به کربلا بازگردانده شد و به جسد شریف ملحق گردید.

۲ ـ در مدینه کنار قبر مادرش حضرت فاطمه 3 دفن شد.

۳ ـ در بقیع کنار قبر جدّه‌اش فاطمه بنت اسد دفن شد.

۴ ـ سر مبارک امام حسین 7 در خزانه یزید یافت شد، آن را کفن کرده و در دمشق کنار باب فرادیس دفن نمودند.

۵ ـ در دمشق در دار الاماره دفن شد.

۶ ـ در مسجد رقّه، هنگامی که سر مبارک امام 7 در مقابل یزید بن معاویه لعنه الله قرار گرفت گفت: آن را می‌فرستم به سوی آل ابی معیط و آن‌ها در رقه بودند، آن را فرستاد به سوی آنان و آن‌ها در بعضی از خانه‌هایشان دفن کردند، سپس آن خانه به مسجد جامع ملحق شد.

۷ ـ خلفای فاطمیین آن را از باب فرادیس به عسقلان نقل نمودند سپس به قاهره در مصر منتقل کردند و اکنون در آنجا است و برای آن حرم و زیارتگاهی است عظیم و زیارت می‌شود.

۸ ـ کلینی 1 از امام صادق 7 روایت کرده است که سر مبارک امام 7 در نجف امیرالمؤمنین 7 دفن شده است.

۹ ـ در پشت کوفه پایین قبر امیرالمؤمنین 7 دفن شده است.

۱۰ ـ در کوفه در مسجد حنّانه دفن شده است.

۱۱ ـ عمر بن عبد العزیز خزانه یزید را تفحّص نموده و سر مبارک امام 7 را در صندوقی یافته و آن را به مدینه بازگردانیده و در مسجد پیامبر 9 کنار قبر جدّش رسول خدا دفن شده است.

۱۲ ـ سر مبارک امام 7 به جسد مطهر، و جسد مطهر به سر مبارک امام 7 ملحق شده است. حضرت علی بن الحسین 8 با طی الارض بعد از سه روز رفته و سر مبارک را به همراه داشته است و آن را به جسد مطهر ملحق کرده و در آن جا دفن شده است.

علم الهدی گفته است: سر مبارک امام 7 به شهر کربلا از شام بازگردانده شده و به آن ضمیمه گشته است.

شیخ طوسی گفته است: هنگامی که اهل بیت امام حسین 7 به کربلا مراجعت کردند در زیارت اربعین سر مبارک را در آنجا دفن نمودند.

مؤلّف گوید: سر مبارک یا جسد مطهرش در هر کجا که باشد در قلوب و ضمائر و سینه و خاطر دوستانش منزل دارد، همان طور که امام عصر ما حضرت حجة بن العسکری 7 در زیارتش فرموده است:

«السَّلامُ عَلَيكَ يا مَنْ في قُلُوبِ مَنْ والاهُ قَبرهُ».[1]

سلام بر تو ای کسی که قبر او در دلهای موالیان و دوستانش می‌باشد.

۱۱۷

(۲۴) زیارت امام حسین در حرم حضرت رضا علیهما السلام

صاحب کتاب «کتاب في الأدعية والزيارات» می‌گوید:

اگر می‌خواهی امام حسین 7 را در این مکان شریف ـ یعنی حرم امام رضا 7 ـ زیارت کنی نیّت کن زیارت آن حضرت را و روی خود را به سوی قبر آن حضرت نما و بگو:

۱. جنّات ثمانية: ص۵۲۷.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا أَبـا عَبْدِاللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّـهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَـيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

بر تو ای پسر امیرالمؤمنین و ای پسر سید و سرور اوصیاء، سلام بر تو

يَابْـنَ فاٰطِمَةَ الزَّهْراٰءِ، سَـيِّدَةِ نِسـاٰءِ الْعاٰلَمِينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا أَبَا الْأَئِمَّةِ

ای پسر فاطمه زهرا سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای پدر امامان

الْهاٰدِيـنَ الْمَهْدِيِّيـنَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا صَرِيعَ الدَّمْعَةِ السّـاكِبَةِ، اَلسَّـلاٰمُ

هدایتگر و هدایت شده، سلام بر تو ای کشته اشک ریزان، سلام

عَلَيْـكَ يـا صاٰحِبَ الْمُصِيبَـةِ الرّاتِبَةِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَـدِّكَ وَأَبِيكَ،

بر تو ای صاحب مصیبت. سلام بر تو و بر جدّ و پدرت،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلـىٰ أُمِّـكَ وَأَخِيكَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلَـى الْأَئِمَّةِ مِنْ

سلام بر تو و بر مادر و برادرت، سلام بر تو و بر امامان

ذُرِّيَّتِـكَ وَبَنِيكَ.

از ذریّهٔ تو.

أَشْـهَدُ لَقَـدْ طَيَّـبَ اللّـهُ بِـكَ التُّـرٰابَ، وَ أَوْضَـحَ بِـكَ الْكِتـاٰبَ، وَ

شهادت می‌دهم که خداوند به سبب تو خاک را پاک و محترم گردانید و به سیله تو کتاب را واضح

أَجْـزَلَ لَـكَ الثَّـوٰابَ، وَأَعْظَمَ بِـكَ الْمُصـاٰبَ، وَ جَعَلَكَ وَ أَبـاٰكَ وَ جَدَّكَ

نمود، و ثواب و پاداش را برایت بسیار فرمود و به سبب تو مصیبت دیده را عظیم گردانید، و قرار داد تو را و

وَ أَخـاٰكَ و أُمِّـكَ وَ بَنِيـكَ عِبْـرَةً لِأُولـي الْأَلْبـاٰبِ.

پدر و جدّ و برادر و مادر و فرزندانت را عبرت برای صاحبان عقل و خرد.

يَابْـنَ الْمَيـاٰمِيـنِ الْأَطْيـاٰبِ، اَلتّالِيـنَ الْكِتـاٰبَ، وَجَّهْتُ سَـلامي إِلَيْكَ

ای پسر پاکان پربرکت، تلاوت کنندگان کتاب، سلام را به سوی شما متوجه

صَلَواتُ اللّهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ، وَجَعَلَ أفئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهوي إلَيْكَ،

ساختم ـ درود خدا و سلام او بر شما باد. ـ و قرار داد دل‌هایی از مردم را متمایل به شما،

ما خابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَأَ إلَيكَ، صَلَواتُ اللّهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ.

هر کسی به شما تمسک کرد و به سوی شما پناه آورد نا امید و محرم نگردید، درود خدا و سلام او بر شما.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سادَتي، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، يا لَيْتَني كُنْتُ

سلام بر شما ای سرور من و رحمت خدا و برکات او، کاش با شما بودم

مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.[1]

و به سعادت و رستگاری بزرگ نائل می‌شدم.





(۲۵) زیارت دیگری برای امام حسین علیه‌السلام در حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیهما‌السلام

صاحب کتاب «روضة الاذکار»[2] در زیارت حضرت رضا 7 می‌گوید:

بعد از آن می‌روی پشت سر مبارک و به سوی قبر امام حسین 7 توجه می‌کنی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ، وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر ارواح پاکی که به درگاه تو فرودآمدند و در جوارت رحل

۱. کتابٌ في الأدعية والزيارات (مخطوط) : ص۷۲ . در زیارت ۲۲، این زیارت را از سید نقل کردیم، با اختلاف زیادی که با هم دارند.

۲. کتاب روضة الأذکار اثر عالم جلیل القدر محمّد محمّد تبریزی است، و از کتاب‌هایی است که تا کنون مخطوط باقی مانده، و در بعضی از کتابخانه‌های نجف اشرف موجود است. گنج‌های گرانبهایی از علمای بزرگ شیعه وجود دارد که در بعضی کتابخانه‌های بزرگ دنیا نگهداری می‌شود و تا کنون چاپ نشده است، یکی از آن آثار ارزشمند کتاب روضة الأذکار است.

وَأَنٰاخَـتْ بِرَحْلِـكَ، عَلَيْـكَ مِنِّـي سَـلاٰمُ اللَّهِ أَبَـداً مٰا بَقِيـتُ وَبَقِـيَ اللَّيْلُ

اقامت افکندند، بر تو باد از طرف من سلام خدا همیشه تا مادامی که باقی هستم و شب و روز

وَالنَّهـاٰرُ، وَلاٰ جَعَلَـهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِكُمْ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَى الْحَسَـنِ

باقی است، و خداوند این زیارت را آخرین زیارت من قرار ندهد، سلام بر امام حسن

وَالْحُسَـيْنِ، وَعَلـىٰ عَلِـيِّ بْـنِ الْحُسَـيْنِ وَعَلـىٰ أَوْلاٰدِ الْحُسَـيْنِ وَعَلَـى

و امام حسین و بر علی بن الحسین و بر اولاد امام حسین و بر

أَصْحـاٰبِ الْحُسَـيْنِ، وَلَعْنَـةُ اللَّهِ عَلـىٰ قاٰتِلِ الْحُسَـيْنِ.

اصحاب امام حسین : و لعنت خدا بر قاتل امام حسین.

أَللّٰهُـمَّ الْعَـنْ أَوَّلَ ظاٰلِمٍ ظَلَـمَ حَقَّ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِـرَ تاٰبِعٍ لَهُ

خداوندا لعنت کن اولین ستمگری را که ظلم کرد در حقّ محمّد و آل محمّد: و آخرین کسی که از او پیروی

عَلَـى ذٰلِـكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَـنِ الْعِصاٰبَـةَ الَّتِي جاٰهَدَتِ الْحُسَـيْنَ، وَشـاٰيَعَتْ

کرد در ظلم کردن، خداوندا لعنت کن گروهی را که علیه امام حسین 7 تلاش کردند و بر کشتن آن حضرت

وَباٰيَعَـتْ وَتاٰبَعَتْ عَلـىٰ قَتْلِـهِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُـمْ جَمِيعاً.[1]

همکاری نمودند و هم پیمان شدند و پیروی کردند، خداوندا همهٔ آنان را لعنت نما.

۱۱۹

(۲۶) زیارت امام حسین علیه‌السلام در مسجد حنّانه

علّامهٔ مجلسی 1 از شیخ محمّد بن مشهدی نقل کرده است که روایت شده از مولای ما امام صادق 7 که زیارت کرد حضرت اباعبد الله الحسین 7 را در مسجد حنّانه و چهار رکعت نماز خواند و زیارت این است:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین،

۱. صحیفهٔ رضویه: ۵۲۰، به نقل از روضة الأذکار (المخطوط) : ۶۷ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ، سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای پسر حضرت صدیقه طاهره، سرور بانوان عالم، سلام

عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

بر تو ای مولای من، ای ابا عبد الله و رحمت خدا و برکات او.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكٰاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی و از بدی‌ها و

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتٰابَ حَقَّ تِلاٰوَتِهِ، وَجٰاهَدْتَ فِي

زشتی‌ها نهی کردی و کتاب را آنگونه که شایسته است تلاوت نمودی و در راه خدا آن گونه که سزاوار

اللّٰهِ حَقَّ جِهٰادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِباً، حَتّٰى أَتٰاكَ

است جهاد فرمودی، و بر اذیت‌ها در کنار آن به امید اجر و ثواب صبر نمودی تا دار فانی را وداع گفتی

الْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خٰالَفُوكَ وَحٰارَبُوكَ، وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ،

و شهادت می‌دهم آنان که با تو مخالفت نمودند و جنگ کردند و کسانی که تو را رها کردند و یاری ننمودند

وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسٰانِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ، وَقَدْ خٰابَ مَنِ

و کسانی که تو را کشتند به زبان پیامبر امّی ملعون هستند و هر که افترا (بر خدا و رسول) بندد (به دروغ

افْتَرىٰ، لَعَنَ اللّٰهُ الظّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، وَضٰاعَفَ

چیزی را به آن‌ها نسبت دهد) زیانکار است، خدا لعنت کند ظلم کنندگان به شما را از اولین و آخرین و عذاب

عَلَيْهِمُ الْعَذٰابَ الْاَلِيمَ.

دردناک را بر آن دو چندان گرداند.

أَتَيْتُكَ يٰا مَوْلٰايَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، زٰائِراً عٰارِفاً بِحَقِّكَ، مُوٰالِياً

ای مولای من، ای فرزند رسول خدا، آمده‌ام به زیارتت در حالی که عارف به حق تو و

لِاَوْلِيائِكَ، مُعٰادِياً لِاَعْدائِكَ، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدىٰ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ،

دوست دوستانت و دشمن دشمنانت هستم به هدایتی که شما بر آن هستید آگاهم و به گمراهی

عٰارِفـاً بِضَلاٰلَـةِ مَـنْ خاٰلَفَـكَ، فَاشْـفَعْ لـي عِنْـدَ رَبِّـكَ.

کسی که با شما مخالفت کند آشنا هستم، پس برای من نزد پروردگارت شفاعت کن.

محـدّث قمـی 1 گفتـه اسـت: ایـن زیـارت مناسـب اسـت کـه در حـرم امیرالمؤمنیـن 7 بـالای سـر مبـارک آن حضـرت خوانـده شـود.[1]

***



(۲۷) وداع با حضرت امام حسین علیه‌السلام



ابـن قولویـه 1 در کامـل الزیـارات از یوسـف کناسـی روایت کرده اسـت که گفت: امـام صـادق 7 فرمودند:

هرگاه خواستی با حضرت حسین بن علی 8 وداع کنی، بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَةُ اللّـهِ وَبَرَكاٰتُـهُ، أَسْـتَوْدِعُكَ اللّٰهَ، وَأَقْـرَأُ عَلَيْكَ

سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، تو را به خدا می‌سپارم و بر تو سلام

السَّـلاٰمَ، آمَنّـا بِاللّـهِ وَبِالرَّسُـولِ، وَبِمـاٰ جِئْـتَ بِـهِ، وَدَلَلْـتَ عَلَيْـهِ،

می‌گویم، به خدا و رسول ایمان آورده و به آنچه آورده و بر آن راهنمایی کرده

(وَاتَّبَعْنَـا الرَّسُـولَ فَاكْتُبْنـاٰ مَـعَ الشّـاهِدِينَ)[2]. أَللّٰهُـمَّ لاٰتَجْعَلْـهُ

«از رسول پیروی کردیم پس ما را با گواهان بنویس» خداوندا آن را آخرین دیدار ما و او قرار مده،

آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا وَمِنْهُ. أَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْـأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنـاٰ بِحُبِّهِ. أَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقاٰماً

خداوندا از تو درخواست می‌کنیم که ما را به محبت او نفعی ببخش، خداوندا او را به مقام محمود مبعوث

مَحْمُـوداً تَنْصُـرُ بِـهِ دِينَـكَ، وَتَقْتُـلُ بِهِ عَـدُوَّكَ، وَتُبِيرُ بِـهِ مَنْ نَصَـبَ حَرْباً

فرما و به سبب آن دین خود را یاری فرما و دشمنت را به قتل برسان و کسانی که برای آل محمّد : جنگی

۱. هدیة الزائرین وبهجة الناظرین: ص۲۸۷.
۲. سورهٔ آل عمران، آیه۵۳.

لِالِ مُحَمَّـدٍ، فَإِنَّـكَ وَعَدْتَـهُ ذٰلِـكَ، وَأَنْـتَ لاٰتُخْلِـفُ الْمِيعٰادَ.

برپا نمودند نابود گردان، که تو آن را وعده فرموده‌ای و تو هرگز خلاف وعده نمی‌کنی،

وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ شُـهَداٰءُ نُجَبـاٰءُ، جٰاهَدْتُـمْ فـي سَـبِيلِ اللَّـهِ، وَقُتِلْتُـمْ

شهادت می‌دهم که شما شهیدان با اصالت و نیک نژاد هستید، در راه خدا جهاد کردید و بر راه و

عَلـىٰ مِنْهـاٰجِ رَسُـولِ اللَّـهِ، صَلَّى اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ وَسَـلَّمَ تَسْـلِيماً، أَنْتُمُ

روش رسول خدا کشته شدید ـ درو د خدا و سلام فراوان بر او و خاندانش باد ـ شما پیشی گرفته

السّـابِقُونَ وَالْمُهاٰجِـرُونَ وَالْاَنْصـاٰرُ، أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ أَنْصـاٰرُ اللَّـهِ وَأَنْصاٰرُ

هجرت کننده و یاری کننده اید، شهادت می‌دهم که شما یاران خدا و یاران رسول خدا هستید.

رَسُـولِهِ، فَالْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّـذي صَدَقَكُمْ وَعْـدَهُ، وَأَرٰاكُمْ مٰا تُحِبُّـونَ، وَصَلَّى

پس حمد و سپاس خدای را که به وعده‌اش وفا نمود و نشان داد به شما آنچه را که دوست می‌دارید و

اللَّـهُ عَلَـى مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُـهُ.

درود خدا بر حضرت محمّد و خاندان حضرت محمّد و رحمت خدا و برکات او.

أَللّٰهُـمَّ لاٰتَشْـغَلْنِي فِـي الدُّنْيـاٰ عَـنْ ذِكْـرِ نِعْمَتِـكَ لاٰ بِإِكْثـاٰرٍ تُلْهِينَـي

خداوندا مرا در دنیا از یاد نعمتت مشغول مساز، نه به زیادتی نعمت که شگفتی‌های زیبایی آن‌ها مرا غافل

عَجاٰئِـبُ بَهْجَتِهـاٰ، وَتَفْتِنَنِـي زَهَـراٰتُ زِينَتِهـاٰ، وَلاٰ بِإِقْـلاٰلٍ يَضُـرُّ بِعَمَلِـي

نماید و درخشش زینت آن مرا فریفته سازد، ونه به کمی نعمت که رنج کمبود آن به عملم ضرر وارد کند و

كَـدُّهُ، وَيَمْـلَأُ صَـدْرِي هَمُّـهُ، أَعْطِنِـي مِـنْ ذٰلِـكَ غِنـىً عَـنْ شِـرٰارِ

اندوه آن سینه‌ام را پر کند، از نعمتت آن قدر مرحمت کن که مرا از شرار خلق بی‌نیاز سازد و آن قدر که

خَلْقِـكَ، وَبَلاٰغـاً أَنـاٰلُ بِـهِ رِضاٰكَ يـاٰ أَرْحَـمَ الرّاٰحِمِينَ،

کفاف باشد و به سبب آن بتوانم به خشنودی تو نائل شوم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ

و درود خدا بر رسول او حضرت محمّد بن عبد الله و بر اهل بیت پاک و خوب آن

الطَّيِّبِينَ الْأَخْيارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[1]

حضرت و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد.

۱۲۱

(۲۸) وداع با قبور شهداء علیهم‌السلام

ابن قولویه در کامل الزیارات گفته است: در وداع قبور شهداء : بگو:

أَللَّهُمَّ لاٰتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيّاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ،

خداوندا این زیارتم را آخرین زیارت نسبت به آنان قرار مده و مرا با آنها شریک گردان، و در

وَأَدْخِلْنِي فِي صالِحِ ما أَعْطَيْتَهُمْ، عَلىٰ نَصْرِهِمِ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

عطای شایسته‌ای که به آنها نموده‌ای در مقابل آنکه آنها یاری نموده‌اند پسر دختر پیامبرت و حجت

وَحُجَّتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَجِهادِهِمْ مَعَهُ فِي سَبِيلِكَ. أَللَّهُمَّ اجْمَعْنا

بر خلق را و جهاد نموده‌اند در راه تو به همراه آن حضرت، مرا نیز داخل آنها گردان، خداوندا

وَإِيّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ (وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً)[2]

ما و آنها را در بهشت با شهدا و صالحین جمع نما «که آنها رفیقان و همراهان نیکویی هستند».

أَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ. أَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ،

شما رابه خدا می‌سپارم و بر شما سلام می‌نمایم، خداوندا بازگشت به سوی آنان را روزی من گردان

وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[3]

و مرا با آنان محشور فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱ . کامل الزیارات : ص۴۳۵ ح۱ .
۲. سورهٔ نساء، آیه ۶۹ .
۳. کامل الزیارات : ص۴۴۳ ح۱ .

(۲۹) وداع دیگری برای شهداء علیهم‌السلام[۱]

سپس روی خود را برگردان به طرف قبور شهدا و با آنان وداع کن و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ. أَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او، خداوندا این زیارتم را آخرین زیارت نسبت به آنان قرار

زِيٰارَتِي إِيّاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صٰالِحِ مٰا أَعْطَيْتَهُمْ عَلىٰ نُصْرَتِهِمِ

مده و مرا با آنها در عطای شایسته‌ای که به آنها نموده‌ای، در مقابل آنکه آنها، پسر پیامبرت

ابْنَ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَجِهٰادِهِمْ مَعَهُ. أَللّٰهُمَّ اجْمَعْنٰا

و حجّتت بر خلقت را یاری، و به همراه آن حضرت جهاد نمودند، شریک گردان. خداوندا، ما

وَإِيّاهُمْ في جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدٰاءِ وَالصّٰالِحِينَ، (وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً)[۲]

و آنها را در بهشتت باش هدا و صالحان جمع نما «که آنها رفیقان و همراهان خوبی هستند».

أَسْتَوْدِعُكُمُ اللّٰهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلاٰمَ. أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ،

شما را به خدا می‌سپارم و بر شما سلام می‌نمایم، خداوندا بازگشت به سوی آنان را روزی من گردان،

وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

و مرا با آنان محشورفرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس خارج شو و روی خود از قبر مطهر بر مگردان تا از نظر تو پنهان گردد و نزدیک در بایست و رو به قبله کن و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ

خداوندا از تو می‌خواهم به حقّ محمّد و آل محمّد: و به حرمت محمّد

۱. در مصباح الزائر این گونه است: ذکر وداع حضرت علی بن الحسین 8 و شهدای آنجا رحمة الله علیهم.
۲. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَبِالشَّـأْنِ الَّـذِي جَعَلْـتَ لِمُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ

و آل محمّد: و به شأن و مقامی که قرار دادهای برای محمّد و آل محمّد: که درود

عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ تَتَقَبَّـلَ عَمَلي، وَتَشْـكُرَ سَـعْيِي، وَتُعَرِّفَنِي

فرستی بر محمّد و آل محمّد: و عملم را بپذیری و سعی و تلاشم را پاداش دهی

الْإِجابَـةَ فـي جَمِيـعِ دُعائِـي، وَلاٰتَجْعَلْـهُ آخِـرَ الْعَهْـدِ مِنِّـي بِـهِ، وَارْدُدْنِي

و اجابت را در تمام دعایم به من بشناسانی، و این زیارت را آخرین زیارتم قرار ندهی و به نیکی

إِلَيْـهِ بِبِـرٍّ وَتَقْـوىٰ، وَعَرِّفْنِـي بَرَكَةَ زِيارَتِـهِ فِي الدِّيـنِ وَالدُّنْيا، وَأَوْسِـعْ عَلَيَّ

و تقوا مرا به سوی آن حضرت بازگردانی و برکت زیارتش را در دین و دنیا به من بشناسانی، و

مِـنْ فَضْلِـكَ الْواسِـعِ الْفاضِـلِ الْمُفْضِـلِ الطَّيِّـبِ، وَارْزُقْنِي رِزْقاً واسِـعاً

بر من وسعت بخشی از فضل وسیع و گسترده و افزون و پاک خود، و روزی گردان مرا روزی گسترده

حَـلالاً، كَثِيـراً طاجِـلاً، صَبّـاً صَبّـاً، مِـنْ غَيْـرِ كَـدٍّ، وَلا مَـنٍّ مِـنْ أَحَـدٍ

حلال فراوان شتابان ریزن بدون رنج و تعب و بدون منّت از یکی از مخلوق، و قرارده

مِـنْ خَلْقِـكَ، وَاجْعَلْهُ واسِـعاً مِـنْ فَضْلِـكَ، وَكَثِيراً مِـنْ عَطِيَّتِـكَ، فَإِنَّكَ

آن را گسترده از فضل خودت و فراوان از عطا و بخشش خودت، که تو فرمودی:

قُلْـتَ: (وَاسْـئَلُوا اللَّـهَ مِـنْ فَضْلِـهِ)[1]، فَمِـنْ فَضْلِكَ أَسْـأَلُ، وَمِـنْ يَدِكَ

«از خدا بخواهید از فضل او» من از فضل تو میخواهم و از دست پُر تو درخواست مینمایم،

الْمَلِيئَـةِ أَسْـأَلُ، فَلاٰتَرُدَّنِـي خائِبـاً، فَإِنِّـي ضَعِيـفٌ فَضاعِفْ لـي، وَعافِنِي

پس مرا محروم بازمگردان، من ضعیف و ناتوانم عطایت را برایم دو چندان کن و تا پایان

إِلـىٰ مُنْتَهـى أَجَلِـي، وَاجْعَلْ لي فـي كُلِّ نِعْمَـةٍ أَنْعَمْتَهـا عَلىٰ عِبـادِكَ أَوْفَرَ

عمرم بر من عافیت ببخش، و برای من در هر نعمتی که بر بندگانت مرحمت کردهای بیشترین

النَّصِيـبِ. وَاجْعَلْنِـي خَيْـراً مِمّـا أَنـا عَلَيْـهِ، وَاجْعَـلْ ما أَصِيـرُ إِلَيْـهِ خَيْراً

نصیب را مرحمت فرما و مرا بهتر از آنچه اکنون هستم قرار بده، و آنچه را که به سوی آن میپیوندم بهتر از آنچه

۱. سورهٔ نساء، آیه۳۲.

مِمّـا يَنْقَطِعُ عَنِّـي، وَاجْعَلْ سَـرِيرَتِي خَيْراً مِـنْ عَلاٰنِيَتِي، وَأَعِذْنِـي مِنْ أَنْ

از من قطع می‌گردد قرار بده، و نهان و باطنم را بهتر از عیان و آشکارم قرار بده، و مرا پناه بده از اینکه مردم در

يَـرَى النّـاسُ فِيَّ خَيْـراً وَلاٰ خَيْرَ فِـيَّ، وَارْزُقْنِي مِـنَ التِّجاٰرَةِ أَوْسَـعَهاٰ رِزْقاً.

من خیری ببینند در حالی که درمن خیری نباشد، و روزی من گردان از تجارت آنچه رزق آن گسترده‌تر است.

وَأْتِنِـي يـاٰ سَـيِّدِي وَعِياٰلِـي بِـرِزْقٍ واٰسِـعٍ، تُغْنِينا بِهِ عَـنْ دُنـاٰةِ خَلْقِكَ،

ای سرور من، مرا و اهل و عیالم را روزی واسع مرحمت کن و بدان ما را از مردمان دون بی‌نیاز گردان و

وَلاٰتَجْعَـلْ لِاَحَـدٍ مِـنَ الْعِبـاٰدِ فِيـهِ مَنّـاً، وَاجْعَلْنِي مِمَّـنِ اسْـتَجاٰبَ لَكَ،

برای احدی از بندگان در آن منّتی قرار مده و مرا از کسانی قرار بده که دعوت تو را اجابت نمودند و به وعده

وَأَمِـنَ بِوَعْـدِكَ، وَاتَّبَـعَ أَمْـرَكَ، وَلاٰتَجْعَلْنِـي أَخْيَـبَ وَفْـدِكَ وَزُوّارِ ابْـنِ

تو ایمان آوردند و امر تو را متابعت نمودند، و مرا از محروم‌ترین میهمانان و زائران پسر پیامبرت قرار مده،

نَبِيِّـكَ، وَأَعِذْنِي مِـنَ الْفَقْرِ وَمَواٰقِفِ الْخِـزْيِ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِـرَةِ، وَأَقْلِبْنِي

و مرا پناه ده از فقر و رسوایی دنیا و آخرت، و مرا بازگردان رستگار و موفق درحالی که

مُفْلِحـاً مُنْجِحـاً مُسْـتَجاٰباً لـي، بِأَفْضَـلِ مـاٰ يَنْقَلِـبُ بِـهِ أَحَـدٌ مِـنْ زُوّارِ

دعاهایم را اجابت فرموده‌ای به بهترین وضعی که یکی از زوار اولیای خود را باز می‌گردانی،

أَوْلِياٰئِـكَ، وَلاٰ تَجْعَلْـهُ آخِـرَ الْعَهْـدِ مِنْ زِياٰرَتِهِـمْ، وَإِنْ لَمْ تَكُنِ اسْـتَجَبْتَ

و این زیارت را آخرین زیارت آنان قرار مده، و اگر آن را برایم به اجابت نرساندی

لـي، وَاغْفِـرْ لـي وَارْضَ عَنِّـي، قَبْلَ أَنْ تَنْـأى عَنِ ابْـنِ نَبِيِّـكَ داٰرِي. فَهٰذا

مرا بیامرز، و از من راضی شو پیش از آنکه خانه‌ام از پسر پیامبرت دور گردد، اکنون هنگام بازگشت

أَواٰنُ انْصِرافِـي إِنْ كُنْـتَ أَذِنْـتَ لـي، غَيْرَ راٰغِـبٍ عَنْكَ وَلاٰ عَـنْ أَوْلِيآئِكَ،

من فرارسیده اگر به من اجازه دهید در حالی که روی گردان از شما و دوستان شما نیستم و شما و ایشان

وَلاٰ مُسْـتَبْدِلٍ بِـكَ وَلاٰ بِهِـمْ.

را هرگز با دیگران عوض نخواهم کرد.

أَللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ

خداوندا مرا از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ حفظ

شِمالِي حَتّىٰ تُبَلِّغَنِي أَهْلِي، فَإِذا بَلَّغْتَنِي فَلا تَبَرَّأْ مِنِّي، وَأَلْبِسْنِي

کن تا مرا به خانواده‌ام برسانی، و چون رساندی از من تبری مجویی و بر من و آنان

وَإِيّاهُمْ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَامْنَعْنِي

زره محکم خود را بپوشان، و مرا از شر تمام مخلوقاتت کفایت کن، و بازبدار از

مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ بِسُوءٍ، فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذٰلِكَ وَالْقادِرُ

اینکه یکی از مخلوقاتت بدی به من رساند، که تو اختیاردار آن و توانای بر آن هستی،

عَلَيْهِ، وَأَعْطِنِي جَمِيعَ ما سَأَلْتُكَ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِهِ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ

و تمام آنچه درخواست کردم به من بدان منت گذار و از فضل خود افزون گردان،

يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان.

آنگاه بازگرد در حالی که خداوند تبارک و تعالی را حمد و ثنا می کنی و تبیح و تکبیر می‌نمایی، ان شاء الله.[1]

۱۲۳

(۳۰) وداع امام حسین علیه‌السلام

در مزار شهید آمده است: ... سپس به حرم امام حسین 7 بازگرد برای وداع، و وقتی خواستی وداع کنی در آنجا بایست مانند ایستادنت در اول زیارت و در مقابل چهره‌ات قرار بده و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أَنْتَ لِي

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو برای من سپری هستی در برابر عذاب،

۱. مزار کبیر: ص۳۹۵، مزار شیخ مفید: ص۱۳۰، مصباح الزائر: ص۲۱۹، روضة الأذکار (مخطوط): ص۴۶.

جُنَّـةٌ مِـنَ الْعَذابِ، وَهٰـذا أَوانُ انْصِرافِي غَيْـرَ راغِبٍ عَنْكَ، وَلا مُسْـتَبْدِلٍ

و اکنون وقت بازگشت من رسیده، روی گردان از تو نیستم و تو را هرگز با غیر تو عوض نمی‌کنم

بِـكَ سِـواكَ، وَلا مُؤْثِـرٍ عَلَيْـكَ غَيْـرَكَ، وَلا زاهِدٍ فـي قُرْبِكَ، وَقَـدْ جُدْتُ

و غیر تو را بر تو ترجیح نمی‌دهم و رهاکننده قرب شما و جوار شما نیستم، خود را در معرض

بِنَفْسِـي لِلْحَدَثانِ، وَتَرَكْتُ الْاَهْلَ وَالْاَوْطانَ، فَكُنْ لي شـافِعاً يَوْمَ حاجَتِي

حوادث قرار دادم و اهل و عیال و وطن را ترک کردم، پس شافع من باش در روز احتیاج و فقر و

وَفَقْـرِي وَفاقَتِي، يَوْمَ لايُغْنِـي عَنِّي والِدِي وَلا وَلَـدِي وَلا حَمِيمِي وَلا قَرِيبِي.

نیازم، روزی که فایده‌ای نمی‌بخشد به من پدرم و نه فرزندم و نه دوست صمیمی و نه خویشاوندم.

أَسْـأَلُ اللَّهَ الَّذي قَـدَّرَ وَخَلَقَ، أَنْ يُنَفِّسَ بِكُمْ كَرْبي، وَأَسْـأَلُ اللَّهَ الَّذِي

از خداوندی که تقدیر نموده و آفریده می‌خواهم که به واسطه شما اندوه مرا برطرف سازد، و از خداوندی

قَـدَّرَ عَلَـيَّ فِـراقَ مَكانِـكَ، أَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِـرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِـنْ رُجُوعي.

که برای من دوری از مکان تو را تقدیر نموده، می‌خواهم که این زیارتم را آخرین زیارت و رجوع من قرار ندهد

أَسْـأَلُ اللَّـهَ الَّـذي أَبْكىٰ عَيْنِي عَلَيْـكَ، أَنْ يَجْعَلَهُ سَـنَداً لي، وَأَسْـأَلُ اللَّهَ

از خداوندی که چشم مرا بر توگریاند می‌خواهم که آن را سندی برای من قرار دهد. و از خداوندی که مرا

الَّـذي نَقَلَنِـي إِلَيْـكَ مِـنْ رَحْلِـي وَأَهْلِـي، أَنْ يَجْعَلَـهُ ذُخْـراً لي، وَأَسْـأَلُ

از خانه و کاشانه و خانواده‌ام به سوی تو منتقل نمود می‌خواهم که آن را ذخیره‌ای برای من قرار دهد، و از

اللَّـهَ الَّـذي أَرانِي مَكانَـكَ، وَهَدانِي لِلتَّسْـلِيمِ عَلَيْكَ، وَلِزِيارَتِـي إِيّاكَ، أَنْ

خداوندی که جایگاه تو را به من نشان داد و مرا برای تسلیم بودن در برابر تو و زیارتت راهنمایی نمود میخواهم

يُورِدَنِـي حَوْضَكَ، وَيَرْزُقَنِـي مُرافَقَتَكَ فِي الْجِنانِ مَـعَ آبائِكَ الصّالِحِينَ.

که مرا به کنار حوض شما وارد نماید و همراهی با شما در بهشت با پدران بزرگوار صالحت روزی من گرداند.

اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يـا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ وَعَلىٰ مُحَمَّـدِ بْنِ عَبْدِ

سلام بر تو ای برگزیده خداوند، سلام بر تو و بر محمّد بن عبد الله

اللَّـهِ، حَبِيبِ اللَّـهِ وَصَفْوَتِهِ وَأَمِينِهِ وَرَسُـولِهِ وَسَـيِّدِ النَّبِيِّينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَى

حبیب خدا و برگزیده و امین و فرستاده‌اش و سرور پیامبران، سلام بر

أَمِيرِالْمُوْمِنِيـنَ، وَوَصِـيِّ رَسُـولِ رَبِّ الْعالَمِيـنَ، وَقائِدِ الْغُـرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

امیر و فرمانروای مؤمنان و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان و پیشوای روسفیدان.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَـى الْاَئِمَّـةِ الرّاشِـدِينَ الْمَهْدِيِّيـنَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ مَـنْ فِـي

سلام بر امامان هدایتگر هدایت شده، سلام بر کسانی که در این حرم شما هستند

الْحائِـرِ مِنْكُـمْ، وَرَحْمَـةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ مَلاٰئِكَةِ اللَّـهِ الْبٰاقِينَ

و رحمت خدا و برکات او. سلام بر فرشتگان موجود که در اینجا اقامت گزیده

الْمُقِيمِيـنَ الْمُسَـبِّحِينَ، اَلَّذِيـنَ هُـمْ بِأَمْـرِ اللَّـهِ مُقِيمُـونَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْنا

و تسبیح گویان هستند، آنانکه به امر الهی مقیم اینجا گشته‌اند، سلام بر ما

وَعَلـىٰ عِبٰادِ اللَّـهِ الصّالِحِيـنَ، وَالْحَمْـدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

و بر همه بندگان صالح خداوند وستایش از آنِ خداوندی است که پرودرگار جهانیان است.

سپس با انگشت مسبّحه دست راستت، به قبر مطهر اشاره کن و بگو:

سَـلاٰمُ اللَّهِ وَسَـلاٰمُ مَلاٰئِكَتِـهِ الْمُقَرَّبِيـنَ، وَأَنْبِيائِـهِ الْمُرْسَـلِينَ، وَعِبٰادِهِ

سلام خداو سلام فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل و بندگان

الصّالِحِيـنَ، يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ عَلَيْـكَ وَعَلـىٰ رُوحِـكَ وَبَدَنِـكَ، وَعَلىٰ

صالح او بر تو ای فرزند رسول خدا و بر جسم وجانت و بر

ذُرِّيَّتِـكَ وَمَـنْ حَضَرَكَ مِـنْ أَوْلِيائِكَ، أَسْـتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَأَسْـتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ

ذریّه‌ات و همهٔ کسانی که در محضرت هستند از دوستانت، تو را به خدا می‌سپارم و از او خواستار رعایت

عَلَيْـكَ السَّـلاٰمَ، آمَنّـا بِاللَّهِ وَبِرَسُـولِهِ، وَبِمـا جاءَ بِـهِ مِنْ عِنْدِ اللَّـهِ. أَللّٰهُمَّ

تو هستم و سلام بر تو می‌نمایم، به خدا و رسول او و آنچه از نزد خدا آورده ایمان آورده‌ایم، خداوندا

اكْتُبْنـا مَعَ الشّـاهِدِينَ.

ما را با گواهان بنویس.

سـپس دو دسـت خـود را بـه سـوی آسـمان بـالا ببـر و بگـو: **أَللَّهُـمَّ إِنِّـي**

خداوندا از

أَسْـئَلُكَ أَنْ تُصَلِّـيَ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ لاٰتَجْعَلَهُ آخِـرَ الْعَهْدِ

تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و این زیارتم را آخرین زیارت من قرار ندهی،

مِـنْ زِيارَتِـي إِيّاهُ، فَـإِنْ جَعَلْتَهُ يا رَبِّ فَاحْشُـرْنِي مَعَـهُ وَمَعَ آبائِـهِ وَأَوْلِيائِهِ،

پس اگر آن را آخرین زیارتم قرار دادی پرودرگارا مرا با آن حضرت و پدران بزرگوارش و دوستانش محشور فرما

وَإِنْ أَبْقَيْتَنِـي يـا رَبِّ فَارْزُقْنِـي الْعَـوْدَ إِلَيْـهِ، ثُـمَّ الْعَـوْدَ إِلَيْـهِ، بِرَحْمَتِـكَ يا

و اگر مرا باقی داشتی پروردگارا بازگشت به سوی او و سپس بازگشت به سوی او را روزی من گردان، به

أَرْحَـمَ الرّاحِمِيـنَ. أَللَّهُـمَّ اجْعَـلْ لي لِسـانَ صِـدْقٍ فـي أَوْلِيائِكَ.

رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان، خداوندا برای من نام و یاد نیکویی در میان اولیائت قرار بده.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَلاٰتَشْـغَلْنِي عَـنْ ذِكْـرِكَ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از یاد خودت مشغول مدار به زیادتی از دنیا که

بِإِكْثـارٍ مِـنَ الدُّنْيـا تُلْهِينِـي عَجائِـبُ بَهْجَتِهـا، وَتَفْتِنُنـي زَهَـراتُ زِينَتِها،

شگفتی‌های زیبایی آن‌ها مرا غافل نماید، و درخشش زینت آن مرا فریفته سازد، و نه به کمی نعمت که رنج

وَلاٰ بِإِقْـلالٍ يُضِـرُّ بِعَمَلِـي كَـدُّهُ، وَيَمْـلَأُ صَـدْرِي هَمُّـهُ، أَعْطِنِـي مِـنْ

کمبود آن به عملم ضرر وارد کند و اندوه آن سینه‌ام را پر کند، از نعمتت آن قدر مرحمت کن که مرا از شرار

ذٰلِـكَ غَنـاءً عَـنْ شِـرارِ خَلْقِـكَ، وَبَلاٰغـاً أَنـالُ بِهِ رِضـاكَ يـا رَحْمانُ،

خلق بی‌نیاز سازد و آن قدر که کفاف باشد و به سبب آن بتوانم به خشنودی تو نائل شوم، ای بخشنده مهربان.

اَلسَّـلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلاٰئِكَةَ اللّٰهِ،وَزُوّارَ قَبْرِ أَبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِالسَّلاٰمُ.

سلام بر شما ای فرشتگان الهی و زائران قبر ابا عبد الله الحسین ـ سلام بر ایشان باد.

سپس گونه راست خود را و بعد از آن گونه چپت را بر روی قبر بگذار، و در دعا و مسألت الحاح و اصرار نما.[1]

۱۲۴
دعای بعد از زیارت در نیابت از دیگران

هنگامی که کسی به نیابت از شخص دیگری زائر باشد باید این دعا را بعد از تمام شدن زیارت ائمّه اطهار : بخواند:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ فُلاٰنَ بْنَ فُلاٰنٍ أَوْفَدَنِي إِلىٰ مَوٰالِيهِ وَمَوٰالِيَّ لِأَزُورَ عَنْهُ،

خداوندا فلانی پسر فلانی مرا فرستاده به سوی موالیانش و موالیان من تا از طرف او زیارت کنم

رَجٰاءً لِجَزِيلِ الثَّوٰابِ، وَفِرٰاراً مِنْ سُوءِ الْحِسٰابِ، أَللّٰهُمَّ إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ

به امید ثواب فراوان و از جهت رهایی یافتن از بدی حساب، خداوندا همانا او به سوی تو روی آورده

إِلَيْكَ بِأَوْلِيٰائِكَ، اَلدّٰالِّينَ عَلَيْكَ، فِي غُفْرٰانِكَ ذُنُوبَهُ، وَحَطِّ سَيِّئٰاتِهِ،

به واسطه اولیائت که بر تو دلالت کننده‌اند در اینکه گناهانش را بیامرزی و بدی‌هایش را از دوشش

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ، عِنْدَ مَشْهَدِ إِمٰامِهِ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ، أَللّٰهُمَّ

فروریزی و به تو توسل جسته به واسطه آنان نزد زیارتگاه امامش ـ درود خدا بر او باد ـ خداوندا

فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَاقْبَلْ شَفٰاعَةَ أَوْلِيٰائِهِ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ فِيهِ.

از او قبول فرما و شفاعت اولیائش ـ درود خدا بر ایشان باد ـ را درباره او بپذیر.

أَللّٰهُمَّ جٰازِهُ عَلىٰ حُسْنِ نِيَّتِهِ، وَصَحٰيحِ عَقِيدَتِهِ، وَصِحَّةِ مُوٰالاٰتِهِ،

خداوندا او را بر خوبی نیّتش و درستی عقیده و ارادتش پاداش ده، پاداشی برتر از آنچه به یکی از بندگان

أَحْسَنَ مٰا جٰازَيْتَ أَحَداً مِنْ عَبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَدِمْ لَهُ مٰا خَوَّلْتَهُ،

مؤمن خود مرحمت می‌کنی، و آنچه را به او عطا می‌کنی مداوم قرار بده، و آن را به شکل شایسته‌ای به

۱. مزار شهید : ص۱۶۶ ، مصباح المتهجّد : ص۷۲۷ .

وَاسْتَعْمِلْهُ صالِحاً فِيما آتَيْتَهُ، وَلاتَجْعَلْنِي آخِرَ وافِدٍ لَهُ يُوفِدُهُ.

کارگیر در آنچه به او مرحمت کرده‌ای و مرا آخرین فردی که او را می‌فرستد برای او قرار مده.

أَللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ

خداوندا او را از آتش دوزخ رهایی بخش و روزی حلال پاک خود را بر او

الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ لَهُ في وَلَدِهِ

توسعه بده، و او را از رفقا وهمراهان محمّد و آل محمّد قرار بده و برای او در فرزندانش و مال و ثروتش

وَمالِهِ وَأَهْلِهِ وَما مَلَّكْتَ يَمِينَهُ.

و خاندانش و بردگانش برکت مرحمت فرما.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعاصِيكَ،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و بین او و معاصیات فاصله انداز تا معصیت تو

حَتّىٰ لايَعْصِيكَ، وَأَعِنْهُ عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ أَوْلِيائِكَ، حَتّىٰ لاتَفْقُدُهُ

را ننماید و او را بر اطاعت خود و اطاعت اولیائت یاری نما تا در آنجا که او را امر فرموده‌ای ناپیدا

حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلاتَراهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ.

نباشد و در آنجا که نهی فرموده‌ای دیده نشود.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، او را بیامرز و به او رحم کن و او و تمام

عَنْهُ وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

زن و مرد مؤمن را مورد عفو خویش قرار بده. خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست

مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْهُ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلِعِ، وَمِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ،

و او را پناه بده از هراس گردنه‌های بعد از مرگ و از بیم روز قیامت و بدی بازگشت

وَمِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَواقِفِ الْخِزْيِ في الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

و از تاریکی قبر و وحشت آن و جایگاه‌های رسوایی در دنیا و آخرت.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و قرار بده جائزهٔ او را در این جایگاه من

هٰذا غُفْرانَكَ، وَتُحْفَتَهُ فِي مَقامِي هٰذا عِنْدَ إِمامِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ

آمرزش او و تحفه او را در این مقام نزد امام ـ که درود خدا بر او باد ـ گذشت نمودن از

تُقِيلَ عَثْرَتَهُ، وَتُقْبِلَ مَعْذِرَتَهُ، وَتَتَجاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ التَّقْوىٰ

لغزش‌هایش و عذرخواهی او را بپذیری و از خطاهایش بگذری، و زاد و توشه او را تقوا قرار دهی،

زادَهُ، وَما عِنْدَكَ خَيْراً لَهُ فِي مَعادِهِ، وَتَحْشُرَهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و آنچه نزد تو است بهتر برای او در معادش قرار دهی و او را در زمرهٔ محمّد و آل محمّد محشور فرمایی و

مُحَمَّدٍ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَلِوالِدَيْهِ، فَإِنَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ إِلَيْهِ، وَأَكْرَمُ مَسْئُولٍ

او و والدین او را بیامرزی ـ که تو بهترین کسی هستی که به سوی او رغبت شود و گرامی‌ترین سؤال شده‌ای

اعْتَمَدَ الْعِبادُ عَلَيْهِ.

که بندگان بر او اعتماد کنند.

أَللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مَوْفِدٍ جائِزَةٌ، وَلِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتَهُ فِي

خداوندا برای هر وارد شونده جایزه‌ای و برای هر زائری کرامتی است، قرار بده جایزه

مَوْقِفِي هٰذا غُفْرانَكَ، وَالْجَنَّةَ لَهُ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ.

او را در این جایگاه من آمرزش او و قرار بده بهشت را برای او و تمامی زنان و مردان مؤمن.

أَللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ، الْمُقِرُّ بِذُنُوبِهِ، فَأَسْئَلُكَ يا اَللَّهُ

خداوندا من بنده‌ای خطاکار و گناهکارم که اقرار به گناهش دارد، از تو می‌خواهم ای

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ لاتُحْرِمَنِي بَعْدَ ذٰلِكَ الْاَجْرَ وَالثَّوابَ، مِنْ

خدا به حقّ محمّد و آل محمّد : که محروم مگردانی مرا بعد از این ثواب و پاداش

فَضْلِ عَطائِكَ وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ.

از عطای افزون و تفضّل کریمانه‌ات.

سپس دست‌های خود را بالا ببر در حالی که مقابل قبله و در کنار ضریح هستی، و بگو:

يـا مَـوْلاٰيَ يا إمامـي عَبْدُكَ ـ فُلاٰنُ بْنُ فُـلاٰنٍ ـ أَوْفَدَنِي زاٰئِراً لِمَشْـهَدِكَ،

ای مولای من، ای امام من، بنده‌ات ـ فلانی پسر فلانی ـ مرا فرستاده تا حرم با صفای تو را

يَتَقَـرَّبُ إِلَـى اللّٰـهِ عَـزَّ وَجَـلَّ بِذٰلِكَ وَإِلـىٰ رَسُـولِهِ وَإِلَيْـكَ، يَرْجُـو بِذٰلِكَ

زیارت کنم و با این کار به خداوند عزّ وجلّ و رسول او و شما تقرّب می‌جوید و امید دارد که

فَـكاٰكَ رَقَبَتِهِ مِـنَ النّارِ مِـنَ الْعُقُوبَةِ،

از آتش و از کیفر گناهانش رهایی یابد،

فَاغْفِـرْ لَـهُ وَلِجَمِيـعِ الْمُؤْمِنِيـنَ وَالْمُؤْمِنـاٰتِ، يـا اَللّٰـهُ يـا اَللّٰـهُ يـا اَللّٰهُ

پس او را و تمامی مردان و زنان مؤمن را بیامرز، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا،

يـا اَللّٰـهُ يـا اَللّٰـهُ يـا اَللّٰـهُ يـا اَللّٰـهُ، لاٰ إِلَـهَ إِلَّا اللّٰـهُ الْحَلِيـمُ الْكَرِيـمُ، لاٰ إِلَهَ

ای خدا، ای خدا، ای خدا، هیچ معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، هیچ معبود

إِلَّا اللّٰـهُ الْعَلِـيُّ الْعَظِيـمُ، أَسْـئَلُكَ أَنْ تُصَلِّـيَ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

شایسته‌ای جز خداوند بلند مرتبه با عظمت نیست، از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد

وَتَسْـتَجِيبَ لـي فِيـهِ وَفـي جَمِيـعِ إِخْوانِـي وَأَخَواٰتِـي وَوَلَـدِي وَأَهْلِـي

درود فرستی و دعایم را در مورد او و تمامی برادران و خواهران و فرزندان و خویشانم

بِجُـودِكَ وَكَرَمِكَ، يـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.[1]

به جود و کرمت اجابت نمایی، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. بحارالأنوار: ۲۵۶/۱۰۲ ح۴، مزار کبیر: ص۴۳۹، صحیفهٔ رضویة: ص۵۹۸، و در «کتابٌ في الزيارات والأدعية» (مخطوط): ص ۶۵ با تفاوت نقل شده است.

زیارات آن حضرت 7 از راه دور

۱۲۵

(۳۱) زیارت امام حسین علیه‌السلام از راه دور

مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار این زیارت را برای کسی که در شهرهای دور است نقل کرده:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام

عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ

بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای امام

الْمُؤْمِنِينَ، وَسُلالَةَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وَشاهِدَ يَوْمِ الدِّينِ.

مؤمنین و خلاصه پیامبران و اوصیاء و گواه روز جزا.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخاتَمِ النَّبِيِّينَ،

سلام بر جدّ بزرگوارت رسول خدا، سرور فرستاده شدگان و خاتم پیامبران،

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِيكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ

سلام بر پدرت امیرمؤمنان و وارث علم و دانش پیامبران. سلام

أُمِّكَ فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى أَخِيكَ وَشَقِيقِكَ

بر مادرت فاطمه دختر رسول پروردگار جهانیان، سلام بر برادرت و همانند و نظیرت

الْحَسَنِ، إِمامِ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

حسن 7 امام مؤمنان و حجت پروردگار جهانیان،

أَشْهَدُ أَنَّكَ وَآباءَكَ الَّذِينَ كانُوا مِنْ قَبْلِكَ، وَأَبْناءَكَ الَّذِينَ مِنْ

گواهی می‌دهم که تو و پدرانت که پیش از تو بودند و فرزندانت که بعد از تو آمده‌اند

بَعْدِكَ مَوالِيَّ وَأَوْلِيائِي، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِياءُ اللَّهِ وَخِيَرَتُهُ، وَحُجَّتُهُ

فرمانروایان من و اولیاء امور دین من هستند، و گواهی می‌دهم که شما برگزیدگان خدا و اختیار شده

الْبالِغَةُ عَلَى خَلْقِهِ، اِنْتَجَبَكُمْ بِعِلْمِهِ، أَصْفِياءَ لِدِينِهِ، وَقُوّاماً بِأَمْرِهِ،

او و حجّت رسای او بر خلق می‌باشید، شما را به علم خویش برگزیده برای دینش تا مجری فرامینش

وَخُزّاناً لِعِلْمِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَمَعادِنَ لِكَلِماتِهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ،

و خزانه دار علمش و حافظان سرّش و معادن کلماتش و مترجم وحیش و شاهد بر بندگانش باشید و همانا او

وَشُهَداءَ عَلَى عِبادِهِ، وَأَنَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ اسْتَرْعىٰ بِكُمْ خَلْقَهُ، وَأَوْرَثَكُمْ

که یادش جلیل و بلند مرتبه است خواسته از شما که خلق را مراقب و نگهبان باشید و کتاب خود را به ارث به

كِتابَهُ، وَخَصَّكُمْ بِكَرائِمِ الْإِيمانِ وَالتَّنْزِيلِ، وَآتاكُمُ التَّأْوِيلَ، وَجَعَلَكُمْ

شما داده و شما را اختصاص داده به کرامت‌های ایمان و فهم علوم ظاهر قرآن و مرحمت کرد به شما علوم باطن

تابُوتَ حِكْمَتِهِ، وَعَصائِبَ عُرْوَتِهِ، وَمَناراً فِي بِلادِهِ، وَضَرَبَ لَكُمْ

قرآن و اسرار آن را و شما را قرار داده گنجینه حکمتش و رشته‌های محکم دست آویزش، و محلّ نور افشانی در

مَثَلاً مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرىٰ فِيكُمْ مِنْ رُوْحِهِ، وَعَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ،

شهرش، و شما را مَثَل نور خودش قرار داد و از روح خودش در شما جاری نمود و از هر گونه لغزشی محفوظ

وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ.

داشت و از هر آلودگی پاک گردانید و هر گونه پلیدی را از شما دور ساخت و از هر فتنه‌ای ایمن گردانید.

فَبِكُمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ، وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ، فَلَكُمُ

پس به سبب شما نعمت را کامل گردانید و تفرقه و پراکندگی را به اجتماع تبدیل نمود و اتحاد کلمه ایجاد

الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَالْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَأَنْتُمْ أَوْلِياءُ اللَّهِ النُّجَباءُ،

کرد، اطاعت نسبت به شما و اظهار دوستی و ارادت برای شما واجب است و شما اولیاء برگزیده و بندگان

وَعِبادُهُ الْمُكْرَمُونَ،

گرامی و محترم او هستید،

أَدْعُوكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ، مِنْ بُعْدِ الْبِلادِ

ای فرزند رسول خدا ـ درود خداوند بر او و بر تو باد ـ تو را از راه دور و مسافت بسیار می‌خوانم در

وَالْمَسافَةِ، زائِراً مُسْتَبْصِراً لِشَأْنِكَ، وافِداً بِقَلْبِي نَحْوَكَ، عارِفاً بِحَقِّكَ،

حالی که زیارت کننده‌ام و به شأن و مرتبه و مقامت آگاهم، با قلبم به سوی شما کوچ کرده و به حقّ شما

مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ.

معرفت دارم، با دوستان شما دوست و با دشمنان شما دشمنم.

فَعَلَيْكَ سَلامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ، أَدْعُوكَ زائِراً وافِداً عائِذاً

پس بر تو باد سلام خدا و رحمت او و برکاتش، تو را می‌خوانم در حالی که زائرم، میهمانم

بِكَ، مُسْتَجِيراً مِمّا حَمَلْتُ عَلىٰ نَفْسي، وَاحْتَطَبْتُ عَلىٰ ظَهْرِي،

و به تو پناهنده‌ام، پناه آورده‌ام از آنچه بر دوش خود حمل نموده و گناهانی که بر شانه‌ام سنگینی

فَكُنْ شَفِيعاً إِلىٰ رَبِّي وَ رَبِّكَ، فَإِنَّ لي ذُنُوباً وَ أَوْزاراً، وَ لَكَ عِنْدَ

نموده، پس نزد پروردگارم و پرودرگارت شفیع من باش، مرا برای از گناه و خطا است و برای تو نزد

اللَّهِ مَقامٌ مَعْلُومٌ، وَجاهٌ عَظِيمٌ.

خداوند مقامی والا و آبرویی عظیم است.

أَللَّهُمَّ يا رَبَّ الْأَرْبابِ، صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، إِنِّي عُذْتُ بِوَلِيِّكَ

خداوندا، ای مربّی مربّیان، فریادرس درماندگان، همانا من به ولی تو و پسر پیامبرت پناهنده گشته‌ام، مرا از

وَابْـنِ نَبِيِّـكَ، فَافْـكُكْ رَقَبَتِي مِـنَ النّارِ، آمَنْـتُ بِاللَّـهِ وَبِمـا أُنْـزِلَ عَلَيْكُمْ،

آتش دوزخ رهایی بخش، به خداوند ایمان آورده‌ام و به آنچه بر شما نازل شده، ولایت آخرین شما را پذیرفته‌ام

وَأَتَوَلّـىٰ آخِرَكُـمْ بِمـا أَتَوَلّـىٰ بِـهِ أَوَّلَكُـمْ، وَأَبْـرَأُ إِلَـى اللَّـهِ مِـنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ

همان طور که نسبت به نخستین شما ولایت دارم و به سوی خدا از هر دست آویزی و تکیه گاهی جز شما

دُونَكُـمْ، فَكَفَـرْتُ بِالْجِبْـتِ وَالطّاغُـوتِ وَالـلّاتِ وَالْعُـزّىٰ.

بیزاری می‌جویم و به جبت و طاغوت و لات و عزّی (که مانع پیمودن راه خدا هستند) کافرم.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَعَلىٰ آلِـهِ الطّاهِرِينَ، يا اَللَّهُ يـا رَبَّ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر حضرت محمّد و خاندان پاکش درود فرست، ای خدا، ای پروردگار محمّد

وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ، وَالْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَـيْنِ، أَتَوَسَّـلُ

و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین: به وسیله آنان به سوی تو توسّل

إِلَيْـكَ بِهِـمْ، فَفُكَّ رَقَبَتِي مِـنَ النّارِ، وَلاتَقْطَـعْ رَجائِي يا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ،

می‌جویم، پس مرا از آتش دوزخ رهایی بخش و امیدم را قطع مکن ای مهربان‌ترین مهربانان،

وَالسَّـلامُ عَلـىٰ مَلائِكَـةِ اللَّـهِ اَلْعُكُـوفِ فـي فِنائِـكَ، وَعَلَى الشُّـهَداءِ

سلام بر فرشتگان الهی که بر آستان مقدس تو سر نهاده‌اند و بر شهدای عزیزی که به همراه

الْمُسْتَشْـهَدِينَ مَعَـكَ، اَلثّاوِيـنَ حَوْلَـكَ، وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُـهُ.

تو به شهادت رسیدند و در اطراف تو منزل گزیدند و رحمت خدا و برکات او بر همهٔ آنان.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَسْـئَلُكَ بِحَـقِّ نَبِيِّنـا مُحَمَّـدٍ الْمُصْطَفـى، وَبِحَـقِّ وَلِيِّكَ

خداوندا من از تو درخواست می‌کنم به حقّ پیامبرمان حضرت محمّد مصطفی و به حقّ ولیّت

وَوَصِـيِّ نَبِيِّـكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ عَلِـيِّنِ الْمُرْتَضـىٰ، وَبِحَقِّ الزَّهْـراءِ فاطِمَةَ

و وصی پیامبرت امیرالمؤمنین علی مرتضی و به حقّ حضرت زهرا فاطمه

الْكُبْرى، سَـيِّدَةِ النِّسـاءِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِـبْطَيْ نَبِيِّ الْهُدى،

کبری سرور زنان، و به حقّ امام حسن و امام حسین دو سبط پیامبر هدایت

وَرَضِيعَيِ الثَّدْيٰ[1]، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ زَيْنِ الْعٰابِدِينَ، وَقُرَّةِ عَيْنِ النّاظِرِينَ،

و دو شیر نوشیده از پستان تقوا، و به حقّ حضرت علی زینت عبادت کنندگان و روشنی چشم

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ بٰاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَبِحَقِّ الْخَلَفِ جَعْفَرٍ اَلصّادِقِ مِنَ

بینندگان، و به حقّ حضرت محمّد شکافنده علم و دانش پیامبران، و به حقّ جانشین او جعفر،

الصّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُوسىٰ اَلصّالِحِ مِنَ الصّالِحِينَ، وَبِحَقِّ عَلِيِّ نِ

راستگویی از راستگویان، و به حقّ حضرت موسی صالحی از صالحین و به حقّ حضرت علی

الرِّضٰا مِنَ الرّاضِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ، اَلْخَيِّرِ مِنَ الْخَيِّرِينَ، وَبِحَقِّ

یکی از دارندگان مقام رضا، و به حقّ حضرت محمّد بهترینی از بهترینان، و به

الصّابِرِ عَلِيِّ الشَّكُورِ، مِنَ الصّابِرِينَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ، اَلتَّقِيِّ مِنَ

حقّ حضرت علی شکیبای شاکر از شکیبایان، و به حقّ حضرت حسن تقوا پیشه‌ای

التَّقِيِّينَ، وَالسَّجّادِ الثّانِي، وَمُكٰابِدِ لَيْلَةِ التِّمٰامِ بِالسَّهَرِ، وَبِحَقِّ النَّفْسِ

از تقواپیشگان و سجّاد دوم، شب زنده دار شبهای طولانی، و به حقّ نفس

الزَّكِيَّةِ، وَالرُّوحِ الطَّيِّبَةِ، وَالْخَلَفِ الصّادِقِ، وَحُجَّتِكَ وَبَيِّنَتِكَ عَلىٰ

زکیّه و روح پاک و جانشین صادق و حجّت تو و گواه تو و دلیل روشن تو

خَلْقِكَ، وَمَنْ هُمْ بِهِ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ مُخٰاصِمُونَ، سَمِيِّ نَبِيِّكَ، وَمُظْهِرِ

بر خلق و کسی که به وسیله او فردای قیامت با آن‌ها مخاصمه می‌کنی، همنام پیامبرت و

دِينِكَ، وَالنّاصِرِ لِأَوْلِيٰائِكَ، وَالْقٰاطِعِ لِأَعْدٰائِكَ فِي عِبٰادِكَ وَبِلاٰدِكَ.

آشکارکننده دینت و یاور اولیائت و از بین برنده دشمنانت در میان بندگانت و شهرهایت.

أَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِشَأْنِهِمْ عِنْدَكَ، فَإِنَّ لَهُمْ

خداوندا به حقّ تو بر آنان و به حقّ آنان بر تو و به مقام و مرتبه آنان نزد تو

عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ، تُبْ عَلَيَّ يٰا تَوّابُ، وَافْتَحْ عَلَيَّ أَبْوٰابَ رِزْقِكَ

که برای آنان نزد تو مرتبه‌ای والا است توبه مرا بپذیر ای توبه پذیر و درهای روزی

۱. «النّدی»، خ.

الْحَلاٰلِ الطَّيِّبِ، وَعَلىٰ أَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَتي، وَعَلىٰ جَميعِ عِبادِكَ

حلال و پاک خود را بر من و اهل و عیال و فرزندان و برادرانم و بر تمام بندگانت

مِنْ إِخْوانِيَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناٰتِ، وَأَعِذْنِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَتي

از مرد و زن مؤمن بگشا، و مرا و اهل و عیال و

وَأَهْلَ عِنايَتي، وَإِخْوانِي مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناٰتِ، مِنَ الْفَقْرِ فِي

فرزندان و برادران و وابستگانم را و هر مرد و زن مؤمن را پناه بده از فقر

الدُّنْيا، وَمِنَ النّارِ فِي الْاٰخِرَةِ، وَلاٰ تَكِلْني إِلىٰ نَفْسي، وَلاٰ إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ

در دنیا و آتش دوزخ در آخرت، و مرا به خودم وامگذار و نه به یکی از خلق خود به

خَلْقِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلاٰ أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلاٰ أَكْثَرَ، وَأَصْلِحْ لي وَلِأَهْلي

مقدار چشم به هم زدنی و نه کمتر و نه زیادتر از آن، و همهٔ شئون مرا و اهل و عیال

وَوَلَدِي وَإِخْوَتي وَأَخَواٰتي شَأْنَنا كُلَّهُ، وَاكْفِني وَإِيّاهُمْ ما أَهَمَّنا مِنْ

و فرزندان و برادران و خواهرانم را اصلاح فرما، و آنچه مهم است از امر

أَمْرِ الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَمِنْ فِتْنَةِ الدَّجّالِ،

دنیا و آخرت برای من و آنها کفایت فرما، به تو پناه می‌برم از هر فتنه‌ای و از فتنه دجّال،

يا رَبَّ الْعالَمينَ وَأَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ

ای پروردگار عالمیان و ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا و سلام فراوان او بر سرور

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ، وَسَلَّمَ تَسْليماً.[1]

ما حضرت محمّد پیامبر رحمت و بر خاندان پاک و پاکیزه‌اش باد.

۱. بحارالأنوار: ۱۰۱/۳۷۱ ح۱۵، أبواب الجنات في آداب الجمعات: ص۳۰۰.

(۳۲) زیارت امام حسین علیه‌السلام از راه دور

در کتاب مزار کبیر از حنان بن سدیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق 7 به من فرمودند: ای سدیر، آیا قبر امام حسین 7 را هر روز زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: نه.

فرمود: چه قدر جفا می‌کنی، آیا در هر سال زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: گاهی می‌شود.

امام 7 فرمود: ای سدیر، چه قدر جفا می‌کنید نسبت به امام حسین 7 ، آیا نمی‌دانی خدا را هزار فرشته است ژولیده و غبارآلوده پیوسته گریه می‌کنند و زیارت می‌کنند و سستی نمی‌ورزند؟ تو را چه می‌شود ای سدیر که قبر مبارک آن حضرت را زیارت کنی در جمعه پنج مرتبه و در هر روز یک مرتبه؟

عرض کردم: فدای شما شوم، بین ما و آن قبر مبارک مسافت زیاد و فرسخ‌ها راه است.

امام 7 فرمود: بالای بام خانه‌ات برو، توجّهی به طرف راست و چپ کن، آنگاه سر به سوی آسمان نما، سپس رو به قبر مبارک بگو:

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا أَبا عَبْدِاللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ.

سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

که در این صورت برای تو یک زیارت نوشته می‌شود، که معادل یک حج و یک عمره است.

سدیر گوید: گاهی در ماه بیش از بیست مرتبه این دستور را عمل کردم.[1]

۱۲۷

(۳۳) زیارت امام حسین علیه‌السلام از راه دور

[حنّان بن سدیر شرفیاب شد محضر مقدّس حضرت صادق 7 در حالی که عدّه‌ای از اصحاب در خدمتش بودند، امام 7 به او فرمودند:

ای حنّان بن سدیر، آیا حضرت ابا عبد الله را در هر ماه یک بار زیارت می‌کنی؟ عرض کرد: نه، امام 7 فرمودند: در هر سال یک مرتبه زیارت می‌کنی؟ عرض کرد: نه، امام 7 فرمودند: چه قدر به سرور خود جفا می‌کنید. حنّان بن سدیر عرض کرد: کمی زاد و توشه و دوری راه مانع است.

امام 7 فرمودند: آیا شما را راهنمایی کنم به زیارت مقبول، اگر چه از فاصله‌ای دور باشد؟

عرض کرد: چگونه از راه دور زیارت کنم؟

امام 7 فرمودند: روز جمعه یا هر روزی که خواستی غسل کن و پاک‌ترین لباس خود را بپوش و به بالاترین محل در خانه‌ات یا به صحرا برو، رو به قبله کن بعد از آنکه برایت روشن شد که قبر مطهر آن طرف می‌باشد، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «هر کجا رو نمایید آنجا جهت خدا است».[2] سپس بگو:][3]

---

۱. مزار کبیر: ص۴۳۸، کامل الزیارات: ص۴۸۰ ح۲، ابواب الجنات في آداب الجمعات: ص۲۹۸.

۲. سورهٔ بقره، آیه ۱۱۵.

۳. بین دو کروشه از کامل الزیارات: ص۴۸۳ ح۷ است.

السَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا مَوْلاٰيَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای مولای من و سرور من و فرزند سرورم، سلام بر تو ای مولای من و

يـا مَوْلاٰيَ وَابْنَ مَوْلاٰيَ يا قَتِيلُ ابْنُ الْقَتِيلِ الشَّهِيدُ ابْنُ الشَّهِيدِ، اَلسَّلاٰمُ

فرزند مولای من، ای کشته شده و فرزند کشته شده، و ای شهید و فرزند شهید، سلام بر تو

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ. أَنَا زاٰئِرُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَلِساٰنِي

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، من زائر تو هستم ای فرزند رسول خدا با قلب و زبان

وَجَواٰرِحِي وَإِنْ لَمْ أَزُرْكَ بِنَفْسِي وَالْمُشاٰهَدَةِ لِقُبَّتِكَ.

و جوارحم اگر چه خودم به زیارتت نیامده و بارگاهت را مشاهده ننموده‌ام،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا واٰرِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ وَواٰرِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خداوند، و وارث حضرت نوح پیامبر خدا

وَواٰرِثَ إِبْراٰهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَواٰرِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللَّهِ وَواٰرِثَ عِيسىٰ

و وارث حضرت ابراهیم خلیل خداوند، و وارث حضرت موسی کلیم خداوند، و وارث حضرت

رُوحِ اللَّهِ وَواٰرِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ وَواٰرِثَ عَلِيٍّ

عیسی روح خدا، و وارث حضرت محمّد 9 حبیب خدا و پیامبر او و فرستاده او، و وارث حضرت علی

أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ وَواٰرِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

امیرمؤمنان و وصی رسول خدا و جانشین او، و وارث حسن بن علی وصی

وَصِيِّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ. لَعَنَ اللَّهُ قاٰتِلِيكَ وَجَدَّدَ عَلَيْهِمُ الْعَذاٰبَ فِي

امیرمؤمنان، خدا قاتلان تو را لعنت کند و عذاب را بر آنان در این ساعت

هٰذِهِ السّاٰعَةِ وَ فِي كُلِّ ساٰعَةٍ.

و هر ساعتی تجدید نماید.

أَنَا يا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ تَعاٰلىٰ وَإِلىٰ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِلىٰ

من ای سید و سرورم تقرّب می‌جویم به سوی خداوند و به جدّت رسول خدا

أَبِيكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَإِلىٰ أَخِيكَ الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ عَلَيْكَ

و پدر بزرگوارت امیرمؤمنان و برادر عزیزت امام حسن : و به سوی تو ای مولای من ـ که بر

سَلاٰمُ اللّٰهِ وَرَحْمَتُهُ بِزِيارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسانِي وَجَمِيعِ جَوارِحِي فَكُنْ

تو سلام خدا و رحمتش ـ با این زیارتم که با قلب و زبان و همه جوارحم انجام می‌دهم، پس

يٰا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذٰلِكَ مِنِّي وَأَنَا بِالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَعْدٰائِكَ وَاللَّعْنَةِ

توای سرور من شفیع من باش برای قبول آن از من، و من با تبرّی جستن از دشمنانت و با لعنت

لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ بِذٰلِكَ إِلَى اللّٰهِ تَعٰالىٰ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ فَعَلَيْكَ

بر آنان، به خداوند متعال و به همهٔ شما تقرّب می‌جویم، پس بر شما باد

صَلَوٰاتُ اللّٰهِ وَرِضْوٰانُهُ وَرَحْمَتُهُ .

درود و رضوان و رحمت خداوند.

سپس کمی به طرف چپ برگرد و رو به قبر حضرت علی بن الحسین 8 نما که پایین پای مبارک پدر 7 قرار داد و مانند آنچه گفتی در زیارت امام 7 بگو.

سپس به آنچه دوست داری در امور دین و دنیایت دعا کن، و آنگاه چهار رکعت نماز بخوان، نماز زیارت، یا شش رکعت و یا هشت رکعت و این افضل است و اقلّ آن دو رکعت است،

سپس رو به قبر حضرت ابا عبد الله 7 کن و بگو:

أَنَا مُوَدِّعُكَ يٰا مَوْلاٰيَ وَابْنَ مَوْلاٰيَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي وَمُوَدِّعُكَ

من وداع می‌کنم با تو ای مولای من وفرزند مولای من، و ای سرور من و فرزند سرور من،

يٰا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يٰا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ يٰا سٰاداٰتِي يٰا

و با تو وداع می‌کنم ای سرورمن و فرزند سرورم ای علی بن الحسین، و وداع می‌کنم با شما ای

مَعْشَرَ الشُّهَداٰءِ فَعَلَيْكُمْ سَلاٰمُ اللّٰهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاٰتُهُ وَرِضْوٰانُهُ.

سروان من، ای گروه شهدا، بر شما باد سلام خدا و رحمت و برکات و رضوان او.

مؤلّف گوید: شیخ طوسی 1 این زیارت را در اعمال روز جمعه ذکر کرده است ولی ظاهراً بدان اختصاص ندارد همان طور که به آن در کامل الزیارات تصریح شده است.[1]

۱۲۸

(۳۴) زیارت آن حضرت علیه‌السلام از راه دور

حنّان بن سدیر از پدرش و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

ای سدیر، آیا زیاد به زیارت قبر ابی عبد الله 7 می‌روی؟ عرض کردم: اشتغالاتم مانع است. امام 7 فرمودند: آیا چیزی به تو یاد دهم که وقتی انجام دادی خداوند برایت یک زیارت نویسد؟ عرض کردم: آری فدای شما شوم.

امام 7 فرمود: در منزلت غسل کن و به بالای بام رو و با اشاره به قبر مبارکش بر آن حضرت سلام کن، با این عمل یک زیارت برای تو بنویسند. [کامل الزیارات: ۴۸۲ ح۵]

۱۲۹

(۳۵) زیارت دیگری برای آن حضرت علیه‌السلام از راه دور

در کتاب منهاج العارفین آمده است: در حدیث معتبری روایت شده است:

به بالای بام خانه‌ات برو، به طرف راست و چپ توجّهی کن، سپس سر را به سوی آسمان بالا ببر و صورت به طرف کربلا نما و بگو:

۱. مصباح المتهجد: ص ۲۸۹ ، کامل الزیارات : ص۴۸۳ ح۷ ، مصباح الزائر: ۳۷۲ با کمی اختلاف.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّـهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَـةُ اللّـهِ وَبَرَكاٰتُـهُ.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

تا برایت ثواب یک حج و یک عمره نوشته شود.[1]

۱۳۰

(۳۶) زیارت آن حضرت علیه‌السلام از راه دور یا نزدیک

حسین بن ثویر به مولای ما امام صادق 7 عرض کرد: من زیاد می‌شود که مولایم حضرت ابا عبد الله الحسین 7 را یاد می‌نمایم، در این هنگام چه بگویم؟ امام 7 فرمودند: سه مرتبه بگو:

صَلّـى اللّهُ عَلَيْكَ يا أَبـاٰ عَبْدِاللّهِ.

درود خدا بر تو ای ابا عبد الله.

دور باشی یا نزدیک، این درود به آن حضرت می‌رسد.[2]

۱۳۱

(۳۷) زیارت امام حسین علیه‌السلام در هر روز از راه دور

اشاره می‌کنی به سوی مولا امام حسین 7 و می‌گویی:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللّـهِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله

۱. منهاج العارفین ومعراج العابدین : ص۴۱۵ ۲. زاد المعاد : ۴۷۴ ، منهاج العارفین : ص۴۱۵ .

وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُـهُ.

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

برای تو ثواب زیارت آن حضرت نوشته می‌شود.[1]

۱۳۲

(۳۸) زیارت امام حسین علیه‌السلام از بالای بام از راه دور

در کتـاب زاد المعـاد نقـل گردیـده: بعضـی از بـزرگان علمـا از ابوالحسـن قادسـی روایـت کرده اسـت که در خواب محضر رسـول خدا 9 شـرفیاب شـد و ایـن زیـارت را بـرای امـام حسـین 7 از راه دور تعلیـم فرمودنـد:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلـىٰ جَـدِّكَ وَأَبِيـكَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلـىٰ أُمِّكَ

سلام بر تو و بر جدّ و پدرت، سلام بر تو و بر مادر

وَأَخِيـكَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلَـى الْاَئِمَّـةِ مِـنْ بَنِيـكَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا

و برادرت، سلام بر تو و بر امامان از فرزندانت، سلام بر تو ای

صاٰحِـبَ الدَّمْعَةِ السّـاكِبَةِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا صاٰحِبَ الْمُصِيبَـةِ الرّاتِبَةِ،

صاحب اشک ریزان، سلام بر تو ای صاحب مصیبتی که باقی است و انتقام آن گرفته نشده،

لَقَـدْ أَصْبَـحَ كِتـاٰبَ اللَّـهِ فِيـكَ مَهْجُـوراً، وَرَسُـولَ اللَّـهِ فِيـكَ مَوْتُـوراً،

کتاب خدا در مورد تو مهجور و متروک گردید و رسول خدا 9 در مورد تو محزون گردید،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ أَنْصاٰرِ اللَّـهِ وَخُلَفاٰئِهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ أُمَناٰءِ اللَّـهِ وَأَحِبّائِهِ،

سلام بر یاوران خدا و جانشینان او، سلام بر امینان پروردگار و دوستان او،

۱. ترجمه باب السّعادة في أهمّ ما يعمل في اليوم والأُسبوع والسنة : ۱۹۷ .

اَلسَّلٰامُ عَلٰى مَحٰالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ، وَمَعٰادِنِ حِكْمَةِ اللّٰهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ

سلام بر مراکز خداشناسی و معادن حمت خدا و حافظان سرّ الهی، و

اللّٰهِ، وَحَمَلَةِ كِتٰابِ اللّٰهِ، وَأَوْصِيٰاءِ نَبِيِّ اللّٰهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى

دارندگان علوم قرآنی و جانشینان پیامبر خدا و ذریّه رسول خدا، درود

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

خدا بر او و خاندانش و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد.

۱۳۳

(۳۹) زیارت امام حسین علیه‌السلام از راه دور

کسی که بخواهد آن حضرت را از راه دور زیارت کند بر بالای بام رود و رو به کربلا نماید و بگوید:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

وقتی این عمل را انجام داد ثواب زیارت آن حضرت را به او دهند.[2]

۱. زاد المعاد : ص۴۷۵ ، هدية الزائرين: ص۴۰۵ ، منهاج العارفين : ص۴۱۴ ، مفتاح الجنّات : ۶۲۷/۲ .

۲. مفاتيح النجاة (مخطوط) : ص۵۹۴ .

بعد از آنکه زیارات آن حضرت را نقل نمودیم بعضی از زیارت‌های مربوط به خویشاوندان و اصحاب آن حضرت 7 را نیز ذکر می‌کنیم.

۱۳۴

(۴۰) زیارت سید ابراهیم مجاب علیه‌السلام

سید ابراهیم پسر سید محمّد عابد (که در شهر شیراز مدفون است)، پسر امام موسی بن جعفر 8 می‌باشد.

مزار شریف ایشان در زاویه شمالی رواقی است که به اسم آن بزرگوار معروف است در حرم امام حسین 7 ، و بر آن ضریح محکمی است که خیلی زیبا ساخته شده است....

سبب ملقّب شدن ایشان به «مُجاب» این است که گفته شده بر امام حسین 7 سلام کرده، و آن حضرت از میان قبر به سلام او پاسخ داده است.[1]

ابن مهنا العبیدلی نیز در «تذکرة الأنساب» گفته است: سید ابراهیم ضریر کوفی پسر سید محمّد عابد پسر امام موسی بن جعفر 8 است و به «مجاب» معروف گشته به خاطر اینکه به سلام او جواب داده شده است.

بعضی از فرزندانش در این باره گفته‌اند:

من أین للناس مثل جدّي موسی وابنه المجاب
إذ خاطب السبط وهو رمس جاوبه أکرم الجواب

کجا است برای مردم مانند جدّ من / موسی و فرزند او مجاب
چون سبط (رسول خدا 9) را مخاطب قرار داده در حالی که آن حضرت

۱. مشاهد العترة الطاهرة، سید عبدالرزاق کمونة الحسینی : ص۱۷۶ .

در میـان قبـر بوده‌اند و به بهترین پاسـخ به سـلام او پاسـخ داده‌اند.[1]

سـید ضامـن حسـینی مدنـی کـه درسـال ۱۰۸۸ می‌زیسـته در کتـاب «تحفـة الأزهـار» سـبب دیگـری بـرای ایـن ملقـب شـدن ذکـر کـرده، او گفته اسـت:

و سـبب در ملقـب شـدن او بـه مجـاب ایـن اسـت کـه گفتـه شـده: او زائـر قبـر شـریف جـدّش امیرالمؤمنیـن 7 بـوده، امـام 8 جـواب او را از ضریـح مرحمـت کـرده اسـت و بـه فرزندانـش گفتـه می‌شـود : «آل حائـر».[2]

آنچـه از ایـن رأی ظاهر می‌شـود این اسـت که سـید ابراهیم مجـاب به زیارت امیرالمؤمنیـن علـی بن ابـی طالب 8 رفتـه و آن حضرت را مخاطـب قرار داده به سـلام و پاسـخ سـلام خـود را از امیرالمؤمنیـن علی بن ابی طالب 8 شـنیده اسـت، زیـرا لقـب امیرالمؤمنیـن اطـلاق نمی‌شـود مگر بـر حضرت علـی بن ابی طالب 8 ، و هر کدام باشـد پاسـخ سـلام از امام معصـوم 8 حاصل گردیده و اگـر چـه ممکـن اسـت بیـن دو رأی جمـع کـرد بـه اینکـه سـید ابراهیـم سـلام اللـه علیـه جـواب سـلام خود را شـنیده اسـت از امـام امیرالمؤمنیـن 7 و از امام حسـین 8 در دو حادثـه جـدا از یکدیگر، اگر چه شـنیدن جواب سـلام از قبر مبـارک امـام حسـین 7 بـراو شـهرت بیشـتری دارد، و خداونـد بـه حقایـق امور آگاه است.[3]

و نیـز گفته‌انـد: «مجـاب» نامیـده شـده چـون سـلام او جواب داده شـده، و قصّـه‌اش ایـن بوده که بـه محضر حضرت ابـا عبد اللـه 7 وارد گردیده و عرض کـرده: «اَلسَّـلامُ عَلَیْـکَ یـا أَبَا عَبْدِاللَّهِ» «سـلام بر تو ای ابا عبـد الله»، و صدایی

---

۱. مزارات الأولياء في أرض كربلاء : ص۱۴۲ .

۲. بـه نقـل از فوائـد الرجاليـة تأليف سـيّد بحرالعلـوم جلـد۱ ص۴۳۸ پاورقی۱، تحقيـق محمّد صـادق بحرالعلوم و حسـين بحرالعلـوم؛ و كتـاب تحفة الأزهـار (مخطوط).

۳. المجاب بردّ السلام : ص۱۴ .

را شـنیده اسـت که : «وَعَلَيْكَ السَّـلاٰمُ يا وَلَدي» «و بر تو باد سـلام ای فرزندم».

و مرحـوم سـید حسـن صـدر طاب ثـراه در کتابـش «نزهة الحرميـن» در ذکر قبـور علمـا و اولیـاء در عراق گفته اسـت:

و از آنـان اسـت «ابراهیـم مجاب» پسـر محمّد عابد که فرزنـد امام کاظم 7 اسـت، قبـر شـریف او در رواق حـرم امـام حسـین 7 اسـت و دارای ضریـح می‌باشـد، و او اوّل کسـی اسـت که از طایفه موسـویان در حائر سـاکن گردیده، او ابتـدا در کوفـه منـزل داشـته سـپس سـاکن حائر گردیده اسـت.

مـی گویـم: وقتـی وارد حـرم مطهـر امـام حسـین 7 شـدی، آن حضـرت و اهـل بیـت آن حضـرت و انصـار را زیـارت کـردی رو بـه قبر سـید ابراهیـم نما و ایشـان را بـا ایـن عبـارات زیـارت کن:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَا السَّـيِّدُ الزَّكِـيُّ، اَلطّاهِـرُ الْوَلِيُّ، اَلدّاعِـيُّ الْحَفِيُّ،

سلام بر تو ای سید رستگار، پاک و سرپرست و دعوت کننده و دانا،

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ قُلْـتَ حَقّـاً، وَنَطَقْتَ صِدْقـاً، وَدَعَـوْتَ إِلىٰ مَـوْلاٰيَ وَمَوْلاٰكَ

گواهی می‌دهم که تو حق گفتی و به راستی سخن راندی و به مولای من و مولایت امام حسین 7 آشکار

الْحُسَـيْنِ 7 عَلاٰنِيَـةً وَسِـرّاً، فـاٰزَ مُتَّبِعُـكَ وَنَجـیٰ مُصَدِّقُـكَ، وَخـاٰبَ

و پنهان فراخواندی، پیروی کننده‌ات پیروز و رستگار و تصدیق کننده‌ات اهل نجات و تکذیب کننده‌ات و

وَخَسِـرَ مُكَذِّبُـكَ، وَالْمُتَخَلِّـفُ عَنْكَ.

تخلّف کننده از تو دچار خسران و زیان و محرومیت است.

يـا سَـيِّدي وَمَـوْلاٰيَ وَابْـنَ مَوْلاٰيَ، إِشْـهَدْ لـي بِهٰـذِهِ الشَّـهاٰدَةَ عِنْدَكَ،

ای سرور من و مولای من و فرزند مولایم، به این شهادت که نزد تو گفتم برای من شهادت بده

لِاَكُـونَ مِـنَ الْفاٰئِزِيـنَ بِمَعْرِفَتِـكَ وَطاٰعَتِـكَ، وَتَصْدِيقِـكَ وَاتِّبـاٰعِـكَ،

تا از رستگاران باشم به معرفت تو و اطاعت و تصدیقت و پیروی نمودنت،

اَلصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا سَيِّدي وَيٰا مَوْلٰايَ وَابْنَ مَوْلٰايَ، يٰا

درود و سلام بر تو ای سرور من و ای مولای من و فرزند مولایم، ای سید

سَيِّد إِبْرٰاهِيمَ الْمُجٰاب، اِبْنِ مُحَمَّدِنِ الْعٰابِدِ، اِبْنِ الْاِمٰامِ مُوسىٰ بْنِ

ابراهیم مجاب، پسر محمّد عابد که پسر امام موسی بن

جَعْفَرٍ 8 ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

جعفر 8 است، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.



(۴۱) زیارت حبیب بن مظاهر علیه‌السلام

صاحبان مزار، یعنی مؤلّفان محترم، برای ایشان زیارت مستقلّی ذکر نکرده‌اند، زیرا داخل در شهدا هستند، و چون امروز برای ایشان قبری است جدا از شهدا در رواق، وقتی از زیارت حضرت سید الشهداء 7 و زیارت شهدا، فارغ گشتی و از درب شریف حضرت بیرون آمدی حبیب بن مظاهر را با این عبارات زیارت کن:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ، اَلْمُطِيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ

سلام بر تو ای بنده شایسته که مطیع و فرمانبردار خدا و رسول او

وَلِاَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلٰامُ وَعَلَيْكَ السَّلٰامُ

و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین ـ سلام و درود خدا بر آنان باد ـ بودی، و بر تو باد سلام و

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوٰانُهُ عَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أُشْهِدُ

رحمت خدا و برکات او و آمرزش او و رضوان او بر جسم و جان تو، خدا را شهادت می‌گیرم

اللّٰهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ مٰا مَضىٰ عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ الْمُجٰاهِدُونَ فِي

که تو به همان راهی رفتی که اصحاب بدر رفتند، آنان که در راه خدا جهاد کرده و در جهاد با

۱. مزارات الأولياء في أرض كربلاء : ۱۴۲ .

سَبِيلِ اللَّهِ الْمُنٰاصِحُونَ لَهُ فِي جِهٰادِ الأَعْدٰاءِ الْمُبٰالِغُونَ فِي نُصْرَةِ

دشمنان برای خدا خیرخواهی و نصیحت نمودند و در یاری دوستان خدا سعی و تلاش فراوان کردند.

الأَوْلِيٰاءِ، فَجَزٰاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزٰاءِ وَأَوْفَرَ جَزٰاءِ أَحَدٍ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ

خداوند به تو پاداش دهد بهترین و فراوان‌ترین پاداشی که به وفا کننده به بیعتش داده

وَاسْتَجٰابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَكَ مَعَ (النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدٰاءِ

و برای او دعایش را مستجاب فرموده، و خداوند تو را با پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین

وَالصّٰالِحِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً)[1]. [2]

محشور فرماید، که آنان خوب همراهانی هستند.



(۴۲) وداع حبیب بن مظاهر علیه‌السلام

سپس با حبیب بن مظاهر وداع می کنی و می گویی:

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّه وَأَسْتَرْعِيْكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلاٰمَ، آمَنّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ

تو را به خدا می‌سپارم و از او خواستار رعایت و نگهبانی توأم و بر تو سلام می‌کنم، به خدا و رسول او

وَكِتٰابِهِ وَبِمٰا جٰاءَ مِنْ عِنْدِاللَّهِ، أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدِينَ.

و کتابش و آنچه از طرف خداوند آورده ایمان دارم، خداوندا ما را در زمرهٔ گواهان بنویس.

أَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ آخِرَ العَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِهِ وَتَرْزُقْنِي زِيٰارَتِهِ أَبَداً مٰا

خداوندا این زیارت را آخرین زیارتم قرار مده و زیارت او را برای من همیشگی گردان تا مادامی

أَبْقَيْتَنِي وَاحْشُرْنِي مَعَهُ فِي الجِنٰانِ وَعَرِّفْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ

که مرا باقی داشته‌ای و مرا در بهشت با ایشان محشور فرما و میان من و رسولت و اولیائت آشنایی بر

وَأَوْلِيٰائِكَ، أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيْمٰانِ

قرار فرما، خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا بمیران در حالی که دارای ایمان

۱. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

۲. مفتاح الجنات: ۴۴۲/۲.



بِـكَ وَالتَّصْدِيـقِ بِرَسُـولِكَ وَالوِلاٰيَـةِ لِعَلِيِّ بْـنِ أَبِي طالِـبٍ وَوُلْـدِهِ الأَئِمَّةِ

به تو و تصدیق رسولت و ولایت علی بن ابی طالب و ائمه از فرزندان او

عَلَيْهِـمُ السَّـلاٰمُ وَالْبَرٰاءَةِ مِـنْ أَعْدٰائِهِمْ فَإِنِّي رَضِيْتُ بِذٰلِـكَ يٰا رَبِّ وَصَلَّى

که سلام و درود بر آن ها باد ـ و برائت از دشمنان ایشان هستم، همانا من به این خشنودم ای پروردگار

اللّٰـهُ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.[1]

من، و درود خدا بر محمّد و آل محمّد.

«تل زینبیه»

حـاج سـعد از پـدرش حـاج عبـد الامیـر اسـدی کـه کارهـای مقـام را انجـام مـی‌داد و بـه امـور آنجـا می‌پرداخـت نقـل کـرده اسـت کـه او در خـواب دیـده اسـت گویـا طبـق عادتش پیشـاپیش ضریـح مطهر نشسـته و در کنارش شـمعدان اسـت، در ایـن هنـگام سـید جلیـل القـدری کـه آثـار وقـار و هیبـت در چهـره مبارکـش ظاهـر بـود وارد شـد و بـه همـراه ایشـان چند نفـر بانـوان مجللّـه بودند، سـید بـا دسـت مبارکـش اشـاره کـرد بـه ضریـح مطهّـر و بـه آن‌هـا فرمـود: اینجا مقـام عمّـه‌ام زینـب (سـلام اللـه علیها) اسـت، سـپس با حـال ناله و گریه شـروع کـرد بـه قرائـت زیـارت و پـس از فـراغ از زیـارت رفتنـد و بـه سـوی مرقـد مطهر امـام حسـین 7 حرکـت نمودنـد، و او معتقـد بود که آن سـید بزرگـوار حضرت حجّـت سـلام اللـه علیـه بودند بـه دلیل ایـن فرمایش ایشـان کـه فرمودنـد: «این مقـام عمّـه‌ام زینب اسـت».

لوح زیارت و حادثه‌ای عجیب

زیـارت مقـام در سـابق در لوحـی درج شـده و در بالای ضریـح قدیم پیش از تجدیـد بنـا نصـب شـده و بسـیار غـم انگیز و سـوزناک و تأثیرگـذار بـود و با این

۱. مفتاح الجنّات: ۲/۴۴۶.

زیـارت کنونـی اختـلاف داشـت و برای آن قصـه و حادثه‌ای بود که بـه حدّ تواتر رسـیده بود و اشـکالی نـدارد کـه آن را ذکر کنیم:

حـاج سـعد از پـدرش مرحـوم حاج عبـد الامیر اسـدی نقل کرده اسـت که : زیـارت از قدیـم موجـود بوده و نویسـنده و مؤلّف آن ناشـناخته بـود، در نزدیکی مقـام یکـی از مراجـع عظـام معروف بـه «شـیخ العراقیین» سـاکن بـود و او زاهد و اهـل احتیـاط شـدید بـود، روزی از طـرف مقام عبـور کرد و آن لـوح زیارت را مشـاهده کـرد، تصمیـم گرفـت آن را بـردارد بـه اعتبـار اینکه از امـام معصوم 7 روایت نشـده اسـت، لذا دسـتور داد آن را پایین آوردند و از نصب دوبارهٔ آن منع نمـود، دسـتورات او را فـوراً اطاعـت کردنـد، چنـد شـبی از ایـن قصـه گذشـت، نیمـه شـبی عالـم مذکور با اضطراب شـدید آمـد در خانه یکـی از مجاورین مقام کـه لـوح زیـارت نزد او نگهـداری می‌شـد و از او خواهش زیاد نمـود که لوح را تسـلیم نمایـد تـا آن را در محـلّ خـودش نصـب نماید و آن شـخص لـوح زیارت را بـه آن عالـم داد و او بـا دسـت خـودش بـه جـای سـابقش برگردانـد و آنـگاه با صـدای بلنـد و اشـک ریزان زیـارت را از روی لوح خواند و بعـد از فراغ رو کرد بـه حاضریـن و گفـت: همیـن امشـب سـیّده مجلّله و بزرگـوار و با عظمتـی را در خـواب دیـدم کـه گمـان می‌کنـم عقیلـه زینب کبری سـلام اللـه علیهـا بوده‌اند، بـا ناراحتـی بـه مـن فرمودند: «ای شـیخ، چرا این لـوح زیـارت را از مقامی که به مـن منسـوب اسـت فـرودآوردی و مانع اعاده آن شـدی»، وحشـت زده از خواب بیـدار شـدم و خواسـتم هـر چـه سـریع‌تر آن را بـه جـای خـودش برگردانم شـاید رضایـت آن بانـوی بزرگوار حاصـل گردد.[1]

---

۱. المراقد والمقامات في كربلاء : ۱۸۶ .

(۴۳) لوح زیارت در تل زینبیه

در کتاب «مراقد و مقامات در کربلا» گفته است: همان طور که سابقاً ذکر کردیم زیارت سابق با زیارت کنونی که بعد از تجدید بنا درج گردیده اختلاف دارد و نصّ زیارت کنونی چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

اَلسَّلامُ عَلَيكِ يا بِنتَ رَسُولِ اللَّهِ خاتَمِ الْاَنْبِياءِ وَالْمُرسَلِينَ،

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، پایان بخش پیامبران و رسولان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ عَلِيِّ الْمُرتَضىٰ، سَيِّدِ الْاَوْصِياءِ وَالصِّدِّيقِينَ،

سلام بر تو ای دختر علی مرتضی سرور اوصیا و صدیقین،

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای دختر فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان، سلام

عَلَيْكِ يا اُخْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسينِ، سَيِّدَيْ شَبابِ أَهلِ الْجَنَّةِ،

بر تو ای خواهر امام حسن و امام حسین دو سرور جوانان اهل بهشت،

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْفَهِمَةُ

سلام بر تو ای صدیقه و ای مرضیّه، سلام بر تو ای فهیمه، ای صاحب فهم والا بدون

غَيْرُ الْمُفَهَّمَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْعالِمَةُ غَيْرُ الْمُعَلَّمَةِ، اَلسَّلامُ

فهماندن کسی، سلام بر تو ای عالمه، ای صاحب علم و دانش فراوان بدون تعلیم کسی، سلام

عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَضْرُوبَةُ، اَلسَّلامُ

بر تو ای ستمدیده، سلام بر تو ای زده شده، سلام

عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَأْسُورَةُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يا صاٰحِبَةَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمى.

بر تو ای اسیر گشته، سلام بر تو ای صاحب مصیبت‌های بزرگ.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يـا زَيْنَبُ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيكِ يـا مَنْ كَفَلَتْ

سلام بر تو ای زینب کبری، سلام بر تو ای گردآورنده و سرپرست دختران رسول

وَأَجْمَعَتْ بَناٰتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَطْفاٰلِ الْحُسَيْنِ في

خدا ـ که درود و صلوات خدا بر ایشان و آل ایشان باد ـ و کودکان امام حسین 7

عَصْرِ عاٰشُوراٰءِ. أَشْهَدُ أَنَّكِ كُنتِ صاٰبِرةً شاٰكِرةً في جَمِيعِ حاٰلاٰتِكِ

در عصر عاشورا. گواهی می‌دهم که تو در جمیع احوال و در تمام مصائب شکیبا بودی

وَمَصاٰئِبِكِ، حَتّىٰ في أَشَدِّهاٰ وَأَمَرِّهاٰ، وَهِيَ وَاللَّهِ وُقوفُكِ في هٰذَا

و شاکر حتی در سخت‌ترین مصیبت‌ها و تلخ‌ترین آنها، و آن به خدا قسم ایستادن تو در

الْمَكاٰنِ، وَأَخُوكِ الْحُسَيْنُ عَطْشاٰنٌ مَصْرُوعٌ في عُمْقِ الْحاٰئِرِ، اِضْطَهَدَتْهُ

این محلّ بوده در حالی که برادرت حسین 7 با لب تشنه در گودی قتلگاه روی خاک افتاده،

كَثْرَةُ الْجِراٰحاٰتِ بِالسَّيْفِ وَالسِّناٰنِ، وَالشِّمْرُ اللَّعِينُ جاٰلِسٌ عَلىٰ

بدن از کثرت جراحات شمشیر و نیزه خرد شده، و شمر لعین در آن حال بر سینه مبارکش نشسته بود، وای

صَدْرِهِ، واٰحُزْناٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكِ يا بِنْتَ الزَّهْراٰءِ وَبِنْتَ خَدِيجَةِ الْكُبْرىٰ.

که چه قدر بر آن حضرت و بر تو ای دختر زهرای اطهر و دختر خدیجه کبری دچار اندوه و غم و غصه‌ام.

أَشْهَدُ أَنَّكِ قَدْ نَصَحتِ لِلَّهِ، وَنَصَرْتِ آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِكِ،

گواهی می‌دهم که تو برای خدا خیرخواهی نمودی و اهل بیت رسول خدا را با قلب خویش

وَجاٰهَدْتِ بِلِساٰنِكِ حَقَّ جِهاٰدِهِ، فَنِعْمَ الْأُخْتُ أَنْتِ لِلْحُسينِ 7 ،

یاری نمودی و آن گونه که شایسته و سزاوار است با زبان خویش جهاد کردی، خوب خواهری

وَنِعْمَ الْاَخُ لَكِ أَبُو عَبْدِاللَّهِ، صَلَواٰتُ اللَّهِ وَسَلاٰمُهُ عَلَيْكُماٰ، وَعَلىٰ

هستی برای امام حسین 7 و ابا عبد الله خوب برادری بود برای تو، درود خدا و سلام او بر شما و بر

مَـنْ أَحَبَّكُمـا وَنَصَرَكُمـا، فَلَعَـنَ اللَّهُ أُمَّـةً ضَرَبَـتْ بِكِعابِ الرِّمـاحِ عَلىٰ

دوستان شما و یاران شما، خدا لعنت کند آن طایفه‌ای را که تو را با کعب نیزه زدند

أَعْضائِـكِ، وَأَحْرَقَـتْ خِيامَـكِ، وَأَسَـرَتْ عِيالَـكِ، يـا سَـيِّدَتي أَنَـا زائِـرُ

و در خیمه‌هایت آتش افروختند و اهل و عیالت را اسیر ساختند، ای سرور من، من زائر

أَخـاكِ الْحُسَـيْنِ 7 وَزائِـرُكِ، وَمُحِبُّكُمـا وَمُعِينُكُمـا، وَالسَّـلامُ عَلَيْكُمْ يا

برادرت حسین 8 و زائر توام، از دوستان شما و مددکاران شما هستم، و سلام بر شما ای

أَهْـلَ بَيْتِ النُّبُـوَّةِ جَمِيعـاً، وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُهُ.(۱)

اهل بیت نبوّت، و رحمت خدا و برکات او بر همهٔ شما باد.

۱۳۸

(۴۴) زیارت مولا حضرت مسلم بن عقیل علیه‌السلام

وقتی به ضریح مطهر رسیدی در آنجا رو به قبله بایست و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الْفـادِي بِنَفْسِـهِ وَمُهْجَتِـهِ، الشَّـهِيدُ الْفَقِيـدُ،

سلام بر تو ای آنکه جان خود را و خون قلب خویش را فدا نمود، ای شهید فقید،

اَلْمَظْلُـومُ الْمَغْصُـوبُ حَقُّـهُ، الْمُنْتَهَـكُ حُرْمَتُـهُ، السَّـلامُ عَلَيْـكَ يـا مَنْ

مظلومی که حقّ او غصب شد و حرمت او نادیده گرفته شد، سلام بر تو ای آنکه

فادىٰ بِنَفْسِـهِ ابْـنَ عَمِّهِ وَفَدىٰ بِدَمِهِ دَمَهُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا أَوَّلَ الشُّـهَداءِ

جان خود را فدای پسرعمویش کرد و خون خویش را فدای خون او نمود، سلام بر تو ای نخستین شهید

وَإِمـامَ السُّـعَداءِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا مُسْـلِمُ يا مَنْ أَسْـلَمَ نَفْسَـهُ، وَسَـكَنَ

و ای پیشوای سعیدان، سلام بر تو ای مسلم، ای آنکه جان خود را تسلیم نمود و بر اطاعت خدا

عَلـىٰ طاعَـةِ اللَّـهِ رَمْسَـهُ وَأَخْمَـدَ حِسَّـهُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَـا ابْنَ السّـادَةِ

در قبر خویش ساکن گردید و احساس خود را خاموش گردانید سلام بر تو ای پسر سروران

۱. المراقد والمقامات في كربلاء : ص۱۸۸ .

الْأَبْـرٰارِ، وَيَـا ابْنَ أَخِـي جَعْفَرٍ الطَّيّـارِ، وَابْنَ أَخِـي عَلِيٍّ الْفـٰارِسِ الْكَرّارِ،

نیکوکار و ای پسر برادر حضرت جعفر طیّار و ای پسر برادر حضرت علی 7 آن اسب سوار

الضّـارِبِ بِذِي الْفَقٰارِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّـهِ وَبَرَكٰاتُهُ. يٰا مَنْ أَرْضىٰ

حمله کننده، و ضربه زننده با ذوالفقار، سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو، ای آنکه با کار

بِفِعٰالِـهِ مُحَمَّـدَ الْمُخْتـٰارَ وَالْمَلِـكَ الْجَبّـارَ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ لَقَـدْ صَبَرْتَ

خویش خشنود ساختی محمّد مختار را و خداوند جبّار را، سلام بر تو که صبر پیشه خود ساختی،

(فَنِعْـمَ عُقْبَـى الـدّارِ)[1]. اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يـٰا وَحِيـداً غَرِيباً عَنْ أَهْلِـهِ بَيْنَ

«چه خوب جایگاهی است سرای آخرت.» سلام بر تو ای تنهای دور از اهل و عیال، در میان دشمنان گرفتار

الْأَعْـدٰاءِ بِـلٰا نٰاصِـرٍ وَلٰا مُجِيـبٍ، أَشْـهَدُ بَيْـنَ يَـدَيِ اللّٰهِ أَنَّـكَ جٰاهَدْتَ

بدون هیچ یاری و اجابت کننده‌ای، شهادت می‌دهم در پیشگاه پروردگار که تو جهاد کردی و پایداری

وَصَبَـرْتَ وَخٰاصَمْـتَ أَعْـدٰاءَ اللّـهِ، عَلـىٰ طٰاعَتِـهِ وَطٰاعَـةِ نَبِيِّـهِ وَوَصِيِّـهِ

نمودی و با دشمنان خدا در راه اطاعت پروردگار و اطاعت پیامبرش و وصی او و ولی او به خصومت

وَوَلِيِّـهِ، فَمَضَيْتَ شَـهِيداً وَتَوَلَّيْتَ حَمِيـداً (إِنّا لِلّـهِ وَإِنّا إِلَيْـهِ راجِعُونَ)[2].

پرداختی و شهید از دنیا رفتی و ستوده بازگشتی «همانا ما از آنِ خداوندیم و به سوی او بازگشت‌کننده‌ایم».

أَللّٰهُـمَّ احْشُـرْنِي مَعَـهُ وَمَـعَ أَبِيـهِ وَعُمُومَتِـهِ وَبَنِيهِـمْ، وَلٰا تَحْرِمْنِي فِي

خداوندا مرا با آن حضرت و پدر و عموهای بزرگوارش و فرزندان آنان محشور فرما، ودر بقیه عمر

بَقِيَّـةِ عُمُـرِي زِيٰارَتَـهُ.

از زیارت او محروم مگردان.

سپس ضریح را می‌بوسی و نماز زیارت می‌خوانی و ثواب آن را هدیه به ایشان می‌نمایی، و آنگاه وداع می کنی و باز می گردی ان شاء الله تعالی.[3]

۱.سورهٔ رعد، آیه۲۴. ۲. سورهٔ بقرة ، آیه۱۵۶ .

۳. بحارالأنوار : ۴۲۸/۱۰۰ ، موسوعة الإمام الحسين 7 : ۵۶۸/۱۴ .

(۴۵) زیارت هانی بن عروه مرادی علیه‌السلام

در کنار قبر ایشان بایست و بر رسول خدا 9 سلام کن و بگو:

سَلامُ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَصَلَواتُهُ عَلَيْكَ يا هانِيَ بْنَ عُرْوَةَ، السَّلامُ عَلَيْكَ

سلام خداوند بزرگ مرتبه و درود او بر تو ای هانی بن عروه، سلام بر تو

أَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ النّاصِحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ

ای بنده شایسته که برای خدا و رسول او و امیرالمؤمنین و امام حسن

وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

و امام حسین ـ سلام بر ایشان باد ـ خیرخواهی نمودی، شهادت می‌دهم که مظلومانه کشته شدی، خدا کسی

قَتَلَكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، وَحَشَى اللَّهُ قُبُورَهُمْ ناراً، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ

که تو را کشت و خونت را حلال شمرد لعنت کند و قبور آنان را پر از آتش نماید، شهادت می‌دهم که خدا را

اللَّهَ وَهُوَ راضٍ عَنْكَ بِما فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ

ملاقات نمودی در حالی که از تو به خاطر آنچه انجام دادی و خیرخواهی نمودی راضی و خشنود بود، و شهادت

دَرَجَةَ الشُّهَداءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْواحِ السُّعَداءِ، بِما نَصَحْتَ لِلَّهِ

می‌دهم که تو به مرتبه شهدا راه یافتی و روح تو را در زمره ارواح سعادتمندان قرار داد، به خاطر کوششی که

وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِداً وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي ذاتِ اللَّهِ وَمَرْضاتِهِ، فَرَحِمَكَ

در راه خیرخواهی برای خدا و رسول او نمودی و جان خود را در راه خدا و رضای او بذل نمودی، پس خداوند

اللَّهُ وَرَضِيَ عَنْكَ وَحَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ، وَجَمَعْنا

تو را رحمت کند و از تو راضی باشد و با حضرت محمّد و خاندان پاکش محشور فرماید و ما و شما را به

وَإِيّاكُمْ مَعَهُمْ فِي دارِ النَّعِيمِ وَسَلامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

همراه آنان در سرای پرنعمت بهشت گردآوری فرماید، و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و به ایشان هدیه کن و آنچه می‌خواهی برای خودت دعا کن، و آنگاه وداع کن همان گونه که با حضرت مسلم بن عقیل 7 وداع نمودی.[1]

زیارت حرّ بن یزید ریاحی علیه‌السلام

سید محسن امین در مفتاح الجنّات گفته است:

ایشان در مکانی جدای از شهدا و در حدود یک فرسخ به سمت مغرب دورتر قرار گرفته است و گفته می‌شود که قوم او ایشان را از معرکه بیرون برده و در آنجا دفن نموده‌اند.

پس ایشان را زیارت کن به همان زیارتی که برای حبیب بن مظاهر در صفحات پیشین گفته شد،

آنگاه نزد قبر ایشان نماز گزار و به آنچه دوست داری دعا کن، و سپس وداع کن به همان وداعی که در وداع حبیب بن مظاهر گفته شد.[2]

---

۱. بحارالأنوار: ۴۲۹/۱۰۰.

۲. . مفتاح الجنّات: ۴۵۳/۲.

۸

بخش هشتم

زیارت هایی که مخصوص زمان مشخصی است

زیارت های روزهای هفته

زیارت های هر ماه

[باب هشتم]

فصل اول



در زیارت‌های روزهای هفته



فضیلت زیارت حضرت ابا عبد الله علیه‌السلام در شب جمعه

شیخ محمّد بن جعفر مشهدی در کتاب مزار کبیر از اعمش روایت کرده است که گفت:

من در کوفه ساکن بودم و همسایه‌ای داشتم که با او زیاد رفت وآمد می‌کردم، در یک شب جمعه به او گفتم: چه می‌گویی دربارهٔ زیارت امام حسین 7 ؟ گفت: بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی پایانش آتش دوزخ است... با حالتی بسیار خشمگین از نزد او برخاستم و با خود گفتم: سحرگاه نزد او می‌آیم و از فضائل امیرالمؤمنین 7 برایش می‌گویم،

پس هنگام سحر به در خانه او رفتم و درب خانه را زدم، از پشت در صدایی شنیدم که او در ابتدای شب به قصد زیارت به سوی کربلا رفته است، من نیز با شتاب فراوان به سوی کربلا حرکت کردم، وارد حرم مطهر که شدم شیخ را در حال سجده دیدم، و پیوسته به رکوع و سجده می‌رفت و از آن خسته نمی‌شد، در کنار او نشستم تا فارغ گردید، به او گفتم: دیشب

به من می‌گفتی زیارت بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و عاقبت گمراهی آتش دوزخ است و اکنون مشغول زیارت هستی؟ به من گفت: ای سلیمان مرا سرزنش مکن، زیرا من به امامت اهل بیت : اعتقاد راسخی نداشتم تا شبی که گذشت و من در آن خواب عجیبی دیدم که مرا وحشت زده نمود.

به او گفتم: چه خوابی دیدی ای شیخ؟ گفت: مردی را دیدم که قد او نه کوتاه بود و نه بلند، حُسن و جمال او را نمی‌توانم خوب توصیف کنم، همراه او گروهی بودند که گرداگرد او را گرفته بودند، پیشاپیش او اسب سواری بر اسب خود سوار بود بر روی سرش تاجی بود و تاج چهار رکن داشت در هر رکنی گوهری می‌درخشید و مسیر سه روز را روشن می‌نمود.

سؤال کردم: این شخص بزرگوار کیست؟ گفتند: حضرت محمّد بن عبد الله 9 ، گفتم: آن دیگری کیست؟ پاسخ دادند: وصی او حضرت علی بن ابی طالب 8 . سپس چشم گشودم و ناقه‌ای را مشاهده کردم از نور، بر روی آن هودجی بود از نور، بین آسمان و زمین پرواز می‌کرد، سؤال کردم: ناقه از آن کیست؟ گفتند: حضرت خدیجه دختر خویلد 3 و حضرت فاطمه دختر حضرت محمّد 9 . عرض کردم: جوانی که به همراه آنان است، کیست؟ گفتند: حسن بن علی 8 . سؤال کردم: این‌ها کجا می‌روند؟ گفتند: این‌ها همگی به زیارت آن کشته شده از روی ظلم و ستم، شهید کربلا حضرت حسین بن علی 8 می‌روند.

آنگاه به طرف هودج رفتم، در همان حال دیدم رقعه‌هایی از طرف آسمان به سوی زمین می‌ریزد که بر آن‌ها نوشته شده: «**أماناً من الله جلّ ذكره لزوّار الحسين بن علي ليلة الجمعة**؛ امان نامه‌ای است از طرف خداوند والا مقام برای زائرین شب جمعه امام حسین 7 »، سپس هاتفی ندا داد:

بدانیـد و آگاه باشـید، مـا و شـیعیان مـا در بالاترین درجه بهشـت هسـتیم.

بـه خـدا قسـم ای سـلیمان، هرگز از این مکان مقدس جدا نشـوم تـا آنکه روح از پیکر من جدا شـود.[1]

شیخ طریحی آخر این خبر را این‌گونه نقل کرده است:

در همـان حـال رقعه‌هایـی را دیدم که بر آن نوشـته شـده بود و از آسـمان فرود می‌آمـد، سـؤال کـردم: این رقعه‌ها چیسـت؟ گفتند: در آن نوشـته شـده: «**أمان مـن النـار لزوّار الحسـين 7 في ليلـة الجمعة**؛ امـان نامه اسـت از آتش برای زائـران امـام حسـین 7 در شـب جمعـه». یکـی از آن رقعه‌هـا را خواسـتم، بـه مـن گفتنـد: تـو می‌گویـی زیـارت آن حضـرت بدعـت اسـت، اینها تو را شـامل نمی‌شـود تـا زائـر امام حسـین 7 باشـی و به فضیلت و شـرافت او معتقد باشـی.

من از خواب وحشـت زده وترسـناک بیدار شـدم و در همان سـاعت و همان وقـت قصد زیارت سـرورم امام حسـین 7 نمودم.[2]

خوابی که در آن بشارت است برای کسی که

حضرت اباعبدالله 7 را در شب جمعه زیارت کند

شـیخ فخـر الدیـن طریحـی نیـز در کتـاب «منتخـب» از سـلیمان اعمش نقل کرده اسـت کـه گفت:

در کوفـه سـاکن بـودم و همسـایه‌ای داشـتم کـه بـا او رفـت و آمـد می‌کردم، شـب جمعـه‌ای نـزد او رفتـم و از او سـؤال کـردم: : نظـر تـو دربارهٔ زیـارت امام حسـین 7 چیسـت؟ بـه من گفـت: زیارت بدعت اسـت و هر بدعتـی گمراهی اسـت و هـر گمراهی پایـان کارش آتش دوزخ اسـت.

۱. رجوع کنید به مزار کبیر: ص۳۳۰، وبحارالانوار: ۵۸/۱۰۱.

۲. نجم ثاقب: ۱۶۲/۲، منتخب طریحی: ۱۹۶/۱.

سلیمان گوید: از نزد او برخاستم در حالی که خشم و ناراحتی از او تمام قلبم را پر کرده بود، با خود گفتم: هنگام سحر نزد او می‌آیم و مقداری از فضائل امام حسین 7 را برایش می‌گویم و اگر بر عناد خویش پافشاری نماید او را به قتل می‌رسانم.

سلیمان گوید: هنگام سحر به درخانه اورفتم، در زدم و او را صدا زدم، همسر او از پشت در پاسخ داد که او اوایل شب برای زیارت حسین بن علی 8 به سوی کربلا حرکت کرده است. سلیمان گوید: من هم در پی او رو به سوی کربلا نمودم، وقتی داخل حرم حضرت ابا عبد الله 7 شدم شیخ را در حال سجده دیدم، گریه می‌کند و دعا می‌خواند و از خداوند طلب مغفرت می‌نماید، پس از مدتی طولانی سر از سجده برداشت و مرا در کنار خود دید، به او گفتم: ای شیخ، دیروز می‌گفتی زیارت امام حسین 7 بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی پایان کارش آتش دوزخ است و امروز به زیارت آن حضرت آمده‌ای؟

به من گفت: ای سلیمان، مرا ملامت و سرزنش مکن، زیرا من به امامت اهل بیت : عقیده ثابت و راسخی نداشتم تا شبی که گذشت و من در آن خوابی عجیب دیدم که مرا دچار وحشت و اضطراب ساخت.

به او گفتم: چه خوابی دیده‌ای، ای شیخ؟ گفت: مردی جلیل القدر را دیدم با قدی که نه کوتاه بود و نه بلند، نمی‌توانم او را از نظر عظمت و کمال و حسن و جمال توصیف نمایم، به همراه او گروهی بودند که گرداگرد او را گرفته بودند، پیش روی او اسب سواری بود و بر سر مبارکش تاجی که چهار رکن داشت و بر هر رکنی گوهری درخشنده بود که مسیر سه روز را روشن می‌نمود.

به بعضی از خادمان گفتم: این شخص جلیل القدر کیست؟ پاسخ داد:

حضـرت محمّـد مصطفـی 9 اسـت، عرض کردم: آن دیگری کیسـت؟ پاسـخ داد: علی مرتضی وصی رسـول خدا 9 اسـت. سـپس چشـم گشـودم و ناقه‌ای را مشـاهده کـردم از نـور کـه بـر آن کجـاوه‌ای بـود از نـور و در آن دو بانـوی بزرگـوار بودنـد و ناقـه بیـن آسـمان و زمین پـرواز می‌کرد، سـؤال کـردم: این ناقه از آنِ کیسـت؟ پاسـخ دادنـد: از آنِ خدیجـه کبری و حضـرت فاطمه زهرا 8 . عـرض کـردم: جوانـی که به همراه آنان اسـت، کیسـت؟ پاسـخ دادند: حضرت حسـن بن علی 8 اسـت.

گفتـم: اینهـا کجـا می‌روند؟ گفتنـد : به زیارت آن کشـته شـده از روی ظلم و سـتم شـهید کربلا حضرت حسـین بن علی 8 .

مـن آهنـگ آن کجـاوه را نمـودم کـه در آن فاطمـه 3 بـود، در همـان حال برگه‌هایـی نوشـته شـده را مشـاهده کـردم کـه از آسـمان می‌ریـزد، سـؤال کردم: ایـن برگه‌هـا چیسـت؟ گفتنـد: «**هـذه رقاع فیهـا أمان النـار لزوّار الحسـین 7 لیلـة الجمعـة**؛ این‌ها رقعه‌هایی اسـت کـه در آن امان اسـت از آتش بـرای زائران امـام حسـین 7 در شـب جمعـه»، من یکـی از آن رقعه‌ها طلب نمـودم، گفتند: تـو می‌گویـی زیـارت آن حضـرت بدعـت اسـت، بـه تـو از ایـن امـان نامه‌هـا نمی‌رسـد تـا آنکـه آن حضـرت را زیارت کنـی و معتقد به فضیلت و شـرافت آن حضرت باشـی.

از خـواب وحشـت زده و بیمنـاک بیـدار شـدم و در همـان وقـت و سـاعت قصـد زیـارت سـرورم امام حسـین 7 نمودم و من تائبـم به درگاه الهـی و نادم و پشـیمانم از گذشـته‌ام، ای سـلیمان بـه خدا قسـم این حـرم پاک را رهـا نمی‌کنم و از کنـار ایـن قبـر مطهـر جـدا نمی‌شـوم تـا آنکـه روح از پیکرم جدا شـود.[1]

۱. دار السلام فی ما یتعلق بالرؤیا والمنام: ۱/۳۰۰.

چهل شب زیارت امام حسین 7 در شب جمعه
باعث تشرّف به دیدار امام عصر ارواحنا له الفداء است.

محدّث نوری گوید: عالم جلیل القدر مولی علی رشتی طاب ثراه که بسیار نیکوکار، پارسا، پرهیزکار، زاهد، دارای انواع علوم، آگاه و منتقد بود، و از شاگردان سیّد سند استاد اعظم ـ دام ظلّه ـ بود و هنگامی که شکایت مردم منطقه فارس نسبت به نداشتن عالمی نافذ الحکم طولانی شد، استاد اعظم شیخ انصاری او را به سوی آنان فرستاد، (او در میان آنان سعادتمند زیست و ستوده از دنیا رفت)، من مدّتی با او در سفر و حضر مصاحبت نمودم و برای او از نظر اخلاقی و فضیلت‌های روحی جز اندکی نظیر و مانند نیافتم، برایم حکایت کرد و گفت:

یک بار از زیارت ابی عبد الله 7 به سوی نجف از طریق فرات باز می‌گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج رفت و آمد می‌کرد سوار شدم. مسافران کشتی همه اهل حلّه بودند و می‌خواستند تا طویرج بیایند، از طویرج راه حلّه و نجف از هم جدا می‌شد. آن‌ها را دیدم که به لهو و لعب مشغولند جز یک نفر که همراه آنان بود ولی در کارهای آنان وارد نمی‌شد، نه مزاح می‌کرد و نه می‌خندید و آثار وقار و آرامش در چهره‌اش نمایان بود، همراهانش به مذهب او عیب و ایراد می‌گرفتند و به او طعنه می‌زدند، با این اوصاف با آن‌ها در خورد و خوراک شریک بود. من خیلی تعجب کردم از او و کار او تا آنکه به جایی رسیدیم که به خاطر کمی آب صاحب کشتی ما را از کشتی بیرون کرد و ما در لب نهر راه می‌رفتیم.

اتفاقاً در بین راه رفتن با آن شخص برخورد کردم، از او سؤال کردم درباره دوری گزیدن او از رفقایش و از مذمت و سرزنشی که او را می‌نمایند، در

پاسخ گفت: این‌ها خویشاوندان من از اهل سنت هستند و پدرم از آن‌ها است اما مادرم مؤمنه و شیعه است، من هم پیش از این از آن‌ها یعنی سنّی بودم ولی خداوند تبارک و تعالی بر من منّت نهاد و به برکت حضرت حجّت صاحب عصر و زمان شیعه شدم.

از او دربارهٔ کیفیت تشیع او سؤال کردم و گفتم: چگونه شد که شیعه شدی؟

گفت: اسم من «یاقوت» است و من در کنار پل حلّه روغن می‌فروشم، سالی برای خریدن روغن و جمع آوری آن از بادیه نشین‌ها به خارج حلّه و نواحی آن رفتم، چند منزلی که دور شدم موفق شدم آن مقداری که روغن می‌خواستم تهیه کنم و از آن‌ها بخرم و بر چهارپای خودم آن‌ها را بار کردم و با عدّه‌ای از اهل حلّه بازگشتم، در یکی از منازل فرودآمدیم و آنجا خوابیدیم، وقتی از خواب بیدار شدم دیدم همه رفته‌اند و حتی یک نفر از آن‌ها نمانده است و راه ما در صحرای بی‌آب و علفی بود که درندگان بسیار داشت و در اطراف آن هیچ آبادی نبود مگر بعد از فرسخ‌ها راه.

من از جا برخاستم و روغن‌ها را بر مرکب خویش بار نمودم و از پی آن‌ها روان گردیدم، مقداری که راه رفتم راه را گم کردم و متحیّر و سرگردان در حالی که از درندگان می‌ترسیدم و عطش به من دست داده بود مانده بودم، در آن حال شروع کردم به استغاثه به خلفا و مشایخ و از آن‌ها کمک می‌خواستم که به فریاد من برسند، آن‌ها را نزد خداوند شفیع قرار دادم و زیاد گریه و ناله نمودم امّا هیچ اثری نیافتم و هیچ دریچه رحمتی به رویم گشوده نگشت.

ناگهان به این فکر افتادم و یادم آمد که از مادرم می‌شنیدم، می‌گفت: ما امام زنده‌ای داریم کنیه‌اش اباصالح است او گمگشتگان را راهنمایی می‌کند

و بـه داد درمانـدگان می‌رسـد و ناتوانـان را یـاری می‌نمایـد، با خدا عهـد و پیمان بسـتم کـه اگـر او را بـه فریـاد طلبیـدم و او بـه فریادم رسـید دیـن مـادرم را اختیار نمایـم، بـا آن حـال اضطـرار آن حضـرت را صـدا زدم و اسـتغاثه نمـودم، ناگهـان شـخصی را در کنـار خـود دیـدم کـه بـا مـن راه مـی‌رود و عمامـه سـبز رنگـی به سـر دارد ـ و اشـاره بـه گیاهـان اطـراف نهر نمود و گفت: سـبزی عمامـه همانند سـبزی ایـن گیاهـان بـود ـ . او راه را بـه مـن نشـان دادو دسـتور داد کـه بـه دیـن مـادرم درآیـم[1] و کلماتـی فرمـود کـه آن‌ها را فرامـوش کردم و فرمـود: به همین زودی بـه روسـتایی می‌رسـی کـه همه اهل آن شـیعه هسـتند.

عـرض کـردم: ای سـرور مـن آیا با مـن تـا آن قریه نمی‌آییـد؟ کلماتـی فرمود بـه ایـن مضمـون: نـه نمی‌آیـم زیـرا هـم اکنـون در اطـراف شـهرها هـزار نفـر مرا بـه فریـاد می‌طلبنـد و مـن می‌خواهـم بـه فریـاد آن‌هـا برسـم و آنـگاه از دیدگانـم ناپدیـد گردید.

اندکـی کـه راه رفتـم بـه آن روسـتا رسـیدم در حالـی کـه فاصلـه تا آنجـا زیاد بـود و رفقایـم روز بعـد بـه آن محل رسـیدند،

وقتـی بـه حلّـه وارد شـدم نـزد سـیّد فقهـا سـید مهـدی قزوینی طـاب ثـراه رفتم و قصـه را بـرای او نقـل کـردم و او معالـم دیـن را بـه مـن آموخـت. از او سـؤال کـردم : آیـا ممکـن اسـت یـک بـار دیگـر آن جمـال نورانـی را زیارت کنـم و به دیـدارش مشـرّف شـوم؟ فرمـود: چهل شـب جمعـه حضرت ابـا عبـد الله 7 را زیـارت کن.

مـن به دسـتور ایشـان عمل کردم شـب‌های جمعـه از حلّه به زیـارت حضرت سـید الشـهداء 7 رفتـم تـا یـک شـب جمعه باقـی مانـد، روز پنج شـنبه بـود از

۱. در مصـدر چـاپ شـده عبـارت این گونه اسـت: «سـپس راه را به او نشـان داد و امر فرمود که بـه دین مادرش، درآید» و گمان می کنم تصحیف باشـد، یعنی اشـتباهی از نسّـاخ رخ داده باشـد.

حلّـه بـه کربلا رفتم به دروازه شـهر که رسـیدم عدّه‌ای از اعـوان ظلمه و نیروهای حکومتـی را دیـدم کـه از واردشـوندگان مجـوّز عبـور می‌خواهنـد، من نـه مجوّز داشـتم و نـه قیمـت آن را، متحیّـر مانـده بودم و مـردم ازدحام نمـوده بودند. چند بـار خواسـتم از لا بـه لای جمعیـت بـه صورت مخفـی عبور کنم و نتوانسـتم.

در ایـن هنـگام ناامیـدی ناگهـان مولایـم حضـرت صاحـب الامـر 7 را در لبـاس طلبه‌هـای عجـم در حالـی که عمّامه‌ای سـفید بر سـر داشـت داخل شـهر مشـاهده کـردم، بـه او اسـتغاثه نمـودم و در دل از او یـاری خواسـتم، در آن حال بیـرون آمدنـد و دسـت مـرا گرفتنـد و از دروازه وارد نمودنـد بـدون اینکـه حتـی یـک نفـر از آن‌هـا ببیننـد، وقتـی داخـل شـهر شـدم آن حضـرت در میـان مـردم ناپدیـد گردیـد و دیگـر او را ندیـدم و در فراقـش حیـران و سـرگردان مانـدم.[1]

زیارت آن حضرت علیه‌السلام از راه دور در روز جمعه

سلیمان بن عیسی از پدرش نقل کرده است که گفت:

به امام صادق 7 عرض کردم: شما را چگونه زیارت کنم هنگامی که قدرت بر آمدن ندارم؟

امام 7 فرمودند: ای عیسی، وقتی نمی‌توانی بیایی روز جمعه که فرارسید غسل کن یا وضو بگیر و بالای بام برو و دو رکعت نماز بخوان، آن‌گاه به سوی من توجه کن، همانا کسی که مرا در زمان حیات زیارت‌کند گویا در هنگام ممات زیارت‌کرده و کسی که در حال ممات زیارت‌کند گویا در حال حیات زیارت کرده است.[2]

---

۱. نجم الثاقب: ص۷۱۹، جنة المأوی: ص۱۲۶

۲. کامل الزیارات: ص۴۸۲ ح۴.

این خبر بر صحت زیارت مولا حضرت ابا عبد الله الحسین 7 در روز جمعه، و از راه دور دلالت می‌کند، همان طور که دلالت می‌کند بر اینکه زیارت امام در حال حیات جایز است به این شکل که گفته شد،

بنابراین این حدیث، می‌تواند سندی باشد برای زیارت امام عصر قائم آل محمّد : در هر مکانی که بخواهند. و پس محبین امام عصر می‌توانند در روز جمعه که توقع ظهور حضرت حجّة بن الحسن 8 در آن است، با طهارت باطنی وظاهری رو به سوی سرّ من رأی نمایند و امام حیِّ خود را زیارت کنند و به یاد آن حضرت 7 ـ که خداوند در فرج و ظهور او تعجیل فرماید ـ شرافت حاصل نمایند.

ما زیارتی را که اختصاص به شب و روز جمعه داشته باشد نیافتیم و آنچه شیخ 1 در مصباح المتهجّد ذکر کرده از زیارات مطلقه است.

۱۴۰

(۱) زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز دوشنبه

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، أَشْهَدُ اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلاٰةَ

سلام بر تو ای پسر سرور زنان عالمیان، گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات

وَآتَيْتَ الزَّكَوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ

پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی و از بدی‌ها نهی نمودی، و خدا را خالصانه عبادت کردی و

مُخْلِصاً وَجاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ.

در راه خدا آن گونه که شایسته است جهاد کردی تا آنکه دار فانی را ودع نمودی.

فَعَلَيْكَ السَّلٰامُ مِنِّي مٰا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهٰارُ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ

بر تو باد سلام از طرف من تا مادامی که باقی هستم و شب و روز باقی است و سلام بر اهل بیت

الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ.

پاک و مطهّرت.

أَنٰا يٰا مَوْلاٰيَ مَوْلىً لَكَ وَ لِآلِ بَيْتِكَ، سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ وَحَرْبٌ

من ای مولای من غلام شما و خاندان شمایم، با آنکه با شما در سازش است در سازشم و با آنکه

لِمَنْ حارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ وَظٰاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، لَعَنَ اللّٰهُ

با شما در جنگ است در جنگم، به پنهان شما و آشکار شما و به ظاهر شما و باطن شما مؤمنم،

اَعْداءَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، وَاَنَا أَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ تَعٰالىٰ مِنْهُمْ.

خداوند دشمنان شما را از اولین و آخرین لعنت کند و من به درگاه ربوبی از آنان بیزاری می‌جویم.

يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَبٰا مُحَمَّدٍ، يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، هٰذَا يَوْمُ الْاِثْنَيْنِ وَهُوَ

ای مولای من ای ابا محمّد و ای مولای من ای ابا عبد الله، امروز روز دوشنبه است و آن روز شما

يَوْمُكُمٰا وَبِاسْمِكُمٰا، وَاَنَا فِيهِ ضَيْفُكُمٰا، فَأَضِيفٰانِي وَاَحْسِنٰا ضِيٰافَتِي،

و به نام شما است، و من در آن میهمان شایم، پس مرا ضیافت نمایید و نیکوضیافت نمایید که شما

فَنِعْمَ مَنِ اسْتُضِيفَ بِهِ اَنْتُمٰا وَأَنَا فِيهِ مِنْ جِوٰارِكُمٰا فَأَجِيرٰانِي، فَإِنَّكُمٰا

بهترین کسی هستید که میهمان شما شوند، و من امروز پناهنده به شما هستم مرا پناه دهید، همانا شما

مَأْمُورٰانِ بِالضِّيٰافَةِ وَالْاِجٰارَةِ فَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمٰا وَآلِكُمَا الطَّيِّبِينَ.[1]

(از طرف خداوند) مأمور به ضیافت و پناه دادن هستید، درود خدا بر شما و خاندان پاک شما باد.

۱. جمال الاسبوع: ص۳۹، مفتاح الجنات: ۵۲۴/۲.

(۲) درود و سلام فرستادن بر آن حضرت علیه‌السلام، در روز دوشنبه

درود و سلام بر دومین سرور (از دو سرور جوانان اهل بهشت) حضرت ابا عبد الله الحسین 7 :

اَلسَّلاٰمُ عَلَى السَّيِّدِ [الكَريمِ] الشَّهِيدِ، وَالسِّبْطِ السَّعِيدِ أَبِي الْأَئِمَّةِ،

سلام بر آقای [کریم] شهید وسبط سعید، پدر ائمّه طاهرین

وَ ابْنِ خَيْرِ نِسٰاءِ الْأُمَّةِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا سَيِّدِي يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ

و پسر بهرین بانوان امت، سلام بر تو ای سررو من ای ابا عبد الله

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

و رحمت خدا و برکات او بر تو.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمٰامِ الْمَظْلُومِ الْمَقْتُولِ، السَّيِّدِ سِبْطِ الرَّسُولِ،

خداوندا درود فرست بر امام ستمدیده کشته شده، سروری که سبط رسول است

وَابْنِ الْبَتُولِ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، ابْنِ الْوَصِيِّ الْوَزِيرِ، الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ،

و پسر بتول، بشارت دهنده و بیم دهنده، پسر وصی و وزیر (رسول خدا 9) حضرت حسین بن علی 8 ،

الزّاكِي الْوَلِيِّ، سَيِّدِ شَبٰابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِمٰامِ الْهُدىٰ وَأَهْلِ السُّنَّةِ،

مایه رستگاری و رشد و صاحب ولایت، سرور جوانان اهل بهشت و پیشوای هدایت و اهل سنّت،

الْقٰائِدِ الرّائِدِ، وَالْعٰابِدِ الزّاهِدِ، وَالرّاشِدِ الْمُجٰاهِدِ، كَمٰا عَمِلَ بِطاعَتِكَ،

زمامدار، راهنما، عابد، زاهد، ارشاد کننده و مجاهد، او به اطاعت تو عمل کرده و از معصیت تو

وَنَهىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبٰالَغَ في رِضْوٰانِكَ وَأَقْبَلَ عَلىٰ إِيمٰانِكَ، قاتَلَ

نهی نموده و تلاش فراوان در راه رضای تو نموده و بر ایمان تو روی آورده است. با دشمن تو به صورت

فِيـكَ عَـدُوَّكَ عَلاٰنِيَةً وَسِـرّاً، يَدْعُو الْعِبـادَ إِلَيْـكَ، وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْـكَ، قائِماً

آشکار و پنهان نبرد نموده و بندگان را به سوی تو فراخوانده و بر تو دلالت نموده و در پیشگاهت

بَيْـنَ يَدَيْـكَ، يَهْـدِمُ الْجَوْرَ بِالصَّـوابِ، وَيُحْيِي السُّـنَّةَ وَالْكِتـابَ، فَعاشَ

قیام فرموده، جور و بیداد را به آنچه صحیح است نابود کرده و سنّت و کتاب را احیا نموده است، در طریق رضا و

فِـي رِضْوانِـكَ مَكْـدُوداً، وَمـاتَ فِـي أَوْلِيائِـكَ مَحْمُـوداً، وَمَضـىٰ إِلَيْكَ

خشنودی تو با سختی و تعب زیست نموده و در زمرهٔ اولیائت در حالی که ستوده است دنیا را وداع نموده، و به سوی

شَـهِيداً، لَـمْ يَعْصِكَ فِي لَيْـلٍ وَلاٰ نَهارٍ وَجاهَـدَ فِيكَ الْمُنافِقِيـنَ وَالْكُفّارَ.

تو شهید آمده است، هرگز نه در شب و نه در روز نافرمانی تو ننموده و در راه تو با منافقین و کفار جهاد کرده است.

فَاجْـزِهِ اللَّهُـمَّ عَـنِ الْاِسْـلامِ وَ أَهْلِـهِ خَيْـرَ الْجَـزاءِ، وَضاعِـفْ لِقاتِلِهِ

خداوندا از اسلام و اهل آن بهترین جزا و پاداش را به او بده و برای قاتلش عذاب را مضاعف

الْعَـذابَ، وَشَـرَّ الْمَـأْوىٰ، فَقَـدْ قاتَـلَ كَرِيمـاً، وَقُتِـلَ مَظْلُومـاً، وَمَضـىٰ

گردان و بدترین جایگاه را به او بده، کریمانهٔ قتال نمود و مظلومانه کشته شد و مرحوم گشت،

مَرْحُومـاً، يَقُـولُ أَنَـا ابْـنُ رَسُـولِ اللَّـهِ مُحَمَّـدٍ، وَابْـنِ مَـنْ زَكّـىٰ وَعَبَـدَ،

در حالی که می‌گفت: من فرزند رسول خدا محمّدم و فرزند کسی که زکات داد و پرستش خدا

فَقَتَلُـوهُ بِالْعَمْـدِ الْمُتَعَمِّـدِ، وَقاتَلُـوهُ عَلَـى الْاِيمـانِ، وَأَطاعُـوا فِـي قَتْلِـهِ

نمود، او را از روی عمد کشتند و بر اساس نداشتن ایمان با او جنگیدند و در قتل او شیطان را اطاعت

الشَّـيْطانَ، وَلَـمْ يُراقِبُوا فِيـهِ الرَّحْمٰنَ، فَصَلِّ عَلَيْـهِ اللَّهُمَّ صَلَواتٍ تُشَـرِّفُ

کردند و خدای رحمان را رعایت ننمودند، خداوندا بر او درود فرست درودی که باعث ترفیع مقام او

بِهـا مَقامَـهُ، وَتُضاعِفُ بِهـا إِكْرامَهُ، وَتُعَظِّمُ بِهـا أَمْرَهُ، وَتُعَجِّـلُ بِهـا نَصْرَهُ.

گردد و اکرام او را مضاعف گرداند، درودی که با آن امر او تعظیم، و نصرت و یاری او تعجیل شود.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلـىٰ آلِ مُحَمَّـدٍ، وَخُصَّـهُ بِأَفْضَلِ قِسَـمِ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و او را اختصاص بده به برترین قسم فضائل و

الْفَضائِلِ، وَبَلِّغْهُ أَشْرَفَ الْمَنازِلِ، وَأَعْطِهِ شَرَفَ الْمُكَرَّمِينَ، وَارْفَعْهُ

او را برسان به شریف‌ترین جایگاه، و او را عطا کن شرافت بزرگواران و گرامیان، و او را بالا ببر به

بِرَحْمَتِكَ فِي الْمُقَرَّبِينَ، فِي الرَّفِيعِ الْأَعْلىٰ، فِي أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ، وَبَلِّغْهُ

رحمتت در مقربان، در رفیع اعلی، در اعلی علیّین که بالاترین مقام بهشتیان است، و برسان او را

الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ الرَّفِيعَةَ[1] الْخَطِيرَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْفَضِيلَةَ،

به آن درجه عظیم و جایگاه رفیع بسیار ارزشمند و با فضیلت

وَالْكَرامَةَ الْجَلِيلَةَ، وَاجْزِهِ عَنّا خَيْرَ ما جازَيْتَ إِماماً عَنْ رَعِيَّتِهِ وَرَسُولاً

و کرامت والا، و از طرف ما پاداش بده او را بهترین پاداشی که امامی را از طرف رعیتش، و رسولی را

عَنْ أُمَّتِهِ، وَبَلِّغْهُ مِنّا أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ، وَارْدُدْ عَلَيْنا التَّحِيَّةَ

از طرف امّتش؛ مرحمت می‌کنی، و از طرف ما بهترین سلام و تحیت را به او برسان و بر ما پاسخ آن

وَالسَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

تحیت و سلام را بازگردان، و سلام بر او و رحمت خدا و برکات او.

ظاهراً این زیارت اختصاص به روز دوشنبه دارد زیرا علّامه مجلسی 1 آن را در زیارات ائمه : در روزهای هفته که اختصاص به ایشان دارد نقل کرده است.[2]

۱. «الرفعة»، خ.

۲. بحارالانوار: ۲۲۱/۱۰۲.

[باب هشتم]

فصل دوم

در زیارت‌هایی که متعلق به ماه‌ها است

زیارت امام حسین 7 در ماه محرم الحرام

شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجّد گوید: محرّم آخرین ماه حرام است، حرمت آن عظیم بوده است در جاهلیت و در اسلام، در اولین روز آن خداوند تبارک و تعالی دعای حضرت زکریا را به اجابت رسانده، در سومین روز آن یوسف از چاه رهایی یافته بنابر آنچه در اخبار روایت شده، در پنجمین روز آن موسی بن عمران 7 از دریا عبور کرده، در هفتمین روز آن خداوند در کوه طور با موسی سخن گفته، در نهمین روز آن خداوند تعالی یونس را از شکم ماهی خارج فرموده، و در دهمین روز آن قتل حضرت سید الشهداء حسین بن علی بن ابی طالب : اتفاق افتاده است.

در این روز دهم زیارت آن حضرت مستحب است و روزه ده روزه آن مستحب است، در روز دهم از خوراکی و آشامیدنی تا هنگام عصر امساک باید کرد و آنگاه اندکی از تربت تناول نمود، در روز عاشورا احزان آل محمّد : تجدید می‌شود، مستحب است که از خوشی‌ها و لذت‌ها

اجتناب شود و تا بعد از عصر همان طور که گفتیم اقامه عزا نماییم و به سوگ بنشینیم.

شیخ مفید 1 در کتاب مزار از زید شحام و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که قبر مبارک حضرت ابا عبد الله حسین بن علی 8 را در روز عاشورا با معرفت حقّ آن حضرت زیارت کند مانند آن است که خداوند عزیز و بلند مرتبه را در عرش زیارت نموده باشد.

جابر جعفی از امام صادق 7 روایت کرده که فرمودند:

کسی که در شب عاشورا کنار قبر امام حسین 7 بیتوته کند خدا را ملاقات خواهد کرد در حالی که به خون خویش آلوده باشد، گویا همراه امام حسین 7 کشته شده است.

و فرمودند:

کسی که قبر مطهّر حضرت ابا عبد الله 7 را در روز عاشورا زیارت کند و نزد آن بیتوته کند مانند کسی است که در پیش روی او به شهادت رسیده است.

حریز از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که امام حسین 7 را در روز عاشورا زیارت کند بهشت برای او واجب گردد.[1]

۱. مزار مفید: ص۵۱، مزار کبیر: ص۳۵۱، مصباح المتهجد: ص۷۷۱، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۰۴ ح۸.

(۳) زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا

کفعمی 1 در بلد الامین گوید: از افضل اعمال خواندن زیارت عاشورا است از نزدیک یا دور، و از امام باقر 7 روایت شده است که فرمودند:

کسی که بخواهد در روز عاشورا زیارت کند و دور باشد، باید به صحرا رود یا به محلّ مرتفعی در خانه‌اش بالا رود و اشاره کند به امام 7 با سلام، و در نفرین بر قاتل آن حضرت تلاش نماید. سپس دو رکعت نماز بخواند و آن قبل از زوال خورشید باشد، آنگاه گریه و ناله کند در مصائب امام حسین 7 و کسانی را که در خانه‌اش هستند و از آن‌ها تقیه نمی‌کند، به گریه کردن در عزای آن حضرت سفارش کند، و با حاضرین با اظهار جزع، اقامه عزا و سوگواری نماید، و هر کدام دیگری را در این مصیبت تسلیت دهد و بگوید:

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ 7 ، وَجَعَلَنا وَإِيّاكُمْ مِنَ

خداوند اجر و پاداش ما را در عزای امام حسین 7 بزرگ گرداند و ما و شما را از خوانخواهان

الطّالِبِينَ بِثارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ : .

او همراه ولیّش حضرت صاحب الامر امام مهدی از آل محمّد : قرار دهد.

وقتی آن دو رکعت نمازی که ذکر شد به جای آوردی صد مرتبه «**اَللّهُ اَکبَرُ**» بگو، سپس به سوی آن حضرت اشاره کن و بگو: ....[1]

۱. منظور «زیارت عاشورا» است که در ادامه آورده می شود، بلدالامین: ص۳۸۲.

در مـزار شـهید نیـز آمـده اسـت: زیـارت روز عاشـورا پیـش از زوال اسـت از نزدیـک یـا دور، وقتـی اراده کـردی زیـارت کنـی اشـاره می‌کنـی بـه سـوی او با سـلام، و کوشـش فـراوان می‌کنـی در نفریـن بـر قاتـلان آن حضـرت و هنـگام اشـاره کردن بگـو: ....

صاحـب مفتـاح الجنّـات نیـز گویـد: کیفیـت زیـارت از دور یـا نزدیـک ایـن اسـت کـه: اشـاره کنـی بـه سـوی آن حضـرت با سـلام، اگـر از راه دور اسـت ـ و ظاهـر ایـن اسـت کـه مـراد به اشـاره بـه سـوی آن حضرت با سـلام، این اسـت کـه بـه سـمت زیارتـگاه شـریف آن حضـرت توجـه کنـی ـ سـپس دو رکعـت نمـاز زیـارت بخوانـی اگـر از راه دور اسـت ـ زیـرا روایـت شـده کـه اگـر از راه دور زیـارت می‌کنـی نمـاز زیـارت را پیـش از زیـارت انجـام می‌دهـی و اگـر از نزدیـک اسـت بعـد از زیـارت بجا مـی‌آوری ـ و اینکـه در زیـارت از راه دور، بر پشـت بـام خانـه یا در صحرا باشـی، و اینکه حضرت امیرالمؤمنیـن 7 را پیش از زیـارت امـام حسـین 7 زیارت کنـی، از راه دور باشـد یا نزدیک، زیرا شـیخ 1 در مصبـاح وقتـی زیـارت عاشـورا را ذکر می‌کنـد از محمّد بن خلف طیالسـی و او از سـیف بـن عمیـره روایـت می‌کنـد کـه گفت:

بـا صفـوان و عـدّه‌ای از اصحـاب بـه غـری رفتیـم بعـد از آنکه حضـرت امام صـادق 7 رفتـه بودنـد، و هنگامـی کـه از زیـارت امیرالمؤمنین 7 فارغ شـدیم صفـوان روی خـود بـه سـوی کربـلا کـرد و گفـت: امـام حسـین 7 را از ایـن مـکان، از بالای سـر مبارک حضـرت امیرالمؤمنین 7 ، زیـارت کنید، و گفت: بـا آقـای خود امـام صادق 7 بـودم، آن حضرت به همین نحو زیـارت فرمودند. آنـگاه صفـوان زیارتـی را که علقمـة بن محمّـد حضرمی از امام باقـر 7 در روز عاشـورا روایـت کرده خواند، سـپس بالای سـر امیرالمؤمنیـن 7 دو رکعت نماز خواند و با امیرالمؤمنین 7 وداع کرد، و سـپس به سـوی امام حسـین 7 اشـاره

کـرد بـا سـلام در حالی کـه روی به آن جهـت نموده بـود و آنـگاه وداع کرد.[1]

پـس اگـر خواسـتی زیـارت عاشـورا انجـام دهـی و دو رکعـت نمـاز خواندی اگـر زیارتـت از راه دور اسـت بهتـر آن اسـت کـه بعـد از آن دو رکعـت نمـاز، ابتـدا حضـرت امیرالمؤمنیـن 7 را زیـارت کنـی و سـپس امـام حسـین 7 را، مخصوصـاً اگـر در حـرم امیرالمؤمنیـن 7 باشـی. پـس ابتـدا امیرالمؤمنیـن 7 را زیـارت می کنـی (بـه زیـارت امیـن الله یـا زیارت دیگـر...) و چـون از زیارت حضـرت امیرالمؤمنیـن 7 فـارغ شـدی رو بـه سـمت قبـر مطهـر حضـرت سـید الشـهداء 7 کـن و آن حضـرت را زیـارت نما... و اگر در حـرم مطهر حضرت امیرالمؤمنیـن 7 هسـتی از بـالای سـر مبـارک آن حضـرت، امـام حسـین 7 را زیـارت کـن، و اگـر در کربـلا هسـتی رو بـه قبـر شـریف آن حضـرت کن.

وکفعمـی 1 در مصباح[2] گفته اسـت: وقتی دو رکعـت نماز مذکور را بجای آوردی صد مرتبه الله اکبر بگو و آنگاه اشاره کن به سوی آن حضرت و بگو:...[3]

[و در کامـل الزیـارات روایـت شـده اسـت کـه] علقمـة بن محمّـد حضرمی گفتـه اسـت: بـه امام باقـر 7 عـرض کردم:

به من دعایی یاد دهید که در آن روز آن را بخوانم وقتی از نزدیک آن حضرت را زیـارت نمایـم و دعایـی تعلیـم فرماییـد وقتـی زیارتـم از نزدیک نباشـد بلکه از راه دور و از خانـه‌ام بخواهـم زیـارت کنـم، آن را بخوانـم. امـام 7 فرمودنـد:

> ای علقمه، وقتی دو رکعت نماز خواندی بعد از آنکه اشاره نمودی به سوی آن حضرت با سلام، و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعا و زیارت را ـ که شرحش را برایت می‌گویم ـ خواندی، دعا کرده‌ای به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعا

۱. مصباح المتهجد: ۷۷۷/۲.
۲. مصباح کفعمی: ص۴۸۳.
۳. منظور «زیارت عاشورا» است که در ادامه آورده می شود، مفتاح الجنات: ۶۱۴/۲.

کرده‌اند، و خداوند به خاطر آن برایت هزار هزار حسنه نویسد و هزار هزار گناه را محو نماید و صدهزار هزار درجه مقامت را بالا برد و همانند کسانی باشی که با حسین بن علی 8 به شهادت رسیده‌اند و تو را در درجات آنان قرار دهد، و شناخته نشوی مگر در زمره شهیدانی که با آن حضرت شهید شده‌اند، و بنویسد برایت ثواب هر پیامبر و رسول را، و زیارت هر کسی را که از زمان شهادت امام حسین 7 آن حضرت را زیارت نموده است.

زیارت عاشورا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَاعَبْدِاللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای ابا عبداللّه، سلام بر تو ای پسر رسول خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر سرور اوصیا، سلام بر تو،

يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ،

ای پسر حضرت فاطمه، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو، ای خون خدا، و پسر خون خدا، و خونی

وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ،

که به ناحق ریخته شده و تاکنون انتقامش گرفته نشده، سلام بر تو و بر روان‌های پاکی که در آستان

عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللَّهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

تو آرمیدند، من، بر تمامی شما، سلام الهی را ـ تا زنده‌ام و تا شب و روز باقی است ـ نثار می‌کنم.

يا أَبَاعَبْدِاللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ

ای ابا عبداللّه، به راستی که سوگ تو بسیار بزرگ بود، و مصیبت تو بر ما و بر تمام مسلمانان

بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ

بسیار گران و سنگین و بزرگ است، و مصیبت تو در آسمان‌ها بر تمام اهل آسمان‌ها بزرگ و گران

فِي السَّمٰاوٰاتِ عَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمٰاوٰاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ

آمد، پس خدا لعنت کند مردمی را که پایه ستم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند، و خدا لعنت

أَسٰاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ

کند مردمی را که شما را از جایگاه‌تان دور کردند، و از مرتبه‌ها و درجاتی که خداوند، شما را در آن

عَنْ مَقٰامِكُمْ، وَأَزٰالَتْكُمْ عَنْ مَرٰاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهٰا، وَلَعَنَ

مرتبه‌ها قرار داده بود، راندند، و خداوند لعنت کند کسانی را که شما را کشتند، و خدا لعنت کند کسانی

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتٰالِكُمْ،

را که زمینهٔ جنگ را برای دشمنان با قادر ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند، من به سوی خدا

بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيٰاعِهِمْ وَأَتْبٰاعِهِمْ وَ أَوْلِيٰائِهِمْ.

و شما از آنان، و از پیروان آن‌ها، و دنباله‌روان آن‌ها، و دوستان و موالیان آن‌ها بیزاری می‌جویم.

يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ

ای اباعبداللّٰه، من، نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و با کسانی که به جنگ شما

إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيٰادٍ وَآلَ مَرْوٰانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ

برخیزند، سر جنگ دارم تا روز قیامت. و خدا لعنت کند آل زیاد، و آل مروان را، و خدا لعنت کند تمام افراد

قٰاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجٰانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ

خاندان بنی امیّه را، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را، و خدا لعنت کند عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر

شِمْراً، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتٰالِكَ.

را، و خدا لعنت کند مردمی را که اسب‌ها را زین کردند و لجام زدند، و نقاب زدند تا با تو بجنگند.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصٰابِي بِكَ، فَأَسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ

پدر و مادرم فدایت، به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است ؛ پس از خداوند، که مقام و

مَقٰامَكَ، وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثٰارِكَ مَعَ إِمٰامٍ مَنْصُورٍ مِنْ

منزلت تو را ارجمند ساخت، و مرا نیز به واسطهٔ تو گرامی داشت؛ درخواست می‌کنم که را خون‌خواهی تو

أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ

به همراه امام پیروزمندی از اهل بیت محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ نصیبم سازد. خدایا، مرا نزد

وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ.

خودت به واسطهٔ امام حسین ـ که سلام بر او باد ـ در دنیا و آخرت، آبرومند قرار بده.

يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلىٰ رَسُولِهِ وَ إِلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ

ای ابا عبداللّه، من به درگاه خدا و رسولش و امیر مؤمنان و فاطمهٔ زهرا و امام حسن و تو،

وَ إِلىٰ فاٰطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُوالاٰتِكَ، وَبِالْبَرٰائَةِ مِمَّنْ قاتَلَكَ

خود را نزدیک می‌سازم با دوستی و موالات تو، و نیز با بیزاری جستن از نبرد کنندگان و برپا

وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَبِالْبَرٰائَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساٰسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ

کنندگان آتش جنگ علیه تو؛ و نیز با بیزاری از هر کسی که پایه ستم و جور به شما را بنا

عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَءُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلىٰ رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساٰسَ ذٰلِكَ،

نهاد. و به خدا و رسولش بیزاری خود را اعلام می‌دارم از کسی که پایه این کارها را بنا نهاد،

وَبَنىٰ عَلَيْهِ بُنْيانَهُ، وَجَرىٰ فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَشْياٰعِكُمْ.

و بنیان خویش را بر آن بنا نهاد، و ستم و جور خود را بر شما و شیعیان شما روا داشت.

بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوالاٰتِكُمْ

به خدا و نیز به شما بیزاری خود را از آنان اعلام می‌کنم. و به خدا و سپس به شما تقرّب می‌جویم، با دوستی شما

وَمُوالاٰةِ وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبَرٰائَةِ مِنْ أَعْداٰئِكُمْ وَالنّاصِبِينَ لَكُمُ الْحَرْبَ،

و دوستی دوستان شما، و نیز با بیزاری جستن از دشمنان شما و کسانی که جنگ را علیه شما برپا کردند، و با بیزاری

وَبِالْبَرٰائَةِ مِنْ أَشْياٰعِهِمْ وَأَتْباٰعِهِمْ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ ساٰلَمَكُمْ، وَحَرْبٌ

از پیروان‌شان و دنباله‌روان آنها. من با کسانی که با شما سازش دارند سازش دارم، و سر جنگ دارم با هر که با

لِمَنْ حاٰرَبَكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاٰكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاٰداكُمْ.

شما جنگ دارد، و دوستم باهرکه با شما دوستی کند، و دشمنم با هرکه با شما دشمنی می‌کند.

فَأَسْـئَلُ اللَّـهَ الَّـذِي أَكْرَمَنِـي بِمَعْرِفَتِكُـمْ وَمَعْرِفَـةِ أَوْلِيائِكُـمْ، وَرَزَقَنِـي

بدین‌سان، از خداوند ـ که با شناخت شما و اولیای شما بر من ارج نهاده، و بیزار بودن از دشمنان‌تان

الْبَرائَـةَ مِـنْ أَعْدائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِـي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَـبِّتَ

را نصیبم ساخته است ـ درخواست می‌کنم تا در دنیا و آخرت، مرا با شما قرار دهد، و قدم راستی و

لِـي عِنْدَكُـمْ قَدَمَ صِـدْقٍ فِـي الدُّنْيـا وَالْآخِرَةِ.

درستی نزد شما را در دنیا و آخرت برایم ثابت و استوار گرداند.

وَأَسْـئَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِـي الْمَقـامَ الْمَحْمُـودَ لَكُـمْ عِنْـدَ اللَّـهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِـي

و نیز درخواست می‌کنم مرا به جایگاه پسندیده‌ای که شما نزد خدا دارید برساند، و خون‌خواهی را

طَلَـبَ ثـارِي مَعَ إِمـامٍ مَهْـدِيٍّ ظاهِـرٍ ناطِقٍ بِالْحَـقِّ مِنْكُـمْ، وَأَسْـئَلُ اللَّهَ

همراه امام هدایت‌گری از شما که آشکار و گوینده به حق است، نصیبم سازد. و از خدا درخواست می‌کنم

بِحَقِّكُـمْ، وَبِالشَّـأْنِ الَّذي لَكُـمْ عِنْـدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابِي بِكُـمْ أَفْضَلَ

به حقّ شما و به منزلتی که در پیشگاه او دارید، به واسطهٔ این که مصیبتی که به جهت شما به من رسیده،

مـا يُعْطِـي مُصابـاً بِمُصِيبَتِـهِ مُصِيبَـةً مـا أَعْظَمَهـا وَأَعْظَـمَ رَزِيَّتَهـا فِـي

پرارزش‌ترین ثوابی را که به مصیبت‌زدگان می‌دهد، عطایم کند، مصیبتی که چه بسیار بزرگ بود، و سوگی

الْإِسْـلامِ وَفِـي جَمِيـعِ السَّـماواتِ وَالْأَرَضِ.

که در اسلام و در تمام آسمان‌ها و زمین، گران تمام شده است.

أَللَّهُـمَّ اجْعَلْنِـي فـي مَقامِـي هٰـذا مِمَّنْ تَنالُـهُ مِنْـكَ صَلَـواتٌ وَرَحْمَةٌ

بارالها، در این جایگاهی که هستم، مرا از کسانی قرار ده که درودها و رحمت و آمرزش

وَمَغْفِـرَةٌ. أَللَّهُـمَّ اجْعَـلْ مَحْيـايَ مَحْيـا مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَمَماتِـي

تو، به ایشان می‌رسد. بار الها، زندگی مرا همانند زندگی محمّد و آل محمّد و مرگ مرا

مَمـاتَ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ.

همانند مرگ محمّد و آل محمّد قرار بده.

أَللَّهُمَّ إِنَّ هٰذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُواُمَيَّةَ، وَابْنُ آكِلَةِ الْاَكْبَادِ اللَّعِينُ

بار الها، امروز، روزی است که بنی اُمیّه و پسر آن زن جگر خواره (هنده) آن را مبارک شمردند؛

بْنُ اللَّعِينِ عَلىٰ لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ

همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده بر زبان تو و بر زبان پیامبرت که درود خدا بر او و آل او باد،

مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

در هر جا که توقف کرد و جای گرفت پیامبر تو ـ درود خدا بر او و آل او باد ـ

أَللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَاسُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ

بار الها، ابوسفیان، معاویه و یزید را لعنت کن، از سوی تو لعنت تا ابد و همیشه بر آن‌ها باد.

اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْاٰبِدِينَ، وَهٰذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ

و امروز روزی است که آل زیاد و آل مروان خوشحال شدند که توانسته‌اند حسین ـ که درودهای خدا

الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. أَللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ

بر او باد ـ را به قتل برسانند. خدایا، به این خاطر، لعنت و عذاب دردناکت را بر ایشان چند برابر کن.

وَالْعَذَابَ الْاَلِيمَ. أَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ، وَفِي

بار الها، به راستی که من در این روز (عاشورا)، و در این جایگاه، و در تمام روزهای زندگانیم، با بیزاری جستن

مَوْقِفِي هٰذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَائَةِ مِنْهُمْ، وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَبِالْمُوَالَاتِ

از این دشمنان، و لعنت فرستادن بر ایشان، و با دوستی و موالات پیامبرت و آل پیامبرت ـ که بر او و بر ایشان

لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

درود باد ـ، به تو تقرّب می‌جویم و به درگاهت نزدیک می‌شوم.

سپس صد مرتبه بگویید: أَللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ

بارالها، اوّلین کسی را که در حقّ محمّد و آل محمّد ستم روا

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ. أَللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ

داشت، و آخرین فردی که در این ستم از او پیروی کرد، لعنت کن، خدایا، جماعتی را که به نبرد با حسین

الَّتِي جاٰهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَشاٰيَعَتْ وَباٰيَعَتْ وَتاٰبَعَتْ عَلىٰ قَتْلِهِ.

علیه السلام پرداخت، و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی، بیعت و دنباله‌روی کردند، لعنت

أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً.

کن. خدایا، همه آن‌ها را لعنت کن.

سپس صد مرتبه بگویید: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَباٰعَبْدِاللّٰهِ، وَعَلَى الْاَرْواٰحِ

سلام بر تو ای اباعبداللّٰه، و بر جان‌ها و روان‌هایی

الَّتِي حَلَّتْ بِفِناٰئِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلاٰمُ اللّٰهِ أَبَداً ماٰ بَقِيتُ وَبَقِيَ

که در آستانت آرمیدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم و

اللَّيْلُ وَالنَّهاٰرُ، وَلاٰ جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِياٰرَتِكُمْ، اَلسَّلاٰمُ

شب و روز باقی است. خدا این زیارت را آخرین زیارتم از شما قرار ندهد، سلام

عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَوْلاٰدِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ

بر حسین و بر علیّ بن الحسین و بر فرزندان حسین، و بر

أَصْحاٰبِ الْحُسَيْنِ.

یاران حسین.

آنگاه بگویید: أَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظاٰلِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ

بارالها، اوّلین ظالم و ستمکار را به لعنت من گرفتار کن، و

بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الْعَنِ الثّانِيَ وَالثّالِثَ وَالرّابِعَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خاٰمِساً،

این لعنت را ابتدا بر اوّلی، سپس دوّمی و سوّمی و چهارمی بفرست. خدایا یزید را به عنوان

وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِياٰدٍ وَابْنَ مَرْجاٰنَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ

پنجمین نفرشان لعنت کن، و عبیداللّٰه فرزند زیاد، و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر،

أَبِي سُفْياٰنَ وَآلَ زِياٰدٍ وَآلَ مَرْواٰنَ إِلىٰ يَوْمِ الْقِياٰمَةِ.

و آل ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن.

سپس به سجده برویید، و بگویید:

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاكِرِينَ لَكَ عَلىٰ مُصابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

بار الها، ستایش برای توست، آن ستایشی که شکرگزاران بر مصیبت‌های‌شان نسبت به تو دارند، ستایش برای

عَلىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي. أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبِّتْ

خداست در این مصیبت بزرگ من. بار الها، شفاعت امام حسین‌علیه السلام را هنگام ورود به صحنهٔ قیامت

لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحابِ الْحُسَيْنِ، اَلَّذِينَ بَذَلُوا

نصیبم کن، و گام صادقانه را برای من با امام حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن، همان‌هایی

مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ.[1]

که جان‌شان را به پای امام حسین ـ که درود بر او باد ـ ریختند.

---

۱. کامل الزیارات: ص۳۲۸ ح۹، مزار شهید: ص۲۰۳، بلدالامین: ص۳۸۲، مصباح المتهجد: ص۷۷۳.

۲. علّامهٔ امینی رضوان الله علیه می‌فرماید : علّامه مولی شریف شیروانی در کتاب «الصدف ج ۲ ص ۱۹۹» از مشایخ و اساتید بزرگوارش با ذکر سند از امام هادی 7 روایت کرده است که آن حضرت فرمود :

هر کس این لعن زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید : أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً، مانند کسی است که صد مرتبه لعن کرده است.

هر کس این سلام زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یك مرتبه بگوید : اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلى عَلِيِّ‌بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلى أَوْلادِ الْحُسَيْنِ وَعَلى أَصْحابِ الْحُسَيْنِ تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً، مانند کسی است که صد مرتبه سلام را از اوّل تا آخر به طور کامل خوانده است. (أدب الزائر : ۶۰)

در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنیم :

الف) پس از آن که یک مرتبه لعن را کاملاً گفت، یک مرتبه بگوید : أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً، و پس از آن، تمام سلام را بخواند و یک مرتبه بگوید : اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلى... تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً.

ب) یا پس از آن که یک مرتبه لعن را کامل گفت، نود و نه مرتبه بگوید : أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً و پس از آن که یك مرتبه سلام را به طور کامل گفت، نود و نه مرتبه بگوید : اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلى... أَصْحابِ الْحُسَيْنِ.

احتمال اوّل ظاهرتر است و مانند آن در روایات وارد شده است ؛ نظیر جریان حضرت نوح 7 ، وقتی

در کتـاب بلـد الامیـن آمـده اسـت کـه: سـپس دو رکعـت نمـاز زیـارت بخـوان و بعـد از آن بگـو:

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي لَـكَ صَلَّيْـتُ، وَلَـكَ رَكَعْـتُ، وَلَـكَ سَـجَدْتُ، وَحْـدَكَ

خداوندا همانا من برای تو نمازگذاردم و برای تو رکوع و سجده نمودم، تو یکتایی و

لاٰ شَـرِيكَ لَـكَ، لِاَنَّـهُ لاٰ يَجُـوزُ الصَّـلاٰةُ وَالرُّكُـوعُ إِلّا لَـكَ، لِاَنَّـكَ أَنْـتَ اللَّـهُ لاٰ إِلَـهَ إِلّا أَنْتَ.

شریکی برایت نیست، زیرا نماز و رکوع جز برای تو جایز نیست، زیرا که تو خداوندی هستی که هیچ معبودی جز تو نیست.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّـلاٰمِ وَالتَّحِيَّـةِ، وَأُرْدُدْ عَلَـيَّ مِنْهُـمُ السَّـلاٰمَ وَالتَّحِيَّـةَ.

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و از طرف من بهترین درودها و تحیّت‌ها را به ایشان برسان و از طرف ایشان پاسخ درود و تحیت مرا به من بازگردان.

که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو: «لا إله إلّا اللّه» و چون آن حضرت فرصت نداشت، گفت: «لا إله إلّا اللّه ألف مرّة» و وارد کشتی شد. [رجوع کنید به بحار الأنوار: ۶۲/۱۱]

و نیز حسین بن خالد گفت:

به حضرت موسی بن جعفر 7 عرض کردم: نقش خاتم حضرت آدم 7 چه بود؟ فرمود: «لا اله الّا الله، محمّد رسول الله »، «معبودی شایسته جز خداوند نیست. حضرت محمّد رسول خدا است»، که حضرت آدم به همراه خودش از بهشت آورد، و حضرت نوح هنگامی که در کشتی سوار شد خداوند به او وحی فرمود: اگر از غرق شدن بیم داری هزارمرتبه «لا اله الّا الله» بگو ـ تا آنکه فرمود: ـ

حضرت نوح 7 فرمود: کلامی که به سبب آن خداوند مرا از غرق شدن نجات داد سزاوار است که از آن مفارقت نداشته باشم و لذا در نگین انگشتر خویش نقش نمود: « لا اله الّا الله ألف مرّة، یا ربّ أصلحني» « معبودی شایسته جز خداوند نیست، هزار مرتبه، پروردگارا مرا اصلاح فرما». (مستدرک الوسائل: ۳ / ۳۰۳)

أَللَّهُمَّ وَهاٰتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ سَيِّدِي وَمَوْلاٰيَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

خداوندا این دو رکعت هدیه‌ای است از طرف من به سرور و مولایم حضرت حسین بن علی ـ

عَلَيْهِمَا السَّلاٰمُ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي، وَأْجُرْنِي

سلام بر ایشان باد ـ ، خداوندا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و آن دو رکعت را از من بپذیر

عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجاٰئِي فِيكَ وَفي وَلِيِّكَ، يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.[1]

و اجر و پاداش بده مرا بهتر از آنچه امید و آرزو نسبت به تو و ولیّ تو دارم ای سرپرست مؤمنان.

علقمه گوید: امام باقر 7 فرمودند:

اگر توانستی هر روز آن حضرت را با این زیارت، زیارت کنی حتماً انجام بده و برای تو همه ثواب و پاداشی است که گفته شد.

صاحب «مفتاح الجنّات» بعد از نقل زیارت عاشورا گفته است:

اگر زیارت تو از نزدیک است ، بعد از زیارت، دو رکعت نماز زیارت بجای آور، و ثوابش را، اگر در حرم امیرالمؤمنین 7 هستی، به آن حضرت؛ و اگر در حرم مطهر امام حسین 7 زیارت نموده‌ای، به امام حسین 7 هدیه کن...[2]

***

سیف بن عمیرة در دنباله حدیث سابق گفته است:

و از دعاهایی که صفوان بعد از زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین 8 خواند، این دعاست [ما آن را در این فصل ذکر می‌کنیم از باب آسانی کار برای خواننده]:

۱. بلد الامین: ص۳۸۵.

۲. مفتاح الجنّات: ۶۱۷/۲.

دعا بعد از زیارت عاشورا[۱]

يـا أَللَّـهُ يـا أَللَّـهُ يـا أَللَّـهُ، يـا مُجِيـبَ دَعْـوَةِ الْمُضْطَرِّيـنَ، يا كاشِـفَ

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای که دعای بیچارگان را مستجاب می‌کنی، ای که اندوه اندوهگینان را

كُـرَبِ الْمَكْرُوبِيـنَ، يـا غِيـاثَ الْمُسْـتَغِيثِينَ، يا صَرِيـخَ الْمُسْـتَصْرِخِينَ،

برطرف می‌سازی، ای که به داد دادخواهان می‌رسی، ای که فریاد کمک‌خواهان را پاسخ می‌دهی،

وَيـا مَـنْ هُـوَ أَقْـرَبُ إِلَيَّ مِـنْ حَبْـلِ الْوَرِيـدِ، وَيا مَـنْ يَحُـولُ بَيْـنَ الْمَرْءِ

و ای که از رگ گردنم به من نزدیک‌تری، و ای که بین شخص و قلبش حایل می‌شوی،

وَقَلْبِـهِ، وَيـا مَـنْ هُـوَ بِالْمَنْظَـرِ الْاَعْلـىٰ وَبِالْاُفُـقِ الْمُبِيـنِ، وَيـا مَـنْ هُـوَ

و ای که در بالاترین دیدگاه قرار داری، و در افقی روشن هستی، و ای کسی که او

الرَّحْمَـنُ الرَّحِيـمُ عَلَـى الْعَـرْشِ اسْـتَوىٰ، وَيا مَـنْ يَعْلَـمُ خائِنَـةَ الْاَعْيُنِ

بخشنده و مهربان است و بر عرش سلطه دارد، ای کسی که خیانت چشم‌ها،

وَمـا تُخْفِـى الصُّـدُورُ، وَيـا مَـنْ لايَخْفـىٰ عَلَيْـهِ خافِيَـةٌ.

و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کند، می‌دانی، و ای کسی که هیچ پنهانی از او پنهان نیست.

يـا مَـنْ لاٰ تَشْـتَبِهُ عَلَيْـهِ الْاَصْـواتُ، وَيـا مَـنْ لاٰ تُغَلِّطُـهُ الْحاجـاتُ،

ای کسی که صداها را با یکدیگر اشتباه نمی‌کند، و ای کسی که خواسته‌ها او را به اشتباه نمی‌اندازد،

وَيـا مَـنْ لاٰ يُبْرِمُـهُ إِلْحـاحُ الْمُلِحِّينَ، يـا مُـدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، وَيـا جامِعَ كُلِّ

و ای کسی که اصرار اصرارکنندگان، او را به رنج نمی‌اندازد، ای دریابنده از دست رفته‌ها، و ای گردآورندهٔ

۱. در قضیه مرحوم حاج سید احمد رشتی بعد از آنکه امام عصر 7 او را امر فرمودند به خواندن زیارت عاشورا، او زیارت را با دعای علقمه از حفظ خواند با آنکه آن را پیش از آن حفظ نبود و این نکته دقیقی است که دلالت می‌کند بر عنایت داشتن به قرائت دعای علقمه بعد از زیارت عاشورا.

شَمْلٍ، وَيا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ،

پراکندگی‌ها، و ای که پس از مرگ، روان‌ها را دوباره به وجود می‌آوری، ای کسی که هر روزی در شأنی

يا قاضِيَ الْحاجاتِ، يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ، يا مُعْطِيَ السُّؤُلاتِ، يا وَلِيَّ

هستی، ای برآورندهٔ حاجت‌ها و خواسته‌ها، ای برطرف کنندهٔ گرفتاری‌ها و بلاها، ای عطا کنندهٔ خواسته‌ها،

الرَّغَباتِ، يا كافِيَ الْمُهِمّاتِ، يا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفِي

ای عهده‌دار خواهش‌ها، ای بسنده در امور مهمّ، ای کسی که از هر چیزی کفایت کننده هستی، ولی هیچ

مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ،

چیز در آسمان‌ها و زمین از او کفایت نمی‌کند،

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ

از تو می‌خواهم به حقّ محمّد، که آخرین پیامبران است، و علی که امیر مؤمنان است، و به حقّ فاطمه

فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

دختر پیامبرت، و به حقّ حسن و حسین، که من همانا، در این جایگاهی که هستم تنها به واسطهٔ آنها به تو

في مَقامِي هٰذا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْئَلُكَ

روی آورم، و به واسطهٔ ایشان توسّل و شفاعت به درگاهت می‌جویم، به حقّ ایشان از تو درخواست می‌کنم و

وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ

سوگندت می‌دهم، و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند، و به ارزشی که نزد تو دارند، و به واسطهٔ آن چیزی

عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ

که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی، و به واسطهٔ نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان

عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعالَمِينَ، وَبِهِ أَبَنْتَهُمْ، وَأَبَنْتَ فَضْلَهُمْ

اختصاص دادی و به هیچ یک از جهانیان ندادی، و به واسطهٔ آن نام، ایشان را جدا کردی و فضلشان را نیز

مِنْ فَضْلِ الْعالَمِينَ حَتّىٰ فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعالَمِينَ جَمِيعاً،

از فضل و ارزش دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان بر فضیلت و ارزش تمام جهانیان برتری یافت،

أَسْـئَلُكَ أَنْ تُصَلِّـيَ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ تَكْشِـفَ عَنِّـي غَمِّي

(به واسطهٔ همهٔ این‌ها) از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل محمّد درود پیوسته نثار کنی، و غم و

وَهَمِّـي وَكَرْبِـي، وَتَكْفِيَنِـي الْمُهِـمَّ مِـنْ اُمُـورِي، وَتَقْضِـيَ عَنِّـي دَيْنِـي،

اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی، و در امور مهمّ مرا کفایت کنی، و بدهکاریم را از طرف من بپردازی،

وَتُجِيرَنِـي مِـنَ الْفَقْـرِ، وَتُجِيرَنِـي مِـنَ الْفاقَـةِ، وَتُغْنِيَنِي عَـنِ الْمَسْـأَلَةِ إِلَى

و از فقر و ناداری، و از تنگدستی رهائیم بخشی، و مرا از درخواست کردن از مخلوقاتت بی‌نیاز کنی،

الْمَخْلُوقِيـنَ، وَتَكْفِيَنِـي هَـمَّ مَـنْ أَخافُ هَمَّهُ، وَعُسْـرَ مَنْ أَخافُ عُسْـرَهُ،

و کفایتم کنی از همّ و غمّ هر که از همّ و غمّ او می‌ترسم، و از سختی هر که از سختی او می‌ترسم، و اندوه

وَحُزُونَـةَ مَـنْ أَخـافُ حُزُونَتَهُ، وَشَـرَّ مَـنْ أَخافُ شَـرَّهُ، وَمَكْرَ مَـنْ أَخافُ

هر که از اندوه او می‌ترسم، و از شرّ هر که از شرّ او می‌ترسم، و از نیرنگ هر که از نیرنگ او می‌ترسم،

مَكْـرَهُ، وَبَغْـيَ مَنْ أَخـافُ بَغْيَهُ، وَجَـوْرَ مَنْ أَخـافُ جَوْرَهُ، وَسُـلْطانَ مَنْ

و از ستم هر که از ستم او می‌ترسم، و از جور هر که از جور او می‌ترسم، و از سلطنت و چیرگی هر که از

أَخـافُ سُـلْطانَهُ، وَكَيْـدَ مَنْ أَخـافُ كَيْـدَهُ، وَمَقْدُرَةَ مَـنْ أَخـافُ مَقْدُرَتَهُ

چیرگی او می‌ترسم، و از دام‌گستری هر که از کید او می‌ترسم، و از قدرت‌مندی هر که از توانمندی او بر خودم

عَلَـيَّ، وَتَـرُدَّ عَنِّي كَيْـدَ الْكَيَـدَةِ، وَمَكْـرَ الْمَكَرَةِ.

می‌ترسم، و توطئه و مکر و حیله مکّاران و حیله‌گران را نیز از من دور کن.

أَللَّهُـمَّ مَـنْ أَرادَنِـي فَـأَرِدْهُ، وَمَـنْ كادَنِـي فَكِـدْهُ، وَاصْـرِفْ عَنِّـي

بار الها، هر کس اراده بد برایم دارد، تو در مورد او اراده فرما، و هر که دام و توطئه‌ای برایم دارد، همان را به

كَيْـدَهُ وَمَكْـرَهُ وَبَأْسَـهُ وَأَمانِيَّـهُ، وَامْنَعْـهُ عَنِّـي كَيْـفَ شِـئْتَ وَأَنّىٰ شِـئْتَ.

خودش برگردان، و حیله و نیرنگ و بدی و دامهایش را از من برگردان، و هر گونه می‌خواهی و هر زمان می‌خواهی

أَللَّهُـمَّ اشْـغَلْهُ عَنِّي بِفَقْـرٍ لاتَجْبُـرُهُ، وَبِبَـلاءٍ لاتَسْـتُرُهُ، وَبِفاقَةٍ لاتَسُـدُّها،

او را از من باز دار. بار الها، او را مشغول کن به فقری جبران‌ناشدنی، و بلایی آشکار و پنهان‌نشدنی، و به تنگدستی و

وَبِسُـقْمٍ لاٰ تُعافِيـهِ، وَذُلٍّ لاٰ تُعِـزُّهُ، وَبِمَسْـكَنَةٍ لاٰ تَجْبُرُهـا. أَللّٰهُـمَّ اضْـرِبْ

نیازی که چاره ندارد، و بیماری که عافیت و بهبودی ندارد، و خواری که عزّتی برایش نباشد، و بدبختی جبران‌ناپذیر.

بِالـذُّلِّ نَصْـبَ عَيْنَيْـهِ، وَأَدْخِـلْ عَلَيْـهِ الْفَقْـرَ فـي مَنْزِلِـهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّـقْمَ

خدایا، ذلّت و خواری را همواره نصب العین او و در مقابل چشمش قرار بده، و فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن،

فـي بَدَنِـهِ حَتّـىٰ تَشْـغَلَهُ عَنِّـي بِشُـغْلٍ شـاغِلٍ لاٰ فَـراٰغَ لَـهُ، وَأَنْسِـهِ ذِكْرِي

و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن، تا از یاد من بیرون رود با مشغله‌هایی که رهایی از آن وجود

كَمـا أَنْسَـيْتَهُ ذِكْـرَكَ، وَخُـذْ عَنِّي بِسَـمْعِهِ وَبَصَـرِهِ وَ لِسـانِهِ وَ يَـدِهِ وَ رِجْلِهِ

نداشته باشد، و یادم را از یادش ببر، همان گونه که یادت را از یادش برده‌ای، و چشم و گوش و زبان

وَقَلْبِـهِ وَجَمِيـعِ جَوارِحِـهِ، وَأَدْخِـلْ عَلَيْـهِ فـي جَمِيـعِ ذٰلِـكَ السُّـقْمَ،

و دست و پا و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز بیمار

وَلاٰ تَشْـفِهِ حَتّـىٰ تَجْعَلَ ذٰلِكَ لَهُ شُـغْلاً شـاغِلاً بِهِ عَنِّي وَعَـنْ ذِكْرِي.

کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد و به فکر آزار و از من و یاد من غافل گردد.

وَاكْفِنِـي يـا كافِـيَ مـا لايَكْفِي سِـواكَ، فَإِنَّـكَ الْكافِي لاٰ كافِيَ سِـواكَ،

و مرا کفایت کن، آنچه را که غیر تو کفایت نمی‌کند، تو کفایت‌گری هستی که جز تو کفایت‌گر

وَمُفَـرِّجٌ لاٰ مُفَـرِّجَ سِـواكَ، وَمُغِيـثٌ لاٰ مُغِيـثَ سِـواكَ، وَجـارٌ لاٰ جـارَ

و بسنده‌ای وجود ندارد، و گشایشگری هستی که جز تو گشایشگری نیست، و فریادرسی هستی که جز تو

سِـواكَ، خـابَ مَـنْ كانَ جـارُهُ سِـواكَ، وَمُغِيثُـهُ سِـواكَ، وَمَفْزَعُـهُ إِلـىٰ

فریادرسی نیست و پناهنده‌ای هستی که جز تو پناهنده‌ای نیست، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد،

سِـواكَ، وَمَهْرَبُـهُ إِلىٰ سِـواكَ، وَمَلْجَـأُهُ إِلىٰ غَيْـرِكَ، وَمَنْجاهُ مِـنْ مَخْلُوقٍ

و فریادرسش غیر تو باشد، و پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد، و تکیه‌گاهش به غیر تو

غَيْـرِكَ، فَأَنْـتَ ثِقَتِـي وَرَجائِـي وَمَفْزَعِـي وَمَهْرَبِـي وَمَلْجـايَ وَمَنْجـايَ،

باشد و محلّ نجاتش جز تو باشد، پس تویی مورد اطمینان، امید، پناهگاه، گریزگاه، تکیه گاه، و محلّ نجات

فَبِكَ اَسْتَفْتِحُ، وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ،

پس تنها از تو درخواست پیروزی و کامیابی می‌کنم، و تنها به واسطهٔ محمّد و آل محمّد به سوی تو روی می‌آورم

وَ أَتَوَسَّلُ وَ أَتَشَفَّعُ.

و توسّل می‌جویم و شفاعت می‌طلبم.

فَأَسْئَلُكَ يا أَللَّهُ يا أَللَّهُ يا أَللَّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، وَ إِلَيْكَ

خدایا، خدایا، خدایا، از تو درخواست می‌کنم. سپاس و ستایش، سزاوار تو است. به درگاه تو شکوه و

الْمُشْتَكىٰ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعانُ، فَأَسْئَلُكَ يا أَللَّهُ يا أَللَّهُ يا أَللَّهُ بِحَقِّ

شکایت آورم، و تو مددکار هستی، پس، از تو درخواست می‌کنم، ای خدا، ای خدا، ای خدا، به حقّ محمّد و آل

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ

محمّد، بر محمّد و آل محمّد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می‌خواهم در همین جا که هستم برطرف سازی

عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقامِي هٰذا كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ

غم و همّ و گرفتاری‌ام را همان‌گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری، اندوه، مصیبت، بلا و ترس از دشمنش را

هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَما كَشَفْتَ

برطرف کردی و برایش بسنده بودی. از من برطرف کن اندوهم را همان گونه که از ساحت مقدّس او برطرف

عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَما كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا

هَوْلَ ما أَخافُ هَوْلَهُ، وَمَؤُونَةَ ما أَخافُ مَؤُونَتَهُ، وَهَمَّ ما أَخافُ

همان گونه که او را کفایت نمودی، از من بگردان ترس آنچه را که از آن بیمناکم، و زحمت آنچه را که از

هَمَّهُ بِلا مَؤُونَةٍ عَلىٰ نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ، وَاصْرِفْنِي بِقَضاءِ حَوائِجِي،

زحمت آن ترسناکم، و اندوه آنچه را که از اندوهش هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود.

وَ كِفايَةِ ما أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيايَ.

و مرا حاجت‌روا برگردان، و امور مهمّ دنیا و آخرتم را کفایت کن و مرا برگردان.

يـا أَمِيرَالْمُؤْمِنِيـنَ وَيـا أَبـا عَبْدِاللَّـهِ عَلَيْكُمـا مِنِّـي سَـلامُ اللَّـهِ أَبَـداً

ای امیر مؤمنان، و ای ابا عبداللّه، سلام الهی را پیوسته، تا من هستم و تا شب و روز هست نثار

مـا بَقِيتُ وَبَقِـيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَلا جَعَلَـهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِـنْ زِيارَتِكُما،

شما دو بزرگوار می‌نمایم، خدا این زیارت را آخرین دیدار و زیارتم از شما عزیزان قرار ندهد،

وَلا فَـرَّقَ اللَّـهُ بَيْنِـي وَبَيْنَكُما.

و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد.

أَللَّهُـمَّ أَحْيِنِـي حَيَـاةَ مُحَمَّـدٍ وَ ذُرِّيَّتِـهِ، وَأَمِتْنِـي مَماتَهُـمْ، وَ تَوَفَّنِـي

بار الها، مرا زنده بدار آن گونه که حضرت محمّد و فرزندانش را زندگی بخشیدی، و مانند مردن ایشان

عَلـىٰ مِلَّتِهِـمْ، وَاحْشُـرْنِي فِـي زُمْرَتِهِـمْ، وَلاتُفَـرِّقْ بَيْنِـي وَبَيْنَهُـمْ طَرْفَـةَ

بمیران، و بر ملّت و دین آنان قبض روحم کن، و در زمره‌شان محشور کن، و به قدر حتّی یک چشم بر هم زدن

عَيْـنٍ أَبَـداً فِـي الدُّنْيـا وَالْآخِرَةِ.

بین من و ایشان در دنیا و آخرت جدایی میفکن.

يـا أَمِيرَالْمُؤْمِنِيـنَ وَيـا أَبـا عَبْدِاللَّـهِ أَتَيْتُكُمـا زائِـراً وَمُتَوَسِّـلاً إِلَـى اللَّهِ

ای امیر مؤمنان و ای ابا عبداللّه الحسین، من، به عنوان یک زایر شما، و توسّل‌جوینده به خدا به واسطهٔ شما

رَبِّـي وَربِّكُمـا، وَمُتَوَجِّهـاً إِلَيْـهِ بِكُما، وَمُسْتَشْـفِعاً بِكُمـا إِلَى اللَّـهِ تَعالىٰ

دو نفر، و روی‌آورنده به سوی خدا به واسطهٔ شما دو نفر، و شفاعت طلب به سوی خدا به واسطهٔ شما دو نفر،

فـي حاجَتِـي هٰذِهِ، فَاشْـفَعا لي، فَـإِنَّ لَكُمـا عِنْدَاللَّـهِ الْمَقـامَ الْمَحْمُودَ،

در مورد این خواسته‌ام، خدمت‌تان شرفیاب شده‌ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید، زیرا شما دارای مقامی

وَالْجـاهَ الْوَجِيـهَ، وَالْمَنْـزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِـيلَةَ، إِنِّـي أَنْقَلِبُ عَنْكُمـا مُنْتَظِراً

ستوده شده، آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطهٔ نزد خدا هستید. من از خدمت‌تان مرخص

لِتَنَجُّـزِ الْحاجَـةِ وَقَضائِهـا وَنَجاحِهـا مِنَ اللَّـهِ بِشَـفاعَتِكُما لي إِلَـى اللَّهِ

می‌شوم ولی انتظار می‌کشم که خواسته‌ام را حتمی، برآورده و کامیاب، با شفاعت شما نزد خدا، دریافت کنم.

فـي ذٰلِـكَ، فَـلاٰ أَخِيبُ وَلاٰيَكُـونُ مُنْقَلَبِـي مُنْقَلَباً خاٰئِباً خاٰسِـراً بَـلْ يَكُونُ

خدا کند، من سر خورده و ناکام نشوم، و بازگشتم با سرخوردگی و زیان همراه نباشد، بلکه بازگشتی کام‌یابانه،

مُنْقَلَبِـي مُنْقَلَبـاً رٰاجِحـاً رٰاجِيـاً مُفْلِحـاً مُنْجِحاً مُسْـتَجاٰباً بِقَضـاٰءِ جَمِيعِ

امید بخش، رستگار و پیروزمندانه از برآورده شدن تمام حاجت‌هایم باشد، و - از شما دو نفر می‌خواهم

حَوٰائِجِـي، وَتَشَـفَّعاٰ لي إِلَـى اللَّهِ.

- برایم نزد خدا شفاعت ویژه‌ای انجام دهید.

اِنْقَلَبْـتُ عَلـىٰ ماٰ شـاٰءَ اللَّـهُ وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُـوَّةَ إِلّا بِاللَّـهِ، مُفَوِّضاً أَمْرِي

با اعتقاد به این که تنها خواست خداوند انجام می‌شود، و نیز هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیهٔ خدا وجود ندارد،

إِلَـى اللَّـهِ، مُلْجِأً ظَهْرِي إِلَـى اللَّهِ، مُتَوَكِّلاً عَلَـى اللَّهِ، وَأَقُولُ حَسْـبِيَ اللَّهُ

رهسپار می‌شوم، امورم را به خدای واگذار می‌کنم، و تکیه بر لطف او می‌دهم، و توکّل بر او می‌کنم و می‌گویم: خدا

وَكَفـىٰ، سَـمِعَ اللَّهُ لِمَـنْ دَعىٰ، لَيْـسَ لـي وَرٰاءَ اللَّـهِ وَوَرٰائَكُمْ يٰا سـاٰدَتِي

برایم بس و کافی است، خدا، دعای همهٔ دعاکنندگان را می‌شنود، برای من جز خدا و شما، ای بزرگان من، در گاهی

مُنْتَهـىٰ، مـاٰ شـاٰءَ رَبِّـي كاٰنَ، وَمـاٰ لَـمْ يَشَـأْ لَـمْ يَكُـنْ، وَلاٰ حَـوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ

نیست، هر چه پروردگارم بخواهد همان می‌شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی‌شود، و هیچ نیرو و

إِلّا بِاللَّـهِ، أَسْـتَوْدِعُكُمَا اللَّـهَ، وَلاٰ جَعَلَـهُ اللَّـهُ آخِـرَ الْعَهْـدِ مِنِّـي إِلَيْكُماٰ.

جنبشی جز از ناحیهٔ خداوند، نیست، با شما دو عزیزم خداحافظی می‌کنم، خدا نکند این آخرین دیدارمان باشد.

إِنْصَرَفْـتُ يـاٰ سَـيِّدِي يـاٰ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَمَـوْلاٰيَ، وَأَنْـتَ يـاٰ أَباٰعَبْدِاللَّهِ

ای امیر مؤمنان، آقای من، مولای من، و نیز، تو ای ابا عبداللّٰه، ای آقای من، در حالی از خدمت‌تان رهسپار

يـاٰ سَـيِّدي، وَسَـلاٰمِي عَلَيْكُمـاٰ مُتَّصِلٌ مَـا اتَّصَلَ اللَّيْـلُ وَالنَّهـاٰرُ، وٰاصِلٌ

وطن می‌شوم که سلام من بر شما همانند اتّصال شب و روز، پیوسته و متّصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار

ذٰلِـكَ إِلَيْكُمـاٰ، غَيْـرُ مَحْجُـوبٍ عَنْكُمـاٰ سَـلاٰمي إِنْ شـاٰءَ اللَّـهُ، وَأَسْـأَلُهُ

خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به شما باز نماند و پنهان نشود (ان شاء اللّٰه). و نیز، به واسطهٔ حقّ شما

بِحَقِّكُمـا أَنْ يَشـاءَ ذٰلِـكَ وَيَفْعَـلَ، فَإِنَّـهُ حَمِيـدٌ مَجِيـدٌ.

از خدا می‌خواهم که این را بخواهد و انجام دهد، زیرا خداوند ستوده‌شده و شکوهمند است.

اِنْقَلَبْـتُ يـا سَـيِّدَيَّ عَنْكُمـا تائِبـاً حامِـداً لِلَّـهِ، شـاكِراً راجِيـاً

سروران من، در حالی از خدمتتان رهسپار می‌شوم که توبه‌کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت

لِلْإِجابَـةِ، غَيْـرَ آيِـسٍ وَلا قانِـطٍ، آئِبـاً عائِـداً راجِعـاً إِلـىٰ زِيارَتِكُمـا،

هستم، و مأیوس و نا امید نیستم، در حالی که خدمت‌تان خواهم آمد و دوباره زیارت‌تان خواهم کرد، و از شما رو

غَيْـرَ راغِـبٍ عَنْكُمـا، وَلا مِـنْ زِيارَتِكُمـا، بَـلْ راجِـعٌ عائِـدٌ إِنْ شـاءَ

نخواهم گرداند، و نسبت به زیارت شما نیز بی‌میل نخواهم شد، بلکه، اگر خدا بخواهد دوباره بازگشت خواهم

اللَّـهُ، وَلا حَـوْلَ وَلا قُـوَّةَ إِلّا بِاللَّـهِ.

کرد، و هیچ نیرو و جنبشی، جز از ناحیهٔ خداوند نیست.

يـا سـادَتي رَغِبْـتُ إِلَيْكُمـا وَ إِلـىٰ زِيارَتِكُمـا بَعْـدَ أَنْ زَهِـدَ فِيكُمـا وَ في

ای سروران من، به شما و زیارت‌تان مشتاق هستم و روی آورم، با آن که دنیاپرستان از شما و زیارت‌تان رو

زِيارَتِكُمـا أَهْـلُ الدُّنْيـا، فَـلا خَيَّبَنِـيَ اللَّـهُ مـا رَجَـوْتُ، وَمـا أَمَّلْـتُ فـي

گردانده‌اند، خداوند نسبت به آنچه امیدوارم مرا محروم مگرداند و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام

زِيارَتِكُمـا، إِنَّـهُ قَرِيـبٌ مُجِيـبٌ.

نسازد، در واقع، خداوند نزدیک و پاسخ‌دهنده است.

کفعمـی 1 در بلـد الامیـن افزوده اسـت: سـپس نماز عاشـورا را بخـوان و آن چهـار رکعت اسـت و در بـاب نمازها گذشـت.[1]

***

سـیف بـن عمیـره گفته اسـت: به صفـوان گفتم: بـرای ما ، علقمة بـن محمّد حضرمـی از امـام باقـر 7 ایـن گونـه نقل نکـرده بلکه تنهـا دعا و زیـارت را نقل

۱. مصباح المتهجد: ص۷۷۷، بلد الامین: ص۳۸۵، مزار شهید: ص۸۵، الصیحفة الصادقیه: ص۶۰۱.

کـرده اسـت. صفـوان پاسـخ داد: به همراه سـرورم امـام صادق 7 بـه این مکان مقـدس وارد شـدم، آن حضـرت انجـام داد هماننـد آنچـه مـا در زیارتمـان انجام دادیـم و ایـن دعـا را هنـگام وداع خواند بعـد از آنکه نماز بجـای آورد همان طور کـه مـا بجـا آوردیـم، و وداع کـرد همـان طو رکـه مـا وداع کردیم، سـپس صفوان گفـت: امام صـادق 7 به مـن فرمود:

ای صفوان، تعهد کن این زیارت را و دعا کن به این دعا و آن حضرت را زیارت کن به این زیارت، که من ضامنم بر خداوند تبارک و تعالی برای هر کسی که آن حضرت را به این نحو زیارت کند و این دعا را بخواند از نزدیک باشد یا دور، که زیارتش را خداوند قبول فرماید و سعی او را پاداش دهد و سلامش را برساند ومانعی برای آن نباشد و حوائج او را هر چند زیاد باشد برآورده فرماید و او را محروم نگرداند.

ای صفوان، من این زیارت را با همین ضمانی که ضامن شدم از پدرم دریافتم و پدرم از پدرش حضرت علی بن الحسین 8 با همین ضمان دریافت نمود و آن حضرت از امام حسین 7 و امام حسین 7 از برادرش امام حسن 7 و ایشان از پدرش امیرالمؤمنین با همین ضمان دریافت نمود و امیرالمؤمنین 7 از رسول خدا 9 با همین ضمان و رسول خدا 9 از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل از خداوند تبارک و تعالی با همین ضمان دریافت نموده است.

خداوند تبارک و تعالی بر خویش سوگند یاد نموده که هر کس امام حسین 7 را با این زیارت، از دور یا نزدیک زیارت کند و این دعا را بخواند زیارتش را قبول کنم و شفیع گردانم او را در

درخواستش به هر مقدار که برسد و خواسته‌اش را به او عطا کنم و او را محروم برنگردانم، بلکه خوشحال و چشم روشن او را با حاجت برآورده شده و کامیاب به بهشت و رها شدن از آتش دوزخ بازگردانم، و او را شفیع گردانم و شفاعتش را بپذیرم در مورد هر کس که شفاعت کند جز آنانکه نصب عداوت نموده‌اند با اهل بیت. خداوند بر خود سوگند یاد نموده و بر خود لازم ساخته و به آنچه ملائکه ملکوتش بدان شهادت دهند ما را شاهد گرفت.

سپس جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا، مرا خداوند فرستاده است به سوی تو که مژده و بشارت دهم تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمّه از فرزندانت را تا روز قیامت، پس پیوسته باد و همیشگی باد سرور تو و سرور علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمّه : و شیعیان شما تا روز رستاخیز.

سپس صفوان گفت: امام صادق 7 به من فرمودند:

ای صفوان وقتی حاجتی در درگاه الهی داشتی هر کجا که باشی این زیارت را بجای آور و این دعا را بخوان و از پروردگارت حاجت خود را درخواست نما که البته حاجتت برآورده شود، و خداوند هرگز وعده خود و رسول خود را مخالفت ننماید به لطف و کرمش، و حمد و سپاس از آنِ خداوند است.[1]

۱. مصباح المتهجد: ص۷۷۷، مصباح الزائر: ص۲۷۶.

(۴) زیارت دوم برای امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا

در مزار قدیم آمده است:

کسی که می‌خواهد امام حسین 7 را زیارت نماید از دور یا نزدیک، باید غسل کند و به صحرا و یا بام خانه‌اش رود دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت سوره «حمد» و «قل هو اللّه احد» را بخواند، آنگاه به طرف قبر مطهر امام حسین 7 با سلام خود و خشوع تمام اشاره نماید و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشِيرِ النَذِيرِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند بشارت دهنده و بیم دهنده

وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ،

و ای فرزند سرور اوصیاء، سلام بر تو ای پسر فاطمه، سرور بانوان عالم،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ

سلام بر تو ای برگزیده خداوند و فرزند برگزیده او، سلام بر تو ای خون خدا

وَابْنَ ثارِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

و پسر خون خدا، سلام بر تو ای غریب و تنها مانده که انتقام او گرفته نشده است.سلام بر تو

الْهادِي الزَّكِيُّ، وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَقامَتْ في جِوارِكَ،

ای هدایتگر منزّه و بر ارواح مطهری که به ساحت مقدس تو وارد شدند و در جوار تو اقامت نمودند

وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنِّي ما بَقِيتُ، وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

و با زائرانت کوچ کردند. سلام بر تو از طرف من تا مادامی که باقی هستم و شب و روز باقی است،

فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ،

حقیقتا که عزای تو بسیار بزرگ و مصیبت تو برای تمام مؤمنان و مسلمانان و

وَفي أَهْلِ السَّماواتِ وَأَهْلِ الْاَرَضِينَ أَجْمَعِينَ، فَ(إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ
اهل آسمان‌ها و زمین گران و سنگین می‌باشد، «همانا ما از آن خداوندیم و به سوی او
راجِعُونَ)[1].
بازگشت کننده‌ایم»

صَلَواتُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ الْحُسَيْنِ، وَعَلىٰ
درود خدا و تحیات او و برکاتش بر تو باد ای اباعبد الله الحسین و بر
آبائِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَعَلىٰ ذُرِّيّاتِكُمْ، اَلْهُداةِ الْمَهْدِيِّينَ، لَعَنَ اللَّهُ
پدران پاک و برگزیده و بر ذریّه شما که هدایتگر و هدایت شده‌اند.
اُمَّةً خَذَلَتْكَ وَتَرَكَتْ نُصْرَتَكَ وَمَعُونَتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ
خداوند لعنت کند گروهی را که تو را تنها رها کردند و یاری ننمودند و کمک نکردند، و خدا لعنت
الظُّلْمِ لَكُمْ، وَمَهَّدَتِ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ، وَطَرَّقَتْ إِلىٰ أَذِيَّتِكُمْ وَتَحَيُّفِكُمْ،
کند آنان را که اساس ظلم را بر شما بنا نهادند و بساط بیداد را فراهم نمودند و به اذیت و آزار شما
وَجارَتْ ذٰلِكَ في دِيارِكُمْ وَأَشْياعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
و ستم گستری پرداختند و در دیار شما و پیروان شما جاری ساختند، به سوی خدا و به سوی شما
وَإِلَيْكُمْ، يا ساداتي وَمَوالِيَّ وَأَئِمَّتي مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ.
ای سروران من و فرمانروایان من و پیشوایان من از آنان و پیروان و متابعان آنان بیزاری می‌جویم.
وَأَسْئَلُ اللَّهَ الَّذي أَكْرَمَ يا مَوالِيَّ مَقامَكُمْ، وَشَرَّفَ مَنْزِلَتَكُمْ وَشَأْنَكُمْ،
و از خداوندی که ای فرمانروایان من مقام شما را گرامی داشته و مرتبه و شأن شما را شریف گردانیده
أَنْ يُكْرِمَني بِوِلايَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ، وَالْاِئْتِمامِ بِكُمْ، وَالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ.
می‌خواهم که مرا گرامی بدارد، به سبب دوستی و ولایت شما و پیروی از شما و بیزاری از دشمنانتان
وَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبِرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَرْزُقَني مَوَدَّتَكُمْ، وَأَنْ يُوَفِّقَني لِلطَّلَبِ
و از خداوند نیکوکار مهربان می‌خواهم که مودت شما را روزی من گرداند و مرا توفیق

۱. سورهٔ بقره، آیه۱۵۶.

بِثارِكُـمْ مَـعَ الْإِمامِ الْمُنْتَظَـرِ الْهادِي مِـنْ آلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ

دهد برای خونخواهی به همراه امام منتظر و آن هدایت کننده از آل محمّد : و همراه شما

فِـي الدُّنْيـا وَالْآخِـرَةِ، وَأَنْ يُبَلِّغَنِـي الْمَقـامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْـدَ اللَّهِ.

در دنیا و آخرت قرار دهد و به آن مقام ستوده‌ای که برای شما نزد خداوند است برساند.

وَأَسْـأَلُ اللَّـهَ عَـزَّ وَجَـلَّ بِحَقِّكُـمْ، وَبِالشَّـأْنِ الَّـذِي جَعَـلَ اللَّـهُ لَكُمْ،

و از خداوند عزیز و بلند مرتبه می‌خواهم که به حقّ شما و به شأن و مرتبه‌ای که خدا برای شما قرار

أَنْ يُعْطِيَنِـي بِمُصابِـي بِكُـمْ أَفْضَـلَ ما أَعْطـىٰ مُصابـاً بِمُصِيبَتِـهِ، (إِنّا لِلَّهِ

داده به من عطا کند در مصیبت شما بهتر از آنچه مصیبت دیده‌ای را در مصیبتش عطا کرده است «همانا ما

وَإِنّـا إِلَيْـهِ راجِعُـونَ) ، يـا لَهـا مِنْ مُصِيبَـةً مـا أَفْجَعَهـا وَأَنْكاهـا لِقُلُوبِ

از آن خدا هستیم و به سوی او بازگشت ما است» وای از این مصیبت، چه قدر فجیع و دردناک است برای

الْمُؤْمِنِيـنَ وَالْمُسْـلِمِينَ، فَـ(إِنّـا لِلَّـهِ وَإِنّا إِلَيْـهِ راجِعُونَ).

قلوب مؤمنان و مسلمانان «همانا ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم».

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَاجْعَلْنِـي فِي مَقامِـي مِمَّنْ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا در این مقام و جایگاه از کسانی قرار بده

تَنالُـهُ مِنْكَ صَلَـواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِـرَةٌ، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهـاً فِي الدُّنْيا

که درود و رحمت و آمرزش تو به آنان می‌رسد، و مرا نزد خودت آبرومند در دنیا و آخرت قرار بده

وَالْآخِـرَةِ وَمِـنَ الْمُقَرَّبِيـنَ، فَإِنِّـي أَتَقَـرَّبُ إِلَيْـكَ بِمُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ،

و از مقرّبین که به مقام قرب تو رسیده‌اند، همانا من به سوی تو تقرّب می‌جویم به وسیله محمّد و آل

صَلَواتُـكَ عَلَيْـهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. أَللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَوَسَّـلُ وَأَتَوَجَّهُ بِصَفْوَتِكَ

محمّد که درود تو بر او و همهٔ آنان باد، خداوندا من توسل می‌جویم و روی می‌آورم به برگزیده‌ات از

مِـنْ خَلْقِكَ، وَخِيَرَتِـكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِـيٍّ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِما.

میان خلق و اختیار نموده‌ات از میان خلق، حضرت محمّد 9 و حضرت علی 7 و ذریه پاک آنان.

أَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ مَحْيايَ مَحْياهُمْ،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و زیستن مرا زیستن آنان و مرگ مرا مردن آنان قرار بده

وَمَماتِي مَماتَهُمْ، وَلاٰتُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ، إِنَّكَ

و میان من و آنان در دنیا و آخرت جدایی میفکن، که تو

سَمِيعُ الدُّعاءِ.

شنونده دعا هستی.

أَللَّهُمَّ وَهٰذا يَوْمٌ تُجَدِّدُ فِيهِ النِّقْمَةِ، وَتُنَزِّلُ فِيهِ اللَّعْنَةُ عَلَى اللَّعِينِ

خداوندا امروز روزی است که در آن عقوبت و عذاب را تجدید می‌کنی و در آن

يَزِيدٍ وَعَلىٰ آلِ يَزِيدٍ، وَعَلىٰ آلِ زِيادٍ، وَعُمَرِ بْنِ سَعْدٍ وَالشِّمْرِ. أَللَّهُمَّ

لعنت را نازل می‌نمایی بر یزید لعین و آل یزید و آل زیاد و عمر بن سعد و شمر، خداوندا

الْعَنْهُمْ، وَالْعَنْ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ وَفِعْلِهِمْ مِنْ أَوَّلٍ وَآخِرٍ لَعْناً كَثِيراً،

آنان را لعنت کن و همهٔ کسانی را که به گفتار و کردار آنان رضایت داشته‌اند از اولین و آخرین لعنت کن و

وَأَصْلِهِمْ وَأَسْكِنْهُمْ جَهَنَّمَ (وَساٰءَتْ مَصِيراً)، وَأَوْجِبْ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ

آنان را در جهنّم که بد جایگاهی است وارد کن و ساکن گردان، و واجب ساز بر آنان و بر هر کسی که از آنان

كُلِّ مَنْ شاٰيَعَهُمْ وَباٰيَعَهُمْ وَتاٰبَعَهُمْ وَساٰعَدَهُمْ، وَرَضِيَ بِفِعْلِهِمْ،

پیروی کرده و با آنان بیعت نموده و از آن‌ها متابعت کرده و آنان را یاری کرده و به کار آنان راضی گشته،

وَافْتَحْ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَعَلىٰ كُلِّ مَنْ رَضِيَ بِذٰلِكَ لَعْناٰتِكَ الَّتِي لَعَنْتَ

و بگشا بر آنان و بر همهٔ کسانی که بدان خشنود هستند لعنت‌هایت را که به

بِهاٰ كُلَّ ظاٰلِمٍ، وَكُلَّ غاٰصِبٍ وَكُلَّ جاٰحِدٍ، وَكُلَّ كاٰفِرٍ وَكُلَّ مُشْرِكٍ،

آن‌ها لعنت کرده‌ای هر ظالم و هر غاصب و هر منکر و هر کافر و هر مشرک

وَكُلَّ شَيْطاٰنٍ رَجِيمٍ، وَكُلَّ جَبّاٰرٍ عَنِيدٍ. أَللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَآلَ يَزِيدٍ،

و هر شیطان رانده شده و هر زورگوی عناد پیشه‌ای را. خداوندا لعنت کن یزید و خاندان

وَبَنـي مَـرْوانٍ جَمِيعـاً. أَللّٰهُـمَّ وَضَعِّـفْ غَضَبَـكَ وَسَـخَطَكَ وَعَذابَـكَ

یزید و همهٔ بنی مروان را، خداوندا غضب و خشم و عذاب و کیفرت را دو چندان کن

وَنِقْمَتَـكَ عَلـىٰ أَوَّلِ ظالِـمٍ ظَلَـمَ أَهْلَ بَيْـتِ نَبِيِّـكَ. أَللّٰهُمَّ وَالْعَـنْ جَمِيعَ

بر اول ظالمی که به اهل بیت پیامبرت ظلم کرد، خداوندا همهٔ

الظّالِمِيـنَ لَهُـمْ، وَانْتَقِـمْ مِنْهُـمْ، إِنَّـكَ ذُو نِقْمَـةٍ مِـنَ الْمُجْرِمِيـنَ. أَللّٰهُمَّ

ظالمین به آن‌ها را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر که تو انتقام گیرنده از مجرمین هستی. خداوندا اول

وَالْعَـنْ أَوَّلَ ظالِـمٍ ظَلَـمَ آلَ بَيْـتِ مُحَمَّـدٍ، وَالْعَـنْ أَرْواحَهُـمْ وَدِيارَهُـمْ

ستمگری که به اهل بیت حضرت محمّد ستم کرد لعنت کن، ارواح آنان و دیار آنان و قبورشان

وَقُبُورَهُـمْ، وَالْعَنِ اللّٰهُـمَّ الْعِصابَةَ الَّتي نازَلَتِ الْحُسَـيْنَ ابْـنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

را لعنت کن، خداوندا لعنت کن گروهی را که در برابر امام حسین 7 پسر دختر پیامبرت صف

وَحارَبَتْـهُ وَقَتَلَـتْ أَصْحابَـهُ وَأَنْصـارَهُ وَأَعْوانَهُ وَأَوْلِيـاءَهُ وَشِـيعَتَهُ وَمُحِبِّيهِ

کشیدند و با او جنگیدند و اصحاب و یاران و مددکاران و اولیاء و شیعیان و دوستان و اهل بیت آن

وَأَهْـلَ بَيْتِـهِ وَذُرِّيَّتَـهُ، وَالْعَـنِ اللّٰهُـمَّ الَّذِيـنَ نَهَبُـوا مالَـهُ، وَسَـبَوْا حَرِيمَهُ،

حضرت و ذریه‌اش را کشتند، خداوندا لعنت کن کسانی را که اموال آن حضرت را غارت نمودند

وَلَـمْ يَسْـمَعُوا كَلامَـهُ وَلا مَقالَـهُ. أَللّٰهُمَّ وَالْعَـنْ كُلَّ مَنْ بَلَغَـهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ

و اهل بیت او را اسیر ساختند و سخن او و گفتارش را نشنیدند، خداوندا لعنت کن هر کسی را که

بِـهِ مِـنَ الْأَوَّلِيـنَ وَالْآخِرِيـنَ، وَالْخَلائِـقِ أَجْمَعِيـنَ إِلىٰ يَـوْمِ الدِّينِ.

این خبر به او رسید و بدان خشنود گشت از اولین و آخرین و همه خلایق تا روز قیامت.

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يـا أَبـا عَبْدِاللّٰـهِ الْحُسَـيْنِ، وَعَلـىٰ مَـنْ سـاعَدَكَ

سلام بر تو ای ابا عبد الله الحسین و بر هر که تو را یاری نمود و کمک کرد

وَعاوَنَـكَ، وَواسـاكَ بِنَفْسِـهِ، وَبَـذَلَ مُهْجَتَـهُ فِـي الـذَّبِّ عَنْكَ، اَلسَّـلامُ

و با جان خویش مواسات نمود و خون خویش را در راه دفاع از تو بذل نمود. سلام

عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ أَرْواحِهِمْ، وَعَلىٰ

بر تو ای مولای من و بر آنان و بر روح مطهر تو و بر ارواح آنان و بر تربت شریف تو و بر

تُرْبَتِكَ وَعَلىٰ تُرْبَتِهِمْ. أَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَيْحاناً.

تربت آنان، خداوندا رحمت و رضوان و راحتی و شادمانی را به استقبال ایشان فرست و به ایشان ارزانی دار .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَابْنَ

سلام بر تو ای مولای من، ای ابا عبد الله، ای فرزند خاتم پیامبران و

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَابْنَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهِيدُ

ای فرزند سید اوصیاء و ای فرزند سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای شهید،

يَابْنَ الشَّهِيدِ. أَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰذَا الْيَوْمِ وَفي هٰذَا

ای فرزند شهید، خداوندا در همین امروز و همین ساعت و هر ساعتی و

الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً وَسَلاماً. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْعالَمِينَ،

وقتی از طرف من درود و سلام به او برسان. سلام بر تو ای فرزند سرور

وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ، سَلاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

عالمیان و بر آنانکه به همراه تو شهید شدند، سلامی پیوسته به پیوستگی شب و روز،

اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ الشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ

سلام بر حسین بن علی شهید، سلام بر علی بن

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ،

الحسین شهید، سلام بر عباس فرزند امیرالمؤمنین شهید،

اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ

سلام بر شهیدان از فرزندان امیرالمؤمنین، سلام بر شهیدان

مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

از فرزندان جعفر و عقیل، سلام بر هر شهیدی از مؤمنین،

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلاٰماً.

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و از طرف من به آنان تحیت و سلام برسان.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، وَعَلَيْكَ السَّلاٰمُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ،

سلام بر تو ای رسول خدا، و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکات او، خداوند در مصیبت

أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاٰءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ.

فرزندت حسین ـ که سلام بر ایشان باد ـ به شما صبر نیکو مرحمت فرماید.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَيْكَ السَّلاٰمُ وَرَحْمَةُ

سلام بر تو ای ابا الحسن، ای امیرالمؤمنین، و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکات او،

اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاٰءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ.

خداوند در مصیبت فرزندت حسین ـ بر ایشان سلام باد ـ به شما صبر نیکو مرحمت فرماید.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يا فاٰطِمَةُ، يا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعاٰلَمِينَ، وَعَلَيْكِ السَّلاٰمُ

سلام بر تو ای فاطمه، ای دختر رسول پروردگار جهانیان، و بر تو باد سلام و رحمت خدا و

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ. أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكِ الْعَزاٰءَ في وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ.

برکات او، خداوند در مصیبت فرزندت حسین ـ سلام بر ایشان باد ـ به شما صبر نیکو مرحمت فرماید.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبا مُحَمَّدِنِ الْحَسَنِ، وَعَلَيْكَ السَّلاٰمُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

سلام بر تو ای ابا محمّد، ای حسن، و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکات او، خداوند

وَبَرَكاٰتُهُ. أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاٰءَ في أَخِيكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ.

در مصیبت برادرت امام حسین ـ سلام بر ایشان باد ـ به شما صبر نیکو مرحمت فرماید.

اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ أَرْواٰحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناٰتِ، اَلْاَحْياٰءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواٰتِ،

سلام بر ارواح همهٔ مردان و زنان مؤمن، زنده و مرده آنان و بر آنان سلام و رحمت خدا

وَعَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ. أَحْسَنَ اللّٰهُ لَهُمُ الْعَزاٰءَ في

و برکات او، خداوند در مصیبت مولایشان امام حسین 7 به آنان صبر نیکو مرحمت فرماید،

مَوْلاٰهُـمُ الْحُسَـيْنِ. أَللّٰهُـمَّ اجْعَلْنـا مِـنَ الطّالِبِيـنَ بَثَـأْرِهِ مَـعَ إِمـامِ عَدْلٍ

خداوندا ما را از خونخواهان آن حضرت به همراه پیشوای عدل، که اسلام و اهل اسلام را

تُعِـزُّ بِـهِ الْاِسْـلاٰمَ وَأَهْلَـهُ، يـا رَبَّ الْعالَمِيـنَ.

به وجود او عزیز گردانی، قرار بده ای پروردگار جهانیان.

سپس سجده کن و بگو: أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ جَمِيعِ ما نابَ مِنْ خَطْبٍ،

خداوندا تو را سپاس بر تمام آنچه نازل گشته از امور ناخوش‌آیند،

وَلَـكَ الْحَمْـدُ عَلـىٰ كُلِّ أَمْـرٍ، وَإِلَيْـكَ الْمُشْـتَكىٰ فـي عَظِيـمِ الْمُهِمّاتِ

و تو را سپاس بر هر امری، و به سوی تو شکایت می‌نمایم در مصیبت‌های بزرگ به برگزیدگانت

بِخِيَرَتِـكَ وَأَوْلِيائِـكَ، وَذٰلِـكَ لِمـا أَوْجَبْـتَ لَهُـمْ مِـنَ الْكَرامَـةِ وَالْفَضْـلِ

و اولیائت، و این به خاطر چیزی است که واجب فرموده‌ای برای ایشان از کرامت و فضیلت

الْكَثِيـرِ. أَللّٰهُـمَّ فَصَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَارْزُقْنِـي شَـفاعَةَ

بسیار، خداوندا پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و شفاعت امام حسین ـ بر

الْحُسَـيْنِ عَلَيْـهِ السَّـلاٰمُ يَـوْمَ الْـوُرُودِ، وَالْمَقـامَ الْمَشْـهُودِ، وَالْحَـوْضَ

ایشان سلام باد، را روزی من گردان در روز وارد شدن و جایگاه قیامت و حوض کوثر

الْمَـوْرُودِ، وَاجْعَـلْ لـي قَـدَمَ صِـدْقٍ عِنْـدَكَ مَـعَ الْحُسَـيْنِ وَأَصْحـابِ

و قرار ده برای من سابقه خوبی نزد خودت به همراه امام حسین و اصحاب امام حسین ـ بر ایشان سلام باد،

الْحُسَـيْنِ عَلَيْهِ السَّـلاٰمُ، اَلَّذِينَ واسَـوْهُ بِأَنْفُسِـهِمْ، وَبَذَلُوا دُونَـهُ مُهَجَهُمْ،

که با او با جان خویش مواسات نمودند و خون قلب خویش را در راه او بذل نمودند و به همراه آن حضرت با

وَجاهَـدُوا مَعَهُ أَعْـداءَكَ، اِبْتِغـاءَ مَرْضاتِكِ وَرَجائِـكَ، وَتَصْدِيقاً بِوَعْدِكَ،

دشمنانش جهاد کردند، رضایتت را بدین وسیله طالب بوده و امید به رحمتت داشته و وعده‌ات را تصدیق نموده

وَخَوْفـاً مِـنْ وَعِيـدِكَ، إِنَّـكَ لَطِيـفٌ لِمـا تَشـاءُ، يـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِيـنَ.[1]

و از تهدید تو بیم داشته‌اند، که تو آگاهی و لطف فراوان داری نسبت به آنچه بخواهی، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. مستدرک الوسائل: ۴۱۲/۱۰، مفتاح الجنات: ۶۲۰/۲.

(۵) زیارت سوّم برای امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا

سید بن طاووس 1 در کتاب اقبال آورده است: زیارت امام حسین 7 در روز عاشورا از کتاب «المختصر من المنتخب» و گفته است آنچه را که این لفظ آن است: سپس آماده می‌شوی برای زیارت، ابتدا غسل می‌کنی و لباس پاک خود را می‌پوشی و با پای برهنه به بام خانه یا به فضای بازی از زمین می‌روی، سپس روی به سوی قبله می‌نمایی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خدا بود، سلام بر تو ای وارث حضرت

نُوحٍ أَمِينِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ

نوح که امین الهی بود، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم که خلیل خدا بود، سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى كَلِيمِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ

بر تو ای وارث حضرت موسی که کلیم الله بود، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی که روح الله

اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ.

بود، سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد 9 که رسول خدا بود.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ النَّبِيِّينَ وَأَمِيرَالْمُومِنِينَ، وسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ،

سلام بر تو ای وارث پیامبران، سلام بر تو ای وارث امیرمؤمنان که سید اوصیا

وَأَفْضَلَ السّابِقِينَ، وسِبْطَ خاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَكَيْفَ لاتَكُونُ كَذٰلِكَ

و برترین پیشینیان بود، سلام بر تو ای سبط خاتم رسولان، و چگونه چنین نباشی

سَيِّدي، وَأَنْتَ إِمامُ الْهُدىٰ، وَحَلِيفُ التُّقىٰ، وَخامِسُ أَصْحابِ

ای سرور من در حالی که تو پیشوای هدایت و هم پیمان تقوا و پنجمین اصحاب

الْكِسـاءِ، رُبّيـتَ فـي حِجْـرِ الْاِسْـلامِ، وَرُضِعْـتَ مِـنْ ثَـدْيِ الْاِيمـانِ،

کساء هستی، در دامن اسلام پرورش یافتی و از پستان ایمان شیر نوشیدی،

فَطِبْـتَ حَيّاً وَمَـيِّتاً.

نیکو زیستی و نیکو از دنیا رفتی.

اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَـنِ الزَّكِيِّ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا أَبـا عَبْدِاللَّهِ،

سلام بر تو ای وارث امام حسن پاک و منزّه، سلام بر تو ای ابا عبد الله،

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الصِّدِّيقُ الشَّـهِيدُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ أَيُّهَا الْوَصِـيُّ الْبَرُّ

سلام بر تو ای صدّیق شهید، سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزکار

التَّقِـيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتـي حَلَّتْ بِفِنائِكَ،

پسندیده پاک و منزّه، سلام بر تو و ارواحی که بر در سرایت گردآمده

وَأَناخَـتْ بِسـاحَتِكَ، وَجاهَـدْتَ فِـي اللَّـهِ مَعَـكَ، وَشَـرَتْ نَفْسَـهَا ابْتِغـاءَ

و در ساحت مقدس تو اقامت نموده‌اند و به همراه تو در راه خدا جهاد نموده‌اند و جان خود را در راه تو

مَرْضـاتِ اللَّـهِ فِيكَ، اَلسَّـلامُ عَلَـى الْمَلائِكَـةِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ.

در طلب رضای خدا بذل نموده‌اند، سلام بر فرشتگانی که اطراف تو را احاطه نموده‌اند.

أَشْـهَدُ أَنْ لا إِلَـهَ إِلّا اللَّـهُ، وَحْـدَهُ لا شَـرِيكَ لَـهُ، وَأَشْـهَدُ أَنَّ مُحَمَّـداً

گواهی می‌دهم که معبود شایسته‌ای جز خدا نیست، او یکتا است و شریکی برایش نیست، و گواهی

صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَـلَّمَ تَسْـلِيماً، عَبْـدُهُ وَرَسُـولُهُ، وَأَشْـهَدُ أَنَّ أَباكَ

می‌دهم که حضرت محمّد ـ که درود خدا و سلام فراوان او بر وی و خاندانش باد ـ بنده او و فرستاده او

عَلِـيُّ بْـنُ أَبـي طالِـبٍ أَمِيرَالْمُومِنِيـنَ، صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ، وَسَـيِّدَ

است، و گواهی می‌دهم که پدر بزرگوارت حضرت علی بن ابی طالب که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ

الْوَصِيِّيـنَ، وَقائِـدَ الْغُـرِّ الْمُحَجَّلِيـنَ، إِمـامُ مَنِ افْتَـرَضَ اللَّـهُ طاعَتَـهُ عَلىٰ

امیر و فرمانروای مؤمنان، سرور اوصیا، پیشوای روسفیدان و امامی است که اطاعت او را خدا بر همه خلق

خَلْقِـهِ، وَكَذٰلِكَ أَخُوكَ الْحَسَـنُ بْنُ عَلِـيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِـهِ، وَكَذٰلِكَ

واجب گردانیده است و همچنین برادرت حسن بن علی ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ و همچنین

أَنْـتَ وَالْأَئِمَّـةُ مِـنْ وُلْدِكَ.

تو و امامان از فرزندانت.

أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ أَقَمْتُـمُ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتُـمُ الـزَّكاٰةَ، وَأَمَرْتُـمْ بِالْمَعْـرُوفِ،

گواهی می‌دهم که شما نماز را به پا داشتید و زکات پرداختید، به خوبی‌ها امر نمودید و از بدی‌ها

وَنَهَيْتُـمْ عَـنِ الْمُنْكَرِ، وَجاٰهَدْتُمْ فِـي اللَّهِ حَقَّ جِهاٰدِهِ، حَتّـىٰ أَتاٰكُمُ الْيَقِينُ

و زشتی‌ها نهی فرمودید، و آن گونه که سزاوار است در راه خدا جهاد کردید تا آنکه دار فانی را وداع

مِـنْ وَعْدِهِ، فَأَشْـهِدُ اللَّهَ وَأُشْـهِدُكُمْ أَنِّي بِاللَّهِ مُؤْمِـنٌ، وَبِمُحَمَّدٍ مُصَدِّقٌ،

گفتید، پس خدا را و شما را شاهد می‌گیرم که من به خدا ایمان دارم و نسبت به حضرت محمّد تصدیق

وَبِحَقِّكُـمْ عاٰرِفٌ، وَأَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَـنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مـاٰ أَمَرَكُمْ

کننده و به حقّ شما آشنا و آگاهم، و گواهی می‌دهم که شما از طرف خداوند آنچه را بدان امر فرموده بود

بِـهِ، وَعَبَدْتُمُـوهُ حَتّـىٰ أَتاٰكُـمُ الْيَقِيـنُ، بِأَبِـي وَأُمِّـي أَنْتَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللَّهِ.

تبلیغ نمودید و او را خالصانه عبادت کردید تا دارفانی را وداع کردید. پدر و مادرم فدایت ای ابا عبد الله.

لَعَـنَ اللَّـهُ مَـنْ قَتَلَكَ، لَعَـنَ اللَّهُ مَـنْ أَمَرَ بِقَتْلِـكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شـاٰيَعَ

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، خدا لعنت کند کسی را که دستور به قتل تو داد، خدا لعنت کند کسی

عَلـىٰ ذٰلِكَ، لَعَنَ اللَّـهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَشْـهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَـفَكُوا

را که از این دستور پیروی کرد، خدا لعنت کند کسی را که این خبر به او رسید و خشنود گردید، شهادت می‌دهم که

دَمَـكَ، وَانْتَهَكُـوا حُرْمَتَـكَ، وَقَعَـدُوا عَنْ نُصْرَتِـكَ، مِمَّنْ دَعـاٰكَ فَأَجَبْتَهُ،

کسانی که خون تو را ریختند و حرمتت را نگه نداشتند و تو را یاری ننمودند آنگاه که تو را فراخواندند و تو آنان را

مَلْعُونُـونَ عَلـىٰ لِسـاٰنِ النَّبِـيِّ الْأُمِّـيِّ، صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ وَسَـلَّمَ.

اجابت نمودی، اینها همه لعنت شده‌اند بر زبان پیامبر امّی ـ که درود خدا و سلام او بر آن حضرت و خاندانش باد.

يـا سَـيِّدِي وَمَـوْلاٰيَ، إِنْ كاٰنَ لَـمْ يُجِبْـكَ بَدَنِي عِنْـدَ اسْـتِغاٰثَتِكَ، فَقَدْ

ای سرور من و مولای من، اگر تو را اجابت نکرد بدنم هنگام فریاد طلبیات ولی رأی من و نظر من و

أَجاٰبَـكَ رَأْيـي وَهَواٰيَ، أَنَا أَشْـهَدُ أَنَّ الْحَـقَّ مَعَكَ، وَأَنَّ مَـنْ خاٰلَفَكَ عَلىٰ

گرایش من تو را اجابت نمود، من گواهی می‌دهم که حق با تو است و کسی که تو را بر این امر مخالفت

ذٰلِـكَ باٰطِلٌ، فَيـا لَيْتَني كُنْـتُ مَعَكُـمْ فَأَفُوزَ فَـوْزاً عَظِيماً.

نمود باطل است، کاش با شما و همراه شما بودم و به رستگاری عظیم می‌رسیدم.

فَأَسْـئَلُكَ يا سَـيِّدِي أَنْ تَسْـأَلَ اللَّهَ جَـلَّ ذِكْرُهُ فِي ذُنُوبِـي، وَأَنْ يُلْحِقَنِي

از تو درخواست می‌کنم ای سرور من که در مورد آمرزش گناهانم از خدا درخواست نمایی و اینکه

بِكُمْ وَبِشِـيعَتِكُمْ، وَأَنْ يَأْذَنَ لَكُمْ فِي الشَّـفاٰعَةِ، وَأَنْ يُشَـفِّعَكُمْ في ذُنُوبِي،

مرا به شما و شیعیان شما ملحق نماید و اذن دهد برای شما در شفاعت و شما را شفیع گرداند در مورد

فَإِنَّـهُ قالَ جَـلَّ ذِكْرُهُ: (مَنْ ذَا الَّذِي يَشْـفَعُ عِنْـدَهُ إِلّا بِإِذْنِهِ).

گناهان من، که او فرموده است: «کیست که نزد او شفاعت کند مگر به اذن او».

صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْـكَ وَعَلـىٰ آباٰئِـكَ وَأَوْلاٰدِكَ وَالْمَلاٰئِكَـةِ الْمُقِيمِيـنَ

درود خدا بر تو و بر پدران تو و فرزندانت و فرشتگانی که در حرم تو مقیم

فـي حَرَمِـكَ، صَلَّـى اللَّـهَ عَلَيْـكَ وعَلَيْهِـمْ أَجْمَعِيـنَ، وَعَلَـى الشُّـهَداٰءِ

هستند، درود خدا بر تو و بر همه آنان و بر شهیدانی که به همراه

الَّذِيـنَ اسْتَشْـهَدُوا مَعَـكَ وَبَيْـنَ يَدَيْـكَ، صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْـكَ وَعَلَيْهِـمْ،

تو و پیشاپیش تو به شهادت رسیدند، درود خدا بر تو و بر آنان و بر

وَعَلـىٰ وَلَدِكَ عَلِـيِّنِ الْاَصْغَـرِ، اَلَّـذِي فُجِعْتَ بِهِ.

فرزندت حضرت علی اصغر که مصیبت او و داغ او بر قلب نازنین تو نهاده شد.

سـپس بگـو: أَللّٰهُـمَّ إِنِّي بِـكَ تَوَجَّهْـتُ إِلَيْـكَ، وَقَـدْ تَحَرَّمْـتُ بِمُحَمَّدٍ

خداوندا همانا من به وسیله تو به سوی تو توجه می‌کنم، و به واسطه حضرت محمّد و

وَعِتْرَتِـهِ، وَتَوَجَّهْـتُ بِهِـمْ إِلَيْـكَ، وَاسْتَشْـفَعْتُ بِهِـمْ إِلَيْـكَ، وَتَوَسَّـلْتُ

خاندان پاکش حرمتی یافته‌ام، و به وسیله آنان به سوی تو روی می‌آورم و آنان را به درگاه تو شفیع می‌آورم و به

بِمُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، لِتَقْضِـيَ عَنِّـي مُفْتَرَضِـي وَدَيْنِـي، وَتُفَـرِّجَ غَمِّـي،

محمّد و آل محمّد به درگاه تو توسّل می‌جویم تا ادا کنی از طرف من فریضه و دَین مرا، و بزدایی غم و اندوه مرا،

وَتَجْعَـلَ فَرَجِـي مَوْصُـولاً بِفَرَجِهِمْ.

و فرج مرا متصل به فرج و گشایش کار آنان قرار دهی.

سپس دستهایت را بالا ببر به حدّی که زیر بغل‌هایت دیده شود و بگو:

يـا اَللَّـهُ لا إِلَـهَ إِلّا أَنْـتَ، لاتَهْتِـكْ سَـتْرِي، وَلاتُبْـدِ عَوْرَتِـي، وَآمِـنْ

ای خدا، معبود شایسته‌ای جز تو نیست، پرده از کار من کنار مزن، زشتی‌های مرا ظاهر مساز، به ترسم

رَوْعَتِـي، وَأَقِلْنِـي عَثْرَتِـي. أَللَّهُـمَّ أَقْلِبْنِـي مُفْلِحـاً مُنْجِحـاً قَـدْ رَضِيـتَ

ایمنی بخش و لغزشم را نادیده گیر. خداوندا مرا بازگردان با رستگاری و پیروزی و موفقیت در حالی که از

عَمَلِـي، وَاسْـتَجَبْتَ دَعْوَتِـي، يـا اَللَّـهُ الْكَرِيـمُ.

عمل من خشنود گشته‌ای و دعایم را اجابت نموده‌ای، ای خداوند بزرگوار.

سپس بگو: **اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.**

سلام بر تو و رحمت خداوند.

سپس آغاز کن و بگو: **اَلسَّـلامُ عَلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ**

سلام بر امیر و فرمانروای مؤمنان، سلام بر

الزَّهْـراءِ، اَلسَّـلامُ عَلَـى الْحَسَـنِ الزَّكِيِّ، اَلسَّـلامُ عَلَـى الْحُسَـيْنِ الصِّدِّيقِ

حضرت فاطمه زهرا، سلام بر امام حسن پاک و منزّه، سلام بر امام حسین صدّیق

الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَـيْنِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ مُحَمَّـدِ بْنِ عَلِيٍّ،

شهید، سلام بر حضرت علی بن الحسین، سلام بر حضرت محمّد بن علی،

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُوسیٰ بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر حضرت جعفر بن محمّد، سلام بر حضرت موسی بن جعفر، سلام

عَلَی الرِّضٰا عَلِیِّ بْنِ مُوسی، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ

بر حضرت علی بن موسی الرضا، سلام بر حضرت محمّد بن علی، سلام بر

عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلَی

حضرت علی بن محمّد، سلام بر حضرت حسن بن علی، سلام بر امام

الْاِمٰامِ الْقٰائِمِ بِحَقِّ اللّٰهِ، وَحُجَّةِ اللّٰهِ فی أَرْضِهِ، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وعَلیٰ

قیام کننده به حق خداوند و حجت خدا در زمین، درود خدا بر او و بر پدران پاک و

آبٰائِهِ الرّاشِدِینَ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِینَ، وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً.

پاکیزه او که راهنمایان خلق‌اند و سلام فراوان بر همهٔ آنان باد.

سپس شش رکعت نماز، دو رکعت دو رکعت بخوان در هر رکعت سورهٔ حمد یک مرتبه و سورهٔ «قل هو الله احد» صد مرتبه، و بعد از فارغ شدن از آن بگو:

أَللّٰهُمَّ یٰا اَللّٰهُ یٰا رَحْمٰانُ یٰا رَحْمٰانُ، یٰا عَلِیُّ یٰا عَظِیمُ، یٰا أَحَدُ

بارپروردگارا، ای خداوند، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بلندمرتبه، ای با عظمت، ای یکتا، ای مقصود، ای

یٰا صَمَدُ، یٰا فَرْدُ یٰا وِتْرُ، یٰا سَمِیعُ یٰا عَلِیمُ یٰا عٰالِمُ، یٰا کَبِیرُ یٰا مُتَکَبِّرُ،

یگانه، ای تک، ای شنوا، ای بسیار دانا، ای دانا، ای بزرگ مرتبه، ای صاحب کبریایی، ای صاحب جلالت، ای

یٰا جَلِیلُ یٰا جَمِیلُ، یٰا حَلِیمُ یٰا قَوِیُّ، یٰا عَزِیزُ یٰا مُتَعَزِّزُ، یٰا مُؤْمِنُ یٰا

نیکو، ای بردبار، ای نیرومند، ای شکست ناپذیر، ای صاحب عزّت، ای امان دهنده، ای مراقب، ای جبران کننده،

مُهَیْمِنُ، یٰا جَبّٰارُ یٰا عَلِیُّ یٰا مُعِینُ، یٰا حَنّٰانُ یٰا مَنّٰانُ یٰا تَوّٰابُ، یٰا بٰاعِثُ یٰا

ای بلندمرتبه،ای مددکار، ای بسیار مهربان، ای بسیار نعمت دهنده، ای بسیار توبه پذیر، ای برانگیزاننده، ای

وٰارِثُ، یٰا حَمِیدُ یٰا مَجِیدُ یٰا مَعْبُودُ، یٰا مَوْجُودُ، یٰا ظٰاهِرُ یٰا بٰاطِنُ، یٰا أَوَّلُ

میراث برنده، ای ستوده، ای باشکوه، ای پرستش شده، ای وجوددارنده، ای آشکار به آثار، ای پنهان به ذات، ای اوّل

يـا آخِـرُ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا ذَا الْجَـلالِ وَالْاِكْرامِ، وَيا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّـلْطانِ،

بدون ابتدا، ای آخر بدون انتها، ای زنده، ای پاینده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، ای صاحب عزّت و سلطنت،

أَسْـئَلُكَ بِحَـقِّ هٰذِهِ الْاَسْـماءِ يا اَللّـهُ، وَبِحَقِّ أَسْـمائِكَ كُلِّهـا، أَنْ تُصَلِّيَ

از تو می‌خواهم به حقّ این نام‌ها ای خداوند و به حقّ همه نام‌هایت که بر محمّد و آل محمّد

عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ تُفَـرِّجَ عَنِّـي كُلَّ هَـمٍّ وَغَـمٍّ وَكَـرْبٍ وَضُرٍّ

درود فرستی و برطرف سازی از من هر اندوه و غمّی و گرفتاری و بیچارگی و تنگی که من

وَضِيـقٍ أنَا فِيهِ، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي، وَتُبَلِّغَنِي أُمْنِيَّتِي، وَتُسَـهِّلَ لي مَحَبَّتِي،

در آن هستم و دَین مرا ادا کنی و مرا به آرزو برسانی و آسان گردانی برای من محبّتم را و

وَتُيَسِّـرَ لـي إِرادَتِـي، وَتُوصِلَنِـي إِلىٰ بُغْيَتِـي سَـرِيعاً عاجِـلاً، وَتُعْطِيَنِـي

میسّر سازی برای من ارادتم را، و سریع و شتابان مرا به هدفم و مطلوبم برسانی و خواهشم را

سُـؤْلي وَمَسْـأَلَتِي، وَتَزِيدَنِي فَوْقَ رَغْبَتِي، وَتَجْمَعَ خَيْرَ الدُّنْيـا وَالْاٰخِرَةِ.[1]

و درخواستم را عطا کنی و فوق میل و رغبتم بیفزایی، و خیر دنیا و آخرت را برایم جمع نمایی.

۱۴۶

(۶) زیارت چهارم برای امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا

عبـد اللـه بـن سـنان گویـد: در روز عاشـورا خدمـت مولایـم امـام صادق 7 رسـیدم، ایشـان را بـا چهـره گرفتـه و ظاهـری اندوهگیـن دیـدار نمـودم در حالی کـه اشـک‌های ایشـان همچـون مرواریدی ریـزان از دیـدگان جاری بـود، عرض کـردم: ای فرزنـد رسـول خـدا، گریـه شـما بـرای چیسـت، خـدا چشـم شـما را گریان نسـازد؟

امام 7 به من فرمود:

۱. اقبال الاعمال: ص۴۶.

آیا غافلی، آیا نمی‌دانی در مثل امروز حسین بن علی 8 به شهادت رسیده است؟

عرض کردم: ای سرور من، نظر شما دربارهٔ روزهٔ امروز چیست؟ فرمود:

بدون اینکه از شب نیّت کنی روزه بگیر، و بدون اینکه مسرور باشی افطار کن، و آن روز را روزهٔ کامل نگیر، و یک ساعت بعد از نماز عصر با نوشیدن مقداری آب افطار کن، همانا در آن ساعت جنگ بر خاندان رسول خدا 9 فرونشست و حمله و هجوم برطرف شد در حالی که سی نفر از اهل بیت و موالیان ایشان کشته شده بودند و روی زمین افتاده بودند که بر رسول خدا 9 بسیار گران بود و دشوار، و اگر ایشان در آن روز زنده بودند خود صاحب عزای آنان بودند.

در این هنگام امام صادق 7 گریستند به حدّی که محاسن شریف ایشان با اشک دیدگانشان خیس شد، سپس فرمود:

همانا خداوند تبارک و تعالی هنگامی که نور را آفرید آن را در روز جمعه تقدیری در اوّلین روز از ماه رمضان آفرید و ظلمت را در روز چهارشنبه روز عاشورا یعنی دهم محرم تقدیری آفرید و برای هر کدام از آن‌ها راه و روشی قرار داد.

ای عبد الله بن سنان، بدان بهترین کاری که در امروز انجام می‌دهی این است که لباس پاکی بپوشی و تسلّب نمایی ـ عرض کردم: تسلّب چیست؟ فرمود: دکمه پیراهن را می‌گشایی و آستین‌ها را بالا می‌زنی مانند هیئت صاحبان مصیبت ـ ،

سپس به زمین بی‌آب وعلف یا مکانی که کسی تو را نبیند یا منزل خالی و یا جای خلوتی، هنگامی که روز بالا آمده، می‌روی، چهار

رکعت نماز با رکوع و سجده و خشوع نیکو بجا می‌آوری و بین هر دو رکعت سلام می‌دهی، در رکعت اول سورهٔ حمد و «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم، سورهٔ حمد و «قل هو الله احد» می‌خوانی، در دو رکعت بعدی، در رکعت اوّل سورهٔ حمد و سورهٔ احزاب و در رکعت دوم سورهٔ حمد و «اذا جاء ک المنافقون» و یا آن چه برایت ممکن باشد از قرآن می‌خوانی، سپس سلام می‌دهی، آن گاه صورت به طرف قبر امام حسین 7 و آرامگاه شریف آن حضرت می‌نمایی و در نزد خود قتلگاه آن حضرت و همراهانش از فرزندان و اهل و عیال را در نظر بگیر، بر آن حضرت سلام کن و بر او درود فرست و قاتل آن حضرت را لعنت کن و از افعال آن‌ها بیزاری بجو، خداوند با این عمل درجات تو را در بهشت بالا می‌برد و گناهان تو را فرومی ریزد.

سپس چند قدمی در آن محلّی که هستی راه برو و در آن حال بگو:

(إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ)، رِضاً بِقَضاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيماً لِاَمْرِهِ.

«همانا ما از آنِ خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم»، راضی به قضای الهی و تسلیم فرمان او هستیم.

و باید در آن حال اثر غم و اندوه بر چهره‌ات ظاهر باشد، و زیاد یاد خدا نما و کلمه استرجاع بر زبان جاری کن، آنگاه پس از این چند قدم برداشتن در محلّی که در آنجا نماز بجای آوردی بایست و بگو:

أَللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ، اَلَّذِينَ شاقُّوا رَسُولَكَ، وَحارَبُوا أَوْلِيائَكَ،

خداوندا فاجران را عذاب کن که با رسول تو دشمنی نمودند و او را به مشقّت و رنج انداختند و با اولیای

وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقادَةَ وَالْاَتْباعَ، وَمَنْ

تو جنگیدند و غیر تو را پرستیدند و حرام تو راحلال شمردند. پیشوای آن‌ها و پیروانشان را و کسانی را که

كانَ مِنْهُمْ[1]، فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً.

از آن‌ها بودند، خدعه نمودند و خود را با آن‌ها قرار دادند یا به فعل آن‌ها راضی بودند لعنت کن لعنت فراوان.

أَللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ[2]، وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

خداوندا در فرج آل محمّد علیهم السلام تعجیل فرما، درود و رحمتت را بر او و بر آنان قرار بده و

وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفَرَةِ الْجاحِدِينَ،

آن‌ها را از چنگ منافقین گمراه و کافران منکر رهایی بخش، و برای آنان (هر مشکل و بسته شده‌ای را)

وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً قَرِيباً، وَاجْعَلْ لَهُمْ

بگشای گشودن آسانی، و آماده کن برای آنان راحتی و گشایش نزدیک، و قرار بده برای آنان از جانب

مِنْ لَدُنْكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصِيراً.

خود سلطنت و قدرتی که آن‌ها را یاری دهد بر دشمن تو و دشمن آنان.

سپس دست‌هایت را بالا ببر و با این دعا نیایش کن و در حالی که به دشمنان آل محمّد : اشاره می‌کنی، بگو

أَللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيراً مِنَ الْأُمَّةِ ناصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ، وَكَفَرَتْ

خداوندا همانا بسیاری از امّت نسبت به نگهبانان دین ائمّه طاهرین علیهم السلام نصب عداوت نمودند

بِالْكَلِمَةِ، وَعَكَفَتْ عَلَى الْقادَةِ الظَّلَمَةِ، وَهَجَرَتِ الْكِتابَ وَالسُّنَّةَ،

و به کلمه (توحید) کفر ورزیدند و ملازم پیشوایان ستمگر گردیدند و کتاب و سنت را رها کردند و

وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطاعَتِهِما، وَالتَّمَسُّكِ بِهِما،

از دو حبلی که به اطاعت آن دو (یعنی قرآن وعترت) و تمسّک به آن دو امر فرمودی عدول نمودند،

فَأَماتَتِ الْحَقَّ، وَجارَتْ[3] عَنِ الْقَصْدِ، وَماآلَاتِ الأَحْزابَ، وَحَرَّفَتِ

پس حق را میراندند و از مقصد منحرف شدند و احزاب را مساعدت و یاری نمودند و کتاب را تحریف

الْكِتابَ، وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمّا جاءَها، وَتَمَسَّكَتْ بِالْباطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَها،

کردند و حق را هنگامی که به آن رسیدند انکار کردند و به باطل هنگامی که به آن برخورد کردند

۱. «معهم»، خ ۲. «أهل بیت محمّدٍ»، خ ۳. «وحادَت»، خ.

وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلادَ نَبِيِّكَ، وَخِيَرَةَ عِبادِكَ،

تمسّک نمودند، و حقّ تو را ضایع ساختند وخلق تو را گمراه نمودند، و اولاد پیامبرت و بهترین بندگانت

وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

و دارندگان علمت و وارثان حکمت و وحیات را کشتند.

أَللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدامَ أَعْدائِكَ وَأَعْداءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ.

خداوندا قدم‌های دشمنانت و دشمنان رسول و اهل بیت رسولت را متزلزل نما

أَللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيارَهُمْ، وَافْلُلْ[1] سِلاحَهُمْ، وَخالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ،

و دیار آنان را خراب کن و اسلحه آنان را کند نما، و وحدت آنان را به هم بزن و در قوای

وَفُتَّ فِي أَعْضادِهِمْ وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقاطِعِ،

آنان شکست ایجاد کن، نیرنگ آن‌ها را سست فرما، و شمشیر برّانت را بر ایشان فرود آور،

وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدّامِغِ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ طَمّاً، وَقُمَّهُمْ بِالْعَذابِ قَمّاً،

و سنگ نابودکننده‌ات را به سوی آنان رها کن، و آنان را به بلا فراگیر نما، و با عذاب ریشه کن ساز،

وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثُلاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِها

و با عذابی سخت عذاب کن و گرفتار قحطی و بلاهای بسیار سخت فرما که با آن دشمنانت را هلاک

أَعْدائَكَ، إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ.

می‌نمایی، که تو صاحب انتقام و کیفر از مجرمین هستی.

أَللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضائِعَةٌ، وَأَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ، وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ

خداوندا همانا سنّت تو تباه گشته و احکام تو تعطیل شده و عترت پیامبرت در روی زمین حیران

هائِمَةٌ. أَللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَاقْمَعِ الْباطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمُنَّ عَلَيْنا

گردیدند، خداوندا حق و اهل آن را کمک کن و باطل و اهل آن را نابود گردان و بر ما به نجات منّت بگذار

بِالنَّجاةِ، وَاهْدِنا إِلَى الْإِيمانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنا، وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِيائِكَ،

و به سوی ایمان هدایت فرما و در فرج ما تعجیل نما و آن را با فرج اولیای خود در یک ردیف قرار ده،

۱. «وَ أَكْفِتْ»، خ.

وَاجْعَلْهُمْ لَنا وُدّاً[1]، وَاجْعَلْنا لَهُمْ وَفْداً.

آنان را برای ما محبوب و ما را برای آنان میهمان قرار بده.

أَللَّهُمَّ وَأَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عِيداً، وَاسْتَهَلَّ

خداوندا کسی که روز قتل پسر پیامبر و برگزیده‌ات را عید قرار داده و بدان سبب اظهار خوشحالی و

بِهِ فَرَحاً وَمَرَحاً، وَخُذْ آخِرَهُمْ كَما أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ

شادمانی می‌کند هلاک گردان و آخر آنان را مؤاخذه کن همان طور که اوّل آنان را مؤاخذه نمودی، خداوندا

الْعَذابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلىٰ ظالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكْ أَشْياعَهُمْ

عذاب و کیفرت را بر ستمگران نسبت به اهل بیت پیامبرت دو چندان کن و پیروان و زمامداران آنان را

وَقادَتَهُمْ، وَأَبِرْ[2] حُماتَهُمْ وَجَماعَتَهُمْ.

هلاک گردان و حمایتگران و مدافعان ایشان را نابود فرما.

أَللَّهُمَّ وَضاعِفْ صَلَواتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ عَلىٰ عِتْرَةِ نَبِيِّكَ،

خداوندا درود و رحمت و برکات خود را بر عترت پیامبرت دو چندان کن، عترتی که (حق ایشان)

اَلْعِتْرَةِ الضّائِعَةِ الْخائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ، بَقِيَّةِ[3] الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزّاكِيَةِ[4]

ضایع گشت و خائف زیستند در حالی که باقیمانده شجره طیّبه مبارکه بودند. خداوندا کلمهٔ آنان

الْمُبارَكَةِ، وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ، وَاكْشِفِ الْبَلاءَ

را فوق همه قرار بده و حجّت و برهان آنان را پیروز گردان، خداوندا بلا و گرفتاری و تاریکی‌های

وَالْلَّاواءَ، وَحَنادِسَ الْاَباطِيلِ وَالْعَمىٰ[5] عَنْهُمْ، وَثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ

اباطیل و غم را از آنان برطرف کن و دل‌های شیعیان ایشان و حزب و گروه خودت را بر اطاعت و

وَحِزْبِكَ عَلىٰ طاعَتِهِمْ[6] وَ وِلايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ، وَأَعِنْهُمْ

ولایت و نصرت و ارادت و دوستی ایشان ثابت گردان و آنان را مدد نما و صبر و شکیبایی بر اذیت‌ها

۱. «رِدْءا»، خ ۲. «وَأَيِّدْ»، خ ۳. «بَقِيَّةٍ مِنَ»، خ.
۴. «الزَّكِيَّةِ»، خ ۵. «الْغَمَّ»، خ ۶. «طاعَتِكَ»، خ.

وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْاَذىٰ فِيكَ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيّاماً مَشْهُودَةً، وَأَوْقاتاً

و آزارها در راه خودت را به آن‌ها مرحمت فرما، و قرار بده برای آنان روزهای مشهود و اوقات

مَحْمُودَةً[1] مَسْعُودَةً، تُوشِكُ فِيهٰا فَرَجَهُمْ، وَتُوجِبُ فِيهٰا تَمْكِينَهُمْ

ستوده و پربرکت و سعادت، که فرج ایشان را نزدیک گرداند و باعث قدرتمندی و پیروزی

وَنَصْرَهُمْ[2]، كَمٰا ضَمِنْتَ لِاَوْلِيٰائِكَ فِي كِتٰابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ

آنان شود همان طور که برای اولیائت در کتاب نازل شده‌ات ضامن گردیده‌ای و گفته‌ای

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ

و گفتار تو حق است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

فرموده است که آنان را در زمین خلافت بخشد آن گونه که پیشینیان را خلافت بخشید و دین و آیین

لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً

را که برای ایشان پسندیده قدرت و توانایی دهد و بعد از ترس آن‌ها را از امنیت برخوردار سازد تا مرا

يَعْبُدُونَنِي لٰا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً)[3].

پرستش نمایند و چیزی را برای من شریک قرار ندهند».

أَللّٰهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ، يٰا مَنْ لٰا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلّٰا هُوَ،

خداوندا پس غم ایشان را برطرف کن، ای آنکه جز او کسی نمی‌تواند ضرر و زیان را دور

يٰا أَحَدُ يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ، وَأَنَا يٰا إِلٰهِي عَبْدُكَ الْخٰائِفُ مِنْكَ، وَالرّٰاجِعُ

گرداند، ای یگانه، ای زنده، ای پاینده، و من ای معبود من بندهٔ توام که از تو بیمناکم و بازگشت کننده

إِلَيْكَ، اَلسّٰائِلُ لَكَ، اَلْمُقْبِلُ عَلَيْكَ، اَللّٰاجِئُ إِلىٰ فِنٰائِكَ، اَلْعٰالِمُ

به سوی توام، گدای توام، به تو روی آورده‌ام و به در سرایت پناهنده گشته‌ام، و می‌دانم که هیچ پناهی

بِأَنَّهُ لٰا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلّٰا إِلَيْكَ.

از تو (و عذاب تو) نیست مگر به سوی خودت.

۱. «مَحْشُودَةً»، خ ۲. «وَنُصْرَتَهُمْ»، خ ۳. سورهٔ نور، آیهٔ۵۵.

أَللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعائي، وَاسْمَعْ يا إِلٰهي عَلانِيَتي وَنَجْواىَ، وَاجْعَلْنِي

خداوندا دعای مرا قبول فرما و بشنو ای معبود من آن چه را بلند گفتم و آهسته گفتم، و مرا قرار بده از

مِمَّنْ رَضِيْتَ عَمَلَهُ، وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ

کسانی که از عمل او خشنود گشتی و عبادت او را قبول فرمودی و به رحمت خویش او را نجات دادی، همانا تو

الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ.

عزیز و بزرگواری.

أَللَّهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلاً وَآخِراً عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلىٰ

خداوندا ابتدا و انتها بر محمّد و آل محمّد درود فرست و بر محمّد و آل محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، بِأَكْمَلِ[1] وَأَفْضَلِ ما

برکت ده و بر محمّد و آل محمّد رحمت فرست به کامل‌ترین و برترین درود و برکت

صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ، وَمَلائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ

و رحمتی که بر پیامبران و رسولان و ملائکه‌ات و حاملان عرشت می‌فرستی به اینکه

عَرْشِكَ بِلا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ.

هیچ معبود شایسته‌ای جز تو نیست.

أَللَّهُمَّ وَلا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ

خداوندا بین من و محمّد و آل محمّد ـ که درود تو بر او و بر

وَعَلَيْهِمْ، وَاجْعَلْنِي يا مَوْلايَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ

آنان باد ـ جدایی مینداز و مرا از شیعیان محمّد و علی و فاطمه و حسن

وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ، وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ،

وحسین و ذریه پاک و برگزیده آنان قرار بده، ای مولای من، و تمسّک نمودن به حبل آنان و خشنود

وَالرِّضا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْاَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ، إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ.

بودن به راه آنان و پیمودن طریقه آنان را بر من ببخشای که تو بخشنده و بزرگواری.

۱. «كَأَكْمَلِ»، خ.

سپس چهره‌ات را بر خاک بمال و بگو: **يا مَنْ يَحْكُمُ ما يَشاءُ**

ای آنکه حکم می‌کند آنچه بخواهد و انجام

وَيَفْعَلُ ما يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً، فَعَجِّلْ

می‌دهد آنچه را اراده فرماید، تو حکم کردی، سپاس برای تو است در حالی که تو ستوده و پاداش دهنده‌ای پس

يا مَوْلايَ فَرَجَهُمْ، وَفَرَجَنا[1] بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ،

ای مولای من، در فرج آنان تعجیل فرما و فرج ما را به فرج آنان قرار بده، همانا تو عزّت آنان را بعد از ذلّت، و

وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ، وَإِظْهارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ، يا أَصْدَقَ الصّادِقِينَ،

کثرت آنان را بعد از کمی، و ظاهرشدن آنان را بعد از گمنامی ضمانت کرده‌ای. ای راستگوتر از همه راستگویان

وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و ای مهربان‌تر از همه مهربانان.

فَأَسْئَلُكَ يا إِلَهي وَسَيِّدي، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، بَسْطَ

ای معبود من و سرورم، از تو با ناله و زاری می‌خواهم به جود و کرمت، تحقق آرزویم را،

أَمَلي وَالتَّجاوُزَ عَنِّي، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيادَةَ في أَيّامِي

و گذشت از من را، و پذیرش کم و زیاد عملم را، و افزایش در روزهایم را، و رساندنم را به این

وَتَبْليغي ذٰلِكَ الْمَشْهَدَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعى فَيُجِيبُ إِلىٰ طاعَتِهِمْ

حرم مطهر، و اینکه قرار دهی مرا از کسانی که فراخوانده شدند و اجابت نمودند در اطاعت

وَمُوالاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ[2]، وَتُرِيَنِي ذٰلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً في عافِيَةٍ، إِنَّكَ

آنان و ارادت و یاری ایشان، و آن را هر چه سریع‌تر و زودتر با عافیت به من نشان دهی، که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بر هر چیز توانایی.

سپس سر خود را به سوی آسمان بالا ببر و بگو: **أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ**

پناه می‌برم به تو از

۱. «وَفَرِّجْنَا»، خ

۲. «وَنُصْرَتِهِمْ»، خ .

مِـنَ الَّذِيـنَ لاٰ يَرْجُـونَ أَيّامَـكَ، فَأَعِذْنِي يا إِلَهـي بِرَحْمَتِكَ مِـنْ ذٰلِكَ.

اینکه از کسانی باشم که به ایام تو امید نبسته‌اند، پس مرا به رحمتت پناه بده از آن.

ـ سپس امام صادق 7 فرمودند: ـ

ای پسر سنان، همانا این عمل برتر است از چندین و چندین حج و چندین و چندین عمره که مستحبی به جای آوری و مال و ثروت خود را در آن هزینه کنی و خود را در آن خسته نمایی و از اهل و عیالت جدا شوی.

بدان که خداوند تبارک و تعالی به کسی که این نماز را در این روز بجا آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را از روی یقین و تصدیق انجام دهد ده خصلت عطا کند که از آن‌ها است اینکه از مرگ بد او را حفظ کند، از ناپسندها و ناخوش آیندها و فقر ایمن دارد و تا هنگام مرگ دشمن را بر او پیروز نگرداند، و از جنون و جذام و برص او را و فرزندانش را تا چهار نسل مصون دارد، و شیطان و اولیاء شیطان را بر او و نسل او تا چهار نسل مسلط نفرماید.

ابـن سـنان گویـد: بازگشـتم در حالی کـه می‌گفتـم: حمد و سـپاس خداوند را کـه بـر مـن بـا معرفـت و محبت شـما منّـت نهـاد و از او می‌خواهم بـه لطف و رحمتـش کـه مـرا بر آنچـه واجب فرمـوده از اطاعت شـما یـاری نماید[1]

۱. مصبـاح المتهجّـد: ص۷۸۲، مـزار کبیر: ص۴۷۳، بحار الأنـوار: ۱۰۱/۳۰۳ ح۴، مصباح الزائر: ص۲۶۱، مفتـاح الجنّـات: ۳/۴۰۶، الصحیفـة الصادقیّـة: ص۶۰۴، منهـاج العارفیـن: ص۳۷۴، إقبـال الأعمـال: ص۴۲، وزاد المعـاد: ص۳۸۷ بـا تفاوتی اندک.

دو نکته مهم که توجه به آن دو لازم است

۱ ـ چرا روز عاشورا روز برکت نامیده شده است؟

صدوق﵀ به سند خود از عبد الله بن فضل روایت کرده است که گفت:
به امام صادق 7 عرض کردم: چرا عامه روز عاشورا را روز برکت نامیده‌اند؟
امام 7 گریست و سپس فرمود:

هنگامی که امام حسین 7 به شهادت رسید مردم در شام به یزید تقرّب می‌جستند، اخباری برای او جعل نمودند و بابت آن جوائز مالی دریافت می‌کردند، و از آنچه برای او جعل کردند، اخباری مربوط به این روز است و اینکه این روز، روز برکت است، تا مردم را در آن از جزع و گریه و حزن و مصیبت به شادی و سرور و تبرّک عدول دهند، خدا میان ما و ایشان حکم کند.[1]

۲ـ بزرگداشت قبیله‌هایی از فرزندان قاتلان امام حسین 7

در کتاب «اسرار الامامة» گوید:
در شام قبیله‌هایی مورد اکرام و احترام و تعظیم هستند، و برای آنان خیرات و صدقات برده می‌شود:
از آن‌ها قبیله بنوسنان هستند، و آن‌ها اولاد کسانی هستند که نیزه‌ای را که بر آن سر مبارک امام حسین 7 بر آن بود بالا برده بودند.
از آن‌ها قبیله بنوطشت هستند و آن‌ها اولاد آن لعینی هستند که سر مبارک امام حسین 7 را در طشت گذاشته و پیش روی یزید ملعون قرار داد.
از آن‌ها قبیله بنو نعل هستند و آن‌ها اولاد کسانی هستند که اسب‌ها را بر

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۱۰۴ ح۶، علل الشرائع: ۲۲۶.

جسـد مطهـر امـام حسـین 7 دوانیدنـد در کربلا و بقایـای آن نعل را نسـل اندر نسـل گرفتـه و حفـظ کردنـد و حلقـه‌ای از آن را تیّمناً بـر در خانه‌هایشـان آویزان کردند.

از آن‌هـا قبیلـه بنومکبّـر هسـتند، و آنـان اولاد کسـانی هسـتند کـه وقتـی سـر مبـارک امـام حسـین 7 را در شـام وارد کردنـد بـر آن تکبیـر گفتنـد.

[از آن‌هـا قبیلـه بنوفرزدجـی هسـتند، و آنـان اولاد کسـانی هسـتند کـه سـر مبـارک حضـرت امـام حسـین 7 را در شـام][1] از درب فـرزدج وارد کردنـد.

از آن‌هـا قبیلـه بنوقضیـت هسـتند، و آن‌هـا اولاد کسـانی هسـتند کـه چـوب خیـزران را بـه سـوی یزیـد بردنـد تـا بـا آن بـه لـب و دنـدان آن حضـرت بزنـد.

از آن‌هـا قبیلـه بنوفتح هسـتند، و آنان اولاد کسـانی هسـتند که «انّـا فتحنا لک فتحـا مبینـا» خواندنـد بعد از عصری که امام حسـین 7 را به شـهادت رسـاندند و بـا آن بـه فتـح یزیـد اشـاره نمودند. لعنـت [و عذاب شـدید][2] پـروردگار بر او باد.[3]

۱ و۲. عبارات بین دو کروشه، در «ب» نیست.

۳. اسرار الامامة: ص۳۷۸.

(۷) زیارت ناحیه مقدسه به روایت شیخ مفید اعلی الله مقامه

علاّمهٔ مجلسی 1 در «بحارالأنوار» می گوید: شیخ مفید 1 روایت کرده‌است: هر گاه خواستی امام حسین 7 را در روز عاشورا زیارت کنی، نزد آن حضرت بایست، و بگو :

اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ شَيْثٍ وَلِيِّ

سلام بر آدم، برگزیدهٔ خداوند از بین آفریدگانش، سلام بر حضرت شیث، ولیّ

اللّٰهِ وَخِيَرَتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ إِدْرِيسَ الْقٰائِمِ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ نُوحٍ

خدا و انتخاب شدهٔ او، سلام بر جناب ادریس، برپادارندهٔ حجّت الهی، سلام بر نوح،

الْمُجٰابِ فِي دَعْوَتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللّٰهِ بِمَعُونَتِهِ،

پاسخ داده شده در دعایش، سلام بر هود که از طرف خداوند کمک‌های بسیار به او شد،

اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ صٰالِحٍ الَّذِي تَوَّجَهُ اللّٰهُ بِكَرٰامَتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ إِبْرٰاهِيمَ

سلام بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید. سلام بر ابراهیم

الَّذِي حَبٰاهُ اللّٰهُ بِخُلَّتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ إِسْمٰاعِيلَ الَّذِي فَدٰاهُ اللّٰهُ بِذِبْحٍ

که خداوند مقام خلّت و دوستی ویژه خود را به او بخشید، سلام بر اسماعیل که خداوند قربانی

عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ إِسْحٰاقَ الَّذِي جَعَلَ اللّٰهُ النُّبُوَّةَ فِي

بزرگی از بهشت را فِدیه او قرار داد (و او را آزاد نمود)، سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری و نبوّت را

ذُرِّيَّتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، اَلسَّلاٰمُ

در نسل او قرار داد، سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور چشمانش را به وی بازگردانید، سلام بر

عَلیٰ يُوسُفَ الَّذِي نَجّٰاهُ اللّٰهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ مُوسَى

یوسف که خداوند به عظمتش او را از چاه نجات بخشید. سلام بر موسی

الَّـذي فَلَـقَ اللَّـهُ الْبَحْـرَ لَـهُ بِقُدْرَتِـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَى هـارُونَ الَّـذي خَصَّهُ

که خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت، سلام بر هارون که خداوند او را به

اللَّـهُ بِنُبُوَّتِـهِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ شُـعَيْبٍ الَّـذي نَصَرَهُ اللَّـهُ عَلىٰ اُمَّتِهِ، اَلسَّـلامُ

پیامبری خود مخصوص گردانید، سلام بر شعیب که خدا او را بر اُمّتش پیروز کرد، سلام

عَلـىٰ داوُدَ الَّـذي تـابَ اللَّـهُ عَلَيْهِ مِـنْ خَطيئَتِـهِ. اَلسَّـلامُ عَلىٰ سُـلَيْمانَ

بر داود که خدا توبه او را از خطا و اشتباهش پذیرفت. سلام بر سلیمان

الَّـذي ذَلَّـتْ لَهُ الْجِـنُّ بِعِزَّتِهِ، اَلسَّـلامُ عَلـىٰ أَيُّوبَ الَّـذي شَـفاهُ اللَّهُ مِنْ

که جنّیان به واسطهٔ عزّتش، در مقابلش فروتن شدند، سلام بر ایّوب که خدا از بیماری و

عِلَّتِـهِ، اَلسَّـلامُ عَلـىٰ يُونُسَ الَّـذي أَنْجَزَ اللَّهُ لَـهُ مَضْمُونَ عِدَتِهِ، اَلسَّـلامُ

گرفتاری بهبودش بخشید، سلام بر یونس که خداوند وعده‌اش را برای او وفا کرد، سلام

عَلـىٰ عُزَيْـرٍ الَّذي أَحْيـاهُ اللَّهُ بَعْـدَ مَيْتَتِهِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ زَكَرِيّـا الصّابِرِ في

بر عُزیر که خداوند او را پس از مردن دوباره زنده کرد، سلام بر زکریا که در محنت و

مِحْنَتِـهِ، اَلسَّـلامُ عَلـىٰ يَحْيَـى الَّـذي أَزْلَفَهُ اللَّـهُ بِشَـهادَتِهِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ

اندوهش شکیبایی ورزید، سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد، سلام بر

عِيسـىٰ رُوحِ اللَّـهِ وَكَلِمَتِهِ.

عیسی که روح خدا و کلمهٔ الهی بود.

اَلسَّـلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ أَميرِالْمُؤْمِنينَ

سلام بر حضرت محمّد که محبوب و برگزیده پروردگار است، سلام بر امیر مؤمنان

عَلِـيِّ بْـنِ أَبـي طالِـبِ الْمَخْصُـوصِ بِأُخُوَّتِـهِ، اَلسَّـلامُ عَلـىٰ فاطِمَـةَ

حضرت علی فرزند ابو طالب که برادری پیامبر ویژهٔ او شد، سلام بر حضرت فاطمهٔ زهرا،

الزَّهْـراءِ ابْنَتِـهِ، اَلسَّـلامُ عَلـىٰ أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَـنِ وَصِـيِّ أَبِيـهِ وَخَلِيفَتِهِ.

دختر رسول خدا، سلام بر حضرت ابو محمّد امام حسن که وصیّ پدرش و جانشین او بود.

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ

سلام بر امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)، سلام بر کسی که

مَنْ أَطٰاعَ اللّٰهَ في سِرِّهِ وَعَلاٰنِيَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ جَعَلَ اللّٰهُ الشِّفٰاءَ

خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد، سلام بر کسی که خداوند شفا را در خاک قبرش قرار

في تُرْبَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ الْإِجٰابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ

داد، سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها در زیر گنبد شریفش حتمی است، سلام

الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ. اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ خٰاتَمِ الْأَنْبِيٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ

بر کسی که امامان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند. سلام بر فرزند آخرین پیامبران، سلام بر فرزند

سَيِّدِ الْأَوْصِيٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ فاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ

سرور جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمهٔ زهرا، سلام بر فرزند

خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ

خدیجهٔ کبری، سلام بر فرزند سدرهٔ المنتهی (بالاترین مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی

جَنَّةِ الْمَأْوىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفٰا.

که جایگاه آسایش است، سلام بر فرزند زمزم و صفا.

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُرَمَّلِ بِالدِّمٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبٰاءِ،

سلام بر کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه‌گاهش هتک حرمت شد،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ خٰامِسِ أَصْحٰابِ الْكِسٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ غَرِيبِ

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کسا، سلام بر غریب

الْغُرَبٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ شَهِيدِ الشُّهَدٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قَتِيلِ الْأَدْعِيٰاءِ،

غریبان، سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته شده به دست حرام‌زادگان،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سٰاكِنِ كَرْبَلاٰءَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ بَكَتْهُ مَلاٰئِكَةُ السَّمٰاءِ.

سلام بر ساکن کربلا، سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند.

اَلسَّلٰامُ عَلٰی مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْاَزْكِيٰاءُ، اَلسَّلٰامُ عَلٰی يَعْسُوبِ الدِّينِ،

سلام بر کسی که فرزندانش پاک‌ترین و ناب‌ترین انسان‌ها بودند. سلام بر پادشاه دین،

اَلسَّلٰامُ عَلٰی مَنٰازِلِ الْبَرٰاهِينِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْاَئِمَّةِ السّٰادٰاتِ.

سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی، سلام بر امامان والا و شرافتمند.

اَلسَّلٰامُ عَلَی الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الشِّفٰاهِ الذّٰابِلٰاتِ،

سلام بر گریبان‌های خون آلوده، سلام بر لب‌های خشکیده،

اَلسَّلٰامُ عَلَی النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْاَرْوٰاحِ الْمُخْتَلَسٰاتِ،

سلام بر جان‌های بلا دیده، سلام بر روح‌های از بدن رها شده.

اَلسَّلٰامُ عَلَی الْاَجْسٰادِ الْعٰارِيٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْجُسُومِ الشّٰاحِبٰاتِ،

سلام بر پیکرهای عریان شده، سلام بر جسم‌های رنگ پریده،

اَلسَّلٰامُ عَلَی الدِّمٰاءِ السّٰائِلٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْاَعْضٰاءِ الْمُقَطَّعٰاتِ،

سلام بر خون‌های جاری شده، سلام بر عضوهای قطعه قطعه شده،

اَلسَّلٰامُ عَلَی الرُّؤُوسِ الْمُشٰالٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی النِّسْوَةِ الْبٰارِزٰاتِ.

سلام بر سرهای به نیزه رفته، سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده).

اَلسَّلٰامُ عَلٰی حُجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلٰی آبٰائِكَ

سلام بر حجّت پروردگار جهانیان، سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران

الطّٰاهِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلٰی أَبْنٰائِكَ الْمُسْتَشْهَدِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

پاکت، سلام بر تو و بر فرزندان شهادت‌طلبت، سلام بر تو

وَعَلٰی ذُرِّيَّتِكَ النّٰاصِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلَی الْمَلٰائِكَةِ الْمُضٰاجِعِينَ.

و بر نسل یاری کننده‌ات، سلام بر تو و بر فرشتگان کنار آرامگاهت.

اَلسَّلٰامُ عَلَی الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، اَلسَّلٰامُ عَلٰی أَخِيهِ الْمَسْمُومِ،

سلام بر کشتهٔ ستمدیده، سلام بر برادر مسمومش (امام حسن علیه السلام)،

اَلسَّلٰامُ عَلَى عَلِيٍّ الْكَبِيرِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ. اَلسَّلٰامُ عَلَى

سلام بر علی بزرگ (علی اکبر علیه السلام)، سلام بر آن شیر خوار کوچک. سلام بر

الْاَبْدٰانِ السَّلِيبَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ

بدن‌هایی که (جامه‌های آنان) به تاراج رفته، سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر روی زمین افتادگان

فِي الْفَلَوٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى النّٰازِحِينَ عَنِ الْاَوْطٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى

در بیابان‌ها، سلام بر دورشدگان از سرزمین خویش، سلام بر

الْمَدْفُونِينَ بِلٰا أَكْفٰانٍ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْاَبْدٰانِ،

خاک سپرده‌شدگان بی‌کفن. سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها،

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصّٰابِرِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلٰا نٰاصِرٍ.

سلام بر کسی که مصائبش را به حساب خدا گذارد و شکیبا بود، سلام بر ستمدیده بی‌یاور.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سٰاكِنِ التُّرْبَةِ الزّٰاكِيَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ صٰاحِبِ الْقُبَّةِ

سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید، سلام بر صاحب گنبدی

السّٰامِيَةِ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ افْتَخَرَ بِهِ

بلندمرتبه. سلام بر کسی که خدای بزرگ، او را پاک نمود، سلام بر کسی که جبرئیل به او

جَبْرَئِيلُ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ نٰاغٰاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكٰائِيلُ.

افتخار می‌کرد، سلام بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لالایی می‌گفت.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ نُكِثَتْ ذِمَّتُهُ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ،

سلام بر آن که پیمانش را شکستند، سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ اُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ

سلام بر کسی که خونش را به ناحق و با ستمکاری ریختند، سلام بر کسی که با خون جراحاتش

الْجِرٰاحِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْسٰاتِ الرِّمٰاحِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى

شستشو داده شد، سلام بر کسی که از کاسه‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بر وی ستم

الْمُضاٰمِ الْمُسْتَبَاحِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرى، اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ

کرده و ریختن خونش را حلال شمردند، سلام بر او که جلو روی همه مردم سرش را از تن جدا کردند (و کسی چیزی

مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرىٰ. اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى

نگفت)، سلام بر آن آقایی که روستانشینان (بنی اسد) دفنش کردند. سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد،

الْمُحاٰمِي بِلاٰ مُعِينٍ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى الشَّيْبِ الخَضِيبِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى

سلام بر آن حمایتگر بی‌یاور، سلام بر محاسن با خون خضاب شده، سلام

الخَدِّ التَّرِيبِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى الثَّغْرِ

بر آن گونه و رخسار خاک‌آلوده، سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش به تاراج رفته، سلام بر آن

الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى

دندان مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد، سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت، سلام بر

الْاَجْسـاٰمِ الْعاٰرِيَةِ فِي الْفَلَوٰاتِ، تَنْهَشُهاَ الذِّئـاٰبُ الْعاٰدِيـاٰتُ، وَتَخْتَلِفُ

بدن‌هایی که بدون پوشش در بیابان‌ها افتاده بودند، گرگ‌های متجاوز آن‌ها را دریدند و درندگان

إِلَيْهَا السِّبـاٰعُ الضّاٰرِيـاٰتُ.

وحشی پیرامون‌شان رفت و آمد می‌کردند.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـاٰ مَوْلاٰيَ وَعَلَى الْمَلاٰئِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ،

سلام بر تو ای مولای من، و بر فرشتگانی که گرداگرد گنبد شریفت بال گشوده‌اند، خاک

اَلْحاٰفِّينَ بِتُرْبَتِكَ، اَلطّاٰئِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، اَلْوٰارِدِينَ لِزِياٰرَتِكَ، اَلسَّلاٰمُ

پاک قبرت را در برگرفته‌اند، به طواف حرمت مشغول‌اند، و برای زیارتت وارد می‌شوند. سلام

عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ.

بر تو، من به قصد زیارت تو آمده ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ سَلاٰمَ الْعاٰرِفِ بِحُرْمَتِكَ، اَلْمُخْلِصِ فِي وِلاٰيَتِكَ،

سلام بر تو، سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده در ولایت تو،

اَلْمُتَقَـرِّبِ إِلَـى اللّـهِ بِمَحَبَّتِـكَ، اَلْبَـرِيءِ مِـنْ أَعْدٰائِـكَ، سَـلاٰمَ مَـنْ قَلْبُهُ

تقرّب جوینده به سوی خدا با محبّت تو، و بیزاری جوینده از دشمنانت می‌باشد، سلام کسی که دلش از

بِمُصٰابِـكَ مَقْـرُوحٌ، وَدَمْعُـهُ عِنْـدَ ذِكْـرِكَ مَسْـفُوحٌ، سَـلاٰمَ الْمَفْجُـوعِ

مصیبت تو جریحه‌دار، و اشکش با یاد تو ریزان است، سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته‌ای بیچاره،

الْحَزِيـنِ الْوٰالِهِ الْمُسْـتَكِينِ، سَـلاٰمَ مَـنْ لَـوْ كٰانَ مَعَكَ بِالطُّفُـوفِ لَوَقاكَ

سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را با جان خود در برابر تیزی شمشیرها

بِنَفْسِـهِ حَـدَّ السُّـيُوفِ، وَبَذَلَ حُشٰاشَـتَهُ دُونَـكَ لِلْحُتُـوفِ، وَجٰاهَـدَ بَيْنَ

نگهداری می‌کرد، و نیمه جانی که برایش مانده را برای تو در معرض مرگ قرارمی‌داد و در پیشگاه تو به نبرد

يَدَيْـكَ، وَنَصَـرَكَ عَلـىٰ مَنْ بَغـى عَلَيْكَ، وَفَـدٰاكَ بِرُوحِـهِ وَجَسَـدِهِ وَمٰالِهِ

می‌پرداخت، و در مقابل ستمکاران بر تو، یاریت می‌کرد، و روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت

وَوَلَـدِهِ، وَرُوحُـهُ لِرُوحِـكَ فِـدٰاءٌ، وَأَهْلُـهُ لِاَهْلِـكَ وِقـٰاءٌ. فَلَئِـنْ أَخَّرَتْنِـي

می‌ساخت، و روحش را فدای روح شریفت می‌کرد و خانواده‌اش را به حفظ و نگهداری خانواده‌ات می‌گماشت.

الدُّهُـورُ، وَ عٰاقَنِـي عَـنْ نَصْـرِكَ الْمَقْـدُورُ، وَ لَـمْ أَكُـنْ لِمَـنْ حٰارَبَـكَ

پس اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدّرات مرا از یاریت باز داشت، و نبودم که با

مُحٰارِبـاً، وَ لِمَـنْ نَصَـبَ لَـكَ الْعَـدٰاوَةَ مُنٰاصِبـاً، فَلَاَنْدُبَنَّـكَ صَبٰاحـاً

جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بجنگم، و با دشمنانت بستیزم، لیکن، هر صبح و شام بر تو ناله و

وَمَسـٰاءً، وَلَاَبْكِيَـنَّ لَكَ بَـدَلَ الدُّمُـوعِ دَماً، حَسْـرَةً عَلَيْكَ، وَتَأَسُّـفاً عَلىٰ

زاری و شیون می‌کنم، و به جای اشک، برایت خون می‌گریم، از حسرتی که بر تو می‌خورم، و تأسّفی که

مـٰا دَهـٰاكَ، وَتَلَهُّفـاً حَتّـىٰ أَمُـوتَ بِلَوْعَـةِ الْمُصـٰابِ، وَغُصَّـةِ الْاِكْتِيٰابِ.

بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می‌مانم تا زمانی که از این مصیبت و غصّه و اندوه بمیرم.

أَشْـهَدُ أَنَّكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتَ الـزَّكٰاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف و نیکی فرمان دادی، و از

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوٰانِ، وَأَطَعْتَ اللّٰهَ وَمٰا عَصَيْتَهُ، وَتَمَسَّكْتَ

بدی‌ها و ستمکاری‌ها بازداشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی، و به خدا و ریسمان او چنگ زدی

بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَ خَشِيتَهُ، وَ رٰاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ، وَسَنَنْتَ السُّنَنَ،

تا آن که او را از خود راضی کردی در حالی که از او ترس داشتی، و مراقب او بودی و او را پاسخ دادی، و به

وَأَطْفَأْتَ الْفِتَنَ، وَ دَعَوْتَ إِلَى الرَّشٰادِ، وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدٰادِ،

سنّت‌ها عمل کردی و فتنه‌ها را خاموش نمودی، و به سوی رشد و تکامل فراخواندی، و راه‌های استوار را آشکار

وَجٰاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ الْجِهٰادِ.

ساختی، و آن گونه که حقّ جهاد و تلاش بود انجام دادی.

وَكُنْتَ لِلّٰهِ طٰائِعاً، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تٰابِعاً،

و تو فرمان‌برداری نیک برای خداوند بودی، و از جدّت حضرت محمّد - که درود خدا بر او و آل او

وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سٰامِعاً، وَ إِلىٰ وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسٰارِعاً، وَ لِعِمٰادِ الدِّينِ

باد - پیروی می‌کردی، و به گفتار پدرت گوش فرا می‌دادی، و برای انجام وصیّت برادرت شتاب می‌نمودی،

رٰافِعاً، وَ لِلطُّغْيٰانِ قٰامِعاً، وَ لِلطُّغٰاةِ مُقٰارِعاً، وَ لِلْأُمَّةِ نٰاصِحاً، وَفي

و ستون‌های دین را بالا بردی، و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان‌گران را نابود کردی، و برای اُمّت اسلام

غَمَرٰاتِ الْمَوْتِ سٰابِحاً، وَ لِلْفُسّٰاقِ مُكٰافِحاً، وَبِحُجَجِ اللّٰهِ قٰائِماً، وَ

خیرخواهی می‌کردی، و در گرداب مرگ شناور بودی، و فاسقان را به مبارزه می‌طلبیدی، و حجّت‌های الهی را

لِلْإِسْلاٰمِ وَالْمُسْلِمِينَ رٰاحِماً، وَ لِلْحَقِّ نٰاصِراً، وَعِنْدَ الْبَلاٰءِ صٰابِراً،

بر پا داشتی، و برای اسلام و مسلمانان مهربان و رحم کننده، و یار حق بودی، و در بلاها و گرفتاری‌ها شکیبا،

وَلِلدِّينِ كٰالِئاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرٰامِياً.

و برای دین نگهبان، و از حوزه و حریم دینی دفاع کننده بودی.

تَحُوطُ الْهُدىٰ وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ

نگبان هدایت و یاری‌کننده آن و گسترانده عدل و نشردهندهٔ آن، و یاری‌کننده دین و آشکارکننده آن هستی، و

وَتُظْهِرُهُ، وَتَكُفُّ الْعابِثَ وَ تَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ الشَّرِيفِ،

بازیچه شمارندهٔ دین را از کارش بازداشته و او را منع نمودی، و حقّ زیردستان را از ثروتمندان و اشراف می‌گرفتی،

وَتُساوي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ.

و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می‌کردی.

كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتامِ، وَعِصْمَةَ الْأَنامِ، وَعِزَّ الْإِسْلامِ، وَمَعْدِنَ الْأَحْكامِ،

تو بهار یتیمان و پناهگاه مردم، و عزّت و سربلندی اسلام و معدن احکام و هم‌پیمان بخشش و احسان

وَحَلِيفَ الْإِنْعامِ، سالِكاً طَرائِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ

بودی. پویندهٔ راه جدّ و پدرت بودی، و همانند برادرت در وصیّت پدرت بودی، وفا کنندهٔ به عهدها و پیمان‌ها،

لِأَخِيكَ، وَفِيَّ الذِّمَمِ، رَضِيَّ الشِّيَمِ، ظاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ،

دارای خصلت‌ها و خوی‌های نیکو، آشکار کنندهٔ بزرگواری‌ها، کوشش کنندهٔ در عبادت به هنگام تاریکی

قَوِيمَ الطَّرائِقِ، كَرِيمَ الْخَلائِقِ، عَظِيمَ السَّوابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ،

(شب زنده‌دار)، دارندهٔ روش‌های استوار، و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه‌ای بزرگ و درخشان،

مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرُّتَبِ، كَثِيرَ الْمَناقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرائِبِ،

نژادی شریف، حَسَبی برتر، درجاتی عالی و رفیع، افتخاراتی فراوان، سرشت‌های ستوده، موهبت‌ها و بخشش‌های

جَزِيلَ الْمَواهِبِ، حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إِمامٌ شَهِيدٌ،

بسیار بود. بردبار، کمال یافته، انابه کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرت‌مند، پیشوا، شهید، شیون کننده و

أَوّاهٌ مُنِيبٌ، حَبِيبٌ مَهِيبٌ.

انابه کننده، دوست‌دارنده، با هیبت هستی.

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَداً، وَ لِلْقُرْآنِ سَنَداً، وَ لِلْأُمَّةِ

تو برای حضرت پیامبر – که درود خدا بر او و آل او باد – فرزند، و برای قرآن پشتیبان، و برای امّت بازویی

عَضُداً، وَ فِي الطّاعَةِ مُجْتَهِداً، حافِظاً لِلْعَهْدِ وَالْمِيثاقِ، ناكِباً عَنْ

توانا و یاور بودی، و در اطاعت از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه‌دارندهٔ پیمان و تعهّد عالم ذر، کناره‌گیر

سُبُلِ الفُسّاقِ، [وَ] باذِلا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، زاهِداً

از راه مردمان فاسق و تبه‌کار، و بکار برنده تمام سعی و کوشش خود بودی. دارای رکوع و سجود طولانی

فِي الدُّنْيا زُهْدَ الرّاحِلِ عَنْها، ناظِراً إِلَيْها بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْها،

بودی و نسبت به دنیا بی‌رغبت بودی، همچون کسی که درحال کوچ کردن از آن‌است و همواره به آن به دیده

آمالُكَ عَنْها مَكْفُوفَةٌ، وَهِمَّتُكَ عَنْ زِينَتِها مَصْرُوفَةٌ، وَأَلْحاظُكَ

وحشت‌زدگان می‌نگریستی. از آرزوهای دنیویّت دل کنده، و همّت تو از زینت‌های آن رو گردان شده، و نگاهت

عَنْ بَهْجَتِها مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ.

از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو به آخرت معروف بود.

حَتّىٰ إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ باعَهُ، وَ أَسْفَرَ الظُّلْمُ قِناعَهُ، وَدَعَا الْغَيُّ أَتْباعَهُ،

تا آن‌که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و ظلم، نقاب از چهره افکند، و گمراهی پیروان خویش را

وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قاطِنٌ، وَ لِلظّالِمِينَ مُبايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ

فراخواند، و در حالی‌که تو در حرم جدّت ساکن و از ستمگران دوری گزیده بودی، مونس

وَالْمِحْرابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ، تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ

محراب و خانه گشته و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده، و در حدّ طاقت و امکانت

وَلِسانِكَ، عَلىٰ حَسَبِ طاقَتِكَ وَ إِمْكانِكَ، ثُمَّ اقْتَضاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكارِ،

با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی. سپس اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار،

وَلَزِمَكَ أَنْ تُجاهِدَ الْفُجّارَ، فَسِرْتَ فِي أَوْلادِكَ وَأَهالِيكَ، وَشِيعَتِكَ

و بر تو لازم شد با فاجران و بدکاران جهاد کنی، پس با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستانت

وَمَوالِيكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ

به راه افتادی، و حقّ و حقیقت را با برهان‌های الهی آشکار ساختی، و مردم را با حکمت و پند نیکو

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَمَرْتَ بِإِقامَةِ الْحُدُودِ، وَالطّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ،

به سوی خدا فرا خواندی، و امر به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی از پلیدی‌ها

وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبائِثِ وَالطُّغْيانِ، وَواجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوانِ،

و سرکشی‌ها نمودی، و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله نمودند. پس با آنان جهاد کردی،

فَجاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيعاظِ لَهُمْ، وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَنَكَثُوا

بعد از آن که آن‌ها را پند داده و از کار خود بازداشتی، و اتمام حجّت نمودی، پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند،

ذِمامَكَ وَبَيْعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَؤُوكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَتَّ

و پروردگار تو و جدّت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند، پس تو در برابر ضربات (شمشیرها

لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفُجّارِ، وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبارِ،

و نیزه‌ها) استوار ماندی، و لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی، و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با

مُجالِداً بِذِي الْفِقارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتارُ.

ذوالفقار آنگونه وارد شدی که گویا تو همان علی برگزیده خدا هستی.

فَلَمّا رَأَوْكَ ثابِتَ الْجَأْشِ، غَيْرَ خائِفٍ وَلا خاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوائِلَ

پس هنگامی که تو را ثابت قدم و دلیر دیدند، بدون اینکه ترس و هراسی داشته باشی، برای تو دام‌های مکرشان

مَكْرِهِمْ، وَقاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْماءَ

را نصب کردند، و با مکر و شرّشان به جنگ با تو پرداختند، و آن ملعون به لشکریانش دستور داد، پس تو را از

وُرُودَهُ، وَناجَزُوكَ الْقِتالَ، وَعاجَلُوكَ النِّزالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسِّهامِ وَالنِّبالِ،

آب و وارد شدن به آن بازداشتند، و به مبارزه با تو پرداخته و در این امر شتافتند، و تیرها و سنگ‌ها را به تو

وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكُفَّ الْإِصْطِلامِ، وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِماماً، وَلا راقَبُوا فِيكَ

پرتاب کردند، و دست‌های ویرانگر خود را به سوی تو گشودند، و حقّ تو را مراعات نکردند، و در کشتن عزیزان

آثاماً، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِياءَكَ، وَنَهْبِهِمْ رِحالَكَ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَواتِ،

تو و غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند، و تو در میان گرد و غبار میدان به

وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيّاتِ، قَدْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِكَ مَلائِكَةُ السَّماواتِ.

پیش می‌تاختی، و آزار و اذیّت‌ها را تحمّل می‌کردی، که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو درشگفت آمدند.

فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجَهاٰتِ، وَأَثْخَنُوكَ بِالْجِراٰحِ، وَحاٰلُوا بَيْنَكَ

پس دشمنان از هر سو، اطراف تو را گرفتند، و زخم‌های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و بین راحتی

وَبَيْنَ الرَّواٰحِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ ناٰصِرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صاٰبِرٌ، تَذُبُّ عَنْ

فاصله انداختند، و تو را هیچ یاوری باقی نمانده بود، و تو کار را به حساب خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و

نِسْوَتِكَ وَأَوْلاٰدِكَ، حَتّىٰ نَكَسُوكَ عَنْ جَواٰدِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْاَرْضِ

از زنان و اولادت دفاع می‌کردی. تا آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی،

جَرِيحاً، تَطَؤُكَ الْخُيُولُ بِحَواٰفِرِهاٰ، وَتَعْلُوكَ الطُّغاٰةُ بِبَواٰتِرِهاٰ.

اسب‌ها با سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان‌گران تو را با شمشیرهایشان ضربه می زدند.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَاخْتَلَفَتْ بِالْاِنْقِباٰضِ وَالْاِنْبِساٰطِ شِماٰلُكَ

عرق مرگ بر پیشانیت نشست، و راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن و گشودن

وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفاً خَفِيّاً إِلىٰ رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شَغَلْتَ بِنَفْسِكَ

جابجا می‌کردی. و با گوشه چشم به خیام و حرمت نگاه می‌کردی، و مصیبتی که بر تو وارد می‌شد تو

عَنْ وُلْدِكَ وَأَهاٰلِيكَ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شاٰرِداً، إِلىٰ خِياٰمِكَ قاصِداً،

را از فرزندان و اهل بیتت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو شیون و گریه‌کنان با سرعت به

مُحَمْحِماً باٰكِياً، فَلَمّا رَأَيْنَ النِّساٰءُ جَواٰدَكَ مَخْزِيّاً، وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ

سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان اسبت را شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند، از

عَلَيْهِ مَلْوِيّاً، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، ناٰشِراٰتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ،

خیمه‌ها بیرون آمدند، موهای‌شان را بر چهره‌های‌شان پریشان کرده، بر چهره‌های بدون نقاب‌شان

لاٰطِماٰتِ الْوُجُوهِ سافِراٰتٍ، وَبِالْعَوِيلِ داٰعِياٰتٍ، وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلاٰتٍ،

سیلی می‌زدند، و با صدای بلند ناله می‌زدند و تو را می‌خواندند، و آنان بعد از عزّت ذلیل شده بودند،

وَ إِلىٰ مَصْرَعِكَ مُباٰدِراٰتٍ، وَالشِّمْرُ جاٰلِسٌ عَلىٰ صَدْرِكَ، وَمُولِغٌ

و به سوی قتلگاه تو شتافتند. در حالی که شمر (لعنة اللّه علیه) بر روی سینه‌ات نشسته بود و شمشیرش را

سَـيْفَهُ عَلـىٰ نَحْـرِكَ، قَابِضٌ عَلىٰ شَـيْبَتِكَ بِيَـدِهِ، ذَابِـحٌ لَكَ بِمُهَنَّـدِهِ، قَدْ

بر گودی زیر گلوی تو فرو برده و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می‌برید،

سَـكَنَتْ حَوَاسُّـكَ، وَخَفِيَتْ أَنْفَاسُـكَ، وَرُفِعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُـكَ، وَسُبِيَ

در آن حالت حواسّت از حرکت ایستاد، و نفس‌هایت پنهان شد، و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل

أَهْلُـكَ كَالْعَبِيـدِ، وَصُفِّـدُوا فِي الْحَدِيـدِ، فَوْقَ أَقْتَـابِ الْمَطِيّـاتِ، تَلْفَحُ

بیت تو مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز جهاز شتران،

وُجُوهَهُـمْ حَـرُّ الْهَاجِـرَاتِ، يُسَـاقُونَ فِـي الْبَـرَارِي وَالْفَلَـوَاتِ، أَيْدِيهِـمْ

چهره‌های‌شان را گرمای شدید می‌سوزاند، و در بیابان‌ها و دشت‌ها پیش برده می‌شدند، دست‌های‌شان به

مَغْلُولَـةٌ إِلَـى الْأَعْنَـاقِ، يُطَـافُ بِهِمْ فِي الْأَسْـوَاقِ.

گردن‌های‌شان آویخته و بسته بود، و آن‌ها را دور بازارها می‌چرخاندند.

فَالْوَيْـلُ لِلْعُصَـاةِ الْفُسَّـاقِ، لَقَـدْ قَتَلُـوا بِقَتْلِـكَ الْإِسْـلَامَ، وَعَطَّلُـوا

پس، وای بر آن گناه‌کاران فاسق که به راستی با کشتن تو اسلام را کشتند، و نماز و روزه

الصَّـلَاةَ وَالصِّيَـامَ، وَنَقَضُوا السُّـنَنَ وَالْأَحْـكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِـدَ الْإِيمَانِ،

را رها کردند، و سنّت‌ها و احکام را شکستند، و ستون‌های دین و ایمان را منهدم کردند، و

وَحَرَّفُـوا آيَـاتِ الْقُـرْآنِ، وَهَمْلَجُـوا فِـي الْبَغْيِ وَالْعُـدْوَانِ.

آیات الهی قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش تاختند.

لَقَـدْ أَصْبَـحَ رَسُـولُ اللَّـهِ صَلَّى اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ مَوْتُـوراً، وَعِـتْرَةُ كِتَابُ

آن گاه که تو را شهید کردند، رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - خون‌خواه تو شد، و بار

اللَّـهِ عَزَّوَجَـلَّ مَهْجُـوراً، وَغُـودِرَ الْحَـقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُـوراً، وَفُقِـدَ بِفَقْدِكَ

دیگر کتاب خدا متروک و دور افتاده شد، و حق، مورد خیانت قرار گرفت. چون تو شکست خوردی، و با نبود

التَّكْبِيـرُ وَالتَّهْلِيـلُ، وَالتَّحْرِيـمُ وَالتَّحْلِيـلُ، وَالتَّنْزِيـلُ وَالتَّأْوِيـلُ، وَظَهَـرَ

تو، بانک «اللّٰه اکبر» و «لا إله إلا اللّٰه» و حرام و حلال خدا و تنزیل و تأویل قرآن، ناپدید شد، و بعد از تو،

بَعْـدَكَ التَّغْيِيـرُ وَالتَّبْدِيـلُ، وَالْإِلْحـادُ وَالتَّعْطِيـلُ، وَالْاَهْـواءُ وَالْاَضالِيـلُ،

تغییر و دگرگونی (در احکام الهی) و کفر و بی‌دینی، و کنار گذاشتن سنّت‌ها و هواهای نفسانی، و گمراهی‌ها و

وَالْفِتَـنُ وَالْاَباطِيلُ.

فتنه‌ها و باطل‌ها پدیدار گشت.

فَقـامَ ناعِيـكَ عِنْـدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُـولِ صَلَّـى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ، فَنَعاكَ

پس، خبردهندهٔ شهادت تو نزد قبر جدّ تو رسول خدا – درود خدا بر او و آل او باد – ایستاد، و با اشک

إِلَيْـهِ بِالدَّمْـعِ الْهَطُولِ، قائِلاً يا رَسُـولَ اللَّهِ قُتِلَ سِـبْطُكَ وَفَتاكَ، وَاسْـتُبِيحَ

ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد، در حالی که می‌گفت: ای رسول خدا، نوه و جوان تو کشته شد، و حُرمت

أَهْلُـكَ وَحِمـاكَ، وَسُـبِيَتْ بَعْـدَكَ ذَراريـكَ، وَوَقَـعَ الْمَحْـذُورُ بِعِتْرَتِـكَ

اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد، و فرزندان و ذریّه تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیانت

وَذَوِيـكَ، فَانْزَعَـجَ الرَّسُـولُ، وَبَكىٰ قَلْبُـهُ الْمَهُولُ، وَعَـزّاهُ بِـكَ الْمَلائِكَةُ

در گرفتاری افتادند، پس، پیامبر آشفته گردید، و قلب وحشت‌زده‌اش گریست، و به خاطر تو فرشتگان و

وَالْاَنْبِيـاءُ، وَفُجِعَـتْ بِـكَ اُمُّـكَ الزَّهْـراءُ، وَاخْتَلَفَـتْ جُنُـودُ الْمَلائِكَـةِ

پیامبران بر او تسلیت گفتند، و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار و مصیبت‌زده شد، و لشکریان فرشتگان

الْمُقَرَّبِيـنَ، تُعَـزّي أَبـاكَ أَمِيرَالْمُؤْمِنِيـنَ، وَاُقِيمَـتْ لَـكَ الْماتِـمُ فِـي أَعْلا

مقرّب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان آمد و شد کردند، و در اعلی علیّین برای تو ماتم برپا شد،

عِلِّيِّيـنَ، وَلَطَمَـتْ عَلَيْـكَ الْحُـورُ الْعِيـنُ، وَبَكَـتِ السَّـماءُ وَسُـكّانُها،

و به خاطر تو حور العین سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان و ساکنان آن، و بهشت و

وَالْجِنـانُ وَخُزّانُهـا، وَالْهِضـابُ وَأَقْطارُها، وَالْبِحـارُ وَحِيتانُهـا، وَالْجِنانُ

خزانه‌داران آن، و کوه‌ها و دامنه‌هایشان، و دریا و ماهیانش، و بهشت و پسران آن، و خانهٔ

وَوِلْدانُهـا، وَالْبَيْـتُ وَالْمَقامُ، وَالْمَشْـعَرُ الْحَـرامُ، وَالْحِـلُّ وَالْاَحْرامُ.

خدا، و مقام، و مشعرالحرام و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گریه کردند.

أَللَّهُـمَّ فَبِحُرْمَةِ هٰذَا الْمَـكانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خدایا، پس، به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف، بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

وَاحْشُـرْني في زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَـفاعَتِهِمْ.

و مرا در زمرهٔ آنان محشور فرما، و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما.

أَللَّهُـمَّ إِنِّـي أَتَوَسَّـلُ إِلَيْكَ يا أَسْـرَعَ الْحاسِـبِينَ، وَيـا أَكْـرَمَ الْاَكْرَمِينَ،

خدایا، به تو توسّل پیدا می‌کنم، ای سریع‌ترین حساب‌گران، و ای کریم‌ترین کریمان،

وَيـا أَحْكَـمَ الْحاكِمِيـنَ، بِمُحَمَّـدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُـولِكَ إِلَـى الْعالَمِينَ

و ای با اقتدارترین حاکمان، و به محمّد خاتم پیامبران، فرستادهٔ تو بر همه جهانیان،

أَجْمَعِيـنَ، وَبِأَخِيـهِ وَابْـنِ عَمِّـهِ الْاَنْـزَعِ الْبَطِيـنِ، اَلْعالِـمِ الْمَكِيـنِ، عَلِيٍّ

و به برادر و پسرعمویش که از شرک و بت‌پرستی جدا شده و درونش انباشته از دانش بود، آن عالم و

أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ، وَبِفاطِمَـةَ سَـيِّدَةِ نِسـاءِ الْعالَمِيـنَ، وَبِالْحَسَـنِ الزَّكِـيِّ

دانشمند والامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان، و به فاطمه سرور زنان جهانیان، و به حسن، که پاکیزه و

عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِاللَّهِ الْحُسَـيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْـهَدِينَ، وَبِأَوْلادِهِ

پناه پرهیزکاران است، و به ابی عبداللّه الحسین، گرامی‌ترین شهادت‌جویان و به فرزندان

الْمَقْتُولِيـنَ، وَبِعِتْرَتِـهِ الْمَظْلُومِيـنَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَـيْنِ زَيْـنِ الْعابِدِينَ،

شهیدش و به خاندان مظلومش، و به علیّ بن الحسین زینت عبادت کنندگان، و به

وَبِمُحَمَّـدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَـةِ الْاَوّابِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّـدٍ أَصْدَقِ الصّادِقِينَ،

محمّد بن علی، قبله‌گاه توبه کنندگان، و به جعفر بن محمّد، راست‌گوترین راستگویان،

وَمُوسَـى بْـنِ جَعْفَـرٍ مُظْهِـرِ الْبَراهِيـنَ، وَعَلِـيِّ بْنِ مُوسـىٰ ناصِـرِ الدِّينِ،

و به موسی بن جعفر، آشکار کننده حجّت‌ها، و به علیّ بن موسی یاری کنندهٔ دین،

وَمُحَمَّـدِ بْـنِ عَلِيٍّ قُـدْوَةِ الْمُهْتَدِيـنَ، وَعَلِيِّ بْـنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَـدِ الزّاهِدِينَ،

و به محمّد بن علی، اُسوه هدایت کنندگان، و به علیّ بن محمّد، زاهدترین زاهدان،

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

و به حسن بن علی وارث جانشیان، و حجّت بر همه خلق خدا،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَلصّادِقِينَ الْاَبَرِّينَ، آلِ طَهَ وَيَس، وَأَنْ

اینکه درود فرستی بر محمّد و آل محمّد آن راستگویان نیکوکاران، آل طه و یس، و این که مرا

تَجْعَلَنِي فِي الْقِيامَةِ مِنَ الْآمِنِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ.

در قیامت از جمله امان یافتگان و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی.

أَللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنِي بِالصّالِحِينَ، وَاجْعَلْ

خدایا، مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان بپیوند، و برای من

لي لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَانْصُرْنِي عَلَى الْباغِينَ، وَاكْفِنِي

در میان آیندگان سخن راست قرار ده. و مرا بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از

كَيْدَ الْحاسِدِينَ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْماكِرِينَ، وَاقْبِضْ عَنِّي أَيْدِي

مکر حسودها کفایت کن، و از من حیله مکّاران را باز گردان، و دست ستمکاران را از من

الظّالِمِينَ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السّادَةِ الْمَيامِينِ، في أَعْلا عِلِّيِّينَ، مَعَ

کوتاه کن، و مرا با سروران فرخنده در اعلا علّیّین، با آنان که بر آن‌ها

الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ،

نعمت ارزانی داشتی، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان، جمع نما،

بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

أَللَّهُمَّ إِنِّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ،

خدایا، تو را سوگند می‌دهم به حق پیامبرت که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت،

وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ، وَبِهٰذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ، اَلْمُوَسَّدِ فِي كَنَفِهِ، اَلْإِمامُ

و نهی پوشیده‌ات، و به این قبر شریف که به زیارت آن آمد و شد می‌شد، و امام معصومی که در

الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ، أَنْ تَكْشِفَ ما بي مِنَ الْغُمُومِ، وَتَصْرِفَ

سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده، این که آنچه از غم دارم برطرف سازی، و از من

عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتُومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النّارِ ذاتِ السَّمُومِ.

شرّ قضا و قدر حتمی را باز گردانی، و از آتش گرم و سوزان جهنّم مرا پناه دهی.

أَللَّهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِي بِقِسْمِكَ، وَتَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ

خدایا، مرا به نعمت خودت بزرگی بخش، و مرا به قسمتت راضی نما، و مرا غرق جود

وَكَرَمِكَ، وَباعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ. أَللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ،

و کرم خود فرما، و مرا از مکر و مجازات خود دور نما. خدایا، مرا از لغزش‌ها محفوظ بدار، و مرا

وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَافْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْاَجَلِ، وَأَعْفِنِي

در قول و عمل استوار گردان، و وسعت و فراخی در دوران عمرم برایم قرار بده، و مرا از دردها و

مِنَ الْاَوْجاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوالِيَّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْاَمَلِ. أَللَّهُمَّ

مریضی‌ها عافیت بخش، و به حق اولیایم، و به بخشش و کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان. خدایا،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَارْحَمْ عَبْرَتِي، وَأَقِلْنِي

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و توبه مرا قبول فرما، و بر گریه‌ام رحم نما، و از لغزشم

عَثْرَتِي، وَنَفِّسْ كُرْبَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لي فِي ذُرِّيَّتِي.

درگذر، و اندوهم را برطرف کن، و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده.

أَللَّهُمَّ لاتَدَعْ لِي فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ، وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ

خدایا، برای من وامگذار در این حرم شریف و بارگاه باکرامت هیچ گناهی را مگر آن‌که آن را ببخشی و هیچ

ذَنْباً إِلّا غَفَرْتَهُ، وَلاٰ عَيْباً إِلّا سَتَرْتَهُ، وَلاٰ غَمّاً إِلّا كَشَفْتَهُ، وَلاٰ رِزْقاً

عیبی را مگر آن که بپوشانی، و هیچ غمی را مگر آن‌که برطرف کنی، و هیچ رزقی را مگر آن‌که گسترده گردانی،

إِلّا بَسَطْتَهُ، وَلاٰ جاهاً إِلّا عَمَّرْتَهُ، وَلاٰ فَساداً إِلّا أَصْلَحْتَهُ، وَلاٰ أَمَلاً

و هیچ مقامی را مگر آن‌که آبادش کنی، و هیچ فسادی را مگر آنکه اصلاحش فرمایی، و هیچ آرزویی را مگر آنکه

إِلّا بَلَّغْتَــهُ، وَلاٰ دُعــاءً إِلّا أَجَبْتَــهُ، وَلاٰ مَضِيقــاً إِلّا فَرَّجْتَــهُ، وَلاٰ شَــمْلاً

مرا به آن برسانی، و هیچ دعایی را مگر آنکه اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر آن را گشایش دهی، و هیچ

إِلّا جَمَعْتَــهُ، وَلاٰ أَمْــراً إِلّا أَتْمَمْتَــهُ، وَلاٰ مــالاً إِلّا كَثَّرْتَــهُ، وَلاٰ خُلْقــاً

پراکندگی را مگر آنکه به اجتماع مبدّل گردانی، و هیچ کاری را مگر به پایان رسانی، و هیچ مالی را مگر آنکه زیادش کنی،

إِلّا حَسَّــنْتَهُ، وَلاٰ إِنْفاقــاً إِلّا أَخْلَفْتَــهُ، وَلاٰ حــالاً إِلّا عَمَّرْتَــهُ، وَلاٰ حَسُــوداً

و هیچ اخلاقی را مگر آنکه نیکو فرمایی، و هیچ انفاقی را مگر آنکه جایگزین برایش قرار دهی، و هیچ حالی را مگر آنرا آبادنمایی،

إِلّا قَمَعْتَــهُ، وَلاٰ عَــدُوّاً إِلّا أَرْدَيْتَــهُ، وَلاٰ شَــرّاً إِلّا كَفَيْتَــهُ، وَلاٰ مَرَضــاً

و هیچ حسودی را مگر آنکه ریشه کن نمایی، و هیچ دشمنی را مگر آنکه از میان ببری، و هیچ شرّی را مگر آنکه کفایت کنی،

إِلّا شَــفَيْتَهُ، وَلاٰ بَعِيــداً إِلّا أَدْنَيْــتَهُ، وَلاٰ شَــعْثاً إِلّا لَمَمْتَــهُ، وَلاٰ سُــوْءاً

و هیچ مرضی را مگر آنرا شفا دهی، و هیچ دوری را مگر آنرا نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندگی را مگر آنکه سامان دهی،

إِلّا أَعْطَيْتَــهُ. أَللّٰهُــمَّ إِنِّــي أَسْــئَلُكَ خَيْــرَ الْعاجِلَــةِ، وَثَــوابَ الْآجِلَــةِ.

و هیچ درخواستی را مگر آنرا عطا نمایی. خدایا، از تو می‌خواهم خیر و خوبی حاضر و ثواب و پاداش

أَللّٰهُــمَّ أَغْنِنــي بِحَلالِــكَ عَــنِ الْحَــرامِ، وَبِفَضْلِــكَ عَــنْ جَمِيــعِ الْأَنــامِ.

آینده را. خدایا، مرا به واسطهٔ حلالت از حرام غنی فرما، و با فضل و کرمت از تمام مردم بی‌نیاز ساز.

أَللّٰهُــمَّ إِنِّــي أَسْــئَلُكَ عِلْمــاً نافِعــاً، وَقَلْبــاً خاشِــعاً وَيَقِينــاً شــافِياً، وَعَمَلاً

خدایا، از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد، و قلبی که خاشع باشد، و یقینی را که قاطع باشد، و عملی که

زاكِيــاً، وَصَبْــراً جَمِيــلاً، وَأَجْــراً جَزِيــلاً.

پاک باشد، و صبری را که زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد.

أَللّٰهُــمَّ ارْزُقْنِــي شُــكْرَ نِعْمَتِــكَ عَلَــيَّ، وَزِدْ فــي إِحْســانِكَ وَكَرَمِــكَ

خدایا، شکر و سپاس نعمتت را که بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمت را بر من

إِلَــيَّ، وَاجْعَــلْ قَوْلــي فِــي النّــاسِ مَسْــمُوعاً، وَعَمَلِــي عِنْــدَكَ مَرْفُوعــاً،

زیاد نما، و سخنم را در میان مردم پذیرفته شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و بپذیر، و

وَأَثَرِي فِي الْخَيْرٰاتِ مَتْبُوعاً، وَعَدُوِّي مَقْمُوعاً.

اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيٰارِ، فِي آنٰاءِ اللَّيْلِ

خدایا، دورد فرست بر محمّد و آل محمّد، که نیکوکاران برگزیده هستند، در تمامی لحظات

وَأَطْرٰافِ النَّهٰارِ، وَاكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرٰارِ، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزٰارِ،

شب و روز، و از من دور نما شرّ اشخاص شرور و بدکاران را، و مرا از گناهان و بار گران

وَأَجِرْنِي مِنَ النّٰارِ، وَأَحِلَّنِي دٰارَ الْقَرٰارِ، وَاغْفِرْ لِي وَ لِجَمِيعِ إِخْوٰانِي

آن پاک فرما، و از آتش جهنّم پناهم ده. و در خانه بهشت وارد کن، و مرا و تمامی برادران

فِيكَ وَأَخَوٰاتِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

و خواهران مؤمنی که در راه تو آن‌ها را یافته‌ام به رحمتت بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور، در رکعت اوّل بعد از حمد، سورهٔ «انبیاء»، و در رکعت دوّم بعد از حمد، سورهٔ «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ،

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست، هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست، هیچ

لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ السَّبْعِ وَالْأَرَضِينَ السَّبْعِ، وَمٰا فِيهِنَّ

معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آن‌ها و میان

وَمٰا بَيْنَهُنَّ، خِلافاً لِأَعْدٰائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَ إِقْرٰاراً لِرُبُوبِيَّتِهِ،

آن‌هاست، (به اینها اعتقاد دارم) برخلاف دشمنانش، و به عنوان تکذیب کسانی که از او روی برتافته‌اند، و

وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ. اَلْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ، وَالْآخِرُ إِلىٰ غَيْرِ آخِرٍ، اَلظّٰاهِرُ

به عنوان اقرار به ربوبیّت او، و خضوع در برابر عزّت او. او اوّل و ابتدایی است که آغاز ندارد، و آخری

عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، اَلْبٰاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ، لٰا تَقِفُ

است که هیچ انتهایی ندارد و او، غلبه دارد بر هر چیز به سبب قدرتش، و با دانش و دقّتش از درون هر

الْعُقُولُ عَلىٰ كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلاٰتُدْرِكُ الْاَوْهامُ حَقِيقَةَ ماٰهِيَّتِهِ، وَلاٰ

چیز آگاه است. عقل‌ها بر کُنه بزرگی و عظمت او راه ندارند. و اوهام حقیقت ذات او را درک نمی‌کنند،

تَتَصَوَّرُ الْاَنْفُسُ مَعاٰنِيَ كَيْفِيَّتِهِ، مُطَّلِعاً عَلَى الضَّماٰئِرِ، عاٰرِفاً بِالسَّراٰئِرِ،

و جان‌ها کیفیّت و چگونگی او را نمی‌توانند درک کنند، بر اُمور نهانی آگاه و بر پنهانی‌ها آشنا است،

يَعْلَمُ خاٰئِنَةَ الْاَعْيُنِ وَماٰ تُخْفِي الصُّدُورُ.

خیانت چشم‌ها و آن چه در سینه‌ها پنهان است را می‌داند.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ عَلىٰ تَصْدِيقِي رَسُولَكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

خدایا، تو را گواه می‌گیرم بر تصدیقم نسبت به پیامبرت – که درود خدا بر او و آل او باد – و ایمانم به

وَإِيماٰنِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذي نَطَقَتِ

او، و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتش، و شهادت می‌دهم که همانا او پیامبری است که حکمت به فضل و دانش

الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ الْاَنْبِياٰءُ بِهِ، وَدَعَتْ إِلَى الْاِقْراٰرِ بِماٰ جاٰءَ بِهِ،

او گویا گشت، و پیامبران به آمدن او بشارت دادند. و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق

وَحَثَّتْ عَلىٰ تَصْدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعاٰلى: (اَلَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ

به تصدیقش نمودند، همان گونه که خداوند فرمود : «کسی است که نامش را در تورات و انجیل نوشته شده

فِي التَّوْريٰةِ وَالْاِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهيٰهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ

می‌یابند، او آن‌ها را به کارهای نیکو امر می‌کند و از کارهای زشت بازمی‌دارد و پاک‌ها را برای آن‌ها حلال

لَهُمُ الطَّيِّباٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَباٰئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْاَغْلاٰلَ

می‌کند، و آلودگی‌ها و پلیدی‌ها را برای آن‌ها حرام می‌نماید، و برمی‌دارد از دوش ایشان سنگینی و بار گران و

الَّتِي كاٰنَتْ عَلَيْهِمْ)[1]، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ

غل و زنجیری را که بر گردن دارند»، پس، درود فرست بر محمّد رسول و فرستاده‌ات به سوی جنّ و انس و سیّد

الْاَنْبِياٰءِ الْمُصْطَفَيْنَ، وَعَلىٰ أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ، اللَّذَيْنِ لَمْ يُشْرِكاٰ بِكَ

و سرور انبیای برگزیده‌ات، و درود فرست بر برادرش و پسرعمویش، آن دو (یعنی رسول الله وامیرالمؤمنین)

۱. سورهٔ اعراف : آیه۱۵۷ .

طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، وَعَلَى فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، وَعَلىٰ

که حتّی برای یک لحظه و یک چشم به هم زدن برای تو شرک نورزیدند، و بر فاطمه زهرا، سیّده و سرور

سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلاةً خالِدَةَ الدَّوامِ،

زن‌های جهانیان، و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، درودی که جاودانی و دایمی باشد،

عَدَدَ قَطْرِ الرِّهامِ، وَزِنَةَ الْجِبالِ وَالْآكامِ ما أَوْرَقَ السَّلامُ، وَاخْتَلَفَ

به تعداد قطره‌های باران‌های پیوسته، و به سنگینی کوه‌ها و تپّه‌ها تا وقتی که سلام،(گویا نام درختی است) برگ (و

الضِّياءُ وَالظَّلامُ، وَعَلىٰ آلِهِ الطّاهِرِينَ، اَلْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ، اَلذّائِدِينَ

نتیجه) می‌دهد، و تا وقتی که نور و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند، و سلام بر آل پاک او، امامان هدایت شده،

عَنِ الدِّينِ، عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

آن مدافعان دین، یعنی علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی

وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ الْقُوّامِ بِالْقِسْطِ وَسُلالَةِ السِّبْطِ.

و حسن و حجّت، که به پادارندگان عدالت و قسط اند، و از نسل سبط پیامبرند.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْإِمامِ، فَرَجاً قَرِيباً، وَصَبْراً جَمِيلاً،

خدایا، از تو می‌خواهم به حق این امام گشایش نزدیک، و صبر جمیل،

وَنَصْراً عَزِيزاً، وَغِنىً عَنِ الْخَلْقِ، وَثَباتاً فِي الْهُدىٰ، وَالتَّوْفِيقَ لِما تُحِبُّ

و یاری باعزّت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و توفیق بر آنچه آن را دوست داری و

وَتَرْضىٰ، وَرِزْقاً واسِعاً حَلالاً، طَيِّباً مَرِيئاً، دارّاً سائِغاً، فاضِلاً مُفَضِّلاً،

می‌پسندی، و رزق و روزی گسترده، حلال، پاک، و گوارا، قطع نشدنی، خوش‌گوار، فراوان، زیاد شده

صَبّاً صَبّاً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا نَكَدٍ وَلا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَعافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلاءٍ

و پیوسته ریزان بدون زحمت و سختی، و بی‌هیچ منّتی از کسی را، و نیز عافیت از هر بلا و بیماری و

وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَالنَّعْماءِ، وَ إِذا جاءَ الْمَوْتُ

مریضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت و نعمت را به من عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرارسید

فَاقْبِضْنـا عَلـىٰ أَحْسَـنِ مـا يَكُونُ لَكَ طٰاعَـةً، عَلىٰ مـا أَمَرْتَنـا مُحافِظِينَ،

جان ما را در بهترین حال، از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیر، در حالتی که رعایت کننده و اجرا کننده

حَتّـىٰ تُؤَدِّيَنـا إِلـىٰ جَنّـاتِ النَّعِيـمِ، بِرَحْمَتِـكَ يـا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.

فرامین تو باشیم، تا این که ما را به بهشت پرنعمت برسانی، به رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان،

أَللّٰهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَوْحِشْـنِي مِـنَ الدُّنْيـا،

خدایا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از دنیا وحشت‌زده

وَآنِسْـنِي بِالْاٰخِـرَةِ، فَإِنَّـهُ لايُوْحِـشُ مِـنَ الدُّنْيـا إِلّا خَوْفُـكَ، وَلايُؤْنِـسُ

و با آخرت مأنوس گردان، چرا که به هراس از دنیا نمی‌اندازد مگر هراس از تو، و با آخرت مأنوس

بِالْاٰخِـرَةِ إِلّا رَجـاؤُكَ. أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحُجَّـةُ لاٰ عَلَيْكَ، وَ إِلَيْكَ الْمُشْـتَكىٰ لاٰ

نمی‌سازد مگر امید به تو. خدایا، حجّت و برهان به نفع توست، نه بر ضرر تو، و شِکوه‌ها به سوی توست،

مِنْـكَ، فَصَلِّ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِـهِ، وَأَعِنِّي عَلىٰ نَفْسِـيَ الظّالِمَـةِ الْعاصِيَةِ،

نه شِکوه از تو باشد، پس، درود فرست بر محمّد و آل او، و مرا بر نفس ستمگر و سرکشم، و بر شهوت

وَشَـهْوَتيَ الْغالِبَـةِ، وَاخْتِـمْ لـي بِالْعافِيَـةِ.

چیره شونده‌ام یاری نما، و با عافیت کارم را به پایان برسان.

أَللّٰهُـمَّ إِنَّ اسْـتِغْفارِي إِيّـاكَ وَأَنـا مُصِـرٌّ عَلـىٰ مـا نَهَيْـتَ قِلَّـةُ حَيـاءٍ،

خدایا، همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که بر آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می‌کنم، از کمی حیا و

وَتَرْكِيَ الْاِسْـتِغْفارَ مَعَ عِلْمِي بِسَـعَةِ حِلْمِـكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجـاءِ. أَللّٰهُمَّ

شرم من است، و ترک کردن من استغفار را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین‌برندهٔ حقّ امیدواری است.

إِنَّ ذُنُوبِـي تُؤْيِسُـنِي أَنْ أَرْجُـوكَ، وَ إِنَّ عِلْمِـي بِسَـعَةِ رَحْمَتِـكَ يَمْنَعُنِي أَنْ

بارالها، همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی رحمتت مرا از هراس از تو

أَخْشـاكَ، فَصَلِّ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَصَدِّقْ رَجائِـي لَكَ، وَكَذِّبْ

باز می‌دارد، پس درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده، و

خَوْفِي مِنْكَ، وَكُنْ لي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، يا أَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ.

ترسم را از تو بی‌مورد و بی‌جا فرما، و برای من آن گونه که به تو خوش‌گمان هستم باش، ای کریم‌ترین کریم‌ها.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَأَنْطِقْ

خدایا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را

لِسانِي بِالْحِكْمَةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدَمُ عَلىٰ ما ضَيَّعَهُ في أَمْسِهِ،

به حکمت گویا نما، و مرا از کسانی قرار ده که بر گذشته ضایع‌شدهٔ خود پشیمان‌اند، و نسبت به بهره

وَلا يَغْبَنُ حَظَّهُ في يَوْمِهِ، وَلا يَهِمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ.

امروزشان مغبون نگشته‌اند، و اهتمامی به روزی فردا ندارند.

أَللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَالْفَقِيرَ مَنِ اسْتَغْنَى

بارالها، دارا کسی است که به واسطه تو بی‌نیازی بجوید و خود را نیازمند تو بداند، و فقیر، کسی است که به

بِخَلْقِكَ عَنْكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ

جای تو از خلقت بی‌نیازی بجوید، پس، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، و مرا به وسیلهٔ خودت از آفریدگانت

بِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لا يَبْسُطُ كَفّاً إِلّا إِلَيْكَ. أَللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ

بی‌نیاز گردان، و از کسانی که دستش را جز به‌سوی تو درازنکند،قرارده. خدایا، همانا بدبخت کسی‌است که نااُمید

قَنَطَ وَأَمامَهُ التَّوْبَةُ، وَوَراءَهُ الرَّحْمَةُ، وَ إِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي

باشد از درگاه تو درحالی که پیش رویش توبه و پشت سرش رحمت است، و گرچه من ضعیفم در عمل به دستوراتت،

في رَحْمَتِكَ قَوِيُّ الْاَمَلِ، فَهَبْ لي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي.

ولی نسبت به رحمت تو امیدم قوی است، پس ضعف رفتارم را به خاطر قوّت آرزو و امیدم بر من ببخشای.

أَللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ ما في عِبادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسىٰ قَلْباً مِنِّي،

خدایا، اگر چه تو می‌دانی در بین بندگانت کسی سنگدل‌تر از من نیست و کسی

وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْباً، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لا مَوْلىٰ أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلاً، وَأَوْسَعُ

گناهکارتر از من وجود ندارد، من هم به خوبی می‌دانم که مولا و سروری بخشنده‌تر، و دارای رحمت و

رَحْمَةً وَعَفْواً، فَيٰامَنْ هُوَ أَوْحَدُ[1] فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ

عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد، پس، ای کسی که در رحمتش بی‌نظیر است، بیامرز، کسی را که

بِأَوْحَدَ فِي خَطِيئَتِهِ.

در گناهش تنها و یکّه‌تاز نیست.

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنٰا فَعَصَيْنٰا، وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنٰا، وَذَكَّرْتَ

بار الها، تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم، و ما را بازداشتی ولی اجتناب نکردیم،و یادآوری کردی، و خود

فَتَنٰاسَيْنٰا، وَبَصَّرْتَ فَتَعٰامَيْنٰا، وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنٰا، وَمٰا كٰانَ ذٰلِكَ

را به فراموشی زدیم، و ما را بینا کردی، ولی خود را به کوری زدیم، و ما را بر حذر داشتی، و ما تجاوز کردیم، و به

جَزٰاءَ إِحْسٰانِكَ إِلَيْنٰا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمٰا أَعْلَنّٰا وَأَخْفَيْنٰا، وَأَخْبَرُ

خوبی می‌دانم که این کارها پاداش احسان تو نسبت به ما نمی‌باشد، و تو بهتر از ما، از کرده‌های پنهان و آشکارمان، و

بِمٰا نَأْتِي وَمٰا أَتَيْنٰا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلاٰ

آن چه را انجام خواهیم داد و در گذشته انجام داده‌ایم، آگاهی، پس، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و ما را مؤاخذه

تُؤٰاخِذْنٰا بِمٰا أَخْطَأْنٰا وَنَسِينٰا، وَهَبْ لَنٰا حُقُوقَكَ لَدَيْنٰا، وَأَتِمَّ

مکن به جهت اشتباهات و فراموش کاری‌های‌مان و هر حقّی که بر گردن ما داری ببخش، و احسان و نیکی‌هایت

إِحْسٰانَكَ إِلَيْنٰا، وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنٰا.

را بر ما کامل و تمام گردان، و رحمت (پوشانندهات) را بر ما سرازیر کن.

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهٰذَا الصِّدِّيقِ الْإِمٰامِ، وَنَسْئَلُكَ بِالْحَقِّ

بار الها، ما، به واسطه این امام صدّیق راستگوی پاک، به تو توسّل می‌جوییم و از تو درخواست می‌کنیم

۱. «اوحد» در « فیامن هو اوحد فی رحمته» در بعضی از نسخه‌ها با جیم است، از وجدان، یعنی ای آنکه می‌یابد هر چیزی را که اراده کند از رحمتش بیش از غیر او، بیامرز کسی را که او اکثر خطیئة نیست از تمام غیر او، و احتمال دارد که در دومی کلمه «فی» تعلیلیّه باشد یعنی بیامرز کسی را که چیزی نمی‌یابد به سبب خطاهایش. و در بعضی از نسخه‌ها «اوحد» یعنی با «ح» است و معنایش این است که تو بی‌همتا هستی در رحمت و من بی‌همتا نیستم در خطا و این اظهر است.

الَّـذي جَعَلْتَـهُ لَـهُ، وَلِجَـدِّهِ رَسُـولِكَ، وَ لِاَبَوَيْـهِ عَلِـيٍّ وَفاٰطِمَةَ أَهْـلِ بَيْتِ

به خاطر حقّی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدّش رسول خودت و مخصوص پدرش علی و مادرش

الرَّحْمَـةِ، إِدْرٰارَ الـرِّزْقِ الَّـذي بِـهِ قِـوٰامُ حَيٰاتِنـٰا، وَصَـلاٰحُ أَحْـوٰالِ عِيٰالِنٰا،

فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی، رزق ما را که پابرجایی زندگی‌مان و اصلاح امور خانواده‌مان به آن

فَأَنْـتَ الْكَرِيـمُ الَّذي تُعْطِي مِنْ سَـعَةٍ، وَتَمْنَـعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْـئَلُكَ

بستگی دارد، افزون گردان، زیرا تو بزرگواری هستی که با توانگری می‌بخشی، و از روی قدرت باز می‌داری، و

مِـنَ الـرِّزْقِ مـٰا يَكُـونُ صَلاٰحـاً لِلدُّنْيـٰا، وَبَلاٰغـاً لِلْاٰخِرَةِ.

ما از رزق، مقداری می‌خواهیم که موجب صلاح دنیا و وسیلهٔ سعادت آخرت ما شود.

أَللّٰهُـمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَنـٰا وَ لِوٰالِدَيْنٰا، وَ لِجَمِيعِ

بار خدایا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و ببخش و بیامرز ما را و پدر و مادر مان را ،

الْمُؤْمِنِيـنَ وَالْمُؤْمِنـٰاتِ، وَالْمُسْـلِمِينَ وَالْمُسْـلِمٰاتِ، اَلْاَحْيـٰاءِ مِنْهُـمْ

و تمام زنان و مردان مؤمن و مسلمان را، چه زنده باشند و چه

وَالْاَمْـوٰاتِ، وَآتِنٰا فِي الدُّنْيٰا حَسَـنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَـنَةً، وَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ.

از دنیا رفته باشند ، و در دنیا و آخرت، به ما خیر و نیکی و حسنه عطا فرما، و از جهنّم نگاه دار.

وقتی قنوتت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می‌نشینی و تشهّد و سلام نماز را انجام می‌دهی و پس از آن که تسبیح خدا گفتی (شاید منظور همان ذکر تسبیحات حضرت زهرا 3 است)، دو طرف صورتت را خاک‌آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُـبْحٰانَ اللّٰـهِ وَالْحَمْـدُ لِلّٰـهِ وَلاٰ إِلٰـهَ إِلَّا اللّٰـهُ وَاللّٰـهُ أَكْبَـرُ»

«خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است»

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای

نیک که موجب تقرّب به خدا می‌شود و باعث جلب رضایت او می‌گردد، و پذیرش آن‌ها را، عطا کند. (وأسئل الله العِصمَة وَالنَّجاة والمَغفِرة وَالتّوفيق بِحُسنِ العَمَل وَالقَبول، لِما تَتَقرَّبُ بِه إليه، وتَبتَغي بِه وَجهه)

آنگاه نزد سر مطهّر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز ، خود را به روی قبر مطهّر بینداز و آن را ببوس و بگو :

«زٰادَ اللَّهُ في شَرَفِكُمْ، وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ»

«خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نثار شما باد».

آن گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می‌خواهی دعا کن.[1]

علاّمهٔ مجلسی 1 می‌فرماید : «نویسندهٔ کتاب "المزار الکبیر" فرموده است: از ناحیه مقدّسه امام زمان ارواحنا فداه به یکی از سفرای خویش، برای امام حسین 7 در روز عاشورا، زیارتی صادر شده، به این صورت که: نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می گویی: اَلسَّلامُ عَلی آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَليقَتِهِ....

و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می‌دهد، پس روشن می‌شود که این زیارت از امام روایت شده است. واحتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد، چنان که سیّد مرتضی 1 نیز همین اعتقاد را داشته است».[2]

آیة اللّه سیّد احمد مستنبط 1 نیز می‌نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدّسه دلالتی ندارد که خواندن آن ، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد.[3]

۱. بحار الانوار: ۳۱۷/۱۰۱ ح۸ ، مزار کبیر : ۴۹۶ .مؤلّف در ادامه بیانات علامه را در توضیح چند عبارت عربی آورده است، که در ترجمه آمده است.

۲. بحارالانوار: ۳۲۸/۱۰۱ ح۹ .

۳ . الزیارة والبشارة : ۴۸۸/۲ .

(۸) زیارت شهدا

زیارت دیگری که مشتمل است بر زیارت شهدا و متضمّن تعزیت و تسلیت گفتن بر پیامبر 9 و ائمّه طاهرین : است و مناسب می‌باشد که در مثل امروز خوانده شود و با آن شهدا زیارت شوند و اگر در آخر روز باشد بهتر است.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر

اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ

خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل پروردگار، سلام بر تو ای وارث

مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

حضرت موسی کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا، سلام بر تو

يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عَلِيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ

ای وارث حضرت محمّد 9 حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی بن ابی طالب امیرمؤمنان،

وَلِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ، سِبْطِ رَسُولِ اللّٰهِ.

ولی خداوند، سلام بر تو ای وارث حسن بن علی شهید سبط رسول خدا.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند بشارت دهنده بیم دهنده

وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ.

و فرزند سرور اوصیاء، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور زنان عالم.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللّٰهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا، سلام بر

خِيَرَتِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا ثاٰرَ اللّٰهِ وَابْنَ ثاٰرِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای آنکه خونخواهی خون تو نشده است،

الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِماٰمُ الْهاٰدِي الزَّكِيُّ، وَعَلىٰ

سلام بر تو ای پیشوای هدایتگر زکی و بر ارواح پاکی که بر آستان

أَرْواٰحٍ حَلَّتْ بِفِنائِكَ، وَأَقاٰمَتْ في جِواٰرِكَ، وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِكَ.

تو فرود آمدند و در جوارت مقیم گردیدند و با زائرانت کوچ کردند.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ مِنِّي ماٰ بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهاٰرُ، فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ

سلام من بر شما تا مادامی که باقی هستم و تا مادامی که شب و روز باقی است، به

الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّ الْمُصاٰبُ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَفي أَهْلِ السَّماٰواٰتِ

راستی عزای شما عظیم و مصائبت نسبت به مؤمنان و مسلمانان و همهٔ اهل آسمان‌ها و

أَجْمَعِينَ، وَفي سُكّانِ الْأَرَضِينَ، فَ(إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راٰجِعُونَ)[1]

تمام ساکنان زمین بزرگ است. «همانا ما از خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم».

وَصَلَواٰتُ اللّٰهِ وَبَرَكاٰتُهُ وَتَحِيّاٰتُهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آباٰئِكَ الطّاهِرِينَ

صلوات خدا و برکات او و تحیّاتش بر تو و بر پدران پاک و پاکیزه

الطَّيِّبِينَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَعَلىٰ ذَراٰرِيِّهِمُ الْهُداٰةِ الْمَهْدِيِّينَ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

و برگزیده‌ات، و بر فرزندان هدایتگر و هدایت شده‌ات. سلام بر تو

يا مَوْلاٰيَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ أَرْواٰحِهِمْ، وَعَلىٰ تُرْبَتِكَ

ای مولای من و بر آنان و بر روح مطهر تو و بر ارواح پاک آنان، و بر تربت مقدس تو

وَعَلىٰ تُرْبَتِهِمْ. أَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواٰناً، وَرَوْحاً وَرَيْحاٰناً.

و تربت مقدس آنان، خداوندا آنان را از رحمت و رضوان و راحتی و سرور برخوردار گردان.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا مَوْلاٰيَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، يَابْنَ خاٰتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَابْنَ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، ای مولای من، ای پسر خاتم پیامبران و

۱. سورهٔ بقره، آیه ۱۵۶.

سَـيِّدِ الْوَصِيِّيـنَ، وَيَابْنَ سَـيِّدَةِ نِسـاءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا شَـهِيدُ

ای پسر سرور اوصیاء و ای پسر سرور زنان عالم، سلام بر تو ای شهید،

يَابْـنَ الشَّـهِيدِ، يا أَخَ الشَّـهِيدِ، يا أَبَا الشُّـهَداءِ.

ای فرزند شهید، ای برادر شهید، ای پدر شهیدان.

أَللّٰهُـمَّ بَلِّغْـهُ عَنِّـي فـي هٰـذِهِ السّـاعَةِ، وَفـي هٰـذَا الْيَـوْمِ، وَفـي هٰـذَا

خداوندا به او برسان از طرف من در این ساعت و در این روز و در این

الْوَقْـتِ، وَفـي كُلِّ وَقْـتٍ تَحِيَّـةً كَثِيـرَةً وَسَـلاماً.

وقت و درهر وقت و زمانی، تحیّت فراوان و سلام.

سَـلامُ اللّٰـهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَـةُ اللّٰـهِ وَبَرَكاتُهُ يَابْنَ سَـيِّدِ الْعالَمِيـنَ، وَعَلَى

سلام خدا بر تو و رحمت خدا و برکات او، ای فرزند سرور عالمیان

الْمُسْتَشْـهَدِينَ مَعَـكَ سَـلاماً مُتَّصِـلاً مَـا اتَّصَـلَ اللَّيْـلُ وَالنَّهارُ.

و بر شهیدان همراهت، سلامی پیوسته به پیوستگی شب و روز.

اَلسَّـلامُ عَلَـى الْحُسَـيْنِ بْـنِ عَلِـيِّ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلامُ عَلىٰ عَلِـيِّ بْنِ

سلام بر حسین بن علی شهید، سلام بر علی بن

الْحُسَـيْنِ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلامُ عَلَـى الْعَبّـاسِ بْـنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ الشَّـهِيدِ،

الحسین شهید، سلام بر عبّاس بن علی شهید،

اَلسَّـلامُ عَلَى الشُّـهَداءِ مِـنْ وُلْـدِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّـلامُ عَلَى الشُّـهَداءِ

سلام بر شهدا از فرزندان امیرالمؤمنین، سلام بر شهدا

مِـنْ وُلْـدِ الْحَسَـنِ، اَلسَّـلامُ عَلَى الشُّـهَداءِ مِـنْ وُلْدِ الْحُسَـيْنِ، اَلسَّـلامُ

از فرزندان امام حسن 7 ، سلام بر شهدا از فرزندان امام حسین 7 ، سلام

عَلَـى الشُّـهَداءِ مِـنْ وُلْـدِ جَعْفَـرٍ وَعَقِيـلٍ، اَلسَّـلامُ عَلـىٰ كُلِّ مُسْتَشْـهَدٍ

بر شهدا از فرزندان جعفر و عقیل، سلام بر همهٔ شهیدان

مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ

همراه ایشان از مؤمنان، خداوندا درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و به آن‌ها برسان

عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاٰماً.

از طرف من تحیت فراون و سلام.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـٰا رَسُولَ اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزٰاءَ فِي وَلَدِكَ

سلام بر تو ای رسول خدا، خداوند عزا را برایت نیکو گرداند در مورد فرزندت

الْحُسَيْنِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يٰا فٰاطِمَةُ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكِ الْعَزٰاءَ فِي وَلَدِكِ

حسین 7 . سلام بر تو ای فاطمه، خداوند عزا را بر تو نیکو گرداند در مورد فرزندت

الْحُسَيْنِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزٰاءَ فِي

حسین 7 . سلام بر تو ای امیرمؤمنان، خداوند عزا را بر تو نیکو گرداند در مورد

وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـٰا أَبـٰا مُحَمَّدِنِ الْحَسَنَ، أَحْسَنَ اللَّهُ

فرزندت حسین 7 . سلام بر تو ای ابا محمّد، خداوند عزا را بر تو نیکو

لَكَ الْعَزٰاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ.

گرداند در مورد برادرت حسین 7 .

يـٰا مَوْلاٰيَ يـٰا أَبـٰا عَبْدِاللَّهِ، أَنَا ضَيْفُ اللَّهِ وَضَيْفُكَ، وَجٰارُ اللَّهِ

ای مولای من ای ابا عبد الله، من میهمان خدا و میهمان توام، پناه آورنده به خدا و پناه آورنده به

وَجٰارُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجٰارٍ قِرًى، وَقِرٰايَ فِي هٰذَا الْوَقْتِ، أَنْ تَسْأَلَ

توام، و برای هر میهمان و پناه آورنده‌ای هدیه و احسانی است و هدیه من در این وقت این باشد

اللَّهَ سُبْحٰانَهُ وَتَعٰالىٰ، أَنْ يَرْزُقَنِي فَكٰاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّٰارِ، إِنَّهُ سَمِيعُ

که از خدا بخواهی، آزادی از آتش را روزی‌ام گرداند که او شنونده

الدُّعٰاءِ، قَرِيبٌ مُجِيبٌ.[1]

دعا و نزدیک و اجابت کننده است.

۱. زاد المعاد : ص۳۹۴ ، مفتاح الجنّات : ۶۲۲/۲ ، منهاج العارفین : ص۳۷۶.

(۹) زیارت شهدا در روز عاشورا[۱]

شیخ طوسی 1 گفته است: شیخ ابو عبد الله محمّد بن احمد بن عیّاش ما را حدیث کرد، گفت: شیخ صالح ابو منصور بن عبد المنعم بن نعمان بغدادی ﷺ مرا حدیث کرد، گفت: از ناحیه مقدّسه در سال ۲۵۲ به دست شیخ محمّد بن غالب اصفهانی در هنگام وفات پدرم ﷺ خارج گردید در حالی که من جوان بودم و نوشتم که من در زیارت مولایم حضرت ابا عبد الله 7 و زیارت شهدا رضوان الله علیهم اجازه می‌خواهم، پس از محضر حضرت برایم خارج گردید:

به نام خداوند بخشنده مهربان هرگاه خواستی شهدا را زیارت کنی در پایین پای مبارک امام حسین 7 که آن جا قبر مطهر حضرت علی بن الحسین 8 است بایست و رو به سوی قبله کن، آنجا محدوده و حریم شهدا است، آنگاه به حضرت علی بن الحسین 8 اشاره کن و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلاٰلَةِ إِبْرٰاهِيمَ

سلام بر تو ای اولین شهید از نسل بهترین فرزند از سلاله و دودمان ابراهیم خلیل، درود خدا

الْخَلِيلِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبِيكَ إِذْ قٰالَ فِيكَ: «قَتَلَ اللَّهُ قَوْماً

بر تو و بر پدر بزرگوارت که درباره تو فرمود: «خداوند بکشد قومی را که تو را کشتند، ای

قَتَلُوكَ يا بُنَيَّ ما أَجْرَأَهُمْ عَلَى الرَّحْمٰانِ وَعَلَى انْتِهٰاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ،

پسرم چه چیز آن‌ها را نسبت به خداوند رحمان جری نمود و بر بی حرمتی نسبت به رسول خدا 9

۱. ما این زیارت را در باب زیارات مخصوصه آوردیم به متابعت از بزرگان، در مزار کبیر تصریح نموده‌اند به «زیارت شهداء رضوان الله علیهم در روز عاشورا»، ولی ظاهراً قرائت آن اختصاص به روز عاشورا ندارد.

عَلَى الدُّنْيٰا بَعْدَكَ الْعَفٰا»، كَأَنِّي بِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ مٰاثِلاً، وَلِلْكٰافِرِينَ قٰائِلاً:

بعد از تو خاک بر سر دنیا»، گویا می‌بینم تو را که در پیش روی او ممثّل هستی و به کافران می‌گویی:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
من علی فرزند حسین بن علی هستم

نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلىٰ بِالنَّبِيِّ
ما به خانه خدا سوگند اولی به پیامبر هستیم

أَطْعَنُكُمْ بِالرُّمْحِ حَتّىٰ يَنْثَنِي
شما را با نیزه می‌زنم تا آنکه خم شود

أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمي عَنْ أَبي
شما را با شمشیر می‌زنم و از پدرم حمایت می‌کنم.

ضَرْبَ غُلاٰمٍ هٰاشِمِيٍّ عَرَبِيٍّ
می زنم زدن جوان هاشمی عرب

وَاللَّهِ لاٰ يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعي
به‌خداقسم‌فرزندحرامزاده‌درماحکمرانی‌نمی‌کند.

حَتّىٰ قَضَيْتَ نَحْبَكَ، وَلَقِيتَ رَبَّكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلىٰ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ

تا آنکه دار فانی را وداع کردی و به ملاقات پروردگارت شتافتی، شهادت می‌دهم که

وَأَنَّكَ ابْنُ رَسُولِهِ وَحُجَّتِهِ، وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَمِينِهِ، حَكَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى

تو به خدا و رسولش اولی و شایسته‌تری و تو فرزند رسول او و حجت او و امین او هستی،

قٰاتِلِكَ مُرَّةَ بْنِ مُنْقِذِ بْنِ النُّعْمٰانِ الْعَبْدِيِّ، لَعَنَهُ اللَّهُ وَأَخْزَأَهُ وَمَنْ

خداوند، برای تو در مورد قاتلت مرة بن منقذ بن نعمان عبدی حکم کند، خدا او را لعنت کند و خوار

شَرَكَهُ فِي قَتْلِكَ، وَكٰانُوا عَلَيْكَ ظَهِيراً، أَصْلاٰهُمُ اللَّهُ جَهَنَّمَ، وَسٰائَتْ

و رسوا نماید و هر کسی را که در قتل تو شرکت کرد و علیه تو یکدیگر را یاری نمود، خداوند آنان را

مَصِيراً، وَجَعَلَنَا اللَّهُ مِنْ مُلاٰقِيكَ وَمُرٰافِقِيكَ، وَمُرٰافِقِي جَدِّكَ وَأَبِيكَ،

به جهنّم افکند و چه بدجایگاهی است، و خداوند ما را از دیدارکنندگانت قرار دهد و از همراهانت

وَعَمِّكَ وَأَخِيكَ، وَأُمِّكَ الْمَظْلُومَةِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدٰائِكَ

و همراهان جدّت و پدرت و عمو و برادرت و مادر مظلومه‌ات، و به درگاه الهی بیزاری می‌جویم

أُولِي الْجُحُودِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قٰاتِلِيكَ، وَأَسْأَلُ اللهَ مُرٰافَقَتَكَ فِي

از دشمنان تو که منکر حق بودند و به درگاه خداوند از قاتل تو بیزاری می‌جویم، و از خدا می‌خواهم

دارِ الْخُلُودِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

همراه بودن با تو را در سرای جاودان و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، اَلطِّفْلِ الرَّضِيعِ، اَلْمَرْمِيِّ

سلام بر عبد الله بن حسین طفل شیرخوار تیرخورده بر زمین

الصَّرِيعِ، اَلْمُتَشَحِّطِ دَماً، اَلمُصَعَّدِ دَمُهُ فِي السَّماءِ، اَلْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ

افتاده به خون آغشته گشته،که خون او به آسمان بالا برده شد و با تیر

فِي حِجْرِ أَبِيهِ، لَعَنَ اللَّهُ رامِيَهُ حَرْمَلَةَ بْنَ كاهِلِ الْاَسَدِيِّ وَذَوِيهِ.

در آغوش پدر ذبح شد، خدا لعنت کند حرملة بن کاهل اسدی را که تیر به طرف او رها کرد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ، مُبْلَى البَلاءِ وَالْمُنادي

سلام بر عبد الله بن امیرالمؤمنین مبتلا شده به بلا، و ندا دهنده به ولایت در عرصه

بِالْوِلاءِ فِي عَرْصَةِ كَرْبَلاءَ، اَلْمَضْرُوبِ مُقْبِلاً وَمُدْبِراً، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَهُ

کربلا، آنکه او را از پیش رو و پشت سر مورد هجوم قرار دادند، خداوند قاتل او

هانِيَ بْنَ ثُبَيْتٍ الْحَضْرَمِيِّ.

هانی بن ثبیت حضرمی را لعنت کند.

اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ، اَلْمُواسي أَخاهُ بِنَفْسِهِ، اَلْآخِذِ

سلام بر عباس بن امیرالمؤمنین که با جانش با برادر مواسات نمود و برای فردایش از امروزش توشه

لِغَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، اَلْفادِي لَهُ، اَلْواقِي السّاعِي إِلَيْهِ بِمائِهِ، اَلْمَقْطُوعَةِ يَداهُ،

گرفت، خود را فدای او نمود، حفظ کننده و شتابنده به سوی او با آب، آنکه در این راه دو دست او قطع شد،

لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَهُ يَزِيدَ بْنَ الرُّقادِ الحِيْتيّ، وَحَكِيمَ بْنَ الطُفَيْلِ الطّائِيِّ.

خداوند قاتل او یزید بن رقاد و حکیم بن طفیل طائی را لعنت کند.

اَلسَّلامُ عَلى جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلصّابِرِ بِنَفْسِهِ مُحْتَسِباً،

سلام بر جعفر فرزند امیرالمؤمنین که با جان خود در راه خدا پایداری نمود و از سرزمین

وَالنّائِي عَنِ الْاَوطانِ مُغْتَرِباً، اَلمُسْتَسْلِمِ لِلْقِتالِ، اَلْمُسْتَقْدِمِ لِلنَّزالِ،

خود ترک وطن نمود، و جنگ با دشمن را پذیرفت و پیشقدم در نبرد بود و به خاطر زیادی دشمن و

اَلْمَكْثُورِ بِالرِّجالِ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَهُ هانِيَ بْنَ ثُبَيْتٍ الْحَضْرَمِيِّ.

مردان حمله ور به شهادت رسید، خداوند قاتل او هانی بن ثبیت حضرمی را لعنت کند.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عُثْمانَ بْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، سَمِيِّ عُثْمانَ بْنَ مَظْعُونٍ، لَعَنَ

سلام بر عثمان فرزند امیرالمؤنین که همنام عثمان بن مظعون بود،

اللَّهُ رامِيَهُ بِالسَّهْمِ خُولِيَ بْنَ يَزِيدَ الْاَصْبَحِيَّ الْاَيادِيَّ الْاَبانِيَّ الدّارِمِيَّ.

خداوند خولی بن یزید اصبحی را که تیر به طرف او رها کرد لعنت کند.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، قَتِيلِ الْاَيادِيِّ الدّارَمِيِّ،

سلام بر محمّد فرزند امیرالمؤمنین کشته شده به وسیله ایادی دارمی که خدا او را

لَعَنَهُ اللَّهُ وَضاعَفَ عَلَيْهِ الْعَذابَ الْاَلِيمَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ

لعنت کند و بر او عذاب دردناک خود را دو چندان نماید، و درود خدا بر تو ای محمّد

وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الصّابِرِينَ.

و بر اهل بیت شکیبایت.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبي بَكْرِ بْنِ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ الْوَلِيِّ، اَلْمَرْمِيِّ بِالسَّهْمِ

سلام بر ابی بکر فرزند حسن پاک و صاحب ولایت، آنکه مورد اصابت تیر هلاک کننده

الرَّدِيِّ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَهُ عَبْدَاللَّهِ بْنَ عُقْبَةَ الْغَنَوِيِّ.

قرار گرفت، خداوند قاتل او عبد الله بن عقبه غنوی را لعنت کند.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَهُ

سلام بر عبد الله فرزند حسن بن علی علیهما السلام پاک و منزّه، خداوند قاتل او که تیر به طرف او

وَرامِيَهُ حَرْمَلَةَ بْنَ كاهِلِ الْاَسَدِيِّ.

رها کرد یعنی حرملة بن کاهل اسدی را لعنت کند.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَى الْقاٰسِـمِ بْنِ الحَسَـنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلْمَضْرُوبِ عَلـىٰ هاٰمَتِهِ،

سلام بر قاسم فرزند حسن بن علی که بر فرق سرش ضربت زده شد و ابزار جنگش به غارت

اَلْمَسْـلُوبِ لاٰمَتُـهُ حِينَ نادَى الْحُسَـيْنَ عَمَّـهُ، فَجَلاٰ عَلَيْهِ عَمُّـهُ كَالصَّقْرِ،

برده شد هنگامی که عمویش را صدا زد و عمویش همانند عقاب تیزپرواز به سوی او شتافت

وَهُـوَ يَفْحَـصُ بِرِجْلَيْهِ التُّراٰبَ، وَالْحُسَـيْنُ يَقُولُ: بُعْداً لِقَـوْمٍ قَتَلُوكَ، وَمَنْ

درحالی که او از شدّت درد دو پایش را بر زمین می‌کشید و خاک را می‌کند، و امام حسین می‌فرمود: دورباد از رحمت

خَصْمُهُـمْ يَـوْمَ الْقِيامَـةِ جَـدُّكَ وَأَبُـوكَ، ثُـمَّ قـاٰلَ: عَـزَّ وَاللَّهِ عَلـىٰ عَمِّكَ

خدا گروهی که تو را کشتند، وکسانی که در قیامت جدّ و پدر تو خصم آنان خواهند بود. سپس فرمود: بر عمویت

أَنْ تَدْعُـوهُ فَـلاٰ يُجِيبُـكَ، أَو أَنْ يُجِيبَـكَ وَأَنْـتَ قَتِيـلٌ جَدِيـلٌ فَلاٰيَنْفَعُكَ،

دشوار است به خدا قسم که او را بخوانی و او تو را پاسخ ندهد یا اینکه پاسخ دهد در حالی که تو کشته شده باشی،

هٰـذاٰ وَاللَّـهِ يَـوْمٌ كَثُـرَ واٰتِـرُهُ، وَقَـلَّ ناٰصِـرُهُ، جَعَلَنِـيَ اللَّـهُ مَعَكُمـاٰ يَـوْمَ

و نفعی به تو نبخشد، امروز به خدا قسم روزی است که دشمنان زیاد و یاری کنندگان اندک هستند، خداوند

جَمْعِكُمـاٰ، وَبَوَّأَنِـي مُبَوَّءَكُمـاٰ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ قاٰتِلَـكَ عُمَـرَ بْـنَ سَـعْدِ بْـنِ

مرا با شما دو بزرگوار قرار دهد روزی که گرد هم می‌آیید و مرا در جایگاه شما جای دهد، و خداوند قاتل

عُـرْوَةَ بْـنِ نُفَيْـلٍ الْاَزْدِيِّ، وَأَصْـلاٰهُ جَحِيمـاً، وَأَعَـدَّ لَـهُ عَذاٰبـاً أَلَيمـاً.

تو عمر بن سعد بن عروة بن نفیل ازدی را لعنت کند و به جهنّم افکند و برای او عذابی دردناک آماده نماید.

اَلسَّـلاٰمُ عَلـىٰ عَـوْنِ بْـنِ عَبْدِاللَّـهِ بْـنِ جَعْفَـرٍ الطَّيّـارِ فِـي الْجِنـاٰنِ،

سلام بر عون پسر عبد الله بن جعفر که در بهشت پرواز کننده است، همراه و هم پیمان با ایمان،

حَلِيـفِ الْاِيمـاٰنِ، وَمُنـاٰزِلِ الْاَقْـراٰنِ، اَلنّاصِحِ لِلرَّحْمـاٰنِ، اَلتّالـي لِلْمَثاٰنِي

جنگجو و هم نبرد با قهرمانان، نصیحت کننده برای خداوند رحمان، تلاوت کننده مثانی (سوره

وَالْقُـرْآنِ، لَعَـنَ اللَّـهُ قاٰتِلَـهُ عَبْدَاللَّـهِ بْـنَ قُطْبَـةَ النَّبْهاٰنِيِّ.

حمد) و قرآن، خداوند قاتل او عبد الله بن قطبه نبهانی را لعنت کند.

اَلسَّلٰامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ، اَلشّٰاهِدِ مَكٰانَ أَبِيهِ،

سلام بر محمّد فرزند عبد الله بن جعفر، گواه جایگاه پدرش

وَالتّالِي لِأَخِيهِ، وَوٰاقِيهِ بِبَدَنِهِ، لَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلَهُ عٰامِرَ بْنَ نَهْشَلٍ التَّمِيمِيَّ.

و دنباله رو برادرش و نگهدارنده او به وسیله بدنش، خداوند قاتل او عامر بن نهشل تمیمی را لعنت کند.

اَلسَّلٰامُ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلٍ، لَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلَهُ وَرٰامِيَهُ بِشْرَ بْنَ

سلام بر جعفر فرزند عقیل، خداوند قاتل او، که تیر به طرف او رها کرد، بشر بن خوط

خَوْطٍ الْهَمْدٰانِيَّ. اَلسَّلٰامُ عَلٰى عَبْدِالرَّحمٰانِ بْنِ عَقِيلٍ، لَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلَهُ

همدانی را لعنت کند. سلام بر عبد الرحمان فرزند عقیل، خداوند قاتل او که تیر به طرف او

وَرٰامِيَهُ عُمَرَ بْنَ خٰالِدِ بْنِ أَسَدٍ الْجُهَنِيَّ.

رها کرد عمر بن خالد بن اسد جُهنی را لعنت کند.

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْقَتِيلِ بْنِ الْقَتِيلِ، عَبْدُاللّٰهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ،

سلام بر شهید فرزند شهید عبد الله پسر مسلم بن عقیل، خداوند

وَلَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلَهُ عٰامِرَ بْنَ صَعْصَعَةَ، (وَقِيلَ: أَسَدَ بْنَ مٰالِكٍ)[1].

قاتل او عامر بن صعصعه [وگفته شده: اسد بن مالک] را لعنت کند.

اَلسَّلٰامُ عَلٰى عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ، وَلَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلَهُ وَرٰامِيَهُ

سلام بر عبید الله پسر مسلم بن عقیل، خداوند قاتل او و تیر انداز به طرف او

عَمْرَو بْنَ صُبَيْحٍ الصَّيْدٰاوِيَّ.

عمرو بن صبیح صیداوی را لعنت کند.

اَلسَّلٰامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعِيدِ بْنِ عَقِيلٍ، وَلَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلَهُ

سلام بر محمّد پسر ابی سعید بن عقیل، و خداوند قاتل او

لَقِيطَ بْنَ نٰاشِرٍ الْجُهَنِّيَّ.

لقیط بن ناشر جُهنی را لعنت کند

۱. علامه مجلسی 1 گفته است: گوینده «قیل» (یعنی اضافه کننده پرانتز) یا سیّد است و یا راوی.

اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ سُلَيْمانَ مَوْلَى الْحُسَيْنِ بْنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَلَعَنَ

سلام بر سلیمان غلام حسین بن امیرالمؤمنین، خداوند

اللّٰهُ قاٰتِلَهُ سُلَيْمانَ بْنَ عَوْفِ الْحَضْرَمِيِّ. اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ قاٰرِبٍ مَوْلَى

قاتل او سلیمان بن عوف حضرمی را لعنت کند. سلام بر قارب، از غلامان

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ. اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مُنْجِحٍ مَوْلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ.

حسین بن علی. سلام بر منجح، از غلامان حسین بن علی.

اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةِ الْاَسَدِيِّ، اَلْقاٰئِلِ لِلْحُسَيْنِ وَقَدْ

سلام بر مسلم بن عوسجه اسدی، آنکه به امام حسین 7 در حالی که به او اجازه

أَذِنَ لَهُ فِي الْاِنْصِرافِ: «أَنَحْنُ نُخَلّي عَنْكَ، وَبِمَ نَعْتَذِرُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ

بازگشت دادند عرض کرد: آیا ما تو را رها کنیم، چه عذری خواهیم داشت نزد پروردگار

أَداٰءِ حَقِّكَ، لاٰ وَاللّٰهِ حَتّىٰ أَكْسِرَ فِي صُدُورِهِمْ رُمْحِي هٰذاٰ، وَأَضْرِبَهُمْ

در بجا نیاوردن حقّ تو، نه به خدا قسم (تو را رها نمی‌کنم) تا آنکه نیزه‌ام را در سینه‌های آنان فرو برم و

بِسَيْفِي مٰا ثَبَتَ قاٰئِمُهُ فِي يَدِي، وَلاٰ أُفاٰرِقُكَ، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مَعِي سِلاٰحٌ

بشکنم و با شمشیرم بر آن‌ها بزنم تا مادامی که قائمه آن در دستم باشد و هرگز از تو جدا نمی‌شوم و اگر با من

أُقاٰتِلُهُمْ بِهِ، لَقَذَفْتُهُمْ بِالْحِجاٰرَةِ، وَلَمْ أُفاٰرِقْكَ حَتّىٰ أَمُوتَ مَعَكَ»،

سلاحی نباشد که با آن با دشمن بجنگم با سنگ به جنگ آنان روم و تو را رها نکنم تا در راه تو جان دهم

وَكُنْتَ أَوَّلَ مَنْ شَرىٰ نَفْسَهُ، وَأَوَّلَ شَهِيدٍ مِنْ شُهَداٰءِ اللّٰهِ وَقَضىٰ نَحْبَهُ.

و تو اول کسی بودی که جان خود را فروخت و اول شهید از شهیدان راه خدا که به عهد خود وفا کرد.

فَفُزْتَ بِرَبِّ الْكَعْبَةِ، شَكَرَ اللّٰهُ اسْتِقْداٰمَكَ وَمُواٰساٰتَكَ إِمٰامَكَ، إِذْ

پس به پروردگار کعبه رستگار شدی، خدا تو را بر این اقدامت و پایداریت و مواساتت با پیشوایت پاداش دهد، هنگامی که

مَشىٰ إِلَيْكَ وَأَنْتَ صَرِيعٌ، فَقاٰلَ: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ يٰا مُسْلِمَ بْنَ عَوْسَجَةَ،

آن حضرت به سوی تو آمد و تو بر زمین افتاده بودی، فرمود: ای مسلم بن عوسجه، خداوند تو را رحمت کند

وَقَرَأَ: (فَمِنْهُمْ مَنْ قَضىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمابَدَّلُوا تَبْدِيلاً)[1]،

و تلاوت نمود: «و از ایشان کسانی هستند که به عهد خود وفا نمودند و از ایشان کسانی هستند

لَعَنَ اللَّهُ الْمُشْتَرِكِينَ فِي قَتْلِكَ: عَبْدَاللَّهِ الضَّبابِيَّ، وَعَبْدَاللَّهِ بْنَ

که منتظر و چشم به راه هستند» خداوند شرکت کنندگان در قتل تو عبد الله ضبابی و عبد الله بن

خَشْكارَةَ الْبَجَلِيِّ، وَمُسْلِمَ بْنَ عَبْدِاللَّهِ الضَّبابِيِّ.

خشکارة بجلّی و مسلم بن عبد الله ضبابی را لعنت کند.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سَعْدِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ الْحَنَفِيِّ، اَلْقائِلِ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

سلام بر سعد بن عبد الله حنفی، آنکه به امام حسین 7 عرض کرد هنگامی

السَّلامُ وَقَدْ أَذِنَ لَهُ فِي الْاِنْصِرافِ: لا وَاللَّهِ لانُخَلِّيكَ حَتّىٰ يَعْلَمَ اللَّهُ أَنّا

که اجازه برگشتن به او دادند: نه به خدا قسم تو را رها نمی‌کنیم تا خداوند بداند

قَدْ حَفِظْنا غَيْبَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ، وَاللَّهِ لَوْ أَعْلَمُ

ما حرمت رسول خدا 9 را در غیاب او در مورد تو رعایت نموده‌ایم، به خدا قسم اگر بدانم که کشته

أَنِّي أُقْتَلُ ثُمَّ أُحْيا، ثُمَّ أُحْرَقُ ثُمّ أُذْرىٰ، وَيُفْعَلُ بي ذٰلِكَ سَبْعِينَ مَرَّةً،

می‌شوم سپس زنده می‌گردم، سپس به آتش سوزانیده می‌شوم، سپس در هوا پراکنده می‌شوم و این کار با

ما فارَقْتُكَ حَتّىٰ أَلْقىٰ حِمامِي دُونَكَ، وَكَيْفَ لا أَفْعَلُ ذٰلِكَ وَإِنَّما هِيَ مَوْتَةٌ

من هفتاد بار انجام شود از تو جدا نشوم تا مرگم را نزد تو دیدار کنم، و چگونه چنین نکنم در حالی که

أَوْ قَتْلَةٌ واحِدَةٌ، ثُمَ هِيَ بَعْدَهَا الْكَرامَةُ الَّتِي لَا انْقِضاءَ لَهَا أَبَداً. فَقَدْ لَقِيتَ

این یک بار مردن و یا یک بار کشته شدن است، سپس بعد از آن کرامتی است که برایش پایانی نیست.

حِمامَكَ، وَواسَيْتَ إِمامَكَ، وَلَقِيتَ مِنَ اللَّهِ الْكَرامَةَ فِي دارِ الْمُقامَةِ،

سپس مرگ را دیدار کردی و امام خود را یاری نمودی و در سرای ابدی از خداوند کرامت را دیدار کردی،

حَشَرَنَا اللَّهُ مَعَكُمْ فِي الْمُسْتَشْهَدِينَ، وَرَزَقَنا مُرافَقَتَكُمْ فِي أَعْلا عِلِّيِّينَ.

خدا ما را با شما در گروه شهادت طلبان محشور فرماید و همراهی با شما را در اعلی علیین روزی ما گرداند.

۱. سورهٔ احزاب، آیه۲۳.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ بِشْرِ[1] بْنِ عُمَرَ الْحَضْرَمِيِّ، شَكَرَ اللّٰهُ لَكَ قَوْلَكَ

سلام بر بشر بن عمر حضرمی، خداوند برای آنچه گفتی در پاسخ امام حسین ـ که سلام

لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلٰامُ وَقَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الْاِنْصِرٰافِ: أَكَلَتْنِي إِذَنِ

بر ایشان باد ـ وقتی اجازه بازگشت به تو داد پاداش دهد، گفتی: درندگان مرا زنده زنده پاره

السِّبٰاعُ حَيّاً، إِنْ فٰارَقْتُكَ وَأَسْئَلُ عَنْكَ الرُّكْبٰانَ، وَأَخْذُلُكَ مَعَ قِلَّةِ

کنند و بخورند اگر از تو جدا شوم و بخواهم سواره دور شوم و تو را با کمی یاران تنها بگذارم،

الْاَعْوٰانِ، لٰا يَكُونُ هٰذٰا أَبَداً.

هرگز این کار نشود و چنین چیزی نباشد.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ يَزِيدَ بْنِ حُصَيْنٍ الْهَمْدٰانِيِّ، اَلْمُشْرِفِيِّ الْقٰارِيِّ

سلام بر یزید بن حصین همدانی مشرقی، قاری قرآن

الْمُجَدَّلِ بِالْمَشْرَفِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنَ كَعْبٍ الْاَنْصٰارِيِّ. اَلسَّلٰامُ

و نیرومند و پرتوان در جدال و مناظره، سلام بر عمر بن کعب انصاری. سلام

عَلىٰ نُعَيْمِ بْنِ الْعِجْلٰانِ الْاَنْصٰارِيِّ.

بر نعیم بن عجلان انصاری.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ الْبَجَلِيِّ، اَلْقائِلِ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلٰامُ

سلام بر زهیر بن قین بجلّی آنکه در پاسخ امام حسین ـ سلام بر ایشان باد ـ وقتی به او اجازه

وَقَدْ أَذِنَ لَهُ فِي الْاِنْصِرٰافِ: لٰا وَاللّٰهِ لٰا يَكُونُ ذٰلِكَ أَبَداً، أَتْرُكُ ابْنَ

بازگشت دادند، عرض کرد: نه به خدا قسم، هرگز چنین چیزی نشود، فرزند رسول خدا را در

رَسُولِ اللّٰهِ أَسِيراً فِي يَدِ الْاَعْدٰاءِ وَأَنْجُو، لٰا أَرٰانِيَ اللّٰهُ ذٰلِكَ الْيَوْمِ.

دست دشمنان اسیر و گرفتار رها کنم و خود رهایی یابم، خدا چنین روزی را به من نشان ندهد.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ قُرْطَةَ الْاَنْصٰارِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَبِيبِ بْنِ

سلام بر عمر بن قرطه انصاری. سلام بر حبیب بن

۱. «سهل»، خ.

مَظاهِرِ الْاَسَدِيِّ. اَلسَّلامُ عَلَى الْحُرِّ بْنِ يَزِيدَ الرِّياحِيِّ.

مظاهر اسدی. سلام بر حر بن یزید ریاحی.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عُمَيْرٍ الْكَلْبِيِّ. اَلسَّلامُ عَلىٰ نافِعِ بْنِ هِلالِ

سلام بر عبد الله بن عمیر کلبی. سلام بر نافع بن هلال

بْنِ نافِعٍ الْبَجَلِيِّ الْمُرادِيِّ. اَلسَّلامُ عَلىٰ أَنَسِ بْنِ كاهِلٍ الْاَسَدِيِّ.

(بن نافع) بجلی مرادی. سلام بر انس بن کاهل اسدی.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قَيْسِ بْنِ مُسْهِرٍ الصَّيْداوِيِّ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللَّهِ

سلام بر قیس بن مسهر صیداوی. سلام بر عبد الله

وَعَبْدِالرَّحْمانِ ابْنَيْ عُرْوَةَ بْنِ حَرّاقٍ الغِفارِيَّيْنِ.

و عبدالرحمان دو فرزند عروة بن حرّاق غفاری.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَوْنِ[1] بْنِ حَرِيٍّ مَوْلىٰ أَبي ذَرٍّ الْغِفارِيِّ.

سلام بر عون بن حری غلام ابوذر غفاری.

اَلسَّلامُ عَلَى شَبِيبِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ النَّهْشَلِيِّ. اَلسَّلامُ عَلَى الْحَجّاجِ

سلام بر شبیب بن عبد الله نهشلی. سلام بر حجّاج

بْنِ زَيْدِ السَّعْدِيِّ. اَلسَّلامُ عَلىٰ قاسِطٍ وَكَرْشِ ابْنَيْ زُهَيْرِ التَّغْلِبِيَّيْنِ.

بن زید سعدی. سلام بر قاسط و کرش دو پسر زهیر تغلبی.

اَلسَّلامُ عَلىٰ كَنانَةَ بْنِ عَتِيقٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ ضَرْغامَةَ بْنِ مالِكٍ.

سلام بر کنانة بن عتیق. سلام بر ضرغامة بن مالک.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حَوِيِّ بْنِ مالِكٍ الضَّبُعِيِّ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ

سلام بر حوی بن مالک ضُبُعی. سلام بر عمر بن

ضُبَيْعَةَ الضَّبُعِيِّ.

ضبیبعة الضُبعی.

۱. جَوْن، خ.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زَيْدِ بْنِ ثُبَيْتٍ الْقَيْسِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عَبْدِاللّٰهِ

سلام بر زید بن ثبیبت قیسی. سلام بر عبد الله

وَعُبَيْدِاللّٰهِ ابْنَيْ يَزِيدَ بْنِ ثُبَيْتٍ[1] الْقَيْسِيِّ.

و عبید الله دو پسر یزید بن ثُبَیت قَیسی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عٰامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قَعْنَبِ بْنِ عَمْرِو

سلام بر عامر بن مسلم. سلام بر قعنب بن

النَّمِرِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سٰالِمٍ مَوْلىٰ عٰامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ.

عمرو نمری. سلام بر سالم غلام عامر بن مسلم.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سَيْفِ بْنِ مٰالِكٍ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ بِشْرٍ الْخَثْعَمِيِّ.

سلام بر سیف بن مالک. سلام بر زهیر بن بشر خثعمی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زَيْدِ بْنِ مَعْقِلٍ الْجُعْفِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلَى الْحَجّٰاجِ بْنِ

سلام بر زید بن معقل جُعفی. سلام بر حجاج بن

مَسْرُوقٍ الْجُعْفِيِّ.

مسروق جعفی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَسْعُودِ بْنِ الْحَجّٰاجِ وَابْنِهِ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَجْمَعِ بْنِ

سلا بر مسعود بن حجاج و فرزندش. سلام بر مجمع بن

عَبْدِاللّٰهِ الْعٰائِذِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عَمّٰارِ بْنِ حَسّٰانِ بْنِ شُرَيْحٍ الطّٰائِيِّ.

عبد الله عائذی. سلام بر عمّار بن حسّان بن شریح طائی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَبّٰابِ بْنِ الْحٰارِثِ السَّلْمٰانِيِّ الْأَزْدِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ

سلام بر حباب بن حارث سلمانی ازدی. سلام بر

جُنْدَبِ بْنِ حِجْرِ الْخَوْلٰانِيِّ.

جندب بن حجر الخولانی.

۱. «شُبیط»، خ .

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ خٰالِدٍ الصَّيْدٰاوِيِّ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سَعِيدٍ مَوْلاٰهُ.

سلام بر عمر بن خالد الصيداوی. سلام بر سعيد غلام او.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ يَزِيدَ بْنِ زِيٰادِ بْنِ الْمُظٰاهِرِ[1] الْكَنْدِيِّ.

سلام بر يزيد بن زياد بن مظاهر كندی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زٰاهِدٍ[2] مَوْلىٰ عَمْرِو بْنِ الْحَمِقِ الْخُزٰاعِيِّ.

سلام بر زاهد (زاهر) غلام عمرو بن حمق خزاعی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ جَبَلَةَ بْنِ عَلِيٍّ الشَّيْبٰانِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سٰالِمٍ مَوْلىٰ

سلام بر جبلة بن علی شيبانی. سلام بر سالم غلام

بَنِي الْمَدِينَةَ الْكَلْبِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَسْلَمَ بْنِ كَثِيرٍ الْاَزْدِيِّ الْاَعْرَجِ.

مدينه كلبی. سلام بر اسلم بن كثير ازدی اعرج.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمٍ الْاَزْدِيِّ. وَاَلسَّلٰامُ عَلىٰ قٰاسِمِ بْنِ

سلام بر زهير بن شليم ازدی. , سلام بر قاسم بن

حَبِيبٍ الْاَزْدِيِّ.

حبيب ازدی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ جُنْدَبٍ الْحَضْرَمِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَبِي ثُمٰامَةَ

سلام بر عمر بن جندب حضرمی. سلام بر ابی ثمامه

عُمَرَ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الصّٰائِدِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدٍ الشَّيْبٰانِيِّ.

عمر بن عبد الله صائدی. سلام بر حنظلة بن اسعد شيبانی.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عَبْدِالرَّحْمٰانِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْكُدَرِ الْاَرْحَبِيِّ. اَلسَّلٰامُ

سلام بر عبد الرحمان بن عبد الله بن كدر ارحبی. سلام

عَلىٰ عَمّٰارِ بْنِ أَبِي سَلٰامَةَ الْهَمْدٰانِيِّ.

بر عمار بن ابی سلامة همدانی.

۱. «المهاجر» ، خ .
۲. «زاهر»، خ.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عٰابِسِ بْنِ شَبِيبِ الشّٰاكِرِيِّ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ شَوْذَبِ

سلام بر عابس بن شبیب شاکری. سلام بر شوذب

مَوْلىٰ شٰاكِرٍ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ شَبِيبِ بْنِ الْحٰارِثِ بْنِ سَرِيعٍ. اَلسَّلٰامُ

غلام شاکر. سلام بر شبیب بن حارث بن سریع. سلام

عَلىٰ مٰالِكِ بْنِ عَبْدِ بْنِ سَرِيعٍ.

بر مالک بن عبد بن سریع.

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْجَرِيحِ الْمَأْسُورِ، سَوّٰارِ بْنِ أَبِي حِمْيَرٍ الْفَهْمِيِّ الْهَمْدٰانِيِّ.

سلام بر مجروح اسیر. سوار بن ابی حمیر فهمی همدانی.

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُرَتَّثِ مَعَهُ عَمرِو بْنِ عَبْدِاللَّهِ الْجَنْدَعِيِّ.

سلام بر مجروحی که رمقی با او بود و از معرکه برده شد، عمرو بن عبد الله جندعی.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُم يٰا خَيْرَ أَنْصٰارٍ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ (بِمٰا صَبَرْتُمْ

سلام بر شما ای بهترین یاران. سلام بر شما «به خاطر آن همه پایداری و شکیبایی که نمودید، سرای آخرت

فَنِعْمَ عُقْبَى الدّٰارِ)، بَوَّءَكُمُ اللَّهُ مُبَوَّءَ الْاَبْرٰارِ، أَشْهَدُ لَقَدْ كَشَفَ

چه سرایی نیکو است»، خدا شما را در جایگاه ابرار جای دهد، گواهی می‌دم که خداوند پرده را از مقابل دیدگان

اللَّهُ لَكُمُ الْغِطٰاءَ، وَمَهَّدَ لَكُمُ الْوِطٰاءَ، وَأَجْزَلَ لَكُمُ الْعَطٰاءَ، وَكُنْتُمْ

شما کنار زد، و آماده کرد برای شما فرش، و عطا کرد برای شما بسیار و شما از حق درنگ ننمودید،

عَنِ الْحَقِّ غَيْرَ بِطٰاءٍ، وَأَنْتُمْ لَنٰا فُرَطٰاءُ، وَنَحْنُ لَكُمْ خُلَطٰاءُ فِي

از خود سستی و کندی نشان ندادید، شما نسبت به ما پیشقراولان بودید، و ما با شما در سرای

دٰارِ الْبَقٰاءِ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

باقی همنشین هستیم، و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او.

۱. اقبال الاعمال: ص۴۸، مصباح الزائر: ص۲۷۸، مزار کبیر: ص۴۸۵، مزار شهید: ص۱۷۶ (با تفاوت زیاد)، روضة الأذکار (مخطوط): ص۵۸، بحارالانوار: ۶۴/۴۵، تحفة الزائر (مخطوط): ص۲۱۹.

مؤلّف محترم گوید: بعضی در صدور زیارت از ناحیهٔ مقدسه به خاطر تاریخ خبر اشکال کرده‌اند، مرحوم علامه مجلسی 1 احتمال داده‌اند که در تاریخی که ذکر شده، اشتباه رخ داده و زیارت در سال ۲۶۲ صدور یافته است.[۱] آیة الله سید احمد مستنبط 1 نیز گفته است: ظاهراً در سال ۲۶۲ بوده است به خاطر تقدم تاریخ خبر نسبت به ولادت امام قائم 7 به چهار سال؛ یا اینکه زیارت از حضرت ابامحمّد امام عسکری 7 صدور یافته است.[۲]

زیارت امام حسین 7 در ماه صفر المظفر

فضیلت زیارت اربعین

شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجد گفته است:

در روز بیستم صفر اهل بیت امام حسین 7 از شام به مدینة الرسول بازگشتند، و آن روزی است که جابر بن عبد الله انصاری صحابی رسول خدا 9 از مدینه به سرزمین کربلا برای زیارت قبر حضرت ابا عبد الله 7 وارد شد، و لذا او اول زائر امام حسین 7 است از مردم، و مستحب است زیارت آن حضرت در آن روز و آن زیارت اربعین است.

از امام عسکری 7 روایت شده است که فرمودند:

> نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۵۱ رکعت نماز (واجب و نافله)، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، مسح پیشانی بر خاک در حال سجود و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم.[۳]

۱. بحار الانوار: ۲۷۴/۱۰۱ ۲. الزیارة والبشارة: ۳۷۲/۲ .

۳. مصباح المتهجد: ص۷۸۷ ، مزار مفید : ص۵۳ با اختلاف .

(۱۰) زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین

سید بن طاووس 1 در اقبال از صفوان بن مهران نقل کرده است که گفت: مولایم امام صادق 7 در مورد زیارت اربعین فرمودند:

زیارت می‌کنی وقتی روز بالا آمده باشد و می‌گویی:

اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ وَلِیِّ اللّٰهِ وحَبِیبِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ خَلِیلِ اللّٰهِ وَنَجِیبِهِ،

سلام بر ولی خدا و حبیب او، سلام بر خلیل خدا و انتخاب شده او،

اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ صَفِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ

سلام بر برگزیده خدا و پسر برگزیده او، سلام بر حسین مظلوم

الشَّهِیدِ، اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ اَسِیرِ الْکُرُبٰاتِ، وَقَتِیلِ الْعَبَرٰاتِ.

شهید، سلام بر اسیر غم‌ها و اندوه‌ها و کشته اشک‌ها و گریه‌ها.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِیُّكَ وَابْنُ وَلِیِّكَ، وَصَفِیُّكَ وَابْنُ صَفِیِّكَ،

خداوندا همانا من گواهی می‌دهم که او ولی تو و پسر ولی تو است، برگزیده تو و پسر

اَلْفٰائِزُ بِکَرٰامَتِكَ، أَکْرَمْتَهُ بِالشَّهٰادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعٰادَةِ، وَاجْتَبَیْتَهُ

برگزیده تو است، به کرامت تو فائز گردیده، او را با شهادت گرامی داشته و سعادت عطا فرموده

بِطِیبِ الْوِلاٰدَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ، وَقٰائِداً مِنَ الْقٰادَةِ، وَذائِداً

و برگزیدی او را به پاکی ولادت، و قرار دادی او را سروری از سروران و پیشوایی از پیشوایان،

مِنَ الذّادَةِ، وَأَعْطَیْتَهُ مَوٰارِیثَ الْاَنْبِیٰاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلیٰ خَلْقِكَ

و بازدارنده‌ای از بازدارندگان، و او را میراث پیامبران بخشیدی، و حجّت بر خلق قرار دادی، از

مِنَ الْاَوْصِیٰاءِ، فَأَعْذَرَ فِي الدُّعٰاءِ، ومَنَحَ النُّصْحَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ

اوصیا، در دعوت خلق کوشش بسیار نمود و خیرخواهی کرد و خون پاک خود را در راه تو بذل نمود

فِيـكَ، لِيَسْـتَنْقِذَ عِبـادَكَ مِـنَ الْجَهالَةِ وَحَيْـرَةِ الضَّلالَـةِ، وَقَدْ تَـوازَرَ عَلَيْهِ

ظلما بندگانت را از نادانی و حیرت گمراهی برهاند و نجات دهد، علیه او یکدیگر را یاری نمودند

مَـنْ غَرَّتْـهُ الدُّنْيـا، وَبـاعَ حَظَّـهُ بِـالْاَرْذَلِ الْاَدْنـىٰ، وَشَـرىٰ آخِرَتَـهُ بِالثَّمَنِ

آنانکه فریب دنیا را خوردند و آخرت خود را به بهای اندکی فروختند و ظلم کردند و سرکشی نمودند

الْاَوْكَـسِ، وَتَغَطْـرَسَ وَتَـرَدّىٰ فِـي هَـواهُ، وَأَسْـخَطَكَ وَأَسْـخَطَ نَبِيَّـكَ،

و در راه هواهای خود سقوط کردند و هلاک شدند و تو و رسول تو را به خشم و غضب واداشتند

وَأَطـاعَ مِنْ عِبادِكَ أَهْلَ الشِّـقاقِ وَالنِّفـاقِ، وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْـتَوْجِبِينَ

و از بندگانت کسانی را که اهل بدبختی و نفاق و حاملین وزر و وبال و سزاوار دوزخ هستند اطاعت

النّـارَ[1]، فَجاهَدَهُـمْ فِيكَ صابِراً مُحْتَسِـباً حَتّىٰ سُـفِكَ فـي طاعَتِكَ دَمُهُ،

کردند، پس با آنها در راه تو با پایداری و شکیبایی جهاد کرد تا در راه اطاعت تو خون مقدّسش ریخته شد

وَاسْـتُبِيحَ حَرِيمُـهُ. أَللَّهُـمَّ فَالْعَنْهُـمْ لَعْنـاً وَبِيـلاً، وَعَذِّبْهُـمْ عَذابـاً أَلِيماً.

و حرمتش رعایت نشد، خداوندا آنان را لعنت کن لعنت شدید و عذاب کن عذابی دردناک.

أَنَـا يـا مَوْلايَ عَبْـدُ اللَّهِ وَزائِـرُكَ، جِئْتُكَ مُشْـتاقاً، فَكُنْ لي شَـفِيعاً اِلَى

من ای مولای من بنده خدا و زائر توام، با شوق آمده‌ام، به درگاه خداوند برای من

اللَّـهِ. يا سَـيِّدِي، أَسْتَشْـفِعُ اِلَى اللَّهِ بِجَـدِّكَ سَـيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَـيِّدِ

شفیع باش، ای سرور من، جدّت سرور پیامبران و پدرت سرور اوصیاء و مادرت سرور

الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمِّكَ سَـيِّدَةِ نِسـاءِ الْعالَمِينَ.

زنان عالم را نزد خدا شفیع قرار می‌دهم.

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ سَـيِّدِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیا، گواهی می‌دهم که تو امین پروردگار و

الْاَوْصِيـاءِ، أَشْـهَدُ أَنَّكَ أَمِيـنُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْـتَ سَـعِيداً، وَمَضَيْتَ

فرزند امین او هستی، سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا رفتی، و مظلومانه و شهید دار فانی را وداع کردی، گواهی

۱. «لِلنَّارِ» ، خ .

حَمِيداً، وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ،

می‌دهم که خدا آنچه را که به تو وعده داده تحقق می‌بخشد و آنان را که تو را تنها گذاشتند و یاری ننمودند

وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ، وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ

هلاک می‌گرداند و کسانی را که تو را کشتند عذاب خواهد نمود، و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا

اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ،

نمودی و در راه او جهاد کردی تا اجل تو فرا رسید، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت و خدا لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

کسی را که به تو ستم نمود، و خدا لعنت کند گروهی را که خبر قتل تو را شنیدند و بدان خشنود گردیدند.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ، بِأَبِي

خداوندا تو را گواه می‌گیرم که من با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمنم، پدر

أَنْتَ وَأُمِّي، يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلابِ

و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا، شهادت می‌دهم که تو نوری بودی در صلب‌های

الشّامِخَةِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ[1]، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها،

والامقام و ارحام پاک، جاهلیت به آلودگی‌هایش تو را آلوده نساخت

وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِيابِها، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدِّينِ،

و گردی از آن بر لباس پاک تو ننشست، و گواهی می‌دهم که تو از اسطوانه‌های دین

وَأَرْكانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ.

و ارکان مسلمین و پناهگاه مؤمنین هستی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ،

و گواهی می‌دهم که تو امام نیکوکار پرهیزکار پسندیده منزّه هدایتگر هدایت شده‌ای،

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَأَعْلامُ الْهُدىٰ، وَالْعُرْوَةُ

و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان تو مظهر تقوی و نشانه‌های هدایت و دست آویز مورد

۱. «الطَّاهِرَة» ، خ.

الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّـةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيٰا، وَأَشْـهَدُ أَنَّـي بِكُمْ مُوْمِـنٌ، وَبِإِيٰابِكُمْ

اطمینان و حجّت بر اهل دنیا هستند، و گواهی می‌دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما

مُوقِـنٌ، بِشَـرٰائِعِ دِينِـي، وَخَوٰاتِيـمِ عَمَلِـي، وَقَلْبِـي لِقَلْبِكُمْ سِـلْمٌ، وَأَمْرِي

یقین دارم به احکام دینم و سرانجام کارم، و قلب من در برابر قلب شما تسلیم و امر من نسبت

لِاَمْرِكُـمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُـمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَأْذَنَ اللّٰهُ لَكُـمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ

به امر شما پیرو می‌باشد، و یاری من برای شما آماده است تا آنکه خداوند به شما اذن دهد،

لٰا مَـعَ عَدُوِّكُـمْ، صَلَـوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُـمْ وَعَلـىٰ أَرْوٰاحِكُمْ وَأَجْسـٰادِكُمْ[1]**،**

پس کسی که با شما است با شما است نه با دشمن شما، درود خدا بر شما و بر جسم و جان شما

وَشـٰاهِدِكُمْ وَغٰائِبِكُـمْ، وَظٰاهِرِكُـمْ وَبٰاطِنِكُمْ، آمِيـنَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ.[2]

و حاضر و غایب شما و ظاهر و باطن شما، به اجابت رسان ای پروردگار جهانیان.

سپس دو رکعت نماز می‌خوانی و دعا می‌کنی به آنچه دوست داری[3] و بازمی گردی ان شاء الله.[4]

۱۵۱

(۱۱) وداع امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین

سید بن طاووس 1 در کتاب شریف اقبال فرموده است:

برای این زیارت وداعی یافتم که به آن اختصاص دارد، در مقابل ضریح می‌ایستی و می گویی:

۱. «أَجْسَامِكُمْ» ، خ .

۲. در مزار شهید : ص۲۰۹ ، مصباح المتهجد : ص۷۸۸ ، مزار کبیر : ض۵۱۴ ، منهاج العارفین : ص۳۷۸، ومفاتیح النجاة (مخطوط) : ص۵۹۰ تا اینجا آمده است.

۳. إقبال الأعمال : ۶۷ ، مصباح زائر: ص۲۸۸ ، بلد الأمین : ص۳۸۹ ، نزهة الزاهد: ص۳۵۱ ، زاد المعاد: ص۳۹۸، ذخیرة الآخرة : ص۱۰۳ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيِّنِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی

الْمُرْتَضٰى، وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ،

مرتضی جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا

سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ، اَلسَّلٰامُ

سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای وارث امام حسن پاک و منزّه، سلام

عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَشٰاهِدَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

بر تو ای حجّت خدا در زمین و گواه او بر خلق، سلام بر تو

يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ الشَّهِيدِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ وَابْنَ مَوْلٰايَ.

ای ابا عبد الله شهید، سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكٰاةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر نمودی و از

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتّىٰ أَتٰاكَ الْيَقِينُ،

بدی‌ها نهی فرمودی، و در راه خدا جهاد کردی تا دار فانی را وداع نمودی، و گواهی می‌دهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ،

که تو دارای حجت آشکار از طرف پروردگارت هستی،

أَتَيْتُكَ يٰا مَوْلٰايَ زٰائِراً وٰافِداً رٰاغِباً، مُقِرّاً لَكَ بِالذُّنُوبِ، هٰارِباً إِلَيْكَ

ای مولای من آمده‌ام در حالی که زائر تو و میهمان تو و راغبم، به گناهان خود اقرار دارم و از

مِنَ الْخَطٰايٰا، لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ

خطاهایم به سوی تو گریخته‌ام تا نزد پرودرگارت برای من شفاعت کنی، ای فرزند رسول خدا، درود

عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقٰاماً مَعْلُوماً، وَشَفٰاعَةً مَقْبُولَةً،

خدا بر تو در حال حیات و ممات، برای تو نزد خدا مقام و مرتبه‌ای معلوم و شفاعتی پذیرفته شده است.

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَرَمَكَ، وَغَصَبَ حَقَّكَ،

خدا لعنت کند کسی را که به تو ستم نمود، و خدا لعنت کند کسی را که تو را محروم نمود و حقّ تو را غصب کرد،

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَعَوْتَهُ

و خدا لعنت کند کسی که تو را کشت، و خدا لعنت کند کسی که تو را رها کرد، و خدا لعنت کند کسی را که

فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وحَرَمِ

وی را فراخواندی و او اجابت نکرد و یاری ننمود، و خدا لعنت کند کسی را که تو را از حرم خدا و

رَسُولِهِ، وَحَرَمَ أَبِيكَ وَأَخِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ ماءِ

حرم رسول خدا و حرم پدر بزرگوارت و برادرت مانع گردید، و خدا لعنت کند کسی را که تو را از

الْفُراتِ، لَعْناً كَثِيراً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً. (أَللَّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ

آشامیدن آب فرات منع نمود، لعنی بسیار و پیوسته و پی در پی. «خداوندا تو آفریننده آسمان‌ها و زمینی

وَالْأَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فِيما كانُوا

و دانای غیب و شهود هستی تو در میان بندگانت حکم می‌کنی در آنچه در آن اختلاف دارند» «به

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ)،[1] (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)[2].

زودی خواهند دانست کسانی که ستم کردند که به چه سرانجامی دچار خواهند شد» خداوندا این

أَللَّهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ، وَارْزُقْنِيهِ أَبَداً ما بَقِيتُ

زیارت را آخرین زیارت من قرار مده و همیشه تا مادامی که باقی هستم و زنده‌ام روزی من گردان

وَحَيِيتُ يا رَبِّ، وَإِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

ای پروردگار من، و اگر از دنیا رفتم مرا در زمره ایشان محشور گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

امّا حضرت عباس بن امیرالمؤمنین 7 و شهدای با امام حسین 7 را در امروز (یعنی روز اربعین) به زیارتی که در روز عاشورا برای آنان ذکر گردید، و یا اگر خواستی با دیگر زیارت‌هایی که از اصفیاء نقل گردیده، زیارت کن.[3]

۱. سورهٔ زمر : آیه۴۶ .
۲. سورهٔ شعراء : آیه۲۲۷ .
۳. إقبال الأعمال : ص۶۸ ، مفتاح الجنّات : ۶۲۶/۲، مصباح الزائر: ص۲۹۰ ، زاد المعاد : ص۴۰۰ .

(۱۲) زیارت دیگری برای امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین

عطا گفت: همراه جابر بن عبد الله در روز بیستم ماه صفر بودم، وقتی به غاضریه رسیدیم در شریعه آن غسل کرد، پیراهن پاکی که به همراه داشت پوشید، سپس به من گفت: چیزی از بوی خوش به همراه داری؟ گفتم: سُعد به همراه دارم، از آن بر سر و جسدش مالید.

آنگاه با پای برهنه به راه افتاد تا در بالای سر مبارک امام حسین 7 ایستاد، سه مرتبه تکبیر گفت و از هوش رفت و بر زمین افتاد.

وقتی به هوش آمد شنیدم که می‌گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا آلَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا صَفْوَةَ اللَّه، اَلسَّلامُ

سلام بر شما ای آل الله، سلام بر شما ای برگزیدگان خداوند، سلام بر شما

عَلَيْكُمْ يا خِيَرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا سادَةَ السّاداتِ،

ای انتخاب‌شدگان خداوند از میان خلقش، سلام بر شما ای سرور سروران،

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا لُيُوثَ الْغابـاتِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا سَفِينَةَ النَّجاةِ،

سلام بر شما ای شیران بیشه شجاعت، سلام بر شما ای کشتی نجات،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

سلام بر شما ای ابا عبد الله، و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ

سلام بر تو ای وارث علم پیامبران، سلام بر تو ای وارث

صَفْوَةِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

حضرت آدم برگزیده خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر

وٰارِثَ إِبْرٰاهِيـمَ خَلِيـلِ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِسْـمٰاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ،

تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خداوند، سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح الله،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِيسَى

سلام بر تو ای وارث حضرت موسی کلیم خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی

رُوحِ اللَّـهِ. اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ مُحَمَّـدِنِ الْمُصْطَفـىٰ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

روح خداوند. سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی، سلام بر تو

يَابْـنَ عَلِـيِّنِ الْمُرْتَضـىٰ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ فٰاطِمَـةَ الزَّهْرٰاءِ، اَلسَّـلاٰمُ

ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام

عَلَيْـكَ يـٰا شَـهِيدُ يَا ابْـنَ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يٰا قَتِيـلُ ابْـنُ الْقَتِيلِ،

بر تو ای شهید، ای فرزند شهید. سلام بر تو ای کشته شده، فرزند کشته شده،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـٰا وَلِـيَّ اللَّهِ وَابْـنَ وَلِـيِّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّـةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او، سلام بر تو ای حجت خدا

وَابْـنَ حُجَّتِهِ عَلـىٰ خَلْقِهِ،

و فرزند حجت خدا بر خلق،

أَشْـهَدُ أَنَّكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتَ الـزَّكٰاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به کارهای نیکو و پسندیده امر نمودی

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَرِ، وَبَـرَرْتَ وٰالِدَيْكَ، وَجٰاهَـدْتَ عَدُوَّكَ. أَشْـهَدُ أَنَّكَ

واز کارهای زشت و ناپسند نهی فرمودی و به والدین خود نیکی کردی و با دشمنت جهاد نمودی، گواهی

تَسْـمَعُ الْـكَلاٰمَ، وَتَـرُدُّ الْجَـوٰابَ، وَأَنَّـكَ حَبِيـبُ اللَّـهِ وَخَلِيلُـهُ وَنَجِيبُـهُ،

می‌دهم که تو سخن را می‌شنوی و پاسخ را رد می‌کنی و تو حبیب خدا و خلیل او و منتخب او و برگزیده

وَصَفِيُّـهُ وَابْـنُ صَفِيِّـهِ، زُرْتُـكَ مُشْـتٰاقاً فَكُنْ لي شَـفِيعاً إِلَـى اللَّهِ.

و فرزند برگزیده او هستی، با شوق به زیارت تو آمده‌ام، برای من نزد پروردگار شفیع باش.

يـا سـيّدي، اَسْتَشْـفِعُ إِلَـى اللَّـهِ بِجَـدِّكَ سَـيِّدِ النَّبِيِّيـنَ، وَبِأَبِيكَ سَـيِّدِ

ای سرور من، جدّت سرور پیامبران و پدرت سرور اوصیاء و مادرت

الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمِّكَ سَـيِّدَةِ نِسـاءِ الْعالَمِيـنَ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلِيـكَ وَظالِمِيكَ،

سرور بانوان عالم را نزد خدا شفیع قرار می‌دهم، خدا قاتلان و ظالمان

وَشـانِئِيكَ وَمُبْغِضِيـكَ مِنَ الْاَوَّلِيـنَ وَالْآخِرِينَ.

و دشمنان و مبغضان تو را از اوّلین و آخرین لعنت کند.

سپس خم شد بر قبر و دو گونه‌اش را بر آن نهاد و چهار رکعت نماز خواند، سپس به سوی قبر علی بن الحسین 8 رفت و گفت:

اَلسَّـلامُ عَلَيـكَ يا مَـوْلايَ وَابْـنَ مَـوْلايَ، لَعَنَ اللَّـهُ قاتِلَكَ، لَعَـنَ اللَّهُ

سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من، خدا قاتل تو را لعنت کند، خدا کسی را که بر تو ظلم

ظالِمَـكَ، أَتَقَـرَّبُ إِلَـى اللَّـهِ بِمَحَبَّتِكُـمْ، وَأَبْـرَأُ إِلَـى اللَّـهِ مِـنْ عَدُوِّكُـمْ.

کرد لعنت کند، به دوستی شما به خدا تقرّب می‌جویم و به درگاه الهی از دشمن شما بیزاری می‌جویم.

سپس قبر مبارک را بوسید و دو رکعت نماز خواند و آنگاه رو به قبر شهدا نمود و گفت:

اَلسَّـلامُ عَلَـى الْاَرْواحِ الْمُنِيخَـةِ بِقَبْـرِ أَبـي عَبْدِاللَّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكُمْ

سلام بر ارواحی که در کنار قبر ابی عبد الله 7 گردآمده‌اند، سلام بر شما

يا شِـيعَةَ اللَّهِ وَشِـيعَةَ رَسُولِهِ، وَشِـيعَةَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَـنِ وَالْحُسَيْنِ،

ای پیروان خدا و رسول او، و پیروان امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین،

اَلسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ يـا طاهِـرُونَ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ يـا مَهْدِيُّـونَ، اَلسَّـلامُ

سلام بر شما ای پاکان، سلام بر شما ای هدایت شدگان، سلام بر شما ای نیکان،

عَلَيْكُمْ يا أَبْرارَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ مَلائِكَةِ اللَّهِ الْحافِّينَ بِقُبُورِكُمْ،

سلام بر شما و بر فرشتگان الهی که اطراف قبور شما را احاطه کرده‌اند،

جَمَعَنِيَ اللَّهُ وَإِيّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ.

خداوند ما و شما را در قرارگاه رحمتش در زیر عرش جمع نماید.

سپس آمد کنار قبر قمر بنی هاشم حضرت ابا الفضل العباس 7 در آنجا ایستاد و گفت:

زیارت مولا حضرت عباس فرزند امیرمؤمنان 8 در روز اربعین

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْقاسِمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَبّاسَ بْنَ عَلِيٍّ،

سلام بر تو ای ابا القاسم، و سلام بر تو ای عباس بن علی،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لَقَدْ بالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ،

سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، گواهی می‌دهم که تو در خیرخواهی بسیار تلاش

وَأَدَّيْتَ الْاَمانَةَ، وَجاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيكَ، فَصَلَواتُ اللَّهِ عَلىٰ

نمودی و امانت را ادا کردی و با دشمنت و دشمن برادرت نبرد نمودی، درود خدا بر

رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَجَزاكَ اللَّهُ مِنْ أَخٍ خَيْراً.

روح پاک تو و خدا تو را از طرف برادر پاداش خیر دهد.

سپس دو رکعت نماز به جای آورد، و دعا کرد و خدا را خواند و رفت.[1]

۱. مصباح الزائر : ص۲۸۶ ، علامهٔ مجلسی 1 در بحار الأنوار : ۳۲۹/۱۰۱ ح۱ نقل کرده اند، منهاج العارفین : ص۳۷۹ ، مفتاح الجنّات : ۶۲۶/۲ .

زیارت امام حسین در ماه ربیع الأوّل

روز چهاردهم آن، روز هلاکت قاتل امام حسین علیه‌السلام

سید بن طاووس 1 در اقبال فرموده است:

استاد ما شیخ مفید 1 در مورد روز هلاکت بعضی از دشمنان خدا فرموده است که: اقتضا می‌کند مستحب بودن روزه را، به جهت شکر خداوند تبارک و تعالی بر این نعمت و بر این انتقام، و در مورد روز چهاردهم ربیع الاول اینچنین گفته است: روز چهاردهم ربیع الاول سال ۶۴، روز هلاکت ملحد ملعون یزید بن معاویه است، خدا او را و همه کسانی را که به دستور او به عترت رسول خدا ظلم کردند و زمینه را فراهم نمودند و کار او را پسندیدند و او را سرزنش نکردند لعنت کند.

من می‌گویم: پس در این روز سزاوار است روزه گرفتن به عنوان شکر بر هلاکت پیشوای ظلم و عدوان، و سزاوار است صدقات و کارهای خیر و احسان، و سعی و تلاش فراوان در حمد و سپاس الهی و شکر او.[1]

۱۵۳

(۱۳) زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز هفدهم آن

کفعمی 1 در بلد الامین در مورد هفدهم ربیع الاول گفته است: شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجد می‌نویسد:

«روز هفدهم ربیع الاول روز ولادت پیامبر اکرم 9 است در هنگام طلوع

۱. إقبال الأعمال : ص۷۹ .

فجر در روز جمعه در سالی که به عام الفیل معروف است، و آن روزی است شریف و با برکت، روزه آن فضیلت بسیار و ثواب فراوان دارد و آن یکی از چهار روزی است که روزه آن فضیلت ویژه و تأکید بیشتری دارد، از آن بزرگواران : روایت شده است که فرمودند:

کسی که روز هفدهم ربیع الاول را روزه بگیرد خداوند برای او ثواب یک سال روزه نویسد، و در آن روز صدقه دادن و زیارت مشاهد مشرّفه مستحب است.

انتهای کلام شیخ طوسی 1 ».

پس هرگاه خواستی پیامبر اکرم 9 یا یکی از معصومین : را زیارت کنی غسل کن و در اثناء غسل کردن بگو آنچه را مرحوم شهید در کتاب نفلیّه ذکر کرده است:

أَللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِساٰني مِدْحَتَكَ

خداوندا قلب مرا پاک فرما و شرح صدر به من مرحمت نما و بر زبانم مدح و ثنای خودت

وَالثَّناٰءَ عَلَيْكَ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لي طَهُوراً وَشِفاٰءً وَنُوراً، إِنَّكَ عَلىٰ

را جاری ساز، خداوندا این غسل را برای من پاک کننده و شفا و نور و روشنایی قرار بده که تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بر هر چیز توانا هستی.

و بعد از فراغ بگو: **أَللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَاجْعَلْ ما عِنْدَكَ**

خداوندا قلب مرا تطهیر و عملم را پاک گردان، و آنچه نزد تو است

خَيْراً لي. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

برای من خیر قرار بده، خداوندا مرا از توبه کنندگان قرار بده و مرا از پاک شوندگان قرار بده.

و در تمام غسل‌های مستحب دعا کردن به این دو دعا مستحب است.

سپس اذن بخواه به این اذن اگر زیارت از نزدیک باشد و همچنین در اذن خواستن برای ورود در مشاهد مشرفه معصومین : ، پس بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلىٰ بٰابٍ مِنْ أَبْوٰابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ

خداوندا ایستاده‌ام در کنار دری از درهای خانه‌های پیامبرت که درود تو بر او و خاندانش

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتَ: (يٰا أَيُّهَا

باد، و مردم را منع فرموده‌ای که داخل شوند مگر به اذن او و اجازه‌اش، فرمودی: «ای کسانی که ایمان

الَّذِينَ آمَنُوا لاٰتَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ)[1].

آورده‌اید به خانه‌های پیامبر وارد نشوید مگر اینکه به شما اذن داده شود».

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمٰا

خداوندا به حرمت پیامبرت ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ در غیاب او معتقدم همان طور که

أَعْتَقِدُهٰا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفٰاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ

در حضورش معتقد می‌باشم و می‌دانم که رسول تو و جانشینان آن حضرت ـ درود و سلام بر ایشان باد ـ

أَحْيٰاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقٰامِي، وَيَسْمَعُونَ كَلاٰمِي، وَيَرُدُّونَ

زنده‌اند و نزد تو روزی داده می‌شوند، جایگاه مرا می‌بینند و کلام مرا می‌شنوند و

سَلاٰمِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلاٰمَهُمْ، وَفَتَحْتَ بٰابَ فَهْمِي

سلام مرا پاسخ می‌دهند و تو گوش مرا از شنیدن کلام آنان بازداشته‌ای و باب فهم مرا

بِلَذِيذِ مُنٰاجٰاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يٰا رَبِّ أَوَّلاً، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى

به لذت مناجات آنان گشوده‌ای، پروردگارا اولا از تو اجازه می‌خواهم و ثانیاً از رسول تو ـ که درود

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمٰامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طٰاعَتُهُ

خدا بر او و خاندانش باد اجازه می‌خواهم، و ثالثاً از جانشین تو امامی که اطاعت او بر من واجب گشته

ـ فُلاٰنَ بْنَ فُلاٰنٍ ـ و نام امام را می‌بری، اگر زیارت غیر پیامبر 9 باشد ـ

ـ فلانی پسر فلانی ـ

۱. سورهٔ احزاب : آیه۵۳ .

وَالْمَلاٰئِكَـةَ الْمُوَكَّلِيـنَ بِهٰـذِهِ الْبُقْعَـةِ الْمُبٰارَكَـةِ ثالِثـاً، ءَأَدْخُـلُ يٰا رَسُـولَ

و فرشتگانی که به این بقعه مبارکه موکّل هستند اجازه می‌خواهم، ای رسول خدا،

اللّٰـهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا حُجَّـةَ اللّٰهِ، ءَأَدْخُلُ يـٰا مَلاٰئِكَةَ اللّٰهِ الْمُقَرَّبِيـنَ الْمُقِيمِينَ

آیا وارد شوم؟ ای حجّت خدا وارد شوم؟ ای فرشتگان مقرب پروردگار که در این حرم

فـي هٰـذَا الْمَشْـهَدِ، فَـأْذَنْ لي يـٰا مَـوْلاٰيَ فِـي الدُّخُـولِ أَفْضَلَ مـٰا أَذِنْتَ

مطهر مقیم هستید، وارد شوم؟ مولای من به من اجازه ده وارد شوم بهتر از اجازه‌ای که

لِاَحَـدٍ مِـنْ أَوْلِيـٰائِـكَ، فَإِنْ لَـمْ أَكُنْ أَهْـلاً لِذٰلِـكَ، فَأَنْتَ أَهْـلٌ لَهُ.

به یکی از اولیائت مرحمت فرموده‌ای، و اگر من شایسته آن نمی‌باشم شما شایسته آن هستید.

پس اگر قلب تو خاشع و اشک تو جاری گردید نشانه اذن است.

سپس عتبه مبارک را ببوس و داخل شو و بگو:

بِسْـمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُـولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

به نام خدا و با استعانت از خداوند و در راه خدا و بر آیین رسول خدا ـ که درود خدا بر او و خاندانش

وَآلِـهِ. أَللّٰهُـمَّ اغْفِرْ لـي وَارْحَمْنِي وَتُـبْ عَلَيَّ إِنَّـكَ أَنْتَ التَّـوّابُ الرَّحِيمُ.

باد ـ خداوندا مرا بیامرز و بر من ترحم نما و توبه‌ام را بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

سپس در قسمت بالای سر مبارک پیامبر 9 (یا سائر معصومین :) بایست و روی به قبله نما و بگو آنچه را شیخ طوسی 1 در کتاب متهجّد خود ذکر کرده است....

و یکی از زیارت‌هایی که وارد شده از زیارت‌های پیامبر یا هر معصوم : که او را زیارت می کنی، بخوان.[1]

۱. بلد الأمین : ص۳۹۱ ، از مصباح المتهجد: ۷۲۰/۲

روز آخر این ماه ، روز ولادت امام حسین علیه‌السلام به روایتی

در کتاب مجموعه آثار مرحوم حاج شیخ عباس قمی آمده است:

روز آخر این ماه در سال سوم هجری روز ولادت مولای ما حضرت اباعبد الله الحسین 7 است، و آن را شیخ مفید در «مقنعه» و شیخ طوسی در «تهذیب» و شهید در «دروس» و شیخ بهایی در «توضیح المقاصد» اختیار نموده‌اند. ولی مشهور در ولادت آن حضرت، روز سوم شعبان است، اگر چه آخر ربیع الاول با فرمایش امام صادق 7 که آن را کلینی 1 در کافی نقل کرده[1] سازش دارد، و خداوند دانا است.[2]

زیارت امام حسین 7 در ماه ربیع الثانی

۱۵۴

(۱۴) زیارت امام حسین علیه‌السلام در ماه ربیع الثانی

شیخ کفعمی 1 در بلد الامین می‌نویسد: هنگامی که امام حسین 7 را در ماه ربیع الثانی زیارت کنی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خداوند، سلام بر تو ای وارث

نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ

حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا، سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ

بر تو ای وارث حضرت موسی کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی

۱. کافی : ۱/۴۶۳ ح ۲ .
۲. مجموعه آثار : ۲/۵۰۶ .

اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ سَـيِّدِ رُسُـلِ اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد سرور رسولان الهی، سلام بر تو

يـا وٰارِثَ عَلِـيٍّ أَمِيرِالْمُومِنِيـنَ وَخَيْـرِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وٰارِثَ

ای وارث حضرت علی امیرمؤمنان و بهترین اوصیاء، سلام بر تو ای وارث برادرش

أَخِيـهِ الْحَسَـنِ الزَّكِـيِّ، اَلطّاهِرِ الرَّضِـيِّ الْمَرْضِيِّ،

امام حسن 7 او که منزّه پاک و پسندیده بوده است.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الصِّدِّيـقُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الرَّضِـيُّ الْبـاٰرُّ

سلام بر شما ای بسیار بسیار راستگو، سلام بر تو ای پسندیده نیکوکار

التَّقِـيُّ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلَـى الْاَرْوٰاحِ الَّتـي حَلَّـتْ بِفِنٰائِـكَ، وَأَنٰاخَتْ

پرهیزکار، سلام بر تو و بر ارواحی که بر در سرایت فرود آمدند و اقامت

بِرَحْلِـكَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَعَلَـى الْمَلاٰئِكَـةِ الْحافِّيـنَ بِـكَ.

نمودند. سلام بر تو و بر فرشتگانی که اطراف تو را احاطه کرده‌اند.

أَشْـهَدُ أَنَّكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتَ الـزَّكٰاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر نمودی و از بدی‌ها

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَجٰاهَـدْتَ الْمُلْحِدِينَ، وَعَبَـدْتَ اللَّهَ عَـزَّ وَجَلَّ،

و زشتی‌ها نهی فرمودی، با ملحدین جهاد کردی و خداوند عزیز و بلند مرتبه را عبادت نمودی

حَتّـى أَتـاكَ الْيَقِينُ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

تا دار فانی را وداع گفتی، و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

سپس قبر را استلام نما و بر او سلام کن و بگو: **اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ.**[1]

سلام بر تو ای حجت خدا.

مؤلّف گوید: اگر چه کفعمی 1 این زیارت را در ماه ربیع الآخر ذکر کرده ولی این زیارت از زیارت های مطلقه است و به ماه خاصی اختصاص ندارد.

۱. بلد الأمین : ص۳۹۶ .

زیارت امام حسین 7 در ماه جمادی الاولی

۱۵۵

(۱۵) زیارت امام حسین علیه‌السلام در ماه جمادی الاولی

کفعمی 1 در بلد الامین گفته است:

هنگامی که امام حسین 7 را در آن ماه زیارت کنی بعد از سی و چهار مرتبه تکبیر بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ آدَمَ فِطْرَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم، مخلوق ابداعی خدا (یا: صاحب فطرت خدایی)، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح

صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو

يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ،

ای وارث حضرت موسی کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُسَيْنَ

سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد حبیب خدا، سلام بر تو ای حسین

بْنَ عَلِيِّنِ الرَّضِيَّ الزَّكِيَّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ التَّقِيُّ، اَلسَّلٰامُ

بن علی پسندیده پاک منزّه، سلام بر تو ای نیکوکار پرهیزکار، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ اللّٰهِ الْمُقَرَّبِينَ،

بر تو ای بسیار بسیار راستگو، ای شهید، سلام بر فرشتگان مقرّب خداوند

اَلَّذِينَ هُمْ بِكَ مُحْدِقُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكٰاةَ،

که اطراف تو گرد آمده‌اند، گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ

و به خوبی‌ها امر نمودی و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی فرمودی و خدا را خالصانه عبادت کردی تا

أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

دار فانی را وداع گفتی و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

سپس قبر را در بر بگیر و بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ في

سلام بر تو ای حجت خدا در

أَرْضِهِ وَسَماٰئِهِ.

زمین و آسمان.

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، اِشْفِ صَدْرَ

خداوندا ای پروردگار حسین، سینه حسین 7 را

الْحُسَيْنِ، وَاطْلُبْ بِثاٰرِهِ. أَللّٰهُمَّ انْتَقِمْ مِمَّنْ قَتَلَهُ، وَأَعاٰنَ عَلَيْهِ.

شفا بده و خون او را طلب نما، خداوندا از کسی که او را به قتل رسانده و علیه او کمک نموده انتقام بگیر.

سپس سر و دو دستت را به سوی آسمان بالا ببر و بگو: سَلاٰمُ اللَّهِ

سلام خدا

وَمَلاٰئِكَتِهِ وَأَنْبِياٰئِهِ وَرُسُلِهِ، وَالصّالِحِينَ مِنْ عِباٰدِهِ، وَجَمِيعِ خَلْقِهِ،

و ملائکه و پیامبران و رسولان و بندگان صالح و تمام خلق او و رحمت

وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاٰتُهُ.

خدا و برکاتش بر تو باد.

سپس قبر را در بر بگیر و بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ في

سلام بر تو ای حجّت خدا در

أَرْضِهِ وَسَماٰئِهِ.

زمین و آسمانش،

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: **أَللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، اِشْفِ صَدْرَ**

خداوندا ای پروردگار حسین، سینه حسین 7 را

الْحُسَيْنِ، وَاطْلُبْ بِثٰارِهِ. أَللَّهُمَّ انْتَقِمْ مِمَّنْ قَتَلَهُ، وَأَعٰانَ عَلَيْهِ.

شفا بده و خون او را بطلب، خداوندا از کسی که او را کشت و کمک کرده بر کشتن او انتقام بگیر.

سپس سر و دو دستت را به آسمان بالا ببر و بگو: **سَلاٰمُ اللَّهِ وَمَلاٰئِكَتِهِ**

سلام خدا و ملائکه

وَأَنْبِيٰائِهِ وَرُسُلِهِ وَالصّالِحِينَ مِنْ عِبٰادِهِ، وَجَمِيعِ خَلْقِهِ، وَرَحْمَتِهِ

و انبیاء و رسولان و بندگان صالح و تمام خلق او، رحمت خدا و برکاتش

وَبَرَكٰاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَعَلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ، اَلشَّهِيدَ الْمَظْلُومَ،

بر حضرت محمّد و اهل بیتش و بر تو ای مولای من، ای شهید ستمدیده،

لَعَنَ اللَّهُ قٰاتِلَكَ وَخٰاذِلَكَ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُمْ، وَمِنْ

خدا لعنت کند قاتلت را و رهاکننده‌ات را، به سوی خدا بیزاری می‌جویم از آنان و از کارهای آنان، و

أَفْعٰالِهِمْ، وَمِمَّنْ شٰايَعَ وَرَضِيَ بِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمْ كُفّارٌ مُشْرِكُونَ،

کسانی که پیروی کردند و بدان رضایت دادند و خشنود شدند، و شهادت می‌دهم که آن‌ها کافر و مشرک‌اند،

وَاللَّهَ وَرَسُولَهُ بُرَآءُ مِنْهُمْ.

و خدا و رسول او از آنان بری و بیزار هستند.

سپس حضرت علی بن الحسین 7 و بعد از آن شهدا و آنگاه حضرت عبّاس 7 را زیارت کن به آنچه در زیارت عرفه ذکر خواهیم کرد[1]، و هشت رکعت نماز زیارت بخوان، و بعد از هر دو رکعت به آنچه در زیارت عاشورا ذکر کردیم دعا کن.[2]

۱. این زیارت را در ضمن زیارت روز عرفه، ص ۷۸۲ آوردیم.

۲. بلد الأمین : ص۳۹۷.

۱۵۶

(۱۶) زیارت امام حسین علیه‌السلام در ماه جمادی الاُخری

کفعمی 1 در بلد الامین گفته است:

وقتی خواستی که امام حسین 7 را در آن ماه زیارت کنی بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا سَيِّدَ شَبٰابِ أَهْلِ

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل

الْجَنَّةِ، وَرَحْمَةُ اَللَّهِ وَبَرَكٰاتُهُ، يٰا مَنْ رِضٰاهُ رِضَى الرَّحْمَنِ، وَسَخَطُهُ

بهشت و رحمت خدا و برکات او، ای کسی که خشنودی او خشنودی خداوند رحمان و خشم او

سَخَطُ الرَّحْمَنِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَمِينَ اللَّهِ، وَحُجَّةَ اللَّهِ، وَبٰابَ

خشم خداوند رحمان است. سلام بر تو ای امین پروردگار و حجت خدا و باب الهی

اللَّهِ، وَالدَّلِيلَ عَلَى اللَّهِ، وَالدّٰاعِيَ إِلَى اللَّهِ.

و دلیل بر خداوند، و دعوت کننده به سوی او.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَّلْتَ حَلاٰلَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ حَرٰامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ

گواهی می‌دهم که تو حلال خدا را حلال و حرام او را حرام نمودی، و نماز را برپا

الصَّلاٰةَ، وَآتَيْتَ الزَّكٰاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر نمودی و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی فرمودی،

وَدَعَـوْتَ إِلـىٰ سَـبِيلِ رَبِّـكَ بِالْحِكْمَـةِ وَالْمَوْعِظَـةِ الْحَسَـنَةِ.

و باحکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت فراخواندی.

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ وَمَـنْ قُتِـلَ مَعَـكَ شُـهَداءُ، أَحْيـاءٌ عِنْـدَ رَبِّكُـمْ

گواهی می‌دهم که تو و کسانی که همراه تو کشته شدند شهید و زنده هستید، نزد پروردگارتان روزی داده

تُرْزَقُـونَ، أَشْـهَدُ أَنَّ قاتِلَـكَ فِـي النّـارِ، أَدِيـنُ اللَّـهَ عَـزَّ وَجَـلَّ بِالْبَـراءَةِ

می‌شوید، گواهی می‌دهم که قاتل تو در دوزخ است خدای عزیز و بلندمرتبه را می‌پرستم با بیزاری جستن از کسی

مِمَّـنْ قَتَلَـكَ، وَمِمَّـنْ قاتَلَـكَ، وَشـايَعَ عَلـىٰ قَتْلِـكَ، وَمِمَّـنْ جَمَـعَ

که تو را کشت و از کسی که با تو قتال نمود و جنگید و بر کشتن تو همراهی و همکاری کرد و از کسانی که

عَلَيْـكَ، وَمِمَّـنْ سَـمِعَ صَوْتَـكَ فَلَـمْ يُغِثْـكَ، يـا لَيْتَنِـي كُنْـتُ مَعَـكَ

علیه تو اجتماع کردند و از کسانی که صدای غربت تو را شنیدند و به فریاد تو نرسیدند، ای کاش من با شما

فَأَفُـوزَ فَـوْزاً عَظِيمـاً.[1]

بودم و به فوز عظیم نائل می‌شدم.

مؤلّف محترم گوید: مرحوم ابن قولویه 1 این زیارت را در کامل الزیارات[2] از عمار بن موسی ساباطی و او از امام صادق 7 ، روایت کرده است و این زیارت را در زیارات مطلقه نقل نموده و اختصاص به ماه جمادی الآخرة نداده است.

۱. بلد الأمین : ص۳۹۸ ، مصباح کفعمی: ص۴۹۹.

۲.کامل الزیارات: ص۳۸۲.

زیارت امام حسین 7 در ماه رجب

۱۵۷

(۱۷) زیارت رجبیه

که همه مشاهد مشرّفه را با آن می توان در ماه رجب زیارت نمود

سید بن طاووس 1 در مصباح الزائر گفته است: جناب ابوالقاسم حسین ابن روح نوبختی 1 (سوّمین وکیل خاصّ امام عصر ارواحنا فداه) می‌فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم‌ها و زیارتگاه‌های اهل بیت پیامبر : بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا باز خواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید.

اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهّر امام 7 بایست و بگو :

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي أَشْهَدَنا مَشْهَدَ أَوْلِيائِهِ في رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنا

ستایش ویژهٔ خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه اولیای خود حاضر گردانید، و حقوقی

مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَعَلىٰ

چند که از حقّ ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود، و درود خداوند بر محمّد برگزیده، و بر اوصیای او که پرده

أَوْصِيائِهِ الْحُجُبِ.

دار حریم الهی هستند، نثار باد.

أَللّٰهُمَّ فَكَما أَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ، وَأَوْرِدْنا

بار الها، همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعدهٔ ایشان را نیز برای ما وفا کن، و ما

مَوْرِدَهُـمْ غَيْـرَ مُحَلَّئِيـنَ عَـنْ وِرْدٍ فـي دٰارِ المُقٰامَـةِ وَالْخُلْـدِ، وَالسَّـلاٰمُ

را به محل ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه بهشت ابدی و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام

عَلَيْكُـمْ إِنِّـي قَصَدْتُكُـمْ، وَاعْتَمَدْتُكُـمْ بِمَسْـأَلَتِي وَحٰاجَتي، وَهِـيَ فَكٰاكُ

بر شما، من به قصد دیدار شما آمده‌ام، و به شما اعتماد نموده‌ام، در مورد درخواست و نیازم که همانا رهایی من

رَقَبَتِـي مِـنَ النّـارِ، وَالْمَقَـرُّ مَعَكُمْ فـي دٰارِ الْقَـرٰارِ، مَـعَ شِـيعَتِكُمُ الْأَبْرٰارِ،

از جهنّم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، همراه با شیعیان نیکوکار شماست، سلام بر شما به خاطر آن که

وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْكُـمْ بِمـٰا صَبَرْتُـمْ فَنِعْـمَ عُقْبَـى الـدّارِ.

شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید، پس چه خوب است عاقبت این خانه (در آخرت).

أَنَـا سـٰائِلُكُمْ وَآمِلُكُـمْ فِيمـٰا إِلَيْكُـمُ التَّفْوِيـضُ، وَعَلَيْكُـمُ التَّعْوِيضُ،

من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما واگذار شده هستم، و آنچه عوض کردن آن به عهده

فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ، وَيُشْـفَى الْمَرِيضُ، وَمـٰا تَزْدٰادُ الْأَرْحٰامُ وَمٰا تَغِيضُ،

شماست، زیرا تنها به وسیلهٔ شما استخوان شکسته جبران می‌شود، و بیمار بهبود می‌یابد، و به وسیلهٔ شما کمی

إِنِّـي بِسِـرِّكُـمْ[1] مُؤْمِـنٌ[2]، وَ لِقَوْلِكُـمْ مُسَـلِّمٌ، وَ عَلَـى اللّـهِ بِكُمْ مُقْسِـمٌ

و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد. من به سرّ شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستم، و خدا را به شما سوگند

فـي رَجْعِـي بِحَوٰائِجِـي، وَقَضٰائِهـٰا وَإِمْضٰائِهـٰا، وَإِنْجٰاحِهـٰا وَإِبْرٰاحِهـٰا[3]،

می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته هایم مرا برگرداند و آن‌ها را برآورده و امضا شده و حتمی و انجام شده

وَبِشُـؤُونِي لَدَيْكُـمْ وَصَلاٰحِهـٰا.

نماید و همهٔ کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید.

وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْكُـمْ سَـلاٰمَ مُـوَدِّعٍ، وَلَكُـمْ حَوٰائِجَـهُ مُـودِعٌ، يَسْـأَلُ اللّٰهَ

و سلام بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش را نزد شما سپرده تا برآورده شود.

إِلَيْكُـمُ الْمَرْجِعَ، وَسَـعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْـرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِـنْ حَضْرَتِكُمْ

از خدا می‌خواهد که دوباره نزد شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان مبارک و نزد شما پیوسته باشد. و مرا

۱. «لسرّکم» ، خ .　　۲. «مُؤَمِّمٌ»، خ.　　۳. «إبراجها ، إیزاحها»، خ

خَيْـرَ مَرْجِـعٍ، إِلىٰ جَنابٍ مُمْـرِعٍ، وَخَفْـضِ [عَيْشٍ] مُوَسَّـعٍ، وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ

برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت به سوی آستانه‌ای خرّم و سرسبز و با آسایش و پر وسعت، با راحتی

إِلـىٰ حِيـنِ الْآجَـلِ، وَخَيْـرِ مَصِيـرٍ وَمَحَـلٍّ فِـي النَّعِيـمِ الْأَزَلِ، وَالْعَيْـشِ

و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت همیشگی، و زندگی خوشی نو و پسندیده، و

الْمُقْتَبَـلِ[1]، وَدَوامِ الْأُكُلِ، وَشُـرْبِ الرَّحِيـقِ وَالسَّلْسَـلِ[2]، وَعَـلٍّ وَنَهَـلٍ،

خوراک همیشگی و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دایم و با خوردنی دوباره و سیراب گشتن بدون این که هیچ

لا سَـأَمَ مِنْـهُ[3] وَ لا مَلَـلَ.

خستگی و ملال و دلتنگی در آن‌ها باشد.

وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُـهُ وَتَحِيّاتُـهُ عَلَيْكُمْ، حَتَّـى الْعَوْدِ إِلَـى حَضْرَتِكُمْ،

و رحمت، برکات، و تحیّت‌ها و احترامات خداوندی، تا بازگشت به حضور شما و کامیابی در رجعت

وَالْفَـوْزِ فـي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْـرِ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَالسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

شما و محشور شدن در زمرهٔ شما، بر شما نثار باد. و سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد، و درودها و

وَبَرَكاتُـهُ عَلَيْكُـمْ، وَصَلَواتُـهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَهُوَ حَسْـبُنا وَنِعْـمَ الْوَكِيلُ.[4]

احترامات ویژهٔ خداوندی نثارتان باد. و او برای ما بس است و چه پشتیبانی شایسته ونیکوست.

۱۵۸

(۱۸) زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب و روز اول ماه رجب

شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجّد گفته است: زیارت حضرت ابا عبد الله الحسین 7 در روز اول ماه رجب مستحب است، بشیر دهّان از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

۱. «المُقبَل»، خ .　　۲. «والسلسبيل»، خ.　　۳. «فيه»، خ .

۴. مصباح الزائر: ص۴۹۳، مصباح المتهجّد: ص۸۲۱، مزار کبیر: ص۲۰۳، إقبال الأعمال: ص۱۲۴، هدیّة الزائرین: ص۴۷۶.

کسی که در روز اول ماه رجب امام حسین 0 را زیارت کند خدا البته او را بیامرزد.

شیخ مفید و سید بن طاووس 0 این زیارت را برای روز اول ماه رجب و شب نیمه شعبان ذکر کرده‌اند. و شهید 1 آن را برای شب و روز اول ماه رجب، و شب و روز نیمه ماه رجب، و شب و روز نیمه شعبان ذکر کرده است و بنا به گفته او در شش وقت به آن زیارت می‌شود، ولی آنان گفته خود را مستند به روایتی نساخته‌اند.

و اگر با یکی از زیارات مطلقه که سابقاً ذکر شد یا با یکی از زیارات جامعه که با آن هر کدام از امامان زیارت می‌شود، زیارت کند نیکو می‌باشد و اگر جمع کند با آن و زیارتی که ذکر می‌شود بهتر خواهد بود، و اشکالی ندارد که زیارت کند به زیارت رجبیه که پیش از این ذکر شد و در تمام ماه رجب و در همه مشاهد مشرفه می‌شود با آن زیارت کرد.

پس هرگاه خواستی در این اوقات امام 7 را زیارت کنی پس غسل کن و پاک‌ترین لباس خود را بپوش و در کنار درب قبه و بارگاه بایست و بر رسول خدا 9 و امیر المؤمنین و فاطمه و امام حسن و امام حسین و سایر ائمه : سلام کن.[1]

کفعمی 1 در مصباح گفته است: بر آنان سلام کن در حالی که مقابل قبله ایستاده‌ای و اشکالی ندارد که اذن دخول که در زیارت عرفه خواهد آمد بخوانی که آن مشتمل بر سلام بر آنان است،

سپس وارد حرم مطهر شو و در کنار ضریح بایست و قبله را بین دو شانه خود قرار بده، صد مرتبه تکبیر بگو، و آنگاه بگو:

---

۱. مفتاح الجنّات : ۵۹۱/۲ .

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّٰهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خٰاتَـمِ النَّبِيِّينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران،

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

سلام بر تو ای فرزند سرور رسولان، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیاء،

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يـٰا أَبـٰا عَبْدِاللّٰـهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يـٰا حُسَـيْنَ بْـنَ عَلِيٍّ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حسین بن علی،

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ فٰاطِمَـةَ الزَّهْـرٰاءِ، سَـيِّدَةِ نِسـٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّـلٰامُ

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور بانوان عالم، سلام

عَلَيْـكَ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِـيِّهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صَفِيَّ اللّٰـهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ،

بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او،

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يـٰا حُجَّـةَ اللّٰـهِ وَابْـنَ حُجَّتِـهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يـٰا حَبِيبَ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او، سلام بر تو ای حبیب

اللّٰـهِ وَابْـنَ حَبِيبِـهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا سَـفِيرَ اللّٰـهِ وَابْنَ سَـفِيرِهِ،

خدا و فرزند حبیب او، سلام بر تو ای نماینده خدا و فرزند نماینده او،

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا خٰازِنَ الْكِتٰابِ الْمَسْـطُورِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا وٰارِثَ

سلام بر تو ای خزانه‌دار کتاب نوشته شده، سلام بر تو ای وارث

التَّـوْرٰاةِ وَالْإِنْجِيـلِ وَالزَّبُـورِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا أَمِيـنَ الرَّحْمانِ، اَلسَّـلٰامُ

تورات و انجیل و زبور، سلام بر تو ای امین خداوند رحمان، سلام

عَلَيْـكَ يٰا شَـرِيكَ الْقُرْآنِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَمُودَ الدِّينِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ

بر تو ای شریک قرآن، سلام بر تو ای ستون دین، سلام

يـٰا بـٰابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا بٰابَ حِطَّـةٍ، اَلَّذي مَنْ

بر تو ای باب حکمت پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای باب حطه که

دَخَلَهُ كانَ مِنَ الْامِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

هر کسی وارد آن شود، از ایمنی یافتگان است، سلام بر تو ای صندوق علم الهی، سلام بر تو ای

يا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ،

جایگاه سرّ خداوند، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون او، و ای تنها مانده‌ای که انتقام خون او گرفته

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْارْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ.

نشده است، سلام بر تو و بر ارواحی که بر در سرایت فرود آمده و در آنجا اقامت گزیده‌اند.

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي وَنَفْسي يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصيبَةُ،

پدر و مادرم و جانم به فدای تو ای ابا عبد الله، مصیبت تو بسیار عظیم، و سوگ تو بر ما

وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا، وَعَلىٰ جَميعِ أَهْلِ الْاِسْلامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

و بر همه اهل اسلام بسیار گران و سنگین است، پس خدا لعنت کند مردمی را که اساس ستم

أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

و بیداد را بر شما اهل بیت بنا نهادند، و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاه خود

دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ، وَأَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فيها.

دور کردند، و از مرتبه‌ها و درجاتی که خداوند شما را در آن مرتبه‌ها قرار داده بود، راندند.

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي وَنَفْسي يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أَشْهَدُ لَقَدِ اقْشَعَرَّتْ لِدِمائِكُمْ

پدر و مادرم و جانم به فدای تو ای ابا عبد الله، گواهی می‌دهم که برای خون شما اظلّه

أَظِلَّةُ الْعَرْشِ مَعَ أَظِلَّةِ الْخَلائِقِ، وَبَكَتْكُمُ السَّماءُ وَالْارْضُ، وَسُكّانُ

عرش به همراه اظلّه خلایق به لرزه درآمد، و آسمان و زمین و ساکنان بهشت و خشکی

الْجِنانِ وَالْبَرُّ وَالْبَحْرُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ ما في عِلْمِ اللَّهِ.

و دریا بر شما گریست، درود خدا بر تو به عدد آنچه در علم خداوند است.

لَبَّيْكَ داعِيَ اللَّهِ، إِنْ كانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَني عِنْدَ اسْتِغاثَتِكَ، وَلِساني

لبّیک ای دعوت کننده خلق به سوی حق، اگر تو را بدنم در هنگام دادخواهی‌ات و زبان من در هنگام

عِنْـدَ اسْـتِنْصارِكَ، فَقَـدْ أَجابَـكَ قَلْبِي وَسَـمْعِي وَبَصَرِي، (سُـبْحانَ رَبِّنا

یاری طلبیات پاسخ نداد، قلب و گوش و دیده‌ام تو را پاسخ گفت: «پاک و منزه است پروردگار ما».

إِنْ كانَ وَعْـدُ رَبِّنـا لَمَفْعُـولاً)[1].

از خلف وعده، و بدون تردید وعدهٔ او عملی است

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ طُهْـرٌ طاهِـرٌ مُطَهَّـرٌ، مِـنْ طُهْـرٍ طاهِـرٍ مُطَهَّـرٍ، طَهُـرْتَ

گواهی می‌دهم که تو عین پاکی و پاک و مطهّری، از عین پاکی و پاک و مطهر، تو پاکی

وَطَهُـرَتْ بِكَ الْبِـلادُ، وَطَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ فِيها، وَطَهُرَ حَرَمُكَ الشَّـرِيفُ،

و به سبب تو شهرها پاک و زمینی که تو در آن هستی و حرم شریف تو پاک است، گواهی

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَـدْ أَمَـرْتَ بِالْقِسْـطِ وَالْعَـدْلِ، وَدَعَـوْتَ إِلَيْهِمـا، وَأَنَّـكَ

می‌دهم که تو به عدل و داد امر فرمودی و مردم را به آن دو فراخواندی، و تو راست گو و بسیار

صـادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْـتَ فِيما دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَأَنَّـكَ ثارُ اللَّـهِ فِي الْأَرْضِ.

راستگو هستی، راست گفتی در آنچه فراخواندی به سوی آن، و همانا تو خون خدا در زمین هستی.

وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَـدْ بَلَّغْـتَ عَـنِ اللَّـهِ، وَعَنْ جَـدِّكَ رَسُـولِ اللَّـهِ، وَعَنْ

و گواهی می‌دهم که تو از طرف خداوند تبلیغ نمودی و از طرف جدّت رسول خدا و از طرف

أَبِيـكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ، وَعَـنْ أَخِيـكَ الْحَسَـنِ، وَنَصَحْـتَ وَجاهَدْتَ فِي

پدرت امیرالمؤمنین و از طرف برادرت امام حسن 7 ، پیام رسانی کردی و نصیحت نمودی و در

سَـبِيلِ اللَّـهِ، وَعَبَـدْتَ اللَّهَ مُخْلِصـاً حَتّىٰ أَتـاكَ الْيَقِينُ، فَجَـزاكَ اللَّهُ خَيْرَ

راه خدا جهاد کردی و خدا را خالصانه پرستش نمودی تا دار فانی را وداع کردی، خداوند بهتر

جَـزاءِ السّـابِقِينَ، وَصَلَّـى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَـلَّمَ تَسْـلِيماً.

از پاداش پیشینیان به تو پاداش دهد و درود خداوند و سلام فراوان بر تو باد.

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَصَـلِّ عَلَـى الْحُسَـيْنِ

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و درود فرست بر حسین

۱. سورهٔ . اسراء، آیه ۱۰۸ .

الْمَظْلُومِ، اَلشَّهِيدِ الرَّشِيدِ، قَتِيلِ الْعَبَرٰاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرُبٰاتِ، صَلٰاةً

ستمدیده شهید رشید، کشته اشک‌ها و اسیر اندوه‌ها، درودی بالنده و پاک

نٰامِيَةً زٰاكِيَةً مُبٰارَكَةً، يَصْعَدُ أَوَّلُهٰا، وَلٰا يَنْفَدُ آخِرُهٰا، أَفْضَلَ مٰا صَلَّيْتَ

و مبارک، بالا رود ابتدای آن و پایان نیابد آخر آن، برتر از درودی که بر یکی

عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيٰائِكَ، وَأَوْلاٰدِ أَنْبِيٰائِكَ الْمُرْسَلِينَ، يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ.(۱)

از اولیائت و فرزندان پیامبران مرسل خود فرستاده‌ای، ای پروردگار عالمیان.

سپس ضریح را ببوس و گونه راست و چپ خود را بر آن نه و اطراف ضریح طواف کن و ببوس آن را از چهار جانبش.

زیارت حضرت علی بن الحسین 8

سپس برو نزد ضریح حضرت علی بن الحسین 8 و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ، اَلطَّيِّبُ الزَّكِيُّ، اَلْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ،

سلام بر تو ای بسیار راستگو، پاک و منزّه، حبیب مقرّب،

وَابْنُ رَيْحٰانَةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

فرزند ریحانه رسول خدا ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ سلام بر تو

مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

ای شهید در راه خدا و رحمت خدا و برکات او.

مٰا أَكْرَمَ مَقٰامَكَ، وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللّٰهُ سَعْيَكَ،

چقدر مقام تو والا و بازگشت تو شریف است، گواهی می‌دهم که خداوند سعی تو را پاداش

وَأَجْزَلَ ثَوٰابَكَ، وَأَلْحَقَكَ بِالذِّرْوَةِ الْعٰالِيَةِ، حَيْثُ الشَّرَفِ كُلِّ الشَّرَفِ،

داده و ثواب تو را فراوان نموده و تو را به عالی‌ترین جایگاه که جایگاه شرف و تمام شرف است

۱. مصباح : ص۶۵۱ ، بلد الأمین : ص۳۹۸ .

وَفِي الْغُرَفِ [السّامِيَةِ]، كَمٰا مَنَّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ

و بالاترین غرفه‌ها از جهت مرتبه ملحق فرموده همان طور که پیش از این بر تو منّت نهاده و تو را قرار

الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً.

داده از اهل بیتی که هر گونه پلیدی را از آنها دور ساخته و آنان را پاک قرار داده است.

صَلَوٰاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَرِضْوٰانُهُ، فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ

درود خدا بر تو و رحمت خدا و رضوان او، ای سرور پاک نزد پروردگارت،

الطّاهِرُ إِلىٰ رَبِّكَ فِي حَطِّ الْأَثْقٰالِ عَنْ ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهٰا عَنِّي،

در مورد فروریختن بار گناه از شانه من و سبک کردن دوشم شفاعت کن و به ذلت

وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ وَ لِلسَّيِّدِ أَبِيكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمٰا.

و خواری و خضوعم در پیشگاهت و پیشگاه پدر بزرگوارت ـ که درود خدا بر شما باد ـ رحم کن.

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: زٰادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ،

خدا به شرافت و مرتبه‌رفیع شما در آخرت بیفزاید

كَمٰا شَرَّفَكُمْ فِي الدُّنْيٰا، وَأَسْعَدَكُمْ كَمٰا أَسْعَدَ بِكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ

همان‌طور که در دنیا شما را شرافت بخشیده است و شما را به سعادت رساند همان‌طور که به وسیله شما به سعادت

أَعْلاٰمُ الدِّينِ، وَنُجُومُ الْعالَمِينَ، وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

رسیده‌اند و شهادت می‌دهم که شما نشانه‌های دین و ستارگان عالم هستید و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او.

زیارت شهدا

سپس رو به شهدا ـ که رضوان خدا بر آنان باد ـ بنما و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصٰارَ اللَّهِ، وَأَنْصٰارَ رَسُولِهِ، وَأَنْصٰارَ عَلِيِّ بْنِ

سلام بر شما ای یاران خداوند و یاران رسول او و یاران علی

أَبِي طٰالِبٍ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، وَأَنْصٰارَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، وَأَنْصٰارَ الْحَسَنِ

بن ابی طالب ـ سلام بر ایشان باد ـ و یاران فاطمه زهرا 3 و یاران امام حسن

وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلاٰمُ، وَأَنْصاٰرَ الْإِسْلاٰمِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلّٰهِ،

و امام حسین ـ سلام بر ایشان باد ـ و یاران اسلام، شهادت می‌دهم که شما به راستی خیرخواهی نمودید برای

وَجاٰهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ، فَجَزٰاكُمُ اللّٰهُ عَنِ الْإِسْلاٰمِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزٰاءِ،

خدا و در راه او جهاد کردید، خداوند به شما از اسلام و اهل آن بهترین پاداش را مرحمت فرماید، به خدا

فُزْتُمْ وَاللّٰهِ فَوْزاً عَظِيماً، يٰا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ، فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً. أَشْهَدُ

سوگند رستگار شدید رستگاری عظیم، ای کاش من نیز با شما بودم و به این رستگاری عظیم می‌رسیدم. گواهی

أَنَّكُمْ أَحْيٰاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ السُّعَدٰاءَ وَالشُّهَدٰاءَ، وَ

می‌دهم که شما زنده هستید و نزد پروردگارتان روزی داده می‌شوید، و گواهی می‌دهم که شما سعادتمند

أَنَّكُمُ الْفٰائِزُونَ بِدَرَجٰاتِ الْعُلىٰ، وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و شهید هستید، و شما به عالی‌ترین درجات نائل گردیدید، و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او.

زیارت مولا حضرت ابا الفضل العباس فرزند امیرمؤمنان 8

در شب و روز اول ماه رجب

سپس زیارت می‌کنی حضرت عبّاس 7 را و می‌گویی:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا الْقٰاسِمِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا عَبّاسَ بْنَ عَلِيٍّ،

سلام بر تو ای ابا القاسم، سلام بر تو ای عباس بن علی،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ [أَنَّكَ] قَدْ بٰالَغْتَ فِي

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، گواهی می‌دهم که تو در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش و

النَّصِيحَةِ، وَأَدَّيْتَ الْأَمٰانَةَ، وَجاٰهَدْتَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيكَ، فَصَلَوٰاتُ

کوشش خود را نمودی و امانت را ادا کردی، و با دشمن خود و دشمن برادرت نبرد نمودی، پس درود

اللّٰهِ عَلىٰ رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَجَزٰاكَ اللّٰهُ مِنْ أَخٍ خَيْراً.[1]

خدا بر روح پاک تو و خداوند پاداش دهد تو را از برادر بهترین پاداش.

۱. مفتاح الجنّات : ۵۹۲/۲ .

در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز نیمه ماه رجب

سید بزرگوار 1 در اقبال گفته است:

بدان ما خواستیم آن را در اولین وظایف این روز عزیز قرار دهیم زیرا دیده‌ایم که نزد زیادی از بندگان خدا به مراسم آن بی توجّهی و بی اعتنایی شده، پس خواستیم راهنمایی کنیم بر آن و آگاهی بخشیم و تشویق نماییم به انجام آن؛ پس روایت کردیم به سند خود به شیخ معظم محمّد بن احمد بن داود قمّی، به سند او به حسن بن محبوب، و او از احمد بن محمّد بن ابی نصر، گفت:

از حضرت علی بن موسی الرضا 8 سؤال کردم:

در چه ماهی به زیارت امام حسین 7 روم؟

امام 7 فرمودند: در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و نیز به سند خود به محمّد بن داود قمی، و او به سند خودش در کتابش به نام کتاب «زیارات و فضائل» به احمد بن هلال و او از احمد بن محمّد بن ابی نصر روایت کرده‌ایم که گفت:

از حضرت علی بن موسی الرضا 8 سؤال کردم:

چه وقتی افضل است که در آن امام حسین 7 را زیارت کنیم؟

امام 7 فرمودند: نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

می گویم: و تو را کافی است از جهت آگاهی بر بزرگداشت زیارت نیمه ماه رجب اینکه به زیارت نیمه ماه شعبان قرین گردیده است و در ثواب زیارت نیمه ماه شعبان خواهد آمد آنچه تو را دلالت می کند بر اینکه زیارت نیمه ماه رجب دارای شأن و مرتبه والا و ارزشمندی است.[1]

---

۱. اقبال الاعمال: ص۱۵۸.

(۱۹) زیارت غفیله در نیمه ماه رجب

در مـزار شـهید 1 نقـل شـده اسـت : هـرگاه اراده زیارت امام حسـین 7 در نیمـه مـاه رجـب نمـودی و بـه صحن مطهر رسـیدی، پس داخل شـو و سـه مرتبه تکبیـر بگـو، آنـگاه در کنار قبـر برو و بایسـت و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْکُـمْ یـاٰ آلَ اللّٰـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْکُـمْ یـاٰ صَفْـوَةَ اللّٰـهِ،

سلام بر شما ای آل الله، سلام بر شما ای برگزیدگان خداوند،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْکُـمْ یـاٰ سـاٰدَةَ السّـاداٰتِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلـیٰ لُیُـوثِ الْغابـاٰتِ،

سلام بر شما ای سرور سروران، سلام بر شما ای شیران بیشه شجاعت،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْکُـمْ یـاٰ سُـفُنَ النَّجـاٰةِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْـکَ یـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللّٰـهِ

سلام بر شما ای کشتی‌های نجات، سلام بر شما ای ابا عبد الله

الْحُسَـیْنِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْکَ یـاٰ وٰارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِیـاٰءِ، وَرَحْمَةُ اللّٰـهِ وَبَرَکـاٰتُهُ.

الحسین، سلام بر تو ای وارث علم پیامبران، و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْـکَ یـاٰ وٰارِثَ إِسْـمٰاعِیلَ ذَبِیـحِ اللّٰـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْـکَ

سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح الله، سلام بر تو

یـاٰ وٰارِثَ مُوسـیٰ کَلِیـمِ اللّٰـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْکَ یـاٰ وٰارِثَ عِیسـیٰ رُوحِ اللّٰهِ،

ای وارث حضرت موسی کلیم خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خداوند،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْـکَ یـاٰ وٰارِثَ مُحَمَّـدٍ حَبِیـبِ اللّٰـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْـکَ یَابْـنَ

سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد حبیب خداوند، سلام بر تو ای فرزند

مُحَمَّـدِنِ الْمُصْطَفـیٰ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَیْـکَ یَابْـنَ عَلِـیِّنِ الْمُرْتَضیٰ. اَلسَّـلاٰمُ

محمّد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام

عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْراٰءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ،

بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر شما ای فرزند خدیجه کبری :

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا شَهِيدَ ابْنَ الشَّهِيدِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا قَتِيلَ ابْنَ

سلام بر تو ای شهید، ای فرزند شهید، سلام بر تو ای کشته شده، فرزند کشته شده،

الْقَتِيلِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او، سلام بر تو ای حجت

اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

خدا و فرزند حجت خدا بر خلق،

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاٰةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاٰةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی ها امر نمودی

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاٰكَ الْيَقِينُ، وَبَرَرْتَ

و از زشتی ها نهی فرمودی، و خدا را خالصانه عبادت کردی تا از دار دنیا رفتی و به والدین

بِوٰالِدَيْكَ، وَجاٰهَدْتَ عَدُوَّكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلاٰمَ، وَتَرُدُّ

خود نیکی نمودی و با دشمنت نبرد کردی، گواهی می‌دهم که تو سخن را می‌شنوی و پاسخ

الْجَوٰابَ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللّٰهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ، وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ.

را رد می‌کنی و تو حبیب خدا و خلیل او و منتخب او و برگزیده و فرزند برگزیده او هستی.

يٰا مَوْلاٰيَ وَابْنَ مَوْلاٰيَ، زُرْتُكَ مُشْتاٰقاً، فَكُنْ لي شَفِيعاً إِلَى اللّٰهِ

ای مولای من فرزند مولای من، با شوق به زیارت تو آمده‌ام، برای من نزد پروردگار شفیع باش.

يٰا سَيِّدي، وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللّٰهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ

ای سرور من، و جدّت سرور پیامبران و پدرت سرور اوصیاء و مادرت سرور

الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمِّكَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، أَلاٰ لَعَنَ اللّٰهُ قٰاتِلِيكَ،

بانوان عالم را نزد خدا شفیع قرار می‌دهم، خدا قاتلان شما را لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِمِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سالِبِيكَ وَمُبْغِضِيكَ، مِنَ الْاَوَّلِينَ

خداوند ظالمان به شما را لعنت کند، و خداوند مبغضان تو را از اوّلین

وَالْاٰخِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ.

و آخرین لعنت کند، و درود خدا بر سرور ما حضرت محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد.

سپس ضریح را ببوس، و به سوی قبر علی بن الحسین 7 توجه نما، و اینگونه زیارت کن، بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاٰيَ وَابْنَ مَوْلاٰيَ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من، خدا قاتل تو را لعنت کند، خدا کسی را که بر تو

ظالِمِيكَ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ

ظلم کرد لعنت کند، به دوستی و محبت و زیارت شما به خدا تقرّب می‌جویم و به درگاه الهی از دشمن

مِنْ أَعْدائِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاٰيَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

شما بیزاری می‌جویم، و سلام بر شما ای مولای من و رحمت و برکات الهی بر شما باد.

سپس برو تا به قبور شهدا برسی ، آنجا بایست و بگو: اَلسَّلامُ عَلَى

سلام بر

الْاَرْواحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِاللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ، اَلسَّلامُ

ارواحی که در کنار قبر ابی عبد الله الحسین ـ که سلام بر ایشان باد ـ گردآمده‌اند، سلام

عَلَيْكُمْ يا طاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مُهَذَّبِينَ، اَلسَّلامُ

بر شما ای پاکان از هر گونه آلودگی، سلام بر شما ای عزیزان بی‌عیب و آلایش، سلام

عَلَيْكُمْ يا أَبْرارَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافِّينَ بِقُبُورِكُمْ

بر شما ای نیکان، سلام بر شما و بر فرشتگان الهی که اطراف قبور شما را احاطه

أَجْمَعِينَ، جَمَعَنا اللَّهُ وَإِيّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ، وَتَحْتَ عَرْشِهِ،

کرده‌اند، خداوند ما و شما را در قرارگاه رحمتش در زیر عرش جمع نماید

إِنَّـهُ أَرْحَـمُ الرّاحِمِينَ، وَاَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُـمْ وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُهُ.

که او از همه مهربانان مهربان‌تر است، و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او.

زیارت مولای ما حضرت عباس فرزند امیرمؤمنان 8 در نیمه رجب

در کتاب «مفتاح الجنّات» این اضافه آمده است که: سپس حضرت عبّاس 7 را زیارت می کنی و می گویی:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيـكَ يـاٰ أَبَـا الْقاٰسِـمِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيكَ يـاٰ عَبّاسَ بْـنَ عَلِيٍّ،

سلام بر تو ای ابا القاسم، و سلام بر تو ای عباس بن علی،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ، أَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَـدْ بٰالَغْـتَ فِـي

سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، گواهی می‌دهم که تو در خیرخواهی بسیار

النَّصِيحَـةِ، وَأَدَّيْـتَ الْاَمٰانَةَ، وَجٰاهَدْتَ عَـدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيـكَ، فَصَلَوٰاتُ

تلاش نمودی و امانت را ادا کردی و با دشمنت و دشمن برادرت نبرد نمودی، درود

اللَّـهِ عَلـىٰ رُوحِـكَ الطَّيِّـبَةِ، وَجَـزٰاكَ اللّٰهُ مِـنْ أَخٍ خَيْـراً.[1]

خدا بر روح پاک تو و خدا تو را از طرف برادر پاداش خیر دهد.

مؤلّف محترم حفظه الله تعالی گوید: این زیارت با کمی اختلاف در زیارت روز اربعین از کتاب مصباح الزائر ص۲۸۶ ذکر شده است.

۱. مزار شهید : ص۱۸۷ ، مفتاح الجنّات : ۵۹۵/۲ ، منهاج العارفین : ص۴۱۷ .

زیارت امام حسین 7 در ماه شعبان

زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز سوم و پنجم ماه شعبان

«در زاد المعاد گفته شده است: «غسل و زیارت امام حسین 7 در روز سوم شعبان مستحب است»، و ظاهراً حکم به استحباب زیارت امام حسین 7 در این روز، به مناسبت قول مشهور و روایت شده از امام زمان 7 که ولادت امام حسین 7 در آن روز بوده است، می‌باشد؛ پس آن حضرت را با یکی از زیارت‌های مطلقه که بهترین آن‌ها زیارت وارث است و در صفحات پیشین ذکر شده، زیارت کن.

و شیخ طوسی 1 در مصباح روایت کرده است که ولادت امام حسین 7 در روز پنجم شعبان بوده است.

و در زاد المعاد گفته است: اگر در هر دو روز، آن حضرت را احتیاطاً زیارت کنی، بهتر است».[1]

فضیلت زیارت شب نیمه شعبان

شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجد گفته است: بهترین عمل در شب نیمه شعبان زیارت حضرت ابا عبد الله الحسین 7 است.

خداش از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

> کسی که قبر حضرت حسین بن علی 8 را سه سال پی در پی بدون فاصله در نیمه شعبان زیارت کند البته گناهانش آمرزیده شود.

---

۱. مفتاح الجنّات: ۵۹۶/۲، زاد المعاد: ص۵۲،

و محمّد بن مارد تمیمی روایت کرده است که امام باقر 7 به ما فرمودند:

کسی که قبر امام حسین 7 را در نیمه شعبان زیارت کند، گناهان او آمرزیده شود و برای او در آن سال گناهی نوشته نشود تا آنکه یک سال بگذرد، پس اگر در سال دوم نیز زیارت کند گناهان او آمرزیده شود.

هارون بن خارجه از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان فرا رسد منادی از افق اعلی ندا دهد: ای زائران امام حسین بازگردید در حالی که آمرزیده شده‌اید، ثواب شما و پاداش شما بر پروردگارتان و بر حضرت محمّد پیامبرتان می‌باشد.[1]

فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در نیمه ماه شعبان

سیّد بن طاووس 1 در مصباح الزائر از امام صادق 7 روایت کرده که فرمودند:

کسی که امام حسین 7 را در نیمه ماه شعبان زیارت کند خداوند عزیز و بلند مرتبه برای او هزار حج بنویسد.[2]

امّا چه زیارتی در این شب خوانده شود؟ روایت شده است که در آن شب، سیدالشهدا 7 به همان زیارتی که آن را در اوّل رجب ذکر کردیم، زیارت می‌شود، پس به آن جا مراجعه کنید و آن زیارت را بخوانید.

شب نیمه شعبان، یکی از چهار شبی است که احیاء آن مستحب است، و اعمال این شب هم زیاد است و ما از اعمال آن، ان شاء الله تعالی به مقدار کفایت ذکر خواهیم کرد، ولی افضل اعمال در این شب زیارت حضرت ابا عبد الله 7 است، ما پیش از این به آن اشاره کردیم.[3]

---

۱. مصباح المتهجد: ص۸۲۹.
۲. بحارالأنوار: ۱۰۱/۱۰۰ ح۳۵.
۳. مصباح الزائر: ص۳۱۲

فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب نیمه شعبان

سیّد بن طاووس 1 در اقبال فصلی تشکیل داده است در ذکر فضیلت زیارت امام حسین 7 در شب نیمه شعبان و گفته است:

روایت کردیم به سند خودمان به محمّد بن احمد بن داود قمّی که بر شایستگی و علم و عدالتش اتفاق دارند ـ خداوند او را غریق رحمت خویش سازد ـ به سند او به حسن بن محبوب، و او از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن الحسین 8 شنیدم که فرمودند:

> کسی که دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند باید در شب نیمه شعبان امام حسین 7 را زیارت کند. همانا فرشتگان و ارواح پیامبران از خداوند اجازه می‌خواهند در زیارت آن حضرت و به آن‌ها اجازه داده می‌شود. خوشا به حال کسی که با آن‌ها مصافحه کند و آن‌ها با او مصافحه کنند، از آنان پنج تن اولو العزم هستند که عبارتند از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و حضرت محمّد ـ درود خدا بر ایشان و بر همهٔ آنان باد ـ .
>
> عرض کردم: چرا اولوا العزم نامیده شده‌اند؟ فرمودند: چون رسالت آن‌ها جهانی بوده و به شرق و غرب عالم و جن و انس مبعوث شده‌اند.

و نیز روایت کرده‌ایم از محمّد بن داود قمی، به سند او از ابن ابی عمیر ـ که مانند او در زمان او نبوده است ـ از معاویة بن وهب ـ بنده صالحی که زهد و فضیلت او ستودنی است ـ و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

روز اول ماه شعبان که فرا می‌رسد منادی از عرش فریاد بر می‌آورد: ای میهمانان امام حسین، زیارت امام حسین 7 در شب نیمه شعبان را از دست ندهید ـ یعنی این چند روز را صبر کنید تا شب نیمه برسد و آن را درک کنید ـ اگر می‌دانستید چه خیری در آن است یک سال انتظار می‌کشیدید تا نیمه ماه شعبان برسد.[1]

فضیلت جمع کردن بین زیارت نیمه ماه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال

شیخ مفید 1 در کتاب مزار خویش از یونس بن ظبیان روایت کرده است که گفت: امام صادق 7 فرمودند:

کسی که حضرت حسین بن علی 8 را در نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال زیارت کند، خداوند برای او هزار حج و هزار عمره قبول شده بنویسد و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت او را برآورده سازد.[2]

۱۶۰

(۲۰) زیارت امام حسین علیه‌السلام در نیمه شعبان از راه دور

علامه مجلسی 1 در زاد المعاد گفته است:

کمترین حدّ زیارت آن حضرت به این تحقق پیدا می‌کند که بالای بام یا به فضای باز و وسیعی بروی و به طرف راست و چپ و به آسمان نگاهی کنی و با انگشت به طرف راست قبله اشاره کنی و بگویی:

۱. اقبال : ص۲۲۵ .

۲ . مزار مفید : ص۵۰ ، کامل الزیارات : ص۳۱۹ ح۶ ، بحار الانوار: ۹۰/۱۰۱ ح۲۴ .

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـاٰ أَبـاٰ عَبْدِاللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللّـهِ،

سلام بر شما ای ابا عبد الله، سلام بر شما ای پسر رسول خدا،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَـةُ اللّـهِ وَبَرَكاٰتُـهُ.

سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما.

و اگـر یکـی از زیارت‌هـای مفصل خوانده شـود بهتـر خواهد بـود، و از آن‌ها زیارت وارث اسـت.[1]

مؤلّـف محتـرم گویـد: ایـن زیـارت از زیـارات مطلقـه اسـت اگر چـه علامه مجلسـی 1 آن را در اعمـال نیمـه شـعبان ذکر کـرده ولی نگفته اسـت که به نیمه شـعبان اختصاص دارد.

۱۶۱

(۲۱) زیارت دوم برای امام حسین علیه‌السلام در شب نیمه شعبان

کفعمـی 1 در بلـد الامیـن در مـورد زیـارت نیمه شـعبان گفته اسـت: از امام صادق 7 روایت شـده اسـت کـه در مورد زیـارت امام حسـین 7 فرمودند: در کنار قبر می‌ایستی و می‌گویی:

اَلْحَمْـدُ لِلّـهِ الْعَلِـيِّ الْعَظِيـمِ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الْعَبْـدُ الصّالِـحُ

حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که بلند مرتبه و با عظمت است، و سلام بر تو ای بنده

الـزَّكِـيُّ، وَأَوَدِّعُـكَ شَـهاٰدَةً مِنِّي لَـكَ يُقَرِّبُنِـي إِلَيْكَ فـي يَوْمِ شَـفاٰعَتِكَ،

صالح پاک، شهادتی از من برایت به ودیعه می‌نهم که باعث تقرب من به شما شود در روز شفاعتت،

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ قُتِلْـتَ وَلَـمْ تُمِـتْ، بَـلْ بِرَجـاٰءِ حَياٰتِـكَ حَيِيَـتْ قُلُـوبُ

شهات می‌دهم که کشته شدی و نمردی، بلکه قلوب شیعیانت به حیات تو زنده‌اند

۱. زاد المعاد : ص۵۹ .

شِـيعَتِكَ، وَبِضِيـاءِ نُـورِكَ اهْتَـدىَ الطّالِبُـونَ إِلَيْـكَ.

و در پرتو نورت جویندگان به سوی تو راه را یافته‌اند.

وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ نُـورُ اللَّـهِ الَّـذِي لَـمْ يُطْفَـأْ وَلاٰ يُطْفَـأُ أَبَـداً، وَأَنَّـكَ وَجْهُ

و شهادت می‌دهم که تو نور خدا هستی نوری که خاموش نشده و هرگز خاموش نخواهد شد و تو وجه

اللَّـهِ الَّـذِي لَمْ يُهْلِـكْ وَلاٰ يُهْلَـكُ أَبَداً، وَأَشْـهَدُ أَنَّ هٰـذِهِ التُّرْبَةُ تُـرْبَتُكَ،

خدا هستی که نابود نشده و هرگز نابود نخواهد شد و شهادت می‌دهم که این تربت، تربت پاک توست،

وَهٰـذَا الْحَـرَمَ حَرَمُـكَ، وَهٰـذَا الْمَصْـرَعَ مَصْـرَعُ بَدَنِـكَ، لاٰ ذَلِيـلَ وَاللَّـهُ

و این حرم، حرم با صفای تو، و این قتلگاه، قتلگاه تو است، به خدا قسم آنکه تو را عزیز بدارد

مُعِـزُّكَ، وَلاٰ مَغْلُـوبَ واللَّـهُ نٰاصِـرُكَ، هٰـذِهِ شَـهٰادَةٌ لـي عِنْـدَكَ إِلـىٰ يَـوْمِ

دچار ذلت نشود، و به خدا قسم یاور تو هرگز مغلوب نگردد ، این شهادتی است برای من نزد

قَبْـضِ رُوحِـي بِحَضْرَتِـكَ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكٰاتُـهُ.

تو تا روزی که در محضرت قبض روح شوم، و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

و در شب نیمه شعبان زیارت حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه، مناسب است، زیرا شب ولادت با سعادت آن حضرت است.[1]

[مرحوم علامه مجلسی 1 در بحارالانوار گفته است: بعید نیست که این زیارت از زیارت‌های مطلقه باشد:].

۱. مفتاح الجنّات : ۵۹۸/۲ ، هدیة الزائرین وبهجة الناظرین : ص۱۴۵ ، منهاج العارفین : ص۴۱۸.

(۲۲) زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب نیمه شعبان و اول ماه رجب

سید بن طاووس 1 در اقبال فصلی تشکیل داده برای زیارت امام حسین 7 در نیمه شعبان، و آنگاه گفته است:

این زیارت، از زیارت‌هایی است که حضرت اباعبد الله 7 در اول ماه رجب نیز بدان زیارت می‌شود و ما ذکر آن را مؤخّر نمودیم در این شب زیرا عظمت آن بیشتر است، پس در جایگاهی که شرافت بیشتری دارد آن را ذکر نمودیم:

پس هرگاه اراده نمودی آن را، غسل کن و پاک‌ترین لباس خود را بپوش، و در کنار درب بارگاه آن حضرت در مقابل قبله بایست و بر سرور ما حضرت رسول خدا و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین و امامان از ذریه آن حضرت ـ که درود خدا بر او و بر همهٔ آنان باد ـ سلام کن.

سپس وارد حرم مطهر شو در کنار ضریح منّور بایست و صد مرتبه تکبیر بگو، و آنگاه بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خٰاتَمِ النَّبِيِّينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

سلام بر تو ای فرزند سرور رسولان، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیاء،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حسین بن علی،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ.

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور بانوان عالم.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صَفِيَّ اللّٰهِ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او، سلام بر تو ای برگزیده خدا و

وَابْنَ صَفِيِّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

فرزند برگزیده او، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او، سلام بر تو

يٰا حَبِيبَ اللّٰهِ وَابْنَ حَبِيبِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا سَفِيرَ اللّٰهِ وَابْنَ سَفِيرِهِ.

ای حبیب خدا و فرزند حبیب او، سلام بر تو ای نماینده خدا و فرزند نماینده او.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خٰازِنَ الْكِتٰابِ الْمَسْطُورِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ

سلام بر تو ای خزانه‌دار کتاب نوشته شده، سلام بر تو ای وارث

التَّوْرٰاةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا اَمِينَ الرَّحْمٰانِ، اَلسَّلٰامُ

تورات و انجیل و زبور، سلام بر تو ای امین خداوند رحمان، سلام

عَلَيْكَ يٰا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَمُودَ الدِّينِ، اَلسَّلٰامُ

بر تو ای شریک قرآن، سلام بر تو ای ستون دین، سلام

عَلَيْكَ يٰا بٰابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَيْبَةَ عِلْمِ اللّٰهِ،

بر تو ای باب حکمت پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای صندوق علم الهی،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْضِعَ سِرِّ اللّٰهِ.

سلام بر تو ای جایگاه سرّ خداوند.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا ثٰارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثٰارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون او، و ای تنها مانده‌ای که انتقام خون او گرفته نشده است،

وَعَلَى الْاَرْوٰاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنٰائِكَ، وَأَنٰاخَتْ بِرَحْلِكَ.

سلام بر تو و بر ارواحی که بر در سرایت فرود آمده و در آنجا اقامت گزیده‌اند.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي ونَفْسِي يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ،

پدر و مادرم و جانم به فدای تو ای ابا عبد الله، مصیبت تو بسیار عظیم، و سوگ تو

وجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا، وعَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

بر ما و بر همه اهل اسلام بسیار گران و سنگین است، پس خدا لعنت کند مردمی را که

أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

اساس ستم و بیداد را بر شما اهل بیت بنا نهادند، و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاه

دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ، وَأَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيها.

خود دور کردند، و از مرتبه‌ها و درجاتی که خداوند شما را در آن مرتبه‌ها قرار داده بود، راندند.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أَشْهَدُ لَقَدِ اقْشَعَرَّتْ

پدر و مادرم و جانم به فدای تو ای ابا عبد الله، گواهی می‌دهم که برای خون

لِدِمائِكُمْ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ مَعَ أَظِلَّةِ الْخَلائِقِ، وبَكَتْكُمُ السَّماءُ وَالْأَرْضُ

شما اظلّه عرش به همراه اظلّه خلایق به لرزه درآمد، و آسمان و زمین و ساکنان

وَسُكّانُ الْجِنانِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ ما فِي عِلْمِ اللَّهِ.

بهشت و خشکی و دریا بر شما گریست، درود خدا بر تو به عدد آنچه در علم خداوند است.

لَبَّيْكَ داعِيَ اللَّهِ، إِنْ كانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَني عِنْدَ اسْتِغاثَتِكَ، وَلِساني

لبّیک ای دعوت کننده خلق به سوی حق، اگر تو را بدنم در هنگام دادخواهی‌ات و زبان من

عِنْدَ اسْتِنْصارِكَ، فَقَدْ أَجابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي، (سُبْحانَ رَبِّنا

در هنگام یاری طلبی‌ات پاسخ نداد، قلب و گوش و دیده‌ام تو را پاسخ گفت: «پاک و منزه است پروردگار

إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً)[1].

ما و بدون تردید وعدهٔ او عملی است».

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، فَطُهِّرَتْ بِكَ

گواهی می‌دهم که تو عین پاکی و پاک و مطهّری، از عین پاکی و پاک و مطهر، تو پاکی و به سبب

الْبِلادُ، وَطُهِّرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ فِيها، وَطُهِّرَ حَرَمُكَ.

تو شهرها پاک و زمینی که تو در آن هستی و حرم شریف تو پاک است.

۱. سورهٔ اسراء، آیه۱۰۸.

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْـطِ والْعَدْلِ، ودَعَـوْتَ إِلَيْهِمـا، وَأَنَّكَ صادِقٌ

گواهی می‌دهم که تو به عدل و داد امر فرمودی و مردم را به آن دو فراخواندی، و تو راست گو و بسیار

صِدِّيـقٌ صَدَقْـتَ فِيمـا دَعَـوْتَ إِلَيْـهِ، وَأَنَّـكَ ثـارُ اللَّـهِ فِـي الْأَرْضِ.

راستگو هستی، راست گفتی در آنچه فراخواندی به سوی آن، و همانا تو خون خدا در زمین هستی.

وَاَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَـدْ بَلَّغْـتَ عَـنِ اللَّـهِ، وعَنْ جَـدِّكَ رَسُـولِ اللَّـهِ، وعَنْ

و گواهی می‌دهم که تو از طرف خداوند تبلیغ نمودی و از طرف جدّت رسول خدا و از طرف

أَبِيـكَ أمِيرِالْمُومِنِيـنَ، وعَـنْ أَخِيـكَ الْحَسَـنِ، ونَصَحْـتَ وجاهَدْتَ في

پدرت امیرالمؤمنین و از طرف برادرت امام حسن 7 ، پیام رسانی کردی و نصیحت نمودی و در

سَـبِيلِ رَبِّـكَ، وَعَبَـدْتَ اللَّـهَ مُخْلِصـاً حَتّـىٰ أَتـاكَ الْيَقِيـنُ، فَجَـزاكَ اللَّهُ

راه خدا جهاد کردی و خدا را خالصانه پرستش نمودی تا دار فانی را وداع کردی، خداوند بهتر

خَيْـرَ جَـزاءِ السّـابِقِينَ، وصَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْكَ، وسَـلَّمَ تَسْـلِيماً.

از پاداش پیشینیان به تو پاداش دهد و درود خداوند و سلام فراوان بر تو باد.

أَللَّهُمَّ صَـلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَـيْنِ الْمَظْلُومِ،

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و درود فرست بر حسین ستمدیده

اَلشَّـهِيدِ الرَّشِـيدِ، قَتِيـلِ الْعَبَـراتِ، وَاَسِـيرِ الْكُرُباتِ، صَـلاةً نامِيَـةً زاكِيَةً

شهید رشید، کشته اشک‌ها و اسیر اندوه‌ها، درودی بالنده و پاک

مُبارَكَـةً، يَصْعَـدُ أَوَّلُهـا وَ لايَنْفَـدُ آخِرُهـا، أَفْضَـلَ مـا صَلَّيْتَ عَلـىٰ أَحَدٍ

و مبارک، بالا رود ابتدای آن و پایان نیابد آخر آن، برتر از درودی که بر یکی از اولیائت

مِـنْ أَوْلادِ أَنْبِيائِـكَ الْمُرْسَـلِينَ، يا إِلَـهَ الْعالَمِينَ.

و فرزندان پیامبران مرسل خود فرستاده‌ای، ای پروردگار عالمیان.

سپس ضریح را ببوس و گونه راست و چپ خود را بر آن نه و اطراف ضریح طواف کن و ببوس آن را از چهار جانبش.

سپس برو و در کنار ضریح حضرت علی بن الحسین 8 در مقابل قبله بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ مِنَ اللّٰهِ، وَالسَّلٰامُ مِنْ مَلٰائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيٰائِهِ الْمُرْسَلِينَ،

سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل

وَعِبٰادِهِ الصّٰالِحِينَ، وجَمِيعِ أَهْلِ طٰاعَتِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمٰاوٰاتِ

و بندگان شایسته و تمام اهل اطاعت او از اهل آسمان‌ها

وَالْاَرَضِينَ، عَلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وبَرَكٰاتُهُ.

و زمین بر حضرت ابا عبد الله حسین بن علی و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلٰالَةِ إِبْرٰاهِيمَ

سلام بر تو ای اولین شهید از نسل بهترین فرزند از سلاله و دودمان ابراهیم خلیل،

الْخَلِيلِ. صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبِيكَ إِذْ قٰالَ فِيكَ: «قَتَلَ اللّٰهُ

درود خدا بر تو و بر پدر بزرگوارت که درباره تو فرمود: خداوند بکشد قومی را

قَوْماً قَتَلُوكَ، يٰا بُنَيَّ مٰا أَجْرَأَهُمْ عَلَى الرَّحْمٰانِ، وَعَلَى انْتِهٰاكَ حُرْمَةِ

که تو را کشتند، ای پسرم چه چیز آن‌ها را نسبت به خداوند رحمان جری نمود و بر بی حرمتی نسبت

الرَّسُولِ، عَلَى الدُّنْيٰا بَعْدَكَ الْعَفٰا».

به رسول خدا 9 بعد از تو خاک بر سر دنیا،

أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ حُجَّةِ اللّٰهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، حَكَمَ اللّٰهُ عَلىٰ قٰاتِلِيكَ،

گواهی می‌دهم که تو فرزند حجت خدا و فرزند امین او هستی، خدا حکم کند بر قاتلان تو و آن‌ها

وَاَصْلاٰهُمْ جَهَنَّمَ وَسٰائَتْ مَصِيراً، وَجَعَلَنَا اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ مِنْ

را وارد جهنم گرداند و بدجایگاهی است، و خداوند قرار دهد ما را روز قیامت از ملاقات کنندگان

مُلاٰقِيكَ وَمُرٰافِقِي جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَعَمِّكَ وَأَخِيكَ، وَأُمِّكَ

و همراهان تو و همراهان جدّت و پدرت و عمویت و برادرت و مادر مظلومه

الْمَظْلُومَةِ الطّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، أَبْرَءُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ قَتَلَكَ وَقاتَلَكَ، وَأَسْأَلُ

پاک مطهّرت. به درگاه خداوند از آن‌ها که تو را کشتند و با تو جنگیدند بیزاری می‌جویم، و از خدا

اللَّهَ مُرافِقَتَكُمْ فِي دارِ الْخُلُودِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

با شما بودن را در سرای جاودان درخواست می‌نمایم، و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ أَمِيرِالْمُومِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ

سلام بر عباس فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر جعفر، فرزند

أَمِيرِالْمُومِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللَّهِ بْنِ أَمِيرِالْمُومِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ

امیرالمؤمنین، سلام بر عبد الله فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر

أَبِي بَكْرِ بْنِ أَمِيرِالْمُومِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عُثْمانَ بْنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ.

ابی بکر فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر عثمان فرزند امیرالمؤمنین : .

اَلسَّلامُ عَلَى الْقاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي بَكْرِ بْنِ

سلام بر قاسم فرزند امام حسن، سلام بر ابی بکر فرزند

الْحَسَنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ.

امام حسن، سلام بر عبد الله فرزند امام حسن : .

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طالِبٍ، اَلسَّلامُ

سلام بر محمّد فرزند عبد الله فرزند جعفر بن ابی طالب، سلام

عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِالرَّحْمانِ بْنِ عَقِيلٍ، اَلسَّلامُ

بر جعفر فرزند عقیل، سلام بر عبد الرحمان فرزند عقیل، سلام

عَلىٰ عَبْدِاللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعْدِ

بر عبد الله فرزند مسلم بن عقیل، سلام بر محمّد فرزند ابوسعد

بْنِ عَقِيلٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَوْنِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طالِبٍ.

فرزند عقیل، سلام بر عون فرزند عبد الله بن جعفر بن ابی طالب.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ

سلام بر شما ای اهل بیت مصطفی، سلام بر شما ای اهل شکر

وَالرِّضاٰ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصاٰرَ اللّٰهِ وَرِجاٰلِهِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ

و رضا. سلام بر شما ای یاران پروردگار و مردان الهی از اهل حق و بلا

وَالْبَلْوىٰ، وَالْمُجاٰهِدِينَ عَلىٰ بَصِيرَةٍ فِي سَبِيلِهِ.

و جهاد کنندگان با بصیرت و آگاهی در راه خدا.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَماٰ قاٰلَ اللّٰهُ عَزَّ وجَلَّ: (وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاٰتَلَ مَعَهُ

شهادت می‌دهم که شما همان طور که خداوند فرموده: «چه بسیار پیامبر که همراه او مردان الهی

رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَماٰ وَهَنُوا لِماٰ أَصاٰبَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَماٰ ضَعُفُوا وَ

زیادی نبرد کردند و در برابر سختی‌هایی که دچار شدند در راه خدا مقاومت کردند و سست و ناتوان نشدند

مَا اسْتَكاٰنُوا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّاٰبِرِينَ)[1]، فَماٰ ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ

و اظهار درماندگی ننمودند و خدا صابران را دوست می‌دارد» و شما اظهار ناتوانی و درماندگی نکردید

حَتّىٰ لَقِيتُمُ اللّٰهَ عَلىٰ سَبِيلِ الْحَقِّ وَنَصْرِهِ، وَكَلِمَةِ اللّٰهِ التّاٰمَّةِ.

تا خدا را ملاقات نمودید در راه حق و یاری او و کلمه کامل خداوند.

صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ أَرْوٰاحِكُمْ وَأَبْدٰانِكُمْ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، وَفُزْتُمْ وَاللّٰهِ

درود خدا بر جسم و جان شما و سلام فراوان او، رستگار شدید به خدا سوگند،

لَوَدَدْتُ أَنِّي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً، أَبْشِرُوا بِمَوٰاعِيدِ اللّٰهِ

دوست داشتم من نیز با شما بودم و به رستگاری می‌رسیدم. بشارت باد شما را به وعده‌های الهی که هرگز

الَّتِي لاٰ خُلْفَ لَهاٰ، إِنَّهُ لاٰيُخْلِفُ الْمِيعاٰدَ.

تخلفی در آن نیست و خداوند هرگز خلاف وعده عمل نمی‌کند.

أَشْهَدُ أَنَّكُمُ النُّجَباٰءُ، وَساٰدَةُ الشُّهَدآءِ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، وَاَشْهَدُ

شهادت می‌دهم که شما برگزیدگان و سرور شهیدان در دنیا و آخرت هستید و شهادت

۱. سورهٔ آل عمران، آیه ۱۴۶ .

أَنَّـكُمْ جاٰهَدْتُـمْ في سَـبِيلِ اللَّـهِ، وَقُتِلْتُـمْ عَلىٰ مِنْهاٰجِ رَسُـولِ اللَّـهِ، أَنْتُمُ

می‌دهم که شما در راه خدا جهاد کردید و بر راه و روش رسول خدا کشته شدید، شما

السّـابِقُونَ وَالْمُجاٰهِـدُونَ، أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ أَنْصـاٰرُ اللَّـهِ وَأَنْصـاٰرُ رَسُـولِهِ،

لاپیشی گیرنده و مجاهد هستید، گواهی می‌دهم که شما یاران خدا و یاران رسول او هستید.

اَلْحَمْـدُ لِلَّـهِ الَّذي صَدَقَكُـمْ وَعْدَهُ، وَأَرٰاكُـمْ ماٰ تُحِبُّونَ، وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ

خدا را حمد و سپاس که به وعده‌اش دربارهٔ شما وفا نمود و نشان داد به شما آنچه را دوست می‌دارید و سلام بر

وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاٰتُهُ.[1]

شما و رحمت خدا و برکات او.

سپس التفاتی نما و بر شهدا سلام کن و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ سَـعِيدِ بْـنِ عَبْدِاللَّـهِ الْحَنَفـي، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ حُـرِّ بْـنِ

سلام بر سعید بن عبد الله حنفی، سلام بر حر بن

يَزِيـدِ الرِّياٰحـي، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ زُهَيْـرِ بْـنِ الْقَيْـنِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ حَبِيبِ

یزید ریاحی، سلام بر زهیر بن قین، سلام بر حبیب

بْـنِ مَظاٰهِـرٍ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ مُسْـلِمِ بْنِ عَوْسَـجَةِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ عَقَبَةَ بْنِ

بن مظاهر،، سلام بر مسلم بن عوسجه، سلام برعقبة بن

سَـمْعاٰنَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ بُرَيْـرِ بْـنِ خُضَيْرٍ،

سمعان، سلام بر بریر بن خضیر.

اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ عَبْدِاللَّـهِ بْـنِ عُمَيْـرٍ، اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ نـاٰفِـعِ بْـنِ هِـلاٰلٍ،

سلام بر عبد الله بن عمیر، سلام بر نافع بن هلال،

اَلسَّـلاٰمُ عَلىٰ مُنْـذِرِ بْـنِ الْمُفَضَّـلِ الْجُعْفـي،

سلام بر منذر بن مفضل جعفی،

۱. إقبال الأعمال : ص۲۲۷ ، مصباح الزائر: ص۲۹۱ .

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَرِ بْنِ قُرْظَةِ الْاَنْصٰارِي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَبِي ثَمٰامَةِ

سلام بر عمر بن قرظة انصاری، سلام بر ابی ثمامه

الصّائِدي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ جَوْنٍ مَوْلىَ أَبِي ذَرٍّ الْغَفّٰارِي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ

صائدی، سلام بر جون غلام ابوذر غفاری، سلام بر

عَبْدِالرَّحْمٰانِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْاَزْدي،

عبد الرحمان بن عبد الله ازدی،

اَلسَّلٰامُ عَلَى عَبْدِالرَّحْمٰانِ وَعَبْدِاللّٰهِ ابْنَيْ عُرْوَةَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ

سلام بر عبد الرحمان و عبد الله دو پسر عروه، سلام بر سیف

سَيْفِ بْنِ الْحٰارِثِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مٰالِكِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْحائِرِي،

بن حارث، سلام بر مالک بن عبد الله حائری،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَنْظَلَةِ بْنِ سَعْدٍ الشَّيْبٰاني، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قٰاسِمِ بْنِ

سلام بر حنظلة بن سعد شیبانی، سلام بر قاسم بن

الْحٰارِثِ الْكٰاهِلِي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ بِشْرِ بْنِ عَمْرِو الْحَضْرَمِيِّ،

حارث کاهلی، سلام بر بشر بن عمرو حضرمی،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عٰابِسِ بْنِ شَبِيبِ الشّٰاكِرِي، اَلسَّلٰامُ عَلَى حَجّاجِ بْنِ

سلام بر عابس بن شبیب شاکری، سلام بر حجاج

مَسْرُوقِ الْجُعْفي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عَمْرِو بْنِ خَلَفٍ وَسَعِيدٍ مَوْلاٰهُ،

بن مسروق جعفی، سلام بر عمرو بن خلف و سعید غلام او،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَسّٰانِ بْنِ الْحٰارِثِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَجْمَعِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ

سلام بر حسّان بن حارث، سلام بر مجمع بن عبد الله

الْعائِذي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ نَعِيمِ بْنِ عَجْلاٰنِ،

عائذی، سلام بر نعیم بن عجلان،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عَبْدِالرَّحْمٰانِ بْنِ يَزِيدِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ أبي

سلام بر عبد الرحمان بن يزيد، سلام بر عمر بن

كَعْبٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سُلَيْمٰانَ بْنَ عَوْفِ الْحَضْرَمِيِّ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ

ابى كعب، سلام بر سليمان بن عوف حضرمى، سلام بر

قَيْسِ بْنِ مُسْهِرِ الصَّيْدٰاوِيِّ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُثْمٰانَ بْنِ فَرْوَةِ الْغِفٰارِيِّ،

قيس بن مسهر صيداوى، سلام بر عثمان بن فروة غفارى،

اَلسَّلٰامُ عَلَى غَيْلاٰنِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمٰانِ،

سلام بر غيلان بن عبد الرحمان،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قَيْسِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْهَمْدٰانِي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عُمَيْرِ بْنِ

سلام بر قيس بن عبد الله همدانى، سلام بر عمير بن

كَنٰادٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ جَبَلَةِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ كَنٰادٍ.

كناد، سلام بر جبلة بن عبد الله، سلام بر مسلم بن كناد،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سُلَيْمٰانَ بْنِ سُلَيْمٰانَ الْاَزْدي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَمّادِ بْنِ

سلام بر سليمان بن سليمان ازدى، سلام بر حماد بن

حَمّادِ الْمُرٰادي، اَلسَّلٰامُ علىٰ عٰامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ وَمَوْلاٰهُ مُسْلِمٍ، اَلسَّلٰامُ

حماد مرادى، سلام بر عامر بن مسلم وغلام او مسلم، سلام

عَلىٰ بَدْرِ بْنِ رُقَيْطٍ، وَابْنَيْهِ عَبْدِاللّٰهِ وَعُبَيْدِاللّٰهِ،

بر بدر بن رقيط و دو پسرش عبد الله و عبيد الله،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ رُمَيْثِ بْنِ عَمْرٍو، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سُفْيٰانَ بْنِ مٰالِكٍ،

سلام بر رميث بن عمرو، سلام بر سفيان بن مالک،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ سَيّارٍ.

سلام بر زهير بن سيّار.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قٰاسِطٍ وَكَرْشِنِ ابْنَيْ زُهَيْرٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ كَنٰانَةَ بْنِ

سلام بر قاسط و كرش دو پسر زهير، سلام بر كنانة

عَتِيقٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عٰامِرِ بْنِ مٰالِكٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِيعِ بْنِ زِيٰادٍ،

بن عتيق، سلام بر عامر بن مالک، سلام بر منيع بن زياد،

اَلسَّلٰامُ عَلَى نُعْمٰانَ بْنِ عَمْرٍو، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ جَلّٰاسِ بْنِ عَمْرٍو،

سلام بر نعمان بن عمرو، سلام بر جلاس بن عمرو،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عامِرِ بْنِ جُلَيْدَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زٰائِدَةِ بْنِ مُهٰاجِرٍ،

سلام بر عامر بن جليده، سلام بر زائدة بن مهاجر،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَبِيبِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ النَّهْشَلِي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حَجّاجِ

سلام برحبيب بن عبد الله نهشلى، سلام بر حجّاج بن

بْنِ يَزِيدٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ جُوَيْنِ بْنِ مٰالِكٍ.

يزيد، سلام بر جوين بن مالک.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ ضُبَيْعَةِ بْنِ عَمْرٍو، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ بَشِيرٍ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر ضبيعة بن عمرو، سلام بر زهير بن بشير، سلام

عَلىٰ مَسْعُودِ بْنِ الْحَجّاجِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ عَمّارِ بْنِ حَسّانٍ،

بر مسعود بن حجاج، سلام بر عمّار بن حسّان،

اَلسَّلٰامُ عَلَى جُنْدَبِ بْنِ حُجَيْرٍ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سُلَيْمٰانَ بْنِ كَثِيرٍ،

سلام بر جندب بن حجير، سلام بر سليمان بن كثير،

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمٰانَ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قٰاسِمِ بْنِ حَبِيبٍ،

سلام بر زهير بن سليمان، سلام بر قاسم بن حبيب.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ اَنَسِ بْنِ كٰاهِلِ الْاَسَدي،

سلام بر انس بن كاهل اسدى،

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ ضَرْغٰامَةِ بْنِ مٰالِكٍ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ زٰاهِرٍ مَوْلیَ عَمْرِو

سلام بر ضرغامة بن مالک، سلام بر زاهر غلام عمرو

بْنِ الْحَمِقِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ يَقْطُرَ رَضِيعِ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلٰامُ

بن حمق، سلام بر عبد الله بن یقطر، سلام بر

عَلیٰ مُنْجِحٍ مَوْلیَ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ سُوَيْدٍ مَوْلیَ شٰاكِرٍ.

منجح غلام امام حسین 7 ، سلام بر سوید غلام شاکر.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ خِيَرَةُ اللّٰهِ، إِخْتٰارَكُمُ اللّٰهُ

سلام بر شما ای مردان الهی، شما برگزیدگان خداوند هستید، خداوند شما را برای حضرت

لِاَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، وَأَنْتُمْ خٰاصَّتُهُ، اِخْتَصَّكُمُ اللّٰهُ، أَشْهَدُ

ابا عبد الله ـ که سلام بر ایشان باد ـ برگزید و شما از خاصّان او هستید و خدا شما را مخصوص گردانید، شهادت

أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى الدُّعٰاءِ إِلَى الْحَقِّ، و نَصَرْتُمْ و وَفَيْتُمْ، و بَذَلْتُمْ

می‌دهم که شما در راه دعوت به سوی حق کشته شدید، یاری کردید و وفا نمودید و خون خویش را به

مُهَجَكُمْ مَعَ ابْنِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاَنْتُمْ سُعَدٰاءُ

همراه فرزند رسول خدا ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ بذل نمودید، و شما سعادتمندان هستید،

سُعِدْتُمْ، وَ فُزْتُمْ بِالدَّرَجٰاتِ.

به سعادت رسیدید و به درجات والا نائل گردید.

فَجَزٰاكُمُ اللّٰهُ مِنْ أَعْوٰانٍ وَإِخْوٰانٍ خَيْرَ مٰا جٰازیٰ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ

پس خداوند پاداش دهد شما را، یاران و برادران، بهتر از آنچه پاداش داد به کسانی که همراه رسول خدا ـ

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، هَنِيئاً لَكُمْ مٰا أُعْطِيتُمْ، وَهَنِيئاً لَكُمْ بِمٰا

صلوات خدا بر او وخاندانش باد ـ پایداری نمودند، گوارای شما باد آنچه عطا شدید، و گوارای شما باد به انچه

حُيِّيتُمْ، طٰافَتْ عَلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ الرَّحْمَةُ، وَبَلَغْتُمْ بِهٰا شَرَفَ الْاٰخِرَةِ.

تحیت گفته شدید، رحمت از طرف خدا بر گِرد شما طواف می‌کند، و بدان وسیله به شرف آخرت رسیدید.

پس چون خواستی با آن حضرت وداع کنی بگو آنچه را که ما در بعضی از وداع‌ها دیده‌ایم:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای مولای من، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام

عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو ای برگزیده خداوند، سلام بر تو ای اختیار شده خداوند، سلام بر تو

يا قَتِيلَ الظَّماءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا غَرِيبَ الْغُرَباءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

ای کشته عطش، سلام بر تو ای غریب الغرباء، سلام بر تو سلام

سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَ لا قالٍ، فَإِنْ أَمْضِ فَلا عَنْ مَلامَةٍ، وَ إِنْ أُقِمْ

وداع کننده‌ای که از زیارت شما خسته نشده و دلتنگ نگردیده. پس اگر بازگردم نه از روی ملامت و دلتنگی

فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍ بِما وَعَدَ اللَّهُ الصّابِرِينَ.

است و اگر بمانم نه به خاطر بدگمانی است به وعده‌ای که خدا به صابران داده است.

لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِكَ، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ إِلىٰ مَشْهَدِكَ،

خداوند این زیارت را آخرین زیارت من قرار ندهد و بازگشتن به حرم شریف شما و ماندن بر

وَالْمَقامَ بِفِنائِكَ، وَالْقِيامَ في حَرَمِكَ، وَ إِيّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَني بِكُمْ،

در سرایت و ایستادن در حرم باصفایت را روزی من گرداند، و از او می‌خواهم که مرا به واسطه شما

وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.[1]

سعادتمند گرداند و با شما در دنیا و آخرت قرار دهد.

۱. إقبال الأعمال : ص۲۲۹ ، مصباح الزائر: ص۲۹۵ .

زیارت امام حسین 7 در ماه مبارک رمضان

فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب اول ماه رمضان

سیّد بن طاووس 1 در اقبال، فصلی در ذکر زیارت امام حسین 7 در شب اوّل و شب نیمه و شب آخر ماه رمضان، تشکیل داده است و در آن از علی بن محمّد بن فیض بن مختار، از پدرش، روایت کرده است که گفت:

از حضرت جعفر بن محمّد 8 در مورد زیارت حضرت ابا عبد الله الحسین 7 سؤال شد و گفته شد:

آیا زمانی هست که برتر باشد از زمان دیگر؟ امام 7 فرمودند:

> زیارت کنید آن حضرت را، در هر وقت و زمانی، که زیارت ایشان بهترین موضوع است، و کسی که زیادتر انجام دهد خیر بیشتری نصیب او می‌گردد. و اوقات شریفه برای زیارت خود بجویید که اعمال صالحه در آن اوقات مضاعف است و آن اوقاتی است که ملائکه برای زیارت آن حضرت فرود می‌آیند.

از آن حضرت در مورد زیارت امام حسین 7 در ماه رمضان سؤال شد، امام 7 فرمودند:

> کسی که با خشوع و برای خدا و درحالی که خواهان عفو و گذشت و آمرزش است به زیارت آن حضرت رود، و در کنار قبر مطهر آن حضرت در یکی از سه شب ماه رمضان: شب اول یا نیمه و یا آخر ماه، حضور پیدا کند؛ تمام گناهان و خطاهای او که مرتکب شده از دوش او فرو ریزد، همان طور که برگ‌های

خشکیده بر اثر باد شدید از درخت فروریزد، تا آنکه همانند روزی گردد که مادرش او را به دنیا آورده است، و با این وصف اجر و پاداشی مانند اجر و پاداش کسی که در آن سال حج بجا آورده و عمره رفته به او مرحمت نماید، و دو فرشته به او ندایی دهند که هر صاحب روح جز جن و انس ندای آنان را بشنوند، یکی از آن دو فرشته گوید: «پاک شدی عمل خود را از نو آغاز کن» و دیگری گوید: «ای بنده خدا، احسنت، بشارت باد تو را به فضل و مغفرت الهی».[1]

فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در دهه آخر ماه رمضان

در کتاب «آداب و ادعیه ماه رمضان»، روایتی در فضیلت هجرت در دهه آخر ماه رمضان به سوی حرم حضرت ابا عبد الله الحسین 7 به این صورت آمده است: از احمد بن محمّد بن ابی نصر نقل کرده که گفته است: از حضرت علی بن موسی الرضا 8 شنیدم که فرمودند:

عمره در ماه رمضان معادل حج است و یک شب اعتکاف در مسجد النبی 9 و در کنار قبر آن حضرت معادل حج و عمره است، وکسی که به زیارت امام حسین 7 رود و در دهه آخر ماه رمضان در آنجا اعتکاف کند، گویا در کنار قبر پیامبر 9 اعتکاف نموده و کسی که در کنار قبر پیامبر 9 اعتکاف کند برای او از حج و عمره بعد از حجة الاسلام یعنی حج واجب، بهتر و برتر است.[2]

۱. إقبال الأعمال : ص۲۵۹ .

۲. بحارالأنوار : ۱۵۱/۹۸ و در کتاب «آداب وادعیه ماه رمضان» نوشتهٔ سیّد بن طاووس : ص۴۳۸ با اختلاف کمی آمده است.

حضرت علی بن موسی الرضا 8 فرموده‌اند:

کسی که در ماه رمضان به زیارت امام حسین 7 رود، باید تلاش کند و حریص باشد که لیلهٔ جهنی، یعنی شب بیست و سوم، را از دست ندهد که آن شب، امید است شب قدر باشد.

و فرمودند:

کمترین حدّ اعتکاف ساعتی است بین نماز مغرب و عشاء کسی که آن مقدار را اعتکاف کند بهره خود را یافته، یا فرمودند: نصیب خود را از شب قدر دریافت نموده است.[1]

ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب قدر

شیخ مفید 1 در مزار به سند خود از ابو صباح کنانی و او از امام صادق 7 روایت کره است که فرمودند:

هنگامی که شب قدر که در آن شب هر امر با حکمت و استوار جدا می‌شود و فیصله می‌یابد فرارسد منادی از درون عرش ندادهد که: خداوند آمرزید هر کسی را که در این شب، در کنار قبر امام حسین 7 آمده است.[2]

سیّد بن طاووس در اقبال گفته است: از اعمال شب **۲۳**ماه رمضان زیارت امام حسین 7 است. و از زید بن ابی اسامه روایت کرده که گفت: امام صادق 7 در مورد این آیه شریفه: (فیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ)[3] فرمودند:

مقصود شب قدر است، برنامه یک ساله در آن امضاء می‌شود، از حج، عمره، روزی، اجل، سفر، ازدواج، فرزند و سائر چیزهایی که

۱. بحارالأنوار: ۱۵۱/۹۸ و در کتاب «آداب وادعیه ماه رمضان» نوشتهٔ سید بن طاووس: ص۴۳۸ با اختلاف کمی آمده است.

۲. مزار مفید: ص۵۴.

۳. سورهٔ دخان، آیه ۴.

دیدار می‌کند آدمی از آنچه به نفع او یا ضرر او نوشته می‌شود در آن سال، از همان شب تا مثل آن شب از سال آینده؛ و آن در دهۀ آخر ماه رمضان است.

پس کسی که آن شب را در کنار قبر امام حسین 7 ، درک کند (یا فرمود: حضور پیدا کند)، و دو رکعت یا مقداری که برایش ممکن است نماز بخواند و از خداوند بهشت را درخواست کند و از آتش به او پناه ببرد، خداوند آنچه را درخواست نموده عطا کند و او را از آنچه پناه به خدا برده پناه دهد. و همچنین اگر از خدا بخواهد که عطا کند از خیری که بیان شده و امضا شده در آن شب و حفظ کند او را از شرّ آنچه نوشته شده در آن شب یا دعا کند و از خدا مسألت نمایند در امری که گناهی در آن نیست، امید است که خواسته او به او عطا شود و از آنچه پرهیز می‌کند محافظت شود و شفاعت او در مورد ده نفر از اهل بیتش که همگی سزاوار عذاب هستند پذیرفته شود، و خداوند نسبت به درخواست کننده و بنده‌اش شتاب بیشتری در خیر دارد.[1]

جناب عبد العظیم حسنی از حضرت جواد الائمّه 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که امام حسین 7 را در شب بیست و سوم ماه رمضان، شبی که امید می‌رود که شب قدر باشد و در آن هر امر استواری فیصله داده می‌شود، زیارت کند روح بیست و چهار هزار فرشته و پیامبر با او مصافحه کنند که همه آنان از خدا اجازه می‌خواهند برای زیارت امام حسین 7 در آن شب.[2]

۱. مفتاح الجنّات : ۲۱۰/۳ .
۲. اقبال الأعمال : ص۵۰۴ .

استحباب زیارت امام حسین علیه‌السلام در آخرین شب ماه رمضان

سیّد بن طاووس 1 گفته است: از اعمال شب آخر ماه رمضان زیارت مولا حضرت ابا عبد اللّه الحسین 7 است.[1]

علّامه مجلسی 1 نیز گفته است: در شب آخر ماه رمضان مستحب است غسل کردن و زیارت مولا حضرت ابا عبد الله الحسین 7.[2]

زیارت حضرت امام حسین 7 در ماه شوّال

استحباب زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب و روز عید فطر

شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجد گفته است:

مستحب است زیارت امام حسین 7 در شب عید فطر و روز آن، و فضیلت بسیاری برای آن روایت شده است. زهری در شرح وجوه صیام روایت کرده است: آنچه صاحب آن در آن مخیر می‌باشد و آن شش روز بعد از روز عید فطر است و همان است که عامه آن را تشییع می‌نامند. پس اگر روزه بگیرد در آن فضل فراوان است.[3]

شیخ مفید 1 در مزار از عبد الرحمان بن حجاج روایت کرده است که گفت: امام صادق 7 فرمودند:

کسی که امام حسین 7 را در یکی از سه شب زیارت کند خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد.

عبد الرحمان عرض کرد: آن سه شب کدام است؟ امام 7 فرمودند:

---

۱. آداب وادعیه ماه رمضان: ص ۵۰۰.
۲. زاد المعاد: ص۱۹۰.
۳. مصباح المتهجد: ص۶۶۵.

شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان.[1]

۱۶۳

(۲۳) زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب قدر و عیدین

شیخ مفید و شهید و سیّد بن طاووس 4 در کتاب مزار خویش گفته‌اند:

از زیارت‌های مخصوصه زیارت شب قدر، و دو روز عید فطر و عید قربان است، پس هرگاه خواستی آن حضرت را در اوقاتی که ذکر شد زیارت کنی برو حرم مطهر...، و تا آخر این زیارتی که ذکر خواهد شد را نقل کرده‌اند.

به سند خود از امام صادق 8 روایت کرده‌اند که فرمود:

هرگاه خواستی زیارت کنی حضرت ابا عبد الله الحسین 7 را، بعد از غسل و پوشیدن پاک‌ترین لباس‌ها وارد حرم مطهّر شو، و در کنار قبر منوّر آن حضرت بایست و آن را مقابل صورتت و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ، فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ،

سلام بر تو ای فرزند صدیقه طاهره، حضرت فاطمه سرور زنان عالم،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله، و رحمت خدا و برکات او.

۱. مزار مفید : ص۴۵، مزار کبیر: ص۳۴۸.

أَشْـهَدُ أَنَّــكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاٰةَ، وَآتَــيْتَ الزَّكاٰةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی و از بدی‌ها و زشتی‌ها

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتـاٰبَ حَـقَّ تِلاٰوَتِهِ، وَجاٰهَـدْتَ فِي اللَّهِ

نهی نمودی، و کتاب خدا قرآن را آن‌گونه که شایسته است تلاوت کردی و در راه خدا آن‌گونه که شایسته

حَـقَّ جِهـاٰدِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ في جَنْبِهِ مُحْتَسِـباً حَتّىٰ أَتـاٰكَ الْيَقِينُ.

است جهاد نمودی و بر اذیت و آزار در راه اطاعت او و رضای او شکیبایی کردی تا دار فانی را وداع نمودی.

أَشْـهَدُ أَنَّ الَّذِيـنَ خاٰلَفُـوكَ وَحاٰرَبُـوكَ، وَالَّذِيـنَ خَذَلُـوكَ، وَالَّذِيـنَ

شهادت می‌دهم کسانی که با تو مخالفت نمودند و کسانی که با تو جنگیدند و کسانی که تو

قَتَلُـوكَ، مَلْعُونُـونَ عَلـىٰ لِسـاٰنِ النَّبِـيِّ الْاُمِّـيِّ، وَقَـدْ خـاٰبَ مَـنِ افْتَـرىٰ،

را رها کردند و کسانی که تو را کشتند بر زبان پیامبر امی لعنت شده‌اند، و ناکام ماند آنکه افترا بندد،

لَعَـنَ اللَّـهُ الظّاٰلِمِيـنَ لَكُمْ، مِـنَ الْاَوَّلِيـنَ وَالْاٰخِرِيـنَ، وَضاٰعَـفَ عَلَيْهِمُ

خدا کسانی را که به شما ستم نمودند از اولین و آخرین لعنت کند و عذاب دردناک را بر

الْعَـذاٰبَ الْاَلِيمَ.

آنان مضاعف گرداند،

أَتَيْتُـكَ[1] يـاٰ مَـوْلاٰيَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، زاٰئِـراً قَبْـرَكَ، عاٰرِفـاً بِحَقِّـكَ،

آمده‌ام به سوی شما، ای مولای من، ای فرزند رسول خدا در حالی که زائرم و آشنا به حقّ شما

مُواٰلِيـاً لِاَوْلِياٰئِـكَ، مُعاٰدِيـاً لِاَعْداٰئِـكَ، مُسْـتَبْصِراً بِالْهُـدىٰ الَّـذِي أَنْـتَ

و دوستدار دوستان شما و دشمن دشمنانت می‌باشم، و به هدایتی که شما بر آن هستید آگاه و

عَلَيْـهِ، عاٰرِفـاً بِضَلاٰلَـةِ مَـنْ خاٰلَفَـكَ، فَاشْـفَعْ لـي عِنْـدَ رَبِّكَ يـاٰ مَـوْلاٰيَ.

به گمراهی مخالفین شما مطلع هستم، پس برای من نزد پروردگارت شفاعت کن ای مولای من.

سپس خود را بر قبر مطهر بیفکن و صورت بر آن خاک پاک نِه، آنگاه به قسمت بالای سر مبارک برو و بگو:

۱. اگر زیارت از راه دور است به جای «أتیتک» بگو: «تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ» (یعنی: روی آورده‌ام به سوی شما).

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمٰائِهِ، صَلَّى اللّٰهُ

سلام بر تو ای حجّت خدا در زمین و اسمان، درود خدا

عَلٰى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَجَسَدِكَ الطّٰاهِرِ، وَعَلَيْكَ السَّلٰامُ يٰا مَوْلٰايَ،

بر روح پاک و جسد مطهرت و بر تو باد سلام ای مولای من،

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و رحمت خدا و برکات او

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و صورت بر آن بگذار، سپس در قسمت بالای، سر دو رکعت نماز زیارت بخوان، و بعد از آن بگو آنچه را که گذشت.

زیارت حضرت علی بن الحسین 8

سپس به طرف پایین پای مبارک برو و حضرت علی بن الحسین 8 را زیارت کن و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ وَابْنَ مَوْلٰايَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ، لَعَنَ

سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من و رحمت خدا و برکات او، خدا لعنت کند کسی را

اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ مَنْ قَتَلَكَ، وَضٰاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذٰابَ الْاَلِيمَ.

که به تو ستم نمود و لعنت کند کسی را که تو را کشت و بر آنان عذاب دردناک را مضاعف گرداند.

زیارت شهداء

سپس شهیدان را زیارت کن و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدٰاءُ

سلام بر شما ای صدّیقان، سلام بر شما ای شهیدان

الصّٰابِرُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جٰاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْاَذىٰ

صابر، گواهی می‌دهم که شما در راه خدا جهاد کردید و در راه اطاعت او بر اذیت و آزار

فـي جَنْـبِ اللّـهِ، وَنَصَحْتُـمْ لِلّـهِ وَلِرَسُـولِهِ وَلِابْـنِ رَسُـولِهِ، حَتّـىٰ أَتاكُـمُ

صبر نمودید، و برای خدا و رسول او و فرزند رسول او خیرخواهی کردید تا اجل شما

الْيَقِيـنُ. أَشْـهَدُ أَنَّـكُمْ أَحْيـاءٌ عِنْـدَ رَبِّكُـمْ تُرْزَقُـونَ، فَجَزاكُـمُ اللّـهُ عَنِ

فرارسید. شهادت می‌دهم که شما زنده اید، نزد پروردگارتان روزی داده می‌شوید، خدا به شما از

الْاِسْـلامِ وَأَهْلِـهِ أَفْضَـلَ جَزاءِ الْمُحْسِـنِينَ، وَجَمَـعَ اللّهُ بَيْنَنـا وَبَيْنَكُمْ فِي

طرف اسلام و اهل اسلام بهترین پاداش نیکوکاران را مرحمت فرماید و بین ما و شما در بهشت

مَحَـلِّ النَّعِيمِ.

پر نعمت جمع نماید.

زیارت مولا قمر بنی هاشم حضرت ابا الفضل العباس 7 در شب قدر و عیدین

سپس روی آور طرف حرم حضرت عبّاس 7 ، بایست و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ أَمِيرِالْمُومِنِيـنَ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الْعَبْـدُ

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای بنده

الصّالِحُ، اَلْمُطِيعُ لِلّهِ وَ لِرَسُـولِهِ وَ لِاَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَ لِلْحَسَـنِ وَ الْحُسَـيْنِ

شایسته، ای آنکه مطیع خدا و رسول او و حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن وامام حسین ـ که درود خدا

صَلَـواتُ اللّـهِ عَلَيْهِـمْ، أَشْـهَدُ أَنَّـكَ قَـدْ جاهَـدْتَ وَنَصَحْـتَ وَصَبَرْتَ،

بر آنان باد ـ بودی، شهادت می‌دهم که تو جهاد نمودی و خیرخواهی کردی و پایداری از خود نشان دادی

حَتّـىٰ أَتـاكَ الْيَقِيـنُ، لَعَنَ اللّـهُ الظّالِمِيـنَ لَكُمْ مِـنَ الْاَوَّلِيـنَ وَالْاٰخِرِينَ،

تا آنکه دار فانی را وداع نمودی، خداوند لعنت کند کسانی را که به تو ستم نمودند از اولین و آخرین

وَأَلْحَقَهُـمُ بِـدَرْكِ الْجَحِيمِ.[1]

و آنان را به درک دوزخ ملحق فرماید.

۱. مفتـاح الجنّـات : ۵۹۹/۲ ، مـزار کبیر : ص۴۱۴ ، مزار شـهید 1 : ص۱۹۳ ، مصبـاح الزائر : ص۳۲۵، منهاج العارفین : ص۴۲۱ .

مؤلّف محترم گوید: در مزار کبیر این زیارت به عنوان «زیارت مختصر امام حسین 7 در شب قدر و عیدین» آورده شده است، ولی ظاهر این است که این زیارت، از زیارات مطلقه است و با مقداری اختلاف در آخر آن، در زیارات مطلقه ذکر شده است.

۱۶۴

(۲۴) زیارت امام حسین علیه‌السلام در عیدین

در مزار کبیر آمده است: زیارت دیگری برای حضرت ابا عبد الله الحسین 7 که با آن در عیدین زیارت می‌شود:

هرگاه خواستی زیارت کنی سه روز روزه بگیر، در روز سوم غسل کن و اهل و عیال خود را جمع کن و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوُلْدي، وَكُلَّ

خداوندا امروز خود و خانواده و مال و ثروت و فرزندانم و هر کس را که به من بستگی

مَنْ كانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ، اَلشّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغائِبَ. أَللّٰهُمَّ احْفَظْنا بِحِفْظِ

دارد از حاضران و غایبان به ودیعه به تو می‌سپارم، خداوندا ما را با حفظ ایمان حفظ کن

الْإِيمانِ، وَاحْفَظْ عَلَيْنا.

و آن را برای ما حفظ گردان.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا فِي حِرْزِكَ، وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا

خداوندا ما را در پناه خودت قرار ده و نعمتت را از ما سلب مکن، و نعمت و عافیتی که ما از آن

مِنْ نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ.

برخورداریم تغییر مده و از فضل و احسانت بر ما بیفزا همانا ما به سوی تو راغبیم.

و از خانه‌ات با خشوع بیرون بیا و زیاد تهلیل و تکبیر و تحمید و تمجید خداوند بگو و زیاد بر پیامبر 9 صلوات بفرست و با سکینه و وقار برو.

و روایت شده که خداوند تبارک و تعالی از عرق زوّار قبر امام حسین 7 ، از هر عرقی هفتاد هزار فرشته، می‌آفریند که آن‌ها تسبیح خدا می‌گویند و برای او و برای دیگر زوار امام حسین 7 تا روز رستاخیز، استغفار می‌کنند.

و وقتی گنبد نورانی و عالی مرتبه برای تو ظاهر گردید، بگو:

(اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلامٌ عَلىٰ عِبادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمّا

حمد و ستایش‌ها سزاوار خداوند است و سلام بر بندگانش که آنان را برگزیده است، آیا خدا

يُشْرِكُونَ)[1]**، (وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ)**[2]

بهتر است یا آنچه شریک او قرار می‌دهید؟ و سلام بر رسولان و حمد و ستایش سزاوار خداوند است

وَ (سَلامٌ عَلىٰ آلِ يس * إِنّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)[3]**، وَسَلامٌ**

که پروردگار جهانیان است. و سلام بر آل یس، همانا ما نیکوکاران را اینگونه پاداش می‌دهیم، و سلام

عَلَى الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ، وَالْاَوْصِياءِ الصّادِقِينَ، اَلْقائِمِيْنَ بِأَمْرِ اللَّهِ

بر پاکان و پاکیزگان (از هر عیب و نقصی) جانشینان صادق قیام کنندگان به امر خدا

وَحُجَّتِهِ، اَلسّاعِينَ إِلىٰ سَبِيلِ اللَّهِ، اَلْمُجاهِدِينَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

و حجت او، رهپویان راه خدا، مجاهدان راه خدا آن گونه که شایسته جهاد است،

النّاصِحِينَ لِجَمِيعِ عِبادِهِ، اَلْمُسْتَخْلَفِينَ فِي بِلادِهِ، الْمُرْشِدِينَ إِلىٰ

خیرخواهان نسبت به تمام بندگانش، خلافت داده‌شدگان در شهرهایش، راهنمایان

هِدايَتِهِ وَإِرْشادِهِ.

به هدایت الهی و ارشاد او.

۱. سورهٔ نمل، آیه۵۹ .

۲ و۳. سورهٔ صافّات : آیات۱۸۱ ـ ۱۸۲ و۱۳۰ ـ ۱۳۱.

پس هرگاه به پل علقمی مشرف شدی بگو: **أَللَّهُمَّ إِلَيْكَ قَصَدَ**

خداوندا قصد کنندگان به

الْقاصِدُونَ، وَفي فَضْلِكَ طَمَعَ الرّاغِبُونَ، وَبِكَ اعْتَصَمَ الْمُعْتَصِمُونَ،

سوی تو قصد نمودند و مشتاقان به فضل و احسان تو طمع نمودند، و پناهنده شدگان به تو پناهنده شده‌اند و

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلَ الْمُتَوَكِّلُونَ، وَقَدْ قَصَدْتُكَ وافِداً، وَفي رَحْمَتِكَ طامِعاً،

اهل توکّل بر تو توکّل می‌نمایند، تو را قصد نمودم با وارد شدنم و در رحمت تو طمع ورزیدم، و در پیشگاه

وَ لِعِزَّتِكَ خاضِعاً، وَ لِوُلاةِ أَمْرِكَ طائِعاً، وَ لِأَمْرِهِمْ مُتابِعاً.

عزتت خاضعم و برای صاحبان امرت مطیع و فرمانبردارم، و پیرو امر و فرمان آن‌ها هستم.

أَللَّهُمَّ ثَبِّتْني عَلىٰ مَحَبَّةِ أَوْلِيائِكَ، وَلا تَقْطَعْ أَثَري عَنْ زِيارَتِهِمْ،

خداوندا مرا بر محبت اولیاء خود ثابت بدار و اثر مرا از زیارت آنان قطع مکن و مرا

وَاحْشُرْني فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِمْ.

در زمره آنان محشور فرما و با شفاعت آنان مرا وارد بهشت فرما.

وقتی به فرات رسیدی صد مرتبه تکبیر بگو و صد مرتبه «لا إله إلّا الله» بگو، و صد مرتبه بر پیامبر 9 صلوات فرست، سپس بگو:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرِّجالُ، وَشُدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحالُ، وَأَنْتَ

خداوندا تو بهترین کسی هستی که اشخاص به سوی او کوچ می‌کنند و بار سفر به سوی او می‌بندند

سَيِّدِي أَكْرَمُ مَزُورٍ، وَأَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً، وَ

و تو ای سرور من گرامی‌ترین زیارت شده و برترین مقصودی، برای هر زائر کرامتی و برای هر وارد شده

لِكُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً ، فَأَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ

تحفه‌ای قرار داده‌ای، پس از تو می‌خواهم که تحفه‌ات را به من آزادی من از آتش قرار دهی، و تلاش مرا

النّارِ، وَاشْكُرْ سَعْيي، وَارْحَمْ مَسيرِي إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِي، بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي

پاداش دهی، و این پیمودن راه و سیر و سفرم را به سوی خودت را مورد ترحم قرار دهی، بدون اینکه از

عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنُ عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ لِـيَ السَّـبِيلَ إِلىٰ زِيارَةِ ابْنِ نَبِيِّكَ،

طرف من منّتی باشد بر تو بلکه تو بر من منّت داری، چون برای من این راه را طریق به سوی زیارت پسر

وَعَرَّفْتَنِـي فَضْلَـهُ، وَحَفِظْتَنِـي بِاللَّيْـلِ وَالنَّهارِ حَتّىٰ بَلَّغْتَنِي هٰـذَا الْمَكانَ،

پیامبرت قرار دادی، و فضیلت آن را به من شناساندی و در شب و روز مرا حفظ کردی تا به

وَقَـدْ رَجَوْتُـكَ فَـلا تَـقْطَعْ رَجائِـي، وَقَـدْ أَمَّـلْتُكَ فَـلا تُخَيِّـبْ أَمَلِـي،

این مکان رساندی، من به تو امیدوارم، امیدم را قطع مکن، و به تو دل بسته‌ام آرزوی مرا ناکام

وَاجْعَـلْ مَسِـيرِي هٰـذا كَفّـارَةً لِذُنُوبِـي يـا رَبَّ الْعالَمِيـنَ.

مگردان، و این سفرم را کفّاره گناهانم قرار بده، ای پروردگار جهانیان.

پـس فرود آی و غسـل کن و در حین غسـل کردن بگو: بِسْـمِ اللَّـهِ وَبِاللَّهِ،

به نام خدا و به یاری خدا،

وَلا حَـوْلَ وَلا قُـوَّةَ إِلّا بِاللَّـهِ، وَعَلـىٰ مِلَّـةِ رَسُـولِ اللَّـهِ، وَالصّادِقِيـنَ عَـنِ

هیچ قوّت و قدرت و جنبشی نیست مگر به وسیله خداوند، و بر آیین رسول خدا. و راستگویان از طرف

اللَّـهِ جَـلَّ وَعَـزَّ. أَللَّهُـمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْـرَحْ بِـهِ صَـدْرِي، وَنَوِّرْ بِـهِ قَلْبِي،

خداوند. خداوندا قلب مرا پاک گردان و سینه‌ام را گشایش بده با آن، و قلبم را نورانی گردان به سبب آن و کار

وَيَسِّـرْ بِـهِ أَمْرِي.

مرا آسان نما به برکت آن،

أَللَّهُـمَّ اجْعَلْـهُ لـي نُـوراً وَطَهُـوراً، وَشِـفاءً مِـنْ كُلِّ داءٍ، وَآفَـةٍ وَعاهَةٍ

خداوندا آن را برای من مایه روشنایی و پاکی و شفای هر درد و آفت و عیب و بدی آنچه

وَسُـوءٍ مـا أَخافُ وَأَحْـذَرُ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْ لي شـاهِداً يَـوْمَ حاجَتِي وَفَقْرِي

می‌ترسم و اجتناب می‌کنم قرار بده، خداوندا آن را برای من گواه قرار بده، روز احتیاج و فقر

وَ فاقَتِـي إِلَيْـكَ، يـا رَبَّ الْعالَمِيـنَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيرٌ.

و نیازم به تو، ای پروردگار جهانیان، که تو بر هر چیز توانایی.

نماز در محلّ ورودی به نهر[1]

و چون از غسل فارغ شدی، دو پیراهن پاک بپوش و خارج نهر دو رکعت نماز بخوان، ـ که آنجا مکانی است که خداوند تبارک و تعالی فرمود: (وَ فِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجٰاوِرٰاتٌ وَجَنّٰاتٌ مِنْ أَعْنٰابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوانٌ وَغَيْرُ صِنْوانٍ يُسْقىٰ بِمٰاءٍ وٰاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهٰا عَلىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ)[2] «و در زمین قطعه‌هایی همجوار و باغ‌هایی از انگورها و زراعت و نخل‌هایی است که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک تنه از یک ریشه و همه به یک آب سیراب می‌شوند و در ثمره از جهت طعم و مزّه و کیفیت آن بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم». ـ در رکعت اول سورهٔ «حمد» و «قل یا ایّها الکافرون»، و در رکعت دوم سورهٔ «حمد» و «قل هو الله احد» را می‌خوانی، وقتی سلام گفتی، پس تسبیح بگو و سپس بگو:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْوٰاحِدِ، اَلْمُتَوَحِّدِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهٰا، اَلرَّحْمٰانِ الرَّحِيمِ،

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که یگانه است، در تمام امور یکتا است، دارای رحمت عام و

(الَّذِي هَدٰانٰا لِهٰذٰا وَمٰا كُنّٰا لِنَهْتَدِيَ لَوْلٰا أَنْ هَدٰانَا اللّٰهُ لَقَدْ جٰاءَتْ

مهربانی خاص است «که ما را به این امر هدایت نمود، و اگر او هدایت نمی‌نمود راه را نمی‌یافتیم فرستادگان

رُسُلُ رَبِّنٰا بِالْحَقِّ)[3].

پروردگارمان حق را آورده‌اند.

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً كَثِيراً أَبَداً، لاٰ يَنْقَطِعُ وَلاٰ يَفْنىٰ، حَمْداً

خداوندا حمد و ستایش سزاوار تو است، حمد فراوان دائمی و همیشگی که قطع نشود و از بین نرود،

۱. شرعه و مشرعه، محل ورود آب برداشتن از نهر است. اکنون نهر علقمه پر است و شرعة الصادق معلوم نیست ولی محلّی در آن جهت به ایشان نسبت داده میشود، و شاید مقصود همان است.

۲. سورهٔ رعد : آیه۴

۳. سورهٔ أعراف : آیه۴۳ .

يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلاٰ يَنْفَدُ آخِرُهُ، حَمْداً يَزِيدُ وَلاٰ يَبِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ

حمدی که ابتدای آن بالا رود و انتهای آن بی پایان باشد، حمدی که زیاد شود و نابود نگردد، و درود خدا

مُحَمَّدِنِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَعَلىٰ آلِهِ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

بر حضرت محمّد بشارت دهنده بیم دهنده و بر خاندان او خوبان نیکوکاران و سلام فراوان بر آنان باد.

و وقتی روی به حائر نمودی بگو: أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ لِبابِكَ

خداوندا به سوی تو توجه نموده‌ام، و درب خانه تو

قَرَعْتُ، وَ بِفِنائِكَ نَزَلْتُ، وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْتُ، وَ لِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ،

را زدم، و به ساحت قدس تو و بر در سرایت فرود آمدم و به ریسمان محکم تو چنگ زدم و خود را در معرض

وَ بِوَلِيِّكَ تَوَسَّلْتُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ زِيارَتِي مَبْرُورَةً،

رحمت تو قرار دادم و به ولی تو توسل جستم، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و زیارتم را پذیرفته

وَدُعائِي مَقْبُولاً.

شده و دعایم را قبول فرما.

سپس راه برو و قدم‌هایت را کوتاه بردار در حالی که با وقار و آرامش و خشوع هستی و «الله اکبر» و «لا اله الّا الله» و«الحمد لله» می گویی و تمجید و ثنای خداوند می کنی و بر پیامبر 9 صلوات می‌فرستی و تبری می‌جویی از کسانی که اساس ظلم و ستم را بر آنان بنا نهادند و آنان را از مقام و مرتبه خویش کنار زدند، و علیه آنان جنگ به راه انداختند و حقّ آنان را انکار کردند.

اذن دخول

و چون خواستی اذن بگیری برای وارد شدن در کنار درب بارگاه بایست و به طرف قبر مطهر نگاه کن و بگو:

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ أَمَتِكَ، اَلذَّلِيلُ

ای مولای من، ای ابا عبد الله، ای پسر رسول خدا، بنده تو و پسر بندهٔ تو و پسر کنیز توام،

بَيْـنَ يَدَيْـكَ، وَالْمُصَغَّـرُ فـي عُلُـوِّ قَـدْرِكَ، وَالْمُعْتَـرِفُ بِحَقِّـكَ، جـاءَكَ

در پیشگاهت خوار و ذلیلم، و در کنار قدر و مرتبه عالی شما کوچک و مقصّرم، به حقّ شما معترفم،

مُسْـتَجِيراً بِـكَ، قاصِـداً إِلـىٰ حَرَمِـكَ، مُتَوَجِّهـاً إِلـىٰ مَقامِـكَ، مُتَوَسِّـلاً

آمده‌ام به دربار شما در حالی که حرم مطهرت را قصد نموده و به جایگاه شما روی آورده‌ام و به خداوند

إِلَـى اللَّـهِ تَعالىٰ بِـكَ، ءَأَدْخُلُ يـا مَـوْلايَ، ءَأَدْخُلُ يـا وَلِيَّ اللَّـهِ، ءَأَدْخُلُ

تبارک و تعالی به واسطه شما توسل جسته‌ام. آیا وارد شوم ای مولای من، آیا وارد شوم ای ولی خدا، آیا

يـا مَلائِكَةَ اللَّـهِ اَلْمُحْدِقِيـنَ بِهٰـذَا الْحَـرَمِ، اَلْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَشْـهَدِ؟

وارد شوم ای فرشتگان الهی که اطراف این حرم را احاطه کرده و در این زیارتگاه اقامت نموده اید؟

پـس اگـر قلبت خاشـع و اشـک چشـمانت جـاری گردیـد علامت قبـول و اذن اسـت، ابتـدا پـای راسـت و بعـد از آن پـای چـپ را بگـذار و بگو:

بِسْـمِ اللَّـهِ وَبِاللَّـهِ، وَفـي سَـبِيلِ اللَّـهِ، وَعَلـىٰ مِلَّةِ رَسُـولِ اللَّـهِ. أَللَّهُمَّ

به نام خدا، و با استعانت از خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا، خداوندا مرا در

أَنْزِلْنِـي مُنْـزَلاً مُبـارَكاً، وَأَنْـتَ خَيْـرُ الْمُنْزِلِينَ.

منزل مبارک فرود آور که تو بهترین فرودآورنده‌ای.

سـپس بگـو: اَللَّهُ أَكْبَـرُ كَبِيـراً، وَالْحَمْدُ لِلَّـهِ كَثِيراً، وَسُـبْحانَ اللَّـهِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر است بس بزرگ‌تر، ستایش او را به جای آورم بسیار، و او را صبح و شام

وَأَصِيـلاً، وَالْحَمْـدُ لِلَّـهِ الْفَـرْدِ الصَّمَـدِ، اَلْماجِـدِ الْاَحَـدِ، اَلْمُتَفَضِّـلِ

تسبیح می‌گویم و تنزیه می‌نمایم. حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که یگانه و بی نیاز، باشکوه و عظمت

الْمَنّـانِ، اَلْمُتَطَـوِّلِ الْحَنّـانِ، اَلَّـذِي مَـنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَـهَّلَ لي زِيـارَةَ مَوْلايَ

و یکتا است، دارای فضل و امتنان و لطف و مهربانی است که به لطف خویش منّت گذاشته و زیارت مولایم

بِإِحْسـانِهِ، وَلَـمْ يَجْعَلْنِـي عَـنْ زِيـارَتِهِ مَمْنُوعـاً، وَلا عَـنْ ذِمَّتِـهِ مَدْفُوعاً،

را برایم فراهم ساخته و مرا از زیارتش منع ننموده و از پناهش و امانش دور نساخته بلکه لطف کرده و عطا و

بَلْ تَطَـوَّلَ وَمَنَحَ.

بخشش فرموده است.

سـپس وارد حـرم مطهـر شـو، و چـون وسـط آن قـرار گرفتـی بـه مـوازات قبـر مبـارک بـا خشـوع و گریـه و زاری بایسـت و بگـو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ آدَمَ صَفْـوَةِ اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم، برگزیده خداوند، سلام بر تو ای وارث

نُـوحٍ نَبِـيِّ اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيـمَ خَلِيـلِ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ

حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خداوند، سلام

عَلَيْـكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيـمِ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ

بر تو ای وارث حضرت موسی کلیم خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح

اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ مُحَمَّـدٍ حَبِيـبِ اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يٰا

خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمد 9 حبیب خدا، سلام بر تو ای

وٰارِثَ عَلِـيٍّ وَلِـيِّ اللَّهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَا الْوَصِـيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ، اَلسَّـلاٰمُ

وارث حضرت علی بن ابی طالب ولی خدا، سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزکار، سلام بر تو ای

عَلَيْـكَ يـا ثـارَ اللَّـهِ وَابْـنَ ثـارِهِ، وَالْوِتْـرَ الْمَوْتُورَ.

خون خدا و پسر خون خدا،و تنهایی که انتقامش گرفته نشده است

أَشْـهَدُ أَنَّكَ قَـدْ أَقَمْتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتَ الـزَّكٰاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَجٰاهَـدْتَ فِـي اللَّهِ حَـقَّ جِهـٰادِهِ، حَتَّى اسْـتُبِيحَ

و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی نمودی و در راه خدا آن گونه که سزاوار است جهاد کردی، تا آنکه به تو

حَرَمُـكَ وَقُتِلْـتَ مَظْلُومـاً.

بی حرمتی نموده و مظلومانه تو را کشتند.

سپس با قلب خاشع و چشم اشکبار در قسمت بالای سر مبارک بایست و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا أَبـا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاٰطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساٰءِ الْعاٰلَمِينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا بَطَلَ الْمُسْلِمِينَ.

سلام بر تو ای پسر سرور اوصیاء، سلام بر تو ای پسر حضرت فاطمه، سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای قهرمان مسلمانان.

يـا مَوْلاٰيَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلاٰبِ الشّامِخَةِ، وَالْأَرْحاٰمِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاٰهِلِيَّةُ بِأَنْجاٰسِهاٰ، وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاٰتِ ثِيٰابِهاٰ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعاٰئِمِ الدِّينِ، وَأَرْكاٰنِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ.

ای مولای من، شهادت می‌دهم که تو نوری بودی در صلب‌های بسیار رفیع و ارحام پاک، جاهلیت به آلودگی‌هایش شما را نیالود و از لباس‌های تیره و تاریک آن بر شما نپوشاند، و شهادت می‌دهم که تو از اسطوانه‌های دین و ارکان مسلمین و پناهگاه مؤمنین هستید.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِماٰمُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ، اَلزَّكِيُّ الْهاٰدِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَأَعْلاٰمُ الْهُدىٰ، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيٰا.

و شهادت می‌دهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده ای، پاک و منزّه و هدایتگر وهدایت شده‌ای، شهادت می‌دهم که امامان از فرزندان تو مظهر تقوا و نشانه هدایت و دست آویز مورد اطمینان و حجّت بر اهل دنیا هستند.

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: (إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ)[1]،

«ما از خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم»

يا مَوْلاىَ أَنا مُوالٍ لِوَلِيِّكُمْ، وَمُعادٍ لِعَدُوِّكُمْ، وَأَنا بِكُمْ مُؤْمِنٌ،

ای مولای من، با دوستان شما دوست و با دشمنان شما دشمنم، به شما ایمان دارم و به بازگشت

وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرائِعِ دِيني وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ،

شما و احکام دینم و سرانجام کارم یقین دارم، و قلب من در برابر قلب شما تسلیم و در هر

وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، يا مَوْلاىَ، أَتَيْتُكَ خائِفاً فَآمِنِّي، وَأَتَيْتُكَ

امری پیرو شما هستم، ای مولای من، من ترسان آمده‌ام ایمنی به من ببخش، پناهنده آمده‌ام به من

مُسْتَجِيراً فَأَجِرْنِي، وَأَتَيْتُكَ فَقِيراً فَأَغْنِنِي.

پناه بده، فقیر و بی نوا آمده‌ام پس مرا بی نیاز گردان.

سَيِّدي وَمَوْلاىَ، أَنْتَ مَوْلاىَ [وَ] حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

ای سرور من و مولای من، تو مولای من و حجت خدا بر تمام خلق هستی،

آمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَبِظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ،

به پنهان شما و آشکار شما و به ظاهر و باطن شما و به اول و آخر شما ایمان دارم، و

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ التّالِي لِكِتابِ اللَّهِ، وَأَمِينُ اللَّهِ، اَلدّاعِي إِلَى اللَّهِ

گواهی می‌دهم که تو تلاوت کننده کتاب خدا و امین خدا و دعوت کننده به سوی خدا

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

با حکمت و موعظه نیکو هستی، خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند، خدا لعنت کند گروهی

أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

را که آن را شنیدند و بدان خشنود گشتند.

سپس در بالای سر مبارک چهار رکعت نماز بخوان،

چون سلام دادی بگو:

۱. سورهٔ بقره، آیه۱۵۶.

أَللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ، وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحْدَكَ

خداوندا برای تو نماز خوانده، رکوع و سجده نمودم، تنها برای تو که یکتایی

لاٰ شَرِيكَ لَكَ، لِاَنَّهُ لاٰ تَجُوزُ الصَّلاٰةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلّا لَكَ،

و شریکی برایت نیست، زیرا نماز و رکوع و سجده جز برای تو روا نمی‌باشد، زیرا تو خداوندی

لِاَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لاٰ إِلَهَ إِلّا أَنْتَ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

هستی که و معبود شایسته‌ای جز تو نیست. خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست

مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلاٰمِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلاٰمَ.

و بهترین تحیت و سلام را به ایشان برسان و از ایشان پاسخ تحیت و سلام را به من برگردان،

أَللَّهُمَّ وَهاٰتاٰنِ الرَّكْعَتاٰنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ سَيِّدِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

خداوندا این دو رکعت نماز هدیه است از طرف من به مولا و سرور و امامم حضرت حسین بن علی

عَلَيْهِمَا السَّلاٰمُ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهاٰ مِنِّي، وَأْجُرْنِي

سلام و درود بر ایشان باد ـ ، خداوندا بر محمّد و آل محمد درود فرست، و آن را از من بپذیر،

عَلَيْهِماٰ أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجاٰئِي فِيكَ وَفِي أَوْلِيٰائِكَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

و بر آن بهترین آرزو و امیدی که نسبت به تو و ولیّت دارم مرا پاداش ده، ای سرپرست مؤمنین.

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَى

سلام بر حسین

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْعَبَرٰاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرُبٰاتِ.

بن علی ستمدیده شهید، کشته اشک‌ها و اسیر اندوه‌ها، خداوندا من شهادت

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ نَبِيِّكَ، الثّاٰئِرُ بِحَقِّكَ، أَكْرَمْتَهُ

می‌دهم که او ولیّ تو و فرزند پیامبر تو است، به حق تو قیام نموده است، او را به کرامت خویش گرامی داشتی

بِكَرٰامَتِكَ، وَخَتَمْتَ لَهُ بِالشَّهاٰدَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّاٰدَةِ، وَقاٰئِداً

و شهادت را خاتمه کارش قرار دادی، و او را سروری از سروران و زمامداری از زمامداران قرار دادی،

مِـنَ الْقـادَةِ، وَأَكْرَمْتَـهُ بِطِيـبِ الْـوِلادَةِ، وَأَعْطَيْتَـهُ مَوارِيـثَ الْاَنْبِيـاءِ،

به پاکی ولادت او را اکرام نمودی و میراث پیامبران را به او عطا فرمودی و او را حجت خویش

وَجَعَلْتَـهُ حُجَّتَـكَ عَلـىٰ خَلْقِـكَ مِـنَ الْاَوْصِيـاءِ. فَأَعْـذَرَ فِـي الدُّعـاءِ،

بر خلق خود قرار دادی از اوصیا، پس در دعوت مردم کوتاهی نکرد و خیرخواهی نمود،

وَمَنَـحَ النَّصِيحَـةَ، وَبَـذَلَ مُهْجَتَـهُ فِيـكَ حَتّـى اسْـتَنْقَذَ عِبـادَكَ مِـنَ

و خون قلب خویش را در راه تو بذل نمود تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی ضلالت نجات دهد

الْجَهالَـةِ، وَحَيْـرَةِ الضَّلالَـةِ، وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْـهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيـا، وَباعَ حَظَّهُ

و علیه او اقدام نمود کسی که دنیا او را فریب داد و آخرت خود را به بهای اندکی فروخت، و در هوای

بِـالْاَرْذَلِ الْاَدْنـىٰ، وَتَـرَدّىٰ فِي هَواهُ، وَأَسْـخَطَكَ وَأَسْـخَطَ نَبِيَّـكَ، وَأَطاعَ

خویش سقوط کرد، و تو را و رسول تو را به خشم و غضب آورد، و بندگانی را که اهل شقاوت و نفاق

مِـنْ عِبـادِكَ أُولِـي الشِّـقاقِ وَالنِّفـاقِ، وَحَمَلَـةَ الْاَوْزارِ، وَالْمُسْـتَوْجِبِينَ

و حامل وزر و گناه و مستحقّ آتش بودند، اطاعت کرد، پس با آنان در راه تو جهاد نمود در حالی که

لِلنّـارِ، فَجاهَدَهُـمْ فِيـكَ صابِـراً مُحْتَسِـباً، مُقْبِـلاً غَيْـرَ مُدْبِـرٍ، لا تَأْخُـذُهُ

صبر پیشه کرد و رضای تو را در نظر داشت، رو کرد به آنان و پشت نکرد، او را بازنداشت در راه خدا

فِـي اللّـهِ لَوْمَةُ لائِـمٍ، حَتّىٰ سُـفِكَ فـي طاعَتِكَ دَمُـهُ، وَاسْـتُبِيحَ حَرِيمُهُ.

سرزنش سرزنش کنندگان تا آنکه در راه اطاعت تو خونش به زمین ریخته شد و حرمتش نادیده گرفته شد،

أَللّـهُـمَّ الْعَنْهُـمْ لَعْنـاً وَبِيـلاً، وَعَذِّبْهُـمْ عَذابـاً أَلِيماً.

خداوندا لعنت کن آنان را لعنت فراوان، و عذاب کن آنان را عذاب دردناک.

سـپس رو کـن به حضـرت علی بن الحسـین 8 و آن حضرت در پاییـن پای مبارک امام حسـین 7 اسـت و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يا وَلِـيَّ اللّهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُـولِ اللّهِ، اَلسَّـلامُ

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ

بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور بانوان

الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُومِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ

عالم، سلام بر تو ای پسر امیرمؤمنان، سلام بر تو ای ستمدیده شهید، پدر و مادرم

الشَّهِيدُ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، عِشْتَ سَعِيداً، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً شَهِيداً.

فدای تو، سعادتمندانه زندگی کردی و مظلومانه کشته شدی و به شهادت رسیدی.

زیارت شهیدان رضوان الله علیهم

سپس روی بگردان طرف قبور شهدا و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الذّابُّونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما

سلام بر شما ای دفاع کنندگان از توحید الهی و یکتا پرستی، سلام بر شما به صبری که نمودید،

صَبَرْتُمْ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، فُزْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً.

نیکو سرانجام است این دنیای شما را، پدر و مادرم فدای شما، رستگار شدید، رستگاری عظیم.

زیارت مولا حضرت ابا الفضل العباس فرزند امیرالمؤمنین 8 در دو عید

می ایستی در کنار قبر مطهّر و می گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الصّالِحُ، وَالصِّدِّيقُ الْمُواسِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو ای ولی شایسته و ای صدّیقی که مواسات نمود و همدردی کرد، شهادت می‌دهم که تو ایمان

آمَنْتَ بِاللَّهِ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبِيلِ اللَّهِ، وَواسَيْتَ

به خدا داشتی، و فرزند رسول خدا را یاری نمودی و به راه خدا دعوت کردی و با جان خود مواسات نمودی

بِنَفْسِكَ، وَبَذَلْتَ مُهْجَتَكَ، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

و مساعدت کردی، و خون قلب خویش را بذل نمودی، پس بر تو باد از طرف خداوند بهترین تحیت و درود.

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: **بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي، يا ناصِرَ دِينِ اللَّهِ،**

پدر و مادرم فدای شما

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ الْحُسَيْنِ الصِّدِّيقِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ

ای یاور دین خدا، سلام بر تو ای یاری کننده حسین صدّیق، سلام بر تو ای یاری کننده

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، عَلَيْكَ مِنِّي السَّلامُ ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

حسین شهید، بر تو باد از من سلام تا مادامی که هستم و شب و روز باقی است.

سپس در قسمت بالای سر مبارک دو رکعت نماز می‌خوانی و می گویی آنچه در بالای سر مبارک امام حسین 7 گفتی.

آنگاه باز می گردی به حرم مطهر امام حسین 7 و به مقداری که دوست داری در آنجا می‌مانی ولی مستحب است که آنجا را محل خواب خود قرار ندهی.

باب الوداع

و هرگاه خواستی وداع کنی در بالای سر بایست و در حالی که گریه می کنی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ سَلامَ مُوَدِّعٍ، لا قالٍ وَلا سَئِمٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفْ

سلام بر تو ای مولای من، سلام وداع کننده‌ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ، پس اگر بازگردم از

فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَإِنْ أُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللَّهُ الصّابِرِينَ،

روی رنجیده شدن و دلتنگی نست و اگر بمانم از روی بدگمانی به وعده‌ای که خداوند به صابران داده نباشد،

يا مَوْلايَ لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِكَ، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ

ای مولای من، خدا این زیارتم را آخرین زیارت من نسبت به شما قرار ندهد و بازگشتن به سوی شما

إِلَيْكَ، وَالْمَقامَ في حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ فِي مَشْهَدِكَ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

و جای گرفتن در حرمت و بودن در زیارتگاهت را روزی‌ام گرداند، اجابت کن ای پرودرگار جهانیان.

سپس آن را ببوس و صورتت را بر آن بمال و بر سائر بدنت مسح کن که امان است و حرز و نگهدارنده است؛

و از نزد حضرت به قهقری بازگرد و پشت به ضریح مقدّس نکن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ الْمَقامِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَريكَ الْقُرْآنِ،

سلام بر تو ای دری که از آن در می‌توان به مقام و مرتبه رسید، سلام بر تو ای شریک قرآن،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ الْخِصامِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفِينَةَ النَّجاةِ،

سلام بر تو ای دلیل و برهان برای دفع خصومت‌ها، سلام بر تو ای کشتی نجات،

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّيَ، اَلْمُقِيمِينَ في هٰذَا الْحَرَمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

سلام بر شما ای ملائکه پروردگارم که در این حرم مقیم هستید، سلام بر تو برای همیشه مادامی که باقی هستم و شب و روز باقی است.

و می‌گویی: **(إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ)**[1]**، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**، تا آنکه از قبر پنهان می‌گردی.

«ما از خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم» هیچ حول و قوه‌ای جز به وسیله خداوند بلند مرتبه با عظمت نیست،

وقتی زیارت را این گونه انجام دادی، مثل کسی می‌باشی که خدا را در عرش زیارت نموده باشد.[2]

مؤلّف محترم گوید: در کتاب مزار کبیر این زیارت را نقل کرده‌اند و گفته‌اند: «امام حسین 7 با این زیارت در عیدین زیارت می‌شود» ولی ظاهراً از زیارات مطلقه است که با اختلاف زیاد در آن‌ها ذکر شده است.

۱. سورهٔ بقره، آیه۱۵۶.
۲. مزار کبیر: ص۴۱۷.

(۲۵) زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب و روز عید فطر

در کتاب بلد الامین مذکور است:

مستحب است در شب و رو زعید فطر زیارت امام حسین 7 ، بعد از غسل و اذن ورود اگر زیارتت از نزدیک باشد می‌گویی:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً، وَسُبْحانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً،

خدا بزرگتر است بس بزرگ‌تر، ستایش او را به جای آورم بسیار، و او را صبح و شام تسبیح می‌گویم و

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، اَلْماجِدِ الْاَحَدِ، اَلْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ، اَلْمُتَطَوِّلِ

تنزیه می‌نمایم. حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که یگانه و بی نیاز، باشکوه و عظمت و یکتا است، دارای

الْحَنّانِ، اَلَّذِي مِنْ تَطَوِّلِهِ سَهَّلَ لي زِيارَةَ مَوْلايَ بِإِحْسانِهِ، وَلَمْ

فضل و امتنان و لطف و مهربانی است که به لطف خویش منّت گذاشته و زیارت مولایم را برایم فراهم ساخته

يَجْعَلْنِي عَنْ زِيارَتِهِ مَمْنُوعاً، وَلا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

و مرا از زیارتش منع ننموده و از پناهش و امانش دور نساخته بلکه لطف کرده و عطا و بخشش فرموده است.

سپس وارد حرم مطهر شو، و چون وسط آن قرار گرفتی به موازات قبر مبارک با خشوع و گریه و زاری بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم، برگزیده خداوند، سلام بر تو ای وارث

نُوحٍ أَمِينِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ

حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خیل خداوند، سلام بر

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ

تو ای وارث حضرت موسی کلیم خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح

اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّـهُ عَلَيْهِ وَآلِـهِ حَبِيبِ اللَّهِ.

خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمد ـ صلوات خدا بر ایشان و آل ایشان باد ـ حبیب خدا،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا وٰارِثَ عَلِـيٍّ حُجَّةِ اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَـا الْوَصِيُّ

سلام بر تو ای وارث حضرت علی بن ابی طالب ولی خدا، سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزکار،

الْبَـرُّ التَّقِـيُّ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا ثـٰارَ اللَّـهِ وَابْنَ ثـٰارِهِ، وَالْوِتْـرَ الْمَوْتُورَ.

سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا،و تنهایی که انتقامش گرفته نشده است

أَشْـهَدُ أَنَّـكَ أَقَمْـتَ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْـتَ الـزَّكـٰاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْـرُوفِ،

شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی

وَنَهَيْـتَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَجٰاهَـدْتَ فِـي اللَّهِ حَـقَّ جِهـٰادِهِ، حَتَّى اسْـتُبِيحَ

و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی نمودی و در راه خدا آن گونه که سزاوار است جهاد کردی، تا آنکه به تو بی‌حرمتی

حَرَمُـكَ وَقُتِلْـتَ مَظْلُومـاً.

نموده و مظلومانه تو را کشتند.

سـپس بـالای سـر مبـارک بـا قلبـی خاشـع و چشـمی اشـکبار بایسـت و بگـو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا أَبـٰا عَبْدِاللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ سَـيِّدِ الْوَصِيِّيـنَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ فٰاطِمَـةَ

سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیاء، سلام بر تو ای فرزند فاطمه

سَـيِّدَةِ نِسـٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا بَطَلَ الْمُسْـلِمِينَ. أَشْـهَدُ أَنَّكَ

سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای قهرمان مسلمانان، گواهی می‌دهم که تو

كُنْـتَ نُـوراً فِـي الْأَصْـلاٰبِ الشّـامِخَةِ، وَالْأَرْحـٰامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْـكَ

نوری بودی در صلب‌های ارجمند و ارحام پاک، جاهلیت با همه آلودگی و پلیدی‌اش

الْجاٰهِلِيَّـةُ بِأَنْجاٰسِـهاٰ، وَلَـمْ تُلْبِسْـكَ مِـنْ مُدْلَهِمّـاتِ ثِيابِهاٰ.

تو را آلوده نساخت و از لباس‌های تیره و تاریکش بر تو نپوشاند،

وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ مِـنْ دَعاٰئِـمِ الدِّيـنِ، وَأَرْكاٰنِ الْمُسْـلِمِينَ، وَمَعْقِـلِ

و گواهی می‌دهم که تو از پایه‌های اصلی دین و ارکان مسلمین و پناهگاه مؤمنین هستی، و

الْمُؤْمِنِيـنَ، وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ الْإِمـاٰمُ الْبَـرُّ التَّقِـيُّ الرَّضِـيُّ، اَلـزَّكِـيُّ الْهاٰدِي

گواهی می‌دهم که تو امام و پیشوای نیکوکار و پرهیزکار، پسندیده، پاک و منزه و هدایتگر

الْمَهْـدِيُّ، وَأَشْـهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّـةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَـةُ التَّقْوىٰ، وَأَعْـلاٰمُ الْهُدىٰ،

و هدایت شده‌ای، و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان تو نشانه تقوا و پرچم هدایت

وَالْعُـرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّـةُ عَلىٰ أَهْـلِ الدُّنْيـاٰ.

و دست آویز مورد اطمینان و حجت خدا بر اهل دنیا می‌باشند.

سـپس خـود را بـر ضریح بیفکـن و بگـو: (إِنّا لِلَّـهِ وَإِنّـا إِلَيْـهِ رٰاجِعُونَ)،

«ما از خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم»

يـاٰ مَـوْلاٰيَ أَنـا مُـوالٍ لِـوَلِـيِّكُمْ، وَمُعـاٰدٍ لِعَدُوِّكُـمْ، وَأَنـا بِكُـمْ مُؤْمِـنٌ،

ای مولای من، من با دوست شما دوست و با دشمن شما دشمنم، به شما ایمان دارم و به بازگشت شما

وَبِـإِيابِكُمْ مُوقِـنٌ، بِشَـرٰائِعِ دِينِـي وَخَواٰتِيـمِ عَمَلـي، وَقَلْبِـي لِقَلْبِكُـمْ

یقین دارم به احکام و قوانین دینم و فرجام عملم، و قلب من در برابر قلب شما تسلیم و امر من

سِـلْمٌ، وَأَمْرِي لِاَمْرِكُـمْ مُتَّبِعٌ، يا مَـوْلاٰيَ، أَتَيْـتُكَ خاٰئِفاً فَآمِنِّي، وَأَتَيْـتُكَ

در برابر امر شما تابع است، ای مولای من به نزد شما ترسناک آمده‌ام، به من ایمنی بخش، پناهنده

مُسْـتَجِيراً فَأَجِرْنِـي، وَأَتَيْتُـكَ فَقِيـراً فَأَغْنِنِـي.

آمده‌ام پناهم بده، فقیر و بی نوا آمده‌ام بی نیازم گردان.

سَـيِّدي وَمَـوْلاٰيَ، أَنْـتَ مَـوْلاٰيَ وَحُجَّةُ اللَّـهِ عَلَـى الْخَلْـقِ أَجْمَعِينَ،

سرور من و مولای من، تو مولای من، حجت خدا بر تمام خلق هستی،

آمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَبِظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ،

به پنهان شما و آشکار شما و ظاهر شما و باطن شما و اوّل شما و آخر شما ایمان دارم و

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ التّالِي لِكِتابِ اللَّهِ، وَأَمِينُ اللَّهِ، اَلدّاعِي إِلَى اللَّهِ

شهادت می‌دهم که تو تلاوت کننده کتاب خدا و امین خدا و دعوت کننده به سوی خدا هستی

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

با حکمت و پند و اندرز نیکو.

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

خداوند لعنت کند گروهی را که تو را کشتند، و خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند، و خدا لعنت کند

أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

گروهی را که این ظلم را نسبت به شما شنیدند و بدان خشنود گشتند.

سپس بالای سر مبارک امام حسین 7 دو رکعت نماز بخوان.[1]

۱. بلد الأمین :ص ۴۰۶ ، منهاج العارفین : ص۴۱۸ .

۱۶۶

(۲۶) زیارت امام حسین علیه‌السلام در ماه ذیقعده

کفعمی 1 در بلد الامین گفته است: هرگاه خواستی امام حسین 7 را در ماه ذیقعده زیارت کنی، بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ وَأَبا أَوْلِيائِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای ولیّ خدا و پسر ولی او، و پدر اولیائش، سلام بر تو

يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ وَأَبا حُجَجِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خاتَمِ

ای حجّت خدا و پسر حجّت او و پدر حجج او، سلام بر تو ای فرزند خاتم

النَّبِيِّينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَابْنَ إِمامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قائِدِ الْغُرِّ

پیامبران و فرزند سرور اوصیاء و فرزند پیشوای پرهیزکاران، و فرزند زمامدار

الْمُحَجَّلِينَ، إِلَى جَنّاتِ النَّعِيمِ، وَكَيْفَ لا تَكُونُ كَذٰلِكَ، وَأَنْتَ بابُ

روسفیدان به سوی بهشت‌های پرنعمت، و چگونه چنین نباشی در حالی که تو باب

الْهُدىٰ، وَإِمامُ التُّقىٰ، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا،

هدایت و پیشوای پرهیزکاری و دست آویز مطمئن و حجّت بر اهل دنیا

وَخامِسُ أَصْحابِ الْكِساءِ، غَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ

و پنجمین اصحاب کساء هستی، دست رحمت غذا داد تو را و از پستان ایمان شیر داده

الْإِيمانِ، وَرُبِّيْتَ في حَجْرِ الْإِسْلامِ، وَالنَّفْسُ غَيْرُ راضِيَةٍ بِفِراقِكَ،

شدی و در دامن اسلام پرورش یافتی و نفس به فراق تو رضایت ندارد و خشنود نیست

وَلا شاكَّةٍ في حَياتِكَ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ وَأَبْنائِكَ.

و هیچ شکی در حیات تو ندارد، درود خدا بر تو و بر پدران و فرزندانت.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَرِيعَ الْعَبْرَةِ السّاكِبَةِ، وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ،

سلام بر تو ای کشته اشک ریزان و قرین مصیبت پیوسته،

لَعَنَ اَللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ، فَقُتِلْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

خدا لعنت کند گروهی را که بی‌حرمتی به تو روا داشتند پس کشته شدی ـ درود خدا بر تو باد ـ

مَقْهُوراً، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْتُوراً، وَأَصْبَحَ

از روی قهر و غلبه، رسول خدا ـ صلوات خدا بر او و آل ایشان باد ـ به سبب تو بی یار و یاور گردید

كِتابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُوراً.

و قرآن با فقدان تو متروک گردید.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ

سلام بر تو و بر جدّت و پدرت و مادر و برادرت و بر امامان

مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافِّينَ

از فرزندانت و بر شهادت طلبان همراهت، و بر فرشتگانی که قبر تو را احاطه

بِقَبْرِكَ، وَالشّاهِدِينَ لِزُوّارِكَ، اَلْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلىٰ دُعاءِ شِيعَتِكَ،

نموده‌اند، زوار تو را مشاهده می‌کنند و به دعای شیعیانت آمین می‌گویند،

وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او.

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ

پدر و مادرم به فدای تو ای ابا عبد الله، عزایت عظیم و مصیبتی که بر شما وارد شد بر

الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا، وَعَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ

ما و تمام اهل زمین و آسمان بسیار گران است. خدا لعنت کند گروهی را که اسب‌های

اللَّـهُ أُمَّةً أَسْـرَجَتْ وَأَلْجَمَـتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِـكَ، يا مَوْلايَ يا أَبـا عَبْدِاللَّهِ،

خود را زین کردند و لجام زدند و برای قتال با تو آماده شدند، ای مولای من، ای ابا عبد الله،

قَصَـدْتُ حَرَمَـكَ، وَأَتَيْـتُ مَشْـهَدَكَ، أَسْـأَلُ اللَّـهَ بِالشَّـأْنِ الَّـذِي لَـكَ

حرم شما را قصد نمودم و به زیارتگاه شما آمدم، از خدا درخواست می‌نمایم به شأن و مقام و

عِنْـدَهُ، وَبِالْمَحِـلِّ الَّذي لَـكَ لَدَيْـهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّـدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مرتبه‌ای که برایت نزد او است و به جایگاهی که در پیشگاه او داری که بر محمّد و آل محمّد

وَأَنْ يَجْعَلَنِـي مَعَكُـمْ فِـي الدُّنْيا وَالْاٰخِـرَةِ بِمَنِّـهِ وَرَحْمَتِهِ.[1]

درود فرستد و مرا با شما به لطف و رحمتش قرار دهد در دنیا و آخرت.

۱. بلد الامین: ص۴۰۷.

زیارت امام حسین 7 در ماه ذیحجّه

فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب و روز عرفه

۱ـ شیخ طوسی 1 در مصباح المتهجّد از بشیر دهان روایت کرده و او از امام صادق 7 که فرمودند:

ای بشیر، هنگامی که مؤمن به زیارت امام حسین 7 در روز عرفه می‌رود و در فرات غسل می‌کند و آنگاه رو به حرم می‌نماید و متوجه آن حضرت می‌شود به هر قدمی که بر می‌دارد خدا ثواب یک حج با تمام مناسک آن برای او می‌نویسد، و نمی‌دانم مگر اینکه فرموده : و عمره.

۲ـ بشیر روایت کرده و گفته است: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

کسی که در روز عرفه به زیارت قبر امام حسین 7 برود، خدا او را فردای قیامت با جگر خنک و قلبی مطمئن و آرام بر می‌انگیزد، به امام صادق 7 عرض کردم، حج از من فوت شد، عرفه رفتم در کنار قبر امام حسین 7 ، امام 7 فرمودند: احسنت یا بشیر، کار خوبی کردی بشیر، کسی که در روز عرفه با معرفت به حق او به زیات او رود برایش ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده و هزار غزوه به همراه پیامبر مرسل یا امام عدل نویسد.

۳ـ یونس بن ظبیان از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که حسین بن علی 8 را در روز عرفه زیارت کند خداوند عزیز ثواب هزار هزار حج به همراه قائم آل محمد: و هزار هزار

عمره به همراه رسول خدا 9 و آزاد نمودن هزار هزار بنده و هزار هزار بار اسب در راه خدا برای او نویسد و خداوند او را این گونه بنامد: بنده صدّیق من به وعده من ایمان آورده است، و فرشتگان درباره‌اش گویند: فلانی که صدّیق است خداوند او را از فوق عرش خود تعریف نموده و مدح کرده، و در زمین «کرّوبی» نامیده می‌شود.

۴ـ علی بن ساباط از بعضی از اصحاب، از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتدا به زوّار قبر مطهّر امام حسین 7 نظر رحمت می‌نماید پیش از اهل عرفات.

راوی گوید: عرض کردم: پیش از آنکه به اهل موقف نظر کند؟ امام 7 فرمودند: آری، عرض کردم: چرا چنین است؟ امام 7 فرمودند: زیرا در میان آن‌ها یعنی اهل موقف زنازاده است، ولی در میان زوار قبر مطهر امام حسین 7 هرگز زنازاده نمی‌باشد.

۵ـ عبد الله بن مسکان از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برای زائران قبر مبارک امام حسین 7 پیش از اهل عرفات تجلّی نماید، حوائج آنان را برآورده سازد و گناهان آنان را بیامرزد و شفاعت ایشان را بپذیرد، سپس به اهل عرفات توجّهی نماید و با آن‌ها نیز چنین کند.

۶ـ زید شحّام از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که در روز عرفه امام حسین 7 را با معرفت به حقّ او زیارت نماید خدا برای او هزار حج قبول شده و هزار عمره پذیرفته شده بنویسد.

۷ـ عمر بن حسن عرزمی گفته است: از امام صادق 7 شنیدم که فرمودند:

در روز عرفه خداوند به زائران قبر مبارک امام حسین بن علی 7 نظر نماید و بگوید: «بازگردید در حالی که گذشته شما آمرزیده شد» و بر هیچ یک از آنان تا هفتاد روز از روزی که باز می‌گردند گناهی نوشته نشود.

۸ـ بشیر دهان از رفاعه روایت کرده است که گفت: محضر مبارک امام صادق 7 شرفیاب شدم، به من فرمود:

ای رفاعه، آیا امسال حج رفته‌ای؟

عرض کردم: فدای شما شوم، امکانات لازم را نداشتم که حج بجا آورم ولی عرفه را در کنار قبر مبارک امام حسین 7 بودم

امام 7 فرمود: از آنچه اهل منی بدست آورده‌اند تو کمتر نصیبت نگشته، یعنی از اجر و ثوابی که آن‌ها برده‌اند چیزی از تو فوت نشده است، اگر نه این بود که کراهت دارم مردم حج را رها کنند حدیثی را برایت می‌گفتم که هرگز زیارت قبر حسین بن علی 8 را ترک نکنی.

سپس (با عصای خود یا با دست خود) بر زمین زد و سکوتی طولانی نمود و فرمود:

پدرم به من خبر داد که: کسی که به سوی قبر امام حسین 7 با معرفت به حق آن حضرت، و نه از روی استکبار، روانه گردد، هزار فرشته از طرف راست و هزار فرشته از طرف چپ او را همراهی کنند و خدا برای او هزار حج و هزار عمره همراه پیامبر یا وصی پیامبر نویسد.

۹ـ ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: از امام صادق 7

شـنیدم کـه فرمودنـد:

کسی که روز عرفه در کنار قبر مطهر امام حسین 7 باشد دست خالی باز نگردد بلکه با دستان پر بازگردد.

۱۰ ـ معاویة بن وهب از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که روز عرفه در کنار قبر مطهر امام حسین 7 باشد گویا در عرفات حضور یافته است.

۱۱ ـ حنان بن سدیر از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

ای حنان، روز عرفه که فرا رسد خداوند به زوار امام حسین 7 توجّهی کند و به آنها بفرماید: «عمل خود را از نو آغاز کنید خداوند شما را آمرزید».

۱۲ ـ عبـد اللـه انبـاری گفتـه اسـت: بـه امـام صـادق 7 عرض کـردم: فدای شـما شـوم، آن گونـه نیسـت که هر سـال موجـودی من کفایـت کند بتوانـم با آن حج بجـا آورم، امـام 7 فرمود:

اگر هزینه حج برای تو فراهم نگردید به زیارت قبر حسین بن علی 8 برو، برایت یک حج نویسند و اگر خواستی عمره روی و هزینه سفر برایت فراهم نگردید به زیارت قبر مطهر امام حسین 7 برو، یک عمره برایت نویسند.

۱۳ ـ هارون بن خارجه از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

ای هارون چند مرتبه حج رفته‌ای؟

می گوید: عرض کردم: نوزده سفر حج و نوزده سفر عمره رفته‌ام.

امام 7 فرمودند: اگر بیست حج را کامل نموده بودی مانند کسی بودی که یک بار به زیارت حسین بن علی 8 رفته است.[1]

۱. مصباح المتهجد: ص۷۱۵.

۱۴ـ شیخ مفید 1 در کتاب مزار به سند خود از بشّار و او از امام صادق 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که در سختی و مضیقه مالی باشد و انجام حج واجب برای او فراهم نگردد باید به زیارت قبر مطهر حضرت ابا عبد الله 7 رود و در عرفه در آنجا حضور داشته باشد، این عمل او را از حجّة الاسلام مجزی است،

البته توجه داشته باش من به طور مطلق نگفتم که زیارت قبر امام حسین 7 مجزی است از حج واجب، بلکه در مورد کسی که تمکّن مالی ندارد گفتم، اما آنکه که تمکّن مالی دارد اگر حج واجب خود را انجام داده است و می‌خواهد که حج یا عمره مستحبی رود و چیزی از امور دنیا و یا غیر آن مانع از انجام آن گردید، اگر در روز عرفه به زیارت قبر مطهر امام حسین 7 موفق شود او را از انجام حج یا عمره مجزی است، و خداوند چندین برابر آن به او پاداش دهد.

عرض کردم: معادل چند حج و چند عمره به او پاداش می‌دهد؟

امام 7 فرمودند: قابل شمارش نیست.

عرض کردم: ثواب صد حج و صد عمره به او می‌دهند؟

امام 7 فرمودند:کیست که بتواند آن را شمارش کند!

عرض کردم: هزار؟ امام 7 فرمودند: بیش از این‌ها است،

و سپس فرمودند:

(وإن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها)[1] «اگر نعمت‌های خداوند را بخواهید شمارش کنید نمی‌توانید از عهده آن برآیید».

۱. سورهٔ نحل، آیه۱۸.

۱۵ ـ اسماعیل بن میثم از امام باقر 7 روایت کرده است که فرمودند:

کسی که شب عرفه را در کربلا بیتوته نماید[۱] و تا عید در آنجا بماند و آنگاه بازگردد خداوند از شرّ تمام آن سال او را محافظت فرماید.

۱۶ ـ بشیر دهقان گوید: به امام صادق 7 عرض کردم:

سال گذشته حج نرفتم ولی روز عرفه در کنار قبر امام حسین 7 بودم، امام 7 فرمودند:

ای بشیر، کسی که قبر مطهر امام حسین 7 را در روز عرفه زیارت کند برای او هزار حج قبول شده و هزار عمره پذیرفته شده و هزار غزوه به همراه پیامبر مرسل یا[۲] امام عادل نویسند.

عرض کردم: من عقیده‌ام این بود که هیچ ثوابی به مانند ثواب موقف ـ یعنی اینکه انسان روز عرفه در عرفات باشد ـ نمی‌باشد، می‌گوید: امام 7 نگاهی خشمناک به من نمودند و فرمودند:

ای بشیر، کسی که در فرات غسل کند و به طرف قبر مطهر امام حسین 7 پیاده و قدم زنان برود، به هر قدمی برای او ثواب یک حج قبول شده با تمام مناسک آن می‌باشد.[۳]

---

۱. در نسخه ای «شب عرفه به کربلا برود» است.

۲. در نسخه‌ای «و» است.

۳. مزار شیخ مفید: ص۴۶.

(۲۷) زیارت مولا حضرت اباعبد الله الحسین علیه‌السلام در روز عرفه

سید بن طاووس 1 در کتاب مصباح الزائر گفته است: روایت شده که در روز عرفه همان عمل نیمه ماه رجب را باید انجام داد ـ که در صفحات پیشین گذشت ـ

و سزاوار است که در هنگام غروب خورشید در روز عرفه اگر در کنار قبر مطهر امام حسین 7 باشی بگویی:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاٰمُ، وَمِنْكَ السَّلاٰمُ، وَإِلَيْكَ يَرْجَعُ السَّلاٰمُ.

خداوندا تو سلام هستی، و از تو است سلام و به سوی تو باز می‌گردد سلام[۱].

و در دعا اصرر و الحاح نما.[۲]

... از آنچه از شیخ مفید 1 و غیر ایشان حکایت شده ظاهر می‌گردد که برای روز عرفه زیارت مخصوصی نیز هست، چون گفته‌اند:

وقتی خواستی در چنین روزی زیارت کنی، در فرات، اگر ممکن باشد، غسل کن و پاک‌ترین لباس خود را بپوش و با وقار و آرامش به طرف حرم مطهر برو، وقتی به حائر رسیدی تکبیر بگو:

اَللَّهُ اكْبَرُ كَبِيراً والْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً وسُبْحانَ اللَّهِ بُكْرَةً وأَصِيلاً،

خدا بزرگ‌تر است بسی بزرگ‌تر، خدا را زیاد ستایش می‌کنم و صبح وشام تسبیح می‌گویم، و حمد و

والْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَولاٰ أَنْ هَدانَا اللَّهُ،

ستایش سزاوار خداوندی است که ما را به این راه هدیت نمود و اگر هدایت خداوند نبود ما راه را نمی‌یافتیم،

۱. «خداوندا تو سلام هستی» یعنی از هر عیب و نقصی منزهی، «و از تو است سلام» یعنی سلامتی، «و به سوی تو باز می‌گردد سلام»، یعنی اگر کسی سلامتی را دارا باشد دارابودنش به تو باز می‌گردد زیرا که به تأیید تو و توفیق تو است.

۲. مصباح الزائر: ص۳۶۶.

لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ.

فرستادگان پروردگارتان حق را آورده‌اند.

(و بگو:) اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِالْمُومِنِينَ،

سلام بر رسول خدا، سلام بر امیرمؤمنان،

اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى

سلام بر فاطمه زهرا سرور بانوان جهان، سلام بر

الْحَسَنِ والْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ

امام حسن و امام حسین، سلام بر حضرت علی بن الحسین، سلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسَى

حضرت محمّد بن علی، سلام بر حضرت جعفر بن محمّد، سلام بر حضرت موسی

بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ

بن جعفر، سلام بر حضرت علی بن موسی، سلام بر حضرت محمّد بن

عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ،

علی، سلام بر حضرت علی بن محمد، سلام بر حضرت حسن بن علی،

اَلسَّلامُ عَلَى الْخَلَفِ الْقائِمِ الْمُنْتَظَرِ.

سلام بر جانشین او قیام کننده‌ای که انتظار او کشیده می‌شود.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ، الْمُوالِي لِوَلِيِّكَ، الْمُعادِي لِعَدُوِّكَ،

بندهٔ تو و پسر بنده و کنیز تو، نسبت به دوست تو ارادتمند و با دشمن تو دشمن است، به حرم با صفای تو

اسْتَجارَ بِمَشْهَدِكَ، وتَقَرَّبَ إِلَى اللّٰهِ بِقَصْدِكَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدانا

پناهنده گشته و با قصد نمودن تو به درگاه ربوبی تقرب جسته است، حمد برای خدایی است که ما را به ولایت

لِـوِلٰايَتِـكَ، وخَصَّنِـي بِزِيارَتِـكَ، وسَـهَّلَ لِـي قَصْـدَكَ.

تو رهنمون گردید و به زیارت تو ممتاز گردانید و قصد نمودن تو را برایم آسان نمود.

سپس داخل شو و در قسمت بالای سر بایست و بگو: اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ

سلام بر تو ای وارث

آدَمَ صَفْـوَةِ اللّٰـهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا وٰارِثَ نُـوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ

حضرت آدم برگزیده خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای

يـٰا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيـمَ خَلِيـلِ اللّٰهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وارِثَ مُوسـىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ،

وارث حضرت ابراهیم خلیل خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت موسی کلیم خداوند،

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِيسـىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ

سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خداوند، سلام بر تو ای وارث

حَبِيـبِ اللّٰـهِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يـٰا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُومِنِيـنَ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ

حضرت محمّد حبیب خداوند، سلام بر تو ای وارث امیرمؤمنان، سلام بر تو

يَابْـنَ مُحَمَّـدٍ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْكَ يَابْـنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّـلٰامُ

ای فرزند محمّد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام

عَلَيْـكَ يَابْـنَ فٰاطِمَـةَ الزَّهْـرٰاءِ، اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ خَدِيجَـةَ الْكُبْرىٰ.

بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری.

اَلسَّـلٰامُ عَلَيْـكَ يٰا ثـٰارَ اللّٰـهِ وَابْنَ ثـٰارِهِ وَالْوِتْـرَ الْمَوْتُورِ، أَشْـهَدُ أَنَّـكَ

سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، تنهایی که انتقام او گرفته نشد، گواهی می‌دهم

قَـدْ أَقَمْـتَ الصَّـلاةَ، وَآتَيْـتَ الـزَّكاةَ، وَأَمَـرْتَ بِالْمَعْـرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

که تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر نمودی و از بدی‌ها و ناپسندها نهی

الْمُنْكَـرِ، وَأَطَعْـتَ اللّٰهَ حَتّـىٰ أَتـٰاكَ الْيَقِينُ.

فرمودی، و خدا را اطاعت کردی تا مرگ به سراغت آمد،

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، ولَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، ولَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند و خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند و خدا لعنت

سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

کند گروهی را که شنیدند و بدان خشنود گشتند.

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أُشْهِدُ اللَّهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِيائَهُ وَرُسُلَهُ إِنِّي

ای مولای من ای ابا عبد الله، خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را گواه می‌گیرم که

بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرائِعِ دِينِي وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي

من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم به احکام و قوانین دینم و فرجام عملم، و قلب من

لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ

در برابر قلب شما تسلیم، و امر من در برابر امر شما تابع است، درود خدا بر شما

أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ، وَعَلىٰ شاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ، وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ.

و بر جان و جسم شما و بر حاضر شما و غایب شما و بر آشکار و پنهان شما.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَابْنَ

سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران و فرزند سرور اوصیاء و فرزند پیشوای

إِمامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلىٰ جَنّاتِ النَّعِيمِ، وَكَيْفَ

پرهیزکاران و فرزند زمامدار روسفیدان به سوی بهشت‌های پر نعمت و چگونه

لا تَكُونُ كَذٰلِكَ، وَأَنْتَ بابُ الْهُدىٰ وَإِمامُ التُّقىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ،

چنین نباشد در حالی که تو باب هدایتی و پیشوای تقوا و پرهیزکاری و دست

وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا، وَخامِسُ (أَهْلِ) أَصْحابِ الْكِساءِ.

آویز مورد اطمینانی و حجت بر اهل دنیا و پنجمین اصحاب کسا هستی.

غَذَتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمانِ، وَرُبِّيْتَ في حِجْرِ

دست رحمت تو را غذا داده و از پستان ایمان شیر نوشیده‌ای و در دامان اسلام

الْإِسْـلاٰمِ، فالنَّفْـسُ غَيْرُ رٰاضِيَةٍ بِفِرٰاقِكَ، وَلاٰ شـاكَّةٍ فِـي حَيٰاتِكَ، صَلَوٰاتُ

پرورش یافته‌ای، نفس راضی به فراق تو نیست و شکی در حیات تو ندارد، درود خدا

اللَّهِ عَلَيْـكَ وَعَلىٰ آبٰائِـكَ (وَأَبْنٰائِكَ).

بر تو و بر پدرانت (و فرزندانت).

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـٰا صَرِيعَ الْعَبْـرَةِ السّـاكِبَةِ، وَقَرِيـنَ الْمُصِيبَـةِ الرّاتِبَةِ،

سلام بر تو ای کشته اشک ریزان و قرین مصیبت پیوسته،

لَعَـنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْـتَحَلَّتْ مِنْـكَ الْمَحٰارِمَ، وَانْتَهَكَتْ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْـلاٰم،

خدا لعنت کند گروهی را که به تو بی حرمتی نمودند و حرمت اسلام را در مورد تو نادیده گرفتند ـ پس

فَقَتِلْـتَ صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْكَ مَقْهُـورا، وَأَصْبَحَ رَسُـولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّـهُ عَلَيْهِ

کشته شدی ـ درود خدا بر تو باد ـ با قهر و غلبه، رسول خدا ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ به سبب

وآلِـهِ بِـكَ مَوْتُـوراً، وَأَصْبَـحَ دِيـنُ اللَّـهِ بِفَقْـدِكَ مَهْجُـوراً.

تو خون فرزندش مطالبه نشده گردید، و دین خدا با فقدان تو مهجور و متروک گردید.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ وعَلـىٰ جَـدِّكَ وَأَبِيـكَ وأُمِّكَ وَأَخِيـكَ، وعَلَـى الْأَئِمَّةِ

سلام بر تو و بر جدّ و پدر و مادر و برادرت، و بر امامان

مِـنْ بَنِيـكَ، وعَلَـى الْمُسْتَشْـهَدِينَ مَعَـكَ، وعَلَـى الْمَلائِكَـةِ الْحافِّيـنَ

از فرزندانت و بر شهید شدگان همراهت و بر فرشتگانی که گرد قبر مطهّر

بِقَبْـرِكَ، وَالشّـاهِدِينَ لِـزُوّارِكَ، الْمُوَمِّنِيـنَ بِالْقَبُـولِ عَلـىٰ دُعٰاءِ شِـيعَتِكَ،

تو و شاهد زوار تو هستند و بر دعای شیعیانت برای قبول آن آمین گویند،

وَالسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ ورَحْمَـةُ اللَّـهِ وبَرَكٰاتُهُ.

و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

سـپس خـود را بـر قبر بیفکـن و بگو: بِأَبِـي أَنْـتَ وَأُمِّي يـٰا أَبـٰا عَبْدِاللَّهِ،

پدر و مادرم به فدای تو ای ابا عبد الله،

بِأَبِـي أَنْـتَ وَأُمِّـي يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، لَقَـدْ عَظُمَـتِ الرَّزِيَّـةُ، وَجَلَّـتِ

پدر و مادرم به فدای تو ای فرزند رسول خدا، عزای تو بسیار بزرگ و مصیبت وارد بر تو بر

الْمُصِيبَـةُ بِـكَ عَلَيْنَـا، وَعَلَـىٰ جَمِيـعِ أَهْـلِ السَّـمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ

ما و بر تمامی اهل آسمان‌ها و زمین بسی گران می‌باشد، لعنت خدا بر گروهی که اسب‌ها را

اللَّـهُ أُمَّـةً أَسْـرَجَتْ وَأَلْجَمَـتْ وَتَهَيَّـأَتْ لِقِتٰالِـكَ.

زین کرده و لجام زده و خود را آماده برای نبرد با تو نمودند.

يـٰا مَـوْلٰايَ يـٰا أَبـٰا عَبْدِاللَّـهِ قَصَـدْتُ حَرَمَـكَ، وَآتَيْـتُ إِلىٰ مَشْـهَدِكَ،

ای مولای من، ای ابا عبد الله، حرم با صفای تو را قصد نموده و به زیارتگاه و محضر نورانی تو آمده‌ام،

أَسْـأَلُ اللَّـهَ بِالشَّـأْنِ الَّـذِي لَـكَ عِنْـدَهُ، وبِالْمَحَـلِّ الَّـذِي لَـكَ لَدَيْـهِ أَنْ

از خدا می‌خواهم و درخواست می‌نمایم به شأن و مرتبه و جایگاهی که برای تو نزد

يُصَلِّـيَ عَلَـى مُحَمَّـدٍ وآلِ مُحَمَّـدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِـي مَعَكُـمْ فِـي الدُّنْيـٰا

او است که بر محمّد و آل محمد درود فرستد، و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.

وَالْاٰخِـرَةِ، بِمَنِّـهِ وَجُـودِهِ وَكَرَمِـهِ.

به لطف و جود و کرمش

سپس ضریح را ببوس.

زیارت حضرت علی بن الحسین علیهما السلام

سپس به طرف پایین پای مبارک امام حسین 7 برو و در آنجا حضرت علی بن الحسین 8 را زیارت کن و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يَابْـنَ الْحُسَـيْنِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند حسین

الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الشَّـهِيدُ ابْـنُ الشَّـهِيدِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ

شهید، سلام بر تو ای شهید و ای فرزند شهید، سلام بر تو

أَيُّهَـا الْمَظْلُـومُ وَابْـنُ الْمَظْلُـوم، لَعَـنَ اللَّهُ أُمَّـةً ظَلَمَتْـكَ، وَلَعَنَ اللَّـهُ أُمَّةً

ای مظلوم و فرزند مظلوم، خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند و خدا لعنت کند گروهی

سَـمِعَتْ بِذٰلِـكَ فَرَضِيَـتْ بِهِ.

را که شنیدند و بدان رضایت دادند.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وَلـيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّـهِ، لَقَدْ عَظُمَـتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ

سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ او، مصیبت وارده بر تو بسیار بزرگ و عزای تو بر ما و بر

الرَّزِيَّـةُ بِكَ عَلَيْنٰا وَ عَلـىٰ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّـةً قَتَلَتْكَ، وَ أَبْرَءُ

تمامی مؤمنان بسی گران است، خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند و به درگاه خدا و پیشگاه

إِلَـى اللَّـهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُـمْ فِـي الدُّنْيـٰا وَالْاٰخِرَةِ.

شما از آن افراد ناپاک در دنیا و آخرت بیزاری می‌جویم.

زیارت شهدا

سپس شهدا را زیارت کن و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُـمْ يٰا أَوْلِيـٰاءَ اللَّهِ وَأَحِبّـاءَهُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ يـٰا أَصْفِيـٰاءَ

سلام بر شما ای اولیای خدا و محبّان او، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا

اللَّهِ وَأَوِدّاءَهُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا أَنْصـٰارَ دِينِ اللَّـهِ وَأَنْصـٰارَ نَبِيِّهِ وَأَنْصـٰارَ أَمِيرِ

و دوستان خاص او، سلام بر شما ای یاران دین خدا و یاران پیامبرش و یاران

الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْصارَ فٰاطِمَةَ الزَّهراٰء سَـيِّدَةِ نِسـٰاءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُمْ

امیرالمؤمنین و یاران فاطمه زهرا سرور بانوان عالم، سلام بر شما ای یاران

يـٰا أَنْصـٰارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَـنِ الْوَلِيِّ النّاصِحِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكُـمْ يٰا أَنْصٰارَ

ابامحمد حضرت حسن بن علی، ولی خیرخواه مسلمین، سلام بر شما ای یاران

أَبِي عَبْدِاللَّهِ الْحُسَـيْنِ الشَّـهِيدِ الْمَظْلُومِ صَلَواتُ اللَّـهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.

حضرت ابا عبد الله الحسین شهید مظلوم، درود خدا بر همه شما باد.

بِأَبِـي أَنْتُـمْ وَأُمِّـي طِبْتُـمْ وَطابَـتِ الْاَرْضُ الَّتِـي فِيهـا دُفِنْتُـمْ، وَفُزْتُـمْ

پدر و مادرم به فدای شما، شما پاک و زمینی که در آن دفن شده‌اید پاک است، به خدا رستگار شدید

وَاللَّـهِ فَـوْزاً عَظِيماً، يـا لَيْتَنِـي كُنْتُ مَعَكُـمْ فَأَفُـوزَ مَعَكُمْ فِي الْجِنـانِ مَعَ

و به سعادت بزرگی دست یافتید، ای کاش با شما بودم و همراه شما در بهشت با شهیدان به رستگاری

الشُّـهَداءِ وحَسُـنَ أُولئِكَ رَفِيقاً، وَالسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

می‌رسیدم و آنان خوب رفیقان و همراهانی هستند. سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

سپس در قسمت بالای سر مبارک دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که خواهی بخوان و چون فارغ گشتی از آن بگو:

أَللَّهُـمَّ لَـكَ صَلَّيْـتُ وَرَكَعْتُ وَسَـجَدْتُ لَـكَ وَحْدَكَ لا شَـرِيكَ لَكَ،

خداوندا برای تو نماز خوانده، رکوع و سجده نمودم، تنها برای تو که یکتایی و شریکی برایت نیست،

لِاَنَّ الصَّـلاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّـجُودَ لا يَكُـونَ إِلّا لَكَ، لِاَنَّكَ أَنْـتَ اللَّهُ لا إِلَهَ

زیرا نماز و رکوع و سجده جز برای تو روا نمی‌باشد، زیرا تو خداوندی و معبود شایسته‌ای

إِلّا أَنْتَ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ

جز تو نیست. خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و بهترین تحیت و سلام را

وَالسَّـلامِ، وَارْدُدْ عَلَـيَّ مِنْهُـمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّـلامَ، أَللَّهُـمَّ وَهاتـانِ الرَّكْعَتانِ

به ایشان برسان و از ایشان پاسخ تحیت و سلام را به من برگردان، خداوندا این دو رکعت

هِدِيَّـةٌ مِنِّـي إِلـىٰ مَـوْلايَ وسَـيِّدِي وَإِمامِـي الْحُسَـيْنِ بْـنِ عَلِـيٍّ عَلَيْهِمَـا

نماز هدیه است از طرف من به مولا و سرور و امامم حضرت حسین بن علی که سلام بر

السَّـلامُ. أَللَّهُـمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وتَقَبَّـلْ ذٰلِكَ مِنِّي، وَأْجُرْنِي

ایشان باد، خداوندا بر محمّد و آل محمد درود فرست، و آن را از من بپذیر، و بر آن

عَلـىٰ ذٰلِـكَ أَفْضَلَ أَمَلِي ورَجائِي فِيـكَ وَ فِي وَلِيِّكَ، يا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.

بهترین آرزو و امیدی که نسبت به تو و ولیّت دارم مرا پاداش ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

زیارت مولا حضرت ابا الفضل العباس فرزند امیرالمؤمنین 8
در روز عرفه

آنگاه برو به طرف حرم باصفای حضرت عبّاس بن علی 8 و چون رسیدی در آنجا بایست و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبّاسَ بْنَ أَمِيرالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلاٰمُ

سلام بر تو ای ابا الفضل العباس، ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای فرزند

عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلاٰماً،

سرور اوصیا، سلام بر تو ای فرزند کسی که اولین نفر بود در میان قوم که اسلام آورد

وَأَقْدَمِهِمْ إِيمانـاً، وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللّٰهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الإِسْلاٰمِ.

و از جهت ایمان بر همه سبقت داشت و پایدارترین آنان نسبت به دین خدا و احاطه دارترین آنان بر اسلام بود.

أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِاَخِيكَ، فَنِعْمَ الْاَخُ الْمُواسِي

گواهی می‌دهم که تو برای خدا و رسول او و برادرت خیرخواهی نمودی، خوب برادری است آنکه

لِاَخِيهِ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ

برادرش را یاری نمود، خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند، وخدا لعنت کند گروهی را که حرمت

الْمَحارِمَ، وَانْتَكَهَتْ في قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْاِسْلاٰمِ.

تو را نادیده گرفتند و درکشتن تو حرمت اسلام را از بین بردند،

فَنِعْمَ الصّابِرُ الْمُجاهِدُ وَالْمُحامِي النّاصِرُ، وَالْأَخُ الدّافِعُ عَنْ أَخِيهِ،

پس چه خوب شکیبای جهاد کننده و حمایت کننده و یاری کننده‌ای، برادر دفاع کننده از برادرش

اَلْمُجِيبُ إِلىٰ طاعَةِ رَبِّهِ، اَلرّاغِبُ فِيما زَهِدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوابِ

و لبیک گوینده به اطاعت پروردگارش و مایل و راغب در آنچه غیر او در آن بی‌اعتنا هستند از ثواب

الْجَزِيلِ وَالثَّناءِ الْجَمِيلِ،

فراوان و مدح و ثنای زیبا،

فَأَلْحَقَكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبائِكَ فِي دارِ جَنّاتِ النَّعِيمِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

پس خداوند تو را به درجه پدرانت در سرای بهشت پر نعمت ملحق فرماید که او ستوده و با شکوه است.

سپس خود را بر قبر بیفکن و بگو: أَللَّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ وَ لِزِيارَةِ

خداوندا خود را در معرض لطف تو قرار دادم

أَوْلِيائِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فِي ثَوابِكَ وَرَجاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلَ إِحْسانِكَ.

و به زیارت اولیائت را قصد نمودم از جهت میل و رغت در ثواب تو و به امید مغفرت تو و احسان فراوان تو.

فَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ

پس از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمد درود فرستی و قرار دهی روزی مرا به واسطه ایشان سرشار و

دارّاً، وَعَيْشِي بِهِمْ قارّاً، وَزِيارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً،

زندگیم را به واسطه ایشان با آرامش و زیارتم را به وسیله ایشان پذیرفته شده و گناهم را به واسطه ایشان آمرزیده

وَأَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، مُسْتَجاباً دُعائِي، بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ

شده و مرا به وسیله ایشان سعادتمند و پیروز و موفق بازگردان در حالی که دعایم را اجابت نموده‌ای ، به بهترین

بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوّارِهِ وَالْقاصِدِينَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

شکلی که یکی از زائران آن حضرت و قصد کنندگان به سوی او باز می گردد به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

پس ضریح را ببوس و در کنار آن آنچه خواستی نماز بخوان.

سپس برای خودت و پدر و مادرت و برادران مؤمنت به آنچه دوست داری دعا کن. [1]

۱. إقبال الأعمال : ص۶۴۳ ، ومصباح الزائر : ص۳۴۷ با مقداری اختلاف ، مفتاح الجنّات : ۶۰۵/۲ .

هرگاه خواستی وداع کنی در آنجا بایست همان طور که در ابتدا ایستادی و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ

سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای برگزیدهٔ خداوند، سلام

عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللَّهِ، سَلاٰمَ مُوَدِّعٍ

بر تو ای خالص برای خدا، سلام بر تو ای امین پروردگار، سلام وداع کننده‌ای که

لاٰ قالٍ وَلاٰ سَئِمٍ، فَإِنْ اَمْضِ فَلاٰ عَنْ مَلاٰلَةٍ، وَإِنْ أُقِمْ فَلاٰ عَنْ سُوءِ

نه رنجیده گشته و نه دلتنگ، اگر از کنار مرقدت می‌روم نه از باب ملول گشتن است و اگر بمانم نه از جهت

ظَنٍ بِما وَعَدَ اللَّهُ الصّابِرِينَ، وَلاٰ جَعَلَهُ اللَّهُ يا مَوْلاٰيَ آخِرَ الْعَهْدِ

بدگمانی است به آنچه خداوند به صابران وعده داده است، ای مولای من، خداوند این دیدارت را آخرین دیدار

لِزِيارَتِكَ، وَرَزَقَنِيَ الْعَوْدَ اِلىٰ مَشْهَدِكَ، وَالْمُقامَ فِي حَرَمِكَ، وَأَسْأَلُهُ

من قرار ندهد و بازگشت به سوی زیارتگاهت، و بودن در حرم باصفایت را روزی‌ام گرداند، و از او می‌خواهم

أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ.

که در دنیا و آخرت مرا با شما قرار دهد.

سپس بگو: **اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ،**

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو برای من

أَنْتَ لي جُنَّةٌ مِنَ الْعَذاٰبِ، وَهٰذا أَوانُ انْصِرافِي، غَيْرَ راٰغِبٍ عَنْكَ،

سپری در برابر عذاب هستی و اکنون هنگام بازگشتن من فرارسیده نه اینکه از تو روی گردان باشم و نه اینکه

وَلاٰ مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِواكَ، وَلاٰ مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ، وَلاٰ زاٰهِدٍ في قُرْبِكَ،

غیر تو را جایگزین تو گردانم و نه اینکه غیر تو را بر تو ترجیح دهم، و نه اینکه از جوار و قرب تو بی‌میل باشم.

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَراٰنِي مَكاٰنَكَ، وَ هَداٰني لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ، وَ

از خداوندی که مکان و جایگاه تو را به من نشان داد و راهنمایی‌ام نمود تا بر تو سلام گویم و زیارتت

لِزِيارَتي إِيّاكَ، أَنْ يُورِدَني حَوْضَكُمْ، وَ يَرْزُقَنِي مُرافَقَتَكُمْ فِي الْجِنانِ مَعَ

نمایم می‌خواهم که مرا در کنار حوض شما وارد نماید و رفاقت و همراهی با شما را در بهشت با پدران

آبائِكَ الصّالِحِينَ.

صالح شما روزی‌ام گرداند.

سپس بر پیامبر اکرم 9 و ائمّه طاهرین : سلام عرض می‌کنی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ

سلام بر رسول خدا ـ درود و سلام خداوند بر او و خاندانش باد ـ سلام بر

أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، [اَلسَّلامُ عَلَى فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ]،

امیرمؤمنان، [سلام بر فاطمه زهرا سرور بانوان عالم]

اَلسَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ

سلام بر امام حسن، سلام بر امام حسین، سلام بر حضرت علی

بْنِ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ

بن الحسین، سلام بر حضرت محمّد بن علی، سلام بر حضرت جعفر بن

مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسىٰ بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ،

محمّد، سلام بر حضرت موسی بن جعفر، سلام بر حضرت علی بن موسی،

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ

سلام بر حضرت محمّد بن علی، سلام بر حضرت علی بن محمد، سلام

عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ.

بر حضرت حسن بن علی، سلام بر حضرت محمّد بن الحسن.

و به آنچه دوست داری دعا کن.

وداع با شهدا :

آنگاه صورت را به سوی قبور شهیدان بگردان و با آنان وداع کن و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما،

أَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِي إِيّٰاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي

خداوندا این زیارتم را آخرین زیارت من و دیدارم با ایشان قرار مده، و مرا در عطایای شایسته‌ای

صٰالِحِ مٰا أَعْطَيْتَهُمْ عَلىٰ نَصْرِهِمْ، اِبْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ.

که به آنان به خاطر یاری پسر پیامبرت و حجّت تو بر خلقت مرحمت کرده‌ای، شریک گردان،

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنٰا وَإِيّٰاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ (الشُّهَدٰاءِ وَالصّٰالِحِينَ وَحَسُنَ

خداوندا ما و ایشان را در بهشت با شهدا و صالحان قرار بده که آنان خوب

أُولٰئِكَ رَفِيقاً)[1].

رفیقان و همراهانی هستند،

أَسْتَوْدِعُكُمُ اللّٰهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلاٰمَ.

شما را به خدا می‌سپارم و بر شما سلام می‌گویم.

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

خدایا بازگشت به سوی آنان را روزی‌ام گردان و مرا با آنان محشور فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس بیرون برو و روی خود را از قبر مگردان تا از دید تو پنهان گردد و بر دم درب رو به قبله بایست و به آنچه دوست داری دعا کن و سپس بازگرد اگر خداوند تبارک و تعالی بخواهد.

۱. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

هرگاه خواستی وداع کنی بگو:

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّـهَ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلاٰمَ. آمَنّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَبِمٰا جٰاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ. أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدِينَ. أَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَةِ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَارْزُقْنِي زِيٰارَتَهُ أَبَداً مٰا أَبْقَيْتَنِي، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبٰائِهِ فِي الْجِنٰانِ.

شما را به خدا می‌سپارم و از او خواستار مراعات شما هستم و بر شما سلام می‌گویم. به خدا و رسول او و به آنچه از نزد خداوند آورده ایمان داریم، خداوندا ما را با گواهی دهندگان ثبت فرما. خدایا این زیارت را آخرین زیارت و دیدار قبر ولیت و پسر برادر پیامبرت قرار مده، و زیارت او را پیوسته تا مادامی که مرا باقی داشته‌ای روزی‌ام گردان، و مرا با آن حضرت و پدران بزرگوارش در بهشت محشور فرما.

و آنگاه بر ای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن خود دعا کن.[1]

۱۶۸

(۲۸) زیارت دیگری برای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه

در مزار کبیر آمده‌است : کسی که برایش حضور در موقف حج ممکن نشد ولی می‌تواند خود را در روز عرفه به کنار قبر امام حسین 7 برساند، باید آنجا حضور پیدا کند که در آن فضیلت بسیار است و سابقاً در این کتاب ذکرنمودیم، پس سزاوار است که از فرات غسل کنی اگر ممکن باشد و اگر نه، هر کجا که ممکن باشد، آنگاه با آرامش و وقار حرکت کن و چون به باب حائر رسیدی خدا را به بزرگی یاد کن و بگو:

۱. مصباح الزائر : ص۱۱۴ ، مفتاح الجنّات : ص۶۰۵ ، منهاج العارفین : ص۴۲۰ با تفاوت.

اللَّـهُ أَكْبَـرُ كَبِيـراً، وَ الْحَمْـدُ لِلَّـهِ كَثِيـراً، وَ سُـبْحانَ اللَّـهِ بُكْـرَةً وَ

خدا بزرگ‌تر است بسی بزرگ‌تر، و خدا را زیاد ستایش کننده و صبح و شام تسبیح گویندهام، و

أَصِيـلاً، وَ (الْحَمْـدُ لِلَّـهِ الَّـذِي هَدانـا لِهٰذا وَ مـا كُنّـا لِنَهْتَدِيَ لَـوْ لا أَنْ

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که ما را به این امر هدایت نمود و اگر خدا ما را رهنمون نمی‌شد

هَدانَـا اللَّـهُ، لَقَـدْ جـاءَتْ رُسُـلُ رَبِّنا بِالْحَـقِ)[1].

بدان هدایت نمی‌شدیم، رسولان پروردگارمان حق را آورده‌اند».

سپس سلام بر پیامبر اکرم 9 و بر امیرمؤمنان و امامان بعد از او عرض می‌کنی و آنگاه می‌گویی:

اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يـا أَبـا عَبْدِ اللَّـهِ، عَبْـدُكَ وَابْنُ عَبْـدِكَ، وَابْـنُ أَمَتِكَ،

سلام بر تو ای ابا عبد الله، بندهٔ تو و پسر بنده و کنیز تو،

اَلْمُوالِـي لِوَلِيِّـكَ، اَلْمُعـادِي لِعَـدُوِّكَ، إِسْـتَجارَ بِمَشْـهَدِكَ، وَ تَقَـرَّبَ

با دوست تو دوست و با دشمن تو دشمن است، به حرم تو پناهنده گشته، و با قصد نمودن تو به درگاه خدا تقرّب

إِلَيْـكَ بِقَصْـدِكَ، وَ الْحَمْـدُ لِلَّـهِ الَّـذِي هَدانِـي لِـوِلايَتِـكَ، وَ خَصَّنِـي

جسته است، حمد سزاوار خداوندی است که ما را به ولایت تو رهنمون گردید و به زیارت تو اختصاص

بِزِيارَتِـكَ، وَسَـهَّلَ لِـي قَصْدَكَ.

داد و قصد نمودن تو را برایم آسان نمود.

سپس داخل شو و در قسمت بالای سر بایست و بگو: اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو ای

وارِثَ آدَمَ صَفْـوَةِ اللَّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يا وارِثَ نُـوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّـلامُ

وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا، سلام

عَلَيْـكَ يـا وارِثَ إِبْراهِيـمَ خَلِيـلِ اللَّـهِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ يا وارِثَ مُوسـىَ

بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت موسی

۱. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۳.

كَلِيمِ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا

کلیم خداوند، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خداوند، سلام بر تو ای

وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُومِنِينَ حُجَّةِ

وارث حضرت محمد حبیب خداوند، سلام بر تو ای وارث امیرمؤمنان حجّت

اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ

خداوند، سلام بر تو ای پسر محمّد مصطفی، سلام بر تو ای پسر

عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو ای

يَابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ.

پسر خدیجه کبری.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا ثٰارَ اللَّهِ وَابْنَ ثٰارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، و ای تنها که انتقام او گرفته نشد، شهادت می‌دهم که

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاٰةَ، وَآتَيْتَ الزَّكٰاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و به خوبی‌ها امر فرمودی، و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی نمودی،

الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتّىٰ أَتٰاكَ الْيَقِينُ.

و خدا را اطاعت کردی تا دار فانی را وداع گفتی.

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند و خدا لعنت کند گروهی را که به تو ستم نمودند و خدا لعنت کند

سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

گروهی را که شنیدند و بدان خشنود گشتند.

يا مَوْلاٰيَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ، أُشْهِدُ اللَّهَ وَمَلاٰئِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي

ای مولای من ای ابا عبد الله، خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را گواه می‌گیرم که من

بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرائِعِ دِينِي وَخَواتِيمِ عَمَلِي، فَصَلَواتُ

به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم به احکام و قوانین دینم و فرجام عملم، ، درود

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَعَلىٰ أَجْسادِكُمْ، وَعَلىٰ شاهِدِكُمْ

خدا بر شما و بر جان و جسم شما و بر حاضر شما

وَغائِبِكُمْ، وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ.

و غایب شما و بر آشکار و پنهان شما.

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و بگو: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا

پدر و مادرم به

أَبا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ

فدای تو ای ابا عبد الله، عزای تو بسیار بزرگ و مصیبت وارده بر تو بر ما و بر تمامی اهل آسمان‌ها و

جَمِيعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ

زمین بسی گران می‌باشد، لعنت خدا بر گروهی که اسب‌ها را زین کرده و لجام زدند و خود را

وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ،

آماده برای نبرد با تو نمودند.

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِ اللَّهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ، أَسْأَلُ

ای مولای من، حرم با صفای تو را قصد نموده و به زیارنگاه تو آمدم، از خدا درخواست می‌نمایم

اللَّهَ بِالشَّارِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

به شأن و مرتبه‌ای که برای تو نزد او است و به جایگاهی که برای تو نزد او است که درود فرستد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

بر محمّد و آل محمد و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.

سپس در قسمت بالای سر نماز بخوان به هر سوره‌ای که خواستی، چون فارغ شدی بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحْدَكَ لاٰ شَرِيكَ لَكَ،

خداوندا برای تو نماز خواندم، رکوع و سجده نمودم، تو یکتایی و شریکی برای تو نیست،

لِاَنَّ الصَّلاٰةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لاٰ تَكُونُ إِلّا لَكَ، لِاَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ

زیرا نماز و رکوع و سجده جز برای تو نمی‌باشد، چون تویی خداوند و معبود شایسته‌ای

إِلّا أَنْتَ، أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ

جز تو نیست. خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و از طرف من بهترین سلام و تحیت را به ایشان

السَّلاٰمِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ.

برسان و از طرف ایشان پاسخ را به من بازگردان.

سپس در پایین پای مبارک برو و حضرت علی بن الحسین 8 را زیارت کن که سرِ شریف آن حضرت پایین پای حضرت ابا عبد الله 7 است و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْحُسَيْنِ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو ای فرزند حسین

الشَّهِيدِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ وَابْنُ الشَّهِيدِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

شهید، سلام بر تو ای شهید و ای پسر شهید، سلام بر تو

أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً

ای مظلوم و ای پسر مظلوم، خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند و خدا لعنت کند گروهی را که به تو

ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

ستم نمودند و خدا لعنت کند گروهی را که آن را شنیدند و بدان رضایت دادند و خشنود گشتند.

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و بگو: اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا

سلام بر تو ای

وَلِـيَّ اللَّـهِ وَابْـنَ وَلِيِّـهِ، لَقَدْ عَظُمَـتِ الْمُصِيبَـةُ وَجَلَّـتِ الرَّزِيَّةُ بِـكَ عَلَيْنا

ولی خدا و ای پسر ولی خدا، مصیبت تو بر ما عظیم و سوگ تو و عزایت بر ما و

وَعَلـىٰ جَمِيعِ الْمُسْـلِمِينَ،

بر تمامی مسلمانان بسی بزرگ است،

فَلَعَـنَ اللَّـهُ أُمَّـةً قَتَلَتْـكَ، وَأَبْـرَأُ إِلَـى اللَّـهِ وَإِلَيْـكَ مِنْهُـمْ.

خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند و به سوی خدا و به شما از آنان بیزاری می‌جویم.

سپس از دری که نزد پای حضرت علی بن الحسین 8 است بیرون برو، در آنجا به سوی شهدا رو کن و آنان را زیارت نما و بگو:

اَلسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ يـا أَوْلِيـاءَ اللَّـهِ وَأَحِبّـاءَهُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكُمْ يـا أَصْفِيـاءَ

سلام بر شما ای اولیای خدا و محبان او، سلام بر شما ای برگزیدگان

اللَّـهِ وَأَوِدّاءَهُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكُـمْ يـا أَنْصارَ دِيـنِ اللَّـهِ وَأَنْصارَ نَبِيِّـهِ وَأَنْصارَ

خدا و دوستان او، سلام بر شما ای یاران دین خدا و ای یاری کنندگان پیامبر او و یاری کنندگان

أَمِيـرِ الْمُومِنِيـنَ وَالْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ عَلَيْهِـمُ السَّـلامُ، بِأَبِي أَنْتُـمْ وَأُمِّي

امیرمؤمنان و امام حسن و امام حسین ـ سلام و درود بر ایشان باد ـ ، پدر و مادرم به فدای شما، شما

طِبْتُـمْ وَطابَـتِ الْاَرْضُ الَّتِـي فِيهـا دُفِنْتُـمْ وَفُزْتُـمْ فَـوْزاً عَظِيماً، فَيـا لَيْتَنِي

پاک؛ و زمینی که در آن دفن شده‌اید، پاک است و به سعادت بزرگی رسیدید، ای کاش من نیز

كُنْـتُ مَعَكُـمْ فَأَفُـوزَ مَعَكُـمْ.

با شما بودم و همراه شما سعادتمند می‌شدم.

سپس به بالای سر مبارک بازگرد و زیاد برای خودت و اهل و عیالت و برادران مؤمن خویش دعا کن.

و چون خواستی بیرون روی خود را بر قبر بیفکن و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا مَوْلاٰيَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ

سلام بر تو ای مولای من، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام

عَلَيْكَ يـا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يـا خالِصَةَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

بر تو ای برگزیده خداوند، سلام بر تو ای خالص برای خدا، سلام بر تو

يـا أَمِينَ اللَّهِ، سَلاٰمَ مُوَدِّعٍ لاٰ قالٍ وَلاٰ سَئِمٍ، فَإِنْ أَمْضِي فَلاٰ عَنْ مَلاٰلَةٍ،

ای امین پروردگار، سلام وداع کننده‌ای که نه رنجیده گشته و نه دلتنگ، اگر می‌روم نه از باب ملول گشتن

وَإِنْ أُقِمْ فَلاٰ عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِماٰ وَعَدَ اللَّهُ الصّابِرِينَ.

است، و اگر بمانم نه از جهت بدگمانی است به آنچه خداوند به صابران وعده داده است.

لاٰ جَعَلَهُ اللَّهُ يـا مَوْلاٰيَ آخِرَ الْعَهْدِ لِزِياٰرَتِكَ، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ إِلىٰ

ای مولای من، خداوند این زیارتم را آخرین زیارت من قرار ندهد و بازگشت به سوی زیارتگاهت را

مَشْهَدِكَ، وَالْمُقاٰمَ فِي حَرَمِكَ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيـا وَالْاٰخِرَةِ.

و بودن در حرم باصفایت را روزی من گرداند و از او می‌خواهم که در دنیا و آخرت مرا با شما قرار دهد.

آنگاه خارج شو و هرگز پشت به ضریح مبارک نکن و زیاد بگو:

(إِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ).

«ما از خداوندیم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم»

زیارت دیگری برای مولا حضرت ابا الفضل العبّاس 7 در روز عرفه

سپس برو تا به حرم و محل شهادت حضرت عبّاس 7 برسی، هنگامی که رسیدی بایست و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ، اَلْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ

سلام بر تو ای بنده شایسته، مطیع و فرمانبردار خدا و رسول او و

لِاَمِيرِالْمُومِنِيـنَ وَالْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ، وَعَلَيْـكَ السَّـلاٰمُ وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ

و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین، و بر تو باد سلام، و رحمت خدا

وَبَرَكاٰتُـهُ وَمَغْفِرَتُـهُ عَلـىٰ رُوحِـكَ وَبَدَنِـكَ.

و برکات او و مغفرتش بر جسم و جانت.

أُشْـهِدُ اللَّـهَ أَنَّـكَ مَضَيْـتَ عَلـىٰ مـاٰ مَضَـى الْبَدْرِيُّـونَ وَالْمُجاٰهِدُونَ

خدا را گواه می‌گیرم که تو بر همان طریقی رفتی که اهل بدر و مجاهدان در راه خدا رفتند،

فِـي سَـبِيلِ اللَّـهِ، اَلْمُنـاٰصِحُونَ فِي جِهـاٰدِ الْاَعْـداٰءِ، اَلْمُبـالِغُونَ فِـي نُصْرَةِ

آنانکه در جهاد دشمنان خیرخواهی نمودند و در نصرت و یاری اولیای خدا تلاش فراوان کردند.

أَوْلِيـاٰئِـهِ. فَجَزاٰكَ اللَّـهُ أَفْضَلَ الْجَـزاٰءِ، وَأَوْفَرَ جَزاٰءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفـىٰ بِبَيْعَتِهِ،

خداوند به تو بهترین پاداش و بیشترین پاداش را نسبت به کسانی که به بیعت خود وفا نمودند

وَاسْـتَجاٰبَ لَـهُ دَعْوَتَـهُ، وَحَشَـرَكَ مَـعَ النَّبِيِّـيـنَ وَالشُّـهَداٰءِ وَالصِّدِّيقِيـنَ

و دعوت او را اجابت کردند مرحمت فرماید و تو را با پیامبران و شهیدان و صدیقان و صالحان

وَالصّالِحِينَ (وَحَسُـنَ أُولئِـكَ رَفِيقاً).[1]

محشور فرماید که «آنان خوب رفیقان و همراهان هستند».

سپس در قسمت بالای سر مبارک دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن به آنچه دوست داری دعا کن.

چون اراده بیرون رفتن نمودی با آن حضرت وداع کن و بگو:

أَسْـتَوْدِعُكَ اللَّـهَ وَأَسْـتَرْعِيكَ، وَأَقْـرَأُ عَلَيْـكَ السَّـلاٰمَ، آمَنّـا بِاللَّـهِ

تو را به خدا می‌سپارم و از او خواستار مراعات توام و بر تو سلام می‌نمایم، به خدا

وَبِرَسُـولِهِ وَبِمـاٰ جـاٰءَ بِـهِ مِـنْ عِنْـدِ اللَّـهِ، أَللّٰهُـمَّ اكْتُبْنـاٰ مَـعَ الشّـاهِدِينَ،

و رسولش و آنچه از طرف خداوند آورده ایمان دارم، پس ما را در زمره گواهان بنویس،

۱. سورهٔ نساء، آیه۶۹.

أَللَّهُـمَّ لاٰ تَجْعَلْـهُ آخِـرَ الْعَهْـدِ مِـنْ زِيـاٰرَةِ قَبْـرِ وَلِيِّكَ وَابْـنِ أَخِـي نَبِيِّكَ،

خداوندا این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به قبر ولیت و پسر برادر پیامبرت قرار مده و زیارت

وَارْزُقْنِـي زِياٰرَتَـهُ أَبَـداً ماٰ أَبْقَيْتَني، وَاحْشُـرْني مَعَـهُ وَمَعَ آباٰئِهِ فِـي الْجِناٰنِ.

او را همیشه تا مادامی که مرا باقی داشته‌ای روزی‌ام گردان و مرا با ایشان واجدادش در بهشت محشور فرما.

و آنگاه برای خودت و پدر و مادرت و برای برادران مؤمن خویش دعا کن.

زیارت وداع امام حسین 7 در روز عرفه

سپس برای وداع به حرم امام حسین 7 بازگرد و چون خواستی وداع کنی همان گونه که در ابتدا ایستادی بایست و بگو:

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا وَلِيَّ اللّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبـاٰ عَبْدِاللّـهِ، أَنْتَ لِي

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو برای من سپری در برابر

جُنَّـةٌ مِنَ الْعَـذاٰبِ، وَهٰـذاٰ أَوانُ انْصِرافِي، غَيْرَ راٰغِبٍ عَنْكَ، وَلاٰ مُسْـتَبْدِلٍ

عذاب هستی و اکنون هنگام بازگشتن من فرارسیده نه اینکه از تو روی گردان باشم و نه اینکه غیر تو را

بِـكَ سِـواٰكَ، وَلاٰ مُؤْثِـرٍ عَلَيْـكَ غَيْـرَكَ، وَلاٰ زاٰهِـدٍ فِـي قُرْبِـكَ. أَسْـأَلُ اللّهَ

جایگزین تو گردانم و نه اینکه غیر تو را بر تو ترجیح دهم، و نه اینکه از جوار و قرب تو بی‌میل باشم. از

تَعاٰلـىٰ أَنْ لاٰ يَجْعَلَـهُ آخِـرَ الْعَهْـدِ مِنِّي وَمِـنْ رُجُوعِي، أَسْـأَلُ اللّـهَ الَّذِي

خداوند تبارک و تعالی درخواست می‌کنم که آن را آخرین دیدار من قرار ندهد از خداوندی که مکان و

أَراٰنِـي مَكاٰنَـكَ، وَهَداٰنِـي لِلتَّسْـلِيمِ عَلَيْـكَ، وَ لِزِياٰرَتـي إِيّـاكَ، أَنْ يُورِدَني

جایگاه تو را به من نشان داد و راهنمایی‌ام نمود تا بر تو سلام گویم و زیارتت نمایم می‌خواهم که مرا در

حَوْضَكُـمْ وَيَرْزُقَنِـي مُراٰفَقَتَكُـمْ فِـي الْجِنـاٰنِ مَـعَ آباٰئِـكَ الصّالِحِيـنَ.

کنار حوض شما وارد نماید و رفاقت و همراهی با شما را در بهشت با پدران صالح شما روزی‌ام گرداند.

سپس بر پیامبراکرم 9 و بر ائمّهٔ طاهرین : یکایک آن‌ها سلام بگو و اگر خواستی بازگرد و به آنچه دوست داری دعا کن.

وداع شهدا : در روز عرفه

آنگاه صورت را به سوی قبور شهیدان بگردان و با آنان وداع کن و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ، أَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما، خداوندا این زیارتم را آخرین زیارت

مِنْ زِيٰارَتِي إِيّٰاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صٰالِحِ مٰا أَعْطَيْتَهُمْ عَلىٰ

من و دیدارم با ایشان قرار مده، و مرا در عطایای شایسته‌ای که به آنان به خاطر

نَصْرِهِمْ اِبْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنٰا وَإِيّٰاهُمْ فِي

یاری پسر پیامبرت و حجّت تو بر خلقت مرحمت کرده‌ای شریک گردان، خداوندا ما و ایشان را

جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّٰالِحِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً.

در بهشت با شهدا و صالحان قرار بده که آنان خوب رفیقان و همراهانی هستند،

أَسْتَوْدِعُكُمُ اللّٰهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلاٰمَ، أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ

شما را به خدا می‌سپارم و بر شما سلام می‌گویم. خداوندا بازگشت به سوی آنان را روزی‌ام گردان

وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

و مرا با آنان محشور فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس خارج شو و دیده به قبر مبارک داشته باش تا دیگر آن را نبینی و بر درب حرم رو به قبله بایست و دعا کن به آنچه دوست داری؛ و آنگاه بازگرد اگر خداوند تبارک و تعالی بخواهد.[1]

۱. مزار کبیر: ص۴۶۲، بحارالانوار: ۳۵۹/۱۰۱ ح۱.

(۲۹) زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب و روز عرفه از راه دور

در مفتاح الجنّات آمده است: این زیارت را سیّد بن طاووس 1 در اقبال در ضمن دعاهای عرفه ذکر کرده و همچنین علامه مجلسی 1 در کتاب زاد المعاد گفته است: با این زیارت امام 7 از راه دور زیارت می‌شود:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا نَبِيَّ اللَّهِ، اَلسَّلاٰمُ

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام

عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمِينَهُ عَلىٰ وَحْيِهِ.

بر تو ای برگزیده خدا از میان خلق و امین او بر وحیش.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ،

سلام بر تو ای مولای من ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای مولای من،

أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَبٰابُ عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ، وَالْخَلِيفَةُ مِنْ

تو حجت خدا بر خلق او و باب علمش و وصی پیامبرش و جانشین او در میان

بَعْدِهِ فِي أُمَّتِهِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ، وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ، أَنَا

امّتش هستی. خداوند لعنت کند گروهی را که حقّ تو را غصب نمودند و در جایگاه تو نشستند، من از

بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ إِلَيْكَ.

آنان و از پیروانشان به سوی تو بیزاری می‌جویم.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يٰا فٰاطِمَةُ الْبَتُولُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يٰا زَيْنَ نِسٰاءِ

سلام بر تو ای فاطمه بتول، سلام بر تو ای زینت بخش بانوان

الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يٰا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، صَلَّى

عالم، سلام بر تو ای دختر رسول خدا، پروردگار عالم، درود

اللَّـهُ عَلَيْـكِ وَعَلَيْهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكِ يا اُمَّ السِّـبْطَيْنِ الْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ،

خدا بر تو و سلام بر تو ای مادر دو سبط گرامی امام حسن و امام حسین،

لَعَـنَ اللَّـهُ اُمَّـةً غَصَبَتْـكِ حَقَّـكِ، وَمَنَعَتْـكِ مـا جَعَلَـهُ اللَّهُ لَـكِ حَلاٰلاً،

لعنت خدا بر گروهی که حق تو را غصب نمودند و آنچه را که خداوند برای تو حلال قرار داده بود از تو بازداشتند،

أنَـا بَـرِيءٌ إِلَيْكِ مِنْهُـمْ وَمِنْ شِـيعَتِهِمْ.

من به سوی تو از آنان و پیروان انان بیزاری می‌جویم.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا مَـوْلاٰيَ يـا أَبـا مُحَمَّدِنِ الْحَسَـنَ الـزَّكِيَّ، اَلسَّـلاٰمُ

سلام بر تو ای مولای من، ای ابا محمّد، ای حسن زکی یعنی پاک و منزه، سلام بر تو ای مولای

عَلَيْـكَ يـا مَوْلاٰيَ، لَعَـنَ اللَّهُ اُمَّـةً قَتَلَتْـكَ، وَبٰايَعَتْ فـي أَمْرِكَ وَشـايَعَتْ،

من، خداوند لعنت کند گروهی را که تو را کشتند و در امر تو بیعت کردند و پیروی نمودند، من به

أنَـا بَـرِيءٌ إِلَيْكَ مِنْهُـمْ وَمِنْ شِـيعَتِهِمْ.

سوی تو از آنان و پیروان آنان بیزاری می‌جویم.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا مَوْلاٰيَ يا أَبـا عَبْدِاللَّهِ الْحُسَـيْنَ بْنَ عَلِـيٍّ، صَلَوٰاتُ

سلام بر تو ای مولای من، ای ابا عبد الله الحسین، درود

اللَّـهِ عَلَيْـكَ وَعَلـىٰ أَبِيـكَ وَجَـدِّكَ مُحَمَّـدٍ صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ،

خدا بر تو و بر پدر و جدّت حضرت محمّد ـ صلوات خدا بر ایشان و آل ایشان باد ـ ، خدا لعنت کند

لَعَـنَ اللَّـهُ اُمَّـةً اسْـتَحَلَّتْ دَمَـكَ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ اُمَّـةً قَتَلَتْكَ وَاسْـتَبٰاحَتْ

گروهی را که ریختن خون تو را حلال شمردند، و خدا لعنت کند گروهی را که تو را کشتند و حرمت تو

حَرِيمَـكَ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ أَشْـيٰاعَهُمْ وَأَتْبٰاعَهُمْ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ

را رعایت نکردند، و خدا لعنت کند پیروان و متابعان ایشان را، و خدا لعنت کند آنان را که برای قاتلین

بِالتَّمْكِيـنِ مِـنْ قِتٰالِكُـمْ، أَنـا بَـرِيءٌ إِلَـى اللَّـهِ وَإِلَيْـكَ مِنْهُـمْ.

شما زمینه سازی نمودند من به درگاه خداوند به سوی شما از آنان تبرّی و بیزاری می‌جویم.

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا مَوْلاٰيَ يا أَبٰا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَـيْنِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای مولای من، ای ابا محمد، علی بن الحسین، سلام بر تو

يـا مَـوْلاٰيَ يا أَبـا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْـنَ عَلِيٍّ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يا مَوْلاٰيَ يـا أَبٰا عَبْدِ

ای مولای من، ای ابا جعفر، محمّد بن علی، سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله

اللّٰـهِ جَعْفَـرَ بْـنَ مُحَمَّدٍ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا مَوْلاٰيَ يا أَبَا الْحَسَـنِ مُوسَـى بْنَ

جعفر بن محمّد، سلام بر تو ای مولای من، ای ابا الحسن موسی بن

جَعْفَـرٍ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يا مَـوْلاٰيَ يا أَبَا الْحَسَـنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسـىٰ، اَلسَّـلاٰمُ

جعفر، سلام بر تو ای مولای من، ای ابا الحسن علی بن موسی، سلام

عَلَيْـكَ يـا مَـوْلاٰيَ يـا أَبٰا جَعْفَـرٍ مُحَمَّـدَ بْنَ عَلِـيٍّ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا مَوْلاٰيَ

بر تو ای مولای من، ای ابا جعفر محمّد بن علی، سلام بر تو ای مولای من

يـا أَبَـا الْحَسَـنِ عَلِيَّ بْـنَ مُحَمَّـدٍ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـا مَـوْلاٰيَ يـا أَبٰامُحَمَّدِنِ

ای ابا الحسن علی بن محمد، سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد

الْحَسَـنَ بْـنَ عَلِـيٍّ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـا مَـوْلاٰيَ يـا أَبَـا الْقٰاسِـمِ مُحَمَّـدَ بْنَ

حسن بن علی، سلام بر تو ای مولای من ای ابا القاسم محمد بن

الْحَسَـنِ صٰاحِبَ الزَّمـانِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْـكَ وَعَلىٰ عِتْرَتِكَ الطّاهِـرَةِ الطَّيِّبَةِ.

الحسن، صاحب الزمان، درود خدا بر تو و بر عترت پاک و مطهّرت.

يـا مَوٰالِـيَّ كُونُـوا شُـفَعٰائِي فـي حَـطِّ وِزْرِي وَخَطـٰايَ، آمَنْـتُ بِاللّٰـهِ

ای موالیان من شفیعان من باشید در بخشش و آمرزش گناهان و خطاهایم، به خدا و به آنچه به

وَبِمـٰا أُنْـزِلَ إِلَيْكُـمْ، وَأَتَوالـىٰ آخِرَكُـمْ بِمـٰا أَتَوالـىٰ أَوَّلَكُـمْ، وَبَرِئْـتُ

شما نازل شده ایمان آوردم، ولایت آخرین شما را پذیرفته‌ام همان طور که نسبت به اولین شما ولایت

مِـنَ الْجِبْـتِ وَالطّاغُـوتِ وَ الـلّاتِ وَ الْعُـزّىٰ.

دارم، و از جبت و طاغوت و لات و عزّی تبرّی و بیزاری می‌جویم.

يـا مَوالِـيَّ، أنَـا سِـلْمٌ لِمَـنْ سـالَمَكُمْ، وَحَـرْبٌ لِمَـنْ حارَبَكُـمْ،

ای سروران من، با کسانی که با شما در سازش هستند در سازشام، و با آنانکه با شما در جنگ هسند در

وَعَـدُوٌّ لِمَـنْ عادَاكُـمْ، وَوَلِـيٌّ لِمَـنْ والاكُـمْ إِلـىٰ يَـوْمِ الْقِيامَـةِ، وَلَعَـنَ

جنگم، با دشمنان شما دشمن و با دوستان شما دوست هستم تا رزو قیامت، خداوند کسانی را که به شما ستم

اللَّـهُ ظالِمِيكُـمْ وَغاصِبِيكُـمْ، وَلَعَـنَ اللَّـهُ أَشْـياعَهُمْ وَأَتْباعَهُـمْ وَأَهْـلَ

نمودند و حقّ شما را غصب کردند لعنت کند و خداوند پیروان آنان و متابعانشان و کسانی را که راه آنان را

مَذْهَبِهِـمْ، وَأَبْـرَأُ إِلَـى اللَّـهِ وَإِلَيْكُـمْ مِنْهُـمْ.

می‌روند لعنت کند، به درگاه خدا و به سوی شما از آنان بیزاری می‌جویم.

أَللَّهُمَّ إِنِّي أُشْـهِدُكَ وَكَفىٰ بِكَ شَـهِيداً، وَأُشْهِدُ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خداوندا تو را گواه می‌گیرم و تو از جهت گواهی کافی هستی و حضرت محمّد ـ صلوات خدا

وَآلِـهِ وَسَـلَّمَ، وَعَلِيّـاً وَالْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمـا، وَالثَّمانِيَةَ مِنْ حَمَلَةِ عَرْشِـكَ،

بر ایشان و آل ایشان باد ـ و حضرت علی و امامان از ذریه آنان و هشت حامل

وَالْأَرْبَعَـةَ الْأَمْـلاكَ خَزَنَـةَ عِلْمِـكَ، إِنِّـي بَرِيءٌ مِـنْ أَعْدائِهِـمْ، وَأَنَّ فَرْضَ

عرشت، و چهار ملک خازنان علمت را گواه می‌گیرم که من از دشمنان ایشان بیزارم

صَلَواتِـي لِوَجْهِكَ، وَنَوافِلِـي وَزَكَواتي وَما طابَ مِنْ قَـوْلٍ وَعَمَلٍ عِنْدَكَ،

و نمازهای واجب خود را به خاطر تو انجام داده‌ام و نوافلم و انفاق‌های مالی و گفتارها و کردارهای

فَعَلـىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلـىٰ أَهْـلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِيـنَ الطّاهِرِيـنَ، اَلصَّلاةُ وَالسَّـلامُ.

خوبی که نزد تو است، پس بر حضرت محمّد و بر اهل بیت پاک و مطهّر آن حضرت سلام و درود باد،

أَللَّهُـمَّ أَقْـرِرْ عَيْنـي بِصَلاتِـهِ وَصَلاةِ أَهْـلِ بَيْتِـهِ، وَاجْعَلْ مـا هَدَيْتَنِـي إِلَيْهِ

خداوندا چشم مرا با درود بر او و اهل بیت او روشن فرما و قرار بده آنچه مرا هدایت کردی به آن، از

مِـنَ الْحَـقِّ وَالْمَعْرِفَـةِ بِهِمْ، مُسْـتَقِرّاً لا مُسْـتَوْدَعاً، يا أَرْحَـمَ الرّاحِمِينَ.[1]

حق و معرفت و شناخت آنان ثابت و پایدار، نه ودیعه و از بین رفتنی و ناپایدار، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. إقبال الأعمال : ص۶۹۲ ، صحیفهٔ رضویه : ۶۸۲ ، بحار الأنوار : ۳۷۴/۱۰۱ ، مفتاح الجنات : ص۶۱۰ .



صحیفهٔ حسینیّه بخش هشتم

ملحقات

خاتمهٔ کتاب



۱۷۰

(۱) دعای عالیة المضامین

سیّد بن طاووس 1 فرموده است: این دعایی است که بعد از زیارت هر یک از ائمّه : خوانده می شود:

أَللَّهُمَّ إِنّي زُرْتُ هٰذَا الْإِمامَ مُقِرّاً بِإِمامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ،

خداوندا، من این امام را زیارت کردم در حالی که به امامت او اقرار و اعتراف دارم، معتقدم به وجوب اطاعتش،

فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبي وَعُيُوبِي، وَمُوبِقاتِ آثامِي، وَكَثْرَةِ سَيِّئاتي

پس آهنگ زیارت او نمودم با همه گناهانم و بدیهایم، و نافرمانی‌هایم که هلاکت‌بار است و گناهان و خطاهای

وَخَطاياىَ وَما تَعْرِفُهُ مِنّي، مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، مُسْتَعِيذاً بِحِلْمِكَ، راجِياً

فراوانم، و آنچه تو از من می‌دانی، در حالی که به عفو و بخشش تو پناهنده گشته، و به حلم و بردباریت پناه آورده،

رَحْمَتَكَ، لاجِياً إِلىٰ رُكْنِكَ، عآئِذاً بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَابْنِ

به رحمتت امید بسته، به نیروی تو تکیه کرده، به رأفت و مهربانیت پناهنده‌ام، شفیع خود گردانیده‌ام ولیّ تو و

أَوْلِيآئِكَ، وَصَفِيِّكَ وَابْنِ أَصْفِيآئِكَ، وَأَمِينِكَ وَابْنِ اُمَنآئِكَ، وَخَلِيفَتِكَ

فرزند اولیائت، و برگزیده تو و فرزند برگزیدگانت، و امانتدار تو و فرزند امانت‌دارانت، و جانشین

وَابْنِ خُلَفَآئِكَ، اَلَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوٰانِكَ،

تو و فرزند جانشینانت را، (او از کسانی است که) آنان را وسیله رحمت و خشنودیت، و واسطه

وَالذَّرِيعَةَ إِلىٰ رَأْفَتِكَ وَغُفْرٰانِكَ.

ما رأفت و آمرزش خویش قرار داده‌ای.

أَللّٰهُمَّ وَأَوَّلُ حاجَتي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لي ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبي عَلىٰ

خداوندا، و اوّلین حاجت من به درگاه تو اینست که گناهان گذشته‌ام را با آن‌که زیاد است

كَثْرَتِها، وَأَنْ تَعْصِمَني فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْري، وَتُطَهِّرَ دِيني مِمّا يُدَنِّسُهُ

بیامرزی، و در باقیمانده عمر مرا (از ارتکاب گناه) مصون داری، و دینم را از آنچه آن را آلوده و زشت

وَيَشِينُهُ وَيُزْري بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِ، وَالْفَسادِ وَالشِّرْكِ،

می‌گرداند، و لکّه‌دار می‌سازد پاک گردانی، و از هر گونه شکّ و تردید، و فساد و شرک بازداری،

وَ تُثَبِّتَني عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ النُّجَبآءِ السُّعَدآءِ،

و ثابت بداری مرا بر اطاعت خود و اطاعت رسولت، و ذرّیّه بزرگوار سعادتمند او

صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُكَ وَسَلامُكَ وَبَرَكاتُكَ، وَتُحْيِيَني ما أَحْيَيْتَني

که درود و رحمت و سلام و برکاتت بر آنان باد، و تا مرا زنده داشته‌ای براطاعت ایشان زنده

عَلىٰ طاعَتِهِمْ، وَتُمِيتَني إِذا أَمَتَّني عَلىٰ طاعَتِهِمْ، وَأَنْ لا تَمْحُوَ مِنْ

بداری، و هنگامی که میراندی بر اطاعت‌شان بمیرانی، و محو و نابود نگردانی از دلم ارادت

قَلْبي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدآئِهِمْ، وَمُرافَقَةَ أَوْلِيآئِهِمْ، وَبِرَّهُمْ.

و محبّت‌شان و کینه دشمنان‌شان، و رفاقت و همراهی با دوستان‌شان، و نیکی‌کردن به آنان را.

وَأَسْئَلُكَ يا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذٰلِكَ مِنّي، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ عِبادَتَكَ، وَالْمُواظَبَةَ

و از تو می‌خواهم پروردگارا، که آن را از من بپذیری، و عبادتت و مواظبت بر آن را محبوب من و مورد علاقه

عَلَيْها، وَتُنَشِّطَني لَها، وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعاصِيَكَ وَمَحارِمَكَ، وَتَدْفَعَني

من گردانی، و بر انجام آن به من نشاط بخشی، و نافرمانی‌ها و محرّماتت را ناپسند من و مورد نفرت من گردانی،

عَنْهـا، وَتُجَنِّبَنـي التَّقْصِيرَ في صَلاتـي وَالْاِسْـتِهانَةَ بِها، وَالتَّراخِـيَ عَنْها،

و مرا از آن‌ها دور نمایی، و از کوتاهی کردن در نماز و کوچک شمردن آن، و سستی کردن در آن مرا بازبداری،

وَتُوَفِّقَنـي لِتَأْدِيَتِهـا كَمـا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ، عَلىٰ سُـنَّةِ رَسُـولِكَ صَلَواتُكَ

و توفیق دهی برای انجام آن آنگونه که واجب ساخته‌ای و به آن دستور داده‌ای به روش پیامبرت – که درود تو

عَلَيْـهِ وَآلِـهِ وَرَحْمَتُـكَ وَبَرَكاتُـكَ، خُضُوعـاً وَخُشُـوعاً، وَتَشْـرَحَ صَدْري

بر او و آل او و رحمت و برکاتت باد – از نظر خضوع و خشوع. و به من شرح صدر عطا کنی

لِاِيتـآءِ الـزَّكاةِ، وَإِعْطـآءِ الصَّدَقـاتِ، وَبَـذْلِ الْمَعْـرُوفِ وَالْاِحْسـانِ إِلىٰ

برای پرداخت زکات، و دادن صدقات، و بخشش نیکی و احسان به

شِـيعَةِ آلِ مُحَمَّـدٍ وَمُواسـاتِهِمْ، وَلاتَـتَوَفّاني إِلّا بَعْـدَ أَنْ تَـرْزُقَني حَـجَّ

پیروان آل محمّد و یاری آنان، و مرا از دنیا مبر مگر بعد از آن‌که خانه خودت،

بَيْتِـكَ الْحَـرامِ، وَزِيـارَةَ قَبْـرِ نَبِيِّـكَ، وَقُبُورِ الْاَئِمَّـةِ عَلَيْهِمُ السَّـلامُ.

و زیارت قبر پیامبرت، و قبور ائمّه را – که بر آنان سلام باد – روزیم گردانی.

وَأَسْـئَلُكَ يـا رَبِّ تَوْبَـةً نَصُوحـاً تَرْضاهـا، وَنِيَّـةً تَحْمَدُهـا، وَعَمَـلاً

و از تو می‌خواهم پروردگارا، توبه خالص و واقعی که به آن خشنود گردی، و نیّتی که آن را بپسندی، و عمل

صالِحـاً تَقْبَلُـهُ، وَأَنْ تَغْفِـرَ لـي وَتَرْحَمَنـي إِذا تَوَفَّيْتَنِـي، وَتُهَـوِّنَ عَلَـيَّ

شایسته‌ای که آن را بپذیری، و هنگام وفاتم مرا مورد مغفرت و رحمت خویش قرار دهی، و سختی‌های

سَـكَراتِ الْمَـوْتِ، وَتَحْشُـرَني في زُمْـرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِـهِ صَلَواتُ اللّـهِ عَلَيْهِ

جان‌کندن را بر من آسان کنی، و در زمره محمّد و آل او – که درود تو بر او و بر آنان باد – محشور گردانی،

وَعَلَيْهِـمْ، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّـةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعـي غَزِيراً في طاعَتِكَ،

و به رحمت خود مرا وارد بهشت نمایی، و گریه‌ام را در راه اطاعت خویش فراوان، و اشک چشمانم را در

وَعَبْرَتـي جارِيَـةً فِيمـا يُقَرِّبُنـي مِنْـكَ، وَقَلْبـي عَطُوفـاً عَلىٰ أَوْلِيآئِـكَ.

آنچه باعث تقرّب من به تو می‌گردد جاری سازی، و قلب مرا نسبت به اولیاء و دوستانت عطوف و مایل فرمایی.

وَ تَصُونَنـي فـي هٰـذِهِ الدُّنْيـا مِـنَ الْعاهـاتِ وَ الْآفـاتِ، وَ الْآمْـراضِ

و مرا در این دنیا از بیماریها و آفت‌ها، و مرض‌های سخت، و

الشَّـدِيدَةِ، وَ الْاَسْـقامِ الْمُزْمِنَـةِ، وَ جَمِيـعِ أَنْـواعِ الْبَـلاءِ وَ الْحَـوادِثِ،

دردهای زمین‌گیر کننده، و هر نوع بلا و حادثه‌ای مصون بداری،

وَتَصْـرِفَ قَلْبـي عَـنِ الْحَـرامِ، وَتُبَغِّـضَ إِلَـيَّ مَعاصِيَـكَ، وَتُحَبِّـبَ إِلَـيَّ

و قلبم را از حرام بازگردانی، و نافرمانی‌هایت را مورد تنفّر من قرار دهی، و حلال را محبوب من

الْحَـلالَ، وَتَفْتَـحَ إِلَـيَّ أَبْوابَـهُ، وَتُثَبِّـتَ نِيَّتـي وَفِعْلـي عَلَيْـهِ، وَتَمُـدَّ فـي

و مورد پسندم نمایی، و درهایش را به رویم بگشائی، و نیّتم را ثابت و کارم را بر آن استوار سازی، و

عُمْـرِي، وتُغْلِـقَ أَبْـوابَ الْمِحَـنِ عَنِّـي، وَلاتَسْـلُبَني مـا مَنَنْـتَ بِـهِ عَلَيَّ،

عمرم را طولانی، و درهای غم و غصّه را بر من ببندی، وآنچه بر من عطا کرده و بخشیده‌ای از من مگیری،

وَلاتَسْـتَرِدَّ شَـيْئاً مِمّا أَحْسَـنْتَ بِهِ إِلَـيَّ، وَلاتَنْزِعَ مِنِّـي النِّعَمَ الَّتـي أَنْعَمْتَ

چیزی از آنچه احسان کرده‌ای بازنستانی، و نعمت‌هایی را که به من مرحمت فرموده‌ای جدا

بِهـا عَلَـيَّ، وَتَزِيـدَ فِيمـا خَوَّلْتَنِـي، وَتُضاعِفَـهُ أَضْعافـاً مُضاعَفَـةً.

نسازی، و آنچه عنایت کرده‌ای زیاد کنی، و آن را مضاعف و چندین برابر گردانی.

وَتَرْزُقَنـي مـالاً كَثِيـراً واسِـعاً سَـآئِغاً، هَنِيئـاً نامِيـاً وافِيـاً، وَعِـزّاً باقِيـاً

و مال زیاد فراوان دلپذیر، گوارا بالنده کامل، و عزّت پایدار

كافِيـاً، وَجاهـاً عَرِيضـاً مَنِيعاً، وَنِعْمَةً سـابِغَةً عَآمَّـةً، وَتُغْنِيَنـي بِذٰلِكَ عَنِ

کفایت‌کننده، و آبروی بسیار بازدارنده، و نعمت سرشار فراگیر روزی‌ام نمایی، و مرا به وسیله آن

الْمَطالِـبِ الْمُنَكَّـدَةِ، وَالْمَوارِدِ الصَّعْبَـةِ، وَتُخَلِّصَني مِنْهـا مُعافاً في دِيني

از درخواست‌های ناروا، و موردهای دشوار بی‌نیاز گردانی، و از آن رهایی بخشی با عافیت در دین

وَنَفْسـي وَوَلَـدِي، وَمـا أَعْطَيْتَنـي وَمَنَحْتَنِي.

و جان و فرزندم، و (در) آنچه عطا کرده‌ای و بخشیده‌ای.

وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مالي وَجَمِيعَ ما خَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَنّي أَيْدِي

و آنچه را دارم و به من داده‌ای برایم نگه داری، دست جبّاران و زورگویان را از تعدّی کردن بر

الْجَبابِرَةِ، وَتَرُدَّني إِلىٰ وَطَنِي، وَتُبَلِّغَني نِهايَةَ أَمَلي في دُنْيايَ وَآخِرَتي،

من ببندی و بازداری، و مرا به سرزمین خویش بازگردانی، و به نهایت آرزویم در دنیا و آخرت برسانی،

وَ تَجْعَلَ عاقِبَةَ أَمْري مُحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً، وَ تَجْعَلَني رَحِيبَ

و سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و بی‌عیب قرار دهی، و مرا،

الصَّدْرِ، واسِعَ الْحالِ، حَسَنَ الْخُلْقِ، بَعِيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ،

شکیبا و باحوصله و خوش‌اخلاق، و دور از بخل و خودداری،

وَالنِّفاقِ وَالْكِذْبِ وَالْبُهْتِ، وَقَوْلِ الزُّورِ.

و نفاق و دروغ و بهتان، و زورگویی و گفتار نادرست قرار دهی.

وَتَرْسَخَ في قَلْبي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَني

و در دلم محبّت محمّد و آل محمّد و شیعیان ایشان را رسوخ دهی و ریشه‌دار نمایی، و محفوظ بداری

يا رَبِّ في نَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَوَلَدي وَأَهْلِ حُرْمَتي وَإِخْواني وَأَهْلِ

ای پروردگار، – خودم و اهل و عیالم و مالم و فرزندم و آنان‌که سرپرستی ایشان را به عهده دارم و برادرانم

مَوَدَّتي وَذُرِّيَّتي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ.

حاجاتی و دوستانم و ذرّیّه‌ام را به رحمتت و جودت.

أَللّٰهُمَّ هٰذِهِ حاجاتي عِنْدَكَ، وَقَدِ اسْتَكْثَرْتُها لِلُؤْمي وَشُحّي، وَهِيَ

خداوندا، اینها نیازهای من به درگاه تو است، و آن‌ها را زیاد می‌شمارم به خاطر پستی و بخل بسیارم،

عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ، وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ، فَأَسْئَلُكَ بِجاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و در حالی‌که آن نزد تو و ناچیز است، و انجام آن بر تو ساده و آسان است، پس از تو می‌خواهم به مقام و

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِما أَوْجَبْتَ

منزلت محمّد و آل محمّد – که بر او و بر ایشان سلام و درود باد – در پیشگاهت، و به حقّ ایشان بر تو، و

لَهُمْ، وَبِسائِرِ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيائِكَ، وَأَوْلِيائِكَ الْمُخْلَصِينَ

به آنچه برای ایشان واجب گردانیدی، و به دیگر پیامبرانت و رسولانت و برگزیدگانت و اولیاء بااخلاص و

مِنْ عِبادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ لَمّا قَضَيْتَها كُلَّها، وَأَسْعَفْتَني

پاکت از میان بندگانت، و به نام بزرگت، به آن نام بزرگت که همه آن‌ها را برآورده سازی و مرا حاجت‌روا

بِها، وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلي وَرَجائي، وَشَفِّعْ صاحِبَ هٰذَا الْقَبْرِ فِيَّ.

گردانی، و مرا از آنچه آرزو و امید دارم محروم نکنی، و صاحب این قبر را در مورد من شفیع من گردانی.

يا سَيِّدي يا وَلِيَّ اللَّهِ، يا أَمينَ اللَّهِ، أَسْئَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لي إِلَى اللَّهِ

ای سرور من، ای ولیّ خدا، ای امین خدا و مورد اطمینان او، از تو درخواست می‌کنم که شفاعت

عَزَّ وَجَلَّ في هٰذِهِ الْحاجاتِ كُلِّها، بِحَقِّ آبائِكَ الطّاهِرينَ، وَبِحَقِّ

کنی برای من به درگاه خداوند عزّ وجلّ در مورد همه این نیازها و حاجت‌هایم، به حقّ پدران پاک،

أَوْلادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمآؤُهُ، اَلْمَنْزِلَةَ

و به حقّ فرزندان برگزیده‌ات، که براستی تو نزد خداوند - که نام‌هایش مقدّس است - مقام

الشَّريفَةَ، وَالْمَرْتَبَةَ الْجَليلَةَ، وَالْجاهِ الْعَريضَ.

ارزشمند و رتبه والا، و آبروی فراوان داری.

أَللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هٰذَا الْإِمامِ وَمِنْ

خداوندا، اگر کسانی را می‌شناختم که نزد تو از این امام عزیز و پدران و فرزندان پاکش-

آبائِهِ وَأَبْنائِهِ الطّاهِرينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَالصَّلاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعآئي،

که بر همه آنان سلام و درود باد - آبرومندتر باشد آنان را شفیع خود قرار می‌دادم، و آنان را

وَقَدَّمْتُهُمْ أَمامَ حاجَتي وَطَلِباتي هٰذِهِ، فَاسْمَعْ مِنّي وَاسْتَجِبْ لي،

پیشاپیش این خواسته‌ها و نیازهایم مقدّم می‌نمودم، پس دعایم را بشنو و برایم به اجابت برسان،

وَافْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و آنگونه که تو شایسته آن هستی با من رفتار کن، ای مهربانترین مهربانان.

أَللَّهُمَّ وَما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتي وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتي، مِنْ صالِحِ

خداوندا، و آنچه درخواست من نسبت به آن نارسا و نیرویم ناتوان و تیزهوشی و زیرکی‌ام به آن نمی‌رسد

دیني وَدُنْیایَ وَآخِرَتي، فَامْنُنْ بِهِ عَلَيَّ، وَاحْفَظْني وَاحْرُسْني، وَهَبْ

و صلاح دین و دنیا و آخرت من است، تو به آن بر من منّت گذار، و مرا نگهدار و حفظ کن، و بر من ببخشای

لي وَاغْفِرْ لي، وَمَنْ أَرادَني بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطانٍ مَريدٍ،

و مرا مورد آمرزش قرار بده، و هر کس به من اراده بدی یا نیّت ناروائی دارد، شیطان سرکش باشد، یا سلطان

أَوْ سُلْطانٍ عَنيدٍ، أَوْ مُخالِفٍ في دينٍ، أَوْ مُنازِعٍ في دُنْیا، أَوْ حاسِدٍ

عنادپیشه منحرف، یا مخالفت داشته باشد با من در دین، یا کشمکش داشته باشد بر سر دنیا، یا حسد ورزد به

عَلَيَّ نِعْمَةً، أَوْ ظالِمٍ أَوْ باغٍ، فَاقْبِضْ عَنّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ،

نعمتی که دارم، یا ستمگر باشد یا جنایتکار، دست او را نسبت به من ببند، و مکر و حیله او را از من بازگردان،

وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ، وَاكْفِني شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْباعِهِ وَشَياطينِهِ، وَأَجِرْني مِنْ

و او را به خودش مشغول ساز، و شرّ او و شرّ پیروان و شیاطین او را از من کفایت کن، و مرا از آنچه

كُلِّ ما يَضُرُّني وَيُجْحِفُ بي، وَأَعْطِني جَميعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مِمّا أَعْلَمُ

به من زیان رساند و بر من بیش از طاقتم فشار آورد در امان بدار، و همه خوبی‌ها را از آنچه می‌دانم

وَمِمّا لا أَعْلَمُ.

و نمی‌دانم به من عطا فرما.

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ، وَلِإِخْواني

خداوندا، درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و بیامرز مرا و پدر و مادرم را، و برادران و

وَأَخَواتي، وَأَعْمامي وَعَمّاتي، وَأَخْوالي وَخالاتي، وَأَجْدادي وَجَدّاتي،

خواهرانم را، و عموها و عمّه‌هایم را، و دائی‌ها و خاله‌هایم را، و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایم را،

وَأَوْلادِهِمْ وَذَراريهِمْ، وَأَزْواجي وَذُرِّيّاتي وَأَقْرِبائي وَأَصْدِقائي، وَجيراني

و فرزندان و نسل ایشان را، و همسران و فرزندانم را و همه نزدیکانم و دوستانم را، و همسایگان و برادران

وَإِخْوانـي فيـكَ، مِـنْ أَهْلِ الشَّـرْقِ وَالْغَـرْبِ، وَلِجَميـعِ أَهْـلِ مَوَدَّتي مِنَ

ایمانی‌ام را، از مشرق زمین باشند یا مغرب زمین، و همه کسانی را که با من محبّت دارند از مردان و

الْمُؤْمِنيـنَ وَالْمُؤْمِنـاتِ، اَلْاَحْيَآءِ مِنْهُـمْ وَالْاَمْواتِ، وَلِجَميـعِ مَنْ عَلَّمَني

زنان مؤمن، زنده باشند یا مرده، و همه کسانی که به من کار خوب یا مطلب سودمندی آموخته باشند

خَيْـراً أَوْ تَعَلَّـمَ مِنّي عِلْماً.

یا از من علم و دانشی فراگرفته باشند.

أَللَّهُـمَّ أَشْـرِكْهُمْ فـي صالِـحِ دُعَآئـي، وَزيارَتـي لِمَشْـهَدِ حُجَّتِـكَ

خداوندا، شریک گردان همه آنان را در دعای شایسته من و زیارت حرم (باصفای) حجّتو

وَوَلِيِّـكَ، وَأَشْـرِكْني في صالِـحِ أَدْعِيَتِهِـمْ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَـمَ الرّاحِمينَ،

ولیّت، و شریک نما مرا در دعاهای نیکو و شایسته آنان، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، و

وَبَلِّـغْ وَلِيَّـكَ مِنْهُـمُ السَّـلامَ، وَالسَّـلامُ عَلَيْـكَ وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

از طرف همه آنان به ولیّ خویش سلام برسان، و سلام بر تو و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

يـا سَـيِّدي وَمَـوْلايَ ـ يـا فُـلانَ بْـنَ فُـلانٍ ـ صَلَّى اللَّـهُ عَلَيْـكَ، وَعَلَى

ای سرور من، و مولای من، - ای فلان پسر فلان - درود خدا بر تو، و بر روح

رُوحِـكَ وَبَدَنِـكَ، أَنْـتَ وَسـيلَتي إِلَـى اللَّـهِ، وَذَريعَتـي إِلَيْـهِ، وَلِـيَ حَـقُّ

و جسم تو، تو وسیله من به سوی خداوند و راه ارتباط من با او هستی، و من حقّ

مُوالاتـي وَتَأْميلـي، فَكُـنْ شَـفيعي إِلَى اللَّـهِ عَزَّ وَجَـلَّ فِي الْوُقُـوفِ عَلَى

ارادتمندی و آرزومندی به حضرتت دارم، پس شفیع من باش به درگاه خداوند تبارک و تعالی در مورد

قِصَّتـي هٰـذِهِ، وَصَرْفـي عَـنْ مَوْقِفـي هٰـذا بِالنُّجْـحِ، وَبِمـا سَـأَلْتُهُ كُلَّـهُ،

آنچه آگاهی از قصّه من و در مورد بازگشتم از این جایگاه محترم با موفقیّت و روا شدن همه خواسته‌هایم

بِرَحْمَتِـهِ وَقُدْرَتِهِ.

با قدرت و رحمت او.



أَللَّهُـمَّ ارْزُقْنـي عَقْـلاً كامِـلاً، وَلُبّـاً راجِحـاً، وَعِـزّاً باقيـاً، وَقَلْبـاً زَكيّاً،

خداوندا، به من عقل کامل، و اندیشه و خرد بیشتر، و عزّت پایدار، و قلبی پاک، و عمل بسیار، و

وَعَمَـلاً كَثيـراً، وَأَدَبـاً بارِعـاً، وَاجْعَـلْ ذٰلِـكَ كُلَّـهُ لـي، وَلاٰتَجْعَلْـهُ عَلَيَّ،

ادبی برتر و شایسته‌تر روزی فرما، و همه آن‌ها را به نفع من قرار بده، و بر ضرر من قرار مده،

بِرَحْمَتِـكَ يـا أَرْحَـمَ الرّاحِميـنَ.[1]

به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱۷۱

(۲) دعای حضرت خضر علیه‌السلام معروف به دعای کمیل[2]

أَللَّهُـمَّ إِنّـي أَسْـئَلُكَ بِرَحْمَتِـكَ الَّتـي وَسِـعَتْ كُلَّ شَـيْءٍ، وَ بِقُوَّتِـكَ

بارالها، من از تو درخواست می‌کنم به واسطهٔ رحمتت که همه چیز را فراگرفته، و نیز به واسطهٔ نیرویت

الَّتـي قَهَـرْتَ بِهـا كُلَّ شَـيْءٍ، وَ خَضَـعَ لَهـا كُلُّ شَـيْءٍ، وَ ذَلَّ لَهـا كُلُّ

که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن فروتن و همه چیز در برابر آن ذلیل و خوار شد،

شَـيْءٍ، وَبِجَبَرُوتِـكَ الَّتـي غَلَبْـتَ بِهـا كُلَّ شَـيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتـي لاٰ يَقُومُ

و به واسطهٔ جبروت و سلطه‌ات که با آن بر همه چیز غالب شدی، و به واسطهٔ عزّتت که هیچ چیزی در

لَهـا شَـيْءٌ، وَبِعَظَمَتِـكَ الَّتـي مَـلَاَتْ كُلَّ شَـيْءٍ، وَبِسُـلْطانِكَ الَّـذي

برابرش ایستادگی نمی‌کند، و به واسطهٔ بزرگی و عظمتت که همه چیز را پر کرده، و به واسطهٔ سلطنت و

عَـلاٰ كُلَّ شَـيْءٍ، وَبِوَجْهِـكَ الْباقـي بَعْـدَ فَنـاءِ كُلِّ شَـيْءٍ، وَبِأَسْـمائِكَ

توانایی‌ات که بر هر چیز برتری یافته، و به واسطهٔ ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی می‌ماند، و

۱. مصباح الزائر : ص۴۶۸، بحار الانوار : ۱۰۲/۱۶۹، كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ص۲۴.

۲. این دعا از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین 7 آنرا به جناب کمیل تعلیم فرمودند، به همین جهت به «دعای کمیل» معروف شده است. خواندن آن در شب نیمه شعبان و شب‌های جمعه مستحب است.

الَّتي مَلَاَتْ أَرْكانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذي أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ،

به نام‌هایت که اساس و پایهٔ هر چیز را پر کرده است، و به دانشت که همه چیز را احاطه کرده است، و به

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي أَضاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا أَوَّلَ

نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد، ای نور، ای منزّه از هر عیب و نقص، ای پیش از هر ابتدا،

الْاَوَّلِينَ، وَيا آخِرَ الْاخِرِينَ،

ای پس از هر پایان. (از تو درخواست می‌کنم،)

أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

بار الها، بیامرز بر من گناهانی را که پرده‌های حیا و عصمت را می‌درد. خدایا، بیامرز بر من گناهانی

الَّتي تُنْزِلُ النِّقَمَ. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ. أَللَّهُمَّ

را که عذاب‌ها را فرود می‌آورد. خدایا، بیامرز بر من گناهانی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد،

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ الدُّعاءَ. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي

خدایا، بیامرز بر من گناهانی را که دعا را محبوس می‌کند، خدایا، بیامرز بر من گناهانی را که بلا را

تُنْزِلُ الْبَلاءَ. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُها.

نازل می‌کند. خدایا، بیامرز بر من تمام گناهانی را که انجام داده‌ام، و همهٔ اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ام.

أَللَّهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلىٰ نَفْسِكَ،

بارالها، من با یادت به سوی تو تقرّب می‌جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می‌کنم،

وَأَسْئَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَني مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَني شُكْرَكَ، وَأَنْ

و به خاطر جود و بخشش از تو می‌خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و شکرت را نصیبم نمایی،

تُلْهِمَني ذِكْرَكَ. أَللَّهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ سُؤالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ أَنْ

و یادت را به من الهام کنی. بار الها، من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی، از تو می‌خواهم که با من

تُسامِحَني وَتَرْحَمَني وَتَجْعَلَني بِقِسْمِكَ راضِياً قانِعاً، وَفي جَمِيعِ

مدارا کنی، و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی و در همهٔ

الْاَحْـوالِ مُتَواضِعـاً. أَللّٰهُـمَّ وَأَسْـئَلُكَ سُـؤالَ مَنِ اشْـتَدَّتْ فاقَتُـهُ، وَأَنْزَلَ

حالات مرا فروتن سازی. بارالها، من از تو درخواست می‌کنم همانند درخواست کسی که فقر او سخت شده، و

بِـكَ عِنْـدَ الشَّـدائِدِ حاجَتَـهُ، وَعَظُـمَ فِيمـا عِنْـدَكَ رَغْبَتُـهُ.

در سختی‌ها درخواستش را به درگاه تو آورده، و به آنچه نزد تو است بسیار مشتاق گشته است.

أَللّٰهُـمَّ عَظُمَ سُـلْطانُكَ، وَعَـلا مَكانُكَ، وَخَفِـيَ مَكْرُكَ، وَظَهَـرَ أَمْرُكَ،

خدایا، سلطه و چیرگی تو بزرگ، و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان، و دستورت آشکار، و قهر و

وَغَلَـبَ قَهْرُكَ، وَجَـرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلايُمْكِـنُ الْفِرارُ مِـنْ حُكُومَتِكَ.

خشمت چیره، و توانت و قدرتت در جریان است، و به هیچ وجه نمی‌توان از حکومتت فرار کرد.

أَللّٰهُـمَّ لا أَجِـدُ لِذُنُوبـي غافِـراً، وَ لا لِقَبائِحـي ساتِراً، وَ لا لِشَـيْءٍ

بارالها، من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و برای پوشاندن زشتی‌هایم کسی را نیافتم، و برای

مِـنْ عَمَلِـيَ الْقَبِيـحِ بِالْحَسَـنِ مُبَـدِّلاً غَيْـرَكَ، لا إِلَـهَ إِلّا أَنْـتَ سُـبْحانَكَ

تبدیل کارهای زشتم به خوبی، کسی را نیافتم جز تو. معبودی جز تو نیست، منزّه و ستوده‌ای، و تنها به ستایش

وَبِحَمْـدِكَ، ظَلَمْـتُ نَفْسِـي، وَتَجَـرَّأْتُ بِجَهْلِـي، وَسَـكَنْتُ إِلـى قَدِيـمِ

تو می‌پردازم، برخود ستم کردم، و با نادانی و جهل خود بر تو جرأت یافتم، و به خاطر یاد دیرینه‌ات و احسان

ذِكْرِكَ لـي، وَمَنِّـكَ عَلَيَّ.

و لطفی که بر من داری، آرامش داشتم.

أَللّٰهُـمَّ مَـوْلايَ كَـمْ مِـنْ قَبِيـحٍ سَـتَرْتَهُ، وَكَـمْ مِـنْ فـادِحٍ مِـنَ الْبَـلاءِ

بار الها، مولای من، چه زشتی‌های بسیاری که از من پوشاندی و بلاهای سنگینی که از من باز گرداندی، و

أَقَلْتَـهُ، وَكَـمْ مِـنْ عِثـارٍ وَقَيْتَـهُ، وَكَـمْ مِـنْ مَكْـرُوهٍ دَفَعْتَـهُ، وَكَـمْ مِـنْ ثَنـاءٍ

چه لغزش‌های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، و چه ناپسندی‌هایی که از من دور ساختی، و چه ثنا و مدح زیبا

جَمِيلٍ لَسْـتُ أَهْـلاً لَهُ نَشَـرْتَهُ.

که لایقش نبودم ولی در بین مردم پخش کردی.

أَللَّهُمَّ عَظُمَ بَلاٰئِي، وَأَفْرَطَ بي سُوءُ حاٰلِي، وَقَصُرَتْ بي أَعْماٰلي،

بارالها، بلای من بزرگ است، و بدحالیم از حدّ گذشته، و اعمالم مرا مقصّر ساخته، و زنجیرهایم مرا

وَقَعَدَتْ بي أَغْلاٰلِي، وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ أَمَلِي، وَخَدَعَتْنِي

زمین‌گیر کرده، و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از سودمندیم شده، و دنیا مرا با ظاهر فریبنده‌اش

الدُّنْيٰا بِغُرُورِهٰا، وَنَفْسي بِجِنٰايَتِهٰا، وَمِطٰالي يٰا سَيِّدي،

فریفته، و نَفْسم با جنایت‌هایش و امروز و فردا کردنم مرا فریب داده است، ای آقای من.

فَأَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لاٰيَحْجُبَ عَنْكَ دُعاٰئي سُوءُ عَمَلي وَفِعاٰلِي،

به خاطر عزّتمندیت از تو می‌خواهم که کردار زشتم و رفتار نادرستم مانع تو از اجابت دعایم نشود،

وَلاٰتَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلاٰتُعاٰجِلْني بِالْعُقُوبَةِ

و به کارهای زشت پنهانی من که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی، و بد رفتاری و بد کرداریم

عَلىٰ مٰا عَمِلْتُهُ في خَلَوٰاتي مِنْ سُوءِ فِعْلي وَ إِسٰائَتِي، وَدَوٰامِ تَفْرِيطي

در تنهایی‌ها، و کوتاهی و نارسائی پیوسته‌ام در عمل، و نادانی و شهوت‌های نفسانی زیاد، و غفلت

وَجَهٰالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوٰاتي وَغَفْلَتِي.

و بی‌توجّهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود.

وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لي في كُلِّ الْاَحْوٰالِ رَؤُفاً، وَعَلَيَّ في

بار الها، به خاطر اقتدارت بر من، در همهٔ حالات با من مهربانی کن، و در تمام اُمورم مرا مورد عطوفت

جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفاً، إِلَهي وَرَبّي مَنْ لي غَيْرُكَ، أَسْئَلُهُ كَشْفَ

قرار ده، خدای من، و پروردگارم، من چه کسی جز تو دارم که از او بخواهم که بیچارگی و گرفتاری مرا

ضُرِّي، وَالنَّظَرَ في أَمْرِي.

برطرف کند و در اُمورم نگاهی مهربانانه نماید؟

إِلَهي وَمَوْلاٰيَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوىٰ نَفْسِي، وَ

خدای من، و مولای من، حکم و دستوری به من دادی ولی از هوای نفسم پیروی کردم، و از

لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوىٰ وَأَسْعَدَهُ عَلىٰ

فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم، در نتیجه، با خواهش‌هایش مرا فریفت، و قضا و قدر نیز

ذٰلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرىٰ عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ،

به او کمک کرد، و باعث شد نسبت به بعضی از حدودت تجاوز کنم،

وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ، وَ

و با برخی از دستوراتت مخالفت نمایم. پس برای توست در تمام این‌ها حجّت بر من، و هیچ حجّتی به نفع من

لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرىٰ عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ،

نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری گشته، و حکم و آزمایشت مرا ملزم ساخته و رها نمی‌کند.

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلىٰ نَفْسِي، مُعْتَذِراً

اینک خدای من، پس از این همه تقصیر و کوتاهی، و اسراف بر خویش، نزدت آمده‌ام با حالت عذرخواهی،

نَادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلاً مُسْتَغْفِراً مُنِيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً، لَا أَجِدُ

پشیمانی، دل شکسته، خواهان گذشت و آمرزش تو، توبه و بازگشت‌کننده، اعتراف‌کننده، و اقرارکننده. هیچ

مَفَرّاً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَ لَا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ

راه فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی نیز برای روی‌آوری پیدا نکرده‌ام، جز این که تو

عُذْرِي وَ إِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، أَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي،

پوزشم را بپذیری و مرا در رحمت فراگیرت وارد کنی.بار الها، عذرم و پوزشم را بپذیر، و برگرفتاری سختم

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي. يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ

رحم کن، و از بند محکم و سختم رهاییم بخش، ای پروردگار من، به ناتوانی بدنم رحم کن، و به پوست

بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي. يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي

نازک، و استخوان نحیف من رحم کن، ای کسی که آفرینش و یاد و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را

وَتَرْبِيَتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي.

خودت آغاز فرمودی. به خاطر کرامت آغازین و اولیّه‌ات، و نیکی‌های دیرینه‌ات به من، مرا ببخش.

يـا إِلَهي وَسَـيِّدي وَرَبِّـي، أَتُـراكَ مُعَذِّبي بِنـارِكَ بَعْـدَ تَوْحِيـدِكَ، وَبَعْدَ

ای خدای من، آقای من، پروردگار من، آیا ببینم تو را که می‌خواهی پس از یگانه پرستی‌ام، مرا با آتش دوزخت

مَـا انْطَـوىٰ عَلَيْـهِ قَلْبـي مِـنْ مَعْرِفَتِـكَ، وَلَهِـجَ بِـهِ لِسـاني مِـنْ ذِكْـرِكَ،

عذاب کنی؟ و پس از این که قلبم آمیخته از شناخت نسبت به تو شده؟ و پس از این که زبانم به ذکرت گویا

وَاعْتَقَـدَهُ ضَمِيـري مِنْ حُبِّـكَ، وَبَعْـدَ صِـدْقِ اعْتِرافي وَدُعائـي خاضِعاً

شده؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام در پیشگاه ربوبیّت تو؟

لِرُبُوبِيَّتِـكَ، هَيْهـاتَ، أَنْـتَ أَكْـرَمُ مِـنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَـنْ رَبَّيْتَـهُ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ

نه، هرگز تو، بزرگوارتر از آن هستی که پرورده‌ات را ضایع و تباه گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده‌ای دور کنی،

أَدْنَيْتَـهُ، أَوْ تُشَـرِّدَ مَـنْ آوَيْتَـهُ، أَوْ تُسَـلِّمَ إِلَـى الْبَـلاءِ مَـنْ كَفَيْتَـهُ وَرَحِمْتَهُ.

یا کسی را که پناه داده‌ای، آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمتت قرار داده‌ای به دست بلاها بسپاری.

وَلَيْـتَ شِـعْري يـا سَـيِّدي وَ إِلَهـي وَمَـوْلايَ أَتُسَـلِّطُ النّارَ عَلـىٰ وُجُوهٍ

و ای کاش می‌دانستم، ای آقای من، معبود من، و مولای من، آیا تو بر چهره‌هایی که در پیشگاه عظمتت خاکساری

خَـرَّتْ لِعَظَمَتِـكَ سـاجِدَةً، وَعَلَـى الْسُـنٍ نَطَقَـتْ بِتَوْحِيـدِكَ صادِقَـةً،

کرده و به سجده افتاده است، و بر زبان‌هایی که صادقانه به توحیدت گویا گشته، و برای ستایشت تو را شکرگزاری

وَبِشُـكْرِكَ مادِحَـةً، وَعَلـىٰ قُلُـوبٍ اعْتَرَفَـتْ بِـإِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَـةً، وَعَلـىٰ

کرده است، و بر دل‌هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده‌اند، و بر درون‌هایی که از بس نسبت به

ضَمائِـرَ حَـوَتْ مِـنَ الْعِلْـمِ بِكَ حَتّـىٰ صـارَتْ خاشِـعَةً، وَعَلىٰ جَـوارِحَ

تو آگاهی یافته‌اند، فروتن گشته‌اند، و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمان برداری به سوی محل‌های عبادت و

سَـعَتْ إِلـى أَوْطـانِ تَعَبُّـدِكَ طائِعَـةً، وَأَشـارَتْ بِاسْـتِغْفارِكَ مُذْعِنَـةً؟

بندگی تو تلاش کرده‌اند، و با اعتراف به گناهان خود به سمت آمرزش تو قدم برداشته‌اند، آتش را مسلّط می‌کنی؟

مـا هَكَـذا الظَّـنُّ بِـكَ، وَلا أُخْبِرْنـا بِفَضْلِـكَ عَنْـكَ يـا كَرِيمُ يـا رَبِّ،

چنین گمانی نسبت به تو راه ندارد و دربارهٔ فضل تو، اینگونه برای ما باز گو نکرده‌اند، ای بزرگوار، ای پروردگارم،

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلاٰءِ الدُّنْيا وَعُقُوباٰتِها، وَما

این‌ها در حالی است که تو می‌دانی، در مقابل تحمّل بلاهای کم دنیایی و مجازات آن‌ها تاب و توان ندارم،

يَجْري فِيها مِنَ الْمَكاٰرِهِ عَلىٰ أَهْلِها، عَلىٰ أَنَّ ذٰلِكَ بَلاٰءٌ وَمَكْرُوهٌ

و در برابر ناخوشی‌های دنیا که بر اهل دنیاست نیز توان تحمل ندارم، با این که این بلا و مصیبتی است که

قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرٌ بَقاٰئُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمالي لِبَلاٰءِ

مدّت کمی می‌ماند، و پایداری آن اندک و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای آخرت،

الْاٰخِرَةِ، وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكاٰرِهِ فِيها، وَهُوَ بَلاٰءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ

و ناخوشی‌های طاقت‌فرسایش را تحمّل کنم؟ در حالی که آن بلایی است که مدّت آن طولانی، و ماندگاریش

مَقاٰمُهُ، وَلاٰيُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِاَنَّهُ لاٰيَكُونُ إِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقاٰمِكَ

دایمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف‌پذیر نیست، چرا که این (بلا) از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه

وَسَخَطِكَ، وَهٰذاٰ ما لاٰتَقُومُ لَهُ السَّماٰواٰتُ وَالْاَرْضُ، يا سَيِّدِي، فَكَيْفَ

گرفته است. و این، چیزی است که آسمان‌ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست، ای آقای من، پس من

لي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ.

چگونه این‌ها را تحمّل کنم، با وجود این که بنده‌ای ضعیف، خوار، کوچک، نیازمند و بیچاره هستم؟

يا إِلَهي وَرَبّي وَسَيِّدي وَمَوْلاٰيَ، لِاَيِّ الْاُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِما

ای معبود من وپروردگارم وآقا و مولایم، برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام

مِنْها أَضِجُّ وَأَبْكي، لِاَلِيمِ الْعَذاٰبِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِطُولِ الْبَلاٰءِ وَمُدَّتِهِ؟

یک از آنها ضجّه و ناله و گریه کنم؟ برای دردناکی و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و مدّت زیاد بلا؟

فَلَئِنْ صَيَّرْتَني لِلْعُقُوباٰتِ مَعَ أَعْداٰئِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ

اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنانت قرار دهی، و میان من و گرفتاران بلایت

أَهْلِ بَلاٰئِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ أَحِبّاٰئِكَ وَأَوْلِياٰئِكَ، فَهَبْني يا إِلَهي

جمع کنی، و بین من و دوستان و اولیایت جدایی بیفکنی، گیرم که ای خدای من و ای آقا

وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلىٰ عَذابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلىٰ

و مولا و پرودگار من، بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم، ولی چگونه بر جدایی و فراقت شکیبا باشم؟ گیرم

فِراقِكَ، وَهَبْني صَبَرْتُ عَلىٰ حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلىٰ

که بر گرمی و سوزندگی آتشت صبر کنم، ولی چگونه نسبت به محرومیّت از تماشای کرامتت، صبر کنم؟

كَرامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائي عَفْوُكَ؟

یا چگونه، با وجود اُمیدی که به بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟

فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدي وَمَوْلايَ أُقْسِمُ صادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً،

ای آقا و مولای من، سوگند صادقانه می‌خورم، که اگر به من اجازهٔ سخن‌گفتن بدهی، به طور حتم

لَاَضِجَّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِها ضَجِيجَ الْآمِلِينَ، وَلَاَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُراخَ

در بین دوزخیان فریاد آرزومندان درخواهم داد و دردمندانه ضجّه و ناله فریادرس جویان سرخواهم

الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكاءَ الْفاقِدِينَ، وَلَاُنادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ

داد، و همانند عزیز از دست دادگان گریه‌های فراق خواهم کرد، و تو را ندا خواهم داد که: کجایی

يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يا غايَةَ آمالِ الْعارِفِينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يا

ای سرپرست مؤمنان، ای نهایت آرزوی عارفان و خداشناسان، ای فریادرس دادخواهان،

حَبِيبَ قُلُوبِ الصّادِقِينَ، وَيا إِلَهَ الْعالَمِينَ.

ای محبوب دل‌های راستگویان، و ای معبود جهانیان.

أَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا إِلَهي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

آیا پس ببینم تو را ـ ای کسی که منزّهی، ای خدای من و من به حمد تو مشغولم ـ که صدای بندهٔ مسلمانت

سُجِنَ فِيها بِمُخالَفَتِهِ، وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ

را می‌شنوی که در جهنّم به خاطر نافرمانیش زندانی شده؟ و به خاطر معصیت، مزه عذاب جهنم را می‌چشد؟

أَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ،

و بین طبقه‌های مختلف جهنّم به خاطر گناهش زندانی شده؟ در حالی که او با ضجّه، به اُمید رحمتت فریاد

وَيُنادِيكَ بِلِسانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ.

برمی‌آورد، و با زبان یگانه‌پرستانت تو را ندا می‌دهد و توسّل به پروردگاری تو پیدا می‌کند.

يا مَوْلايَ، فَكَيْفَ يَبْقىٰ فِي الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ

ای مولای من، چگونه این بنده‌ات در عذاب باقی بماند با وجود اینکه به بردباری دیرینه‌ات امیدوار است؟

حِلْمِكَ؟ أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟ أَمْ كَيْفَ

یا چگونه آتش او را به درد آورد، با این که او به فضل و مهربانیت، آرزومند است ؟ یا چگونه زبانه‌های آتش،

يُحْرِقُهُ لَهِيبُها وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرىٰ مَكانَهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ

او را بسوزاند در حالی که صدایش را می‌شنوی و جایگاهش را می‌نگری؟! یا چگونه شعله‌ها و شراره‌های آتش

عَلَيْهِ زَفِيرُها وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ أَطْباقِها

او را در برگیرد در حالی که ناتوانی او را می‌دانی؟ یا چگونه بین طبقه‌های جهنّم بالا و پایین رود، درحالیکه از

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَ يُنادِيكَ يا رَبَّهُ؟

راستگویی‌اش آگاهی؟ یا چگونه مأموران آتش او را بسوی دوزخ می‌رانند در حالی که ندا می‌دهد: ای پروردگار من،

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ في عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فِيها؟

یا چگونه او به فضل تو امیدوار باشد تا رهایش کنی، ولی تو او را در آتش وامی‌گذاری؟

هَيْهاتَ، ما ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لا

هرگز، این بعید است و چنین گمان و اندیشه‌ای در مورد تو نیست، و این گونه در مورد فضل تو معروف نیست،

مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَ إِحْسانِكَ.

و این، شبیه رفتار بزرگوارانه و احسان تو، نسبت به یکتاپرستان نیست.

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جاحِدِيكَ، وَ

پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر حکم تو در مورد عذاب کردن منکرانت و جاودانه ماندن

قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلادِ مُعانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً وَ سَلاماً، وَ

دشمنان خود در آتش، صادر نشده بود، به طور حتم (در قیامت،) تمام آتش را سرد و سلامت می‌کردی، و هیچ

مـا كانَ لِاَحَـدٍ فِيهٰا مَقَـرّاً وَلاٰ مُقاماً، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَـتْ أَسْـماؤُكَ أَقْسَـمْتَ

کس در آن استقرار نمی‌یافت و جا نمی‌گرفت. لیکن تو- که‌نام‌های شریفت مقدّس است- سوگند یادکردی

أَنْ تَمْلَاَهـا مِـنَ الْكافِرِينَ مِـنَ الْجِنَّةِ وَالنّـاسِ أَجْمَعِيـنَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

که جهنّم را پر از تمام کافران جنّی و انسی کنی، و دشمنان سرسختت را برای همیشه در آتش نگاه داری. و

الْمُعانِدِيـنَ، وَأَنْـتَ جَلَّ ثَنـاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئـاً، وَتَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعـامِ مُتَكَرِّماً:

تو- که مدح و ثنایت شکوهمند باد - در آغاز فرمودی، و در ادامه نیز بزرگوارانه با نعمت بخشیدنت فرصت

(أَفَمَـنْ كانَ مُؤْمِنـاً كَمَـنْ كانَ فاسِـقاً لايَسْـتَوُونَ).

دادی که : آیا کسی که ایمان آورده با کسی که اهل فسق باشد، مساویند؟ مساوی نیستند.

إِلَهـي وَسَـيِّدِي، فَأَسْـئَلُكَ بِالْقُـدْرَةِ الَّتـي قَدَّرْتَهـا، وَبِالْقَضِيَّـةِ الَّتـي

خدای من، و آقای من، از تو می‌خواهم به واسطهٔ قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و دستوری که

حَتَمْتَهـا وَحَكَمْتَهـا، وَغَلَبْـتَ مَـنْ عَلَيْـهِ أَجْرَيْتَهـا، أَنْ تَهَبَ لـي فِي هٰذِهِ

حتمی و لازم نمودی، و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی، برای من ببخشی در این شب و این ساعت،

اللَّيْلَـةِ وَفـي هٰـذِهِ السّـاعَةِ كُلَّ جُـرْمٍ أَجْرَمْتُـهُ، وَكُلَّ ذَنْـبٍ أَذْنَبْتُـهُ، وَكُلَّ

هر جرمی که از من سر زده است، و هر گناهی مرتکب شده‌ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته‌ام، و

قَبِيـحٍ أَسْـرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُـهُ، كَتَمْتُـهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُـهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ،

هر نادانی که انجام داده‌ام، آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم، و هر کار

وَكُلَّ سَـيِّئَةٍ أَمَـرْتَ بِإِثْباتِهَـا الْكِـرامَ الْكاتِبِيـنَ، اَلَّذِيـنَ وَكَّلْتَهُـمْ بِحِفْـظِ ما

بدی را که به نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آنها را داده‌ای، همان نویسندگانی که موظّف به ثبت اعمالم کرده‌ای

يَكُـونُ مِنِّـي، وَجَعَلْتَهُمْ شُـهُوداً عَلَيَّ مَـعَ جَوارِحي، وَكُنْتَ أَنْـتَ الرَّقِيبَ

و به همراه جوارحم به عنوان شاهد من قرار داده‌ای و خودت نیز پیشاپیش آنها مراقب رفتارم بوده‌ای و هر چه از

عَلَـيَّ مِـنْ وَرائِهِـمْ، وَالشّـاهِدَ لِمـا خَفِـيَ عَنْهُـمْ، وَبِرَحْمَتِـكَ أَخْفَيْتَـهُ،

آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده‌ای، که آن‌ها را به رحمتت پنهان نمودی و به فضل خودت پوشیدی.

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسانٍ

و از تو می‌خواهم که بهره من را فراوان کنی از هر خیری که فرومی‌فرستی، یا هر احسانی که لطف می‌کنی، یا هر

فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَإٍ تَسْتُرُهُ.

خیری که پخش نموده‌ای، یا رزقی که گسترده ساخته‌ای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر اشتباهی که پنهان داشته‌ای.

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، يا إِلَهِي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَمالِكَ رِقِّي، يا مَنْ

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا، ای خدای من، و آقای من، و مولای من، و مالک هستی من، ای کسی که اختیار و

بِيَدِهِ ناصِيَتِي، يا عَلِيماً بِضُرّي وَمَسْكَنَتِي، يا خَبِيراً بِفَقْري وَفاقَتِي،

زمام من در دست اوست، ای کسی که بیچارگی و درماندگی‌ام را می‌دانی، ای کسی که از نیازمندی و بی‌نوایی من آگاهی.

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، أَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمِ صِفاتِكَ

ای پروردگار، پروردگارا پروردگارا، از تو می‌خواهم به حقّ خودت و پاکیت، و بزرگ‌ترین صفات

وَأَسْمائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقاتي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً،

و نام‌هایت، که تمام لحظه‌های شب و روزم را با یادت آباد کنی، و پیوسته

وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمالي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتّىٰ تَكُونَ أَعْمالي

در خدمت خودت قرار دهی، و کارهایم را نزد خودت پذیرفته‌شده قرار دهی، تا آن‌که تمام کارها

وَأَوْرادي كُلُّها وِرْداً واحِداً، وَحالي في خِدْمَتِكَ سَرْمَداً.

و وردهایم یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من در خدمت تو پاینده باشد.

يا سَيِّدي يا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلي، يا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ أَحْوالي،

ای آقای من، ای کسی که تکیه‌گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی، ای کسی که بدحالی‌هایم را شکایت می‌کنم،

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، قَوِّ عَلىٰ خِدْمَتِكَ جَوارِحي، وَاشْدُدْ عَلَى

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا، اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن، و دلم را بر قصد و

الْعَزِيمَةِ جَوانِحي، وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِكَ، وَالدَّوامَ فِي

آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدّی از تو در هراس باشم، و همیشه و به

الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ في مَيادِينِ السّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ

طور دایم به خدمت تو بپردازم، تا در نتیجه در میدان‌های پیشی گیرندگان به سوی تو روانه گردم، و در زمرهٔ

إِلَيْكَ فِي الْبارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ، وَأَدْنُوَ

کسانی که نمودار گشته‌اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمرهٔ مشتاقانت با شوق به مقام قرب تو راه پیدا

مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ، وَأَخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ في

کنم، و همچون نزدیک‌بودن اهل اخلاص به تو نزدیک گردم، و مانند ترسی که اهل یقین از تو دارند بترسم،

جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.

و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم.

أَللّٰهُمَّ وَمَنْ أَرادَني بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ، وَاجْعَلْني

بارالها، هر کس قصد بدی در مورد من دارد، تو در مورد ش قصد بد کن، و هر کس برایم حیله‌ای فراهم کند، تو نیز با او مکر کن،

مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخَصِّهِمْ

و مرا از بهترین بنده‌های بهره‌مند در نزد خودت، و از کسانی که نزدیک‌ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو

زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لا يُنالُ ذٰلِكَ إِلّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لي بِجُودِكَ،

دارند، و بهترین درجه را به ایشان اختصاص داده‌ای، قرار ده، زیرا، این‌ها جز با فضل تو به دست نمی‌آید، و

وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْني بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِساني

با سخاوتمندیت بر من ببخشای. و با پ شکوهت بر من عطوفت کن، و با رحمتت مرا حفظ کن، و زبانم را

بِذِكْرِكَ لَهِجاً، وَقَلْبي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً، وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجابَتِكَ،

به ذکر خود گویا، و قلبم را از دوستیت بی‌قرار ساز، و با اجابت نیکو به درخواست من بر من منّت گذار، و

وَأَقِلْني عَثْرَتي، وَاغْفِرْ زَلَّتي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلىٰ عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ،

از لغزش من درگذر و لغزشم را نادیده بگیر، زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر

وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ، وَ ضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَةَ.

کرده‌ای تا تو را بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی.

فَإِلَيْكَ يـا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهي، وَ إِلَيْكَ يـا رَبِّ مَدَدْتُ يَـدِي، فَبِعِزَّتِكَ

پس پروردگارا، به سوی تو روی آورده‌ام، و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم، پس، تو را به

اسْـتَجِبْ لـي دُعـائِي، وَبَلِّغْنـي مُنـايَ، وَلاتَقْطَـعْ مِـنْ فَضْلِـكَ رَجـائِي،

عزّتت سوگند، دعایم را مستجاب فرما، و مرا به آرزویم برسان، و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شرّ

وَاكْفِنـي شَـرَّ الْجِـنِّ وَالْاِنْسِ مِـنْ أَعْدائِي.

دشمنانم چه جنّی و چه آدمی، مرا در امان دار و کفایتم کن.

يـا سَـرِيعَ الرِّضـا، إِغْفِـرْ لِمَـنْ لايَمْلِـكُ إِلَّا الدُّعـاءَ، فَإِنَّكَ فَعّـالٌ لِمـا

ای کسی که زود راضی می‌شوی، بیامرز کسی را که جز دعا کاری از دستش نمی‌آید، زیرا، تو کاری را

تَشـاءُ، يـا مَـنِ اسْـمُهُ دَواءٌ، وَذِكْـرُهُ شِـفاءٌ، وَطاعَتُـهُ غِنـىً، إِرْحَـمْ مَـنْ

که بخواهی به طور کامل انجام می‌دهی. ای کسی که نامش، دواست، و یادش، شفاست، و فرمان‌برداریش، مایه

رَأْسُ مالِـهِ الرَّجـاءُ، وَسِـلاحُهُ الْبُـكاءُ، يـا سـابِغَ النِّعَمِ، يـا دافِـعَ النِّقَمِ،

بی‌نیازی است، رحم کن به کسی که سرمایه‌اش اُمید است، و تنها اسلحه‌اش گریه است. ای فرو ریزندهٔ نعمت‌ها،

يـا نُـورَ الْمُسْتَوْحِشِـينَ فِـي الظُّلَمِ، يـا عالِماً لايُعَلَّـمُ، صَلِّ عَلـىٰ مُحَمَّدٍ

ای برطرف کنندهٔ سختی‌ها ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها، ای عالمی که تعلیم داده نشده‌ای، بر محمد

وَآلِ مُحَمَّـدٍ، وَافْعَـلْ بـي مـا أَنْـتَ أَهْلُـهُ، وَصَلَّـى اللَّـهُ عَلـىٰ رَسُـولِهِ

و آل محمّد درود پیوسته بفرست، و آن چنان که شایسته و بایستهٔ توست با من رفتار کن. و درود پیوستهٔ

وَالْاَئِمَّـةِ الْمَيامِيـنِ مِنْ آلِهِ، وَسَـلَّمَ تَسْـلِيماً كَثِيراً.[1]

خداوند بر فرستاده‌اش و امامان پربرکت از آل او، و سلام بسیارش بر آنان باد.

۱ . مصباح المتهجّد: ص۸۴۴، مصباح الزائر: ص۳۱۷، زاد المعاد: ص۷۲، إقبال الأعمال : ص۲۲۰، مصباح : ص۷۳۷، بلد الأمین : ص۲۶۵، هدیّة الزائرین : ص۶۲۴، مفاتیح الجنان : ص۶۲ .

(۳) دعای ندبه

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سیّد و سرور ما (حضرت) محمّد، پیامبر

وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

خدا و بر آل او سلام و تحیّتی کامل.

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ما جَرىٰ بِهِ قَضاؤُكَ في أَوْلِيائِكَ اَلَّذِينَ

بار پروردگارا، سپاس از آن توست در مورد آن چه که از قضا و قَدَرت در مورد دوستانت، جاری گشت،

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ

آن‌هایی که وجودشان را برای حضرتت، و برای دینت خالص گردانیدی، زیرا که برگزیدی برای آن‌ها چیزهای

النَّعِيمِ الْمُقِيمِ اَلَّذي لا زَوالَ لَهُ وَ لَا اضْمِحْلالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ

باارزشی که نزد تو است، از نعمت‌های پایدار که نابودی و زوال برای آن‌ها نیست. البتّه پس از آن که زهد

الزُّهْدَ في دَرَجاتِ هٰذِهِ الدُّنْيا الدَّنِيَّةِ، وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها، فَشَرَطُوا لَكَ

ورزیدن و بی‌رغبتی را در مورد این دنیای پست و زر و زیور آن با آن‌ها شرط نمودی، آنان نیز متعهّد شدند و تو

ذٰلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ

نیز وفاداری ایشان را دانستی. پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیک‌شان ساختی و نامی بلند و ستایشی

الْعَلِيَّ وَالثَّناءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ،

ارجمند به آنها دادی. و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و آن‌ها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود

وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلىٰ رِضْوانِكَ.

بهره‌مند ساختی. و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه‌ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی.

فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ، إِلى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْها، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ

پس بعضی از آن‌ها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را

فِي فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضٌ

در کشتی‌ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی. و بعضی دیگر

اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلَكَ لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ،

را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو لسان صدق بین دیگران را درخواست کرد، اجابتش

وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً، وَجَعَلْتَ لَهُ

نمودی و او را بلند آوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم‌کلام شدی و برادرش را وزیر و

مِنْ أَخِيهِ رِدْءاً وَوَزِيراً، وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ،

یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی

وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.

و با روح القدس تأییدش کردی.

وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجا[1]، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ

و برای هر کدام شریعتی را عنایت کردی و طریقه و راه روشنی معیّن فرمودی و برای هر یک

أَوْصِياءَ[2] مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلىٰ مُدَّةٍ، إِقامَةً لِدِينِكَ،

جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ شریعت باشد، در زمان‌های معیّن برای برپا داشتن دین تو

وَحُجَّةً عَلىٰ عِبادِكَ، وَلِئَلّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْباطِلُ

و حجّت بودن بر بندگان تو تا این که حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود.

عَلىٰ أَهْلِهِ، وَلا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلا أَرْسَلْتَ إِلَيْنا رَسُولاً مُنْذِراً، وَأَقَمْتَ لَنا

و تا این که کسی نگوید: (خدایا) اگر به سوی ما رسولی می‌فرستادی تا ما را بیم دهد و برای ما رهبری

عَلَماً هادِياً، فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ.

هدایت کننده می‌گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی‌مان، از آیاتت پیروی می‌کردیم.

۱. «منهاجه»، خ .
۲. «أوصیائه»، خ .

إِلـىٰ أَنِ انْتَهَيْـتَ بِالْاَمْـرِ إِلـىٰ حَبِيبِـكَ وَنَجِيبِـكَ مُحَمَّـدٍ صَلَّـى اللّـهُ

تا این که امر رسالت به حبیبت و رسول برگزیده‌ات، محمّد - که درود خدا بر او و آل او باد -

عَلَيْـهِ وَآلِـهِ فَكانَ كَمَـا انْتَجَبْتَهُ سَـيِّدَ مَنْ خَلَقْتَـهُ، وَصَفْوَةَ مَـنِ اصْطَفَيْتَهُ،

منتهی گردید، پس او همچنان که او را انتخاب کردی، سرور بندگانت و زبده زبدگانت و برتر از همه

وَأَفْضَـلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْـرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَـهُ، قَدَّمْتَهُ عَلىٰ أَنْبِيائِـكَ، وَبَعَثْتَهُ

برگزیدگانت و گرامی‌تر از همهٔ معتمدان تو بود. او را بر تمام پیامبرانت مقدّم داشتی و بر جنّ و انس

إِلَـى الثَّقَلَيْـنِ مِـنْ عِبـادِكَ، وَأَوْطَأْتَـهُ مَشـارِقَكَ وَمَغارِبَكَ، وَسَـخَّرْتَ لَهُ

از بندگانت مبعوثش نمودی و شرق و غرب را زیر پای او و فرمان او قرار دادی و بُراق را برایش مسخّر

الْبُـراقَ، وَعَرَجْـتَ بِـهِ[1] إِلى سَـمائِكَ، وَأَوْدَعْتَـهُ عِلْمَ ما كانَ وَمـا يَكُونُ،

کردی و او را به آسمانت بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود را تا سرانجام خلقت، به او سپردی.

۱. مرحوم صاحب «مکیال المکارم» نوشته اند که: «عبارت «عرجت به» موافق نسخه ای است که آن را عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری 1 در کتاب «تحیّة الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمّد بن المشهدی و «مصباح الزائر» سیّد بن طاووس 1 نقل فرموده و همهٔ آن‌ها برگرفته شده از کتاب «محمّد بن علیّ بن ابی قرّة» است . ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده و ظاهراً بر اثر اشتباهی است که در کتاب مصباح واقع شده و علامه مجلسی 1 هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبههٔ برخی کوته‌نظران و دشمنان گشته است؛ با این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می‌باشد و روایات ائمّه : در آن متواتر و قرآن به آن گویا است .
تذکّر ارزشمند: هنگام تأمّل در این عبارت، ملهم شدم که خود دعا، شهادت می دهد و دلالت دارد که صحیح همان «عرجت به» است که ذکر نمودیم، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده و وجه دلالتش بدین گونه است : با توجه کامل به این که کلمه «سخّرت له البراق» مقترن به «عرجت به» شده است، برای خردمندان آشکار می گردد که همان صحیح است که گفتیم . چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد، واضح است. و اگر گفته شود: «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم 9 است و عطف با «واو» اقتضا ندارد که به طور قطع، عروج به آسمان با براق بوده باشد.»، در پاسخ می گوییم : «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است، این، معراج جسمانی را نفی نمی‌کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر 9 منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد» . (مکیال المکارم : ۲/۱۰۰) .

إِلَـى انْقِضـاءِ خَلْقِكَ، ثُـمَّ نَصَرْتَـهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَـهُ بِجَبْرَئِيـلَ وَمِيكائِيلَ

سپس با ترسی که از او بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی و گرداگرد او را به جبرئیل، میکائیل و فرشتگان

وَالْمُسَـوَّمِينَ مِـنْ مَلائِكَتِـكَ، وَوَعَدْتَـهُ أَنْ تُظْهِـرَ دِينَـهُ عَلَى الدِّيـنِ كُلِّهِ،

دیگر ـ که هر یک دارای علامت و اسمی هستند ـ احاطه نمودی و به او وعدهٔ پیروزی دینش را بر تمامی

(وَلَـوْ كَرِهَ الْمُشْـرِكُونَ)[1].

ادیان دادی، گرچه مشرکان را خوش نیاید.

وَذٰلِـكَ بَعْـدَ أَنْ بَوَّأْتَـهُ مُبَـوَّأَ صِـدْقٍ مِـنْ أَهْلِـهِ، وَجَعَلْـتَ لَـهُ وَلَهُـمْ

و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و

(أَوَّلَ بَيْـتٍ وُضِـعَ لِلنّـاسِ لَلَّـذي بِبَكَّـةَ مُبـارَكاً وَهُـدىً لِلْعالَمِيـنَ * فِيهِ

آنان «اوّلین خانه‌ای را که برای مردم قرار داده شد، که در مکّه است، بابرکت و باعث هدایت جهانیان

آيـاتٌ بَيِّنـاتٌ مَقـامُ إِبْراهِيـمَ وَمَـنْ دَخَلَـهُ كانَ آمِنـاً)[2]، وَقُلْـتَ: (إِنَّمـا

گرداندی، و در آن است نشانه‌های آشکار مانند مقام ابراهیم و هر که داخل آن شد، در امان خواهد بود».

يُرِيـدُ اللَّـهُ لِيُذْهِـبَ عَنْكُمُ الرِّجْـسَ أَهْـلَ الْبَيْـتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيـراً)[3].

و گفتی: «خدا اراده فرموده که هر ناپاکی را از شما اهل بیت، ببرد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند».

ثُـمَّ جَعَلْـتَ أَجْـرَ مُحَمَّـدٍ صَلَواتُـكَ عَلَيْـهِ وَآلِـهِ مَوَدَّتَهُـمْ فـي كِتابِكَ

آن گاه پاداش رسالت حضرت محمّد را – که درودهای تو بر او و آل او باد – دوستی آنان مقرّر نموده و

فَقُلْـتَ: (قُلْ لا أَسْـئَلُكُمْ عَلَيْـهِ أَجْراً إِلَّا الْمَـوَدَّةَ فِي الْقُرْبـىٰ)[4]، وَقُلْتَ:

در کتابت فرمودی: «بگو من از شما پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم را». و فرمودی: (بگو)

(مـا سَـأَلْتُكُمْ مِـنْ أَجْـرٍ فَهُوَ لَكُـمْ)[5]، وَقُلْـتَ: (مـا أَسْـئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

«پاداشی که از شما خواستم آن هم برای خودتان و به نفع شما است» و فرمودی: (بگو) «من از شما مزد

۱. سورهٔ توبه (۹)، آیه۳۳ ۲. سورهٔ آل عمران(۲): ۹۶ و۹۷ . ۳. سورهٔ احزاب (۳۳): آیه۳۳.

۴. سورهٔ شوری (۴۲): آیه۲۳ . ۵. سورهٔ سبأ (۳۴): آیه ۴۷ .

أَجْـرٍ إِلّا مَـنْ شـاءَ أَنْ يَتَّخِـذَ إِلـىٰ رَبِّـهِ سَـبِيلاً)[1]، فَكانُـوا هُـمُ السَّـبِيلَ

رسالت نمی‌خواهم مگر آن که هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش گیرد» پس آن‌ها همان راهِ به

إِلَيْـكَ، وَالْمَسْـلَكَ إِلـى رِضْوانِكَ.

سوی تو هستند و طریق برای خشنودی تو می‌باشند.

فَلَمَّـا انْقَضَـتْ أَيّامُـهُ أَقـامَ وَلِيَّـهُ عَلِـيَّ بْـنَ أَبـي طالِـبٍ صَلَواتُـكَ

پس وقتی مدّت پیامبر سپری شد، وصیّ او علیّ بن ابی طالب، درودهای تو بر آن دو و آل آن دو باد، را برای

عَلَيْهِمـا وَآلِهِمـا هادِيـاً، إِذْ كانَ هُـوَ الْمُنْذِرَ (وَلِـكُلِّ قَوْمٍ هـادٍ)[2]، فَقالَ

هدایت امّت قرارداد، زیرا که خود او بیم‌دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است. پس درحالی که همه در

وَالْمَـلأُ أَمامَـهُ: «مَـنْ كُنْـتُ مَـوْلاهُ فَعَلِـيٌّ مَـوْلاهُ، أَللّٰهُـمَّ والِ مَـنْ والاهُ،

حضور او بودند فرمود: «هر آنکه من مولای اویم، پس علی مولای اوست، پروردگارا، دوستش را دوست بدار و

وَعـادِ مَـنْ عـاداهُ، وَانْصُـرْ مَـنْ نَصَـرَهُ، وَاخْـذُلْ مَـنْ خَذَلَـهُ»، وَقـالَ:

دشمنش را دشمن، یاری نما هر که او را یاری نماید و خار گردان هر که او را یاری ننماید». و گفت: «هر که

«مَـنْ كُنْـتُ أَنـا نَبِيَّـهُ فَعَلِـيٌّ أَمِيـرُهُ».

را من پیامبر او هستم، پس علی امیر و فرمانروای اوست».

وَقالَ: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَـجَرَةٍ واحِدَةٍ وَسـائِرُ النّاسِ مِنْ شَـجَرٍ شَـتّىٰ»،

و فرمود: «من و علی از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند». و او را قرار داد در جایگاهی مانند

وَأَحَلَّـهُ مَحَـلَّ هـارُونَ مِنْ مُوسـىٰ، فَقـالَ لَـهُ: «أَنْتَ مِنّـي بِمَنْزِلَـةِ هارُونَ

هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: «تو نسبت به من، همانند هارون برای موسی هستی، جز این که پس از

مِـنْ مُوسـىٰ إِلّا أَنَّـهُ لا نَبِيَّ بَعْـدِي»، وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَـيِّدَةَ نِسـاءِ الْعالَمِينَ،

من پیامبری نیست». و دخترش را که سرور بانوان زنان عالم است، به او تزویج فرمود. و حلال کرد از مسجدش

وَأَحَـلَّ لَـهُ مِنْ مَسْـجِدِهِ ما حَـلَّ لَهُ، وَسَـدَّ الْأَبْـوابَ إِلّا بابَهُ.

برای او، آن چه برای خودش حلال بود. و همه درها(ی مسجد) را نیز جز در خانه علی بست.

۱. سورهٔ فرقان، آیه۵۷.
۲. سورهٔ رعد، آیه۷.

ثُـمَّ أَوْدَعَـهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَـهُ فَقالَ: «أَنَا مَدِينَـةُ الْعِلْمِ وَعَلِـيٌّ بابُها، فَمَنْ

آن‌گاه علم و حکمتش را نزد او ودیعه نهاد و فرمود: من شهر علمم و علی درب آن، پس هر که می‌خواهد

أَرادَ الْمَدِينَـةَ وَالْحِكْمَـةَ فَلْيَأْتِهـا مِنْ بابِها»، ثُمَّ قـالَ: «أَنْتَ أَخي وَوَصِيِّي

به شهر علم و حکمت قدم نهد، باید از دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصیّ من و وارث

وَوارِثـي، لَحْمُـكَ مِـنْ لَحْمِـي، وَدَمُـكَ مِـنْ دَمِـي، وَسِـلْمُكَ سِـلْمِي،

من هستی، گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من، سازش و آشتی تو، سازش و آشتی من و

وَحَرْبُـكَ حَرْبِـي، وَالْإِيمـانُ مُخالِطٌ لَحْمَـكَ وَدَمَكَ، كَمـا خالَطَ لَحْمي

جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است همان گونه که با گوشت و خون من

وَدَمـي، وَأَنْـتَ غَداً عَلَـى الْحَوْضِ خَلِيفَتِـي، وَأَنْتَ تَقْضي دَيْنِـي، وَتُنْجِزُ

آمیخته است. و فردا(ی قیامت) تو خلیفهٔ من بر حوض (کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که قرض مرا

عِداتِـي، وَشِـيعَتُكَ عَلـىٰ مَنابِـرَ مِـنْ نُـورٍ مُبْيَضَّـةً وُجُوهُهُـمْ حَوْلـي فِـي

می‌پردازی و به وعده‌های من وفا می‌کنی و پیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره های سفید و نورانی در اطراف

الْجَنَّـةِ وَهُـمْ جِيراني، وَلَـوْلا أَنْتَ يـا عَلِيُّ لَمْ يُعْـرَفِ الْمُؤْمِنُـونَ بَعْدي»،

من در بهشت‌اند و آنان همسایه من می‌باشند.و ای علی، اگر تو نبودی، مؤمنان پس از من شناخته نمی‌شدند.

وَكانَ بَعْـدَهُ هُـدىً مِـنَ الضَّـلالِ، وَنُـوراً مِـنَ الْعَمـىٰ، وَحَبْـلَ اللَّـهِ

و پس از پیامبر، او امّت را از گمراهی به هدایت و از نابینایی به بصیرت رساند و اوست رشتهٔ محکم الهی و

الْمَتِيـنَ، وَصِراطَـهُ الْمُسْـتَقِيمَ، لا يُسْـبَقُ بِقَرابَـةٍ فـي رَحِـمٍ، وَلا بِسـابِقَةٍ

راه مستقیم او، هیچ کس در خویشاوندی با رسول خدابه او نمی‌رسد و هیچ کس در دین بر او پیشی نگرفته است،

فـي دِيـنٍ، وَلا يُلْحَـقُ فـي مَنْقَبَـةٍ مِـنْ مَناقِبِـهِ، يَحْـذُو حَـذْوَ الرَّسُـولِ

و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش با او برابری کند، او گام می‌نهاد جای پای رسول خدا که درود

صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْهِمـا وَآلِهِمـا.

خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد.

وَيُقاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ

و پیکار می‌نمود بر اساس تأویل قرآن، و در راه خدا هیچ ملامتی، او را باز نمی‌داشت، به راستی که بزرگان

صَنادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ، وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ

عرب را ترسانید، و شجاعان آن‌ها را کشت و با گرگ‌صفتان آن‌ها مقابله کرد، به همین جهت دل‌های آن‌ها پر

أَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ عَلَىٰ عَداوَتِهِ،

از کینه شد از جنگ‌های بدر، خیبر، حنین و دیگر جنگ‌ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند و به اختلاف

وَأَكَبَّتْ عَلَىٰ مُنابَذَتِهِ حَتّىٰ قَتَلَ النّاكِثِينَ وَالْقاسِطِينَ وَالْمارِقِينَ.

و درگیری روی آوردند تا این که پیمان‌شکنان، ستمگران و از دین بیرون‌رفتگان را به درک واصل کرد.

وَلَمّا قَضَىٰ نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْآخِرِينَ، يَتْبَعُ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ،

وقتی اَجَلش به سر آمد و شقی‌ترین آخرین (امّت) که از شقی‌ترین اوّلین پیروی کرد، آن حضرت را

لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهادِينَ بَعْدَ

شهید کرد، فرمان رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره هدایت‌گران امّت، یکی پس از

الْهادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَىٰ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَىٰ قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَ

دیگری، اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند، جمع شدند تا نسل او را قطع کنند و اولاد او

إِقْصاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفىٰ لِرِعايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ،

را تبعید و آواره نمایند، جز اندکی که در رعایت حقّ فرزندان رسول خدا، وفا نمودند، پس گروهی کشته

وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ بِما يُرْجىٰ

شدند و گروه دیگری اسیر، و جمعی دور از وطن، و حکم قضا و قدر الهی، بر آن‌ها جاری شد به چیزی

لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كانَتِ الْأَرْضُ (لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ

که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می‌رود. زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگانش که

وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)، وَ(سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً)،

بخواهد، ارث می‌دهد، و البتّه پایان نیکو از آن پرهیزکاران است. و منزّه است پروردگار ما، به راستی که

وَلَـنْ يُخْلِـفَ اللَّـهُ وَعْـدَهُ)، (وَهُـوَ الْعَزِيـزُ الْحَكِيـمُ).

وعدهٔ او انجام‌شده است و هرگز خلفِ وعده نمی‌کند، و او عزّت‌مند حکیم است.

فَعَلَـى الْاَطَائِـبِ مِـنْ أَهْـلِ بَيْـتِ مُحَمَّـدٍ وَعَلِـيٍّ صَلَّـى اللَّـهُ عَلَيْهِمَا

پس بر پاکیزگان از آل محمّد و علی - درود خدا بر آن‌ها و اهل‌بیت آن‌ها - بایستی گریه‌کنندگان

وَآلِهِمَـا فَلْيَبْـكِ الْبَاكُـونَ، وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْـدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِـمْ فَلْتُذْرَفِ

اشک بریزند و بر آنان زاری‌کنندگان زاری نمایند و برای امثال آن بزرگواران، باید سرشک از دیدگان جاری

الدُّمُـوعُ، وَلْيَصْـرُخِ الصَّارِخُـونَ، وَيَضِجَّ الضَّاجُّـونَ، وَيَعِـجَّ الْعَاجُّونَ.

شود و شیون‌کنندگان شیون از دل برکشند و ضجّه کنندگان فریاد بزنند و ناله‌کنندگان ناله جانسوز سر دهند

أَيْـنَ الْحَسَـنُ أَيْـنَ الْحُسَـيْنُ، أَيْـنَ أَبْنَـاءُ الْحُسَـيْنِ، صَالِـحٌ بَعْـدَ

کجاست امام حسن؟ کجاست امام حسین؟ فرزندان امام حسین کجا هستند؟ که هر یک شایسته‌ای پس

صَالِـحٍ، وَصَـادِقٌ بَعْـدَ صَـادِقٍ، أَيْنَ السَّـبِيلُ بَعْـدَ السَّـبِيلِ، أَيْـنَ الْخِيَرَةُ

از شایستهٔ دیگر، و راست‌گویی بعد از راست‌گویی دیگر بودند، کجاست راه راست پس از راه راست دیگر؟

بَعْـدَ الْخِيَـرَةِ، أَيْنَ الشُّـمُوسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْاَقْمَـارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْـنَ الْاَنْجُمُ

کجایند برگزیدگان یکی پس از دیگری؟ خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه‌های فروزان کجایند؟ ستارگان

الزَّاهِـرَةُ، أَيْـنَ أَعْـلَامُ الدِّيـنِ وَقَوَاعِـدُ الْعِلْـمِ؟

درخشان کجایند؟ نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های دانش کجایند؟

أَيْـنَ بَقِيَّـةُ اللَّـهِ الَّتِـي لَاتَخْلُـو مِـنَ الْعِتْـرَةِ الْهَادِيَـةِ، أَيْـنَ الْمُعَـدُّ

باقی ماندهٔ حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایت‌گر خالی نخواهد بود. کجاست آن که

لِقَطْـعِ دَابِـرِ الظَّلَمَـةِ، أَيْـنَ الْمُنْتَظَـرُ لِإِقَامَـةِ الْاَمْـتِ وَالْعِـوَجِ، أَيْـنَ

برای قطع دنبالهٔ ستمکاران آماده گشته است؟ کجاست آن‌که انتظارش را می‌کشند که کج‌روی‌ها و انحرافات را

الْمُرْتَجَـى لِإِزَالَـةِ الْجَـوْرِ وَالْعُـدْوَانِ، أَيْـنَ الْمُدَّخَـرُ لِتَجْدِيـدِ الْفَرَائِـضِ

از بین ببرد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری به او اُمید است؟ کجاست آن ذخیرهٔ الهی برای

وَالسُّـنَنِ، أَيْـنَ الْمُتَخَيَّـرُ لِإعـادَةِ الْمِلَّـةِ وَالشَّـرِيعَةِ، أَيْـنَ الْمُؤَمَّـلُ

تازه کردن واجبات و سنّت‌های الهی؟ کجاست آن منتخَب برای باز گرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که

لِإحْيـاءِ الْكِتـابِ وَحُـدُودِهِ، أَيْـنَ مُحْيِـي مَعالِـمِ الدِّيـنِ وَأَهْلِهِ؟

آرزو می‌رود بیاید و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده‌کنندهٔ نشانه‌های دین و اهل آن؟

أَيْـنَ قاصِـمُ شَـوْكَةِ الْمُعْتَدِيـنَ، أَيْـنَ هـادِمُ أَبْنِيَـةِ الشِّـرْكِ وَالنِّفـاقِ،

کجاست او که شوکت ستمکاران را درهم می‌شکند؟ کجاست آن که بنیادهای شرک و نفاق را ویران

أَيْـنَ مُبِيـدُ أَهْـلِ الْفُسُـوقِ وَالْعِصْيـانِ وَالطُّغْيـانِ، أَيْـنَ حاصِـدُ فُـرُوعِ

می‌کند؟ کجاست او که فاسقان، نافرمانان و طغیان‌گران را به هلاکت می‌کشاند؟ کجاست آن‌که شاخه‌های

الْغَـيِّ وَالشِّـقاقِ، أَيْـنَ طامِـسُ آثـارِ الزَّيْـغِ وَالْأَهْواءِ، أَيْـنَ قاطِـعُ حَبائِلِ

گمراهی و بدبختی را درو می‌کند؟ کجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می‌نماید؟ کجاست آن که

الْكِـذْبِ وَالْإِفْتِـراءِ، أَيْـنَ مُبِيـدُ الْعُتـاةِ وَالْمَـرَدَةِ، أَيْـنَ مُسْـتَأْصِلُ أَهْـلِ

رشته‌های دروغ و افترا را قطع می‌کند؟ کجاست نابودکنندهٔ سرکشان و تمرّدکنندگان؟ کجاست آن که ریشهٔ

الْعِنـادِ وَالتَّضْلِيـلِ وَالْإِلْحـادِ، أَيْـنَ مُعِـزُّ الْأَوْلِيـاءِ وَمُـذِلُّ الْأَعْـداءِ؟

معاندان، گمراهان و کافران را بَرکند؟ کجاست آن‌که دوستان را عزیز نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟

أَيْـنَ جامِـعُ الْكَلِمَـةِ عَلَـى التَّقْـوىٰ، أَيْنَ بـابُ اللَّهِ الَّـذي مِنْـهُ يُؤْتىٰ،

کجاست او که اتّحاد کلمه بر اساس تقوا فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن

أَيْـنَ وَجْـهُ اللَّـهِ الَّـذي إِلَيْـهِ يَتَوَجَّـهُ الْأَوْلِيـاءُ، أَيْـنَ السَّـبَبُ الْمُتَّصِـلُ

در، وارد شوند؟ کجاست آن (چهره و) آئینهٔ تمام نمای خدا که دوستان به سوی او توجّه نمایند؟ کجاست

بَيْـنَ الْأَرْضِ وَالسَّـماءِ، أَيْـنَ صاحِـبُ يَـوْمِ الْفَتْـحِ وَناشِـرُ رايَـةِ الْهُـدىٰ،

آنکه وسیلهٔ پیوند بین زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازندهٔ پرچم هدایت؟ کجاست

أَيْـنَ مُؤَلِّـفُ شَـمْلِ الصَّـلاحِ وَالرِّضـا؟

گردآورنده پراکندگی‌های درست‌کاری و مصلحت و خشنودی؟

أَيْـنَ الطّالِـبُ بِذُحُـولِ الْاَنْبِيـاءِ وَأَبْنـاءِ الْاَنْبِيـاءِ، أَيْـنَ الطّالِـبُ بِـدَمِ

کجاست آن که برای خون پیامبران و فرزندان آن‌ها خونخواهی می‌کند؟ کجاست آن که به

الْمَقْتُـولِ بِكَرْبَـلاءَ أَيْـنَ الْمَنْصُـورُ عَلـىٰ مَـنِ اعْتَـدىٰ عَلَيْـهِ وَافْتَـرىٰ،

دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که بر هر ظالمِ تجاوزگرِ دروغگو، پیروزمند

أَيْـنَ الْمُضْطَـرُّ الَّـذي يُجـابُ إِذا دَعـا، أَيْـنَ صَـدْرُ الْخَلائِـقِ ذُو الْبِـرِّ

است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر دعا کند اجابت می‌شود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و

وَالتَّقْـوى، أَيْـنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفـىٰ وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضـىٰ وَابْنُ خَدِيجَةَ

صاحب تقوا و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علیّ مرتضی و فرزند خدیجه

الْغَـرّاءِ وَابْـنُ فاطِمَـةَ الْكُبْـرىٰ؟

آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه کبری؟

بِأَبـي أَنْـتَ وَأُمّـي وَنَفْسـي لَـكَ الْوِقـاءُ وَالْحِمـىٰ، يَابْـنَ السّـادَةِ

پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلا گردان و سپر و حامی تو باشد ای فرزند سروران

الْمُقَرَّبِيـنَ، يَابْـنَ النُّجَبـاءِ الْاَكْرَمِيـن، يَابْـنَ الْهُـداةِ الْمَهْدِيِّيـنَ[1]،

مقرّب، ای فرزند انسان‌های اصیل و نجیب و بزرگوار، ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده،

يَابْـنَ الْخِيَـرَةِ الْمُهَذَّبِيـنَ، يَابْـنَ الْغَطارِفَـةِ الْاَنْجَبِيـنَ، يَابْـنَ الْاَطائِـبِ

ای فرزند برگزیدگان مهذّب (خودساخته)، ای فرزند سروران شرافتمند، ای فرزند نیکوترین پاکان،

الْمُطَهَّرِيـنَ[2]، يَابْنَ الْخَضارِمَـةِ الْمُنْتَجَبِيـنَ، يَابْنَ الْقَماقِمَـةِ الْاَكْرَمِينَ،

ای فرزند آقایان بسیار بخشنده، همانند دریاهای پرجُود، ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی.

يَابْـنَ الْبُـدُورِ الْمُنِيـرَةِ، يَابْـنَ السُّـرُجِ الْمُضِيئَـةِ، يَابْـنَ الشُّـهُبِ الثّاقِبَـةِ،

ای فرزند ماه‌های تابان، ای فرزند چراغ‌های تابان، ای فرزند شهاب‌های تابنده،

يَابْـنَ الْاَنْجُـمِ الزّاهِـرَةِ، يَابْـنَ السُّـبُلِ الْواضِحَةِ، يَابْـنَ الْاَعْـلامِ اللّائِحَةِ،

ای فرزند اختران فروزان، ای فرزند راه‌های روشن، ای فرزند نشانه های آشکار،

۱. «المُهتَدین»، خ.

۲. «المُستَظهرین»، خ.

يَابْـنَ الْعُلُـومِ الْكامِلَةِ، يَابْنَ السُّـنَنِ الْمَشْـهُورَةِ، يَابْنَ الْمَعالِـمِ الْمَأْثُورَةِ،

ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی، ای فرزند سُنن و روش های پسندیده مشهور (آسمانی)، ای فرزند

يَابْـنَ الْمُعْجِـزاتِ الْمَوْجُـودَةِ، يَابْـنَ الدَّلائِلِ الْمَشْـهُودَةِ، يَابْـنَ الصِّراطِ

نشانه‌های برجای مانده، ای فرزند معجزات پایان‌نیافته و موجود، ای فرزند دلیل‌های دیده شده، ای

الْمُسْـتَقِيمِ، يَابْـنَ النَّبَـإِ الْعَظِيـمِ، يَابْـنَ مَـنْ هُـوَ فـي أُمِّ الْكِتـابِ لَـدَى

فرزند راه راست، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که در امّ الکتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه

اللَّـهِ عَلِـيٌّ حَكِيـمٌ. يَابْـنَ الْآيـاتِ وَالْبَيِّنـاتِ، يَابْـنَ الدَّلائِـلِ الظّاهِراتِ،

و حکیم است. ای فرزند نشانه‌ها و بیّنات (حجّت‌های آشکار خداوند)، ای فرزند دلایل آشکارا،

يَابْـنَ الْبَراهِيـنِ الْواضِحـاتِ الْباهِـراتِ، يَابْنَ الْحُجَـجِ الْبالِغـاتِ، يَابْنَ

ای فرزند برهان‌های نمایان و روشن، ای فرزند حجّت‌های رسا، ای فرزند

النِّعَمِ السّـابِغاتِ، يَابْـنَ طَهَ وَالْمُحْكَمـاتِ، يَابْنَ يَس وَالذّارِيـاتِ، يَابْنَ

نعمت‌های فراوان و فراخ، ای فرزند طه و آیات محکم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند

الطُّـورِ وَالْعادِيـاتِ، يَابْـنَ مَنْ دَنـىٰ فَتَدَلّىٰ فَـكانَ قـابَ قَوْسَـيْنِ أَوْ أَدْنىٰ

طور و عادیات، ای فرزند آن که در معراج نزدیک شد و در آویخت به اندازه فاصله دو سر کمان و یا

دُنُـوّاً وَاقْتِراباً مِـنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ.

نزدیک‌تر، نزدیک به خدای علیّ اعلی.

لَيْـتَ شِـعْرِي أَيْنَ اسْـتَقَرَّتْ بِكَ النَّوىٰ، بَـلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّـكَ أَوْ ثَرىٰ،

ای کاش می‌دانستم کجا اقامت گزیده‌ای، بلکه کدام سرزمین یا منطقه ای اقامت داری، آیا در کوه

أَبِرَضْـوىٰ أَوْ غَيْرِهـا أَمْ ذي طُـوىٰ؟ عَزِيـزٌ عَلَـيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْـقَ وَلا تُرىٰ،

رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟ بسیار بر من سخت است که همه را می‌بینم و تو دیده

وَلا أَسْـمَعَ لَـكَ حَسِيسـاً وَلا نَجْـوىٰ، عَزِيـزٌ عَلَـيَّ أَنْ تُحِيـطَ بِـكَ دُونِيَ

نمی‌شوی، و از تو هیچ صدا و هیچ رازی را نشنوم، بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی

الْبَلْـوىٰ وَلاٰ يَنٰالَـكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلاٰ شَـكْوىٰ.

و از من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد.

بِنَفْسِـي أَنْـتَ مِـنْ مُغَيَّـبٍ لَـمْ يَخْـلُ مِنّـا، بِنَفْسـي أَنْـتَ مِـنْ نـاٰزِحٍ

جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت گرچه از نظرم دوری ولی از

مـا نَـزَحَ عَنّـا، بِنَفْسـي أَنْـتَ اُمْنِيَّـةُ شـائِقٍ يَتَمَنّـىٰ، مِـنْ مُؤْمِـنٍ وَمُؤْمِنَـةٍ

ما جدا نیستی، جانم فدایت تو آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سردهند.

ذَكَـرٰا فَحَنّـا، بِنَفْسـي أَنْـتَ مِـنْ عَقِيـدِ عِـزٍّ لاٰ يُسـامىٰ، بِنَفْسِـي أَنْـتَ مِنْ

جانم فدایت تو آن سرشته عزّتی هستی که هم‌طراز از برایت نتوان یافت، جانم فدایت تو از ارکان مجد و شرف

أَثِيـلِ مَجْـدٍ لاٰ يُجـارىٰ، بِنَفْسِـي أَنْتَ مِـنْ تِلاٰدِ نِعَـمٍ لاٰ تُضاٰهىٰ، بِنَفْسِـي

هستی که هم‌قطاری نداری، جانم فدایت، تو از نعمت‌های دیرین خدا هستی که مانندی نخواهد داشت، جانم فدایت،

أَنْـتَ مِـنْ نَصِيـفِ شَـرَفٍ لاٰ يُسـاوىٰ. إِلـىٰ مَتـىٰ أَحـاٰرُ فِيـكَ يٰا مَـوْلاٰيَ،

تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی سرگردان تو باشم ای مولای من؟

وَ إِلـىٰ مَتـىٰ وَأَيَّ خِطـاٰبٍ أَصِـفُ فِيـكَ وَ أَيَّ نَجْـوىٰ؟

و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تو بپردازم؟ و چگونه راز دل بگویم؟

عَزِيـزٌ عَلَـيَّ أَنْ اُجـاٰبَ دُونَـكَ وَ اُنٰاغـىٰ، عَزِيـزٌ عَلَـيَّ أَنْ أَبْكِيَـكَ

بر من گران است که غیر تو پاسخم را بدهد و سخنان فریبنده برایم بگوید، بسی مشکل است که بر تو

وَيَخْذُلَـكَ الْـوَرىٰ، عَزِيـزٌ عَلَـيَّ أَنْ يَجْـرِيَ عَلَيْـكَ دُونَهُـمْ مـاٰ جَـرىٰ.

بگریم و مردم تو را واگذارند، گران است بر من که آن چه می‌گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو نگذرد. آیا

هَـلْ مِـنْ مُعِيـنٍ فَأُطِيـلَ مَعَهُ الْعَوِيـلَ وَالْبُـكاٰءَ، هَلْ مِـنْ جَزُوعٍ فَأُسـاٰعِدَ

کمک کننده‌ای هست تا همراه با او ناله و شیون طولانی سردهم؟ آیا بسیار جزع کننده‌ای هست که من در

جَزَعَـهُ إِذٰا خَـلاٰ، هَـلْ قَذِيَـتْ عَيْـنٌ فَسـاَعَدَتْهاٰ عَيْنـي عَلَـى الْقَـذىٰ؟

تنهایی او با زاری یاریش نمایم؟ آیا چشمی خاشاک رفته است تا چشمم در اشک‌ریختن با او همدم شود؟

هَـلْ إِلَيْـكَ يَابْـنَ أَحْمَـدَ سَـبِيلٌ فَتُلْقـىٰ ؟ هَـلْ يَتَّصِـلُ يَوْمُنـا مِنْـكَ

ای زادهٔ احمد، آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا روز جدایی ما به فردایی می‌رسد

بِغَـدِهِ [بِعِـدَةٍ] فَنَحْظـىٰ؟ مَتـىٰ نَـرِدُ مَنٰاهِلَـكَ الرَّوِيَّـةَ فَنَـرْوىٰ ؟ مَتـىٰ

که روز وصال و بهره‌مندی از جمال مقدّست باشد؟ کی می‌شود که بر چشمه‌های سیراب‌کننده‌ات درآییم و

نَنْتَقِـعُ مِـنْ عَـذْبِ مائِـكَ فَقَـدْ طـالَ الصَّـدىٰ؟ مَتـىٰ نُغٰادِيـكَ وَ

سیراب گردیم؟ کی می‌شود که از آب گوارایت بنوشیم که براستی تشنگی طولانی شد؟ کی می‌شود که با تو

نُرٰاوِحُـكَ فَنُقِـرَّ عَيْنـاً؟ مَتـىٰ تَرٰانـا وَ نَـرٰاكَ وَ قَـدْ نَشَـرْتَ لِـوٰاءَ النَّصْـرِ

صبح و شام کنیم و چشم‌مان روشن گردد؟ کی رسد که تو ما را ببینی و ما تو را، در حالی که پرچم نصرت

تُـرىٰ؟ أَتَرٰانـا نَحُـفُّ بِـكَ وَ أَنْـتَ تَـأُمُّ الْمَـلاَ وَ قَـدْ مَـلأْتَ الْأَرْضَ

را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که بر گِرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر مردم امامت کنی در حالی که

عَـدْلاً، وَ أَذَقْـتَ أَعْدٰائَـكَ هَوٰانـاً وَ عِقٰابـاً، وَ أَبَـرْتَ الْعُتـاةَ وَ جَحَـدَةَ

زمین را پر از عدل و داد کرده‌ای، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی و سرکشان و منکران

الْحَـقِّ، وَ قَطَعْـتَ دٰابِـرَ الْمُتَكَبِّرِيـنَ، وَ اجْتَثَثْـتَ أُصُـولَ الظّٰالِمِيـنَ، وَ

حق را هلاک کرده باشی، و ریشه متکبّران را قطع نموده و اساس ستم‌کاران را از بیخ و بن برکنده باشی و

نَحْـنُ نَقُـولُ الْحَمْـدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعٰالَمِيـنَ.

ما آن موقع می‌گوییم: سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است؟

أَللّٰهُـمَّ أَنْـتَ كَشّـافُ الْكُـرَبِ وَالْبَلْـوىٰ، وَ إِلَيْـكَ أَسْـتَعْدي فَعِنْـدَكَ

بار خدایا، تو برطرف‌کنندهٔ اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را به فریاد می‌طلبم که

الْعَـدْوىٰ، وَأَنْـتَ رَبُّ الْأٰخِـرَةِ وَالدُّنْيـا، فَأَغِـثْ يـا غِيـاثَ الْمُسْـتَغِيثِينَ

یاری‌رساندن برای انتقام‌گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی، پس دریاب ای فریادرس

عُبَيْـدَكَ الْمُبْتَلـىٰ، وَأَرِهِ سَـيِّدَهُ يـا شَـدِيدَ الْقُـوىٰ، وَأَزِلْ عَنْـهُ بِـهِ

فریاد خواهان، بندهٔ کوچک گرفتار خود را، و آقایش را نشانش ده ای نیرومند بسیار مقتدر، و به این وسیله،

الْاَسىٰ وَالْجَوىٰ، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ، وَمَنْ

غم و اندوه و درد سینه‌اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن، ای کسی که بر عرش مسلّط هستی

إِلَيْهِ الرُّجْعىٰ وَالْمُنْتَهىٰ.

و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست.

أَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التّائِقُونَ[1] إِلى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ،

خدایا، ما بندگان توئیم که شیفته ولیّ تو هستیم، او که یادآور تو و پیامبرت است، و تو او را برای

خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً، وَأَقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ

حفظ و نگه‌داری و پناه ما آفریدی، و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان

مِنّا إِماماً، فَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَزِدْنا بِذٰلِكَ يا رَبِّ إِكْراماً، وَاجْعَلْ

از ما، پیشوا قرار دادی، پس سلام و تحیّت ما را به او برسان، و به وسیله آن، بر کرامت ما بیفزا، ای

مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً، وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيّاهُ أَمامَنا،

پروردگار ما، و جایگاه او را جایگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با مقدّم داشتن او را پیشاپیش ما، نعمتت را بر

حَتّى تُورِدَنا جِنانَكَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِكَ.

ما کامل گردان تا ما را به بهشت خود وارد نمایی و هم‌نشین شهیدان مخلصت قرار دهی.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلىٰ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

خدایا، بر حجّت و ولیّ امرت درود فرست، و درود بفرست بر محمّد جدّ او،

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلىٰ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ، وَحامِلِ اللِّواءِ

پیامبرت، آن بزرگوارترین آقا، و بر پدرش علی، آقای دلیر و سلحشور و شجاع، و بر پادارندهٔ

فِي الْمَحْشَرِ، وَساقِي أَوْلِيائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَالْاَمِيرِ عَلىٰ سائِرِ

پرچم در صحرای محشر، و سیراب‌کنندهٔ دوست‌دارانش از نهر کوثر، و فرمان‌روا بر تمام

الْبَشَرِ، اَلَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ

بشر، که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد،

۱. «السّائِقُونَ»، خ.

خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَخِيهِ وَعَلىٰ نَجْلِهِمَا الْمَيٰامِينِ

به خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان‌شان که نیک‌بختان و

الْغُرَرِ، مٰا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمٰا أَضٰاءَ قَمَرٌ[1]، وَعَلىٰ جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ

بزرگوارند، مادامی که خورشید می‌تابد و ماه نور می‌افشاند. و درود بر مادربزرگ او، صدّیقهٔ

الْكُبْرىٰ، فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، وَعَلىٰ مَنِ اصْطَفَيْتَ

کبری، فاطمهٔ زهرا دختر محمّد مصطفی، و بر آنان که تو برگزیدی از پدران نیکوکارش، و

مِنْ آبٰائِهِ الْبَرَرَةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ[2] وَأَوْفَرَ

بر او بهترین، کامل‌ترین، تمام‌ترین، بادوام‌ترین، بیشترین، و فراوان‌ترین درود و رحمتی که بر

مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيٰائِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلِّ

هر یک از برگزیدگان و نیکان از بندگانت فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست، درودی

عَلَيْهِ صَلٰاةً لٰا غٰايَةَ لِعَدَدِهٰا، وَلٰا نِهٰايَةَ لِمَدَدِهٰا، وَلٰا نَفٰادَ لِاَمَدِهٰا.

که بی‌شمار و پایان‌ناپذیر و بی‌انتهاست و مدّتش پایان ندارد.

أَللّٰهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبٰاطِلَ، وأَدِلْ بِهِ أَوْلِيٰائَكَ،

خدایا، حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن و دوستانت را توسّط او چیره گردان و

وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْدٰاءَكَ، وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنٰا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدّي إِلىٰ مُرٰافَقَةِ

دشمنانت را به وسیلهٔ او خوار و ذلیل نما. خدای من، بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان

۱. این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد ؛ مانند : «إقبال الأعمال» سیّد بن طاووس (ص۶۰۸)، «تحفة الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علّامهٔ مجلسی 1 (ص۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنّات» سیّد محسن امین (۲۵۵/۳)، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آیة اللّه سیّد حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی (ص۱۲۴)، «مکیال المکارم» سیّد محمدتقی موسوی اصفهانی 1 (۹۹/۲)، «منهاج العارفین» علّامه سمنانی (ص۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص۵۴۲)، «الصحيفة الصادقيّة» (ص۷۲۸) «هدية الزائرين» محدّث قمی 1 (ص۶۴۸)، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر .

۲. «وأكبر، وأكرم»، خ.

سَلَفِهِ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ أَعِنّا

پاک او منتهی گردد و ما را از کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده اند و در سایهٔ آنان زندگی می‌کنند.

عَلىٰ تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْاِجْتِهادِ فِي طاعَتِهِ، وَاجْتِنابِ مَعْصِيَتِهِ،

و ما را یاری کن در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن در اطاعت از او، و دوری کردن از نافرمانی

وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ، وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعاءَهُ وَخَيْرَهُ،

او. و بر ما منّت بگذار به خشنودی او و مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به

ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ

رحمت واسعهٔ تو دست یابیم و نزد تو به کامیابی نایل شویم، و قرار بده نماز ما را به واسطهٔ او قبول شده،

مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعاءَنا بِهِ مُسْتَجاباً، وَاجْعَلْ أَرْزاقَنا

و گناهان ما را به واسطهٔ او آمرزیده شده و دعاهای ما را به واسطهٔ او مستجاب شده، و روزی‌های ما را به

بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً، وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً، وَأَقْبِلْ

وسیلهٔ او وسعت داده شده، و اندوه های ما را به واسطهٔ او برطرف شده، و حوایج ما را توسّط او برآورده شده،

إِلَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنا نَظْرَةً رَحِيمَةً

و با چهرهٔ کریمانه ات به ما توجّه کن، و تقرّب ما را به درگاهت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که

نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لاتَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنا مِنْ

به واسطهٔ آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بزرگواریت نظر لطف خود را از ما باز مگیر و از

حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً، هَنِيئاً

حوض جدّش – که درود خدا بر او و آل او باد – سیرابمان ساز با کاسه او و به دست او، سیراب کردنی کامل و

سائِغاً، لا ظَمَأَ بَعْدَهُ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[1]

گوارا و خوش که پس از آن تشنگی نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. زاد المعاد : ص۴۹۱، مصباح الزائر : ص۴۴۶ با کمی تفاوت، اقبال الاعمال: ۵۰۴/۱، بحارالانوار: ۱۰۴/۱۰۲، مزار کبیر: ۵۷۳/۱.

(۴) زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق 1 در کتاب «من لا یحضره الفقیه» و «عیون أخبار الرضا 7 »، از موسی بن عبداللّه نخعی روایت می کند که گفت:

به امام هادی 7 عرض کردم: ای پسر رسول خدا، کلامی بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هر یک از شما، بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهّر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمّد 9 گواهی بده؛ یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلَهَ إِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

«گواهی می دهم جز خدا، معبودی نیست؛ یگانه است؛ شریک ندارد؛ و گواهی می‌دهم که حضرت محمّد – که درود خدا پیوسته بر او و آل او باد – بنده و فرستادهٔ الهی است».

و در حالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: «**اَللّٰهُ أَكْبَرُ**» ؛ سپس با آرامش و وقار در حالی که قدم‌هایت را نزدیک به هم برمی‌داری کمی راه برو . در این حال بایست و سی مرتبه: «**اَللّٰهُ أَكْبَرُ**» بگو ؛ سپس به قبر مطهّر نزدیک شو و چهل بار «**اَللّٰهُ أَكْبَرُ**» را تکرار کن . تا صد مرتبه تکبیر تمام شود .

آن گاه بگو :

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسٰالَةِ، وَمُخْتَلَفَ

سلام بر شما، ای اهل بیت نبوّت، و محلّ قرار گرفتن رسالت الهی و رفت و آمد فرشتگان، و فرود

الْمَلٰائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزّانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى

آمدن وحی خداوند، و معدن و گنجینهٔ رحمت خداوند، و خزینه‌داران دانش، و نهایت بردباری،

الْحِلْمِ، وَأُصُولَ الْكَرَمِ، وَقٰادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيٰاءَ النِّعَمِ، وَعَنٰاصِرَ الْأَبْرٰارِ،

و اساس بزرگواری، و پیشوایان ملّت‌ها، و صاحب اختیاران همه نعمت‌ها، و عنصرهای اصلی

وَدَعائِمَ الْأَخْيٰارِ، وَسٰاسَةَ الْعِبٰادِ، وَأَرْكٰانَ الْبِلٰادِ، وَأَبْوٰابَ الْإِيمٰانِ،

نیکوکاران. و پشتیبان‌های نیکوکاران. و مدبّر امور بندگان و رکن‌های شهرها. و درگاه‌های ایمان،

وَأُمَنٰاءَ الرَّحْمٰانِ، وَسُلٰالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ

و امینان خدای رحمان. و فرزندان پیامبران. و برگزیدهٔ پیامبران مرسل، و عترت بهترین برگزیده پروردگار

رَبِّ الْعٰالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

هستی، و رحمت و برکات خداوند نیز نثارتان باد.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَمَصٰابِيحِ الدُّجىٰ، وَأَعْلٰامِ التُّقىٰ،

سلام بر امامان و پیشوایان هدایت، و چراغ‌های روشنی‌بخش در تاریکی‌ها، و پرچمداران پرهیزکاری،

وَذَوِي النُّهىٰ، وَأُولِي الْحِجىٰ، وَكَهْفِ الْوَرىٰ، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيٰاءِ،

و صاحبان عقل و خرد. و دارندگان ذکاوت. و پناهگاه مردم، و وارثان پیامبران الهی،

وَالْمَثَلِ الْأَعْلىٰ، وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنىٰ، وَحُجَجِ اللّٰهِ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيٰا

و نمونه و الگوی والا و برتر، و دعوت نیکو. و حجّت‌های پروردگار بر مردم دنیا

وَالْآخِرَةِ وَالْأُولىٰ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و آخرت و پیشینیان، و رحمت و برکات خداوند نثارتان باد.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَحٰالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ، وَمَسٰاكِنِ بَرَكَةِ اللّٰهِ، وَمَعٰادِنِ

سلام بر جایگاه‌های شناخت الهی، و منزلگاه‌های برکت خداوندی، و معدن‌های حکمت خدا، و

حِكْمَـةِ اللَّـهِ، وَحَفَظَةِ سِـرِّ اللَّـهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللَّـهِ، وَأَوْصِيـاءِ نَبِيِّ اللَّهِ،

نگهبانان راز خداوند، و حاملان علوم و اسرار کتاب خدا، و اوصیای پیامبر خداوند، و فرزندان فرستادهٔ

وَذُرِّيَّةِ رَسُـولِ اللَّـهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

خداوند - که درود خدا بر او و آل او باد - و رحمت و برکات خداوندی نثارشان باد.

اَلسَّـلامُ عَلَـى الدُّعـاةِ إِلَـى اللَّـهِ، وَالْأَدِلّاءِ عَلـىٰ مَرْضـاتِ اللَّـهِ،

سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، و دلالت کنندگان بر آنچه مورد رضایت او است، همان‌هایی که

وَالْمُسْـتَقِرِّينَ فـي أَمْرِ اللَّـهِ، وَالتّامِّيـنَ في مَحَبَّـةِ اللَّـهِ، وَالْمُخْلِصِينَ في

در اجرای دستور الهی پایدار و پابرجایند، و محبّت‌شان نسبت به خدا واقعی و کامل است، و اخلاص‌دارندگان

تَوْحِيـدِ اللَّـهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِاَمْـرِ اللَّـهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبـادِهِ الْمُكْرَمِيـنَ، اَلَّذِينَ

در توحید خداوندند. و امر و نهی خداوند را آشکار می‌گردانند، و بنده‌های گرامی خدایند، همانان که در

(لا يَسْـبِقُونَهُ بِالْقَـوْلِ وَهُـمْ بِأَمْـرِهِ يَعْمَلُـونَ)، وَرَحْمَـةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُـهُ.

سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند و خودشان به دستور او رفتار می‌کنند، و رحمت و برکات خداوند، نثارشان باد.

اَلسَّـلامُ عَلَـى الْأَئِمَّـةِ الدُّعـاةِ، وَالْقـادَةِ الْهُـداةِ، وَالسّـادَةِ الْـوُلاةِ،

سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده (به سوی حق) و رهبران هدایت‌گر و سروران سرپرست. و دفع‌کنندگان

وَالـذّادَةِ الْحُمـاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْـرِ وَأُولِي الْاَمْـرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخِيَرَتِـهِ، وَحِزْبِهِ

حمایت‌گر (دین) و اهل ذکر و فرمانداران و والیان (از جانب خدا). و باقی‌مانده و برگزیدگان الهی، و حزب

وَعَيْبَـةِ عِلْمِـهِ، وَحُجَّتِـهِ وَصِراطِهِ، وَنُـورِهِ وَبُرْهانِـهِ، وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكاتُهُ.

خدا، مخزن دانش او، حجّت، راه، نور و برهان و دلیل روشن الهی، و رحمت و برکات خدا نثارشان باد.

أَشْـهَدُ أَنْ لا إِلَـهَ إِلّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لا شَـرِيكَ لَهُ، كَما شَـهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِـهِ،

گواهی می‌دهم جز خدا، کسی شایسته برای پرستش نیست، یکی است، شریک ندارد، چنان که خودش در

وَشَـهِدَتْ لَـهُ مَلائِكَتُـهُ وَأُولُـوا الْعِلْـمِ مِـنْ خَلْقِـهِ، لا إِلَـهَ إِلّا هُـوَ الْعَزِيـزُ

مورد خودش گواهی داده، و فرشتگان او و عالمان از آفریدگانش نیز بر این معنا گواه‌اند، جز او که عزّت‌مندی

الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضىٰ،

حکیم است، خدایی نیست. وگواهی می‌دهم محمّد، بندهٔ انتخاب شده و فرستادهٔ مورد رضایت الهی است، خدا،

(أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهِ

او را به هدایت و آیین حقیقی خود فرستاد، تا او را بر تمام آیین‌ها پیروز و نمایان کند، گرچه مشرکان از

الْمُشْرِكُونَ).

این جریان ناخشنودند.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، اَلْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ،

نیز، گواهی می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌گر، هدایت شده، معصوم،

اَلْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ، اَلصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، اَلْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، اَلْقَوّامُونَ

ارجمند، از نظر رتبه و مقام نزدیک به خدا، پرهیزگار، راستگو، برگزیده، مطیع اوامر الهی. اجرا کنندهٔ دستور

بِأَمْرِهِ، اَلْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، اَلْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ، اِصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضاكُمْ

خدا و بپادارندهٔ آن، و عمل کنندهٔ به اراده الهی، و رستگاران به کرامت او هستید. خدا شما را از روی

لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَخَصَّكُمْ

آگاهی برگزید. و برای امور غیب خود پسندید. و برای سرّ خود اختیار کرده. شما را با قدرتش انتخاب، و با

بِبُرْهانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ)، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ

هدایت خود عزّتمند کرد. و دلیل روشنش را به شما را اختصاص داد. و برای روشنیش برگزید، و با روح خود

فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً

تأیید کرد. و شما را به عنوان جانشینانش در زمینش، و حجّت‌های او بر بندگانش، یاران آیینش، نگهبانان

لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَأَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَداءَ

رازش، گنجینه‌داران دانشش، محلّ ودیعه نهادن حکمتش، بیان کنندهٔ وحیش، پایه‌های توحیدش، گواهان بر

عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَعْلاماً لِعِبادِهِ، وَمَناراً فِي بِلادِهِ، وَأَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ.

آفریدگانش، نشانه‌های آشکار برای بندگانش، محلّ نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان به راهش، پسندید.

عَصَمَكُـمُ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَـلِ، وَآمَنَكُمْ مِـنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُـمْ مِنَ الدَّنَسِ،

خدا شما را از لغزش‌ها حفظ کرد. از فتنه‌ها ایمن داشت. و از هر گونه آلودگی پاک گردانید. و

وَأَذْهَـبَ عَنْكُـمُ الرِّجْـسَ، وَطَهَّرَكُـمْ تَطْهِيـراً، فَعَظَّمْتُـمْ جَلاٰلَـهُ، وَأَكْبَرْتُمْ

هر گونه پلیدی را از وجود شما دور گردانید. و به خوبی پاک و پاکیزه گردانید، لذا، شما جلالش را

شَـأْنَهُ، وَمَجَّدْتُـمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُـمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُـمْ مِيثاقَـهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ

باعظمت. و شأنش را بزرگ داشتید و کرمش را ثنا گفتید. و یادش را همیشه ادامه دادید. و پیمانش را

طٰاعَتِـهِ، وَنَصَحْتُـمْ لَهُ فِي السِّـرِّ وَالْعَلاٰنِيَـةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَـبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ

تأکید نمودید، و قرارداد فرمان‌برداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به خیرخواهی پرداختید، و

وَالْمَوْعِظَـةِ الْحَسَـنَةِ، وَبَذَلْتُـمْ أَنْفُسَـكُمْ فـي مَرْضاٰتِـهِ، وَصَبَرْتُـمْ عَلىٰ ما

با حکمت و پند نیکو به راه او فراخواندید. و از جان و روان خویش در راه رضا و خشنودی او گذشتید،

أَصاٰبَكُـمْ في جَنْبِـهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّـلاٰةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاٰةَ، وَأَمَرْتُـمْ بِالْمَعْرُوفِ،

و بر مصایبی که در کنارش بر شما وارد شد شکیبا بودید. و نماز را بر پا داشتید و زکات را پرداختید و

وَنَهَيْتُـمْ عَـنِ الْمُنْكَـرِ، وَجاٰهَدْتُـمْ فِـي اللّٰـهِ حَـقَّ جِهـاٰدِهِ، حَتّـىٰ أَعْلَنْتُمْ

امر به معروف کرده و نهی از منکر نمودید. و آن گونه که سزاوار بود در راه خدا جهاد کردید تا این که

دَعْوَتَـهُ، وَبَيَّنْتُـمْ فَرٰائِضَـهُ، وَأَقَمْتُـمْ حُـدُودَهُ، وَنَشَـرْتُمْ شَـرٰايِعَ أَحْكامِـهِ،

دعوت او را آشکار. و فرایض او را بیان و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید.

وَسَـنَنْتُمْ سُـنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فـي ذٰلِكَ مِنْـهُ إِلَى الرِّضاٰ، وَسَـلَّمْتُمْ لَـهُ الْقَضاٰءَ،

و روش او را سنّت نهادید. و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به حکم و فرمان او تسلیم شدید

وَصَدَّقْتُـمْ مِـنْ رُسُـلِهِ مَـنْ مَضىٰ.

و پیامبران گذشته او را تصدیق نمودید.

فَالرّاغِـبُ عَنْكُـمْ مـاٰرِقٌ، وَاللّازِمُ لَكُـمْ لاٰحِـقٌ، وَالْمُقَصِّرُ فـي حَقِّكُمْ

پس آن که از راه شما روگرداند، از دین خارج شده. و ملازم و همراه شما، به شما پیوسته. و آنکه در

زٰاهِـقٌ، وَالْحَـقُّ مَعَكُـمْ وَفِيكُـمْ وَمِنْكُـمْ وَ إِلَيْكُـمْ، وَأَنْتُـمْ أَهْلُـهُ وَمَعْدِنُهُ،

حقّ شما کوتاهی کرده نابود گشت و حقّ با شماست و در شما و از شما و به سوی شماست. و شما اهل حقّ و

وَمِيـرٰاثُ النُّبُـوَّةِ عِنْدَكُـمْ، وَ إِيـٰابُ الْخَلْـقِ إِلَيْكُـمْ، وَحِسـٰابُهُمْ عَلَيْكُـمْ،

معدن آن هستید. میراث پیامبری در اختیار شما، و بازگشت آفریدگان به سوی شما و حساب آنان با شماست.

وَ فَصْـلُ الْخِطـٰابِ عِنْدَكُـمْ، وَ آيـٰاتُ اللّٰـهِ لَدَيْكُـمْ، وَ عَزٰائِمُـهُ فِيكُـمْ،

و سخنی که حقّ و باطل را فیصله دهد در نزد شماست و آیات الهی در پیشگاه شماست. و تصمیمات او دربارهٔ

وَنُـورُهُ وَبُرْهٰانُـهُ عِنْدَكُـمْ، وَأَمْـرُهُ إِلَيْكُـمْ.

شماست و نور و برهان او نزد شما، و امر او متوجّه شماست.

مَـنْ وٰالٰاكُـمْ فَقَـدْ وَإِلَـى اللّٰـهَ، وَ مَـنْ عٰادٰاكُـمْ فَقَـدْ عـٰادَ اللّٰـهَ،

هر که ولایت شما را دارد به راستی ولایت خدا را دارد، و هر که به شما دشمنی ورزد، به خدا دشمنی

وَمَـنْ أَحَبَّكُـمْ فَقَـدْ أَحَـبَّ اللّٰـهَ، وَمَـنْ أَبْغَضَكُـمْ فَقَـدْ أَبْغَـضَ اللّٰـهَ،

ورزیده است و هر که شما را دوست بدارد به‌یقین خدا را دوست داشته و هر که از شما کینه دارد به یقین

وَ مَـنِ اعْتَصَـمَ بِكُـمْ فَقَـدِ اعْتَصَـمَ بِاللّٰـهِ، أَنْتُـمُ الصِّـرٰاطُ الْأَقْـوَمُ، وَ

از خدا کینه ورزیده. وهرکه به دامن شما چنگ‌زده درواقع به (الطاف) خدا چنگ‌زده‌است. شما همان راه

شُـهَدٰاءُ دٰارِ الْفَنـٰاءِ، وَشُـفَعٰاءُ دٰارِ الْبَقـٰاءِ، وَالرَّحْمَـةُ الْمَوْصُولَـةُ، وَ الْاٰيَـةُ

استوار و راست و گواهان دنیای گذرا و فناپذیر و شفیعان جهان همیشگی آخرت و رحمت و مهر پیوسته

الْمَخْزُونَـةُ، وَالْاَمٰانَـةُ الْمَحْفُوظَـةُ، وَالْبٰابُ الْمُبْتَلـى بِـهِ النّـٰاسُ.

و نشانه ذخیره شده و امانت حفظ شده و همان درگاهی که مردم بدان آزموده می‌شوند. هستید.

مَـنْ أَتٰيكُـمْ نَجـىٰ، وَمَنْ لَـمْ يَأْتِكُـمْ هَلَكَ، إِلَـى اللّٰـهِ تَدْعُـونَ، وَعَلَيْهِ

هر کس نزد شما آید رهایی یابد. و هر کس نیاید نابود می‌گردد. شما به سوی خدا فرا می‌خوانید و بر

تَدُلُّـونَ، وَبِـهِ تُؤْمِنُـونَ، وَلَـهُ تُسَـلِّمُونَ، وَبِأَمْـرِهِ تَعْمَلُـونَ، وَ إِلـى سَـبِيلِهِ

او راهنمایی می‌کنید و به او ایمان دارید. و تسلیم او هستید و به دستور او عمل می‌نمایید و به راه او ارشاد

تُرْشِـدُونَ، وَبِقَوْلِـهِ تَحْكُمُـونَ.

می‌کنید و طبق فرمایش او داوری می‌کنید.

سَـعَدَ مَـنْ والاٰكُـمْ، وَهَلَـكَ مَـنْ عاداٰكُـمْ، وَخـابَ مَـنْ جَحَدَكُـمْ،

آنکه ولایت‌شما را دارد سعادتمند؛ و آنکه با شما دشمنی ورزید، هلاک؛ وآنکه منکر شما شد، نومید گشت

وَضَـلَّ مَـنْ فارَقَكُـمْ، وَ فـازَ مَـنْ تَمَسَّـكَ بِكُـمْ، وَ أَمِنَ مَـنْ لَجَـأَ إِلَيْكُمْ،

و آنکه از شما جدا شد، گمراه؛ و آنکه به شما چنگ زد، رستگار شد. و هر که به شما پناه آورد ایمن شد.

وَسَـلِمَ مَـنْ صَدَّقَكُـمْ، وَهُـدِيَ مَـنِ اعْتَصَـمَ بِكُـمْ، مَـنِ اتَّبَعَكُـمْ فَالْجَنَّةُ

و هر که شما را تصدیق کرد سالم ماند و هر که به شما پیوست هدایت یافت. هر کس از شما پیروی کرد

مَأْوَيَـهُ، وَمَـنْ خالَفَكُـمْ فَالنّـارُ مَثْويَـهُ، وَمَـنْ جَحَدَكُـمْ كافِـرٌ، وَمَـنْ

بهشت جایگاه او، و هر کس با شما مخالفت کرد، دوزخ منزلگاه اوست و هرکس منکر شما شد، کافر؛ و

حارَبَكُـمْ مُشْـرِكٌ، وَمَـنْ رَدَّ عَلَيْكُـمْ فـي أَسْـفَلِ دَرَكٍ مِـنَ الْجَحِيـمِ.

هرکس با شما جنگید، مشرک است و هر کس حکم شما را رد کرد در پایین‌ترین بخش دوزخ جای دارد.

أَشْـهَدُ أَنَّ هٰـذا سـابِقٌ لَكُـمْ فِيمـا مَضـىٰ، وَجـارٍ لَكُـمْ فِيمـا بَقِـيَ،

گواهی می‌دهم که این مقامات در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز در حقّ شما جاری است. و

وَأَنَّ أَرْواحَكُـمْ وَنُورَكُـمْ وَطِينَتَكُـمْ واحِـدَةٌ، طابَـتْ وَطَهُـرَتْ بَعْضُهـا مِنْ

بدون تردید ارواح شما و نور شما و سرشت شما یکی است. پاک است و برخی از برخی دیگر به ارث

بَعْـضٍ، خَلَقَكُمُ اللَّـهُ أَنْـواراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِـهِ مُحْدِقِينَ، حَتّىٰ مَـنَّ عَلَيْنا

برده. خداوند شما را به عنوان نورهایی آفرید آنگاه شما را گرداگرد عرش خود قرار داد تا این که به

بِكُـمْ، فَجَعَلَكُـمْ فـي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّـهُ أَنْ تُرْفَـعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْـمُهُ، وَجَعَلَ

سبب وجود شما منّت نهاد. پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که اذن داد بلندمرتبه گشته و نامش در

صَلاٰتَنـا (صَلَواٰتِنـا) عَلَيْكُـمْ، وَمـا خَصَّنـا بِهِ مِـنْ وِلاٰيَتِكُمْ، طِيبـاً لِخَلْقِنا،

آن‌ها برده شود. و صلوات و درود ما را بر شما و آنچه ویژه ما گردانید از ولایت شما. باعث پاکیزه‌بودن

وَطَهـارَةً لِاَنْفُسِـنا، وَتَزْكِيَـةً لَنـا، وَكَفّـارَةً لِذُنُوبِنـا، فَكُنّـا عِنْـدَهُ مُسَـلِّمِينَ

آفرینش ما و پاک‌شدن جان ما و تزکیهٔ ما و کفّارهٔ گناهان ما. قرار داد. پس ما در پیشگاه او تسلیم

بِفَضْلِكُـمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنـا إِيّاكُمْ.

برتری شما بودیم. و به تصدیق شما شناخته شدیم.

فَبَلَـغَ اللَّـهُ بِكُمْ أَشْـرَفَ مَحَـلِّ الْمُكَرَّمِيـنَ، وَأَعْلـىٰ مَنـازِلِ الْمُقَرَّبِينَ،

پس خداوند شما را به شریف‌ترین جایگاه گرامی‌شدگان و بالاترین منزل‌ها و مرتبه‌های مقرّبان و والاترین

وَأَرْفَـعَ دَرَجـاتِ الْمُرْسَـلِينَ، حَيْـثُ لايَلْحَقُـهُ لاحِـقٌ، وَلايَفُوقُـهُ فائِـقٌ،

درجه‌های پیامبران رسانید. به گونه‌ای که هیچ ملحق‌شونده‌ای به آن نمی‌پیوندد و هیچ برتری‌جویی به آن

وَلايَسْـبِقُهُ سـابِقٌ، وَلايَطْمَـعُ فـي إِدْراكِـهِ طامِـعٌ، حَتّـىٰ لايَبْقـىٰ مَلَـكٌ

فائق نیاید. و هیچ پیشی گیرنده‌ای به آن پیشی نگیرد و هیچ طمع‌کننده‌ای به درک آن طمع نورزد. تا این که

مُقَـرَّبٌ، وَلا نَبِـيٌّ مُرْسَـلٌ، وَلا صِدِّيـقٌ وَلا شَـهِيدٌ، وَلا عالِـمٌ وَلا جاهِـلٌ،

هیچ فرشته مقرّب و نه پیامبر مرسل و نه صدیق و نه شهید و نه دانا و نه نادان

وَلا دَنِـيٌّ وَلا فاضِـلٌ، وَلا مُؤْمِـنٌ صالِـحٌ، وَلا فاجِـرٌ طالِـحٌ، وَلا جَبّـارٌ

و نه پست و نه شریف و نه مؤمن شایسته و نه بدکار ناشایسته و نه سرکش عنادپیشه و نه

عَنِيـدٌ، وَلا شَـيْطانٌ مَرِيـدٌ، وَلا خَلْـقٌ فِيمـا بَيْـنَ ذٰلِـكَ شَـهِيدٌ إِلّا عَرَّفَهُمْ

شیطان متمرّد و نه آفریدگانی که در این میان گواهند. نیستند مگر آن که به آن‌ها شناساند

جَلالَـةَ أَمْرِكُـمْ، وَعِظَـمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَـرَ شَـأْنِكُمْ، وَتَمامَ نُورِكُـمْ، وَصِدْقَ

جلالت امر شما را و عظمت منزلت شما را و بزرگی شأن شما را و تمامیّت نور شما را و درستی و

مَقاعِدِكُـمْ، وَثَبـاتَ مَقامِكُـمْ، وَشَـرَفَ مَحَلِّكُـمْ، وَمَنْزِلَتِكُـمْ عِنْـدَهُ،

راستی جایگاه شما را و پابرجا بودن مقام شما را و شرافت موقعیّت شما را و منزلت شما را در پیشگاه

وَكَرامَتَكُـمْ عَلَيْـهِ، وَخاصَّتَكُـمْ لَدَيْـهِ، وَقُـرْبَ مَنْزِلَتِكُـمْ مِنْـهُ.

او و کرامت شما را پیش او و مخصوص بودن شما را نزد او و منزلت نزدیک شما را به او.

بِأَبـي أَنْتُـمْ وَاُمّي وَأَهْلـي وَمالي وَاُسْـرَتِي، اُشْـهِدُ اللّهَ وَاُشْـهِدُكُمْ أَنّي

پدرم. مادرم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و خاندانم فدای شما باد. خدا و شما را گواه می‌گیرم که به راستی من

مُؤْمِـنٌ بِكُـمْ، وَبِمـا آمَنْتُمْ بِـهِ، كافِـرٌ بِعَدُوِّكُـمْ وَبِما كَفَرْتُـمْ بِهِ، مُسْـتَبْصِرٌ

به شما و آنچه شما ایمان آوردید. ایمان دارم و به دشمن شما و آنچه شما بدان کفر ورزیدید کفر می‌ورزم. به

بِشَـأْنِكُمْ، وَبِضَلالَـةِ مَـنْ خالَفَكُـمْ، مُـوالٍ لَكُـمْ وَلِأَوْلِيائِكُـمْ، مُبْغِـضٌ

شأن شما و به گمراهی مخالفانتان بصیرت دارم. دوستدار شما و دوستانتان هستم. کینهٔ دشمنانتان را به دل گرفته

لِأَعْدائِكُـمْ وَمُعـادٍ لَهُـمْ، سِـلْمٌ لِمَنْ سـالَمَكُمْ، وَحَـرْبٌ لِمَـنْ حارَبَكُمْ،

و با آنان دشمنی دارم. باآنکه با شما از در آشتی آید در صلحام و با آنکه با شما در جنگ باشد در جنگم،

مُحَقِّـقٌ لِمـا حَقَّقْتُـمْ، مُبْطِلٌ لِمـا أَبْطَلْتُـمْ، مُطِيعٌ لَكُـمْ، عـارِفٌ بِحَقِّكُمْ،

آنچه را اثبات کردید من ثابت می‌دانم و آنچه ابطال کردید باطل‌می‌دانم. پیرو شما هستم. به حقّ شما عارفم

مُقِـرٌّ بِفَضْلِكُـمْ، مُحْتَمِـلٌ لِعِلْمِكُـمْ، مُحْتَجِـبٌ بِذِمَّتِكُـمْ، مُعْتَـرِفٌ بِكُمْ،

و به برتری شما معترفم. دانش شما را تحمّل می‌کنم و پذیرایم و در پناه شما پنهان شده‌ام. به شما معترف

مُؤْمِـنٌ بِإِيابِكُـمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُـمْ، مُنْتَظِـرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِـبٌ لِدَوْلَتِكُمْ،

و به بازگشت شما مؤمن و رجعت شما را تصدیق‌کننده‌ام. منتظر امر (و فرج) شما و در انتظار دولت شما

آخِـذٌ بِقَوْلِكُـمْ، عامِـلٌ بِأَمْرِكُـمْ، مُسْـتَجِيرٌ بِكُـمْ، زائِـرٌ لَكُـمْ، لائِـذٌ عائِذٌ

و گیرنده گفتار شما و اجرا کنندهٔ فرمان شما هستم. به شما پناهنده بوده. زایر شما هستم. به قبور شما

بِقُبُورِكُـمْ، مُسْتَشْـفِعٌ إِلَـى اللّـهِ عَزَّوَجَـلَّ بِكُـمْ، وَمُتَقَـرِّبٌ بِكُـمْ إِلَيْـهِ،

پناه گرفته و توسّط شما به درگاه خدا شفاعت می‌طلبم، و به وسیلهٔ شما به او تقرّب

وَمُقَدِّمُكُـمْ أَمامَ طَلِبَتـي وَحَوائِجـي، وَ إِرادَتي في كُلِّ أَحْوالـي وَأُمُورِي،

می‌جویم، و شما را پیشاپیش حوایجم و خواسته‌هایم در همهٔ حالات و کارهایم قرار داده‌ام.

مُؤْمِـنٌ بِسِـرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُـمْ، وَشـاهِدِكُمْ وَغائِبِكُـمْ، وَأَوَّلِكُـمْ وَآخِرِكُـمْ،

من به نهان و آشکار شما، شاهد و غایب شما، اوّل و آخر شما ایمان دارم. و همهٔ امورم را به شما

وَمُفَوِّضٌ فـي ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَـلِّمٌ فِيـهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبي لَكُمْ مُسَـلِّمٌ،

واگذارده‌ام. و به همراه شما در آن تسلیم شما هستم، و دلم برای شما تسلیم و پذیرا. و رأیم پیرو شماست

وَرَأْيـي لَكُـمْ تَبَـعٌ، وَنُصْرَتـي لَكُـمْ مُعَـدَّةٌ، حَتّـىٰ يُحْيِيَ اللَّـهُ تَعالـىٰ دِينَهُ

و یاریم برای شما آماده است تا آنگاه که خداوند دینش را توسّط شما حیات ببخشد و شما را در

بِكُـمْ، وَيَرُدَّكُـمْ فـي أَيّامِـهِ، وَيُظْهِرَكُـمْ لِعَدْلِـهِ، وَيُمَكِّنَكُمْ فـي أَرْضِهِ.

دوران خود بازگرداند، و شما را برای دادگریش آشکار کند و در زمینش قدرت و توانمندی دهد.

فَمَعَكُـمْ مَعَكُـمْ لا مَـعَ غَيْرِكُـمْ، آمَنْـتُ بِكُـمْ، وَتَوَلَّيْـتُ آخِرَكُـمْ بِمـا

پس کسی که با شما است فقط با شما است، نه با غیر شما، به شما ایمان آوردم و ولایت و

تَوَلَّيْـتُ بِـهِ أَوَّلَكُـمْ، وَ بَرِئْـتُ إِلَـى اللَّـهِ عَـزَّ وَجَـلَّ مِـنْ أَعْدائِكُـمْ، وَمِـنَ

سرپرستی آخرین شما را بسان نخستین شما قبول نمودم، و بیزاری می‌جویم به سوی خداوند متعال

الْجِبْـتِ وَالطّاغُوتِ وَالشَّـياطِينِ وَ حِزْبِهِـمُ الظّالِمِينَ لَكُـمْ، اَلْجاحِدِينَ

از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطان‌ها و حزب‌های آنان، همان‌هایی که به شما ستم کرده، حقّ

لِحَقِّكُـمْ، وَالْمارِقِينَ مِنْ وِلايَتِكُـمْ، وَالْغاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، اَلشّـاكِّينَ فِيكُمْ،

شما را منکر شده و از ولایت شما خارج شدند، و ارث شما را غصب نموده و دربارهٔ شما به تردید افتاده

اَلْمُنْحَرِفِيـنَ عَنْكُـمْ، وَمِـنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُـمْ، وَكُلِّ مُطاعٍ سِـواكُمْ، وَمِنَ

و از شما منحرف شدند، و از هر تکیه‌گاه و دست‌آویزی که غیر شما هستند و از هر اطاعت‌شونده از غیر شما

الْاَئِمَّـةِ الَّذِيـنَ يَدْعُـونَ إِلَـى النّـارِ.

و از پیشوایانی که به سوی آتش فرا می‌خوانند، بیزارم.

فَثَبَّتَنِـيَ اللَّـهُ أَبَـداً مـا حَيِيـتُ عَلـىٰ مُوالاتِكُـمْ وَمَحَبَّتِكُـمْ وَدِينِكُـمْ،

از این رو خداوند همواره مرا مادامی که زنده هستم بر ولایت و دوستی و دین شما استوار بدارد و مرا به

وَ وَفَّـقَني لِطاعَتِكُـمْ، وَرَزَقَنـي شَـفاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنـي مِـنْ خِيـارِ

فرمان‌بری از شما موفّق گرداند. و شفاعت شما را روزیم کند. و مرا از بهترین دوستان شما قرار دهد. همان‌هایی

مَوٰالِيكُـمْ، اَلتّابِعِيـنَ لِمـٰا دَعَوْتُـمْ إِلَيْـهِ، وَجَعَلَنـي مِمَّـنْ يَقْتَـصُّ آثارَكُـمْ،

که پیروی کردند از آنچه شما به سوی آن دعوت کردید، و مرا از جمله کسانی قرار دهد که بازگو کننده و در

وَيَسْـلُكُ سَـبِيلَكُمْ، وَيَهْتَـدي بِهُداكُـمْ، وَيُحْشَـرُ فـي زُمْرَتِكُـمْ، وَيَكِـرُّ

پی آثار شما هست و راه شما را می‌پیماید و به هدایت شما هدایت می‌گردد، و در گروه شما محشور می‌گردد،

فـي رَجْعَتِكُـمْ، وَيُمَلَّـكُ فـي دَوْلَتِكُـمْ، وَيُشَـرَّفُ فـي عافِيَتِكُـمْ،

و دوران شما باز می‌گردد، و در دولت شما به حکومت می‌رسد، و در زمان عافیت شما شریف گردند و در

وَيُمَكَّـنُ فـي أَيّامِكُـمْ، وَتَقِـرُّ عَيْنُـهُ غَـداً بِرُؤْيَتِكُـمْ.

روزگار شما اقتدار یابند و فردای (رستاخیز) به دیدار شما چشمش روشن گردد.

بِأَبـي أَنْتُـمْ وَأُمّـي وَنَفْسـي وَأَهْلـي وَمالِـي، مَـنْ أَرادَ اللَّـهَ بَـدَءَ بِكُـمْ،

پدر و مادرم و جانم و خانواده‌ام و دارایی ام فدای شما باد. هر که خدا را اراده کرد به شما آغاز کرد و هر

وَمَـنْ وَحَّـدَهُ قَبِـلَ عَنْكُـمْ، وَمَـنْ قَصَـدَهُ تَوَجَّـهَ بِكُمْ.

که او را به یگانگی شناخت از شما پذیرفت و هر که او را قصد کرد متوجّه شما شد.

مَوٰالِـيَّ لاٰ اُحْصـي ثَنٰائَكُـمْ، وَلاٰ أَبْلُـغُ مِـنَ الْمَـدْحِ كُنْهَكُـمْ، وَمِـنَ

موالیان من، قدرت شمارش ثنای شما را ندارم و با مدح شما هرگز به حقیقت شما راه پیدا نمی‌کنم. و

الْوَصْـفِ قَدْرَكُـمْ، وَأَنْتُمْ نُـورُ الْاَخْيـارِ، وَهُداٰةُ الْاَبْـرارِ، وَحُجَـجُ الْجَبّارِ،

با توصیف شما هرگز به منزلت شما نمی‌رسم. و شما نور نیکان و هدایت صالحان و حجّت‌های خدای جبّار

بِكُـمْ فَتَـحَ اللَّـهُ، وَبِكُـمْ يَخْتِـمُ اللَّـهُ، وَبِكُـمْ يُنَـزِّلُ الْغَيْـثَ، وَبِكُـمْ

هستید، خداوند به وسیلهٔ شما (عالم هستی را) افتتاح و به توسّط شما پایان می‌دهد و به سبب شما باران

يُمْسِـكُ السَّـماٰءَ أَنْ تَقَـعَ عَلَـى الْاَرْضِ إِلّا بِإِذْنِـهِ، وَبِكُـمْ يُنَفِّـسُ الْهَـمَّ،

می‌فرستد، و به وسیله شما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، جز به فرمانش؛ و به وسیلهٔ شما غصّه‌ها گشوده

وَيَكْشِـفُ الضُّـرَّ، وَعِنْدَكُـمْ مـٰا نَـزَلَتْ بِهِ رُسُـلُهُ، وَهَبَطَـتْ بِـهِ مَلاٰئِكَتُهُ،

و بیچارگی‌ها برطرف می‌شود، و آنچه به پیامبرانش فروفرستاده و فرشتگان به آن فرود آمده‌اند نزد شماست

وَ إِلـى جَدِّكُـمْ (و اگـر امیرالمؤمنین را نیـز زیارت می‌کنی، بـه جای «**و إلی جدّکـم**» بگـو: **وَ إِلـىٰ أَخِيكَ) بُعِـثَ الـرُّوحُ الْاَمِينُ.**

و به سوی جدّتان

- و به برادرت - روح‌الأمین برانگیخته شده.

آتٰاكُـمُ اللّٰـهُ مـا لَـمْ يُـؤْتِ أَحَـداً مِـنَ الْعالَمِيـنَ، طَأْطَـأَ كُلُّ شَـرِيفٍ لِشَـرَفِكُمْ، وَبَخَـعَ كُلُّ مُتَكَبِّـرٍ لِطاعَتِكُـمْ، وَ خَضَـعَ كُلُّ جَبّـارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَـيْءٍ لَكُـمْ، وَ أَشْـرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِكُـمْ، وَ فـازَ الْفائِـزُونَ بِوِلايَتِكُـمْ، بِكُـمْ يُسْـلَكُ إِلَـى الرِّضْـوانِ، وَ عَلـىٰ مَـنْ جَحَـدَ وِلايَتَكُـمْ غَضَـبُ الرَّحْمـانِ.

خداوند به شما مقاماتی را داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است. هر فرد شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و هر سرکشی در برابر فرمان شما گردن نهاده است، و هر زورگویی در برابر فضل شما فروتن است، و هر چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است و زمین به نور وجود شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار گشته‌اند. به توسّط شما به سوی رضوان رهسپار می‌گردند و کسی که منکر ولایت شماست خشم خدای رحمان را فراهم نموده است.

بِأَبـي أَنْتُـمْ وَاُمّـي وَنَفْسـي وَأَهْلـي وَمالِـي، ذِكْرُكُـمْ فِـي الذّاكِرِيـنَ، وَأَسْـمـاؤُكُمْ فِـي الْاَسْـمـاءِ، وَأَجْسـادُكُمْ فِـي الْاَجْسـادِ، وَأَرْواحُكُـمْ فِـي الْاَرْواحِ، وَأَنْفُسُـكُمْ فِي النُّفُـوسِ، وَآثارُكُمْ فِي الْاثارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ.

پدرم، مادرم، جانم، خانواده‌ام و دارایی‌ام فدای شما باد، یاد شما در یادآوران و نام‌های شما در میان نام‌ها و جسدهای شما در میان اجساد. و ارواح شما در میان ارواح و جان‌های شما در میان جان‌ها و آثارتان در میان آثار و بارگاه‌های شما در میان قبور،

فَمـا أَحْلـىٰ أَسْـمـائَكُمْ، وَأَكْـرَمَ أَنْفُسَـكُمْ، وَأَعْظَـمَ شَـأْنَكُمْ، وَأَجَـلَّ

پس چه چیز نام‌های شما را شیرین و جان شما را گرامی و شأن شما را باعظمت و مقام شما را بزرگ

خَطَرَكُمْ، وَأَوْفىٰ عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ

و شما را نسبت به عهد و پیمان باوفا و در مورد وعده راستگو گردانیده است؟ سخن شما نور و فرمان‌تان

رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوىٰ، وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ، وَعادَتُكُمُ الْاِحْسانُ،

باعث رشد، و سفارش شما پرهیزکاری و کردار شما خیر و خوبی و عادت شما نیکویی و احسان، و سرشت

وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ

شما کرامت، و شأن شما حقّ و راستی و مدارا کردن است، و سخن شما حکم حتمی و لازم الإجرا است،

وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ،

و رأی و ایده شما دانش و بردباری و استوار کردن امور است، اگر یادی از خیر شود شما پایهٔ نخست آن،

وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ، وَمَأْوِيَهُ وَمُنْتَهاهُ.

ریشه، شاخه و معدن و جایگاه و سرانجام آن هستید.

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ، وَأُحْصي

پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد، چگونه ثنای نیکوی شما را توصیف کنم و نعمت

جَمِيلَ بَلائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ

زیبای‌تان را بشمارم، و خداوند به توسّط شما ما را از خواری بیرون آورد و از غم و اندوه

الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النّارِ.

سخت ما را گشایش داد و از وادی پرتگاه نابودی و از آتش نجاتمان داد.

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي، بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعالِمَ دِينِنا،

پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد، خداوند به وسیلهٔ پیروی از شما معالم دین ما را به ما آموخت

وَأَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ

و آنچه از امور دنیای ما فاسد بود، اصلاح نمود، و به موالات شما کلام الهی کامل گشت؛ و نعمت،

النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ،

باعظمت و شکوه گردید؛ و به جدایی، الفت بخشید؛ و به موالات شما، طاعت واجب پذیرفته می‌شود؛

وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَ الدَّرَجاتُ الرَّفِيعَةُ، وَ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَ

و برای شماست: دوستی واجب و درجه‌های والا و مقام پسندیده و

الْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ،

جایگاه معیّن در پیشگاه خداوند رحمان، و مقام و جاه باشکوه و شأن بزرگ

وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

و شفاعت پذیرفته‌شده.

(رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ)،

پروردگارا، ما به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم. پس ما را از گواهان ثبت کن.

(رَبَّنا لاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً،

پروردگارا، دل‌های ما را پس از هدایت‌مان منحرف مکن و برای ما از جانب خود رحمتی ببخش. به راستی

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ)، (سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً).

که تو بسیار بخشنده‌ای. پاک و منزّه است پروردگار ما، به حقیقت وعدهٔ پروردگار ما محقّق خواهد شد.

يا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها إِلّا

ای ولیّ خدا، میان من و خدای متعال گناهانی است که جز رضایت شما آنها را از بین نمی‌برد، پس به حقّ

رِضاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ،

کسی که شما را بر راز خود امین قرار داده و تدبیر و امور حال بندگانش را به شما سپرد و طاعت شما را پیوسته

وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي، وَكُنْتُمْ شُفَعائي، فَإِنِّي

با طاعت خود قرارداد، که نسبت به گناهان من طلب آمرزش و بخشش کنید و شما شفیعان من باشید، پس من مطیع

لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى

شما هستم، هرکه از شما فرمان برد در واقع از خدا فرمان‌برده و هرکه از شما عصیان کند از خدا عصیان نموده و

اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ.

هرکس شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هرکه شما را دشمن بدارد در واقع خدا را دشمن داشته است.

أَللَّهُمَّ إِنّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

بار خداوندا، من اگر شفیعانی نزدیک‌تر به تو جز محمّد و اهل بیت برگزیده‌اش، که پیشوایان

الْاَخْيارِ، اَلْاَئِمَّةِ الْاَبْرارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَ

نیکوکارند، می‌یافتم؛ آنان را شفیعان خود قرار می‌دادم، پس به حقّ آنها که آن‌را بر خود لازم شمرده‌ای،

لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَني في جُمْلَةِ الْعارِفينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،

از تو می‌خواهم که مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حقّشان قرار بده و در زمرهٔ کسانی که به شفاعت

وَفي زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ بِشَفاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ،

آنان مورد رحمت تو قرار گرفته‌اند. وارد ساز، زیرا که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ، وَسَلَّمَ كَثِيراً، وَحَسْبُنَا

و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسنده است

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.[1]

و خوب حمایتگری است.

۱۷۴

(۵) زیارت امین الله و فضیلت آن

زیارت امین اللّه از زیارت‌های جامعه است و لذا در تمام مشاهد مشرّفه ائمّه اطهار : خوانده می‌شود، همان طور که مولای ما امام عصر ارواحنا له الفداء در حرم امام کاظم و امام جواد 8 آن را خوانده‌اند، و این نکته در روایتی از مولا امام باقر 7 بدان تصریح شده است.

محدّث قمی 1 گفته است: این زیارت در نهایت اعتبار است و در تمام کتاب‌های زیارت و مصباح‌های دعا آمده است.

۱. مزار آقا جمال خوانساری : ص۵۹، زاد المعاد: ص۴۷۶، بلدالامین: ص۴۱۸.

علامه مجلسی 1 گفته است: این زیارت از نظر متن و سند از بهترین زیارت‌ها است و سزاوار است که بر آن در تمام حرم‌های مقدسه مواظبت کنند. با سندهای معتبر از جابر از امام باقر 7 روایت شده است که فرمودند:

امام زین العابدین 7 به زیارت امیرالمؤمنین 7 رفتند، و آنجا در کنار قبر مطهر ایستادند و گریستند و فرمودند:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ، (اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَالْمُؤمِنِينَ)[1]، أَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

سلام بر تو، ای امانت‌دار خداوند در زمینش، و حجّت او بر بندگانش، (سلام بر تو، ای امیر و فرمانروای مؤمنان) گواهی می‌دهم که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی و حقّش را ادا فرمودی،

وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتّىٰ دَعاكَ اللَّهُ إِلىٰ جِوارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِإِخْتِيارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ الْحُجَّةَ، مَعَ مٰا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبٰالِغَةِ عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

به کتاب خدا عمل نمودی، و از سنّت‌های پیامبر – درود خدا بر او و آل او – پیروی کردی، تا آن که خداوند، شما را به جوارش فراخواند، و با اختیار و انتخابش شما را به سوی خود برد، و با وجودی که حجّت‌های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم حجّت را بر دشمنانت تمام کرد.

أَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، رٰاضِيَةً بِقَضٰائِكَ، مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ وَسَمٰائِكَ، صٰابِرَةً عَلىٰ نُزُولِ بَلاٰئِكَ، شٰاكِرَةً لِفَوٰاضِلِ نَعْمٰائِكَ،

بارالها، نفْس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و به قضا و فرمانت خشنود گردان. حرص مرا به یاد خودت و دعا کردن به درگاهت افزون کن، و مرا دوست‌دار واقعی برای اولیای برگزیده‌ات قرار بده. مرا در زمین و آسمانت محبوب گردان، بر فرو ریزی بلاهایت شکیبا ساز، بر زیادتی نعمت‌هایت سپاسگزار،

۱. این فقره از زیارت، در حرم حضرت امیرالمؤمنین علی 7 خوانده شود.

ذٰاكِـرَةً لِسَـوٰابِغِ آلاٰئِـكَ، مُشْـتٰاقَةً إِلـىٰ فَرْحَـةِ لِقٰائِـكَ، مُتَـزَوِّدَةً التَّقْـوىٰ

به یادآوری نعمت‌های فراوانت مشغول دار، به سرور و شادمانی دیدارت مشتاق کن، توشه‌بردارندهٔ تقوا و

لِيَـوْمِ جَزٰائِـكَ، مُسْـتَنَّةً بِسُـنَنِ أَوْلِيٰائِـكَ، مُفٰارِقَـةً لِاَخْـلاٰقِ أَعْدٰائِـكَ،

پرهیزکاری برای روز قیامت، و اجرا کنندهٔ سنّت و طریقهٔ اولیا و خاصّان خود، جداشونده از اخلاق دشمنانت

مَشْـغُولَةً عَنِ الدُّنْيٰا بِحَمْـدِكَ وَثَنٰائِكَ.

قرار ده، و از کار دنیا مشغول به حمد و ثنای خودت نما.

سـپس، گونـهٔ مبـارک خود را بر قبـر آن حضرت 7 قـرار داده و گفت:

أَللّٰهُـمَّ إِنَّ قُلُـوبَ الْمُخْبِتِيـنَ إِلَيْـكَ وٰالِهَـةٌ، وَسُـبُلَ الرّٰاغِبِيـنَ إِلَيْـكَ

بار الها، به راستی، قلب خاشعان، حیرانت است، و راه‌های مشتاقان به سوی تو باز است و نمایان،

شـٰارِعَةٌ، وَأَعْـلاٰمَ الْقٰاصِدِيـنَ إِلَيْـكَ وٰاضِحَـةٌ، وَأَفْئِـدَةَ الْعٰارِفِيـنَ مِنْـكَ

و نشانه‌ها برای کسانی که قصد رسیدن به تو را دارند آشکار است، و دل‌های اهل معرفت از تو در هراس است،

فٰازِعَـةٌ، وَأَصْـوٰاتَ الدّٰاعِيـنَ إِلَيْـكَ صٰاعِـدَةٌ، وَأَبْـوٰابَ الْإِجٰابَـةِ لَهُـمْ

و صداهای دعا کنندگانت به طرف تو بالا رونده است، و درهای اجابت و پاسخ‌گویی نیز برایشان باز شده است،

مُفَتَّحَـةٌ، وَدَعْـوَةَ مَـنْ نٰاجـٰاكَ مُسْـتَجٰابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنـٰابَ إِلَيْـكَ مَقْبُولَةٌ،

و دعای هر کسی که با تو مناجات کند مستجاب است، و توبه کسی که به سوی تو بازگردد پذیرفته شده است،

وَعَبْـرَةَ مَـنْ بَكـىٰ مِـنْ خَوْفِـكَ مَرْحُومَـةٌ، وَالْإِغٰاثَـةَ لِمَـنِ اسْـتَغٰاثَ بِـكَ

و اشک گریه‌کننده از ترس تو مورد ترحّم قرار می‌گیرد، و دادرسی برای کسی که دادخواهی کند موجود است،

مَوْجُـودَةٌ، وَالْإِعٰانَةَ لِمَنِ اسْـتَعٰانَ بِـكَ مَبْذُولَةٌ، وَعِدٰاتِكَ لِعِبـٰادِكَ مُنْجَزَةٌ،

و برای کسی که از تو کمک بخواهد، کمک بلاعوض می‌فرستی، و وعده‌هایی که به بندگانت داده‌ای قطعی

وَزَلَـلَ مَـنِ اسْـتَقٰالَكَ مُقٰالَـةٌ، وَأَعْمـٰالَ الْعٰامِلِيـنَ لَدَيْـكَ مَحْفُوظَـةٌ،

است، و هرکس از تو درخواست چشم‌پوشی کند چشم‌پوشی می‌کنی، و اعمال عمل‌کنندگان، نزد تو باقی می‌ماند،

وَأَرْزاقَـكَ إِلَـى الْخَلائِقِ مِـنْ لَدُنْكَ نازِلَـةٌ، وَعَوائِدَ الْمَزِيـدِ إِلَيْهِمْ واصِلَةٌ،

و روزی‌های تو، به سوی بندگانت فرستاده می‌شود، و عایدات بیش‌تر نیز برای‌شان ارسال و به دست‌شان می‌رسد،

وَذُنُـوبَ الْمُسْـتَغْفِرِينَ مَغْفُـورَةٌ، وَحَوائِـجَ خَلْقِـكَ عِنْـدَكَ مَقْضِيَّـةٌ،

و گناه بخشش‌خواهان، بخشیده شده است، و خواسته‌های آفریدگانت، نزد تو برآورده شده است، و پاداش

وَجَوائِـزَ السّـائِلِينَ عِنْـدَكَ مُوَفَّـرَةٌ، وَعَوائِـدَ الْمَزِيـدِ مُتَواتِـرَةٌ، وَمَوائِـدَ

درخواست کنندگان نیز نزدت فراوان است، و بهره‌های فراوان پی در پی می‌رسد، و سفره‌های تو برای گرسنگان

الْمُسْـتَطْعِمِينَ مُعَـدَّةٌ، وَمَناهِـلَ الظِّمـاءِ مُتْرَعَـةٌ.

گسترده است، و چشمه‌ها نیز برای سیراب شدن تشنگان، لبریز و پرآب است.

أَللَّهُـمَّ فَاسْـتَجِبْ دُعائي، وَاقْبَـلْ ثَنائِي، وَاجْمَـعْ بَيْني وَبَيْـنَ أَوْلِيائِي،

بار الها، پس، دعایم را مستجاب کن و پاسخ بده، و ثناگوییم را بپذیر، و من و اولیایم را گرد

بِحَـقِّ مُحَمَّـدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَـةَ وَالْحَسَـنِ وَالْحُسَـيْنِ، إِنَّكَ وَلِـيُّ نَعْمائِي،

هم آور، به حقّ محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین، واقعیّت آن است که سرپرست نعمت‌های من

وَمُنْتَهـىٰ مُنـايَ، وَغايَةُ رَجائي فـي مُنْقَلَبـي وَمَثْواىَ.

تویی، و حدّ نهایی آرزو، و نهایت امید من در دنیا و آخرت، تو هستی.

در کتـاب شـریف «کامـل الزیـارات»، ایـن عبـارات در پایـان ایـن زیـارت آمـده اسـت:

أَنْـتَ إِلَهـي وَسَـيِّدي وَمَـوْلايَ، إِغْفِـرْ لِأَوْلِيائِنـا، وَكُـفَّ عَنّـا أَعْدائَنا،

تو، خدای من، آقای من و مولای من هستی؛ دوستان ما را بیامرز، و دشمنان ما را از ما باز دار، و

وَاشْـغَلْهُمْ عَـنْ أَذانـا، وَأَظْهِـرْ كَلِمَـةَ الْحَـقِّ وَاجْعَلْهَـا الْعُلْيـا، وَأَدْحِضْ

آنان را از آزار ما مشغول ساز ؛ و کلمه و سخن حقّ را آشکار و آن را بالاتر از هر چیز قرار ده، و

كَلِمَـةَ الْباطِـلِ وَاجْعَلْهَـا السُّـفْلىٰ، إِنَّـكَ عَلـىٰ كُلِّ شَـيْءٍ قَدِيـرٌ.

کلمهٔ باطل را نابود کن، و آن را پایین‌ترین درجه قرار ده. راستی، تو بر هر کاری توانایی .

سپس امام باقر 7 فرمود :

هیچ یک از شیعیان ما این کلام (زیارت امین الله) را نزد قبر امیر مؤمنان 7 نمی‌خواند و دعا نمی‌کند، مگر آنکه دعایش در نامه‌ای از نور بالا می‌رود، و مهر پیغمبر بر آن می‌خورد، و نگهداری می‌شود تا به قائم آل محمّد : سپرده می‌شود. در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای زیارت کننده ارسال می گردد، اگر خدا بخواهد.[1]

۱۷۵

(۶) وداع بعد از زیارت امین الله

جابر گفته است: امام صادق 7 به من فرمودند:

هرگاه خواستی با یکی از آنان وداع کنی به آن بیفزا و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ

سلام بر تو ای امام و رحمت خدا و برکات او، تو را به خدا می‌سپارم، بر تو سلام

وَعَلَيْكَ السَّلٰامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ، آمَنّٰا بِالرَّسُولِ وَبِمٰا جِئْتُمْ بِهِ وَدَعَوْتُمْ إِلَيْهِ.

و رحمت خدا باد،به رسول خدا و به آنچه آوردید و به آن دعوت نمودید ایمان آوردم

أَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِي وَلِيِّكَ. أَللّٰهُمَّ لاٰتَحْرِمْنِي

خدایا این زیارت مرا آخرین زیارت ولیت قرار مده، خداوندا مرا از ثواب زیارتی که برای او واجب

ثَوٰابَ مَزٰارِهِ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُ، وَيَسِّرْ لَنَا الْعَوْدَ إِلَيْهِ إِنْ شٰاءَ اللّٰهُ.[2]

۲

فرموده‌ای محروم مگردان و بازگشت به سوی او را برایم فراهم فرما و آسان گردان، ان شاء الله تعالی.

۱. مصباح المتهجّد : ص۷۳۸، و در مصباح الزائر : ص۴۷۴، و مزار آقا جمال : ص۹۸ با تفاوت اندک.

۲. بحارالانوار: ۱۰۰./۲۶۸، مزار آقا جمال خوانساری: ص۱۰۲، مفتاح الجنات: ۵۷۴/۱.

(۷) زیارت آل یس

شیخ بزرگوار جناب طبرسی 1 در کتاب «الإحتجاج» می گوید:

از ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت مهدی ارواحنا فداه ـ پس از پاسخ به سؤالات جناب محمّد حمیری ـ صادر گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لا لِاَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلا مِنْ أَوْلِيائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِي النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لايُؤْمِنُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ اللَّهِ الصّالِحِينَ.

إِذَا أَرَدْتُمُ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

نه در مورد امر او اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی است کامل و رسا، ولی بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛ سلام بر ما و بر بندگان شایستهٔ خداوند.

هر گاه خواستید به واسطهٔ ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما توجّه کرده و روی آورید، همان‌گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

(سَلامٌ عَلىٰ آلِ يَس)[1]**، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا داعِيَ اللَّهِ وَرَبّانِيَّ آياتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللَّهِ وَدَيّانَ دِينِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا**

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت‌کنندهٔ مردم به سوی خدا و پرورندهٔ آیات او، سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدّبر دین او، سلام بر تو ای جانشین

۱. سورهٔ صافات، آیه ۱۳۰.

خَلِيفَـةَ اللَّـهِ وَنٰاصِـرَ حَقِّـهِ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّـةَ اللَّـهِ وَدَلِيـلَ إِرٰادَتِهِ،

خداوند و یاری کننده حقّ او، سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای اراده او، سلام بر تو

اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يٰا تٰالِـيَ كِتـٰابِ اللَّـهِ وَتَرْجُمٰانَهُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ فـي آنٰاءِ

ای تلاوت کنندهٔ کتاب خداوند و بازگو کنندهٔ مقصود آن، سلام بر تو در تمام لحظه‌های شب

لَيْلِـكَ وَأَطْـرٰافِ نَهـٰارِكَ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ يـٰا بَقِيَّةَ اللَّـهِ فِي أَرْضِهِ، اَلسَّـلاٰمُ

و در همهٔ بخش‌های روزت، سلام بر تو ای باقی‌ماندهٔ (حجّت‌های) خدا در زمینش، سلام بر

عَلَيْـكَ يـٰا مِيثـٰاقَ اللَّـهِ الَّـذي أَخَـذَهُ وَوَكَّـدَهُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ يـٰا وَعْـدَ

تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را (از مردم) گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد، سلام بر تو ای

اللَّـهِ الَّـذي ضَمِنَـهُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا الْعَلَـمُ الْمَنْصُـوبُ، وَالْعِلْـمُ

وعدهٔ الهی که خدا آن را ضمانت کرد، سلام بر تو ای پرچم برافراشته، و دانش ریزان و فراگیر،

الْمَصْبُـوبُ، وَالْغَـوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوٰاسِـعَةُ، وَعْـداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ، اَلسَّـلاٰمُ

و فریادرس، و رحمت گسترده بر اساس وعده‌ای که دروغ نیست، سلام بر تو آن وقتی که بپا

عَلَيْـكَ حِيـنَ تَقُـومُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ حِيـنَ تَقْعُدُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ حِينَ

می‌خیزی، سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو آن هنگامی که قرائت (قرآن) می‌کنی،

تَقْـرَءُ وَتُبَيِّـنُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ حِيـنَ تُصَلّـي وَتَقْنُـتُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ

و آن را بیان می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی

حِيـنَ تَرْكَعُ وَتَسْـجُدُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّـلُ وَتُكَبِّرُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْكَ

که رکوع و سجود می‌کنی، سلام بر تو در وقتی که خدا را به یکتایی و بزرگی می‌ستایی، سلام بر تو

حِيـنَ تَحْمَـدُ وَتَسْـتَغْفِرُ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسـي، اَلسَّـلاٰمُ

آن هنگامی که حمد و ستایش و طلب بخشش می‌کنی، سلام بر تو آن هنگامی که صبح می‌کنی و شام

عَلَيْـكَ فِـي اللَّيْـلِ إِذٰا يَغْشَـى وَالنَّهـٰارِ إِذٰا تَجَلّـىٰ، اَلسَّـلاٰمُ عَلَيْـكَ أَيُّهَـا

می‌نمایی، سلام بر تو در شب آن هنگام که همه جا را تاریکی فرا گیرد، و در روز آن هنگام که روشنی‌اش

الْاِمـامُ الْمَأْمُونُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْـكَ أَيُّهَا الْمُقَـدَّمُ الْمَأْمُولُ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكَ

جلوه‌گر شود، سلام بر تو ای امام مورد اعتماد و اطمینان، سلام بر تو ای جلودار و آرزو شده، سلام بر تو به

بِجَوامِـعِ السَّـلامِ.

سلام‌های گوناگون و فراگیر.

أُشْـهِدُكَ يـا مَـوْلايَ أَنّـي أَشْـهَدُ أَنْ لا إِلَـهَ إِلّا اللَّـهُ، وَحْـدَهُ لا شَـرِيكَ

مولایم، تو را گواه می‌گیرم که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه‌ای که شریکی

لَـهُ، وَأَنَّ مُحَمَّـداً عَبْـدُهُ وَرَسُـولُهُ، لا حَبِيـبَ إِلّا هُـوَ وَأَهْلُـهُ، وَأُشْـهِدُكَ

ندارد، و این که محمّد بنده و فرستادهٔ او است، جز او و اهلش محبوبی وجود ندارد. و تو را گواه می‌گیرم

يـا مَـوْلايَ أَنَّ عَلِيّـاً أَمِيرَالْمُؤْمِنِيـنَ حُجَّتُـهُ، وَالْحَسَـنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَـيْنَ

ای مولای من که علی 7 امیر و فرمانروای مؤمنان، حجّت خداوند است، و امام حسن 7 حجّت

حُجَّتُـهُ، وَعَلِـيَّ بْنَ الْحُسَـيْنِ حُجَّتُـهُ، وَمُحَمَّدَ بْـنَ عَلِيٍّ حُجَّتُـهُ، وَجَعْفَرَ

اوست، و امام حسین 7 حجّت اوست، و امام سجّاد 7 حجّت اوست، و امام باقر 7 حجّت

بْـنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسـىٰ بْنَ جَعْفَـرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسـىٰ حُجَّتُهُ،

اوست، و امام صادق 7 حجّت اوست، و امام کاظم 7 حجّت اوست، و امام رضا 7 حجّت اوست،

وَمُحَمَّـدَ بْـنَ عَلِيٍّ حُجَّتُـهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّـدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَـنَ بْنَ عَلِيٍّ

و امام جواد 7 حجّت اوست، و امام هادی 7 حجّت اوست، و امام حسن عسکری 7 حجّت اوست،

حُجَّتُـهُ، وَأَشْـهَدُ أَنَّـكَ حُجَّـةُ اللَّـهِ.

و گواهی می‌دهم که تو حجّت خداوند هستی.

أَنْتُـمُ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِـرُ، وَأَنَّ رَجْعَتَكُـمْ حَـقٌّ لا رَيْـبَ فِيهـا (يَـوْمَ

شما آغاز و پایان هستید، و رجعت همهٔ شما به دنیا حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، در

لا يَنْفَـعُ نَفْسـاً إِيمانُهـا لَـمْ تَكُـنْ آمَنَـتْ مِـنْ قَبْـلُ أَوْ كَسَـبَتْ فـي

آن روزی که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمانش خیر و بهره‌ای به دست نیاورده، برایش سودی

إِيمانِهـا خَيْـراً)، وَ أَنَّ الْمَـوْتَ حَـقٌّ، وَ أَنَّ ناكِـراً وَ نَكِيـراً حَـقٌّ، وَأَشْـهَدُ

ندارد. وبه راستی مرگ، حق، و نکیر و منکر حق هستند، و گواهی می‌دهم که پراکنده شدن از قبرها حق و

أَنَّ النَّشْـرَ حَـقٌّ، وَالْبَعْـثَ حَـقٌّ، وَأَنَّ الصِّـراطَ حَـقٌّ، وَالْمِرْصـادَ حَـقٌّ،

برانگیخته‌شدن موجودات (در روز قیامت) حقّ است، و صراط حق است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق

وَالْمِيـزانَ حَـقٌّ، وَالْحَشْـرَ حَـقٌّ، وَالْحِسـابَ حَـقٌّ، وَالْجَنَّـةَ وَالنّـارَ حَقٌّ،

است، و میزان حقّ است، و گرد آمدن حقّ است، و حساب (روز جزا) حقّ است و بهشت و جهنّم حقّ است،

وَالْوَعْـدَ وَالْوَعِيـدَ بِهِمـا حَـقٌّ.

و وعده و بیم نسبت به بهشت و جهنم حقّ است.

يـا مَـوْلايَ شَـقِيَ مَـنْ خالَفَكُـمْ، وَسَـعِدَ مَـنْ أَطاعَكُـمْ، فَاشْـهَدْ

مولای من، هرکس با شما مخالفت کند، بدبخت، و هرکس از شما فرمانبری نماید خوشبخت است، پس، تو

عَلـىٰ مـا أَشْـهَدْتُكَ عَلَيْـهِ، وَأَنـا وَلِـيٌّ لَـكَ، بَـرِيءٌ مِـنْ عَـدُوِّكَ،

گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم، که من ارادتمند تو هستم، از دشمنت بیزارم، پس اعتقاد دارم که حق همان

فَالْحَـقُّ مـا رَضِيتُمُـوهُ، وَالْباطِـلُ مـا سَـخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْـرُوفُ مـا

چیزی است که شما از آن راضی باشید، و باطل چیزی است که شما نسبت به آن ناخشنود باشید، و کار خیر، کاری

أَمَرْتُـمْ بِـهِ، وَالْمُنْكَـرُ مـا نَهَيْتُـمْ عَنْـهُ، فَنَفْسـي مُؤْمِنَـةٌ بِاللَّـهِ وَحْـدَهُ

است که شما دستور بدان داده، و منکر همان است که شما از آن بازداشته‌اید. پس جان من ایمان به خدای یگانه

لا شَـرِيكَ لَـهُ، وَبِرَسُـولِهِ وَبِأَمِيرِالْمُؤْمِنِيـنَ وَبِكُـمْ يـا مَـوْلايَ، أَوَّلِكُـمْ

بی‌شریک دارد، و نیز به فرستاده‌اش، و به امیر مؤمنان، و به شما (اهل بیت)، ای مولای من، به اوّلین تا آخرین شما

وَآخِرِكُـمْ، وَنُصْرَتـي مُعَـدَّةٌ لَكُـمْ، وَمَوَدَّتـي خالِصَـةٌ لَكُـمْ، آمِيـنَ آمِينَ.

ایمان دارم. و یاریم آماده است برای شما، و دوستی من خالص وتنها برای شماست، خدایا برآورده کن، برآورده کن.

دعـای پـس از زیـارت: **أَللَّهُـمَّ إِنّـي أَسْـئَلُكَ أَنْ تُصَلِّـيَ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ**

بارالها، از تو می‌خواهم و درخواست می‌کنم که بر محمّد پیامبر رحمتت،

نَبِـيِّ رَحْمَتِـكَ وَكَلِمَـةِ نُـورِكَ، وَأَنْ تَمْـلَأَ قَلْبي نُـورَ الْيَقِينِ، وَصَـدْري نُورَ

و کلمهٔ تامّ نورت درود بفرستی، و قلبم را از نور یقین و باور پر گردانی، و سینه‌ام را از روشنی ایمان، و اندیشه‌ام

الْاِيمـانِ، وَفِكْـري نُورَ النِّيّـاتِ، وَعَزْمـي نُورَ الْعِلْـمِ، وَقُوَّتي نُـورَ الْعَمَلِ،

را از نور و روشنی نیّت‌ها، و تصمیم و ارادهٔ مرا از نور دانش، و نیرویم را از نور و روشنی کردار، و زبانم را از

وَلِسـانـي نُـورَ الصِّـدْقِ، وَدِينـي نُـورَ الْبَصائِـرِ مِـنْ عِنْـدِكَ، وَبَصَـري نُورَ

نور راستگویی، و دینم را از روشنی بینش‌ها که از جانب خودت است، و چشمم را از نور هدایت، و گوشم را از

الضِّيـاءِ، وَسَـمْعي نُـورَ الْحِكْمَـةِ، وَمَوَدَّتـي نُـورَ الْمُـوالاٰةِ لِمُحَمَّـدٍ وَآلِهِ

نور حکمت، و مودّت و دوستی مرا از نور موالات و دوستی نسبت به حضرت محمّد و آل او، که درود بر ایشان

عَلَيْهِـمُ السَّـلامُ، حَتّـى الْقاكَ وَقَـدْ وَفَيْـتُ بِعَهْـدِكَ وَمِيثاقِكَ، فَتُغَشّـيَنَي

باد، پُر کنی، تا در نتیجه، با حالتی تو را ملاقات کنم که به عهد و پیمان تو وفا کرده باشم، و در پایان نیز رحمت

رَحْمَتَـكَ، يـا وَلِـيُّ يـا حَمِيدُ.

تو مرا فراگیرد، ای سرپرست، ای ستوده،

أَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَلـىٰ مُحَمَّـدٍ حُجَّتِـكَ فـي أَرْضِـكَ، وَخَلِيفَتِـكَ فـي

بارالها، بر محمّد درود فرست، همان کسی که حجّت تو در زمینت، و جانشینت در

بِـلادِكَ، وَالدّاعـي إِلىٰ سَـبِيلِكَ، وَالْقائِـمِ بِقِسْـطِكَ، وَالثّائِرِ بِأَمْـرِكَ، وَلِيِّ

سرزمین‌هایت، و فراخوان به راهت، و بپا دارندهٔ قسط و عدلت، و برانگیخته به دستورت است،

الْمُؤْمِنِيـنَ، وَبَـوّارِ الْكافِرِيـنَ، وَمُجَلِّـي الظُّلْمَـةِ، وَمُنِيرِ الْحَـقِّ، وَالنّاطِقِ

سرپرست مؤمنان، و نابودکنندهٔ کافران، و روشنی‌بخش تاریکی، و نورانی کنندهٔ حقیقت، و گویا

بِالْحِكْمَـةِ وَالصِّـدْقِ، وَكَلِمَتِـكَ التّامَّةِ في أَرْضِـكَ، اَلْمُرْتَقِـبِ الْخائِفِ،

به حکمت و راستی، و کلمهٔ تامّ و کامل تو در زمینت، چشم به راه و هراسان،

وَالْوَلِيِّ النّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجاٰةِ، وَعَلَمِ الْهُدیٰ، وَنُورِ أَبْصاٰرِ الْوَریٰ،

و سرپرست خیرخواه، کشتی نجات، و نشانهٔ هدایت، و روشنی دیدگان مردم،

وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدیٰ، وَمُجَلِّی الْعَمیٰ، اَلَّذي يَمْلَأُ الْاَرْضَ

و بهترین کسی که پیراهن و عبا بر تن گرفت، و برطرف کنندهٔ کوری و نابینایی، (بالأخره) کسی که زمین

عَدْلاً وَقِسْطاً، كَماٰ مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، إِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

را از عدل و داد پر می‌کند، چنان که از ستم و جور پر شده است، راستی که تو بر هر چیزی توانایی داری.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيٰائِكَ، اَلَّذِينَ فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ،

بار خدایا، بر ولیّ خودت، فرزند اولیایت درود فرست. همان اولیایی که فرمانبری از ایشان را واجب و

وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. أَللّٰهُمَّ

مسلّم گردانیدی، و حقشان را لازم شمردی، و رجس و پلیدی را از وجود ایشان دور ساخته و آنان را پاک و

انْصُرْهُ، وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيٰائَكَ وَأَوْلِيٰائَهُ، وَشِيعَتَهُ

پاکیزه نمودی. بارالها، او را یاری کن، و به کمک او دینت و دوستانت و دوستانش و پیروانش و یارانش را نیز

وَأَنْصاٰرَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ.

یاری کن، و ما را نیز از این افراد قرار بده.

أَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باٰغٍ وَطاٰغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

بار الها، او را از شرّ هر جفاکار سرکش، و از شرّ تمام آفریدگانت پناه داده و نگه دار، و او را از پیش

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِماٰلِهِ، وَاحْرُسْهُ

روی مبارکش، از پشت سر، از طرف راست و چپ حفظ کن، و او را از این که هر ناخوش‌آیند و بدی به

وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ،

ساحت قدس او برسد نگه‌اش دار، و با این حفظ، رسولت و آل رسولت را حفاظت کن. و عدل را به دست

وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناٰصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خاٰذِلِيهِ،

او آشکارگردان، و با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری‌کن، و کسانی که او را وامی‌گذارند واگذار،

[وَاقْصِمْ قاٰصِمِيهِ] وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفّارَ وَ

(و بشکن پشت کسانی را که اورا درهم می‌شکنند) و تمام قدرت کافران زورگو را به دست او درهم

الْمُنافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها،

شکن، و تمام کافران و منافقان و همه ملحدان را در هر جایی که باشند، در مشرق زمین و مغرب آن،

بَرِّها وَبَحْرِها، وَامْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلاً، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

خشکی آن و دریای آن، به قتل برسان، و به دست او زمین را پر از عدل و داد فرما، و دین پیامبرت را،

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ، وَأَتْباعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي

که درود خدا بر او و آل او باد، آشکار گردان. و مرا نیز بارالها، از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان

فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ما يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ،

او قرار بده. و به من نشان بده، در آل محمّد، سلام بر آنان باد، آنچه آرزو دارند؛ و در دشمنان‌شان، آنچه

إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[1]

از آن می‌ترسند، ای معبود حقیقی، قبول کن. ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای مهربان‌ترین مهربانان.

این است آنچه از نمازها، دعاها، زیارت‌ها و... که خداوند به برکت مولایمان امام عصر حضرت بقیة اللّه ـ که خداوند در فرج شریف آن حضرت تعجیل فرماید ـ توفیق جمع آوری و گردآوری آن را به ما مرحمت فرمود.

۱. احتجاج : ۳۱۶/۲، بحار الأنوار : ۲/۹۴، معادن الحکمة : ۲۹۱/۲ .

منابع و مصادر

علاوه بر قرآن کریم در تألیف کتاب از این مصادر استفاده شده است:

۱. أبواب الجنّات في آداب الجمعات:

آية الله سيّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، مؤسّسة الإمام المهدی ـ قم

۲. أبواب الجنان وبشائر الرضوان:

شيخ خضر بن شلال، تحقيق: شيخ بهجت عطّار، مؤسّسة عاشوراء

۳. الأبواب النورانيّة في كشف الأسرار الحسينيّة:

سيّد محمّد كمال محمّد الغالبی، منشورات دارالمحجّة البيضاء ـ بيروت

۴. الإحتجاج:

عالم جليل احمد بن علیّ طبرسی، مكتبة المصطفوی ـ قم

۵. أدب الزائر:

علّامهٔ امينی أعلى الله مقامه، نجف الأشرف

۶. الأدعية والأذكار المجرّبة:

ملّا محسن فيض كاشانی، منشورات مؤسّسة الأعلمی للمطبوعات ـ بيروت

۷. الإرشاد للشيخ المفيد:

عالم بزرگوار محمّد بن نعمان العكبری (شيخ مفيد)، مكتبة بصيرتی ـ قم

۸. أسرار الإمامة:

عماد الدين حسن بن علی طبرسی، تحقيق وتصحيح: قِسم الكلام ـ مشهد مقدّس

۹. أسرار النجاح:

سيّد مرتضی مجتهدی سيستانی، نشر الماس ـ قم .

١٠. الإستشفاء بالتربة الشريفة الحسينية:
سيّد كلباسى اصفهانى ؛ تقديم وتعليق: شيخ حسين غيب غلامى ـ قم
١١. الاصول الستة عشر (ط. دارالبشرى):
بعضى از راويان، منشورات دار الشبسترى ـ قم مقدّس، ايران
١٢. أُصول الكافى:
محدّث كبير شيخ كلينى، دار الكتب الإسلاميّة ـ تهران
١٣. إقبال الأعمال:
سيد رضى الدين علىّ بن طاووس، مؤسّسة الأعلمى ـ بيروت
١٤. الأمالي الخميسية:
شجرى جرجانى، تحقيق: محمّد إسماعيل، دارالنشر دارالكتب العلمية، بيروت لبنان
١٥. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:
سيّد بزرگوار رضى الدين ابن طاووس، تحقيق ونشر: مؤسّسة آل البيت : ـ قم
١٦. أيّام الحسين 7 :
عالم بزرگوار أحمد بن الحسن حرّ عاملى، تحقيق: جمال أشرف، دارالأنصار ـ قم
١٧. بحار الأنوار:
علّامهٔ مجلسى، منشورات مكتبة الإسلاميّة ـ تهران
١٨. البلد الأمين:
عالم بزرگوار شيخ إبراهيم كفعمى، مؤسّسة الأعلمى للمطبوعات ـ بيروت
١٩. التتمة في تواريخ الأئمّة : :
سيّد تاج الدين بن على بن أحمد حسينى عاملى، مؤسّسة البعثة ـ قم
٢٠. التحفة الرضويّة في مجرّبات الإماميّة:
سيد بزرگوار محمّد الرضى الرضوى ـ تهران

۲۱. تحفة الزائر، چاپ سنگی
علّامة مجلسی 1 ، النسخة المصوّرة .
۲۲. تذكرة الشهداء (مقتل الإمام الحسين 7):
آية الله حبيب الله كاشانی، ترجمه وتحقيق: سيّد علی أشرف، مؤسّسة مدين ـ قم
۲۳. ترجمه المراقد والمقامات في كربلاء:
عبدالأمير قريشی، مترجم إحسان مقدّس، منشورات مركز تحقيقات للحج
۲۴. ترجمه مضمار السبق في ميدان الصدق:
سيّد رضی الدين علیّ بن طاووس، ترجمه: وحيدی أمين، منشورات عصر ظهور ـ قم
۲۵. تعقيبات الصلوات وأدعية الرزق و..:
شيخ عبدالله الحسن، منشورات دليل ما ـ قم
۲۶. تفسير فرات الكوفي:
فرات بن إبراهيم الكوفی، تحقيق: محمّد الكاظم، مؤسّسة طبع ونشر ـ تهران
۲۷. تواريخ النبي 9 والآل : :
علّامه شيخ محمّد تقی تُستری، تحقيق: علی الشّكرچی، دارالشرافة ـ قم
۲۸. ثواب الأعمال:
شيخ بزرگوار صدوق، منشورات مطبعة الحيدريّة ـ نجف اشرف
۲۹. جمال الأُسبوع:
سيّد رضی الدين علیّ بن طاووس، محقّق: جواد قيّومی، مؤسّسة آفاق ـ تهران
۳۰. جنّات الخلود:
شيخ جليل خاتون آبادی، چاپ سنگی ـ تهران
۳۱. جنّة المأوی:
محدّث نوری، منشورات مكتبة الإسلاميّة ـ تهران

٣٢. الحجّة السّعادة في حجّة الشهادة:
محمّد حسين اعتمادالسلطنة، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ تهران
٣٣. الخصائص الحسينيّة:
عالم ربانی شيخ جعفر تستری، المطبعة الحيدرية ـ نجف اشرف
٣٤. دار السلام:
عالم جليل شيخ محمود عراقی، الإسلاميّة ـ تهران
٣٥. دار السلام فيما يتعلّق بالرؤيا والمنام:
محدّث نوری، انتشارات المعارف الإسلاميّة ـ قم
٣٦. الدعوات:
فقيه محدّث قطب الدين راوندی، تحقيق مؤسّسة الإمام المهدیّ 7 ـ قم
٣٧. دلائل الإمامة:
محدّث خبير أبی جعفر محمّد بن جرير بن رستم طبری، مؤسّسة البعثة ـ قم
٣٨. دور الأئمّة والأنبياء : في واقعة كربلاء:
شيخ توفيق علوية، دارالمتقين والعلوم والطباعة والنشر ـ بيروت
٣٩. ديوان الإمام الحسين 7 :
شرح ومراجعة: حسانی، حيدر الزرقانی، منشورات دار مكتبة الهلال و دارالبحار ـ بيروت
٤٠. ذخيرة الآخرة:
علیّ بن محمّد بن علیّ بن عبدالصمد، از علمای قرن۶، انتشارات انصاريان ـ قم
٤١. ربيع الأسابيع:
علّامهٔ مجلسی 1 ، منشورات مسجد مقدّس جمكران ـ قم مقدّس ـ ايران
٤٢. رساله أربعة أيّام:
سيّد اجلّ محمّد باقر ميرداماد، قم

۴۳. الرواشح السماوية فی شرح الأحاديث الإمامية:
علّامه میر محمّدباقر حسینی مرعشی داماد، منشورات کتابخانه آیة الله مرعشی، قم.
۴۴. زاد المعاد:
علّامهٔ مجلسی، الاسلامیّة ـ تهران
۴۵. الزيارة والبشارة:
سیّد احمد مستنبط، مطبعة جديد الغریّ ـ نجف
۴۶. زندگانی مرحوم آیة الله مؤسّس وفرزندشان آیة الله شیخ مرتضی حائری:
سیّد صادق حسینی یزدی، منشورات علّامه، قم مقدّس، ایران
۴۷. صحيفة الإمام الرضا 7 :
تحقيق ونشر: مؤسّسة الإمام المهدی 7 ـ قم
۴۸. الصحيفة الباقرية والصادقية الجامعة:
سیّد محمّدباقر موحّد أبطحی، مؤسّسة الإمام المهدی 7 ـ قم مقدس.
۴۹. الصحيفة الحسينية ومستدركاتها:
میرزا محمّدحسین شهرستانی حائری، منشورات مؤسّسة الحسین 7 ـ تهران
۵۰. الصحيفة الرضوية:
سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی، نشر ألماس ـ قم، چاپ اول.
۵۱. الصحيفة الصادقيّة:
علّامة شیخ أحمد بن شیخ صالح آل طعّان، دار المصطفی 9 لإحياء التراث ـ قم
۵۲. الصحيفة العلوية الجامعة:
سیّد محمّدباقر موحّد أبطحی، مؤسّسة الإمام المهدی 7 ـ قم مقدّس.
۵۳. الصحيفة الفاطمية الجامعة:
سیّد محمّدباقر موحّد أبطحی رحمه الله، مؤسّسة الإمام المهدی 7 ـ قم

٥٤. الصحيفة المباركة المهدية:
سيّد مرتضى مجتهدى سيستانى، نشر ألماس ـ قم، چاپ دوم (با اضافات)
٥٥. عدّة الداعي:
عالم ربّانى أحمد بن فهد حلّى، منشورات مكتبة وجدانى ـ قم
٥٦. عمدة الزائر:
سيّد حيدر حسنى كاظمى، دار التعارف للمطبوعات ـ بيروت
٥٧. فرحة الغري:
سيّد جليل نقيب عبدالكريم بن طاووس، مطبعة الحيدريّة ـ نجف أشرف
٥٨. فلاح السائل:
سيّد رضى الدين علىّ بن طاووس، منشورات دار الإسلاميّة ـ بيروت
٥٩. قرب الاسناد:
شيخ أبى العبّاس عبدالله بن جعفر حميرى، منشورات مؤسّسة آل البيت : ـ قم
٦٠. قصص الأنبياء:
قطب الدين سعيد بن هبة الله راوندى، تحقيق: عرفانيان يزدى، نشر الهادى ـ قم
٦١. كامل الزيارات:
شيخ جعفر بن محمّد بن قولويه، تحقيق: شيخ جواد قيّومى، نشر الفقاهة ـ قم
٦٢. كتاب في الأدعية والزيارات (مخطوط):
از نسخ خطى مؤسسه كاشف الغطاء ـ نجف اشرف ـ شماره نسخه ٦٧٠
٦٣. الكلم الطيّب:
عالم جليل السيّد على مدنى، مكتبة النجاح ـ تهران
٦٤. مأتم الإمام الحسين 7 من مصادر أهل السنّة:
علّامه شيخ عبدالحسين امينى، منشورات الإجتهاد ـ قم

۶۵. المجاب بردّ السلام:
شیخ وسّام برهان البلداوی: قسم الشؤون الفکرة والثقافة فی العتبة الحسینیّة
۶۶. مجمع البحرین:
شیخ فخر الدین طریحی، مکتب نشر الثقافة الإسلامیّة ـ تهران
۶۷. المجموع الرائق من أزهار الحدائق:
سیّد هبة الله بن أبی محمّد موسوی، مؤسّسة دائرة المعارف اسلامی ـ تهران
۶۸. مجموعهٔ آثار مرحوم شیخ عبّاس قمّي:
محدّث قمّی، تحقیق: ولی فاطمی، منشورات موسّسة دارالثقلین ـ قم
۶۹. المختار من کلمات الإمام المهدي 7 :
عالم جلیل شیخ محمّد غروی ـ قم
۷۰. مزار آقا جمال خوانساری:
عالم جلیل جمال خوانساری، ناشر: دبیرخانه همایش بزرگداشت آقا حسین خوانساری ـ قم
۷۱. مزارات الأولیاء في أرض کربلاء:
شیخ عامر کربلایی، تحقیق: شیخ کاظم نزر میاحی، منشورات ذوی القربی ـ قم
۷۲. المزار الکبیر:
شیخ أبو عبدالله محمّد بن جعفر مشهدی، تحقیق: جواد قیّومی، نشر قیّوم ـ قم
۷۳. المزار للشهید:
شهید اوّل، تحقیق: محمود البدری، مؤسّسة المعارف الإسلامیّة ـ قم
۷۴. المزار للمفید:
شیخ اقدم أبی عبدالله محمد بن نعمان، شیخ مفید، مؤسّسة الإمام المهدیّ 7 ـ قم
۷۵. مستدرک الوسائل:
محدّث نوری، تحقیق مؤسّسة آل البیت : ـ قم

٧٦. المصباح:
شيخ إبراهيم كفعمى، منشورات مؤسّسة الأعلمى ـ بيروت
٧٧. مصباح الزائر:
سيّد اجلّ رضى الدين علىّ بن موسى بن طاووس، مؤسّسة آل البيت : ـ قم
٧٨. مصباح المتهجّد:
شيخ الطائفة طوسى، مؤسّسة فقه الشيعة ـ بيروت
٧٩. معادن الحكمة:
شيخ محمّد بن فيض كاشانى، مؤسّسة النشر الإسلامى ـ قم
٨٠. مفاتيح الجنان:
محدّث قمى، مؤسّسة الأعلمى للمطبوعات ـ بيروت
٨١. مفاتيح النجاة (مخطوط):
ملّا محمّد باقر بن محمّد مؤمن سبزوارى
٨٢. مفتاح الجنّات:
آية الله سيّد محسن امين، دارالتعارف للمطبوعات ـ بيروت
٨٣. مفتاح الفلاح:
شيخ بهاء الدين محمّد بن حسين عاملى، تحقيق: رجايى، مؤسّسه نشر اسلامى ـ قم
٨٤. مقاتل الطالبيّين:
ابى الفرج اصفهانى، منشورات الشريف الرضى ـ قم
٨٥. مقباس المصابيح:
علّامهٔ مجلسى، تصحيح وتحقيق: قاسم تركى، سيد مصطفى موسوى
٨٦. مقتل الحسين 7 للخوارزمي:
موفّق بن أحمد،أخطب خوارزم، تحقيق: سماوى، مكتبة ودار الحوراء... ـ بيروت

۸۷. مقتل الحسين 7 للمقرّم:
سيّد عبدالرزّاق مقرّم، منشورات مؤسّسة الخرسان للمطبوعات ـ بيروت
۸۸. مكارم الأخلاق:
شيخ جليل حسن بن فضل طبرسی، منشورات مؤسّسه نشر اسلامی ـ قم
۸۹. مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم 7 :
سيّد محمّد تقی موسوی اصفهانی 1 ، مؤسّسة الإمام المهدیّ 7 ـ قم
۹۰. مناقب آل ابی طالب 7 :
محمّد بن علی بن شهرآشوب، تصحيح: محلّاتی، منشورات علّامه ـ قم
۹۱. منهاج العارفين:
عالم جليل محمّد حسن سمنانی، مكتبة المحمودی ـ تهران
۹۲. موسوعة الإمام الحسين 7 (تاريخ امام حسين 7):
گروهی از محققين، سازمان پژوهش و برنامه ريزی آموزشی، دفتر انتشارات كمک آموزشی ـ تهران
۹۳. موسوعة كربلاء:
دكتور لبيب بيضون، منشورات طليعة النور، قم
۹۴. مهج الدعوات:
سيّد رضی الدين علیّ بن طاووس، دارالكتب الإسلاميّة ـ تهران
۹۵. النجم الثاقب:
محدّث نوری، ترجمه سيّد ياسين موسوی، منشورات أنوار الهدی ـ قم
۹۶. نُزهة الزاهد:
عالمی از أعلام قرن ششم، تحقيق: رسول جعفريان، نشر أهل قلم ـ تهران
۹۷. نورالعين في المشي إلى زيارة الحسين 7 :
محمّدحسن اصطهباناتی، منشورات مولود كعبة ـ قم مقدّس، ايران

۹۸. وسائل الشيعة:
محدّث متبحّر شيخ حرّ عاملی، دار احياء التراث العربی ـ بيروت
۹۹. وقايع الايّام:
محدّث قمّی، إنتشارات نويد ـ طهران
۱۰۰. وقعة الطّف لابی مخنف:
لـوط بـن يحيـی بـن سـعيد (أبـی مخنـف)، تحقيـق: يوسـفی غروی، مؤسّسـه نشـر اسـلامی ـ قم
۱۰۱. هدية الزائرين وبهجة الناظرين:
محدّث قمّی، انتشارات دهقان ـ تهران